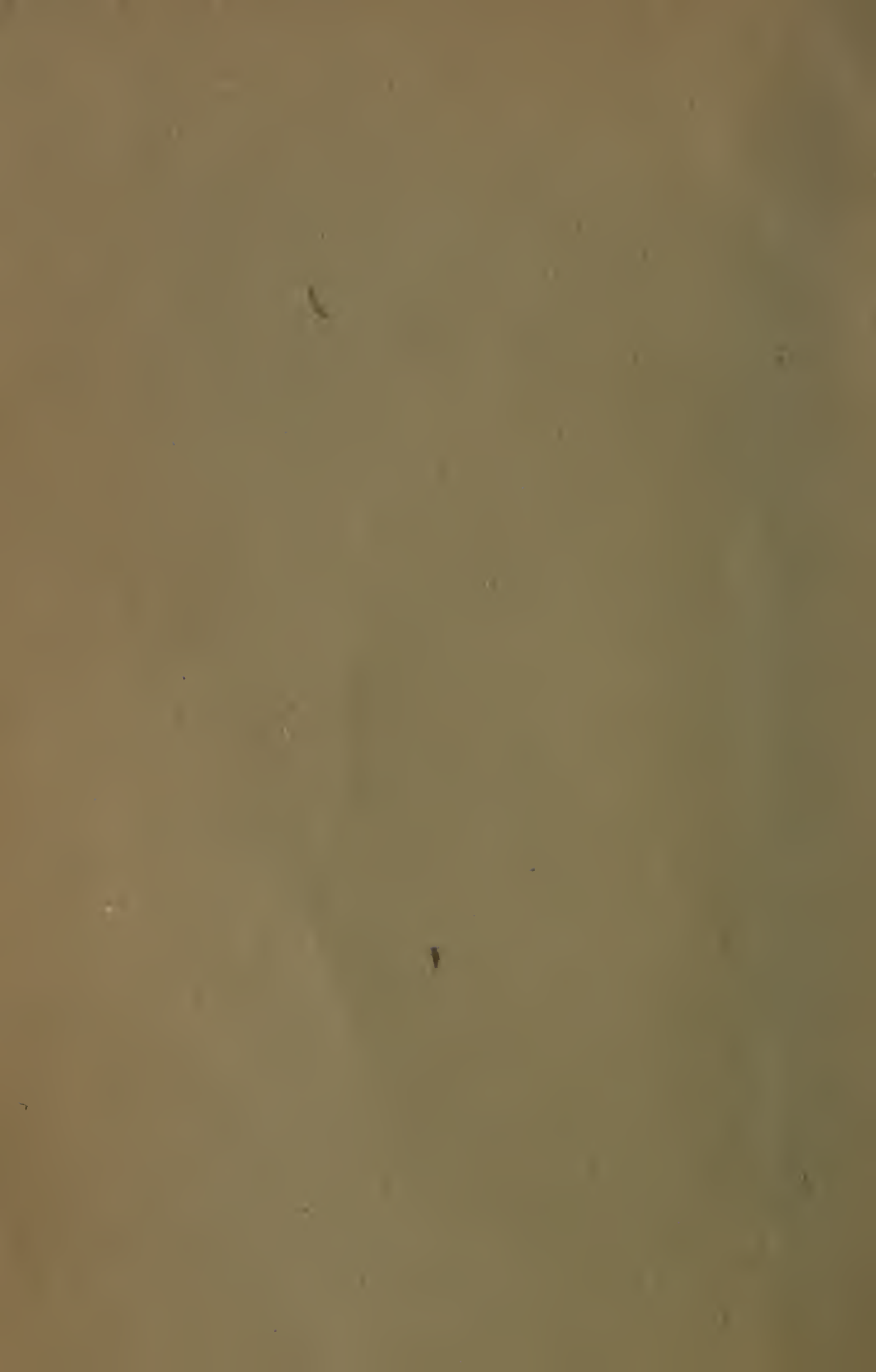


UNIVERSITY OF TORONTO



3 1761 01152239 8



اوليا چلي

يولرده	۱	۷۷۵	روز	۲۱	۵۴۰
آدملردرم	۲	۷۷۷	سپهرک	۱۶	۵۴۵
غربه	۶	۷۸۱	يورغه	۸	۵۵۰
ازبک	۱۵	۷۹۱	ضبط	۱	۵۵۲
مازنی	۱۰	۷۹۲	آندن	۱۰	۵۵۴
ایدوب	۳	۷۹۵	غزوات	۱۲	۵۶۸
دلنواز	۱۸	۸۰۱	وسپامبک	۲۲	۵۷۰
کلوب	۱۷	۸۰۴	دریاده	۹	۵۸۱
کیرمش	۱۸	۸۰۵	جورغنه	۱۰	۵۸۳
ترجانلری	۴	۸۰۹	بوخسه	۱	۵۹۷
ازدر	۲۱	»	پیر	۲۰	۶۱۱
ادل	۱۶	۸۱۲	وعلی	۳	۶۱۲
کرمندن	۲۲	۸۳۹	حالی	۶	۶۲۰
ادانه	۸	۸۴۹	قزان	۱	۶۲۸
باه	۸	۸۵۱	وقلاق	۱۵	»
قدما	۱	۸۵۳	مأمور	۱۴	۶۳۲
نقلری	۲۰	۸۵۴	هربری	۷	۶۴۱
هشدکلردن	۷	۸۶۰	نام	۴	۶۴۸
انواعلری	۹	»	نتیجه	۹	۶۶۷
بوزلر	۵	۸۶۱	اما	۱۸	۶۷۸
اضلال	۱۸	۸۶۲	اما	۲۱	»
قالقظر	۱۷	۸۶۳	برائیه	۲	۷۲۱
سویلامسنه	۱۸	»	کیرلر	۱	۷۲۵
آدملری	۱۱	۸۶۵	قومی	۳	۷۳۰
جمله	۴	۸۷۰	وصیحه	۴	۷۳۴
کوجیه	۲	۸۷۱	بر	۵	۷۳۸
حاضرلمشدر	۶	۸۷۵	بازروقدر	۱۶	۷۴۷
اوبرلینه	۷	۸۷۹	آدملریله	۸	۷۵۲
قولیم	۸	۸۸۳	عربی	۱۸	۷۵۳
یری	»	»	سرزالرک	۵	۷۵۸
وبرار	۹	۸۸۴	بربرنده	۴	۷۵۹
اندروب	۴	۸۸۵	تازی	۱۹	۷۷۳
		(بیتدی)	بادم	۷	۷۷۴

اوليا چلي

	ص	س		ص	س
بری	۳۵۷	۱۲	ظریف	۲۶۴	۱
مبذولدر	»	۱۳	حیرتده	۲۶۵	۵
غازی	»	۱۴	ویباب	۲۷۶	۸
دلنوازلقلر	۳۵۸	۶	یرده	۲۷۷	۱۴
بجی	»	۱۸	ینه	۲۸۴	۱۱
مأدب [مؤدب]	۳۶۱	۱	وتوفنکجی	۲۸۶	۱۳
سرداری	»	۱۰	کبی	۲۹۰	۱۰
اودالریله	۳۷۰	۴	وویون	۲۹۱	۱۷
ایده	۳۷۲	۲	همایونم	۲۹۳	۹
اوصاف	»	۹	غازی	۲۹۷	۱۸
پر	۳۷۷	۲	بنای	۳۰۳	۱۸
اوجنجی	۳۸۲	۱۵	فرادا	۳۰۶	۱۵
الندهکی	۳۸۵	۲۲	تمینات	»	۱۷
سیدی	۳۹۱	۵	پرر	»	۲۳
وتازینجی	»	۱۷	قرالدن	۳۰۷	۲
بازاری	۳۹۲	۱۴	آتمکه	۳۰۸	۵
اما	»	۱۵	والدهسیله	»	۶
باب	۳۹۵	۷	دیوکونا کونکم	»	۱۱
کلز	۴۱۷	۲۰	پرر	»	۱۹
وقنیزه	۴۲۱	۲	بورنی	۳۰۹	۸
آندن	۲۳ :	۶	اولقدر	»	۱۴
زبون	۲۱۹	۴	آتیجه	»	۲۰
یومورطه نك ابتدا	۴۵۳	۲۲	وزجلر	۳۱۳	۱۱
اولمیوب	۴۵۶	۲	دپهسی	۳۱۴	۱
طوره	۴۶۳	۵	اصواته	»	۲۰
اغاردن	»	۲۲	ناطراش	۳۱۶	۷
اما	۴۸۴	۱۵	ارهنون	۳۲۲	۲۱
پاکیزه	۴۹۷	۲۱	فورنه	۳۲۳	۱۶
راقوچی	۵۲۹	۴	اشپانیه	۳۲۵	۱۰
آدم	۵۳۲	۳	ینه	۳۳۱	۱۶
آدم	۵۳۴	۲	واویواردن	۳۳۳	۶

اونا چلي

س	ص	س	ص		
يازيجي	۲۲	۱۸۲	تيغدن	۱۸	۱۴۵
پولاد	»	»	پدی	۱۹	»
اندرقات	۱۳	۱۸۳	ديجه	۲	۱۴۶
ورب	۳	۱۸۵	وسردارلی	۸	»
بايیسی	۶	۱۹۰	ابلق	۴	۱۴۸
خطوان	۲۰	۱۹۱	سکدین	۱۰	»
ترجانیله	۸	۱۹۳	طونا	۱	۱۴۹
قربنه	۹	۱۹۶	بنا	۲	۱۵۰
طرانسه	۱۱	»	وجری	۳	»
يازارلر	۱۷	»	واروش	۵	»
قنیزه	۱	۱۹۹	ایکی یوز	۱۳	»
و فرقته	۷	۲۰۱	اما	۱۵	»
بیله	۱۴	۲۰۲	قالقوب	۱۷	۱۵۱
ایله	۱۳	۲۰۴	ودالشوب	»	»
قدر	۱۵	۲۰۹	اورتولی	۱۸	۱۵۲
بیم	۹	۲۱۰	مفسراندر	۲۰	»
مقتم	۲۰	۲۱۱	خاقاه	۲۱	»
خاشاک	۴	۲۱۲	دوران	۱۵	۱۵۹
قلمه سی	۱	۲۱۵	عظیم	۸	۱۶۰
کچوب	۵	۲۲۵	دزکاهی	۱۰	۱۶۴
خرچلق وردیلر	۲۱	۲۲۷	جوز	۱۶	»
مزین	۲۰	۲۰۹	بنایی	۱۵	۱۶۷
قرلی	۲۴	۲۳۰	صو	۲۰	۱۷۱
باشقه	۱۱	۲۳۱	چارخلی	۵	۱۷۲
زیرا	۷	۲۳۹	وترمیننه	۱۸	۱۷۷
ایکیشر	۱۲	۲۴۵	آزاجق	۱	۱۷۹
جهانی	۸	۲۴۸	اولوب	»	»
تعلیمیله	۱۰	»	اوتورورلر	۴	۱۸۰
فرنگ	۱۰	۲۵۲	اندر	۱۳	»
تملی	۴	۲۵۵	پیره	۳	۱۸۱
بر	۱۵	»	غزاسی	۱۸	»

نقطه سی و یا حرفی ای چیتمایان کلهلر

	ص	س		س	ص
چلبم	۱۷	۱۰۹	آفتاب	۵	۲
سویل	۸	۱۱۰	قنوب	۲۰	۱۵
کبیره	۷	۱۱۱	اربعه سی	۳	۱۷
صددنده	۱۰	۱۱۴	عدد	۸	۲۶
آدم	۱۱	»	پیراق	۱۳	۳۲
ورد	۱	۱۱۷	یوز	۱۲	۴۶
الشانه	۸	»	اکلت	۱۲	۶۲
صفالر	۱۵	۱۱۹	لاغوش	۵	۶۷
ایدوب	۶	۱۲۰	آتمش	۷	۷۱
آیات	۹	»	چوقدر	۶	۷۴
متاقیله	۲۰	»	پشته	۹	»
آلتنده	۲۳	»	ازاله	۱۳	۷۹
منهزم	۲۳	۱۲۳	منزل	۱۸	۸۰
زاده	۱۰	۱۲۵	وتأکیدلر	۱۹	۸۲
ساعتده	۶	۱۲۸	کوندرمک	۹	۸۵
ایالتنده	۱	۱۲۹	اصلاق	۱۴	»
پر	۱۰	۱۳۱	سر	۱۸	۸۶
دیوانده	۱۹	۱۳۴	وایکی	۹	۸۹
اولیام	۲۳	»	حقیره	۶	۹۲
وزیر	۷	۱۳۷	آلتنده	۱۱	»
هندی	۱۶	۱۳۸	قالر	۲۱	»
تکیه سنده	»	»	ایدرکن	۱۶	۹۳
کتدیگمز	۴	۱۴۱	وروب	۲	۹۴
بارکیرلیله	۷	»	اما	۴	۹۶
الترامنده	۱۸	۱۴۳	قزل	۱۱	۹۸
بو	۵	۱۴۴	راقوچی	۱	۱۰۴
داغلر	۵	۱۴۵	جمله سی	۵	۱۰۷
غراسنه	۹	»	رایبه	۴	۱۰۸

اوليا جلي

ص	س	ص	س
۵۰۴	۱۸	۶۶۹	۱۶
« (بو) »	« (بو) »	« (و دولته) »	« (و دولته) »
۵۰۵	۱۰	۶۷۱	۲
« (بيكي) »	« (بيكي) »	« (دكز) »	« (دكز) »
۵۰۷	۳	۶۸۲	۱۱
« (يازمشلر) »	« (يازمشلر) »	« (اولوركم) »	« (اولوركم) »
۵۰۹	۵	۶۹۲	۱۲
« (بتكندر) »	« (بتكندر) »	« (خاتم) »	« (خاتم) »
۵۱۰	۱۶	۷۱۵	۷
« (اولباري) »	« (اولباري) »	« (انده) »	« (انده) »
اولمش	اولمش	« (بالعين) »	« (بالعين) »
۵۲۴	۱	۷۲۹	۱۷
« (مادار) »	« (اداژ) »	« (قوبان) »	« (قوبان) »
۵۳۰	۱۴	۷۴۷	۱
« (بر) »	« (ير) »	« (بلارك) »	« (بلارك) »
۵۴۰	۱۲	۷۷۲	۲۳
« (قالمبوب) »	« (قالمبوب) »	« (حضر تارينك) »	« (حضر تارينك) »
« (خبر) »	« (خبر) »	اولمش	اولمش
۵۵۳	۳	۷۹۹	۱۶
« (اولهچق ايكن) »	« (اولهچق ايكن) »	« (بونده) »	« (بونده) »
اولمش	اولمش	اولمش	اولمش
۵۶۷	۱۱	۸۱۸	۳
« (ودام) »	« (ودام) »	« (پادشاه) »	« (پادشاه) »
۵۷۰	۱۱	۸۳۴	۲
« (دفع) »	« (دفع) »	« (درختستاندن) »	« (درختستاندن) »
۵۷۱	۳	۸۴۲	۹
« (كفه) »	« (كفه) »	« (بيك) »	« (بيك) »
۵۸۵	۲۲	۸۴۹	۱۶
« (زرق) »	« (زرق) »	« (وپولري) »	« (وپولري) »
۶۱۵	۱	۸۵۸	۸
« (صلورندن) »	« (صلورندن) »	« (كلوب) »	« (كلوب) »
۶۲۱	۲۱	»	»
« (تلاوت) »	« (تلاوت) »	« (بيك) »	« (بيك) »
۶۲۳	۱۴	۸۶۲	۴
« (اولمش) »	« (اولمش) »	« (برتقالدر) »	« (برتقالدر) »
« (اولهچق ايكن) »	« (اولهچق ايكن) »	« (بر) »	« (بر) »
اولمش	اولمش	۸۶۷	۹
۶۳۲	۱۹	۸۷۱	۳
« (روضه) »	« (روضه) »	« (مملهلري) »	« (مملهلري) »
اولمش	اولمش	« (كرمديكمزدن) »	« (كرمديكمزدن) »
۶۳۴	۱۵	۸۷۴	۱۹
« (افقي اوج نقطه) »	« (افقي اوج نقطه) »	« (بلور) »	« (بلور) »
« (اوغلي) »	« (اوغلي) »	« (كرم) »	« (كرم) »
« (كله سندن) »	« (كله سندن) »	اولمش	اولمش
« (صوكره اولمايدر) »	« (صوكره اولمايدر) »	« (اولهچق ايكن) »	« (اولهچق ايكن) »
۶۳۶	۱۷	۸۸۲	۴
« (مسرتي) »	« (مسرتي) »	« (اولهچق ايكن) »	« (اولهچق ايكن) »
اولمش	اولمش	اولمش	اولمش
۶۶۱	۱۴	۸۸۷	۱۵
« (بنا) »	« (بنا) »	« (يشيوز) »	« (يشيوز) »
« (اولهچق ايكن) »	« (اولهچق ايكن) »	« (تيار) »	« (تيار) »
« (اولمش) »	« (اولمش) »	۸۸۸	۴
۶۶۵	۵	۶۶۶	۱۸
« (وودولريكزده) »	« (وودولريكزده) »	« (بولنوب) »	« (بولنوب) »
« (وودولريكزده) »	« (وودولريكزده) »	« (ديوان) »	« (ديوان) »
۶۶۶	۱۸	۶۶۸	۹
« (بولنوب) »	« (بولنوب) »	« (ديون) »	« (ديون) »
۶۶۸	۹		

(بيتدي)

اونودولانلر ايله ياكيشلرک دوغروسى:

ص	س	ص	س
۱	۱۷	۲۲۸	۲۱
۶۷	۱۷	۲۳۹	۲۰
۷۹	۱۱	۲۴۱	۱۱
۹۱	۱۲	۲۴۳	۷
۹۹	۱۵	۲۴۴	۱
۱۰۵	۹	۲۴۹	۰۱
۱۱۲	۲۲	۲۵۳	۲۱
۱۱۷	۱۴	۲۵۹	۱۱
۱۱۹	۱۶	۲۷۲	۲۱
۱۲۲	۲۱	۲۹۷	۱۰
۱۲۴	۱۸	۳۳۵	۱
۱۲۵	۱۲۵	۳۴۴	۵
۱۳۱	۱۳۱	۳۴۹	۳۴۹
۱۳۳	۵	۳۶۳	۱
۱۳۹	۹	۳۷۳	۳
۱۴۳	۱۲۵	۳۷۸	۲
۱۴۵	۶	۳۸۶	۱۷
۱۵۱	۱۹	۳۹۹	۲
۱۷۹	۲	۴۱۲	۵
۱۸۰	۱۴	۴۲۷	۸
۱۸۷	۲	۴۶۵	۹
		۴۷۱	۴
		۴۷۳	۱۸

سنه . . . تاريخنده قلعه از اقدن قالقوب هيهاٲ صحراسى ايجره
ولايت قريمه آندن آستانه سعاده كيتديكمز قناقلرى بيان ايدر (٥)

(٥) سكرنجى جلدك باشى يوبله باشلايه چقدر مع مافيه بو سرلوحه ك نسخه سنده بو قدر (م)

باشکی [۱] قلعهٔ ازاقده کندی ماکولات و مشروباتیله اون بیل او طور سه کوز حبسنده دوروب قلعهٔ ازاق قزاقدن امین اولور علی مهل کلسن ، دیوب « امدی اولیام سنده حاضر اول بنمه دردولته بیله کیده لم یوللرده صید و شکار ایدوب ذوق و صفالر ایده لم ، دیدکده حقیر ایتدم « سلطانم ولایت مصقوک موزق کرمان ولایتندنه بوالچییه راست کلوب دردوات پادشاهییه بیله کتمکه تعهد ایدوب نیجه بی قیاس احسانلرن آلدق شمدی لچییه خلاف سو یولش اولورز ، دیدیکمده « بیره یابانه سویله کافرستانده کزه کزه کافرلره محبت اتمش سن بو لچیدن سکا اجازت آلیرم ، دیوب اول آن حقیره یوز آلتون و بر ساعت و برقات اثواب و بر ازاق جلقواسی [۲] قرمز قونطوش کورک و غلاملره و رفیقانلره جمله اثوابلر و احسانلر ایدوب آندن لچیدن محمد پاشا حقیره اذن آلوب فقیر لچی خیلی متالم اولوب « سنی ادر نه ده بولایم ، دیوب حقیره اوچیوز غروش و بر سمور قفاسی کورک و نیجه احسانلر ایله رفیق و غلاملرم مسرور ایدوب هر بریمزه برر رأس [۳] مصقو بار کیرلری ایله هر خداملریمه برر ازاق نافهسی کورکلر احسان اتدی آق محمد پاشا دخی اول قیشده و قیامتده بشیوز عدد توفنک انداز و بیک عدد پ‌سلاح جنک آور جرد آتلی تانار و چرکز عسکرلری جمع ایدوب یوز عدد عرب‌به‌لره بار و بنگاهلرن قیوب آلتی پاره شاهی طوپلری آت عرب‌به‌لرینه تحمیل ایدوب حین محله عرب‌به‌لری بر لرینه باغلیوب کورن چاتمق ایچون یعنی عرب‌به‌لری قلعه کبی طبور یا پمق ایچون بر قاق یوز قولاج زنجیرلر پیدا ایدوب عزم راه اتمکه آماده اولدقده ازاق قولندن جمله اغالر بشیوز آدم وردیلر و سلیمان پاشا دخی ایکی یوز آدم وردی و مصقو لجمی بشیوز آدم ورب جمله ۲۰۰۷ عدد پ‌سلاح عسکر آماده اولوب جمله احباب ایله و لچی بان ایله وداع لشوب جناب اللهه صفنوب توکلت علی الله دیوب علی السحر اول شدت شتاده [۴] (*)

[۱] دوغروسو (کاشکی) اولمیدر (م) [۲] پ : جلقواسی . ک : چیل قفاسی [۲]

پ : برر ایری . ک : برر رأس ایری [۴] ک : اول شدت شتاده عزم راه اولندی

(۵) یدنجی جلد بوراده بیتدی (م)

جيقار مدن جمله سن اسير قيد بند ايدوب ولايت قريمه كتورر لر اما حالا بونده سردن
 چكدي غازيلر جو قدر بونده دخي زن ودخترانلر يو قدر جمله مجردا ك غازيان
 صادقانلردر سليمان پاشا نك كتخداسي ويكي چري آغاسي وجبه جي باشي و طوپوچي
 باشيلري اولوب بونده سا كنلردر درون قله ده برجامع وار اما مناره سي يو قدر
 واشني طابيه ده دخي بر اوله سي [۱] وار اما كفار خوفندن بوقله سلطانيه نك
 بر آدملري يريره كتمك احتمالي لري يو قدر (دريان زيارت كاه شهدا) كفار
 محاصره سنده يوزاللي عدد غازيان مجاهدانلر شهيد اولوب قله خارچنده مدفوندرلر
 رحمة الله عليهم اجمعين بوقله سلطانيه دخي سير و تماشا ايدوب ينه تن نهري بوزي
 اوزره قامش يو كلكتكري قيزا قله بنوب تكرار جانب غربه كيدوب آن ساعتده
 ينه (منزل قله ازاك) . كلوب مصقوالچسنه بولشوب صحبتلر اتك ارتسي كون
 آق محمد پاشا ينه مصقوالچسي ايله سليمان پاشايي ضيافته دعوت ايدوب بعد الطعام
 كونا كون مشاوره لر ايدر كن حكمت باري آستانه دولت طرفندن ادرنه قائم مقامي
 اولان قره مصطفي پاشا نك آغالرندن بوشناق محمودا غاسنه ۱۰۷۷ ماه ... كوني خط
 شريف ايله آق محمد پاشايه كلوب يرليغ بليغ شاهي قراءت اولنوب (ايالت
 ازاك منلا غني [۲] پاشايه صدقه اولنوب سنكه محمد پاشا لالام سن قطع منازل ايدهر ك
 آستانه سعادت مه كله سن) ديدكده فقير آق محمد پاشا همان قالقوب ايكي كره سجده شكر
 ايدوب بيك حمدو ثنا ايلدي ویدی دوه قربانلر ايدوب فقرايه بذل اتدی همان مصقو
 الچسي بوزولوب « يابن بونده كلكه قالوب الفت ايدهم بن سزدن آيرليوب بيله كيده يم ،
 ديدكده آق محمد پاشاي مدبر اچيه ايدر « پادشاهمه سنك كلديكك بلدردم سنك ايجون
 پادشاهم دن امر كلدكده سن ده بنم آردم صره كله سن اوزمانه دك هوالر كشاده
 اولوب ياز كونلري اولور حضور ايله كلرسن » ديدكده الچي قالقوب قناغنه كتدكده
 حقير آق محمد پاشايه ايتدم « سلطانم بو الچينك بيك عدد مسلح كافر لري وار سيزه
 بونلر ايني رفقيلردر بيله كتورسكز خدمت پادشاهيده بولنوب مصقودن الچي
 چيقارمش اولور سز » ديديكده محمد پاشا ايدر « جانم اوليا چلي بو كفره

[۱] ك : براز حوليسي [۲] ك : عيسى . س : عني

اوصاف قلعه سلطانیه

بوقله سر آمدی سنه ... [۱] تاریخنده سلطان محمد خان رابعك والده سی بنا اندیکچیچون سلطانیه قله سی دیر لر بدست کورجی مصطفی پاشا با اعانت محمد کرای خان وبامشاوره کپرولی محمد پاشا ایله انشا اولمشدر برسد اسکندر وارقله سر آمد عظیمدر بوقله ولایت مصقو خاکنده اولماق ایله بوقله یه تقید تام وجد واهتمام ایدوب متافت اوزره پنا اولمشدر اما بنوکده ذروه اعلاسنده تختهدن سر آمدقله کلاهیه اورتولی برمصنع ومفریری [۲] وقروشنلی ومدینهلی [۳] ومازغالی وقات اندرقات طوب دلکلی اسلامبولده غلظه قله سی کی شکل مدور شدادی مثال سنک بنای رعنا قله بالادر بوده ازاق طرفنده کی کی خنکار قله سنه مشاهدز قدوقامتمده وجبه خاه وذخیره ومتانتمده ونفراتده ودروزه لرده واشغیده چیمدن طبور خندقلی طابیه لریله اصلا قرشو طرفده کی قلعه شاهیدن فرقی یوقدر اما بوقله دن قرشو قله شاهیه وارنجه نهرتن اوزره اوچ قات قول قالنلی دمر زنجیرلرچکرلر عظیم دللابری وار وزنجیرلری قیدبند ایده جک عظیم صماقی درککری وار بوزنجیرلر کیجه وکوندز نهرتن اوزره ترنقه کریلی دوروب براوروس قایی وطومروق وبرکتوک کچمک احتمالی یوقدر بوقله عظیمی اتمام ایدوب هر مهمات ولوازاماتلرن یرلی برنده کوروب جمیع عسا کر اسلام بوقله الله اصهارلدق دیوب کتدکلرنده هان اول آیک آخرنده یکریمی بیک مصقو کفاری ویرکتورمن قالمق تاتارلری بوقله سلطانیه محاصره ایدوب یکریمی کون یکریمی کیجه قلعه کوپ طوپلر ایله دوکوب نیجه یرلرن منهدم ایدوب کفار دوررکن هان برکون وقت سحرده قله عظیمک طوپلرینه بر فیلدن آتش ایدنجه نیجه بیک کفاری طوب کله لری هلاک ایدوب حکمت خدا باش حطمانلری وباش وورنیکلری مرد اولوب کفار ایچنده برفزع وجزع واوبلا قپوب قلعه استیلا اتمدن مایوس اولوب فرار ایدوب هیات صحراسی ایچره کیدرلرکن ینه بونلره محمد کرای خانک اوغوللریله قلغا سلطانی یتشوب تیرکان وشمشیر بران

[۱] ك : سنه ۱۰۷۲ [۲] دوغروسی (مقرزلی) ودها دوغروسی (مقرسلی)

اولمیدر (م) [۳] ك : مندینهلی

رفیق‌ریزله پرسلاح اولوب ازاغک صو قله‌سی دبندن کجوب پویراز جانبنه نهر تن
کنارنجبه باش یوقارون [۱] کنارنجبه دورد بیک آدیم کیدوب

اوصاف قله شاهلی

بونیده سنه ۱۰۱ [۲] تاریخنده سلطان محمدخان رابع بن ابراهیم خان بنا اتدی
بدست صوفی محمد کرای خان بارائی و تدبیر کپرولی قوجه وزیر محمد پاشا دائراً
مادار حرمی یوز اللی آدیم شکل مدور بئرقله متین منصوردر وزمیندن اللی آرشن
یوکسکدر وباطمی به ناظر برکوچک صافی دسر قپوسی وار یعنی اغاجی یوق حدیدباب
قویدر بو قله ایچی بش قات حجره حجره اللی خانلی اودالدر نفراتلرندن بر اوده
یکچیری و بر اوده طوپچی و بر اوده جبهجی اغالری و دزدار اغاسی واردر وقول
کتخدالندن چقمه نافراح [۳] سلیمان پاشا بو قله‌نک تازروه اعلاسنده یوز عدد
آدملیله ساکن اولوب نیجه مقصوره لر و شاهنشینلر بنا ایدوب محافظه ایدوب اوطورر
اما بو قله شاهیده تن صوینه برابر دسر قپولی مازغال دلکرنده آلتی پاره بالیمز
طوپلری وارکم ازا ققله‌نده یوقدر ویکرمی عدد سر آمد شاهلی طوپلری وکفایت
مقداری جبه‌خانه‌لری مکملدر و حالا بو ققله [۴] دبنده سلیمان پاشا برقات
طوپراق چیمدن طابیه عظیملر یاپوب واطرافنه فج عمیق خندقلر قازوب ققله‌لردن
متین و مستحکم بر طابیه آتمشکم خندقی ایچندن کیملر کچر دائراً مادار
ومالامال نهرتن احاطه ایتشدر بنوک دخی ایچنده سلیمان پاشانک عسکرلری ساز
وقامش اولرده مجرداً ساکن اولورلر بونده دخی اصلا عورت یوقدر اما اوغلان
عورتی غایت چوقدر بر مسجدی وقله ایچنده یوز آدم آلر برجامی وغلان انبارلری
واردر وهرکسک حجره‌لرنده داری وبقدای لب برلب اولوب جمله خلق بقدای
داری اوزره بطرلر زیرا کفار محاصره ایدر دیو خوفلرندن ذخیره‌لری چوق حفظ
ایدرلر بوقله دخی سیر وتمامشا ایدوب نهرتن بوزی اوزره ینه پیاده جه کیدوب
اوچپوز آدیمده ایکی نهرتن برفرقه‌سی قرشو جانبده [۵] مصقو ولایتی طرفنده

[۱] پ، س، س : یوقاروب . ک، ط ! یوقارو [۲] ک : سنه ۱۰۷۱ [۳] س، ک :

نامراح [۴] ک : قله [۵] ک : ایکی نهرتنک برفرقه‌سنک جانبده

بناسيدىر بافرمان كوپرلى محمدپاشا و باعانت محمد كراى خان ماصقو قزاقى اولوتندن كچمەسن و قرە دكيز اطرافى غارت انمەسن ديو بنا اولمشدر شكىل مربع بناى شىدادى مثال سنك طراش قلعه سواشدر جرمى كامل اوچبوز اللى عدد كرمە آدئيدر و جانب اربەسى نهرتن صوييدر بعضى زمان نهرتن طغيان اوزره كلسه قلعه قپورلندن ايجرى بالقلىر كروب نفراتلىر بالقلىرى صيد ايدرلىر انىكچون قلعه نفراتلىرىنىڭ اودالىرى جملە دركار اوزره طالى فقير خانەلىرى وار باطلى طرفنە ناظر بر كوچك دمر قپوسى اوزره برجامى وار اما منارەسى يوقدر براودە يكيچىرى و بر اودە طوپچى و بر اودە جبهە جيان اغالىرى وار دزدار اغا نفراتلىرىلە جملە يشيوز عدد قولدر جملەسى ار كندر اصلا بوندە عورت يوقدر همان خان كې واسمەجە قلعه جكدر اما صويه ناظر عجيب شاهانە طوپلىرى وار حتى بر كره يكرمى بيك ماصقو قزاقى على الغفله كلوب اون بر كون بو قلعه طوپلارلە دو كوب خائب و خاسر كيدرلر كن نهر موش كئارندە قونارلىر بو قلعه ايسە قريم ولايتى طوپراغندە اولماق ايله محمد كراى خان كنفارك بو حالارن استماع ايدىنجە فرق بيك كزىدە عسكەر ايله بر كون بر كىجەدە سود صويى كئازندە محمد كراى خان كفارە يتشوب ايله برصاتور محمد كراى خانى اورر كىم تعبير اولتماز بقية السبوفلرن اسير بند زنجير ايدوب سالىمىن و غايبىن عسكەر تاتار قريمە داخل اولورلىر تا اوزماندن برو بو قلعه سد اسلام اوزره قزاق قاق كفەرلىرى كئامشدر و توبە ايله مشدر و بو قلعه اولدوغى ييره تيمورلنك اداسى ديرلىر بو جزيره ايجره بش دانه يغىن دپەر اولماق ايله بش دپە اداسى دخى ديرلىر بو جزيره تيمورلنك خان بش كره ماوراء النهر دن كلوب علامت اولماق ايجون هر كلشده بر دپە يغوب بش دپە اولمشدر انكىچون بش دپە اداسى دخى ديرلىر اما بو جزيره دەه اولان ايرى قاوون و قارپوز ازاق بوستانلرندە اولماز بو قلعه نك هر طرفلىرى بلوك بلوك آدا آدا اولمشدر وصافى سزالق و قامشەلقدىر كىم ايجلرندە اوروس قايقلىرى كورونمز و بو قلعه دخى سىر و تماشا ايدوب آندن ينە پيادە جە بوز اوزره تن صولرى اوزكلرن كچوب ينە (منزل قلعه ازاق) آندن ينە على الصباح

ابا [۱] و قیون دریمی کورکلر و باشلرینه کونا کون قالپاقلر کیوب یوزلری اچق کززلر اما اهل عرضلری یوزلرن نقابلر ایله بوریوب مستوره کززلر (دریان اسماء اشراف اعیان) . . . [۰] (دریان زیارتکاه قلعه ازاق) اولاق قبله جانبنده کی مذکور نوغای قومی خندقلری ایچنده (زیارت اشچی بابا) و اکه قریب (زیارت باشچی بابا) و (یوغوردچی بابا) بوسلطانلرک اوچی دخی قرنداشلر ایمش کدک احمد پاشا ایله بوقلعه محاصره سنده بولنوب هر کون عسکر اسلامه بشمش برقیون باشی و برجناق مصطبه آشی و برجناق یغورد آیرانیه جمله عسکر اسلامی دویلازلر ایمش چناقلری اصلا بوشانماز مش قدسناالله بمره [۲] العزیز حالازیارتکاه عظیملردر رحمةالله علیه [۳] و بوقلعه ازاقل اندرون و بیروننده نهید و شهدالر اولقدر چوقدرکم بعضینه قدر کیجه لرنده قیبرلری اوزره نور یاغدیغن نیجه یوز صلحای امت کسهلر مشاهده ایدرلر بوقلعه ازاغی برقاچ کون تماشا ایدوب بر کیجه نهرتن غایت قتی دوکوب قدرت جسرلی اولدی [۴] حقیر دخی فرصتی غنیمت بیلوب برقاچ رفیقلمزله پیاده اولوب پرسلاح ازاقدن چیقوب بوز اوزره باطی طرفنه قانلیزاق اوزمه کن و چتال اوزمه کن وقاز قلی اوزمه کن کچوب کامل سکز [۵] آدیمه عجله ایله یوریوب جانب غربه کیدوب

اوصاف قلعه سد اسلام

مزبور اوچ عدد اوزکلر نهر اولوتنه مخلوط اولدوغی محله قلعه سد اسلام نهر اولوتن اوزره در و بو اولوتن نهری دخی ازاق دریاسنه مخلوط اولدوغی محله در اما نهر اولوتن ایکی فرقه اولوب جانب غربه کی فرقه تن اوزره بو سد اسلام کرمانیدرکم بو فرقه دریاه قرشدینی محله قلعه بنا اولمشدر بونهرک ایکی فرقه سنه دخی اولوتن دیرلر قلعه ازاق دبندن جریان ایدن نهرتنه دری تن دیرلر اما اولوتن دخی دری تن دن آیرلشدر بو قلعه سد اسلام سنه . . . تاریخنده سلطان محمد خان رابع

[۱] ک : عبا [۰] ایکی سطر آبیق وار [۲] ک : بمره [۳] ک : علمم

[۴] ک : قورولدی [۵] پ : سکز بیک

منقار لرایله قاپوب صودن طشمره کناره چقار لرلر غریب تماشا گاه عجیبه در وقیشی شدید اولدوغندن سکنز آی وبش آی ازاق دریاسی ونهر تن صوی دوکوب جرأت صاحبی اولان توانا یکتلر قیش قیامت دیمیوب نهر تن بوزینی دلوب بوز دلکلرینه پرهمه وقایق وچرنق قدر بالقلر بوز دلکلرینه صولوقلامغه کلنجه شهباز یکتلر بالقلری حاربلا واولطلر وکونا کون چنکاللرایله بالقلدی صید ایدوب فروخت ایدرلر بعض آدم کندیلمی یر بعضیلر آتلینه وغیری حیواناتلرینه بالق ورلر الحاصل قلعه بی اماندر لکن انتهای سرحد اولوب بونده مرابط اولان غزات مسلمینک یطوب اوتورملری بیله عبادتدر وانشاءالله بوقلعهده ساکن اولنلر جهنم عذابی کورمز لر (بیت)

قل اسلام بودر اسمنه دیرل ازاق بو حصن ایچره کلن آنجه دیه یارزاق

وبوشهرک بالغندن وقره هاویرندن غیری چوق ما کولاتی یوقدر بو وارشمزده سکسن درهم ا کمک براچیه وبرقیون سکنز غروشه وبر آتیمی اون آچیه وبر صغیر یکر می غروشه وبر طاووق بر غروشه وآلتی دانه فندق بر آچیه وغیری متاع بوکه کوره قیاس اولنه زیر ا دریاسی سکنز آی دوکوب کفهدن وغیری یرلردن کمیلر کلز اولور لر اکر کمیلر کلسه مهل غنیمت اولور باشقه بر کونه کوچوک کمیلری وارد ازاق دریاسی صغه چق دریاچق [۱] اولماق ایله برکودورلی [۲] اوفاق کمیلری کار روم کمیلری از اقدن اللی میل بعید کلر لر [۳] متاع تاشر لر اندن اوفاق قایقلر ایله متاعلر طشر لر (درقیافت قبای مردان) جمله آل عثمان طائفه سی کونا کون چوقلر و اقمشه فاخر لر کیرلر اما قره طایق قوملری جمله ینه تاتار لر کبی قلیاق و قیون وقزو دریمی طونلر وبوغاصی الوان خفتانلر کیرلر (درقبای زنانه محبوبه کرمان) ینه روم جوانیلری [۴] چوقه فراجه وحریر خفتانلر و آیاقلرنده صاری ایچلی ادیک و صاری پای پوشلر [۵] کیرلر اما صوقاغه چقمازلر و حیقاچاق و صوقاغه بقاچاق یرلری یوقدر اما قره جتاق [۶] تاتاری خاتونلری

[۱] ك : دراجق [۲] ك : بر دلرلو . پ : برکودورکی [۳] پ : کلرکن [دوغروسی کلرله = کیلارله] اولمیدر (م) [۴] : خواتینلری [۵] : پابوچلر [۶] ك ، پ : قره چتاق . ك : قاره طباق

بالئي و قره حاوياري يعني بالق يمورطهسي و بياض و دقيق ساعت قومي و نهر تن جزيره لرنده سوري سينه كي و بياض بلور كي بوزي و سكروراللك كي بوزاسي و صوونغي و... بونلر مشهور آفاقدر صوونغي اول مرتبه اولوركم صوبالي اولرنده و آتش باشلرنده آدم دو كوكب هلاك اولور ارضروم و كرده و آق كرمان صوونغندن شديد صوونغي اولور و اصلا بونده مشه و پليد اودوني اولماز زيرا هر طرفي هيات صحراسيدر جمله خلقي ساز و قامش ياقارلر و ادالده بر كونه چاليلر اولوب آينده يقارلر (در وصف رنگ روي پيرو جوان) كرچه شدت شتاسي شديد اولور اما اكثر يا جمله اهاليدي تن درستلر اولوب رنگ روي نري حمرت اوزره در... (در صورت محبوبه محبوبان) جمله دن لطيف و سيم تن دوله دار اوروس جاريه لري و مصقو غلاملري و قره طباق و اروش لرينك نوغاي قزلري غايت مشهور لدر... (در مدح آب و هوای جاودان) آب و هوای لطيفدر اما افواه ناسده ضرب مثل اولمش بر كلامدر كم شام جنت مشامك جنت ماوي يا آتنده يا استنده ديرلر بنوك دخي صووق جهتنده جهنم يا آتنده در ويا استنده در يعني تا بو مرتبه بو قلعه ازاك كندوسي جهنمدر زيرا در قول منجمان قدا بو قلعه ازاك اقليم سادسده بولنوب ارض بلدي اللی آلتی ارضدر و طول نهاری التي ساعتدن چيرك ساعت اكسكدر (در قول كهنه سلفا) بو قلعه ازاك طالع عمارتي برج عقرب بيت مریخ مايدمه بولندو غيچون خلقي مریخ صفت غضوب و بی رحم وغدار و قتال و شمشیر باز مریخ كي جلاد فلک خونخوار آدملري وار شب و روز كار و كسبلري قلیچ ايله كچنمكدر اما جمله سي شجیع و غازيان بهادرانلر در (حكمت غریبه و عجیبه عبرت) بو ازاك قومنك جميع آتلي و صغرلري و قيونلري و دوغانلري و قره صاق [۱] تانارلرنده [۲] جمله چيك بالق اتی يرلر حتی نهر تندن دری بالقلري صید ایدوب آتلك اوكلرينه قیوب دری بالقلري آتلقاوريه قاوريه هارب هارب اصروب اغزلرن كپورده رك يرلر و دخي دوغانلرن صالوب نهر تندن بالقلري دوغانلر دوتوب كتر فقير بالقلر ايسه نهر تن يوزينه صولوقلانمغه چقنجه همان دوغان و چاقرلر بالقلري

[۱] پ ، ك : قره طباق [۲] ك : تانارلیده

طرفه سیر و تماشالری وار و هفته‌ده بر کره ضیافت قارتکدر ارتسی بر قارت دخی بر مجلسنده ضیافت ایدر بو اسلوب اوزره بو جزیره در بند چالندرده [۱] جمله غازیلر اکنوب ذوق و صفا آندک ظن ایدرلر اما بو طائفه مفلس و منده‌بور اولدقلرندن تن نه‌ری فرقه‌لرینه سوار اولوب نه‌رتنک قرشو طرفنده خروسلری استماع اولنان مصقوق قازاقلری قلمه‌لرن اوروب بو قدر مال غنایم واسیرلر آلوب یاتخت یاتخت اولوب یینه آزاغه کلوب جمیع غنایملری فروخت ایدوب کچنرلر وهر اوچ آیده بر آل عثماندن وظیفه معینه‌لرن آلوب بو در بند چالندر بی‌امانی بکلرلر آنکی چون بو قدر بیک آدم‌لره حاکم‌لر رخصت و یرم‌شلردر و بو واروشده اسکله باشنده باشا طرفندن کومروک امینی چاشنکیب باشیلری او طوروب جمله آینه و رونده کشتیلردن کومروک آلز و جمله کشتیلر بو کومروک اوکنه یاناشر و بو اسکله باشنده نه‌رتن کنارنده جمله تمش عدد بالق مخزنلری واردر (در منظره واروش شرق قره طباقی) [۲] بو واروش قلمه‌نک شرتیسی طرفنده اولماق ایله شرق قره طیاغی یعنی شرق واروشی دیرلر فرنک حصارینک خندقدن آلا رقه واروشدر بنوک دخی اطراف اربعه‌سی خندق عظیمدر و کردا کرد جرمی کامل ایکی بیک خطوه‌در و جمله بشیوز عدد قامش و ساز اولدر در کم اوزرلری یینه طوپراق اورتولیدر بونده دخی جمله نوغای طائفه‌لری ساکنلردر بو واروشده جامع و خان و حمام و دکانلر یوقدر لکن نه‌رتن کنارنده بوز مخزنلری چوقدر شدت شتاده نه‌رتنده بیاض بللور کچی بوزلری کسوب بو مخزنلره دولدوروب ماه تموزده صفاسن ایدرلر و بو بوزخانه مخزنلری قریبده قرق عدد دونما فرقه‌لری وار حین محله بو کیلری قره‌دن نه‌رتنه اندروب غزات مسلمینلر سوار اولوب کافرستانی نه‌ب و غارت ایتمک کیدرلر و بو محله نایقارو نه‌رتن کنارنده اولان قله شاهینه وارنجبه بر ساعتک یر جمله مشبک بوستانلردر کم عجایب قاوونی و قارپوزی اولور و بو واروشک اوچ عدد یرلرنده الما آغاجلری و وشنه و ارك آغاجلری وار اما صووقدن دکمه زمانده میوه ورمز لرمش اما بوستانلری لطیف اولور (و معدوحاتندن) اولان نه‌رتنده مرسن بالفی و مورینه

[۱] ک: چالندرده [۲] ک: قره طباقی

ديرلر (دروصف تن نهري کناري واروشو) بو صو قله سندن تاباطي طرفنده
 طوپراق قلعه گوشه سنه وارنجنه تن نهري کنارنجه برقات باق قايقرلينک خاهلري وار
 وجمه اوچيوز عدد مفيد و مختصر اولري وار وجمه نه رتن کنارنجه بر صيره اوچيوز
 قرق عدد کوچوک دکانلردر اما هرکجه بودکانچه لرده اصلا بر متاع قوميو ب قلعه يه
 کتوروب صباح ينه کتر لر وجمه اللى عدد بوزخانه لروار و ميخانه لر وار کم جمه
 خرابات ار نلري اولان بکري جانلر کجه کوندوز بو بوزخانه لرده ساکن اولان بوزه
 (در فصل تماشای غريبه و عجيبه) بو مذکور بوزه خانه لرده ساکن اولان بوزه
 بکريسي جانلره اصلا حاکم و ضابط و روابط قرشماز زيرا هر بوزه خانه نک بر قارت
 نامنده حاکمي وار يعنى وقع و وقار صاحبي اختيار دايي آدملى وار کم آنلر مير
 مجلسلردر صلب و سياست و تعزير بليغ بدرستي بو قارتلر کدر همان بو بوزه خانه لر
 و ميخانه لر ايجره بر بکري غوغا اتسه اول آن قارتک اذنيه مجلسدن اول بکري بي
 قوب بر دخي اصلا بوزه خانه و ميخانه يه اوغرا تمازلر واکر قاتل ايسه
 اول آن اول قاتلى قيد و بند ايله حاکم عرفه ورلر و على الاتفاق بر قارتک سوزينه
 بر مرد فرد مخالفت اتمکة قادر دکدر و بک و پاشا و يکيچرى اغاسي
 دخي بو بوزه خانه لرى بصوب ايجلرنده متهم و مجرمدر ديو آدام آلفه قادر دکدر
 و هر قارتک مجلسنده اولان پياله کشلرينه ينه قارتدن جابا برر طوصطفان بوزه
 و يريلوب يك نفسده بلاجرعه نوش ايدرلر اما ايجدکلى طوصطفانلرى يعنى چومچه
 و چاچاقلرى ايكيشر و قيه لک کبي پاك و ناپاک بوزه آلر بوندن صکره ايجدکلى
 بوزه لرک چومچه لرى بوجوق و قيه بوزه آلوب آهسته آهسته نوش ايدوب سرخوش
 اولورلر اما ابتدا قارت الندن دولو ايجدکلى زمان برر کره هر برى اياغه قالفار
 اما قارت کندو ايجديکى زمان جمله سى اياغه قالقوب قارتک سلامنى آلوب هر کس
 سرکز لرنده اوطور لر بعضى يکتر بر برلرينه دولو نامنده بوزه وردکده اکه محبه
 چومچه يي ايله يابشميو ب همان [۱] دستيله قاورايوب باش يوقارو قالدروب ايکي
 و قيه کلر بوزه ايله يابشمين چومچه ديشيله ابصروب بلاجرعه نوش ايدر بر عجب

[۱] پ : دستمبله [شمدىکى املا ايله (دستمبله) يازيلير]

چامور اولورکم آدم غرق اولور و آنجق ماه تموزده قورور غیرى زمان بوز دوکار اول موسملرده بوقله اچی اعلا اولوب چامور اولماز و بو قلعهده زینلک جامعی کارقدیم بر اغاج مناره‌لی معبدکاه مسلمیندر . و... مسجیدی وار و بر طاط ایلی رومی کفره‌سی محله‌سی و برکنیه‌سی وار (در بیان اشکال واروش یکی قره طباق) [۱] ازاق قلعه‌سنک جانب غرنده نهرتن ازاق دکزینه قرشدینی محک بروننده [۲] چار گوشه بر واروش عظیمدرکم دائراً مادار بنوک دخی جرمی کامل اوچ بیک آیدمدر و جانب اربعه‌سی فج عمیق درین خندقدر بعض یرینه نهرتن کرر بو واروش اطرافنده اصلا قلعه دیواری یوقدر همان سور عظیم کبی صوب خندقلیدر [۳] هر سنه خندقی تطهیر ایدرلر و ایچنده جمله بیک بشیوز تاتار صبارفتار عدوشکار اولری و اوبالری وار و حالا یوز عدد اوبالی قالمق تاتارلری کلوب اسلام ایله جمله مشرف اولوب بوقره طباق [۴] واروشنده قومشدردر و بوقره طباق واروشنک باطی طرفی جانبی خارچنده جمله مشبک بوستانلدرر غایت لطیف قاوونلری و قارپوزلری و قباقلری اولور اما شدت شتادن باغ و باغچه‌لری اصلا یوقدر و بو واروشک قبله طرفنه اولو نوغای خندقلری چکلمش بر سحرادر آنده جمله شهدار و غیرى موتار جمله آنده مدفونلدرر بو خندقلرک خارچنده جمله هیهات سحراسیدرکم جمله ازاق قومنک آتلی بوهیهات سحراسی اوزره اولان نباتات و گیاهاتدن اوتلایوب کزدرلر اما جانب اربعه‌سنده آتلی اوزره وافر یکتلر کزوب قراوول بکلرلر همان بر طرفدن قالمق تاتارلری ظاهر اولدقده جمله حیواناتلرن شهره سوروب خندقلره دولدورلر (درتیمه اوصاف قلعه ازاق) بو قلعه دائراً مادار جمله یتیش عدد قه‌لدرر اما مشرق طرفنده فرنک حصاری گوشه‌سنده کوزجی قلعه‌سی غایت متین و قوی قله عظیمدر و تن نهری طرفنده صو قله‌سندن متین و قوی قله یوقدرکم کامل اون ایکی پاره بالیمز طوپلری وار و نهر تندن لغ ایله بوقله‌یه تن صوی کلوب حین محاصره‌ده جمله عسکر صوی بوندن آلدقلرچون صو قلعه‌سی

[۱] پ : طباق [۲] پ : بروننده [۳] ک : همان طاوور عظیم کبی صوب خندقلیدر
[۴] ک : طباق

و جمله بشیوز عدد تختانی و فوقانی ینه حصیر و ساز و قامشدن مبنی اوستلری طوپراق اورتولی اولری وار و بو اورطا حصارک طوپراق قلعه طرفنه شاهین پاشا قلهسی غایت متین و قوی و صعب برج عظیمدر کم کویاسد اسکندر در همان ازاق قلهسی دیمک بوشاهین پاشا قلهسندن عبارتدر حقا که ازاق قلهسی بنوکه متانت بولوب جانب اربعهسی باشقه خندق قعر عظیمدر و قپوسنه ایپدن کندلر ایله چیقلمر بالاده بر کوچک دمر قپودر و الحاصل اورطا حصار ایچنده بوقله متین بر ایچ حصار دخی اولشدنر و پاشا سراینه قریب رجب آغا جامعی وار بر طاش منارملی و جماعت کثیردلی وینه طوپراق اورتولی جامع محبوبدر کم طشره صفهسنده قالمق تاتارینک شهید ایتدیکی کورجی مصطفی پاشا مدفوندر و جامعه قریب بر ات دکرمانی وار و بو اورطا حصارک غرب طرفنده (در فصل طوپراق قلعه) ماتقدم بو قلعه خارچنده اطرافنی خندق قرقه طیباق [۱] نامیله معروف قلعهسن واروش [۲] معمور ایمش [۳] مسقوزاغنی بو واروشی نهب و غارت ایده ایده قابل سکنا اولیوب آخر کار سنه ۱۰۲۵ تاریخند سلطان احمدخان عصرنده سنجوان [۴] پاشا نام بر مدبر بنام اورتا حصاره متصل بر متین و صعب و طاش دیوارلی و چار گوشه بر متین و مستحکم قلعه ایدوب ایکی جانبنه خندق عظیم کسوب نهرتن جانبنه خندق کسمیوب قالر زیرا تن جانبنده قلعه دیوارلرن بعضی زمان نهرتن دوکوب خندق کسه جک یری یوقدر صو غرق ایدر بو حساب اوزره ازاق قلعهسی اوچ بلوک قلعه عجایبدر [۵] و اوچینک دخی دیوارلری بر برینه متصلدر و دائراً مادار جرمی دورت بیک آدیمدر همان اسلامبولده اسکی سرای جرمندهدر و بو طوپراق قلعه بلوکی ایچنده جمله بیک یوز اللی عدد و اسعجه اولدر کم بونلر دخی ساز و قامش و خشیدن [۶] تختانی و فوقانی اوستلری ترابلی خانلردر لکن بونلرده واسع حولیلی و آخورلی اولدرر زیرا جمله خلق آت بسلر بر آلائی سپاه مثال تاتار قالیقلی عسکری طائفهسی اولریدر و جمله التمش عدد بوزه خانلری و غیری دکانلری واردر بونده دخی آت عربهلری کیره من زیرا صوقاقلری و قلعه قپولری داردر و بونده قالدرم اولماق ایله اوینه

[۱] ک : قاره طاق (۲) ک : قلعه سنه بر واروش [۳] قره صاف قلعه نامیله معروف قلعهسی بر واروش معمور ایمش [۴] ک : سنجوان [۵] پ : عجیبدر [۶] پ : چیتدن

ابن السلطان السلطان بایزید خان ابن سلطان محمد خان اید الله سلطنته سنه ... (ویکیچری آغاسی سرایی قریبده محکمه شرع رسول مین وار و آکه قریب ... مسجدی وار اما مناره‌سی یوقدر و بو فرنک حصارینک یوقارو باش قله‌سی دبنده زردبان ایله چیقیلیر براوغرن قپوسی وار بدنلر اوزره چیقوب طوپراق قلعه‌یه کیدر پیاده آدم بو قپودن کوجه صغار و بو فرنک حصارینک اشنی هام دبنده برکوچک قپوسی دخی وار اول دخی طوپراق قلعه‌یه آچیلیر و هام بو فرنک حصاری ایچره دوشر اما مکلف هام دکدر حتی بو حقیر کروب قورنا باشنده غسل ایدرکن مرمر اوزره ایانم سورشدی مکر قورنا بوز دوکش ایدی اشد ازاغک قیشنک شدتی بوندن معلوم اوله و بو حمامک قپوسی قرشوسنده یول آشری (زیارت هندی بابا تکیه‌سی) مرقدپرانواری دخی بونده در حیاتلرنده نیجه کونه کشف و کرامتلی ظاهر و باهر اولمشدر و بو فرنک حصاری ایچنده جمله بیک عدد کوچک مفید و مختصر اولردر آنجاق بش آلتی قدر اولرک میت ییقیاچق قدر حولیلری واردر ماعدا حصیر و قامیشدن دیوارلی طوپراق اورتولی اولردر جمله دن پاشا سرایی ویکیچری آغاسی و جبه‌جی باشی و قول کتخداسی و دزدار اغا و عزب‌اغاسی و غیری قرق عدد آغالرک خانهلری و اسعجه اولوب مطبخلری و آت آخورلری و حجراتلری واردر اندن (اوصاف اشکال اورتا حصار قلعه ازاق) فرنک حصاری ایله طوپراق حصارک مابیننده چار گوشه بر ایچ قلعه‌در جرمی کامل بشیوز آدیدر لکن بر جایی فرنک حصاری دیواریدر و بر جایی نهرتن طرفی دیواریدر و ایکی طرفی طوپراق حصاری دیواریدر کم بوسور استوار اورتیه‌رده واقع اولماغیله اورتا حصاریدرلر و بو اورتا قلعه‌نک [۱] نهردن طرفنده کی قپونک ایچ یوزنده پاشا سرایی وار انجاق‌اللی الی التمش عدد اوده‌لردر آلتنده یوز قدرآت آور آخور و کوچوک حولیسی وار وتن صوبینه ناظرقلعه دیواری اوزره آق محمد پاشا برکوشک بنا اتدی هنوز سرایده بر تفرجگاه بر قصرزیا اولدی و بو اورتا حصارک قبله طرفنده بر قپوسی وار جمله الی عدد خورده‌جه خورده‌جه کوچک دکانجقلری وار و اوچ قهوه خانهلری وار

[۱] پ : حصارک

باطي طرفنه كيدوب كامل يوز آدمده اورتا قلعه قپوسنه واريلىر بودخى يلدز روزكارى جانبنه مكشوف دمر كوچك قپودر و بو قپو اوزره طاش كورزلر اصلمشدر بو قپودن باطي طرفنه كامل يوز آديم كيدوب طوپراق قلعه قپوسيدر بودخى بر درسك كوشهده بر كوچك دمر قپودر لىكن مشرق طرفنه ناظر قپودر و بو قپودن باطي جانبنه اوچيوز آديم كيدوب بو طوپراق قلعه نك بر قپوسى دى قره طباق [۱] واروشنه آچيلر كوچك دمر قپودر و بو قره طباق طرفنده كي قلعه كوشه سنده اولان قانلى قله دن تا مشرق طرفنده صلوق [۲] قلعه سنه وارنجبه تن نهري كنارنجبه مذكورون دورت عدد قپولرك مابدى جمله بيك آرشن تن صويى كناريدر و بو تن كنارنجبه اصلا خندق يوقدر حتى نهر تن طغيان اوزره طاشوب كلسه بو مذكور دورت عدد قلعه قپولرندن ايجرو صو كروب صيره [۳] دكانلرى و بوزه خانه لرى و كومروك خانه لرى غرق ايدر آنيكچون بو طرف دكانلرينيك نيجه لرى قازقلر اوزره مفيد و مختصر بنا اولمشدر حتى حين فتحده بو قلعه سردار جوان قپوجى باشى نام محمد پاشاى هام تعمير و ترميم اتدكده على العجله بنا ايدوب بو تن نهري طرفى طوپراق ايله بنا اولنوب آنجاق طاشلر آره لرى كرج ايله درز اولمشدر الحاصل بو نهر تن طرفى اصلا قلعه ديوارى كجى متانت اوزره دكلدر اما بو قلعه نك ايچنده عسكرى طائفه سندن بنى آدم چوقدر و بو قلعه اراق كامل اوچ بلوكدر مشرق طرفنده كي بلوكنه فرنك حصارى ديرلر كدك احمد پاشانك فتح اتدوكى انجاق بو قلعه در جمله يكيچريلر و اغاسى و قلعه دزدارى و جبهجى و طوپچيلر و چور باجيلرى جمله فرنك حصارده ساكن اولوب جمله جبه خانه و مهمات و لوازمات و غلال انبارلرى بونده در و بو فرنك حصارى ايچنده جمله يكرمى اوچ عدد دكانلرى واردر و سلطان بايزيد ولى جامى طولاً يوز اياقدر و عرضاً يوز اللى اياقدر طرز قديم طوپراق اورتولى تحتة مناره لى جامع عتيقدر و بو جامعك صول طرفى كوشه سنده بقال دكانى ايجره بر چار كوشه بياض مرمر اوزره جلى خط ايله جامعك تاريخى بودر (بنى بعمارت الجامع الشريف [۴] السلطان

[۱] ك : قاره طاق [۲] ك : صولوق [۳] ك : طشره

[۴] ك : دوغرومى (امر بعمارة هذا الجامع الشريف) كجى بر عباره اولميدر

کامل معمار آرشنی ایله درت بیک ارشندر قبله جانبی سهل حواله‌لی طوپراقلی بایر اوزره یالن قات صعب دیوار متیندرکم بیکرمی ایاق انلی قالن دیواردر و بو طرفی یدی قولاج درین واللی آرشن انلی بر قعر حفر عظیم خندقدرکم بو طرف دیوارلری ودخی خندق آلتلری تا قعر زمینده صویه انجه دیوارلری لغم اوزره دورور و دیوار- لرینک اساسلری تحت الترایه وارنجه صواوزره اصقره رختم اوزره تمللری کارفرنک پرچنک بنا سیدر اما بو قلعه‌نک مشرق و مغرب طرفنده خندق صا رپدر زیرا بو قلعه‌نک زیاده خوفی بو طرفلردندر [۲] اولماق ایله دیوارلری صافی رختم شدادی اون بش قولاج عالی دیواردر و بو طرفده جمله قرق عدد قله متینلر وارد و طوپلری کرپی توکی کبی دزلمشدر خندقه و طا بور بایرلینه ناظر شاهانه طوپلری وار و بو قره طرفنده اصلا قپولری یوقدر و جمله اوچ عدد قپولری وار شمال طرفنه ناظر تن صوی قپوسی اوچ عدد متین دمر قپولدر بری اسکله قپوسیدرکم نهر تن کنارنده کومروک و بوزه خانلر و یمش سکسن قدر دکانلر نهر تن کنارنده در اما جمله قره جاق [۳] بنالدر کار کیر بنالر دکلدرکم حین محاصره ده بو بنالری قالدردلر یا خود آتسه یا قارلر و قپونک بری یلدز جانبنه ناظر درکم فرنک حصاری قپوسی دیرلر کوچک قپودر بوندن عربلر کروب چقاماز ما تقدم کفار عصرنده بو کوچک قپو دبنده کی قلعه ده بر کمی لیمانی قپوسی وار جمله قایقلر آندن ایجری قلعه ایچنه کرلر ایمش حالا اول لیمان قپوسی دیوار ایله اورولیدرکم بو لیمان قپوسی کمری اوزره اولان قلعه‌نک نهر تنه ناظر جانبنده اون آرشن یوکسکده بر قناتلی ارسلان تصویری وار چار گوشه بیاض مرمر اوزره تصویر اولمشدر استاد نقاش فرنک مانی مرمر بر بو ارسلانه بر امک صرف آتمشکم کورن ذی روح ظن ایدر اول اجلدن بو قلعه به ارسلان قلعه‌سی دیرلر اما قوم فرنک بویه قناتلی ارسلان تصویرلرینه صانمارقو و صانته [۴] مارقو دیرلر حتی بوندوقانی دیدکلری ونیدک کفارینسک سنجاغ و بیراقلرنده طشدقلری قنادلی اسد صورتیدر و بو ارسلان قلعه‌سندن

[۱] ك : تحت الترابه [۲] دوغروسی (بو طرفردن) اولیدر (م) [۳] پ : قره‌جا.

ك : قره‌چاو [۴] صانیه

سلطان محمد خان فتحیدر بدست لاله کدک احمد پاشا جنویز فرنیکی لندن آلتشدر
 حالا کفه ایالتنده سنجاق بکی تختیدر طرف پادشاهیدن قانون بازید خان اوزره [۱]
 دورد یوک اچهدر اسکله سنده کومروکی واحتسابی وباج بازاری پاشاره خاص همایون
 قید اولشدر حالا ایالتنده تجار وزعامت والای بکیسی وچری باشیسی وقرا
 وقصباتلری یوقدر انجاق پاشاسی هیات صحراسی پادشاهیدر کم محصولاتلری سکز
 عدد روزکار زورکار یل اووادر کم پاشالرینک، ایشلری اللهه قالمشدر ازا ق دکیزی
 طرفندن غیری بریدن امدادی کله جک یری یوقدر اول دخی یدی سکز آی
 دوکوب برکی کیدوب کله مز بویه بری امان قلعه اواق ایله کفه پاشالری اوچ طوغلی
 وزیر اولوب حالا آق محمد پاشا وقول کتخذالغندن چقان وزیر بودور سلیمان پاشالر
 بوفلمه ازافده قزاقدن محافظه ایدوب بشر یوز آدم لریله بالق ییوب اوطورر لر غیری
 ما کولاتلری قندر وداثما ققدر ومفتیسی ونقیب الاشرافی و یوزاللی اچقه پایه سیله
 شریف قضای آسمانیسی واردر وآلی اوده قبو قولیله خاصکی اغالردن یکچیری
 اغاسی واردر کم جمله دورت بیک عدد کزیده یکچیریلری واردر ودورت اوده ایله
 جبهه جیلر اغاسی واردر کم جمله ایکی بیک عدد پرسلاح جبهه جیاندر ودورت اوده
 ایله طوپچیلر اغاسی وار کم جمله ایکی بیک عدد محیا [۲] طوپچیلری واردر وقلعه
 دزداری اغاسی جمله اوچیوز عدد نفراتلری واردر وصاغ قول وصول قول
 وعزب حصار قولی وکوکلی قوللری وبش اولی [۳] قوللری وقره طباق عسکری
 قوللرینک جمله فرق عدد اغالرک جمله التی بیک عدد نفراتلری واردر وجمه پاشاسنک
 وغیری اغالرک عسکرله حین محاصره ده اون اوچ بیک یرار ونامدار وحاضر باش
 کزیده عسکری واردر شب وروز جنک وجدالری وحر وقتالری تن صوبی
 قزاقی وقلق تاتاری ایله صواش پرخاش ایدرلر و برکون اولمازم آسوده جال
 دورلر وپاشا طرفندن کومروک امینی وباجداری ومعمار اغاسی معتمد اغاسی
 وقبودانی فرقتلر ایله کزر .. غیری اغالری یوقدر وقلعه ازا ق نهرتن کنارنده
 چار گوشه شکل مربع یالینقات شدادی سنک بنا قلعه رعنادر کم جرمی دائرآمدار

[۱] ک : اوزره خاص همایونی [۲] ک : مهیا [۳] س ، ک : بش ماول

برقاج بیک عسکر استقباله کوندرك « دیو الحینک مکتوبلرن پانسایه وروب ترجمه اولوب قرات اولندوقده فقیر محمد پاشا باشن آچوب « آلمی سسکا بیک حمد و ثنا اولسون تیز دلالرندا ایدوب قلعہ قپولری آچلسن وهرکس اوتہ و اوتلوغہ و اودونہ کیدوب حیوانلرن طشرہ چیقاروب جملہ عسکر پرسلاح آمادہ اولوب اوچ بیک بیکت الحیہ قارشو کتسنلر « دیو پاشا فرمان ایدنجه جملہ ازاق قومی کویا عیدا کبر ایدوب برسرور و شادمانلر اولدیکم تعبیر اولنماز همان محمد پاشا صرطنده کی سمور کورکن آرقمه کیدروب آلمدن بوس ایدوب حقیرہ بر اوده تهیئہ ایدوب حقیر ایله کلن بشیوز آتی کفر لره قلعہ دن طشرہ قره صاق [۱] تاتار لری ایچره قناقلر ووروب آنلرده مکث ایتدیلر ارتسی کون جملہ ازاق عسکری پرسلاح آمادہ اولوب محمد پاشا کتخداسیله الحیہ استقباله چیقوب آلائی عظیمله قلعہ ازاغہ کترکن [۲] قلعہ ازاغک برج و بارولرندن وزمینده اولان طابیه لرك بالیمز طوپلرن اوچرنوبت کفارہ رغماً آتوب طوب شادمانلری ایتدیلرکم قلعہ ازاق مرخ سمندر وار آتش نمرود ایچنده قالدی والحیہ پاشا برخلمت پادشاهی کیدروب قلعہ خارچنده قناقلر تعین اولنوب برکیجه جملہ کفار مهمان اولوب ارتسی کون اون بیک کفار کرویہ دونوب کتدیلر الحی ییشیوز کفره ایله قلعہ ازاغده قالدیلر اما الله رب العالمینه عیاندرکم بوازاغده اویله شدت شنار ایدی کم نیجه آدملر آتش باشنده اودالرنده اوطوررکن بویا قالبوب [۳] مرحوم اولوب بیرہ دفن اولنماق ممکن اولمازدی زیرا زمین شدت شتادن پولاد نخشوانی اولوب تیشہ فرهادی بیرہ کچمدیکندن میتلر بر آئی اولرنده دوروب هوالر معتدل اولدقجه یوزبیک رنج و عنای و مشقت ایله سهل یری حفر ایدوب دفن ایدرلردی

در بیان ستایش فتح فتوحات قزاق و درعیان اشکال زمین قلعه ازاق

اولا بو قلعہ غصه آباد ابتدا جنویز فرنیکی مورینه و مرسن بالقاری صیدی ایچون بر دالیان خانہ بنا ایدوب کیده کیده کفره لری صید و شکار ماهیدن عنقار اولوب بو قلعہ متافت اوزره بنا ایدرلر بعده سنه... تاریخنده سلطان بایزیدولی ابن ابوالفتح

[۱] ك : قره طاق [۲] ك : کیررکن [۳] ك : دوکا

پاشا سردار معظم و کورجی پیاله اغا ترسانه عامره کتخداسی اولوب بو قلعه ازانی محاصره ایدوب یتیمش کون یتیمش کیجه پی اندرپی دوکوب قلعه‌نک برج و بارولرندن اساس بنالری قالمیوب جمله کفار قعرزمینه کرووب برتقریب ایله ظفر بولوب بوقلعه ازانک فتحی میسر اولمیوب قره‌نکزک شدت‌شتاسی گلدن سلامته چیقالم دیو جمله عساکر اسلام قره‌دکز ایله آستانه سعادتیه کیدنجه حقیر ... کرای خان افندمله ولایت قره‌کدم آندن کله‌سی سنه ۱۰۰۵ تاریخنده [۱] دونمای هایون ایله‌در دولتدن جوان قپوجی باشی وزیر محمد پاشا سردار معظم اولوب قلعه ازانی محاصره ایدکده کفار خا کساردن قلعه ازاق ایچنده نام ونشان اولمیوب قلعه ازاقی قوم قزاق براغوب کتمشدر جمله غزات حمدوشنا ایدوب قلعه ازانی محمدپاشا دریا مثال عسکره مجدداً انشا اندروب ایچنه مستوفا قوللرن وجبه‌خانلرن واوزی وزیر قوجه کنعان پاشایی ایالتیه محافظه‌جی تعیین ایدوب کندولری دونمای هایون ایله منصور ومظفر دردوله کتدیله انکیچون السنه‌ناسده (جنک عظیم دلی حسین پاشا فتح بنای آسان محمدپاشا) دیرلر حمدخدا فتحنده وغزاسی وبناسنده بولنوب دخی عمار اولمادن الچی شهر کفیه کلشدر شمدی الحمدلله ... یلدنصکره ینه کلوب عمار کوروب دوغری والی ولایت اولان ولی نعم افندم آق محمد پاشایه واروب « بیره اولیام سن خوش کلدک وسن صفا کلدک بیره جانم اولیام نه یلدر اسوب سن زهدن بوازاق عذابه کلدک یدی آیدر دریای ازاق دوکشدر کمی اشلمز قره طرفنده کی هیات سحر اسنده قالمق تاتاری دردندن قوش اوچایوب قیش و قیامته قپودن طشره چقماغه اصلا مجالز یوقدر بیره سن زهدن کلدک » دیدکده « سلطانم افندم سرگذشت سرانجام دیلدر ایله تعبیر وتوصیف وقللمر ایله تخریر وترقیم اولتماز همان نتیجه کلام بو حقیر حالا اوچ آیدن برو قطع منازل وطی مراحل ایدرهک ولایت مسقووک قاران وپالوخان [۲] وهشدهک والاطر وازدرخان وموزق کرمان ولایتلرندن برو کشت کذار ایدوب کلرکن سلطانمه موژده اولسون سزه برالچی کتوردمکه انده اولان تحف و تفاریق مقوله‌سی اشیالر ایله برالچی آل عثمان پادشاهنه کله‌شدر همان دردولته عرض ایدوب اعلام ایدک والجه

بودور سلیمان پاشایه الحی کلیور دیو خبر کوندرمکه حقیره نیجه هدایالر وروب ازاقه کیده جک محله اول کیجه بوخروس کرمانده برنیچه آفتابه دخترپا کیزه اخترایله یک دل ویک جهت اولوب اوغلان قیافتنه قویوب کونا کون شهاب فاخره لر کیدروب وشپرطمه تاتار قلمباغن کوزلری و قاشلری اوزره صوو قدر دیو اندروب بش عدد خداملرمله ایلری قزی یولدم اندن علی السحر بز دخی بشیوز مسقو کفره لر یله الغار ایدوب سنه ... ماه ... کونی قلعه ازاقه داخل اولدق

اوصاف تختگاه مصقو فزاق یعنی اتمهء سرحد قلعه ازاق

ازاق [۱] دخی دیرلر سبب تسمیه‌سی حین فتحنده بوقلعه دبنده جریان ایدن نهرتن طقیان اوزره کلوب غزات مسلمینک مترسلرن نهرتن غرق اتدکده کدک احمد پاشا هی مبارک نهر ازاق [۲] دیو دعا ایدرلر کن بامرالله قلعه فتح اولوب اسمنه ازاق [۳] دیرلر اندن غلط ازاق [۴] درلر نوغای تاتارلری ازاق [۵] دیرلر چرکس طائفه‌سی اراغ درلر قلمساخ قومی ازاق [۶] دیرلر آل عمانلی ازاق دیرلر لاز قومی آصاق دیرلر امالسان مسقوده اسمی ... ولسان جنویز فر نکنده ... دیرلر وبانیسی ینه جنویز قرال لردن ... قرال ضالدر زیرا اسلامبولده غلطه دن تا قره دیکرک ایکی طرفنده کی یدی یوزیتش النش پاره قلعه لر طرابزاندن ماعداسی جمله ازاقه کنیجه هب جنویز قرالی حکمنده ایدی بر تختی غلطه ورتختی کفه ورتختی ساقز جزیری ورتختی حالا آق دکز ساحلنده اسپانیه [۷] قرالیله مشا اولان ... شهر ... در حمد خدا بو قدر کافرستانی اوچ بلده دولشوب صحت وسلامتله سدا سلام دیارینه سالمین وغانین ینه واصل اولدق زرا سنه ۱۰۰۵ تاریخنده [۸] دونمء هایون ایله دلی حسین

[۱] پ، س، ک : ازاق [۲] ک : اراق (نقطه سز ر حرفیله) [نقطه سز (ر) حرفک نقطه لی (ز) حرفه قاب ایدلسی اوزا قدر ظن ایدرم که کدیك احمد پاشا «هی مبارک نهر اوزاق» یعنی هی مبارک نهر اوزاق اول دیمشدر. صوکره قلعه فتح اولونجه آدنه (اوزاق) دیمشدر صوکره صوکره همزه نك فتحیله ازاق اولمش اولسون (م) [۳] ک : اراق (نقطه سز ر حرفیله) [۴] پ : ازاق [۵] س، ک : ازاق (صوکره حرفی وودر) [۶] دیمک اولیورکه قالموقلر دوغری سویدیلرلر (م) [۷] پ : اسپانیه [۸] پ : سنه ۱۰۲۵ تاریخنده

بو نهرتک ایکی طرفنده ایریلی و اوقاقلی یوز یدی عدد کرمانلری ایکی آیده سیر و تماشا ایدوب نیجه آلام و شدایدلر چکوب کلردک اما بوتحریر اولنان. . . عدد قلاع معظملر ازا ق طرفی خاککنده اولان کرمانلردر کم تحریر اولندی اماینه بو قلعهلرک مایدنلرنده دخی اوقاق کرمانلر چوق کزوب [۱] عبور ایتمشدک تطویل کلام و کثرت کتابت اولور دیو اول کوچک کرمانلری ترقیم ایلدک و بو نهرتن کنارنده تحریر اولنان قلاعلرک جمله فزاق عاق کفره لری جمله ملت مسیحیه و کتاب انجیلیدر کم اوروم کفره لری مذهبی اوزر ددرلر و ازا ق بوغازلرندن قره دیکزه قایقلریله چیقوب قره دیکزک یمین و یسارن نهب و غارت ایدن کفره لرک جمله سی یوز اللی بیگ ژاپوروشقه [۲] یعنی جزایر لوندی کبی سرکش و یرز و نامدار فزاق عاقلردر کم مستوقراللرینه دخی چوقلق سرفرو ایتمزلر اما بو نهرتک کنارنده بو قلعهلر نه زمان عمار اولدی دیو سؤال اولنورسه سلطان سلیم ثانی و سلطان مراد ثالث عصرنده صقوللی قافل وزیر محمد پاشا بالاده تحریر اولنان نهر ادیلی و نهرتی بربریه مخلوط ایدوب ازا ق قلعه من دیندن کیلر نهرتندن نهر ادیله آندن بحر خزره اسلام عسکری امداد کتمک ایچون پاشایه [۳] شروان و شتاقی و دمر قپوده امداد کتمک ایچون [۴] ایکی نهری بربرینه قارشمغه چالشوب ایکی نهرک بربرلینه اتصالی میسر اولمادیغندن صکره کفار فزاق عاق بو قلعهلری دشت قبیجا ق اورتاسنده جریان ایدن نهرتک یمین و یسارینه قلعه ازاغه کلنجه . . . عدد قلعهلری بنا ایدوب عماراتی حالا بو قلعهلر سببیه بردخی نهرادل ایله نهرتن بربرلینه مخلوط اولوب عجم دیارینک دمر قپوسی و شروان و شتاقی قلعهلرینه کتمک مشکل اولدی اشد بو قلعهلرک سبب عمارتی بو یوزدن اولمشدر و السلام چونکه بو خروز [۵] کرمانه الچی ایله کلوب مکث ایدی کمزده قلعه ازا ق یقین قالدقده الچی بان حقیری بشیوز کفره ایله قلعه ازا قده آق محمد پاشایه و قول کتخدالغندن شام طربلوس اولوب [۶] حالا ازا ق محافظی اولان

[۱] ک : کوروب [۲] پ ، ک : زاپوروشقه . س : ژاپوروشقه [۳] ک : اوزدمور اوغلی عناب پاشایه [۴] ک امداد و ذخایر و مهمات و لوازم کتمک ایچون [۵] ک : جزور . س : حرور . ط : جزو [دوغروسی (خروز) اولماید (م)] [۶] ظن ایدرم که دوغروسی (شام طربلوس . . . اولوب) شکلنده اولماید (م)

واریحاق شهر صراش داخانه	نا کهان نهر تنك ساحلنه
بویله تقدیر ایلش حی قدیر	دیدى مملوک اولان خسرو شیر
ایکی کوندنصکره دوروب کیده سن	بو حقیری [۱] بونده دفن ایلیه سن
بونده محتاج اولمه صاقن قزاغه	کتمه الا وارسلامت ازاغه
نیجه فردالره ایدر ریش خند	سکا سم وررلر آخرصکره قنده [۲]
آلمش ایدک نانا ایله سن بی [۳]	مسقط رأسم بودر بونده بی
دیدى یاخسرو کله سن بکا سن	بوکیجه کوردم حبیب اللمی بن
اوله مستغنی [۵] ری اکا بر مکان	بنده بیلدم قولیم [۴] اولیسر روان
روحی فردوسه عزیمت ایلدى	اول کیجده لیله معراج ایدی
کم آنی بر فاتحه ایله آ که	حق تعالی رحمت ایلیه اکا

مرحوم و مغفورله روحیچون الله رضاسیچون الفاتحه اول یارصادق و عبد مملوک
شهر صرایش مقابله سنده پوماهای کرمن خارجنده مقدا دار اسلام مزارستانی
ایچنده (قولب [۶] الب) حضرت تیرینک قبرشرینی یانه دفن ایدوب جانب اربعه سنه
ایری طاشلر قیوب و سروپاسی اوچلرینه عظیم سنک خاراعلاملر قیوب اسم و رسمین
فاتحه شریفه ایله تحریر ایدوب قیوب کتدک رفیقلمری حورعلین اوله اندنینه
قالقوب نهرتن کنارنجه جانب غریبه قار و بوز عذابلرن چکرک اول کون کیدوب
(دروصف اشکال . . . کرمن) . . . [۴]

(درتعریف . . . کرمن) . . . [۷]

[۱] ك : بن حقیری [۲] دوغروسی (سکاسم ویررلر آخر اوکجه قند) اولمیدر (م)
[۳] دوغروسی (آلمش ایدک نانا ایله ای سنی) کبی برشی اوله جقدر . بوراده کی (سنی)
کله سی عربجه در مؤتی (سنیه) در (م) [۴] (قولیم) کله سی (قولم) شکنده یازلسیدی
دها کوزل آکلاشیلیردی (م) [۵] ك : مسمی [بو مصراع منته کوره هم وزنیز ،
هم معناسز ، ک نسخه سنه کوره معنامزدر دوغروسی (اوله فردوس برین اکامکان) اولوق
مکتدر (م) [۶] ك : قولب [۷] متن نسخه سنده بر سطر ، پ نسخه سنده بش سطر
آچیق وار (م) [۷] اشاغی به نظراً بوقلمه نک آدی (خروز کرمن) یاخود (خروس
کرمن) اولمایدر (م)

حاربا اوجیله مطیعلردر زبرا بو کفره لر غایت عشقیه وعاصیلردر بزم اراق طرفنه
وقراللری طرفنه چوقلوق سرفرو آتمزلر بوندن دخی قالقوب ینه نهر تن صوی
بوزی اوزرینه طرف غربه اولکون سراجام چکرک کیدوب

درتعریف پوماهای کرهش

بودخی نهر تن ساحلنده اجاجدن چارکوشه کرمندر باشقه حطمانی وقپودانی
ویدی بیک عسکری واردر امدی اخوان وفا کرچه بو عبد حقیر هندستانه
واروب نه مرتبه عسکری واردر معلوم دکدر کندولرینک نقللری اوزره خاقانمزک
یتمش بیک [۱] علوفه لی لشکری واردر دیرلر اما معلوم دکدر اما بو ولایت
مسقوده اولان کفره عسکرینک و غیره بنی آدم لک حسابن خلاق عالم بلور هله
حقیر عقل قاصرمله جناب الله بو دنیاده نه قدر عجایب و غرایبات و اجناس
مخلوقات خلق اتدی ایسه بو مسقو ولایتک ایکی اقلیمنده بش اولقدر زیاده قوم
کفار و اون اولقدر اجناس مخلوقات لایحی واردر بو پوماهای کرمانده برکون
مکت ایدرکن مقدا خسته اولان غلام حقیری یانه قفروب [۲] وصیتلر ایدوب
داغ درونمدن نیجه کونه الفاظ درریارلرن تحریر اتم

درحق مرثیه خسرو و شیرین [۳]

دشت قبجاغه [۷] کیدرکن ناکهان وار ایدی ایدی سکنز غمخوار جان
بر غلام وار ایدی یار صدیق اولشیدی بکا اول شیخ شفیق [۴]
صوم داووده مقید ایدی اول من عرف سرینه بویله بولدی یول
اسمی خسرو ایدی هم شیرین ایدی یار همراز سحر کاهم ایدی [۵]

[۱] س ، ک : یتمشک ا ک نسخه سنده لامک فتی و کاذک سکونیه حرکه لئشدر (م)
[۲] ک : چاغیروب [۳] آلتنجی پتک برنجی مصرعی کوستریورکه دوغروسی (خسرو
شیر = آرسلان خسرو) ویاخود عطفن اوله رق (خسرو شیرین = طنلی ، سویملی
خسرو) اولمیدر فقط بوراده اولدینی کبی (خسرو و شیرین) مناسزدر (م) [۴] ایکنجی
حرفی قاف اوله رق (شقیق) اولسی . مناسزدرکه (شقیق بلخی) حضرتلرینه اشارت وار معافیله
قا ابله (شقیق) ده دوغرودر (م) [۵] (سحر کاهم) معنا اعتباریله دوغرو ایسه ده برنجی
مصراع ابله قافیه اوله ماز اونکیچون ایکنجی مصرعک دوغروسی (یار همرازم وفا آیین
ایدی) یاخود (یار همرازم ایدی حق بین ایدی) کبی بر شی اولمیدر (م)

وعماراتلری خراب وییاب اولوب یطر بوشهری ده تیمورخان خراب ایتمشدر برکونده بوشهرک خرابستانخی کوچیله عبور اتدک اما ینه اون بیک قدر سازوقش اورتولی اولری و قرق عدد کلسه لری وار چارسوی و بازاری غایت مزیندر اما بوژاپوها کرمن محلی داغستان و اورمانستان یرلر اولماق ایله حصیردن یلکنلی قیزاق کیلریمز آرتق اشلمز اولوب قیزاقدردن چیقوب آتله سوار اولماق تنییه اولنوب اوچ کون بوژاپوها کرمنده تقاعدامت تنییه اولندی حکمت باری بونده برکال معرفت صاحبی عبد مملوک و رفیق و یار موافقم مشوش الحال اولوب انکی چون بر قراق غریبه پیدا ایتدم اما بالاده تخر بر اولنان پراض کرماندن برو حصیر یلکنلی قیزاقلرا وزره بللور جاملی اودالرده آتش باشلرنده ذوق وصفالریدوب جمله آتلیمیز وغیری بهایم مقوله سی صغرحیوانا تلیمیز جمله صفاده ایدیلر ایرتسی کون بوژاپوها کرمندن قالقوب ینه نهر تن کسارنجبه قار و بوز [۱] دردی چکرک جانب غریبه آتلیمیز ایله اولکون کیدوب

در منظره صرايش کرمان

حکمت خدا بوقلعه یه سنه ۱۰۰۵ [۲] تاریخنده سلطان . . . عصرنده مسقو کفاری ازاق قلعه مزه استیلا اتدکده ازاق قلعه من خلاصنه دلی حسین پاشا سردار معظم اولوب دو نتمه هایون ایله کلوب عسا کر دریا مثال ایله برآ و بحر آ ازاق قلعه سن محاصره ایدوب قلعه کوب طوپلر ایله قلعه از اغی دو کرکن سلامت کرای شاهک تانار لریله مصقو ولایتنه چاپوله کتدی کمزده یدی کون یدی کیجه چاتوب [۳] سکر دوب بوسر ایش کرمانی اوزوب بوقدر مال غنایم آلوب بای اولمشدق حکمت باری اول زماندن برو . . . یل مرور ایدوب شمدی بوسنه ۱۰۷۶ تاریخنک لیله معراجنده ینه کورمک میسر اولدی اما اول زمان امعان نظرایله نظرا تیموب هان غارت ایدوب کچمشدک اما شمدی غایت معمور شهر بندر کوردم ینه مسقو قرالی حکمنده نهر تن ساحلنده خشیدن بر قلعه مشدر [۴] باشقه قپودانلقدر کم یکرمی بیک قدر توفنک انداز قزاق جنود جنبنه مالکدر اما بونلر یتش پاره قلعه درلر کم مسقو قرالرینه

[۱] ك : قاروبوران [۲] ك : سنه ۱۰۴۵ [۳] پ : چاپوب [۴] پ ، ك :

قلعه متیندر

دیدکارنده همان باشلری آلوب اول کیجه جانب قبه یه الغار ایدوب تاصباحداق یورطوب ینه (منزل شجرت [۱] کرمان) ه کلوب الجیه بلوشوب باشلری اوکنه یووارلیوب الجی باشلری کوردکده عالم حیرتده قالب بزمله بیله اولان مسقولر سرگذشت و سرانجامی بربر نقل اتدکده دنیا قدر حظ ایدوب یا مسلمان مسلمانی اولدررمی دیدکده اوستمزه بزی اولدرمکه کن قرنداشمزسیده [۲] اولدرورز دیدکده حقیره بر سمور کورک و بر آت و برآممه سی خاجلی انجو تسبیح وروب رفیقلرمه الیشر آلتون و مسقولره یکر میشر التون وردی اندن ...

(اوصاف شرمهت کرمن) ... (ستایش بغاش کرمن) ... (در بیان شولوم کرمن) ... (در عیان پولوش کرمن) ... (در ذکر هوناش کرمن) ... (در فصل آپوهو [۳] کرمن) ... (در نشانه کورن کرمن) ... (در علامت طیوردق [۴] کرمن) ... (در مسیره کاه هوده [۵] کرمن) ... (در بنای راهوچا کرمن) ... (در شکل صولاه [۶] کرمن) ... (در قید ماجقو [۷] کرمن) ... [۸]

دورصف ژاپوها کرمان عظیم

بودخی نهرتک جانب شمالنده مسقو قرالی حکمنده قلعه عظیم ایش تا اژدرخان ولایتندن برو بویه خاک پاک محصولدار بر زمین دار دیار کورمدم ایدی بو محللره دخی (دشت قبجاق) دیرلر حالا نوغای تاتارینک چراگاهی وجولانکاهی بر چنزار لاله زار صحرائی وار قلعه سی ینه اعا جدر اما ایچ حصاری طوغله بنای شسدادیدر باشقه حطمان و باشقه قبودانی و اون بیک عدد موثریق عسا کری واردر اما بو محللرده قوم هشدک رعایالرن قومازلر زیرا ازاق قلعه سی یقین اولماق ایله فرار ایدوب عثمانلی به کیدر دیو بو محللره هشدک مسلمان رعایالرن قومازلر ماتقدم بو شهر معظم مسلمین شهری ایش ائی هذا الان نیجه بیک جوامع و مساجد و حمامات و مدارسات

[۱] پ، س، ک : اشجرت [۲] س : قرنداشمزسده. ک : قرنداشمزایسده [۳] ک : آپومن [۴] ک : طیوردق [۵] س، ک : هوره [۶] ک : صولات [۷] س، ک : ماجقو [۸] شو اون ایکی سرلوحه مک هربری سطر باشنه یازمش و سطرک متباق قسمی بوش بیراقیلمشدر (م)

اوزره واروب بزه [۱] اوش پلو قیش قیش دیو کوپکلری قشقرنجه [۲] عظمت خدا همان پلو نام کلب و هونا و چاقر و شاقی و جنیپی [۳] نام زغرلر دخی تانارک آتلینه صاریلوب تانارلری آتلیری یره اوروب آن واحده اوچ عدد تانارلری کوپکلر پاره پاره وریزه ریزه ایدوب یدی تانارک دوردی فرار ایدرکن کیجه اولماق ایله آنلرده آتلرندن تکرانوب سرنکون اولوب هندی بابا منصور ایلیری واروب پیاده اولان تانارلرک برینی تبریه پاره پاره ایدوب بزلر دخی ادرلرینه یتشوب غلاملر آنلری دخی تمیزلیوب دوردینک دخی آتلرن شکار آلوب اتلرن کوپکلر ییوب پاره پاره ایدوب براقدیله مکر کرده اوچ عدد تانار دخی وارایش آنلر بو حال پرماللی کورنجه فرار ایدرکن آتلیری طاووشن استماع اتدک اما مقید اولوب قومادق بر زماندنصکره آنی کوردک اوچ دانه آت بزم آتلرک یانه کلدیله همان بزم غلاملر آتله صاریلوب یدکه آلدیله همان بزه رفیق اولان مسقو کفره لری بو آتلرک صاحبلیری بو هیات صحرا سنده قنده کیدر بزونلری بولورز دیو حقیردن اذن آلوب خلخالی درویش احمد و درویش راسله [۴] آتلنوب کتسیدیلر بزینه تانارکشلرینک [۵] یانلرینه کلوب غلاملر اسبابلری و سلاحلرن آلوب یدیسنک دخی باشلرن کسوب ترکیلرینه آصدیلر بر ساعتدن صکره آنی کوردک مسقو کافر لریله درویش احمد و درویش برانی [۶] آت صاحبلیری اولان تانارلری قیدبند ایله کتروبو بونلری دری الچی یانه کتوردم دیدیکمده مسقولر ایتدی بونلر چوق ایدی غیریلرن قاچردق همان بونلری باش ایدم دینجه برینی درویش احمد خلخالی کاران ناحه ایدنجه [۷] ایکسین دخی مسقولر کسوب باشلریله اسبابلرن آنلر آلوب همان سلطاتم بورادن قالقام یوخسه بو صحرا ده شیمدی بونلرک کریسی کلوب بزدن برجان حیقماز [۸]

[۱] (یره) اولسی مناسبدر (م) [۲] دوغروسی (قشقرنجه) اولمیدر (م)
 [۳] س ، ک : جنی . پ : جنی . ط : جینی [۴] ک : تریبله [۵] پ : لشکرینک
 [دوغروسی (لشکرینک) اولمیدر (م)] [۶] ک : ترابی [۷] کله و پاچه ایدنجه . ط : باشن
 کسنجه [متن نسخه سته کوره (کله بران پاچه ایدنجه) اولمق ممکندر (م)] [۸] ک : حیقماز

ینه آتته سوار اولوردی یعنی تابو مرتبه دزمان [۱] قبلان قدر کلب معلم اولمشدی بونلر ایله صحرای هیپاتده برقاچ بیابان قیونلری آلوب برخیلی مسافه بعیدهده برقاچه نمایان اولوب انده واروب قلعه حطمانه بولشوب علی الفور قیونک برن کباب ایدوب تناول اتدک قپودان حطمانلریله حسن الفت ایدهرک قیش کونلری اولماق ایله کونلر قصه اولوب وقت عصر اولدقده ینه یوله روانه اولوب قطع منازل و طی مراحل ایدهرک نهرتندن برارماق کنارنده دعا نیچه [۲] نام برکدی بوز اوزره کچوب اندن قرم حالی [۳] اولان ازاق قلعه سی جانینه کچوب (شاهی کرمن) نمایان اولوب آئیده کچوب آخرکار هیپات صحراسنده اخشام اولوب اچینک ساکن اولدوغی قلعه دخی مسافه بعیدهده قالب آخرا امر (چرکلی) نام بر محله آتلیزیم و کندیلریزیم و کابلریزیم بی تاب بیجال قالب بالضروری بو صحرای هیپاتده کابلریزیم دوشیوب هوا معتدلر دیو خواب راحت یاتدق (در تحقیق حقیقت کلب معلم) جمله رفیق و غلاملم مست مدهوش کبی سراسمه یطوب اصحاب کلهف خوابنه وارمشلر ایدی اما حقیر و بابا منصور هندی اویاخ [۴] ایدک جمله سلاحلریزیم ایله کابلریزیم یا نمرده اما وقت دخی هنوز نصف الیل اولمشدی ماه فلکده هنوز قبه فلکدن باش کوستردیکی محل اولوب بزم شاق [۵] نام برزغر کلبمز بزدن خیلی مسافه بعیدهده یطرمش همان کلب چنکر مکه [۶] و جاققرمه [۷] باشلینجه همان حقیر و رفیق بابا منصور رفیقلریزیم و مملوکلریزیم اوچ عدد قولاعز مسقو کفره لرن خوابدن بیدار ایدنجه جمله پر سلاح آماده اولدیلر همان اول آنیدی عدد تاتار نوغای بدرای الارنده دال تیغ عربان اولوب اوزرلریزه آت براغنیجه همان پالونام کلبک بوغازندن حالطاسن [۸] آلوب هونا صامصون و چقیر نام صامصون برکره بو آتلی تاتارلره ارسلان کبی جمله ایدنجه تاتارلر بزم استمزه کلبکه رها بوله میوب بز دخی آتله سوار اولوب قول توفنکارلیله تاتارلر

[۱] ك : دمان [۲] س : دعا نیچه . پ : دعا نیچه [۳] س ، ك : خاکی
 [۴] ك : اویاتی [۵] پ : بشاق [۶] ك : چنکر مکه . پ : چکر مکه [۷] پ ، ك :
 حایقرمه [۸] پ : هالطاسن

ولایتلرنده صحت و سلامت ایله بوسامصون کابلرمله بنی صید شکارده کزدررکن [۱]
 صدکز سکا شکر اولسون دیو کوکل یولیده عالم اغیاردن بی خبر بکا آلود اولوب منت
 خدا ایدوب برجانبه توجه ایتدم اما صامصون کابلرمله هریری برر ارسلان بغداده
 بکزر ایدی حد ذائنده بیک الی بر تاریخندن الی دورت تاریخنه وارنجه له وچه
 وقزاق [۲] کافرستانلر بوقدر سیاحت و سفر ایتدک اوبله کابلری بردیارد کورمدم
 شبع [۳] شهر واسطه بکزرلر ایدی حتی نیجه متعصب کمنهلر واللهی اولیا چلبی
 قتی مردار سنکم کوپک بسلسن دیدکارنده واللهی برادرلر بن بر واعظ وناصح
 وصاحب سلوک وپیر پدشوا دیکیم عوامدن بر سیاح عالم وندیم آدم غریب الدیار
 بر کمنه یم بو کلب معلملر ایله صید شکار ایدوب کزهرم وکابلرده سهلجه
 حقیقت سزهرم اکر کلبده اولان حقیقت بنی آدمده اولسه قرق کونده بر آدم
 کامل صاحب عیار اولوردی وبو کابلرمله [۴] کزوب چادر جغمی و آتلی می
 هرکیجه بکادکلی بکا یتمر دیوجواب ایدردم بهی آدم کلبده نه حقیقت اولسه
 کرک همان آنلره وردیکک اکمکی فقرالره ویر یوخسه حالک الله قنده خرادر
 دیو نیجه متعصلر دیر حقیره [۵] زبان درازقللر ایدزلردی اصلا آنلرک اصوات
 جهیلرینی [۶] اجتماع ایتوب کبلر ونازی وزغرلر و آتله [۷] رفع سودا ایدوب
 اکلزک صید و شکاره کاهیجه مائل ایدم حکمت باری پالو نام صامصون کلب
 بو ولایت مسقوده اولقدر بیویوب سمیز وجسم اولدیکم کویا ولایت سیواسده
 شهر مرزیوانک [۸] و دیار مصرده جرحه [۹] شهرینک حمارلری قدر مفرت
 کلب اولدی حتی بلوغنه ارمامش بر غلام هر بار بو پالو نام کلبه بنوب بی باک
 و بی پروا بر ساعت قدر کتورردی چقان کلب یورولسه همان یطردی و اوغلان

- [۱] ک : کزدررسن [۲] ک : وچه وقزاقو [۳] دوغروسی (سبع) اولمیدر (م)
 [۴] دوغروسی (بو کابلر بنه) اولمیدر (م) [۵] ک : نیجه متعصلر حقیره [بونسخده
 (دیر) کله سی بوتدر یاخود دوغروسی (بو حقیرد) اولمیدر (م) [۶] ک : اصوات
 بی معنی لینی [دوغروسی] اصوات جهیلرینی اولمیدرکه مؤلف (ان انکرالاصوات لصوات الحمیر)
 نظم جلیله تامیح ایتمدر (م) [۷] ک : وزغرله [بونسخده (و آتله) یوقدز [۸]
 ک : مرزیفونک [مشهوری (مارسووان) در [۹] ک : جرحه . پ : جرحه

در بیان اشکال اسبجت و کرمن [۱]

بودخی مسقو حکمنده نهرتن کنارنده اغاچدن صارپ قله، در حطمانی یدی
 بیك، جنود جنبه مالك قومدر درون حصارده هر عمارتی موجود ومزین کرماندر
 حکمت باری هوالر معتدل اولوب ملت نصارا یلده بر بدنام کونلری [۲] اولوب
 جمله قله قپودانلری حطمانلری واعیان ولایتلری ایلچیه رجا ایدوب بر ایکی کون
 اوطوراق ایدوب بدآیین وکفر ضلالت وعیش ونوش طرب و عشرت ایده جک
 اولنجه جمله کفار کمیلردن آتلرن چیقاروب هربری سوار اولوب برر جنبه آت
 کز ندزمکه کتدیله همان حقیر دخی فرصت غنیمتدر دیوب خدامان ورفیقانلریمزه
 آتله سوار اولوب المان دیارلرندن برو طشدینم اوج عدد ایری صامصون کابلری
 دخی کمیدن چیقاروب ایکی مسقو کفره سی اهل بلد رفیق کفره لر آلوب صیدوشکار
 طریقله نهرتی بوز اوزره قرشو طرفه عبور ایدوب عزم راه ایتدک

در بیان سرگذشت سرانجام حقیر وفقیر وحقیت کلب معلم پالووه

هونا [۳] وحقیر

نام اسد مثال کلبلری زنجیرلرندن یدکه آلوب اوج عدد دخی کلب زغرلر دخی
 شکار آره یراق دشت وهامونی کشت وکنذار ایدرکن آت اوزره بوحقیرک کوکلنه
 کلدیکم الهی پادشاهی ومولایی بوعد کتربکی ۱۰۷۴ سنه سندن برو بو ۱۰۷۶
 سنه سی آخربنه وارنجه اوج سنه ده ولایت المان وولایت دونقارقیزوولایت دانیمارقه
 وولایت اسفاج وولایت نیمچه وولایت فلبنک وولایت چه وولایت قرول وولایت له
 وولایت اردل وولایت افلاق وولایت بفسدان وولایت قریم و ولایت داغستان
 وولایت عجم وینه ولایت چرکزستان وولایت هشدکستان وولایت قائمستان وولایت
 مسقوستان بواون طقوز باره ولایتلری صحت وسلامته سیاحت ائدردک بیك بیك
 سکا حمد وشنا کم بو قدر کافرستانده نبی بر آن مشوش الحال بی درمان اتمیوب بومسقو

[۱] ك : اسبجت کرمن . پ ، س : اشجت کرمن [۲] ك : مات نصارانکده بر

بدنام کونلری [۳] س ، ك : وهونا

اوصاف قلعهٔ عظیم طوقای کرمن

بودخی نهر تن کنارنده شکل مسدسدن طولانی اغاجدن کرمان متیندر کم باشقه
 حطمانلق و قپودانلقدر کم نهر تن دوکوب یوز پاره اوروس شایقه کیلری قره‌ده دورر
 ایدی بودخی اول و آخر مسقو قرالنگدر بوقلعه‌دن دخی طوپلر و توفنکلر آتوب
 شادمانلر ایدوب ضیافت عظیملر تناول اولنوب اچییه و حقیره قپودان و حطمان
 وافر هدایالر و یروب بونده دخی غیری قزاق کیلری . ضرلمشلا اما کوچک قلعه‌در
 ایچنده اللی قدر ساز و قامشدن اورتولی دارمنحوسلری وار اوچیوز قدر ایچ
 حصارقولی وار طشره حصار یینه نهر تن کنارنده اوچ بیک اولی ویدی کنیسه‌لی
 و اوچیوز قدر دکانلی شهردر بونده دخی شدت شتادن باغ و باغچه یوقدر اما اورمانلری
 و مشبک بوستانلری غایت چوقدر و محبوبی و محبوبه‌سنه نهایت یوقدر بو طرف مسقو
 کافرلرینگ باشقه لهجه ایله کلانلری وار (اما اسملری بوکونه‌در) [۰] (درنامهای
 اسماء کافره زانیه اهل عصیان) ...

بوقلعه‌دن دخی علی السحر یینه قزاقلره بنوب موافق ایام مساعد ایله رعد وار کیدوب

اوصاف موژقرو کرمن

بوقلعه دخی نهر تن کنارنده مسقو حکمنده ایکی بیک عسکرلی و باشقه حطمان
 و قپودانلی چار گوشه قلعه‌در بوکرمنده الیه برقالق آتی کروب آتی کیه قیوب
 حفظ ایتدم اما نیجه کره بنک واقع اولوب معظم صولری یلدرم کبی یلدروب قرشو
 طرفه چقاردی و خصمه امان وزمان ورمیوب چقاردی [۱] و اوکنه بر خندق و بردره
 کلسه کندویی قرشو طرفه جیران کبی آتاردی حقا که آغرماق کخیلان تاتاردی
 و بو محللرده حمد خدا هوالر سهل معتدل اولوب نوروز من کلدی [۲] اندن یینه کیلره
 سوار اولوب بوز دریاسی اوزره برق هاتف [۲] کبی کیدوب

[۰] بونسخه‌ده یارم سطر ، پ نسخه‌سنده بش سطر آچیق وار [۱] س، ک : چتاردی

[۲] س ، ک : معتدل اولوب یوزمن کولدی [۳] دوغروسی (خاطف) اولمیدر (م)

دمرني مزراق کي حاربهلري وار کيلري حصير يلکنلر ايله يلدرم کي شقيوب کيدرکن ايامنه کوره کيلرک باشلرن دوندرمک ايجون بوايکي کافرلر اللرنده کي حاربهلري بوزه اوروب کينک باشن مراد ايدنکلري بيره چويروب کي بي بوايکي کفره اللرنده کي حاربهلر ايله قوللنورلر واکر کي دورسون درسه کينک باشنده کي قيسالغنده ايکي یرده ات کله سي [۱] صغر دلکار [۲] وار همان مذکور کفره لر اللرنده کي حاربالی کوندر صرقلری اول ايکي عدد دلکاره صقوب نيچ، صرقلری بوز اوزره اورلر سه صرق حاربهلری بوزه صاپلنوب کيلر دوره قالب يلکنلری اولان حصيرلری صاروب صارمالازلر واکر ايام روز کار مخالف اولوب مران ايدنکلری یره کيلری بوز اوزره کتمک محال اوله [۳] ويا خود اصلا روز کار اوليوب سره مند [۴] هوا اوله [۵] هر کينک انار اون بشر قدر کشتی بانلری اللرينه اول اوجی حاربالی صرقلری آلوب کينک ايکي يانلرينه کفره لر اياق اوزره ديزيلوب اصول و آهنکه آغاز ايله «ياژوژ وياژوژ ماريه قوت خرستوسی ايانيقو اياقاشو اياشوپ ني قوله و ايا دوستو» دبيرک صوت اعلا ايله فرياد ايدهرک اللرنده کي حاربهلری بوزه اوردجه حصير يلکندن زياده کيلری قوش کي اوچار زيرا کيلرک آلترلی صافی دوموز ديشلره بطروب دزاشدرم التي بلور کي بوزدرياسيدر کي دور ايلردی [۷] جمله عسکر والچی وحقير جميع توابع بلواحقا تيريمزله و جمله بارو بنکا هلميزله بوکمی قزاقلر ايجنده اوطوروب آتشلر باشنده کباب چويروب کفره لر خورلقه راقيلر پيوومد [۸] صولری ايجوب کيلر خاجلی پيکرلره زين اولوب طوپلر و توفسکلر آتوب شادمانلق ايدهرک اول ببلور کي بوز درياسی اوزره قتي يابدن اوق جيقار کي کيدرک حمد خدا بنم کيم يلدرم کي کيدردي اما قاتق شاهي ويرديکي قيون و صغر و عمر بهلرک کيلری سهل کرو قالردی اندن اولسون ايام ايله کيدوب

[۱] س : آرته سی [بويله حرکه لئشدر] [۲] ک : دليکری [۳] ک : اولسه [۴] س ،

ک ، ط : سردمند [۵] ک : اولسه [۶] پ : ووشتو [۷] س : دور ايلری . ک : دورغورری

[۸] ک : پيوومد . پ : پيوومدن

طلوعی غایت قریب اولدوغندن آت ایله کچیلر دیدیلر اما بو محله دوکمش ایدی طغیان ایله کلدکده بو تن صوبی آت ایله کچلمزمش اما بو محله ایچمک ایچون بوزی نیجه یوز بیک یردن دلوب صو آلرلر آب حیات نهردر و دخی تا شهر اژدرخاندن و قلعه ترکدن تا بو محله کلنجه کوچک هیهات سحراسنده کرمن یوقدر جمله قوم قالمق قنوب کوچرلر اندن بو قلعه پراس کرمن حطمانی بشیوز عدد توفتیکلی عسکر اچییه امداد ووروب جمله حکمنده اولان رعایالرك بوغازلرنده دمر توفتیکاری و آیاقلرنده دمر میخلی چارقلرن کیوب هیهات سحراسی بوزی دریایی اوزره دمر چارقلی کفره لر قیش کورکلرن کیوب، خورلقه راقیلرن ایچوب بوز اوزره جیران کبی سکوب خدمت ایدرلردی قلعه خطمانی دخی اچی خاطر ایچون عسکر یله بیله کیدردی . . . (*)

در بیان بهرت نمای تماشای عجایب و غرایب قزاق کیملری

بو هیهات سحراسنده دوکان بوز دریایی اوزره آت و آدم و حیوانات کتتمک محال اندر محال اولدوغندن قوم مسقو کفره لر ی بر کونه قزاق کیملر پیدا ایدوب قیزاقلرك آلتلرنده کی قالن کریش اغاجلره جمله دوموز دیشلری و صغیر کیملری و . . . (**)

صغیر بوینوزلری قاقوب قزاقلر بوز اوزره کوچیله دورر همان ذره قدر بهانیله قزاق کیملری اوچغه بقر جمله قزاقلرك ایکیشر و بربر سرنده [۱] چام درکلرنده سازدن و قامشدن اورولمش حصیردن یلکنلری وار وهر قزاق کیده یکر میشر اوتوزر آت باغلیه جاق اصطلب مثال آخورلر و او جاقلی متعدد تختدن چاتلش اودالر و مطبخلر و ایاق یوللری آماده قزاق کیملردر اما بوز دریایی اوزره اولاق ایله بو کیملرک نه دومتی و نه کورکلری و نه کور کیملری وار آنجاق حصیردن یلکنلری قولنمغه کیسنه کوره بشر اونار عدد بادبان کار کافرلری وار لکن هر کینک ایلری باشی اولان قیالنی اوزره ایکیشر کفره اسکمله کبی تختلر اوزره اوطوروب ایکیسنک دخی اللرنده اوزون صرقلر اوچنده دمر (*) پ نسخه سنده اوج سطر آچیق وار [۱] ک : ایکیشر و اوچر برلرنده (**)

نسخه سنده آچیق یوقدر

کرمین کافرلینیک اولرندن طشره چقماغه اقتدارلریمز اولمادی زیرا
 اربعینک و شتای زمهریرک ناعین الفلعلنده [۱] اولوب اقلیم سابعده اولماغیه
 شدت شتادن یرلر چاتلایوب اره لری غیا دره سی کچی اولوردی هله هر نه
 حال ایسه ژبوه کرماندن قالقوب جانب غربه تن کنارانجه کیدرکن بعضی محله تن
 صوی بوزی چتلا یوب هیهات سحراسن بوس بتون تن صوبی غرق ایدوب دوکش
 بللور و نجف و موران کچی هیهات سحراسی مجلا بوز اونوب نه عربله ریمزونه آتلیمز
 و نه پیاده آدملریمزک یورومکه اقتدارلری اولوب حاصل کلام هر نه حال ایسه
 درد و بلا و رنج و عنا چکرک اولکون یورویوب

اوصاف پراض کرمن

بی تاب و بی مجال بو قلعه یه جان آتوب سلامتیه داخل اولدق اما قالمق طایبی
 شاهنک وردیکی قیونلردن و صغرلردن بوز اوزره چوق حیواناتلر قلوب فی الحال
 پراض کرمان خطمانی بش آلتی بیک کفره لر ایله قزاقلرن آلوب هیهات سحراسی
 بوزی اوزره قزاقلر ایله قوش کچی اوچراق کیدوب وقت غروبده جمیع قالن آتلی
 و حیوان صغرلری قلعه یه کتردیله بر کون بو قلعه پراض کرمنده اوطوراق
 ایدوب صفا اندک قلعه خطمانی الچی بانی یوللغنه تدارکار کورمکه مقید اولدی
 اما بو قلعه غایت متین اغاج قلعه در اول و آخر مسسوق قرالی حکمنده در نهر
 تن کنارنده شکل مربع بنای متین اولوب جرمی کامل اوچ بیک آدیمر و ایچنده
 بیک عدد ساز و قامش اورتولی اولدر و جمله صوقاقلری شطرنج نقشی طرح
 اولمشدر و بیک قدر قزاق و بیک قدر هشدک تاتاری قولاری وار و بش آلتی
 کنیسه و الی قدر کور کچی دکانلری و بر عذد خانی وار و اوچ عدد بال یمز
 طوپلری و غیریلری شاهی طوپلردر حتی بز الچی ایله قلعه یه کادکده عظیم طوب و تفنک
 شادمانلری ایدیلر و بو قلعه دن طشره مصنع اولان [۲] فالق تانارلری اوبالریله
 قنوب بو قلعه یه کلوب آلی صاتی ایدرلر و بو محله نهر تن آذرر زیرا ابتدای

[۱] س ، ک : عین الفعی [۲] س : مضع اولان [ک نسخه نده بو ایکی کله بو قدر]

استماع اولنوردی زیرا بو محله نهرا دیل قرق الی میل انلیدر انکیچون قرشو قلعه لک طوپلری صداسی کوحیه کلیردی بو قلعه لری عین الیقین کوروب اسماری معلومزدر اما علم الیقین وحق الیقین حاصل ایدوب ایچلرینه کرمدی کرمردن اسماری [۱] واشکالاری تحریر اولنادی اندن اون برنجی کونده جانب شماله کیدرکن

منزل کنار نهیر عظیم اولوتن

بو محله نهیر ادل ارتق کرو آر دیمزه قلوب نهیرتن کنارنجه قنوب کوچکه باشلا دق بو نهیرتن تا ولایت مسقووک . . . ولایتی داغلرندن بروکوب مقدمابالاده تحریر اولنان (تورک اوزو) [۲] نام قوندوغمز محله نهیر ادیل ایله ماینلری برقناق قلوب عثمانلی نهیرتن ایله نهیر ادیلی بربرلرینه مخلوط ایدوب خندق عظیم قازدقاری محله قریب نهیرتن اوغرایوب بو محله

ژیو کرمان [۳]

آلتندن جریان ایدوب بعده الیوم [۴] جانب غربه آقوب ازاق قلعه سی دیننده ازاق دکزینه طقوز بوغازدن مخلوط اولور بوژیوه کرمان قپودانی وخطمانی الحیه الای عظیمه قرشو چقوب قلعه یه کیررکن خلیجه طوب شادمانلری ایدوب الحیه عظیم ضیافتلر اتدی بو کرمن دخی نهیرتنک طرف شمالنده در قرشو طرفی ازاق قلعه من خاککی اولوب کوچوک هیات سحر اسیدر بوو محله نهیرتنک عین ویساری اولیه اولو اغاجلی اورمانلردرکم یایان آدملردن غیری وخنزیر وقره جه حیوانلرندن غیری بر مخلوق کیره من بوو محله نهیرتن هیات سحر اسن ایکی بولمشدر حکمت باری یاری قیلوب بز بوژیوه کرمان قلعه سنده مهمان ایکن اول کیجه بر شدت شتاوریح عقیم پویاز روزکار زورکاری اسوب بامرالله تعالی نهیرتن صوو قدن منجمد اولوب استندن نیجه بیک عربلر وقیزاقلر کچمه که باشلیوب جمله قوم کفارک یوزلری کولدی و بوزلری چوغالدی اما بر شدید صوو ق اولدیکم ژیوه

[۱] دوغروسى (مسهاری) اولمیدر (م) [۲] ك : تورک اوری [۳] ك : ژیوه

[۴] پ : بمدالایوم

آتك دريليدر حتى كوملكرى و دونلرى بيله دريدر اما نهدريدركويا بياض ختاي كاغددردندن طائيش شاه واوغلى مويحاق شاه وانك اوغلى قودال الپ ودارالپ وقولات [۱] الپ واولقوى [۲] الپ ووصولى الپ واپي [۳] الپ وغيرى مرزاليله جمله وداالشوب قورتولدوغمزه يوز بيك حمدوشنا ايدمرك جمله مسقو عربهلرن طبور كبي كورن چاتوب طوبلرئميزايلرى وكرى آماده ايدوب جمله مسقو عسكريمز پرسلاح آت باشى برابرينه قالمىغستان ايجره بركون شمال جانبنه هيئات بي پايان ايجره سكردوب (نهر اديل عظيم) كئناننده مكث ايدوب حمد خدا اولكون اول كيجه جمله عسكركله يوزاللى پاره كميلره سوار اولوب نهر اديلك قرشو طرفنده كى كوچك هيپاته قدم بصوب سهلجه قوم قلماخدن امين اولدق اما ينه هشدك ونوغاى قومى بونده چوقدر بونهر ادل كئناننجه اون كون كامل مسقو قلعه جكلرنده قونا كوچه پكچه پكچه يورويرك كيدردك اما نهرتن كئناننده اولان قلعلرى جمله آغاجدن متين قلعلردر زيرا بونهر اديلك بو محللرينك ايكي طرفلى داغلى واورمانلى اولدوغندن قلعلرى جمله اغاجدر اولا (شيوه كرمن) اندن (هولو كرمن) اندن (قپوشه [۴] كرمن) اندن (صونهو كرمن) اندن (قارينه [۵] كرمن) اندن (پولوشه كرمن) اندن (وسيلو كرمن) اندن (محال كرمن) اندن (اشقى [۶] كرمن) اندن (قاپوسه كرمن) بواون پاره قلعلرك جمله حطمان وقپودانلرى باشقه باشقه در وهربرى بشر التيشر بيك عسكركه مالك ايجلرنده قوم هشدك مسلمانلرى دخى واردر متين قلعلردر لىكن كوچوك كرمنلردر ايجلرنده برر ايكيشر كلسهلرى وچارسوى وبازارلرى وار ما كولات ومشر وباتلرى بالق راقى [۷] وبوزادرغىرى ميوه وسائر ما كولاتلرى نادردر اما قيونلرى وخنزيرلرى چوقدر بواون پاره كرمنلردن اچيه اون بيك قدر صغرلر وقيونلر هدايا وروب هرقلعهده قونجه طوب شادمانلرى ايدرلردى اما بو قلعلرك قرشو وادلك اوتة طرفنده عظيم قلعلر كورينوب انلردن دخى طوب شادمانلرى صداسى كوچيله كاوب

[۱] ك : قولاب [۲] ك : القوى [۳] ك : بانى . پ : بانى [۴] ك : قاپوشه [۵]

ك : قادينه [۶] س ، ك : اسقنى . پ : اسقنى [۷] ك : عرق

بونلر دخی ظلماته وارنجه ویکي دنيانك براوجنه وارنجه حکم ايدرلر اما دخی يکي دنيايه هنوز قدم بصوب قلعهلری یوقدر بو مسقو کافری حقهنده بهض مفسرين ومحدثين بنی عصفردر دهشلر زبرا بو حقیقک واردیني موزق [۱] ولایتی مسقو کفره لرینک کوزلری دخی قالمق کوزلری کبی کوچوک کوزلی موزق کفره لریدر حضرت علینک کلام دربارلری اوزره وشام شریف صالحیه سنده مدفون محی الدین العربی حضرت ترینک فصوص سنده [۲] بیوردقلری (یا بلادالری ویا بلادالصلعات احذر عن صفار العیون من نفسه) [۳] دیو اشارت بیوردقلری بو قوم مسفور قوم قالمقدر [۴] دمشلر والسلام اما اخوان باصفای مستمعینه شویله معلوم سعادت اوله کم اگر بو قوم قلماغک انواعن و اوچ کره مسقو دیارن نهب وغارت ایدوب بلدی کمز و آکلادیغمز مرتبه بو ایکی قومک احوالاترن ماوقعی اوزره تحریر ایله سک خدایه عیادر مجموعه نامطبوعمزم باشقه بر جلد کتاب اولور بو قدرجه تحریر ایله اکتفا ایدوب الحی بک ایله ازاق ولایتی طرفنه چتمماغه سعی ایدرکن طایسی شاه قالمیغک سفره کیدنلری یحساب مال غنایملر ایله کلوب جمله قالمق سرورلرندن چکنه [۵] دستور و یروب عزم راه محانده بو حقیره طایسی شاه و اوغلی موینچاق شاه ایکیشر آت و ایکیشر صغن یاورولری دریسندن ختایی کاغدکی مجلا ورقیق کورکلر و ایکیشر عدد نوغای وهشدهک اسیری غلاملری احسان ایتدی و رفیقلمه ده همچنان برر طون صغن دریمی کورکلری و برر رأس آتلر وردی و الحی بانه (السخی ماملل) [۶] دیوب اون بیک قیون ویش بیک صغر وردی زیرا آنلرده اچقه پول وغیری متاع اصلا یوقدر یدکاری آت کیدکلری

[۱] ك : موزوق [۲] ك : فصوص نام کتبه بنده [۳] بو عباره یا کلیدلدر دوغروسنی بولاق ایچون شیخ اکبر حضرت ترینک (فصوص) نه مراجعت ایتدم ایکی کره سوزدم نه بو عباره ، نه ده بوکا بکزر بر شی کوزمه ایلدشمندی اگر عجله ایتدسه ، اگر کوزمندن قاجدیسه بو عباره فصوصده یوقدر . حتی (فتوحات مکیه) یه ده شویله بر قوش باقیشی باقدم اونده ده بویله بر عباره کورده مدم (م) [۴] ك : بو قوم مصقو و قوم قالمقدر . س ، ط : بو قوم مسقو و قوم قالمقدر [۵] ك : الحی به [۶] ك ، ط : السخی ماملک [باقیسه (السخی من ملک) اولمیدرکه (الجود من الجود) کلامنه یاقیندز (م)]

وهر طایسی بشر کره واونار کره یوزریک عسکره مالکاردر انسانلری و آتلی
 ولسانلری بربرینه بکزمنز وهربری برکونه مذهبهدرلر حکمت خدا آتلی
 غایت سمیز ویره یقین قصه ایاقلی واکوز بلسکلی وطرناقلمی اوزره بر ییولری
 یعنی طرفقلری چتال اولمغه یقین اولمش اماینه چتال دکار صمون اکمکی قدر
 ایری طرفقلری وارد و قازنلری یره سورونمکه یقیندر واکلری و آردلری
 غایت واسعدر وکردانلری اوکوز کردانی کبی قیصهدر وبله لری غایت جوق
 اولوب یرده سوروز جوق صاجلی وکوجلی وقوتلی آتلدردر وقویرتلری بش
 آته قویروق اولوب یرده سوروز قالین قویروقلری وارد و آغزلریک ایکی
 یانلرنده بر آزو دشملری کبی آغزندن طشره چقمش دشملری وارد انلر
 بربرلیله جنک انسهلر اول دشملریله بربرینی هلاک ایدرلر انکیچون بوقالمقلر
 آتلینک آغزلریله اول دشلردن کم اوره میوب کم یرینه دزکنلری دمر حلقه لری ایله
 آتلینک بورونلریله کچوروب آتلی بورونلردن ضبط اولوب دزکنلریک بر
 اوجلری دخی ایکی اوزنکیلریله باغلی اولوب دزکنلری جمله قالمق ایاقلریله قوللنوب
 ایکی اللریله سلاحلرن اجرا اتمکه مقید اولورلر اشدده آتلینک اشکاللری دخی
 بویله در اما اوج کون اوج کیجه یمدن ایچمدن یورطوب سکردر آتلدردر اونار
 اونار بربرلریک قویروقلریله باغلی اولوب بورونلریک قلاقلری [۱] جمله پچاغیله
 یارلمشدرکم حین یورطومده آتلیصلوقلریله [۲] آلوب راحت سکردوب بورونلری
 غزلدا یوب [۳] دشمنلری دخی لب نشتر دیشن [۴] استمرلر [۵] انکیچون جمله
 آتلیک بورونلری یارقدر حقا که قوم بنی عصفیر [۶] آتلیدرر و جمله اهل
 مفسرین و علمای تاتار قوم بنی عصفیر بوقوم قلماخدر بو قوم قلماخ دخی اولمسه
 قوم مسقو کافری دخی جمله دنیایی قبضه تصرفه آلدی آنلردخی یجد و بی پایان
 ملت مسیحیه نصار الیدرکم تحت حکومتمده اون سکز پادشاه بان وقرال ساکنلردر

[۱] ک نسخه منده برنجی قانک اوستنده اوستون وار (م) [۲] ک : صلوقلری
 (۳) ک : غزلدا یوب [۴] ک : آت نشردیسن . پ : آت نشردیسن [۵] دوغروسی
 (استمرلر = ایشتمزلر) اولمیدر (م) [۶] ک : اصفر [بوندن سوکره کانلرده بویله در (م)]

اونه كُن [۱] = ادبده آم [۲] اوكن = قز اودان = سكوت اغاجي
 اوله سن = قواق اغاجي صورتون [۳] = كوله صاره = آي نازن = كونس
 اودون = يلدز مندوتاق [۴] = سلام عليكم تاومندو = عليكم السلام
 تلوغوی منی [۵] = باشی زرخلی قیورمنی [۶] = قولاقلر چکی منی [۷] = دیش
 اوک [۸] قویسن دودمنی = ایکی کوزلر چوک [۹] قیورسن = بورون
 قامبارمنی = قاشلر آمه منی = آغز قاز کول منی = قوللر و آباقلر در جداو [۱۰]
 = مزراق قازار = آت اویانی یعنی آت کمی طوغول = آت اگری جدا و ماله قات
 = مزراغمی کتر [۱۱]

نیجه کره یوزبیک کونه الفاظ مهله لری واردر اما موینچاق شاه قاللق وطایسی
 شاه قاللق قوملریله نیجه زمان قنوب کوچدیکمز اجلدن آنلرک لسانندن برقاچ لغت
 مستعمللری بو محله تحریر اولندی اکر اون ایکی عدد قاللق شاهلرینک لسانلرن
 تحریر ایله سک مجموعه مز بر قاللق نامه اولور حاصل کلام بالاده تحریر اولنان
 قوم قلماخلرک [۱۱] هریری بر کونه لسان ایله تکلم ایوب بر لرلینک لسانلرن
 اصلا آ کلاملر جهانی دوتمش قوم عظیملردر تاجین و ماچین و فغفور و ختاوختن
 و ولایت قزاق و ولایت زنان و ولایت کلب شران ولایت ظلماته و ارنجه آندن
 کوه قافه و سدیلاجوج مأجوجه و ارنجه مستولی اولمش قوم بی عصفردر [۱۲]
 و بو مذکور اون ایکی قوم قلماخلرک پادشاهلریله طایسی دیرلر مثلاً قرم خانلریله
 کرای دیرلر آل عثمانه خنکار و سلطان و قیسر [۱۳] و پادشاه دیرلر بونلر طایسی
 دیرلر اما جلد آ بیوک و محتشم موینچاق شاه و باباسی بیوک طایسی شاهدر اما دخی
 بیوک طایسی شاهلری قبارطای چرکملری قتل اتدوکی بالاده تحریر اولمشدر

[۱] س ، ک : اونه کن [۲] دوغروسی بر نقطه لی ب ایله (ادبده آم) اولمیدر .
 فقط (آم) دیدکن صوکره (ادبده) کله سی کولونج اولویور (ادبده فرج) یاخود (ادبده کس)
 یاخود (قادیئرک اوراسی) دیسیدی ده خوش اولوردی (م) [۳] س ، ک : صورتول
 [۴] پ ، س ، ک : مندوتاق [۵] پ : تلوغوی منی [۶] پ : قیورمنی [۷] پ : چکی منی
 [۸] پ : اوق [۹] پ : چوک [۱۰] ک : جداو [بزم طرفلرده (حیددا) دیرلر (م) *] پ نسخه سنده
 سکنز سطر آجیق وار . [۱۱] ک : قالقلرک [۱۲] ک : بی اصفردر [۱۳] ک : قیسر

ساکن اولوب اصلا بونلرده اخشام اولمازمش همان بر مظلم هواجک اولوب صباح اولورمش اما کونش دخی زمینه و خلقه تاثیر ایتز ایش اول اجلدن اصلا اکنلری اولیوب همان حیوانات اتلری یرلر ایش خلاصه کلام بوقوم قالمق اون ایکی پادشاه و اون ایکی لسانلری وارکم بربرلرینک لسانلرندن بر حروف و بر لفظ لغت آ کلاق احتمالی یوقدر حقیر بو اللی بر ییل سیاحتده اون سکز عددسکه و خطبه صاحبی پادشاهلق یرلری اقالیم سبعة کشت و گذار ایدوب یوز قرقیدی عدد [۱] لسان جمع ایدوب قوت حافظه من سببیه هرلساندن برر شمه کلمات اتمکه استعدادم واردر اما بو قالمق لسانلری قدر مشکل و صامصون کلبی کبی کوم کوم صدالی حرف لامی و حرف میمی و حرف هاسی و حرف نونی چوق لسان مهیب استماع ایتدم

(دربیان لسان قوم قلماغ و بی باغ و یاغی [۲] و دانغی)

اولا بریمی حسابلرک [۳] عددی بویله صایلر نکن = ۱ قیور = ۲
 قریان = ۳ دوربان = ۴ تابن = ۵ دورغان = ۶ دولان = ۷
 نائمان [۴] = ۸ یسن = ۹ آربان = ۱۰ آربان نکن = ۱۱ آربان
 قیور = ۱۲ آربان قوبان [۵] = ۱۳ قورون = ۲۰ غولر = اکمک
 اوصون = صو ماخان = آت قودوسون = چزمه مخه لای = قلیاق
 دبك [۶] = کورک بوسه = قوشاق قوطغا = بچاق نهاریره صو = کل
 اوطورسن مندره رصه [۷] = خوش کلدک ابوصون = اوللق بو = توفنک
 پوسورکه = چادر اولدی = قلیج تمون = یای اوزوغای [۸] = ایدپدکیر [۹]

[۱] ک : یوز قرق عدد [۲] ک : باغی [۳] ک : اولا حسابلرینک [۴] س :
 نایمان . ک : نائمان [۵] پ ، س ، ک : آربان قوربان [۶] پ ، س ، ک : دبل
 [۷] پ : مندره رصو [۸] ک : اوروغای [۹] دوغروسی (ابدیه کیر) اولمیدرکه
 مؤلف ادب دائره سنده سویلنیرسه آدی آدیله سویلنمیوب (کیر) دنیلور دیمک ایسته یور
 اصل تورکجه می (س ی ک) درکه علما آره سنده (س ک) دییه سویلنیر حتی بونک
 مصدرندن آلیتان فلارده (سینی کافه وورمش) دیرلر (م)

عظیم ایش حتی موینچاق شاه قالمق یاننده الی عددزنانه ولایتی عورتلرندن
 عورتلر وار ایدی حقیر کوردو کده (آیه) (لقد خلقنا الانسان فی احسن
 تقویم) آیتن تلاوت اتمد اما بنی آدمدن دوغورماز اما جماعی بو دنیا جماعنه
 بکزمز دیو موینچاق شاه کندیمی نقل ایدوب دلرسک بو کیجه بریله یاط دیدی
 حاشا لازم دکلدرد دیدم اما کویا یر نور مجسم و روح مصصور ایدی بونده
 اولان قد وقامت و لحم و شحم و جام کومش [۱] بر آق کردان و کوزلری
 ید قدرت ایله مکحل قرالی [۲] و غزالی چین آهوسی کوزلر و شیرین چغتاییسی
 سوزلری وارکم استعایدنک جکرن خون ایدوب خونیزلک آتمز هربار موینچاق
 شاه یاننده کوردکده کوزنده کبی [۳] اولمش آت کبی سراسمه اولوردم مکر
 ولایت زنانده بونلر هپ جمله بویلهلر ایش (بیکه طاییسی شاه) قالنی بونلر ایله
 جماع ایدرلرمش اما حامله قالمزلر ایش و کندولری نسللرندن ارکک آملری
 یوق ایش عورتلر قچان دوغورماق استسه بر عظیم کول وار ایش اول کوله
 یلده بر کره کیروب عورت بامرالله تعالی حامله اولوب وضع حملده ارکک دوغورسه
 باشی اللری آدم کبی اما کودهسی و ایکی قیچ آیاقلری کویک کبی اولورمش اما
 آنالرینه و قز قرنداش لرینه یینه کویکلر جماع ایدوب آنالری و همشیره لری حامله
 قالمزلر ایش بنی آدم دخی جماع اتسه لر همچنان یینه حامله قالمزلر ایش (درقید
 قودال طاییسی شاه قالمق) بو قوم یدنجی اقلیمک آخزندره قرانلق ولایتنه
 قریب (مدن حرات) [۴] نام ولایتده ساکن اولوب حد و حسابلرن الله
 رب العالمین بلر و هشدک قومی ایچلرنده اسیر اولوب دورمشلر انلر نقل اتدیله
 اندن (درصفت اولوبان قالمق طاییسی شاه) بو قومک ساکن اولدقلری خاگ عمرپاک
 بطلمیوس قدمال [۵] ارض بخالیه دیو اقلیم طرح اتمک ایله نامعلوم برخاک بی پایانده

[۱] ط : حام کومش [خام کومش ، جام کومش) او قونمشی ممکندر . جام کومش
 اولدیفته کرره هم جام ، هم کوموش خابیتتی حائز یعنی کوموشی زنکده فقط بلاور کبی پارلاق
 دیمکدر بوکا کوره بو مضمون (سوره نسا) دهکی (قواریر من فضة) لفظ شریفندن
 آیینمش اولور (م) [۲] : مرالی [۳] ک : کوزندهکی [۴] ک : مدن حزاب . پ :
 مدن حزاب [۵] ک : بطلمیوس و قدمال . ط : بطلمیوس قدمالی

بابای طایمی شاه نهر عظیم ادیلک اوته طرفنده بیوک هیهاتده ساکن اولورکم بو هیهات کبیر تا چین و ماچینه و ختا و ختن و قرانلق دنیایه واروب نهایت بولور بو صحرای هیهاتده بو مذکور ایکی پادشاهلر اوچر و دوردر کره یوز بیک جنک آور عسکره مالکلردر قالمق رعایالرینک و اسیرلری قوم نوغای و قوم هشدکک حسابلرن جناب باری بلور قوملردر (در وصف قرص طایمی شاه قالمق) نهر ادیلدن جانب شماله اوچ آیلق اوته واردیغمز نهر جایق کنارنده ساکن اولوب ایکی کره یوز بیک عسکره و آلتی کره یوز بیک عدد قونار کوچر رعایا نوغاه و هشدکه مالکلدر (در ستایش حقا [۱] طایمی شاه) نهر جایفک [۲] بحر خزره مخلوط اولدوغی محللرده ساکنلردر اما سائر قالمق کبی کوچر اولیلری آزدردر جمله شهره معظلمرده ساکنلردر ایچلرنده مغول و قوم بغول رعایالری اولوب اوچ کره یوز بیک عسکره مالکلردر (در مدح قوبا [۳] طایمی شاه) نهر جایفک اوته یافنده [۴] یعنی اوته طرفنده ساکن جمله بشکره یوز بیک عسکره مالکلدرکم بونلر مسقو دیارینه روس و اوایللا صالمشلردر (در ذکر دورومیت [۵] طایمی شاه قالمق) بو داخی جایق نهرندن جانب شمالده ساکن اولوب ایکی کره یوز بیک قالمغه مالکلدر اما موینچاق شاه قومی بو قدر رعایایه مالک اولدقنر بلیوب مصقولر دخی بلدیلر آندن (در فصل کولک دلن طایمی شاه قالمق) بونلر بالق دشلی چیقان کول یانلرنده ساکن اولوب آج زاج کزوب اوچ کره یوز بیک لشکره و ایکی یوز بیک رعایایه مالکلدر زبون قومدرلر آندن (در حق بقر [۶] قالمق طایمی شاه) بونلرک حد و حسان قالمقلر دخی بلیوب انکیچون عدلری تخریر اولنمادی اما تاشالک نهایتنده بحر محیطک کنارنده ولایت زنانه [۷] وارنجه صحرا نشینلر ایمش (بیکه طایمی شاه قالمق) لسان مغولیده (بیکه) عورتلره دیرلر بو قالمق تا عورتلر یعنی زنان ولایتنه حکم ایدوب بو قوم عجایب و غرایب قوم [۱] پ ، س : چقار [۲] ط : جایفک . ک : جایفک . پ : جانفک [۳] پ ، س ، ک : قوبا قالمق [۴] ک : یاننده . س : یاقنده [دوغروسی (یاقنده = یاقه سنده) اولیلدر (م)] [۵] ک : دورومیت . س : دورومیت . ط : دورمت . پ : دورومیت [۶] ط : درحق بو قالمق [۷] پ ، ک ، ط : زنانه

يا جوج و ماجوج مفسدون فى الارض) نص قاطعى فرمانيه سد اسكندر داغلرن
 جميع معادنلردن بنا ايدوب قوم قالملغك (يلدراق داغ) ديدكلرى سد يا جوجدر
 بعده اسكندر بونلرك كعبه ديدكلرى قبه يى بنا ايدوب جميع حكماى قدهماى كهان
 علمالردن بقرات وسقراط وفيلقوس [۱] وفيلسوف وفيه قوس وپادره ورستطاليس
 وافلاطون الهى و قباغورث [۲] توحيدى نام حكما لرينه مطلبسات غريبه و عجبيه لراتدروب
 حضرت خضر ك تعليميله بو قبه انشا ايتدروب اسكندر ك جميع باسلكلرى و كبرى [۳] و
 دخهلرن بو طوج قبه ده پنهان ايدوب مطلبساتلر ايله مؤكللر تعيين ايلوب بو قلمقلره [۴]
 كلات ايدلر [۵] الله اعلم ورسوله مؤكل اولان خدامان عفاريتلر درودخى (چلدراق طاق)
 ديدكلرى بالاين داغلر [۶] سد يا جوج و ماجوج داغلرى اوله و دخى دده لر يزمه
 اسلرى [۷] اولداغلن كلن صدادن چتلايوب بابالريمز هلاك اولدى ديدكلرى يا جوج
 قومى صدىسى اوله اما بو قوم قلماق بهايم مقوله سى اولوب كتابى اولماق ايله كعبه
 ديدكلرنده اولان عجايبات و غرايبات علاماتلر نه ايدوكن بلز [۸] (دربيان عدد
 انواع قوم قلماغ) بونلر جهانه مستولى اولمش و جهانكبر اولوب روى ارضى
 دوتمش اون ايكى عدد پادشاهلردر بو بزم الحى بان ايله بولشدوغمز طايبى شاه
 و اوغلى موينچاق شاهلردر كم موينچاق شاه بو كوچك هيهاتده دائما ساكندر اما

مؤلفمز اولياچلى هر نه دن ايسه قالملرك يالان سويليه جكلرينه بك ايتامش اولديغندن مذكور
 اويدورمه كعبه يى عقلاً حل ايتمه اوغراشيور نه وهت قلملر يالانچى بر قوم اوليه ييليرلر
 فقط هر فرديك اصلا و قطما يالان سولامسنه حكم ايتك دوغرو دكلدر معصوم اولميان
 هر انسان اولق اعتباريله بعضاً هر نه سيبه مبنى ايسه يالان سويليه ييلير و باخصوص كه بو ايشك
 ايچنده قالوقلرك بر منفعت مليه و سياسيه سى و ارايسه اوزمان بو يالان سويله لرى ضرورى
 حالى آلير . مسلمان اولان هشدك اسيرلر نه كلنجه زوالى اسيرلر فصل اولورده قالوقلرى
 تكذيب ايديه ييليرلر . عبادجاره قابرسه بو مسئله تماماً قالوقلرك اويدورمه سى و تعبير ديكمله
 آباو اجداددن قلمه اسطوره سى و خرافه سيدر (م)

[۱] : فيلقوس [۲] ك ، ط : فيثاغورث . پ : فيثاغورث [۳] ك : و كزى
 [۴] ك : بو قلمقلر ايله [۵] ك : ايدنلر [۶] ك : ديدكلرى يلاب يلاب ايدن داغلر
 [بالابين) يرنده (يالايچق) مصدزلردن (يالابين) اولق دها مناسبدر (م) [۷] پ ،
 س ، ك : و دخى دده لر يزم باغلرى [۸] ك : نه ايدوكن بليوب باطل سوزلره دوش اولمشلردر

(حاش [۱] من السامعین) اما حقا که حقیقت الحال بو جهانی کشت و کذار ایدوب اسکندر کی آب حیانه واران بو قوم قالمقدر کسب [۲] هواسندن اوچ دورت یوز یل معمر اولوب دنیایی کروب دوران سیران ایدن بو قبیله قالمق و قوم کفره یرتقالدر لکن یرتقال کافری بحراً بو قالمق ناناری برآ سیاح عالمدر کم بو ایکی طائفه نك بو ایدیم ارضده قدم باصماد قلمری یر یوقدر حتی بو قوم قالمق چوق پادشاهلق قوم اولماق ایله قرانلق دنیانک آردنه واروب یکی دنیایه کیدر لر حالا یکی دنیا قومی دخی بو قوم قالمقدن خوف ایدر لر مش حقا که سواح [۳] عالمین بو قوم قالمقدر اما بو عبد کترک عقل قصیر یله قالمق قومنک کعبه مز دید کلمری مذکور طوج قبه اسکندر ذوالقرنین ظلمانی کچوب اربور دنیایه قدم بصوب کوه قاف ذاتنه [۴] سد یا جوجی امر حق ایله سورذ کهنده (قالوا یاذا القرنین ان

[۱] ك : حاشا [۲] دوغروسی (آب) اولمق ممکندر (م) [۳] ك : سیاح [۴] ك :

یاننده (دامنده) اولمسیده ممکندر (م)

برعالمک : فضیلتی :

س : نسخه سنده (در جواب تحقیق اشکال ...) سرلوحه سنک بولندیقی صحیفه نك کنارینه سوکره دن چیرکین برتعلیق ایله شو عباره یازلمشدر : اگر سیاح چلی زوقی ایچون بو حکایه ی بتمدی ایسه بوقالموق مزخرقات مهملا نك کندیکی محل مقوا ایچنده سبیریا اولکهمی شرفنده ناین بوندیله بوزدر یاسنه واروب بعده قطب شمالی الترنندن سرور و یکی دنیانک غرب شماله دخول وعقاب قوشلری حکایه لرین رؤیاده کوروب و کچوب شیطانک اضلال محلی اولان محله واریر و لکن یلان اولمسی افریدر زیر او محللر قدر ایوجه معلوم دکل ایسه ده بورونبده مجهول دکدر درخی نیجه نیجه مخطوراتی وارد راز باب عتوله معلومدر کتبه علی بن حسین بن محمد حافظ کتب اندرون هایون « سنه - ۱۲۰۵ »

ایشته ارباب عقولدن اولان حلال مشکلات حافظ کتب افندی نك ۱۲۰۵ ده یازمش اولدیغی حاشیه درکه املاسی تماماً بویله در الی قلم طو تانلرک ضعفاسندن اولان زوالی مرحوم شو حاشیه سنده بر چوق کله نك املاسی یا کلیش یازمش اولدیغی کی ا کلاش یلمعاز کله لر ، معنا چیقماز عبارهلر ایجاد ایتمشدر . بو ذات شریف مذکور نسخه بی تماماً او قومش ؛ نقطه سیز کله لرک بعضیانی نقطه لامش . بمضاده حرکت سیزلی حرکتش وارد صره باشقه نسخه ایله یا مقابله ایدرک و یاخود عقلنه اسه رک بر طاقم کله لری چیزمش ؛ برینه باشقه سنی یازمش و بعضاً قازیمش باشقه بر شکله قومیشدر ؛ برکت و برسور که بوهمی بعض صحیفه لرده برایکی کله به منحصر قلمشدر برده اسکی کله بی سیاه مرکبه بالکنز چیزمکه اکتفا ایتمش ده او قومنامه حق بر حاله کتیرممشدر

کمیلی چیندن [۱] کلوب له ولایتنده دانسقه اسکله سی شهرینه کیدرکن بوزده قالملر کافرلی بوز اوزره کز لرکن بوز اوزره بزم آتلا یله سکر دیکمزی کوروب بیزه اولقدر بو [۲] آتدیلر یعنی طوپلر آتدیلر کم نیجه بوز آدملیمزی و نیجه بیک آتلمیزی هلاک ایدوب بز دخی کمیلی جآمدن [۳] فراغت ایدوب کیدرکن مکر کمیلرک آتدقلمی طوپلرک ضربلرندن وزلر چاتلابوب اول کیمییه یقین یرلردن بوز دریاسن کچه میوب بر خیلی یر مسافه دن کیدوب . . . کونده بوز دریاسنک اوته [۴] یانه واروب آیدنلق دنیا به چقوب عقاب قوشلرینک خوفنه دوشوب جمله آتلمیزک بورولری [۵] اولان اوتلر یعنی کچن یلدن قلان اوتلوقلمی آتلر قویروقلرینه باغلوب بر برلیمزک آتلمی قویروقلرنده اوتلمی بوکوب [۶] کبریتله باقوب یورطه یورطه [۷] کیدوب عقاب قوشلرندن امین اولوب آخر عقاب قوشلرینک کثرتی محالترینه واروب کوندوزن کتمک محال اولوب کوندوز آتش یاقهراق اوطوب کیجه یورطوب . . . ده کعبه مزه واریرز دیدیلر حقیر ایتدم « یا جنم اول کعبه کم یاپدی » دیدم آنلر ایتدیلر « یا دده من [۸] اولو بابامن یاپدی » دیدیلر « یا دده کز کیمدر » دیدم آنلر ایتدی « اشته سز جلین ترکی ا کمک اغاجی یدیکیکز ایچون سزی کوله لیکندن قووب اوندن چیقارنجه اک اولو بابامن بو کعبه اوینی یایوب آنده اولان اغاجلمی بالدن و شکردن و سوددن طاطلی صولری آقیدوب کعبه نک اورتاسینده خزینه سی و جمله قوللرینک جاندرنی دمر صندوقه ده معلقده دورگران بابامزک کعبه اویدر بزمله سویله شن اولکن [۹] دده مزدر سز بزم دده مزک یاراتدیغی قوللری بزم کوله لیمز سز نوغایلر دخی بو هشدکلر دخی کوله لیمزدر « دیو جواب اتدکلرنده نوغای و هشدکلر قالملره ا کری ا کری بقارلر قوم قالق حقیقک سؤالترینه بر کونه جواب وردیلر یعنی حاشا شم حاشا بونلر جناب رب العزتک فلانی اوله لر بزلر بونلرک قوللری اوله بوز [۱] س : چیندن . ک . چیشن [۲] بو کله ک نسخه نده بانک فتعی ، وادک سکونیه حرکه لئشدر (م) [۳] ط : جابدن | دوغروسی (چامادر = چاپمدهن) اولق ممکندر | [۴] س ، ک : اری [۵] ط : بورولری [۶] ک : بولوب [۷] ک : بورطه بورطه [۸] ط : یاردنمز . ک . : تا دده من [۹] پ : اولکی

کعبه میزه کیده رز دیو نقللر ایدوب آه درون چکرلردی و بونلرک نقلی اوزره بیله واران اسیرلرندن مؤمن و موحد قوم نوغای و مؤمن غلیظ و متعصص قوم هشدکدن اسیرلری دخی یمن بالله ایدوب بویه کوردک دیو شهادت ایدرلردی اما حقیر بو حکایات عجبه و غریبه لرین جان قولانغیه دکلوب کورده که بوسر گذشت حکایه لرک بریده. [۱] شرع شریفه مطابق دکل بو بکا داغ درون اولوب بو نه عجب غریب تماشا اولور آه محلی اولسه ده هر چه باد آباد هر نقدر درد سر چکسم تک بر کره واروب کورسم دیو نحس چکوب نیجه کره قائلریدن و نوغای هشدکلرندن [۲] سؤال ایتدم بلی اویله در و اویله کوردک دیدیلر صحیح اوله جاغنه حمل ایده ر مکه قوم قلماغک اواعلری و قوم نوغای و قوم هشدک کذب ندر بلزلر بونلر اعه ایدوب کر چکدر درم [۳] اما ینه عظم احاطه ایتوب بر کون ینه جمله خلق و نیجه نوغای و هشدکلرک اعیانلری بریره جمع اولش لرکن بو کعبه لرینک احوال لرندن سؤال ایدوب نیجه واروب کلر سز و کعبه کیزی کیم بنا ایتدی دیدکده . . . (*) (در جواب تحقیق [۴] اشکال کعبه قوم قلماخ) ایتدیلر ابتدا کیدرکن قرانلق [۵] دنیای مسقو دیاری جنبندن . . . کونده کچوب قرانلق . . . کنارنده بوز دریاسی کنارینه واردیفمزده جمله آتلیزمزک ایاقلرینه بوز میخلری صانچوب میخلری اولمین [۶] آتلیزینک ایاقلرینه کچملر صاروب بوش اولان قوش آتلیزمزه قورو بالقلر یوکلدوب بوز دریاسی اوزره آتله بالقلر یدوروب بزده آتلیزک بعضیلرین بوغزلیوب چیک آت اتلرین بیرک بوز دریاسی اوزره . . . کیجه چابول سکر در کبی تیزجک سکر در ز بو بوز در باسنک حکمی اویله در کم کویارومده وقت شافی قدرجه قرانلیجا قدر کم کیجه سی و کوندوزی اویله در قرانلق دنیا دخی اویله در اما بو بوز دریاسی هر بار دو کیموب فرق اللی یلده و سکسان یلده بر [۷] پک قتی دوکار غیری یلر یال نقات دوکار حتی بر کره کیدرکن قرانلق دنیاده بوز دوتمش [۸] ایکی دانه پورتقال

[۱] ک : بریده [۲] ک و هشدکلرندن . ط : و نوغای هشدکلرندن [۳] ک :

دینور (*) بنسخه سنده بش - طر آجیق وار [۴] : در تحقیق جواب [۵] ک : قراکلق

[۱] ط : اولسه [۷] ک : بر کره [۸] س ، ک : بوزه دونلش

آلوب قرق کون باغ و باغچه لرده و آب روان صولر کنار لرنده عیش و عشرت لرایدوب هر کون تازه جان بولور لر دیو قالمقلر حکایت ایدوب اودولتی بردخی کوره بلیر میز دیو نقل ایدوب آغلر لردی و اشده کعبه مز بودر دیو تعریف و توصیف ایدوب صفا کسب ایدر لردی و کعبه مزده قرق کون قرق کیجه ذوق و صفا ایدوب نقدر معمر اولور ز و بابا مزه جانمز نه یوزدن و اراجاغن خبر آلوب نیجه کره یوز بیک خبر لر آماق ایچون قرانلق و لایقی و یوز در یاسی و عقاب قوشلری در دلر ن چکوب کعبه صفا سنه نائل اولماق ایچون کیده رز دیدیلر (حکایت غریبه قالق) اما بر کره کعبه مزک کونش چقدوغی طرفنده کی داعلر جمله یلاپ یلاپ ایدر چلدراق طاق لردر کم [۱] کمی آلتوندن و کمی کومشدن و کمی باقر و قلاهی و قورشوم و دمر و پولاد و تختاب [۲] و کوکورد و طوج و صماقی و دهنج و اسفیداج و شاب و سلمن و سم فار و حجر سم هلاهل و حجر سم قاضع [۳] و حجر زجاج [۴] و زیبقدن یعنی جیوه دن دوکش علی الترتیب دزلمش داغلر در کم جمله یلاپ یلاپ اندکلرندن بز بوداغلره (چلدراق طاق) [۵] درز بر کره اوز دمر اوغلی جاغنده [۶] بو طاق لرك آردنده کی قوم دن [۷] بر صدا کلدکده کعبه ده اولان دده لریمزک آتلیرنک و کندیلرینک اول صدای مهلاکدن باشلری چاتلیوب آتلیرنک و کندیلرینک بینلری جمله قولاق لرندن آقوب اول یلدراق طاق [۸] دبنده دده لریمز جمله قریلوب سکسن بیک آدمدن قرق آدم و بش کره یوز بیک آت لردن بشیوز آت خلاص اولوب ولایتمز اولان چینه و ختا و ختنه سلامت کلر لر مکر اول دده لریمز یلدراق داغ آردینه واروب آنده اولان نیجه قومدن [۹] کورمک ایچون اول آلتون و کومش داغلرینه چقمش لر جمله سی اول صدادن هلاک اولمشلر اول زماندن برو یتیش یل اولمشدی کعبه میزه کتمکه خوف ایدردک اما شمدی بو یل انشاالله اللی بیک آدم اولدق اللی بیک دنخی اولسون

[۱] ك : طاولردر کم [۲] ك : نسخه سنده تانك كسری و خانك سكونيله حرکه لئشدر (م)

[۳] ك : قاضع [دوغروسی (قاطع) اولمیدر (م)] [۴] ك : زجاج [۵] ك : طاو

[۶] دوغروسی (چاغنده) اولمیدر (م) [۷] س ، ك : قومدن [۸] ك : طاو [۹] ك :

قوملری . پ : قومن

طرفنده كى پنجره يه كلدكلرنده مذكور قوجه ديو عفريت ينه كورينوب « يا قولرم
 واوغوللرم قورقماك سزه فلان زمانده اكن وىرم ويغمور وىرم وسزى دشمنكز
 فلانه بوزدورورم و سزى قىردىرىم وسزده فلان قدر اوغولمى اولدوروب بكا
 كتىرىم » ديو اول كون جمىع مصدته متعلق شىلى هر نه اوله جاق ايسه سويلدمش
 آندىنصره آى دوغنجه داغىلوب كىدرلرمش اندن ارتسى على الصباح ينه بر صدا
 كىبهلر ينىك جنوب [۱] طرفنده كى پنجره دن كلوب ينه جمله سى اول پنجره يه واروب
 درون قبهده اولان باوېرى چهره اولان پنجه آفتاب عورت « اوغوللرم خوش
 كلدىكز سزه موژده اولسون فلان نام دشمنكز سزه كلوت آنلرى قرار سزومالرن
 وعورت واوغلانلرن آلسز وعورتلر يىكز چوق دوغوروب يوردكز قوتلى اولوب
 مالكز دوغورقان اولور و جمله كز صاغ اسن يوردىكزه كىدر سز عقاب قوشلرندن
 قورقماك بوز درياسن كچر سز » ديو اول كون بونلره نجه كره بىك كونه مفرحات
 سوزلرى بوزن محبوبه سويلدمش بعده ينه آى كوندوزى دوغوب ينه يوردلر ينه
 كىدوب يطرلرمش اندن ارتسى على الصباح كىبهلر ينىك جانب جنوبنده كى پنجره دن
 برصدى موحش كلوب مذكور فرتوته مكاره جاذو صفت ار وعورت [۲] بونلره
 « قورقماك اوغوللرم سزه قىش قى اولور يكدن حيوانلر يىكز قىربلور يوردىكز دن
 بر يورده كىدركن سزى دشمن بصوب مالكزى آلر وسزى دشمنلر يىكز صوبوب
 جانلر يىكز بكا كلر يافلان سنك جانك فلانك قىسى قرىنده كى بالا ايله ينه دنيايه
 كلر و يافلان سن فلان كىشنىك جانن صقوب بكا كونده ررسن وىكرمى يلدنصره
 سنك جانك بكا كلر ينه جانكى فلانك بلاسىله يره كتىرىم وسزى بوز درياسن
 كچركن بوز آلتنه فلان كىشى و فلان كىشى كچىرىم جانلرن بكا كتىرىم اندن سزى
 مسقو اوغوللر يه قىردىرىم » ديو مغبىات خمسدن بو عورت مكاره نجه بوز بىك
 كلاتلر سويلوب ينه بونلر آى دوغنجه قوشلر ينه كلوب الحاصل كامل قرق كون
 بوكىبه عد اندكلرى قبهنك اطرافنده تقاعد ايدوب هر كون نجه كره بوز بىك خبرلر

[۱] ك : پوراز . ط : يلدز [۲] صفت اولان عورت [متنده كى (ار وعورت)

عباره سى ده دوغرو اوله بىلر يعنى (ار وعورتدن عبارت اولان بونلره) دىمكدر (م) [

كوروب كناهلىرى رفع اولورمش نىجه قالمق خوفندن اولوب انى اول بيرده قېره [۱]
 كومرلرمش اندن يلدز جانبنده يعنى دمر قازق يلدزى طرفنده اولان نىچره دن
 ايجرى بقوب برنچيه آفتاب ملك منظر وپرى پىكر و بردر ناشكفته بر دختر پا كېزه
 اختر بانووش و حوروش بر قز او طور رمشكم حسن و جمالى بر مرتبه ده ايمشكم
 كيسولرينك هرتارى شب تاردن نشان وررمش و هر خاللا رينك هر دانه سى خال هاشميدن
 اوى [۲] وررمش حكاك دستى دكهمش و داممنه اصلا خارا لشمه مش بر مه تاب
 صفت باو او طور رمش كورينوب بو حورى پىكرى كورمك عقلى پریشان اولور
 اندن قبه كعبه نك جانب جنوبنده كى نىچره دن ايجرى باقارزى نه معلق اولان صندوقه نك
 آلتنده بر فرتوتنه جهانه جاذو صفت بر ملعونه عورت كوزلردن قان و اريك آقوب
 جمله خلقه غضبناك باقوب آغزندن آتشلر چيقوب [۳] دشلى خنزير دشى كې
 سورى سورى طشره چقمش كورينوب بونى دىكى كورمك عقلى كيدوب سراسمه
 اولورلرمش يعنى كورمك ينه عذابى دفع اولورمش بونى دىكى كورمك نىجه سى
 خوفندن اولوب اول صحرا ده كومرلرمش (دىكر غرايب اندر عجايب غريبه عظيمه)
 بوكبه ديدكلرينك دورت عدد نىچره لردن دورت نوع اشكال غريبه لرى تماشا ايدوب
 كيدرلرمش ارتسى على الصباح ينه بر صدا استماع ايدوب « بكا كلك بكا كلك » ديو
 صدا كلنجه ينه جميع قلماق [۴] قالقوب ابتدا مغرب طرفنده كى دمر نىچره دن
 ايجروده اولان نىچه آفتاب اوغلان « اى اوغوللرم سزه موژدم اولسون بويل سزده
 اكن چوق ايدرم و عورتلر يكزى ايكيشر ايكيشر دوغور تدرورم و دشمنلر يكزى
 سزكله قرب هلاك ايدرم يافلان سن اوچيوز ييل معمر اولورسن يافلان سن يوز
 يل يشاوب بكا كلرسن يافلان سنك براوغلوك و بر قزك دوغار قزىكى فلان وررسن
 و ولايتكزده سيزه قيشى قى اتم و آتله و دوهر و قيونلر يكزى ايكيشر دوغور دوب
 ماللىكرى چوق ايدرم » ديو بر كون كامل بوندى بو خبرلرى اشيدوب كوش كيدوب
 آى دوغانده بزلر دىكى داغلوب قوشلر يمزه كلوب باباميزه شىكرلر ايدهرز اندن
 ارتسى كون ينه بر ندا استماع ايدهرز « بكا كلك بكا كلك » ديو صدا كلنجه مشرق

[۱] پ ، ك : ييره [۲] ط : ارى [۳] ك : صاچوب [۴] ك : قالمق

اولنادوغندن جمیع زمانی کوندوز کبیر دیو نقل اتدکارنده حیران قالردم و قرق کون کعبه مزده [۱] اوطوروب زیارتہ باشلرز دیدیلر اولا جمله من کعبه اطرافنده قنوب دوررکن کعبه ایچندن برقوقو چیقوب جانلرمز حیات بولوب بر صدا کلر کم « بکا کاک بکا کاک » دیر اما جمله مزک توکلری و صقاللری اورجه سنه کار یعنی توکلرمز اولپر یعنی قلدابوب توکلرمز حرکت ایدر اندن یلترز کم [۲] شمدنکرو زیارتہ دعوت اولندق دیو جمله غیرى طونلریمز کیوب جمله من کعبه نك قبه سی اطرافی ینه طوجدن دوشمه [۳] یک پاره بر صحرای عظیم یشل طوجدر آنک اوستندہ قات اندرقات اولوب ایاق اوزره دوروب ابتدا اولوجه قوجه کشیلرمر کعبه نك درت گوشه سنده اولان دورت عدد مرمر پنجره لره واروب ابتدا مغرب طرفنده کی پنجره دن ایجری بقارز کعبه من اولان یشیل طوج قبه عظیمک تا اورتا نده معلقده دورر دورت گوشه قرمزی لعلدن برصندوقه دورر بوصندوقه دخی بریوک پولاد نخشوانی یعنی دمر صندوق اوستنده لعل صندوق معلق دورر اصلا بر طرفده نه باغی ونه بادریفی ونه جانب و اطرافنده زنجیر وار همان قبه عالینک اورتاسنده بیزدن [۴] دورت آدم بوی یوکسک معلق دورر بری لعل بدخشاندن وبری پولاد نخشوانیدن صندوقلردر کم معلق مصلوب دورر بوصندوقه نك آلتنده بر ملک اوطورر اما قناطرلی یوقدر ینه آدم صورتندہ در لکن اوموزلری یرنده سیاه صاچلری و باشنده مرغوله مرغوله کیسولری وار وجودی لعل و یاقوت و جواهره غرق اولوب یوزینک نوری کعبه نك دورت عدد پنجره لرندن طشره اوزرمزه برق اورر دیدیلر (حکمت غرایب عجایب درنقل قالمق و قوم نوغای) اشدہ مغرب طرفنده کی پنجره دن باقدقلرنده مذکور ملک منظر وبری پیکر کورونوب کوره نك عقلی سراسمه اولور واندن مشرق طرفنده کی دمر پنجره یه کلوب ایجری باقدقلرنده ینه مذکور معلق صندوقه نك آلتنده ملک اوطوردوغی یرده بر قوجه دیو سفید اوطوروب بعضی قالمق کورنجه خوفندن دتره یوب اولوم حدیده مهووط اولور [۵] بونلرک زعم فاسدلریله عذاب

[۱] ک : کعبه من اطرافنده [۲] ب ، س : بلیرز کم . ک : بیورز کم . ط : بلورز کم

[۳] ک : دوشه لی [۴] ک : بیزدن [۵] ک : اولوم حدیده مهووط اولور

اولور مش يعنى بشيوز يل معمره اولوب دوغوردوغى اوغلان وقزى اصلا اولمىوب
 وجودى اسكيوب يره كودكلرنده جاني بر غيرى عورتك قرينده كي ناله [۱] حلول
 ايدوب نيجه بيك كره بو حال اوزره دنيايه كلوب كيدر اولوصوى اولور مش اندن
 بو كعبه لرى صحراى چمنستان لاله زارنده نيجه بيك كونه يشل و صارى و مائى ولعل
 كون و رنگارنگ آب زلال آب حيات صورل آقوب بعضى سى سود كچى آق قيو
 بولاماج كچى صور و نيجه سى قرمزى و صارى بولاماج كچى قيو صورلدر بز
 عمر مزده صو ايچمزكن آندن ايچوب آق صقاللى اولانلر مزك صقاللى قره اولوب
 قوجه لرمز باش [۲] يكت اولور اما هر كيجه دوشلرى آزوب نفسلر يني دوتماز
 اولوب هر كيجه قريسه له جماع ايدن كشييلردن اولور و عورتلرمز اول صورلدرن
 ايچوب ييله ايكيشر ايكيشر اوغلان دوغورغان اولور و اول صورلدرن ايچنلرك
 اتلرى يعنى وجودلرى مسك كچى قوقغان اولور و بو كعبه مز صحرا لنده اوتوجى
 قوشلردن غيرى بر حيوان اولماز يره كزر ارسلان قدر ايكي اياقلى و قناتلى
 اوتوجى قوشلر يره دوكون يمشلرى يرلر و چفتلشوب كزرلر بويمشلردن آلوب
 صقليوب چين و ماجينه و ختاوختن ديارينه كتروب دوستلرمزه هدايا ويررز آنلرده
 قيرلريله جماع اتمدن بيزار اولورلر و بزلردن كعبه مز ياننده اصلا برات و طالقان و بالق
 ينلردن [۳] برشى يمىوب جمله كعبه يميشى يرز و الاجه صورلردن ايچمز و جمله
 آتلمز چيچكلردن يىوب اويله سمز اولوب ارلك آتلمز بر برلر ينه آشمغه باشلر
 يعنى چفتلشمكه باشلرلر انكچون بو كعبه يه چوق قصر اق بي طال كستوروز اول
 باي طاللر كعبه ده كبه قاللردن دوغان آتلى يوزيل يشايوب انك قولونلرى زور آتلا اولور كم
 برآت اكه يتمز و دوشمن اورسه اولمز آت اولور و بو بابامز كعبه سمنده كيجه بو قدر
 هپ يلتر اودر بو كعبه اووا سنده كي اغاجلر آلتنه قرق كون او طوروب آي و كوش
 دوغمه سه بر كيجه كوندوزدر اما آي دخى كوش كچى آيدنلق اولوب قرانلق

[۱] ط : ناله [دوغروسى (بالايه) اولمىلدر كه چوجوغه ديمكدر نصل كه اشاعيده (بالا)
 ديه كله جكدر (م) [۲] ب ايله (باش) ياقيشديقى كچى ايله (باش) ده ياقيشير (م) [۳] پ ،
 ك : سكرندن [سينك، كافك كسريله حر كه لشمدر] ط : شيلردن (يسييلردن) اولوق ده
 مكندر . شيمديكى املا ايله (يديه سيلردن) يازيلور (م)

اخشام اولوب شب مظلم اولدوقده جمیع عقابلر آشیانلرینه کیدوب قالمقلر دخی فرصتی غنیمت بلوب جمله کیجه ایله الغار ایدوب صباح اولنجه ینه یتوب اندن ینه کیجه کیدوب نتیجی آیده الغار ایله کیده رک کوه قاف اتمکلر نده سد اسکندر دبنده کعبه میزه واروب یوز سوررز دیدیلر حقیر بونلره کعبه لرندن سؤال ایتدم آنلر ایتدی حاشا ثم حاشا بزى یارادن بابامز حقیچون شولوقایدن [۱] یعنی شویله درکم (در تحقیق اشکال بلا تشبیه کعبه قوم قالمق بتعریف قول خود) [۲] کوه قافک چلدراق طاق [۳] دبنده یعنی یلاپ یلاپ ایدر داغ دبنده کعبه مز یشل زمردکی طوجدن بر قبه عظیمدرکم افلا که سرچکوب اصلا نه قپوسی ونه باجہسی وار انجام دورت کوشه سنده همان برر قالن دمیر پنجره لری وار ۸۰۰ مز یوز یوز اللی بیک عسکر اولوب بو کعبه مزک اطرافنده کی مسکلی چایر چن ایچنه قنوب مسک رایحه سنندن دماغلریمز معطر اولوب بو سحراده اصلا قیش و یاز [۴] و یغمور اولیوب بابامزک یاراتدینی ایله اولیه چیچکلر اولورکم بر قناق یر بو کعبه مزه قالدوقده چیچکلرک قوقوسندن بلیرزم کعبه مز یقیندر بونده اولان یش اغاجلری نه چینده ونه ختاوختن و چین وماچینده و ولایت بند [۵] و ولایت سرندیله و شهر رتانه [۶] و ولایت مولتان [۷] و ولایت فففورده اولماز و بو اغاجلر اوزره اولان یشل و قرمزی و بیاض و ماوی و لعلی و هررنکده اولان اوتوجی قوشلر باشلریمز اوزرلرینه قنوب اوتدکلری زمان بابامز عمریمزی دخی زیاده ایدوب صفا مزدن اسرک و صابو [۸] اولورز یعنی مست مدهوش اولورز اما بو قوشلرک برینه یا یشمیوب عمریمز ایچنده اشد اول اغاجلردن یشلری قوپاروب برز همان ساعت یشی یینلر دریلوب [۹] ذکر لرندن نسلری آقارمش تا بومرتبه مقوی میوه لری وار ایش یشلری ییوب اول آن کتوردکلری عورتلریله جماع ایدرلرمش اول یقینده [۱۰] کبه قالن عورت تازه [۱۱]

[۱] ك : ط : شولوقایدن [۲] ك : خود خذلهم الله [۳] پ : جلدراو طاق [۴] س ، ك : وقار [۵] ك : هندده . پ : تنده : تانده (بتنده) اولسی ده ممکندر (م) [۶] ك : زنانه . پ : زبانه [۷] پ : مولیان [۸] ك : نسخه سنده (صابو) کلهسی بانک فتحی ، واوک سکونیه حرکتدندر [۹] (دریلوب) شکنده یازلمسی دها مناسبدر (م) (۱۰) ك : اول مجله [۱۱] ك : طاوه [ممکن که تازه] کلهسی (طازره) یازلمش موکرده

تتعریف ایدیلرک (طاوه) یه دونمشدر (م) [

دريان مطلسمات عجايب غريب عبرتنامى شغل كهنة و ما يعنى بلاتشيه

زيارت كاه كعبه قدم قلماخ خبثا. [۱]

بو قوم هيولاده كذب [۲] اولمادوغى مقرر اولوب و بونلك مؤمن و موحد
 نوغاي طائفه لرى اسيرلى اولوب زيارتلىرینه [۳] بيله كيدب قالمىنگ و نوغاي مسلمينك
 نقللى اوزره اللى يلدە بر و آلتىش يلدە بر كره يوز و يوز اللى بيك آدم و بش
 آلتى كره يوز بيك آلتره طالقان و قورت و قورو بالقىر يوكلدوب بو قدر عسكر
 اولوب كوه قافه كيدرلر كن قرانلق ولايتنده بحر ظلمات اوزره بوز درياسن الغارايه
 اوچ آيدە اوتە طرفده ينه آيدىناق دنيايه چيقوب كندىلرى چيىك آت اتلرى ييوب
 و آتلى اوت و قورو بالق ييرك آلتى آى دخى ينه الغارايه آيدىناق دنيايه كيدوب
 قره عقاب قوشلىرى و صارى عقاب قوشلىرى ايله جنك ايدە ايدە كيدرلر اما عقاب
 قوشلىرى بو قالمق طائفه سن آتلىره قاپوب هوايه چيقروب منقارلردن بونلرى ييره
 ييراغوب آتلىرى و كندولرى پاره پاره اولدقدنصكره عقاب قوشلىرى بونلرى
 يرايمش تا بومرتبه بيوك و اولو عقاب قوشلىرى وار ايمش بونلر دخى بو عقاب
 قوشلردن خلاص اولماق ايجون اول آيدىناق دنيايه قرق اللى كون كوندز كتمىوب
 هريرده آتلىر يقوب و كچن يلدن قالمش ... نام اولوقلرى يا قوب كوندوز او طوروب
 عقاب قوشلردن آتشله خلاص اولورلر مش ينه آنلك نقللى اوزره مذكور
 عقاب قوشلرينك جئله لى ايكي فيل و ايكي دوه وجودلرى قدر اولوب قناتلرى
 بر فرسخ يري دوتار مش چچانكم زى قاپماغه كلديكي زمان قناتلرينك غرغز ديسندن [۴]
 وجودلر يمز دتره يوب قناتلرينك يلدن سنك كهي آتلىر يمزله ييوارلنغه باشلر اول
 محله زى قپار ديديلر اما بو قوشلر آتشدن غايت خوف ايدوب كوندوز اصلا
 يانمز آتشدن كله مز ينه آلارقدن جولان و حمله لرايدر اما قناتلرى يانار ديو
 كلز ديديلر بويله قرق كون بو قوشلر ايله بو قالموق كوندوزن جنك ايدوب همان كه

[۱] : قوم قلماخ لعنة ملعون خبثا [۲] ك: لدن [ياكيش اولديغى شهبه سزدر (م)]

[۳] ك: زياتكاهلرينه [۴] ك: غرلديسندن

وچالقز نك [۱] ندر بلزلر جمله عورتلری یوزلری آچیق کززلر ارلری نقدر بدچهره ایسه عورتلری اولقدر محبوبه سیاه قاش و سیاه کرپکلی و قدر تدن سورمه غزالی کوزلی زناه لری اولور عورتلره نکاح ندر بلزلر همان قرعه ایله عمل ایدوب آلرلر و جمله بهادر قوم شجیعلردر اصلا اولومدن قاچازلر زیرا حولی مذهبلردر بو وجودم اولورسه جانم الته برکسک عورتی قرنده کی اوشاق ایله ینه دنیا به تازه جوان کلرم دیرلر (آلات سلاخلرن بیان ایدر) جمله اوق و یای و مزراق طشرلر اوقلری چین و فغفور خدنکاریدر پارماق قالنلی اوقلردر و دمرنلری ال ایلمی قدردر دمره نن داتما سنک فرح نام بر طاش ایله بیله بوب دمره نی اوصطوره کبی ایدر اما اوقی غایت یقیندن آتارلر زیرا اوقلری اوزاغه سورمز اما تبرکشنده یا بش با آلتی قدر اوقلری واردر زیاده دکدر زیرا دمرنلری پک آغر دمردر و یایلری قول قالنلی ختا و ختن یایلریدر اما قلیجلری نادردر لکن البته اللرنده مزراقلری مقرردر غایه الغایه مهارتلی سکو ایله در و بللرنده یوزر یوز اللیشر یللق اوجی سوری اوزون نجاقلری [۲] واردر یقه یقه کسه لر اول نجاغیله [۳] دشمنلرینه اصلا امان و زمان و یرمز لر و جمله سی بشر اوزر رأس آتلیله اینوب بنزلر (تماشای غریبه) بونلر آت اوزره دزکنی ایله دو تمارلر اغاجدن برکونه چین ولایتی اوزنکیلری واردر دزکننک ایکی اوجلری اوزنکیلرده باغلیدر و دزکننک ایکی اوجلری دخی آتک ایکی بورنی دلکاری قلاغنه دمر حلقه لر ایله کچمشدر دکمه سنک آتلی آغزلرنده اووزلقلری [۴] یعنی کملری یوقدر جمله دزکنلری آتک [۵] ایکی بورونلرنده باغلیدر آتلیینه سوار اولدقلرنده دزکنلری اوزنکیلرنده باغلی اولماق ایله ایاقلریله دزکن قوللانوب ایکی الاری آلات سلاحه خدمت ایدر و بو سحرای قیجاقده معادن قسملری [۶] اولمادیغندن بونلرده دخی اچقه پول یوقدر و دمر معدنی دخی اولمادیغندن بر بجاغی اجدادلرندن بری میراث ایله قوللانلر دمر قتلغندن قلیجلری و دمر اوزنکیلری آذرر و مزراقلرینک دمر نلرینک چوغی بیان دونبایی و صغن بونوزندندر اما سنک خارابه کچر مزراقلردر [۷]

[۱] ك : جالقز نناق [۲] ك : بجاقلری [۳] ك : بجاغیله [۴] ك : اووزلقلری
[۵] ك : آتلیرنک [۶] ك : قسمی [۷] پ نسخه سنده بدی سطر آچیق وار

آتسه یاق دیدی دیوب لشنی آتسه یقارلر و اکر قرعه سیاه کلسه قره یره کوم دیدی دیوب لشنی یره کومرلر اکر قرعه ماوی کلسه صویه آت دیدی دیوب لشنی یادل صوینه یاخود هر قننی صویه یقین قونمشلرسه کیروب صویه آتارلر و اکر یشل کلسه لشنی بشروب یرلر اما هان مذکور قرعه یه عمل ایدرلر آندن غیری حکملری یوقدر حتی برکون موینچاق شاهک بر اوغلی اولمش آتی آتشد کباب ایدوب یاغنی وقانی آقیدوب یرلر وشادمان ایدوب کلوشرک یرلر حقیر کچرکن بنیده صفریه تکلیف ایدوب کل پادشاهمنزک اوغلندن سنده یمش اول دیدیلر حقیر ایتدم یا آدم اتی ینرمی دیدم آتلا ایتدی باه [۱] ینر یا بز آنک اتی یرزکه جانی بریمزک جاننه کیروب اولمز بیله کزر دوموز اتیله ویلان اتیله آدم اتندن طساتلی بابامنز برشی یار آتامشدر دیدکلرنده یا بابا کز کیمدر دیدیکمده حاشا شم حاشا (سی سی [۲]) بلدر او حاوی [۳] اولیحانی بصدر (دیدی یعنی حاشا شم حاشا هله بوسوزی یازمهه جرأت ایده م او یله دیدیلر اما کفر و ضلالت ندر حشر ونشر و میزان و ترازو و جنت و جهنم و اعراف ندر دورت کتاب و پیغمبر و فرض و سنت ندر اصلا بلزلر هان بهایم مقوله سی آدم شکلی بی عصفرلردر [۴] یره آدم لر بو آدم اتی ینرمی آجی دکلی دیدم برقارت قالمق ایتدی آجیدر سن یمه اکر لذتی بملک استرسک برعورتی برکوه اوپ کور نقدر لذیدر اکر آدم اتی یرسک لذتندن حیات جاودان بولوب بزم کبی چوق یشارسن دیدیلر و اول ساعت بر آدم لشی کبابی قرق اللی نقر قالمقلر دیدیلر و یاغلرن یوزلرینه و کوزلرینه و وجودلرینه سوروب کسکلرن یره کومدیدلر عجیب و غریب تماشادر اما (اللهم عفونا) اکر رومک واکر قریمک بادراق تاتارلرن اسیراتسلر اخشامه قومیوب قرعه آتمان اول آدمی بشروب یرلر بویله بر مردم خور قوم درلر ودخی موینچاق شاهدن غیری حاشا وکلا تکری و پیغمبر و جنت و جهنم ندر بلزلر هان طایسی و موینچاق شاهترین بلرلر و ینه شاهلرینک اولوسن یرلر اما آتش یا قسه لر البته برکوه آتسه طپارلر انیکچون اولولرن آتسه یقارلر اما بونلرک برانی حاللری وار اصلا ویلان سویلزلر ویلان ندر بلزلر و زنا و لواطه

[۱] س ء ک ، ط : باه [۲] ک : سنی سی [۳] ک : صاوی [۴] ک : بی اصفرلردر

دریلرندن در اما اوستلری باشلری اوبله مردار وملوث و مهمل و بدرایجه قوقارکم آدمی سرمست ایدر بویله بر رایجه قبیحهلری [۱] واردر انکیچون بونلرده پیره و کهله اولماز زیرا کهله نازک طبیعتدر باک یری سور و جذام اولان وجودی سومز و جذام و مسکین آدمده کهله اولماز اولماق و چوق اولماق دخی فنادر ونجهسی الی الآن اوچیوز یاشنه وارنجه یاشارلر حتی محمد کرای خان افندیزک مجلس شریفلرینه اوچیوز یاشنده بر قالمخ کلوب بیله طعام بیوب کوردوکی سرانجاملری نقل آتمشدی وینه محمد کرای خان افندیز بر صالح پادشاه دینداردر آنلر شهادت ایدوب بئم حضورمه ایکی قالمق کتردیلر بری ایکیوز تیش یاشنده وبری اوچیوز اون یاشنده ایدی جنکیز خان اوغلنک اوغلی برهکت خانه یتشوب بیله اشوب یوردقلرینی جمله نقل ایدوب جنکیز خان توارینخنه حکایهلری مطابق کلدی سویلتمدو حکایه ایلدی اما کثریا بوقوم قلماغک سبب موتلری حلولی مذهب اولدقلرندن اصلا اولومدن قورقازلر اولورسم روحم فلان عورتک قارنده کی فلانه جانم کرر ویاخود قزیمک [۲] قرنه جانم کروم یینه دنیا به کلیم دیو اولومدن خوف آتیوب جنکه بری بری عقینجه دوموز کبی کیروب صواش پرخاشده اورولوب جان برجهنم مرد اولور یاخود برسبب موتی دخی هان قولاغی قانی [۳] کیدوب بیاض اولوب باشنی دو تاماز اولوب اولکون اولورلر بوندن غیری خسته لک ندر بلزلر (تماشای غریبه کلر قوم قالمق) بعضی قالمقلر ایکیوز و اوچیوز یاشنه واروب قوت قوادن کیسلوب اینوب بنمدن قالمق اقبالی بونی کزدردن اوصانوب اکه برسمز دوموزک قوروغن بشروب اغزیننه بری بری اردی صره قوروغنی دیقوب اولدورلر وشهد اولدی دیرلر و جمله سی بر برلن لرلر اما قرعه لرینه کوره عمل ایدوب بربرلینک لشن اولنجه لرلر مثلا قارپا نام برکشیلری واردر طایسی شاهلرندن صکره سوز آنکدر اول قارپا آدمده دورت کوشه بر اغاج قرعه واردر اول قرعه نیجه بیک یلدن برو اجدادلرندن قالمشدر هر طرفی برر کونه رنکده قدرتن بویالی قرعه در براولو آدلری اولسه آنک طالعه قرعه آتارلر اکر قرمزی طرفی کلسه قرعه [۱] س، ک : خبیتهلری [۲] ک : قریمک [۳] ک : قانی

يرلر مذهبلىرینه و قرعهلىرینه كوره عمل اتدكلرى دخی محلیله تحریر اولنور و بونلرده اصلا پیره و كهله و تخنه تی ویلان و چیان و عقرب اولماز زیرا درم اولری عربلر اوزره اولوب صحرا نشینلردر (درقیافت اشكال قوم قالمق) بووادیلرده طوز معدنی اولماق [۱] ایله كوزلری غایت كوچوكدر اما نكران اتدكده مغربدن مشرقی سچر كویا كوزلری دوریین آینه سیدر اما بش اون آدیم یردن نظر ایدن آدم قالمیغك كوزلری مغ كبی یوقدر ظن ایدر انادن دوغدقلری زمان بعضنك كوزلری كوپك بلهسی کی برهتهده آچیلر بعضی سنك كوزلری آچلمیوب اوصطوره ایله كوزلرن یاروب آچارلر و سهل طوز سوررلر و بوقومك باشلری ادا شهری قبایحی قدر بیوكدر وهر قلمیغك اللری ندر ایسه قولاقلری دخی اولقدر بیوكدر و كوزلری اصلا كورنمز كور ظن ایدرسن اما کیجه ایله ایلدی ایکنیه كچرر تا بومرتبه قوت نظرلری [۲] وارد اما آزلرینك [۳] قاشلری و كریكلری یوقدر و بوزلری طباق كبی یصیدر و بیونلری غایت قصه در باشلری هان اوموزلرینه بتشكدر اما بیونلری قورد بوینی کی قالدرد ایکی جنبه نظر ایدیم دیسه كوده سیله دونوب باقر آردلرینه خود اولی بالطریق اصلا بقه مززیرا كردانلری یوقدر و جمله سنك اوموزلری غایت انلیدر كم بر آدم مستوفا اوطورر واسع اوموزلری و دموزلری وارد و كوده لری قاصقلرینه وارنجه يك پاره قالن سبت كبی قصه بویلی و یوطلری و ایاقلری اوزوندر اما انجك كسكلری ایچری [۴] اکریدر آتله بندكلری زمان اكری ایاقلری آتلك قرن قوجاقلر وقد و قامتلری جمله بودور قددرلر اصلا بیان یورومكه اقتدارلری یوقدر اما پارمقلری خیار کی اولوب بازولری قصه و قالدرد پنچهلرن اصلا آدم چوپره مز دخی و جودلرنده اصلا قیل اولیوب صقاللریده غایت كوسه لدر كم قرق اللی قدر صقال قللی و ار و دشلری دوه دشی كبی [۵] آزیلری وار اصلا دیش آغریسی ندر بلزلر انجی كبی دزلمش دشلری وار و جمله عمرلرنده صیحجاق طعام یمزلر و وجودلری جمله غایت طقناز سمزلردر و جمله سنك اسبابلری یدكلری حیواناتلك

[۱] پ نسخه سنده (اولماق) دییه یازلمش ایسه ده یا کلیه در (م) [۲] ك : باصره لری
 [۳] ك : ازلرینك [۴] ك : ایچریسته [۵] ك : ایری ایری

دوملر ایله جفت سوروب اکن اکوب دازی یرلر بوغدای و آریا ندر بلزلر و حل و حرمتدن برشی بلزلر جمله مباحیلردر ذی روح قسملری اولوب قانی حیقه البته اتن بیوب دریسین کیرلر و آتی اصلا بشرمزلر چک یرلر بویله بر دورلو چیک ات یمدن نجاستلری اصلا قوقاز دوغان قوشی کبی بیاض اوشان ایدوب صاکلرلر بونلرده هرکز غیبت و مساوی و مالایعی و شتوم و سوءظن و کبر و کین و عداوت اتمک یوقدر اما غیرى قوم اوزره عداوت ایدوب اوزرلرینه سفره واروب دشمنلرن غارت ایدرلر و جمله قوم قالمق اون ایکی پادشاهدر هربری بشر التیشر کره یوز بیک آدملره مالکلردر و جمله نك لسانلری بربرلرینه مغابر اولوب اون ایکی لسانلری اولدوغی انشالله محللریله تحریر اولنور قرانلق دنیایه وارنجه جهانی دوتمش انواع قوم قالمقدر و مذهبلری کونا کوندر بر قومی مجوسیلردر و برمذهبلیسی حولیلردر و برقبیله سی آتش پرستلردر و برفرقه سی آفتاب پرستلردر و برزمره سی زمین پرستلردر یعنی زمینی مذهبلردر و برصنقی قر پرستلردر و براویماغی کاور پرستلردر انشالله بونلر دخی مذهبلری و آلات و اسلایحی و طرز و طورلریله تحریر اولنور اما بو مذکور قلماخلر بیوک هیهات و کوچوک هیهات و دشت قیچاغ و ولایت مسکوب [۱] ایچنده و چین و ماچین و فغفور و وارنجه ساکنلردر اما مقدما نهر ادیلک مصقو جانبنده ساکنلر ایدی قوم نوغایه غلبه چالوب نهر ادیلی بری هیهات جانبنه اوتوب دشت قیچاقده و سحرای هیهاتده ساکن اولوب ازاق و قریم خانلرین [۲] نهب و غارته باشلادیلر و بو قوملرده اصلا طاعون و سانجی و ذات الجنب و هوام [۳] و حما و آغر خسته لکی و جذام و فرنک زحمتی و غیرى امراض مختلفلر اولمازدر ایکوز و ایکوز اللی و اوچیوز یا شنمه معمر اولوب عمر طبیعی سیکه [۴] کله باشن ذوته میوب باشی او مزونه دوشوب [۵] اولکون مرد اولوب پایره کومرلر و یا آتسه یقرلر و یا صویه آترلر و یا خود میتلرن

[۱] ك : مسكو [۲] ك : جانلرن [۳] (هوام) دخی یا قیشورسده خسته لقلرك تعدادی صرم سنده بولوندیفته کوره بو قاریده کچدیکی وجهله (خناق) اولسی ممکندر (م) [۴] شیمدیکی املا ایله (طبیعی سیکه) شکنده یا زلمیلدر (م) [۵] س ، ک ، ط : دوشه

قبای نسوان قلماخ) بونلر دخی جمله کیندکلری [۱] حیوانک دریلرن کیوب کزدرلر
 و باشلرینه دریدن قلیاق کیوب آتہ بنوب مزراق قوللنوب قلیج قوشانوب قوجالرندن
 زیاده جنک ایدرلر لکن بعضی عورتلرک قالپاقلری اوزره حریر پارہ لرندن سکلری
 [۲] چوقدر ونیجه عورتلرده چین وختای الوان یردن [۳] خفتان سورب کارلر
 [۴] کوردم ینہ ایقلرینہ کچہ چاقشر ودومز دریس۔ نندن پابوج چیزمہ کیرلر و بو
 ایکی پادشاهک الی بیگ قدر نوغای طائفہ سی رعایالری واردر بونلرک دخی
 یدکاری داری و کیندکلری دری و اولری اوبادن از کندیلری ناساز بر الای قوم
 نوغایدر اما بو قوم نوغای قالمق اون یلده بر کرہ ما کچی [۵] طلاوہ و ورر یعنی
 یغما ایدرلر و بو قوم قالمقده اولان حیوانات نخراتک حسابلرن الله بلر و اولقدر
 حیواناتلرن یرلرک در یاده قطرہ و کونشده ذرہ قدر اکسلمز زیرا بوہیات صحراسی
 اولہ اتلی یرلر درکم آت و دودہ و صغر چایر ایچندہ غایب اولور اما اغاجدن ذرہ
 قدر نام و نشان اصلا یوقدر مکرکم نہر ایدیل و نہر حارو [۶] و نہر قوبان
 کئارلرنده و نہر تن و نہر کومکی چوللرنده [۷] اورمانلر [۸] اولہ (در بیان حکمت
 باری) بو صحرالرده اصلا صو یوقدر اما بر قارش یری قازسک بر کونہ شوراق
 صو چیقوب قینار [۹] چیقان صو یوک اوتہ یاننہ حوض کچی بر چوقور قازساک
 [۱۰] اول چیقان شورہ صو بو حوضہ آقوب آب حیات صو اولور عجب حکمتدر
 جمیع نبی آدم و جمیع دواب بو صلردن ایچوب دفع عطشان ایدرلر اما قوم تاتار
 عمرلری ایچندہ صو ایچمک واکمک یمک ندر بلزلر اکر اتمک ییوب صو ایچسہلر
 بلکہ اول ساعت اولورلر همان آت سودی وده سودی و بوزہ و طالقان ایچرلر آت
 سودینہ قز دیرلر و دودہ و صغیر و آت و قیون و کچی و خنزیر و بیان دودہ سی و بیان
 آتی و بیان دونیایی و بیان اشکی یرلر و بیان صغیرین دوتوب عربہ قوشارلر
 ارفلادغی زمان آزاد ایدوب بر غیریسین دوتارلر و جمله عربہ لرن دودہ لر چکوب

[۱] دوغروسی (کسندکلری) اولمق ممکندر (م) [۲] ک : پسکلری [۳] ک ، ط :
 بزدن [۴] س ، ک : سوزنکارلر [(سوزنی کارلر) دہا مناسبدر (م)] [۵] ک : مالنی
 [۶] ک : جایی . [۷] ک : چوللرنده و کئارلرنده [۸] ک : اورمانلر و بعض اغاجلر
 [۹] ک : آقار [۱۰] ک : قازساک

اڭاج پاره سی اوزره کندی بجاغیله برکونه کرتکلر کرتوب ودمر ایله اول اڭاج اوزره قزغن نقش [۱] دمیری اڭاجه بصوب برکونه نقش اولدی کم روی زمین نقاشلری اویله بر نقش بو قلمون عبرت نمون ایده مزلر همان حقیر چتله منقش اڭاجی اوپوب باشمه قویوب بردستاله صاروب قوینه قویوب ینه کلمات کونا کونلره باشلدق الچی بکه دیدیکم کامل بر هفته بنمله بونده اوطور سفره کتمش عسکر من واردر انلره یولده راست کارسکمز سزی اورر لر برقاچ کونه دکن [۲] آنلر کلرلر صکره سز کیدک دیوب بش بیک قیون ویوز دوه یوکی ذخیره ویردی

در بیان اشکال قبای طایسی شاه ودارات آیین موینچاق شاه

بالذات طایسی [۳] شاه اول شدت شتاده صغن دریسی کورکنی اوزرینه ترس کیمش ایدی ایچنده ینه صغن یاوروسی دریسندن اوزبک [۴] لباسی کچی پشلی دریدن خفتانی [۵] وار ایدی وقوشاخی آت دریسی قایلشندن ایدی وچاقشیری ماوی کچهدن ایدی مست یرینه ینه چاقشیرکه [۶] یاپلمش کچه ایدی باشنده قاپلانچی قرمزنی تلکی کورکندن اولوب اوزری بر بیاض دری ایدی لکن قپلاغینک دپه سنده کونا کون حریر پاره چکلرندن پستکلری [۷] اولوب آره لرنده یورطه قدر بر دلکلی الماس وار ایدی اوغلی موینچاق [۸] شاه دخی اویله لباس کیمشدی اما تاجی اوزره پستکلر [۹] والماس طاش یوق ایدی بونلر پادشاهلرینه کندی اصطلاح القابلی اوزره (طایسی شاه) دیرلر اوغلنه وزیر مقامنده اولانلره (موینچاق شاه) دیرلر اوبالری ودرملری جمله دوه یوکی کچه دندر و جمله صغن و قپلان و آت و قیون پوستلریله دوشه لی بارکاهلری وار یانلرنده طوزدن و قطراندن عزیز ولذید برشی یوقدر کندولری و جمله حیواناتلری طوزسز اولماز و قطرانی قریلری زبات [۱۰] و قله [۱۱] مسک یرینه قولقلرینک آردلرینه سوررلر (درقیافت

[۱] س ، ک : منقش [۲] س ، ک ، ط : برقاچ کوندن [۳] ک : طایسی [۴] س ، ک ، ط : اوزبک [۵] ک : قفتانی [۶] ک : چاقشیر ایله [۷] ک : بوسکولاری . ط : بسکلری [۸] ک : موینچاق [۹] ک : بوسکولر . ط : بسکلر [۱۰] ک : زباد [۱۱] ک ، ط : قلیه

و بر یانه الجی بی اوطوردوب اصلا بزم الجیه رغبت والنفات ایتیموب هان بی یانه
 آلوب باشمده دستار محمدی به واسباب واثقال بجاغ وخنجرمه نظر ایدوب یطر دی
 حقیری الجیه صوروب بو کیمدر دیدی الجی دخی ترجمانلری آکلادوب بو عثمانلی
 لشکرندن سیاح عالمدر محمد کرای خان ایله داغستانه کیدوب اندن بزم ترک
 قلعه مزدن سرای [۱] ولایتنه اندن بزه کلوب بزمه ترکه کیدر دیدکده ترجمانی
 نوغای آتاریدر حقیر لسان نوغایک انواعن بلدیکمندن کامل بش ساعت حقیری
 سویلدوب حظ ایتدی حکمت خدا اجماد [۲] مرزا نام بر آدمی قریمه کلوب
 اوچیوز آدمیه مسلمان اولوب آنوکیله قریمه آشنا اولشدق محمد کرای خان
 معزول اولنجه اجماد مرزا قریمدن فرار ایدوب ینه قالمق طایسی شاهه کلوب
 مزید [۳] اولمش حکمت باری یاری قیلوب اول اجماد مرزا طایسی شاهک یانه
 کور و فرودار اتیه کلوب بو حقیری کورنجه همان سکر دوب حقیر ایله بلدشوب اوپشوب
 کوروشوب حقیری طایسی شاهه تعریف ایدوب محمد کرای خانک مصاحبی و قراق
 داشیدر [۴] دیدکده طایسی شاه حظ ایدوب محمد کرایک داغستانده قالسی
 احوالن سؤال اندکده جمله واقف اسرار اولدوغم اوزره لسان نوغایچه هب قلاندم
 و محمد کرای خانک بی مکتوبن و ترک قلعه سنده رهن اولان حیار صای [۵] بکینک
 اغاچ چتله وطمغاسی علامتن طایسی شاهه بر قیا سلطان مقرمه سیله وردیکمده
 مقرمه چوریه دوندره نقشنه باقه باقه حیران اولوب اولقدر حظ اتمکم [۶] الجینک
 هدایالردن زیاده حظ ایدوب مقرمه باشنده کی قلیباغی اوزره قیوب دوردی حقیره
 نیجه بیک کلاتر ایتدی و دیدی کم انشالله بزده سکا بویله چتله طمغا وریز تاجین
 وختا وختن و فغفور و لایتلرینه وارنجه استرسک کیدوب سیاحت ایده سن بزم اول
 و لایتلرده وقرانلق دنیا ده ودخی اوتده بلدیراق [۷] ولایتده اقربالرمن واردر
 انده معزز و مکرک اولورسن دیو اول آن حقیره براردیچ اغاچی کبی قرمزی

[۱] پ : شروان [۲] ک نسخهنده همزه نک فتحی و جیمک سکونیه حرکه لشمدر [م]

[۳] ک : مرتد. ط : مرزا [۴] ک : قرداشیدر [۵] س : قبارطای. ک : قبارتی [۶] ک :

ایتدی کم [۷] ک : اونده یلدراق

قالق و قالماق و قلماق و قلماخ و قلماغ جميع مورخان بونلره بنى عصفى [۱] قومى درلر حتى كلام جفر حضرت عليه (يابلادالرى والصلعات احذر عن صغارالعيون من نفسه) بيورمشلر حتى جفر جامعه دنخى بو قالق حقه [۲] چوق شى يازمشلر يعنى (يابلادالرى والصلعات) دن مراد رموزيا ولايتى رى خلقى و يا صلعات قرم خلقى سز حذر ايدك كوچك كوزلى آدملر دنكه كندى نفسلرى قبيله سسندندر انلردن قورقوك بيورمشلر وبالاده تحريرو اولنان حديث شريف كه (قال رسوالله صلى الله عليه وسلم ان الله جنوداً بالمشرق اسمهم الترك ينتقم بهم من عصاه بكم من حافات خاسرات سترحن فلا يرحن فاذا رأيتم ذلك فاستعدوا للقيامه) حديث صحيحى ايجون جميع مفسرين ومحدثين وعلماى تاتار بو قالق حقه در دمشلر حتى بو قالق قومى يكرمى سنه مقدم بو هيات سحر اسنده وجودلرى اوليوب جمله نوغاى قومنك يوز قرق عدد قبيله لرى سحراى هياتده قنوب كوچوب جمله حاصل اولان صاى ياغلر ن طمان اداسنه كتروب فروخت ايدوب استامبولده صاى ياغلك بر وقيه سى بش اچقيه ايدى اما بو قالق هياته قادم بصلى قوم نوغاى تارومار اولوب صارى ياغ بهايه چيقدى حاصل كلام بو قوم قالق ملمون طائفه يركم جميع خلق بونلردن خوف ايدرلر حتى مصقو قرالى كى جهانكبر اولمغه يقين برقرال ضال بو قالق مدن خوف ايدوب هر سنه هدايالر وروب بارداش اولمشلر در اماينه مصقو ولايتن وورمادن خالى دكللدر همان بزم الحى بان هياته قدم باصنجه الاى عظيم ايله هداياسن آلوب قالق شاهنه كسدكده حقير بيله كيدوب اوچ ساعت كامل اوبالرى ايجلرندن كچوب طايسى نام بادشاهلرينه بولشديق اوغلى موى جاق [۳] شاهدر بونلرك يوزريك [۴] عدد كچهدن درم اوبا اولرى واردر وباباسنك واوغلك ايكيشر كره يوزيك لشكرلرى واردركم سحراى هياته اويا اوجكلر [۵] ايله قنوب كوچرلر اچيله يخنشى معامله ايدوب هدايالرى آلوب قبول ايدوب اول آن هدايالرى توابع ومرزالرينه بغمه ايتدردى كويا ياننده لاشى ايدى برياننه حقيرى

[۱] ك : بنى اصفر [۲] ك : حقه دنه [۳] ك : موبخاق [۴] پ : بوزيك [۵] س ،

ك ، ط : اوبا اوجكلر

اوزی [۱] مخلندہ براغوب قاسم پاشا فریاد ایدر کسسه فریادینہ و آردلرینہ بقمیوب
 ہیہات سحر اسندن اون کون اون کیجہ الغار ایدوب طمان اداسنہ کلر لر اما ا کر سن
 اون کون [۲] دخی قازلسہ نہر ادیلک بر فرقه سی نہر تنہ مخلوط اولوب از اقدن
 نہر تن ایله عظیم کیلر کروب نہر ادیلہ واروب نہر ادیل ایله بحر خز رہ کیروب
 اندن عسکر اسلامہ ہر مہمات و ہر ذخیرہ وارماق آسان اولوب دونما کیلر من
 کتمک [۳] ممکن اولوردی وکنجہ و شروان و شاقی و شابوران و بیان آباد [۴]
 و دمر قپو و پالوق [۵] کیلان [۶] قلعه لری و ولایت لری فتح اولدقند نصکرہ
 قزلباش بدمعاشی اورادن قالدرمق آسان اولوردی اما (العبدید برو اللہ بقدر)
 جناب کبریانک حکمتی وار اما بو قازیلان اوزی [۷] تماشا ایتدم کویا سقر [۸]
 درہ لری و درک اسفل غیالری وار کم آدم اشخی باقماغہ جرأت ایدہ من ایکی یانلری
 افلاکہ سرچکمش داغلر کبی یغلمش طوپراقلر وار حالا بو اوزک [۹] ایچندہ
 ایری درخت منتہار حاصل اولوب بعضی زمان قیش قتی اولسہ بو خندق ایچندہ
 قالمق لر سا کن اولور لر و بو حفر دن نہر ادیل آقسہ ہیہات سحر اسی معمور اولور
 حتی بو اورده قالان جبہ خانہ سلطان سلیم ثانی صقوللی محمد پاشایہ اود تمشدر محمد
 پاشادہ سمز محمد کرای خانی کفہ قلعه سی چار شوسندہ بوغاز ندن صلب ایتدیر مشدر کم
 تاتاری ضبط ایتوب فرار ایتمشدر [۱۰] نتیجہ کلام عبرت نامی تماشا گاہ اوردر یعنی
 خندقدر انکیچون بو محله ترک اوزی دیرلر بونی دخی سیر و تماشا ایدوب نہر ادیلی
 کرویہ براغوب ینہ جانب غربہ برکون سحر ای ہیہادہ کیدوب (منزل سحر ای ہیہات)
 آندہ عبرہ لر من یانلر ندہ چادر لر قوروب یاتدق اما اول کیجہ چکیلن عذاب الیمی
 خدا [۱۱] بیلور اندن ارتسی کون ینہ دشت قیچاقدہ وقت عصرہ دک الغار لہ کیدوب

اوصاف صحرائی ہیہات مسکن قلماق قوم مہمات

حقا کہ مہمات ملعونات چپلات حشرات بر آلالی قوم ناپاک لر در بو طائفہ

[۱] ك : ترك اوری [۲] ك : بش اون کون [۳] ك : تا بحر خز رہ کتمک [۴] ك :

نیاز آباد [۵] ك : وبا کو [۶] ك : وکیلان [۷] ك : اوری [۸] ك : سعیر [۹] پ :

اورک [۱۰] ك : فرار ایتدیر مشیدی [۱۱] ك : خدای حلیم

سنه ۹۷۶ تاريخده سلطان سليم ثاني عصر نده صوقوللي وزير اعظمك راي و تدبيريله عجم شاهندن انتقام آلوب شروان و شماقي و تيمور قپو و باكو قلعهلرنده محافظده [۱] اولان اوز تيمور اوغلي عثمان پاشايه و خادم جمفر پاشايه و جيفال زادهيه و قوجه فرهاد پاشايه امداد و مهمات و لوازمات كمسي [۲] آسان اولماق ايچون قره دكزدن كيلر جبهه خانه كتوروب ازاغه كيده اندن نهرتن ايله شايقه كيلر نهرينك [۳] نهر اديله يقين يرينه كيلر واروب نهرتن ايله نهر اديلك مابينلري بر كونلوك [۴] ايكي نهر ي بربرينه مخلوط ايتك ايچون كفه و اليسي چركس قاسم پاشايه [۵] و قرم خاني سمر محمد كراي [۶] و افلاق و بوغدان عسكزلرن جمله يوز بيك قدر ير كتورمن عسكر اولوب بو قدر كره يوز بيك عدد قازما و نجاق [۷] و بالته و كلونك و كورك و نجه كونه مهمات و جبهه خانه و يوز عدد شاهي طوپلر و غيري نجه يوز بيك كونه لوازماتلر ايله و يوز بيك عسكر ايله بو شمدي بزم قوندوغمز يول اوزي [۸] نام محله نهر اديل كنارنده عسكر اسلام مكث ايدوب ابتدا دشمندن امين اولمالر ايچون بر طبور عظيم قازوب جمله عسا كر اسلام اول طابور ايجره كروب نهر اديلك بر قولتي قازمغه باشليوب كامل سكرز آي ادل ايله نهرتنك بينلرن قازوب يمين ويسارينه داغلا كچي خندقك ترابن يغمشلا و نهرتن [۹] كامل ايكي قناق ييره دريا كچي كتر مشلا همان ايكي نهرك ارده سي بر برلرينه قاوشمغه ايكي ساعتدن ا كسك ير قالمشكن همان تانار قومي بزم عسكزه فس [۱۰] وروب بو قشده و قيامته بو ايكي صو بربرينه نه زمان قريشير و نه زمان بوندن كيلر كچوب نهر ادل ايله بحر خزره واريلا اندن نه زمان دريادن دسر قپويه و شروان و شماقيه واريلا ديو عسكزي اضلال ايدوب بركون «يره مدد اوزر يوزه دشمن كليور و قزل قيامت قوپمش كليور» ديو عسكزه خوف و خشيت و يروب جمله مهمات لوازمات و جبهه خانه و طوپلري و سائر مهماتلري بوترك

[۱] ك: محافظه ده. ط: محافظه [۲] ك: كتمسي [۳] ك: نهرتنك [۴] ك: بركونلوك ير اولوب [۵] ك: پاشايي [۶] ك: كرايي [۷] ك: وچيا [۸] ك: بيوك اوزو [س نسخه سنده اساساً (ترك اوري) ايمش صوكره دن بريسي طرفندن حك ايديله رك مبهم بر شكله قونولمشدر دوغروسي (ترك اوري) اولميدر (م) [۹] ك: و نهر تني [۱۰] ك، ط: قش. [س نسخه سنده متن كچي (فس) اولوب قانك كسري و سبنك سكوتيله ققيدايدملكدر (م)]

کوررسز دیو حقیره رجار ایتدی حقیرکده جانهمنت اما یوق البته قراله کیدوب
نمسه قرانک محبت نامهسن ویروب ادای خدمت آتمش اولورم دیدیکمده یوق البته
بن سزی قویورم جام دیو حقیرک بویننه صارلدی و ترجمانی اولان کفره دخی
زیاده سیله رجا ایدوب البته سز بزه ادرنده و اسلامبولده لازم سز دیو حقیره پشین
بر کیسه اچقه و اوچویوز التون و برقات اسباب وقیشدر دیو بر سمور صرط
کورک [۱] و ایکی آت و خداملریمده برقات اسباب و برر چلقوا [۲] کورکلر
و اللشر ممسک التونلر و رفیقلرمن اولان درویشانه دخی همچنان اولیه احسانلر
ایدوب سیسخانه لریمز یوکلرن عربلهر تحمیل ایتک ایچون اوج عربه و ایکی عربه
مأ کولات و مشروبات لریمز تحمیل ایتک ایچون و حقیره نمک ایچون بر حنطو [۳]
عربه ویروب بو احسان وانعاملردن صکره بوقش و قیامت و اربعین وزمهر برده شدت
شتائی حکمدن [۴] قورتولماغی جان عزیزمه منت بلوب دردسر چکمدن خلاص
اولورز دیوب رومه کیده جک اولوب جمله احسانلری آلوب

مسقو و لاینتده صورتا [۵] کرمدن ازاق قاعه سنه کتدی کمز قناقلری بیان ایدر
اولا سرگذشت و سرانجامز نه دراز ایدلم بو الحی اون بیک عسکر یله عجله
اوزره [۶] شهزاده سن خلاصه کیدوب اون کون اون کیجه هیهات صحراسی ایچره
اول شدت شتایی چکیرک و بعضی یرله قونارق اون برنجی کونده ینه نهر ادل
کناریته کلدک اما ینه قالمق تاتارلری خوفلرن چکمهک باشلادق همان الحی بان مدبر
اون پاره طوپلرن عربه نر ایله ایلری و اون پاره شاهی طوپلرن کری قیوب آت باشی
برابر کیدوب ارتسی کونده جانب شهاله کیدوب

منزل طبور [۷] اسلام ترک اوزی [۸]

بو محله ترک اوزی [۹] یعنی عثمانلی خندق دیمه سنک وجه تسمیه سی اولدرم
[۱] ک: برصرت سمور کورک [۲] پ، س، ط: جلقوا. ک: چیل قفا [۳] ک: هنطو
[۴] ک، ط: چکمدن [۵] پ، س: صورتا [۱] پ: ایله [۷] ک: طابور
[۸] س، ک: اوری [دوغروسی بودر یعنی رای مهمله ایله در (م)] [۹] ک: ترک اوری.
پ: تورک اوزی [دوغروسی (تورک اوری) اولمیدر (م)]

مکت ایدوب حقیر یاننه واروب کور شد کده المادن برو نمسه چاسارینه وایکی بو چوق یلده یدی
 قرالقی یری کشت و کذار ایدوب اردله و افلاق و بوغدانه و قریم خانی محمد کرای
 خان ایله داغستان پادشاهنه کیدوب اوچ یلده جکدیکمز آلام و شداید و سرگذشت
 و سرانجام نقل ایدوب نمسه چاسارینک و یردیکی پسه پورطه خطی کوسه تردیکمه
 ایاغه قالفوب خطی یوزینه و کوزینه سوروب حقیردن دنیالر قدر حظ ایدوب مراد
 و مرامکز بودیار مخاطره یه کلدن مقصودیکمز ندر دیدکده حقیر ایتدم انشالله مسقو
 قرالی شهنشاهنه کیدوب کوریشوب ولایتن سیر و تماشایا ایدرم دیدکده الحی ایتدی
 شمدنکری سزبکا راست کلدیکمز حکمت اولدی بعدالایوم سز بزه لازمسز مقدا
 بو قرنداشمز کوچوک الحیک ایله آل عثمانه کتسه کرک ایدی اما شمدی غیر
 ایش ظهور ایدوب شهنشاه قرالمخی بیوک الحی تعیین ایلوب بیک کچه [۱] انواعندن
 کورکلر و برکچه تخته سمور کورکلر و بیک چفت نالق دخی و الی چفت دوغان
 و صونقور و طویفون قوشلری و ایکی بیک چفت لعل کون تلاتینلر و بیک کچه
 دانه سمورلر و اوچ چفت بیاض سمور کورکلر و اوچ چفت سیاه تلکی کورکلری
 و برقنطار شماهه عمرلر و نیجه بیک کونه تحف و تفاریقلردن ماعدا پادشاهکمز
 یوز کیسه التون و وزرا و علمالرینه و غیری سرکارده اولان اعیان کبارلره دخی
 کونا کون هدیهلر ایله یوز کیسه التون دخی آنلره کتورورم زیرا کچن کونلرده
 بزم رعایالریمزدن اولان هشدک قومنک یوزاللی بیکی [۲] قرالمزک بر او غلن اولدوروب
 و برشزاده مزی اسیر ایدوب ادل صوین قرشو هیهات سحر اسنه کچوب عثمانلی حدودینه
 کروپ قالدیلر بزه اوزرلرینه عسکر چکوب واروب صواش ایله سک عثمانلیله
 صلحه مغایر ایش اتمش اولوروز ایمدی شمدی بو قدر هدایای تحف ایله عثمانلیه
 کیدوب شهزاده مزک لشن و اسیر اولهانی [۳] استمکه کیده رز پس بللی [۴] سز
 عثمانلینک بر واجب الرعایه کسه سی سز بن سزک کبی آدمی کوکده آرارکن یرده بولدم
 البته قرالمزه کتمدن فارغ اولوب بزمله قلعه ازاغه اندن دولت عثمانلیه بیهله کیدوب
 نیجه نیجه اشلیرمزه دلالت ایدوب خدمت شهنشاهیمزده بولنوب قرالدن زیاده لطفمز

[۱] : کولچه [۲] پ ، س ، ک : یوز یوز اللی بیکی [۳] ک : اولان شهزاده مزی

[۴] س ، ک : بس بللی

ياتسو نمازينك وقتى اولماديغندن صلات عشائى قلمازدق [۱] وبوشهرده حسيب ونسيب شكلى ارباب معارف مسقو كفره لرى چوقدر اكثر يا خلقى تجار بخاردر كم سمور وزنچاب [۲] وبالقدشى وكودرى وپلاتين [۳] فروخت ايدر لر اما دكانلر نده عورتلر اوطوروب هر نه متاعلرى وار ايسه فروخت ايدر لر عيب دكلدر اما محبوب و محبوبه سنه حد و حصر يوقدر جمله باك چوقه دوله لر ينك يكلرى وكوكوسلرى كومش دوكملى وباشلرى الوان قالباقليدر سمور كورك ونافه كورك كيرلر عورتلرى ينه يوزى آچيق كزرلر (در بيان اسماء كفره مسقو) ... (اسماء زنانه نانيه مسكو) ... (در بيان لسان قديم مسقو) ...

سنه ... تاريخنده له ولايتنده راقوچى اوغلى صورت يوزوب [۴] له ولايتندن محمد كراى خان ايله مسقو ولايته سفره كتديكمز سنه مسقو لسانى مفصل يازلمشدر اما بوهيمات صحراسى سمتك مسقو لسانى بو تحرير اولنان الفاظ مهمه لرى بويه در كر چه ولايت مسقوك اون سكر بانلق ير نده اون كونه [۵] لسان استعمال ايدر قوم كشيره لدر [۶] اما استماع ايتديكمز لغت لر بونلر در كه تحرير اولدى بعده بوشهر ... دخى سىرو تماشا ايدوب بانندن احسانلر آلوب ينه الحى كفره سييله نهر جايق كناريله جانب غربه كيدوب بر كونده

منزل صورنا [۷] کرمن

نهر جايقدن آرمش كلش بر كول كنارنده بر صارب اغاج قلعه در قشدن و قيامتدن قلعه يه كروب تازه جان بولدق بر سبك روح قپودانى و حطمانى وار ايكي بيك عسكره مالكدر حكمت بارى يارى قلوب بو محله مسقو قرالى طرفندن آل عثمانه بر عظيم الحى دخى كلوب مقدا بزمه ترك قلعه سنندن بروكن كوچك الحى بو الحينك ياننده مضمجك اولوب [۸] كوچوك الحى بيوك الحيه كتخدا اولوب صوروتا [۹] كر مندر عظيم طوپلر آتلوب شادمانلر اولوب اون بيك عسكر ايله قلعه نك اندرون ويروننده

[۱] ك : قيلمازدق [۲] ك : سنجاب [۳] ك ، ط : نلاتين [۴] ك : طابورين يوزوب [۵] پ ، س ، ك : اون ايكي كونه [۶] پ : كيرلدر . س ، ك : كشيرلدر [۷] س ، ك : صوروتا [۸] ك : مضمحل [۹] ط : صوروتا

اول و آخر مسقورالرینک تختکاهی ایمش لکن هیهات صحراسنه قالمق تاتاری قلهلی [۱] قرالی بوتختین [۲] براغوب نهر خایفدن [۳] قرشوطرفه یکریمی قناق ایجری (شهر تختکاه ...) کیدوب حالا آنده قرار ایدر جمله عددتختی [۴] وارددر ... شهرده ... نام سکسی کسلیبر ... اما بوشهر عظیمی غایت معموردر و سنه ۱۰۷۳ تاریخنده محمد کرای خانک اسیر ایتدیکی شرمهت بان بونده وزیرنامه [۴] ایدی اما شمدی بانی ... نام پیرمغان بر کفره پنامدر جمله یتمش بیک توفنک انداز لشکره مالکدر زیرا قالمق دشمنلری چوقدر اما قلعهمی غایت صارپدر نهر چایق کنارنده بر بالچین پشته عالی اوزره شدادی طاش بنا یوقارو حصاری وار بر منصطر چاکانی نمایان اولوب قلعه ایچنه کرمدم اما اشنی حصاره الچی ایله قوندوغمزده ایچ حصار و اشنی قلعهدن بیک پاره طوب آتلوب شادمانلر ایتدیلر مکر اول کیجه زمهریر کیجه سی اولوب کفارک دوموز قرقنی کیجه سی عیدی ایمش صباحداق طوب و تفنک شادمانلری ایدوب صباحی [۵] الچیه ضیافت عظیملر ایدوب بعدالطعام نمسه چاسارینک نامه لن قبودانه و باش حطمانه کستروب یوزلرینه کوزلرینه سوروب حقیره خیلی تعظیملر ایدوب سیاحتمز احوال لردن نیجه شیلر سؤال ایتدیلر (اشکال اشنی حصار) نهر چایق کنارنده برواسع صحراده شکل مر بعدن طولانی ایکی قات سواد معظم کرمان عظیم بر کار قدیم شهر عتیقدر دائراً مادار جرمی اون آلتی بیک آدیم احاطه ایدر قرق قپوسی و قرق منصطری و یتمش کینسه می و یکریمی آلتی بیک ساز و شندره تخته اورتولی منحوس خانه لردر بو قلعیه سلاحیه قوم هشدکی قومازلر قپولرده سلاحلرن براغوب کرلر جمله قوم هشدک قلعه خارچنده اوبالریله ساکن اولورلر و جمله یتمش عددبازرکان خانلری و آلتی بیک دکانلری و آلتی یرده حماملری واردر اما بان سرایی اولقدر معمور و مزین درکم دیلر ایله تعبیر اولونماز جمله مقصوره لری نهر چایق کنارینه واقع اولمش اما بو شهرک دخی باغ و باغچه سی یوقدر زیرا شدت شتابی قتیدر و بنو [۶] دخی کیجه سی قصیر و نهاری طویل و مظلم اولماق ایله بونده دخی [۱] ک : قالمق تاتارلری کلهلی [۲] ک : قرال بوتختی [۳] ک : جابقدن [۴] ک : تختکاهی وارددر [متنه کوره (تختی) اولمیدر (م)] (۴) ک : نامه [۵] س ، ک : صباحی [۶] ک : و بونک

غایت معمور کویدر بوندہ ہشڈک قومی جملہ کوچمشلر اندن قالقوب ینہ سمت شمالہ برکون کیدوب (پیزہ [۱] بوجاہہ) بودخی معمور کویدر مکر ہشڈک تانارلری بوکوی آلتندہ مسقو عسکرینہ یتشوب اویلہ قرمشلرکم سحرای ہیہات کافر لاشہ سیملہ زین اولوب صاحبی اولان لاشہ مردارلری ہنوز عربلر ایلہ طشرلر ایدی اندن ینہ برکوندہ (پیزہ قوہانہ) [۲] بودخی موژق کویدر الحاصل اون یدق قباق بو موژق ولایتندہ سحرالراچئندہ زین اولان کوکلری [۳] عبورایدوب اون سکزنجی کوندہ

نہر عظیم چایق

بودخی مسقو دیارینک جانب غریبسنندہ ... ولایتی داغلرندن کلوب اوچ آیلق یوللردہ نیجہ یوزپارہ شہرلرہ ونیجہ بیک پارہ قلاعلرہ اوغرایوب بودخی بحر خزرہ ... شہری دیندہ مخلوط اولور آب حیات نہر عظیمدر اما نہر ادلن کوچو کدر حتی شدت شتاتک قتیلکنندن دوکش ایدی اوزرندن نیجہ کرہ یوز بیک عربلر کچرکن حقیر آتلر ایلہ قرشو بیوک مسقو خاکنہ کامل بر ساعتدہ کچدک نا بومرتبہ عریض صودر اما نہ مرتبہ عمیق اولدوغی معلوم دکلدر زیر بوزلاب اولمش ایدی یعنی دوکش ایدی اما نہر ادلی کبلر ایلہ موژقستانہ یدی ساعتدہ کچمش ایدک قرق عدد فرقه اولوب بحر خزرہ منصب اولدوغی مرقومدر بعدہ نہر چایق کناریلہ اولکون جانب شمالہ مثال [۴] کیدوب

صلوب کرمان

ابتدا بودار دیار دہ اغاجدن قلعه ینی ہنوز کوردک برچوک قلعه در باشقہ خطمانی وآلتی بیک قزاق جنود جنی واردر بوندہ ینہ قہم ہشڈک کوردک کینسہ وچارشوی بازاری آزدرد یدی عدد ہشڈک مسجدرلی وار بوندہ دخی اصلا باغ و باغچہ یوقدر اما بو نہری [۵] کنارندہ اغاجلر چوقدر بوندن ینہ قالقوب جانب شمالہ برکون کیدوب اوصاف شہر عظیم و منحوس خانہ قدیم قلعه ...

[۱] ك : پیزہ بوجاہہ [۲] ك : پیزہ قوہانہ . ط : پیزہ قوہانہ . پ : پیزہ قوہانہ
[۳] دوغروسی (کویلری) اولمیدر (م) [۴] دوغروسی (میال) اولمیدر (م) [۵] ك : بوہر چایق

قالق ایله جنك ایدرلر زیرا غایت شجیع وتوانا زور بطر یكستری واردر یوزبیک
تفك اندازدر و بوز بیکی کاندارانلردر والی عدد شاهی طوپلری واردر حتی بو
شهزاده لری موثق شهرنده حقیره کلوب ایدر « امان الامان ای کزیده لشکر آل عثمان
بزه بریشل علم ایله بر قاچ بیك عسکر کلوب کورشن [۱] شو موسقو ولایتنه [۲]
یایلوب دوران امت محمدلری می چیقاروب وشوهیات صحراسنه کوچوروب سیزه موسقو
ولایتن فتح ایدوب هیهات صحراسندن اون ایکی عدد قالق پادشاهلرن قالدروب ازاغی
وقریمی قازاغک و قالیغک دردندن خلاص ایدوب سزک اسلامبولکزه قرده کیز ایله
صای یاغی آقیده لم و هریبک [۳] نیجه کره یوزبیک قیون پادشاه قیصرک مطبخنه یاغ
وقیون کوندره لم ، دیو یلوار دیر همان بزمله اولان الحی کفره می ایدر « صفتک
بونلری از اغه قومک ازاق قز اغیله بر اولوب از اغی الیزدن آلرلر زیرا بونلر ایلك
بمز بر قومدرلر بزم بوقدر یوزبیلدن برو رعایالری بزمکن اشد شمدی عصیان و طغیان
ایدوب ایکی یوزبیک خرسیتانلری بزم قیروب بر شهزاده من قتل ایدوب برن اسیر
ایدوب اشد ادل صوبی [۴] قرشو کچدیله هله بز پادشاه مزه [۵] وار رسام بوقالاق
ایچون نملر سوبه بزم ، دیو الحی غضب آلود اولوب زیاده کورده دی و کروه کروه
نیجه بیك قوم هشدک نهر ادلی کچرلردی بوندن صکره کفار بوهشده برسوز سوبه بزمکه
قادر اولمادیلر اما دخی ایجری مسقو ولایتنده اولان هشدک مسلمانلری حسابن
خدا بلر بونلرک فترت عصیان و طغیان سبه بیله الحیله موثق شهرنده کامل برهفته
اوطوروب ذوق اتدک [۶] (در بیان لسان قوم موثق) کرچه بونلر دخی مسقو کبی
ملت نصارادن انجیلین [۷] اولوب مسقوجه [۸] کلمات ایدرلر اما بونلرک باشقه لهجه
مخصوصه لری واردر اولا ... [۹] بو شهردن دخی قالقوب ینه جانب شاهلر برکون
کیدوب برواسع فضا ده (پیزه [۹] بوزلیجه) بومو وثق لسانتجه پیزه کوکه دیرلر

[۱] ك : کوروش سین [۲] ك : ولایتنده [۳] دوغرومی (پیل) اولمیدر (م)
[۴] ك : صوبن [۵] پ ، س ، ك : هله بن پادشاه کزه وار رسم [۶] ك : عظیم ذوق
وصفال ایدوب راحت اولوب مکت اتدک [۷] ك : انجیلی [۸] س ، ك : مسقوجه ده [۹]
یونسخه ده اوج سطر ، پ نسخه سنده بش سطر ، ك نسخه سنده ۱۲ سطر آجیق وار
[۹] س ، ك : پیزه بوزلیجه . پ : پیزه بوزلیجه . پ : پیزه بوزلیجه

كوردك ارتسى كون وقت سحرده ايكي كره يوز بيك هشدهك قوميله نيجه يوز بيك مسقو كفارى جنك ايده ايده بزم مهمان اولديغمز موثق شهرى اوكنه كلوب ينه بر جنك عظيم ايدهرك تا وقت سحرده كفاردن بر جان خلاص اوليوب جمله هشدهك قومی كيلره سوار اولوب... [۱] ولايتنه كچوب آل عثمانه قول كندهرر [۲] ديو بر كون بر كيجهده جمله اهل وعيال لريبه سحرای هيپانده خوش نشين اولوب قالدیلر اما محمد كراى خان معزوللق ورطه سنه اوغراماسنه [۳] بو هشدهك قومی ازاك قلعهسى آلتنده اتى صوتونى نام ييزه كتروب [۴] آنده ساكن اتسه گرك ايدى اويله اولسه هنوز ازاك ولايتى مسقو و قالدقن امن و امان اولوردى مكر بوطاشه هشدهكى مسقو قرالينك اوغلى بونلرى ايكي يوز بيك عسكرك جفت [۵] ايله كلوب طلاوه اوروب غارت ايتسه كرك ايمش زيرا بو هشدهك قومنده اولان آت ودوه و صغر و قيون بر پادشاهده يوقدر بونلر دخى يمانجه نوغايدين و ايج التى [۶] هشدهكندن خبر آلوب اول كيجه اتلنوب غائب اولملرينك اصلى اول ايمش بر صحراده قرال زاده قونمش بولوب على الغفله بصوب بوكافرلر سلاحرينه داورانماندن كفاره اويله بر قليج هشدهكى اوررلر كم بر قرال زاده قتل و بر قرال زاده اسير و اوچ عدد وزرلرن بند زنجير ايدوب جنك ايده ايده بزم اولدوغمز [۷] موثق كرمانه كلوب اول كون نهر اديلى قرشو طرفه اوتملرينك اصلى اول ايمش بو قوم هشدهكك عجب آتلى و ييخنى كروكه زرخلى و اوچى سوري ماهان ولايتى قلعجلى و ييخنى ولايت مازندران توفنكارى و ييخنى ولايت شيراز و كيلانك تير و كانلرى و ييخنى قلقان و سكولرى واردر جمله قونار كوچر قوم و قبيله در ايجلرنده دادنيادن [۸] ايكي نفر شهزاده لرى واردر و علمالرى غايت چوقدر وشب و روز [۱] ك : اولوب الاطرولايتنه [س نسخه سندهده (الاطر) كلهسى وار ايمش صوكرادن چيز مشلر (م)] [۲] ك : كته رز . ط : كوندرر [كيده رز] اولسى دها مناسيدر (م)] [۳] دوغروسى (اوغراماسه = اوغرامسه) اولميدر (م) [۴] ك : التى صوتونى نام ييزه كتروب . س : التونى صوتونى نام ييزه كتروب . ط : التى صوتونى نام يره كتروب [۵] ك : جنب [۶] ط ، ك : ايج ايلي [۷] ك : بزم مهمان اولدوغمز [۸] پ ، س ، ك : دادنيادن . ط : دادنيادن

کونشک حرارتی اولمايوب روز روشنی همان وقت شافعی کبی اولور وقیشی غایت شدید اولوب اشجارات مثمرات و غیرى درختساندن سکود و قواقدن غیرى اشجار یوقدر اما مشبک بساينلری و مزرطاتلری چوقدر اما سهلجه منفضجه [۱] اولدیفمدن خداملرمله صلات عشایی جماعتله قیلدیغم علمای هشدک کوروب منع ایتدیلر «علمای متقدمین و مجتهدین بونده کلوب وقت عشایی بوله میوب یاتسی نمازن قلمیوب کتابلر تالیف ایتدیلر» دیونجه یوز مجلد کتاب معتبراتلری حقیره کستروب آخرکار بنده توابعمله نیجه زمان صلات عشایی قلمیوب لطفه ایله «بو نه کوزل ولایت اولور حقا که قله جاق ولایتدر» دیدم بابا خخالی رفیق ایتدی «بهی ایمانم اشته الحمدلله یتسو نمازی قلناز دیاره کلدک بر دخی شو صباح نمازی قلناز ولایت دخی کیده بلسک آه جانم صباح نمازی واه جانم شافعی نمازی» دیو لطفه ایتدیلر حقا که عمر تارتمزده [۲] بر دخی بو دیاری کورمش اولدق اما بو شهر موثرقده دورد بش کره یوز بیک مؤمن و موحد پاک و مسلح [۳] هشدک قومی واردر آنلر دخی اصلا یتسی نمازینی قلمازلر بو دیاری قوم هشدک و قوم نوغایک نیجه کونه الی [۴] دوتمشدر حتی بز بونده ایکن

در آغازه داستان دوستان جنک عظیم قوم هشدک با جدال کافر مسقو و قوم کفار موثرق

همان بو کیجه بو شهر موثرقدن ایکی اوچ کره یوز بیک قوم هشدک غایب اولدیلر چوق وقت صباح اولوب بز دخی حرکت آتمک صدندنه ایکن ولایت وزیرى بزم رفیقمز اولان الحیه کلوب کندویه بر تلاش الورمش جمله سوزلرن پریشان سولمکه باشلا یوب بوده [۵] حرکت آتمدن فراغت ایدوب قالدق اول آن طشره شهره چقدم بر هشدک مسلمان قلمیوب شهر موثرقده همان کفره لر قالمش هر کفره سمور و سنجاب کورکاری و بالق دیشلری و غیرى متاعلرن حفظ آتمکه باشلا دیلر انی

[۱] ك: : متعصبجه [۲] : نازینمزده [۳] دوغروسی (ومصلی) اولمیدر (م)

[۴] ك: ایلی [۵] (بزده) اولسی دها مناسبدر (م)

هر ڀرينه ايڪيشر بيڪ آدم صغار بونلر چين وفغفور وقوزاق و ترك [۱] قوڙاق [۲] ولايت زبانه [۳] نيدوب كلر كشتيلدر عظيم طوپلرى وار دشمنلرى قوم فغفور وقوم قوڙاق [۴] ومسلملر ايمش آنلر كده كميلرى وار ايمش اما بونلر ك قدر بيوك كميلر دكل ايمش اما قوم شجيع وبهادران اولماق ايله بحر خزر دن نهر جايقه كروب مسقو قرالى ولايتنده ايكي اوچ آى قايقلا ايله كزوب بو قدر مال غنايملر آلوب ينه سالمين وغانين قوڙاق [۵] ولايتلرينه كيدرلر مش وبو بحر قلمز ايكي قره دكيز دن بيوك بردريا ايمش قرق كوندركم سواحللر نده قطع منازل وطى مراحل ايدهرز دخى بر نهايتى كناره سنى كورمدك اصلا بر بجره اتصالى يوقدر هان باشقه بردريادر خدا بلر كم دائرأ مادار اطرافن كشت ايتدم اما قره دكيز اطرافن ايكي كره دور اتمشدر وبو بحر خزرده اولان كميلر اصلا بزم آق دكيز وقره دكيز وبجر عمان وبجر اوقيونوس وبجر ملعنان وبجر هندستان كميلرينه بكنزه من ناشلرى وقىچلرى الحلق حواله سز كميلدر ايكي يانلر نده مناره قالينلغى حصيرلر واردر زيرا بو دريانك عظيم فرطنه لرى اولور تيمور قپودن بنوب ولايت كيلانه دوشدو كمزده چكديكمز فرطنه لرى حقير بلر وبوشهر ينه هيهات صحراسى ايچنده در وحالا مسقو وزيرى حكمنده يكرمى بيڪ موڙق كفره سى لشكرى و اون بيڪ هشدك عسكرى قولى واردر جمله يكرمى عدد كلسالرى ماتقدم سلاطين جامعلر ايمش جمله ايڪيشر ايڪيشر مناره لى منصطرلدر واللى قدر معمور هشدك قومى مساجدلرى واردر بو شهرده يدى كون مكث ايدوب دورد وقت نماز قىلاردق بوديارده اصلا يتسى نمازى قىلناز زيرا وقت صلوات عشا شرع شريف اوزره يوقدر همان پرنچ پلاوى صوين قينادوب پرنچن صلوب ياغ ايله هاشليوب پلاو اوله جاق محله صلوات فجر اولوب نماز قلنر ياتسى نمازينك و قى يوقدر شب يلداسى جمله بر بوچوق ساعت و اوچ درجه وايكى دقيقه در حقير نيجه كره ربع دائره طوتم طول نهار يكرمى ايكي بوچوقدر زياده تفاوت ايدر اما

[۱] ك نسخه سنده اشبو (ترك) كلمه سى يوقدر (م) [۲] س ، ك : وموڙاق

[۳] س : زبانه [۴] ك : موڙاق . ط : قوزاق [۵] ك : موڙاق

وعمارت اندکری وفتح اندکری دار و دیار لری جمه تحریر آمشلر حقیر دخی آندن
 اخذ ایدوب بوجموعه مسوداتمه تسوید ایلدک ... [۰]
 بوشهر بالو خانی سیر و تماشا ایدوب ینه نهر ادل کناریله طرف شهاله برکون کیدوب
 ینه شدت شتا جکرک موژق کل قری [۲] ایچره کیدوب

اوصاف ولایت کافرستان قوم شهر موژق

ما تقدم جنکیز خان عصر نده اولونوغای ویمانجه نوغای و شداق [۳] نوغای
 و اورمیت [۴] نوغای و بونجه یوز عدد قوم نوغای بوشهر عظیمده و سحرایی اولان
 بیوک هیاتده ساکن اولور لر ایمش تیمورخان کلوب بوشهری خراب ایدوب مسقو
 قرالینی دخی مطیع و منقاد ایتمک مراد ایدندکده کوردیکم کیجه سی قلیل ایکی
 ساعتدن اکالی [۵] وقت [۶] صباح اولوب حق تعالانک بش وقت فرض ایله دوک
 یتیمی نمازینک وقتی یوق « بودیاردنه کارم واردر » دیومنلا (نصرالدین آق شهری)
 و ... علمار ایله (و شاورهم فی الامر) نص شریفی حکمی اوزره اعیان کباریله
 مشاوره ایدرکن بر تانار کلوب « خاتم ادل صوبی بولنجه [۷] فصادی » یعنی
 دوکدی دیو خبر کتر دکده همان تیمور خان نهر ادیلی بوزلاب آسان وجه ایله عبور
 ایدوب کروییه دوندی بو موژق شهرندن ایچری مسقوه کیرمدی دوندی کتدی
 اما بوشهر موژق دخی نجه زمان معطل یاتوب بعده مسقو قرال لردن سرپانسقه [۸]
 نام قرال ضال عمار ایدر (اشکال زمین شهری) [۹] نهر عظیم ادل کنسارنده
 بندر شهر اسکله در اوصاف نهر ادل بالاده موصوفر اما بروی ارض بدی دریا
 اورتاسنده یوز سکسن بدی بیک میل احاطه ایدر بر جزیره دنیای معظمدر بودیا
 ایچره جناب الله بنهر ادل کبی نهر عظیم خلق آتمه مشدر بعضی یری قرق اللی میل
 و بعضی دار بوغاز لری او طوز میل در بو موژق شهری اسکله - نده عظیم کیلر وارکم

[۰] بر بوجوق - سطر آجیق وار [۲] س، ک: کلقری [ظن ایدر کمه دوغروسی (کافری)
 اوله جقدر (م) [۳] ک: شیدانو [۴] ک: ارمیت [د] ظن ایدر کمه دوغروسی (افلی)
 اولمیدر (م) [۶] ک: وقتده [۷] پ، س، ط: بوکنجه . ک: بوکیجه [۸] س، ک:
 سرپانسقه [۹] ک: در بیان اشکال زمین شهر موژق

اولدی دیرلر بعضیلری حالا چین پادشاهی خزینه سنده در دیرلر ازین جانب فریدون صاحب قران زمان اولوب هود نبی بنا اندوکی شهر معروفک [۱] خارچنده فریدون صاحب قران علامتی اولماق ایچون برعمودمنها دیکمشدر حالا یول اوزره دورور مراد ایدن حجاجلر وارر کورر کوفی خطه مشابه برکونه خطلر قازلمش و نیجه یوز کونه صورت و تمثاللر یازلمشدر کم اهل حکمت و ارباب معارفه بو صورتلر رموز و کنوزدر کم دور قیامتدک کله جک پادشاهلرک و کله جک قومک و جمیع کله جک مخلوق خدا ایله تصویرلری عمود اوزره یازلمش و قازلمش دورر عبرتتمای عظیم عمود بالادر همان اسلامبولده عورت بازارنده قائم اولان مصور دیکیلی طاش کبی عمود سر آمددر و یو فریدونک هود نبی دعاسی برکاتیله تانار اوغولندن صکره اون بر اوغلو اولور اولابری (طور) در انک اوغلو رادیمدر انک اوغلی پشنگدر انک اوغلی افراسیابدر فریدونک بر اوغلی دخی ایرجدر انک اوغلی کوشنگدر انک اوغلی منوچهردر کم مجار قومی اجدادیدر و منوچهرک مجار مرشد اولان اوغلی منچاردر کم منچاردن غلط حالا مجار دیرلر تاج هوشنگ شاه منچاردن نیجه اله کیروب حالا نسه چاساری النده قالب غرونه و قرونه و مانلفسکه و قله وینه دیرلر حتی آل عثمانده قلوبی صارق نام آندن قالمشدر و منوچهرک بر اوغلی دخی اژدر بانددر کم اردل مجاری اولمشدر و بر اوغلی دخی نیک یزدر بانددر کم اورته مجار اولمشدر و بر اوغلی دخی قورص بانددر کم قشا [۲] مجاری اولوب منچار اولان یعنی دورت قرنداش مجار اولان بو منوچهر اولادلریدر اما قورص بان اولان منوچهر اوغلی جمله آ شعیب و رعایا پرور و دلاور سرور هنرور اولوب نیجه شهرلر عماراتدی حالا قورص نام مجار آنک اولادلرنددر و فریدونک بر اوغلی دخی سلمدر انک اوغلی کاو اصفهانیدر انک اوغلی قارب پهلو اندر بونلر جمله اوغول اوغوله و نییره زادهلر بریده قلعه بالوخانده کویا مصرک احرام [۳] داغلی کبی کوملر آلتنده مدفونلدر و سلف پادشاهلری قبرلرینک سنک منارلرینه جمله احوالاترینه مدت مدید عمر کرانمایه لری و مدت سلطنتلری

[۱] س، ک : معروفک [۲] س، ک : قشه [۳] دوغروسی (اهرام) اولمیدر (م)

انواع فصوص کاری مقوم محکوک کار مرمر بر و کونا کون رخام عبرت نمون معکوک
 بردیازده یوقدر الامصر نادرۃ العصرده پادشاه سرای [۱] جوارنده سلطان
 قلوان [۲] جامعنک روی دیوارلری اوله حقاکه اول کار مصنع دخی بو باو خان
 جامعنه معادلدر ونجه جوامعلر دخی بو بالوخانده کنیسسه مسیحیهلردر اما یدی
 عدد خانلری واوچ عدد حماملری ویدی بیک قدر ساز و طوپراق اورتولی اولری وار
 (اشکال زمین شهر بالوخان) ... [۰]

(در بیان زیارتگاه شهر بالوخان) بو شهر قبله سی خارچنده برچنزار بشته اوزره
 (زیارت صاحب قران فریدون خان) مورخان عزت [۳] بو فریدونه (ابوالتاتار)
 دیرلر زیرا عربستان ومکه ومدینه وبجر قلزم سواحللرنده چوق سیاحت ایدوب
 آندن بو صحرای همپانده قلعه بالوخانک زمین ابتدا عمار آمشدر بقول مورخین
 حضرت نوحه ایمان کتروب طوفانده کشتی نوحه کیرمشدر بشیوزیل معمر اولوب
 هود نبی علیه السلامه یتشمشدر وشام شریفدن کعبه یه طوفانده غائب اولان کعبه
 یوللرن بو آچمشدر وحضرت نوح ایله کعبه یرنده اولان بیت معمور یرن بونلر
 حضرت نوح ایله تطهیر ایدوب کعبه یرن عیان آتمشدر وشام شریف یولیه کعبه
 شریفه کیدرکن هود نبی شهری واردر باصرا لله تعالی قعر زمینه کچمشدر کم بعضی
 آثار بنالک تمللری کوله ناظردر کورن کسنه لر، پوشیده دکلدن بو شهری هود نبی
 عمار ایدرکن بو فریدون ارغاطلق ایدوب هود نبی ایله شهری بیله یاپدیغدن حضرت
 هود بو فریدونه « تاتار اوغلوک چالشان اولسون » دیو دعا ایتدیکندن (حدیث)
 (کل نبی مستجاب الدعوة) مضمونجه دعای هود نبی قبول اولوب اول سنه فریدونک
 بر اولادی وجوده کلوب حضرت هود اول غلامه (تاتار) دیو اسم قیوب باغرینه
 بصوب « بنم مفتی [۴] اوغلوم اولوب اولادلری جهانگیر اولسون » بیوروب تاتار
 غلامک باشنه حضرت هود نبی کندی باشندن مبارک عرقه سن چیقاروب تاتارک
 باشنه قودی نحاک ماری ایله دمرچی کاوه جنکننده اول عرقیه هود نبی غائب

[۱] س ، ط : باشا سرانی [۲] ظن ایدرمکه دوغریسی (قلاوون) اولملیدر (م)

[۰] ایکی سطر آجیق وار [۳] ک : عرب [۴] ک ، ط : معنی

مثال متین و مستحکم قلعه دکدر همان یالین قات دیوارلی و بر ساعتده بر قبولی و هر قلعهده [۱] بر قلعه عظیمی قلعه کبیردرکم برکونده دورایتدک لکن آدیمله مادم زیرا آت ایله برکونده دور اولنان سوری بو حقیر پیاده روش ایله نیجه آدملایم بو دخی نهر ادل کنارنده حکم مسقوده باشقه بانلق قلعهدرکم اون بیک موژق قزاغی و اون بیک هشدک تاتاری و بیک قدر قالق تاتاری عسکره مالک قلعهدر جمله یکریمی دورده ساعتده یکریمی دورده قپوسی واردر چارشوی و بازاری اولقدر مزین دکدر اما کنیسه و منصطرلینک عمارتترینه عشق اولسون زیرا پالو [۲] خان غازی عصرنده بو کنیسهلر جمله حوامع و مساجدلر ایش بو شهری دخی تیمور خان خراب ایندوب حتی قوم هشدک بو شهر ایچره بر جامع اولان کلیسه [۳] (خضر باق قان الای باق قان) [۴] مزکتی دیرلر یعنی حضرت خضر ایسه [۵] باقدینی [۶] والله یاقدینی جامع دیرلر پالو خان بو جامعی یوز بیلده تمام ایدوب کویا بر ارد بهشت ایش اول عصرده قوم تاتار کعبهیه کتمز اولوب بو جامع کعبهدر دیو بونده کلوب عبادت ایدرلر مش بو جامع طولاً و عرضاً بیکر آدیمر اما قلعه طشره سنده باشقه بر قلعهدر چنانکم تیمور خان بو قلعه بالو خانی خراب اتدکده بوجامعه قیامیوب آلیقور همان حضرت خضر علیه السلام مکر تیمور عسکری ایچره ایش همان علی ملاً الناس ظاهر اولوب مکّه مکره مدن غیری کعبه اولماز دیو بو جامع نوری احراق ایتدزمش بو شهرده اولان قوم هشدکلر تاتارلرندن کوردکلرندن روایت ایدرلر زیرا تیمور یلدرم بازید خانمز زماننده قریب العهد اولوب تیموره یتشمش هشدک تاتارلرینک ایکوز یاشنده معمر اولمش تاتارلرک لسانندن استماع ایدوب بوجامعک احراق اولماسن تحریر ایتدم اما واه واه و اوویلاکم بویله قطم نظم جنان کاه [۷] مثللی جامع کبیر احراق اولوب نور ایکن مظلّم اولمش اما ینه بویله ایکن بو جامعک اندرون و بیروننده اولان

[۱] س : و هر قلعهده . ک : و هر قلعهده [۲] ک ، ط : بالو [۳] ک : کلیسیاه

[۴] ک : خضر باق قان الای توکان . س : خضر باق قان الای تاوقان . ط : خضر باق قان

الای باق قان [۵] دوغروسی (آتسه) اولمیدر (م) [۶] س ، ک : باقدینی [۷] ک : کاخ

برجامعک قپوسی اوکندن کذار ایدرکن قپوسنه نظر ایتدم کویا نیجه یوز بیک
 احجارات ذی فیمتر ایله مبنی بر دروازه عالیدر امعان نظریله نظر ایدنک مردم
 دیده لری خیره لئیر کویا شهر سیواسده قلچ ارسلان شاه مدرسه سی بابنه مشاهد
 اندن جامع الاطر خان اوپله معبدکاه جهاندرکم لطافت و ظرافتده مثل یوقدر حتی
 استاد مهندس وارمقدورن صرف ایدوب اول بنای بانی بو جامعهده تصرفلر آتمشکم
 اطلس فلکده اوپله بر کارکیرلکی بر دولکر معمار سلف آتمه شدر هان محرابی
 و منبری اناطولی ایلتنده افیون قره حصارینک یوقارو قیا اوزره اولان ایچ حصارک
 جامعی محرابی و منبری کچی کویا بر مرصع محراب و منبردر خلاصه کلام بو الاطر
 شهرنده اولان جوامع و مساجد و مدرسه لک اوصافلری تحریر اولتماق محالدر
 اما الحکم لله بوبله جامع معوره لر [۱] دست کافرده قالب یتمش یدی عدد جامعلر
 دیر مـیحیه اولوب آیین باطل عیسی ایدرلر اما مناره و محراب و منبرلری جمله
 مرصع مثال دورور حالا بو شهر ایچره آلتی بیک عدد ساز اورتولی دارمنحوسلر
 و آلتیوز عدد دکانلری و یدی عدد خانلر و اوچ عدد حماملر و یدی عدددهشک
 مسلمانلری مساجدلری وار لیکن آشکاره اذان او قوماق ممنوعدر اما جماعت ایله
 نمازلرینه مانع دکالدردر ... [۰] بو شهری دخی سیر و تماشا ایدوب ینه جانب شماله
 برکون کیدوب

اوصاف تختگاه فریدون خان یعنی بنای قلعه بالو خان

ابتدا بانسی بقول مورخین تاتار فریدون خان بعدالطوفان نوح نبی کیسندن
 چیقوب بو وادیلری بکنوب کندویه مسکن و مأوی ایدوب بو شهر شاد ایدر [۲]
 بعده جنکیز خان اولادلرندن بالو [۳] خان نام بر صاحب قران زمان بو خاک پاک
 آب و هوا سندن حظ ایدوب کندویه بر جای مناص اولماق ایچون بو قلعه انشا
 ایدرکم نتیجه کلام بو حقیر اولیا نام بر تقصیر آتلا نوب بر کونده قلعه کوچ ایله دور
 ایتدم کرچه نمسه و المان و اسفاج و فلهمنک کافرستانلرینک قلعه لری کچی سدیا جوج
 [۱] س ، ک : منوره ل . ط : منورل [۰] بر بو جوق سطر آچیق وار [۲] ک :
 بو شهری بنیاد ایدر [۳] س : بالو

اوغلی رادیمدر انک اوغلی پشنکدر انک اوغلو افراسیابدر اما (رادیم ابن طور) باباسی جنبنده مدفوندر (زیارت پشنک ابن طور) بودخی قازان شهری خارجنده آسوده در اندن نیجه زیارتلر ونیجه آثار عجیبه وغریبه لری سیر و تماشایدوب ینه شهر قازاندن غرب ایله یلدز روزکاری مایسه [۱] برکون بر کیجه ینه هیهات صحراسی ایچنده قوم هشدک اوبالرن تماشایده رک کیدوب قالمق تاتارلری خوفن دخی چکوب

درفصل ولایت جنقیز خان بطر یعنی شهر صاحب قران الاطر

بقول مورخین تاتار بوشهری بعد الطوفان ابتدا بنایدن (ایرج شاه بن فریدون) بنا ایدوب بعده جنکیز خان پای تخت ایدینوب عماراندی بعده هلاکو خان خراب اتدی بعده (الاطر خان بن ای قولپ [۲] خان) عمار ایدوب بعده طوخطمش خان تختگاه ایدنمشکن تیمور پرزور خان طوخطمش خانی منہزم اتدکده بوشهر الاطری دریغ ایدر [۳] حیف و دریغ خراب ایدوب بعده مسقوقالی فرصت بولوب بوشهر الاطری عمار ایدر حالادست مسقوده سهل معمور شهر در کم باشقه وزیر ی واراون بیک عسکر له حکم ایدر اما عسکرینک نصفی موثریق قزاغیدر و نصفی هشدک و بمان صدق عسکریدر بونلر قالمق ایله صلح ایدوب قرداش اولمشلر یعنی بارشمشلر شهر ایجره قالمق تاتارلری کروپ بازارلق ایدرلردی بو شهر الاطری اشکال زمینی ینه هیهات صحراسیدر اما نهر اتلدن بر مرحله یر بعید یرار واسع [۴] چنزار و لاله زار محصولی قراده [۵] آب و هواسی لطیف محبوبه موثرق قومی قیزلری وارکم کویا بانوی جهاندرلر اما بو دیارک شدت شتاسی شدید اولماق ایله خلقی چوق لباس و کورکلر کیمک ایله محبوب و محبوبه لری جمله بکری [۶] شکل کورینور و بوشهر دست اسلامده ایکن بونده اولان کونا کون مصنع جامعلر وارکم دیلر ایله تعبیر و قلملر ایله تحریر اولتماز کونا کون صرچهلر ایله مرصع وار بنا اولنمش و سروسهی وار مناره سرآمدلری وارکم هر جامعک وصفنده لسانلر قاصر و قلملر کاسردر حتی حقیر

[۱] ك : مايننه ؛ پ : قواب [۳] ك : اندر [۴] س ، ك : بر واسع [۵] ك :

فزاده [دوغروسی (فضاده) اولمیدر (م)] [۶] ك : بوکری

سابعدن اولوب وقت غروب آتله ایم آصوب اخشام نمازن قیلدق آتله بر ساعتده
 یمی دیدله بز دخی طعام به نیجه وقت شافی اولوب صباح اولدی وبر ساعت
 اولمادن کون دوغدی والحاصل جمیع کیجه سی دورت ساعت وبر چیرک اولدی
 زیرا اقلیم سابعک وسطیدر کرچه طول نهاری واردر آفتاب عالمتابک سائر
 ولایتلرده کی کبی تاب وتوانی یوقدر حمد خدا بو قازان غازیان شهرینه کلمه من ایله یدی
 اقلیمه قدم بصوب سیاحتده حصه من اولمش اولدی ... [۱] (در زیارتگاه شهر
 قازان) ولایت آذربایجانکه شهر تبریز دلایزدر آنک قربنده برقه ایچنده رفون
 اولان (محمد شام خازان) [۱] بو شهر قازاندن اولماق ایله شنبت قازاندن غلط شام
 غازاندر دیرلر والده سی اولان (هلام بان) نام خاتون بو قازانده پشوب یطر اندن
 (زیارتگاه شهنشاه منوچهر ابن کوشنک ابن ایرج ابن افریدون) ایران وتوران
 وسمنکان [۲] ولرستان ومولتان پادشاهلرندن بر اولو پادشاه کشورکش وعدوکش
 ایدی بو منوچهر حضرت نوحه ایمان کتروب کمی به کر نلردندر حضرت موسی به دک
 معمر اولوب اگه دخی ایمان کتورمش اولو پادشاهدر کم یوز یکر می بیل پادشاهلق
 ایدوب یدیوز سنه معمر اولمشدر شهر قازانک خارجنده بر کنبت اخضر ایچنده
 مدفوندر وسنک مزارانده مدت عمری ومدت سلطنتی جمله تحریر اولوب حقیر
 آندن اخذایدوب تحریر ایتدم بو منوچهر ایله سام وزیمان وزال وکستم هم عصر
 اولدقلری اجلدن اولدلری منوچهر یاننده یطوب کبندولری هیهات صراسنک قبله سی
 جانبنده عراق دادیان شهری خارجنده مدفونلدر وآلات سلاحلری سروپالری
 اوجلرنده قائم اولان عمود منتهالر اوزره عمود مثال دسته چوب کوبلری وصالقلری
 وکوزلری جمله مصلوب دوردوغی بالاده مرقومدر اندن (زیارتگاه صاحب قران
 ایران طور ابن فریدون شاه) بو طور دخی بابسی قردن [۳] ایله حضرت نوحه
 ایمان کتروب کشتی نوحه سوار اولوب طوفان نوحدن خلاص اولنلردندر اندن
 صکره بو هیهات سحراننده طور تناسل بولوب نیجه یوز بیل معمر اولوب پادشاه
 ایران وتوران اولوب بو شهر قازانده منوچهر قربنده مدفوندر بو طور شاهک

[۱] بر بوجوق سطر آییق وار [۱] ک : قازان [۲] ک : سمنکان [۳] ک : فریدون

در داستان آسان قوم هشدك شیعیع مؤمنان

کرچه جمله سی مسقو لسانی کلمات ایدر لر اما باشقه رکونه لهجه مخصوصه اصطلاحاتلری وار [°]

بو قوم هشدك یوردندن قالقوب یینه نهر ادل کنار نیجه جانب غربه کیدوب ایکی کون کامل هشدکستانده قنوب کوچوب اوچنبی کونده

دربیان عمارت ولایت قازان دارغازیان

ما تقدم بودخی جنقیز [۱] خانك تخت کاهی ایمش نیجه ملو کدن ملوکه قالمش حالا دست مسقوده بر دارالملک منحوس اولمش نیجه بیک عدد خان و جامع و عمارت و مسجد و مدرسه و تکیه و حمام و دکا کینلر و بزازستانلرک قبا بلری و تالک کسرالری و قاعه لری رایکان دورور عبرتمای عجایبات و غرایباتلری چوقدر حالا اوچ بیک قدر ساز و قامش اورتولی اولری و یکریمی عدد دیورلیسه لر [۲] ویدی عدد مساجدلری وار زیرا بونده دخی قوم نغای و قوم هشدك مسلمانلری چوقدر و آلتیوز فدر دکانلری وار [**] اما قالمق خوفندن اول کیجه جمله آتله کچن سنه دن قالمه اولن نام اوتلر یدیردک بنوک دخی حاکمی مسقو قرالی طرفندن رافیریه [۳] نام وزیر اون بیک موژق کفره سی و هشدك قومی عسکره مالکدر (شهرینک زمینی) ... بونده دخی باغ و باغچه یوقدر لکن مشبک بوستانلری چوقدر بودیارلرده شراب اولماز جمله کفره لری راقی و قورلوقه [۴] و سوق مد [۵] نام مسکرات مشروباتلر ایچرلر اما قوم هشدك یینه آت اتلری بیوب بوزه و قز و طلقان و یازمه ایچرلر آب و هوا سنک لطافتندن محبوب و محبوبه سی غایت چوقدر و جمله عاشق پرستلردر اکر مرد اکر زنلرینک اسبابلری چوقدر باشلرنده جمله قلیاقلردر اما تاتار بورکاری کبی دکلدر بر غیری طرزده صراخی قلیباق کیرلر اکر قوم هشدكک و ملت نصارای مسقوک عورتلرینک یوزلری آجق کزدرلر بو شهر غازان دخی اقلیم

[°] دورت سطر آجیق وار [۱] ك ، ط : جنکیز [۲] س ، ك : کنیه لری

[**] ایکی سطر آجیق وار [۳] س ، ك ، ط : رافیریه [۴] ك : قورلوقه [۵] ك : بنوق مد

بادشاهلر اسالرن [۱] اول مذکور عموده یازمش اما آذربایجان شاهی اوزون حسن شاهی تاآر باشی صیره [۲] بورودوب فناقدن فناغه مصاحبت ایدر مشانی دخی اولبه مرمره یازمش [۳] وقانون بادشاهی اسیر [۴] و هر قوم و قبیله نك حیواناتلرینه تمغالری نقشن استین جمله اول عموده واروب سیر و تماشا ایدوب لازم اولان تمغالرك نقشن آلرلر وقانون نامه تیور خانى کورورلر و تیمور خانك حسیب و نسیدلریله [۵] وجفتایی لسان ایله حسن خطی مهر خطی کبی زمین قازمشدر و جمیع مرقدلرك عتبه علیالری و سنك مزارلری اوزره هر قبر صاحبلرینك سن و ساللری و جمله خیرات و حسناتلری و الحاصل حال حیاتلرنده هر نیه مالککرایسه و نه اشلدی و نه کشی ایدی جمله مزارلری طاشلرنده یاخود خیراتلرینك در و دیوارلرنده چلی خط ایله مسطوردر: بر عجائب قوم عنقالر ایش بعده بو شهر سرایده حاکمندن احسان واناملر آلوب مسقو اچیسنه بش بیک توفیقکی عسکر امداد و روبر نهر ادیلی کیلر ایله قرشو طرفه قرق یدی میلده عبور ایدوب نهر ادل کنارنده جانب غربه ۱۰ ساعت کیدوب صحرای هیپاده شدت شتالر چکوب و عبرتیا آثار قدیملر سیر ایدوب

اوصاف ولایت آبادان قوم هشدك منیان

نهر ادیلک یمین و یسارنده نیجه کرم یوز بیک کچهدن اوبالر و کچهدن جامع و مدرسهلر و کچهدن مکتب و دارالقرالر ایله صحرای هیپات خیمه و خرگاه و باروینکاهلر ایله زین اولمش کویا برولایت عظیمدر و بونلرده اولان حیوانات و عربهلرك حسان خدا بلور اچلی نی ال بازان [۶] نام برمرعانك گوشه رینه قوندردیلر حقیری بلوس پای کیشنك گوشه رینه [۷] یعنی عربهلرینه قوندوروب اول کیجه آتش کنارلرنده جان محبتلری ایتدك [۸]

[۱] ك : بایان قوناقدن قوناغه ركبتمده یوروتدوكی بادشاهلرك اسالار . [متنه كوره (بایان قوناقدن قوناغه بایان یوروتدیکی بادشاهلر اسالار) اولمیدر (م) ۱] [۲] ك : یانی صره [۳] ك : قزمش [۴] ك : استین [۵] ك : حسب و نسیدلریله [۶] ك : البان [۷] پ : گوشه رینه . س : گوشه رینه [۸] آلتی - طر آتیق وار

تاریخنده طوخطمش خان صاحب خروج اولوب حلولی مذهب اولماغن ولایت قریمده اسلام ایله مشرف اولان اوز بك خان اوزره طوخطمش خان بش کره یوز بیک عسکرله قریم جزیره سنه واروب اوز بك خان باسرااله منهزم اولوب الین ولایتن طوخطمش خان غارت و خراب و بیاب اتدوکنندن اوز بك خان دوغری واروب تیمورلنک خانه التجا ایدوب تیمور پرزور خان دخی اوزبک خانک خاطر یچون ماوراء النهر دن اوچ کره یوز بیک موغول و بوغول و قیتاق و لزیکی و لکیزی و ترک و ترکان و ترکمه و چغتای قومی عسکرله طوخطمش خان حلولینک شهری اولان بو سرای قربنده ایکی کیشیلر [۱] بربرینه قاریلوب و قاتیلوب طرفیندن نیجه کره یوز بیک خدنگ و سهم قضائر آتلوب حکمت باری یاری قیلوب طوخطمش خان منهزم اولوب ایکی کره یوز بیک عسکر دندان تیغ و تبرکاندن کچوب بقیه السیوفلری نهر ادله غرق اولوب شهر سرایی تیمورلنک خان خراب و بیاب ایدوب اول زماندن بروذ کر اولسان قدرجه آبادان اولور بعده تیمور خان اوز بك خان ایله قریمه کلوب ینه اوزبک خانه قریمی احسان ایدوب قریمی اوز بك خان عماراتمه کباشلر تیمورخانده نهر اوزوبی قرشو کچوب قراقستانی [۲] وله و قراقوستانی [۳] و مستووستانلری نهب و غارت ایده رک دشت قیچاقدن سالمین و غامین ماوراء النهره کیدر اشته شهر سرایک خراب اولماسنک اصلی بودر و زمان جنکیز خنده بو دشت قیچاغک یعنی هیهات صحراسنک اطرافنده یوزیتمش پاره شهر عظیمله وار ایمش حالا خرابه لری ایچلرنده قالمق شاهلرندن طایسی شاه و موینچاق [۴] شاه ایکی شر کره یوزبیک کچهدن اوبالریله قنوب کوچرلر جمله بوشهرلری تیمور پرزور خان خراب آتمشدر و بودشت قیچاقده بش دپه نام محله بریغمه تپه اوزره برقالن سرمر عمود منتهما وار بونی تیمور خان علامت ایچون احداث ایدوب جمیع خراب اتدیکی شهرلری و قلاع میشه لری [۵] و اون سکیز عدد پادشاهلری مطیع و منقاد و امرینه رام ایدوب اولی طشره [۶] اون سکیز پادشاهلری اتک درمیان اتدیروب تاتار قوناقدن قوناغه تاتار بوروندولی

[۱] دوغروسی (اشکر) اولمیدر (م) [۲] ك : قراقستانی [۳] س ، ك ، ط :

قراقوستانی [۴] ك : موینچاق [۵] ك : متینه لری [۶] ك : اوکی صره

خيابان ايچره بر چنزار صفة اوزره مدفوندر مرقدينك قدى كامل یتمش یدی
 خطوه درکم دائراً مادار صماقی صندوقه ايچنده مدفوندر بنوك دخى سنك مزارنده
 آبا واجداد ومدت سلطنتى ايله تاريخى بويله تحریر اولمیشدر مدت عمرى دورد
 يوز يکرمى سنه ایدی وصاحب قران دیو بند کشى ایدی وآته وقاطره ودويه
 پلان واکر اوروب بينر ایدی بصغره وجاموسه يوك اوران ایدی وبايطاله اشكى
 چکوب قطر قولونلادن ایدی وپارس ونازى وزغرلى بربرلینه چکمک ايله
 کونا کون طرش وطوله لر وارغان [۱] يتلر حاصل ايلر کشى ایدی واله وئاله [۲]
 يتکن تازيلر ايله آوآولماق بو طهمورس باندركم فنا يوردبوکه دخى قالمادی وآلات
 سلاح مقولهسى نبوط [۳] وقلج وخنجر وچچاق پيدا اتکندر وترکستانده
 نشو [۴] شهرينى وشابورشانى [۵] وجمه ترکستانى بنا اتکندر رحمت ايزيد [۶]
 بولغاندر « دیو بو اوصافلى جمله جلی خط معقل [۷] ايله سنك مزارينه يازمشلر
 حقا که سکه مرمرده قازمشلر (تاتار خانلرک اجدادلى زيارتن بيان ايدر)
 (زيارت طولى خان) بوسراى شهرنده برسر آمدسروى دبنده مدفوندر اما قبرى
 اولقدر طويل دکدر اندن برخيلى مسافه بعيده یرده نهر ادل کنارنده (زيارت
 طغار خان) ياننده باباسى (منكرتم خان) ايکيسى بر قبسه طالیده مدفوندرلر
 بو مرقوم خانلر جمله حنکيز خان اولادلريدر [۸] جمله اسلام ايله مرحوم
 اولمشلردر اما هوشنك شاه وطهمورس شاهلر مقدملردر [۹] بو شهر سراى
 جمله سلف خانلرينك تختگاهلرى اولوب نهر ادل کنارنده اولماق ايله اولقدر
 معمور وآبادان ايشکم چپار آت ايله برکونده برباشندن بر باشنه يتشيلر [۱۰] ايش
 بونده اولان عمارت عبرتنامه بنای کسرالر وقباب طاليلر وارکم مصر ديارنده اشنه [۱۱]
 واسوان وسودان اياثلرنده يوقدر (دربيان سبب خرابى شهر سراى) سنه ۶۹۰

[۱] ك : وارغان [۲] ك : وئاله [۳] ك : نبوط [۴] ك : يسو [۵] ك :
 وشابورشانى [۶] دوغروسى (ايرد) اولميدر (م) [۷] ط : مفصل [ظن ايدرمکه
 دوغروسى (مقل) اولميدر (م) [۸] اولادلرننددر [۹] ك : مقدم اولوب آتلاهم
 سالفه ده مؤنلردر [۱۰] ك : يتشلمز [۱۱] ك : اسنه [دوغروسى (اسنى) اولميدر (م)]

ایدوب سلیمان خان زرین اوغلی ولایتلرندن یوز قرق پاره قلاعلرن قبضه تسخیره آلوب سلامتله دردولته کلدی اول عصردن برو نمسه چاسارنده بوتاج هوشنک شاه قالدی حتی بو حقیر سنه ۱۰۷۳ تاریخنده کپری [۱] فاضل احمد پاشا قلعه اویواری فتح ایدوب سنه آتیده نهر رابده عسکر اسلام منهزم اولوب نمسه چاساری طرفندن صلح وصلاحه رغبت اندکلرنده الچی محمد پاشا ایله نمسه چاسارینه کیدوب بیج قلعه سی سراینده قرالک باشی اوجنده اول تاج اسکندری کورمک واقع اولدی بدی کونکوره لی کوده ری وتلاتیندن برمجوهر تاجدر واورته کونکوره قبه جکنده برجواهرلی مرصع بیوک حلقه سی وار وهرقرالر جلوس اندکده تبرکاً [۲] بر دانه مرصع التونلی زنجیر قورلر بو تاجک قطعه سی بر کیه رومی قدر واردر بدنام کونلرنده وطوروس [۳] والچیلر کلدیکی کونلرده وبونلرک امثالی جمعیت کبرالی کونلرنده چاسارک باشی اوستنده مذکور زنجیرلر ایله آصیلمش طورر طشره دن کان آدملر چاسار تاحی کیمش ظن ایدرلر بر ذی قیمت تاج هوشنک شاهدر قدیم ایامده طونا کنارنده بورون [۴] قلعه سنده بوتاج امانت دورردی بیک یمش اوج تاریخنده قلعه اویواری آل عثمان فتح ایدوب ودون قلعه سی اویواره ایکی قناق قریب قالدیغندن کفار خوف ایدوب بوروندن تاجی رفع ایدوب بچدن ایجری ... قناق وبرپای تحت ثانی سی اولان براق [۵] قلعه سنه کتروب اده حفظ ایدر اولدیله اما انشالله تعالی کفار قورقدیغنه اوغرایوب بیج قلعه سی وبراغی ولونجباط قلعه لرن فتح ایدوب قور المایریم پایاده قرار ایدررز اشته بو شهر سرایده ابتدا هوشنک شاهک کیدیکی تاجک اصلی وفرعی واشکالی بویله در حتی هوشنک شاهک زیارت اتدیکمز سنک مزارنده تاجک اشکانی تصویر آتمشدر قلعه بجه مظهرمز [۶] اولدوغی اوزره طابق النعل بالنعل یازلمش تاج هوشنک شاهدر بعده هوشنک شاهک قبری قریبده (زیارت طهمورس خان ابن هوشنک شاه) نهر ادل کنارده برباغ

[۱] س : ک : کپری زاده [۲] ک : بو تاجه التقاتاً [۳] ظن ایدرم که دوغروسی

(طورون) اولیدر (م) [۴] ظن ایدرم که دوغروسی (پوزون) اولهجه در (م) [۵] ک : براق

[۶] ک : منظورمز

اولاد لرندن منجاره دکدی منجار قرداشلریله ضد اولوب جمیع عسکر یله جلاء وطن ایدوب اکره قلعه سی قریبنده فاتح اکره سلطان محمدخان سنه ۱۰۰۵ تاریخنده یدی قرائ منزه ایدوب یدی کره یوز بیک کافری قردینی خرشطوش [۱] صحرا سنده مذکور منجار ابن منوچهر وطن ایدینوب اسمی منجار ایکن مجار غلط مشهور اولوب بعده بوتاج منوچهر اوغلی منجار مجاردن نهمه چاسارینه دکدی حالا نهمه اول تاجه غرونه دیرلر بعده بوتاج پر خاج بی رواج وشغراد قلعه سنده ایکن سلطان سلیمان قلعه فتح ایدوب تاج اسکندر وشغراد قلعه سیله بیله آلتوب سلیمان خانه دکوب خزینه پادشاهیده دورردی بعده سلیمان خان بودینی سنه ۹۳۶ تاریخنده فتح ایدوب قرالغن اردل بانی اولان یابوش قراله وروب خزینه دن تاج غرونه دخی چیقاروب مستقل قرال اولوب بودینی ضبط ایتسون دیو تاجی یابوش قرانه وردی یابوش آل عثمان طرفندن تاج صاحبی اولوب قانون کفره اوزره تاجی بر بان آلوب حفظ ایدردی حکمت بازی تاجی حفظ اتمک شقلووش قلعه سی بکی برین پتور نام کفره غرونه شقلووشه کتوررکن سکسار قلعه سی قریبنده نهر ساروربر [۲] کنارنده تاج ایله قومشدرکن پجوی قلعه سنک پشیک نام بکی بر کیجه علی الغفله برین پتوره بانی بصوب جمله عسکرن قروب تاجی آلوب نهمه چاساری اولان یابوشه تاجی تسلیم ایدوب اول دخی پسورون [۳] قلعه سنده تاجی حفظ ایدر بعده سلیمان خان دفعه ثانیده بودینه کلرکن سوپرون [۴] قلعه سنندن تاجی چیقاروب خزینه به آلوب حفظ ایدر بعده سلیمان خان المان قرالیله زرین اوغلی وبکان اوغلی والحاصل یدی هر سیک بکلری وسکلرن اورتادن قالدرمغه نهمه قرالیله عهد و شرط ایدوب اول شرط اوزره تاجی سلیمان خان خزینه سنندن چقروب نهمه قرالی اولان فردیناند [۵] قراله وروب اول زماندن برو نهمه قرالرینه چاسار انپره طور دیرلر زیر تاج اسکندر وهوشنک شاه تاجی صاحبی اولدی بعده عهد ومیثاقلری اوزره چاسار امداد

[۱] ک : خرستوس . س : خرستوس [۲] ک : ساروس . پ : ساروین . س : سارون [۳] ک : پسورون . ط : بسورون [۴] ک : پسورون . س : سوپرون [۵] ک : مردبناند

صاحب‌بلری واردر آنکیچون هرقله‌لرینه ظفر بولماق ممکندر انجاق بومسکو و آل عثمان وهند وعجم پادشاهلرینک قله‌لری کندیلرینکدر اما بومسکو ولایتی غایت بیوکدرکم ایکی اقلیم ایچنده بولمشدر لکن شدت شتادن وهوای مظلمدن چوق یرنده بنی آدم ساکن دکلدن چون هیهات سحرسی خاککی وقرانلق ولایت وکوه قاف اتکلرنده یلدراق طاوه وارنجه حکم ایدر واجناس مخلوقاتلر وسمور وقاقوم وجومران [۱] وسیاه تلکی وسود بیاض تلکی وسود بیاض سمور وبالق دشی نمین [۲] اددکبری سلوک وتلاتین وزنجاب [۳] ویشل توکلای طاوشان ... ویدی کونه التون وکومش وباقر وتیمور معادنلری ونجه معادنلر چوقدر اما شدت شتا کانی اولماق ایله طوزی [۴] واوزومی وسائر فواکها تلیری یوقدر اما جابجا بانچه‌لرنده الماسی اولور لکن بوستانلرنده قاوونی وقارپوزی وقباقلری چوق اولور (دریان زیارتگاه شهر سرای قدیم) اولا بوشهرک قبله‌سی خارچنده امت محمد وغیری پیغمبرله ایمان کتروب امت پیغمبران اولنلردن ابتدا بوشهرک جنوبنده نهر اادلن بعید برپشته تراب اوزره (زیارتگاه هوشنک شاه) بودیار قومنک مسلمی وغیر مسلملری جمله بوهوشنک شاه پیغمبردر دیو اعتبار ایدوب زیارتگاه قدیمدر جمله مسلم هشدک تاتارلری دخی اعتبار ایدوب زیارت ایدرلر جانب اربعه‌سی قله مثال دیوار عالیدر حتی قبرینک طولی یمش آدیمدر باشی اوچنده اوچ آدم انجاق قوجاقلر برعمود صوماقی [۵] دیکیلیدر ایاغی اوچنده بیاض مرمر ستوندر بو ستونده مهرخطی کبی زمین خط طرز قدیم ایله « قرق سنه پادشاه اولوب بشیوز یل معمر اولوب ابتدا باشنه تاج کین پادشاه بن ایدم » دیو سنک مزارنده جمیع احوالدرن تحریر اتمشدر برکونه خطدر (دریان اشکال تاج هوشنک شاه) بوتاج رواج هوشنک شاهدن صکره حضرت رسالتک ولادتندن ۸۸۹ سنه اول اسکندر ذوالقرنینه دکدی اندن اکسره پادشاهلرندن انوشروانه دکدی اندن انوشروان اوغلی حرموز تاجداره دکدی اندن دادیان بانلرینه دکدی اندن منوچهر

[۱] پ : جومران [۲] دوغروسى (تمبير) اولمیدر (م) [۳] ك : وسنچاب

[۴] دوغروسى (جوزى) یاخود (موزى) اولمیدر (م) [۵] ك : سماق

ایچوری خط استوادرکم آنده مصرک حکمی واردر اقلیم سابعده آل عثمانک حکمی اوز تیمور اوغلی عثمان پاشا واردوغی نهر ادل کناریدرکم قلعه آزاغ ایله مشاع اولدیفتندن آل عثمان بدی اقلیمه حکم ایدرکم بر پادشاه ذوالاقتداره حالا میسر اولمامشدر الی اقراض الدوران دولت آل عثمانیان مؤید اوله حتی اوز تیمور زاده عثمان پاشا بو شهر سرایه مالک اولمشدی اما ینه مسقو قرالی استیلا ایلیوب حالا حکم ایدر (در بیان طالع عمارستان سرای) بقول کهنه منجمان بو شهرک اساس بناسی طالعی حکمت باری بر ج عقرب و بیت مریخ مایده بولنمشدر آنکیچون نیجه کره معمور و نیجه کره خراب آباد قالمشدر و هر بار ایچندن مریخ کبی قلیج و قان اکسک دکلدرد و بیت مایده بولندوغیچون خلقی همان صو کی بر طرفه آقاغه میالرددر و غایت جفتیجی و اکینجی کفرملری واردر لکن فرق کونده اکوب ییچوب در انبار ایدرلر همان الانجی [۱] کونده قاریغار اما بر کله سی یتش سسکن کله داری ویرر زیرا اکثریا خلقی داری ییوب داری اکرلر (در احسان آب و هوای جاودان) صوبی نهر ادلدر و غایت سریع الهضمدر اما هواسی قتی شدید اولدوغندن خلقنک اکثری اگری بللی بو کریلدرر و محبوب و محبوبه لرینک رنک رویتری حرمت اوزره اولوب خلقی غایت مسن اولورلر اما کفره عسکریمی طائفه لری اکثریا قوم موژوفدر [۲] بهادر دکلدردر اکر اره لرنده هشدک تاتارلری اولماسه بو شهری قلمق تاتارلری چوقدن آلمشدی آنکیچون مر سنه بو ولایته مسقو قرالی اونار بیک قدر یکیدن موژق قومی عسکر امداد کوندرر (در بیان اصل و فرع قرال مسقو) بو مسقو قرالترینک اصللری تاهوشنک شاه و منوچهر زمانندن برو کورجستانک دادیان نسلندن [۳] حالا بر قرال ضاللری بلا ولد مرد اولسه دادیان ولایتی بانلردن بریان زاده کتروپ مسقو قرالی ایدرلر و جمله طقوز بیک قلعه یه مالکدر و نیجه بیک شهر و نیجه بیک کندوکویه مالکدرکم جمیع قلعه و شهرلر قرالترینک ملک موروثلیدر اما غیری کافرستان قرالترینک قلعه لری کندولترینک دکلدردر هر قلعه نک باشقه باشقه

[۱] ک : ایکنجی [۲] ک : موژوفدر [۳] ک : دادیان قومی نسلندردر

تاتارلری دائماً ههات سحراسنی کچوب چرکس ولایتلرنده سا کن اولان بوغای تاتاری
 اللرینه اسیر کیرمه [۱] آنلرده اول اسیرلری دیار قریمه کتورمده درلر حتی بو
 حقیر بیک اللی تاریخنده اسلام کرای خان دولتنده قریمدن سبجان غازی اغا ایله
 یوز بیک تاتار صبارفتار و آلی کره یوز بیک عدد آغرماق اسب تازیله ایله یکرمی
 کون و یکرمی کیجه سکر دوب تا بحر محیط کنارنده اسوج قرالی مملکتین غارت
 و آلان و تالان ایدوب قرق ایکی بیک اسیر حیقاردق لکن اول عصرده قرداش
 قزاغی تاتار ایله هنوز قرداش اولوب آنلرک اعانتلریله تا اسوج ولایتنه واریلوب
 غزات مسلمین غنیمتله آلدیلر حقا که بو قوم تاتار کافرستانک طاعون اکبریدر کم
 بو شهر سرای تاتاری جمله کافرستانک اورناسنه واقع اولمشدر هر طرف کفارن
 چپارلر الامسوقو قرالی ولایتن چاپمازلر زیرا کندولرینک قرالریدر لکن بو
 شهر سرای غایه الغایه شدت شتایری اولماق ایله اشجارات و اثمارادن بر شی اولماز
 اما سکود اغاجی و قواق اغاجلری اولور (در قول منجمان اقلیم ارض بلده شهر
 سرای جنقیز [۲] خان) سیاح دنیای جدید و جهان کشت دنیای عتیق اولان
 حکیم تادوه [۳] نام کفره ناذمی که (فتحنا) لفظی تاریخنده بیکی دنیای بولوب و بو
 اسکی دنیای داثرأ مادار کشر و کذار ایدوب دیار مسقوی التنجی ویدنجی اقلیمده
 بولوب شرق ایله شمال طرفی اره سنده بر اقلیمق یر دخی بولوب لکن شدت
 شتادن و کیجه سی بر ساعت اولوب کوندوزی یکرمی اوچ ساعت اولوب و شافعی
 وقتی کبی مظلم بر اقلیم دخی بولوب تحریر اتمشدر آنک علم اسطرلابی حکمنجه
 بو شهر سرای جنکیز خان اقلیم عرفیه نک ۲۸ نجی طبقه سنده [۴] بولنوب کیجه سی
 اوچ ساعتدر و طول نهاری یکرمی بر ساعتدر و عرضی اللی درجه و او توز
 دقیقدر زیرا اقلیم سادسک آخری و اقلیم حقیق سنک جانب شرقی سیدر [۵]
 وسطی ولایت آزا قدر کم آل عثمان دستنده در آنکی چون آل عثمانک یدی اقلیمده
 حصه سی واردر اقلیم اولده حصه سی مصر جزیره سنده ولایت دنقلادن [۶]

[۱] س، ک، ط : کترمه [۲] پ، ک، ط : جنکیز [۳] پ، س : تادوه ک : نادره

[۴] ک : صفتنده [۵] ک : شرقی سنده [۶] ک : دنقلادن (شیمدیکی املاسی دنقله) در (م)

اوله وقائی چیقہ البتہ اول مخلوقی یرلر و اکمک یمزلر اکر اکمی بسہلر اکمک
 قرنلرینہ یاپشوب اولورلر همان جملدآ زیادہ محبت اندکلی آت آتیدر ونیجہ قبیلہ سی
 آت اتن بشرلر ونیجہ قبیلہ سی قاتن آقیدہ آقیدہ اتی چیک یرلر صورینہ بوزا
 و آت سودی قزی و دوه سودی ایچرلر زیرا آتلی و دوهلری یحسابدر و بو
 سرای تاتارلرینک [۱] السنہ مختلفہلری بربرینہ مغایردر بربرلرینک لسانلرن ترجان
 ایله آکلارلر و بو قوم تاتارده اصلا غیبت و مساوی و کذب و بہتان بو قدر
 کذب اول کسہدہ اولورکم بر آدمدن ویاخود بر حاکمن قورقوب کذب سویلیہ
 بونلر خود اصلا بر کسہدن خوف و خشیتلری یوقدر انکیچون کذبی اختیار
 اتمزلر و کذب ندر بلزلر و بونلر جمیع زماندہ بر دورلی صوق طعام یرلر
 اسی آش آشامادقلرندن بونلرہ امراض مختلفہ اولمیوب غایت تن درست قومدرلر
 و جملہ تاتار صحرا نشینلردر دوه عربہلریلہ بنوب کوچرلر بو قوم جنتکیز خاندن
 برو مؤمن و موحد و حنی و شافی المذہب اولمشلردر اما بو قوم تاتار ذکر
 اولنان اخلاقدن بعضی خلقلہ متخلق و اوصافدن بعضی وصفلہ متصفرلہ یہ شعایر
 اسلام ایله اهل سنت والجماعت کفارہ بوکور ایگی اولمش [۲] بر آلاعی قوم تاتار
 صبارفتار عد و شکار عواندر و حلیہ دین محمدی ایله محلی درلر [۳] و ظلام
 کفر و ضالادہ قالدرلر حتی و قوم تاتار افوام نصاردن قزاق قاق ولہ و چہ
 و اسوج و مسقو و موثریق و قراقوق [۴] و اردل و اورتہ مجار و قورص ونمسہ
 و قنامک [۵] کافرلرینک مملکتلرینہ شبخون ایدوب ماہ و سال ہر دار دیار
 کافرستانلری نہب و غارت ایدوب شمشیر ستیز تیغ سرتیز و سهام قضای ناکہانی
 اوروب بقیہ السیف اولان صغار و کبار کفارلری کشان برکشان اسلام دیارینہ
 کیروب [۶] شرف اسلام ایله مشرف ایدرلر زیرا بو سرای شہرینک نوغای
 [۱] ک : و بو تاتارلرک [۲] (کفارہ بوکور ایگی اولمش) عبارہ سنک یرندہ ک
 نسخہ سندہ (کفار بد کار ایجرہ قلمش) عبارہ سی وار . ظن ایدرم کہ بونسخہ بی یازان آم
 برنجی عبارہ بی یا اوقوبہ مامش یاخود آ کلایہ مامش بناء علیہ تحریف اتمشدر چونکہ برنجی عبارہ
 پک یوکک، پک معنالی و مناسبتلی برشی اولدینی حالہ ایکنجی عبارہ طائزہ، یاقیشقیز برشددر (م)
 [۲] ک : متعلی درلر [۴] ک : قراقو . پ : قراقوف [۵] ک : فلمنک [۶] ک : کتروب

سکون [۱] ایدوب کلدانده بوشهر خاکنده توطن ایدینوب تناسل بولاراق اشتهار بولوب جنکیز خان اسکندر وار جهان کبر اولمی مراد ایدینوب کندویه مطیع اولیان قرالک اللری و ولایتلرن خراب و بیاب ایدوب اسیرلرن کباب ایدرلردی حالا قوم تاتار بی رحمدلر حتی جنکیز خان حضرت رسالت پناه عصرنده حیاته اولدوغی بالاده مسطوردر بو قوم تاتار حقنده حضرت رسالت بیورلرکم حدیث شریف صحیحدر (ان الله جنوداً بالمشرق اسمهم الترتک ینتقم بهم من عصاه [۲] بکم من حافظ حاسرات سترحن فلایرحن فاذا رأیتم ذلك فاستعدوا للقیامة) بیورملشدرر حالا دست مسقوده در اما جمله رعا یا و برایسی و عسکر یسنک نصفی قوم هشدک تاتاریدرکم مؤمن و موحد مسلملدرر و نصف عسکر یسی مسقو کفره سیدرکم جمله مسلم و کفره ... عدد کزیده لشکره مالکدر باشقه وزیر مقامنده قبودان حاکی واردر باشقه قرق پاره کچی صاحبی ادل نهری قبودانی واردرکم اوچ بیک قزاق کفره سی کشتیبان جنود جنبلره مالکدر (در بیان عمارت شهر سرای) جمله طقوز بیک تخنه و ساز و قامش ایله مستور خانه منحوسلدرر جمله یدی عدد دیر معظملر واردر [۳] (در تتمه شهر انکیز کلیات شهر سرای حالا بو سرای شهری قوم تاتارک اجناسیله مملو بر شهردر اولا قوم مسقولر دخی ملت مسیحیدندر اما بونلرک اصللری دخی تاتاردر وهشدک تاتاری مسلملدرر و نوغای تاتاری دخی مؤمنلدرر و یان تاتاری و تب تاتاری ویشداق [۳] تاتاری و نیجه کونه ال [۴] تاتارلری بو دیارده متوطنلدرر اما وطن اصلیلری اولوب مسقو غلبه اتدکدنصکره مسقووہ رعایا اولمشلدرر بو قوم تاتارک [۵] یانلرنده [۶] حل و حرمتدن بر شی بلزلر جمله مباحیلدررکم ذی روح قسمی نه بلورلرسه جانی

[۱] عربجه به بکرزه مک ایچون (سوکون) شکنده یازلمسی مناسبدر (م) [۲] بو حدیث شریف یوقاریدهده یکدی ققط اوراده اولدینی کچی بورادهده کاتبرک اثر غفلتلی وار. عقلاً تصحیح ایسه جائز اولدیفندن کوردیکم کچی یازدم. ک نسخه سنده ایسه ایکنجی جمله یازلمیه زق یری آچیق بیراقلمشدر. شو حدیث شریف ایچوز اولیا چلی بر مأخذ کوسترسیدی چوق اصابت ایدردی. معناه بوکا یاقین بر حدیث شریفده دیوان لغات ترکده (ترک) ماده سنده وار ج ۱، ص ۲۹۳ (م) (۵) اوچ بچق سطر آچیق وار [۳] ک : شیداق . ط : بشداق [۴] س، ک : آل [۵] دوغروسی (تاتار) اولمیدر (م). [۶] ک : میانلرنده

اوصاف تخت گاه جنگیز خان بای یعنی شهر سواد عظیم سرای

بو كترك [۱] بو قدر زماندن برو سیاحت اندیکمز ادیم ارضده . . . عدد (سرای) اسملی شهرلر واردر اولا دیار رومك بوسنه سرایی ووره [۲] سرایی و یانبولی یاننده چلی سلطان محمدك و موسی چلینك یانبولی سرایی و اناطولیده آق سرای . . . و ولایت آذربایجانده شهر سرای وار قوم عجم اکه (سراو) دیرلرکم جیغال اوغلی وزیرك منہزم اولدوغی سراودر مغول قومی دخی بوسرایی شهرینه (سراو) دیرلر اما بوشهرسرایه (سرای جنگیزخان) دیرلر نیجه ملوکدن ملوکه انتقال ایدوب آخرکار هلاکو خان ماوراءالنہردن حکیم طوسی ایله بو شهره کلوب شهر سرایی خراب ایدوب اہالیسن هلاکو جمہ قیروب هلاک ایتدی بعدہ ابقای خان و طوخطہ بای خان عمار ایدوب سنہ . . . تاریخده تیمور خان قریمدہ طوخطمش خان اوزره کیدرکن بو شهر عظیمی حیفا دریغ کم خراب و بیاب و خلقنی کباب ایدوب کیدر حالا اثر بنالری ایکی مرحلہ یرده ظاهر و باہردر بعدہ مسقو قرالی تیمور خان مرحوم اولدقدنصرہ سنہ . . . تاریخده عمار ایدوب اول زماندن بری بو شهر سرای مسقو قرالی حکمہ بندہ در (اشکال زمین شهرسرای) مورخان عجم کیلان دریاسنه بحر خزر دیرلر بو شهر سرای بحر خزرک کنارنده ایکی مرحلہ یر بعد جانب شمالده نہر عظیم ادل کنارنده بر سواد عظیم ایمش حالا اولقدر عمار دکلدر آندن بحر کیلان شهر سرایک جانب شرقیسنده در و عمان خزرک قرشو طرفنده اوچبوز میل عجم ولایت کیلاندرکم [۳] بالاده اوصافی تحریر اولمشدر اما بو شهر سرای نہر ادل کنارنده اسکله اولمق ایله عمار اولمشدر نہر ادل بو شهرک شماندن و غربندن جریان ایدرک کلوب اشنی جنوبہ آقوب ایکی کوندن بحر خزرہ برفرقہ سی مخلوط اولور نہر ادل قرق یردن بحر خزرہ مخلوط اولدوغی بالاده موصوفدر و ابتدا قوم تانار چین و ماچین و ختاوختن و قفقور و ماہاندن

[۱] ک : بو حقیر کتر [۲] ظن ایدرمکہ (ویزہ) اولمیدر (م) [۳] ک : بھر

کیلاندرکم

و سودان دیارنده نهر نیل طغیاننده بیوکدر اماوقت شتاده کوچوکدر اندن حیجون و سیحون و جهان روم و عرض [۱] و کور صوبی و رومده صوه [۲] و دیراوا و واردا و مریج و طونجه و تسه [۳] و طورله و آق سو و سود صوبی و اوزی صوبی و موش صوبی [۴] و تن صوبی اراق دبنده در بو ادل صوبی ایله تن صوبینک مابینلری بر قنایق یردر اما بو مذکور صولرک جمله سندن عظیم حقا که بو ادل نهر یردر کم بوندن عظیم نهری حقیر کوردیکم یوقدر ابتدا منبئی مسقو مملکتندن کلوب بحر خزره یعنی شروان و کیلان و دمیر قپو دکزینه قرق یردن دریا کبی اولوب کرر هر فرقه سندن نیجه بیک پاره کیملر مسقوه کیدوب کلرلر روی ارضه نیل و اتلدن کزیز [۵] و عمیق صو یوقدر لکن نهر طونا اسحاقی و سلستره و ابرائیل و لایتلری اوکلرنده نهر طونا دخی دریندر اما بو نهر ادل یکریمی و یکریمی بش و او طوز میل انلی یرلری واردر اما قوم هشدکلرک روایتلری اوزره آلتش یتش میل انلی یرلری واردر دیو نقل ایتدیلر ابتدا باشی مسقوک شهر ... داغلرندن طلوع ایدوب یدیوز پاره شهره و قلعه لره اوغرایوب بش آباتی یردنصکره بحر خزره قرق یردن منصب اولور ... بعده بو اثردر خاندنینه ادل کنار ایله جانب شماله بر کونده (منزل بش دپه) بش دانه علی الترتیب دزلس عالی داغلدر اما بشیده عملیدر همان مصرده جیزه طرفنده کی اوچ عدد احرام [۶] داغلری کبی یغلمش داغلدر هربری اوچ مرحله یردن نمایاندر بو محللره تیمور خان [۷] بش کره کلوب مکث ایتمک ایله هرکاشنده بر طایغ علامت ایتمشدر [۸] اما حقا که علامت شهنشاهیدر اما بو محللرده روز قاسمه راست کلوب یدنچی اقلیم اولمق ایله اولقدر شدت شتالر چکمه که باشلادقکم رفیقلمیزدن (هندی بانا منصور) ضعیف و نحیف اولمق ایله هلال مرتبه سنه واروب کامل اون کون نهر ادل کنار نیجه جانب شماله کستدک اون برنجی کون

[۱] ظن ایدرم که تورکلرجه [آراز] ، ایرانلیرجه [ارس] دنیلین صودر [م]
 [۲] ک : صاوه [۳] بو کتایده یوقاریلرده اکثریتله [تسه] شککنده یازلمشدر [م]
 [۴] س ، ک ، ط : مش [۵] ک : لذید [۶] پ : اخرام [دوغروسی] [اهرام]
 اوله جقدر [م] [۷] ک : تیمورلنک خان [۸] ک : علامت ایدوب یغمشدر

کورمدیکزمی دیدکده آنلرایتدی بزده اکه حیرانز مسلمان شکلی اولهده صفالیری طراش اوله دیدیلر حقیر ایتدم عثمانلی قوللری توره سی شولایدر دیدم یعنی تا بومرتبه متعصب مسلمانلردرم کندیلری برایش ایشلهسه صفالیریخنی ایکیشرجتال ایدوب بلرنده قوشاقلرینه صوقارلر هر برینک صقالی اون دانه روم آدملرینه صقال اولور واصلا لسان تورک ولسان تانارجه بلزلر واصلا صقالی یولتمزلر وماینلرنده منتشرع قاضیلری وار اکثریا (عمادا لاسلام) کتابن و (برازیه) و (قاضی خان) و (تانارخانیه) وفقه و فرائض و (محمدیه) کتابن یینه لسان مسقو اوزره ترجمه ایدوب مسقوجه واوروسجه کلمات ایدرلر اما عورتلرینک یوزلری یینه نوغای قومی عوتلری یوزی کبی آچیقدر و بو قوم هشدک بو اژدر خاندۀ علوفه لی قولدرلر اونیدی بیک کفار لشکری بو اژدر خاندۀ موجوددر زیرا بندرولایتدر عجمه وداغستانه وچرکس ولایتلرینه یقین دریند عظیمدر بو شهر اژدرخان بلده قدیم اولماغیله نیجه یوز بیک کبار اولیاءاللهلر و صحابه کراملر مدفوندر (زیارت اتدیکمز بو کبارلردر) زیارت توره های [۱] سلطان و زیارت طایماز خان ... [۲] بعده بو شهردن جمله آتلاوب قوداندن و هشدک بکلرندن هدایار آلوب کوچوک الحی ایله نهر ادل کنار یله ۶ ساعت کتدک

در بیان طلوع نهر عظیم ادل

قوم تانار اتل دیرلر قوم جفتای نهر اتل دیرلر قوم مسقو ... دیرلر بقول مورخان و منصور [۳] سیاحان برو بحاران قوللری اوزره بو حزره دنیا ایچنده بو نهر اتلن عظیم صو خلق اولنماشدر اندن کوچوک نهر جایقدر و اندن کوچوک نهر طونادر اندن کوچوک شطالعربدر اندن کوچوک مصرده اسنه و اسوان

[۱] ک: بوره های. پ: بوره های. ط: بوره های (ظن ایدرم که دوغروسی (بوره های) در. «دده قورقوت» کتابده ایسه قدیم و تأخیر ایله (بای بوره) آدی وار [م] [] ک نسخه سنده ایکی بوجوق سطر آجیق وار [۲] ک نسخه سنده برنجی [اتل] همزه مک فتعی، تانک کسری ایکنجی [اتل] همزه و تانک کسریله حرکه لئشدر [م] [۳] اشبو [و منصور] کله سی ک نسخه سنده یوقدر [م]

(قزان آلپ بای مرزا) [۱] در اعیانلریدر [۲] شهر ایچره اولورلر نیجه بیکی شهر خارچنده نهر ادل کنارنده اوبالر ایله ساکن اولورلر بونلرک دخی اصلی تاناردر همان نوغای کچی اوبالریله قنوب کوچرلر (ستایش عمارت شهر اژدرخان) زمان قدیمده بو شهر خراب یاتوب بونده براژدرها توره یوب جمیع هیهات سحر اسنده اولان بی آدملری و جمیع اجناس مخلوقاتلری ییوب نیجه ولایتلری بر باد ایدر بعده بر خان بهادر بو اژدرهایی قتل ایدوب ولایت امن وامان اولدوغیچون بودیاره اژدر خان دیرلر حالا نیجه عمار سرایلر واردر ایچ قلعه سسنده جمله بش منصطر در و طقوز کنیسه در و جمله بیک الی عدد قاشم و ساز اورتولی معمور کفره خانلردر اما بو ایچ قلعه داراجق اولماق ایله بونده چارسوی و بازار یوقدر (واروش اشغی کرمن) جمله اون اوچ بیک ساز و طوپراق اورتولی معمور اولردر و قرق کنیسه و اون یدی منصطر ویدی مسجد وار زیرا هشدک طایفه سی قومی هلا کو خاندن برو آنک ظلمندن مسقووه صغنوب رعایا اولمشلردر بونلرک بو فرقه سنی دخی (محمد بخاری صالقی بای) یعنی (صاری صالقی سلطان) اسلام ایله مشرف آتمشدر حالا ولایت مسقوده اون ایکی کره یوز بیک عدد امت محمدلردر کندولرینک نقللری اوزره آلتنجی اقلیمک و سطندن یدنجی اقلیمک نهایتنه وارنجه ولایت مسقوده تمش یدی بیک محرابمز واردر دیو تفاخر کسب ایدرلر و قراله سنوی آدم باشنه برر التون خراج و یریز دیدیلر و بو قوم هشدک مسقو ولایتنده بزم رعایالرمز کچی خراج ورلر اما ایچلرنده زاعم [۳] وزعما و امرا و پادشاه زاده لری وار آنلر خراج و رمیوب یوزاللی بیک عسکرله مسقو قرالیله بیله جنکه کیدرلر بو اژدر خاندن کی هشدک قوملری دخی انلردن بر الای مؤمن و موحد آدملردر کم اژدر خاندن کی مساجدلر آنلرکدر اما جمعه نمازی قیلمازلر اما غایت غلبظ و متعصب مسلمانلری وار حتی حقیرک برقاچ خداملریمک صقاللری طراش اولمق ایله باشلرنده بیاض دستار محمدیلری وار ایکن بو آدملر یکز کافرلردنیدر دیو سؤال ایتدیلر حقیر ایتدم باشلرنده بیاض صاریقلرینی کورمز میسر و دمین جماعته بیله نماز قلدلرلر

[۱] س : میرزا [۲] س ، ط : اعیانلری . ک : بونلرک اعیانلری [۳] ک : زعم

اولدوغنك بر فرقهسی کنارنده زمان قدیمده قوم تاتارك اجدادی اولان جنکیز خانك عمارت اتدوکی تختکاهی ایدی بعده قیناق [۱] خانه اندن هلا کو خانه اندن طوخطمش خانه دکوب اولقدر معمور اولورکم براوجندن بر اوجنه تاتارك چپار آتلیسی ازمنش بعده سنه ... تاریخنده ماوراءالنهر دن تیمورخان خروچ ایدوب بو شهری طوخطمش خانه رغماً یره برابر ایدر اندن صوکرده مسقو قرالی دستنه کروب اعمار ایدرلر حالا مسقو قرال ضالی حکمنده نهرعظیم اتل [۲] کنارنده شکل مثلک ایچ حصارى وشکل مسدس طشره کرمان بر حصن حصین اژدرخان درکم اوچ قات شدادی بنا برطاش کرمن رعنادر حتی بو دیارلرده دخی قلعهلره «کرمن» دیرلر دائراً مادار جرمی اون درت بیک آدیمدر ایچ قلعهسی باشقه خندقلی وشدادی وشکل مثلک ایکی بیک خطوه جرملی وایکی قپولی قلعهدر جانب شرقی وشالی نهر ادلر [۳] طرف غربی وجنوبی وقبلهسی جمله هیات سحر اسیدرکم سکسن مرحلهده طمان جزیره سیدر وطقسان یدی قوناقندن قرم جزیرهسی اوکندن کچوب تا قیل بورون قلعهسنده نهایت بولور صحرای هیاتدر اما اژدرخانك سروسیله [۴] نام وزیرینه کوچك الحی و حقیر بلوشوب داغستان پادشاهنك مکتوبلرن و ترک قلعهسی قپودانك پالر [۵] نام کاغدلرن ویردکده رهن اولان جرکس بکینک اغاچ چته وطماس [۶] ویروب ونمسه چاسارینك باصه [۷] خطنی قپودانه کوسترب قپودان ایتدی «آدم سنك نه چوق پادشاه دوستلرک وار سن بر معلوم آدم سن» دیو حقیره وافر تعظیم ایدوب و ما کولات و مشروباتلریمز ایله بر سرای قناق ویردی اما برسوز آکلار وغایت فهم صاحبی بر قپوداندرکم یکرمی بیک عسکره ویکرمی بیک هشدک مسلمانلری رعایا امت محمده مالکدرکم شب وروز قالمق تاتاریله جنک عظیم ایدرلر لکن بو هشدک رعایای اولان امت محمدلرک اوزرلرینه حاکم لری ینه کندولردر

[۱] ك : قیناق [۲] ك : ایل [دحرفی اونودولشدر. [دیوان لغات الترک] ده [اتل] دییه یکمکده درج ۱ ، ص ۷۰ [م] [۳] ك : ادیلدر [۴] ك : سووسله . پ ، س : سووسله [۵] س ، ك : باز [۶] ك : وطماسن [۷] ك : بانتنه . پ : بانتنه [بوکله ط نسخهنده یوقدر]

کیلر ایله برکوک الجی داغستان پادشاهنه کلوب کتدی بریسی [۱] قره‌دن‌ازاغه کیدر دیدیلر حقیر بیک بیک حمد و ثنا ایدوب ایو رفیق و یار موافق‌بولدق دیوب حمد ایتدم اولکون ترک قلمه‌سی قپوداننه مقدا المان دیارنده نمسه چاسارندن یدی عدد قرالره خطاباً آلدیغمز خطاری قپودانه کوس‌تروب نمسه لسانن ترانلری قرائت ایدوب روی زردینه نامه سوروب سمعاً و طاعةً بزم مسقو قرالینک دوستی المان وانکروس ولایتینک چاسار ایماطوریدر [۲] دیوب ینه اول خط مستکرمی حقیره و یروب صاقلدم بعده قپودان حقیره اللی دانه سموردریسی و برسمور پاچسی کورک و بش عدد جوهردار بالق دشلری و هر بیریمزه برر چوقه و برر قاش و بش بیک نقراد [۳] اچمه که مسقو دیارنده رایج اولان اولدر اما صرمه کومشندندر سکه‌سنک بر طرفنده قرال اسمیله جلوس تاریخی و بریانده کویا حضرت خضر تمثالی آب [۴] اوزره تحریر اولمشدر و بوقلمه‌ده رهن اولوب دوستمز اولان قبارطا بکینک خطاری اولماق ایله طایسی شاه و موینجاق [۵] شاه اولان قالمق پادشاهلرینه و مسقو وزیرلری و مسقو قرالنه قبارتی چرکزی بکینک خطی یرینه بر اغاچه کرتلش بر کونه چتله نشانلرن آلوب دستماللر اچره پنهان ایتدم اما غریب تماشا چتله درکم اصلا تقلید قبول ایتمز و اغاجک بریاننده آتشد قرمش تیمور طمغاسی وار اول دخی بر طرفه شیدرکم اصلا که بکنزر بر نقش یوقدر بعده حقیره چرکس بکی اون عدد جرد آتلی و ترک قپودانی بکرمی آتلی و یوز عدد پیاده و توفنکلیلر و یروب بو حقیر دریادن کتمک توبه ایتمشکن اوده کی حساب بازاره اویمادی بالضروره ینه رفیقلر و الجینک آدم‌لریله جمله آتلی بزم یدی یاره کیملره قیوب ینه بحر خزر ساحل‌لریله قالمق خوفندن امین اوله رق دریاده برکیجه پویراز روز کاریله کیدوب و سهل فرطنه جق چکوب

اوصاف ولایت شامران یعنی قلمه قدیم ژدرخان [۶]

دشت قبیچاغک نهایتنده بحر خزره نهر ادنلک [۷] اون سکزده [۸] مخلوط

[۱] ک : وکلوب بو الجی [۲] ط : ایماطوریدر . ک : انپره طوریدر . پ ، س : ایماطوریدر [۳] پ : نقرات [۴] ک : آت [۵] ط ، ک : موینجاق [۶] ط : اژدرخان [۷] ک : ادیلک [س نسخه‌سی نقطه‌سزدر] [۸] ک : اون سکز یرده

ایره میوب دونوب خائب و خاسر کلدیله و واروشك بقیه النار اولنلرن سویندردیله
 وینه عمار آتمک باشدیله بونده بر قالمق مرزاسی رهن ایکن نچون بوبله ایتدیله
 دیدم مکر غیری رهنسز اولان قالمق کلوب شهری یقوب اسیر یحساب و مال غنایم
 آلمشله بعده حکمت باری بوتک قلمه نه قبارتیدن بریکی رهن چرکز بکی کلوب
 او بر مرزا قبارطایه کیدوب بویکی رهن بک ایله مقدا چوق حقوقز اولماق ایله دنیا
 قدر حظ ایدوب محمد کرای خانک وینه داغستان پادشاهی شامخال شاهک مکتوبلرن
 یکی رهن اولان قبارتی بکینه کوستروب جهان جهان حظ ایدوب حقیره اکراملر
 اتدی وهر بار آنلر ایله جان محبتلری ایدردک ابتدا بوشهرده بیاض و سیاه سمورک
 صاغلرن کوردک همان رومک صا کساری کبی بر مخلوقدر و غایت انیس و مونس
 حیواندرکم شهر اوغلا نچقلمی اوموزلرنده کز دیر بلسلرلر اما بیاض سموری غایت
 محبوب اولویور و بیاض قاقوم دخی غایت چوقدر کدی کبی اولرده بلسلرلر بودخی
 کدیدن بکوک محبوب و مونس جاندر و چوقران [۱] نام سنجاب کبی تویلی و اول
 قطعه ده و جشده بر مخلوق وار اما قویروغی سنجاب کبی اوزون دکدر لکن
 اولقدر شوخ و شنکل و شقراق حیواندرکم نچان قرنی آج اولسه کندو کندویه آدمز
 اوکنده ناقه لر ور قصلر و پرندلر آتوب اولقدر پرند باز و لعبدله بازلقلر ایدرکم آدم
 کولدن حیران اولور اما قرنی دویدقدن صکره بطی الحریکه اولوب آدم یانسه کلز
 و غایت مستغنی اولور حتی انجه جک چیبوق ایله اورسک فریاد ایدوب اوینامز کدی
 کبی سرلر و آدمدن ایراغ بریده بطر نجاستی حبش ولایتک زبات [۲] کدیسی کبی
 نجاستی قوقار کفره لرده بو حیوان غایت مقبولدر کدی کبی ات واکمک دخی یر
 جو سران [۳] نام مضحک حیواندر بوقلمه تر کده نیجه بیک تماشار ایتک اما فقیر
 اولیا قنفی برن تحریر ایله سن وهم جمله سن تحریر ایدلوم دیسک تطویل کلام
 اولوب سیاحت مزه مانع اولور و الحاصل بز بونده ایکن حکمت باری مسقوقرالندن

[۱] پ ، س ، ط : جو قران [آشاغیده ق پرند م ایله (جو سران) ، (جو سران)
 دیبه کلکده در (م)] [۲] ک : زیاد [زیاد - سحاب و زنده در قاموس ترجمه سنده تفصیلات
 وار (م)] [۳] ک : جو سران

کویلی [۱] کلوب کیلاندن نیجہ یوز عجم اسیرلری آلمشدر وسلامت ایله مسقووه کتمشدر قوم عجم بوما-قو قزاغندن پک خوف ایدرلر حتی آل عثمان دخی مسقو قزاغندن خوف ایدرلر کم کرات ایله بر [۲] نہری ایله آل عثمانک ازاق قلعہ سی اوکندن قزاق کفرہ سی کچوب قرہ دکز اطرافنی کیجہلرده اورر ایدی حمد خدا سلطان محمد خان رابع ابن ابراہیم خان کوپولو وزیر رأیله ازاق قلعہ سندن یوقارو سد اسلام نام ایکی عدد قلعہ بناملری نہرک کنسارنده قرشو قرشویہ بنا ایدوب بو نہریک اوزره [۳] قالن زنجیرلر کروپ قزاق عاق قایقلری قرہ دکیزه چیقماسز اولدی اشته بومسقو قزاغنی غایت شجیع کفرہ لر اولوب بحر خزر اطرافنده اولان عجم قلعہ لری خلقلرینک اولدن صندقدرمشدر اک کزیده کافرلری بو ترک قلعہ سمنه کلرلر زیرا غایت معمور و آبادان اولده شکار کاهلی ترک قلعہ سیدر کم نافغفور و چین وختا وختن واوزبکستان وکنجه وشروان وشماخی ولایتلرندن شکار آلوب غارت ایدرلر اندن (ستایش طشره واروش قلعہ ترک) نہر ترک کنارنده اون بیک قدر دار نحوستلی وباغ و بانچہلی وجانب اربعہ سی خندقلی واروش عظیمدر اما آب وهواسی غایت لطیف اولدوغندن محبوب و محبوبه کوزلری چوقدر حقیر بوشهرده ذوق و صفالر ایدرکن برکیجه طشره ده واروشده برغریو و فریاد قوپوب آیا بونه اوله درکن بر آتش نمرود ظاهر اولوب طشره ده کی واروش معظم آتش نمرود ایچنده قالدی مکر قالمق تاناری اول شب مظلّمده شهری بصوب آتش ایدوب همان ساعت قلعہ دن تاوقت سحره وارنجه بیک پاره بال یمز طوپلر آتلدی چون صباح اولدی کوردیلر واروشده آدمدن واولردن برنام ونشان قالمیوب انجاق کارکیر بنا منصطر و خان ودکا کینلر قالمش کامل اون اوچ بیک آلتش آدم اسیر آلمش ماباقیسی [۴] کفرہ لر کیملره جنوب دریاده خلاص اولمشلر نہ چاره چونکه صباح اولدی قلعہ دن بش بیک قدر آتدیلر و اوچ بیک قدر تانارلر عربلر ایله قالمق تانارلرن خیلی قودیلر آنلر سه بادصبا کی اسوب کتدیلر [۵] ینہ قلعہ کفرہ لری قالمیغه

[۱] ک : کونلری [۲] ک : تن [۳] ک : بونہراوزره [۴] ک : ماباق [۵] ک :

آنلر ایسه شکارین آلمش قاره قوش کی سوزولوب واسوب کتدیلر

منصب اولور مسقو قرالنك داغستان حدودنده بر بندر عظيمي وانتهاء سر حديد ر
 جميع مسقو بازركانلري بونده كميلردن چيقوب داغستان و كور جستان و عجم ديارلرينه
 كيدر لر بوقلعه نك شمال طرفي بحر خزر در جنوب و قبله طرفي نهر ترك در و داغستان
 اولكهي سيله مشاعر و غرب طرفي قره در كم چركزستان و دشت قبيچاغه كيدر و جمله
 اطرافنده يدي عدد قپولري وار ايكي قپوسي صولر كمنارنده در بري قرم [۱]
 طرفنده در غيري قپولري كوچكدر صوآلر قپوچكلردر [۲] اما قرم [۳] طرفي
 غايت متين و صعب اوچ قات قلعه شدايدر و هر قپومايني اللبشر آديم انلي خندقلردر
 و قلعه ايچنده جمله طقوز بيك عدد باغ و باغچهي [۴] داراچق تخته اورتولي كار كير
 بنا دار منحوسلردر و جميع سوفاقلري صدرنج [۵] نقشه طرح اولنمش در
 جمله يتمش عدد كنيسه و اون عددی [۶] منسطر قلعه قلهلري كهي سر آمدچا ققلري
 واردر و جمله اوچ بيك دكاندر و جمله اون عدد كوچوك خانلري، وار و بو قلعه نك
 ايكي قپوداني وار بري قلعه يه [۷] ۵۰ كم ايدر بري طشره واروشه حكم ايدر
 اما قلعه واروشمندن [۸] غيري رده حكملري نافذ [۹] دكلدر زيرا هيات
 صحراسي كمنارلريدرك معمور و آباداني و قدر قالمق كافري و يمان صداق تاتاري حكمنده
 دشت قبيچاقدر اما بندر اسكله قلعه در قپودانلري اون بيك نفرات جنود جنبه
 مالكدر و قرق پاره قدرغه مثال اوروس شايقهلري كهي كپشتهلري [۱۰] ساز ايله
 اورتولي فرقهلري وار تيمور قپويه و بالو قلعه سنه و كيلان و مسقو قرالي ولايتلرنده
 بيك ميل مسافه بعينه ... شهر ... كيدر كميلري بازركان كيتروب كتر
 شايقهلري وار نهر ادله بو كميلر كروب مسقو و ك تا ... شهرينه ... نام تختنه كيدر
 غايت يراقلي پرسلاح كميلردر بمضو محلده مسقو قراللري عجم ايله صلحه مفاير
 ايش اشايوب بو مذكور كميلرله عجمك بحر خزر كمنارلرنده اولان قلعه و شهرلرن
 اوروب نهب و غارت ايدر لر حتى باو [۱۱] قلعه سن اوروب و كيلان شهرينك بازاری

[۱] ك: قاره [۲] ك: قابوچقلردر [۳] ك: قاره [۴] ك: و باغچهي [۵] ك: سطرنج
 [۶] ط: عدد [۷] ك: قلعه نك ايچنه [۸] س، ك، ط: اما قلعه و واروشدن [۹] ك: ك:
 جاري [۱۰] ك: كو پشتهلري [۱۱] ك: باكو

ایدنجه مصیبت بحر خزری فراموش ایدوب تازه جان بولدم و بو نهر دن جمله کشتیانلر و اهل سفر تجارانلر صولنوب یته فی امان الله دیوب تهلهکه کیسنه سوار اولوب ریخ طیبه ایله یدنچی ساعتده

اوصاف کرمان ترك ایمان قلعه ترك بی ایمان [۱]

کمیدن چیقوب قلعه قپودانه واروب داغستان پادشاهنک مکتوبلرن قلعه قپودانه و قلعه ده رهن اولان مناری [۲] و طاق ستان [۳] بکلرینه مکتوبلری وروب بو حقیره تعظیم و تکریملر ایدوب قپودان سراینده بیزه بر مکان تعیین ایدوب جمله ما کولات و مشروباتلری میزی و یردیلر حمد ایدوب بردخی کمی به کیرمکه توبه ایدوب ترك قلعه سنک سیر و تماشاسنه شروع ایتدک بو قلعه ترك عجمک بالو [۴] قلعه سنک جانب غربنده اوچیوز میل دریا ایله بو ترك قلعه سیدر بر ایکی آی مقدم محمد کرای خان افندیوز طاوستان اولکسنه [۵] کیدرکن و نهر ترکی عبور ایدرکن بو قلعه ترك صولمزده لب دریا ده نمایان ایدی حمد خدا شمده صحتله کلوب کورمک میسر اولوب آلتی کون ذوق و صفالر ایلدک زمان قدیمده قوموق النده بر کوچوک قلعه جک ایمشکم انوشروان بناسیدر بعده مسقو کیلرله کلوب قبضه تسخیره آلوب

در بیان ولایت صقالبه روس منحوس قزاق عاق کفره مسقو

بو قلعه سد اسکندر نهر ترك بحر خزره منصب اولدوغی یرده بحر خزرک جانب جنوبی نهایتنده بر کورفز دره مک تا داغستان اولکسنه کرمش بر دل کچی کورفز نهایتنده بردوز واسع فضا ده شکل مثلثک [۶] طرز مربعه طولانیجه واقع اولمش نصفی طولیه بنا ونسفی کار کبر طاش قلعه رعنادر جرمی کامل طقوز بیک آدیمر و دائراً مادار ایکی قات قلعه در خندقدن [۷] نهر ترك جریان ایدوب بحر خزره

[۱] س ، ک : بی امان [۲] ک : ضارب . ط : مناری [دوغوسی (قبارتی) اولق بمکندر (م)] [۳] ک : طاوستان . س : طاق ستان [۴] ک : باکو [۵] س ، ک : ط : اولکسندن [۶] س ، ک : مثلثدن [۷] س ، ک : ط : خندقدن

بو شهر کیلان اطرافلرنده نیجه شهر لر و کرمان و کندلر تماشاً ایدوب آندن ینه کشتی به سوار اولوب هرچه باد آباد دیوب ینه موافق ایام ایله کیدرکن حکمت باری

بیت عربی

ماکل مایتمی المره یدرکه تجری الریاح بما لاشتهی السفن

مضمونجه ینه روزکار زورکار مخالف اولوب قرشو طرفنده اژدرخان و بالو خان طرفلرینه کچلم دیرکن کرداب بلا بزی ینه بو بحر خزرک جانب قبله سنده داغستان خاکی قریبنده اوچنجی کونده

منزل نهر قانلی سوینج

کنارینه یتشوب [۱] لنگر براغوب صولنوب یاندق بو ملعون بحر خزر نه بحریسياه ونه بحر قلمه ونه بحر بوندقانیه ونه بحر سعیده [۲] بکنزر بر بی امان دریا درکم بریرنده جای مناص جزیره لری یوقدر مقدما جلد نانیزده ایچنده اولان مخلوقاتلری اوصافی تحریر اولنشدر اما ایچنده کیمیلره شناورلک ایدوب آلام و شداید ورنج و عنا چکمه مش ایدک اما شمدی توفیق [۳] الی الله دیدم حقا که اول و آخر دریا سیاحتدر حظ ایتیموب ولایت جزایری و طونسی و طره بلوسی و هندستانی کورمه مش ایدم خدا خیر لیسيله میسر ایده اما بو بحر خزرده مذکور قانلی سوینج نهری کنارنده ایکی کون استراحت ایتدک بو نهر عظیم داغستان کوهلرندن و آجیق باش دغلرندن کلاب تیمور قپودن اوچ منزل بعید یرده بحر خزرده مخلوط اولور برفرقه سی نهر ترکه مخلوط اولور آب حیاتدن نشان ویرر براق نهردر حتی اوز تیمور اوغلی عثمان پاشا بو نهر دریا به مخلوط اولدینی یرده تاتار عسکرینک فرمدن کله سنه منتظر اولوب قرق کون نهر سوینج کنارنده مکک ایدوب بر معبدکاه مصلی انشا ایدوب کونا کون درخت منتهار دیکوب حالا براوق منزلی یر بر خیابان کل کلستان و قیا خدر [۴] کم آنده بر ساعت آرایش ایدن آدم تازه جان بولور حقا که حقیر بو جای معبد خانه ده عبادت ایدوب سجده شکر

[۱] ك : یتشوب [۲] ك : سفیده [۳] ك : توبوا [س : سخته سنده اساساً (توفیق)

ایش صوکره (توبوا) باعقل (م) [۴] س ، ك : قویا خدر

اولوب ریاضات مجاهده [۱] ایله قیلی قال آتمش عارف بالله درویشان ذیشانلر وارکم زوار اولان کمسنه بو فقرالرك جمال باکال نورانیلرینه نظر ایتسه لر آدمه دهشت حاصل اولور بر آلاى مؤمن و موحد اهل سنت و الجماعه امام حنفی مذهبنده و شافعی مذهبنده پادشاه مشرب عقل ارسطو فقرالردر حتی آل عثمانك فرهاد پاشا نامنده وزیرى بو قلعه با کوی فتح ایدوب بو فقرالره وقف اتدوکی کندلرك محصولدن مطبخ کیکاوسلرینه ما کولات و مشروباتلری کلوب آینده ورونده لره نعمتلى مبدولدر اندن جمله فقرالری و باکو خایبه و دالشوب ینه ایام موافق ایله توکلا علی الرحمن دوب ینه کشتیمزه سوار اولوب ینه توج دریای خزر جوش و خروشه کلوب برکونده بزى ساحل بحر خزرده

اوصاف زمین ایران یعنی شهر عظیم کیلان

اول و آخر عجمکدر لیکن بر ایکی کره ترکان قومی و مسقوک قازاق قومی کیملره کلوب بو شهره استیلا آتمشلردر حالا دست عجمده باشقه خانلقدرکم خانك اسمی (صفی قولی خان) درکم یدی بیک کزیده درحوکن [۲] و تصاول [۳] و بره که [۴] و لوك دولا [۵] عسکرینه مالکدر بو ولایتده قوموق و هندی و قیناق [۶] و لزیکی و لکزی و قحطانیه قوملری یوقدر اما مغول و بغول و قره طباق [۷] و بغه جاق و یمان صداق اقواملری چوق (اشکال شهر کیلان) بحر خزرک جانب شرقیسی کنارنده بر کورفک نهایتنده ناحیه شابورانده بر دوز محصولدار فضاده [۸] بر سواد معظم شهر بندر عظیمدر هاموسی یعنی جمله سی اون بیک عدد بیاض کرچ ایله مستور خاندان معمورلردرکم باشقه بر نلسری [۹] و بر داروعه سی [۱۰] و بر قاضی سی و بر شهر بند [۱۱] و بر قضاوول [۱۲] اغانی حاکملری واردر و دوکه لیسى یتش آلتی عدد محرابدر اولا . . جامی . . . (*)

[۱] ك : و مجاهدات [۲] ك : دز چوکن [۳] ك ، ط : یصاوول [۴] ك ، ط : ترکه [۵] س ، ك : کوک دولاق [۶] ك : قیناق [۷] ك : قاره طباق . ط : قره طاق . [۸] ك : اوواده [۹] ك : کانتیری [۱۰] ك : داروعه سی [۱۱] ك : شیخ بندری [۱۲] ك : یصاوول (۵) پ نسخه سننده اون سطر آچیق وار

اربعه سنده اولوب حالا دست عجمده اولدینی سنه ۱۰۵۷ تاریخده بو دیاره کلدی کمزده جمله مذکور قلعه لرك اوصافی جلد نانیزده علی التفصیل تحریر اولنشدر بعده تیمور قپو خانیله برقاچ کون ذوق و صفال ایدوب خانک نیجه احسان وانعام لرین آلوب تیمور قپودن قیر ایله [۱] ترك قلعه سنه کتمکک قالمقندن و بش قوناق ارض خالیله چولدن کتمکک خوف ایدوب جمله آتلی میزی و اشیا میزی بر عجم کشتیسنه قیوب ترك قلعه سنه کتمکک عزیمت ایتدک اولکون کشتی بخر خزره سوار اولوب متوکلاً علی الله دیوب قبله روزگار یله موافق ایام مساعده ایله کیدرکن حکمت باری یاری قیوب [۲] روزگار زورکار ناموافق اسوب تلمم بخر خزر ایله یدی ساعت نجومیده بخر خزر ساحلنده آخرکار یانه شوب لنگر انداخت اولوب

— اوصاف قلعه باکو — به

دارامان دیو بی امان بی ایمان قلعه سنه دوشدک حمد خدا سلامتله طشره چیقوب اسکله باشنده میرحیدر خاتنده ایکی کون مهمان اولوب آفته و آشفته قوم عجم ایله و قوم بره کملر [۳] ایله و قوم کوك دولاقلر ایله و قوم عرب قحطانیلر ایله الفت ایدوب برزخ دریایی فراموش ایدوب شهری سیر و تماشا ایتدک شروان ایالتنده باشقه خانلق اولدوغی و قرشو عرب [۴] جانبی دریا آشری اوچیوز مل مسفو ولایتی اولدوغی و قلعه سی بخر خزر ساحلنده بر پشته عالی اوزره بنای نوشروان اولوب اشخی واروشی غایت معمور و مزین اولوب یدی مناره سی نمایان اولدوغی و نیجه یرلرنده نفت یاغی معدنلری اولدوغی و نفت یاغی معدنلردن نیجه آلدقلری سنه ۱۰۵۷ تاریخده روان خانه کلدی کمز سنه ده بو قلعه نک جمله اوصافی تحریر اولنشدر اندن طریق خواجکاندن عجم شاهلری نک اجداد عظامی اولان شیخ صفی حضر تلیزینک خلفاسندن (شیخ شریعی) سلطانی زیارت ایدوب ینه باغ مراملرنده سکود درختلرنده حاصل اولان المارن بیوب پابرهنه و سر برهنه زر دست مجرد پاک فقرای خواجه کانیلر و فقرو فاقه ده قلندری عبداللری [۵] وارکم هربری فنا فی الله [۱] ک : قاره ایله . س ، ط : قرا ایله [۲] س ، ک : نیلیوب [۳] ک : ترکلر ایله [۴] ک : غرب [۵] ک : ابدلری

ایتدیگمز (منزل قلعه باب الابواب) یعنی قلعه تیمورقبویه داخل اولوب عجمخانی...
 خانه سلطان محمود شامخال شاهک مکتوبلرن خاه ویروب بزہ وافر توقیر و احترام
 ایدوب بر مهمان سرای وردی و اوچ کون ذوق ایدوب اللی آلتی تاریخنده بو
 شهره کلدیگمزده عجم یارانلری فتحتهده [۱] بولوب آنلر ایله و تیمورقبو خانی یعنی
 خان [۲] ایله جن محبتلری ایتدک اما بوشهری اولکیدن عمار اولمش کوردم
 حقا که اولکه عظیمدر اول (بو تیمورقبو مشاسنده اولان قلاع و شهرلری بیان
 ایدر) ابتدا داغستان پادشاهنک (شهربانه سرای) [۳] بو تیمورقبونک شرقیسنده
 بر قناق قریبدر و (قره بوداق شهری) تیمورقبوینی شرقه کچوب بر کونلک
 یولدر و (شهر شاپوران) شهر عظیمدرکم یتمش محرابدرکم تیمورقبونک ناحیه
 شاپوراننده واقع اولمش شهردرکم جلد نائیده موصوفدر و بو شهر شاپورانه بر
 مرحله قریب (شهر نیازآباد) ماتقدم شهر عظیم اولوب فرهاد پاشا سنه ..
 تاریخنده خراب ایدوب حالا قرق عدد محراب قالدوغی و آلتی بیک خانه اولوب
 عجم النده قالدینی بالاده کی جلد نائیده مسطوردر و تیمورقبونک شرقیسنده... منزله
 (قلعه شباخی) عجم الندهدر و یزه تیمورقبونک شمالنده بش مرحله بر (قلعه باکو) در
 بو دخی دست عجمدهدر و قلعه باکونک شمالنده بحر خزر کنارنده ... قوناقده
 (شهر عظیم کیلان) درکم رعایاسنه قوم بره که [۴] دیرلر دیار عجمک معظم
 شهرلرندن در و (قلعه ارش) [۵] تیمورقبونک شرقیسنده ... مرحله بردر حالا
 دست عجمدهدر و (قلعه کنتجه دلنواز) دخی تیمورقبونک شرقیسنده... مرحله مسافهدر
 و (شهر سریراللان) داغستان حدودنده عجم النده قالمشدر و (شهر کاخت)
 داغستانک ایدی کورجی شوشاد النده قالدی و بحر خزر کنارنده مسقو قرالک
 (ترک قلعه سی) بو تیمورقبونک غربیسنده و داغستانک شمالنده واقع اولمشدر
 الحاصل بو بالاده ذکر اولنان قلاع و شهرلرک جمله سی دمیرقبو قلعه سننک جانب

[۱] دوغروسی (صحتهده) یاخود (حیاتهده) اولمیدر (م) [۲] ک : تقی خان
 [۳] ط : شهربان سرایی . س : شهربانه سرایی [۴] ک ، ط نسخه نژنده اولجه (بره که)
 اعش صوکره جیزه رک (نه که) باعشلر (م) [۵] ط : اوش

آملری و بررأس قره چبوغک الجہ [۱] چپار آتی و بر شمشیر بران و بر قاج [۲] چرکس لباسی و اوچیوز سکه حسنه آلتون و قرم خانه و اعیانلرینه و داغستان پادشاهنه مکتوبلر و یردی و یدی عدد کوله لریمه بر آت و برر قات لباس و اللیشر غروش احسان اتدی و رقیلمر بابا منصوره و درویش احمد خلخالیه و بابا ترابی سلمانیه و اشچی بابا شجاعه و درویش وحیده دخی اللیشر آلتون و یروب و برر قات لباس احسان ایدوب خان ایله و داعلشوب

• داغستاندن خراسان و بلخ و بخارا و ایران و تورانه عزیمت آدی کمز

بیان اولنور

اولا قره بوداقدن جانب شماله ۱۳ ساعتده (منزل کند قولقوج) اندن ۹ ساعتده ینه سمت شماله کیدوب (کندبای طوغار) اندن تکرار ینه (قلعه قوون) اندن ینه دفعا (شهر اندری عظیم) بونده ینه شام خال [۳] شاهه بلوشوب خانک محبت نامه لرین و یروب بلخ و بخارایه کتمکه اذن طلب اتدکده و کلای دولت بلخ و بخارایه کتمکه رضا و یرمیوب قالمق جو قدر سلامت کیده مزسز دیدیلر آخرکار مسقو ولایتدن ازاغه اذن آلوب مسقوک برک [۴] قلعه سی قپوداننه و قالمق پادشاهنه و تیمور قپو و شروان و شاخی خانلرینه محبت نامه لر ایله سلطان شامخالدن بالفاً مابلغ احسانلر ایله کروکه درعلر و قپلان پوستلری و وشاق کورکلری و نیجه احسانلر آلوب و داعلشوب عزم راه ایتدک

سنه ۱۰۷۶ ذی القعدة سنده داغستان پادشاهی شامخال شاهدن مأذون اولوب ولایت عجمه اندن ولایت مسقووده هیهات صحراسی و اژدرخان

و باکو خان و قالمق شاهنه اندن ازاغه کتدی کمز بیان ایدر

اولا داغستان پادشاهنک تخنکاهی اولان شهر ایدریندن جانب شرقه ... کیدوب سنه ۱۰۵۷ تاریخنده سیر و تماشایدوب جلد ثانی مزده جمیع اوصافن مفصل تحریر

[۱] ک: الاجه [۲] س، ک: و برقات [۳] ک: شمخال. ط: شامخال [۴] ک: ترک

بونلره اوچیوز عدد پارچه اسپابلر وروب جمله سی نمون اولوب کندیلر خان حضرت تری
 افندیمز سنه ۱۰۷۶ ذوالقعدة سنك اون برنجی کونی قره بودای خانه واصل اولوب
 جمله یقین اولان کندلردن ما کولات و مشروباتلری وهر بار شاخلندن هدا یاری کلوب
 کندی کنج وحدت خانه صومعه سنده طاعت و عباداته و علم تواریخ و علم حدیثه مشغول
 اولوب علمای داغستاندن منلا یعنی [۱] منلا قولی منلا شروانی منلا جبرائیل
 منلا جامی منلا عزرائیل منلا قاسم منلا اسرافیل منلا شیخ کته [۲] نام نیجه
 علمای متبحرین و صلحای امتدن کمسنه لرله شب وروز علوم عربیه اوقیوب عجبیه لرله
 مشغول اولوب حقیر دخی نیجه ایاملر جمیع علمای داغستانلرک و حال صاحبی مظنه
 کرامه صلحای امتدن کمسنه لرک شرف صحبتلریله مشرف اولوب دعاء خیرلریله
 برخوردار و بهره مند اولدم الحمد لله برکون محمد کرای افندیمزک دست شریفن
 بوس ایدوب ایتدم خانم الله تعالی خانمه و اولاد و انسابنه عمر طویلر ویرسون
 اشدن خانم حقوق سابقه و نان و نمک حقنی کوزه دوب درویشانه جه حقیقت کوزه دوب
 قطع منازل و طی مراحل ایدره ک جناب شریفکیزی مراد و مرامیکز اولان ولایت
 داغستانه کلدک مهمان سرایلر مبارک اوله شمدنکرو بو عید کتمه دستور و رک
 برغیری دیارلری کشت و کذار ایدره ک مسقط رأسمز اولان اسلامی بوله [۳] کیده لم
 دیو خانه باش اوردقده خان ایدر « اولیام آشقما سنه بنمله بوتده بر قاچ یل طور سنه
 سکا بن بونده باغلی و باغچه لی مالک املاکلر و بانو پری مثال چرکس قزلری و پنجه آفتاب
 غلام مه تابلر حاضر لدم البتده قالمق کرک سن » دیدکده ینه خانه باش اوروب
 پادشاهم رفیقلم کیده رز دیرلر بن آنلردن و آنلر بنندن آیرلمازلر دیدکده
 « بن آنلرده مال وافرلر ویریم » دیدکده آنلر دخی خیر پادشاهم بز درویش
 غریبز علایق دنیا قیدنه دکلرز دیدکلرنده خان رضا ورمیوب « بز زمان دخی
 او طورک کورلم آینه دوران صورت کسترر » مصرعن ترنم ایتدی الحاصل برهفته
 دخی مهمان اولوب برکون ینه خانه رجا ایدوب اذن طلب ایتدک آخر کار دستور اولوب
 حقیره ایکی چرکس غلاملری و برآبازه دختری و ایکی چرکس قیزی و اوچر رأس چرکس

[۱] ک : نبی [۲] ط : شیخ کندی [۳] ک : اسلام بوله

ماعداً مساجد لر در اندن جانب قبله یه ۷ ساعتده العیاذبالله چنکستان داغلا ایچره
چکوب بلای مشقتلر چکوب

منزل کند سودا کر

اوچیوز خانلی و بر جاملی و بر حاملی و ایکی خانلی بر معمور کنسدر
اما ابتداء قره بوداق اولکه سنک حدودیدر بو ولایت داغستان پادشاهی تخنی
اولان طرحو ایله شهر اندرنک شمالی طرفه یساره واقع اولشدر بو اولکه دخی
عجمک تیمور قپوسيله مشادر کم بحر خزره یاقیندر باشقه خانلق بر اولکه عظیمه در
اندن ینه ۹ ساعت یرده صعب داغلا ایچره طرف قبله یه کیدرکن نیجه سر انجاملر
چکوب آندن

اوصاف اولکه آبادان شهر قره بوداق خان

اول و آخر سنه ۱۰۲۵ [۱] تاریخندن برو ابوالمسلم مروی حضرتلری بوقوم
داغستانی بلخ و بخارا و خراساندن کوچروب ابتدا بو اولکه آنلره احسان آمشدر کم
بلاد عظیمدر بوشهر معمور بحر خزره اولقدر یقیندر کم بحر خزر کورینور
شرق طرفی عجم ایله مشادر داغستانک یدی خانلقنک بری دخی بوقرا بوداق
اولکه سیدر کم یدی بکلک ویدی قاضیلق یردر باش بکینک اسمی .. خاندر کم اوچ
بیک عسکره مالکدر (زمین اشکال شهری) ... محمد کرای خان بوشهرده اوچ
کون مهمان اولوب عظیم ضیافتلر تناول اولنوب بعده خانه قره بوداق بکی امداد
عسکر قوشوب سمت شرقه بر ساعت کیدوب

کند پیربای

قره بوداق خانک اوغلی حکمنده ایدی محمد کرای خانه داغستان پادشاهنک
احسان ایتدیگی خاص کندینک [۲] بری بودر جمله امداده کلن داغستان عسکرلری
« خانم کندکی و یوردوکی الله مبارک ایله » دیو دعا ایدوب کیده جک محله خان

[۲] س ، ک : سنه ۱۲۵۰ [°] اوچ سطر آجیق وار [۲] ک : کندلرک

یدی ناحیه‌سی واردر شهری بحر خزر کنارنده غایت معمور و عدالت یری شهر بندردر اکثریا رعایاسی قوموق و قیناق [۱] ولزکی و کوك دولاق رعایاری واردر جمله ... عدد طوپراقلی اولردر و جمله .. عدد محرابدر اولا ... جامی ... ماعدا مساجد لدر [۰] و بوخایداق [۲] شهری عجمک تیمور قپوسنه غایت مشادر (در بیان زیارتگاه شهر خایداق) اولا مجذوب وحدت مسلوب عزت پیراحباب شوق و ارباب اهل ذوق صاحب یقین بی‌کان خلوت نشین بی‌نشان (الشیخ حضرت بغاقر سلطان) ایدن قدوة الاحباب و زبده الاحباب محبوب آگاه مطلوب عبادالله (الشیخ سلطان منت‌الله) [۳] قدس سره‌العزیز حضر تلرینک ایکیسیده بوشهر خارچنده آسوده‌درلر ...

بوزیارتلری ایدوب جانب شماله ایکی کونده داغله و خیابان اورمان چنککستان یرلر ایله کیدوب

اوصاف شهر معمور و آبادان یعنی خیابان بلدة طابسران

عجمک تیمور قپوسنه بر مرحله یر قریب اولوب تیمور قپونک جانب شرقیسنده داغله و باغله و کل کلستانلر ایچره شهر مزیندر آب و هواسنک لطافتندن نوشروان حظ ایدوب هر سنه بغداددن بوخانه سرايه [۴] کلوب بیلالنور عیش و عشرت ایدوب نیم طابه سرايم دیر ایش حقا که روح افزا شهر هوادارد ...

اوصاف شهر معمور قلعه کوبه‌چلی [۵]

یعنی زر خجیلر قلعه‌سی بانسی کسه‌نک معلومی دکل کار عتیق قلعه عقیقدر یعنی جمیع درو دیوارینک طاشلری اویله مصیقل و مجلادر کم کویا عقیق یمتیدر و بو قلعه عجمک حکمنده اولان تیمور قپونک جانب شرقیسنده ... محله واقع اولمش بر قلعه محبوب و بر شهر مرغوب بلدة معظمدر قلعه‌سی ... شهری جمله ... عدد طوپراق اورتولی خانه لدر و جمله ... عدد محرابدر جمله آ ... جامی ... [۰۰]

[۱] ک : قیناق . ط : قیناق . پ : قیناق [۰] اوج سطر آچیق وار [۲] س ، ک : خایداق [۳] ک : منة الله [۴] ک : طابسرانه . س : بوخاکه سرايه [۵] کوبه‌چیلی [۰۰] ایکی سطر آچیق وار

اولا ... جامعي ... ماعدا معمور مساجد لدر اما اولري سيرك سيرك داغر واور مانلر
 ايجره بر او بر برده و بر خانه بر يده قران قران [۱] واقع اولمشدر بو داغستانك
 اكرتيا اولري بويله اولوب جمله طوپراق اورتولى صحابه خانلر يدر اصلا كيره متلى
 وقورشوم اورتولى عمارتلى كورمدم اما خطبه لر يني كندو اسملرينه قرائت ايدوب
 بعضى جوامعه آل عثمان پادشاهن ياد ايدرلر اكر خطبه لر ينك قرائت ايتدكلرين
 تحري ايلسك كتابته معجز من و اردر سوز اوزازر اما آل عثمانك منصور ومظفر
 اولماسيچون جمله اولكه داغستانده قرق ختم شريف تلاوت ايدرلر زيرامكه ومدينه
 پادشاهيدر ديو اعتبار ايدرلر وبوشهرده اوچ حمام وبر عمارت اطعام ویدی مکتب صبيان
 واوچ عدد مدرسه عالمان وايكي عدد تكيه درويشان نقشبند خواجكان واوچ عدد خان
 تجاران واردر اما چارشوي و بزازستاني ... بونده دخي اچقه و پول يوقدر اما باغ و باغچه
 چوقدر و آب وهواسي غايت لطيفدر اما محبوبلري يوقدر او كندلرنده معايدلر [۲]
 وحسن الفت بلزلر و شراب و عرقى وغيرى شراب [۳] ايجمزلر و ديارلرنده بو
 مقوله مكيفات و محرمات ندر بلزلر اما لوندانلري قمز و بوزه ايجرلر و علمالري
 واختيارلري ماقشمه [۴] نام سكر و رمز الك كبي قيو و طاطلى بوزه ايجرلر و بو
 قلعه قيون عجمك تيمور قپوسى قلعه سنه بر تفاق منزل قرييدر حتى اوز تيمور اوغلى
 عثمان پاشا بركلشده عجم ديارينه بو اولكه دن كرمش حالا نيچه يوك اچقه بونده [۵]
 بو قون قلعه سى خزينه سنده محفوظدر (اوصاف زيارتگاه شهر قون) ... اندن
 جانب شرقه ۵ ساعتده كيدوب

اوصاف شهر قديم و اولكه عظيم محبه حايداق

بودخى داغستان پادشاهى حكمنده باشقه خانلقدر بكي اولوبك خاندركم اوچ
 بيك عسكره مالكدر بابجا كورجستانك آزانوور قومشد و عسكرى بكلىرى
 واردر [۶] مقتيسى وقاضيسى واردر اما غيرى حاكملرى يوقدر اولكه سنده
 [۱] ك: قزان قران [دوغروسى (قبراك قبراك) اولمليدر (م) [۲] ك: بو كندلرده عرفان
 و ظرافت [متته كوره (بو كندلرده معاشرت) اولمق ممكندر (م) [۳] ك: مشروبات مكيفه
 [۴] ك: ماقشمه [۵] ك: كوندن [۶] ك: آزانوور قومندن عسكرى يكتلىرى واردر

نیجه زیارتلر اندك رحمة الله عليهم اجمعين قدس الله سره المبین [۱] بونده بر هفته تقاعد ایدوب ایکی پادشاه قانتلرك [۲] شرف صحبتلریله مشرف اولوب نیجه ذوق وصفالر ایدو - خان شمهخاله وشمخال بزم خانه ضیافتلر ایدوب وشمخال شاه حقیره نیجه احسانلر ایدوب بزم خانه قره بوداق خان اولکک سنده یورد وروب آلتمش پاره کندك یارلیغ بلیغن خانه وروب بربرلریله وداعلشوب بیک عدد کزیده عسکر رفیق وروب

اندری [۳] شهرندن قره بوداق اولکک سنه کتدی کمز بیان ایدر
 اولا ایدریدن [۴] چقوب جانب جنوبه ۵ ساعت معمور کندلر کچوب (منزل کندیسق) [۵] معمور خان وجامعلی قوموق قومی کندیدر اندن بر ساعتمده
 اوصاف قلعه قیون

قدیم اولدن شامخال شاهلرك خاصیدر امیر [۶] وقاضی سی واردر خانی اوچ بیک عسکره مالکدر قلعه‌سی بر صارپ قیا اوزره شدادی طاش بنا بر قلعه متین و شکل مدوردر ایچنده دزداری و اوچیوز عدد قورچی [۷] یصا وولی واردر غیرى شی یوقدر وبوشهر قوونینك [۸] کنارنده اولماق ایله برکره بوقلعه مصقو قزاغی قووت [۹] صویله کلوب آلمشدر بونهر قوون ایله [۱۰] کیلرینه کروب غامین بحر خزره کرمشدر اندن ترك قلعه‌لرینه اندن دار منحوسلرینه کتمشدر وبوقلعه‌نك ایکی قپوسی واردر بری شماله مکشفوف اندری [۱۱] قلعه‌سیدر وبری سونجه [۱۲] داغلینه مفتوح واسغ قپودر و بو قلعه‌دن آشنی نهر قوون کنارنده (ستایش زیر شهر) بو دیارده قلعه‌دن طشره اولان محلاتلره واروش دیمزلر زرا شهر [۱۳] وزیر کند دیرلر یعنی آشنی شهر دیرلر باغ و بانجه‌لی و آب روانلی معمور شهردر جمله‌سی یکر می‌یدی محرابدر یدسی جامعدر . [۱] ك : وقدسنا الله بسرهم المبین [۲] ك : قاتلرنده [۳] ط : ایدری [۴] ط : ایدریدن [۵] پ : منزل کندیسى [۶] ك : امین [۷] پ ، ك : قوروجی [۸] ك : نهر قوتك . س : قووتيك . ط : قووتنك [۹] ك : قوت [۱۰] ك : قوتدن [۱۱] ط : ایدری [۱۲] پ ، س : سونجه [۱۳] دوغروسى (زیرشهر) اولمیلدر (م)

اولا بو شهر نهر قوی کنارنده آب و هوایی خوب و خلقی محبوب بر واسع
محراده باغلی و یاغچلی بیك عدد طوپراق اورتولی اولردر و جمله سی ... عدد
محراب و معمور ... جوامعلردر ازلا ... جامی ... [۰]

(در فصل تمة شهر انکیز شهر اندزی) بو شهر قدیم مجمع علما و منبع فضلا
و مسکن شعرا و صلحادر اقلیم سادسده اولوب علماری علوم عریبه و فنون
کبیره مالکلردر حکمای حاذق و جراح فاصدی بی قیاسدر و جمله خلقی عجم
و کورجی و چرکز و قوموق و قالمیق و قیتاق و مغول و بغول و هشدک و روس
و مصقو و لزیکی و لکزی و قحطانیه و یقایچاق و چغئای و غیری قومک السنه
مختلفه لرین بلوب کلمات ایدرلر بونلرک دخی اثوابلرنده اصلاحریر یوقدرزیرا (من لبس
فی الدنيا لم یلبسه فی الآخرة) حدیثی اوزره مرد وزنی اصلا حریر کیمزلر و التون
و غروش دخی بونده یوقدر آنجاق کلوب کیدن بازراکلرده چوقدر جمله کار
و کسب لری بونلرک دخی هرصاعی [۱] بربر لیه دکش دو قوش ایله کچنلر و جمله
کسلسری [۲] قیون یوکندن و الوان بزردن نیکننده لی و ایکی سلی [۳] عجم لباسی
کبی خقتانلر کیرلر و نیجه بیکی باشلرنده بیاض بوغاصیدن نیکننده لی سورنیجه قاقوق کیرلر
و باشلرینه بیاض دولبند صارارلر و ایاقلرینه صاری یصی طبن پای پوش یعنی پابوج
کیرلر [۴] اکر بوشهرک اوصافی و قوعی اوزره اوصافن تحریر اتسک برجموعه مطول
اولور (در بیان زیارتگاه شهر اندزی) [۵] اولا سلطان شمخال تقی الدین خان
وزیارت شمخال معتمد الدین زیارت ... الحاصل ابتداء اطلاعلرندن بو آنه کلنجه
قرق یدی عدد شمخال خانلر جمله شهر ایدرنده [۵] و شهر طر حوده و شهر فونده [۶]
و غیری شهرلرده مدفونلردر و سوری سر آمد قبلرده و قبه سز کلستان یرلرده
آسوده لردر و نیجه کبار اولیاء اللهلردن الحاجی جم [۷] جناب عزیز و دخی حاجی
سوی [۸] سلطان و دخی حاجی عبدالله طاش کندی حضرت لری بونلردن ماعدا

[۰] پ نسخه سنده ۴ سطر آجیق وار [۱] ك ، ط : متاعی [۲] ك : اثوابلری [متنه
کوره (لباسلری) اولمیدر (م) [۳] ك : بشلی [۴] ایکی سطر آجیق وار [۴] ط :
ایدری [۵] ك ، ط : ایدریده [۶] ك : قونده [۸] ك : الحاجی ممی [۸] الحاج یسوی

وار بقیه عمرک ینه شامده بکر دیدی شامخال ایدر بوسن وسالانصکره بکا تاج و تحت لازم دکادر بو ولایتک آب و هواسندن حظ ایتدم همان بکا بر یورد داغستان اولسون ویر دیو رجا آتدکه ابوالمسلم شامخالک رجاسن قبول ایدوب وار امدی شمدنکرو اولاد و انسابکه داغستان پادشاهی اول دیو نفس ایدوب بو خاک ری [۱] شامخاله وروب بوض [۲] ایدر لر ابوالمسلم و شامخال مرحوم اولدقه شامخالک بمضی اولادلری مرتد اولور لر بعده سنه ۱۱۹ تاریخنده هشام بن عبدالملک بونلری اسلام ایله مشرف ایدوب بعده هشام شامه کلوب سنه ۱۲۵ تاریخنده پکسر سده رطاقه [۳] نام محله مدفوندر عمرش سنه ۵۵ و مدت خلافتی سنه ۱۹ شهر ۸ اول زماندنبرو بر آلائی قوم داغستان و مؤمن و موحدلردر بونلره مورخان عجم قوموق طاقه سی دیر لر و شهر ایدری ا کسه سنده بر قلعه ایدری وار ایمش اوزدمر اوغلی قناق [۴] ایله عجم لندن فتح ایدوب برباد آمشدر بو شهرک بر طرفندن (نهر عظیم قوی) جریان ایدر منبجی دادیان ولایتندن [۵] کلوب بحر خزره قوشولور [۶] آب حیاتدر و بو شهرک غرب طرفنده طاوشار [۷] چرکزی ولایتدر و قوموق قومنک کزیده سی بو شهرک شالنده تا بحر خزر کنارینه وارنجه ساکنلردر وینه شمال طرفنه بحر خزر کنارنده باب الابواب یعنی دمر قپو قلعه سی وارکم آلتی قپولی و آلتی قلعه عظیمی قلعه سد اسکندر اولوب دست عجمده قالدینی وسنه ... تاریخنده روان و کنجه و نیاز آباد و شران و شقایبی سیر و تاشا اتدیکمزده بو قلعه دمر قپو دخی جلد ثانیمزده مفصل تحریر اولمشدر حمد خدا ینه بو محله کلوب سیاحتمز ا که متصل اولدی اما قوم قوموق بو دمر قپو قلعه سیله حدود دشر آره لرنده غیری نواحیلر یوقدر و بو شهر اندرک یه خانی اولوبک نامیله بر توانا خاندن داغستان پادشاهنک یدی نفر خاننک بری دخی بو ایدری خانیدرکم اون بیک عسکره مالکدر پادشاه بونده اولسه خان حکم ایدر یکریمی ناحیه یر تحت حکمنده در (در بیان اشکال زمین و عمارت شهر اندری) [۸]

[۱] س، ک: ربی [۲] ک: ک: بخش [۳] ک: رطاقه (م: رصافه) [۴] س، پ: قیناق.

ک: قیناق [۵] ک: مملکتندن [۶] ک: قوبولور [۷] ط: طاوستان [۸] ط: ایدری

اتردیکندن و کونا کون آوانی حاللرندن [۱] شکایت ایدوب آخرکار ابوالمسلم خراساندن آل امویون اوزره خروج ایدوب آل یزید بی مزیددن امام حسینک قاتن و شهیدان دشت کربلا لک خون طلب اتمکک عزیمت ائدکده بو قوم داغستاندن نیجه یوز آدملر رفیق آلوب شامخال دیار بلخده قالب ساکن اولدی اما ابوالمسلم تبردار نیجه یوزبیک امویونی و قوم یزیدی و خوارجی و روافضلری قره قره شامه کلوب مروان حمار ایله جنک عظیم ایدوب آخرکار مروان منہزم اولوب شامدن عربہ آندن ارض حاسان [۲] اولان شهر بلدیسہ آندن مصرہ واروب آندہ دخی ابوالمسلم خوفندن قراری فراره مبدل ایدوب نہرنیلی قارشو حرہ [۳] شهری طرفنه عبور ایدوب بوصیر نام محلده اشدہ مسلمدن خلاص اولدم دیو بوصیرده خواب راحتہ یطدقده عقبندن قووان عامر بن جرجانی و عبدالله بن مازنی مروانی خوابدن او یاروب قالقنجه مروان دیر «جدعظام حضرت یزید روحیچون شمعی بن سزی واقعہ مدہ کوریوردم بکا تابع اولماغہ می کلدیکنز» دیدکده عامر جرجانی و عبدالله مازنی اید: «واللهی بزده ابو مسلم باشیچون سنی بوراده دپلمکک کلدک» دینجه همان زبردست مروان ال قالدرم صاندی عبدالله مازنی مروان حماره اولیله بر صاتور مسلمی اوردیکنم کلهسی خاک پاک رمال اوزره غلطان اولدی و اتباع مروان عبدالله اوزره ال قالدرم ظن ایتدیر عبدالله و عامر جرجانی یوزاون آدم دخی مروانیلردن قتل ایدوب باشلرینی شامده ابوالمسلمه کتوردیلر حالا مروانک و توابعلرینک مزارلری مصرک حرہ [۴] خاکنده مذکور بوصیر نام قره قره بنده بر خورمالقی آلتندہ مدفوندر بعضی مروانی و یزیدیلر حالا واروب زیارت ایدرلر بعدہ ابوالمسلم تبردار منصور و مظفر خراسانه کلدکده شامخاللی حضورینه چاغیروب اشدہ سنک عدوی جانک اولوب سنی وجه بکدن [۵] جدا ایدن مروانی و نیجه یوزبیک یزیدی لشکرن قردم شمدنکیرو شامه کیدوب ینه اجدادک آل امویون تختنی سکاوردم

[۱] ک : بد و قبیح و خلاف مرضی احوالرندن [متنه نظرأ] (ادانی حاللرندن) اولقی

ممکندر (م) [۲] جاسان [۳] ک : حیره [دوغروسی (جیزه) اولقی ممکندر (م)]

[۴] ک : حیره [(جیزه) اولقی ممکندر (م)] [۵] ک : وطنکدن

دیو بربرینه تعظیم و تکریم ایده رک آتلیزینه سوار اولوب خانک سراینه سلطان محمود کلوب رضیافت عظیم اولوب بعدالضیافه خان داغستان پادشاهنه بر مجوهر اکرلی و اوایل آت و ایکی میروانی چرکز غلامی و برمصقو قپودان اسیرهدایالر و یروب سلطان محمود سراینه کیدوب بو حقیق شهرک تماشاسنه مشغول اولدم

اوصاف تختگاه جدید خاك ری یعنی بلده قدیم شهر عظیم ایدری [۱]

شهر عظیمدن مراد ولایت داغستانک شهرلرینه کوره شهر عظیم در یوخسه نه اویله حلب و شام و بغداد و دیاربکر کبی شهر اوله همان اولدجه شهر در سنه ۹۸۶ تاریخنده اوز درمزاده عثمان پاشا بوشهری دست عجمدن قوت بازو ایله فتح ایدوب ضبطی ممکن اولمایاجاغن بیلوب بو داغستان ولایتسده قشلا دوغنک مقابله سنده بوشهر اندری [۲] داغستان پادشاهنه احسان ایدر آنلر دخی اول زماندن برو بوشهری تختگاه ایدوب کیفمایشاء متصرفلر در حالا پادشاهنری گاه بونده و گاه طرحو [۳] شهرنده اوطورر حالا بودیار پادشاهنک اسمی محمود در القاب و کینه سی شمسالدر شغال و شمخال و شامخال دخی دیرلر بونلرک دخی اصل نسللری [۴] قوم عربدر کم شامیلدر انکی چون شام خال دیرلر مثلا آل عثمانه خنکار دیرلر و عجمه شاه دیرلر و قرم خانلرینه کرای دیرلر از نك پادشاهلرینه خان خاقان [۵] دیرلر هند پادشاهلرینه خاقان دیرلر یمن پادشاهلرینه تبع دیرلر مصر خلیفه لرینه عزیز دیرلر مر پادشاهک بر کونه القابلری وار اما بو داغستان پادشاهلرینه شامخال دیرلر زیرا اصل و فرعلری شامیلدر و آل امویون نسللرندن در بونلر امویوندن مروان حمارک دردندن مروانه روی کردان اولوب جمله قوم و قبیله سی ایله شامدن قیصر زمین اوزره سفره کلک بهانه سیله مروان حماردن فرار ایدوب دوس دوغری ولایت خراسانده ابوالسلم مروی حضرتلرینه واروب دخل [۶] دوشوب مروان حمارک ناشرعی اوضاع و اطوارندن و منبرده حضرت علی به سب

[۱] س، ک : اندری [۲] س، ک، ط : اندری [۳] ک : طرحو [۴] ک :

نسبلری . ط : عشرتلی [۵] ک : خان خانان [] ک : دخیل

بونهرینه بو اولکه داغلرندن حاصل اولوب بحر خزره قشولور [۱] و بونهری دخی آتلیزیم ایله آسان وجه ایله کچوب قرشو کنارده ایکی پادشاه آت بائی برابر استقباله چیقان عسکر ایله بر جمعیت کبرالی الای عظیم اولدیکم تعبیر اولنماز مکر داعستان پادشاهنک اقصای مرادی بزم خانه عسکر کوسترمک ایش اما حقا که کزیده پاک و پاکیزه کوبلی یعنی زرخلی عسکره مالکیرکم جمله کخیلان خیل مسومهلر سوار اولمش عسکردر و جمله شهر ایدری خلقنک صفار و کبارلری شاهراهلرک یمین و یسارلرین زین آتمش قات اندرقات بی آدملر ایدی اندن بوترتیب ایله شهر ایدریه کیره جک محله شهر ایدری خان اولوبک خان دخی قرشودن عظیم لشکر ایله ایکی پادشاهک استقباله چقد قدده اول دخی یکریمی بیک جبهلی و جوشنلی و کوبهلی وزرخ وزره کلاهی و سر پناهی و داغستانک کروکه نام زرخ و طفلقالرینه مستغرق اولمش پیاده و تفنک اندازلر و نیجه بیک پیاده کندازلر و کونا کون آلات سلاحلر ایله ملبس کخیلان الصافنات الجیاد مثللی آتله سوار اولمش و نیجه بیک عدد الاجه قره چبوق آتلیزیمه بتمش عسکرله بزهنوب اولوبک خالک اکسه سنده نفیر و سورنای و کوس خاقانی و کره نای افراسیابی و دهل اسکندری و طبل و قدوم امر لرن چالراق اولوبک خان الای عظیمه کلدکده آتندن پیاده اولوب ایکی پادشاهک پای سمندلرینه یوز سوروب ینه قره چبوق آتله بلارکاب سوار اولوب ایکی پادشاهی سلاملیوب آتلیزیمه [۲] طلیعه عسکر اولوب جمله لشکر صاف صاف و موج الای ایله شهر ایدرنه داخل اولوب ضیافت عظیملر اولدی و بزم خان حضر تلیزیمه بر سرای عظیم دوشمنوب ذوق و صفایه مشغول اولدق ارتسی کون بزم خان دخی داغستان پادشاهنه ضیافت ترتیب ایدوب بزم خان سلطان محمودک استقباله چیقوب همان بزم خان یوز آدیملر آلا رقه ده داغستان پادشاهن کوردکده بلندن قلیجن و باشندن شیرطما قلیباغن چیقاروب آتندن پیاده اولدوغن داغستان پادشاهی کور یجک همان اول دخی یوز آدیملر مسافه بعیده ده آتندن پیاده اولوب بر برلرینه بویله بیان اریشوب صاریلشوب کورشوب اوپوشوب خوش کلدک جانم صفا کلدک پادشاهم

[۱] ک : قوبولور [۲] ک : ینه آتله

ميدانده بر بازار عظيم دوروب هرکس متاعلرين ميدانه چيقاروب صحابه کرام کي دکس ودوقوش ايدوب کچنرلر وهر بازار ميدانلرنده اذانلراوقندقدده هرکس متاعلرن ميدان بازارده حالي اوزره براغوب گروه گروه جامعه کيدوب ادای صلات ايدرلر وبو شهرده اصلا ظلم وافترا وکذب وشاهد زور اولماز وبکلري وقاضيلري اصلا رشوت آلاز بر آلاي سني مذهب آدملردراما سنوي دکلدردر جمله سي طريق خواجه کانده اهل توحيدلدردر بونلر ابتداسنه ۱۱۹ تاريخنده آل امويدندن هشام بن عبدالملك ديارعجمده خاقان شاهي منزهم اتدکده جمله امرای داغستان قيتاق وقوموق طابسرانيلير جمله اسلام ايله مشرف ايلدي اول عصردن برو مؤمنلدردر (درلهجه مخصوص لسان واصطلاحات قوم داغستان) ... [*]

(درزيارتکاه مشهد شهر طرخو) ... [**] بوزيارتلي وشهري سبر وتماش ايدوب محمد کرای خانی داغستاني بادشاهي شهر قديمي اولان ايدرته کتور مکهدعوت ايدوب اندن جانب شرقه ۵ ساعت کيدوب (منزل مهمان سراي نوشروان) اسمي خاطرمدده دکل برکوچوک صو کنارنده استي طوپراق اورتولي شدادی کارکبر بنا برخان زيادرمک ايچنه اون بيک آدم صيفار بر مهمان سراي آينده ورونده کاندر اندن ينه بش ساعت کيدوب سمت قبله يه کيدوب (منزل کنار نهر جايک) [۱] کورجستانک داديان ولايتي کوهلرندن کلوب بخر خزره کيدر اني کچوب ۵ ساعتده [۲] معمور و آبادان داغي وطاشي تيمون وصغر وآت وغيري حيوانات ايله مالامال اولمش کند عمارستانلري کچوب وبني نظير سمين آت اتلري وصغر وقره جه اتلري کبابلرن يه يرك (منزل کنار نهر حمان) قوم ناتار حمان دير قوم داغستان تمان صوي دير حقا که تمان شديد آقر جوشقون ديوانه صودرکم ولايت دادياندن کلوب نهر جاريکه مخلوط اولوب ايکيسي بريردن بخر خززه منصب اولور اندن جانب قبله يه ميلي ۷ ساعت کيدوب

منزل کنار نهر آق طاش

بونهر آب زلال بياض طاشلق ايچره جريان ايتديکيچون آق طاش صوي ديرلر

[*] اون سطر آچيق وار [**] ايکي سطر آچيق وار [] پ ، س : جاريک . ک :

جاريک . ط : جايک [۲] پ ، س ، ک : ۸ ساعتده

جمله دن مکلف بر جامع شریف اولمغه مستعد ... (در علم مدرسه عالمان) ...
 (در بیان دارالحدیث محدثان) ... (درکار دارالفراء مجودان) ... (در مکتب
 ابجدخوان پسران) ... (در ذکر خانقاه درویشان) ... (در وصف چشمه آب حیوان) ...
 (در عیان سیل جان ستان) ... (در دفتر اسماء محله اعیان) ... (در منظره خان تجاران) ...
 (در عدد چار سوی تاجران) ... (در حق سرای کبار خاندان) ... (در تعریف اشرف طالمان) .
 (در شناخ علمای طیب حافظان) ... (در استاد جراح فصادان) ... (در نقاب
 صلحای مشایخان) ... (در شعر کزیده مصنفین شاعران) ... (در آشنای یاران
 اخوان) ... (در مظنه اهل حال مجاذبان) ... (در قیافت لباس مرد میدان) ...
 (در قبای اندام بنتان ونسوان) ... (در اسماء طائفه دلبران) ... (در نامهای
 خواتین زنان) ... (در بیان عبرت نمای بنای آبادان) ... (در مدح حمام راحت
 جان) ... (در فصل هوای خوب جاودان) ... (در انهار و عیون جاریه عطشان) ..
 (در چاه‌ماء خوش‌کوار خاندان) ... (در علم اسطربلاب اقلیم ارض بلدان) ...
 (در قول منمجان طالع شهر عمارستان) ... (بی مدح کنیسه بطریق رهبان) ...
 (در اسماء غلام حلقه بکوشان) ... (در بنام خدامان و جواریان) ... (در برکات
 حیوانات و محصولات) ... (در کار و کسب ممدوح صنایعات) ... (در نعمت عظمای
 ماکولات) ... (در صنع خدای کزیده مشمرات) ... (در وصف انواع مشروبات)
 (در دارالضیافه عمارات) ... (در بیان مسیره کاه ارباب حاجات) ... (در عدد حدیقه
 جنان باغات) ... (در تمه شهرانکیز کلمات) اولاً بود یاریک نه محبوبین نه محبوبه سن
 کورمک اولیوب حسن با کمال با جمالرینک رنک رویلری نحریر اولنمادی نسنا
 طائفه سی بو دیارده قپوسندن طشره یالکیز جیقاماز البنه بش اون آدم بر حرمه
 خاتونی (وحده لاشریک له) ایله جبانه سیرینه کتوروب انده دفن ایدر لر بردخی
 اوینه کیرمزلر عورتلره بو عمر نازنینلرنده بیوک تماشادر تازه غلاملری خود
 اون باشنده صاج صقال صاحبی اولور صقالینه اوصطوره دگیرن غلامی و بربری قتله
 برابر عبرت عالم ایدر لر اما کار کیر بنالی بزازستانی یوقدر وهر اووده بانچه مقرر در
 و آب روانلری چوقدر لکن بود یارده اچقه پول یوقدر آنجاق هر شهرده هفته ده بر

داغستان چتندە ترک قلمەسنە و نیچە کند نواحیلرە مالکدر حتی بو حقیر سسنە ۱۰۵۷ تاریخندە روان خانینە اچلیک ایله کتدبکمزده مصقو قراغی بو دیارە کیمیلر ایله بحر خزرە چیقوب عجم ولایتلرندن کیلان شهری نی نهب و غارت ایدوب بو قدر عجم اسیری و مال غنایمیلە غانمین و سالمین مصقو کیتدی انکچون کیمیلرە تاداغستان ایله هم حدود اولور بو محله داغستان پادشاهنک اطراف و اکنافندە هم مشا اولان پادشاه خان و خاقانلر و اولککلر تمام اولوب

داغستانک اوز ولایتی

یدی خانلق یردر انشاءالله آنلر دخی سیاحت اتدکجه تحریر اولنور اما مذکور یدی خانلق یرک صاحببری جمله طرخو شهرینه کلوب جایاز [۱] خانمک دست شریفلرن بوس ایدوب شرف سحبتدی ایله مشرف اولدیلم کم اسمالری بونلردر اولا وزیر یعی [۲] خاندن مزبور حافظ قرآن اختیار و صاحب احسان آدمدر اندن قره بوداق اولککسی خانی . . . بک و اولوب بک و علی بک و قاسم بک و قران الپ بک و محمد بک و القاص بک و لواردی بک و حیدر بک و خلیل بک و جوبان بک . . . نیچە بوی بکلری [۳] بربرلرندن یکلری واردر اما حکومت صاحببری بونلردر هر بار سلطان شمخالک کوروس و موایندن [۴] اکسک دکلدر بونلر دخی دیر ان خانیه کورونش دیرلر بو محله دخی اولکک صاحبی خانلری دخی تمام اولدی ازین جانب شهر طرخونک عمارتلرر بیان ایدر اولا قدیم ایامدن برو تختگاه شهنشاه داغستان اولوب مؤمن و موحد کسنه لره مسکن و ماوی اولماغن خان ایران و توران اولان پای [۵] تیمور خان بو طرخو شهرن خراب ایتیموب عبور ایدوب ولایت قریمه طوختمش خان اوزره خروج ایدلن برو بو شهر طرخو معمورددر (اوصاف جوامع های شهر طرخو) هاموسی . . . عدد محرابدر جمله مکلف . . . جامعی (ستایش مساجد مؤمنان) قوسی . . . عدد محله مزکتلریدر

[۱] ط: جایاز [ک نسخه سنده بو کله یوقدر (م)] [۲] ک: قی [۳] پ: نیچە یوز بکلری

[۴] ک: کورونش میدانندن (کورونوش دیوانندن) اولسی دها مناسبدر (م) [

۵] اشبو (پای) کله سی ک نسخه سنده یوقدر (م)]

قوم در نوغای [۱] و قوقلماخک [۲] چرا کاهلری و جولانکاهلری بروادی هاموندرکم نهایتی یوقدر وینه بو داغستانک شهرطرحوسندن ... منزله ترک نهری در اندن بر منزله (نهر قوتای عظیم) ایکی صودر ایکیسیده داغستان دیارینک قره بودق خان اولککسندن جمع اولوب داغستانک نیجه کندلری و شهرلرن ری ایدوب بحر خزره مخلوط اولور مذکور قوتای نهرلرینک ینه جانب شرقیسی داغستان پادشاهی حکمیدر اما لب دریا ایله شهر طرخودن بش کونده قلعه دمر قپودرکم بو محله عجم ایله داغستان پادشاهی هم خاکدر و دمر قپودن بر مرحله ده باش دپه نام محلدن حتی عثمان پاشا دمر قپویی فتح ایدوب در دولته دعوت اولندقدن دشت قیجاقدن قرم ولایتی اوزره کتمک اقتضا ایدنیجه بو باش دپه نام محلدن قلقوب (نهر قانی سوینج) کنارنده مصقو قرالیله جنک عظیم ایدوب یوز بیک قزاق عاق اولان کفاری دندن تیغدن کچرر حالا یدی عددیره کفاریک لاشه مردارلری بش یرده داغدر کچی یغلدیغندن بش دپه دن غلط باش دپه دیرلر اندن سلامتله ایکی کونده نهر برله [۳] کلوب بزم خان ایله عبور ایتدی کمز یوللره کلر اما مذکور باش دپه نام محل هلاکوخانک موغول طائفه سی شهرلرندن بر شهر عظیم ایمش حالا نیجه آثار بنالری و دیرقامه عماملری [۴] نمایاندر بو خرابستانی تیمور خان خراب و بیاب و خلقن کباب اتمشدر حالا سام زیمان منوچهر نام شهنشاهلرک اوغوللری بوباش دپه مزارستانده قرقر و الیشر آدیم قد و قامت ایله اوزانوب یطرلر حالا بو باش دپه نام محل ترک قلعه سی حدودنده مصقو قرالی حکمنده در اکر سوال اولنور ایسه مصقو ولایتی هیات صحراسنک شمالی طرفنده نهر ادل و نهر جانفک [۵] اونه طرفنده در بو داغستان پادشاهی اولککسنده نیجه قلعه و نواحی و خاک پاکه نیجه مالک اوله بلر دینلورسه نهر ادل ایله مصقوک دوئماسی اقوب بحر خزره کروب اندن کیملره

[۱] س، ک : قوم نوغای ب : قوم توبای [۲] ک : و قلوغک . س : و قلماخک
 [۳] ک : ترک . س : برکه [۴] ک : قامه و سامه لری [۵] ک : جانفک [دوغوسی
 (جایک) اولمیدر اصل کله « چایق » در (م)]

لجيدركم بر بجره ايصالى [۱] يوقدر باشلى باشنه بر بجر عظيمدر اطرافنده اون بر پادشاه و تيمش اولكه صاحبي خان و باق [۲] و قان و خاقان و طان و قرال و قونان و قزغان نام ملكلر واردر . بوجره شروان دكيزى و دميرقپو بجرى و كيبلان بجرى و جوازم [۳] بجرى و فغفور دكيزى و قزلر ولايتى دكيزى و مصقو بجرى و اژدرخان دكيزى و دمورقپو دكيزى و الاصر [۴] دكيزى و ترك بجرى ديرلر هرديارك اسميله مسما بر بجر سورجه در [۵] قره دكيز كبي و مصرده سويش قلزه مى [۶] كبي سم هلاهل دكيز دكلدر انشاء الله بو دى محليه تحير اولنور اما بو محله داغستان دكيزى ديرلر و شروان دكيزى ديرلر و قلعه شماخى [۷] حالا عجمده در بو دريا کنارينه قريب دمر قپو قلعه سنه اتى قناق يقين سماقى [۸] شهرى در دمر قپو قلعه سى و بالو [۹] قلعه سى و شماخى قلعه سى شروان ايلاتى حكمنده در كم ماقدم مذكور قلعه لر دست آل عثمانده اولوب بدست اوزد مر زاده عثمان پاشا فتح ايدوب ينه سنه ۹۸۵ تاريخنده عجم ملك موروثلى اولماق ايله سنه مزبورده قلعه مذكورده استيلا اتمش لدر بو مذكور شهر لر جمله داغستان ولايتى ايله اتى قناق قبله سى طرفنده شروان و ارنجه هم حدوددر و ينه داغستانك جنوب طرفنه كورجستانك تمرس خان اولكه سيله هم چتر كم كورجستان شهر لردن شهر زم [۱۰] شهر چكم و قلعه تفليس قلعه كومه بش [۱۱] و شهر سريراللان و آخچقه و چلدر صحراسى حريس [۱۲] قلعه لر يله هم خاكدر و ينه كيشلمه جابى كوه البرز قربنده طاوستان سليمان عشيره تيدر و ينه غربيسى طرفى چركزستاندر و ينه شمال طرفى مصقوك ترك قلعه سى و ازدرهان و الاصر [۱۳] ولايتلريدر اما يلدز روزكارى طرفى هيپات صحراسيدر كم قالمستان ولايتلريدر تانا كو خانه و تانهرادل کنارنده شهر سرايده نهايت بولور هيپات دشت قبجاقدر

[۱] ك : ايصالى [۲] س ، ك ، ط : بان [۳] ك : خوارزم [۴] ك : الاطر
 [۵] ك : شورجه در [۶] (قلزى) اولميدر (م) [۷] ك : شماخى [۸] پ : شماقى
 [۹] ك ، ط : باقى (بالو) دوغرودر (م) [۱۰] پ : شهر كم [۱۱] ك : تومنس
 [۱۲] (كوتاپس) اولمى ده ممكندر (م) [۱۳] ك : صحرس مرنس . ط :
 صحرس حرس . س : صحرس حرس [۱۳] ك : الاطر

يوقدر آنجاچ عسکری طاڻهسي اکوب بچوب پادشاهه عشر ورميوب عشر شرعيسي کسندوه علوفه قيد اولتمشدر حين سفرده اطلانوب مأمور اولدوغی اوروسه [۱] وزير ايله ياخود بکرا ايله وياخود شاخلال شاه ايله سفره کيدر قومي سکسن يدي بيک عسکردر اماهان اصحاب کزين بريسنده [۲] کويا تاتارسه [۳] پر سلاح عسکردر اولدر [۴] باروبنکاھلری يوقدر سالت وسبکبار عسکريسي جوقدر اولکه داغستانک دوکھليسي يدي خانلق وقرق يدي قاضيلق يردر وهپسي قرق بر شهر معمورلدر وهامتاسي اللي آلتی باره قلعهدر بوقلعه عسکرلرينک نصقلری دخي اوروسه [۵] کيدرلر کرچه جمه سکسن يدي بيک عسکردر اما کرات ايله عجم شاهي عسکريني منزه ايدوب قروب بکرمشدردر حالا ينه جنک وحداللری قزلباش ايلدر زرا بونلر عجمي اصلا سوميوب و آنلر ايله بيع و شرا اتميوب مشارنده ايکن عجمه اصلا تجارلری کتمز اما مصقو کفره سيله آلی صاتی ايدرلر جمه شافعي مذهب متعصب آدملدرر صقالن طراش ايدر آدنه نه سلام ونه عليك ديميوب مطرش آدم ايله طعام دخي يمزلر اکر سن سنی مذهب اولساک صقالک بولتزدک [۶] ديرلر نه وارهی بوبوک [۷] کشی دیو صقالسز آدمی يانلرينه اوغراتمازلر اما ولايتلری غايه الغايه بېروپلنک وقپلانلی وشاقلی صارب و صعب چنکستان داغلر اولماق ايله بو داغستان پادشاهنه بر دشمن ظفر بولماق محالدر کرچه روم ايلي و اناطولی قدر اولکھسي يوق کوچکدر اما معمور و آبادان بر دار دياردر و جانب اربعه سن يدي پادشاه و يدي خان و يدي عدد اولکه صاحبلری داغستان ولايتن احاطه ايدوب شب و روز هر بر اولکه صاحبليبه جنک و جدال ايدوب ينه جمه دشمنلرينه جواب ويرر شجيع قتالدر

اطراف داغستانده اولان ولايتلر بونلدرکم ذکر اولنور

اولا بو شهر طرخونک شرق طرفی بحر خزر درکم اوچ قره دکز قدر بر بحر [۱] ک : اوروشه [۲] ک : واديسنده [۳] ک : تاتاره شيه (تاتارسی) اولسي ده ممکتندر (م) [۴] ک : اولقدر [۵] ک : اوروشه [۶] دوغروسي (بولتزدک) وشيمديکي املا ايله (بولوتزدک) اولميدر (م) [۷] ک : يولوک

قناقلر و ریلوب هر کس مهمان سرایلریمزه کیدوب خان ایله سلطان محمود بریده قالب
مشاوره به باشلدیلر بعده خان دخی قناغه کلوب اوچ کون او طور اقدر دیو فرمانلر
اولندقده حقیر شهر طرخویی سیر و تماشا به شروع ایتدک

در بیان ستایش شهر طرخو

اولا بو شهرک زمینی بحر قلزم قربنده بردوز واسع خیابانستان ایجره ارم آباد
مثالی برسواد معظم ولایتدر اما شهری شام و حلب و برسه و مقنيسا و پیره [۱]
وقتونیه [۲] کبی بنای عظیم و خاندان کیرلر ایله مبنی دکلدرد لکن شهرینه کوره
معمور و مزین بنالر واردرکم جمله سی یدی سیک عدد کارکیر و چیت و ازبار بنالی
تحتانی و فوقانی صحابه کرام بیوتلری کبی سراپا طور اراق ایله مستور خاندان معمورلردر
جمله شاخال شاه سرایی و بی [۳] خان سرایی و حور حور بک [۴] سرایی و اولوبک
سرایی و قائم بای سرایی و قران [۵] الب پای سرایی و ... و نیجه تیمور [۶] معمور
خاندانلر واردر اما سلطان محمود سرایی سائر پادشاهلر سرایی کبی دکلدرد زیرا
اسباب احتشامه و دارات عظیمه به مائل دکلدردر علمای داغستان (الشهرة آفة)
دیو پادشاهلرینه دارات اترمز لر همان عدد و عدالت ایلیوب رعایا پرور و کزیده
عسکر بسلمیکه و هر جانبده دشمنلرله صواش ایلمکة رخصت و برلر زیرا بو دیارده
حکم (هذا حکم کتاب الله) دین علمالر کدر حتی مذاهب اربعه شیخ الاسلاملری
پادشاهلرینک اوست یانلرنده او طور لر قاضی عسکر یسی شاخالک آلت یاننده
او طورر بالذات نقیب الاشرافی شاخالک قرشوسنده او طورر وزیر ی یعنی خان [۷]
قرشوسنده ایاق اوزره خدمتده اولور وزیر اوچ بیک عسکره مالکدر معینی [۸]
و تعینی [۹] و قاضیلری روم کبی اوچ یوز اچمه و یوز اللی اچمه قضا پایه سی دمک یوقدر هر کیم
اهل شرع و علمای متبحریندن ایسه مفتی و قاضی عسکر اولور یوخسه آنده علی زاده
و هاشم زاده و عمک زاده مثالی احمق جلیبیره منصب ورمز لر و بو دیارده تیمار و زعامت

[۱] ط : بیره . ک : بیره [۲] ک : قونیه . س ، ط : قونیه [۳] ک : تقی خان

[۴] س : قورحور . ک : قورچو بک [۵] س ، ک : قران . ط : قزاق [۶] بوکله ک

نسخه سنده یوقدر (م) [۷] ک : تقی خان [۸] ک : مفتی [۹] ک : و نقیبی

وتکریم واحتراملر اتدیلمک تعبیر اولتماز حتی خانک پای سمندینه ایکوز عدد قوی قربان ایدوب فقرالره بذل ایدوب سرور وشادمانلر اتدیلمر بو محلدن شرق طرفنه داغستان ولایتده گاه شرقه وگاه غربه کتدیلمز قلاع وشهرلری بیان ایدر اولا بو ولایتده کویله شمدنکرو چرکزستان کبی قناق [۱] تعبیر اتمزلر جمله (کند) دیرلر ... وشهر وقلعه دیرلر بودیار اویله امن واماندلرک بر عورت وبر محبوبه قز وبرنجه آفتاب اوغلان جواهر اهل ویاقوت وذی قیمت متاعلر ایله برشهردن برکنده وبرکندن شهرلره داغلا وبللر ایچره تک باشنه کیدوب اصلا برکسه اول حرمه عورتک یانه واروب باشن قالدروب یورینه باققه قادر دکدر جمله اهالی ولایتی مؤمن وموحد واهل توحید شافی المذهب کسه لدرر جمیع زمانده حرام یملر وحرام حریر کیمزلر بزلر دخی بو اولکده ۸ ساعت سمت شرقه نیجه یوز معمور کندلری کچرک (نهر جاق صای) [۲] کورجستان کوهلرندن خروج ایدوب نهر ترکه کیدر بونهر کنارانده (شهر چارباغ) قوم قوق بوشهره (چزباق) دیرلر قوم لزیکی (جازباق) [۳] دیرلر سنه ۹۸۶ تاریخنده اوزدمر اوغلی چرکز عثمان پاشا کورجی الندن آلوب شهری وقلعه سن خراب ایدوب خاکنی داغستان پادشاهنه ویرر اما برعمارستان سواد عظیم ایش آنی کچوب ۵ ساعت شرقه کیدوب صارب چنکلستان داغلی کچوب بو محله شامخال شاه طرفندن خان حضر تلیرتک ینه استقباله اون بیک عدد کزیده عسکر قرشو چیقوب الای عظیم ایله کیدوب

اوصاف شهر عظیم طرخو

بوشهر خارجنده (سلطان شامخال محمود شاه) خانه قرشو چیقوب ایکسیده آتلرندن اینوب بربرلیله کوروشوب اوپوشوب ینه سمند کیلانلرینه سوار اولوب ایکی نفر شاه دلدل سوارلر کروفر دورانلریله شامخال شاهک سراینه واروب ضیافت عظیملر تناول اولنوب قلعه دن طوب شادمانلری اولوب خانک جمله توابع ولواحقترینه

[۱] دوغروسی (قباق) اولمیدر (م) [۲] س ، ک ، پ : جاق صای [۳] ک :

چارباب

بودخی طاوستاندن کلوب بومحله قریب نهر ترکه منصب اولور بونی دخی آتله عبور
ایدوب ۴ ساعت کیدوب

نهر عظیم آب حیات ترک

بونهر کبیر تا کورجستاندن ویدی تنک دن و تقایس و تومه نیس [۱] و عجم و داغستان
پادشاهی داغرندن جمع اولوب نهر جیحون و نهر سیحون کبی بر نهر عظیم اولوب جانب
غرب. جریان ایدره ک مصقوک ترک قلعه سی دبنده بحر خزره مخلوط اولوب ایچنده
مصقو و عژدرخان [۲] و کیلان کیلری کزر حمد خدا بونهر ترکی جمله چاپک تاتار
عسکر یله قرشو یا قه کیلره سلامت اولوب [۳]

دربیان ولایت قوموغستان و حدود حکم سلطان داغستان [۴]

اولکه عظیم و بلاد قدیمدر بومحله مصقوک ترک قلعه سی صول جانمزه الی
ساعت بعید بحر خزره ک بر کور فزی نهایتنده ترک قلعه سی بیاض قفو کبی کورندی
ایدی اما ایچنه ویانه قریب و ارما دق زیرا محمد کرای خان سنه ... تاریخنده مصقو
قرالی طبورن قروب [۵] سره مت [۶] وزیری اسیر ایدلن برو مصقو تاتار خان
ایله عدوی جان او ایشلردی و حالا عسکریمز ایچنده اوچیوزدن متجاوز مصقو
اسیرلیمز اولماق ایله ترک [] قلعه سنه و ارملایوب الی ساعت مسافه بعیده دن عبور
اتدک اندن سنه ۱۰۷۶ ذی القعدة سنک غره سنده خاک پاک اسلام اولان داغستان
پادشاهی حدودینه قدم بصوب نهر ترک کنار یله طرف شرقه ۱۵ ساعت کیدوب
(نهر سوبنج) کورجستانک آچق باش دیارندن کلوب نهر عظیم ترکه کیدر حمد
خدا بدرشتی [۸] دیار اسلامه قدم بصوب بیزه داغستان امت محمد عسکرندن اون
بیک عدد جیوش موحدین استقباله کلوب داغستان پادشاهی (سلطان محمود شاخل
شاه) دن نیجه بیک کونه هدایالر و ما کولات و مشرویاتلر کلوب خانه برکونه تعظیم

[۱] ک : تومنس [۲] ک : اژدرخان [۳] ک : کیلره سلامت کچوب [۴] ک :
و حدود ولایت حکم سلطان داغستان قوموق [۵] ک : بوزوب [۶] ک، ط : شره مت
[۷] ک : تورک [۸] دوغروسی (بدرستی) اولمیدز (م)

اولدی اما ابقای خان اسلام ایله مشرف اولوب مرحوم اولدوغنی مثبتدر اما
 هلا کونک اون درت اوغنی وار ایدی اک اوکوسی [۱] ابقای خاندراکم اون بشنجی
 اولوجه اوغلیدر جهان آرا بر پادشاه جم جناب اولوب ایران زمینی وهندوسند
 ولرستان ومولبان [۲] وچین وماچین وختا وختنه وارنجه قبضه تسخیرنده اندی [۳]
 اما اون دورت عدد هلا کو خان اوغوللرینک کیمیمی پادشاه اولدی وکی اولمیوب
 جمله اونیش قرنداشلر بو عراق داداینده ابقای خان ایله حرمز [۴] تاجدار ابن انوشروانک
 یاننده براردح عظیم [۵] اغاجنک ظل حایه سنده باشلری و ایاقلری اوچلرنده کی
 سنک مزارلرینک تاریخلری واسملری ایله اون بش عدد هلا کو خان اوغوللری
 آردج آغاجی آلتنده علی الترتیب مدفونلدر و قولی خان [۶] ابن جنکیز خان
 بونلره قریب مدفوندر وهلا کو خانک باباسی قولیخان درکم [۷] یدی عدد اوغوللر
 یعنی [۸] هلا کو قرنداشلرینک یدی سیده بو عراق دادایانه حاکم اولوب یدی سیده
 بو عراقده حرمز [۹] تاجدار یاننده مدفونلدر بونلر دخی اسلام ایله چکنمشلدر
 بوشه نشاه سلفلری تحریردن مراد اولدرکم هر برینک قدوقامتلیری یکر میشر ویکرمی
 بشر آدیم قبر طویللدر بونلره دخی فانی جهان قالمیوب وادی خاموشانده پایمال
 رمال اولوب یطرلر حتی بومزارستانه قریب اسکندر کبرانک بحر خزر دن تا بحر سیاهه
 وارنجه ... قناق یرطولی اولان سدا اسکندر دیواری بوکورستان یانندن کورینور
 افلا که سرچکمش بر دیوار عظیمدر بوشهر خرابستانی دخی بویوزدن سیر و تماشایدوب
 ینه محمد کرای خان افندیملزه ینه جانب شرقه ۷ ساعتده درخت عظیملر ایچره
 کیدوب وآب حیات صولر ایچوب (نهر جکم) آتلا ایله کچوب ۲ ساعت کیدوب
 (نهر لاجک [۱۰]) بویکی نهرلر دخی داغستاندن کلوب نهر ترکه کیدر بونهرینی
 عبور ایدوب اندن (بقاق یراقای) طاوولتان حکمنده غایت معمور قناقدر اندن
 ۴ ساعت کیدوب امن وامان یرلردن چیقوب قالمق خوفن چکرک (نهر جارک) [۱۱]

[۱] ک : اولوسی [۲] س ، ک : و مولیان . ط : و مولتاق [۳] ک : اولدی
 [۴] دوغروسی (هرمز) اولیلدر (م) [۵] ک : بر عظیم آردج [۶] دوغروسی (تولی خان)
 اولیلدر (م) [۷] س ، ک : قولنخاندراکم [۸] س : نفس [۹] دوغروسی (هرمز)
 اولیلدر (م) [۱۰] ک : لاجک [۱۱] س : چارک

اولقدر اعتباری اولمین نسنه لرك مدحی تطویلنده ملالت واردر اما عبرت نمای مزارستانلری عجایب وغرایبدر حتی ایکی فرسخ یری مزارستانی دوتمشدر بعض مزارلرنده حسن خط ایله بویله تحریر ایتشمک « ای سؤال اتکن شول مرقدنی صاحبی بوغابای کشی من ایکیوز یاشقه یتکن نامرادیکیت من ایدم اکمکیوب یوره کیمه اکمک یاشوب اولکنمن سبب موتم شول قایدرد بر مزارطاشنده دخی بویله ترقیم اولنش « ای سؤال اتکن بومرقدنی ایسن ایکیوز قرقبش یاشقه نامراد حره بیکه خاتون ایدم یوزبش یاشنده قزاولان ایکن قوجیه باروب براوشاق دوغوررکن صو ایچوب اولدم سبب موتم شودر « دیگر خط مزار « ای سؤال اتکن شول مشهتی [۱] صاحبی اوچ یوز یاشقه یتکن قوبا [۲] آلپ زوربتر یکتکن اژدرخان صواشنده اوق پشاخی [۳] پشوغلانده اوزومی اوق صقوب اولکنمن سبب اولکنم شولایدر اوزوم ایچون بائحه « یعنی فاتحه دیمش ... [*]

بوکونه لسانلر اکثریا بودیارلرده موغول و بوغول و قیتاق و قوموق و لکزی ولزکی و چقنای و قحطانیه و لاوی لسانلری کبی لسانلری واردر اکثریا جمله سنک مزارلرده اولان خطلر مذکور لسانلرک خطیدر و دخی بی حساب کونا کون تاریخلر واردر اما مسوده سنده عجز و تقصیر من اولماغیله تحریر اولغادی (در تماشگاه قبرسام و زیمان و زال کستم) بونلر حضرت موسی علیه السلامه منوچه رایله بریردن ایمان کترمشلردر زیرا بونلر هم عصر ایدیلر حالا بو عراق دادبانک قبله سی خارجنده برخیا بان ارستان ایچره دوردی رقبه عالی ایچنده مدفونلردکم جمیع آلات سلاحلری سروپالری اوجنده قائم اولان عمود منتهالر اوزره عمود صالحلری [۴] و کورزلری مصلوب دورر بودیار قوملرینک زعملرنجه سام زیمان و زال کستم پیغمبر اوله لر انکیچون آلات سلاحلرینه وضع بد ایتیموب زیارت ایدوب کیدرلر تره لرلنده قوموق قومندن نجه تره دارلری واردر (در بیان مزارستان ابغای خان [۵] بن هلاکو خان در) نیجه مورخلر هلاکو خان کفر و ضلالتله مرد

[۱] (مشهتی) یعنی مشهدی دیمکدر تاناردالی ت یاغش (م) [۲] ک: قوبا [۳] ک: بشاغی. س پشاغی [(باشاق) دسرن دیمکدر (م)] [۴] پ، ک، ظ: صالحلری [۵] پ: ابغای

سلطانی قتل ایدر حالا طاوستان سلطانی حکمنده در اما دریاده قطرہ کونشده ذرہ قدر عمار دکدر اما زمان قدیمده اکسرہلر عصرندہ ایکی کرہ یوز بیک خانہ ارم ذاتدایمش وایکی کرہ یوزبیک دکان ویوزبیک چشمہ وسییل وحوامع ومدارس ودارالحدیث ومکتب ودارالقراتکیه وسرای اعیان وسرای کاربان وخان خواجہکان وخان مجردان وعبرت نمای آبادان وحام غاسلان وکنیسہ راهبان وعمارت دار اطعام وعمارت بزازستان آثارلری [۱] وارکم بر کونده مذکورون عمارستانلر عبور اولنماز نیجه یوز بیک آثار بنارک قپولری اوزرہ یاقوت مستصمی طرزی خطر ایله کونا کون مصنع تاریخلری وار اما کویا وان دریاسی کنارنده اخلاط شهری واسکی قریم ومراین وکوفه وموصول وبستین ومصر دیارنده شهر اسوان کچی بو عراق دادیان دخی مذکور شهرلر کچی یرده یطر ایچنده بوم ومصطبلر [۲] آشیان ایدوب آدمی آدمی زادلر یوقدر الحجاج بر کوشه سنده بر جماعت قدر یاوستان [۳] خلقی ساکنلر در بو حقیر بو خراب آباد دنیانک بو محله سنی سیر وتماشایمک ایچون اون ایکی عدد عبد مملوکلرمله پر سلاح اولوب شهر خرابک قبله سنده ایکی ساعت بعید طاوسه نام برکوه بلندہ عروج ایدوب وبشهر خرابی تماشایمدم وبر آستانی [۴] جهانی دوتمش همان خداملرمله سکنز یوز مناره عد اتدک میدانده سوکله قالمشرویشل وصاری وقرمزلی وماوی صرچه لی کونا کون سوری قتلری [۵] حالا زین اولوب دورر ونیجه یوزبیک تاق کسرادن نشان ورر افلاکه سر جگمش طاق رواق طمطراقلری زین اولوب دورر الحاصل بو خرابستان قرق کونده تعبیر وتوصیف اولسه ذرہ وشمه قدر تحریر اولنیه ومدحتنده لازم دکدر کار جهان ویله درکم (بیت)

بوزولور نیجه بیک ایشلر دوزولور نیجه جنبشلر بوکاروبوالمجیدر [۶] بیکه [۷] اولمزکار کربیدا
وبو خرابستانی ماوقعی اوزرہ تحریر اتمده فائده سی ویباندہ عائده سی اولیوب

[۱] ک : آثار بناری [۲] س : مصهلر [۳] ک : طاوستان [۴] ک : وبوآستانی
[۵] دوغروسی (قبایلری) اوله جق (م) [۶] دوغروسی (بوکار بوالمجیدر) اولمی یعنی
(کار) د : صکره کی (و) فضلہ در (م) [۷] ک : بوکا

و بو مقوله درد سرلری اصلا استماع اتمه مشلردر و خلقی قوی البنیه وتن درست آد لردر کم چوغی یوز و یوز اللی یاشنه وارنجه معمر اولور اندن خان ایله اوچ کون ذوق ایدوب ۵ ساعتده (نهر بالق بای) آتلا ایله عبور ایدوب بونهر کورجستانک تا آجیق باش داغلرندن طلوع ایدوب نهر ترکده غروب ایدر بو نهر دن صکره ۳ ساعت یولومزدن بعید قبله طرفنه کیدوب

اوصاف بلاد قدیم و شهر عظیم خاك داغستان یعنی بلدة عتیق عراق دادیان بقول مورخ میر خاند و قول شرف خان و بقول تانارخانیه قدیم اولده داغستان پادشاهلرینک تختگاهلری بوایدی بوروی ارضده دورت عدد شهر عراق واردر بری عراق عرب کم قلعه قدیم حلب الشہادر بری دخی عراق اکا سر کم بغداد بهشت آباددر بری دخی عراق عجمدر کم شهر نوح آویند یعنی شهر نهوانددر کم ابتدا بانسی بعد الطوفان حضرت نوح نبیدر کم نوح آویندن [۱] غلط مشهور نهواند دیرلر دوردنچی عراق بو عراق دادیاندر کم ابتدا بانسی بعد الطوفان منوچهر شاه یوز یکر می ییل پادشاه اولوب موسی نبی عصر نده بو عراق دادیانی بنا ایدوب حکمنده اولان پادشاه عسکرلرن جمع ایدوب بو عراق دادیانه برحفر عظیم و عمیق خندق قازم شدر کم کویا درک اسفلدر اندن صکره شهنشاه اکاسره لردن انوشروان اوغلی هر مرز تاجدار بنا اتمش دیکم تختگاه اکاسره ایدی بعده قوم تاناردن هلا کو خان تخنی اولدی خلاصه کلام نیجه ملوکدن ملوکه بو شهر عظیم قالبو آخر کار داغستان پادشاهلرینک تختگاهی اولوب اوینه عمارستان اولمشکم [۲] حالا ایکی مرحله یرلرده آثار بنالری ظاهر و باهردر اما تیمور خان ماوراءالنهر دن خروج ایدوب ولایت قریمده طوخطمش خان اوزره کلرکن بو عراق دادیان خلقی کورجی الاصل قوم دادیان اولوب توانا و بهادر آدملا اولماق ایله تیمور خانه اطاعت اتمدکری اجلدن بو شهر عراق دادیانی محاصره ایدوب یدی کون یدی کیجده بو شهرک یدی عدد قلعه سیله شهری خراب و بیاب ایدوب پادشاهلری اولان ناخستان [۳]

[۱] اولجه کچدیکی وجهه دوغروسی (نوح آویند) ، « برهان قاطع » ه کوره (نوح آوند) اوله جق (م) [۲] ک : اولمش دیکم [۳] س ، ک : باخسان

وعجم وقوموق لساتی کلمات ایدر لر تجار لر ی ورعایا لر ی لسان مصقو دخی بلر لر (درقیافت قبا ی اهالی طاوستان) جمله سنک لباس لر ی عجم قیاماسی کبی نیکنده لی وپشلی قولتوق لر ی آلتی باغلی و یقاسی یوکسک قیامالئوب باشلرنده بیاض عباقالپاقلری کیوب ایاقلرنده عجم پاپوجلری کیرلر و باشلری مطرشدر وینه صقاللری قرقق جبارسدر [۱] (درقیافت نسوان طاوستان) جمله زنانه لر ی ودختر اختلری بیاض عبادن تلکی در یسی قلیاق کیوب کیسولرن صارقتمیوب یوزی آجق کز لر وکونا کون صقمه داراجق الوان عجم بز ی خفتان کیرلر هان چرکز قریلری کبی لباس کیرلر اما محبوب و محبوبه لر ی غایت ممتاز و مستثنا اولور بودیارده دخی سارچرکز ولایتلری کبی اچقه پول وحام و چارشوی و بازار و ماغ و باغچه یوقدر اما بوبشکوده ایکی جامع ویدی مساجد واردر خطبه لر یی داغستان پادشاهنه اندن کندیلرینک قوجور [۲] سکبان [۳] نامنه خطبه او قورلر اما کچمه لر ی صحابه کرام کبی کچتر لر لکن مسلمانلری آزدر رعایا لر ی جمله چرکز کافر لیدر و بونده جاری اولان (نهر باخستان) [۴] کورجستانک دادیان ولایتی داغلرندن کلوب نهر ترکه کیدر بو شهر ایچنده نهر ناخستانده [۵] ارغی بالئی دیرلر بر بالق چیقار اصلا بر دیار بالغنه بکزه مز بر مدورالشکل ماهیدر کم کویا زر نشانی بر مرصع مانده در اما لذتی مکر انکلیس جزیره سی ولایتنک سردلنه [۶] بالئی لذتی اوله اورتهمنده الیف کبی بر قلعجی اولوب غیر ی وجودنده اصلا غیر ی قلعجی یوقدر و مشک کبی بر کونه رایحه طیبه سی واردر اما اللهم عافنا غریب الدیار بکار آدم بومانده نک بر یی پیسه اول کیجه دورت بش کره دوشی آزر یا خود چوق تناول ایده نک نفسی بورندن آقار غایت مقوی و سریع الهضم سمک نهر باخستاندر [۷] تقویتنده کویا صقنقور ماهیدر اما بشر التیشر یوز در همدن ایریسی نادر در (در مدح آب و هوای طاوستان) هوایی غایت معتدل اولدوغندن اصلا خسته لک وها [۸] وصره [۹] زحمتی و غیر ی جذام و برص و بهق و هتام و هناق [۱۰] وفرنک زحمتی مثللی امراض مختلفه لی آدم یوقدر

[۱] ک : جبارسیدر [۲] ک : قوجور [۳] ط : سلتانی [۴] ک : ناخستان
 [۵] ک : ناخستانده [۶] بلکه (سردایه = ساردایه) اوله جق (م) [۷] ک : ناخستاندر
 [۸] ک : حمی [۹] ک : صرع [۱۰] وها [دوغروسی (خناق) در (م)]

اندن بش ساعتده مشرق جانبنه صارپ وللرده وصیق اورمانلرده صارقلریمز
 وقلپاقلریمز چالیرله الدیروب [۱] آلدیراراق واسبابلریمز یرطدیراراق کیدوب (نهر
 کوچویک) [۲] عبور ایدوب قرشوکنارنده برچنزار یرده مکث ایتدک اما اول
 کیجه صووق عذاب الین چکدک اما آتشلر کنارنده کبابلر چویروب ینه سهل
 ذوق ایتدک بونلر دخی کوه البرزدن کلوب کیدر بومحل دخی طاوستان حدوددیر
 اندن سهل کوه البرزی قبله طرفنه قیوب ۷ ساعت شرقه کیدوب

در بیان پشکو طاوستان

وطاوستان دخی دیریز غایت معمور شهر قدیمدرکم نوشروانک اوغلی خورمز [۳]
 تاجدار بناسیدر دیرلر وحقیتدر زیرا نیجه آثار بنالری عمارت قدیمدن نشان ویرر
 (نهر باحسان) [۴] کنارنده بیک عدد تخته اورتولی خاندانلر قالمش ماعداسنی
 تیمورلنک خراب آتمش جمیع چرکزستان اولکه لرینک اولری سراپا ساز وقامش
 اور تولیدر وبعضیلری دخی قامش اور تولیدر اما بویشکوک عمارت لری تخته اورتولی
 وکارکیز بنالی خانه دانلدر بوشهر یرندن غیری بوراده قالمق [۵] ایله بعضی میوه
 اغاجلری یوانور اما کوه البرز اته کی اولماق ایله [۶] باغلری و باغچهلری یوقدر
 وطاو سلطان [۷] دبدکلری اصل داغستان پادشاهلنی اولکه [۸] بودر اما
 صف [۹] اولماق ایله بکینه شامغال [۱۰] شاه دیمزلر اما داغستانک تخت قدیمی
 بودر حالا بکلرینک اسملری قوجور [۱۱] بای سسکبان وجوهان بای سسکباندر
 لکن پادشاه دنلسه نسللری طاوستاندر اندن نوشروانه منتهیلدر لسانلری کورجی
 وچرکز لسانلدر جمله اون ایکی بیک آزانوور وایکی بیک توفنک انداز لشکره
 مالکدر وجمله شافعی مذهبلدر اما ینه چرکز طائفه بی عد اولنور اما جمیع
 زمانده الفتلری کورجی قومیه اولدوغندن لسانلرینک لهجه مخصوصهلری کورجی
 [۱] ک نسخه سنده همزه نك کسریله حرکه لمتشدر فقط شیمدیکی املایه کوره (ایلدیروب)
 یازیلور (م) [۲] س : کوچویک [۳] پ : خورمز [دوغروسى (هرمز) در (م)] [۴] پ :
 یاخسان [۵] س ، ک ، ط : بو شهر یرندن غیری بورده قالمق [۶] ک : اتکلرنده واقع
 اولغیله [۷] ک : سلتان [۸] ک : اولکه سی [۹] ک : صعب (ضعیف) اولسی دها
 منا-بدر (م) [۱۰] ک : شامخال [۱۱] ک : قوجور

عینی رومك أو صچاقرنده بوزدن دش دش اولوب صارقش دود یارانی
 طرطل قوردی شکلنده قول قائلنی جانلی بوزدن قوردلر ادی باشلرن قیروب
 ایچنده پالوزه کبی صوینی اموب ایچدک حقا که حیات جاودان بولوب رجولیت
 طمرلریمز حرکت کلوب اطراف وا کنافده اولان طاوستان محبوبه لرینه نظر آتمکه
 باشلادق [۱] اما بو آب زلالک حرکات وسکناتلری همان قار ایچنده ایکندر طشره
 چقنجه حرکتدن قالیبور همان جمله وجودی بوزدر اما ایچی قیوجه آب زالدر
 و جمیع زمانده صوده رایحه خلق اولنماشدر اما بوزلال عین اولمش نادم رایحه سنده در
 بو آب زلالک بوکوه بالای عظیمده دخی بیوکی اولورمش لاکن حقیر کورمدم
 و بوکوهک ایکی کونلک یرلرنده طاوستان سلطانی قومینک چوبانلری ماه تموزده
 چیقوب نیجه یوزبیک سورو قیونلرله ییلاوب اندن یوقار و چقماغه غول بیابانلردن
 خوف ایدرلر زیرا اندن یوقارو بلوطلر ایچره داغلردن برمهیب و مخوف دهشتلی
 آوازلر کلوب جمله حیوانات و چوبانلر اول صیحه شدیدن قاچوب یوقارو چقماغه
 طاقت کتره مزلر دو نقل اتدیلر و بوکوهک جانب و اطرافنده اولان اون بر عدد
 اولکه ولایتلره جریان ایدن انهار عظیملر جمله بوجبال عظیمدن مستنبطدر الحاصل
 بدرستی [۲] اولدرکم بوکوه بالای البرزجهانک کوبه کیدر... (۰) حمد خدا تماشا
 ایدوب نیجه صنع خدالردن عبرت آلوب اندن ینه سمت شرقه ۵ ساعت کیدوب
 (نهر قول قوجان) قوم تاتار بوکه (قول قاشقان صوبی) دیرلر یعنی بوسوبی
 نوش ایدن قول طعام یمکه دویموب قاجدیفیچون تاتار بوسوبیه (قول قشاز صوبی)
 دیرلر بونهر داغستان پادشاهی اولکه سنندن طلوع ایدوب شرق طرفه ایکی قناق
 یر جریان ایدوب نهر بالفه [۳] مخلوط اولور بونهر کنارندن قاقوب ۴ ساعت ینه
 شرقه کیدوب (قباق عدم) طاوستان سلطانی حکمنده در اندن ۹ ساعتده (نهر
 بالی) بدخی کوه البرزدن کلوب نهر ترکه کیدر (ترك) دخی بحر خزره قیولور

[۱] نسخه اصلیه تک وس نسخه سنک کنارنده شویله برعباره وار: هر شرق طرفه آقان
 صوبیله درکم هاضمدر. [۲] ک : بدرستی (۰) ایکی سطر آجیق وار [۳] س : بالفه . ک :
 تالفه : پ : تالفه

غوغاسنه دوشوب ارض روم قلعہ سنہ آبازہ پاشا قباندی اول عصر دن برو اول ایکی قلعہ لر دست عجمہ قالدی و حالا ولایت عجم ایله بو کوه البرز مابینده (ولایت داغستان) پادشاهی وارکم کوه البرز دامنلرندہ یدی سنجاق بر اولکئہ داغستاندر پادشاهلرینه شامخال خان دیرلر باشقه حصہ [۱] صاحبی پادشاهدر اما سکه صاحبی دکلدرا اما شافعی المذہب مؤمن و موحد قوملردر بو قوم داغستان دخی یدی قومدرکم لسانلری بربرلرینه مغایر اقواملردر انشاءالله محللریله ایراد اولنور و بو کوه البرزک جانب قبلہ سی آردی ولایت دادیاندرا و دخی قبلہ دن جنوبہ میللی ابازہ ولایتیدرکم جملہ قرہ دکز کنارینه واقع اولمشلردر و دخی غرب طرفی شمعی کلرکن تحریر اتدی کمز چرکزستان ولایتیدرکم مشتاسنده [۲] منارکی [۳] چرکزیزله طوستان چرکزیدر و بو محلدن غرب طرفنه قرق یدی کرمه قناق قرم ولایتیدر و ینہ بو کوه البرزک شمال طرفنه [۴] بحر خزر کنارنده ماصقو ولایتیدرکم اول حدود ترک قلعہ سیدر نتیجہ کلام بو تحریر اتدی کمز ماقوع اوزرم بو کوه البرزک اطرافنده اون بر عدد پادشاهلر سا کنلردر تا بو مرتبه کوه بلنددر اویله بر کوه عالیدرکم نا ذروہ اعلاسی فی الصیف والشتاء ابر کبودلر اچرہ در اصلا معتدل هوادہ بیله کورمش آدم یوقدر حتی اولقدر یوکسکدر بولولطردن اشغی کورینن یرلرنده اشجاردن بر شی یوقدر ریح صرصر آغاجلری بولنسدن [۵] چیقار [۶] اولی بالطریق اول محللرنده [۷] قار دخی یوقدر اما ایکی اوچ کونده اورتاسنه چیقیلر یرلرنده طوفان نوحدن برو قات اندرقات صاررمش قارلری واردر [۸] (در وصف اشکال و لذت آب زلال) کم ایچنده [۹] تاری قدر آب زلالری یعنی جانلی قار قوردلری اولور بر نوعی دخی آدم اویلوغی قالنلقده قرہ باشلی و قرہ کوزلی بوزدن جانلی قوردلری اولور که آکا حکما آب زلال دیرلر و سلطان خانلری محمد کرای خانہ هدایا کترمشلردی

[۱] دوغروسوی (خطبه) اولمیدر (م) [۲] ک : مشاعنده [۳] ک : قباری

[۴] ک : طرفنده [۵] کوکندن [۶] ک : چیقار [۷] ک : اول محللردہ

[۸] ک : واردر اسکیدر [۹] ک : کم اول عتیق و صارارمش قار ایچنده

بو کوه البرز اوزرنده بنا اتدو کی سده واروب نهایت بولور حقا که قوجه انوشروان اکاسره اسکندره معادل دیوار رصیف بنا اتمشدر حتی انوشروان بو دمر قپویی بنا ایدوب عراق عربدن نیجه بیک آدم سوروب دمر قپو قلعه سنه قیوب عمار اتمشدر حالا اول طائفه دمر قپوده عرب لسانه قریب بر کونه اصطلاحات و عبارات ایله تکلم ایدر قوم ظرفادر کم لسانلرینه زبان قحطانیه دیرلر « منلاجامی » کتاب جامینسده بعض الفاظ قحطانیه بی استعمال ایدر [۱] بر کونه فصیح و بلیغ کلام در بارلر در بو دمر قپو شهرینک مشرق طرفنده اولکه خزر و ولایت ترک و اولکه لان شهرلری وار حالا مصقو قرالی حکمنده در کم تا کوه البرز داملرنده ترک قلعه سنده نهایت بولور اولکن ولایتدر اما دمر قپو سنه ۹۸۵ تاریخنده دست عجمده ایکن سنه ۹۸۶ تاریخنده اوزد مرزاده چرکز عثمان پاشا فتح ایدوب آخر کار سنه ۱۰۳۳ تاریخنده عجم بغداده وکنجه و شروان و شاخیه و بو دمر قپویه استیلا ایدوب ایچندن خندان اغا زاده لر ویره ایله جیقوب قریم خانه آندن سلطان مراد خان رابعه کلوب « نیچون دمر قپو قلعه سن عجمه وردیکیز » دیو سؤال بیله اولنمیوب حالا قلعه باب الابواب یعنی دمر قپو دست عجمده قالدی وینه کوه البرزک شمالنده قوم قیتق [۲] اللی بیک عسکره مالک شیلردر اما مصقو قرالنه تابعلردر وینه کوه البرزک جنوب طرفنده لزیکی و لکیزی دیرلر بر قوم مسیحیه در عجمه تابع اللی بیک عسکردر و بو کوه بلندک طرف شرقینسده تفلیس و تومهنس [۳] قلعه لری وار حالا سلطان مصطفی خانک ایکنجی جلوسنده سنه ۱۰۳۱ تاریخنده عجم تفلیس و تومهنس قلعه لرینه مالک اولمشدر حتی آبازه پاشا ارض رومده قبانوب جلالی ایکن بویکی قلعه لری عجم لندن آماغه یرندن حرکت اتمشکن آستانه سعادت طرفندن وزیر محمود پاشا آبازه اوستنه سردار اولدوغن آبازه پاشا استماع ایدوب تفلیس و تومهنس قلعه لرین عجم لندن خلاص اتمکی [۴] فراغت ایدوب جانی بائی

[۱] جامی کتابتدزمقصد « عبدالرحمن جامی » حضرتبنک « کافیه » شرحیدر اصل اسمی . (فوائد ضیایه) در (م) [۲] ک : قیتاق [۳] ک : تومهنس . پ : تومهنس [۴] ک : استخلاصدن . [متن (خلاص اتمکدن) اولمیدر (م)]

قرنقدر [۱] زیرا عرض بلدی . . . و طول نهاری . . . درجه و . . . دقیقه در هر جانبندہ اونار کونلک یولدن نمایاندر و بونده اولان اجناس مخلوقاتک حسابن ینہ پروردکار خالق بیچون بلر با خصوص غول یابانیلر غایت چوقدر رعد وارصدالرن استماع ایتم اما وجودلرن کوردمم اما قار اوزره رسم پایلرن کوردمکه جرمندہ بش آدم اوطورر غوللرک ایقلری باتمش قار اوزره معلوم ایدی الله اعلم وسط دنیاده اولان کوه قاف بودر خارج بحر محیطده اولان کوه قاف دنیادر حتی اسکندر ذوالقرنین بحر خزردن بو کوهه کلنجه آلتی مرحله یردر و ذروء اعلاسی آلتی منزلدر بو کوهدن جنوبه یقوشاشنی قره دکز ساحلنده نهر فاشه التی قناق یردر التی قناق دخی قره دیکرک فاشه بوغازیدر و بو کوهدن قاره دیکزه وارنجه اون ایکی قناق یردر اسکندر کبرا بو اون ایکی قناق یری بحر خزردن تا بحر سیاهه وارنجه بو کوه البرز اوستندہ بر سد جاندر چکمش حالا اثر بنالری وغیا مثال خندقلری ظاهردر و کورجستان طرفندہ کی لژی دغانی بو سد اسکندرہ قریب و کوه البرزه متصل اوده بر جبل بالادر و بو کوه البرزک اطرافندہ اون بر عدد اولک صاحبی پادشاهلر سا کنلردر و یتمش نوعه لهجه مخصوصه لریله تکلم ایدر السنه مختلفه لی بی آدملر واردرکم بر لرینک لغت و اصطلاحاتلرن ترجماندر ایله کوچیله فهم ایدرلر حقا که وجه ارضده اولان صغیر و کبیر جباللرک اصلی بودرکم مورخان عرب بو کوهه ابوالجبال تسمیه آتمشر زیرا جمیع جباللر تا چین و ماجین و ختا و ختن و فغفور و هندستانه وارنجه جمله داغلر بو کوه البرزه ملاصقدر و بو جبلک جانب شرقیسی ایران زمیندر یعنی عجم ولایتیدرکم آذربایجان و تقایس و تومه نسن [۲] و سریراللان و کیلاندر و بو کوهده اولان نباتات و گیاهات و اشجار اتلرک کونا کونلری مکر هندستانک حضرت آدم هبوط اتدوکی سرندبل [۳] داغنده اوله و بو جبل دامننده دمر قپو دیدکلری قلعه کاسرمدن انوشروان بنا آتمشر و حدودن تا کوه البرزه وارنجه سد شدادی بنا آتمشرکم حالا اسکندرک

[۱] ک : قرنقدر [۲] ک : تومنس . س : تومه بش [۳] ک : سرندیل . ط :

سرندید [مشهوری (سرندیب) در (م)]

قنان [۱] مدعي و داخو [۲] قره عربلری تجارت ایچون طقسان کونده نیلك ناشنه وارلرکم نیلك ابتدا منعی مصر جزیره سنده در « اون ییلده ویدی ییلده کتمشله باشنه واردمامشله» دیدکری سوزلر جمله قهوه خانه ده ساکن خشخاش و بنک و باده ایچیجی تریاکیلر سوزلر زیرا بو دنیانک تلسان ولایتندن مصقوکلظلماتی کنارنده هلاز ولایتنه وارنجه طولی اون بر آیلق یولدر نیچه اون ییلده کیدیلوب نیلك باشنه وارلیه بو کذب فاحشدر حتی بو حقیر قونجستان [۳] و قفانستان [۴] و استوان [۵] و سودان ولایتلرینه کندیگمه نیلك باشنه یکرمی یدی قاق یر قالدی دیدیلر اما غایت مخوف و مخاطره لی یلان و چیانلی یرلردر اگر یدی آی بکلسک موسمیله حلابه [۶] قوملریله نیل بحیره سی کیلرینه بنوب نیل باشنه جبل القمره وار دیدیلر حقیر شدت حازه تحمل ایده میوب حضرت ادریسک ولایتی اولان (رمله الجمال [۷]) شهرندن دونوب خط استوايه کلوب اندن یتمش کونده ولایت قونجستانه [۸] کلوب راحت اولدم اما نیلك باشنی کوره مدم بر جبل عظیم دخی جبل الماندرکم نهرطونانک باشلدر بر جبل بالا دخی له دیاریله اردستان مایینماسنده صجان [۱۰] طنمور داغیدرکم نهر پسته و نهر خورله [۱۱] باشلدر حاصل کلام روی دنیاده نیچه کره یوز بیك داغتر و ییلار اولدوغی بالاده کی کراطن [۱۲] جلدلریمزده سیاحت ایدوب منظورمن اولدوچه تحریر ایتمنر اما بقول بظلمیوس و بقراط و سقراط و فیثاغورث توحیدی قوللری اوزره یوز قرق سکز عدد جبل عظیملرک اولولرندن بریده بوکوه البرزدرکم توصیف اولنور اولو بوکوه البرز باب الابوابه یعنی دمر قپویه قریبدر سیاحان پشین قوللری اوزره یوز قرق سکز عدد جباللرک بوکوه بی بدل جمله داغلرک اورتاسیدر و بلکه دنیانک اورته سیدر علی التحقیق بودر [۱۳] و وجه ارضده بوندن عالی کوه بالا کورمدم زیرا علم اصطلاپ حکمتی [۱۴] اوزره بوکوه بلنک اصلنده زمیننده

[۱] پ: قنان [۲] پ: داخو [۳] ک: قونجستان [۴] ک: قفانستان . پ: قفانستان

[۵] ک: اسوان [۶] ک: حلابه . پ: حلابه [۷] ک: رمله الجمال [۸] ک: قونجستان

[۱۰] ک: صجان [۱۱] ک: طوزله [۱۲] دوغروسی (کراس) اوله جقدر (م) [۱۳] ک:

بویه در [۱۴] ک: حکمی

و اقلیم ثانیہ ۲۷ جبالدر و اقلیم ثالثہ ۳۱ کوہدر و اقلیم راہدہ ۲۴ تلدر
و اقلیم خامسہ ۲۹ زحوندر و اقلیم سادسدہ ۳۶ پشتہدر و اقلیم سابعہ ۳۲
طاوُلردر اما جملہ دن عظیم جبل قاعدہ آنک حقندہ جناب باری قرآن عظیمندہ
و فرقان مجیدندہ (سورہ ق) دہ (ق و القرآن المجید بل عجیبا ان جاءهم منذر منهم)
تفسیرندہ متفقدردر کم کوہ قاف بوادیم ارضک اطرافن احاطہ ایدوب بحر محیط
و بحر عمان و بحر مہیلان [۱] و بحر اوقیونوس و بحر کرداب و بحر ظلمات
والحاصل بودنیا اطرافندہ اولان یدی دریایی احاطہ آتش کوہ قاعدہ حتی بو
حقیرک و قوم نوغایک معلوملریدر کم مصقو ولایتی طرفہ قریب قرآن عظیم ایله
مثبت اولان بحر ظلمات بوزولدوغی [۲] محلہ اسکندر کبرانک سد یا جوجہ
کندیکی نور دریایی [۳] ظلماتی اوزرہ قوم قالمق یتمش کون یتمش کیجہ یعنی
کوندوزندہ وقت شافی کی اولان نور [۴] دریاسنی کچوب ینہ بو دنیانک
صہسدہ [۵] اولان آیدینلق یرلرک اوتلو و صولو یرلرندہ یدی کون یدی کیجہ
دخی قالمق آتلیله سکردوب کوہ قاف دامنندہ بلانشیبہ کعبہلینہ واردقرن و ینہ
بوز دریایی طول نہارده چورلیدن [۶] بری ہلار و لایتلرینہ کلرلر تو ابرلہ [۷]
قوم نوغای ایجرہ مشہوردردر قوم قالمق اسکندر کی سد یا جوجہ و کوہ قافہ یتمش
سکسن ییلدہ بر کتدکری مثبتدر حتی محمدکرای خاندہ بو شہریمزده رهن اولان
بلوش [۸] نام قوجہ قالمق « بر اوج کرہ حلر او طاودہ [۹] آتامز کعبہسنہ
وارانمن » یعنی کوہ قافدہ کعبہمزہ واردم دیو حکایت ایدرلر حتی قالمق نہ کفار
و نہ مسلم بر الای مجوسی قومدرلر اما آنلردہ کذب و بہتان اولمازدر و بو
ادیم ارضدہ کوہ قافدن صکرہ کوہ بلند مصرجزیرہسنہ خطاستوادن جانب جنوبہ
یکرمی یدی مرحلہ ایجری (جبل قر) در کم نیل مبارکک منبعی اولان کوہ بلنددر
ہر بار نیلک باشنہ اوتہ بحر محیطدن طرفہ پرتقال فرنیکی وارلر بری طرفندہ

[۱] ک : مہیلان . س : مہیلان [۲] س ، ک ، ط : بوز اولدوغی [۳] ک :
بوز دریایی [۴] ک : بوز [۵] ک : طاباندہ [۶] ک : چوزولدین [۷] ک : تو اتر
ایله بو احوال [۸] س ، ک : بلوش [۹] ک : بن اوج کرہ چلتراق طاودہ

ولایت عظیم طاوستان

عجب بیوک ولایتدر بر اوجی شمال طرفه [۱] تا ولایت مصقو ایله مشادر [۲]
و بر اوجی شرق طرفه [۳] داغستان پادشاهی اولک سیله [۴] هم حدوددر زیر [۵]
اوجی جانب جنوبی کوه البرز دامننده دادیان ملکله هم چیتدر و طاوستان جدید، [۶]
مکت ایله یکمز قناغک اکه سنده [۷]

اوصاف ابوالجبال عبرت نمای کوه البرز

لسان عربده اسمی ابوالجبالدر اما قوم برزی بو جبال عالی ذیلنده ساکن
اولدقلریچون مورخان عجم بو جبال [۸] عظیمه (کوه البرزی) دیدیلر و لسان
رومده (پنزه عجمان) [۹] دیرلر و لسان مغولیده (تل تاو) دیرلر و لسان
محصاده [۱۰] (پشته دادیان) دیرلر و لسان لزکیده (زحونده) دیرلر و لسان
قتاقد (تاوبان) دیرلر و لسان چرکسده (اری طاو) دیرلر و لسان تاتارده
(چلدراو طاق) [۱۱] دیرلر و لسان چقتایده (کوه میان) دیرلر و سائر مورخان
کونا کون دخی (کوه البرز) دیرلر اما بقول حکمای قدما و بقول مفسرین
و محدثین علما بو روی ارضده خلاق عالم لفظ کن، ایله یوز قرق عدد کوه
عظیملر خلق ایشدرکم بو داغلر اولسه وجه ارض لرزان واقع اولوردی دمشلر
و اول کوهلر حقنده (سوره ...) [۱۲] (له مقالید السموات والارض) آیتن
یازمشلرکم جناب خلاق عالم بو جباللری کلد [۱۳] دیو خلق ایشدر یعنی علمای
مفسرین تفسیر شریفلرنده لفظ مقالیدی کلید ایله تفسیر ایشلردر یعنی حییم
محمد بن بو داغلری یریوزینه کلید خلق ایشم بیورلر و بر آیت شریفده دخی
(سوره نبأ) ده یعنی سوره (عم) ده (والجبال اوتاداً) آیتلری بو معنای ایهام
ایدر و جمله سیاحان قدما و علمای حکما اوله دیرلرکم اقلیم اولده ۱۹ داغدر

[۱] س، ک : طرفنده [۲] ک : مشاعر [۳] ک : طرفنده [۴] ک : اولک سیدر
[۵] ک : و بر [۶] ک : و طاوستان حدنده [۷] ک : اکه سی جابنده [۸] ک : جبل
[۹] پ، س، ک : پتزه عجمان ط : پنزه عجمان [۱۰] ک : قحطایده . ط : محصایده
[۱۱] ک : چلدراق طاق [۱۲] ک : آیت کریمه (سوره زمر) ددر (م) [۱۳] ک : کلید

نوح مقر اتدکده اندن تختهلرین کتروب اسلامبولده ایاصوفیه دیرینک قپولرن کمی
تختهلرندن انشا ایتشلردر دیو روم توارمیخلرنده یازمشسلردر و کشتی نوح نبی
جوده [۱] داغنده یوم عاشوراده قرار ایدوب سلامت بولدقلری آیت شریفه
سوره... [۲] ده مسطوردر (آیه) وقیل یا ارض ابلی ماءک ویا سماء اقلی وغیض
الماء و قضا الامر و استوت علی الجودی (آیتی تفسیرنده علمای مفسرین جوده [۳]
داغنده کشتی نوح قرار ایدوب اندن تلطم [۴] دریا ایله یارملری بوقبارتی دیارنده
بش داغده کی کمی تختهسی آندن اوله خلاصه کلام بو حقیر اول لوحه اوزره
ایکی رکعت نماز قیلوب و بو بش داغلی سیر و تماشا ایدوب اندن یینه مشرق
طرفنه بش ساعت کیدوب نیجه عبرت نمالر کوروب (نهریوک کومو) کوه البرزدن
کلوب قبارتی حدودندن اشخی (نهر کوچوک کومو) یه مخلوط اولور آندن بر
ساعته (نهر زلوق) بودخی کوه البرزک قبله جانبندن چیقوب بو قبارتی اولکهمی
ایچندن عبور ایدوب بیوک کومو و کوچوک کومو و نهر زلوق بو اوچ نهر شمال
طرفنه اوچ قناق کیدوب ولایت ببردقاج قریندن کچوب ماصقوک اژدرخان قلعه سیله
ترک قلعه سی مابیننده بحر عظیم خزره وارمادن ایکی ساعت بری بر صحرا ده غایب
اولو [۱۰] صولاردر بو قبارتی ولایتنه کلنجه تا قره دکز ساحلنده شفا که [۵]
ولایتندن بوقبارتی یه کامل قرق قناق هپ باش یوقارو شرق جانبنه کیدرکن جمله
صولری آطلیوب کچرسن جمله سی نهر قوبانه قریشوب نهر قوبان دریا اولور اما
بوقبارتینک بش طاوندن تا ولایت اژدرخانه و داغستان و ترک [۶] قلعه سنه وارنجه
جانب شماله جمله صولر باش اشخی کیدوب جمله صولر کوه البرزدن کلوب شماله جریان
ایده رک کمی مصقوک ترک [۷] قلعه سنده و کمی یقین واراغنده بحر خزره مخلوط
اولورلر اندن یینه حقیر سمت شرقه ۵ ساعت کیدوب قبارتی داغلردن آشوب
(نهر یلوق) [۸] کوه البرزدن کلوب نهر ترکه مخلوط اولور بو محل

[۱] ک : جودی [۲] آیت کریمه (سوره هود) ده در (م) [۳] ک : جودی
[۴] ک : تلاطم [۵] س ، ک ، ط : غائب اولور [۶] س ، ک : شفا که [۷] ک : تورک
[۸] ک : تورک [۲] ک : یلوق . ط : یلوق

قالقدن خلاص اولدیله و برغوستان [۱] قلعه‌سینه بله چقماغه قوم نوغای احتیاج اولمادیله حقا که عجب واسع عبرت‌نما دره‌در کرچه اردلستان مجاری ایچره سنجه وار بردرده مجار کفاری بزی بزوب [۲] قردینی سنجه‌وار دره‌سی عظیم دره‌در اما ینه آنک ایکی طرفنده قیالردن پیاده آدم عروج ایتمک نمکندر اما بو برغوستان دره‌سندن بر طرفه قوش اوچق محالدرکم بو قدرت قلعه‌سی دره‌سی هم محصولات و آب حیاطلی و هم بش کره اون کره یوز بیک حیوانات آلر - واد معظم دره‌در تیمورشاه بو بورغوشان قلعه‌سی و دره‌سن کوروب حیفا دریغکم بزم ولایتلرده شویله بر حصن حصین و سدمتین قلعه و دره‌چه یوقدر یوخسه جهانگیر پادشاه اولوردم دیش بونلری دخی سیروتماشا ایدوب طرف شرقه ۵ ساعت یکدوب

منزل کوه بش طاق یعنی بش داغ

بو دخی قبارتی حدودنده مغرب طرفی نهر قوباندر اول سمته یقین براغاچلی صحرا ایچنده بش دانه کوه بلند داغله بربرینه یقین خلق اولمش کویا هربری بر قالبدن چقمش جبل بالالردر اورتا یرده کی داغ جمله‌دن سوری و جمله‌دن عالیدر اطرافنده کی دورت عدد داغله اورتاده کندن پس پایه وسهل یصی حار [۳] جبللردر اورتا داغ اوزره بر کهنه کی تخته‌سی وار طولی اوچیوز آدیم و عرضی ایکی آدیم ایکی میشه تخته‌سیدر بعضی یرلرنده مسبار و بورغی دلیکلری واردر بو دیار قومنک زعملرنجه بولوحه دراز حضرت نوحک کمی [۴] تخته‌سی اوله اما بامرالله حالا پولاد نخشوانی کبی صاغ تخته‌در و ایکی یوز یاشنده قارت قالمق کفره‌لری اوچیوز یاشنده دده‌لریزدن شولای طاوشلادق یعنی شویله اشتدیک کم پنج حسن زیارتی قبه‌سنک قاپوسی بونوح آویند تخته‌سندندر دیوقالمقلر نقل ایتدیله و یونانیان روم کفره‌لری تاریخلرنده ایاصوفیه جامعنک جمله یوز بر عدد قبولرینک تخته‌لری حضرت نوح کشتیسی لوحه‌سیدرکم شهر موصول قربنده جوده [۵] داغنده کشتی

[۱] پ، س : بورغوشان . ک : بورغوئان [۲] ک : بزوب [۳] ک : چار
[۴] ک : کبسی [۵] ک : جودی

ونه قلعۀ عمادیه و نه امریه و نه سنجاره و نه بیرحیک [۱] و نه مکر [۲] و نه قریمده منکوب قلعه‌لرینه بکزر برقلعۀ دست قدرتدر زیرا جانب اربعه‌سی کوه بی‌ستون مثالی چاه غیالر و درک اسفلی دره‌لی عبرت‌نما قاعه بی‌همتادر و بو مذکور دره‌لرک ایچلری بر واسع چمنزار و نباتات و آب حیاتی صولدرکم بو دره‌چهلرک [۳] طولی سکز ساعت خیابان ارم دره‌لردر بو دره‌لرک ایکی جابلری اوج سمایه سرچکمش یالچن قزل قزل مهیب و مخوف قیالرده شاهین و صوتقور و طویقون و قره‌چغا [۴] و قره‌قوش و دولنکچ یووالی قورقونچ قیالدرکم آلتلرند کوه دماندمثال نیجه بیک مغارالر واردر بو قیالرک نیجه یرلری قار صیغنی کبی اشنی صارقش قیالدرکم آلتدن آدم کچمکه خوف ایدر اویله مجلا و مصیقل قیالدرکم بر قوش طرفنی ایشه‌جک یری یوقدر وهر مغارانک ایچلرند ارسلان بک نوغایلری بر اوطاق حیواناتلریله ساکن اولوب یرم [۵] طار دیمزلر تا بو مرتبه واسع غار عبرت نمایلدر [۶] و بو طولی سکز ساعت اولان دره‌نک بامرالله تعالی ایکی باشنده عینی قپو کبی داراجق قیالر وارکم اول تلله و مغارالره آدم باقمه جرأت اتسه زهره‌سی چاک یری همان اول محله خاک اولور نعوذ بالله صارب قپو کبی بوغازلدرکم بو ایکی بوغازلردن ماعدا یرلردن ایچری قوش اوچماز و بو دار بوغازلرک ایکی باشلرینه اسکندر ذوالقرنین اوج یرده ایکیشر آدم یان یانه صغار کمر قپولرند زمان اوائلده دمر قپولر ایله مش حالا قپولری کتمش انجاق کمرلری قالمش بو قپو یرندن غیری یردن بو یرغوشان [۷] دره‌سنه بر پشه [۸] و برمور ضعیف کروب چیقاجاق یرلری یوقدر حتی بز آنده ایکن ینه قالمق کفارلری ارسلان بک ایلی نوغایلرن رعایا اتمک ایچون ایکی کره یوز بیک لشکر یله کلدکده قوم نوغای دخی جمله اهل و عیالی و حیواناتلریله بو دره‌یه کروب دره‌نک ایکی باشنده قپولره عربلرن یغوب بی‌باک و بی پروا ایچننده اوطوروب

[۱] ک : بیرم‌جک [۲] س ، ک : مکو [۳] ک : بو دره‌لرک [۴] پ ، س : قرچغا .

ک ، ط : قرچغا [۵] ک : یرمز [۶] ک : غاریتمالردر [۷] س : بورغوشان . ک :

بورغوشان [۸] ک : بر قوش

در تذکیر ولایت قوم بیردقاج ابن چرا کیسو

بونلده جارکس [۱] عربک اولادلرندندر نهر جنجک ونهر قوبانک یاننده [۲] ساکن اولورلر بونلرک دخی شمالی قالمق تاناری کفره سی ولایتیدر وبو بیردقاج چرکزی تانهر عظیم برکه [۳] وارنجه اون قناق یر بونلرک ولایتیدر بونلر دورت عدد قرنداش بکلردر کم اشترک سوی اوزره هر بری یوزر پاره قباقره حاکمدر اما ایکسی قبارتی بکالینه تابعدر ایکسی تاو-ستان سلطانه تابعدر کاهیجه بونک [۴] بریسی قالمق ایله مشاع اولماسی تقریبیه قالمیگک طاباشی [۵] موسنجاق [۶] شاهنه تابع اولوب سنه باشنده قالمیغه برطای بوغاسی ونیجه سی هدایالر وروب قالمق دردندن ونهب وغارتلردن امین اولوب قالمغه رعایا اولورلر اما مذکور دورت عدد قرنداش بکلرک هر بریسی ایکیشر بیک عسکره مالکدر لکن بونلر مؤمن اولماقلرندن کاهیجه بونلری داغستان پادشاهی غارت ادوب اسپر ومال غنایلمیله مقتم اولور زیرا بونلرک دیارلرنده اصلا صارپ قیالی داغلا یوقدر جمله دوزلوک صحرالرده چنکاستان اغاجلقدر بو قوم دخی تانارخانه هدایالر و امداد عسکر قوشوب جانب شرقده نهر ایچک [۷] کنارنجه سکز ساعت کیدوب ینه قبارتی چرکزی حدودنده (منزل قباق صهاک) یوز اولی معمور قناقدر [۸] اندن بش ساعت ینه جانب شرقده

اوصاف قلعه بورغوسان [۹] کرمان هراسان

قبارتی حکمندهدر زیرا بو طرف بیردقاج ولایتی ایچنه کرمش قبار طای حکمندهدر اما بو قلعهده اثر بنادن برشی یوقدر همان جناب خلاق ازل یدقدر تیه صنعی اظهار ایچون بو کوه بی مثالی قلعه دیو خلق آمشدر دست آل عثمانده اولان صعب حصارلردن بو قلعه عبرتنامه قلعه وانه بکزر و نه قلعه ماردینه و نه قلعه دهله

[۱] س ، ک : جارکس [۲] ک : ماییننده [۳] س : ترکه [۴] ک : بونلرک
 [۵] ک : طایسی . پ : طایسی [۶] ک : وموچاق [۷] ک : ایچک . س : ایچک
 [۸] ک : قباقدر [۹] س ، ط : بورغوسان . ک : بورغوسان

کله بوحقیر و پرتقصیر بولساندن دخی مجموعه مسوداتمزدده بولونسن ایچون و سیاحتده لازم اوله دیو اندک تحریر ایدلم

در آغازه داستان لسان چرا کزه مامه لوقه

ز = ۱ . توق = ۲ . سی = ۳ . پله = ۴ . توفه
 = ۵ شی = ۶ . بلی = ۷ . بی [۱] = ۸ . بوغو [۲]
 = ۹ پسی = ۱۰ . الله اسمی = ... چاقو = امکک . پسی =
 صو . ل = ات . قویه = پنیر . ق = خنزیر . مل = قیون . پیچن =
 کچی . سنه = قوزو . شی = آت . شدی = اشک . قاددغه [۳] =
 قاطر . لو = کوچوک دوموز . غومل = بر طعامدرکم آکه آبازه لر شد
 خرجی [۴] دیرلر . شیزی چخایووا کاغ = ادبده قصراق فلان ایدرم . شغب
 قاغ = یوغورد . شووو [۵] = بال . قه [۶] کتر . تدوسقی = زرده
 ایدک . تونسی [۷] سقی = اوده ایدم . شدش پسی ق [۸] = ادبده اشک
 فلان ایدم دوموز . شوفاشاپس = خوش کلدک . توقون = کیدهلم . سی
 قونپ = کتمم . شدش پسی = ادبده اشک فلان ایدیچی . واشت =
 پوشت . اوایانه کدی [۹] سوک = ادبده والده کی فلان ایدیم . شغا چناشد
 فسمقاغ = سندن قورقارمیم نیچون سویله مم . دوشن سه پسز [۱۰] = ادبده
 آورادیکی فلان ایدیم . سدا فوقاتفو = نیچون بویله یاوه سویلرسن خرسز [۱۱]
 اوده خلش [۱۲] جادی کوپک آتی یه . وخل و ش سدس وغمرخا [۱۳] = کوپک
 اتن سن یرسن بکایه درسن . سداسخ [۱۴] قصادقا = نیچون بکاپوشت درسن
 بعده بوقبارتیده خانه بش بیک چرکز ونوغای قومی عسکر [۱۵] امداد و یروب
 شمال طرفنه یدی ساعتده صارپ داغلر کچوب و آب حیات صورلر ایچوب قنوب کوچوب
 [۱] ک : پی . پ : بی [۲] ط : بوغو [۳] س ، ک : فادرغه . پ : قاددغه
 [۴] ک : شل خرجی [۵] ک : شوو [۶] ک : قسه [۷] ط : یونسی [۸] ک : بشیق
 [۹] ک : کوری [۱۰] س ، ک : ووشن سه پس [۱۱] اشو (خرسز) کله سی ک نسخه سنده
 یوقدر (م) [۱۲] پ : بش [۱۳] س ، ک : وغس خا [۱۴] س ، ک : سداسخ
 [۱۵] ک : ونوغای قومی دخی بیک عسکر

شاه ایشدوب اولدخی باشنه ایکی کره یوز بیک لشکر جمع ایدوب باباسی قان و آتاسی انتقامن آلمغه کلدکده نوغای و قبارتی آتلرنده دخی [۱] بر غیرى کونه صنعت ایله قبارتی دره لرینه ديقوب انلرده برتوفنک قبارطای اوردرلرکم مونسجاق [۲] آنجاق ایکی بیک قالمق ایله جان خلاص ایدر آخر کار مونسجاق [۳] شاه باباسنک لاشه مرداری ایچون چرکز قبارتایه اللی بیک باش ورر یعنی اللی بیک آت وصفر و دوه وکوبه یعنی زرخ ووروب باباسی لشین استر نوغای ورممز دیر آخر الامر نوغای ارسلان بکده یوز بیک باش ووروب باباسی اولان طایمی شاهک جیفه مردارن آلوب بر دخی قبارتی اوزره کله مکه عهد امان و میثاق ایدرلر اما قوم قالمق عهد امانی نه بلر حالا اول زماندن برو قالمق ایله قبارتی خصم قوی وعدوی جانلدرر انکچون قباثل قبارتی یکرمی بش یلدرکم داغلا ایچره پشکو یوردلن قالمق خوفندن کچورمه مشلدرر اما بز خان ایله بونده ایکن محمدکرای خانک بنا اتدوکی شادکرمان قلعه سی ایچندن عسکر قلعه بر اغوب چقدقلرن قالمق ایشدیجک قلعه قالمق کفره سی بصوب برجنک عظیم ایدرلرکن

دروصف استخلاص قلعه شادکرمان

فقیر خان ینه معزول ایکن حسبه الله دامن در میان ایدوب جمله قبارتای و جمله نوغای بندروب بر ساعت الغار ایدوب علی الغفله قلعه آلتنده قالمیغه محمدکرای خان بر ساتور محمدی اوردی کم مونسجاق [۴] شاهلری کوچیله کوچ خلاص اولدی و بو قدر مال غنایم بو قدر آت وکله لر ایله بر آلاى عظیم ایله پشکویه کلوب شادمانر اولدی بونده خانه ینه ضیافت عظیملر ایدوب اون دانه نیچه اقاتب اوغلان واون بش باش بکر قزلر خانه هدایا ووروب بش کون دخی خانى بو قبارتیده آلیقودیلر حقا که محبوب القلوب فصیح و بلیغ بهادر قومدرلر و جمله چرکزستانک بو قوم قبارتی سرچشمه وحسید و نسیب و اعیانلریدر و لسانلری سهل اکیبوب [۵] قلعه

[۱] ک : آنلری دخی [۲] ک : مونسجاق [۳] ک : مونسجاق [۴] ک : مونسجاق .

س : مونسجاق [۵] ک : آکلنوب

در بیان مهابت و صلابت و جرأت چرا کزۀ قبارتی

قوم قبارتی جمله بریره جمع اولوب ارسلان بک تاتاری بر قوشدر بزم چالیزه کلوب صفندی [۱] یوردلر وردک وقردش اولدق بز بو نوغای طاقسه سنی سزه ویره مهزز دیو کسه جواب ورنجه همان اول سنه قالمق پادشاهی اولان طایسی شاه [۲] یوز بیک چری ایله قنایو [۳] قبارتی بی اورماغه کله چکن ارسلان بک نوغای و جمله قبارتی عسکری اشیدوب جمله دره و دپه لرن و جمله کینکاه یرلرن توفنک اندازلر ایله مالامال ایدوب اون بیک قدر یکتلری میدان شجاعتمده یوریوب آماده دوردیلر همان قالمق عسکری چرکس و نوغای بر کوچوک کومه کورنجه دریا مثال قلماخ [۴] عسکری بر کره هو ایدوب رالمسی [۵] ایدوب قبارتی و نوغای فرار ایدرلر قالمق بو حالی کوروب بونلری داغلا ایچنه وارنجه قووب قلمیقک کرده کی عسکرینک آردی توکننجه همان بصوده اولان قبارتی توفنک اندازلری اژدر هفت سر کبی کینکاهلردن چیقوب قالمیغه بریایلم جتال قورشوم سرنجه بر آنده نیجه بیک قالمق لری خاک مذلته دوشروب کرودن اترلندن قالمیغی اوزرینه آلوب [۶] او یله بر ساتور نوغای اورلرکم بر آنده یکرمی یدی بیک قالمق کفره سی قلیچدن کچوب یکرمی بیکی دخی اسپر اولوب آلتش یدی بیک قالمق آتلی اله کرر بو فتح و نصرتدن ماعدا بالذات طایسی شاهلری بو عریده عظیمه ایچره قتل اولوب قبارتیلر طایسی شاهک لشنی آلوب صاقلرلر بقیه السیوفلری فرار ایدرلر اردلری صبره چرکدن و نوغایدن دنج جرد آتیلر فرار ایدن قالمق لک عقبنجه قووه قره تا اژدرخان شهرینه وارنجه قرارلر بعده بومذلت انهمزام مصیبتی مرد اولان طایسی شاهک اوغلی موسنجاق [۹]

[۱] شوراده کی « ارسلان بک تاتاری بر قوشدر بزم چالیزه کلوب صفندی » سوزی تورکجه نك فصاحت و بلاغتته یوکسک بر مثالدر (م) [۲] ك : طایسی شاه [۳] ط : قنایو [۴] ك : قالمق [۵] ك : بر التیبی [س ، ط : نسخه لری ده بو شکلده و تماما نقطه سزدر] [۶] ك : دوشروب اوکلرندن و آذرلندن قالمیغی اورته به آلوب [بوراده کی شکل املایه کوره (دوشروب کیروون ایلریدن قالمیغی اورته به آنوب) اولسی دها موافقدر (م) [۷] ك : مویحاق [س نسخه سی ده بویله در فقط اوچینجی حرفی نقطه سزدر]

ستایش پشکو و قبارتی

اسمی ... در بر عظیم قیالی دره ابجنده اوچوز عدد ساز اورتولی عظیم پشکودر بودره نك اوته باشنده تحریر اولنان بر پشکو دخی واردر اما بوپشکو نهرکومی قربنده در نهر کومی بر قیالی داغلردن کلوب بر مرحله یری [۱] جانب شماله جریان ایدوب کیده رك (ببردقاج) صحراسنده غائب اولور بر آب حیاتدر و بو پشکوده جمله اهل صنایعلر موجود اولوب هرکس اولرنده کار ایدرلر بو قوم مسلم اولادن برو برپشکوده قوجه مشوش [۲] بکلری برحام و برجامع وایکی مسجد بنا ایتدیلر خطبه آل عثمان نامنه صوکره قریم خانلرینه صوکره داغستان پادشاهنه آندن مشوش [۳] بک نامنه خطبه او قورلر و قبارتی بکلری کاهی بونده ساکن اولورلر بیوک بک خانلریدر کوچوکی متوش [۴] بکدر اما جمله حکم و حکومات و مشوش [۵] بککدر و بو طائفه قبارتی مسلمان اولهلی شمدی بیاض عبا قلیاق و بیاض اثوابلر کیوب جمله صاحب لرن طراش ایدر اولدیلر واللرنده تسبیح طاشلرلر برغرایب یکی مسلمان اولدیلر و جمله یکریمی عدد معمور و آبادان صارب یرده قنقلری [۶] واردر و دخی جمله اون بیک عدد هادر دلاور و نامدار بیکیتلره مالکلردر جمله سی صحیح الذب قریشیلردندر غیره کسندن و قول و قراوشدن اصلا سلعه [۷] نامنده قز آمازلر اگر حوری اولسون و غیره قز دخی ورمزلر الا تاتار خانلره و سلطانلره قز ورلر و بو اوچ عدد پشکولری یکریمی بش بکدر [۸] قالمق خوفندن یرلندن قالدروب غیره داغلرده یکه پشکویا پاماشلردر حالا یرنده دورورلر عظم قصبه مثال معمور پشکولردر حتی سنه ... تاریخده ارسلان بک تاتاری مصقو ولایتندن بودیاره کلیچک قالمق تاتاری بونلرک اردلرنجه قوو و راق کلوب قبارتیدن نوغای آشدی [۹]

[۱] س، ک : یر [۲] ک : مسوس [(مشوش) کبی حرکتلندرا] [۳] س، ک : مسوس [۴] س، ک : مسوس [۵] ک : مسوس [۶] ک : قنقلری [۷] بو قاریده (شافه) دیه یکمشدی (م) [۸] ک : بیلدر [۹] ک : استدیله [شکل املایه کوره (استدی) اولمیدر (م)]

جامع و برخان و بر مسجد یصہ دیلر والیف وبہ [۱] صو پارہ سی [۲] کتابی [۳] او قوغہ باشلادیلر اما محمد کرای خان معزولاً بوشاد کرمان قلعہ سنہ کلنجہ جملہ قلعہ مستحفظانتری ایتدیلر پادشاهم بیزہ شمدنکرو علوفہ مزئی کیم و رر دیو بش عدد شاهی طوپلری برکیجہ قلعہ نک بر رندہ طوپلری بیرہ کوموب قلعہ براغوب خانہ کلدیلر حیفا دریغ محمد کرای خانک دولتندہ قبارتی قومی جملہ اسلام ایله مشرف اولوب قاضی و امام و جامع و حمام و قلعہ بنا اولنوب شویلہ ولایت ممدوحہ ضمیمہ ممالک اسلام اولمشکن کم بلر کم شمدنکیرونجہ اولہ اما شمدی بو حال اوزرہ قبارتی قومی مسلملر اولوب جاریہ لرینک نکاح سز و طئندہ خطا واردر اندن ۲ ساعتہ (قباق قودانی) برطوپراقی بایرلی درہ ایچندہ یوز اولی معمور قبارتی قباغیدر اندن ینہ سمت شرقہ دورت ساعت چنکاستان و داغستان یرلری کچوب

نہر قوبان عظیمک باشی

کوه البرزک جنوبندہ کورجستانک دادیان ولایتی داغلرندن انوب بو محله دک کلر بوندہ کلنجہ آزدرد اما اشنی قرہ دکنزہ مخلوط اولنجہ نہر قوبانہ صغیر و کبیرسکنز یوز التمش عدد صولر مخلوط اولور و جملہ سی بوزم کچدی کمز یوللردہ اولان صولردر جملہ سی ابازہ داغلرندن کلر حمد خدا بز آنلرک جملہ سن ایچوب کچدک اما مشهور اولان بیوک صولری یازدق و بو نہر قوبانک شمال جانبی جملہ ہیہات صحرا سیدر اصلا و قطعاً اول طرفدہ صولر و اغاجلر یوقدر الانہر قوبان کنارلرندہ اورمانلقلر چوقدر اما صو یوقدر جملہ صولر چرکنزستان طرفندن کلوب قوبانہ منصب اولور و بو قبارتی ایچرہ نہر قوبانی آتلا ایله آیاقدن کچدک اما جملہ غرق اولہ یازدق برقاچ آنلرک از پایلری بربرینہ بولاشوب [۴] اوستندہ کی آدملر ایله آتلا غرق اولدیلر حمد خدا ہلہ یوز بیک رنج و عنا ایله قوبانی قرشو کچوب ۳ ساعت کیدوب

[۱] ک : وبا [ب] حرفی (بہ) دیہہ آکلاتمی تورک شیوہ سنہ دہا موافقدر (م)

[۲] بعضیلر بوتک اصلی (سہ پارہ) یا خود (سی پارہ) دیورلرسدہ تورکلر داتما (صوبارہ) دیدکلرندن تورکچہ دکلسہ بیلہ تورکچہ لشمش رکلہ در (م) [۳] بورادہ (کتابی) کلہ سی فضلہ در

چونکہ تورکلر صوبارہ بہ کتاب دیمزلر (م) [۴] (تولاشوب) اولمیدر (م)

ايڪن بوقلعه ارسلان بك ايجون يسهوب مسڪن وماوى ايتديلر حالا بوقلعه زيبا نهر جنجك ڪنارنده شكل مربع بر خشب صارپ قلعه در انجاق طرف شماله بر اغاج قپوسى واردر جرمى دوت يوز ڪر مه آديمر ايجنده اصلا او بوقدر اما ڪجه دن اوبالرى واردر وبر ڪوچوڪ مسجدى وبر تانا رامامى وار جبهه خانه سندن آنجاق اوچ شاهى طوپى وار وقلعه طشهره سنده ارسلان بك ڪ وغيرى مرزالرڪ طاش ڪار ڪر بنائى متين وقوى اولرى واردر اوستلرى جمله ساز اور توليدر بونلر مرڪون قالمق تانا ريله جنك ايدرلر وبوارسلان بك خانه عظيم آت اتلرى وبوزه وطالقان ضياقتلرى ايدوب يورغه آتلا ريله ايڪى بيڪ آتلى امداد وروب ارسلان بك دخى بيله آتلنوب قالمق خوفلرن ڪهرك ٥ ساعتده

اوصاف قلعه شاد ڪرمن

سنه ... تاريخنده بونى دخى محمد ڪراى خان يصدقادر بدست قبارتى بى مسوست بك قبارتى ولايتن قالمق اورمغه باشلا دقده ولايت خلقنق ماللرى حفظ ايتڪ ايجون بوقلعه بنا اولتمشدر حالا ڪرمانى (نهر جنجك) نهر قوبانه مخلوط اولدوغى محله قريب ڀرده شكل مربع درخت منتهالردن مبنى بر جيتدن [١] قوى پلنقه درڪم جرمى بشيوز آديمر وخذنقى وبر قپولى ڪرمندر اما ايج قلعه سى ڪار ڪير بنا بر قلعه عظيمدر آنڪ دخى خندق وبر قپوسى اوڪنده آصا تختهدن جسرى واردر بوقله ايجره دزدارى محمد ڪراىڪ مجار محمد اغاسى دزداردر وبر يپراق نوتجى سڪبان يڪتلى وار و خان طرفندن قوموقلى طوخطر حاجى على قاضيدير و آنڪ يانى صره يوز عدد قوموقلى شهباز يڪتلى بوقلعه ده وطن طو طمشلر جمله شافى المذهب مؤمن وموحد آدملر درڪم طوخطر قاضى على ماه وسال صائم الدهر ايدى اما دهرى مذهبنده دڪلدردر نڪن متعصب مسلمانلردر بومسلمانك سبه بيله ومحمد ڪراى خان افنديمرك همتيله جمله قبارتى بڪلرى مسلمان ومؤمن وموحدلر اولوب جمله دوموزلرني قروب اسلام ايله مشرف اولماغه باشلديلر وبرحام وبر

[١] ك : برخشب

خزینیه و یروب یرینه چیل اچہ آلدیلر حالاقبارتی بکارینک خزینہ لرنده کون اچہ چوقدر حتی بش اون دانه حقیردهده واردر سکھی (سلطان مراد بن سلیم خان عنصره ضرب شہابی سنہ ۹۸۶) [۱] یازار غریب تماشاشا کوندن اچہدر یعنی بوچرکزستان دربند خاکمندر [۲] یرلردرکم هرکس سیاحت ایدہ من لکن بکارینہ برارمغان ہدایا ورسک یانیکہ آدملر قوشوب بیہ ایچہ قونہ کوچہ بریکہ یا برقوناغہ ویا برپشکوهہ سالمین وغامین تسلیم ایدرلر آرتق جانکدن و مالکدن خوف اتمہ اکر قوندوغک اوصاحبنہ برلولہ تتون ویاخود بر ایکنہ وابلک ورسک دنیا قدر حظ ایدوب سسکا دخی زیادہ رعایت ایدرلر و مالی وجانی واولاد وانسابی ایلہ یولوکہ قوربان اولورلر حقا کہ مهماندارقلری بیک قات خرسزقلرندن عالیدر حقا کہ بوخصلت خاص الحاص برقومہ مخصوص دکلدلر اندن ۵ ساعتہ طرف شمرقہ کیدوب (مہرجنچک) بونہر بس طاودن کلوب قوبانہ کیدر بونہر کنارندہ عجایب وغرایب اکر کوکی حاصل اولورکم حقا کوکی وقتزہ کوکی وازاقدہ نہر تن صویب اکرلرندن خاصہلی اکیری اولور «اکیر بیده کہ کیر» دیمشلر وقرق وقیہ کلیر الہ بالنی وسوہ بالنی چیقار بر آب حیات قویودر اندن ینہ مشرق جانبہ ۳ ساعتہ (نہر بیوک انجک) و (بیوک جنجک) دخی دیرلر بودخی بش طاودن کلوب نہر قوبانہ مخلوط اولور و بونہر انجک کناریلہ ۵ ساعت صارپاق یرلر ایچندہ کیدوب

اوصاف کرمان ارسلان بك

سنہ . . . تاریخندہ بو ارسلان بك نوغای اون ایکی بیک بہادر نوغاییلہ مصقو رعایاسیکن جنک ایدہ ایدہ ہشدک قومی ایچندن کچوب ونہر ادیلی ونہر جایی بوطلر [۳] وکیملر وطولملر ایلہ بری طرفہ کچوب ہیہات صحراسندہ قالمق عسکریلہ جنک آشوب ایدہ ایدہ قازان ولایتہ اندن الاطر ولایتہ کوب توطن ایدہ لم دیرکن قالمق عسکری بونلری قووہ قووہ ہیہات صحراسن آشروب ونہر عظیم قوبانی بری کچروب قبارتی بکلرینہ الامان دیو داخل دوشوب کلدکلرندہ محمد کرای خان خان عالیشان

[۱] پ: ۹۷۶ [۲] ک: جاندر [۳] ط: بوطلر [دیگر نسخہ لہ ہپ نقطہ سزدر]

دورننده ریباض مرمر طاتس صندوقه ایچنده امام حسنک مرکه باصلمش دست شریفلری دمر صندوقه ایچنده در دیرلر بومرمر صندوقه نك جانب اربعه سی کونا کون پوستلر وصفن دریلرله دوشه لیدر اما بو آستانه ده درویشان ذیشانلردن بر فرد آفریده کمسنه یوقدر اما (اوصاف جمعیت کبرای زیارت پنج حسن) بو جای فرح فزای و دلکشاده ماه تموز اولی جاق یلده بر کره بو آستانه اطرافنده کی صحرا ده اولان صنع خدا درخت عظیملرک سایه لرینه هند و سند و بلخ و بخارا و ختا و ختن و حین ماچین و ماصقو و اسفاج و بلغار و برکه و قزاق و قزاق [۱] و چه وله و نمسه و انکلتره و فامک [۲] و دانسقه و دانیمارقدن و الحاصل عرب و محمدن بو آستانه طرفه نیجه کره یوز بیک عدد مخلوق خدا تجار و زوارلری جمع اولوب چادرلر اوتاقلر و خیمه و خرگاهلری و الاچقلرن قورب بو سحرای لاله زار آدم دریایی اولوب قرق کون قرق کیجه پنج حسن بازاری دوروب او یله جمیع متاعلرن میدان محبته چیقاروب بیع و شرا اولور اصلا برکیمسه برکیمسه نك متاعنه کچ نظر ایدوب او غورلماق احتماللری یوقدر اما غیر ی زمان چرکس طائفه سی سورمه کوزدن چالار اول زمان بو آستانه پنج حسنک داغستاندن درویشانلری کلیرلر بر غریب تماشا گاه جمع وقتن اما بو بازار محلنده قبارتی بکلری و طاوستن بکلری عسکرلریله پر سلاح بولنوب بعدالبازارینه قبارتی شهرینه کلیرلر اولکه عظیمدر و لسان قدیمدر بزلر دخی زیارت پنج حسنندن قلقوب ۴ ساعت براوز [۳] ایچنده جانب شرقه کیدوب

بقاق دودورقایی [۴]

بودخی قبارتی کوییدر و غایت معموردر بو ولایتلرک سیاحتی غایت مشکدر بر مقرر مه و بر صوغان ایچون آدمی قتل ایدرلر زیرا متاع بولنماز یلده بر کره اطرافلرنده بازار اولور اما اچقه پول دخی یوقدر و حتی اوزدما اوغلی عثمان پاشا بو دیارده بدی سنه قیشلیوب عجم ایله شروان و شاخیده جنک اتدکده اچقه اولمادیغندن کوندن اچقه کسوب یورودوب کچندیلر بعده جمله عسکر در دولته کلوب کون اچهلری

[۱] ک : قزاق [۲] ک : فلمنک [۳] س ، ک : اووا [۴] ک : دودورقایی

مقام شریفیایدر کندیوری بو محل مبارک‌یه کلمه‌مش‌لردر واما زمان سعادت‌لرنده داغستان وقوموق وقیتاق [۱] قوملرن دینه دعوت اتمکه الحی ارسال ایلدکلرنده مبارک یدیمناسنک رسمی مرکبه بر کاغده باصوب یرلیغ بلیغ شاهی اولماق اوزره قوموق وقیتاق قوملرینه کوندروب آنلر دخی سمعاً وطاعة دیوب جمله اسلام ایله مشرف اولوب پنجه شریفک رسمی بو محله دمر صندوقه ایچره قیوب صندوقه برسنک خارا ایچنه قیوب بو محله دفن ایدوب اوزرینه برعظیم بنالر ایله آستانلر ایدوب مهمان سرایلر اتمشله بعده تیمورخان بونه اولسه کرک دیو جمیع آثار بنالری بیره برابر منهدم ایدر بعدینه داغستان پادشاهلری محبة قباب عالیلر بنا اتمشلردر بوزیارتکاه دبنده (نهر وارب) جریان ایدر بونه قبارتی دیارینک بس طاق [۲] یعنی بش داغ محلندن طلوع ایدوب جانب شماله آقوب نهر قوبانده غروب ایدر اما (پنج حسن) زیارتی غایت یقین (بسلبای قبایغی) قربنده بر عظیم زیارتکاهد بغدادده (شیخ علی) بودیارده (پنج حسن) اولودر کاهد رکم قبارتی حدودنده در بوولایتلرده بکاردن غیری حاکم وقاضی وپاپاسلری وکنیسه‌لری یوقدر زیرا بونلر کتابی دکلردر اما بو (پنج حسن) زیارتنه غایت معتقد اولدقلرندن بو آستانه کندیور حاکم وقاضی اتمش‌لردر قچن بر کشینک مالی اوغورلانسه هانظن غالبلری اولدوغی کشی بی پنج حسن زیارتنه کتوروب قپوسنه ال اوردرلر اکر اول آدم مجرم ایسه قپویه ال اورمغه خوف ایدوب لدوغی مالی اقرار ایدوب بر حال ایله صاحبنه ورر اکر مجرم دکل ایسه جرأت ایدوب قپویه ال اوروب خلاص اولور اکر مجرم ایسه خلقدن حجاب ایدوکندن حرأت ایدوب قپویه ال اورسه بامرالله تعالی قباب‌قاره یانوب مرد اولور نیجه بیگ کفره لر ومسلملر بو آستانه‌نک قپوسی اوکنده مدفوندرلر و بوال اوریلان آستانه قپوسنک تخته‌سی حضرت نوحک کمبسی تخته‌سیدر دیرلر (ستایش اشکال آستانه پنج حسن) بوزیارتکاه بنی آدم بردوز واسع صحرای چنزار لانه‌عذار اورناسنده نیجه بوزبیک عدد اوج سمایه منقلب اولمش درخت منهارلر ایچنده بر سر آمد قبه مهبط پرانوار

۱ [۱] ب : قیتاق [۲] س ، ک : پس طاق

پشکوو عظیم بسنی بای

بکی بونده ساکندر اسمی ... وجهه بش بیک عدد کزیده جنک آور آتلی ویاا عسکره مانکدرکم غایت تواتا ویرار و بهادران قوملدرر و بو پشکوک ایکی یانی طاشلی قیا مثال باغچه سرای کبی بر واسع قبالی دره ایچنه واقع اولوب بو دره نیک ایکی باشلرنده بیکر اولی معمور بشکودر شهر دنلسه سزادر و بو بسنی قومی تا ولایت چین و فغفور و ماصقو دیارندن سکون ایدوب کلن قالمق دردندن بویله صارب قبالی دره ایچنده وطن ایدینوب قالمشدردر حتی جمیع زمانلرده بو قومک جنک و جدالیری قالمق قومیله در خانه بونلر عظیم هدایالر و محبوب و محبوبه قزلر و اوغلانلر هدایالر وردیلر زیرا بونلر خان ایله اعلی ووالده لری طرفندن اقبالدرر بونده بش کون ذوق و صفالر ایدوب جمه اهل صنایعلرن سیر و تماشای ایدوب اندن جانب شرقه اوچ ساعت کیدوب ... [۱] بسنی حدودی بونده تمام اولوب ینه جانب شرقه ... ساعتده

درتسجیل ولایت عظیم قبارطای قوم قدیم

قبارتی و قبارطای دخی دیرلر زیرا بو قبارطای سرا کیسک بیوک اوغلی ایدی بغداد خاکنده قبائل طای عربانی بو قبارتیدن قالمش قبائل طایدن غلط قبارطای و قبارتی و قبارتا [۱] دیرلر اصلی ابتدا هلا کوخاندک سرا کیس عربنه و قبایل طای عربنه و یردیکی یورد بوجای و مقام دلکشادرکم ابتدا قوم جیرا کسه شفا که ولایتندن بعده بوخاک پاکدن نشوونما بولمشدردر بزلر دخی خان ایله بوخاکه قدم بصوب درت ساعت کیدوب (نهر کوکو) [۲] اندن (نهر که کنه) [۳] بو ایکی نهر بربرلرینه پک یقیندر ایکیسیده نهر قوبانه کیدر اندن ۲ ساعت کیدوب (زیارتگاه امام شهیدان صاحب صدر وهام عالی قدر و شیخ ملت و قطب دولت وزبده اولیا و عمده اصفیا و مقام نظرگاه کبریا یعنی زیارت حضرت پنچ حسن [۴] رضی الله عنه) ک [۱] اوچ سطر آبیق وار [۱] پ : قبارتا [۲] ک : نهر کوکر [۳] ک نهر کوکند [۴] ک : حضرت حسن

قصه خوندر کم کونا کون اشکالره کیروب مرده نك بانى اوجنده خلقی کلدرر غریب و عجیب سیردر بعده بونلرده اولولرن ینه داغلا ایچره اولو اغاجلرک دالارینه صندوقه لریله قورلر زیرا بیره کومسه لر اول کیجه المان آبولری قدر ویل کبی مفرت آبولر اولولرن چیقاروب یرلر انکیچون لاشه مردارلرن اغاجلره قورلار اما فقرالری جیفه مردارلرن بیره کوموب پشته پشته طوپراقلر یینوب دخی اوستلرینه عظیم اغاجلر وطاشلر وچالیدر یغوب بر قاق کون اولولرن توفسکلر ایله بکلیوب آبولردن قوردلردن خلاص ایدرلر بونلر خانه وافر رعایت ایتیدلر اما امداد ایتیدیلر زیرا عسکریلر دکلدر اندن قالقوب ۴ ساعت شرقه کیدوب (نهر پفسسه) قوم نوغای بونهره قره صو دیرلر اندن (نهر کاکه) آب حیسات صولدرر ایکیسیده آبازه داغلردن طلوع ایدوب نهر قوبانده غروب ایدر اندن ایکی ساعته (قباق مامشوخ) نهر کاکه کنارنده قلعه مثال اطراف صارب آذربایلی [۱] معمور کویدر اندن ۳ ساعته (نهر ویل) اندن ینه ایکی ساعته کیدوب ینه (نهر سرالی) اندن (نهر وارپ) بو اوچ عدد اهارلر آبازه ولایتک چقال [۲] داغندن کلوب مشرق طرفه جریان ایدره نهر عظیم قوبانه منصب اولور و بو محله دخی مامشوخ اولکسی تمام اولور اندن ینه جانب شرقه افلاکه سر چکمش اغاجلر ایچره الی ساعت کیدوب

در تنقیل بلاد بسنی ابن چراکیس عرب

چان که هلا کو خان چرکس عرب اسکی موصلدن بودیاره کیردکی محله [۳] سراکیس عرب [۴] بیوک اوغلی بسنی [۵] بونده قومی اوزره حاکم نصب ایدر اندن ینه شرقه کیدوب (قباق حاترقای) [۶] ماتقدم بسنی قومنک بشکوی بوایمش اندن قالقوب (نهر لایا) [۷] بوسوی و صارب داغلی کچوب (نهر بیوک لایا) [۸] یو ایکی نهر دخی نهر قوبانه کیدر اندن ۴ ساعت شرقه کیدوب

[۱] ک : ازبالی [۲] س ، ک ، ط : چقال [۳] ک : سوروب اجلا ایتدیکی محله

[متنه کوره (کتیردیکی محله) اولمیدر (م)] [۴] ک : عربک [۵] س ، ک : بسنی

[۶] پ : جاترقای [۷] پ ، ک : نهر لایا [۸] ک : بیوک لایا

در تفریر ولایت مامشوع [۱] ابن سرا کیس قریش

بو قبیلہ دخی مکہ و مدینہ دن کان سرا کسک [۲] اولاد لرندندر بونلردخی
 ابازہ داغلی دبنده غایہ الغایہ صارپ داغلو و خیابان اورمانلر ایچنده ساکن
 اولور اون بیکدن اقل باش سز و بوغسز آدملردر کم جنک آور عسکری دکل بر
 آلائی اهل حرف قوملردر انجاق هر فناقلرنده بر ایکشر حسیب و نسیب
 تقاقو آدملی واردر یعنی پاپاسلری وار حاکم لیدر اما ینه کتابی اولیوب بر
 مذهب دن دکلردر بونلر بر قوم ایله اصلا بیع و شرا اتمزلر و اختلاط ایدوب
 برقبیلہ دن قز آلوب ورمزلر و غبری عثیرت آدلریله اصلا طعام یمزلر و برطائفه
 بونلرک بر شیئرینه یا بشمزلر بونلرک دخی حیواناتلرینک بوغازلرنده چاکلری
 و جلاجللری اولوب حیواناتلری داغلرده چوباسمز کززلر بونلر دخی طاووق
 و خنزیر یمزلر و بر کسه نک ماللری و رزقلرن آلوب طعامن یمزلر اما مسافره
 غایہ الغایہ رعایت ایدوب بر شیئن اوغورلامازلر و قان ایدوب سفر اتمزلر و بل
 و پنز یمزلر و باقله و نخود و پاصطه طعاملری وار ایکن بچاق ایله بوغازلنش حیوانات
 یمزلر مکر غیری طعاملری اولیه اول زمان سمز حیوانلرن بوغازلیوب یرلر
 قیونلری و قوزولری و صفرلری چوقدر اما خنزیرلری یوقدر بال صوی ایچوب
 بوزه ایچمزلر و بونلرک قچان براوغوللری و قزلری وجوده کسه جمله سی قزانلرندن
 بر یره کلوب اول کون اول کیجه آغلاشرلر و بر آدملی اولسه ینه جمله بر یره
 جمع اولوب مرده نک اطرافنده بر یمه و ایچمه و کولوب اوینامه ایدوب (و ارادا
 و ارادا و ارادا) تور کیرن ارالارلر و بر غرایب قصه خوانلری واردر پاک سلاحن
 قوشانوب ینه اون اون بش قدر انجه جک چار گوشه تخته جقلر بر برلرینه باغلی شیلری
 النده دوتوب اولان آدمک مهابت صلابت شجاعتنی و کار و کسبن مدح اندکجه
 النده کی تخته جکلری سوز باشلرنده جاه شغردادوب [۳] و شاقردادوب تخته جکلری
 اوتدورر البته هر سوز باشنده اول انجه تخته لری چیقیر چیقیر اوتدورر بر تماش

[۱] ک : مامشوع [۲] ک : سرا کسک [۳] س : چاشقردادوب. ک : چاشقردادوب

ایدوب آہستہ آہستہ قلری آرتلیوب ینہ بال یرکن طعام اوستنہ طمانلی علی جان بک کلوب « نہ یرسن اولیا افندی » دیدکده « بیورک سزده » دیو علی جانی طعامہ تکلیف ایدوب « برقللی بالدر اماغیا کچی طلومندن میدر یوخسه قیون طلومندن میدر » دیدیکده همان علی جان او صاحبمزه چرکزجه « بو بال زه دندر » دیدکده همان چرکز آغلامغه باشلادی و « بنم باباسی مزارندن چیقاردم » دیدیکن حقیر آکلادم اما مزایای کلامه برخوش نائل اوله مادام همان علی جان ایدر کچن آیلرده باباسی اولمش اشته طشره حولیسنده کی بیوک اغاجک دالنه باباسنک لشن صندوق ایله قومش بال آریلری باباسنک سیکی و طشاعی و بودی اره سنده آریلر بال یامش شمدی سیزه محبة باباسی طشاعی قلرلیله بالی کترمش قلری چیقاروب بالن یرسز آری بوقی یه جکیکزه قاری بوقی بیک دیوب علی جان طشره چیقنجه همان حقیر قوصه قوصه جیکرم طشره چیقایازوب طشره چیقدم بیرمدد کافرکدی بیزه نه رنک ایتدی دیوب سوکرکن آنی کوردم او صاحبمز چرکزدخی طشره چیقوب باباسنک اولدوغی اغاجه چیقوب اغلیراق باباسی صندوقنک قپاغنی ینہ برک ایدرکن کندی دخی بر خیلی بال بوقی بیوب اغاجدن آشنی انوب ایدر « حاجی حاجان بال استر بن سنی باباسی جانی بال چوق کتر » دیر « همان دعا ایله » دیر بر غریب و عجیب دردسریز اتدی بعده بو پیشکوده جمله چرکس خانک ایاغنه دوشوب لطف ایله رجا ایدوب حاجی کرای سلطانی بو قبیلہ آلیقودیلر اما حاجی کرای حاجی دکلدلر اما حاجیلر بیرامنده وجوده کلک ایله اسمنه حاجی کرای دیرلر قرم کرای سلطانک اوغیلدر اما بر وجود مکرمدر آغلیراق اولدخی بو دار و دیاده قالدی بونلر دخی خانه ضیافت عظیم ایدوب و پیشکشلر ایله بیک عدد کزیده توفنکلی امداد وروب اندن جانب شرقه ۶ ساعتده (قباق یارقوی) بودخی بولتقای عشیرتی کویدرکم اوچیوز سازلی اولردر بو قباق نهر لاب کنارنده در (نهرلاب) بوزودوق داغلرندن کلر بر کوچوک صور نهر قوبانه قائلادن (نهر سحاوقوشه) صوینه مخلوط اولوب ایکسی بر اولوب نهر قوبانه کرر اندن ینہ طرف شرقه... ساعتده

بونلرک اره لرنده بر کوچوک داغ واردر آندن بو اولکده [۱] ايکي ساعتده
(قپاق پدش [۲]) يوز اولی قباقدر آندن سمت قبله يه ۳ ساعت کيدوب

منزل پشکو و بوزدوق [۳]

بوزدوق [۴] بکي عظمت کړی بونده ساکن اولور جمله اوچ بيک عسکره
مالکدر صارپ ابازه نك داغلی ایچنده اولماق ایله قپلان ووشاق و بیان کديسی
وزردوه و اوتلکی [۵] و فيل قدر صغنلری و قرمه جه و طابله لی و یاغ مورجه
نام مخلوقلری غایت چوقدر و بو قوم غیری چرکس کبی اولولرینی ییره کوموب
طویرانی یغین یغین اتمز لر ایری مشه و پلید اغاجلرینی صندوق کبی ایچلرینی اویوب
اولولرینی قویوب آغزنی محکم برک ایدوب صندوق باشی و ایانی اوجنه بر
دلک دلوب اولو اغاجلرک داللی اره سنده بو صندوق اغاچه صاروب صارمليوب
محکم قورلر بعده اول دلکاردن بال آریلری کیروب بال بیارلر بلورلرکم اولولری
جنتلکدر اگر آریلر بال بایمزه وای اولومز جهنملکدر دیو اغلاشیرلر و غایت متالم
اولوب اول اولونک روحي چون بش اون خنزیر بوغازلیوب قناقلره اولشديرلر وزعم
باطل لر نجه مرده لری باشی اوجنده کی دلکدن جنتی تماشا ایدو و ایانی اوجنده کی دلکدن
جهنمی سیر ایدوب عذابی آنکله دفع اوله (حکایت سرگذشت لطیفه و عجیبه) خدایه
عیاندرکم بویله اولشدر برکون بودیارده بر قناقده مهمان اولوب قناق بانمز اولان
چرکس آدمک ایدوب فی الحال طشره جيقوب سهل اکلنوب کلدی و میدان محبته
صفر [۶] دريسندن صفره کتروپ بر اغاج تکنه لطیف رواق کبی بال و بر تکنه
پینر و بر تکنه پاصطه کتروپ « آشاک قوناقلر حلال بولسون بنم باباسی جانی
صاوه سن ، یعنی بالی یه یک حلال اولسون بابام جانسه دکن دیدی بزدخی مان اوغلی
چيسندن چقمش کبی دفع جوع اتمک باله اویله کرشدکم اللریمک واروب کله سنه
کوز ارمن اما پک عجایب قللری چوق بال قللرینی آغزیمزدن حيقاروب صفره يه
قللری قودقجه چرکز ایدر « آشاک بو بنم باباسی بالدر ، بزدخی سهل دفع جوع

[۱] ك : اولکده [۲] پ : پدش [۳] ك : بوزدوق [۴] پ : بوزدوق

[۵] ك : وتلکی [۶] ك : صغن

باش دیرلر اما بر اسیر اوغلانله و قزلره یرز باش و یوز ایکیوز بولمه حساب ایدوب بیع و شرالزنده آلتون غروش اچقه اولمادن بر عجب بازار ایدرلر غایت اوجوز و غنیمت یردر اوچ کون بونده عظیم ذوق و صفالر ایدوب خانه وافر هدایالر وروب ضیافتلر ایدیلر اما اتمکری ینه بصطه در [۱] یعنی داری لپاسیدر و ینه قیونلی و قزولری باشیله پاچه لریله بشرلر مشروباتلری بال صوبی و مقسمه نام بوزا ولودورمه [۲] کسکن بوزا ایچرلر و آت اتیده یرلر چونغی مسلمانز دیو نماز قیلار شکلی اولوب سمنز دوموز یرلر الحاصل جمله قوم چرکز احواللری بویله در اما بو قومک کوزللی ادیم ارضده مشهور آفاقدر حتی محبوبه قزلری دیزیکه اوطوروب سنی بیلوب [۳] التفات ایدرلر اما او یله بر فعل شنیع اوله باز (در تسطیر قبائل نوغای دوی الی) بو قوم دخی مصقو دیارندن فرار ایدوب نهر ادیلی اوتوب بری یقه ده هیات صحرا سنده قالمق تاناری دردندن دوره میوب نهر فوایی بری چرکز طرفه اوتوب حالا بو بولاتقای و ادمی داغلی ایچنده ساکن اولور سکز بیک عدد شافعی المذهب مؤمن موحد صداقلی و صواتلی زور بطر شجیع قوم نوغایدر بونلر دخی خانه کلوب یورغه آتلر و یخنی اسیرلر هدایا وردیلر اندن بولاتقای اوغللری خانه بیک عدد پر سلاح تفنگ انداز امداد وروب و بکلری بیله اطلنوب قبله جانبنه صارپ داغلی ایچره ۶ ساعت کیدوب نیجه آب حیات صولر ایچوب و نیجه اسمی نا معلوم دره لر کچوب

در ترقیم ولایت بوزودوقه یعنی ابن عم سرا کیس مامه لوقه

بو قوم دخی سرکش [۴] قریشی اودلارندن اولوب ارناوودستانه کیدن جبل الهمه نك قرداشی سرکش [۵] اوغللرندن درکم ابتدا بو ولایت چرکزه [۶] قدم بصن بو قوم بوزودوق و قوم مامه لوقدر اما بو بوزدوق ولایتی ابازه قومی ایله غایت مشاعرلر دائما بیع و شرالری آرت و جنبه آبازه لریله در همان آبازه ایله

[۱] پ : مصطبه در [۲] ك : کوندورمه [۳] ك : بتلیوب [نون ایله بتلیوب] اولسه ده مناسب اولور (م) [۴] ك : سراکبس [۵] ك : سراکبس [۶] ك : چرکزستانه

ارتسی کون جمله بو بولاتقای قومی پرسلاح ایلوب [۱] خان اوزره غلوشکنده [۲] کلوب برصقغان قوشی شطاسی ایدوب کویا علی طریق الرجامحمد کرای خانک اوچنجه اوغلی جانبه کرای سلطانی خانک الندن چاغرده چاغرده آلوب بز سله برزیزده دورسن [۳] افندیمزدر بلکه مرور ایام ایله خان اولوب یزه ایلیکی دو قونه دیو شهزاده جوان بختی آلوب داغله کتوردیلر نه چاره خان دخی تاج و تخت ورخت و بخت و آهنگدن [۴] آیرلدیغه ماتم ایدرکن بر اوغلی ده کیدوب خان آغلیراق قالدی اما چرا کسه قومی شهزاده آزاده آلدقنندن دنیا قدر حظ ایدوب بریایلم قورشوم توفک آتوب شادمانلر ایدوب (ترکیلرندن)

واراده واراده واش [۵] واراده تنه تیه آتاخری واش [۶] واراده

ترکیلر ارلایراق تعظیم و تکریم ایله سلطانتک یوننه یوز یکریمی قیون قوربان ایدوب سلطانی کتوردیلر زیرا آدمی قومنده چوبان کرای اوعللری وار بزده ده محمد کرای خان اوغلی اولسون نامیله سلطانی طب ایدوب آلدیرکم دوستلغه باعث اولوب بلکه کیدرک خان اوله بزه نفعی طوقته امنیه سیله شهزاده آلدیلر و بونده سلیم کرای سلطان خاندن اذن آلوب در دولت طرفته عودت ایدوب سعادتلو پادشاه کندی و جمله شیرین بکارینک باقی قلنلری شرمه مت طابورنده آنان مصقو وزیرلر و قبودانلر خان الندن زورا زور آلوب قریمه دونوب کتدیلر خان فقیر دخی بونلره ال قالدروب «الهی سن پادشاه پروردکاردن دیلر مکه یقین زمانده بنم کبی خانه بردوش اولوب» [۷] دیو بدعالم آتدیلر حقیرینه وافر تسلیء خاطر ویردم اما بوکره خان بوز آدمله قالدی و بو چرکزده دخی اچمه پول بوقدر جمله متاعلر دکش دو قوش ایله کچنرلر و بر کونه ماینلرنده بوله نامیله بر حساب وارد قرق اچمه دکر بر شیئه بر بوله دیرلر و بر غروشلق شیئه اوچ بوله دیرلر بو حسابی ایدرلر و بر آته و بر صغیره و غیری حیوانلره بر باش ایکی

[۱] ك : اولوب [۲] ك : شکانه [۳] س ، ك : بزسلر بزده دورسون [۴] س : واهلندن . ك : واهل و عیالندن [۵] ك : واس [۶] ك : واس [۷] (اولوب) یرنده (اولنر) اولسه دما خوش اولور (م)

خاك باكنه داخل اولوب بش ساعت يلدز جانبنه داغلا وملهون يللرك وپوللرك قشلمن چكرك (نهر ماتی) اندن (نهر پچاز [۱]) بوايكي نهرلر ابازهنك حبش [۲] داغلرندن كلوب نهر قوبانه كيدر بونلری آتلا ايله عبور ايدوب بر ويران قناده خانه راست كلوب تقاقو بكنك ویردیکی زردوا وكدی دریلرن خانه هدایا ویردم اول کیجه اول خراب قناده عظیم قارلر یغوب نیجه آتلا و آدملا دیپی و بوراندن هلاک اولدیلا اندن سحری قالقوب ینه سمت یلدز روزکارینه ۷ ساعت کیدوب (نهر پشش) اندن برآت منزلی بعید (نهر سحاقوش [۳]) بوايكي نهرین عظیم طغیان اوزره جریان ایدر ابازهدن كلوب نهر قوبانه قیولورلر و بو نهرک بری کنسارنده (بارزق [۴] بك قباغی [۵]) کامل یوزعدینه سازاورتولی چیدن اولدر بو قناده قالمیوب سحاقوشا [۶] نهرن یوز بیک رنج وغانلره قرشو کچوب بیک آدیم قدر کیدوب

دزتکتیب پشگوو بولتقای [۷]

سحاقوشا نهری کنارنده اوچیوز اولی قلعه مثال اطرافی آزابارلی [۸] پشکودر یعنی بك تختیدر بولایت صاحبنه بوله بوق [۹] اوغوللری دیرلریدی قرنداشلردر اك اولکننك آدی لسان چركزده سحه دو قدر [۱۰] آندن کوچوك ال بوزدندر اندن ال مرزه در اندن بازروقدر اندن باقوقدر [۱۱] و بو چركز ولایتلرینك حاللری اولدرکم اوغلی دوغسه مسافرینك اسمنی اوغلنه قور مسافری مسلم وكفره اولسون و بومذکوریدی عدد قرنداشلا یوزپاره معمور قباغه قادر بیک [۱۲] پرسلاح کزیده عسکره مالکدر و جمله قوم چراکسه دن بونر شجیع و بهادرلدر و خصملری غایت چوقدر اماینه جلیسه غالبلدر زیرا یرلری صارپدر و بونده حالا ال مرزه نك اونده مهمسان اولوب جمله منزی قزان قزان قوناق وردیلر اما

[۱] : پچاز [۲] ك : حبش [۳] ك : سحاقوشه [۴] س : بازروق بك . ط : بازروق بك . ك : بازروق بك [۵] پ : بازدوق بکی قباغی [۶] ك : سحاقوشه [۷] ك : بولتقای . س : بولتقای [۸] پ : آزابارلی [۹] ك : بوله بوق [۱۰] س : نسخه سده بوشكده فقط نقطه سزدر (م) [۱۱] ك : سجه دو قدر [۱۲] پ . س . ك : باقوقدر . ط : باقوقدر [۱۲] ك : اون بیک

در تحریر ولایت تقاقو ابن سرا کیس عربان قریش

بو قوم دخی مکدن فرار ایدن سرا کیس عربک [۱] ذریتندندر بونلر جمیع زمانده عسکری قومی دکلدرر اما جمله سکزیبک قدر قومدرلر بونلرده چوقلق آلت سلاح یوقدر مکر داغلرنده صید وشکار ایچون سلاح صقلیلر زیرا بونلری نه آبازا ونه چرکز ونه نوغای تاتاری اصلا انجتمزلر انکیچون بونلر دخی کسهیه انجتمزلر [۲] وبوقومک جمیع حیواناتلری داغلرده کیجه کوندوز یاتوب قالقوب چوبانسز کزوب قیون وقزولرینی قوردلر یمزلر و حرامیلر بو حیوانلرینه وضع ید اتمزلر و هر حیوانلرینک بوغازلرنده بر چنقراقلری واردر بونلر دخی عینی چرکس کبی اثواب کیوب سیاه عرقیه لی و باشلرینک ایکی یانلری صاچلی قومدرلر اما صقاللری سائر چرکس کبی طراش دکلدر جمله صقالیلدر حقه سجده ایدرلر اما حشر ونشر و میزان و ترازو یمزلر و اصلا بو قوم تقاقوده دوموز و طاووق یوقدر خنزیر و طاووق نجاست یرلر دیو بونلر اصلا طاووق خنزیر یمزلر و حرامشی کیمزلر و شراب و بوزه ایچمزلر انجق و قسمه بوزه و مال صوبی ایچرلر بو قومک سائر چرکزله مغایر مذهبلی اولدوغندن چرکس قومی بو تقاقوی عشرینه چفود قومیدر دیرلر انکیچون بونلرک ماللرینه و رزقلرینه بو قوم چرکس یا پشمازلر و کوبلرن اوروب اسیر اتمزلر اولقندر حیوانات و اولادلری چوقدر کم ماللری داغلری و طاشلری دوتمشدر حتی داغلرینک جنوب طرفی اردی جمله آبازانک صدشه قومی ولایتیدر و بونلر جمله اهل صنایع قوملدر درزیلری نازک صیقمه صیق نکنده لی و یقالی خلعتلر دیکر لکم انسانک وجودینه مناسب دیکر استاد کامل درزیلری و دمرجیلری وار بکلرینک اسمی ... ندر حقیقه اللی چفت زردوا دریمی واللی چفت بیان کدیسی و یردی اندن قالقوب جانب شاله اورمانلر ایچره برکون کیدوب در تمدیح ولایت عظیمه عشرت بولاتقانی [۳] ابن سرا کیس عرب قریشی بو قوم دخی مکه و مدینه دن فرار ایدن سرکش [۴] عربک نسیلرندندر بونلرک

[۱] ک : عربینک [۲] ک : کیمسه بی انجتمزلر [۳] ک : بولاتقانی . س : بولاتقانی

[۴] ک : سرکس

التون وكومش صخونلر واركم هر برقزغان وطنجره لرك ايجلرينه اوزر جاموس صيفار
وساى سيم وزر تبسى وصخون وكباب شيشلرى وپشكنلر [۱] والتون اسكمله لرك
حسانن خدا بيلر بو غريب وعجيب تماشالرى ايدركن بربرليزمه نظر ايدوب
برسمته [۲] دست درازلق ايتك ديو تنبيه ايدرك ينه رفيقلرمزله بر ساعتدن صكره
سلامتله ينه اول طوج آدمك او كندن يوز بيك تموذ ايله بي عقل وييجان طشره
چيقوب راحت بولدى اما ينه جمله مزك يوركلىرى و دزلىرى بر كزان كى دتره يوب
اكر آتدن برالتون وياخود بر جواهر آلساق ايدى طرفه العين ايجره مزبور صو
دريا اولوب طوج آدمك كورزى ضربندن آدم هلاك اولوب هر يسه اولمازم مقرر ايدى
واون كورزى بين آدم اينه كول قورباغى كى يام يصى اولور اما بزلر كى تماشا
ايدوب بر شى آلمازسن [۳] سلامتله طشره چيقار غريب وعجيب مطلسمات
تماشا كاهدر و غايت مشهور آفاقدر بو قوم ادمى يه آدمى دنمه سنك وجه تسميه سى
بو طوج آدم سبه ييله آدمى عشيرتى ديرلر بو قومك زعملرنجه اسكندر ذوالقرنين
سداى جوجى [۴] جميع معادنلردن ياپوب بو محله كلد كده بو طلسماتى بو مغاراده ايدوب
جميع خزينه وكران بهاتخف سيم اوانى و جواهرلرني بونده خزن ودخمه ايدوب
قره دكز بوغازن كسوب قره دكيزى آق دكيزه مخلوط اتمكه كتمشدر ديو نقل اتديلر
وتحقيقدر اما بومذ كور مغارانك قپوسى او كنده جريان ايدن قزلىر الغان صوينك
يمين ويسارنده اولقدر مدفون اولمش دخمه كشا اولام دين هدى ومغربى واوزبكي
ورومى مقابرلى واركم حدى حصرى يوقدر و بو چركزستانده بونك امثالى نيجه
بيك كونه عجايبات وغرايبات مطلسمات ودخملر واركم حد وحصرى يوقدر لكن
چرا كسه قومى كى ايله آدمك ايجنده واقع اولمشدر نه صنعت ايدوكن و داغلرنده
اولان معادنلر نه ايدوكن اصلا بزلر برالاي باغى و داغى بهاييم مقوله سى اوغوز
آدملردر و بونده قوم ادمى خانه بيك قدر توفنكلى عسكرامداد يوروب خان جانب
شرقه كتدى بو حقير جانب جنوبه داغلى ايجره ۵ ساعت كيدوب

[۱] ك : پشكونلر [۲] ك : برشيه . ط : برسمه [دوغروسى (برشمه) اولميدر (م)]

[۳] ك : آلميان [۴] ك : سداى جوجى و مأجوجى

ایدوب صحت ایله کرویه چیقام درسکزر ایچرده بغلی اولان مال جواهردن برشی
 آمازسکز همان تماشا ایدوب سلامت چیقارسز والا ذره قدر برشی آرسه کز قپولر
 قپانوب قزقر الغان صوینی طشوب صورنه ایله [۱] دوران طوج آدم سزی اوره اوره
 خورد و خیرخشخاش ایدر دیدکده طقوزکشی یمین بالله اندیک کم بردانه خردل آلیوب
 وبرصعت ایله برشی المایاق [۲] دیو یمین ایدوب یتمش بیک تعوذ ایله طشره قپودن
 ایچره جرأت ایدوب یا حفیظ اسمیله کیروب مذکور دیو صفت طوجدن آدمک
 اوکندن کچرکن کوزلری ساعت رقاصی کبی اوینایوب اومزنده کی کورزی کتور
 کتور حرکتیه باشلادی آدمی چرکس رفیقلمز شمدی قورقاک ضرر یوقدر
 اما طشره چیقارکن التکزده [۳] واوزریکزده برشی بولنورایسه اول زمان قورقک
 دیو جمله مزه نسلیء خاطر ویردیله اندن ایچری سلامته قزقر الغان صوینی کناریله
 کورلیوب آقارکن کچوب دخی ایچری ایکنجی مغاره قپوسنه واروب بسمله تلاوت
 ایدرک ایچری کروب کوردک برخیلی واسع میداندرکم تعبیر اولنماز هر گوشه ده
 بغلی اولان جواهرلرک ششمه سندن مغارانک ایچی اولقدر منوردرکم کویا یوزبیک
 یرده شب چراغ طاشلری یانار الحاصل الله رب العالمین برده و مجرد و اوج سمانه
 هر نقدر ذی روح مخلوق خلق ایتدی ایسه بو مغارای واسع ایچنده هر مخلوقک
 جته لری [۴] بونده آتونندن و کومشدن و بقردن و الحاصل اون ایچی کونه معادنلر دن
 بنا اولتمش ذی روح قسملرینک انواعلرندن بوغار ایچره مالا مال دوررلر و بری بری
 اوزره هر مخلوق نمثالازی قات اندرقات ایاق اوزره دوررلر و هر صورتک ایاقلری
 آتله رنده لعل و یاقوت و الماس و زمرد و زبرجد و سیلان و پیروزه و عین الحر و عین الهمر
 و عین السمک و کهربار و کریبیچ کریبیچ آتونلر و کومشدر پایمال یطرلر و مغاره نک
 صاغ طرفنده اتونندن و کومشدن قزغانلر و طنجرلر و بلا حدولا غایت مرصع
 [۱] س . ک : طپوز ایله [۲] ک : آلمایوز (آلمایاق) کله سیده یا کلبش اولیوب
 اناطولی لهجه سیدر . اولیاچلی استانبولده دوغمش اولمغله ظن ایدرکم که (آلمایز) بونده (آلمایاق)
 دیم . اگر دیمش ایسه اناطولی لهجه سنی تقلید ایتمش اولور و یا خود ممکن که کتابک خطاطی
 اناطولیلی اولمغله کندی دبلنه کوره یازمشدر (م) [۳] ک : الیکزده [۴] ک : جته لرله .
 س : جته لرله [خطاط افندی (جته) کله سنی کندی کیفته کوره سین ایله یازمشدر (م)]

می جان نام برقرملی یاران ایتدیکم بر کره بوحله کلدی کمزده بر باران عظیمه راست
 کلوب یتمش یدی عدد آتلی بو اناج ایچنه کیروب یغموردن خلاص اولدق دیدی
 حقا بر بیوک میدان کم قبه قبه خلق اولنمش بر درخت عبرت نمای عظیمدر کرچه
 آق دکر ایچنده استانکوی جزیره سنک قلعه سی قپوسی اوکنده کی میدانده کی چنار
 اغاجی و جزیره موره ده باللی بادرا قلعه سی بانچله ری ایچنده کی سروی اغاجی و بوسنه
 ایالتنده راویا [۱] داغی ایچنده کی کورکن اغاجی و نیجه بیگ کونه درخت عظیملر
 سیر و تماشای ایتدم اما بو ذکر اولنان درخت عظیملر بوادی ولایتنده خلق اولنان
 شجره طیه نك بر نهالی اوله مازلر غریب و عجیب صنع خدا تماشاکاه درخت
 عظیمدر الله اعلم روی زمینده بو قد و قامتده و بوجه ده بویله بر درخت عظیم اولیه
 هله حقیر اوطوز ییلدر کم جهان باتم بویله بر درخت کبیری گورمدم (در بیان سبب
 تسمیه قوم ادمی و درکار کهنه عجایبات مطلبات قدیمی) بو قوم چرا کسه ای ادمی
 دنه سنک اصلی اولدر کم مذکور و موصوف اولان درخت عظیمک قبله سی قارشو -
 سنده کی قیالرك دامنده مذکور قزلر کتکن و قزلر آغان نام صویک باشنده بر مغارای
 عظیم وار قزلر آغان صوی بو غاریتبادن طشره چیقار بو مغارانک ایچ یوزنده
 طو جدن بر آدم صورتی وار قدی ایکی قدیرم [۲] بی آدم قدی قدر واردر
 و آنک صاغ النده قبه قدر بر طو جدن کورز کرانی وار دائما کورزی اول طوج
 آدم صاللیوب کاهیجه او موزینه قور اما کینه کورز او مزنده حرکت آمده در
 هر کم اول غاره کر مک مراد ایدنسه اول کهدن چیقان قزلر الغان صویک کنار یله
 یوریبوب اول طوج آدمک او کندن کچوب مغارایه کر مک استین کشتی طوج
 آدمک ایچ یوزنده بر قپو دخی وار جمله بو قپودن ایجری کیرنجه ایکنجه قپودن
 ایجری یغتلر [۳] دحه اثراسیاب مال قارونلر جمله نمایاندر [*] اما بو عبد حقیر
 ایتدم عجیبا دخی ایلری کیدوب سیر آتمک ممکنمیدر دیدکده رفیقلمز اولان ادمی
 چر کسلی اندی بز چوق کوردک [۴] اگر سزده کوروب [۵] سیر و تماشای

[۱] ك: رواپا [۲] ك، ط: بزم [۳] ك: یغیلن [۴] پ نسخه سنده یدی سطر آچیق وار
 [۴] ك: کیردك [۵] ك: کیروب

ميخلنه جاق یر قالمیوب دوهر اوزره آدملر ایاق اوزره قالقوب برمسهار قدانه جاق [۱]
 یر آرارلر آخرکار کندرله و اغاج زردبان ایله اغاجه طرمنوب اکسرلر و قیریق
 سلاح باره لری میخلرلر حتی بو حقیر ادمی قومی و اختیار نوغای قوملرندن بو اغاجک
 اصل و فرغندن سؤال ایتدم او یله جواب اندیلرکم چان اسکندر ذوالقرنین سد
 یا جوج یاپوب بو محله کلوب مکث اندکده جنت مأودن بو اغاجی جبریل امین
 اسکندر کتوروب یا اسکندر الله سکا سلام ایلدی بو اغاجی سکا هدایا کوندر دیکم
 طوبا اغاجک بر نهالدر بو محله دیکوب روز قیامته وارنجه دوروب سن ده وسندن
 صکره کلنلرده بو شجره طیبه آلتنده عبادت اتسنلر دیو جبریل امین بو اغاجی
 جتندن الله امریله اشکره [۲] کترمشدر اسکندر پیغمبر دخی بری قازوب آندن
 حضرت خضر بو اغاجی دیکمشدر اشته انکی چون بو اغاج آلتنده بال موملری
 یاقوب عبادت ایدهرز دیو جواب ویردیلر حقیر ایتدم یا الله بو اغاجه طابک دیدیمی
 آنی بلرز اما جدلریمزدن بویله جه کوردک بویله جه ایدهرز دیدیلر یعنی دنمز جدیدمز
 دینی در دینلردن بی دین بر الای قوملر در (عبرتمای مبالغه عظیمه) حقا که
 بو درخت نیجه بیک ییل معمر اولسنه علامتی اولدرکم نیجه کره یوز بیک دانتری
 شجر طوبا کی باش اشفی تمشدر بو قدر بیک ییلدن رو ایچی قوروبوب می یا خود
 او یله خلق اولدی می الحاصل ایچی بوش اولوب بر خیلی واسع میداندر نیجه
 گوشه لرنده پوستلر دوشه لیدر حتی قبله جانبنده بودرختک یره برابر سنده [۳]
 بر قولاج اینده و ایکی قولاج یوکسکلکده بر قیوسی وار اما قیو یرنده چور و کلک
 علامتی بوق امعان نظرایله تقید ایدوب کوردم حتی آینده ورونده لرنک نیجه اهره منلری
 بو اغاجک قیوسی اطرافنی بالطه ایله کسمه سنلر دیو بر صاحب الخیرات قیونک اطرافنه
 قالن دمر قاپلامش اما قیونک قناتلری یوقدر همان شوبله جه کشاده دورور
 حتی نوغای تاتارلری و داغستان مسلملری بو اغاج ایچنه بر قبله بناسی محراب [۴]
 اتمشدر اغاج ایچنده یوز یوز اللی قدر امت محمد صیغوب عبادت ایدرلر حتی

[۱] ك : قاقه جق [۲] ك : اسکندر [۳] س ، ك ، ط : برابر سینهنده

[۴] ك : بر قبله نما محراب

قیون آولاغیلانر حتی بو حقیر علم الیقین وحق الیقین وعین الیقین حاصل آتمکیچون
 بو شجره بالانك بردالی کولککسنی وقت ظهرده آدیلمدم اوچ بیك قرق بش آدیم
 بیره بودرختك سایهسی چمنزار لاله زار بیره دوشمنش ایدی هر طرفنده کی دالترینك
 ظل حمایه لری همچنان دخی زیاده یره دوشمشدی ودخی بامرالله تعالی بودرخت
 عظیم اوبله براشکال غریبهده خلق اولنشدرکه کویا هر نهال صنع خداسی برر کونه
 روحه مالک نور برق اورر اغاجدر امعان نظر ایدن بودرختی ذی روح ظن ایدر
 بودرخت عظیمك ظنده صاحب الخیراتلر نیجه بیك کونه صفه لر وقاعه لر وچمنزار
 نشیمنلر ومقصوره لر ومطبخلر وعیون جاریه لر کنارلرنده کونا کون صفه لر ووصوه لر
 آتمشلرکم واجب السیردر زیرا هر سنه ماه تموزده کراز موسمی محلنده بودرخت
 بالانك آلتنده بش آتی کره یوز بیك بنی آدمك ملل کونا کون السنه مختلفه لرندن
 آدملر جمع اولوب بودمی چرکس قبیلهسی ایله کرما کریم قرق کون قرق کیجه
 بیع وشرا وبازارلق اولورکم بودرختك سایهسی آدم دریایی اولور خلاصه کلام
 هندوسند وچین وماجین وختا وختن وفغفور وماصقو والحاصل اقالیم سبعة تجارلری
 کلوب بو محله جمیع ذی قیمت متاعلرن فروخت ایدوب شجر پرست اولانلر حاشاتم حاشا
 بودرختك رنگ روی منورن کوروب معبود اتخا ایدوب بو اغاجه پرستش اندر بر
 الای اغاج ایمانی کفره لر جمع اولورلر (تماشای عبرت عظیم) هر سنه بودرختك
 آلتنه کلوب بیع وشرا ایدوب کیدنلر البته بو اغاجك اطرافنه نیجه کره یوز بیك
 بال موملری ویل موملری یاقوب هر کیجه چراغان ایدوب آیین باطللری اوزره
 اغاجه ظانلر ودخی البته هرکس کیده جکی محله بو اغاجك سینده پرکینه سنه ییحد
 ویحساب اولقدر آلت حربه متعلق دمر پاره لری واکسر ونعل ومیسخ والحاصل
 جهانده قدر بیك کونه دمر پاره لری وارایسه بو اغاجده میخیلدرکم نیجه بیك ییلدن برو
 بو اغاجك جثهسی دمردن پولادنجوانی یه دونوب حدید کونا کونه مستغرق اولمشدر
 اول زعم باطله لری اوزره بو اغاجه دمرلری قاقارلرکه هرکیمك بو اغاجده بر علامتی
 اولورسه اغاج بو آدمی اونو تمیوب جهنم عذابنه قومیه یاخود شفاعت ایدوب قورتاره
 حتی بودرختك اطرافندن بر آدم بوی بریده بر ایکنه بر جوالدز حدیدی

جمله اوچ بیک کزیده عسکره مالکدر اما اولقدر شجیع و بهادر و نامدار قوم
 دکلدر لکن ماللری یعنی حیواناتلری غایت چوقدر و جمله سی حسیدالنسیب
 قوم قریش عربندن چرا کيسر اولدلرندندر و بو قومی آبازه و چرکس قوملری
 اصلا انجته یوب رعایت ایدرلر اما تاتار قومی فرصت بولورسه انجیدر و جمله
 حیواناتلرینک بوغازلرنده دمردن و طوجدن چنراقلری واردر و بولشکوک جمیع
 خلقی اهل صنایعلدردر و دخی هنوز خان اولان چوبان کرای اوغوللرندن عظمت
 کرای سلطان و ... سلطان بونده امانتدرلر حتی بزم خانی معزول کوروب جهان
 جهان حظ ایتدیلر اما بوادمی قومی جمله اغاجه طبرلر ... (درتریف درخت
 منتهای عبرتمای عظیم) بو قومک پرستش ایلدکلری شجر سر آمد قدکشان آدمی
 پشکویینک جنوبیسنده برخیلی مسافه بعیده یرده برواسع چمنزار وادیده اوچ آسمانه
 قد چکمش برکونه قواق مثال برکلری و اراما قواق اغاجی دکلدر یاپراقلری صاریدر
 و مشک و عنبر و زعفران کبی قوقار مدوردن طولانیجه یاپراقدر چنان بر آدم النده
 بو یپراقدن اوولسه نندن رایحه طیبه سی برهفته کتمز حتی بعض صاحب صنعت
 چرکسار بو برکلردن اسبابلری ایچنه قویوب ثیابلری زعفران کبی قوقار حتی
 بو یپراقلردن دیار دیار هدایا کتوررلر یوز ییل دورسه رنگ و بویی متغیر اولوب
 رایحه طیبه سی دخی زیاده اولور بو درخت عظیمک اشغیدن جته سی یکرمی ایکی
 الاله دوتوب [۱] قوجاقلادق کوجیه الاله قاوشدی تا بو مرتبه قالن اغاجدر اما جمله
 یوزیمش عدد داللری وارکم بو جستلرنده [۲] هر برینی اونر آدم انجاق قوجاقلار
 و یوزیمش عدد داللرک هر برنده اولان بشر آلتیشر آدم قوجاقلار داللرک و بوداقلرک
 حسابن جناب الله بلور نیجه بیک داللری اوچ آسمانه سر چکمش قدکشان اولمشدر
 اما مذکور بیوک داللری قرق الی آدم بویی یوکسلکلکندن صکره جانب و اطرافنه
 دوغری دوغری یایلش یوزیمش نهال عظیملردرکم بودرختک سایه وظل و حمایه سنده
 بارکاه آل عثمان قورولسه کولکه سنده قار تخمیناً بودرختک سایه سنده بیک سورو

[۱] ک : وروب [۲] ک : بونلرکده جته لری [متنده کی (بو جستلری) کله سته کلنجه

ممکن که (بوجدلرنده) دن باخود (بوجهلرنده) دن غلط اوله رق بو حاله کلشدر (م)]

دیر دیوب خاندن زورازور شرمهت اسیری آلدیلر خان ایدر بیره قره جیلرم .
 آتمک قاورور بنم قلعجم ایله آلمش قائم بهاسیدر بکا انکیچون بیک کیسه ویردیله
 بیره بنم اسیرم نیچون آرسز دیو نیجه فریادلر ایتدی اصلا فائده ایتدی آخرکار
 باش آچوب شیرینلییه بددعا ایدوب آنلر قریمه بز جانب شرقه ۵ ساعت کیدوب
 آنجاق خانک یاننده کمندو قوللرندن یوز آدم قالدی اندن داغلر آشراق کیدرکن
 (تمهشا) نام بر مزارلنی کچدک مکر اتلی [۱] عشیرت بکاری بربرلیله بو محله
 جنک عظیم ایدوب ایکیسندنده بر جان خلاص اولوب بو محله دپه دپه یغلی
 پشتلر واردر جمله چرکزستان مزارلنی اوله یغندرر آندن آبازه ایله چرکز
 ولایتی مابیننده (خیر قارخج) [۲] داغنی کچوب ونیجه یوز بیک تماشالر ایدوب آندن
 (نهر سوب) اندن (نهر یدی کتوق) اندن (کوچک پشه قوبش نهری) [۳] بونلری
 آنلر ایله کچوب بونلر اوپور داغلرندن کلوب نهر مویانه [۴] کیدر بهر سنه
 موسی [۵] طغیانندن کچه میوب خان عسکری وامداده کن چرا کزه لشکری
 بو نهر کنارنده حالساردن [۶] قلعملر یاپوب تحصن ایدوب اول کیجه عذاب الیم
 چکرک انده یاتوب کبابلر چویروب صباح اتدک بو نهره قوم نوغای قزلر کتکن
 دیرلر زیرا بر کره تاتار دوکونی اولوب کلینلری عربه ایله بو صویه کیروب
 غرق اولدقلر نیچون بونهره نوغای (قزلر کتکن) دیرلر حقیقه الحال ملعون صودر
 اما آب حیاتدر علی الصباح بو نهرک طغیانی تسکین اولوب قرشو طرفه عبور اولنوب

در شهر انکیز ولایت قوم آدمی [۷]

ابتداء حدود ادمیدر آندن ۸ ساعته اورمانلر ایچنده کیدوب آخرکار
 بر کچوک دره کنارنده اول کیجه مهمان اولوب علی السحر ۳ ساعت قبله یه کیدوب
 (در تعریف پشکو آدمی) آبازه داغلی دبنده قزلر آغان صوبی کنارنده بشیوز
 اولی پشکودر وادی بکی بونده ساکن اولوب بکینک اسمی دیکوزی [۸] بکدر
 [۱] س، ک، ایکی [۲] ک : خیر قارخج . س : خبر قارخج . ط : خبر قارخج [۳] ک :
 پسه قوبس [۴] س ، ک : نهر قوبانه [۵] ک : نهر پسه قوبسی . س : نهر پسه قوبسی
 [۶] ک : چایلردن [۷] س، ک : آدمی [۸] ط : وبکوزی

کینسه لری و چارشوی و بازارلری و خان و حماملری یوقدر جمله آینده ورونده لر اولره قونارلر اما بر اوده مسافر اولسک مال و منالک شویله رایکان قوساک اصلا بر هلالکه [۱] ضرر اصابت آتمز وهرنقدر خصمک اولسه اول قناق بانک قزاننده اولان قومشیلر ایله سنک اوغوریکه اولورلر سکا بر خطا کتردمزلر و قناق بانک یعنی اوصاحبک بر طاووعه محتاج اولسه غیرت ایدوب اودونج کونج آلوب سنی صیلر یعنی دویدوب رعایت ایدر ولکن سن دخی کیده جک زمان بر شیء قلیل و ررسک جهان آنک اولوب حظایدن مددوچاندن محبوب و محبوبه لری بو جهانده یوقدر مکر نمسک و شام شریفک حوران ولایتی کوزلی اوله وکیلان آتلی اولور وداغلرنده سمورمثال زرده واسی و بیان کدیسی و بیان طاووغی و قور [۲] طاووغی مشهوردر و آب و هواسی غایت لطیفدر لکن باغ و باغچه لری یوقدر و اقلیم سادسه اولماغن شدت شتاسی شدید اولوب سکسن کونده کونا کون محصولاتلری اولوب داغلرنده لیمون و طورنج و زیتون و انجیر و نارندن غیری جمله میوه کونا کونلری واردر اما بو دیار کوه البرز دامنلری اولماق ایله قشی مقدم کلیر اما مخلقی تن درستلدر بو تمانتالری دخی ایدوب خان حضره تیرینه بیک عدد کزیده بر سلاح عسکر رفیقلر و پروب خان ایله قرمدن بیله کلن عسکردن شیرین بکلری و منصورلی عسکرلری و بادراق قوملری و جمله قپو قوللری خانه کلوب پادشاهم سزله حلوق بولشن بر اولمز [۳] خان قوللر تبریزلر [۴] کروییه دونوب چوبان کرای اوغلی یکی خانه کیده رز دیواذن طلب اتدکلرنده خان اذن و یرنجه همان شیرین بکی ایدر خام شو قولو کده اولان مصقوزیری شره مت بانی بیزه البته ورسن سن آنی بزم قوتمزله آلدک مال زیاده ورسن دیو طمهه دوشوب بو قدر زماندن برو حبس ایدوب صاقلردک شمعی معزول اولدک اول کافر یکی خاتلق [۵] اولدی سن آنی قانده کتوررسن شمعی بز یکی خانه شره متسز واردیغمزده یکی خان بزله نه

[۱] استابولده (خلال) کله سی بویه (هلال) دیبه سویلنمکددر (م) [۲] ک :

قورو طاووغی . ط : قیر طارغی [۳] ک : سزکله خاق بر اولمز [بلکه دوغروسی (سزگه حلوق بولون بو اولمز) اولق ممکندر (م)] [۴] ک : خان قوللر ییز ییزلر [۵] ک : یکی خاتلق

خسته اولوب قانى ايچيلن آدمك يوزينه كوزينه او يوز قان سورنجه باس الله تعالى خسته شفا بولوب او يوزى ايشته [۱] يقارلر اما بو او يوز سحرلىرى وسحره لرى بشقه برصويدر آنلردن حذر ايدوب قوم چرکزلكه آدمه قزوروب قز آلماز اشته بوديار چركسده كر چه طاعون يوقدر اما بو او يوز دردى حقاكه طاعون اكبردن اشددر اكثر ديار مصقوده وقزاقده وله وجهده اوله غاندر نعوذ بالله اما رومده قره قونجولوز اولسى مقرر در والسلام از ين جانب بومذكور اورداغى [۲] دبنده كى يدسى [۳] قباغى اطرافى قلعه مثال دورت قات حا كندن [۴] وعظيم درخت منتهالردن اورلمش حسدن [۵] قلعه سى كى صوردر جمله چركس ولايتلرينك قباق وپشكورينك اطرافلى بويله در زيرا جمله چرا كزه قوملى بر برلرينه خصم قويلر در كم هر بار جنك وجداللى بر برلريله اكسك دكلدر و بر برلرن اوغورليوب صائمه درلر و داغلردن آرت [۶] ابازه وصدشه ابازه رجنبه ابازه وقامش ابازه و صووق ابازه [۷] وآشنى ابازه ويوقارو ابازه وقرشان [۸] آباره والحاصل جمله ابازه قوملى دنخى بو چرا كسه عشيرتلىنه خصم قويلر اولوب البته هر كون بر طرفدن دشمنلىر كلوب جنك وجدالدىن خالى دكلدر انكي چون بو چركس طائفه لرى بر قباقده و بر بشكوده اون بيل او طورماق احتماللى يوقدر بر بكي يا خود بر بيوك آدملى يا خود بر قاچ آدملى صيق صيق قباقلرنده خسته اولسه و اولسه لر يا خود اودونلو داغلى ار قده قالسه [۹] بو قباق اوغورسزدر ديو براغوب بر غبرى داغلق واورمانلق ايچنده بكي بر قلعه مثال قباق ياپوب اسكى قباقلرن جمله آتسه اورلر انكي چون بو چركز ديارينك ابازه ولايتى كى باغ و باغچه لرى و نائب قدم [۱۰] پشكولرى و قباقلرى بوقدر و بو چركس قومنه كافر ديسك اول آن امان وزمان ير ميوب آدمى قتل ايدرلر و دنخى (لا اله الا الله) ديرلر اما سمز دوموزلى قويروغندن يرلر و اوروج توتوب نماز قلمازلر و دوموزى اولمايانى قباغه قويمازلر و اصلا

[۱] ك: آتسه [۲] دوغروسى (او يوز داغى) اولميدر (م) [۳] ك: يدسى [۴] ك: پاليدن [۵] س، ك: خشيدن . پ: حسدن [۶] ك: آرت [۷] س، ك: صووق صو ابازه [۸] س، ك: مرشان [۹] ك: اودونقلرى ايراقده قالسه [۱۰] س، ك: ط: ثابت قدم

باسرالله تعالی اولمدن خلاص اولور اکر اول کیمسه نك برکسه حی [۱] اولمیوب
 اوپوز طاشی [۲] بولمازسه اول قانی امیلوب خسته اولان آدم حقیقت اوزره
 مرد اولوب کیدر اما بعضی آدملر بو اوپوزلری مزارنده بولدوروروب کوبه کنه
 قازینی قاقدردیغندن صکره موتای خسته سی [۳] شفا بولوب بلکه بردخی بو اوپوز
 اولورسه حیاتده اولان برغیر اوپوز بولاشه سرداره حلول اتمه سن دیو کوبه کنده کی
 قازیقیله ملعون اوپوزك جیفه مردارن آتسه یقارلر آندن جمله عبادالله آنک شور
 شردن [۴] خلاص اولورلر اما حکمت خدا اول ملعون اوپوزلرک لشلری اصلا
 برده چورومز (نوع دیگر عبرتنامی اوپوز) بر اوپوز دخی حیاتده کزرنکن آنی
 کسه بلز اما وقتی کلوب قودردقده بر آدمی یاخود اولادنی اوپوز بولوب یاخود
 صویه کرمش عربان بولوب اول آدمی قوجاقلیوب قولاغندن قانن اموب قویورر
 وهان اول آدم کوندن کونه خسته اولوب پیره مدد بی اوپوز دوکدی [۵]
 و قولاغندن قانن ایچدی دیو خبر ایدوب اقربارلی اوپوزلما [۶] سحراره لره [۷]
 مال وروب طاشجیلر شهر بشکولری وقناقلری [۸] کزرنکن کوررلرکم آدم قانی ایچمدن
 اوپوز اولوب کوزلری طاس پرخونه دونمش هان اول آن انی دوتوب بر قاچ کون
 زنجیرلر ایله باغلیوب وبوغازنه وایقرینه حصیر ایپلری باغلرلر زیر باغ وبادرق
 دوتمازلر اوچ کونده حبس ایکن اوپوزلونی کوندن کونه ظاهر اولوب فلان آدمک
 قانن بن ایچمد استده [۹] قولاغتم اردنده قانی واردر بکا سوردمکه اوپوزده
 کورنمک [۱۰] و اوپوز اتالریمک یانه کومولدیکم زمان وجودم چورومیوب ینه
 بر قاچ کره دیریلوب کویک یوزنده جنک ایتمک ایچون وچوق یاشامق ایچون ایتم
 دیدکده جمله نك اجازتیله بو اوپوزك کوبه کنه ینه بو کورتلن قازیفن صاپلیوب قانندن

[۱] دوغروسی (برکسه جکی) اولمیدر (م) [۲] دوغروسی (اوپوز طاشی) اولمیدر (م)
 [۳] دوغروسی (موتا خسته سی) یاخود (بو قان خسته سی) اولوق ممکندر (م) [۴] ک :
 شور شردن [۵] ک : دوتدی [۶] ممکن که دوغروسی (اوپوز طاشی) اولمی یاخود
 (اوپوزلما = اوپوزلامه) بوباده آبری برکله در (م) [۷] (سحراره) اولمی ممکندر (م)
 [۸] (وقباقلری) اولمی دهنا مناسبدر (م) [۹] ک : اشد [شیمدیکی دیلزده] (ایشته) (م)
 [۱۰] ک : اوپوز دده لریتمک [دوغروسی (اوپوزلره کورونمک) اولوق ده ممکندر (م)]

واردق یر یوزنده آت واشك وخنزیرلر بولوب [۱] وداووللر وبلته [۲] واوجلری
 صرقلی فرون پاچاوره لری وبرقاچ دانه فیل منکروسی لشلری و مزاردن چقمش
 آدم لشلری وبارداق وچناق وحصیر ویلان وچیان وکچیلر وقیونلر و آیولرک اولولریدر
 و نیجه یوز بیک کونه بونلرک امثالی موخش شیلردن زمین چمنزار کورنمز اولمش
 و بعضی ایاغی دمرلی اسیر آدم لشلری وکونا کون شیشمش و بد رایجھلی حیوانات
 لشلری چوق ایدی الحاصل حقیر بواصل شیلره غایت منکر ایدم اما بزمله اولان
 عسکرک نیجه سبکی کوروب حیرتده قالدیلر و مقدا آنلرده بو احوالات غریبه نی
 کورمش آدملر چوق ایدی اما چرکز کشیلری کمن [۳] ایدوب قرق اللی یلدن
 برو بومرتبه و فرت اوزره او یوزلرک جنسکلرن کورمه مش ایدک ددیلر اما غیری زمان
 بش اون دانه سی ربرلریله یرده و عربهلریله و کولپریله جنک ایدرلرکن هوایه
 چیقارلردی اما بوکیجه عجب تماشا اولدی دیدیلر (دیگر تماشای عبرتمای عظیم)
 بو دیارده اصلا طاعون اولماز همان بر آدم سهل خسته اولسه یا خود اولماسه قره
 قونجوز [۴] کیجه لری اولنجه اوکیجه او یوزلر بر قباقدہ ویا بر پشکوده ایسته دیکی
 خسته نک یا خود صاغ آدمک قانن ایچوب اولدوروب او یوز او یوز لغندن خلاص
 اولور اما کوزلرنده او یوز علامتی البته قالور بودیارده او یوز طاشچی [۵] یعنی
 جادی سحر باز یلنچی [۶] حسیب النسب حکما شکللی احدلار [۷] چرکز آدملری
 واردر آنلره اولو صاحب لری مال و یروب مقدا اولمش او یوز مزارلرینه کلوب
 کورلرکه هنوز بوکیجه او یوز مزاردن چیقوب طوپراغی بوزولمش فی الحال خلق
 اوشوب او یوز مزارن قازوب کورلرکم کوزلری طاس پرخوته دونمش یوزی آدم
 قانی اچدیکندن قیب قرمزی اولمش همان ملعون او یوزک لاشه مردارن کورندن
 چیقاروب بوکردلن نام چالینک قازیغنی او یوزک کوبه کنه قاقوب یرره صاپلایوب
 بامرالله تعالی او یوزک سحری باطل اولوب قالر ومانی [۸] ایچیلوب مرحوم اولان آدم

[۱] ک : وکوب [۲] ک : و تنکنه [۳] دوغروسی (یعین) اولمیدر (م) [۴] ک : قونجوز
 [۵] بوراده کی (طاشچی) بورایه مخصوص برمنابه در (م) [۶] دوغروسی (بیلیجی) اولوق
 مکندر (م) [۷] ک : اختیار [۸] دوغروسی (قانی) اولمیدر (م)

وصغر لشلری و کمی در کلرینه دوه اولولرینه بنوب اللرنده یلان واورنلری وایسلر [۱] و آت و دوه کلهلری ایله هواده اوچراق ابازه سحره لری و بوچرکز او یوزلری کؤک یوزنده بربرلرینه کروب اول کیجه بو ایکی قومک جادولری برهوا یله [۲] جنک وجدال و حرب و قتال ایلدیلر کم نیجه بیک کونه غزلدی [۳] و صیحه الیمردن قولاقلریمز صاغر اولوب جمله میزه بردهشت ال ووروب کامل آلتی ساعت کرما کریم جنک عظیم مهادی اولوب اوزر لریمزه کجه و حصیر و طرف [۴] پاره لری دوشمکه باشلادی اردی صیره آدم و آت و دوه کلهلری و لشلری دوشمکه باشدی آندن کوب قرقلری و بلته پاره لری و غربه تکر لکلری پاره لری و فرون سیله جک صرفلی سوله لر [۵] و ابا و کبه و یاباغی [۶] وینه سر لر دوشمکه باشلانیجه طشرده اولان آتلیمیز غری فریاد و فزع و جزعدن و آتش عظیم بیزه [۷] یاغوب صاحب دیغندن نیجه آتلیمیز بوشانوب کوجیله ضبط ایتدک آندن یدی دانه چرکز او یوز یله یدی دانه ابازه جادولری بربرینه صاریلوب بری برلرینک کردنلری آتلیرینه باشلرن صوقوب پیره دوشدیلر چرکز لر سکر دوب بربرلرندن آیردیلر اما ایکی چرکس او یوزینک کر دانندن ابازه او یوزی چرکسک قانن ایچوب اولمش اما بشی صاغ ویدی عدد ابازه جادولرینک بشی یینه یردن برهوا اولوب کتدی لر چرکز او یوزینک قانن امرکن ابازه جادولرن اول محله چرکز لر آتسه یاقدی لر الحاصل اول کیجه ایکی قوم او یوزلرینک تا خروسلر اوتمکه باشلانیجه سیر و تماشالرن ایدوب اوج سباه اولقدر صواش پرخاش اوغراش اولمشدر کم نه دیلر ایله تعیرونه قلملر ایله تحریر اولوب اول کیجه غری بو فریاد ورعد و برق صیحه سندن و خوف و خشیت و دهشت مزدن اصلا کوزیمز خواب راحت کورمیوب خروسلر اوتدکدن صکره جمله جادولر تار و مار اولوب غائب اولور لرن برکوتوردی دخی قیوب کؤکدن پیره واورمان و داغله عظیم شیلر دوشدی بعده علی الصباح برخیلی یاران پر سلاح ایلیوب [۸] هواده او یوزلرک جنک ایتدیکی محلی زمینه [۱] ک : وایبلر . ط : وایبلر [۲] ک : برهوا او یله [۳] س ، ک : غزلدی [۴] ک ، ط : و طرف [۵] ک : و فرون سیله جک سونکه صرفلری [۶] ک نسخه سنده (یاباغی) برنده (پوستکی) وار (م) [۷] (پیره) اولسی داها مناسبدر (م) [۸] (اولوب) اولسی دها مناسبدر (م)

قباق پدسی

بودخی خاتوقای چرکزی اولکسندده اویوز داغی دامینده واقع اولمش اویوزخانلی معمور قناقدر [۱] وبومذکور اویوز داغی ابازه ایله چرکز مابینده یاز وقیش قاری اکسیک دکل برالاجه قیالی کوه بلنددرکم براوجی کوه البرزه متصلدرشالیسی طرفی بش قناق یرده هیات سحراسیدر بوجبل بالا هرطرفدن بشر و آلتیشرقناق یردن نمایندر

در بیان عجایبات و غرایبات عبرت های جنک وجدال سحره اوبورات

بحقیر بوقباقده ایکن چرکز ایله ابازه قومنک اویوزلری یعنی سحراروسحره لری بیک یتش آتی ماه ششوالنک یکرمنجی کیجهسی قیامت قیوب یلدرملر شاقیوب صاعقه لر قیوب اوج آسمانده حشر ونشردن برشب مظلم اولمشکن کوه یوزونی آتش دوتوب اول شب مظلم زائل اولوب برروز روشن اولدیکه هرچرکز عورتلری نقش اشله سهر ممکن ایدی چرکس لردن حوال ایتدک واللهی ییلده برکره بوقره قونجولوز کیجه لرنده بزم چرکز اویوزلریله ابازه اویوزلری کوه یوزنده اوجوب بربرلریله جنک عظیم ایدرلر شمدی طشره چیقوب قورقیوب تاشا ایتدک [۲] دیدیلر مکر اویوز دیمک سحرار جاذولره درلر مش بز دخی یتش سکسن کتی سلاحلریله قناقلریمزدن طشره چیقوب سهل آرام ایتدک آنی کوردک همان اویوز داغی آردندن ابازه سحره لری کولرندن قویمش درخت عظیملر اوزره وکوپلر وبلته لر [۳] وحصیرلر وعربه تنکر لکلری وقرن سویکه لری [۴] ونیجه بیک کونه اشیا لره بنوب برهوا اوچراق اویوز داغی اوزره کلدی لر همان بری بزم چرکزک حبش [۵] داغی ایچندن نیجه یوز عدد صاچلرن داغتمش فیل دیشلری کی دیشلری طشره چیقمش کوزلرندن وبورونلرندن وقولاقلری و آغزلرندن کمی درکلری کی آتشلر هوایه صاچلوب هربری براغاجدن اویومش بالق چرتقلرینه وات لشلری

[۱] ك: قباقدر [۲] امرحاضر صیغه سیله (ایدک) اولسی دها مناسبدر (م) [۳] ك:

بالته لر [۴] ك: وفرون سونکلری [۵] س ، ك : حبش

جنگ ایدر برالای نوروز تاتاری قومیدر بعدہ خان بونوروز ایلی ایچندن چکرکن بورغہ آتله ہدایا آلوب ونوغای محبوبہ لرن سیروتماشایدہ رک بش ساعت اورمانلر کچوب (نہر ووبن) بو نہر آبازہ نک او یوز [۱] داغلرندن کلوب نہر قوبانہ کیدر آنی آتله کچوب بر ساعتہ

درفہرس قلمہ آقویس کرمان

... جنوز فرنگی بناسی اولوب سنہ ... تاریخندہ اوز دمر اوغلی چرکس عثمان پاشا فتح ایدوب چرکس طائفہ لرن اطاعت اندر مک ایچون بو قلعہ یہ بر متین بر ایچ حصار بنا آتش مرور ایام ایله خرابہ یوز دوتمش حالانہ دزداری ونہ مردم حصاری واردر حاتوقای چرکزی خاکندہ عمار اولہ جاق قلعہ در اما ایچندہ نوروز نوغایی ساکن اولہ زیرا چرکز قومی ساکن اولورسہ دیبک عاصی اولورلر بردوز صحرایہ واقع اولمش کارکیر بنا بر قلعہ رعنادر بو قلعہ یہ قریب (نہر آقویس) بودخی او یوز [۲] داغندن کلوب نہر قوبانہ کیدر اندن ایکی ساعتہ

قیاق صوبای

بر صحرای چنزار لالہ عذار درختستان ایچرہ بشیوز اولی بر قصبہ مثال قبا قدر جملہ اہالیسی اہل صنایع لردر اما دکانلری یوق جملہ اولرنده ایشلرلر جمیع اہل معرفت لر بوندہ بولنورلر و خاتوقای بیکی اولان خان بی کری [۳] بوندہ ساکن اولور بشکو عظیمدر بوندہ خانہ ضیافتلر و محبوب کولہلر و محبوبہ قزلر ہدایا ویریلوب غلام تازہ سندہ نک [۴] بری بو حقیرہ احسان اولندی بوندہ خان افندی مزہ رفیق اولماق ایچون بیکی توفنگای چرکز و اوچ بیک جرد آتلی نوروز نوغایی ویروب اندن بر ساعت ینہ طرف شرقہ اغاجلق و اورمانلق خیابانلردہ کیدرکن (نہر شینیز) [۵] بودخی او یوز داغندن کلوب نہر قوبانہ قاریلر و بو نہر کنارندہ

[۱] ک : او بور . ط : او یوز [۲] ک : او بور [۳] ک : جان کری [۴] ط : غلام تازہ سنک [دوغریسی (غلام نارسیدہ نک) یا خود (غلام نورسیدہ نک) اولقی ممکندر (م)] [۵] س ، ک : نہر شیز

خانه [۱] کرای سلطانتک اسمن قویوب [۲] خان کرای [۳] دیرلر حالانینس چرا کسه [۴] اویله در که برینک براوغلی دوغسه اول کیجه اونده هرکم مسافر اولورسه آتک اسمنی اول اوغلانه قورئر واول آن اوغلانی برکویدن برغیری سود آنا آلوب کتوررلر اناسندن و باباسندن زیاده آنی [۵] بسلیوب پرورش ایدر حالا ینه اویله کوردک اکر اولرنده مسافر یوق ایسه قومشوسنک آدنی اوغلانه قورلر دأب قدیمیری بودر اما بو خاتوقای [۶] بی عتقا و مال فراوان یعنی حیوانات ایله سسکز بیک عدد پر سلاح عسکره مالکدر و بو ولایت بر و اسعة الاقطار ورخیصة الاسعار بردار و دیارده اولماق ایله ماصقو قرالی شهزاده سن قتل ایدوب قالمق کفره سی ایچلرندن جنک ایده ایله نهر ادیلی کچوب هیهات صحراسن اویوب [۷] کلن قوم نوروز امیر ژانا تاتارلری [۸] بو خاتوقای چرکزی خاکنده نهر قوبان ساحلنده ساکن اولوب چرکزدن قز آلوب قرداش اولمشلردر جمله اون بیک عسکر و آلتی بیک اوبادر و غایت صداقلی و صواتلی مسلح و بهادر عسکردر خان بو خاتوقایده ساکن ایکن حقیر ینه رفیقلمر ایله جانب شماله ۲ ساعت کیدوب

در شرح قلعه نوروز کرمان

سنه . . . تاریخنده محمد کرای خان نوروز مرزا خاطر یچون یصه مشدر نهر عظیم قوبان کنسارنده بر دولک [۹] اورمان ایچنده چارکوشه اغاجدن طوپراق دولما قلعه در دورت کوشه سنده برر قله وایکی قپولی پلنقه در بیوک قپوسمت غربه کوچوک قپو قوبان نهری کنارینه شرقه ناظر قپولدر قلعه ایچنده برجامع ویش کارکیر بنا خانلر وهرقله ده بر کوچوک شاهی طوپلری وار طوپجیلری وجبه خانه سی و دزداری و نفراتلری یوقدر جمله نوروز تاتارلری قلعه محافظه ایدرلر بر خوف و خشیت محلنده جمله تاتارک اهل و عیاللری قلعه یه طولوب قالمق ایله و چرکز عشق قبالیه

[۱] ك : جانبه [۲] ك : اسمن بوکا قویوب [۳] جان کری . س ، ط : خان کری
 [۴] ك : آیین چرا کسه [۵] بوراده کی (آنی) کله سنک یرنده (ابی) اولسه دها ابی اولور (م)
 [۶] ك : خاتوقای [۷] ك : اوتوب . پ : اربوب [۸] س ، ط : امیرزا تاتارلری .
 ك : امرزا تاتارلری [۹] ك : دوزلک

قربنده (نهر شاتقري) و بو نهره ايكي ساعت يقين (نهر ابرغان) [۱] بونهرلر دخي
 ابازه داغلرندن كلوب نهر قوبانه قاتلرلر اندن ۵ ساعته

ولايت قبيله چرا كسه ژانا پشكوي يعنى ژانا نومي بكنك تحتي

ابازه نك حايقو داغلي دبنده بشيوز عدد ساز و قش اورتولى اولدر بكنك
 اسمى آنتنوقدر اون بيك بهادر جرد آتلى و صداقلى و يايا توفنكللى چركز
 يكتلرينه مالكدر دائما صدشه آبازه سيله جنك و جدال و حرب و قتال ايدرلر خان
 حضر تارن بونده بولوب خانه ضياقتلر ايلوب كزیده قزلر و غلاملر و وردى
 سلامتكر اى سلطانه بر شى و يرمبوب بو ديارده آليقويديلر زيرا والدهسى بو ژانا
 قزلرندن ايدى اندن خانه بونلردن بيك توفنكللى عسكر رفيق قوشوب اندن ينه
 جانب شرقه ايكي ساعته (نهر آدا قوم) آكه قريب (نهر ستازه) بونلر دخي
 ابازه ولايتندن كلوب نهر قوبانه كيدر اندن ينه سمت شرقه اورمانلر و درخت منهارلر
 ايجره ۴ ساعت كيدوب

دردقتر ولايت كوچك ژانا

بو اولكه بيوك ژانادن معمور و شجيع و بهادر يكتلره مالك اولوب قرق ياره
 قباغه و اوچ بيك عسكره مالكدر بو منزله كلركن اولكون (نهر آبن) اندن
 (نهر حايل) آندن (نهر ييل) اندن نهر (آبورغان) بودورت عدد آب حياتلرى
 آتلر ايله رنج و عنالر چكر ك عبور اتدك بونلر دخي ابازه نك او يوز [۲] داغلرندن
 خروج ايدوب بو ژاناه صغير خا كندن كچوب نهر قوبانه قريشدرلر اما بونهرلر ك
 كمن اياقلب كچدك و ايكيسنه اجاج جسرلر بنا اولنوب كچلدى جوشقون آقار
 آب حياتلردر اندن ينه طرف شرقه ۵ ساعته

درقانه ولايت عظيم حاتوقاى

بكنك اسمى جان كريدر يعنى حانیه [۳] كرايدر خايه [۴] كراى سلطان
 بونده مسافر ايكن بونك اولان ولد ناپاك اول كيجه اناسى مصدرندن دنيايه كلنجه
 [۱] س، ك : آبرغان [۲] ك : ابور [۳] ك : جابه [۴] ك : جابه

قره دکز کنارنده بریالچین قیا اوزره شکل مدور بر کارکیر بنا بر قلعه زیبادر اما ایچنده حالا آدم و آدمی زاددن بر کسنه یوقدر انجاق طشره‌سنده یوز عددساز اورتولی شفاکه چرکزلی قباغی [۱] وار اکسه‌لی اناپا داغلریدر و بو قلعه اولقدر مصنع طرز قدیم قلعه‌درکم کویا هنوز استاد مهندس معمار الندن چقمشدر و لیانه بیک پاره کمی صغار حتی ابتدا بو شفاکه قومی عربستان و ارناودستان و قسطنطنیه‌دن کیلرله کلدکه بو اناپا لیانه کیروب ابتدا بو محلی جای ومسکن ایدمشدرکم قره دکز ساحلرندنه این کرمان و اولوطه لیانلرندنصکره بو اناپا لیانی کبی بر لیان‌عظیم یوقدر اغزی داراجق اولماق ایله سکز روزکار زورکاردن امین لیاندر حتی کفار زمانی بو لیاندن انجو چقارمش حالا بعض زمان اوروس شایقاری کلوب بو لیاندن چیقارلرمش بو قلعه تعمیر و ترمیم اولنوب ایچنه قول قونسا جمیع ابازه و چرکس و نوغای قوملرینک یاغلی و باللری و غیره متاعلری بونده کلوب بر بندر شهر اولوب اشلاک لیان اولوردی حتی حقیر بونی دخی سیر و تماشا ایدوب ینه شفاکه عشیرتی ایچندن صحرا و اغاجلقلر کچوب نهر بسنی [۲] آتلا ایله عبور ایدوب اندن بر ساعت کیدوب (نهر بزی جای) بونی دخی آتلا ایله کچدک بو ایکی نهر ابازه ولایتی ایچنده حایقو داغلرندن طلوع ایدوب یلدز طرفنه شفاکه خاکی ایچره جریان ایدرک نهر عظیم قوبانه منصب اولورلر آب حیات عیون جاریلردر نهر قویان دخی اداخون بوغازندن اشنی بجر سیاهه مخلوط اولور اندن ینه قبیله شفاکه چرکزلی ایچره اوچ ساعتده (نهر قوی) [۳] بو دخی ابازه داغلرندن کلوب نهر قویانی و سرانی دخی آتلا ایله کچوب [۴]

ع - ساعتده

در صفت قلعه شائقری

بانسی ینه جنوز فرنکی اولوب اوزدمر زاده فتح ایدوب ویران آتش شفاکه خاکسده بر عمار اوله‌جاق قلعه‌در اما ایچنه قوم نوغای قونه بو قلعه‌نک

[۱] س، ک، ط: قباغی [۲] س، ک: نهر بسنی . ط: نهر بسنی [۳] پ، س:

نهر قویسی، ک: نهر قویسی، ط: نهر قویسی [۴] ک: بو دخی ابازه داغلرندن کلوب قوبانه قاریشور آتی دخی آتلا ایله کچوب

طعامه مباشرت ایدوب اغاج سفرملری میدانه کلدکده بر بال مومبنی یاقوب هر کس
 بال مومنه بر کره (دانو داو مامه لوق) دیوب مومه طینوب اندن طعام یمکه باشلرلر
 ینه طعامدنصکره مومه او یله ایدوب صفره قالدردلر بر غریب تماشادر (دریان
 اسماء قوم چرا کسه) خفال ال بوزدی بازروق مسوس جان کری حابش [۱]
 (در اشکال قبای نسوان چرا کزه) جمله عورتلری بیاض کبه دن اورولمش بیاض
 عرقیه کیلر اما غیری دیار عورتلری کی صاچلرن صارقدوب اللرن حنالیوب
 کوزرن سورمه لزلر و اعیان کبار عورتلری الوان بوغاصی و حریر داراجق صقمه
 خفتان کیلر (در اسماء نشان زنانه چرا کزه) . . . (۰)

نتیجه کلام قوم چرا کزه نک نیجه کره یوزبیک کونه احوالات عجایبیری وار
 اما جمیع چرکزستان قومنک اوضاع و اطوار و کار و کسب و مأ کولات و مشروباتلری
 جمله تحریر اولنان منوال ارزره در و دخی انشاء الله تعالی نه کونه جنبش و روشلری
 کورولورسه تحریر اولنور محمد کرای خان افندیز بش کون بو شفا که قبله سی
 پشکوننده مکث ایدوب بو محلدن خان قالفارکن حاجی کرای سلطان و سلامت
 کرای سلطان اسلامبوله کتیمیوب بزخانمدن آیرلیوب قراقداش اولورز دیو
 خانه کلوب باش اوردقلرنده خان ینه بو شفا کده اوچ کون او طوراق دخی فرمان
 ابدنجه همان حقیر خاندن اجازت آلوب رفیقلم ایله قره دکیز ساحلرن سیر و تماشایه
 روانه اولوب شفا که قبله سندن جانب قبله یه داغلر و چنککستان بالقانلری آشوب
 ۷ ساعت کیدوب

در بیان اشکال زمین قلعه بالا آناپا

زمان قدیمه اسکندر کبیر عصرنده بنا اولنوب بعده جنوز فرنگی مالک
 اولمشدر بعده سنه . . . تاریخنده اوزدمراوغلی چرکز عثمان پاشا چرکزستانی
 فتح اندکده بو اناپا قلعه سن دخی دست فرنگدن آمشدر حاصی چرکز و ابازه
 طرفنده اولماق ایله قلعه نک بعض برلرن منهدم ایدوب حالی اوزره براقش قلعه سی

[۱] پ ، ک : حابش [۰] پ نسخه سنده بش سطر آچیق وار

سزباله بطروب يرلر سزبال بركونه پشيدركم جويزى بركونه خوانده دو كوپ خردال و طوز ايله قرشدروب كاسه لره قورلر و جويزك ياغن چيقاروب قرمزى فرنك بيبيله دو كوپ اول قرمزى جوز ياغيله پيتز ياغن مذكور سزبال ايجنه قويوب پاصطه بو سزباله باطره باطره يرلر ودخى سمز قويون وقوزولرى باشى وبوينوزلرى و طرنقلىرى و جميع چيكرى و شردنى و پنجه سنى [۱] و بوبره كنى و بوبره ك ياغيله جمله باك و پا كوزه يدى قات صولرده آريدوب مذكور قيونى بس بتون تنورده پشروب ميدان ضيافته كترلر اما اويله قيون تنورده پشرلركم كويا ايلك اولور و داغلرندنه قرهجه و صغر و طابله لى شكارلرن دخى بويله پشرلر و داغلرندنه كلكك و طوراج و قره طاووق نام طاووقلرى و قاز و اوردكلرى كباب ايدوب يرلر (ستايش مشروبات چرا كسه) جمله آت سئودى قزى [۲] و طالقان و آيران و قورد آيرانى و كسكين بوزالر و كسكين بال صولرى و طاطلى بال صولرى و طاطلى مقسمه بوزالرى ايجرلر ا كثرى صويى آز ايجرلر جمله اولرى سازوقامش اورتولو و چيت اورولو ايكيشر قپولى اولدر آتلى باشلى اوچنده و سلاخلرى جمله يانلرندنه دوروب يطرلر قيش كونلرى بيوك ميشه درختلرن اولرينك اورتا يرنده ياقوب جمله اهل و عياللىرى ايله آتش باشنده دوشنوب اوطورلر حمام كى اسى اولرى واردر فقرالرينك يطاقلرندنه اوتلر دوشه ايدر يا صدقلىرى قويون دريسندندر اما مرزهرلرينك اولرى پاك كلم و كبه و كچلر ايله دوشه ليدر و مسافر خانللىرى باشقه در اما هر مسافر خانه ده برر ايكيشر چركس آدملىرى اوبوميوب مسافرلى خرسزدن محافظه ايدرلر غريب دوست آدملردر اما بر بد شيلرى واردر يوز باشنده آدملىرى جمله صقالن تراش ايدرلر ا كر صقاللىسى وار ايسه برهفته لك كلش تراش قدر صقالى وار هرهفته صقاللرن قرقارلر و آنلرندن تا باشنك اورتسندن ا كسه سنه وارنجه باشن تراش ايدوب قولاقلرينك اوستلرندنه كى ايكي يانلرينك صاچلىرى صارقشدر بعض فقرالرى طعامدن صكره اللرن صاچلرينه ياغيله سيلر [۳] اما اعيانلرى اللرن بيقمىوب يرلره سيلرلر (آيين دأب قوم چرا كسه)

[۱] ك : نجاوشى [۲] ك : آت سئودى قزى [۳] ك : اللرينك ياغن صاچلرينه سيلرلر

آتلر غايت مقبولدرکه اکه اوزدمر اوغلی عثمان پاشا آتلی صوی ديو بش باش
 چرکس اسپينه آت آلرلر و آت وررلر اما غایت خرسز قومدرلر حتی بودیارده
 خرسزلق آتمشله [۱] بکیت دکدر ديو اکا قز ورمز لر انکیچون شب روانی
 سیاه اسپابلی کیوب خیرسز لغه کیدوب قزلر و اوغلانلر و قارت آدملری دخی اوینی
 لغم ایله یاخود داغده وطارلده بولوب چالب آلب فی الحال کوبنه دوشرسه خلاص
 اولور والا کرودن قووب يتشمزرسه آنی دوتوب اسپر ایدوب یا عثمانلی به و تاتاره
 ستارلر و یاخود بیک ماش ایکی بیک باش مال وروب خلاص بولور باش مال ديو
 تعبیر ایدکلی بیک ایکی بیک جانلی آت و قیون و صغر و اسپر و زرخ و زره کلاه
 شیلدر الی هذا الآن کار و کسبلی بربرلینک کویلیخی و قوناقلری اوروب
 کچمکدر اما اويله خرسز لدرکه کوزدن سرمه یی چالوب کوز یرنده قالر [۲]
 تا بو مرتبه حرامیدرلر اما مسافرلرینک ر دانه خردلاری اوغورینه اولجیلدر [۳]
 هرکس قوناغن یدروب ایچروب قناق مانلق ایدوب بر کوبه دخی ایلتوب واصل آتمز
 الیزنده [۴] ربوغاسی و بریای و براوق و برحمره الحاصل ایکنه و ایلک و ابرشیدن
 جزوی کلی هر نه وورسک ممنون اولورلر اولاد و اهل و عیالرن سندن صقمیوب
 یوزلری و کوزلری آچق سکا خدمت ایدرلر و نور دیده [۵] قزلری سنی بتلیوب [۶]
 دوشهکک براغوب خدمت ایدرلر اما بر تعرض و فعل شذیع ایدم دین آدمی اودن
 قووارلر یاخود قتل ایدرلر اما شلفه نام کوله قزلری و اوغللاری آنلره ال
 اوزادانلره برشی دیمزلر اما آنلرده کیچ نظر ایتمیدن بو حاجی آدمدر ديو حظ
 ایدوب رعایت ایدرلر و هر صارقلی آدمی کورسه لر حاجی دیرلر کندولری اکمک
 یمزکن حاجی چاقو اسارمش [۷] ديو بیاض کولده پشمش اکمک کتوررلر اکمکه
 بو دیارده چاقو دیرلر (درمدح طعام چرکس) جمله داریدن پشمش باصطه لرلر
 یعنی داری لپاسنی [۸] بیلجه [۹] پشروب اللرنده طوب طوب ایدوب اسی اسی

[۱] ك : ایتینلر [۲] س، ك : سورمه دن کوزی چالوب سورمه یرنده قلور [۳] ك :
 اولوجیلدر [۴] ك : واصل ایدرلر- یرنده [۵] ك : و یوردنده [۶] ك : بتلیوب . ط :
 يتلیوب [۷] ك : استارمش [۸] ك : اوئی [۹] ك : سهلجه

چرکز (جملهسى قىللى كېدن سياه طاقىه يرلر اوزرلرئنه سياه قوبون يوكندن
ا كرلمش احرام كى دو قونمش انجه جك سياه داراجق عبادولما كيوب اورتا قوشاق
كززلر اوزرلرئنه بر غيرى شى كيمزلر الا بايلرى، يعنى عنقارلى قيش كونلرنده
قزو كوركى كيرلر وجمه ائوابلرى قصه جق آلتنه [۱] دزلى كوزنده [۲]
خفيف اسباب كيرلر وينه انجه عبادن چانشر كيوب جوغى دونمز كززلر
واياقلىرنده بر كونه اوزرنده دكه آلتى بتون چارق كيرلر كه بر دياره مخصوص دكل
بر چارقدر قوشاقلرى ينه قوبون يوكندن اورلمش حرير مثال قوشاقلرى وار
ومرزالرينك بر كونه قرمىزى صحتيانندن ينه اوستلرندن دكلش يك پاره مستلر ديكوب
كيرلر كه اياقلىرندن كوچيله جيقسار بو مرتبهده ضيق وداراجق قرمىزى مست كيرلر
وسائر فقرا قيش كونلرى اسبابلىرى اوزره سياه وبياض اوچ كوشه دن مدور [۳]
كبهلىرى بوغازلرئنه باغليوب كززلر اما آلك يكي وىرطماجى و يقاسى يوق بر طرفه
قالن قىللى كبهدر حتى حين صواشده بو كبه يوزينه دوتوب جنكه كر دكه چر كس
قومنك اوكنه افراسياب ورستم و سمام دوراماز كويا اول كبه آنلر ك قلعهلر بدر [۴]
حقا كه اول كبه يه اوق و قلچ كسمز و كچمز بعضى صواشلرده بر كچه [۵]
اصلا دوب آرقاسنه آلر كاه اوكنه وكاه اقتضاسنه كوره يمىن ويسارينه دوتوب
قودورمش آنى كچي جمله [۶] عسكرى طائفهلرئيك البته برر كچيلان آتلىرى
وبرر زرخلى وبرر بركش وبرر قلىجلىرى وبرر مزر اقلرى مقرر در اما
قلىجلىرئيك اوچلىرى چار كوشه و اوچ كوشه خاربه [۷] كيدر ابتدا
دشمنن قلعجه دورتوب بده قلعجه چالر و پياده لرى جمله توفنك اندازلردر كه
پيره كوزندن قورشومله اورورلر زيرا بارود سياهى كندىلرى ياپارلر و نجه بيكي
ينه ليرلر [۸] اوزره توفنك طشوب مزر اوق طشماز بو ديارده دمر قير آت و سياه

[۱] بو كله پ نسخه سنده يوقدر (م) [۲] ك : درلى ك: يده . س، ط : درلى
كوزنده [۳] ك نسخه سنده بو كله نك بونده (باغلى) كله سى وار (م) [۴] ك : قلقانلر بدر
(س نسخه سنده اولجه (قالقانلر بدر) ايمش صوكره چيزمشلر (قله لى بدر) يا ايمشلر (م)
[۵] ك : بو كبه يى [۶] س : جنكه كير [۷] پ : حربه [۸] ك : آنلر [(ا كرلر)
اولسى ده ممكندر (م)]

بعده چرکسیان [۱] مقدما قوم عربہ دلکیر اولدوغندن قوم تانار و قوم کورچی ایله اختلاط ایتملری سببیه بویکی لساندن برلسان پیدا ایدوب حالا چرکز لسانی صقصغان قوشی لسانی کبی بر چپوردک [۲] زبان عجیب غریب پیدا ایتملردرکه حالا چرکز لسانی بروجہ ایله قلمه کلز ساعه موقوف بوغازدن و آورددن ودل آلتندن صوت صغیر [۳] کبی قلمه کلز صدالی حروفدن چقردفلرندن [۴] مرکب بر لساندر بو عبد کتر سیاح عالم وندیم آدم [۵] اولیای بی ریای صاحب بوریا اللی بر سنه درکه افلیم سبعة اون سکیز پادشاهلق یرہ قدم بصوب هر دیارک بی آدمیله تکلم [۶] ایتمک ایچون فصاحت و بلاغتلری و ابیات و اشعارلری ایله یوز قرقیدی لسانی کلک جواهر نثارمله تحریر ایتمم اما بوچرکس لسانی کبی صقصغان صدالی لسانی تحریر ایدمدم اما بهستی [۷] او لسانی دخی علی قدر الامکان تحریر ایدهرز بر لهجه مخصوصه لری وار زیرا کتابیسر دکلدر انکی چون قلمه کلز زبان ضروردر [۸] والسلام اشته بو محله بو چرا کسه نک اصلی و فرعی وحسب ونسب لری قوم قریش عربندن اولوب فرقه فرقه اولوب حکمت رب المعزه ایله تحریر اولنان دیارلره نه یوزدن میسر [۹] اولدقلری علی قدر الطاقه بوکونه تحریر اولدی (تمت) ازین جانب بنه صده کلهم چونکه بوشفا که چرکسرینک طوعلری ابتدا بو یوزدن اولوب بو خاگ پا کلرده توطن ایدینوب آب وهواسنک لطافتندن محبوب و محبوبه لری غایت چوقدر حتی محمد کرای خان حضر تلری افندیزه مسافریمزن دیو ایکی رأس بانویپکر و ملک منظر دختر پا کیزه اختر بکر ناشکفته قیزلر و یردیلم کم هنوز هربری برکونه بردرنا سفته و هربری بررغنجه ناشکفته پنجه آفتاب مهتاب قیزلر پشکش و یردیلم کم هربری بر مصر خزینه سی دکردی (در بیان قناعت [۱۰] عجب لوی [۱۱] قوم

[۱] ک: بان [۱۲] پ: چپوردوک [۳] ک: صغیر [۴] بوکله س، ک: نسخه لنده بو قدر (م)
 [۵] ک: بی آدم [۶] ک: مکالمه [۷] س، ک: ط: بهستی (همم ایله مناسنه در اوکا کوره
 اوقونمیدر (م) [۸] ک: زوردر [۹] ک: منقشر (س نسخه سنده اولجه میسر ایتمش صوکره
 منقشر یا یشلر) [۱۰] ک: قیافت [۱۱] مؤلف عجب کله سنک صوکره ادات نسبت کنتیره رک
 (عجب لو) دیش صوکره بونی فارسی قاعده بیله ماقبانه صفت، مابعدینه مضاف یا بهرق (قیافت
 عجب لوی قوم چرکز) دیبه عجب لور ترکیب یا یشدر (م)

یاش دوو دریسنه صاروب بغداد لولویه سنه [۱] براغوب خلیفه دری ایچنده قاقرداق اولوب قوم تاتارک سرباری [۲] ضربندن المستنصر بالله دست هلاکو خاند هلاک اولوب آل عباسیان بومستنصر باللهده انقراض بولوب بادیه عربانده پنهان اولان شهزادکاندن [۳] عباسیلری مصره قاجیروب مصرده ینه آل عباسیلر خلیفه اولراق ینه بغدادده سلطان اولدیلر اما هلاکو خان غدار المستنصر عصرنده بغدادی خراب و بیاب ایدوب بر کونده یتیمش بیک عورتلرک قارنلرن یاروب نیجه سنک یوتدقلری جواهر طاشلر ونا تمام اولادلری عورتلرک قارنلردن چیقوب [۴] اول حادثه موحشهده نیجه کره یوزبیک جان هلاکو خان تاتاری اللرنده هلاک اولدیلر بعده هلاکو خان ینه عودت ایدوب ماوراءالنهره متوجه اولدقده اسکئی موصله کلدیکده مذکور سرائیس عربانن علی العموم موصل چوللردن سوروب دشت قباغاک جانب جنوبنده نهر قوبانک اوته طرفنده کوه البرز داملرنده اولکه ووروب بالضروره ساکن اولوب چراکیس ینه حاکم الوقت اولوب داغلر ایچره قزاق قناق و سکولر [۵] بصمغه [۶] باشلیوب ساکن اولورلردی بعده مقدا حضرت عمر خلافتنده ابتدا مدینه دن کوزن چیقارتماق ایچون فرار ایدن جبل الهمه اولادلردن بو چرکز داغلرنده ابتدا ساکن اولان شفا که و بوزودوقه ومامه لوقه و بربره بودورد نفر برادر جان برابرلر برابرجه ینه قوم قریشدن اولان چراکیس عربه [۷] صفا کلدک و خوش کلدک دیو جمله اقربا و تعلقاتلر بربرلرله کوریشوب باریشوب اوپشوب قاریشیرلر جمله سی علی الاتفاق چرکیسی کندولره حاکم [۸] نصب ایدوب امرلرینه فرمان ر اولوب چرکیس [۹] حالا قبارتی چرکزی ساکن اولدوغی ییری کندویه تختگاه پشکویصیوب بودیارک آب و هواسنک لطافتندن چرکیس تناسل بولراق ایکوز بش سنه معمر اولوب یتیمش نفر اولادلری اوشوب [۱۰] هر برینه برر اولکه وروب حاکم ایتدی انشاءالله تعالی هر برقیبله سنک اسملرله تخریر اولنور

[۱] ك : لویه سنه [۲] ك : شب تالی . ط : سیدباری [۳] س : شهزادکان
 [۴] ك : چیقروب [۵] پ : قباق و پشکولر . ك : قوناق قوناق پشکولر [۶] (باصمغه)
 اولمیدر (م) [۷] ك : چراکس عربانه ؛ س ، ط : چراکس عربه [۸] ك : چرکیس ؛
 س : چرکیسی ؛ ط : چرکیس [۹] ك : چرکس ؛ س : چرکیس [۱۰] ك : ایرشوب

دروندن بر کیجه جمیع قبائلیه [۱] قراری فراره مبدل اولوب یرینه عرب بان حاکم مستقل اولدوقده علی الصباح کوردیلرکم کیسویان فرار ایدیکندن (سرا کیسو) دیدیلر یعنی کیسوملک قاجدی دیدیلر حالا ناملری سرا کیسو اولدی کیده رک ترخیم ایله (سرا کیس) دیدیلر اندن دخی غلط خلط کلام اولوب چر کسه دیو شهرت ویرلدی اما لسان رومده چرکز و چرکس دیرلر لسان تاتارده سر کیس [۲] دیرلر لسان عجمده سرکش یعنی باش چکیچی یعنی باش آلوب کیدیچی دیمکدر حقا که سرکش قومدرلر لسان چغتایده چارکس دیرلر زیرا ابتدا بو چرکز ستانه قدم بصلر شفا که [۳] و بربری و ماملوقه و بوزودوق دورد کشی کادکلرندن قوم چغتای بونلر چارکس یعنی دوردکشی دیرلر و لسان موغولیده چرکز دیرلر لسان عربده سرا کیسه [۴] نا کسه دیرلر زیرا مصرده قوم چرکز چوق اولوب اولاد عربی دور ایله [۵] اوردقلرندن چرکز قومه شرا آسه نا کسه دیرلر مصر فلاحلرینک یورکلر قوم چرکز خون ایلشدر و لسان قوموقده چارکس [۶] یعنی قومشومز آدملری دیمکدر خلاصه کلام هرالسنة مختلفه لرده برکونه اسملری واردر اما مسموعمز اولان بونلر در نتیجه کلام اخبار ثقاتدن جواهر اخبار قوللری اوزره مذکور چرکزبان جمیع اتباع و انصاریه خاک عمبر پاک اولان مکه و یثرب و بطحادن فرار اندکده عنه و سلمه خاککنده خاک بغداد بهشت آباده [۷] شهر عظیم و بلده قدیم اولان موصل عتیق قربنده ساکن اولوب تناسل بولراق نیجیبیک عدد قوم عرب اولوب اول خاک پاک ای جای وطن ایدینوب حالا کیسو عربانی قومی آنلردن قالوب عربانان ماینلرنده بوکیسی [۸] عربانلرینه سرا کیسی [۹] عربانی دیرلر قوم اروام کیس عربی دیرلر بعده سنه . . . تاریخده بغداد بهشت آباده خلیفه روی زمین اولان آل عباسیان (المستنصر [۱۰] بالله) پادشاه اوزره هلاکو خان کلوب یتیمش کون جنک عظیم ایدوب آخرکار امیر المؤمنین المستنصر بالله دوتوب

[۱] ک : قائل و توابع و لواحقیه [۲] ک : سرکس [۳] ک : شفا که [۴] ک : شرا کیسه [۵] ک : زور [دوغروسی (دوه) که طوره دیمکدر (م)] [۶] س ، ط : چارکس [۷] دوغروسی (آبادده) اولمیدر (م) [۸] پ ، س ، ک : کیس [۹] س ، ک : سرا کیس . ط : سراکس [۱۰] دوغروسی (المستعصم) در (م)

آندن جمله دن بيوكى (كيس بن شيوخ بشه) در بومذ كورون و دل پسندلرك
 جمله سى حضرت عمر ك بر تيله هر برى بر رخانا ق بنى بوعه حاكم اولوب بونلر تا ولايت
 عراق و يثرب و بطحا و قونفوطه [۱] و مورده غه [۲] و بندر موحانه و بندر زبيده
 و بندر تعزه و قلعه ايبه [۳] و قلعه غرانيه [۴] و قلعه صنعانه و شهر طوله و قلعه كوليانه
 [۵] و قلعه عروسه و ولايت عمران و قلعه دماريه و حبه قلعه سنه و قلعه قاهره و شهر
 دينوه بوذ كر اولنان يمن و لايترينه تاسبا شهرينه رارنجه شيوخ بشه اولادلى مالك
 اولديلى بر قاچ فرزند دل پسندلرينك قولى الاقندارلرينك نامدارلرندن بلاد حبشده
 شهر زيلع و دهلك و موطن اووا و جرق اووا [۶] و كيف و سواكن و . . . شهرلرينه
 مالك اولديلى بر قاچ اولادلى ولايت مغرب زمينده اوچله و حربيه و طرابلوس
 و طنوس [۷] و جزاير و صجه [۷] و فيس [۸] و فرانكيس و تلسان و سودان و ايسه [۹]
 و اسوان و ديقوله [۱۰] و بربرستان و فونجستان و لايت داخو [۱۱] و ولايت معان
 [۱۲] و ولايت افنو و ولايت ماى بورنو و ولايت سكي [۱۳] و ولايت رميل الجالدرك
 [۱۴] حضرت ادريسك رحم مادر دن مشتق اولدوغى شهر عظيمدر الحاصل بوذ كر
 اولنان مصر جزيره سى ايجره بوقره لر و لايتلرن قبضه تصرفه آلوب حكيم و حكومات
 ايدرلر كن حكمت خدا حضرت عمر و قعه سى جنكسند شيوخ العرب بشه نام هام
 بنامى حضرت عمر رضى الله عنه ايله بشه شيوخى شهيد اتدكارنده صحابه كرام ايجنده
 برولوله و بر غولغوله اولوب جميع ممالك محروسه لرده حاكم الوقت اولنلر بر برلر ايله
 جنك و جدال و حرب و قتاله باشلوب بومرحوم مزبور شيوخ بشه نك دخى اولادلى
 بيننه بر تفرقه شديد كيروب بر برلى اوزره سفرلر ايدوب آخر كار بر قاچى بر بيره
 جمع اولوب فرزندانر چند اولان عرب موال برادر مهترى كيسو ايله خلافت ايجون
 جنك عظيم ايدوب امير عمر [۱۵] غالب و امير كيسو مغلوب اولوب كيسو داغ

[۱] ك : قومفوطه [۲] ك : مورده غه [۳] ك : ايبه [۴] س ، ك : عرانيه [۵]
 ك : كلثانه . ط : كواسانه [۶] س ، ك : جرق اووا [۷] ك : تونس [۸] ك : فس
 [۹] ك : ايسه [۱۰] ك : ديقوله [۱۱] ك : داخو [۱۲] ك : معان [۱۳] ك : قهسكى
 [۱۴] ك : رمله الجالدرك . پ : رميل الجالدرك [۱۵] ك : عرنود . س ، ط : عر

قومی عد اولنور اما داغلرده ساکن اولوب بر مذہبدن اولیوب باشقہ لسانلری اولوب شجیع و بہادر قوم اولدقلری جلد اولده مسطوردر بعدہ ینہ کیلہ (شفا کہ [۱] ابن جبل الہمہ) چرکزستان داغلرندہ ابا قلمہ سنہ واروب اندہ مکان دونار حالا بو تخریر اندیکمز قومہ انکیچون شفا کہ [۲] قومی دیرلر اندن بر قرنداشی توابع ولواحقیلہ (بربرہ [۳] ابن جبل الہمہ) طمان اداسنی مسکن وماوی اندیکچون بو جزیرہ طمانہ مورخلر (بربر زمین) [۴] دیرلر بالادہ موصوفر اندن بر برادرلری دخی (ماملوقہ ابن جبل الہمہ) حبش [۵] داغلرینی قرارکاه ایدینوب انکیچون بقول مورخین بو چرکزستانہ (ولایت ماملوقہ) دیو تعبیر وتوصیف ایدرلر اندن بر برادر مہترلرندن (بوزودوقہ ابن جبل الہمہ) اوبور داغلری اطرافندہ قلوب حالا بوزودوق قومی دیرلر والسلام اما ینہ بقول مورخین وعرب وعجم وتانار اولہ روایات حکایات درایات ایدرلرکم چقان حضرت عمر خلافندہ جبل الہمہ شرعیلہ کوزن چیقارتمغہ رضا ورمیوب کافرستانہ فرار ایدرکن یرینہ قرنداشی پشہ حاکم [۶] نهب ایدوب کتدکدہ بو پشہ [۷] نام شیخ عربان بنی نوع انسادر قبائل قریش عربانہ اولہ بر حاکم قوی الاقدار اولدیکم یئزب و بطحا ویلملم وعباس وحجاز وطائف دیارلرندہ کرک ایلہ کوسفندہم رمہ کززلردی تا بومرتبہ مکہ ومدینہ ویمین وعدن جانبلری امن وامان اولدوغندن حضرت عمر رضی اللہ عنہ حظ ایدوب پشہ حاکمک ... اوغوللرینہ حضرت عمر بر اولکہ وروب هر بری برر ملکہ مالک اولوب حکم وحکوماتہ مقید اولدیلر ابتدا شیخ العربان اولان پشہ نک بیوک اوغلنک اسمی (عرب موالی) [۸] اندن بری (عمرہ نودی زهد) [۹] اندن بری (عمور) اندن بری (عنرود) اندن بری (حاتوقا) اندن بری (ژانای) اندن بری (بسناوی) [۱۰] اندن بری (بولقای) اندن بری (قبارطاق) اندن ...

[۱] س ، ک : شفاک [۲] س ، ک : شفاک [۳] پ : بربر [۴] س ، ک : اولکہ بربر زمین [۵] ط : چش [۶] ک : حاکم قائم مقام [۷] ک : بوپشہ [۸] ک : موالی [۹] س ، ک : زهد . ط : عنرود زهد [۱۰] ک : بسناوی

مزید اولوب عارناووددن غلط ارناوود اولمشلر یعنی طار وناموسلرن ترك ایدوب کفره اولدقلرندن عارناوود دیرلر بعده بوجیل الهمه بك اسلام بول ایله قوت اولوب [۱] البصان شهری قربنده برك سنك [۲] نام بر مسیره گاه واردر قوم عرناوود او تفرجگاهه بوزشك [۳] . . . زیرا [۴] بوجله قریب ارناوودلرك جدلری جبل الهمه اول مسیره گاه یرده یطر بعده بوجیل الهمه نك . . . عدد اوغلی قالب اولوب ارناوودباندن جمله رادرلری دلکیر اولوب . . . عدد برادر جان برابرلر يك دل ویک جهت اولوب بر کمی به سوار اولوب نور نصر [۵] شهرینه قسطنطین [۶] شهرنده غلطده ساکن جنوز قرالنه واروب داخل دوشلر اولدخی بونلره مرحله قره دکر سواحللری نهایتده کی بیده لری [۷] احسان ایدوب هر برن برر جنبه قبیله لریله کوندر (لازقه بن جبل الهمه) طره بزانه داغلرنده قرار ایدوب کورجی قومی ایله حسن الفت ایدرهك و تناسل بولارق قوم عظیم اولوب بونلره لازقه قومی دیه دن غلط مشهور لاز دیرلر باشقه لسانلری وار جلد اولمزده لسانلری واصطلاحات عباراتلری و بعض اوصافلری و سیاحت اتدی کمز ولایتلری تحریر اولمشدر اندن صکره کیمله (مکرال بن جبل الهمه) کونیه قربنده نهر جروج [۸] اگسه سنده کی باتوم سنجانغی داغلرنده ساکن اولوب تناسل بولاراق بونلره مکرال دن غلط مکرک [۹] قومی دیرلر بونلرک اصل و فرعلری ینه قوم عرب قریشدرکه کورجستان قومیه اختلاط آتمدن باشقه مکرال لسانن پیدا ایدوب ملت مسیحیه اولدقلری ینه جلد اولمزده مسطوردر اندن ینه کیمله (عبارقه [۱۰] ابن جبل الهمه) ینه قره دکر ساحلنده ساکن اولوب ابازه قومی اولدیلرکه بونلرده آل قریشدن مزید اولوب باشقه لسانلری ایله بونلرده جلد اولمزده یکرمی یدی قبیله بکلریله مرقومدر اندن ینه کیمله (صدشان بن جبل الهمه) داغلا ایچنده ساکن اولوب ینه ابازقه [۱۱]

[۱] ك : اسلام ایله مشرف اولوب فوت اولوب [۲] ك ، ط : برك سنك
 [۳] ك : بوزشك دیرلر [۴] (زیرا) کلهمی ك نسخه سنده یوقدر (م) [۵] ك :
 بوزنطه [۶] ك : یعنی قسطنطینیه [۷] ك : کوه بلندلری [۸] ك ، ط :
 جروج [۹] ك : مکرل . ط : مکریل [۱۰] ك : عبارقه [۱۱] پ ، س :
 ابازقه . ك : ابازه

وشامل برکلام دربار کاملدر اما قوم عربك قریش طائفه سندن فرید [۱]
 اولوب رومه فرار ایدنلر [۲] بقول مورخان جواهر اخبار اولیه تحریر و ترقیم ایشدرکم [۳]
 قوم قریش عرب سندن ارناود و لازقه و مکرال و ابازه و چرا کز قوملری

رومه کلوب مرتد بالله اولدقلرینک تحمیقن بیان ایدر

اولا حضرت عمر رضی الله عنه خلافتنده مدینه منوره ده قبائل قریشدن جبل الهمه نام رکبار [۴] بنام خطاً بر شیخ العربانک کوزن چقاروب مرافعه شرع اولدقده برموجب شرع (آیه شریف) (وکتبنا علیهم فیها ان النفس بالنفس والعین یالعین) ماصدق فرمانی اوزره جبل الهمه ک دخی کوزن چقارمق ایجاب ایدنجه بر کیجه جبل الهمه قرنداشی بشته [۵] وکیل ایدوب جمله قبیله سن [۶] آلوب جبل الهمه قطع منازل وطی مراحل ایدره ک شهر آنطاقیه ده قیصر روم اولان خرقیل قراله کلوب داخل [۷] دوشر خرقیل دخی جبل الهمه به انطاقیه قرینده داغلی مسکن وماوی ویرر وجبل الهمه دخی نب دریاده اسپانیه کفاری الندن بر قلعه فتح ایدوب حالا جبل الهمه دن غلط جبلیه قلعه سی دیرلر بعده جبل الهمه اوزره حضرت عمر قدس شریفی فتح ایدکن نصرکه سفر ایدوب جبل الهمه حضرت عمره مقاومت ایده میوب جمله توابعیه . . . عدد اولاد لرله کیلره سوار اولوب اسپانیا قرانه داخل [۸] دوشر قرال ضالدخی جبل الهمه به مرحمه حالا ارناودوستان [۹] اولان اولونیه و دلونیه [۱۰] ولایتلری داغلرن جبل الهمه به خاص ایدوب بو جبل الهمه قوم قریش اولدوغیچون حالا اول داغله قریش داغلی دیرلر وجبل الهمه نک براوغلی دوقادین [۱۱] بوداغلرده ساکن اولماغیله حالا دوقات داغی دیرلر بو جبل الهمه قومی تناسل بولراق و اسپانیه کفره لرله اختلاط ایدره ک لسان عرب قریشی اونودوب ارناودو لسانی پیدا ایدوب قوم عرب ارناودو قوم عرب قریشدن

[۱] ک : مزید [۲] ک : رومه فرار ایدنلر [۳] ک : ایشدرکم [۴] ک : کافر
 [۵] پ : بشته . ک : بتهبی [۶] ک : قوم و قبیله سن [۷] ک : دخیل [۸] ک : دخیل
 [۹] ک : ارناودوستانده [۱۰] ک : دولونیه . س ، ط : دلونیه [۱۱] ک : توقادین

وعورتلرینه اشن غازیلردن پسران و بنتانلر و اوغول بالی کبی ذیشانلر و دلبران سیم تن سیم انداملر حاصل اولوب انلر دخی انلاری طرفنده اولان ددهلرینه و اقربالرینه اونار اون بشر یاشنده ایکن آنلرده قلیج اورمغه آهنگ ایدره ک ددهلرینک دارودیارلرین باشلرینه دار ایدره ک نیجه بیک پاره قرا و قصبات و شهر و قلاعلری و بلده معظملرن فتح آتمده درلر الی ماشاءالله دولت آل عثمان مؤبد اولوب لازستان و مکرلستان و آبازستان و چرکزستان و لابتلری کبی هر دار و دیار و دیور کافرستانی فتح ایدوب دیورلرن مسجدر و جوامعلر ایدرلر اما بالاده ذکر ی سبقت ایدن جمیع ملت نصارالردن اصلح موجود سهل بهانه ایله اسلامی قبول ایدر و دیار اسلامه کیدنلری کیدوب کلور قوم آبازه قریشی و چرا کزه [۱] قریشی قوملریدر کم بونلر کتابی دکلدر بر الای داغی و باغی و یاغی قوم ابلهلردر کم بقول مورخین اجدادلری مکّه مکرمه دن قبائل قریشدر کم قبائل عربک اشرف محمود الحصائلی عرب قومی اولان فصحای بلغای مسعود الشائل [۲] ایدیگی مقرردر زیرا حضرت سرور کائنات و مفخر موجودات اول سلاله شامدن [۳] وجوده کلشدرلر آندن قبائل ممدوح عجمدر کم ابتدالری قوم تاناردر کم بویکی قومدن ادیم ارض مزین اولوب بنی آدمله معمور اولمشدر انکیچون حضرت کونینه [۴] (سیدالعرب و العجم) دیرلر زیرا ابتدا عربدن ماعدا تانار و عجم و تورک ترکان و موغول و بوغول و داغستان و قوموق و قوزاق و هشدک و یقای چا و لیه [۵] و اوزبک و چغتای [۶] و قلماخ و فغفور و چین و ختا و ختن و ماچین و هند و سند و لرستان و ملتان [۷] و سلطانیه و سمرقند و کابلستان و زاولستان و بابل و ارمنستان و مازندران و فارس و خراسان و کاشقر و خوارزم و طبرستان و تورکستان و کیلان و عراق عرب و عراق عجم و عراق دادیان و ولایت کرمان و کنجه و ضروران و شماقی و مکران و سیستان و بدخشان و آذربایجان و سمنان و ایران و توران و بلخ و بخارا و نیجه یوز بیک دیارلرده ساکن اولان امت محمدلره عجم بسمیه اولتور انکیچون (سیدالعرب و العجم) دنلدکده جمله یه عام

[۱] ک : و چرا کزه [۲] ک : الشائلی [۳] س ، ک : سامیدن [۴] دؤغرومی (سید کونینه) اولمیلدر (م) [۵] س ، ک : لیه [۶] ک : چغتای [۷] ک : مولتان

اولوب اناطولی اطلاق اولنان ولایتله امت محمد مستولی اولدیله وسنه ... تاریخنده
 غازی سلیمان پاشا [۱] ابن اورخان غازی قره مرسل و قره قووجه [۲]
 و قره قووجه [۳] و قره اجه [۴] یعقوب و قره قووجه آل و قره ادابالی نام
 قرق نقر قره قووجه ایله قپوداغی بورنندن بحر رومی قرشویه صالدر و قایقار
 ایله رومه کچوب ابتدا کلی بولی خاکنه قدم بصوب (بسم الله الرحمن الرحیم)
 دیدکلی « نص شریف » تاریخدر اندن اول جایی نهب و غارت ایدرک ابتدا
 شهر ایشلاهی [۵] فتح ایدوب صلا و یردیله انکیچون (ابتدا صلا) دن غلط
 مشهور (ایشله) [۶] دیرلر اندنصرکه کوندن کونه نیجه سواد معظملری قبضه تسخیر
 و تصرفله آلوب مال غنائملر اللرینه کیروب شکار ایندکلی نسونلری و بنتانلری
 عقدنکاحه چکوب توالدوتناسل بولراق تاسنه... تاریخنده فاتح ادرنه غازی خداوندکار
 و اندن غازی ابوالفتح و اندن غازی سلیمان خانه کلنجه روم ایلی و اناطولی تعبیر قلنان
 دیارده یتمشیدی عدد قوم نصارالردن قوم قدیم ارناوود ولاز و آبازه و چرکس
 و خرواد و صرف و بولغار و قلویز و وینیق و لاتین و افرنج و مجار وله و چه و روس
 و قورول و طوت و قوروس [۷] و ماصقو و کورجی و دادایان و آجق باش و مکریل و کوریل
 و شوشات [۸] و کفره روم و ارمنی و دودوشقه و انکلیس و نمسه و اسفاج و تالیان
 و قلهوین و فلمنک و پورتقال و دونقار قیز و دانمارقه [۹] و وندیك و اسپانیه [۱۰] و جنویز
 و فرانسه و ... و افلاغ [۱۱] و بوغدان و الحاصل بوذکر اولنان کافرلرک دار و دیارلرن
 آل عثمان حراب و بیاب خانلرن تراب اسارالرن کباب ایدرک فتح قنوجاتلری ایتدی
 قوم تاتار صبارفتار عدوشکار بی رحملر دخی قریم خانلرنده [۱۲] بربری عقبلر نیجه آل عثمانه
 امداد ایدرک حددن افزون و حسابدن بیرون مال غنائملر و اسیرلر کلهرک مادیلرینه [۱۳]
 آشن [۱۴] ایغرلردن کجیل [۱۵] آتله حاصل اولوب یرلر [۱۶] و کفارک قیزلری
 [۱] ك : بك . ۰ : نسخه سنده اولجه بك ایش صوکره جیزلمش باشا یازلمش (م) :
 [۲] س : قره قووجه [۳] ك : قره قووجه [۴] ك : آجه [۵] س ، ك : ایشلاهی [۶] ك :
 ایشلا [۷] پ : قوروس [۸] ك : شوشاد [۹] ك : دانمارقه [۱۰] ك : اسپانیه
 [۱۱] ك : افلاق [۱۲] ك ، ط : جانلرنده [۱۳] ك : مادیلرله [۱۴] ك : آشان
 [۱۵] ك : کیلان [۱۶] س ، ط : سرلر ك نسخه سنده بوکله یوقدر. ظن ایدرکله یتشمک
 معناسنه اولان (بتلك) مصدرندن مضارعك جمع غائبی یعنی (یتلر) اوله جقدر (م) :

دربيان طلوع و ظهور اصل وفرع قوم مامه لوقه يعنى قوم چرا كسه

شفا كه بوزودوق [۱]

اولا بقول مورخان روم و نكته پردازان روى المفهوم [۲] و حكايه درازان مورخ روم و يونان و مورخ لاتين ميكال و مورخ قبطى طوطيس ابن نطيس و مورخ طالين يارمنى مغديس [۳] و الحاصل جميع روم و عرب و عجم و تانار قوم لرينك معتمد تواريخ معتبره لرنده اويله تحرير و تسطير ايدرلر كم (آيه) (ومامنا الاله مقام معلوم) نص شريفى موجبنجه ابتدا روى ارضه مقام ايدينن آدم صفيدر اتده اولاد و اولاد اولاد لرى منتشر اولوب وجه اديمه آدم مستولى اولدى اما سكان روم و اجناس متنوعه آن مرزوبوم بتقدير الحق القيوم فرمانيله اصلنده قوم روم عيص بن اسحق نبى اولاد لرنددر اما قول صحيح يافت اولاد لر بدر كم [۴] بر قوم شجيع و پاك اعتقاد كسنه لر در كم ابتدا ديار رومه اسلام ايله قدم بصن قوم رومدن آل سلجوقيان ايله آل دانشمندايدر سنه ۴۷۶ تاريخنده امراء دانشمنديه ايله يك دل و يك جهت اولوب قلعه ملاطيه و قيصره و علائيه و انطاقيه و قونيه ديار لرينه كلوب مستولى اولوب سلطان اولديلر اما ابتدا طلوع لرى ماوراء النهر دن بعد الهجره ۲۰۰ سنه مرورندن صكره حضرت عمر اولاد لرندن امير زياد و آنك اوغلى امير لقمان و آنك اوغلى امير عمر ملاطيه قلعه سن ارمن كفره لرى دستندن آلوب دارالملك ايتديلر بعده سنه ۶۰۰ تاريخنده آل سلجوقيان سلطان علاء الدينده انقراض نسل بولوب دولت آل عثمان ماوراء النهرده ولايت تورانده شهر ماهاندىن ارطوغرول دوغرولوب گلش ايدى علاء الدينك يرينه اردوغرول رومه مستقل بك اولدى اندن ارطوغرول بروسه قربنده روم كفره لريله يلاق آباد قلعه سنده جنك ايدر كن شهيد اولوب سو كود قصبه سنه دفن ايتديلر بعده ارطوغرول اوغلى عثمانحق رومه سنه ... ده مستقل بك اولوب قونيه ده سكه و حصه [۵] صاحبي

[۱] ك : بوزودوق در دامن البرز [۲] ط : ذوى المفهوم [دوى المفهوم]

اولمليدز (م) [۳] ك : مغديس [۴] ك : يافت اولاد لرنددر كم [۵] ك ، ط : خطبه

خانه سنه قونوب عظيم وزنى اوزره خانه قناق بانلق ايتدى بو شفا كه بكي جمله
 اوچ بيك توفنك انداز پر سلاح آتلى ويايان عسكره مالكدر اما جمله اون بيك
 آدم اولور بو قومدن غيرى قره دكز كنارنه وارنجه چركس قومی يوقدر
 و بو محله كوه البرز داغرينك اوجلى تمام اولدى و بوشفا كه داغرينك قبله
 جانبلى جمله آبازه ولايتلريد كه قره دكز كنارينه واقع اولمشلردر اما بو
 چركزستان ابازه ايله نهر قوبان مابينده اولان كوه البرزه متصل و امانا [۱]
 و او بور داغرينك داملرندن تا نهر قوبان كنارينه واقع اولمش چركزستان
 ولايتلردم غرېدن جانب شرقه طولى طفسان قوناق تا كوه البرزه وارنجه چركزستان
 ولايتلردم نهايتنده بوشفا كه قومی قره دكز ساحلنده تمام اولور لکن بوشفا كه
 داغلى غرېدن شرقه تا كوه البرزه وديار داغستان واولكه قوموغه وولايت عجمك
 تادمر قپوسنه وارنجه كوه البرزه متصل شفا كه داغليدر وابتدا بوشفا كه چركزلرينك
 اجدادلى مكه مكرمەدن برالای قوم قريشيلر فرار ايدوب عه سالمه [۲] چوللرندن
 عراق بغداده چيقوب بر برادري سوانده [۳] قالب كس [۴] عربانى اولدى و بر
 قبيله سى جيليد [۵] جبل الهمته [۶] كلوب برى غزده عميسى هاشم حضر تيرينه
 كلوب قالر اما جيليد جبل الهمه يانده قالر ناسه [۷] اوغلى كيسوا [۸] انصاوده [۹]
 قيصر روم اولان خر قيل نام قرالضاله كلوب اندن اسلامبولك پونطنه [۱۰] قرالى
 اولان جنوز ياننه كلوب بوكيسو يورداستر اولدخى كيسو يى اوچ قونداشيله كميلره
 قيوب قره دكز ساحلرند بوزدقدر [۱۱] لازقه قريش عربى طرابزانده قالر
 حالا قوم لاز لازقه قريشندىر اندن عبار [۱۲] قريش ابازه ولايتنده قالر اندن
 كيسو قريش عرب امانا [۱۳] قلعه سنه چيقوب ابتدا كيسو شفا كه اوغلى ايله بو قره
 دكز ساحلنده وطن طوطنلر بعده تناسل بولراق قرق عدد قبيله اولورلر

[۱] ك : انايا [۲] هر نسخه بويه نقطه مزدر (م) [۳] ك : بسوانده [۴] پ ، س ،
 ك : كيس [۵] ك : جيليد [۶] ك : جبل الهمه [۷] هر نسخه بويه نقطه مزدر (م)
 [۸] س ، ك : كيسو [۹] ك : انطاكيده [۱۰] انطاكيده (اولمليدر
 (م) [۱۰] ك : بوزنطه [۱۱] دوغروسى (يورد و رر) اولمليدر (م) [۱۲] ك : اباز
 [۱۳] ك : آنايا

در وصف پشكووچرکز شفاكه

بومخلده شفاكه بكنك تختيدر كم لسان چركسیده بشكو دیوبكلرك ساكن اولدینی
 يرله بشكو دیرلر یعنی تخت مناسبه در قصبه مثال عظیم کویدر جمله بشیوز اللی
 عدد ساز اورتولی وچیت اورولی وایکیشر قبولی بری بری ایچنده اولردر جمله
 یینه چیت اورولی صارب حولیلری واردر اما بوولایترده اچقه وپول وباغ وباغچه
 وچارشوی و بازار و خان و حمام و کینسه یوقدر کافر و مسلمان دکلردر کندولره
 کافر دیسک غضب آلود اولورلر بهی مسلمان دیسک اغماز [۱] ایدرلر و حشری
 نشری انکار ایدرلر انسان اوت کبی بتوب یتوب کیدر دیرلر کافری کورسه لر
 سومزلر مسلمانی کورسه لر حظ ایدرلر بر آلائی داغی و باغی و یاغی آدملردر
 ومذهبلری مجوسیلردر چارشوی و بازار و اچقه اولمادغندن هر متاعلرن بر برلر یله دکش
 دو قوش آتمک ایله ارتباط بولدرمشلردر اماینه جمله قومی اولرنده اهل صنایمدرلر کم
 اللرندن بر معرفت قورتولماز غایت چیر و جمشید صنعت [۲] آدملری واردر بوشفاكه
 بشکوینک قبله جانبی قره دکزدر بر مرحله یردر بشکوی شفاكه داغلرینک دامنده
 برواسع چمنزار ودرختستان ایچره قرق او بر قرانده [۳] اون اوبر قرانده ویکرمی
 اوبر قرانده اویماق اویماق یعنی اقربا و تعلقاتلر بر یره قونوب اطرافلرینه چالیدن
 و قالن درخت منتهالردن آزاره [۴] یعنی چیتدن صارب قلعه مثال حولیلر یا پوب
 اولری و جمیع حیواناتلری بو آزار حولیلر ایچنده در هر کیجه ایکی یردن قبولرن
 سد ایدوب ارسلان کبی کوپکلرینک کند [۵] زنجیرلرن [۶] آلوب خواب
 راحتده اولورلر جمیع چرکزستان بویه در اما شفاكه بکی انجیروق بك سکسن یاشنده
 صقالی طراش بر سمز کفره شکلی مسلمده دکل بر آدمدر محمد کرای خان آنک

[۱] ك: اغماض عین [۲] ك: چیر و جست صنعت [ظن ایدرم که دوغروسی (چیره دست
 صنعت) اولمیدر (م) [۳] دوغرو املاسی دیگر اسکی کتا بلرده کورولدیکی و حالا بزم
 طرفلرده سوبانمکده بولوندیفی وجهله (قراکده) اولمیدر (م) [۴] پ: آزاره . س،
 ك: آزار [۵] دوغروسی متعارف اولدیفی وجهله (قوند) اولمیدر [۶] ك: کوپکلرینک
 بند و زنجیرلرن

بر = ۱ ایکف = ۲ اوش = ۳ ترن = ۴ بش = ۵ آلی = ۶ جدی
 = ۷ سکز = ۸ طقوز = ۹ اون = ۱۰ چالاب = اللہ چارادن [۱] = اللہ
 یلاواج = پیغمبر جولوقدق = راست کلدک صدقلاب = تیرکشی صوات
 = پوصات کوبہلی = زرخلی زورجکت = قوتلی یکت باطر جکت = بہادر یکت
 چابول = سفر جیور = قویور قوش قزان = اغرلق یوکی شورہ =
 اوغلان منا [۲] جو قدر = اشدہ یقیندر برباش اورتم = برجا ایتدم طوالر
 یصہدم = دعالر یاپدم آیطم وار = سوزم وار آیطایم = سویلیم جکور
 کشی = سکرد آدم آلائی جول برسن = اللہ یول ورسن شورہ لرم بار =
 اوغول لرم وار قرہ شیلرم = ایش ارلرم طیوم بولفندہ = دویم اولاندہ
 آشقمان [۳] = عجلہ اتمک ہونفا [۴] آشی = لپا طعامی ترک = اغاج
 قوم تاتار نوغایک ترکی یرلادقلری تکرملہ لردر

(تورکی تکرملہ)

اوسورغانک اورنبولسون	قول سویکدہ بران بولسون
قودلاغہ پندرسن	قول مویکدہ سندرسن
جاوور آتقہ بندرسن	خان سویکدہ سندرسن
تمق [۵] ناقش قان چاتلاسن	طوہ ایجکی [۶] آیلسن [۷]

دیگر تکرملہ نوغای

آی نوغایلی نوغایلی آرباجنی [۸] طوغایلی
 کتوروب صوقاغہ قولایلی والایلی وای والایلی

نتیجہ کلام ہونک امثالی نیجہ کرہ بوز بیک کونہ الفاظ مہملہ مالا یغیلری واردر
 بعدہ بوجوبان قلعہ سندہ چوبان مرزا خانہ برقاچ یورغہ آتار وروب و آت اتندن
 خانہ خیل ضیاقتلر ایدوب اندن ۴ ساعت اورمانلر ایجرہ کیدوب

[۱] س : چارادن [۲] ک : مونا [۳] ک : آشقماک [۴] س ، ک : ہونفا
 [۵] س ، ک : تمق [۶] ک : ایجک [۷] ک : آیلاسن [۸] ک : آرباجنی

ایدوب اداخون بوغازی اوکنده قره دکیزه مخلوط اولور آب حیات کوچوک صودر آتیر ایله کچرلر (درقیافت قبای قوم نوغای) اورته بویلی اوموزلری واسع بللری ایجه ابری باشلی و قبا قولاقلی ویسی آلتلی و کوچوک کوزلی آدملری ده واردر اما محبوب و مطلوب مرالی کوزلی و شیرین سوزلی نوغای دلبرلری اولور اما صفاللری البته بشر اوز قیللی کوسه قوم غضوبدرلر اما لباسلری آلتنه [۱] قیون پوستی کور کدر و باشلرنده قالپاقلری ینه تیلکی و قوزو کورکی بور کدر و ایچرده اثوابلری آلتنه [۲] مرزیفون بزندن مائی و قرمزلی قپاملردر و کوملکلری دخی قرمزلی و مائی بزردنبر اکثریا قوشاقلری شال و خام ابرشیم قوشاقلردر سلاحلری ینه سائر بادراق و سخونلی [۳] و شیرینلی و منصورلی قوملری کبی چتال آتیره بنوب قلیج و صدق و بر قامچی طشرلر غیری سلاحلری یوقدر (دراشکال لباس نسوان نوغای) ینه بونلرک دخی کیدکلری قیون و قوزو کورکلری و باشلرنده تاتار قالپاقلری و آیاقلرنده صاری جزمه لری و ارنیجه سی حریر خلعتلر و الوان بوغاسی خفتانلر و حریر قوشاقلر قوشاترلر و آت بنوب ترکش و قلیج باغلترلر لکن مرالی و غزالی ختن آهوسی بادمی کوزلی مژکانلری تاتار خدنکی مثال کرپکلی و کان یا قاشلی کیسودار و خال هاشمیلی پنجه آفتاب و مهتاب دخترلری و کالم خواتینلری اولور (طعاملری) ینه تلقان و قورد و یازما [۴] و لحسه [۵] شوربایی آت آتی و آت ایله سی و آت قانیسی [۶] یعنی آت ا که کی [۷] کمکلری باصدرماسی و داری ا که کی یرلر الحاصل یدکلری داری کیدکلری دری اولری ساز کندیلری ناساز قومدرلر اصلا بوغدای ا که کی یمزلر و صو ایچمزلر همان بوزا و مقسمه بوزاسی ایچرلر بو مقسمه بوزه سی کیف ورمیوب علمای نوغای ایچر کسکین بوزالرن یکتلری ایچرلر

در شرح لسان قوم نوغای

کرچه بالاده لسان تاتار یازلمشدر بونلر دخی قوم تاتاردر اما بو نوغای قومنک باشقه لسان و اصطلاحات و عباراتلری واردر اولا اچقه حسابلری بویله در

[۱] س، ک، البته [۲] ک، البته [۳] ک، و شبخونلی، ط، و سخونلی [۴] ک، یازما [۵] ک، لحسه و غروسلی (برهان قاطع) دکوره (لاشخه) در (م) [۶] ک، قازیبسی [۷] ک، ایکو

و آریا و داری اکر لر حتی دوه لر صفردن اعلا جفت سورر لر جاموره دایا تر برکونه بغور دوه لر یدر کم ارقا لرنده ایکبشر اور کوجلری واردر کویا قدرتن اکر کبی خلق اولمشدر (در بیان سبب خلقت بغور دوه) بقول مورخان عراق عجم چنانکم یزید بی مزید عسکر یله امام حسین حضرت تلمری دشت کربلا ده جنک شهر عظیم ایدوب باسر الله امام حسین بودشت عسکر نده [۱] شهید اولد قده یزید یلر حضرت حسینک اهل عیال و اهل بیتن عریان ایدوب تسخیر [۲] عالم ایچون دوه لره بندروب عسکر لری ایچنده حرم حرمة اهل بیت امام حسینی کز در لر لکن همان باسر الله تعالی دوه لره ارقا لرنده کی اور کوجلری ایکبشر پاره یار یلوب اهل بیت امامک عورت یرلری ستر اولور بو حالی یزید یلر کوروب ینه جناب باریتک حکمتدن عبرت آلیوب ارقا لری ایکی یار یلان دوه لردن اهل بیت امامی ایندیروب اول نازنین وجود لری دشت کربلا تک شدت خارنده عریانا پیاده کز درر و شهر ایدلم دیرکن ینه ستار الله اول آن واحده اهل بیت لره اوت [۳] یرلرنده و بوت یرلری [۴] آره لرنده پوست کبی توکلر بتروب اهل بیتن عورت یرلرن ستار باری ستر ایدر بوندن دخی قوم یزید عبرت آلیوب اهل بیت امام حسینی شهید ایدر لر رحمة الله علیهم اجمعین مآل کلام اولدر که بوقوم نوغایک عربیه چکن واکین اکن چتال اور کوجلی بغور دوه لری دشت کربلا حادثه سنده خلق اولتمش چتال اور کوجلی دوه لدر و السلام ازین جانب مذکور چوبان ایلی قلعه سی ایچنده اوبالردن غیری شی یوقدر قلعه اطرافنده غیامثال درین خندق و ار دخی اطرافی صو [۵] اورمانلی بایرلی و چایرلی یرلدر اما زمین قلعه سی بردوز چمنزار یرده واقع اولمشدر (قلعه دن طشره واروشی) جمله ایکویز قدر کچهدن اوبا اولدر و بو چوبان ایلی قومنده اولان حیوانات و صغر و صیپا و آت و قیون و قوزو و غیری دواب و مواشی بر تاتار قومنده یوقدر و اسیر لری دخی غایت چوقدر غایت اغنیابای قومدر و بو چوبان قلعه سنک قبله سی جانبنده کی خندق ایچره (نهر پسی بابسی) [۶] جریان ایدر ابتدا طلوعی ینه شفا که داغلرندن خروج

[۱] دوغروسى مصدر اولارق (عسکر تده) اولمیدز (م) [۲] ك : تشبیر [۳] ك : اود

[۴] ك : و بودلری [۵] دوغروسى (صیق) اولق ممکندر (م) [۶] س ، ك : نهر پسی بابسی

کویلره صله [۱] دیرلر بوقباق قومی غایت حاصیلردر اما محمد کرای خانه اطاعت ایدوب صهرم [۲] ویردیله یعنی تعینات ذخیره وروب قباق بانلق ایتدیله یعنی اولرینه قوندردیله بوشفا که چرکزی چوبان الی نوغای قومی ایله بربرده مخلوط قوم درلر اندن ینه مشرق طرفنه صارب داغلا ایچنده ۳ ساعت کیدرکن تانار عسکر یسندن بری چرکز عرب‌سندن بر بالی آلدیغیچون بر غوغای عظیم ایدوب بر بالقدن اوتوری چرکسلر اوج تاناری اولدردیله غایت شدید لجوج و غضوب لمعون قوم درلر اما غایت بهادر و شجیع یرار و نامدار یکتلردر اندن ینه سمت شرقه کیدرکن مخاطره یرلری کچوب

درقید اشکال قلعه چوبان

سنه ... تاریخنده اسلام کرای خان عصرنده چوبان میرزا چرکز عشقیالردن امن و امان اولماق ایچون بوقلعه یصه‌مشدر یعنی یامشدر چارکوشه اغاجدن بر پلنقه بنا آمشدر جرمی کامل دورد یوز آدیم اولوب چارکوشه‌سندنه ینه برر دانه اغاجدن متین قله‌لی و جانب شماله ناظر براغاج قپوسی وار قلعه ایچنده بر کارگیر بنا بر مسجدی وار حمامی و چارشوی و بازاری و خانی یوقدر زیرا بوقلعه اهالیسی آنجاق قیش کونلری بوقلعه‌ده ساکن اولورلر غیری زمان داغلرده و صحرا‌لرده اوبالری و قیونلری و خلقتلریله [۳] ساکن اولورلر اوبه‌لری ینه ترکان اوبالری کبی کچه‌دن قبه قبه اولدرکم ایچلری قفس قفس اورولوب طوقاق قایشلریله باغلی چپوق اغاجلردر حین محله اوبالری بوزوب قایشله باغلی قفس چپوقلری بر یره جمع اولور مصنع اوبا اولدرکه تپه‌لرنده برر دلکلی واردر آندن آیدنلق کرر و قیش کونلری اوبالری ایچنده یانان آتشلرک توتی اول دلکدن چیقار حمام کبی کچه‌دن اولدر کوج محله‌ده بوکچه‌دن اوبا اولری دومله و دوه عرب‌لرینه قبه کبی اوبالری تحمیل ایدوب قنوب کوجرلر و جمع عرب‌لرن دوه‌لر بیوندورقله چکوب قناق قنق کتوررلر و جمیع نوغای تانارلری چفتی دوه ایله سوروب بوغدای

[۱] ك: صلا [ممکن‌که اسکدارده‌کی (صلاحق) بومك مصغریدر (م)] [۲] س ۶،

ك: صهوم . ط : جهوم [۳] ك : و حیوانانلریله

بر آب حیات نهر عظیمدرکه منبئی تا داغستان ولایتند کوه البرزدن طلوع ایدوب
چرکزستان ایله هیات صحراسی ارهسندہ یتمش قوناق یرہ جریان ایدہرک بوقزل طاش
قلعہسی قربندہ اداخون بوغازندہ قرہ دیکزه مخلوط اولور بو حقیر دخی کیلرله
قرشو طرفہ کچوب

دربیان ولایت عظیم ماہلوقہ یعنی اولکۀ چرکزستان قوم بوزودوقہ

محمد کرای خان ایله وجانبہ کرای سلطان ایله چرکزستان

وداغستان ولایتلرینہ کیتدی کمز بیان ایدر

سنہ ... ماہ شوالنک اوننجی کونی چرکزستان مملکتہ قدم بصوب قطع منازل
وطی مراحل ایدہرک عساکر تاتار خان ایله مشرق طرفہ ۴ ساعت کیدوب
(خان دپہسی) نام محلی کچوب

اولکۀ نوغای چوبان الی [۱]

بوز یاشندہ چوبان نام بر میرزه [۲] جمیع قوم نوغای تاتارینک کزیدہ سیدر
بوقوم چرکزک شفا کہ [۳] نام قبیلہ سیلہ قرداش اولوب چرکس دن قز آلوب
لکن حرہ قزورمدن چرکزله اقربا اولوب بو شفا کہ چرکزستانندہ یورد
ایدنوب ساکن اولور لر داغلر و صحرالر ایچندہ کوچر اولی اون بیک عدد اومادر
جمله بکرمی بیک عدد صدقاتی وصواتلی زوربطر کزیدہ نوغای عسکری اولور
غایت بہادر جرد آتلی شجیع پرسلاح ارلردر اندن ینہ جانب شرقہ داغلر و عظیم
درختستانی اورمانلر کچوب ۵ ساعتہ

اول حدود چرکزستان قوم شفا کہ قباقی

یعنی شفا کہ قومی کوی شمدنکرو بودیارلردہ کویلرہ قباقی دیرلر تاتارستاندہ کی

[۱] ک : ایل [۲] ک : مرزا [۳] س ، ک : شفا کہ [نوکلہ بر قاج کرہ دها کلہجک
س ، ک نسخہسندہ داغما بوبلہ تقطلی شیندن سوکرہ تقطلی غین ایله بازلشدر (م)]

کچھ میوب ہونڈہ اوطوروب اصلا اسلام عسکری ضرورت چکمہ مشلر و حالا بو جزیرہ پادشاہیدہ اچہ ایلہ مسافرلر برشی آلسلر اکر جانم ایلہ ایسہ خانلرہ قون دیو اودن مسافری قوماق استرلر یعنی تا بو مرتبہ طمان اداسی کویلرندہ مسافرہ چول و طوربا وکیسہ چیقار تاملر یدیروب ایچروب قوندروب کوچروب رعایت ایدرلر تا بو مرتبہ غنیمت یردرکم بر آدم براودہ اون آتی ایلہ اون کون اوطورسہ خلقی حظ ایدر بر آلائی شوخ و یارانندن [۱] « غنی » اسمنہ مظهر اولمش غنی چرکس آدملر یدر اصلا بو جزیرہ دہ تاتار یوقدر دورہ مازدہ زیر کفہ ایالتی حکمندہ اناطولی طورپراغی عد اولنور روم ایلی طرفی قرشو قرم دیار یدر قرم ایلہ بو جزیرہ شاہی مابینہ مالزندہ اون سکز میل قرہ دکز جریان ایدر بر بوغازدر اندن ایجری بش میل شمال طرفنہ چوچقہ بورنی وکسہ جک بورنی ارہ سندہ ازا ق بوغازی واردر و بو طمانک ادای شاہی یوردی غایت محصولی یزلر درکم برکیلہ تخومی یوز کیلہ و یرر اما دارومی یوزاللی کیلہ و یرر برکان نباتدر حکمت خدا بو جزیرہ ایچی بر ساعت دوزنک واسع صحرالر و بر ساعت کوللکلر و بایرلر در و بحیرہ لرندہ کونا کون اوردکاری وقازلری و قغولری و بالقجالاری و سرخاب و قرہ بطاقلری و صقا [۲] قوشلری و نیچہ کونہ صید و شکار اولنور آوکاھلری وار و یتش کونہ بالئی مشهور و یحسابدر الحاصل بو جزیرہ شاہی شہرانکیژدن مبرا بر محصولی دار دیاردر اندن حقیرینہ طوزلہ قلعہ سندن برکوندہ تکرار (قلعہ قزل طاش) ہونڈہ اولکون خان حضر تلری دخی کندی قیوسی قوللریلہ کانجہ قزل طاش قلعہ سندن طوب شادمانلری اولوب اندہ حاضر اولان کیملرلہ فی الحال نہر قوبان عظیم اوزرہ ادا خون نام بوغازی قزل طاش دبندن بلاعسرہ قرشو طرفہ عبور ایدوب خا آرقمی اوزرہ یطوب راحت اولدی زیرا بو طرف قومی چرکزستان آدملر یدرکم آل عثمانک کفہ و ایلرینہ حربہ اوجیلہ عشر و یروب اول قدر مطیع و منقادلر دکلدر در بونہر اوزرہ بو ادا خون بوغازی نہر قوبانک قرہ دکزہ مخلوط اولدوغی محلدرکم یارم میل انلی بر عظیم بوغازدر و بو نہر قوبان ایچندہ کیملر کزوب تا تمرک قلعہ سنہ و بلانلی اداسنہ و مراد ایدن سہ دخی یوقار و کیملر کستمک ممکن

[۱] ک : شوخ مشرب و یاران طبیعتدن [۲] ک : سقا

وانباری و قله‌لری ایچره جبه‌خانلری و اون عدد شاهانه شاهی طوپلری وار کفه ایالتنده صوباشیلق و طمان قاضیسی نیابتیدر قلعه‌سی صافی قوم ایچنده دریلدز روز کاری طرفنده سهل حواله‌سی واردر (طشره واروشی) جمله سکن قدر سازدن مینی چرکس اولری قلعه‌نک شمالی طرفه واقع اولمشدر انجاق برجامی وارمناره سزدر و بر آب دکرمانی وار [۱] غیری چارسوی و بازار و خان و حمام و باغ و باغچه یوقدر اما مشبک بوستانلری غایت چوقدر بو محله ادای شاهی جزمی و کفه ایالتی تمام اولدی و بو ادای شاهینک جووجه بورنی طرفنده نیجه خراب قلعه‌لر واردر اما جنوز کفاری عصرنده بوادا و قله‌لری او یله آبادان ایمشکم جمله ایکی کره یوز بیک کفره و فخره لشکری و ارایمش بعده نیجه یرلن تیمورلنک یقمش و یاقش حقیر سیر و تماشا ایدرکن قلعه طماندن خان افندیز حضرتلرینک عظیم عسکرلری کلوب بو قزل طاش قلعه‌سی دبنده جمله تاتار عسکری مکث ایدوب برکونده یوز پاره کیمله قزل طاش قلعه‌سی دبندن نهر عظیم قوبانی قرشو طرفه کچمکه جهد ایلوب جان آتیدلر زیرا کردن یکی تاتار خان لشکری کلر دیو خوف ایدرلردی اندن بو حقیرینه ادای شاهی ایچره سیر و تماشا ایدره مکمور و آبادان یرلده جانب جنوبه ۲ ساعتده

قلعه آناپا [۲]

جنوز بناسیدر اما کدک احمد پاشا فتح ایدوب لازمی قلعه دکدر دیو خراب آتمشدر اما ایچنده آب حیات صوبی واردر بو قلعه معمور اولسه ازاق بوغازندن کافر کیلری قره‌دکیزه چیقامازلردی آ که قریب یرده طوزله بورنی نام محله بر قومسال یرده

قلعه طوزله

بودخی ویران اولوب [۳] بونی ازاق قزاقی خراب آتمشدر اما حد ذاتنده لازمی دکدر لکن زمان قدیمده او یله معمور و آبادان ایمشکم آل عثمان عسکر یله اوزدمر اوغلی عثمان پاشا یدی آی بو چوجه [۴] بورندن قرشو قرم ولایتنه شدت شتادن [۱] ک : و برآت دکرمانی وار [۲] س، ک : آناپا [۳] س، ک : اولیور [۴] ک : جووجه

ایمش بعدہ بایزید خان عصر نندہ بوندہ قزاق کفاریلہ کدک احمد باشا جنک عظیم ایلہ قانلر آقارق فتح اولدوغیچون آداخون یعنی قان آداسی دیدیلر بعدالفتح قلعہ سن منہدم اندیلر اما عجب یرندہ معمور اوله جق قلعہ در حتی سنہ ۱۰۴۸ تاریخندہ [۱] سلطان مراد خان رابع بغداد بہشت آبادی دوکرکن پیالہ کتخدہ دونمہ ہایون ایلہ بواداخون بوغازندہ سکسان آلتی پارہ اوروس منحوس شایقہ لریلہ اون کون اون کیجہ جنک سلطانی ایدوب آخرکار فرصت و نصرت آل عثمان عسکرینک اولوب جملہ کافر کیلرن فتح ایدوب اسیرلری و مال غنایملریلہ دردولتہ کلوب بغداد آلتندہ مراد خانہ عرض اولندی اما بواداخوندہ (زیارتکاہ شہیدان آل عثمان) جملہ بیک یدی یوز عدد شہیدان دشت خاموشاندر زیرا بو جنک حالی [۲] نیجہ تواریخلردہ مرقومدر بو شہدالری بو حقیر زیارت ایدوب اندن قبلہ طرفنہ ایکی ساعت کیدوب (صلہ صوو جوق) دورت یوز اولی و اوچ مسجدلی و بر جامعلی و بر خانلی و اون دکاتلی قصبہ مثال بر صلہ در بو کویدہ بارزوق بک [۳] صلیانہ ایلہ چرکس بکیدر و جملہ رعایالری دخی چرکسدر اندن سمت قبلہ یہ اوچ ساعتہ (ادریس صلہ سی) اندن آتش بک قشلاسن کچوب ایکی ساعتہ

اوصاف دارصواش یعنی قلعہ صغیر قرل طاش

سنہ ۹۲۱ تاریخندہ بونی دخی سلیم شاہ اول بنا اتمشدر کم اول عصر دہ بو جزیرہ نیجہ کرہ چرکس عشقیاسی [۴] بصوب نہب و غارت اتمشدی آنکچون بو قلعہ سلیم خان یصدی اداخون کولی قرہ دکیزہ مخلوط اولدوغی رده لب دریادہ چار کوشہ کارکیر قرمزی طاش بنا اولدوغندن قرل طاش قلعہ سی دیرلر جرمی کامل ایکویز ایدمدر چار کوشہ سندنہ دورت قلعہ جکلری واردر اما دیوارلری طالیدر و ایکی عدد اوستی تختہ اورتولی قلعہ لری و شمالہ ناظر بر دمر قپوسی وار اما خندقی یوقدر و ایجنده انجاق دزداری و قرق عدد نفرات اودالری و بر مسجیدی

[۱] ک : سنہ ۱۰۴۷ [۲] س نسخہ سندنہ (جنک علی) دیبہ یازلمش ایسده صوکرہ دن برسی طرفندن اوستی چیزیلہ رک (جنک عالی) یازلمش. فقط (جنک علی) دوغرودر (م) [۳] س ، ک : بارروق بک [۴] س ، ک ، ط : اشقیاسی

و ابراهیم کلیسی [۱] و ولد عیال [۲] و نیجه کبارلرک همترینه مظهر اولوب قطع منازل و طی مراحل ایده رک طرب افزونه اندن کیلرله قلعه کفیه اندن یوز بیک تاتار و غیره سبکبار عسکر ایله اوچنجه دفعه ینه باباسیله چورلی سحراننده جنک عظیم ایلوب جمیع قول ینه سلیم شاهی استرز دیو بعدالجلوس پدرینی ادرنه قربنده دیمه دو قیه کوندر دکده ادرنه جنبنده حفصه [۳] نام محلهه بایزید خان مرحوم اولمش بولندی بر صنیعت [۴] اولدی دیرلر اندن سلیم شاه مستقل پادشاه جم عظمت اولوب رفیق یار صادقی اولان ترمک بایک رجاسیله بو ترمک بای معتمد اولوب بنا اتدیکی چون ترمک بای قلعه سی دیرلر اما مورخان تاتار خان بربر زمین دیرلر [۵] اشته سبب بناسی و وجه تسمیه سی بودر حتی سلیم خان سلحداری اولوب بیله سیاحت ایدن . . . « سلیم نامه » نام توارینخنده سلیم خان ایله برابر جمله اوچ بوچوق بیل سیاحتلرن و جنک جدال لرن مفصل تحریر اتمش در والسلام بعده بو حقیر بو ترمک باغ و بانچه سز بر جزیره یر اولماق ایله ارتسی کون نیم ساعت شمال طرفنه کیدوب

قلعه خراب آباد بربر زمین تختگاه صلصال صلعاد

ازاق دیکزی کنارنده بر قومسال زمینده صعب قلعه ایمش بونده صلصال ایله نیجه بیک صاحب قرانلر جنک ایلمشدرر حالا شهدالرک قرقر الیشر ایاق فدی قبر شریفلری واردر اما قلعه سن تیمورلنک خراب اتمشدر حالا اثر بنالری ظاهر و باهردر اما حقا که قلعه بربر زمین ایمش دیلرر ایله تعبیر و قلملر ایله تحریر اولتماز تحریرینه شروع و تصدی ایلسک غایت تطویل کلام اولوب مرامز کیرو قالا جقدر اندن بو عبد کمتر غرب طرفنه کوللر و بایرلر کچوب

منزل قلعه آداخون

بو دخی صلصال ضال قرال بنا سیدر اول عصرده اسمی قلهاسنجه [۶]

[۱] ك : کلشنی [دیگر نسخه لرده دخی هپ (کلیسی) یازلمش ایسه ده بزجه سلیم اول زماننده بویله برذات معلوم دکدر (م) [۲] ط : عال [۳] س نسخه سنده اولجه (هاوسه) ایمش سوکره دن بریسی بونک اوستنی چیزه رک (حفصه) یازمشدر (م) [۴] ك : برصنعت [۵] س : خاک بربر زمین [۶] س : قلها تنجه . ك : قلها تنجه

بوغازی آچلسہ بہر سنے برخزینہ مصر بندر [۱] اولوردی [۲] و بو قلعہ قپوسی اوکی بر عظیم میداندر کم جانب اربعہ سسندہ جملہ التمش عدد مفید و مختصر دکانلردر و جملہ بر خاندن و جملہ بر کشیف حمامدر کم بر شیخ عزیز کندوسی کرمک ایچون بنا آتمش آنجاق برایکی آدم صیغار حمام جقدر و بوواروش ایچندہ جملہ بش محرابدر امیرک جامعی و محمود بک جامعی و یکی جامع ماعدا مساجدلردر و امیر علی افندی خانہ سسندہ بر حمام دخی وارددر یکی حمام دخی کوچکدر عورتلر کرر و بوواروشک جملہ اولری دخی سراپا طوپراق اور تولیدر اکثر یا قامشدن و حلاش ملاشدن مبنی مفید و مختصر اولردر کم جملہ یدیوز اولردر و جملہ دیوارلری صاازلردن اورولیدر کرچہ اولر طاردر [۳] اما هواسی یازدر و اکثر یا خلقی بیاضدر اما کوزلری آذر و جانب اربعہ سی قومسالدر و خلقی جملہ مسلم و چرکسدر و کار و کسبلری بالق آولامقدر و طوقاق قایشندن چرکس قامچیلری یا پاقدر کرچہ محبوبلری آذر اما اوزدر حتی تمرک کوزلی دیو ولایت قازانده ولایت الاصر ولایت اژدرخان و شهر سرایده مشهوردر (بو قلعہ نک سبب بناسی و وجہ تسمیہ سی) اولدر کم چغان سلطان سلیم شہزادہ ایکن باباسی بایزید خان ایله چورلو محراسسندہ ایکنجی جنکسندہ ینہ منہزم اولوب فرار ایدوب بوغاز [۴] اسکله سسندہ بر کمی یه بنوب ولایت طرب افزونہ یکہم دیرکن روزکار زورکار کشتی شہزادہ سلیمی بو تمرک لیمانہ دوشروب اندہ تمرک بای نام بر کشتی بلوب یارغار رفیق ایدنوب سلحداری یوسف خلیفہ ایله اوچ کشتی اولوب داغستان و بلخ و بخارا و اوزبکستانی و ایران و تورانی سیاحت ایدہرک ولایت عجمہ کلوب شاه اسماعیل ایله [۵] سطرنج اویدیوب شاهی مات ایدوب اندن بغداد بہشت آبادہ اندن امام حسین و امام علی پی زیارت ایدوب اندن کعبہ شریفہ و آندن مدینتہ منورہ رسول اگر می زیارت ایدرکن « یارسول الله بکا تخت آل عثمانی ارزانی قیلوب مصرک فتحن میسر ایله مصری بالجملہ سکا وقف ایدہم » دیو توجہ تام اندکدہ درون روضہ مطہرہ دن (دستور یا سلیم سوی سوی) دیو بر ندا کلر اندن سلیم ددہ مصرہ کلوب ابتدا ابو السعود خارجی و مرزوق کفافی

[۱] دوغروسی (کنیر بندر) اولمیدر (م) [۲] س، ک، ط : بند اولوردی

[۳] دوغروسی (صاژدر) اولمالی (م) [۴] ط : بوغاز [۵] ک : سطرنج

حصاری وارد ر اما یکچری سرداری وسپاه کتخدا یری یوقدر وبوراز جانبنده
برقپوسی اوزره اولان تاریخی بودر [۱]

امرایدر سلطان سلیمان جهان یامغه تمرکده بر دارالامان
بس طقوز بوز بکری بش تاریخی تمام قلعہ یابلانوب تمام اولدی تمام

سنه ۹۲۵

اندن مشرق طرفنده کی کوچوچک فپوچک اوزره جلی خط ایله مرمرده
تاریخی بودر (عمل [۲]) السلطان مراد بن سلیم خان ثانی عمل حاجی علی اغا
دزدار زمانه سنه ۹۸۳) [۳] بو قپوچیلردن [۴] احداث اولمش بر کوچوچک قپودر کم
عربه کیروب چیقماز اما اوبرقپو سمت غربه ناظر بیوک قپودر و ایکی قات متین
وصعت دمر قپولردر و وایکی قات قپولرک اره سنده سلیم شاه بناسی اولدینی تاریخی
وار اما ایکی قپواراسی قرانلق یر اولماق ایله قراءت اولمادیغندن [۵] تخریر اولنمادی
اما قپو اوزره اولان جامع سلیم خان اولک مناره سز کره مت اورتولی جامعدر
قلعه سی بر قومصال زمینده شکل مربع کارکیه و یالین قات دیواری صارب قلعہ در کم
جرمی دورت یوز آدیم جقدر هر گوشه سنده برر قله سی وار هر برج لری اوستلرنده
تخته اورتولی قبه سی وار اما اطرافنده خندق یوقدر زیرا الحاق و قومصالدر بر قارش
قازسک صوچیقار خندق اولماق ممکن دکلدر و ایچنده جمله یوز عدد طوپراق ایله
مستور خانه معمور لری واردر و قبله سی طرفی نهر قوباندر و شرق طرفی قوبان
نهرندن آرمش برعظیم صیغلق کولدر اما لذیدر ماتقدم اسلامبول کیم لری بو قلعہ
تمرک دبنه بناشر لر ایمش اسکله عظیم و کومروک امینی اوطور رمش نیجه یوز کمی
طوزلی بالق و نیجه بیک فچی فچی بالق جاویاری حاصل اولوب کیم لره دیار دیار
کیدمش اما حالا بوغاز قپان دیغندن کیم لر کیدوب کله مه دیکندن اللی یوک ایچہ کلر
کومروک معطلدر اکر بو محله بردونما پادشاهی کلوب سهل خدمت ایله بویلشکه [۶]

[۱] بوراده کی تاریخ لفظیدر صوک مصراع تاریخ دکلدر (م) [۲] (عمل) کله سی
یا کلیددر دوغروسی (عمر) اولمیدر (م) [۳] ک نسخه سنده سنه ۹۷۳ یا زامش ایسده
یا کلیددر دوغروسی بوراده اولدینی کی ۹۸۳ در (م) [۴] ک : بو قپو صکره دن [۵] ک :
اولمادیغندن [اسکیلر فعل اقتدار برده ماده اصلیه نک صوکی مکسور اوقوز لر دی (م)] [۶] ط : پلشکه

قلمه‌ده‌در و دكلتاً بش عدد خانجقار و كشكنكرددر بو تاتارینه [۱] اصطلاحی بو قدر عمارت‌تری واردر اما مفتی و تقیب‌الاشرفی یوقدر قلمه دزداری و اوچیوز مردم حصارى و محتسب و امینی و باجداری و یکیکچری سرداری واردر لکن سپاه كتخدا یريله غیرى حاکم‌ری یوقدر و طریق عام‌لرنده دخی اصلا قالد‌رملری یوقدر و باغ و باغچه‌سنگ دخی بو جزیره‌ده و بو شهرده وجودی یوقدر زیرا هواسی غایت برودت اوزره‌در و وصولی آجیدر جمله قبولره محتاج‌لردر ممدوحانندن طمان کوره‌کی [۲] و صاری یاغی [۳] و بزه یاغی [۴] و طوقاق قایشی و تاتار قامچی مشهوردر خان حضر‌ت‌ری بونده ایکی اوغلن آل عثمانه رهن کوندروب ۵ بن‌تاج و تخت و رخت و بختدن فراغت ایدوب سیاح‌عالم اولدم، دیودر دولته اعلام ایدوب خان بونده عسکر جمع ایتمک برقاچ کون قالب حقیق بو طمان جزیره‌سنى سیر و تماشا ایتمک عزیمت ایتدک اولاً طماندن قالبوب جانب شرقه ۵ ساعتده جزیره ایچره کیدوب (منزل شولومقای صله‌سی) خان ارسلان باشانک کوییدر بو دخی بر کول کنارنده‌در اندن بش ساعت کلر [۵] کنارنجبه آجی صولر ایچهرک کاهیجه قومصال یرلر کچرک (رمضان بک صله‌سی) رمضان بکک اولکن اوغلی مصطفی بک بونده ساکن اولور بو کوی دخی قره دکیزدن آزما کول کنارنده بر معمور قریبه‌در آنده قاوون و قارچوز طورشولری ییدک بر دیاره مخصوص دکدر الا بو طمان جزیره‌سنده‌در اندن نیجه آبادان قرا کچوب (طمانلی عثمان پاشا اوغلنک چفتلیکی) بو کوله قریب خاندان عظیمدر اندن اداخون بوغازنده (شان مرد صله‌سی) بودخی ادای شاهی چرکزی کوییدر اندن بش ساعتده ینه جانب شرقه اداخون بوغازیله ازاقت دکیزی ارسنده دل بورنی نام محلی کچوب

اوصاف دار بربر زمین یعنی تمارک کرمان جای امین

سنه ۹۲۱ تاریخنده سلیم شاه اول بناسیدر اتامی سلیمان شاهه میسر اولدی کفه ایالتنده و ویوادالقدر و یوز اللی ایچقه قضادر دزداری و ایکیوز عدد مردم [۱] س، ط : بو تاتار شه . ک : بو تاتارجه [۲] س، ک : بوره‌کی [۳] س، ک، ط : صای یاغی [۴] ک، ط : تره یاغی [۵] ک : کوللر

ديو تحریر اولنش اما قاسم پاشا جامعی دیرلر بو جامعک قپوسی اوکنده قاسم پاشا حامی دخی غایت لطیفدر بر حمام دخی وار اما کشفدر بو محله اولان اولره قاسم پاشا محلهسی دیرلر جملهسی ایکوز عدد طوپراق اورتولی اولدرر و جمله الی عدد دکانلدرر و محکمہ شرع رسول مین بونده در اما جمله صوقاقلری غایت داراجقدر و اصلاً قالدرم یوقدر اوله صیق یوللدررک اصلاً عربه کیرمیدیکندن ماعدا ایکی آتلی بربرلرینه راست کلسه لر کچه منزله و کروه دونه منزله انکیچون بوقلمه یه آتلیلر دخی کیره منزله زیرا قبولری دخی کوچوکر بوقلمه ده بر مدرسه و برتکیه و ایکی مکتب وار غیره خیراتلری یوقدر (درصفت اشکال طشره واروش) بو طمان قلعه سنک مغرب جای طشره سنده بو قلعه ایله واروشک تا اورتاسنده بر طاطلی بحیره وار اما مستعمل اولماق ایله اچلمز بو کولک غربی طرفنده بر الحاق طوپراقلی بایر اوزره بو واروش طمان واقع اولوب جمله اولر بو کول کنارنده زین اولمش واسع تحتانی سراپا خاک پاک اورتولی اولدررک جمله بیگ عدد خاندانلدرر بو اولرک خداملری جمله حیواناتلرن بو کولدن سقی ایدوب بعض اثوابلرن یقایوب استعمال اندکرندن بی آدم ایچه منز جانب اطراف دره لرینک مطر رحمتدن جمع اولور بر کولجکدرکه دائراً مدار جرمی بر میلدر بو کولک اورتاسنده سوری سوری قیالر واردر بو کولک باطنی طرفنده بر بیاض مناره لی حاجی فرهاد جامعی وار بو واروشک مشرق طرفنده (درحق واروش کافر بازاری) بودخی واروش مزیندر حاجی اغا جامعی طوپراق اورتولی و موزون مناره لی جامع بو واروشده درک غایت جماعت کثیره یه مالکدر زیرا جمله یاغ بازارکانلری بونده در و جمله یوز الی عدد دکانلدرر اکثریا بونده کفره طاطلر و اوروملر وارمنیلر ساکنلدرر بو کول اطرافنده اولان ایکی عدد واروشلرک دخی چوره لرنده حصار و خندقلر یوقدر الحاصل بو طمان شهرینک اندرون و بیرونده جمله طقوز محرابدر بشی صلات جمعه ادا اولتور جوامعلدرر غیریلری آتماً دورت عدد محله مساجدلریدر و آتماً بیگ یوز عدد طوپراق اورتولی ساده بنا خاندانلدرر و همتاً اوچ مدرسه و یکونتا یدی مکتب و باریتاً اوچ عدد تکیه در جمعاً ایکی حمامدررک

قله‌لر وار و مغرب طرفی یوقوش یوقاری کوشه‌سنده برغایت عظیم قله‌لر در کم ایچ حصار جق قله‌سیدر بونده دزدار خانه‌سندن غیری او یوقدر جمله جبه‌خانه ایله لب برلیدر بو نازن قله‌ده لیمانه و خندقه ناظر سر آمد انجه طوپلر واردر (ستایش طشره حصار) بو طرفده جانب غربه ناظر طشره حصارک ایکی قات کوچوک دمر قپولری واردر زیرا بو طرف قله‌سنک دیواری ایکی قات اولماغیله ایکی قات دمر قپوجکلردر [۱] قپولرک اوکنده خندق اوزره اصما مقره‌لی خشب جسرلری وار حین معرکده اول جسرلری مقره‌لر ایله یوقاری قالدیروب قاپولره سپر ایدرلر و بو قپوجکلردن ایچری کریجی [۲] شهر ایچره یوقوش آشاغی داراجق یوللر ایله کیدوب اسکله قپوسی دخی دمر یالین قات باب قوی جانب شهاله ناظر اشک قپودر لیمان بو قپو اوکنده در کم جمله کیمیلر آنده یناشر واسع و دمر دوتار بش روزکاردن امین لیماندر و بو لیمان قپوسندن ایچری بر آب حیات صوی قپوسی وار کم آب زلالدن نشان ویرر جمله اهالی و ولایت بو چاه‌مادن دفع عطشان ایدرلر و بو قپونک اوکنده ایچ قله [۳] لونجا کوشکی شکللی او طوراجاق یری وار بو محله ناظر یکر می پاره شاهی طوپلری بولونجا محندن اشنی در (در وصف اشنی ایچ قله) باشقه خندقلی و مغرب جانبنه ناظر بر دمر قپولی و ایچنده اوچ عدد اولی قله صغیردر کافر زماننده لیمان قلعه‌سی ایمش حالا دریا کنارنده لیمان قپوسی وار اما مسدوددر بو قپونک ایکی طرفنده بیاض مرمردن بر [۴] ارسلان تصویر اولنشدر [۵] و بو ایچ قله اوچ عدد قله عظیملردر (اما در مدح عمارت اورته قله) اولا قاسم باشا جامی بر خاک عمبر پاک اورتولی طرز قدیم جامع معمر و معبدکاه پرنوردر مناره‌سی خشبدندر اما مصنع مناره و کوچوک جامعدر و ایچنده ایکی عدد بیاض مرمردن مستون منتهال وار کم بللور کبی محلا اولوب کویا حکاک دستندن هنوز چقه‌ش مصیقل عمودلردر و قبله دیوارنده طشره صوقاغه ناظر محله بر چار کوشه بیاض مرمردن جلی خط ایله تحریر اولنان تاریخدر (بنی هذا الجامع حاجی کرای خان)

[۱] ك : قپوجکلردر [۲] ك : کرنجه [۳] ك : ایچ قلعه‌سی [۴] س ، ط : بر

[۵] ك : ایکی عدد ارسلان بری بر طرفده و بری بر طرفده تصویر اولنشدر

آلوب قندیلرده یقارلر عثمانیده اولسه میری ماله بغلرلردی اندن خان کفه قلعه سن محاصره ایبر شککنده کیدوب اول کیجه عسا کر تاتار ایچندن غائب اولوب ۹ ساعته (منزل قلعه کرج) مقدا بالاده موصوفدر بونده قلعه دزدار قیابوب خانی قلعهیه قومیبوب دخی جانب شرقه کیدوب (منزل کلسه جک بورنی) بومحلارده کیلر پیدا ایدوب جمله عسکر ابله خان اون سکزمیل قره دکز بوغازن سلامتله طرفه العین ایچره قرشو ادای شاهیه کچوب

اوصاف کرمان دارامان یعنی قلعه عتیق طمان

بوکه دفتر خاقانیده ادای شاهی دیرلرکم آلتمشیدی میل جزیره در اوچ طرفی قره دکزک حوصه [۱] بوغازی صیغریدر قبله طرفی هیهات صحراسیله چرکزستان آراسندن کان نهر قوبان کنارنده شکل مسدس بر شیرین معمور ادای شاهیدرکم ایچنده سکسن پاره چرکس قرالری وار بومحله محمدکرای خان کچنجه قرشو قرم طرفنده قوم تاتار اولوشه قالب های مددخان عاصی اولیبوب الیزدن قاجدی دیو خیلی تأسف چکوب تارومار اولدیله خان حضر تلری تاتاردن قورتولوب قلعه طمانده قالدیلر (در بیان اشکال طمان کرمان) سنه . . . تاریخنده جنوز فرنیکی لندن سلطان بایزیدولی عصرنده بدست کدک احمد پاشا فتحیدر بوجزیره قرا وچفتلکلرایله مزین اولوب درون جزیره ده اوچ عدد معمور قلعه سی وار اما بو طمان قلعه سی جمله معموردر کفه ایالتنده سنجا قدر قانون اوزره بکینک خاصی ۳۲۰۰۰۰ آچهدر سکبانه [۲] آلر اما تیمار وزطامتری یوقدر وویو ادا قدر ویوز الی ایچه پایه سیله عثمانلی انده شریف قضا در جمله اوچ عدد ناحیه لری وار اولا . . . ناحیه سی اندن . . . ناحیه سی آندن . . . ناحیه سی بو طمان قلعه سی لب دریاده بر طوپراقلی بایر اوزره شکل مخمس کارکیر کهنه بنا بر قلعه رعنادر جرمی دأرأ مادار آلتیوز آدیم کوچوک قلعه در و اطرافنده اوستی اورتولی اون عدد قله سر آمدلر واردر واون عدد قله لر دخی اوستلری تخته و کرمت اورتوسز اوستی آچیق

[۱] ک : جوجقه [۲] ک : سالیانه

دردندن کلن عادل بوغای [۱] تاتارینده [۲] افلاق و بوغدان کفره لرینگ بکلری تشکی و نظم اندکلرنده قپوجی باشی خلیل اغاخط شریف ایله خانه کلوب البته بوجاق تاتارین و عادل مرزه نك بوغای تاتارلرین قریمه مالکدر [۳] دیو خانه خط شریف وارد قدده خان بوغای قومی اوزره برسلمطان کوندروب آق کرمان آلتندن بوغای تاتارین قالدیرمغه جهد اتمام [۴] اتمدی علما بلیده [۵] بوغای تاتارلرینی یکی بسا اولشان والده جامعنه رعایا قید ایدوب بوغایلر عربهلر قروب بدرستی رعایا اولدقلر خان استماع ایدوب مقدما سنه ماضیده کلن خط شریفه عمل ایدوب آق کرمانده بوغای ایله خان جنک عظیم ایدوب جمله بوغایی قریمه [۶] سوروب کتوردی عثمانلی بوماده دخی قباحت عد ایدوب سبب عزل محمدکرای خان بوقوم بوغای بادرقان [۷] اولدوغنه بوحقیرک شکسته بسته تاربخیدر خان عزله سیدر تاربخیدر بوغایی

سنه ۱۰۷۷

بعده بوحقیر پرتقصیر خانک عقبنجه باغچه سرایدن قالقوب توکلا علی الله دیوب ینه جانب شرقه کیدوب (منزل شهر آق مسجد) اندن (اسکی قرم) آندن

منزل کولج صلهسی

یعنی کولج کویی کفه قلعهسی قرینده ایکویز تاتار اولی و برقبه عالی و طاش مناره لی جامعی و برحامی جمله قورشوم عمارتلی جامعدر و باغ و باغچهسی وار معمور کویدر بونده کولجی الشیخ احمد افندی حضر تلی اعززه کر آمدن مظنه کر امه اولوسلطاندر کم حالا قرق بیگ بیقلمی طراش مریده مالک طریق خلوتیده پیشوای طریق آل عباد قرق بیگ مریدی دخی درون قرمده ساکن معتقد محبلری واردر آستانه سنده نعمتی آینده و رونده یه و پای و کدایه شب و روز میندولدر اندن جانب شرقه سکز ساعتده (منزل قریمه قیولر) بوکویلرک خاک پا کلرندن نفت یاغلی قینایوب چیقار کیچهلر ایله صو یوزندن نفتلری

[۱] ک: بوغای [بوندن سوکره کیلرده ک نسخه سنده هپ (بوغای) در و دوغرومی ده بودر (م)] [۲] ک: تاتارندن [۳] ک: قالدیراسن [یاخود شکل املایه نظراً (قالدیر) اولمی (م)] [۴] ک: تام [۵] ک: عثمانلی دخی [شکل املایه نظراً] عثمانلیده (اولمیدر (م)] [۶] ک: جزیره قرمه [۷] ک: بادراق

مال ویرم دیوب آق مسجد و اروب آندہ جملہ صداقلی و صواتلی سلطانلرک فرق عددن بالفلوادہ کیلرہ کوندروب آنلر آستانہ سعادتہ کتمدہ همان حقیر دخی جملہ خداملرملہ تدارک کوروب ینہ تانار کبی شپرطمہ سمور قلیاقلریمز کیوب

سنہ ۱۰۷۷ تاریخی غرہ سنده [۱] باغچه سرایدن [۲] داغستان

پادشاهی ولایتہ کتدی کمز قناقلری بیان ایدر

در بیان سبب عزل محمد کرای خان

ابتدا سنہ ... تاریخنده کوپرولی قوجہ محمد پاشا یانووه غزاسنہ کتدکده محمد کرای خان دخی یانووه سفیرینہ مأمور اولوب عوق و تأخیر ایدہ رک کیدوب یانووه سفیرندہ بولنمادی کوپرولی وزیر دخی یانووه دن دونوب جلالی حسن پاشا قلیہ [۳] الفار ایله اسلامبولہ کلوب محمد کرای خان کوپرولیہ بولشاق میسر اولمادیغندن بو عداوت کوپرولی زادہ میراث قالدی مادہ ثانی بودرکم کوپرولی زادہ فاضل وزیر احمد پاشا سنہ ۱۰۷۳ تاریخنده او یوار سفیرینہ متوجه اولدقلرنده محمد کرای خان دخی فرمان پادشاهیله او یوار غزاسنہ مأمور اولوب چاوش باشی ابراهیم اغا خانہ اون ایکی بیک التون کتوروب خان او یوارہ کلک اوزرہ ایکن قالمق کفاری چاوش باشنک کوزی اوکنده قریمک ایجنہ کیروب خیلی نواحیلری قالمق اوروب ینہ سالمین وغامین هیاتہ [۴] جیقوب کتدیبلر بو خوفدن محمد کرای خان او یوار غزاسنہ کیدہ میوب اوغلی احمد کرای سلطانی قرق بیک عدد تانار صبارفتار عدوشکار ایله او یوار غزاسنہ کوندردی حسود منساقینلر کوپرولی زادہ یه دیدیلر کم [۵] « وزیر برکنج اوغلاندر بنم اوغلامه برکنج شهزاده در اوغلان اوغلان ایله ایی کچر بن آنک کوپرلی باباسنه بیله وارمادم یا اوغلنه واریمیم ، دیدی دیدکلرنده کوپرلی زادہ اولیہ الا خیر دیدی مادہ ثالث تجان که سنہ ۱۰۷۶ تاریخنده آق کرمانه قالمق

[۱] ك : تاریخنده ماه . . . غرہ سنده [۲] ك : باغچه سرایدن قریم خانی غازی محمد کرای خان افندی مز ایله [۳] ك : قتلنه [۴] ك : هیات صحراسنہ [۵] بوراده (قریم خانی) کبی برلفظ اکسیکدر (م)

آتلی عسکری آماده ایدوب جفود قلعه سندن اسیری اولان شرمهت بان کافری
 دمردن چیقاروب آنی دخی بر آته بندروب دست بر قفا قیدوبند ایدوب اول دخی
 حاضر اولدقه همان حقیر کوردم که بو سفرده قرمه کلشم روز منحوس ایمش
 آیریلق کونلرن کورنجه بر آه سرد اکشود [۱] چکوب ایتدم یا جانم بن غریبک
 کیمه طشلسن [۲] سندن صکره بر آن بکا قرمه دورماق حرامدر بن خانمله هر
 قنده جکورسن [۳] بیله کیدرن [۴] دیدیکمه خان ایتدی اولیام تاج رخت
 بختمدن آیرلینمه غم یمیم یوری بیله کیدم دیو حقیره برسمور کورک ویدی آت
 واوج یوز التون خرچ راه وروب آفرین آفرین اولیام که در دور دیوب علی الصباح
 خان کزیده عسکرله باغچه سرایده تاج و تخت و رخت و اهل و عیال و خاندان
 براغوب دعا و ثنا ایله سرایندن چیقوب باغچه سرای قارشوسنده دارا حاجی دینه کلوب
 آتدن انوب ایکی رکعت نماز قیلوب ایدر « الهی بنی تاج و تختمدن بو اختیارلقده
 آیرانلری سن پادشاه پروردکار قره وزیری و قایم مقامی و دفتر دار حسین پاشایی
 و قپوچی باشی خلیل اغایی ایمانلردن [۵] آیروب پادشاهک بویله سیاست میداننه
 عن قریب [۶] باشلری کله و کتوزانی اوغلو [۷] تازه لکینه دیوب معمر اولیه ،
 دیو فاتحه او قویوب اسب تازی صبا سرعتنه سوار اولوب عزم راه آتدکه جمله
 قراچی و بادراق قوملری خانک باشنه اوشوب قائم قایده برایش [۸] دیدکلرنده
 خان ایتدی حاجی کرای ایله قرم کرای کفه قلعه سن بنا ادوب [۹] سولرن کسمکه
 کوندروب آق قیا آلتنده دریک [۱۰] ایتمکه کیدرم دیدکده جمله قره جی خلقی
 بوخبردن حظ ایدوب غایت تسلی خاطر بولوب امدی خانم عثمانلیله اوروشرسن
 قره جی خلقه یوز کیسه مال ویر صکره عثمانلیله دوکوشه لم دیدیلر خان ایتدی
 هله بریره جمع اولوب آق قیا آلتنده ککش ایده لم سوزی بریره قیوب صوکره

[۱] ك : اكنون . ط : اکتون [دوغروسی (کبود) اولق ممکندرکه ادبیات
 کستابلرنده (دود کبود) تعیری پک چوق مستعملدر (م) [۲] (طپشرسن) اولق ممکندر (م)
 [۳] ك : چوکورسن [۴] ك : کیتهمن . ط : کتہمن [۵] جانلردن [۶] ك : آن قریبده .
 س : آن قریب [۷] ك : وکوپرولی اوغلی . س : وکوردلی اوغلی [۸] س ، ك : قایده برایش
 [۹] ك : قپادوب . پ ، س : بنادوب [۱۰] ك : درنک

یوری ادرنه‌یه کیده‌لم خیر اوله نه اولورسه آنی کورم دیدیلر همان قره‌جی خلقی
 ایتدیلر اکر خانم سن عثمانلی‌یه جکوروب [۱] کترسن سنک واولنریکک باریسنده
 صقوب اولدوره همان جکور [۲] عثمانلی ایله بوزوشوب اوروش ایده‌مز دیدیلر
 آخر الامر (العبد یدبر والله یقدر) فحوا سسنبجه نتیجه کلام خان عاقبت اندیش
 دورین فکر مؤمن و موحد پادشاه جم عظمت اصلا قرم خلقنه متابعت یوزن
 کستر میوب عاصی اولماغی کندویه روا وسزا کور میوب درونندن دخی آستانه‌یه کتمکی
 روا [۳] کور میوب اغماض عین ایلیوب در دولته کتدیلر [۴] اکر دریادن
 وا کر قره‌دن کتسنلر بندخی ایشم و کوجم کوروب قره‌دن قره‌جیلرمله کیدرم دیدکده
 قرم خلقی بوجوابدن حظ ایدوب خان قره‌دن عثمانلی ولایتن البته چپار دیوملاحظه
 ایتدیلر وخیلی تسلی خاطر بولدیلر

در بیان نتیجه مشاوره خان عالیشان

بر کجه خان کندو ندیم یارغاز قزاق داش یولداش لریله مشاوره ایدوب ایدر
 بقه کشیلر یکر می یدی ییل اولا [۵] بر واقعه کوردم ایدی داغستان پادشاهنک
 اتکن قالدروب باشمی اتکی آلتنه صقوب [۶] دخیل پادشاهم دیدم اول زمان
 بوسوزمی اولیا چلی‌یه ایتدم ایدی اوده بلکه پادشاهم داغستان پادشاهی اوزره
 کیده‌سن دیدی شمدی اشته اول دوش بوکونکی کون ظهور ایدیور بن قومق
 وشاهنه [۷] کیدوب باشمی خر قه‌یه چکوب شمدنکرو بوسن و سالمده بکا نه تاج
 ونه رخت و بخت لازم دکلدردیوب خزینه‌سن آچوب مکر بر قاق کجه اول
 یوز خورج یوکی کتورمده یکل [۸] و بهاده آغز شیرلی براغوب بیوک اوغلی
 احمد کرای سلطانی براغوب سلیم کرای سلطان واعوض [۹] کرای سلطان
 و جانپکرای [۱۰] و مبارک کرای نام اوغوللرینی آلوب اوچیوز عدد یرار قوش قول

[۱] ك : چوکوروب [۲] ك : جکور [۳] س : معقول . ك : مستحسن [۴] ك :

کیدنلر [۵] ك : اولدی [۶] ك : صقوب [۷] ك ، ط : بن قومق شاهنه [۸] ك :

یکتی [دوغرو املاسی (ینی) در (م)] [۹] ك : عوض . س : اغوص [۱۰] س :

جانپکرای [اک ایی املاسی (جان به کرای) در بوراده کی (به) کله‌سی فارسی اولوب ایی

معناسنه در ظن ایدیورم (م)]

قراءت اولنوب نتیجہ کلام مکتوب بوکہ د سابقا قرم خانی محمد کرای سعادتلو مکہ
 ومدینہ پادشاهی سنی قرم خانلغندن معزول ایدوب خانلق جوبان [۱] کرای اوغلی...
 کرای خانہ احسان ایدوب مرحوم سعید و شهید سفر غازی اوغلی اسلام اغاوزری
 ومبارک کرای سلطان نورالدینی و قرم کرای سلطان قلفاسی اولوب اوزو ایالتی عسکری
 وافلاق وبوغدان عسکر لریله قریمه وارماق اوزره درلر امدی مکتوب نحبست اسلوبم
 واروب وصول بولدقده امر پادشاهی یه اطاعت ایدوب جمیع سلطانلر کله آستانه سعادتہ
 کله سن جمله سلطانلره وسکا قانونلری کزدن زیاده احسان وانعاملر اولنور البته در
 دولته کله سن وآلا جزیره کریده دونمہ ہایون کتمدن بر شافی خبر کوندرہ سیز
 والسلام ، دیو بو مکتوب موخش دیواندہ تلاوت اولنجه جمله قرم خلقنہ جارصانوب
 خان کورونشندہ ککش عظیم یعنی مشاورہ اولوب العظمتہ لله قرم عسکری دریامثال
 اولوب چالقاندی و اونادی [۲] و بولاندی و دریا کبی جمله قرمہ جی خلقی جوش و خروشہ
 کلوب طرف طرف موج موج اولوب جمله قپو قوللری مشاورہ یه باشلیوب بواولماز
 خان قولیوز و بز آل عثمانک سلطان بایزید خاندن برو خانلر اوزره مأمور اون ایکی
 بیگ قپو قوللریز ہر قتی خان کلسن اللہ مبارک ایلہ سن دیدیلر قرمہ جی خلقی
 و بادراق خلقی و نوغای خلقی و شیرینی و منصورلی الفاندی و چالقاندی [۳] و نیجہ
 بیگ کونہ مشاورہ لر ایتدیلر آخر کار جملہ سی سوزی بر یرہ قویا مادیلر بعضی سی
 حاجی کرای سلطان وارسن کفہ قلعہ سن قیاطسن بعضی سی اور قلعہ سنندہ یغناق
 ایدوب کله جک خان وزیر ی اسلام اغایی و قلفایی قریم کرای قریمہ قویما عثمانلیہ
 اوروشالم نیجہ سیدہ یوق عثمانلی یانبولی واسلمیہ و پراوادی شہری داغلرندہ طاوشان
 آولارمش بزده قرمدن آتلا نوب ادرنہ ویا سلانیکہ وارنجہ آدم آولایلم دیو نیجہ
 ناسزا جوابلر سویلدیلر اما عاقللر وایش ارلری قارتلر وایاقلر [۴] اصلا بوسوزلرہ
 قولاق دو تیموب ہلہ جی و کله جی سوزلرہ وجود ورمیوب اویلہ اولور پادشاهم بو منصب
 دنیا بر دستمال کبیدر ایکی کز [۵] معزول اولدک عثمانلی سکا خانلنی احسان ایتدی

[۱] ک : چوبان [۲] س ، ک : اونادی [۳] ک : چالقاندی [۴] ک : اتاقلر

[۵] ک : ایکی کرہ

خاندانلرینه واروب کلمکده ایکن (ومن بدایع الغرایب الرؤیا بالصالحه) حکمت خدا
 عید شریفک اوچنجی کیجهسی واقعه‌مه کوررمکم مقدا اسکی قرمه کور [۱]
 یوسف دده دیو دعاسن آلدیفمز کشی و قره‌الپ کوینده واقعه‌مزده قوناغمز
 صاحبن کوروب خان ایله داغستان پادشاهنه کیدک دیو دریا آشیری بو حقیره
 ال صالوب چاغران قوناغمز صاحبی ینه واقعه‌مه کور یوسنی [۲] و قناغم صاحبن
 کوروب قالقک عثمانلی‌یه عاصی اولماک خان ایله صباح‌داغستانه کیدوب امین وسالم
 اولوب ینه اولیا سن قریمه کل خان داغستانده قالسن خالک وجودن ینه قریمه
 کترسنلر، دیدیلر همان جان حلقومه کلوب اول آن خوابدن بیدار اولوب دخی وقت
 شافعی اولمادن لیهٔ عید اولدوغندن خانه واروب بسم‌الله ایله واقعه‌سی کوردو کم
 منوال اوزره خانه بر بر تقریر ایتم درحال خان جم جناب الله خیرلر ویره دیوب
 اولو جامع امامی عرب امامی کتردوب بسم دوشمی نقل بالمصطر [۳] خان شیخه
 نقل اتدکده شیخ اشدی [۴] الله اعلم ورسوله خاتم جنابکنز داغستان طرفنه
 بر سیاحت ایدرسن یاخود جزیرهٔ قریمک داغلی طاشلی رلرینه صید وشکار طریقله
 بر جره کیجک [۵] ایدرسن دیو بر حسن تعبیر و توجیه ایتمدی الفاتحه دیوب
 شیخ‌خانه‌سنه کیتدی

حکمت‌خدا دربیان عزل محمد کرای خان ابن سلامت کرای خان

سلمه‌الله [۶]

حکمت باری بو واقعهٔ کوردو کمزک صباحیسی عید شریفک اوچنجی کونی اولوب
 ینه جمله اعیان قرم بر برلرینه واروب کلمده ایکن همان آستانه طرفندن وزیراغلارنده [۷]
 تانار داغلی ینه تانار آدمیسی تانار سلیمان اغا نام بر حوالاق [۸] صولاق آدم کوپرولی اوغلی
 فاضل احمدباشان امر پادشاهی و مکتوبلر کتوروب خان کورسیسنده [۹] مکتوبلر
 [۱] سنسخه‌سنده (کور) کله‌سی اساساً وار ایکن سوکرادن اوزری چیزلشدر (م)
 [۲] ک : یوسف ددهنی [۳] ک : بالمصطر . ط : بالمصطار [۴] ک : افندی [۵] ک : بر
 جرکیجک [۶] ک : سلمه‌الله من الاقات [۷] ک : اغالندن [۸] پ ، ک : جولاق
 [۹] ک : کوربنشنده

اتلری ییوب ذوق و صفالر ایدوب طالقان وقورت وتارما [۱] وقزله نوش ایدورک (منزل دیکر قلعه اور) حمد خدا ینه بو قلعه یه ایکی بوچوق آیده داخل اولوب یدی یوز یتیم میل قریم آداسنی دور ایدوب سیاحتتمز تمام اولدی انده برکیجه اور بکی اولان تریاکی فراش بکده مهمان اولوب محمد کرای خان افندیملک باغچه سرایه روان اولدوغن استماع ایدوب علی الصباح اورادن قالقوب جانب قبله یه آلتی ساعتده (قریه بش باولی) [۲] معمور تاتار صلاسیدر اندن ۹ ساعتده صحرالر ایچره یوزبش باره معمور تاتار صلالرین یعنی کویلرن کجوب خان افندیملک دولتنده ذوق و صفالر ایدوب (بولغاناق صلاسی) بودخی معمور جامعلی صلادر اندن بش ساعت کیدوب

ینه ستایش تحت گاه آل جنکیزیان شهر باغچه سرای دار سلاطین

خان ابن خانانیاں

حمد خدا سنه ۱۰۷۱ [۳] شعبان المعظمک یکرمنجی کوننده محمد کرای خان افندیملک سرای باغ مراننده مراد و مرامیمز اوزره بولوب ملاقات اولدوقده اولیا قونداش یولداشم صفا کلدک دیوب کردانه صاریلوب [۴] نیجه بیک کونه دنلوازقلر ایدوب بیوردیلرکم اولیام بو قیشی بونده ایدوب جان و خان محبتلری ایدلم دیوب حقیره بر اودا دوشیوب ایکی کوله و ایکی یورغه آتلر احسان ایدوب سکزر عدد اولکی آتلرمله بهر یوم اونار آت یملری وروب هرشیدن بالغاً مابلغ تعییناتلرمن وروب جمیع اولادلری و اقربالری سلطانلر ایله و قپو قوللری و جمله اغواتلر ایله ذوق و صفالره مشغول اولوب کیجه من لیله قدر و روزمن روز عید اضحی اولوب شب و روز دوام دولت پادشاهیده حسین بیقرا کی جان محبتلری ایدردک بوندن صکره ماه رمضان شریف کلوب خان عالیشان ایله و مصاحب شهریاری اولان قزاق سلطانلر ایله باخصوص ولی نعمت سلیم کرای سلطان ایله بر رمضان شریف ذوقن ایتشمدرکم بر دیارده آتدم بعده عید شریف کلوب طرف طرف جمیع اعیان کباری کیرو و اغواتلر و سلطانلر بر برلینه عرض محبتلر ایدوب بر برلینک

[۱] ک : بارما [۲] ط : باولی [۳] ط : ۱۰۷۴ [۴] ک : چاریلوب

خلاص اولوب قرلمادی بعدہ بومذکور بورونک تا اوجنہ برقلعہ یصادوب اسمنہ
چکشکہ دیو نام وردی

درستایش قلعهٔ مصنع چکشکہ [۱]

بونی دخی سنہ . . . تاریخندہ محمدکرای خان بنا ایدوب قریمہ اصلا قالمق کیرہ مز
اولدی مقدا بیك الی سنہ سنندہ بہادرکرای و اسلام کرای خانلرک عصرلرنده
اصلا قالمق ہیہات سحراسنہ کلدیکن بیله اشتمزدک شمدی بوسنہ لرنده ہیہاتی وقلعهٔ
ازاغی وولایت قزاغی کچوب جزیرۂ قریمہ استیلا آتمکہ باشلادی اللہ خیرلر ویرہ
اما بوقلعه بوحملہ بنا اولندوغی عجب اصابت اولدی زیرا قرشو طرفی ازاق دکیزی
آشری ہیہات سحراسیدر قالمقک وازاق قزاغنک قنوب کوجدوکی سازلی یرلردر
بوقلعه یہ محمدکرای خان عجب مال فراوان صرف ایدوب بنا آتدکده ایچنہ دزداری
وایکیوزسکسان عدد سکبان توفنکلیسی ایله جبہ خانہ و شہانہ طوپلری و ذخیرہ لرن
قودی بنوک دخی اوستو [۲] تختہ اورتولی و جنوبہ ناظر بردمر قپوسی واردر
اما غایت بی امان یردر اندن ینہ بوحقیر ازاق دریاسی کناریلہ قرم اداسی ایچندہ
سمت غریبہ ۴ ساعت کیدوب شہر قرہ صو ایچندن جریان ایدن قرہ صونک دریایہ
مخلوط اولدوغی یردن بونہر عظیمی آتلر ایله عبور ایدوب (منزل قریۂ یغوب اتا)
یعنی یعقوب دده صافی ایوالی ویوز اولی ویر جامعلی ویر حاملی تاتار کوییدر اندن
ینہ ۴ ساعتہ نقشوان [۳] الی یعنی شیرین بکری اولکسی ایچندہ معمور قرار
کچوب (منزل . . . جوگقار) بودخی ازاق دکیزی کنارندہ بر تہلکلی کچندر
نیجہ آت و آدملر غرق اولور مخاطرہ و مخالف یردر اندن ینہ طرف غریبہ
۹ ساعتہ (صاصقلی کچدی) کنارندن (قریۂ توپ) قوم تاتار تپ کچیدی یعنی
دیب کچیدی یرلر اما مذکور صاصقلی کچیدی یعنی قوقار کچت حقا اویلہ قوقارکم
اللهم طافنا بدرایحۂ خبیثہ سنندن آت و آدم هلاک اولور بعدہ بوتپ کویندن
قالقوب معمور صلالرہ قنوب لخشہ [۴] یعنی لاکشہ شوربالری و سمنر طایلاق آت

[۱] س : جکشکہ [۲] ک : اوستی [۳] ک : نقشوان [۴] دوغروسی (لاخشہ) در (م)

طرفہ ہیات صحرا سنہ کچوب اندن قالمق تانارلرینہ واروب اشده بو [۱] آرباط بورندن ازا ق دیزی صیغ ایش اندن قاجوب سیزہ کلوب خبر ایتدک همان دورماک وارالم قرم اداسن [۲] اورالم و تاناردن چوق مال آلام و بوقدر اسیرلریمزی قورنارالم دیوب بوقدر کفار قالمق قزاقنریله بو آرباط بورنہ ازا ق دیزی صیغلغندن یوزوب کچوب برکون قریمہ کیروب قریمی علی الغفلہ آلان و تالان ایدوب بوقدر مال غنایم و بوقدر اسیر فراواتلری آلوب تا کولجلی احمد افندی کوی جامعن و کرج قلمہ سی اطرافلرن قالمق کفرہ سی اوروب ینہ بو آرباط بورندن قالمق بوقدر مال غنایملہ اوچ کون اولور کیدہ لی همان غازی محمد کرای خان قرق یدی بیک عدد تانار غازیلریله طرفالین ایچندہ آتلنوب قریمک اور قلمہ سندن طشرہ چیقوب کیدہ لی اوچ کون اولمش قالمیغک آردلرینہ دوشوب برکون برکیجه یوریوب [۳] ہیات ایچندہ قالمیغہ ستاشوب جملہ قالمی دندان سیف محمدیدن کچوروب قرق یدی بیک قالمق اتلری و قریمدن بیله فرار ایدن قزاقلری ینہ جملہ اسیر ایدوب قریمہ کلیرلر و ہر قزاقی برراشد عقوبتلہ قتل ایدرلر بعدہ بو آرباط قلمہ سن انشا ایدرلر سبب بناسی شولایدر اما حقا کہ متین وقوی قلمہ جالندردرکم جرمی کامل یوزاللی کریمہ آدیمدر دزداری و یوزاللی عدد سکبانی و مکلف جبہ خانہ و شاہی شاہانہ طوپلری مازغال دلکرنندہ آمادہ دوروب قرم طرفنہ ناظر برعالی یردہ بردم قپوسی وایو [۴] قلمہ اوستی تختہ اورتولی قبہ عالیدر حمد خدا بوقلمہ بالابنا اولہ لی قزاق و قالمق قریمک نام و نشانن آکاز اولدیلر و بوقلمہ دن ۹ ساعت جانب شملہ کیدوب برانجہ بوروندن [۵] ازا ق دریاسن بولمش سبزہ زار و چمن زار بروادی لالہ زاردرکم ایکی طرفی ازا ق دریاسیدر بو بورون ایچندہ جملہ قرم خلقنک حیواناتلری اوطلیوب کززلرکن قالمق کفاری بو بورونہ ازا ق دکزی صیغلرندن بریول بولوب بو بوروندہ اولان جملہ قرم خلقنک حیواناتلرن سوروب کتوردکدہ ینہ محمد کرای خان اور قلمہ سی قپوسندن قالمیغہ یتشوب جملہ حیواناتلری قالمیغہ براقدیروب خلاص ایتدی اما قالمق سحر ایدوب

[۱] س : بز [۲] ک : مرہم اداسین [۳] س ، ک : یورطوب [۴] ک : واربو

[۵] س ، ک : بوروند

منزل قریه قره آلپ

جمله تاتارلری کولجلی [۱] احمد افندی حضرتلرینک بیقلری طراش دوردر
 وبشر صقال تللی غایت کوسه تاتار صولری [۲] یعنی صوفیلری کویدر برمکلف
 جامعلی و حاملی و برقاچ دکانلی سهل ارك و الما بانجهلی قصبه مثال معمور کویدر [۰]
 حکمت خدا بوکویده خواب آلود اولوب یطرن کن برکوسه تاتار قرشو طمان دریاسی
 کنارینه طوروب بو حقیری چاغروب ایدر « اولیا آقای خان محمد کرای ایله بوقیه
 [۳] اوتوب کلچی بو یخشی امینک یوردلدر » دیو بو حقیری قرشو طرفه قولن
 صالوب دوشمده چاغرر همان حقیرخوابدن بیدار اولدم مکر صباح ایش ادای
 صلات خیر ایدوب خانه صاحبی صلحای امتدن بر کشی ایدی واقعه بی [۴] اکه
 تعبیر اتدردم اول کشی ایندی « الم باشمه قویه قویه سنی قرشو یقیه چاغران بن
 ایدم سن محمد کرای خان ایله شمدنکیرو قارشو کچوب داغستان پادشاهنه کیدوب
 دخل [۵] دوشوک عثمانلی خنکاری محمد خان محمد کرای خانی معزول اتسه کرک
 صوکره تن محمد کرای خان طاوستانه کتسه کرک سن بیله کیدوب ینه بکا جکور
 کل [۶] ، دیو واقعه می تعبیر ایتدکده خیر اوله دیو فاتحه تلاوت ایتدک بعده
 بوکویدن قالقوب ازاق دیکیزی کنارنجه قرم جزیره سی ایچنده جانب غریبه... ساعتده
 معمور قرالر کچوب

در وصف قلعه ارباط [۷]

ازاق دیکیزی ایچره بر سوری برونده قرم جزیره سی خاکنده بر دوز چنزار
 زمین لاله زارده شکل مدور کارکیر بنای عظیم بر قلعه متیندر سنه... تاریخنده
 محمد کرای خان افندیمز بنا آتمشدر سبب بناسی اولدرکم بر کره قرم قزاقلرندن بر
 قاچ کوله قزاقلر فرصت بولوب بو بوروندن ازاق دریاسی ایچره یوزه یوزه قرشو

[۱] ك : کولجلی [۲] ك : صولری [۰] ب نسخه سنده ایکی سطر آجیق وار
 [۳] ك : بویاقیه [شمدیکی املا ایله (بویاقیه) یازیلیر (م)] [۴] ك : بو واقعه می
 [۵] ك : دخیل [۶] ك : چکورکل [۱] ك : ارباط

بر قورشوم اورتولی قبه عالیلی جامع روشن بنادر حتی حرمی آلتنده بش یردن قول قائلنگی آب زلالدن نشان ویرر چشمه سارلر وار جمله شهر خلقلری بو عیون جاریه لره محتاجلردر و بوجامعه متصل جمله یوز عدد دکانلر وار و جمله اوچیوز عدد طوپراق ایله مستور خانه معمورلر واردر و بر جامع دخی قیسالر دبنده وار اما اسمی خاطر مدده یوقدر و بر مسجد و بر حمام و بر خان و بر مکتب صبیان و بر تکیه دوریشان و بر مدرسه عالمان واردر اما بو شهرده اصلا باغ و باغچه یوقدر آب و هوا سی غایت برودت اوزره در مدوحاتندن قالقان بالگی و تاتار بوزامی مشهوردر و بو شهرده غرب جانبنده دپه دپه یغتلر واردر کم ایچلرنده بر قرال مدفوندر دیرلر بعضیلر دینه واردر دیرلر بحساب پشته لردر بو قلعه دن کیدوب جانب شرقدن طرف شماله دور ایده رک ۴ ساعتده (قریه چرکس) تاتار خانلره تابع معمور چرکس کویدر آندن بر ساعت ینه مشرق طرفنه معمور قرالر کچوب (قلعه ویران کلسه جک) کفره زمانی غایت متین و مستحکم قلعه ایمش کرج قلعه سی دست آل عثمانه کرنجه ازا ق قزاق بو قلعه منهدم ایدر زیرا کجت باشیدر عثمانلی بو قلعه دن قزاق کیلرن قره دکیزه چقماغه قوماز دیو مقدم تاریخ ایله بو قلعه منهدم آتمش لردر اما حقا که عمار اوله جاق بوغاز کسن قلعه سی اولوردی زیرا ازا ق دکیزی قره دکیزه مخلوط اولدوغی دار بوغازده واقع اولمش بر زمیندر کم یالچین قیا اوزره در قرشو جانبنده طمان آده سی بورنده دریایه چیقمش بر سوری خوچقه [۱] نام بر بورون وار بو مابین بردار بوغازدر کم ایکی میلدر بو بوغازدن ایجری شمال جانبنه کیدوب ازا ق دکیزیدر بو حقیر بو کلسه جک نام ویران قلعه کنار یله ازا ق بحر نجه شمال طرفنه ۸ ساعتده (منزل قلعه طنابای) [۲] یعنی دانابای بر مسجدلی اوچیوز عدد طوپراق اورتولی خانلی تاتار کویدر اندن ۹ ساعت ازا ق دریای کینار نجه ینه قرم جزیره سی خاکنده (شیخ الی) [۳] نام بر معمور ال ولایت ایچنده کیدوب

[۱] س، ک : جوقه [۲] س، ک، ط : طنه بای [۳] ک : شیخ الی

زیرا بر دریادن بر دریاچه غایت یقیندر [۱] همان قلعه کرج کویا بر بورون جزیره ده واقع اولمشدر و بوکرج قلعه سی ایچنده آنجاق سلطان بایزید ولی جامعی وار طرز قدیم کرمت اورتولی بر معبدگاه قدیمدر مخرابنک طشره سنده یول اوزره جامعک صول گوشه سنده بیاض چار گوشه مرمر اوزره تاریخی بودر (بنی بعمارت هذا الجامع الشریف [۲] السلطان بایزید بن محمدخان خلدالله ملکه فی سنه ثلث واربعین وثمانائة) در و مناره سی بر کره برزله غظیمدن منهدم اولدقه جانب وقفدن تجدید ایتدکلرنده مناره نك تمه لندن بر آدم قدی بالاده جلی خط ایله تاریخی بودر (تعمیر هذا الجامع الشریف [۳] بقلعه الكرج صاحب الخیرات والحسنات خدیجه خاتون بنت مراد خان سنه سبع والف من الهجرة) و بو قلعه ایچنده جمله ایکویز عدد تحتانی و فوقانی کارکیر بنا باغ و باغچه سز صیق خانلر جمله طوپراق و کرمت اورتولی اولردر و جمله برحمام کشینی وار و جمله اون عدد دکانجقلمری وار و جمله اللی عدد کارکیر مخزنلمری وار و آنجاق بر کفره کنیسه سی وار م تقدم جنوزفرنیکی دیری ایشم جمیع تصاور لرلندن معلومدر اندن بایزید خان جامعنک طرفنده ایچ قلعه در جانب مغربه ناظر بر کوچوک دمراقوسی اوزره تحریر اولنان تاریخی بودر (به عمارت الحصار الكرج [۴] فی زمان سلطان [۵] محمد خان ابن مراد خان خلدالله تعالی خلافته سنه ۸۸۹) و بو ایچ قلعه ایچنده یکریمی مقداری خانلردر و بر مسجد و انبار و جبهه خانه و صوصارنجی و دزدار اوی و یوزاللی عدد قلعه نفراتلمری بونده سا کنلردر و شاهانه شاهلی طوپلمری جمله لیمانه ناظردر و خندق غایت مرصواشه حاضردر و بیوک قبودن طشره و اروش معمورده خندق کنارنده مصطفی چلبی جامعنک تاریخیدر (بنی هذا الجامع الشریف صاحب الخیرات والحسنات مصطفی چلبی فی اواسط شهر جمادی الاخر [۶] سنه ۹۹۵) لب دریاده بر مسیره گاه مجمع العرفان [۱] ك : اما ینه آچیلوب قدیمده کی کبی دریایی دولاشدمرق ممکندر انجق بذل همته محتاجدر زیرا بر دریادن بر دریاچه وارنجه خیلی مسافه بعمده در همان . . . [۲] ك : عمر هذا الجامع الشریف [۳] ك : عمر هذا الجامع الشریف [دوغروسلی (عمرت) اولمیدر (م)] [۴] ك : عمارة حصار الكرج [دوغروسلی (عمر حصار الكرج) اولمیدر (م)] [۵] دوغروسلی (السلطان) اولمیدر (م) [۶] دوغروسلی (جمادی الآخرة) یاخود (جمادی الاخری) اولمیدر (م)

نجومده يد طولاً صاحبلى اولانلر بوتصويرده اويله رموز وكنوزاتمشلردركم برزمان بوولايته قوش كى اوچوب سكردر تاتار قومى دوه ليله كله اشارتن آتمشدر اما حقيقه الحال عييب و غريب دوه صورتيدر و بو قپو ايكي قاندر و دريا كنارى اولماق ايله بو طرفده اصلاً خندق يوقدر واسكه باشيدرو جمله قره دكيز و ازاك دكيزى كميلرى بو اسكه يه يانا شيرلر عظيم لياندر كم لودوس ويلدز و باطى روز كارلرندن امين برلياندر كم بيك بر پاره كى آلر اعلا دمر دوتار بالتى چوق برلياندر آندن قره طرفنده اولان بيوك قپو جانب غربه ناظر دركم تاريخى بودر

قذبنى هذا البنا امامنا قطب دين سليمان [١] صبا

قلت فى الاتمام [٢] تاريخاً لها ادخلوها بسلام آمنة سنه ... [٣]

بو قپو دخى ايكي قات باب قويدر اما بو ايكي قات قپونك مابيننده ايچ يوزنده كى قپونك اوزرنده بر مرمر ارسلان تصويرى وار كم كويا استاد رسام بهزاد وشاه قولى و اغارضا تصويريدر استاد مرمر بر بو اسده وار مقدورين صرف ايدوب بر غضنفر شيوخ [٤] تصوير يازمشكم كورنلر آنى دى روح ظن ايدرلر بر مهب ارسلاندر و بو قپودن طشره بردكيزدن بردكيزه وار نجه جمله كسمه خندقدر و ايكي قات صارپ سدمتين قلعه ديوارنده متبن ابراجلى و شيرين و مصنع دندان بدنلرى وار كم جمله اللى عدد قله رنده خندقه و دريا يه ناظر شاهانه طوپلرى وار اما بو خندق ايچنده كفار زمانى دريا دوله شرمش مرور ايام ايله دولمش اما ينه آچاق ممكندر

[١] س، ك، ط : سلطان سليمان [٢] ك : فى الايام [٣] تاريخ صوك مصراعدن جيقه جق

ايسده مذكور مصراع (٨٧٢) ايدبور حالبوكه اوزمان سلطان سليمان آنامى قارنده بيله دكل ايدى چونكه تاريخ تولدى ٩٠٠ در . ظن ايدبورم كه ك نسخه سنده كى (فى الايام) كله مى طوغرى اولوب (الايام) كله سنك تاريخه علاوه مى لازم كلبر بونك كوسترديكى عدد ايسه ٨٣ در احواله (٨٧٢ + ٨٣ = ٩٥٥) اولمش اولور . بر تخمين اولق اوزره تاريخك شوبله اولسي ده ممكندر :

117

قذبنى هذا البنا امامنا ذوالصبا سلطان سليمان قطب دين

قلت فى الاتمام تاريخاً له ادخلوها بسلام آمين

بو صورنده تمبيه سز اوله رق صوك مصراع (٩٣١) ي كوسترمش اولور (م)

[٤] س : شيوخ . ك : سبع

سليمان خانك اولادلىرى و كرىمه لريدىر و اشغنى بيوك قلعه ده شهزاده سليمان خان جامعك
حرمى قپوسى او كنده (زيارت مصطفى باشا) قبرينك سنك مزارنده اولان تاريخدر [۱]

ميرميران ايندى عقبايه سفر و ير خدايا آ كه حسن خاتمه

بر زياده ابهسك تاريخ اولور اوقى روح مصطفى به قاتمه سنه ۱۰۷۰

ودخى (زيارت شهيد بابا) آت قپوسنك ايچ يوزنده مدفوندر و (زياره الشيخ

ابوبكر) . . .

بوشهر كفه دخى سير و تماشا ايدوب اون بش كون آق محمد باشانك قايم مقامى
اولان دورمش اغادن فرمانلر و احسانلر آلوب كفه دن مشرق جانبنه نيجه قرالر كچوب
و شوره صولر ايجوب تانارستان ايچندن كچوب بش ساعتده (منزل قريه بوزماق) [۲]
اندن ينه جانب شرقه بش ساعتده صحرالر ايجره ينه تانارستانى كچوب آجى صولر
ايجوب

اوصاف قلعه شيرين كرج

قوم تانار كرش ديرلر وجه تسميه . . . بانيسى جنوز فرنكيدر سنه . . .
تاريخنده سلطان بايزيد ولى فتحيدر بدست كدك احمد باشا حالا كفه ايا تنده كفه
صو باشليقيدير اسكله سنده قلفاى سلطان امينى اوطورور و اوچيوز اچيه بايه سيله
قضادر و ناحيه لرى . . . عدد قرالدر و قلعه سى لب درياده بر كورفز بو جانغنده
بر ليان عظيم كناننده شكل مربع برشدادى طاش بنا قلعه رعنادر دائراً مادار
جرمى كامل بيك آديدر و اطرافنده ايكي قپوسى وار لب درياده اولان كوچوك
دمر قپوسى جانب شرقه مكشوفدر كم بو قپودن ايجرى عربله رچيقاماز غايت كوچوك
باب مصنعدر و بو قپو اوزره تاريخى بودر (هذا الحصن الكرج [۳] عمر [۴] السلطان
بايزيد خان بن محمد خان خلدالله ملكه) و بو تاريخه متصل صول جانبنده چار كوشه
بياض مرمر اوزره دورد اياقلى و قناطلى اودوه باشلى بر تصوير واردركم كفارك علم

[۱] صوك مصراع تاريخدر فقط (۱۰۶۹) ايدبور شاعرك ديديكى كبي بر زياده

ايدبلنجه (۱۰۷۰) اولور (م) [۲] س، ك: يوزماق [۳] دوغروسى (هذا الحصن للكرج)

ياخود (هذا حصن الكرج) اولمليدر (م) [۴] دوغروسى (عمره) اولمليدر (م)

(بی مدح کنیسه زاهبان قسیسان) زوم و ارمنی کفره لرینک اوچ عدد پوتلری [۱] وار آیین باطل ایدرلر [۲] اما-یهودیلرک بر صناغولری واردر (۰۰) (دروصف شهرانکیز کلیات شهرکفه) بوشهر قدیم مجمع علما ومنبع فضلا اولوب اقلیم عجیبه و عربیه [۳] اولدوغندن علماری دخی علوم عربیه [۴] وفتون کثیره یه مالکلردر حتی حکمای حاذق و جراحان فاصدی دخی بی قیاسدر و شهرینک اطرافنده اولان خاک عمر پا کلری غایت محصولداردر کم کندم کونا کون و شعیری ویولاف و چاوداری و بقله‌سی و نخودی غایت وفرت اوزره بی قیاسدر کرچه باغ و باغچلری آزدردر اما مشبک بوستانلری چوقدر کم زمینی بر واسعه الاقطار بردار و دیاردر کم دیار ارض قریمه مثلی یوقدر اندن بو شهرک قیش کیجه لرنده اوده صحبتلری محنده اولان نعمت نفیسه لری و اون کونه ممسک خوش آبلرینه عشق اولسون (آوصاف زیارتگاه مشهد جبانه شهر کفه) اولا بالاده مذکور اولان طور اراقلق واروشنده زیارت (طوپچی بابا سلطان) و قریبنده (شیخ افندی سلطان) برقبه عالی ایچنده اقربا و تعلقاتلریله آسوده درلر و سرسعادتلری اوجنده (داماد افندی سلطان) آنک باشی اوجنده بر کوشده چار کوشه بر بیاض مرمر اوزره بوتاریخ مسطوردر

قطب عالم رحلت ابتدی بو فندان عالیه ای اخی فرقت اودبله روزوشب بغریکی یاق
مخلصی داماد افندی تاریخن قیلدی عیان نایم [۵] آج قلب کوزنی اول جنت اعلا یه باق
سته ... [۶]

یوقارو ایچ قلعه‌ده مرمر صندوقلر ایچره (زیارت شهزادکان آل عثمان)
شهزاده میمندی و شهزاده الم شاه [۷] و شهزاده علی خان بن شهزاده سلیمان شاهلردر
بونلرک صندوقلری جنبنده ینه سهل خرابجه مرمر صندوقه ایچره (زیارتگاه
شهزاده قباد شاه و شهزاده بایزید شاه و مریم بانو و نسل خان بانو) بونلر شهزاده
[۱] ک : دیرلری [۲] ک : آند آیین باطله لرین اجرا ایدرلر (۰۰) پ نسخه سنده
اوچ سطر آجیق وار [۳] ک : عجیبه و غریبه [۴] ک : غریبه [۵] ک : نایم
[۶] برنجی کله‌سی (نایم) اولدیغنه کوره صوگ مصرع (۱۰۳۱) عددینی کوستریبور (م)
[۷] ک : علمشاه

اتی و دوه آتی بر اچقه‌یه‌در اما آت و اشک و قیسی ایکی اچقه‌یه‌در و شهر ایچنده قره دود اغاجلرندن چوق بر ترك [۱] یوقدر . . . (در علم اسطراب اقالیم ارض بلد بلدان) بو کفه شهری اقلیم سادسده بولنوب عرض بلدی . . . و طول نهاری . . . درجه و دقیقه‌در و اطول لیالی . . . (در قول منجمان طالع عمارستان کفه) برج ثورده بیت زهره ترابی خانه‌سنده بولنوب انکیچون خلقی زهره‌کبی ذوق و صفا و شوقده اولوب ترابی اولدقلری جهتنن خاکیه یک خلوق و حلیم و سلیم آدملری واردر و ثور برجنده اولدقلری حیثیتدن جمله صغرلری سمز و کبیر بقرلری چوقدر (در مدح صفت محبوبه و محبوبان) هواسنک لطافتندن غلمان و نسوان و بنتانلری غایت حسن جماله و لطف و اعتداله اولوب کلماتلری جمله موزون و دیشلری کویا دز مکنون مستثنا جوان و بنتانلری [۲] اولورکم کیسوی مشک‌بارلرن صارقدقلرنده عشاقانلرک کولکلرن کندولرینه جان و دل ایله آقیدرلر و دختر پاکیزه اخترلری وارکم حکاک دستی دکمه‌مش بر در یکتالردر و دامنلرینه خار ایلشمه‌مش بر مه‌تاب‌درلر و جمله چرکس و آبازه و کورجی و له و لایتلرندن کله جمله پنجه آفتاب مه‌تاب غلاملری سیم بدن و نازک و تروتازه قولاق شاحمسی کبی یومشاق و نرم و رام و نازک اندام غلام مه‌پاره‌لری اولورکم محبوب دوست غلامپاره برادرلریمز بو مه‌پاره‌لری کوردکلرنده پاره پاره اولورلر حتی قوافلر بازار یاننده هر صباح اسیر بازاری دورور بونده اولان دلبران جمعیتی اسلام‌بولده اوغلان شینخی تکیه‌سنده اولمازدر نیجه زو کورد مفلس مندبور عاشقلر کورجی حالیه [۳] یعنی کوز زناسیه کچینوب کنج محنت خانه‌سنه آم داغ درون چکدرک کیدر . . . (در بیان کار و کسب اهل صنایعات استادان) یوز آلتش یدی کونه اهل حرفلری غایت استاد کامللردر اما درزیسی و قیوچیلری و پابوچیلری و نیجه سجاده پاییچیلری غایت استادلردر دخی اکثریا خلقی تجارلردرکم بال و یاغ و اسارالر آلوب ستارلر بر الای بازرکان آدملری چوقدر

[۱] ك : شجر (۵) پ نسخه‌سنده اوج سطر آجیق وار [۲] س : شبانلری

[۳] س : کوز جرحکله [صوکن دردنمی حرف کافدر قولی بوق] . ك : کوز جرحکله

یوقدر دیو علم کافه [۱] منکر ایدم اما الحمد لله بو کفه شهرنده بونایب ابراهیم افندیده کوروب علم یقین و حق یقین و عین یقین و اصل ایدوب حقیره دخی برسبوکه [۲] التون احسان اتدیکم المده بال موخی کبی اووالردم حتی بو التونلردن ابراهیم افندی جبهلر یاپوب برین صباح و اوچ دانه اخشام یودوب اول کون اول کیجه اصلا طعام یزدی لکن بو مرتبه یه بو و صله فقرالره اول کسنه واصل اولینورکم [۳] اهل حال اوله و صلاح حالد اولوب کمال مرتبه ریاضات و مجاهده یه مشغول اولوب اسراری حفظ ایدوب خلقدن مزوی اوله الحاصل کبار اولیا زمره سندن اولانه بوکار نصیب اولور [۴] والسلام (دروصف آب و هوای خوب جاودان) هوایی غایت لطیف و معتدلدر زیرا لب دریاده واقع اولشدر اما صولری سهل شورجه لدرر و باغ و باغچه لری آزدردر جمله باغ لری ترقیم اولنان سوداق داغلرنده اولان باغ لری بو کفه لیلر کدر (در ممدوحات ما کولات نعمت عظمای مشرات) اولا کفه نک تره یاغی و صاری مناق یاغی مسک و عمبرخام رایجه لی سنلردر و یاسمن و کفه لاله سی و لیمانده تزکن بالنی [۵] و لورک و تکر بالنی و یاخود [۶] اوصقومرو بالقرینک انواع لری اون ایکی عدد دریاده اولماز حتی بحر محیط و بحر میلغان [۷] و بحر اوقیوسوسده [۸] و بحر خزرده و بحر عمان و بحر قزنده دخی کفه بالنی کبی بر ماهیلر کوردم حتی برکر [۹] نامنده کی بالنی ماه خمسینده صید ایدوب نیجه یوز کیلره طوزلیوب قورلر و جمیع اقالیم لره بازرگان لری کتورلر بو غرایب بالنی اما تیدرکم باشقه مقاطعه در امینک رضاسی اولدن بر فرد آفریده بر بالنی صید ایدمز اما کیجه قرانلغنده اوغلانچقلر فلاقلی [۱۰] کفال بالغن [۱۱] توتوب لرلر بالنی امینی آنلره بر شی دیمز اما شهر صوباشیسی دو یارسه غلام لری جریمه یه کسر و دخی بیاض اتمکی و سمن اتی بر روقیه سی برر اچیه در و بر بو چوق و قیه صفر

[۱] ك : كافی [۲] ك : سیکه [تورکده بانک و کافک فتحیه (سوبکه) شکلنه چورلشدر (م) [۳] ك : اولیورکم [۴] س ، ك : اولیور [۵] س ، ك : تزکز [۶] س ، ك : و باحور . ط : و باحود [۷] س ، ك : ملعتان . ط : جلفان [۸] ك : اوقینوس [۹] ك : برکی [۱۰] س ، ك ، ط : نلاقلی [۱۱] ك : بالجاغن

شهرنی محافظه ایچون شهره حواله بر شکل مدور کارگیر بنا بر قله بالاسی وار
جرمی کامل ایکی یوز آدیمر جانب غربه برالیجه یرنده آنجاق بر دمر قپوسی
وار و دمر قپولی طوب مازغالی دلیکری وار اما اطرافنده خندق یوقدر همان
لب دریاده بر عالی پشته اوزره صب قله بالادر ایچنده آنجاق بر دزداری و اون
عدد مردم حصارى و کفایت مقداری جبه خانه سی وار سنه ... تاریخنده قان
تیمورخان آل عثمانه عصیان ایتدیکی عصرده ... قپودان پاشا بو کفه لیانته دوتمه
همیون ایله لنکر انداخت اولدقده بو قله سرآمدی انشا ایتشدر اما حقا که یرنده
بر بی بدل قله متین ایتشدر لکن هنوز شب و روز قپوسی مسدود دورور
بو قله نك حالاجانب اربعه سی مزارستاندر اکه قریب مذکور احمد افندی تکیه سیدر
(در بیان چاه ماه خاندان) شهر کفاده جماسی [۱] دورد بیک آلتش عدد اولرده
قبول اولدوغی سجدله مرقومدر صارماشقلی بایری دبنده اولان اولرک قیولری
لذیددر اما اشغیده اولان بترمالر سهل شورجه در اکثریا اولری قیویه محتاجلر در
(در تسطیر دقیق دکرمان) [۲] اما [۳] یوز آلتش عدد اون دکرمانلری وار کم
جمله یین آتلی جکر زیرا بو شهر ایچنده نهر جاری یوقدر اما نیجه فقرالرده ال
دکرمانلری چکنلری چوقدر (در ترقیم مشرف اولدوغمز یاران اخوان) اولا
حسام افندی واحمد افندی و قایم مقام اق محمد پاشا درمش اغا [۴] و سیدالباقی
چلی و شیخ الاسلام افندی و یانچی زاده لر و امیر افندی و اوغلی سید چلی عارف
و ظریف و ندیم و خوش صحبت و خوش لهجه و خوش لقا برسبک روح و ذات شریف
حقا که شریف چلیدر و علم کافده کامل و صاحب عیار نایب ابراهیم افندی محکم
شرع رسول مبینده بر نایبدر اما جمیع خانلره و قلغا و نورالدین . . . و غیرى
سلطانلره و جمیع وزرا و وکلاره و فقرا و ضعفالره نعمت احسان و انعامی مبذول بر
آدمدر بو حقیر بو آنه دک قرق بریلدر کم جهان بان اولوب عالمی کشت و کذار ایدوب کیمیا به
مالک صاحب عیار کورمه مش ایدم اما نیجه بیک مقلدر ایله کورشمشدم بو علمک اصلی و فصلی

[۱] ک : جمیسی [۲] ک : در تسطیر دکرمان دقیق [۳] س ، ک ، ط ، ا تا

[۴] شیمدیکی شیوه ایله (اق محمد پاشانک معاونی دورمش اغا) دیمک اولور (م)

ومعمور سوق سلطانیلردرم یکریمی اوچ عدد مکلف ومزین خاننده وسیازنده‌لی
شاعران ومداحانی مکمل ومعمور فوقانی وتحتانی قهوه‌خانه‌لری وبوزه‌خانه‌لری [۱]
ومیخانه‌لری وار لکن کارکیز بنا قبایی بدستنی یوقدر (دروصف چشمه سار
دلجان) بارداسی یکریمی عدد چشمه عین زلالردر اما صولری شورلردر (در
خیرات سییل خانه عطشان) اولانده‌سی یوزیش رده سییل خانه جان ستاندرکم هرکوشه
اسواقده شهیدان دشت کربلا روحیچون بنا اولنش خیرات عظیم سییل خانه‌لردر
(در دفتر اسناد عدد محلات مؤمنان) هموسی اندرون و بیرون کفده بورسم اوزره
بسکسن عدد محله مسلمدر اما ارمنی وروم و یهودی وجنکانه اله جقلی و اوبالی
اولریله جمله یوز یکریمی جماعت محله عد اولنمشدر اما طوپراقلو [۲] نام وازوش
قربنده چوق محله تانار اوبایلیری فقرالردر لکن درون شهرده جمله لعل
کون قرمزی کره‌مت اورتولی سرای عظیملر وخاندان قدیملردر (درحساب
جمیع بیوت کبار اعیان) یکونسی طقوز بیک التمش عدد خاندان بیوب [۳] طایلردر
اولا جمله دن ثابت ابراهیم افندی سرایی وقائم مقام سرایی وعبدالباقی چلبی سرایی
وپاشا سرایی وبرادرین باغچی [۴] زاده لرسرایی وداماد افندی سرایی ومفتی افندی
سرایی مشهور خاندانلر بونلردر وبوخاندانلرک وجهه چارشوی وبازارک شاه راهلری
سراپا بیاض قالدرم طاش دوشه‌لی طریق عاملردرم جمله یتمش زوقاق عد اولنمشدر
جمله‌سی پاک و پاکیزه طریق عاملردر لکن بعض راهلری انش و یوقوش بیرله
واقع اولمشدر اکثریا قریم زمیننده واقع اولان شاهنشین و پنجره‌لری جانب شماله
لیمان دریاسنه ناظر خانه زیبالردر (درتکتیب طشره واروش طوپراقلق) قلعه
کفهنک غرب جانبی طشره سنده بر واروش عظیمی وارکه طوپراقلی واروش دیرلر
زیرا نیجه بیک خانه‌لرینک سطوحاری خاک پاک ایله مستور اولدوغندن طوپراقلی
واروش دیرلر اما نیجه یوز عدد خاندان معظملری قرمزی کره‌متیلدر و بونده
اوچ عدد جامعلری ومساجدلری ومدرسه‌لری وتکیه‌لری واردرمک نیجه عمارت‌لری بالاده
تحریر اولنمشدر (درقیدقلعه واروش طوپراقلی) بونده بر بیا راوزره بو طوپراقلی
[۱] س، ک: بوزخانه‌لری [۲] ک: طوپراقلق [۳] ک، ط: بیوت [۴] س، ک: یاغچی

اولش آلتی خلوتلی برهام روشنادر و بوکه قریب چوملک حمای اولقدر مدوح دکدر قله قپوسندن طشره سنده اسکی حمام خوبدر دلاکلری و خداملری جمله محبوبدر و ایکی عدد حاملر دخی واردر اما اسملری معلوم اولمادغندن تحریر اولمادی (دروصف حمام مخصوص اعیان خاندان) بقول یاران آلفته و آشفته کان شهر کفه ایچره آلتی یوز عدد او حاملریمز واردر دیو تفاخر کسب ایدرلر و قاللرنده صادقلر درکم حقیر الیدن زیاده سرای حاملرن بیلیم زیرا اهل عرض خاتونلری بازار حمامنه کتمزلر و صوقاغه دخی چقمازلر مابینلرنده خاتون کشیلر صوقاغه چیقماق غایت عبیدر (در علامت خان خواجه کان تجاران) عمومسی قرق اوج عدد و کاله سودا کرانلدرر اولا جمله دن قوجه قاسم پاشا خانی جمله خانلردن قدیمدر قپوسی اوزره تاریخی بودر

جناب حضرت پاشای اکرم اولوبدر قاسم احسان وانام

که خیره صرف ایدوب مال فراوان بوخان دلکشایی ابتدی اتمام

اولوب تاریخی آنک عقله ملهم دتر اولدم سرای رحمت [۱] انجام سنه ۹۸۱

اندن سیجانی خان بویکی مذکور خانلر فرنک حصارای ایچنده در اندن طشره

قلعه ده وزیر خانی اندن سفرغازی اغا خاننک قپوسی اوزره یازیلن تاریخی بودر [۲]

سلامی دیدی اتمامه تاریخ زهی خان مزین بارک الله سنه ۱۰۶۹

اندن اسپر خانی اندن بازار یری خانی ... نیجه خان زیسالر دخی وار

ما قلعه مثال بنای عظیم خانلر بونلدر (درتحریر بکارخانه غریبان) اولانجه سی

طقوز عدد بکار اوده لریدرکم جمله اهل صنایع غریبلر ساکن اولورلر (در عدد

چارسوی و بازار و بزازستان) باریسی یعنی تاتارجه جمله سی بیک اون عدد دکاندر

اما طشره طوپراقلو واروش دکا کینلری [۳] بیله حساب اولنشدر اما اوزون چارشو

واورته میدان باراری و شمعخانه بازارای و خفاف خانه چارشوسی جمله ا مزین

[۱] س ، ک ، ط : راحت [بوراده کی (راحت) کله سی دوغری ، (رحمت) کله سی

یا کلشدر تاریخ (سرای راحت انجام) عباره سندن چیقور فقط (۹۷۵) چیقور اکر (۹۸۱)

رقی یا کلش دکله بر او علاوه سیله عباره (سرای و راحت انجام) شکلنه قونولماید (م) [

[۲] بوتاریخ تامدر (م) [۳] ک : طوپراقق دکا کینلری

سر برهنه فقر و فاقه‌ده فنا فی‌اللهدن فقرای باب‌اللهری واردر اندن داماد افندی تکیه‌سی بودخی بر اولو آستانه درویش دلریشاندر بنوک دخی صبح و مسا عمارت دارالضیافه‌سندن بای و کدای و پیروجوانه نعمتی مبدولدر اما بونده اولان ذکرالله و توحیداره [۱] بر تکیه‌ده اولماز زیرا داماد افندی حضرتلری بر پیشوای رهنمای آل عبادرکم روحایتلرندن جمیع عاشقان صادقانلر سرمست اولوب عشق الهی ایله کندولرندن کچرلر بر کونه تکیه مهیدر اندن کفه طوب قپوسنک ایچ یوزنده ینه داماد افندی [۲] تکیه‌سی وار بو دخی خانکاه معموردر حاصل مرام بو کفه‌اهالیسی جمله‌اهل توحید اولمالری جهندن خلوتی و جلوتی وقادری و کلشنی تکیه‌لری واردر اما طریق مولانا تکیه‌سی یعنی مولوی خانه‌سی یوقدر (در عدد مکتبه‌های ابجدخوان جگرکوشه پسران) دوکلیسی قرق بش عدد دارالعلوم صبیان محبوباندر اما نارسیده اولادلرینک طبیعتلری اولقدر تیز فهم اولوب غایه‌الغایه نجیب و رشید و ذکی الطبع پسرلری وارکم نیجه کتابلری حفظ و تکمیل ایتشلردر (در مدح حمامات طاهران راحت جان) هپسی اون عدد کرماب روشنلردر اولا فرنک حصاری ایچنده حاجی مرادحاجی اجی جمله طااطلی حمام طشره [۳] بیوک قلمه‌ده سلطان سلیمان خان غازی شهزاده حاکم ایکن اساس اوروب بعده خلافتی عصرنده اتمام بولمش بر واسع و خوش هوا و خوش بنا برحمام مفرح و دلکشادرکم مثلی مکر بانچه سرای شهرنده محمدکرای خان حامی اوله سراپا جمیع قبابلری رصاص خاص نیلکون ایله مستور بر حمام معموردرکم کفه خلقنک محبوب اسیر غلاملری بونده جمع اولوب هر خدمته جان باش ایله مستعجللردر اما مستفعل [۴] و مفعوللردن سهل دکلردر الحاصل رخام‌خام کونا کون ایله مفروش

[۱] ظن ایدرم که (اره) کله‌سنده کی (ر) حرفی شده لی اولوب (توحیداره) دن مقصد (ذکراره) اوله‌جقدر . ادیب فاضل «کوپربلی زاده فوآد بک افندی» (تورک ادبیاتنده ایلك متصوفلر) آدلی اثر عالیسنده (۱۱۹) نجی صحیفه‌ده (ذکراره) ایچون بر فصل مخصوص یازمشدر (م) [۲] ک : ینه بر آخر داماد افندی [۳] ک : حاجی مراد حامی آندن طاطلی حمام آندن طشره [۴] ک : متفعل

مشهور جوامع معموره لر بو مذ کوره لر در کم بونلری تماشایدوب ریا اولیه
 ایچلرنده عبادت دخی ایدوب صاحب الحیرات و الحسنا تیر روحیچون فاتحه شریفه
 تلاوت ایدردم (اوصاف مساجد های ابدان زاهدان) جمله الی عدد محله
 مساجد لری واردر اولا حاجی ادریس مسجدینک قبله قبوسی اوزره تاریخی بودر
 (بسم الله الرحمن الرحیم قل اللهم مالک الملك به نعم [۱] الحاجی ادریس) (*) جامع اولغه
 مستعد بر قورشوملی قبه عالیلی مسجد رعنادر اندن قله قبوسی قربنده کوپرو
 باشی مزکتی اندن اورته قبو بقعه سی اندن قپواغازاویه سی اندن عربلر [۲] اینه سی
 اندن خاتونیه جوماسی اندن مفتی جامی قربنده چاکلی مسجدی اندن بالا خاتونیه
 زاویه سی اندن فرنک حصار ی قربنده احمد اغا اینه سی اندن مفتی سجده لکی اندن
 چین الی مسجدی اندن حصار نمازگاهی مسجدی نیجه معمور و آبادان زاویه و مساجد
 و بقعه لر و مزکتلر و سجده لکار واردر اما معلومیز اولوب تماشا ایتدی کمز
 مساجد لک کزیده سی بونلردر والسلام و بو شهرده یکریمی یرده قورشوملی عمارت لر
 واردر و جمله قرق عدد کارگیر مناره لر واردر ماعدا آلقاق مناره لر در بو
 عمارت لری جمله بایراقلی قله بالاسندن تماشا ایدوب اولیه تحریر ایتشم (در عدد
 دارالتدریس عالمان مفسران) جمله سی بش عدد مدرسه دارالعلومدر اولا حاجی
 فرهاد مدرسه سی جمله دن مکلف و مکملدر و ... اما بنای دارالحدیت و دارالقراری
 یوقدر (در ذکر تکیه گاه ارباب طریق مشایخان) قوسی طقوز عدد خانکاه
 درویشان دلریشان مسکن آل عبا درکاهلریدر جمله دن کفه نک غرب طرفی خارجنده
 طوپراقلو [۳] نام واروش ایچنده احمد افندی تکیه سی وار آینده و رونده یه
 مطبخ چکلمشندن نعمتی مبذولدر کم اکیوزدن متجاوز طریق خلوتیده پاره نه

مسجدی علاوه ایتدیکنی سویلیور . نسخهلده (جیم) یرنده (ختم) یازلمشدرکه یا کلمشدر .
 [*] بو کتابه نک دوغروسی بلکه (بسمله . قل اللهم . بناء الزهیم الحاج ادریس) اولقی
 ممکندر . (م)

[۱] س ، ک : زعم [۲] س ، ک : عزبلر [ایکنجی حریفی نقطه لی ز حریفدر]
 [۳] س ، ک : طوپراقلق

آندن یکی جامع ده بر معبدکاه مفرحدر قریب العهد بنا اولماغیله یکی جامع دیرلر قورشومسز کره مت اورتولیدر اندن کول باشی جامعی دخی کره مت ایله مستور برمزکت معموردر اندن یکی قپونک ایچ یوزنده تاجر حاجی بی جامعی قورشوملی بر مصنع و قدیم جامع عظیمدر قپوسی اوزره تاریخی بودر

(لااله الاالله محمد رسول الله بسم الله الرحمن الرحيم) تحریرندنصکره

بی حاجی نبی تاجر ضعیف مسجد الاقصی لدا بین الامام
قال اهل القدر فی تاریخه و هو اس الکعبة خلد انام سنه ...

اندن قله قپوسی جامعی قورشومسز اما غایت مصنع جامعدرکم بیوک قبله قپوسی قنادلری ایله خرده نقش بو قلمون عبرت نمون اویمه اسلمی و شکوفه کونا کونلر او یولمشدرکم هزار فن رسام بورسه لی فخری چلبی کاغددن او یله او یما لرا و یماغه قادر دکدر خدایه عیاندرکم ارباب معرفت اولان بلر بو باب معالده اولقدر شیرینکار قلمکارلق معرفتی لازمکم [۱] کویا سحر حلالدر کرچه جنوز لوحه سنه او یولمشدر اما بو کونده او یله مصنع دروزه چشم بی آدم کورمه مشدر حتی بو قپو اوزره تاریخی بودر

هنده بقعة مبارکة بیتله مره اخری
صار تاریخ ختم میناها مسجد اسس علی التقوی
ثم اجتمعت تعداده از معه ختم مسجد الاقصی سنه ۸۸۸

[۱] س ، ک ، ط ، : وارکم

برنجی کتابه نک دوغروسی شویله اولق ممکندر :

قد نبی حاجی نبی تاجر عقیف مسجد الاقصی بدا بین الکرام
قال اهل القدر فی تاریخه و هو اس الکعبة خلد انام

تاریخ (خلد انام) ترکیبی درکه ۷۲۶ عددینی کوستریور
ایکنجی کتابه نک ده دوغروسی شویله اولق ممکندر :

هنده بقعة مبارکة بنیت لاله مره اخری
صار ختم تاریخ میناها مسجد اسس علی التقوی
ثم انی جمعت اهداده معه جیم مسجد الاقصی

بوراده کی (مسجد اسس علی التقوی) تاریخدرکه (۸۸۵) کوستریور . حالبوکه (۸۸۸)
اوله جنی در . دیمک که (۳) اکسیک در . بونک ایچون شاعر اوچنجی بیتده تعمیمه ایله جیم

ایله مستور بر جامع روشن و پر نور در قبله قپوسندن طولی محرابه وارنجبه یوزاللی ایقدر و بر یانندن بر یانه عرضی کامل یوز آیا قدر ایکی یان قپوسی و بر قبله قپوسی وار و طشره صفه لری آلتی عدد ستونلر اوزره بش عدد مصنع قبا بلردر درون جامع بر خیلی واسعدر کم جمله اون بیک آدم آلور اما جار شوی و بازار ایچنده واقع اولوب بر داراجق زمینده اولماق ایله طشره حرمی کوچو کدر جامعنک بیوکلکنه کوره دکلدر و مناره سی ومنبر و محرابی طرز قدیم آثار لردر ...
اندن مفتی جامعی بودخی قورشوم ایله مستور بر مصنع طاش مناره لی جامعدر
بو جامع لطیف قپوسنک ایچ یوزنده کی تحریر اولنان جلی خط ایله تاریخی بودر

باعانة الملك المعین	شرع البنا بهمته
بالمولوبه امر [۱] دین	مفتی شرع خادم
موسی الشریف المسکین	وهوالذی کان اسمه
اذ عمرها للعابدین	نم المیرد [۲] هذه
خدماته لشرع المبین	قبل الاله بلطفه
ولثم دارالمتقین	وضع الاساس وارخه

سنه ...

بو تاریخ بر حسن خط ثلث ایله چار گوشه مرمر اوزره آلتون ایله تحریر اولنشدر وینه بو جامعک طشره حریم قپوسی اوزره طریق عامه ناظر اولان تاریخیدر

حاش لله که کویت توبیخ	مسلمانای بیا ... [۳] نماز
بنیت للصلاة شد تاریخ	فکرکن ز نمازم این بقمه

سنه ...

[۱] ك : لاسر [۲] ك : المرید [۳] هر نسخه بومصرع بویله قصور لیدر (م)
[عربی کتابه تک دوغروسی شویله اولق مکندر :

باعانة الملك المعین	شرع البنا بهمته
بالمولوبه امر دین	مفت لشرع خادم
موسی الشریف المسکین	وهوالذی کان اسمه
اذ عمرها للعالمین	نم المبره هذه
خدماته الشرع المبین	قبل الاله بلطفه
ولثم دارالمتقین	وضع الاساس وارخه

صوك مصرع (۱۰۳۲) عددینی کوبستریور

فارسی کتابه تک دوغروسی شویله اولق مکندر :

حاش لله که کویت توبیخ	مسلمانا بیا کذار نماز
بنیت للصلاة شد تاریخ	فکرکن در بناه این بقمه

صوك مصرع ۱۰۴۸ عددینی کوبستریور (م) [

جانب شرقی طرفی گوشه‌سی ایچنده برقات بویه قلعه دیواری متین قلعه‌در لکن طشره بیوک قلعه کبی التفاتده دکلدر زیرا بو ایچ حصار شهرک ایچنده قالمشدر جمله دیواری ایکی بیک کره آدیم خندقسز بوله شدادی طاش بنالی دیواردر لکن بو قلعه‌نک دریا طرفی طشره قلعه دیوارندن در همان بو فرنک دیواری شهر ایچنده بولنش برقات انلی و عالی دیواردر بو دیوارک جمله بش عدد قپولری وارددر بشیده شهر ایچنه آچیلیر خشب قپولدردر زمان قدیمده جمله دمر قپولی [۲] ایمش اولاشنی چارشو یولنده دده فرونی دبنده آتلی قپوسی دیمه‌نک وجه تسمیه‌سی اولدرکم بو قپونک عتبه علیاسی کمری آلتنده بر بیاض مرمردن بر طاش آت اوزره ینه بر طاش آدم آته سوار اولمش آتنک ایاغی آلتنده بر اژدرهانک ینه طاشدن صورتی وار انکیچون بو قپویه آتلی قپوسی دیرلر حقا که استاد مرمر بر عجیب تحفه آت صورتی قازمش کویا که ذی‌روح دورور اندن اوته حمام قپوسی آندن ... و بو فرنک حصارندن یوقاروده (ستایش نازن حصار) بو قلعه طشره بیوک حصارک جانب شرقی کوشه‌سنده بر صارب قیالی پشته اوزره بر برونه واقع اولوب دریاه حواله قیای مهیب اوزره بر سد سکندر نازن قلعه‌درکم جمله شهره حواله اولماغن شهرک هر خاندان آثار بنالری بو قلعه‌عالیدن نمایندر سلیم خان و سلیمان خان و غیره شهزاده‌کانلر بونده حاکم‌لرایکن سرایلری و ضرب خانلری و تره‌پرانوارلری جمله بونده در بو قلعه‌نک اطرافی یالچین قیالر اولق ایله خندق یوقدر و خندق اولماق‌ده محالدر انجاق فرنک حصارینه آچیلیر بر قپوسی وار و قرق اللی قدر اولری و بر جامعی و غلال انباری و جبه‌خانه حجره‌لری و دزدارخانه‌سی وار غایت متین مستحکم حصار استواردر ... (اوصاف جوامع های سلاطین زاهدان طابدان) جمله‌سی آلتمش عدد محراب موحداندر اون عددی صلات جمعه ادا اولنور اینه طاملریدر جمله‌آ جامع سلاطین طشره بیوک قلعه‌ده (شهزاده سلیمان خان جامعی) بونده حاکم ایکن بنا آتمشدر جمیع اندرون و بیروننده جمله عمارت‌لرینک قبا بلری رصاص خاص نیلگون

[۲] ک : قابلی . س : قابلی

وقت غروبده سد باب ایدوب مفتاحلرن هر شب یکیچری اغاسنه تسلیم ایدوب علی الصباح ینه آلوب دعا و ثنا و کلبانک محمدی ایله قبولری کشاده ایدرلر اما شهزاده سلیم و شهزاده سلیمان خان بو کفده حاکم کر ایکن هر صباح هر قپوده برر قربان دعا ایله کیلوب قبولری آچارلر مش اما شمعی بر طاووق بیله بوغازلمازلر بو خبری ایکوز یاشنده قارت تانارلردن استماع ایدوب قربان احوالن یازمشم اما دریا کنارنده کی دیوارده جمله سکز عدد قبولدرر ایکیسی لیمان قبولیدرکم غایت قوی و مصنع باب لطیفلدرر بری اسکله قپوسیدرکم جمله کشتیلر آنده یناشرلر و کومروک امینی بو قپونک طشره سنده کومروک خانه عظیمده او طورر لب دریایه ناظر شاهنشین و پنجره لری وار بر مزین و مکلف امین خانه در و کفه پاشالرینک قات اندر قات سرای جهان نماسی بو اسکله قپوسی اوزره در جمیع دیوان خانه و حجره لرینک شاه نشین و روزنلری لیمانه ناظردرر و بو اسکله قپوسنک طشره سنده قپودن ایچری کبررکن صاغ طرفده قلعه دیوارنده یرره یقین اوج عدد آدم بازولری قانلقنده [۱] دمر حلقه لری واردرکم ایچلردن آدملر کچمک ممکندر لیمانده لنگر انداز کیلر قپولرین بودمر حلقه لره باغلرلر اندن بالق بازاری قپوسی بو یالین قات دمر قپودر اندن بو یاجی قپوسی بو دخی یالین قات کوچک دمر قپودر اندن اورته قپو بو دخی کوچوک حدید قپودر اندن کوچوک قپو بو دخی دمر قپودر اندن لونجه قپوسنه اوغزن قپو دخی دیرلر دائماً مسدود دوروب حین محله آچیلر بو ذکر اولنان سکز عدد قبولرک جمله سی لیمانه مکشوف اشک قبولدرر و جمله جانب شماله ناظر لب دریاده اوکاری قومسال یرلدرر جمله یوزاون بدی عدد قله بالالدرر و بو قلعه ننگ اندرون و بیروننده قلعه یه متصل آثار بنادن برشی یوقدرر الامیری کومروک و پاشا سرایی واردر اولانجه بنالر جمله قلعه دن الارقه بنالدرر کرچه دریا طرفی دیواری الحاقدرر اما قله لری و بدنلری و قراوول خانه لری صیق صیقدرر و کعبه قلعه دیوارلرن دریا تلطمی دوکر انکیچون لب دریاده خندق یوقدرر (اوصاف ایچ حصار قلعه کفه) بو ایچ قلعه یه اهالی و لایت فرنک حصار ی دیرلر بو دخی اول طشره قلعه ننگ

[۱] ک : قانلقنده

در بیان اشکال زمین قلعه کفه

قره‌کنز ساحلنده بر کورفز لیمان عظیمک جانب غربیسی و جنوبیسی آره‌سندره لب دریادن تابایراقلی [۱] نام کوه باندک ذروه اعلاسنه وارنجه شکل مقوس بر شدادی سنک مطرش برقلعه حاضر باش لاجل صواش بر کرمان جای اماندر دائراً مدار جرمی سکنز بیک آدیمر کامل حتی سلانیک قلعه‌سیله آدیمه و آدم ایله پراولماده بردر اما بوکفه‌نک قره‌طرفی کامل آلتی بیک آدیمر دریاطرفی کامل ایکی بیک آدیمر حتی اوچ کره کندو خطومه آمله مشمدر اماقره‌طرفی بری بری اردنده ایکی قات سد اسکندر وار حصار استواردر ایچ قات حصارلی اللی آرشن عالی ویش آرشن انلی دیواردر دخی اوکنده کی دیوار او طوز آرشن عالی ویدی آرشن انلی سد یا جوج وار فیل جثه‌سی قدر ایری طاشلری وار دخی اوکنده فیج عمیق یکر می آرشن درین کسمه قیا خندق اللی آرشن انلی خندقدر قپولری اوکنده خشب جسرلری وار حین محاصره و مخاطره‌ده جسورلری قالدروب قلعه‌نک دمر قپولرینه دایارلر و بوقره طرفنک ایکی قات قلعه دیوارلرنده جمله یوز اون یدی عدد کونا کون برج و بارولر وار و جمله ایکی قاتنده ایکی بیک آلتیوز عدد دندان بدنلری وار اما لب دریاده انجاق بر یالین قات دیواری وار قدی یکر می آرشندر و بش آدیمر انلی دیواردر اما لب دریا اولماق ایله بو طرفده اصلا خندق یوقدر اما قله‌لری و دندان بدنلری چوقدر لکن نقدر قله و بدنلری اولدوغی معلوم دکلدر و بوذکر اولنان قلعه‌نک دائراً مدار اطرافلرنده جمله اون ایکی عدد بنسای عظیم و متین و قوی جمله دمر قپولدر اما دورت عدد باب سدید حدیدلری قره طرفنده در اولا قله قپوسی جانب یلدزه ناظردر آندن یوقارویه کیدوب یعقوب اته قپوسی سمت جنوبه مکشوفدر آندن قبله طرفه یوسف خان قپوسی مفتوحدر آندن یقه قبله یکاسنه آچیلیر آرسلان قپوسیدر بو مذکور قپولر ایکیشر قات باب حدیدلدر کم دیده بانلری و کور و کچی قوچیلری دائماً بو قپولرده نکه بانلق ایدوب

[۱] س، ک : یا براقلی

وشهراره شی وشهر نیاز آبادی وشهر صابورنی [۱] الحاصل یتش آلتی پاره شهر
 عظیمیری چرکس بکری وداغستان پادشاهی بکری ایله مذکور قلعهری فتح
 ایدوب قبارتا بکارندن اسکندر بکی کفا پاشاسی ایدوب طمان جزیره سن چرکس
 قومیه دولدوروب ازاق کفاری قزاقی قره دیکزه چقاماز اولدی اولا چرکس
 بکری جزیره طماندن شرق جانبنده یتش قوناق یرتا کوه البرزه وارنجه جمله سلیمان
 ایله قرق عدد چرکس بکری واردر آل عثمانک بر سفری اولسه بونلر
 کفه پاشاسی ایله سفراشوب سلیمانلری یرینه عباوکه ویای وتوفنک وارود وقورشوم
 اصدار وبز وبوغاسی آلوب عثمانلی الی آلترنده در عزل ونصبری ینه آل عثمان
 حکمنده در وبریکی اولسه یری اوغلنه یاخود اقربالرینک بر مستحقنه احسان اولنور
 اماطوغ وسنجاغ وپیراغ وطبل وعلملری یوقدرلکن طبل بازلری واردر تا اوز دمر
 اوغلی عثمان پاشادن بری آل عثمانه غایت مطیع ومنقاد ایدیلر سنه ۱۰۳۱ تاریخنده
 خوتینه آل عثمانک سلطان عثمان سفرندن برو مذکور چرکس بکرینه کفه دفتردارلری
 وظیفه معینه سلیمانلری قطع ایدلن برو آنلرده نه طاصی ونه مطیع حربه اوجیله
 کچنوب ادای خدمته کلپوب کاهیجه قرم خانلرینه کیدوب کلوب بعضی شیلرده
 مراجعت ایدراولدیلر اما تطیب خاطرلریله مقیداوله جاق لازملی علوفه سزچرکزستان
 عسکرلریدر کرچه مسلمان وبر مذهبه دکلردر اما خدا دخی زیاده ایده بر
 کونه محبوب القلوب داغ آدملریدرکم مسلمانلغ وکافرلک ندر اصلا بیلمز لر اما حشر
 ونشری ده انکار ایتمز لر بر طرفه غریب آدملردر

کفه ایالتنده اولان قضالری عیان ایدر

اولا کفه ایله جمله یدی قضایدرر ابتدا طاط الی وبالقلوا وصوداق ومنکوب
 وکرش وطمان وتمرک وازاق قضالری بونلردر وجمه سکز عدد وویوادالقلری
 ینه اول قضالرده دز بووویوادالقلری حاصلرندن تحصیل اولان مال ایله پاشاسی
 اوچ بیک عسکرله سفراشر اکر چرکس بکری قانون قدیمه مراعات ایدوب
 کلورلرسه بکرمی بیک عسکر اولور خدا دخی زیاده ایده

عدالت اوج بیك غروش پشین تخته محصولی اولور پاشاسنك جوز معدودی خاصلرنندن اون آلتی بیك غروش اولوب باج بازار و جرم و جنایت و صلب و سیاستدن دخی غیری محصولاتلر ایله جمله بهر سنه یکریمی آلتی بیك غروش اولور اما منلاغنی پاشا و آق محمد پاشا و سرخوش ابراهیم پاشا قرقر بیك والیشر بیك غروش تحصیل ایدرلردی و برحاکم شرعی دخی شهر قپوسی نایبیدر و بری دخی محتسب نایبیدر و بری دخی طشره نایبیدر (ایالت کفهدده اولان لوالری بیان ایدر) جمله یدی عدد میرلوالردر اولاکرش قلعه سی سنجانغی و ادای شاهی طمان قلعه سی [۱] سنجانغی و طاط الی سنجانغی و ازاق دریسی ایچره بالی صیره سنجانغی بولوا بکینک قرالری اولیوب یکریمی پاره فرقتلر ایله ازاق دیکزن محافظه ایلدیکچون کفه کومر و کندن اون کیسه سلیمان آلور قانوندر و سنجانغ آذاخون [۲] بی چوچقه بوغازن و یلشکه بوغازن و ازاق دیکزی بوغازن و قوبان نهری بوغازن و تمرک قلعه سی بوغازن اون پاره فرقتلر ایله محافظه ایتمک شرطیله بودخی کفه مالندن اون کسه سلیمان آلور و ازاق قلعه سی سنجانغی بنوک دخی یکریمی کیسه ازاق بالنی دالیانلرنندن مال آلر و کفه سنجانغی پاشالرك تحتکاهلریدر اما سنه ۱۰۶۷ تاریخندن بروکفه وزیرلینک تحتکاهلری قلعه ازاق اولوب ازاق بکی رفع اولوب قلعه کفه کبی برشهر معظم قائم مقام اولدی دین و دلته کوپرلی محمد پاشا اینی ایتدی اما ازاغی محافظه ایدن وزیرلره عذاب الیم اولدی قلعه کفه نك [۳] بو محله یدی عدد سنجانغی قانون اوزره تمام اولدی

چرکس ولایتی بکلری قانون اوزره کفه یه تابعلردر آنلری ییلدر

سلیم خان ثانی عصرنده اوزدمر اوغلی عثمان پاشا سنه ۹۹۱ تاریخنده شروان و شقاقی به چرکزستاندن [۴] کبدرکن بکلرین کفه ایالتنه تابع ایدوب رهنلرن آلمشدر و کندوسیده قبارتی بکنه بر جاریه سیله براوغلن رهن قویوب قبارتیدن بر قیز آلوب برای مصلحت چرکزستان ایله اقربا اولوب یتمش بیك عدد چرکس بهادرلری ایله کنبجه و شروان و شمانخی و تقلیس و تومهنسی و دمر قپونی و شروانی و شهر سریراللاتنی

[۱] (قلعه سی) کله سی دیگر نسخه ده یوقدر (م) [۲] س ، ک : آذاخون [۳]

س ، ک : ایالت کفه نك [۴] ک : چرکزستان ایچلرنندن

کفه خلقه حقدن ایردی رحمت که اولدی فتحنک تاریخی شفقت سنه ۸۸۰
 بعدالفتح شهزاده سلیم خان بونده بکتر بیکی اولمشر وشهزاده سلیمان خان داخی
 ینه بونده بکتر بیکی اولوب تختگاه ایدینوب آل عثمان نامنه سکه کسملر ایدی حالا
 ضرب خانهسی و تختگاه اولان سرای خوش بناسی دورور سلطان بایزید ولی تحریری
 اوزره ایلتدر کم ایکی طوغلی و اوچ طوغلی وزراره دخی احسان اولنه کلشدر
 باشاسنک طرف بادشاهیدن خاص هایونی ۵۰۷،۷۶۶ اچهدر اما تیمار وزطامتی یوقدر
 زیرا جمله خاک [۱] تانار خانلرک کویلریدر الای بکیسی وچری باشیسی دخی یوقدر
 انجاق مال دفترداری و دیوان خلیفه لری واردر لکن شهزاده تخنی ایکن چاوشلر
 کتخداسی ایله اوچ یوز عدد چاوشان و چاوشلر کاتبی الحاصل اون ایکی قلم دیون
 خداملری وار ایتمش حالا آنلر رفع اولمشر حالا آنلرک دخی ساکن اولدقلری.
 اودالری دورور اما حالا بر حاکمی دخی کومروک امینی در کم لیان قپوسی دبنده
 الی نفر توابعاتلریله آینده ورونده کیلردن عشر سلطانی آلوب بر عظیم امانتدر
 بر حاکمی دخی بر اوده یکیکچری اغاسی و بر اوده جبهجی اغاسی و بر اوده طوپچی
 اغاسی آستانه دن کلوب قلعه یی محافظه ایدرلر وایکی یوز آدم ایله کفه قپودانی بش
 فرقه ایله دائما روی دریاده کزر و یکیکچری اوجاغندن دزداری و اوچ یوز عدد
 مردم حصار ی و جمله طوغ صاحبی سکنز عدد قلعه نک اغالری واردر برعجب [۲]
 قانون و قاعده عنقندر و محتسب اغاسی و باجداری و شهر امینی و خراج امینی
 و شهر صو باشیسی و بالق امینی و معمار اغاسی و باروتچی باشیسی و مرمانچی
 باشیسی و مسلم و قائم مقام و سپاه کتخداری . . . الحاصل قرق عدد عسکری
 حاکملری واردر (طرف شرعدن حاکملرن بیان ایدر) بشیوز اچمه مولویت پایه سیله
 شیخ الاسلام مذهب حنفی سی واردر اما شافعی و مالکی و حنبلی مقنسی یوقدر
 و اقتضاده ایتمز اما لازم اولورسه ینه حنفی مقنسی مشکل کشالق ایدر و بر حاکم
 شرعی دخی سلاله آل محمدن نقیب الاشرافدر و بر حاکم شرعی دخی اوجیوز اچمه
 پایه سیله کویا مولویت برقضادر بهر سنه قاضی به . . . پاره نواحی قرالردن بروجه

[۱] ك : حاکی [۲] ك : برعجب

داوود علیه السلام عصر نده جناوه قرالی یعنی جنوز ثانی حضرت داوود داووده ایمان کتوروب الا اوچ عدد ولید پلیدلری داوود نبی یه ایمان کتورمیوب بالرنندن روکردان اولوب اوچیده ترك دیار ایدوب بریمی حالا اشپانیه قربنده جنوز دیاری اولان شهر . . . ده قرار ایدوب عمار ایدر اندن بر قرداشی آق دکر ایچنده یوز پاره کیلریله کزه رک جزیره ساقیزک آب و هواسی و خاک عمبر باکن بکنوب ساقزی تختکاه ایدر بر قرداشی داخی ینه دونما کیلریله بوزنطه [۱] نام دیارک قرالنه یعنی قسطنطینیه شهرینک اسکی اسمی پوزنطه در صکره ما کدون کبری دیو نام ووردیلر صکره قسطنطین عمار آتدوکیچون قسطنطینیه دیدیلر نتیجه کلام جنوز قرالی اوغلی یوزنطه قرالنه دخیل دوشوب نیجه سنه مسافری اولوب حکمت باری پوزنطه تکروری مرد اولوب جنوز قرالی زاده پوزنطه شهری روملری اوزره مستقل برقرال اولورکم یا تقو ابن مادیان کبی جهانکیر اولغه آز قالبو حالا اسلامبولده غلطه قلعهنک دوردقانتده جنوز قرالی اوغلی . . . نام قرال بنا آتمشدر بعده بیک پاره کیلر ایله قره دکره چیقوب بحر سیاهک تین و یسارنده هر نقدر قلاع متینلر و شهر عظیملر وار ایسه جمله سن قبضه تسخیره آلوب بعده بو کفه قلعهی لیمانه لندر انداخت اولوب کورسه کم آب و هواسی لطیف نباتات و گیاهاتی فراوان و انهارلری جاری و روان بر جای امان و بر لطیف لیمان اولدوغین کورر تیز بو محله بکا بر قلعه بنا ایدک دیدکده عسکر دریا مثال و نیجه بیک عمال و نیجه بیک استاد کامل معمار و بنالر اوشوب یدی آیده یدی قپولی بر قلعه معظم بنا ایدوب قرال کندی اسمی ایله یعنی یان [۲] دیو نام قورلر غلط مشهور اولی اولمغین باسه باس قالدروب [۳] کفه دیرلر اما بعضی مورخین کفادن غلط کفه دیرلر یعنی کفا یتردیمک اوله دیرلر بونو [۴] یازمشلر الحاصل بانئسی و سبب تسمیه سی بالاده تحریر اولندوغی کیندر اما سنه . . . تاریخنده سلطان یازیدک عصرده با اعانت منکلی کرای خان بدست سردار معظم کدک احمد پاشا جنوز فرنگی لندن قوت بازو ایله فتح آتدوکنه تاریخ زیادر [۵]

[۱] ک : پوزنطه س : پوزنطه [۲] ک : کفی یان [۳] ک : یاسین یان [دوغروسی بلکه (یاسین ویان) اولمیدر (م) [۴] ک : بویله [۵] (شفقت) کله سی تاریخدر (م)

تجربه ایچون ترابندن آتسه براقدم حقا که عمر رایجھسی شم اولندی وحالا بوشهر خراب ایچره بویله نیجه یوز عدد جامعلر خراب اولوب دورور (در بیان زیارتگاه اسکی قریم) اولا کفه قپوسی قربنده (زیارت کمال آتہ سلطان) قدس سرہ و آنک قربنده بواسکی قریمک خرابنه باعث وبادی اولان (زیارت درویش خرابی) رحمہ اللہ علیہ قریم خلقی بونی زیارت آمیوب لعنہ اللہ علیہ دیرلر اما نفس صاحبی اولو سلطان ایمش اندن بازار یرنده کمال آتہ برادری (زیارت چوبان آتہ) قدس سرہ اندن اکری قپو قربنده (زیارت علمدار سلطان) صحابہ کرامندندر اندن حمام یاننده (زیارت پنجه لی بابا سلطان) بو شهر ایچره نیجه یوز بیک کبار و مکین خراسان و بلخ و بخارا و قریم اولیلرلی مدفونلر در کم حد و حصر لری یوقدر و نیجه یوز کبار اولیاء اللہ لری زیارت ایلدم اما جملہ سنک تحریری ممکن دکلدلر رحمہ اللہ علیہم اجمعین اما حالا حیاتده اولوب اولو جامعده قرق یدی سنہ منزوی اولوب مستجاب الدعوی مظنہ کرامہ برکوزی [۱] اعما (کور یوسف دده) نک همتی حاضر اولو حمد خدا مشرف صحبتلریله مشرف اولوب دعاء خیر لریله بهره مند اولوب اسرارہ متعلق نیجه کلماتلر اولندی خدا مرتبه سن دخی عالی ایده آمین بو حقیرہ بیوردیلر کم حق تعالی سکا سعادت دارین و یرب سیاحتدن آیرمیوب عن قریب داغستان پادشاهنه واروب اندن عجم ولایتہ آندن مصقو ولایتہ اندن ازاق ولایتہ اندن ینہ بکا کله سن اندن بر غیر ی قرم جانبنه دوشه کله سن اندن عثمانلی یه کیدوب بیک سکسن یدیده مالطده وادسه [۲] فتحنده یولنوب یورد صاحبنی بوله سن دیونجه کونه رموز کنوزلر دیوب خیر دعالر ایتدی اللہ خیرلر مقدر اتمش اوله والسلام بو شهر قریمی دخی سیر و تماشا ایدوب مشرق طرفنه ۴ ساعت کیدوب و یارلر آشوب در فصل شهر انکیز تخت گاه قدیم سداستوار و حصار باقرار قلعه عظیم

و کرمان قدیم یعنی حصار کفه خا ک مزین مملکت قریم

مورخان یونانیان لاتین وافرینج مورخلرینک قول صحیح لری اوزره حضرت

[۱] ک : کوزی [۲] ک : مالطده قانده . س : مالطده قانده . [دوغرسی

مالطده و قنده (اولاق ممکندر (م)]

عنقا بر جامع بنیاد آتمک مباشرت ایدوب نیجه بیک آدم جمع اولوب کچی اساس حفرینه وکمی جیر وجیس [۱] وطین ترابه چالشرلرکن ختا وختن وچین ماچیندن بر اولو بازرکان اون قطار دوه یوکی مسک و عمرخام ایله بنا اولناجق جامع اوکندن بوبازرکان قطار بهاریله [۲] کچرکن جامع صاحبی ایدر ای برادر سرسالار وقافله سالار قندن کلوب قنده کیدرسز ودولریکزده یوکلریکز ندر دیو سؤال ایتدکده بارخانه صاحبی سوداگر تنزل ایدوب اصلا جواب ویرمز الحاصل جامع صاحبیله کاربان مالکی وافر کچدکدئصکره [۳] درحال جامع صاحبی اون قطار دوه یوکی مسکی و عمرخی یقدهروب صاحبنک کوزی اوکنده جامعک چاموری ایچنه بوقدر یوک مسکی و عمربری عمالر چامور ایچنه قاروب قاتوب خلط ایدرلر برمسکلی و عمربری عمر چاموری یاپارلر بازرکان بو حالی کوروب انکشت بردهن ایدوب عالم حیرتده قلوب و اوایلا دیرکن همان جامع صاحبی اول بازرکانی خانه سنه کتوروب بوقدر طعام نفیسر ایله بر ضیافت عظما ایدوب بعدالطعام اون قطار دوه لرینه اون قطار یوکی آتون قزلهه یوکلدوب و ارامدی برادر جان برابرم دیوب بازرکانک خاطر ن خوش ایدوب کوندرر اشد بواسکی قریمده تا بومرتبه مال قارونه مالک عنقا سوداگران بازرکانلر وار ایش اما حالا اهلایلری بر اچیه مالک دکلردروبعدم جامع صاحبی معبدکاهی تمام ایدوب اسمنه « عمرچین جامی » دیو نام قورلار حالا اول جامع بلده اسکی قریمک کفه قپوسی دبنده ویراندر چآنکم باران رحمت یاغسه باقی قالن دیوارلری مسک و عمرخی خام قوقار حتی بو حقیر فقیر

آلتنجی کتابه نك دوغروسی شویله اولق ممکندر : بنی هذا المسجد المبارك الخیرات فی ایام دولة السلطان الاعظم والحاقان المکرم شادی کرای خان خلدالله مدکه وابد سلطنته وسعادته الی یوم الدین العبد الضعیف المحتاج الراجی رحمة ربه محمد بن الحاج بیرام خواجه فی شهر رجب لسنة سبع وثمانائة .

یدنجی کتابه نك دوغروسی شویله اولق ممکندر : امر بعمارة المسجد العبد الضعیف .. بن الحاج عمرالبخاری لتاریخ شهر رجب لسنة احدى وستین وستائة . سکزنجی کتابه نك دوغروسی شویله اولق ممکندر : هذه عمارة البرة الشهيدة المرحومة المغفورة پاشا خاتون علاءالدولة القریمیة . (م) [

[۱] ک حبص [۲] ک : ومهاریله [۳] س ، ک ، لجدنصکره

علامہ الدور القمریہ ([۱] دیو مرقومدر اندن ینہ چارسو ایچندہ) کمال آتہ سلطان ([۲] حضر تلیرتیک قبر شریفی یانندہ کی چشمہ عین الحیاتک تاریخیدر اولا (ومن الماء کل شیء حی) و) کمال آتہ روحیچون فاتحہ سنہ ۱۰۵۷) دیو تسوید اولتشددر خلاصہ کلام ونتیجہ مرام اکر بو شهر عتیقده اولان بیحد وبی پایان خان وجامع وحمم ومساجد وتکیہ ومدرسه وغیری نیجہ کرہ یوز بیک عدد ایچندہ بنی آدم اولمین عمارتلی تاریخلرن تحریر ایلمس همان بر مجموعہ توارینخان [۳] اولور حالا نیجہ کرہ یوز بیک عدد بنای عظیم هنوز استاد مهندس الندن چقمش کبی بنای متین اولدقلرندن حالا جدید کبی دورورلر اما بوم وغراب ومصطبه [۴] وبارہصہ قوشلرینہ لانہ اولمش بر شهر عظیم خراب آباددر بوسن وسالمزدن صکرہ ینہ معمور و آبادان کورمہ من جناب اللہ میسر ایده آمین (حکایہ مناسب) بو شهر عتیق عمار ایکن بوندہ اولقدر عنقا آدملر ومال دخمہ افراسیابہ مالک بازرگانلر وار ایمشکم قریم قلعه سنک کفہ قپوسی ایچ یوزندہ بر تجار [۵]

[۱] س ، ک : القمر یمہ [۲] ک : آتا سلطان [۳] ک : توارخات [۴] س : مصصہ [۵] ک : تاجر

[رنجی کتابہ نیک دوغروسی شویله اولق ممکندر : الحمد لله علی آلائہ . وصلى الله علی محمد وعلی آلہ وخلفائہ . امر لعمارة هذا المسجد المبارك فی ایام دولة الخان الاعظم محمد اوزبک کرای خان .

ایکنجی کتابہ نیک دوغروسی شویله اولق ممکندر : قد امر بانشاء هذا المنبر الشريف ذریة السلاطین منکلی کرای خان بن حاجی کرای خان خلدالله تعالی ملکہ .

اوچنجی کتابہ نیک دوغروسی شویله اولق ممکندر : امرت بعمارة المدرسة المبارکة فی زمن السلطان العادل محمد کرای خان خلد ملکہ خیر المحدثات وسیدة النساء وامة الباقی انجی بک خاتون بنت قیل بورون بک امیر الاسراء الکرام المرحوم المغفور نورالله قبرہ فی سنة ثلاث وثلاثین وسبعمائة .

دوردنجی کتابہ نیک دوغروسی شویله اولق ممکندر : بنت هذه العمارة علی اسم السلطان الاعظم ... خان بن طاهر بک خان دام برکتہ وزید سلطنتہ بای بوغلی خاتون ذات معظمة وامة الله الممترة بنت تنقطای بن قوتلغ بن تیمور بن بوغا بای .

بشنجی کتابہ نیک دوغروسی شویله اولق ممکندر : بنيت عمارة هذه البقعة المبارکة بمولاه و توفيقه علی اسم الشيخ علی الباقری نورالله روحه العزيز وكان فی تاریخ شهر جمادی الاخری فی الیوم الخامس والعشیرین لسنة ثمانمائة .

فى زمن السلطان العادل محمد كراى خان خلد ملكه الخير المحريه سيد الدنيا وامين العافى انجى بك خاتون بنت قيل بورون بك الامير الامراء المرحوم المغفور نورالله قبره فى سنه ثلاث و ثلاثين وسبعمائه) تحرير اولمشدر اما بوباب عظيم غايت منقش ومصنع قيودر آندن طاهر بك تكيه سنك قپوسنك كهرى اوزره اولان تاريخدر (بسم الله الرحمن الرحيم بنيت هذه العمارة على اسمه السلاطين الاعظم سلطان البر والعجم ... خان بن طاهر بك خان ادم بركته ويزيد سلطنته فى العالمين ما ابو على خاتون [۱] ذات معظمة وامره الله مدالستره [۲] ابن تقطاي بن قوتلغ [۳] بن تيمور بن بوغاباى) ديو تحرير اولمشدر اما بو تكيه بعده محله مسجدى اولدقده بو مرقوم تاريخه متصل ينه چار كوشه بر بياض مرمر اوزره بر نازوك [۴] خط مستعصمى ايله تحرير اولنان تاريخدر (بنى عمارت هذه البقعة بعون الله وتوفيقه على اسم الشيخ على الباقرى نورالله بوجه [۵] العزيز وكان فى التاريخ وفى سنه شهر جمادى الآخر وفى اليوم الخامس والعشرين ثمان مائة) [۶] ديو مرقومدر اما حالا جامع كبير اولغه مستعددر لعل كون قرمزى كره مت اورتولى بركار كير قبه عظيملى مسجد كيردر . آندن كفه قپوسنك قرينده الحاجى محمد جامعنك قپوسى اوزره اولان تاريخدر (بنى هذا المسجد المبارك الخيرات [۷] فى ايام دولة السلطان المعظم والحاقان المكرم شادى كراى خان خلدالله ملكه وايد سلطنته وسبعات الا مالكين [۸] العبد الضعيف المحتاج الراجى الى رحمة ربه محمد بن الحاجى ييرام خواجه سنه شهر رجب سبع وثمانمائة) تحرير اولمشدر آندن چارشويه قريب الحاجى عمر مسجدينك قپوسى اوزره مرقوم اولان تاريخدر (امر بعمارة المسجد عبدالضعيف بن حاجى عمر البخارى تاريخ ذى القعدة سنه احدى وستين وستائه) ديو محرردر آندن چارشويه ايجنده پاشا خاتون مسجدينك عتبه علياسى اوزره اولان تاريخدر (هذه عمارة البرال شهيد [۹] المرحومة المغفورة پاشا خاتون

[۱] س ، ك : باى بوغلى خاتون [۲] ك : المعتزه . س : المعتزه [۳] س : قوتلغ
 [۴] ك : نازك [۵] ك : روحه [۶] ك : لسنة ثمان مائة [۷] ك : للخيرات [۸] ك :
 فى العالمين [۹] ك : هذه العمارة البرية للشهيد

ينه جابجا تختانی و فوقانی کار کیر بنا و کیره مت اورتولی معمور اولری وار اما بر لرندن سیرک خاندانلردرم همجوار لری کیدوب بعضی اولر میدانده قالمشدر ماعدا شهر قریم ایچی باغ و باغچه لر و چایر و طارله لر در و جمله ایکی تکیه درویشان و جمله ایکی مدرسه طالمان و جمله بر عدد مکتب صبیان و جمله بر خان و جمله یکر می عدد کره متیجی و دستیجی دکانلری وار و یکر می عدد دخی غیر ی چارشو دکانلری وار بو شهر عتیق ایچره ایکی یرده دره لر واردر زمان قدیمه آنلرک کنار لر نده اولان عمارت لر و خراب آباد آثار لرین تحریر اتسک بر خراب نامه اولور و آب و هواسی غایت لطیفدر و معدوحاتندن بیاز کوچ بالی ربع مسکونده نظیری یوقدر زیرا مسک و عمر خام کبی رایحه طیبه سی اولوب تناول ایدن آدملرک دماغلری معطر اولوب بالئی و صاری یاغنی ولایت ولایت دستیلر ایله هدایا کتورر لر و آنکیچون جمله کفره لری بال و یاغ قوماق ایچون طوپراق دستی اشلر لر و بر طین عمر جین مثال خاک پاکی وار کم کونا کون صراحی بارد اقلر و چناق لرو خوش آب [۱] کاسه لری اشلر (بو شهرک عمارستانی تاریخلرن بیان ایدر) اولا جمله آ اولو جامعک قپوسی اوزره جلی خط ایله تحریر اولنان تاریخیدر (الحمد لله علی آلاءه و صلی الله علی محمد و علی البریه و خلفائه امیر هذا العمارت المسجد المبارک فی ایام دولة الخان الاعظم محمد اوزبک کرای خان) دیو تحریر اولمشدر اما بو مسجدی جامع اتدکلرینه منبر اوزره تحریر اولنان تاریخدر (قد امر بانشاء هذا المنبر الشریف المنکرم ذریه السلاطین منکلی کرای خان [۲] خلد ملکه [۳] سنه ۹۱۸) دیو تحریر اولمشدر بو جامع شریف ایچره دورت عدد ستون منتهال وضع اولنوب منقش طوان اوزره کره مت اورتولی بر قبله قپولی جامعدر و بو قبله قپوسندن محراب وارنجه طولی ایکیوز ایاق و عرضی یوز الی ایاقدر و طرز قدیم بر منقش محراب منبری وار کم سحر میندر آندن بو جامعک محرابی اوکنده انجی بک [۴] خاتون مدرسه سنک قپوسی اوزره تحریر اولنان تاریخدر (امر بعمارة المدرسة المبارکة

[۱] ک: خوشاب [۲] س ، ک : خان بن حاجی کرای خان [۳] ک : خلد الله تالی ملکه

[۴] ک: بختی بک [(خانوز) کله سی آکلادیورکه (بختی) کله سی یا کلشدر (م)]

علیل المزاج و عریان و کریان و نالان بر کامیابک دروزه سنه کلوب برک خزان کچی اول خزان [۱] درویش دتره بوب شیناله دیوب فریاد ایدر اصلا بودرویشک فریادینه و یوزینه بر فرد آفریده نظر اتمیوب درویشی [۲] قوارلر الحاصل هر قنده قبولر اوکنه واروب شیناله دیدکجه فریادینه کیمسه باقیوب مسافرته قبول آتمزلر اول درویش هر نه حال ایسه بر کنجده و پونجده [۳] پنهان اولوب زار زار [۴] هر نه حال ایسه صباح [۵] ایدر چونکه وقت سحر اولور بو درویش النهر منشفه [۶] یعنی سوپورکه آلوب قریم شهرینک صوقاقرینی سپورمهک باشلر همان اولکوندن [۷] شهر ایچنده خلق سپوریلوب کیسی اولمکه و کیسی کوچمکه باشلیوب بر بیله وارماز بویله بر سواد عظیم خراب و بیاب قالبوب مذکور درویش خرابستان اولان خاندانلرده اوطوروب یاتوب قالبوب ذوق و صفار ایدوب بعد زمان اول دخی آخرته انتقال ایدوب حالا (کمال اته دده) حضرتلری جنبنده مدفوندر اشته قریم عتیقک خرابستان اولماسنه سبب بودر اکر بو حقیردن سؤال اولنور ایسه بو قدر عمارستان و آبادان واردرکم تحریر ایتمش سن ندن معلومک اولمشدر دینلرسه حالا بر مرحله یرده یوز بیک قدر آثار ینا قبابلر مهیادوردغندن ماعدا قریم قپوسی ایچ یوزنده منکلی کرای خان جامعک قربنده بر عمود منتها مرمرک صدرینه جمیع عمارت قریمی اوقاف صاحبیرینک اسملریله تحریر آتمشلر حقیر آندن اخذ ایدوب بو مجموعه مسوداتمه اولیله تحریر اندک انشالله دخی محلیله باقی قالان عمارتلری هنوز ترقیم اولنور (الحاله هذه کلامی اوزره قریم عتیقک عمارتلرن بیان ایدر) اولاجمله بش عدد محرابدر ایکیسی جمعه و غیریلری محله مساجدلیدر و جمله بر عدد اسکی حامی وار و جمله دورد عدد محله مسلماندر و جمله بر محله یهودی و بش محله کفره روم و ارمنیلردر و جمله بشیوز عدد

[۱] برنجی خزان خانک فتحیله ، ایکنجیسی خانک کسرله حرکه لشمدر (م) [۲] ک : درویش دردمندی [۳] س ، ک : برکنجه و پونجده [۴] س ، ک : زار و زار [۵] ک : صباحی [۶] (منشفه) حاویله دنیلور سوپورکه به (مکنسه) دیرل (م) [۷] ک : همان اولکون بامرخذ

غریب الدیار مجردان و جمله یتیمش عدد دارالشفاى بیمارستان و جمله آلتیوز عدد آسیاب
 طحان و جمله قرق بیك عدد چاه ماء خادان و جمله اوچیوز عدد مسیره گاه پیر و جوان
 و جمله ایکی مرحله یرده یوز یتیمش آلتی بیك عدد باغ ارم ذات اعیان و جمله سکز یوز
 آلتش عدد کنیسه راهبان مغدسیان خلاصه کلام بو سواد عظیمک براوجندن نهایتنه دک
 بر مرحله یر ایش بو شهر معظم عمار ایکن اول عصرده ادیم ارضده معمور اولان
 بلده معظمه لرك ابتداسی کوه البرز دیننده شهر عراق دادیان و سواد بالوخان [۱]
 و سواد اژدرخان و سواد آلاطر و بلده عظیم اژدرخان و شهر اژدرخان
 و بلاد عراقده مداین و سواد عظیم کوفه و بندر آباد نوح آیند یعنی نهانند
 و شهر چین و شهر ماجین و شهر کاشقر و شهر دابول و مصر قاهره معزیه و شام
 دارالسلام و حلب الشهباء و انطاکیه و قیصریه و قونیه و شهر سیواس و قلعه
 بوسه و قلعه قسطنطینیه و قلعه قواله و قلعه مدینه الحکماء القدماء آتیه و شهر
 پارس و شهر قرطبه و شهر امصطردام و شهر قلعه قرالم یعنی آق کرمان بو
 ذکر اولنان شهر و قلاع عظیمه بر کونده دور اولتاز سواد معظمه ایکن بو
 شهر قریم عتیق مذکور شهر لردن [۲] معظم شهر عظیم و معمور و مزین ایش اما
 حالا مذکور عماراتک آثار بنالری و قبا بلری برفسرخ یریه و ارنجه جمله دورور
 ایچلرنده آدم و آدمی زاد اولیوب بوم و غرابلره آشیان و مور و مار و چیانلره
 مکان اولمش بر شهر واسع و عظیم خرابستاندر (در بیان خرابی شهر اسکی قریم)
 مقدما اهالیسی غایت عنقا بازرگانلر اولوب مالترینک زکاتلرن و یرمیوب قوی
 اولانلر [۳] اصلا حجه کتیمیوب غریب الدیارلره و فقرا و مساکین وضعفالره [۴]
 رطایت و اکرام آمیوب مسافر قتلتمز اولوب فرط امساک و خست و دناه تلرندن
 قبولینی قیایوب علما و صلحا و غریبالردن یوزلرن صقلر اولدیلر [۵] حکمت خدا
 بر کیجه بر ضعیف بزه [۶] مسکین فقیر درویش دلریش قیشده قیامتده آج وزاج
 [۱] ط: بان خان [۲] ک: مذکور شهر لرك جمله سنندن [۳] ک: قوت و قدرتی اولانلر
 [۴] ک: ضفا و محتاجینه [۵] ک: رو کردان اولدیلر [۶] ک: ضعیف الحال بزه [فارسیده بزه]
 کنهه مناسنه در ظن ایدرم که دوغروسى (بذ) اوله جقدره (بذ) ایسه عربجه ده بانک فتحی و ذالک تشدیدیه
 او قونور بزمده قیافت و یریشان اولان آدمه دینور یا خود که دوغروسى (بزه صارتمش) اولمیلدر (م) [

ویرلمش بر دار و دیار عتیقدر آخرکار دولت قریم جوچی خانه انتقال ایدر کم حالا خان طالبانلرک قریمه ابتدا مالک اولان اجدادلریدر [۱] آندن سنه ... تاریخنده بوجزیره قریم منکلی کرای خان اعانتیه سلطان بایزیدولی دستنه جنوز فرنگی الندن قبضه تصرفه آلوب بو اسکی قرم قلمه سنه دخی آل عثمان مالک اولوب ینه منکلی کرای خانه بو اسکی قریمی احسان ایدر حالا خانلر حکمنده اولوب قلفا سلطانلرک امینلرنده [۲] حکم ایدر ویوز اللی اچقه پایه سیله شریف قضادر و جمله ... عدد ناحیه قرالری واردر غیری حاکم لری یوقدر و قلمه دزداری و قلمه نفراتلری دخی یوقدر زیرا قریم جزیره سنک ایچ ایالتیدر [۳] سرحد یری دکدر (در بیان اشکال قلعه قدیم اسکی قریم) قلمه سی مغرب طرفیه مشرق جانب لری الحاجق طوپراقلی زمیندر کم الحاق داغلرک ارسنده برواسع اوز ایچنده بدوزلک یرده واقع اولمش برسواد معظم ایش قلمه سنک جرمی دائراً مادار اون یدی بیک آدم برشکل مربع و بر مطرش و مصیقل طاش بنا بر قلعه رعنا ایش حالا بعضی یرلرنده دیوارلرینک منهدم اولن یرلری ظاهر و باهردر بو قریم عتیق زمان سلفده او یله معمور و آبادان بندر آباد معظم ایشکم جمله بیک عدد محراب معبدکاه سلاطین سلف وار ایش برکسه برکسه نیک جامعنه واروب عبادت آتمک تنزل ایتیموب کندی توابع و لواحقیه بنا ایتدیکی جامعنده عبادت و طاعت ایدوب نماز قیلارمش و جمله بیک عدد حمام روشنا و جمله قرق بیک عدد دکان و جمله بیک عدد بنای اولکن خانلر و جمله اوچیوز آلتش مدرسه و جمله قرق عدد عمارت دارالضیافه و جمله بیک عدد مکتب صبیان و جمله ایکی بیک عدد چشمه سارعین الحیاتلر و جمله اوچیوز عدد تکیه کاه درویشان و جمله اوچ یرده بزازستان و جمله یدی عدد قبان خانه و جمله ایکی بیک یرده سییل خانه عطشان و جمله اوچ بیک التیوز محلات مؤمنان و جمله بیک عدد محله کفره و یهودی و مغان و جمله ایکی بیک عدد سرای اشراف و اعیان و جمله اوچیوز عدد مهمان سرای کاربان و جمله آلتیوز یرده و کاله

[۱] ک : اجداد لری اولدینی بلاده دخی ذکر و توصیف و تحریر اولنشد [۲] ک : امینلری [۳] ک : ایلدر

جواب باصوابلر خوش کلوب وارک مراد ایدندیکیکز یرده بر قلعه و شهر یابوب ساکن اولوک دیو اذن آلوب غارت اولدقلری یرده بر قلعه بنیاد آتمک باشلیوب اسمنه قریم کرمان دیرلر یعنی قریم خصم لردن ماللر تحصیل ایدوب انتقام آلدقلری چون قریم کرمان دیو تسمیه ایدرلر بعده قریمدن قریم [۱] غلط مشهور قالر بعده جمله ختا [۲] وختنده ایران و تورانده و دیار بلخ و بخارا و خراسانده اولان جمیع عنقا سودا کرلر اوز بک پادشاهی اوغلنک قریم جزیره سنده بر قلعه و بر شهر معظم آتمک مباشرت اندوکن مذکور بازرگانلر ایشیدوب جمله سی دیار قریمه کلوب شهزاده یه مال فراوانلر ایله امداد ایدوب بواسکی قریمی معمور و آبادان ایدرلر کم کویا جزیره قریمک بزازستانی اولوب بریلده یدی کره یوز بیک اوز بک و مغول و نفول [۳] و قبجاغ و قوق و غیری دیار قوملری جمع اولوب کوندن کونه بو بنیاد اولنان شهر برسواد معظم اولور اشته بواسکی قریم شهرینک سبب بناسی بووجه اوزره اولوب قرق بیله آتام بولمش بر دیاردر کم نیجه کره بواسکی قریم سبه بیله هلا کو تاناری و جنکیز خان تاناری و تیمورلنک تاناری و طوخطمش خان تانارلری قریمه کلوب نهب و غارتلر ایدوب ینه دونوب کتمش لردر آخینه کالاول عماراتش لردر نیجه ملوکن ملوکه انتقال آتمش و باشنده نیجه غوغا و جنک و جداللر و حرب و قتاللر اولمش آلمش

[۱] س، ک نسخه لرنده برنجی (قریم) کله سی قافک فنجی، ایکنجیسی قافک کسری ایله حرکه لشمدر. قافک کسریله قریم معلومدر. قافک فتحیله قریم ایسه تورچک اولوب بنم آکلایشمه کوره کوزنده بو بوک کورون و عادتاً کندیسنه دنک اولان دوشمانی اولدورمه بی کندیسنه اک برنجی وظیفه ایدین و بو وظیفه بی پایه بیلیمک ایچون هر شیئ کوزه آلدیران بو وظیفه بی یامدقجه کوکلی راحت ایتمن، و دائماً بو وظیفه ارفه سنده قوشان بو وظیفه بی نامردلکله دکل قهرمانقله یایمق ایستین، جاز آلیبی، قورقونج، یامان دوشمان معناسنده در. بو کله اسکی جنک کتابلرنده چوق کچدیکی کبی (دده قورقود) ک برنجی صویله مه سنده ده (قره پولاد اوز قیلیبی چالینجه قریم دوتمز) سوزی وار. خاق ازه سنده ایسه بدطا مقامنده (جاننه قریم اولسون) طرزنده سویلنمکده در. بو نک عریجه ده کی (غریم) ایله مناسیتی یوقدر عریجه ده کی اضداددن اولوب داین و یا مدیون معناسنده در مجازاً بزده کی (قریم) معناسنده استعمالی ایسه یوقدر (م). [۲] جمله اوز بک و ختا [اوز بک] کله سی (ک) نسخه سندن باشقه سنده یوقدر و اولماق لازمدر (م) [۳] ک: بنول

اما کندولری تکلم اتدکرندہ آدم حیران قالر اما بو طاط الی نواحیلریتک آب و هواسی سواهلدر انجیری و اوزومی و ناری و زیتونی و لیمونی و طورونجی و کونا کون میوه آبدارلری اولدوغی باغچه سرای اوصافی محلندہ مفصل تحریر اولنشدر اما بو داغلرک شمال جانبزی سحرالر اولوب جمله تاتارستاندرکم شدت شتاسندہ اغاجلری و میوه لری اولماز اندن بو طاط اللرن دخی سیر و تماشا ایدوب نیجه معمور قرالر عبور ایدہرک ۶ ساعت دخی سمت شمالہ کیدوب داغلر و اورمانلر آشوب [۱]

اوصاف تخت گاہ قدیم یعنی قلعہ اسکی قریم

سنہ ... تاریخندہ قرم آداسی جنوز فرنیکی الندہ ایکن تاتار خانلردن ... خان قریمہ مستولی اولوب لب دریادہ اولان صارپ قیالردہ کی طاط الی داغلری و کفہ قلعہ سی و صوداق قلعہ سی و منکوب قلعہ سی و بالقلوا قلعہ سی و این کرمان قلعہ سی و صار کرمان قلعہ سی و نیجه قلعہ لر دخی کفار الندہ قالوب جزیرہ قریمک نصفی سحرالر اولماغن تا اورتہ قلعہ سنہ وارنجہ تاتارک اولماق اوزرہ تاتارخان کفار ایلہ عقد صلح ایدوب جزیرہ قریمک نصفی فرنیکنک و نصفی تاتارک اولوب قالر اول عصرده اوزبک پادشاهنک بر اولکن اوغلی تجارت طریقہ برابرخانہ عظیم پیدا ایدوب بو اسکی قریم یوردندہ مکث ایدر حکمت خدا اول کیجه بو اوزبک پادشاهی کاربانی خلقن کفار کلوب نہب و غارت ایدوب بو قدر مال فراوانلر کفار خاکسار بر طرفہ کتمده پادشاه زادہ قیددنیادن آزادہ اولوب خائب و صفرا لید قالر همان شہزادہ کاربان خلقیلہ صوداق قرالنه واروب تظلم حال ایدرلر درحال قرال ضمال عادل بونلرک جمله نہب اولنان ماللرن [۲] تحصیل ایلیوب بونلرہ نیجه احسان و انعاملر ایدوب وافر دنلوازلقلر ایدر بو کاربان خلقی ده کوررلرکم قرال بونلرہ میل و محبت ایلہ معاملہ ایدر همان جمله کاربان خلقی قرالہ یالواروب ایدرلر سنک عدالتک قوکشولغندہ [۳] ساکن اولوب ماللز طلاوہ اولدوغی محلده بر قلعہ شکللی یر بنا ایدوب ایچندہ ساکن اولوب قرالم ایلہ بیع و شرا ایدوب سایہ حمایہ کدہ خوش کچنہ لم دیدکرندہ قرالہ بو خوش آیندہ

[۱] ك : عظیم طاغیر و درہلر و دپہ و اورمانلر آشوب [۲] ك : اموال و ارزاق

و اشیارلن جمله [۳] س : قونشولغندہ . ك : حمایہ سندہ

تناول ايدونك دماغلری رايحه طيه دن معطر اولوب غایت مقويدر حتی بياض قطولر ايچنده پنبره بو الماری صاروب صارمليوب قرم خانلرينه و سلطان و وزيرالرينه نيجه يوز قطلو المايي هدايا كتورر لر خصوصاً نيجه بيك قطولر و نيجه يوز بيك سبتلر ايله بمبويه صارمش ممسك الماری كميلر ايله تا اسلامبولده آل عثمان پادشاهنه و علمايه و وزيرايه هدايا كتورر لر هنوز لطافتی و حلالاتی باقي اولوب طول زمانده طعم ورنككنه اصلاً تغير كليوب كويا شجره سندن هنوز قويمش كبي تروتازه و لنيدر خلاصه كلام بوصوداق الماسی كبي ربع مسكونده برالما اولمازدر خدای متعال زياد بر زياد ايدو بو قلعه دخی سير و تماشا و زيارت ايدوب ينه شمال جانبنه باغلا ايچنده ذوق و صفار ايدرك ۵۰ ساعتده قصر [۱] بولندن

درستایش ييلاغ طاط الی [۲]

بر كوه بلنددر كم ذروه اعلا سندن جمله قرم اداسی شكل مثلك رايكان تماشا اولنور بو مذكور صوداغك شرقي و غربي طرفلری جمله طاط الی داغلايدر اماينه جمله كفه ايالتيدر لكن صارپ داغلری و بللری چوقدر و جمله خلقی روم اولان [۳] قوملايدر كم روم لسانی سويله شرلر جمله اون بش بيك قدر توفنك انداز طاط قوميدر بونلرك دخی رويجه كلمت اره سنده بر برلريله سويلشورلر كن بر باشقه كونه لسان و اصطلاحلری واردر

درفصل لهجه مخصوص اصطلاحات قوم طاط مورطاط [۴]

... (۵)

زيرا بو طاط الی نوا چيلری قرم جزيره سنك قبله سی طرفنده بر بورون اوچنده واقع اولماغيله صابا يردو اولوب باشقه بر كونه آغز [۵] ككاتلری واردر نه روم لسانيدر و نه چفیت [۶] الان قومی لسانيدر [۷] همان باشقه بر لهجه لری وار

[۱] س ، ط : قصو . ك : صوداق [۲] ك : طات ايلي [۳] س ، ك : ولاز [۴] ك : مورتاد [۵] اساس نسخه ده اوج سطر ، پ نسخه سنده اون سطر آييق وار [۵] س ، ك : اغز (اوچنچي حرفي راء مهمله در) [۶] س ، ك : ونه چتا [۷] ك : ونه لاز قومی لسانيدر

بارودخانه‌سی [۱] واسلامبولك كوك صوبی وکاغذخانه‌سی بوقرم دیارینك صوداق باغلی روم و عرب و عجمده مشهور اولوب بو صوداق باغلرنده ذوق ایدنلرده اصلا صداع اولمازدر ممدوحات مشراتندن اولابیاض کرازی اولقدر آبداروخوش خواردرکم بوسنه دیارنده بانبه کوفه [۲] شهری کرازدن آبدار ولذیذ آبدار درکم [۳] ایکی کرازی بر اسدی غروش ایله دنکا دنك کلمشدر و بر آدم بو کراز خوشدن نقدر تناول اتسه اصلا و قطعا وجودینه ثقلت و رمز غایت لطیف و سریع‌الهضم بر کونا آبدار و بیاض و خاص کلناری یعنی کرازی اولور و ایواسیده همان کرازی کی مشهور و ممدوحدر الماسی ربع مسکونده یوقدر حتی ملاطیبهده اصپوزو [۴] باغنك نازکی [۵] الماسندن و روم ایلنده کوستندیل باغی الماسندن بو صوداق تفاحی مشهور آفاقدرکم مسك و عمبر کی رایحه طیه‌سی واردر حتی مصنفین و مؤلفیندن ... کمنه ... [۶] نام کتابی دیباجه‌سنده (و راح راح راح [۷] مثل تفاح [۸] و بالله اعتصم عمایصم) دیدیکی تفاح [۹] بو صوداق باغی الماسیدرکم از میت سنجاغی مشاسنده قوجه‌الی [۱۰] شهرینك مسك الماسندن لطیف ولذیذ و خوش خور و خولرب [۱۱] بو صوداق بابلقه سیدرکم اصفراللون سکزی بروقیه کلوب [۱۲] ایچنده چکردکی چیقرار [۱۳] تفاحدرکم

[۱] دوغروسی شویله اولق ممکندر : (روم دیارنده پجوی دلجوی سرم مانند باغ ارمك بارودخانه‌سی (م) [۲] دوغروسی (بنالوقه) اولق ممکندر (۳) ك : آبدار ولذیذ و خوش خواردرکم [۴] ك : اصبوزی [۵] س ، ك : نازلی [۶] ك : کمنه صراح نام کتابی [۷] پ : وراح رحراح [۸] ك : مثل تفاح اوراح « صراح » کتابنك مؤلفی « احمد بن علی بن مسعود » اسمنده بر ذاتدر . بو مؤلف کندی آدینی و کتابنك آدینی سوبلدکدن سوکره طلبه‌بی تمویق ایچون کتابی اوکدرک (وهولصبی جناح الجناح . وراح رحراح . و فی معدته حین راح . مثل تفاح اوراح . و بالله اعتصم . عمایصم .) دییور . بو کتاب ودها دوغروسی بورساله صرف عربی‌یه دائر اولوب وقتیله مدرسه‌لمزده (عززی) رساله‌سندن سوکره او قونور و بوندن سوکره « ابن حاجب » ك « شافیه » سنه باشلانیر ایدی [م] . [۹] ك : ابراد و ذکر ایلدیکی تفاح [۱۰] ك : قوجه‌ایلی [۱۱] بوکله ك نسخه‌سنده بوقدر دیگر نسخه‌لرده ایسه بوراده‌کنه بکزر بیچیمسز ، یاقیشیقسز بر شکله‌در . دوغروسی (خوشبو) اولق ممکندر (م) [۱۲] ك : اصفراللون سکری وهر بردانه‌سی بروقیه کلوب [۱۳] ك : چیقرار ط : چیقرار

امدادی و ذخیره سی گلزه زبون اولوب وره ایله کدک احمد پاشا آلدوغی کبی آلتر
 واشنی قلعه قپوسندن طشره دره آشری برمسلم محله سی وار جمله ایکیوز عددطوپراق
 اورتولی و بر مسجدلی و برآب حیات چشمه سنک نمازگاه صفه سی اوزره روی
 دیوارده چشمه نك تاریخیدر [۱]

چشمه سارابدوب اوکم بولدی. محلنده وقوع ظاهر اولدی صانه سن عین حیات سلسیل
 قندی [۲] بوخیر شریفک خوش دیدی تاریخی حاجی احمد چشمه سی صوبن ایده جاری جلیل
 سنه ۹۵۶

بو چشمه دن اشنی اولان واروشک دخی اشغینسده بر قیادن بر قیایه وارنجیه
 برقات قلعه دیواری دخی وار تا یوقارور اورته قلعه قیالرینه متصل سد اسکندر
 وار بر دیوار استواردر ماتقدم کفره زمانی برعظیم واروش بندر ایتمش ودخی
 لب دریا طرفنده برعظیم واسع کر وارد اول دره لردن [۳] آقان صولر بوکرلردن
 کجوب نیجه دکر مانلره و باغ و بوستانلره اوغرایوب دریایه مخلوط اولورلر مش ودخی
 دریا کنارنده برلیمان واروشی واریتمش قدرغله ریاپلاجاق ترس خانلری آنده ایتمش
 حالا اثر بنالری نمایاندر اما حالا لیمانی اللی پاره کمی آلر اعلا دمر دوتار یتاقلی
 لیماندر خلاصه کلام بونده اکر آدم اولوب معمور اولسه قریم جزیره سنک مرام
 ارمی اولوردی اما ینه سیاحان بر و محار ایجره صوداق قلعه سنک باغ و باغچه لری
 مشهور آفاقدر ممدوحاتندن هواسی لطیف اولوب قرق بیک عدت باغلرنده نیجه
 بیک مقصوره لر و نیجه بیک مطبخ و حجره لری و مصنع کاخ خورنقلرنده نیجه بیک
 فسقیه و حوض و فواره لی قهر برهنکلر هله ایله [۴] آراسته و کونا کون نسیمیلر [۵]
 ایله پیراسته اولمش صوداق باغلریدر کم ربع مسکونده قونیه نك مرام ارمی و ملاطیه نك
 اصپوزوسی و سرعش دیارینک دریده باغی و تبریز دلاویزک جهان شاه خیابانی و شام
 جنت مشامک مسیره باغلری ورو دیارنده بنجوی دلجوی شرم مانند باغ ارمک

[۱] صوئک مصراعک تمامی تاریخیدر و رقمی دوغرودر (م) [۲] س، ک : قندی
 [۳] ک : اول دره لردن و دپلردن [۴] ک : شهر نزهتگاهلر ایله [نیجه بوراده (نهر)
 یا قشماپور دوغروسى شویله اولقی ممکندر : نیجه بیک مقصوره لر و نیجه بیک مطبخ و حجره لر
 و مصنع کاخ خورنقتر و نیجه بیک فسقیه و حوض و فواره لی قصر نزهتگاهلر ایله (اولیدر (م)]
 [۵] ک : نسیمیلر

شمندی بو اشنی واروش قلعه‌سی ایچره جمله یوز عدد کره متلی و بعضی سی طوپراق اوزتولی اولردر و جمله ایکی جمه قنور بری قلعه‌نک مشرق طرفنده دریا کنارنده سلطان بایزید ولی جامعی طاش قبه‌لی و طاش مناره‌لی ایشقه [۴] طاشی کبی بریوشاق طاشدن مبنی جامع و مناره قدیمدر اما بوجامعک ینه اول طاشدن اوینا برحراب نقش بوقلمون عبرت نمونی وارکم آدمک عقلی حیران اولور کویا سیواس ایالتنده کسکین ایچنده شیخ شامی حضر تلیزینک جامعی محرابی کبی بر مصنع محرابدر اما بوجامعک قبه طالیلری اوستنک کرجلری مرور ایام ایله فنا بولمش آیة (انما یعمر مساجدالله) نصی اوزره تعمیر و ترمیمه محتاج جامع سلاطیندر کفار زماننده بر اوزبک پادشاه زاده‌سی دریاده توابع و لواحقیه بو صوداق قلعه‌سنک جنوز فرانکی کافرینه اسیر اولوب قرال ضالک اذنیله بوجامعی توابعیه بنا ایدر انکیچون قبه‌سی درستدر بعده بو اوزبک پادشاه زاده‌سی اولاد اولاده تناسل بولراق اوچ بینک قدرامت محمد اولورلر کفار خاکسار بونلرک چوق اولماسندن خوفه دوشوب برکون بونلر جامعه جمع اولوب جمعه نمازی قیلارلرکن کفار بونلرک جمله سن شهید ایدوب بوجامعک جانب اربعه سنده دفن ایلرلر و حالا درون جامعک روی دیوارلرنده شهیدانک قانلری ظاهر و باهردر وسعید و شهید اوزبک شهزاده‌سی دخی برقه عالی ایچنده مدفوندر بوجامع طرفنده اصلا اولر یوقدر و بعده بعدالفتح بو شهیدا جامعی ینه بایزید خان ولی جامع اتمشدر اما جماعتدن غریبدر و بومحله حاجی بای مسجدی وار اما دکاتلر و خان و حماملری و مدرسه و مکتب و تکیه‌لر یوقدر بومحله قلعه‌نک بر ارض خالیه قالمش یرلریدر اما باغ و باغچه‌لری غایت چوقدر و بومحله صودخی یوقدر اما عظیم صوصار بجزایری چوقدر لکن حالا معطللردرکم هنوز استاد اللرندن چیمهش صوصار بجزایریدر و بو صوداق قلعه‌سی تا یوقار و ایچ فنر قلعه‌سنه وارنجه اشنی حصار ایله اوچ قات قلعه اولمش اولور اما اشنی قلعه‌نک غرب طرفنده حواله‌سی واردر اما ینه بروجه ایله یانسه وارملاز زیر هر طرفی صاریدر بر یردن لغم و مترس ایله خندق کنارینه وارملاز الا کثرت محاصره ایله بزون اولور لکن بر طرفدن اگر

[۴] پ : ایشه . ط : ایشقه . س : ایشقه

قلعه دیواری یوقدر زیرا اول طرفی دریایه اینتجه کامل اوچوز آرشن بالا یالچن قیالدرکم کویا کوه بیستوندر قیالر آلتنه بهضی اوفاق کیملر دیرکلرله کیروب یطرلر تابومرتیه شاهن وزغنوس ومسکی قارطال قوشی آشیانی قیالدرکم قوش طرناقلمری الشمز ماوی یالچین مهیب قیالدر (حکایه) چنانکم بوقلعه کفار کدک احمد پاشایه وره ایله وره جکی کیجه بوقلعه بناسنی [۱] برکیجهده اوچ بیک ایاق زردبان کسوب جمیع ذی قیمت اشیالرن کیملره قیوب کرید آلتنده وطن اصلیلری اولان سودا قلعهسنه واروب ینه سودایی اعمار ایدرلر انکیچون بوقلعهیه صوداق دیرلر حالا کفارک برکیجهده کسیدیکی قیادن زردبانلر دورورکم بروجه ایله مقدوربشر دکلدلر وبواورته قلعهدن اشخی دوزده (در بیان اشخی حصار) یوقارو قلعه بوایشی واروش حصار شکل مقوس قوشادوب برطرفدن برطرفه اورته قلعه احاطه آتمشدر جرمی کامل اوچ بیک آدیم دولاز طایش و متین دیواری بر قوی رباط استواردر اما یالین قات خیط العجوز وار شدادی بنای قویدرکم برقلعهیه مشابه دیوار دکلدلر و جمله یکرمی دورت عدد سرآمد قلعه قهقههالدر هر قلهرک ایکی طرفلرنده چار گوشه بیاض مرمرلر اوزره جنوز فرنکی کفره لرینک ظامقاری وتصویرلری وار وهر برقله بنا ایدن بان وقرالهر و بکلرک اشکال عجوبه لرله تمثاللری وار زیرا بوقلعهیه بیک عدد کفار فرنک بکلری امداد ایتمکیله بنا اولنش یوخسه یوز بیله آتام بولماز بر حصار متین و کبیر وبالادر انکیچون هر بکک صورتلری هر قلعه نشانه لرله تصویر اولنشدر وبوقلعه نیک خندکی بامر خدا کسمه قیا بردره عظیم واقع اولمشدرکم چاه جحیم ودرک اسفلدن نشان ویرر وبویراز جابنه مفتوح انجاق بر قیوسی وار و لیان قیوسی ویاغله طرفی قیوسی دایما کلدلی مسدود دورر و بوقلعه کبیر ایچره کفره زمانی کامل بیک عدد کوچوک کوچوک کلسه جکلر وار ایمش حالا دورر اما ایچنده صفر و صیالر یاغله اول عصرده بوسورک معمور و آبادانلی اولقدرایمشکم بوقلعه ایچره قیالره یا بشمش بری بری اوزره بنا اولنش قرق بیک عدد اولر ایمش اول عصرده معمور و آبادانلغنه شاهد عادل حالا قرق بیک عدد یاغله یدراما حالا

[۲] ک : قیاسی

زاده‌سی جزیره کریده قلعه صودایی براغوب کلوب بو قلعه بنا ایدوب اسمنه صودا تسمیه ایدر اما قوم تاتار صبا رفتار صوداق کرمان دیرلر حالا قلعه‌سی قره دکز کنارنده اوج آسمانه کهکشان وار سر چکمش برتل رفیع اوزره برپلاو دپه‌سی کبی خلق اولمش بر ماوی قیا اوزره چارکوشه بر حصن حصین و سد متین بنای رفیع الشان و خلقی عظیم الشان حال صاحبی کسنه‌لر واردرکم بر سر آمد قهقهها آسا ایچ قلعه‌یه مالکلردر اما ایچنده اصلا اولر و عمارت‌لر یوقدر انجاق بر قراول خانه‌سنده برقاچ آدم نوبت ایله بکلرلر زیرا قزاق‌عاق کفره‌سندن حوفا ایدرلر ماتقدم بو ایچ قلعه‌ده فانوس یاز ایشم زیرا قره دکز ایچنده یوزاللی میل مسافه بعیده دریادن کورینوب فنزندن بلرلر ایشکم صوداق قلعه‌سیدر دیو نصف الیلده لیمانه کیلر کرلر ایشم (بو قلعه ایچنده بنی آدم اولمادغنک اصلی) اوج آسمانده بلوطلر ایچره بر قلعه بالا اولماغیله نزول و عروجنده بنی آدم عسرت چکمه‌لرندن قاجوب بو قلعه‌ده بر فرد آفریده‌دن کسه ساکن اولماز آنجاق نوبت ایله بکلر برقاچ دیده‌بانلری و جانب شماله مکشوف بر دمر قپوسی وار اما بو ایچ قلعه‌ده اون عدد کافری کارکیر بنا اولرک قپولری مسدوددر اما صاحب‌لرینک اثواب و ائقاللری وار و قیز قله‌سنده لب برب داروسی وار و انجاق بر خیرین صوتی وار [۱] شب و روز آغزلی و صقلی دورر شاهانه بر طوب قلعه کوب طویلدر غرابت بونده‌کم بو طوبی بلوطلر ایچره اولان کوه بالانک تاذروه اعلاسنه نیجه چیقره بلدیله غریب تماشا کاهدر بو ایچ قلعه‌یه صودا قلیلر قیز قلعه‌سی دیرلر اندن اشخی (ستایش اشخی اورتیه قلعه) بوکه ایچ قلعه دیرلر بو دخی بر قات توله [۲] کارکیر بنا دیوارلی قلعه‌درکم کامل بیک آدیم جرمی دیواردر و جمله شماله ناظر بر قپوسی وار اما ایکی قات دوله‌ماج دمر قپولدر و جمله آلتی قلعه‌سی واردر بو قات قلعه ایچنده اون مقداری کره‌مت اورتولی نفرات اولری وار اما بونده دخی کسه ساکن دکلدر بو دخی غایت قلعه بالا اولماق ایله انوب چقماق مشکل اولدوغندن درون حصارده بر آدم ساکن اولماز بونده دخی نگاه‌بانلر واردر اما بو ایکنجی قات قلعه‌نک دریا طرفنده اصلا

[۱] ک : بر خیر بین طوبی وار . پ : بر شیرین طوبی وار [۲] ک : دوله

بر مسیره کاه کنیسه لری وار بو قریه دن یه قبله جانبه ۳ ساعتده (منزل قریه چرکس) بر مرتفع بایر اوزرنده بر جامعی و یوز عدد چرکس اولی کویدر اندن ۳ ساعتده [۱] (قریه صووق سو) بر دره ایچنده بر مسلمان کوی اولوب غایت قیونلری چوقدر بو محل

دربیان ایالت کفه

کفه ایالتی خاکنده درکم عثمانلی صو بائسی حکمنده در بو صووق صویک غرب طرفی خانلقدر بری قبله و شرق طرفی عثمانلینکدر اندن یه جانب قبله یه ۲ ساعت کیدوب قوربغا قیاسین و بالق قیاسی دره لرن کجوب ۲ ساعت یه اول دره ایچره تا قلعه صوداغه وارنجبه جمله بو دره لر ایچره او طوز بیک باغدر کم کفه والیرینه بو باغ صاحب لری عشر سلطانی ورر لر و جمله بو باغ لر کفه لیلر کدر کم آلی آی کامل یای کونلرن کفه قومی بو باغدرده ایدر لر کم قریم جزیره سنده بو صداق باغ لری کبی باغ مرام یوقدر کرچه منکوب قلعه سی قریبنده وقاچی دره لرنده و بالیک باغ لری واردر [۲] اما بو صداق باغ لرینه معادل و مقابل اوله ماز زیرا بو صوداق باغ لرینک زمینی هم مرتفع و هم مفرح و لطیف آب و هوالی و معتدل زمین واسع و آب حیات عیونلری جاری اولوب هر باغ حدیقّه روضه رضواندن نشان ویرر باغ مراملدر اندن بو باغ مراملر ایچره کیدوب [۳]

درستایش باغ اذواق یعنی قلعه متین و قوی صوداق

سنه ... تاریخنده باعانت منکلی کرای خان سلطان بایزید ولی خان جنوز قرالی فرنکی لندن بدست کدک احمد پاشا فتح آتمشدر تحریر بایزید خان اوزره حالا کفه ایالتنده و یووادالقدر و یوز الی ایچّه بایه سیله قصادر کم جمله ... عدد ناحیه قرالی واردر دزداری و الی عدد مردم حصار ی وار غیری حاکم لری یوقدر (اشکال زمین قلعه صوداق) ابتدا بانیسی آل امویون خوفندن بر جنوز قرال

[۱] س، ک : ۲ ساعتده [۲] ک : و بالیک باغ لری دخی فریمده مشهوردر

[۳] ک : اندن بو باغ مراملر ایچره ذوق و صفار ایدرک ۲ ساعت کیدوب

جهانده برشی کورمش دکلدز انایی اوغولدن قیزدن واوغولی بابا وقرنداشدن آیروب مهربری برکونه فریاد وغری و فزوع و فزوع وبکا ایدهرک فروخت ایدرلر (در تسطیر وکاله مجردان غریبان) یکونسی یدی عدد مهمانکاه مجرداندرکم جمیع اسیرلر بونده در و جمیع اهل صنایع مجرد بکارلر و بیکارلر بونده ساکن اولوب کار ایدرلر و بو شهر ایچره باغچهسز او نادر در مکر بیوت کافردن اوله اما سرو مثال صراحی و سر آمد قواق اغاچلری چوقدر اما حقیقت سروی اغاچی یوقدر و آب و هواسی لطیف اولدوغندن محبوب و محبوبه سی غایت چوقدر خصوصا دوله دار روس جاریلری و چرکس و آبازه و له غلامی و قرلری غایت چوقدر و معدوحتندن شهرک ایکی باشنده قره صویک یمین و یسارنده باغ و باغچه لر یحسابدر اما اوزومی ترش لذته اولدوغندن ممدوح دهدر اما کرازی و ویشنه سی واریکی و الماسی و بر بوجوق و قیه آق اکمکی بر اچیه و بروقیه قیون اتی ایکی اچیه و صغر لحمی بر اچیه در اما قوزو اتی دخی کامل دکلدز دیو تانار قومی قوزی اتی یملر اما آت اتی اوزره آلرکن غوغا ایدوب شهید اولورلر زیرا آت اتی هم مقوی و هم هاضم الافراط [۱] بر لحم معتدلدر نتیجه کلام بو شهری ماوقی اوزره تحریر ایله سک ذکرنده فائده و بیاننده عاذه سی اولدیغندن ماعدا کثرت کتابت اولوب سیاحت مزه مانع اولور بعده بو شهرده حسن الفت ایندی کمز صلحای امتدن حال صاحبی کسنه نر ایله و داعلشوب اندن جانب شرقه بر بوجوق ساعت کیدوب کوچوک قره صو بودخی چادر داغندن طلوع ایدر بر فرقه سی دخی کفه قرینده صوداق قله سی داغلرندن کلوب ایکسی بر اولوب ازا ق دیکزینه مخلوط اولور بو کوچوک قره صوی دخی آتلر ایله عبور ایدوب همان اول محله (منزل قریه کوچوک قره صو) ایکیز اولی و بر مسجدلی و بر خان و حمامی و اوچیوز خانلی کویدر اندن ۳ ساعتده (منزل طویلی کوی) بر بایرلی دره ایچنده یوز خانلی ارمنی کفره سی کویدر اما جمله اولری ارض روم دیارینک اولری کبی چام درکلرندن قرلانقچ قنادی مثال چام درکلندن قبلی ارمنی اولریدر و بر بایر باشنده

[۱] ك : هاضم الاخلاط . ط : هم هاضم

بوجاریه آی باشنده حیض کوردکده جاریه آلن آه جاتم واه مالم کتدی دیوفریاده باشلر اما چه فائده کلی عیبیه آلمشدر یعنی شهر قره صوده بوکونه عیار جهان اسیرجیلر واردر اما تانار قومی دکلدیرینه اناطولیدن قیسریه [۱] ولایتی خلقیدر واهل قبله [۲]. نام ابه قاریلر واردر بو قیز با کرده در دیدکلرینه اعتماد ایتمه مک کرک زیرا مکاره ملعونهلر جمله واسطه ابه قاریلردر غافل مباش و بو شهر ایچره قالدیرم آزدیر. وقت شتاده بو قدر یوز بیک آتلی تانارک شهره کلوب کتیمه سندن شهرک چاوری دریا اولوب آدم غرق اولور اما اوستلری نخته اورتولی چارشوی بازارلری ایچره طاش قالدیرم دوشه لیدر وصوفاقلری باشنده تانار آتلیسی بوجارشویه کرمسنلر دیو هرکوشه دن کوشه یه آبقری درکلر میخلامشدردر حقا که آتلی تانارلر کیره منزلر واول سوق سیلطانیلرده اصلا چامور اولماز پاک وپا کیزه بازارسلطانیلردر کرچه بزازستانی یوقدر اما جمیع دیبا وشیب وزرباف دیبا و خارای زیبا متاعلری بولنور غایت بندر شهر مزیندر بو شهر ایچره ایکی بیک عدد ارمنی رعایاسی خراجی واردر وبشیوز عدد روم کفره سی خراجی و اوچبوز عدد چفود خراجلری واردر و جمله رعایا کفره لری دخی تانار قلیانچی کی شپرطمه نام قلیاق کیرلر اما جمله ماوی و مور قلیاقلری اوزره کفره روم وارمنیلر برر غروش قدر ماوی چوقه پارچه سی نشان طاشلرلر ویهودیلر قلیاقلری اوزره صاری چوقه باره سی دیکرلر اما جمله یهودیلری قراییلردر یعنی چفودلرک قزلباشلری کیدر ویهودی وارمنی واروملر حمامده ایاقلرینه نعلین کیمه دکلدن [۳] ماعدا طپوقلرینه چنقراق بغلایوب باشقه خلوتده بیقازلر کفره ویهودی اولدقلری بو علامتلردن عیاندر و بیوک جسرباشنده برواسع میدانده شیرین بکی خاننک دیواری دبنده بر عظیم اسیر بازاری دورر بو دخی بر عبرت نما بازار نحو سترم حقلرنده (بایع البشر وقاطع الشجر وخارق الحجر لعن الله فی الدنیا والآخره) و بر روایتده (خارق الحجر) رینه (ذابح البقر) دنیلمش اسیرجی قوملیدر زیرا بو قوم زیاده سیله بی رحم قومدرلر بو بازاری کورمین

[۱] ک : قیسریه [۲] مشهوری بوبله ایسده دوغروسی (اهل خبره) اولمیلیدر
خننده م (م) [۳] ک : کیمه دکلدن

اغا خانى رسمنده وضع اولنش اما کوچو کدر بوايکيسندن ماعدا قلعهمثال دمر قپولى خانلر يوقدر اما آنلرده معمور خانلردر (درمدح حمام راحت جان) اولانیده سى دورت عدد حمام دلستانلردر اولچارشوايچنده طایمان [۱] مرزه حمامى کوچو کدر اما هواسى وپناسى لطيفدر آندن شیرين بکى حمامى حقا که شیرين حمام مفر حدر وینه جانبه [۲] متصل اولوب بر نقش بوقلمون عبرت نمون حمام فرح افزادر (درتکتیب چارسوى قبان بزازستان) هاموسى بيک يوز قرق عدد دکانلری وار بابوج مسنى [۳] وتانار يايچى [۴] وبوزاجسى غایت چوقدر زيرا تاتار قومى بوزايه مايللردر همان يوزبش قدر بوزاجى دکانلری واردر اما کارکیر بنالى بزازستانى يوقدر لکن هرمتاع ذى قيمت خانلرنده چوقدر وغيرى اصنافک انواعى چوقدر حتى اون عدد قهوه خانه وقرق عدد ميخانهلری واردر اما ايکى کونه اهل حرفتى ساير ديارلردن زياده در اولا قرق اللهى ياشنده مطروش قزاق کوله لری حمامه قيوب قولى [۵] کيسه لری سوروب حمامدن چقد قدده بوقزاعه بر معالجه ايدوب نه صقال ونه بييق قالب برنچه آفتاب نورانى چهرملى بر محبوب کوله ايدوب نيجه يوز اسير آلوب صامش اسير جيلرى بييله آلدادوب بوکونه آسلامه دلبر کوله لری فروخت ايدر وايبلره کتوروب کتيرلر برايکى آيدن صکره مذکور کوله نک ينه آق صقالى وبيقلرى کلوب براچه اتمز قراوانه قزاق کوله اولور وبرمرفتلى دخى يدى سکيز کره وضع حمل آتمش مملرى طوبره کبى صارقش عورتلری حمامه قيوب بعدالحمام ينه کوناکون صاچى قبرس [۶] ودوزکونجه وايوا چکردکلری وشاب وماضى [۷] ايله يوزينه وکوزينه واشغى سنه مذکور معالجه لری ايدوب لعل کون يناقلى وتورنج مملی بردختر پاکيزه اختر ايدوب صبعمه داراتى حابله ايله [۸] اسارا تختلری اوزره او طور دوب قچان بوجاریه زال زمانه فرتوته عرض جمال اتدکه البته مشترينک برى بومشترى صفت جاریه کوردکده آلوب ملحد چقوره دوشر کبى دوشوب

[۱] پ: طایماز [۲] ک: بوجانبه [۳] ک: بابوجسى [جيمک اوزرنده تشديد وار] [۴] س: يايچيسى . ک: بالچسى [۵] س، ک: قپوبى. پ: قپوبى [۶] ک: قپربسى [۷] ک: مازى [۸] س: طبعمه داراتى خفتانلر ايله. ک: صيقمه ودار ورنکاميز قفتانلر ايله [ظن ايدرم که (صيقمه داراتى خفتانلر ايله) ياخود (صيقمه، دار، ابي خفتانلر ايله) اولميدر (م)]

تکیه ارباب طریق درویشان ذیشان) اولانجهسی دورت عدد تکیه‌گاه خاتقاه
 فقرای عبدالاندر [۱] اولا یاجیلر چارشوسی باشنده ... تکیه‌سی ...
 (در تعریف سییل خانه جان ستان) باریسی چارشو ایجره یکریمی یدی یرده
 سییل خانه عطشان تشنه‌کافلری وارکم نوش ایدن جانلر حیات جاودانی بولوب صد
 حمد وشکر ایدرلر (در تحریرخان خواجه‌کان تجاران بر و بحار) بارداسی سکنر
 عدد خان سودا کران عظیملری وار جملداً تا شهرک اورتہ‌سندہ چارشو ایجره
 وزیر اعظم سفر غازی آقای خانی قره صو شهرینک کویا قلعه‌سیدر زیرا بوشهرک
 قلعه‌سی یوقدر وبو وکاله عظیمک دائراً مادار جرمی دورت یوز عدد کرمه
 آدیمدر وبر متین وقوی شدادی بنا مثللی بر طاش بنا بر قلعه زیبادرکم ایکی دمر
 قپوسی وار ایچنده آب حیات صوبی وار جمله ایکی قات ایچلی و طشره‌لی یوز
 یکریمی عدد اودالری وار جانب اربعه‌سی مازغال دلیکلیدر ودورت کوشه‌سندہ
 قراول خانه قه‌لری کبی عظیم قه‌لری وار حین محاصره‌ده قلعه‌دن متین بر خان
 کیردر آنجاق اطرافنده خندق یوق زیرا شهرک ضیق یرنده چارسو ایجره واقع
 اولشدر اکر بو قلعه مثال خانک بر خندق اولسه بر حصن حصین وسد متین
 سد اسکندروار قلعه استوار اولوردی وبوخان ایجره برمناره‌سز فوقانی ومصنع
 زاویه‌سی وار قاپولرنده بو ابلری آینه ورونده‌لره دیده‌بانلق ایدوب دکمه آدمی
 بوخانک ایچنه قومازلر وقوسالرده جمیع احوالی سؤال ایدوب مهم کاری اولوب
 وامین وخانده مصلحتی اولدوغنی معلوم ومعین اولدقدنصرکه قورلر تا بو مرتبه
 دیده‌بانلر حفظ وحراستنه تقید ایدرلر زیرا جمیع اقالیم سبعة‌نک عنقا بازارکانلری
 بوخانده ساکن اولورلر وایکی عدد حدید وجدید قپولرینک اوستلرنده بو تاریخ
 تحریر وترقیم اولمشدر [۲]

آصف دور سفر غازی اغای دانا ایلدی هندسه عقل ایلہ بوخانی بنا
 کوروب اتمامی بوخان عمارتکاهک دیدی فتعی اوله تاریخ بنای اغا

سنه ۱۰۶۵

وبوخان زیباییه قریب خفافلر یعنی قوافلر ایچنده شیرین بک خانی همان بوسفر غازی

[۱] ک : ابدالاندر [۲] (بنای آغا) عباره‌سی تاریخدرکه (۱۰۶۵) در (م)

باغ وحیدقه‌لری ری ایدر (۰) (در بنای جسور ممرناس و حیوانات) جمله‌سی سکز
 یرده اخشابدن جسرلر واردر زیرا قره‌صو طغیان ایله کلدکده کارگیر بنالی
 قنطره‌لری تمیندن منهدم ایدر دیوانه وار جوش و خروش ایدر بر نهر عظیمدر
 اما تموزده آزه‌جق جریان ایدر بو نهرک منبئی ینه چادر داغنگ مشرق جانبندن
 چیقوب بو شهرک تا اورتاسندن عبور ایدوب شمال طرفنده شیخ الی قریه‌سندده
 نهر عظیم اولوب ازاق قلعه‌سی دکزینه مخلوط اولور آب ناب برصودر (در قائمه
 عدد جوامع های اهل ایمان) قوسی یکریمی سکز عدد محرابدر بشنده صلاة جمعه
 ادا اولنور بشیده کارگیر و کره‌مت اورتولی وطاش بنا مناره‌لی جامعدردر جمله‌سی
 جماعت کثیره‌یه مالک معبدکاهلردر کم اهالی و ولایت غایت مصلی اهل تقوا آدملردر
 اولا چارشو ایچنده ... جامی معمور و مزیندر صاحب‌الخیراتی محراب اوکنده
 برقبه عالیده مدفوندر آبدن ... جامی ... (در شرح مساجد موحدان)
 دوکلیسی ... عدد بقعه صالحاندر اولا ... مسجدی ... اما بو شهر ایچره اصلا
 قورشوم اورتولی عمارت یوقدر جمله لعل کون قرمزی کره‌مت ایله مستور خیرات
 معمورلردر [۱] ... (پ) (در فهرس عدد دارالتدریس مفسران) هدیه‌سی بش
 عدد مدرسه عالمان محدثانی وار اما مخصوص بنای عظیم دارالحدیث و دارالقراسی
 یوقدر لکن مدرسه‌لرنده و درون شهرده علمای محدثانی چوقدر لکن علم
 تجوید ایله قرآن عظیم تلاوت ایدوب ابن کثیر و سبعه قرائتی اوقور حافظ
 قرآنلری یوقدر اما غیری علومده بحر معانی و کتزیان مبانی فضلاء‌الدهردن
 تکمیل فنون و تکمیل ماده ایتمش [۲] کنجینه معانی‌علماء تاناری چوقدر اکثریا
 جمله ذکور و اناثلری شافعی مذهبلردر (پ) (در شهر انکیز دارالتعلیم مکتب
 صبیان) عمومییسی سکز عدد مکتب جکر گوشه پسرانلر واردر (در توصیف
 *) پ نسخه‌سندده ۹ سطر آچیق وار [۱] ك: مستور و نمایشلی خیرات و حسنات
 معمورلردر (***) پ نسخه‌سندده ۱۰ سطر آچیق وار [۲] (فضلاء‌الدهردن تکمیل
 فنون و تکمیل ماده ایتمش) عباره‌سنگ یرنده ك نسخه‌سندده (جمیع فنون شتی ایله مکمل
 و جمع علوم عقلیه و نقلیه ایله بجل اولمش) عباره‌سی وار (م) (پ) پ نسخه‌سندده آلتی
 سطر آچیق وار

اهل و عيالى وار آينده ورونده لره نعمتى مبنولدر انذن به شرق طرفه ۳ ساعته
اوله سن دره سنى كچوب انذن سحرار الحجره معمور و آبادان قرالرى سير و تماشا
ايدرك [*]

اوصاف شهر عظيم و معموره قديم بلده دجلو يعنى بندر آباد قره صو

حماها الله تعالى من شر الاعداء بحق ياهو [۱] بوشهر معموره مزينه قالغا سلطان
وخانلرك كومرك امينى شيطان باقى چلبى نام كمنه حكمنده در واوچيوز اچيه پابه سيله
قاضيى وار جمله سى اون ايكي ناحيه سى [۲] نايبرى وار شيخ الاسلامى و نقيب
الاشرفى و كفه يكيچرى اغاسى طرفندن يكيچرى سردارى وار اما سپاه كتخدا
برى يوقدر محتسى و باجدارى و شيخ بندرى واردر امانتى يكرمى يدى يوك اچيه
الترامدر (درستائش محلات بنائى خاندان) بوشهر ايجره نهر قره صو جريان
ايدوب ايكي طرفى معمور و آبادان شهر عظيمدر قبله طرفى صافى بايرلر اوزره اكثر يا
ارمنى رعاياسى اولريدر باطى طرفى دوز صحرايه واقع اولمش باغلى و باغچلى و جمله
كره مت اورتولى بش بىك بشيوز ايكي قات اولريدر جابجا طوپراق اورتولى اولرى
واردر ودخى حالابو شهر ك جانب اربعه سنده تحتانى و فوقانى سراى عاليلر بنا اولوب [۳]
بوشهر كوندن كونه معمور و آبادان اولده در اكثر يا خلقى اناطولى نك ظلمندن طوقاد [۴]
وسواس و آماسيه شهر لردن كوچوب بو جزيره قريمه كلوب عدل و عدالت كور شورلر [۵]
انكيچون قريم شهرلرى معمور و مزين اولور و بوشهر تا قريمك اور تا سيدر اما اكثر يا اولرينك
حوليلرى چيتدر [۶] خوف و خشيت اولما ديغندن نجه بوز خانه لر نك كار كير بنا ديوارلى
اوليوب چيتدن [۷] مبنيدر وهر خاندانده برر عيون حاربه جريان ايمه سى مقرردر
(در دفتر آسياب دقيق طحان) بوشهره جريان ايدن نهر اوزره يوزدن متجاوز
صو دكر مانلردن جريان ايدوب شهر ايجره فرقه فرقه آب حياتلر جريان ايدوب

[۰] ب نسخه سنده ۹ سطر آيىق وار [۱] ائب اولان (بحق هو) اولميدر
(هو) كله سنه كلنجه بونى اسماء الهيه دن عد ايدلر واردر متصرفه هب بور ايدده درل (هر هو)
ديه ذكر ايمه لر نك سببى بودر (م) [۲] ك : ناحيه [۳] ك : اوللوب [۴] ك : توقاد
[۵] س : كور يورلر . ك : كورلر [۶] ك : خشيدر [۷] ك : خشيدن

ینہ بوقریم لسانی آکلانز [۱] اما اولو نوغای وکچی نوغای وشتداق [۲] واوزاق نوغای والحاصل نیجه یوزعدد قبائل نوغای واردر اما جمله نك اون ایکی عدد لسانلری واردر کم بری برینک لسانلرن طلماش ایله یعنی ترجمان ایله اکلارلر قریمک بادراق تانارلری دخی کونا کون نوغای لسانلرن اصلا برالعابن [۳] بیله آکلایامازلر واولو نوغای قومی ماینلرنده شهر اوغلانلرینک قوش دللری کچی نوغایک دخی ماینلرنده برکونه طورفه [۴] لساندرکم آنلر دخی آکلیمازلر آنجاق ماینلرنده اوقومش یازمش ظریف نوغای مرزالری واردر کمسه آکلیماسن اسراریمزه فرد واقف اولماسین دیو آنلر اول لسان غریبه بی محلیله سویله شیرلر بزده انشالله تعالی محلیله اول مشکلات لسانلرنده [۵] تخریر ایدرز مصرع (سررشته عشق الیه درالمنته الله) مصرعی اوزره بحمدالله قوت حافظه من سبه بیله [۶] (المعنی فی بطن الشاعر) کلامی اوزره درونده چوق تانار لغاتی واردر سهلجه آنلردن ده تخریر اولنور بعده بو آق مسجددن دخی قالقوب شرق طرفنه (۳) ساعت کیدوب

منزل قریه عزیز کوئی

بردره ملی ودهلی یرده محمد کرای خان افندیمز برخان مهمان سرای حسبی بنا اتمشدرکم بویله بر اثر جمیل بر پادشاهه میسر اولمامشدر جمله یکریمی اوجا قدر اما غایت واسع خان عظیم اولماغیله درون خانه یوز طاوله آت صیغار سراپا کره مت ایله مستور کار کیر بنالی برخان معموردرکم قپوسی اوزره تاریخی بودر : [۷]

آسمان رفعت محمد خان خورشید اشتهار خیر ایچون ایتدی بوخانی کلوبن فکرینه خیر کور بچک فتی بوخان بی نظیری صدق ایله دیدی بوخان تاریخی فی سبیل الله خیر

سنه ۱۰۶۲ هـ

حقیقه الحال عجب محل وموقعنده خیرات عظیمه در و بوخانه متصل زیارتگاه بابایادکار) اولو سلطاندر تربهداری بابا هندینک خانه متصل برباغ مرام مثال تکیه سی

[۱] ك : بوقریم لسانی آکلارلر [۲] ك : شیدا ق . س ، ط : شندا ق [۳] ط : برالقابن . ك : برلفظن [۴] ك : طرفه [۵] ك : لسانلرخی دخی [۶] ك : سبیلله [۷] بو اترك متعدد نسخه لرنده بولفظ خطاطلر طرفندن اکثریا (سبه بیله) شکنده یازلمقده در [م] [۷] (فی سبیل الله خیر) عباره سی (۱۰۶۸) چیقورنسخه لرنده ایسه (سنه ۱۰۶۲) دییه یازلمشدر (م)

(آقي) آغا . (آبي) انا . (شوره باري) كوله واري . (دوكه) قيز . (ماريه) قاري
 خلايق . (طوخطا) دور . (يخشوي) ابي . (جخشني) ابي . (يمان) فنا . (همان) فنا .
 (آتماجه بورسون) طاعون وورسون . (باطرجكت آس بولسون) يراريكت آس
 چوق اولسون . (قارت كشي) قوجا آدم . (چونكلكن) اكرلمش . (نيلاهيك كونكل دشكر)
 نيلاهيم كوكلم دوشره . (اوزمكه سني سورمن) بكا سني سورم . (كوپ) چوق .
 (طالقان) قاورلمش داري اوني . (قز) قصر اق سودي . (يازما) يغورد آيراني .
 (بزقا باري قناق) بوزه واري يولداش . (جكور) [۱] كت . (نيليم [۲] بار آتيم)
 ايسيه جكم وار سويليم . (برصدق برچي منكا جكت) يرتكش وريكنز بكا يكت .
 (شيداقتي بيله بولسون) قامچيدي بيله اولسون . (كرمان) قلعه . (خان) پادشاه .
 (جارلق) امر شريف . (يارلق) امر شريف . (صلاي) كوكلار . (بجه نيك) صارپ
 اورمانلر . (باركشي) وار آدم . (باطركشي جلوق بولسون) يرار آدم يولك آسان
 اولسون . (آلاي بولسون) ايله اولسون . (قزلفه) التون . (آقنه بارپ) سفره واروب .
 (دو يوم بولغنده) مال بولورسم . (بركنم بار) ورم جكم وار . (چالاب طانيغاندر)
 الله كوروجيدر . (جاخشي دوكلر تيلرسك) ابي جه قيزلر استرسك . (قوشومزه
 كل چي) [۳] اوردومزه كليكنز [۴] . (اوزوك بلر باطر) سن بلرسك يكت .
 (قايدا براسن تنك) نزهه كيدرسن كوپك . (اوزوكي صوقارم) سني اولدورورم .
 (اوزوكي آتماجه طاپسن بورسون) سني يومورجاق [۵] بولسون وورسون .
 (اوزوكي صوقار ملتق جكورمه [۶] جكت) سني اولدورر قورشوم كتمه يكت .
 (فوطاق) [۷] ابدده طشاق . (كوتلك) پوشته . (شوره) كوله . (آرنكي بورنوكي
 چوم بمش يته اوشاتم سنك اوزوكي) آغزنيكي بورنكي قزلق بمش كوپه كه بكره درم
 سنك كنديك .

نيجه كره يوزيك كونه الفاظ قديملي واري اما چوق تحريره نه حاجت ديوب بوقدر
 لغات بي معنيلر ايله اكتفا ايندك حقا كه لسان قديم ولغات عظيم تاتار لسانيدير

[۱] ك : چكور [۲] ظنجه دوغروسي (ت) ايله (نيليم) اولميدر (م) [۳] ك : جي
 [۴] ك : كل [۵] ك : يومورجاق [۶] ك : چكورمه [۷] ك : قوطاق .

قره دكيزه منصب اولور . بو آق مسجد شهرينك كرچه باغ و باغچهي يوقدز . اما شهر اورتاسندن جريان ايدن نهر صالقرك قرشو جانبنده جمله شهرك باغ و باغچهلري نهرك قرشو طرفنده در . زيرا اوجاي اولتو وصولي وطوپراقلي زمين محصولداردر اما حقا كه آق مسجد طاشلقده بنا اولمش دارد و سفر غازي-وزيرك باغ مرامدن نشان و زر سزايي بو طرفده در جمله بيكدن متجاوز باغ و باغچهلر در كم هر بنده عيون جاريهلر و آب حيات صولر ايله آراسته و انواع اشجار شمرا و غير شمرا متتال ايله پراسته اولوب هر ري حديقه رضواندن نشان ويرر باغچهلر در و معدوختاندن ايواي و امرودي و الماسي و اريكي و سائر ثمراتي كي آبدار ميوه لر قرم ديارنده يوقدز زيرا آب و هواي و بناي لطيف نهدر . زيرا بوشهر چادر بيلاي دامنده وضع اولمشدر اما بو آق مسجد قرم ديارينك شكل مثالي اورتاسي [۱] اولوب تاتارستانك كزيده يرلي بودر كم صرف تاتارلر در

در بيان نسان قوم تاتار صبارفتار عدوشكار

اولا الله اسمي (چلب) [۲] . پيغمبر اسمي (يله واچ) . (كوچ) اكمك . (پوشفا) [۳] لپا . (اويان) چوربا . (ماي) ياغ . (كرتمه) آهلاد آرمودي . (چوم) قزلبه . (صلابجي) لكن (قومكان) ابريق . (چوملك) بارداق . (آياق) چناق . (بولدوق) مشربه . (ملترك) اورته بارداق . (قوش قولاق) ايكي قولپلي بارداق . (طوپان) [۴] صمان . (چيچ) طاوق . (كويكنك) كركس . (قرغى) آمهجه . (بوكتدك) [۵] دليجه قوش . (طوبال كن) [۶] چيلاق . (لاجين) شاهن [۷] . (قارجيغا) دوغان . (بودنه) بلدرجن . (طورغاي) سرچه . (كوجوكن) اوق يله كي قوشى . (بورال آشه) چيل آت . (چابدار آت) قوله آت . (چيرن [۸] آت) آل آت . (بوز آت) قير آت . (آغرماق) كحيلان آت . (آلاشه) بيكيير آت . (طايلاق) طاي . (چكوركندر) [۹] سكرديچيدر . (ارش) [۱۰] چاودار .

[۱] ك : اورتاسنده [۲] ك : چلاب [۳] س ، ك : بوتقا . ط : بوشفا [۴] ك : طومان

[۵] پ ، س ، ك : بوكتدك [۶] س ، ك : طوبال كن [۷] ك : شاهين [۸] ك :

جيران [۹] ك : چكوركندر [۱۰] ك : آرش .

کیملدر دیدم شو انک [۱] اناسی ایاسی [۲] بلوب صاوسلادیغ [۳] یوقدر
 اما بر اوران [۴] قزاعک پیغمبری عیسی کشینک اناسی میرم انا اییش باباسی بزم
 قزاق یخشی سوبلی صورت [۵] اندن اشدتم در اشته نبجروح روانم بوکونه صوفیلری
 وار اما علمای آتاره عشق اولسون وجهه اوچ عدد مکتب صیان ابجد خوان وار
 وجهه دورت عدد آب حیات چشمه سارلر واردر وجهه برجام قدیمده ایکی خلوتلی
 وارته صفه لی وجامکائی شادروانلی برکوچوک جامدر (ستایش برابری قلغاسلطان)
 بو محرو اولان [۶] شهرک جانب جنوبینه متصل قالر آلتنده برشهرجک دخی واردر
 جمیع قلغا سلطاننرک سربلری بودرکم [۷] جمله ایکویز عدد قات اندر قات کارگیر
 بنالی کوروشلی و شاهنشین و روزنلی مصنع حجرلری وار اما اولقدر معمور و مزین
 دکدر یعنی باغچه سرایده کی خان سیرانی کی دکدر بریاننده سکبان اودالری و مطبخ
 کی کاووبی واردر اما برواسع سرای میداننده ذکر کی سبقت ایدن طاش مناره لی جامعی
 واردر و بو شهرجک جمله او جیوز یتش عدد کارگیر بنا دیوارلی و سراپا کره مت
 ایله بستور واروش معموردرکم جمله اولری صالحر صونیک آق مسجدی طرفنده در
 انحاق برقاچ دیکانچقاری و بر خانی و بر جامعی مسجدی [۸] وار و نهر صالحر چادر
 ییلاغی دندن [۹] بر قیناغ عظیم مسیره کاه چمنزار خیابان دن طلوع ایدرکم درخت منهارک
 ظل جهان سندن [۱۰] کونشک ضیاسی [۱۱] زمینه تأثیر [۱۲] ایتمز جمله پادشاهلر و قلغا
 سلطانلر بو مسیره کاهه کلوب آب حیاتلر کنارنده خیمه و خرکاهلرن قوروب بر
 ایکیشیر آی ذوق و صفالر ایدوب داغلرنده صید و شکار ایدرلر یزدخی بو محله اوچ
 کون صفا و سرور ایتدک بوکوه بالانک شمال جانبیندن طلوع ایدن عیون چاریه لر
 جمله شمال جانبنه جریان ایدوب یلدز چابنده ازاق دکنزیه مخلوط اولور و بوکوه بلندک
 قبله و شرق و جنوب جانبیندن خروج ایدن انهارلر جمله طاطالی ناحیه لر نری ایدوب

[۱] ک : شو آنوک [۲] س ، ک : ایاسی [۳] ک : صاوسلادیغ . س : صاوشلادیغ
 [۴] ک : اما بزم اوران [۵] س ، ک : طورر [۶] ک : بو تخریر اولتان [(محرور) برنده
 (محرور) اولوزسه دوزه ایر (تم) [۷] ک : بونده درکم . ط : بردرکم [۸] ک : و بر جامع
 مسجدی [۹] ک : چادر طانغی ییلاغنده . ط : چادر ییلاغی دنده [۱۰] ک : ظل حایه سنده
 [۱۱] ک : آفتاب آتشی تابک حرارق [۱۲] ک : اصلا تأثیر

وطاش دیواری معمور شهردرکم جمله اولری واسعدر وجمه ایکویز قدر دکانلری وار وایکی باشی قپولی ایکی بابلری [۱] بزازستان [۲] کی باشقه دکانلری وپاننده بر برعجم تجاری خانی وار بو شهرده اصلا باغ یوقدر اما بوسفر غازی افا سراینک بر باغ ارمی وارکم مدحتنده لسانلر قاصر و قلملر کاسردر وجمه اوچ عدد خان تجارانلری واردر جمله آ سفر غازی اغانک اهلی آیشه [۳] خاتون قلعه مثال برخان سودا کران بنا وانشا ایتشدرکم جمله تجاران بروبحار سودا کرانک عنقا نازرکانلری بو قلعهیه مانند وکالده قونارلر وجمه بش عدد محرابدر اولا جمله آ قلعه سلطانلر سراینک حویلینک تااورتاسنده منکلی کرای خان جامی کره متلی و برطاش منارهلی طرز قدیم کوچوک جامعدر ایدن طشره شهرده عبدالرحمن بک جامی بودخی کره مت اورتولی برطاش منارهلی معبدکاه قدیمدر قپوسی اوزره مسطور اولان تاریخی بودر (بنی هذا المسجد المبارك فی ایام دولة السلطان منکلی کرای خان اضعف العباد عبدالرحمن بن علی بک غفرالله له ولوالديه سنه شهر محرم الحرام اربع عشر وتسعمائه) دیو تخریر اولنشدر بو ایکی مذکور جامعدر دن ماعدا جمله اوچ عدد محله مسجدلریدر وجمه ایکی مدرسه در وجمه اوچ تکیه خلوتی کولجلی [۴] وحوحلی [۵] محمد افندی تکیه لرینک باشلری مسواکلی قلباق اوزره صارقلی بیقلری طراش صوفیلری واردر بیقلرن انکیچون طراش ایدرلرکم بوزایه بولشوب بوزایی مکرره ایتمه سن دیوشوار بلرن اوصطوره ایله دیندن طراش ایدرلر شکل غریب الهیکل قییح منظره لی صوفیلری واردر حتی بو حقیر برینه سؤال ایتدم کشی سن مسلمان میسن دیدم جونق [۶] من صیومن دیدی یعنی یوق بن صوفی یم دیدی ای امدی مسلمان ایش سن دیدیکمه داریلوب جونق هی کشی صیومن صیوموبا [۷] باشمده مسواغم وار کورسنه دیدی حقیر ایتدم چونکه سن صیو [۸] کشیسن بزم حضرت پیغمبرک بابایی واناسی [۱] ک : یانلری [۲] ک : بداستان [۳] س ، ک : آتسه . ط : اتسه [۴] ک : دوکجلی [۵] ک : وچلوق [۶] ک : چونوق [۷] ک : صیومون صیوموبا [۸] ک : صیو [۹] ک : اوپله کلیورکه شوراده کی (صیو) یاخود (صیو) شکلنده یازلمش کله لک هبسی ده یا کلیشدر دوغروسی (ی) پرنده (پ) ایله (صوبو) یاخود (پ) ایله (صوبو) اولمیدر . چونکه کله نیک اصلی عربجه اولان (صوفی) کله سیدر تاتار بونی بوزهرق (صوبو) یاخود (صوبو) کی سولیشدر (م)

اندن ینہ بانچہ سرایہ کلوب اون کون دخی مکث ایدوب ذوق وصفار دنصکرہ
خان حضر تلیرنک قائم مقامی اولان کلارجی باشی حسن اغادن خان حضر تلیرنک
المزده اولان یرلیغ بلیغ شاہینسی موجنبجہ احسان وانعاملر آلدق زیرا خان
حضر تلیری دخی اور قلعہ سی محافظہ سندہ اولوب شہری ولایتی قصطا وردی [۱]
انکیچون بانچہ سرایہ دور میوب خان اور قصطاوندن [۲] کلنجہ یدک

قرم ولایتن سیر و تماشایتمکہ توجہمزی بیان و عیان ایدر

اولا بانچہ سرایدن شرق طرفہ دار اغاجی یولندن کیدہ رک نہر باداغی آتلا ایلہ
عبور ایتدک بو نہر چادر داغندن کلوب نہر المایہ قاریشر اندن نیم ساعت کیدر کن
نہر صالقری عبور ایتدک بو دخی چادر داغندن طلوع ایدوب بو دخی نہر المایہ
مخلوط اولور بونی دخی آتلا ایلہ کچوب جانب شرقہ سجرا و محصولدار مزارعاتلا
ایجرہ و معمور قرالری ۴ ساعتہ آہستہ روش کیدہ رک

اوصاف تختکاہ قلعای سلطان یعنی شہر قدیم آق مسجد بنای آبادان

جملہ قلعہ سلطانلرک تخت کاہ قرار کاهلری بو شہر درکم قانون جنکیزیان اوزرہ
اوچیوز اچہ پایہ سیلہ شریف قضادر و اوچیوز التمش پاره نواحی قرالری واردر کم
اون عدد ناحیہ نایبلری واردر حاکمی قلعہ و قاضی و صو باشی و محتسبدر غیر
حاکمیری یوقدر (اشکال شہرن بیان ایدر) بو شہر مزین برجمنزار واسع اووا
کنارندہ قبلہ طرفی اوچ ساعت بعید اوچ آسمانہ سرچکمش چادر داغندر کم شہر برہ
قریمک [۳] کوبہ کیدر [۴] ہر طرفہ بشر تفاق بردن نمایان برکوبہ سربلنددر کم طوفان
نوحدن برو اوزرندہ قاری وثلج رحمت ایجرہ آب زلال تعمیر ایتدک لری جانلی قار
قوردی واردر بو آق مسجد شہری کوبہ ہمتانک دامنندن بعید بر زمین محصولدارہ
واقع اولمشدر بو شہرک شرق طرفی کسمہ یالچین مغارالی قیالر اوزرہ واقع اولوب
جملہ ایکی یک عدد قرمزی لعل کون کرہ مت اورتولی جملہ کار کیر بنا تختانی و فوقانی

[۱] ط : فصطا اوردی [۲] ک : فصطا ورنندن [۳] ک : جزیرہ قریمک [۴] ک :

آلتنده قمرالقم ایچنه کفارای دیقار اجنه قومی دخی طاشبات قمرالقدمن بوشانوب
جمله کفارای صرعه زحمتی کبی اجنه دوتونجه نیک کفار آتده دخی هلاک اولوب
صلصال قرال ضال ایله مالک اشتر قلوب آخرکار صلصال لعین مالک اشتری بر خدنگ
سرتیز ایله مجروح ایدنجه هان قزق آلتنجی حمله مالک اشتر حضرت تیرینه دکوب
صلصالک [۱] سینته پرکینهسته بر خدنگ اشتری اویله اورزکم اوقک یلمانی ارقاسندن
ایکی قاریش طتمره چیقوب فی الحال مالک اشتر کندی زخم آلوده اولدوغنه باقیوب
صلصال لعین اوزره آت براغوب باشنی کسوب دشلرن چقارر حالا لعین صلصالک
دشلی آق کرمان قلعه سنک قیوسی اوزره ... وقیه کیر زنجیر ایله دشلی
وقبورقه کسکلری مصلوبدر کلهسی خندق ایچنده برقا دلیکنده دورر بر اسلامبول
کلهسی [۲] قدر یوک کلهدر آندن مالک اشتر عسکرتی مال رغنامله مقتم اولوب
قریمه کلوب مالک اشتر دخی صلصالک اوقی زخمندن شهید اولوب جفود قلعه سی
آلتنده مدفون اولوب زیارت اتدیکنمز الشیخ منصور حضرت تیری مالک اشتر
حضرت تیرن غسل ودفن ایدرلر بعده شیخ منصورده مرحوم اولور اما بو مالک
اشتر حضرت تیری اسکی یورده مدفوندر اما اوزرنده اصلا ترنه قبهسی و عالی بتالردن
برعلامت یوقدر انجاق محمد کرای خان افندیمرک جامع روشن آبادی مساحه سنده
مدفون اولوب باشلی ویاقلری اوچنده برر عمودلر دیکلیدرکم طرز قدیم خطرندن
عبارتدر قد شریفلری کامل الی ایقندر واطرافی کویا باغ ارم وکل کلستاندر
رحمة الله علیه جی خاطره بالیداهه خطور ایدوب محمد کرای خان جامعک روی
دیوارینه شکسته بسته بو ایاتی تحریر ایشدم (بیت)
راه جی اوزره شهید اولان اوسروردیر بو صالصالی رکنه ایدن مالک اشتردر بو
اما بر قوت نامه کتابنده بو عزیز حضرت رسولک سپاهیلر چاوشوی اولدوغندن
حضرت علی حضرت حضورنده کمرن بغلیوب الای چاوشلرینک بودیوان چاوشلرینک
سلسله لری بو مالک اشتره منتهیدر دیو تحریر ایشم حقا که کوزل دیشم آندن
زیارت ... [۳]

[۲] ک : صلصال لعینک [۳] نسخهلرده لامک اوزرینه شده قوش ایشده یا کلیشدر
چونکه معنای یوقدر ظمجه دوغروسی (کلهسی) اولمیدر (م) [۴] بر سطر اچیق وار

صکره بمن حدودنده پلنام بر محله براژدرهائی قتل ایستدیکندن بین الصحابه لقبیری مالک اثر ایدی اما مبارک کوزینک بری جنکده یرطلاس [۱] اولوب کوزی جنکده بویه اولمغه حضرت رسالتناه کیدوب حضرت دخی اکانعاماً تابوت [۲] قروسی مالکلکن وروب مالک اشتر یعنی کوزی یرطلاس دیو کندولره کنیه ایستی بعده حضرت رسالتناه داربقایه انتقال ایدنجه داغ درونندن باشن آلوب دیار رومده ارض روم شهرینه اندن داغستانه کلوب اوچ بیک قدر کزیده آراناوود [۳] آدملری [۴] اسلام ایله مشرف ایدوب اندن ولایت قازانه وولایت اثردرخانه وولایت بالو [۵] خانه و شهر سرایه وولایت هشنده [۶] کلوب بو قدر دیارلری سنیاحت ایدهرک قرق بیک عدد کزیده آدملری اسلام ایله مشرف ایدوب ولایت قریمه کلوب انده دخی اون بیک آدم مسلمان ایدوب اللی بدی بیک عدد بنم دیکر نیست دین عسکر ایله منازل قطع ایدهرک نهر اوزوبی ونهر طورله بی آق کرمان قلعه سندن یوقارو نهر دن عبور ایدوب آق کرمان قلعه سی آلتنده صاراصای دره سی آلتنده [۷] صلصال قرال ضال ایله قرق کون قرق کیجه جنک عظیم ایدوب کفارای قیره قیره آق کرمان

کهیاسی ایش مشارالیهک بالی چوق سودیکنی معاویه بیلدکی ایچون مشارالیه (ایک) ده ویریلن ضیافتدن صوکره بر بارداق زهرلی بال شربی ویرلش و مشارالیه ایچرا ایچمز در حال شهید اولمشدر وظیفه ملعونانه سی ایفا ایدن آدم مان شامه قوشمش و مزده سنی کونوزمش و آله جفی مکافاتی آلمشدر . بوخبر مسرائی آلان معاویه مان شاملیلری طویلانمش و کرسی به چیقمش و مسئله بی خلقه آکلاده رق اظهار شادمانی ایشلر و اوصره ده معاویه (از الله جنوداً منها العسل) دیش و بوسوز مثل حالنی آلمشدر . (امثال میدانی ج ۱ ، ص ۱۰) مشارالیه داتر معلومات (طبری : ج ۶ ، ص ۵۴) و (روضه الاحیاب ترجمه سی : ج ۲ ، ص ۲۹۷) ده مسطوردر منظورم اولان (روامیرالاعیان) نسخه سی ده (اسعد افندی) کتبخانه سنده (۲۰۲۷) نومورده مقیددر .

صوکره سوزم : رحمة الله علیه و لفته الله علی قلله (م)

[۱] س، ک، ط : یرطلاس [دوغروسی (یرطلاس) در فقط بوئکده دوغرو املاسی (بیرتلاز) در وحالا بویه سویلتور (م) [۲] ک : یابوب [س نسخه سنده نقطه لر فضله در (تابوت)، یابوت ، تابوت] اوقونه بیلور (م) [۳] ک : آزانوور [۴] ک : آدملری [۵] س نسخه سنده (باکو) اوقوتق ممکندر شو قدر وازکه کافک قولی قونتامشدر (م) [۶] س، ک : هشتده . ط : مشده [۷] ک : ایچنده

اوزره آل جنکيزيانک بعض احوالرين و اسکی يورده مدفون اقرباری زيارتلرن
تحریر اتمشدک اما بواسکی يورده آسوده اولان معاذ بن جبک عمسی (زيارتکاه
مالک عسکر والی مهتر سلطان سرور حضرت مالک اشتر حضرت تری) بالذات حضرت
رسالت پناهک صحابه کراملرن اولوب [۸] سپاهيان اغالرن ایدی تبوک غزاسندن

[۸] مؤلف محترم اولیا چلی « مالک اشتر » حضرت ترينک صحابه کرامدن اولدینی و قریمه
کلرک ، جنک ایدرک قریمه شهید و قریمه مدفون بولوندینی یازبورسده بو افادهلر حقیقته
مخالفدر . اولیا چلی اولدینجه اوقومش ، یازمش ، تاریخ کورمش اولدینی جهته (مالک اشتر)
کی عالم اسلامی صیت شهرتی دولدورمش بر قهرمانک زرده ونه صورته شهید اولدینی بیلمه مک
امکانسدر فقط اولیا چلی شو سیاحتنامه سنی ایکی شی ایله طولدورویور برسی مشهوداتی ،
دیگری مسموعاتیدر مشارالیه مشهوداتی نصل یازبورسه مسموعاتیده یازبور تدقیق ایدیلنجه
کورولورکه مشارالیه مشهوداتنده یا کیلما یور ابی کورویور و کوردیکی کی یازبور بناء علیه
مشارالیهک مشهوداتی عیناً قبول اتمک دوغرودر فقط مسموعاتی ایچنده خرافه لر بولوندینی
و بو مسموعاتی حقیقه طرفندن اعتراض وانتقاد قویق عادت اولدینی ایچون مسموعاتی احتیاط
ایله تلق اتمک و دیگر مأخذلر ایله قارشولاشدیرمک و یا خود عقل سلیم ایله محاکمه اتمک لازمدر .
ایشته بوراده کی حکایه بی ده مطلقاً قریمه دویمش و ایشندیکی کی نقل اتمشدر . دیمک که
بو حکایه قریملرک خرافه لرندن برخرافه در . وظن ایدرم که قریملرک اسکیلرندن عقلی برذات
قریمه شرف و یرمک و اهالی به قریمی دهاز یاده سودیرمک ایچون حسن نیتله بو حکایه بی اوبدورمش
و اغیزلرده دولاشه دولاشه اورالجه ارتق حقیقت تاریخیه شکلنی اتمشدر .

مشارالیه « مالک اشتر » حضرت ترينه کلنجه :

بو ذات عالیقدر تابعیندن ایدی (روامیزالاعیان فی سرامیزالعهد و الازمان) تابعین فصلنده
« مالک بن الحارث .. الشجاع البطل المعروف بالاشتر النخعی تابعی روی عن علی و خالد بن الولید و غیرهما »
دییه مشارالیه حقیقه تفصیلات و یرییورو (یرموک) وقعه سنده ، (جبل) وقعه سنده ، (صفین) وقعه سنده
بولونمش اولدینی سولیلور . مشارالیه هجرت نبویه تک ۳۸ نجی سنه سنده « حضرت علی » کرم
الله وجهه ایدیمز طرفندن (جزیره) والیلکنندن آینه رق کفایت و درایتنه بناء مصر والیلکننه
تعیین بیورمش اولمقله دها مصره وارمذن ، یولده ایکن ، بحر قلزم ساحلنده (ایکه) نامیره واریر
وارمز اولجه خبر تعینتی دیوبوده تلاشه دوشن و هرچه باد آباد مشارالیه مصره یتشدرمه مک
ایچون دوشونه دوشونه تسمیم ایتدیرمدن باشقه قرلاینی بوله مامش اولان (معاونه) بواشی
میدانه کتیره جنک بر آدم بولمش و یلانی موفیقته یادیرمشدر
بو آچاقاقانی یابان آدم ایسه (دوامیزالاعیان) صاحبنه کوره بر باباس ، (طبری) به کوره
(جایستار) اسمنده بر قبلی ، (روضه الصفا) به کوره بر دهقان یعنی بر بوی بکی و یا خود کوی

دیوب معاذ بن جبل دخی یوق او قوتامدم یا امیر المؤمنین دینجه همان حضرت ابابکر
 غضبه کلوب جمله شرائط اسلامک الزم لوازمین قبول ایوب مؤمن اولمش اما
 نیز [۱] بوزم نامه منکتور سلاممز تبلیغ ایوب کلمه توحید و (آمنت بالله و ملائکته
 و کتبه و رساله) آبتلرین [۲] تعلیم ایوب کله سن دیو دیوان رسولدن معاذی قووبینه
 معاذ نامه امیر المؤمنین ایله تکرار قطع منازل و طی مراحل ایلیه رک بریلده ولایت
 قزانه کلنجه جنکیزخان قرم ولایتنه کندی دیرلر همان معاذینه عزم راه قرم دیرک
 ولایت عراق دادایانه و ارنجه خبر آلم و ولایت اژدرخانده جنکیزخان مرحوم اولوب
 آنده دفن ایدرلر اما اسلام ایله کندیکی متیندر زیرا مقدما سنه ماضیده [۳]
 جمله علی مافرض اللهی قبول ایوب الله بر پیغمبر حق دیمش ایدی انکی چون علمای
 تاتار جنکیز خانک اسلام ایله [۴] آخرته کندیکنه ذاهب اولمشلدر اما نیجهلر
 اعرافده قلوب اصحاب اعرافدن در دیرلر زیرا بر پادشاه عادل و غازی و قول اسلامه
 راضی بر پادشاه ایدی محقق ایمان ایله رحلت ایتدی خلاصه کلام آل عثمانک عملری
 طرفندن حسب و نسبلری مؤمن و موحد و مسلم اولان جنکیزخانه منتهی اولوب حالا
 تاتار خانلر ایله قرابتلری وارد و السلام بعده معاذ بن جبل حضرتلری جنکیزخانک
 اولکن... اوغلی خان باباسی ریه خان عالیشان اولوب تابکله [۵] ولایت قریمه کلوب
 قرمک بواسکی یوردنده مدفون صحابه کزینلری و صحابه کرامدن سردار معظم اولان
 مالک اشتر حضرتلرن زیارت ایوب جنکیز خان اوغلی... خاندن حضرت ابابکره
 و کندویه هدایالر آلوب آندن کیمه قسطنطنیه شهرینه کلوب اده تکرور قرالدن
 هدایالر آلوب ینه کیمه صیده ولایتنه آندن شام جنت مشامه کلوب بر زمان شامده
 قالر بعده حضرت عمر خلافتنده معاذ مطعوناً مرحوم اولوب شامده قیون قپوسنده
 بلال حبشی قریبده مدفوندر رحمة الله علیه اماینه صده رجوع ایده لم ولایت
 قرم باغچه سراینک زیارتگاهلرن بیان ایدرکن مناسیله الکلام یجر الکلام مضمونی

[۱] ک : برده . س : بیر . ط : بین [۲] بوراده کی (آیت) کله سی معنای لغویجه

اولوب علامت دیمکدر (م) [۳] ک : ماضیده [۴] ک : ایمان ایله [۵] س ، ط ، پ

نسخلری ده بوراده کی کبیر . ک نسخه سنده ایسه (تا بونکله) در (م)

رضی اللہ عنہم ، اما بو ام سلمہ حضرت قرق دورث یاشندہ ایکن نکاح ایتدی
 (حضرت رسالتک اولادلرن بیان ایدهلم) اولاجمله طقوز اولادلرینک بش عددی
 ذکوردر [۱] و دوردی اناندر اولاقاسم مکہ مکرمہده مشتق اولمشدر طیب و طاهر
 و عبدالله بو اوچلری خدیجہ کبرانددر [۲] اما ابراہیم مصر دن مقوقس نام قبطی ملکی
 ہدایا کوندردیکی جاریہ مازیہ نام قبطی قیزندن متولد اولمشدر کم مدینہ یہ ہجرتدن صکرہ
 اولمشدردر اما اسماعیل [۳] و درت قیزلر خدیجہ آنادن اولمشدردر اما زینب بنت رسول
 اکرم ابو العاص بن ربیع بن عبدالعزی حبالہ سندہ ایدی رقیہ و ام کلثوم حضرت عثمانہ
 ایدی انکیچون عثمان ذی النورین دیرلر کم حضرتک بو ایکی قیزلرن نکاح ایله آمشدر
 فاطمہ الزہرا حضرت علیہ قلمشدر کم ہجرتک ایکنجی سنہ سندہ مدینہ دہ ازدواج حضرت
 علی با فاطمہ الزہرا اولوب فاطمہ اون سکزینہ بالغ ایدی حضرت علی کرار یکر می
 یاشندہ ایدی والسلام ازین جانب حضرت رسالت پناہ دار باقیہ ارتحال دن صکرہ
 سجادہ رسولہ حضرتک وصیتی اوزرہ حضرت ابابکر خلیفہ و امیر المؤمنین اولنجہ
 بو ارا [۴] ابابکرہ معاذ بن جبل جنکیز خاندن اچیلدکندن [۵] کلش ایدی اثبات
 وجود اتدکدہ حضرت ابابکر یا معاذ بن جبل مامور اولدوغک خدمت جنکیز خان
 نیہ منجر اولدی دینجہ معاذ ایدر یا امیر المؤمنین جملہ علی مافرض الہی [۶] قبول ایدوب
 اللہ بر پیغمبر حق دیدی اما جہ کلکی قبول ایتیموب یولمده بو قدر عاصی پادشاہ لقلر
 واردر امن طریق اولماق ایله جہ کیدہم دیو عذرلر ایتدی و ذکر ن کسوب
 سنتی دخی قبول ایتیموب بوسن و سالمده بو شدت شتا ولایتدہ ذکرم کسرسم تشہ نش
 اولورم دیو عذر ایدوب قالدی بن دخی بونلرک بری ناقص اولسہ درست مسلمان
 اولمازسن دیو غضبہ کلوب کتدم حضرت ابابکر ایدر یاسنت اولیموب جہ کلہ مک
 ایله مؤمن موحد اولماق اقتضا ایتز ہان کلہ توحید ایله ایمان دعاسن اوقتدکمی

[۱] بعض علمایہ کورہ پیغمبر افندیمیزک محترم اوغولاری اوچدر : قاسم ، عبدالله ،
 ابراہیم . (طیب) و (طاهر) لفظلری (عبدالله) ک لقب لیدر (م) [۲] افادہ دہ نقصان وار
 دوغروسی (قاسم ، طیب ، طاهر ، عبدالله بو دوردی خدیجہ کبرانددر) اولمیدر (م)
 (۳) نسخہ لردہ ہپ بو (اسماعیل) : کلہ سی کورولمکدہ ایسہ دہ یا کلشدر چونکہ پیغمبر افندیمیزک
 اسماعیل ادلی بخدوسی بو قدر (م) [۴] ک : بو آرہ [۵] ک : جنکیز خان اچیلدکندن [۶] ک : مافرض الہی

متعصانه بو مذکور سنن فرائضات مستحبات و اجباتلری برر تقریر ایدوب
 بولردن بری ا کسک اولوب بولری شروط و قیودلریله بیلیمه نك صلاحتی صحیح اولمیوب
 ایمانی درست اولوب مؤمن و موحد اولوب پیغمبریمزه امت اوله ماز دیو جنکیزخان
 کی داغ آدمیسی پادشاهه بو کونه صارپه چکوب جواب ویرجه جنکیز خان ایدر
 بزایمی آدمز هنوز دین اسلام ایله مشرف اولوب الله بر پیبرحق بیلیم اور دیدیکک
 سبتلری ده بخارادن برقیه کتروبو اوکره نیرم ایدیکده معاذبن جبل غضب آلود اولوب
 جنکیزخانه کله توحیدی و ایمان دعاسن او قدوب باطل دیندن چقبوب حق دینه کیروب
 حضرت عیسی اللهک قولی و مریم آنا جاریه سی و دورت کتابة ایناندم ده درمیکی
 فراموش ایدوب غضبندن آتلیرینه سوار اولوب قطع منازل ایدره ک مدینه منوره یه
 کلدکده حکمت خدا حضرت رسالتناه آلتش اوچ یا شنده دارفانیدن دارباقی به انتقال
 ایش بولوب حضرت رسولک وصیتی اوزره نعش شریف رسول کبریانی حضرت
 علی تنها یرده حضرتی غسل ایدوب حضرت عبسک ایکی عدد اوغلی فضل و قثم
 حضرت اوزره صو دوکوب حضرت علی حضرتک وجود شریفلرینه ال دکرمدن
 مبارک قیصلری اوزره غسل ایدوب قیص شریفلری اوزره ایکی قات کفنلر صاروب
 حالا مدینه منوره ده روضه مطهره ایچنده دفن ایتدیلر صلی الله تعالی علیه وسلم
 اما حضرت رسولک طقوز اولادی اولوب فاطمه الزهرادن ماعدا اولادلری
 حضرتدن اول انتقال ایتدیلر اما فاطمه الزهرا رضی الله تعالی عنها حضرت علینک
 تحت نکاحنده ایکن حضرت فاطمه حضرتدن آلتی آی صکره وفات ایدوب حضرت
 رسولک روضه مطهره منده صول طرفی جنبنده ینه بر دمر قفصلی یرده دفن ایتدیلر
 مدت عمری ۲۸ سنه در اما حضرت مدت عمر لر نده جمله اون بش عدد [۱] خاتون
 تزوج ائمشدی کندولردن صکره قالان ازواج رسول عائشه بنت حضرت ابابکر
 و حفصه بنت حضرت عمر و سوده بنت زمه و زینب بنت جحش و میمونه بنت الحارث
 و صفیه بنت حنی و جویرییه بنت الحارث و ام حبیبیه بنت ابی سفیان و ام سلمه بنت امیه [۲]

[۱] سیرکتابلرنده ازواج طاهراتک اون ایکی اولدیفی بیان ایدلمکده در (م) [۲] دوغروی

(ابی امیه) اولمیدر (م)

ایدہ لر بیورمشدر دیدکده جنکیز خان ایدر والہی امر حق ایله بویولده کیدوب زیارت ایتمک لسانم اوزره ای سیاحتدر اما بو بنم بالق خانمز شہرندن تا بحر قلزم کنارنده بیت اللہہ وارنجہ بریبللق یولدر وطریق عام اوزره بنم یدی عدد پادشاہلر خصم قوی وعدوی جانلرمدر آنلرک ولایترون آطلیوب نجہ کچوب مکہیہ کیدوب کلہیم بودخی ذکرن کسمک کی مشکل تکلیفدر اما بیلده بر کرہ اوروج دوتماق فرضی قبول ایلدم زیرا حکیمانہ امراللہدر بر آدم مدت مدید عمرنده بیسہ ایچہ وجودنده نجہ کونہ صفرا وسودا وبلغ واخلط فاسدہلر جمع اولور اما بیلده بر کرہ بر آئی صائم اولنجه اون بر آیدہ بدن انسانده پیدا اولان امراض مختلفہلر محو وزائل اولوب تن درست اولور یارین انشالله صائم اولورم بوکوزل امرحقدر وجمیع ولایتلر مک خلقنہ جارصالوب ماہ رمضانده شنک وشادمانلقلرایدوب اوروج دوتدوروب همان بش وقتی قیلماق ایچون مزکتلر واینہ داملری [۱] یصہدرم دیر واللہ تعالیٰ زکات ویرک دیمش حقا کوزل بیورمش بو امراللہی ده قبول ایلدم حقا کہ بر آدم مال فارونہ مالک اولوب بیغہ بیغہ قانده کتورور مستحق اولان فقرالرہ مالنک قرقدہ بر زکاتن ویرمک نہ کوزل دیندر ... [۲] خلاصہ کلام جنکیزخان حج شریف فرضیہ ذکرن سنت ایدوب کسمہ سنہ عذر قویلر بولوب غیري مافرض اللہی قبول ایدوب دین اسلامہ کلوب اللہ بر پیغمبر محمد حقا کہ پیغامبردر ایناندم دیدکده معاذ بن جبل تعصت ایدوب حج شریفی و ذکرن سنت ایتمکی وصالنک سکز شرطنی وصالنک آلتی عدد ارکانی ویدی عدد واجباتلرینی واون دورت یرده صلاتنک سنتلرینی ویکرمی بش یرده مستحباتلرینی واون ایکی یرده صلاتنک مکروہاتی واون دورت یرده صلاتنی ایدن شیرلی و دورت یرده ابدستک فرضلرینی واون یرده ابدستک سنتلرینی و آلتی یرده ابدستک مستحباتلرینی و آلتی یرده وضوء آدابلرینی ویدی یرده وضوء نوافلرینی و آلتی یرده مکروہ وضوءی و بش یرده منہیات وضوءی ویدی یرده نواقض وضوءی و اوج یرده غسل فرضلرینی و آلتی یرده غسلک سنتلرینی واون ایکی یرده غسل ایجاب ایدن سبیلری و دورت یرده غسل ایتمنک سبیلرن والحاصل مجتہدین کبی معاذ بن جبل

[۱] ک : طاملری [۲] س نسخہ سنده ایکی سطر آچق وار

وارد الله وقوله و باشد اولان یرلرده کی یارهدن بوولایتده آدم هلاک اولور
 خصوصا جراحه آدمک اویله جمله طمرلری جمع اولدوغی ذکر می کسه سن البته
 تشه نش اولماق امر مقرر در نه آنکه بر آدم یتیم سکنس و یوز یاشنه کیره بی
 مذهبک سنتدر سیکیکزک اوجلیغی کسوک دیو تنبیه اتسک دلی اولان بوسنتی قبول
 ایتمز واللهم امر اتدوکی تکلیفلردن مشته بوسنت تکلیفی بر تکلیف مالا یطاقدرکم
 ذکرن کسمش آدملر هلاک اولسی مقرر در هله دخی معصوملری میزی کسوب
 سنت ایدهرک خلقی قلندرهم و اول بهارده امر اللهک ابتدا بن سنت اولهیم یوقسه
 بووقت شتاده بو بزم ولایتدرده بو سنت تکلیفی ال ویرمز دیدکده معاذ بن جبل
 ایدر اما اول کسبله جک یر بر لحم زاندر در غسل ایدرکن پاک اولماز و اهلیله بر خوش
 حضور ایله جماع آتمک قوماز اویله بر لحم زاندر در دیدکده جنکیز خان ایدر خلاق
 عالم اون سکزی یک علمی و بی آدمی خلق آتدکده اصلا بی معنی بر شی خلق آتمه مشدر
 هب جمله حکمت ازلیسی ایله استیوب خلق آتمشدر جناب چلاب انک لحم زاندر
 اوله جاغن بیلمدی ده می خلق ایتمدی وجود انسانده دکل جمیع موجودانی ید
 قدرتیله بیلوب خلق ایتمدی دیو معاذ بن جبله اعتراض اوزره جوابلره باشلر
 وینه جنکیز ایدر الله بش وقت نمازی فرض ایتمش نه کوزل امر اللهدر اما اللهک
 امری اولان فرضدن زیاده سزک سنت نماز لریکز وار بو خلقی تعجیز ایتمکدر
 یا غریب انسان کفاف نفس و عیال ایچون نه زمان کار کسب ایدر هله بن
 اللهک فرض ایتمدیکی نماز دن غیری نمازی قیلماز دیر وینه جنکیز خان ایدر یا معاذ
 کعبه الله الله ایدر آکه عمر نده مالی چوق اولان بر کره وار مق فرضدر دیدک
 بونه کوزل بو یورمش هم زیارت وهم تجارت وهم - یا حاح اولور اما ز آب اودده لر مزدن
 اویله استماع ایدهر زکم الله تعالی اودن و بارقدن وشش جهته اولدن بری و منز بر
 بی زوال لایزال بی مکان اللهدر بیلردک شمدی الله سز مکان می اثبات ایدر سز
 یا الله اویته واران اللهم کوررمی اکر کوررم شمدی کیدرم دیدکده معاذ ایتمدی
 کوررم سز اما الله اویله بیهرمش (آیه) (ولیطوفوا بالیت العتیق) بیورمشدر کم
 (آیه) (من استطاع الیه سیلا) دیو الله امر ایدوب مالی اولاندر بیتمه کلوب حج

وارد و باشلری اوچندہ سنک مزارلرنده سن وسالاری ومدت سلطنتلری وحسب
 ونسبلری جملہ مسطوردر اما سرکو [۱] قبولخانک باباسی جنگیزخاندرکم سسنہ
 ۶۱ [۲] تاریخندہ حضرت رسالت پناہ بو جنگیزخانہ نامہ دربار ایلہ [۳]
 « معاذ بن جبل » حضرتلری نام صحابہ رضی اللہ تعالیٰ عنہ حضرت تلرخنی ایلچی کوندروب
 معاذ حضرتلری قطع منازل وطی مراحل ایدہ رک الچی جنگیزخان حضورینہ
 واروب صفا کلدک یاعرب دیو ایاغہ قالمقوب الچی بہ نعظم وتوقیرلر اندکدنصکرہ نامہ
 (السلام علی من اتبع الهدی) دیو تلاوت اولندقدہ الچی جنگیزخاننی اسلامہ کلمکہ
 تکلیف ودعوت اندکدہ جنگیزخان ایدر یا معاذ بن جبل آخر زمان پیغمبری
 عرب محمدک بزہ عرض ایلدیکی مذهبی ندر دیو سوال ایتدکدہ ابتدا علی ما
 امرالله اسلامک فرائضلرن شروط وقیودیلہ آیہ شریفہ (اقیموا الصلوة و اتوا الزکوة)
 نص شریفن تلاوت ایدوب برر جناب کبریا نیک فرض ایتدوکی شیلری تعلیم ایتدو کدہ
 جنگیزخان ایدر (برہ نہ کوزل [۴] برلرک کولکرک خالق اللہ نہ کوزل بیورمش
 بوبش عدد شیلرک دیکد جملہ قبول ایتدم این شیلردرکم اللہ امر ایتمش) معاذ ایدر
 پیغمبرمزلک دخی سنتلری بودرکم بش وقت اوکنده و آخرنده ایکیشر و دوردر
 رکعت نماز سنت قیلنہ و ذکرینک اوچندہ بی معنی آتی کسوب سنت ایدہ دیو جملہ
 سنن و مستحبات و واجبات صلوات و وضوئی ودخی اداء صلواتی جملہ شروط
 وقیودیلہ معاذ بن جبل تذکیر و تعلیمندہ تعصبانہ تعلیم و تذکیر اندکدہ یزہ جنگیزخان (بودہ
 نہ کوزل پاک مذهب وسنن فرائضلر ونہ کوزل پاک ادبدر اما ذکرن بر آدم کسمک
 یوفنا مذهبدر بوزم مملکتلری مزده بر آدم بر آدمیدن بر قطره قان آقیتسہ بز اول
 آدمی قتل ایدہرز زیرا ولایتز شدت شتا کانی اولماق ایلہ تشہنش [۵] مرض

[۱] دوغروسی (مذکور) اولمیدر (م) [۲] بش نسخہ نیک بنشدہ دہ بویلہ ۶۱ رقمی یازلمش
 ایسہ دہ ہم یا کلش ، ہم معناسدز و ذاتا اصل مسئلہ بالاندر (م) [۳] عصر سعادتدن رواج
 عصر صکرہ کان جنگیزنی عصر سعادتہ یا شامق ، صوکرہ کندیسنہ معاذ بن جبل حضرتلری ایلہ نامہ
 سعادت کوندرملک پاک کولونجدر قویاً امیدایندہ رم کہ مؤلف بو حکایہ بی بازارکن کولمش ہم دہ چوق
 کولمشدر ، اوتک مقصدی بو حکایہ قائل اولانلرک جہلنی کوسترمک اولسہ کر کردر ، جنگیزک
 تاریخ و وفاتی (۶۲۴) در (م) [۴] ک : بو بویہ نہ کوزل . ط : بو بویہ کوزل [۵] تشنش مرضی

مرحوم ظاموراض یعنی ابوسعید خان وبری قزاقان [۱] خاندان بودنی اسلام ایله مشرف اولوب اسمنه محمد شام قازان [۲] دیو نام قودی ابتدا قوم نانا رده محمد [۳] اسمنی بونلر قومشدر قبر شریفی آذربایجان ولایتی تخی [۴] اولان شهر تبریز قزبنده اسلامبولده کی غلطه فله سی کی برسر آمد قله بالا ایچنده مدفوندر کم حالازیا رتکاه خاص وغام برتکیه خانقاهدر قوم موغول لسانلری اوزره بو آستانهیه شمبت قازان یعنی شمبت بورنه [۵] دیرلر مغول قومی بو محمد غازان قازان ولایتنده بزدن ایدی صوکره مسلمان اولدی دیرلر و جنکیز خانک بر اوغلی دخی اولجایتو خاندان اما جنکیز خان مرحوم اولدقدنصکره [۶] شام قزاق خانک والدین کنگاج خان آلوب محمد شام قازان خانه اوکی بابا اولمشدر کنگاج خانک باباسی ابقای خاندنم ایران و تورانی خرابه ویرن هلاکو خانک باباسیدر بو هلاکو خانک اون دورت اوغلی وار ایدی بعضیلری خان اولدیلر بعضیلری اولمادیلر اما بو ابقای خان شجاع و بهادر و صاحب خروچ اولوب جمله عراق دادایانده بونلر نوشروان اوغلی خرّموز [۷] تاجدار یاننده شمبتلر یعنی مزارقلر بنا ایشمدر [۸] و هلاکو خانک باباسی قوتلخاندنم [۹] بو قوتلخانک یدی اوغلی عراق دادایانه و ولایت قازانه و ولایت اژدرخانه خان اولوب اول دیارده موغول و بوغول و قنلق و مسکو کفره لریدن نام و نشیان قومه مشلردی بو یدی عدد خانلر جمله عراق دادایانده خرّموز تاجدار یاننده کی تربلر ایچنده مدفونلرکم اطرافلری جمله آریج اغاجلر بدرکم بو جهانده اوله ارج اغاجلری خلق اولمادشدر و بیجه علامتلی دخی

[۱] جن ایدرم که دوغروسی (غازان) اونه چقدر (م) [۲] ظن ایدرم که دوغروسی (محمودشاه غازان) اولمیدر (م) [۳] دوغروسی (محمود) اولمیدر (م) [۴] ک : تختکلی [۵] ط : بوریه [ظن ایدرم که دوغروسی (توریه) یعنی (تربیه) اولمیدر فصل که بر قاج سطر اشاعیده (شمبت) کله سی مزاراتی ایله تفسیر ایشمدر (م) [۶] مؤلفمز اشافیکی حکایه سی وجهله جنکیز خانک دین اسلامه کیرمشن اولدیغه قائل اولدیغی ایچون ویاخود بو فکرده بولونانلره خوش کورونک ایچون (مرحوم) کله تنی استعمال ایشمدر (م) [۷] ک : حرمز [دوغروسی (حرمز) اولمیدر که (حرمز تاجدار) دییه مشهوردر (م) [۸] ک : ایچنلردر [۹] ک : قوتلوخان [ظن ایدرم که دوغروسی (قوتلای خان) اولمیدر (م)]

آباده آل عثمانک سلسله لری یافت بن نوح علیه السلامه منتهدر جمله حسب النسب لری
 [۱] عننه ایله پادشاه و پادشاه زاده لر در انکیچون تانار خانلر ایله عمیلری طرفندن
 اقربالر در اما والده لری طرفندن سلاله زلال حسینی سادات ا، کرملر در زیر ا... نام
 سادات کرامدن برسیده [۲] بانو صفت دختر پا کیزه اختر آلوب... خان اول
 قزاق و وجوده کلوب آنادن اولاد رسوللر کم نیجه ثقه تواریخلر درده مصر حدر اما
 ارطوغر ولدن اوتیه عمی زاده لری طرفندن آل جنکیز در دخی حقیقه نظر اولنسه
 سپاه زنیکی عرب و حضرت اسماعیلی بیاض عمر بوردن ماعدا جمله هندو عجم و ازبک
 و موغول و بوغول و چین و ماچین و ختاوختن و فغفور و فوزاق [۳] و ترکان و مسقور
 و مجار و الحاصل جمله اوچیوز یتیمش عدد قوم کافرستانک بیله سی آدم لری جمله تاناردن
 آزمشر در کم جمیع مورخان عرب و عجم و لاتین و قبطی و قوم یونانیان مورخ لری
 او یله تحریر ایتشر در انکیچون قوم تانار اولو صوی اولوب جنکیز خاندن
 برویجه اولاد لری صاحب خروج و صاحب ظهور اولوب ولایت قریمی
 مسکن و ماوی ایدنمشر در (زیارتگاه ابوسعید خان بن جنکیز خان) بو
 ابوسعید خان ناه [۴] سرایده خان ایکن باباسی جنکیز خاندن اول مسلم و مؤمن
 و موحد اولوب دیار عراق دن علمای عجم و علمای عرب بنوک یانه جمع اولوب اسمنه
 ابوسعید دیو نام و یردی لر اما باباسی جنکیز خانک قودوغی اسم طاموراس [۵]
 خاندن یدی سنه بالق خنده [۶] ویدی سنه اژدر خنده ویدی سنه ولایت قازانده
 ویدی سنه شهر اول سراینده [۷] اندن یدی سنه دیار قرمده خان اولوب بقول
 مورخان جنکیزیان جمله او طوز بش سنه خان اولوب آخر کار بو قریمه [۸] قزاقه سنده
 [۹] آسوده حال یظر اما اولو پادشاه مسلم ایمش رحمة الله علیه (در بیان احوال
 مناسب جنکیز خان) بقول مورخان بو جنکیز خانک ایکی اوغلی وار ایدی بری
 [۱] ک حسب و نسب لری [۲] ک : بریندن [۳] ک : قوزاق [۴] ک : بانه [دیگر
 نسخه لر هب نقطه سزدر] [۵] س : طاموراس [۶] دوغروسی (خان بالق) ده اولمیدر (م)
 [۷] س ، ک : شهر ادل سراینده [۸] (قریم) اولمیدر (م) [۹] س ، ک : قزاقه سنده
 [اکر (قزاقه) کله سی تانار جه ده قبرستان معناسنه کلیدر سه نه اعلا . کلیدیکی صورته مصر
 قبرستانه تشبیه ایله (قزاقه سنیده) اولمیدر (م) .]

آستانه‌سی قربنده بطر آندن سلیمان شاهک بر اوغلی دخی بایندر خاندنر اول
 دخی باباسی غرق آب اولیجاق عمیسی ارطوغروله باقیموب اخلاط پادشاهنه واروب
 آنده مدفوندر سلیمان شاهک. اوچنجی اوغلی بوخاندنر اندن دردنجی اوغلی یای
 طوغار خاندنرکم باباسی سلیمان شاه غرق آب اولنجه داع درونندن اوچیوز عدد آدمیله
 عمی زاده لرینه قریمه کلوب قریم دیارنده و اطراف و اکنافده نیجه یارارقلر
 و نامدارقلر ایدوب آخرکار قرمده بواسکی یورد مزارستانده مدفوندر اندن زیارت
 باقی [۱] بک بن ارطوغرول بای اندن زیارت کوزبای دوزبای [۲] ابن ارطوغرول
 بای بویکی برادرلر دخی بابالری ارطوغرول قونبده سلطان علی الدینه طوغرولوب
 وارنجه سلطان علاءالدین کوررکم بو ارطوغرول برشجیع وغازی ومدبر و یارارو نامدار
 کسه در خدمتندن حظ ایدوب کندوبه طوغ و سنجاق و پیراغ و طوغ و طبل و علم
 و ربوب ارطوغرولی بوی بکی ایدوب نیجه سینه غزال ایدر بعده ارطوغرول بورسه
 تکروریله [۳] بلق آباد [۴] قلمه‌سی اوزره جنک عظیم ایدرکن بامر خدا ارطوغرول
 شهید اولوب حالا سکود نام بر قصبده ارطوغرول مدفوندر همان سلطان علاءالدین
 طوغ و سنجاق و پیراقلری کوچوک عثمانجه و ربوب بوی بکی ایدر همان اول محله
 عثمانجه قونداشلمی مذکور یاتی بک [۵] و اولکن قونداشی کوندوز بای بک
 کیندولره بوی بکلکی ورلمیوب کوچوک براردی عثمانجه ویرلدیکندن ... روکردان
 اولوب ایکی برادر دوغری عمی زاده لرینه قرم دیارینه کلوب بری ماقت بکی وبری
 اور بکی اولوب نیجه زمان غزالرده بولتوب آخر ایکیسده دیار قرمده مرحومینلر
 اولوب عمی زاده‌سی بای طوغان خان یانلرنده مدفوندر قوم تانار ایجره آل عثمانک
 عمی زاده لری و بزم نسلمزدن اقربالریمزدر دیو زیارت ایدرلر حقا که [۶] آل عثمان
 بقول مورخین آل جنکیز نسلنددرلرکم جنکیز خانک عمی زاده لرنددر اللی برنجی

[۱] مشهوره کوره (بانی) اولمیدر [م] [۲] ک ، ط : کوزبای دزبای [دوغروسی
 (کوندوزبای) اولمیدر [م] [۳] ک : تکوریله [۴] س ، ک : بلق آباد ، ط : بلق آباد
 [۵] ک : باقی بک [۶] (حقا که) کله سندن صکره ک نسخه‌سی شوبله در : حقا که بنه بونلرک
 تقریرلری و اتاقلریک کلاملری صحیدر (در بیان سلاطه نسب و حسب آل عثمان بقول جمیع
 مورخین تانار جنکیزیان و روم و عرب و غیره) آل عثمان آل جنکیز نسلنددرکم الخ [م]

ایله آراسنه و ابرشیم خلیجه لر اوزره مزقده پراوار اطرافلرنده حسین خط کلام
 شریف لر مصنع رحله لر اوزره پیراسته اولشن قبایلردن بعض پادشاهلرک سر سعادتلری
 برنده [۱] دستارلری اوزره ظورنا جیغاری و جیشکار ضقولشل دورر و هر قنده
 تر به دارلر مقرر در کم هر بار خانلر و سلطانلر بوییم و بو جگر کلوب زیارت ایدوب غود و عمرلر
 احراق [۲] آدیروب ختم شریف لر بلاوت اولنور زیارتگاه خاص و امیدور و رحمة الله
 علیهم اجمعین اندن بو قبایلرک [۳] خارجی اطرافنده جمیع قلغار و انور الدهرلر
 و سلطانلر و نیم و بو جکلر و قزاق سلطانلر و جمله وزیرلر و مرزازلر و ایاقلر [۴] و الحاصل
 باغچه سزایک جمیع اعیان کبار کبارلری اوبای و کدالزی بونده مدفونلردن زیارتگاه
 حضرت رسالت پناه عصرندن برو بو محل جنبانه اجاموشاندر (زیارتگاه بولک خان)
 آل جنکیزیانه شهرت و یروب دیار قریمنی معمور و آبادان ایدن بره کت خاندن کم
 سینه ۶۶۶ تاریخنده دار فندان داز بقایه رحلت اندی قبری اوزره قبایی یوقدر
 همان سنک مزاریسک تاریخندن معلومندن اندن (زیارت طوغان خان [۵]) آل عثمانک
 عمی زاده لرندن در چغانکم سنه ۷۰۰ تاریخنده آل عثمان اجدادی ارطوغرول بولسرای
 بک قرنداشی سلیمان شاه ایله اوچ بییک نفر کسه لر دیار ماوزاء انهرده ماهان ولایتندن
 هلا کو [۶] خان تانارلری ظلمندن جلای وطن ایلیوب دیار رومک قونیه سننده
 آل سلجوقیانندن سلطان علاءالدینیه کلورکن شهر فراد ساحلنده جعفر قلعه سی نام
 کرمان آلتنده جمله اویماق ازدوغرول صو کنارینه [۷] نکت ایدرلر حکمت خدا
 ارطوغرول بایک برادرلی سلیمان شاهه غسل ایجاب ایدوب شهر قرانده غسل ایدرکن
 غرق اولوب حالا جعفر قلعه سی آلتنده مدفوندر بوسلیمان شاه ارطوغرولک اولکنلی
 [۸] یعنی بیوکی اولق ایله ارطوغرول قبیله سی ایچره تفرقه دوشوب ساچان شاهک
 دوزت اوغلی وازیدی بری قول توغاز خاندن رقه یعنی عرفیه [۹] واروب آنده
 بک اولوب غزالر ایده ایده خیلی نام بولوب حالانعرفه ده [۱۰] ابراهیم خلیل الله

[۱] ک : برنده [۲] ک : بخور [۳] ک : اوخانلرک [۴] ک : ایاقلر [۵] ک : س،
 ک : ط : طوغان [۶] س، ک، ط : هلاق [۷] ک : کنارنده [۸] س، ک : اولکنی
 [۹] دوغروس (اورفه) اولمیدر [م] [۱۰] دوغروس (اورفه) اولمیدر [م]

قرا و قلاع و قصبات) اولاً باغچه سرا یک جانب شرقی سنده بر مرحله برده آق مسجد شهریدر کم قلغا سلطانلرک تحت کاهلریدر و جانب قبله سنده ایکی مرحله برده طا ط ایل نواحیلریدر و طرف جنوبه میال بر منزل برده قلعه جهان نما قلعه منکوبدر و سمت جنوبه ایکی قناق برده قلعه بالقوادر و طرف غربه میال ایکی کونده قلعه این کرمان و صا کرمان [۱] قلعه لریدر جانب شماله اوچ قناق برده قلعه اوردر و شمال ایله شرق مابینده قلعه جکشکه [۲] و قلعه ارباطدر کم [۳] سنه تاریخنده بو قلعه لر ی محمد کرای خان بنا آتمشدر اما جزیره قریمک دخی اطراف لرنده مسافه بعیده اولان قرا و قصبات و قلاع و شهر لری دخی انشاالله تعالی محللریله علی قدر الطاقه تحریر ایدرز و بالله المستعان [۴] (در وصف تته شهرانکیز کلیات باغچه سرا ی) . . . (۰۰)

درذ کر خیر زیارتگاه باغچه سرا ی خارجنده آسوده اولان ملوک و سلاطین ماضیه و مشایخ و قاضی و کبار اولیلرک ارجعی الی ربک امرینه راضی اولان پادشاه مفقور لرک و داع ملک فانی ایدوب سلطنت جاودانی به انتقال ایدنلری نورالله مضجعهم بانوار النفران و صحابه کرامک و ائمه مجتهدینک و غازیان مجاهدینک مر اقد پر انوار لرن بر برذ کر و توصیف و تعریف و بیان و عیان ایدر

اولا شهر باغچه سرا یک اشخی غرب طرفنده کی باغچه لری اوچنده ایکی بیک آدیم بعید قریه اسکی یورد زمان قدیمده بر شهر معظم ایمش حالا نیجه بیک برده آثار بنالری نمایاندر اما شیمدی هنوز اوچ یوز اولی و باغ و باغچه لی و هر خاندان لرنده آب حیات صولری جریان ایدر بر معمور کویدر بو جای فزاقده [۵] اوچ عدد قور شوملی قبلر ایچنده سلف شهنشاه خانلری وادی خاموشان سریر لرنده خاموش باش اولوب یطر لر هر قباب پر انوار لر اوله مزین و اوله مصنع آویزه و قنادیلر وار کم کویا هر قبه جای مهبط پر انواردر نیجه یوز کونه شمعدان و بخوردان و چراغدن و سیم و زر قنادیلر

[۱] ک : ساز کرمان [۲] ک : جکشکه [۳] ک : ط : ارباطدر (۴) ک : و بالله التوفیق (۰۰) بدی سطر آجیق وار [۵] ک فزاده [دوغروسی (قزاقه) ده اولوق ممکندر (م)

حالا دیار قرمدہ ینہ کورشوب عظیم احسانلر آلدق بودخی بر دلبرات عظمت [۱] وخدم وحشمہ واسباب احتشامہ مالک بر ملک صفت نوخط جوان بختدرکم دائما علم فرسہ مشغول اولوب ارباب معارف ایله اخنلاط ایدر اماہفتہدہ بر کرہ طراش وحوالہ [۲] وینکر [۳] نام یارنرلیله صید وشکارہ کیدر و دائما حریر لباسلر کیوب کزر خدای بیچون معمرایدہ اندن (عوض کرای سلطان) اندن (جانبہ کرای سلطان) اندن (مبارک کرای سلطان) احمد کرای سلطان ایله بو مذکور درت عدد شہزادہ جوان بختلر جملہ محمد کرای خانک اوغوللریدر کونہلی [۴] عوض کرای سلطان ہنوز اون بشنہ بالغ برنور الہی سلطان ایدیکم مہ پارہ لکندن نظر دکمہ سن دیو دائما حرمدہ پنہان ایدی اندن دخی کوچوک برادری جانبہ کرای شہزادہ اون درت یاشندہ جلالی صفت اینوب بنمکہ مائل بر یرار یکت قوپاجاق شہزادہ در اندن کوچوکی مبارک کرای شام ہنوز اون ایکی سنہ [۵] بالغ اولوب او قویوب یازمغہ مقید حرم نشین بر شہزادہ جکدر اندن قاجی [۶] باغلی قریبندہ ساکن حاجی کرای سلطان خلقدن منزوی بر سلطاندر اندن صافی کرای سلطان ... خان علم و معرفتہ مشغول باغبان بر سلطاندر اندن قرم کرای سلطان ... خان اندن خوبان الی نوغایندہ [۷] حاصل اولمش کرای سلطان بن اسلام کرای خان دخی نابالغ کوچوک بر سلطاندر اندن ... جملہ صداقلی و صوابلی یتیم یدی عدد صغیر و کبیر قریم ویانبولی سلطانلریدر الحاصل دیار قریمی بو مرتبہ سلطانلرک جمعیت کبراسیلہ کورمہ مشمدر خدای متعال دخی زیادہ ایدوب دشمنلر ایله اوروش صواش ایدلر آمین بحق سید المرسلین محمد وآلہ جمعین (درمدح وزرای قرم) اولا اولان محمد اغا و سفر غازی اغا و حالا وزیر بنام قیطاس اغا و احمد اغا و شاه بولاد اغا و آلو احمد اغا و دفتردار اسلام اغا و سفر اغا زادہ اسلام اغا و قرنداشی نباص [۸] محمد اغا بونلر وزرا و وزرا زادہ لر در اما بونلردن ماعدا (درستایش امرای باغچہ سرای) . . . (۰) (در بیان اطراف مشای

[۱] ک : بر دلبران عظمت [دوغروسی (بر دارات و عظمت) اولوق ممکندر (م)]
 [۲] ک : طولہ [۳] س ، ک ، ط : یکنن [۴] ک : کوبہلی [۵] ک : ایکینسہ [۶] ک : قاجی
 [۷] س : خوبان الی یرغانندہ . ک : خوبان ایلی ولایتندہ [۸] س ، ک ، ط : نباص
 (۰) ایکی سطر آچیق وار

دست کوندرمز [۱] خلقتی بنوک اوستنه خلق اولتاق ایله خلق ایله حسن الفت و حسن خلق ایله کچنر بویه ایکن هرلیله جمعه ده وغیری لیسالی مبارکده باغچه سرائک متعدد علما و صلحا و مشایخ لرون خاندانه دعوت و جمع ایدوب ضیافت عظمالر تناول اولنوب و مباحثه علم شرعی و مسائل فقه و فرائض و علم اصول و فروع و علم ادب کوریلوب بوجلسده لندن [۲] خارج بر وضع ناهموار کورلزدی جمیع زمانده صلاح حالی جمیع اخلاق حسنه لرینه غالبدر حتی علی مافرض الله اوقات خمسه بی ادادنصرکه صلات او ایپنی و تهجد و اشراق و ضحی نمازلرن سفر و حضرده ترك ایتمیوب و نمازلرنده کال مرتبه تعدیل ارکانه مراعات ایدوب ابدست سز بر قدمه [۳] قدم بصامشدر و بی وضوء آته سوار اولمامشدر و الحاصل صلاح حالی حالا عدد مشایخ لرنده یوقدر [۴] خدانک حفظ و امانده اولوب بویه شهزاده جوان بخته تخت آل جنکیزی جناب باری میسر ایده آمین و یامعین و یاخیرالناصرین بوشهزاده آزاده یه محبت مزدن مجموعه نامطبو عمزه خاطره خطور ایدن اوصاف شریف لرن علی قدر الطاقه تسویده حرأت اتمک علم الله و شهد الله و کفی بالله محمد آرسول الله دریا ده قطره و کون نشده ذره و شمه تحریر اولتاق محالدر محمد خدا بویه بر شهزاده ذی شان ایله بر مدت حسن الفت ایدوب شرف محبت لر یله مشرف اولدق و السلام اندن سفر یولداشم [۵] (احمد کرای سلطان بن محمد کرای خان) بودخی محمد کرای خان افندی مزک نور دیده سی و جگر گوشه سی احمد کرای سلطاندر کم سنه ۱۰۷۳ تاریخنده کوریل زاده فاضل احمد پاشا ایوار غزاسنه کیدرکن [۶] بو احمد کرای سلطان آلتمش بیک قرم تاتارینه سر عسکر کلوب بونلر ایله المان دیار لرن و مجار و اسلویین و خرواد و دودوشقه و اورته مجار و طوط و له و چه و قرول [۷] و فلمنک و اسفاج و لایتلرینه دک چاپول غزالر اتدی کمز بالاده مفصلامصر حدر بوغزالرک مال غنایملرندن برجه و دیار قطره آلیوب جمله مالی قره جی خلقنه و عثمانی غازی لرینه براندر [۸] بر کرم کارای شهزاده در

[۱] ک: براقاز [۲] س: اذندن [دوغوسی (ادبدن) اولمالیدر(م)] [۳] ک: بر قدم
 یره [۴] ک: حالا مدود اولان مشایخ لرنده بیه یوقدر [۵] ک: یولداشم [۶] س: ، ک ،
 ط: کیتدکده [۷] ک: قورول [۸] ک: براندر [ظن ایدرم که تاتار لهجه سنجه
 اولوب (ورندر) مقامنده سویلنمشدر (م)]

محببتہ بدر مبین کبی دوران وسیران اتدکرندہ کویا زہرہ رقص ایدردی حتی بو فقیر مجلس خاصلرندن بر آن منفک اولیوب هرکز تک وتہالزندہ ندیم خاصلریلہ عالم اغیاردن بی خبر ایکن عالم بیاب و آدم خراب اولدن بلافسق ولانسق شب یلدرده حسین بیقرا صحبتلری ایدردک وینہ عالم خلقی خواب راحتسدہ بی خبرلر ایکن شامک ندمالرندن بر قاچ بذلہ کوی معروف [۱] اولمش شیرین کار استاد کامل مقلدرکم ہربری شیرین کفتار سبک رفتار فصیح اللسان و بدیع البیان ادبدن خارج اولین مسیح انفاس وارموتای کولدوروجی مقلدردن صوربا [۲] احمد چلبی وادرنہ لی نزن درویش رجب چلبی وجلوہ چاوش وجاقمان جلب [۳] وبوروزان عثمان [۴] چلبی نامون مقلدان طرب افزونلرک ہربری برکونہ السنہ مختلفہ ایلہ ہر قومک بی معنی اوضاع واطوار بذلہ کلاملرن لہجہ محصورلریلہ تقلید اندکرندہ آدم کولدن اوصی کیدر وبوولدنلرک یتمش حیلہ لری بربرلریلہ محاورہ ومباحثہ شقای کونا کون اتدکرندہ استماع اولنماش خارق عادہ موحتش شیر سولیوب اشکال طونلرہ کردکرندہ آدم خوف وخشیتہ دوشوب ینہ بکنز [۵] شقالر ایلہ مجلس شریفلرن نشاط وسرور ایلہ مسرور ایدرلر اکثر ایامدہ بوکونہ شقالردہ اولور بعدالمجلس ہر کس حجرہ لرینہ کیدرکن ہر کہہ بالغاً مابلغ احسان وانعاملر اولنور الحاصل بو طبیعتدہ بر جم وجمشید صفت وبر حاتم طی وبر جعفر برمکی کبی صاحب کرم آل جنکیز یاندن بویلہ بر صاحب ہمہ برشزادہ جوان بخت قلمہ مشدر [۶] حسن خلقی کبی منور یوزلی وشیرین سوزلی ومرالی وغزالی یوزلی وسط القامہ دست کفی واسع قوت وقدرت پنچہ سنہ مالک ہر نہ جانبہ دست اورسہ دشمندن کرکی کبی انتقام آلیر ومساکین وفقرائرہ غایت محبت ایدوب (آلایہ) (انما الصدقات للفقراء والمساکین) آیتن تلاقت ایدوب بونص قاطعہ عمل ایدوب البتہ برہانہ ایلہ بربرک اخضر کترنلرہ ویا برورد احمر کترنلرہ ویا خود ہیچ برشی کتورمیوب راست کلدیکی محلدہ جمیع ذوی الاحتیاجہ ادنی مرتبہ بوز عدد قرم سکمی اویلوق [۷] احسان ایدوب تہی

[۱] س ، ط : مفرور [۲] ک : طوربا [۳] ک : چقمان چلبی [۴] س ، ک ، ط : نوروزان عثمان [۵] ک : بکر [۶] ک : کلہ مشدر [۷] س ، ک : اویلوق

قائل اولوب یعنی ارباب حالدن اولوب آلفته و آشفته مشرب کورینور بر صاحب سلوک و برکرم کافی ملوک صاحب دل شاهدر و شعرالردن لمی چلی و مؤمن [۱] افندی و فضلی چلی [۲] و اراسی [۳] چلی و امیر مدحی چلی و ندیمی چلی و غیرلر ندیم حاصلری اولوب کندولرینک دخی جولان طبع نازکلری اولدوقده نازه زبان خوش آینده پنچ بیت غزللر و مسدس و مخمس و رباعیلر بیورلردیکم عزمی زاده حتی چلی بویله رباعیات دیمکه قادر دکالر ایدی بوفنونده دخی اول بر سلطانلردن و برادر اخترلردن ممتاز و مسل بر مسل سلیم کرایدرکم بین الاقران یکانه عرصدر و دخی درویشاندن و غیری اناسدن برعریب الدیار برکمه یا بر قصیده ویا برتحف شی یاخود جزئی وکللی علی طریق الهدایا کندویه برشی کترسه لر البته اول که مراد و مرانمه کوره برآت و برکوله یاخود برناشکفته دختر پاکیزه اختر و برقات لپاچه [۴] زیبا ایله برخیلی خرچراه وروب اول کسک تطیب خاطرله مقید اولوب وطن اصلینسه کوندهرر یاخود یاننده آلیقیوب اول کسدن بر معرفت تحصیل ایدر اما بین الناس صاحب غرور و صاحب وقار سرار [۵] کورینور اما محبت خاصنده مجلس امانتدر دیوب هم جلیس و هم انبسی و مونس غم کسارغم خوارلری برینجه پنجه آفتاب مه تاب محبوب و محبوبه چرکس و آبازه و کورجی جوانلردن استاد کل خواننده و سازنده لر دائره و طنبور و صنطور و چنک و ربابلرن اللریته آلوب علم موسیقاردن علم ادوار قوی اوزره قوللر اوقیوب ضرب فتح [۶] و نیم دور و نیم ثقیل اصوللرنده اصل و فرعی ایله اون ایکی مقامی و یکریمی دورت اصولی و قرق سکز ترکیبی اجرا ایدوب حسین بیقرا فصللری ایدکلرنده مجتمع [۷] اولان یارانلر [۸] انکشت بردهن ایدوب دم بسته و حیران قالرلر خاننده لری حسن آواز خوش الحان ایله کار و نقش و صوت و زجل و عمل و تصنیفاتلری [۹] قانون اوزره دائره دن چیقیمیوب ساز رکنواز [۱۰] سوزلرایله نواسازلق ایدوب رخاص [۱۱] مه تاب غلاملر میدان [۱] ک : عبدالمؤمن [۲] ۶۰۹ نجی صحیفه ده غازی محمد کرای خان حمامنه سویلشمش اولان تاریخک صاحبی بوذات اولسه کرکدر (م) [۳] س : ارانی . ط : اراشی [کسخه سنده بوکله یوقدر (م)] [۴] ک : لپاچه [۵] بلکه (سردار) اولمیدر (م) [۶] ک : ضرب و فتح [۷] س ، ک : مستمع [۸] ک : یاران باصفالر [۹] ک : و تصنیفاتلری [۱۰] ک : ساز و دلنواز [۱۱] دوغروسی (رقص) اولمیدر (م)

محمد کرای خانہ آقا چیم دیرلردی یعنی اولو اغام قرنداشم دیرلر (دروصف اخلاق حمیدہ شہزادہ سلیم کرای سلطان ابن بہادر کرای خان نوراللہ مضجعہما بانوار العفو والغفران) بو سلطان جم جناب اوچ عدد برادرلری بری (مبارک کرای سلطان) چرا کسہ ولایتندہ زابا قبیلہ سی ایچندہ اوشمشدر یعنی پرورش بولوب بیومشدر بری دہ دہ [۱] محمد کرای سلطان در اما بو سلیم کرای سلطان بو برادرلرندن اولوجہ اولوب ددہ کرای سلطان ایلہ شہر باغچہ سرایدہ نشوونما بولوب جمیع علوم غریبہ و عجیبہ مالک اولدوغندن غیری حافظ جملہ قرآن و فارسی و مثنوی خوان بر شوخ مشرب و کریم الطبع و ہزار فن پادشاہ ذکیر کم ہر نہ جانبہ توجہ اتسہ بامر اللہ تعالیٰ منصور و مظفر اولوب سالمین و غامین قریبہ داخل اولور اما قبضہ تصرفندہ اولان مال غنایمندن برشی قومیبوب جملہ سن توابعات ولواحقات و فقرا و مساکینلرہ بذل ایدر و ہر چند غزادن کاسہ محمد کرای خان حضرتلری افندیز بونلرہ غایت اعزاز و اکرام ایدوب زراندن زر خلعت فاخرہ لر و پوستین قابلی [۲] مور کورکلر و آلتونلی بر کلام عزت احسان ایدر زیرا علم تجویدہ ابن کثیر و سبغہ قرآتینر تکمیل مادہ اتمشدر کم علم مخارج حروفندہ لانظیر قبیلہ سندندر و دخی شب و روز خان افندیز حضرتلریلہ ہم انیس و ہم جلیس اولوب صحبت خاص ایدوب مباحثہ علوم شرعیہ و نیچہ کونہ علوم شریفہ مباحثہ سی کوررلر و ہر بار خان جم حشمت «سلیم حقا کہ سلیم اولوب اسمک مساکہ مطابق اولوب مجاہد فی سبیل اللہ سن» دیو سلیم کرایہ تعظیم و تکریم و محبت و مودت ایدوب کونا کون ذی قیمت و مجوہر اشیا لر و تحف اوانی کروکہ کوبہ لر یعنی زرہلر احسان ایدر حقا کہ بویلہ بر پادشاہ جم جنابک التفاتنہ مظهر اولہ جاق بر در یادل بر پادشاہ زادہ کریم الشاندیر کم کندویہ احسان اولنان شیلردن یاندہ برشی قومیبوب مستحق لرینہ بذل ایدر و کندولردن جمیع زماندہ بر فرد آفریدہ ذرہ مقدار کوچنمز و برپشہ و مور ضعیف انجنمز دائما ارباب معرفتہ و بوقفیر سیاح عالم اولیایہ مائل اولوب روز و شب ارباب دلان و عبدالانلر [۳] ایلہ انس والفتہ

[۱] ک : ددہ [۲] ک : و بر سبز قابلی . س : و پوستین قاتلی [۳] ک : ابدالان

حاصل اولدقلرندن برکونه لسان اصطلاحلری وار آنلرک کلاملرن طشره نوغای قومی اکلیمازلر زیرا لسان نوغای تاتاری آلتی کونه لساندر اما بو بادراق قومنک اصطلاحلرینک لغاتلری بونلردرکم بومحله تخریر اولندی ... [۴]

تکرمله لریدر وزن [۱] مستمفلان

آبابا بابا . صقالی قبا . اوینه وارایسه . ایتده [۲] قبا [۳] قزغنده [۴] بورك . قیناسه كرك . چارتاقده [۵] قزلر . اویناسه كرك (درستایش ولی النعم سلاطین امرای کبار اغوات) [۶] اولا خان عالیشان افندیزدنصکره قلغا ... کرای سلطان بر سر آمد سروقد شهباز و غازی دلاور سرور سلطاندرکم درویش دلریش مشرب هرکس ایله حسن الفت آتمکه مائل پادشاه عالی جای برجم جناب سلطان دلاوردر آندن نورالدین ... کرای سلطان میان قد حسندار و شجیع و خونی سفاک سلطان اوزبک [۷] ایدی اما مشایخ عظام ایله هم صحبت اولوب دایما تلاوت قرآن عظیمه مشغول بر غضوب جلال صفت غازی پادشاه زاده ایدی قلغا و نورالدین سلطانلر سلامت کرای اولادلرندن اولماق ایله

[۱] بر سطر آجیق وار [۱] دوغروسی یا (وزنی) اولمی یاخود فارسی اسلوبله (بروزن) اولمی (م) [۲] ك : ایتده [ممکن که فارسی اولان (آیتده) اولمیدر (م)] [۳] ممکن که قیامتی مصدرندن (قبا) اولوب برنجی الفک حذفله یازلمشدر مؤلفک استعمال ایتدیکی (وزن) کلهسنه باقیلیرسه بوراده کی پارچه بر نظم و تعبیر دیکرله بر قطعه اولبور دیمک که هرمصراعی مستمفلان وزنی اولتی اوزره دورت مصراعدن مرکبدر فقطظن ایدیورم که (اوینه) یا کلیدر دوغروسی (اویکه) اولمیدر برده (ایتده) (ایتده) اولوب مد ایله (آیتده) اوقونمیدر معنایی ایسه شویله اولتی ممکندر : بابا بابا : اگر سنک خانکه برصقالی قبا کیمسه کلیرسه آنی ده قبا یعنی اوصقالی قبابی خانه ده حبس ایله . شوقطعه نك لفظلرینه باقیلیرسه کور و لورکه هرکله می توریکه در تانارجه دکلدر شوخالده اگر شوتکرمله بادراقلرک کندی سوزی ایسه بادراقلر بزم جنسمزدن اولمش اولورلر یوق بوتکرمله اولنره بزدن یکمش ایسه اوکا دیه جتم یوق . بوقطعه نسخه لده بوراده اولدیقی کی یازلمشدر یعنی هرمصراعنک اره سنه فصل اشارتی اولتی اوزره برقطعه قونولمشدر مؤلف بونک وزنه (مستمفلان) دیمش ایسه ده بونی یارمق حسابله بتس مجالی سایه بیله ز . شو قطعه حقنده کی مطالعه ایکنجی قطعه حقنده ده وارددر (م) [۴] ك : قازغنده [بزم املانر ایله (قازغانده) اولور (م)] [۵] ك : چارتاقده [۶] ك : واغوات [۷] س ، ك ، ط : اوربک [راه مهمله ایله]

و دود اغاجلری یوقدر اما سکود اغاجلری چوقدر (در وصف ناحیہ طاط الی)
 لکن قریمک قبلہسی طرفندہ چادر داغنک آردندہ قبلہ طرفی کہ قرہ دکز
 ساحلریدرکم کفہ ایالتندہ اول محلہ طاط الہری دیرلر شدت شتاسی یوق سواہل
 وآب وهواسی لطیف برناحیہ عظیمدر اکثریا قومی روم کفرہسی ولاز
 آخریانلر ساکن اولورلر زیرا بواولکہنک قرشو طرفی قرہ دکیز آشری اوچیوز
 میل طربزان ولایتی اولماغیلہ آنک خلقی بو طاط ایلنہ کیلہ کچوب بوندہ ساکن
 اولورلر آب وهواسی خوب وروم غلاملری ومحبوبہ قزلری مرغوب ومحبوب
 اولوب برذوق وصفایرلیدرکم قرم جزیرہ سنک نصفی بو طرفدرکم بامرحی قدیر
 سواہلدر حتی کوهلرندہ وقرالزندہ انجیر ولیمون وتورنج وزیتون ونار وشفقالی
 وکراز ووشنہ وتوت وسروی وقواق ویدسرنکون وچمشرواوز ومشمولہ ولطیف
 ایوا وکستانہ وکونا کون آلورلی یعنی ارکلری وقیسی وزردالورلی اولورکم لانظیر
 قبیلہ سننددر [۱] حتی طرب افزوندہ یعنی طربازان شہرندہ اولان کبی قرفیللری
 اولورکم رایجہ سنندن آدملرک دماغلری معطر اولور حتی بو طاط الینہ خان طرفندن
 طاط اغاسی نامندہ براغا حاکمدر اول اغا ہربار خانلرہ وقلغا ونورالدین وزرا [۲]
 وغیری سلطانلرہ میوہنک زماندہ ہر انواعندن میوہ آبدارلر کتررکم آدم یمہ سنندن
 دویمیوب انسانہ غنا کلز تابومرتبہ چاشنیلی ولذیذ آبدار واعتبار ومدح ووصفہ
 سزاوار میوہ بی نظیرلری اولور اما خصوصاً انجیری وایواسی واوزومی ونارینہ عشق
 اولسون حتی شلہ [۳] سپتلی ایلہ ایکی مرحلہ یردن آتلر ایلہ انکوری وانجیری
 وغیری مشراتلری کلوب بو قدر مسافہ بے میدہ دن کلورکن بریسنہ اصلا تغیر کلیوب
 ہنوز لطافت وحلاوتی باقی ایکن وھنوز اغاجندن قوپارلش کی تروتازہ کلور
 وطول زماندہ میوہ آبدارلرینک رنگ رویلرینہ اصلا وقطعا تغیر کلز بویلہ برھواسی
 لطیف ومعتدل یردہ حاصل اولوب پرورش بولش میوہ کونا کونددر (درکلام
 قوم بادراق لہجہ مخصوص اصطلاحات) نفس قرم جزیرہسی ایچندہ حاصل
 اولش قوم بادراق دیرلر بر طرفہ قبیلہدر کرچہ بونلر تاتارددر [۴] اما شہرلردہ
 [۱] ک: قبیلنددر [۲] ک: قلغا ونورالدین سلطانہ وزیر [۳] ک: سلہ [۴] ک: تاتارددر

صاحب‌نویس یکی باشلری ایجه اورتاسی قالن برکونه همواره اتی دزرلرکم برذره بری
 برندن طشره دزمزلر اندن بر عربیه تکرلکن قروب کباب آلتنه تائی ایله کرما
 کرم آتش ایدوب برکونه کباب بشرلرکم کویا ایلیک اولور تاتار مایننده بویله
 پشمش اللی وقیه کلر بر قیون کبابی یمش ویوز قیه بوزه ایچمش تاتار چوقدر یعنی
 بونلری بر اوطوروشده بر تاتار یمشدر تا بو مرتبه لطیف و تروتازه و نرم کباب
 بشرلرکم ربع مسکونده اویله کباب بشمک احتمالی یوقدر اما عربیه تکرلکیله
 بشرمک تاتار ماینلرنده شرطدر (حکایه) زیرا بر کره هیهات سحراننده قونار
 کوچر تاتارک برینه بر نوغای تاتاری قناق اولوب اوبه صاحبی بو مسافر نوغایی
 صیلمق لازم یعنی رعایت ایتمک لازم مکر اوبا صاحبک عربیه سی اوزره بر محبوبه
 کلینی وار ایتمک جانندن عزیز ایتمش همان قیونلرندن بر سمیز قیونی بصوب
 بوغالیوب محبوبه سی عربیه سی تکرلکنک برینی قروب کباب بشرر نه چاره دشت
 قیچاقده اودون یوق معشوقه سی هیهاتده برامغی ارتکاب ایدوب قیون کبابن
 بشروب مسافر نوغایی صیلر بعده اول نوغای ایلندن علی الفور یدی عربیه مال
 کتیروب قناق باینه ورر اول زماندن برو تاتار مایننده بربرلینه تعظیماً عربیه
 تکرلکیله بشمش قیون کبابی یدیروب بر قاچ طوشطغان [۱] بوزه یعنی قوللی
 قدح بوزایی ایچرلر حتی تاتار بر کیشیله چکش سه «نکی کورکنمن بکا نه منت
 قصطارسن یوخسه عربیه تکرلکیله بشمش کبابکمی آشادم» یعنی یدم دیو تاتار
 ماینلرنده ضرب مثل اولمشدر . . . (دیار قرمده حاصل اولان و اولین
 فاکهات) امرودی و اریکی و الماسی و اوزومی و وشنه سی و کرازی، اولور اما
 ایوا و اینجیر و زیتون و نار و اوز و موشموله و بادم و فندق و فصدق . . . [۲]
 (ممالک صلعاتده منبوت [۳] اولان و حاصل اولین اشجارات) اولا شهر سرایده
 قواق اغاجندن زیاده درخت منتها یوقدر لکن کوه بلنلدرنده آردج
 اغاجی غایت چوقدر سروی و چام و صنوبر و چمشیر و چنار و اینجیر و نار

[۱] س ، ک : طوشطغان . ط : طوشطغان [۲] ک : و فصدق حاصل اولماز

[بو نسخهده آجیق یوقدر (م)] [۳] ک : نابت

یوز آب حیات صولرتدن ماعدا ایلیک کبی انجه الکن کچمش تاتار بوزه سی و دورت بش کونک آت سودی قیزی و یاغی آلمانش یوغورد پارماسی [۱] و طالقانی و مشایختر نوش ایده چکی مقسما بوزه سی ممدوحدر (در نظر گاه باغ حدیقہ ارم ذات) محتسب اغاسی تارقانی دفتری موجنبجه شهر بانچه سرای اطرافنده جمله طقوز بیک عدد باغ ارم ذات جناندر لکن باجی [۲] باغلی و سورن باغلی و قازقلی اوزک [۳] باغلی و بانک باغلی سمتلری سهیل اولدوغندن اوزوملری لنید اولور (در زمین محصولدار مزارعات) بو شهر صلغات و قریمک [۴] هر طرفنده کل کستان و سنبل و ریخانستان و روضه رضوان مثل باغ جنان حسینر و مشبک بوستانر وارکم حسابن باغ بان رب العزه بلور زیرا بو شهرک زمینی بر واسعة الاقطار و دخی برر خیصه الاسعار بر دار دیاردرکم دیار ادیم ارضده نظیری و مانندی یوقدر مکر دیار شامده خوران [۵] اووالری اوله زیرا ولایت و اشغی [۶] معمور و دائماً خلق دشمندن انتقام المق ایله مسرور آدملردر و دخی نفقه لری خوب و خاک عمر پاکی بین الاناس مرغوب و مزارعاتلری و امر خیرات و برکاتلری متکثر نیجه دشت قبجاغ و سحرای هیهاتلری نباتات و کیهات ایله محصولدار هامونلر اولوب هر طرفنده صید و شکارلری ییجد و بی پایان ولایتدر کرچه فقرالری و غازی بطریکتلری بوزه و طالقان و قورت و یازما [۷] و لخشه چورباسیله کچنرلر اما اعیان کبار کبارلرینک [۸] نعمتلری فراوان و بانچه سرایدن غیری داغ اتکلرنده اولان شهرلرندن عیون جاریلری جاری و روان بر شهر . . . بانچه سرای آباداندر حتی قیش کیجه لری جمله ولایت قرمده اوده صحبتلری ایدوب نیجه کونلر حلوالر و طعاملر و کونا کون شرابلر ینلوب ایچیلوب ایام شتایی صحبت حاصلر ایله کچیرلر حتی اول صحبت خاص کیجه لری اللی و قیه کلیر بر سمیز قیونی قربان ایدوب و شقه شقه ایدوب بر دمر کباب شیشنه اول قیونک لختی شیشه

[۱] ط : یارماسی [۲] ک : قاچی [۳] ک : اوزوک [۴] س ، ک : صلغات قریمک [۵] س ، ک : حوزان [ظنجه حاه مهمله وراه مهمله ایله (خوران) اولمیدر (م) [۶] ک : ولایت واسی [۷] ک : یارما [۸] ایکنجی کبارکله سنده بانک اوزرنده شده وار (م)

قتال و بیرحم و خونی غازیلردر (در مقام دارالشفای بیمارستان) کرچه هر خانه ده خسته و صاحب فراش اولنلری خاندان صاحببری کوزه درلر اما بوقوم تاتار طاعوندن خوف ایدوب فرار ایدرلر اول اجلدن صاحب کرای خان جامی قربنده بر ایکی حجره بیمارخانه واردر خسته کوزه درلر [۱] (بی مدح کنیسه راهبان بطریقان) ... سمتمده اوروم وارمنی کنیسه لری واردر اما یهودی صناعولری یوقدر جمله یهودیلر یوقارو جفود قله سنده ساکن اولماغیله صناعو نام دیرلری دخی آنده در اما شهر سرایده مجار و له کنیسه لری دخی یوقدر (درکار و کسب ممدوحات صنایعات) بوشهر خلقنک اکثریا ممدوح کارو کسبلری کونا کون آت اکرلری و تاتار شیداقلری یعنی قامچیلری و کوچوکن [۲] یلکلکی اوقلری و سرایک آق کنارلی بزلی و منقش کوملکلر بر دیارده اولمازدر ... (در نشانه حبوبات و محصولات) اولا الی کونه دانه دار دوه دیشی بوغدای اولور و برکونه سیاه آریسی اولور دورت و قیه سن بر آت بیه من برکیله کندمی اللی کیله ورر اما بوزه داریسن رعایلری چوق اکوب یرلر و آندن بوزه ایدرلر بر کیله سی یوز کیله داری ورر (باب فصل نباتات گیاهات) اولا وادیلرنده کونا کون ترفل و یونجه و آیرق و اکیر مثلی نباتاتلری چوق اولوب و قره لی اوت نامنده دلبر پرچی کبی بر اوتلوغی اولور اول اوتدن بر آت بر هفته یسه لحم و شحمندن یورویه من اولور و صوغانی و تره سی و نعناسی مشهوردر (در نعمت عظمای ما کولات) هر نعمتلی ممدوحدر اما له طاووغی نامیله مشهور فیل خورطومی کبی صارقش قرمزی ات باره سی بورنی اوزره دورر آنک کبابی و بر عربه تکرلکی آتشنده پشمش پاره پاره قیون کبابی ممدوحدر (در فصل انواع منمرات) هر میوه سی آبداردر اما امرودی و وشنه و کرازی و اریکی و الماسی غایت چوق اولور اما شدت شتاسی شدید اولدوغندن اوزومی آبداردر اما ترش خورددر زیتونی و انجیری و رمانی دخی اولیوب طاط الندن کلیر [۳] (در حیات جان پرور کونا کون مشروبات) اولا نیجه

[۱] ک : آنلرده خسته لری کوزه درلر [۲] س ، ک ، ط : کوچوکن [۳] ک :

وسلطانلر جمله سمورطون وسموز قلیاق کیرلر نادر کمسنلر واردرکم بیاض صارق صاره ووجه قبادی پابوج وجزمه کیوب آت ایله کززلر (درجامه اشکال نسوان) جمیع خواتینلری دخی چوقه فراجه کیوب یصی باشلی اولوب ایاقلرینه ایچ ادک وجزمه کیرلر مکر حمامه چیقوب کزه لر اما رابعه عدویه مرتبه سنده اهل پرده زاهده وصالحه صاحب جمال خواتینلری و دختر پا کیزه اخترلری غایت پرهیز کارلر در (در تعریف هوای خوب لطیف جاودان) آب وهواسی غایه الغایه لطیف و کمال مرتبه ده معتدل اولدوغندن محبوب و محبوبه لری تن درست اولوب تناسب اعضا لری قولاق شاهمه سی [۱] کبی یومشاقدر اکثریا زنانه لری و غلام مه باره لری چرکس و آبازه در له وروس و ماصقو کوزلری وار اما کورجی آزر در (درداستان اسماء مرد میدان) قوم باغچه سرایک اکثریا اسملری آتش اقا ودهش [۲] اقا و سبجان [۳] غازی اقا واولان محمد اقا و جان مرزا و جاناتای والی جان وچاکر اقا و قیطاس اقا و آربدان اقا و قوتلوی و عمای و جان [۴] قوی و کرم بای و سیونج بای و برغا [۵] آلس بنوک کبی اسملری وار (در آغازه نامهای زنانه اهل عصیان) کل افزون و سباجان و بیکه [۶] جان ... (در مشعر بنام چاکران حلقه بکوشان) کوله لرینک نیجه بیک کونه اسملری وار اما مشهور اولان قراواش اسملری بونلر در اولا تیمورشا یشارشا بایزبای کوچ بای لاجین ... (درالقاب جواری غریبان بنتان) ... [۷] (درقول حکیم بطلمیوس اقلیم بلدان) علم اسطرلاب و ربع دائرة حکمنجه بو دیار قریم صلوات یکریمی سکزنجی اقلیم عرفیده و بشنجی اقلیم حقیقیده بولمشدر ... (در حکم منجمان طالع عمارستان) علم نجومده کامیاب و داننده رموز اسطرلاب اولان علی قوشنجی و منکلی کرای خان قولاری اوزره بو شهر باغچه سرایک طالع عماری [۷] برج عقرب بیت مرغیمائی اولدوغندن عسکری طائفه لری

[۱] ک : شحمه سی [۲] ک : ددش [۳] س ، ک : سجان [۴] س نسخه سنده کی کله هم (جان) ، همده (خان) اوقونه بیلیر چیفته نقطه لیدر (م) [۵] س ، ک : بوغا [۶] س ، ک : بیکد (*) اوج سطر آجیق وار (*) ایکی سطر آجیق وار [۷] س ، ک ، ط : بنای طالع عماری

برده خواتینلری واردر (دراساء شرف یانی اخوان یاران ظریفان) آلفته آشفته کاندن حسن الفت اندیکمز احباب و دوستانلریمزدن برادر جان برابریمز طاط الی اغاسی طنبورلی رمضان اغا و کاتب حسن افندی و عمی خان و محسن خان و حولاق ددس اغا و جورغنهلی مصطفی اغا و ابو احمد اغا زاده چلبی و نیجه یوز یارانلر واردر (درشناخی علمای طیبیان حافظان) بوشهر قدیم منبع علما و مجمع فضلا و مسکن شعرا اولدوغندن علما و اطبایی چوقدر لکن حکمای حاذقی و جراحان فاصدی غایت استادلردر اما آتش اتا و ابو احمد اغا کولهسی کویا که علم نبضده جالینوس مرتبه سنده استادلردر (درآموختی استاد کامل جراحان) بودیار خلقنک مدت عمرلری داتما جنک و جدال و حرب و قتال ایله کئذران ایدوب البته هر چاپولدن برقاچیوز آدم مجروح کلدکده خان جراحی دده معصوم و طارقن کوله والپ اقای یونلر جلاد مثال جراح کاملدرکم بردیارده نظیرلری یوقدر (درمناقب صلحای اعزّه کرام مشایخان) اولا صاحب کرای خان جامعی امامی و مکتب خواجهسی طوپال خواجه وزاری افندی و قبا [۱] امامی و صاری آتا ... [۰۰] [درنعت مصنفین کزیده شاعران] اولا جملدا با کیزه کفتار خان حضرت تلیزینک دیوان افندیسی قسطنونلی عبدالؤمن افندی ... تخلص ایدر قصیده پرداز و خطاط و رسام کسنه در اندن فضللی چلبی علم تاریخ سه سنده [۲] لانظیردر و سلیم کرای سلطان افندی مزک قبطی [۳] چلبیسی [۴] جمله قرائت عشره و تقریری تکمیل و علم نجومده تکمیل ایتمش بر خراباتی جاندر اما نیجه بنیچ سکرنده حقا خیال سید [۵] فکرلر ایله مضمونلری وارکم سحر حلالدر و خان کاتبی نجاتی چلبی و کاتبی تخلص ایدر حسن اقای افندی و نیجه شاعرلر دخی وار (درحسب حال مظنه کرامه اهل حال مجاذبان) ... (درقیافت نامه قبیای مردانسان) [***] جمله خلعتی چوقه قونطوش و چوقه چاقشر کیرلر اما قیو قوللری و اوت اغالری و آتالقلر و امیرزا [۶]

[۱] ب ، ک : قبا [۰۰] ایکی سطر آجیق وار [۲] ک : یسه سنده [ظن ایدرم که (تمیه سنده) اولمیدر (م)] [۳] ک : قیطی (فیضی) اولوق ممکندر (م)] [۴] ک : جایسی [۵] دوغروسی (خیال بسند) اولمیدر (م) [***] ایکی سطر آجیق وار [۶] ک : و میرزالر

تفرجگاہ باغ ارملر واردر اولاً جملداً نظرگاہ قدیم ذکرى سبقت ایدن پادشاہلرہ مخصوص آشلمہ باغی درکم اهل غز [۱] اولنلرہ باغبانلر مانع اولیوب یاران عاشقان معشوقان ارباب معارفان و سیاحان بروبحارانلر واروب امعان نظر ایله نظر ایدرک تفرج ایدرلر اندن (تفرج گاہ قاجی باغلی) اندن (سورن باغلی) اندن سفرغازی اغاسرای حویلیسی چیزار و مسیره گاہ امرود اجاجلی بر شکوفه زار زمین لاله عذاردر اندن ... اندن قوبا باغلی اندن اسکی یورد باغلی اندن باغچه سرایک قبله سی طرفندہ برابیر اوزره تفرج گاہ مصلاى محمد کرای خان یتیم سکسن بیک آدم آلور برواسع چیزار هاموندرکم بوندہ بر کرہ سر بر زمین ایدوب سجده ایدن البتہ سعادت دارینہ نائل اولوب تقرب بولور بونماز کاهک قبلہ قپوسی اوزره تاریخی بودر

... نماز گاہ حیات خان محمد بی بدل بودہ سنہ ۱۰۷۱ بومعبداک صحرادن یوقاریہ جانب قبلہ یہ کیدوب (تفرجگاہ قصر یوسف بناہ محمد کرای خان) حقا بوقصر خورنق جهان نما بر کاخ بالادرکم جملہ باغچه سراى شهری نک دام وباملری باغچه وباغلی وهر خاندانک دودکش بخیری باجہلری برر برر نمایاندر تابومرتبہ افلاکہ قدکشان اولمش بر زمین عالیده تماشاگاہ یردر کونا کون مقصورہلر وصفہلر و مطبخ و متعدد حجرہلر ایله معمور و آراستہ و هنوز نونہال اشجارلر ایله پیراستہ اولمش آب حیاتلری جریان ایدر باغلی و باغچہلی جهان نما سیرانگاہ یردر اندن مسیره گاہ ... [*] (دروصفرنک روی پیر وجوان) جملہ رجال مقولہ سی کمال مرتبہ مسن و معمر اولوب قوتی کتمش و هیئتی یتیم و عمر عزیز کران مایہ سی یوز یتیمہ یتیم و مصاحبیدن بالکلیہ قالمش زال پیر ناتوان اولمشکن ینہ رنگ رویلری حرمت اوزره درلر تازه یکتیلری اولی بالطریق زندہ یکتیلدر (در صورت چین مہجین محبوبہ محبوبان) حسن و جمالری بر مرتبہ دہ درلرکم کیسولرینک ہر تارلری شب تاردر وخاللرینک ہر دانہ سی خال ہاشمی وار بیک کزرشک مشک تاتار دکر حکاک [۲] دستلری دکمہ مش زاہدہ صاحب جمال اهل

[۱] ک ، ط : غزا [۵] برسطر آجیق وار [۲] ک : رجال

ایده رک کلوب آدمه پایشوب کونا کون مصنع شیوه کارلق ایله هرکسک مراد و مراملری اوزره خدمت ایندکرنده آدک سخاطرلری دپره شوب جانندن عزیز سینلرن اول عربان حالده ایکن جان ویرمک مقررده تابومرتبه معلم ومؤدب دلاک باکری وار وهربر غلام آفتلر اللرنده بمجره لرله عود ملسر [۱] وغیری بهور [۲] خاوریلر احراق ایدوب رایحه طیه دن مغاسوللرک [۳] دماغلری معطر اولور خلاصه کلام برحام روشنادرکم هرکون آدم کرسه نیجه احباب دلبر اندر ایله آشنالق کسب طراوتجک ایدر بر آب وهواسی وبناسی لطیف مدحدن عاری برحام محمد خان غازیدر عمره الله آندن (حمام صاحب کرای خان) برحام جانستان خان سراینه یقیندر حتی قپوسنک عتبه علیاسی اوزره تاریخی بودر (بو مقام اعلاهی یصدقن [۴] سلطان عادل صاحب کرای خان ابن منکلی کرای خان ابن حاجی کرای خان سنه ۹۳۹ آندن (کوچک حمام) بانسی معلوم دکل برحام قدیمدر آندن (طبه خانه حمای) آچاق قبالیجه برمظم حمام عتیقدر (اما درعیان حمامات مخصوص کبار اعیان) جمله شهر ظرفالرینک قول صحیحلری اوزره التیوز عدد خاندان سرای عظیملرک حماملری واردردبو آفته کان قرم تقاخر کسب ایدرلر وقولرلرنده صادقلردر (در بیان عبرت نمای بنای آبادان) وشهر ایجره جمله قرق اوچ یرده چوروک صو اوزره طاش و آغاچ بنا جمر مصنعلر وار اما اشفی قیطاس اغاسرای یولنده حاجی عثمان اقلک برکوز کارکیر بنا جسرینه بو حقیقک تاریخیدر

مبارک ایلوب دائم بوجسری حق تعالی الله دیودر اولیا تاریخ بوخیر فی سبیل الله [ه] سنه ... [۵] (در عمارت دارالضیافه فقیران غریبان) جمله اوچ یرده دارالاطعام مساکینلر واردردکم ماه وسال بالغدو و الاصل بای وکدایه وپیروجوانه خوان نعمتلری مبدولدر اولاخان سرایی عمارینه [۶] واران البته دفع جوع ایدوب سلف پادشاهلرینه خیر دعالت ایدرلر (در مسیره کاه ارباب مراد یاران عاشقان) جمله یکریمی آلتی یرده

[۱] ک: ملسیر.س: ملسر [نقطه سز] [۲] ک: بخور [۳] ک: مغسوللرک [۴] ک: یصعدن [۵] بو مصراعده کی تاریخ (بوخیر فی سبیل الله) عبارده سیدرکه [۱۰۷۶] ایدیور [م] [°] ییتدن صکره بر سطر آجیق وار [۶] (عمارته) اولسی مناسبدر [م]

ابن دولت کرای خان دام عمره و دولته الی نهایت الزمان و نهایت الدوران آمین یامعین
و یا مستعان فی سنه ۱۰۷۱ هـ (دیگر تاریخ زیبا) بودخی حمامک جامگاننده برتختهلی
کاغذ اوزره تحریر اولمش تاریخدر

خان ابن خان ابن سلامت کرای خان یعنی که خان محمد اوسلطان باصفا
اذعان پا کینه تحسین صد هزار [۱] کم بواراده ایتدی بوکر مابۀ بنا
کورددکه رسم طرحنی دیراهل صنع [۲] اولان په باریک اوزکه مقام فرح فزا [۳]
فضلی [۴] کتر ایلدی تاریخنی بیان جای سرور ذات مصفا دلکشا [۵] سنه ۱۰۷۰
یتمش قدر بویله تاریخ دکر برکونه روشن بنا حمام خوش هوادر کم کویا کرمای
ابوعلی سینادر جمله فرشی کونا کون ذی قیمت رخام خام بیاض مرمر لره مفروش
حمام خوشدر و آلتی عدد خلوتلرتده کی قورنالرینک قدحلری بلغمی ویرقانی مجلا
ومصیقل ومصنع قورنالر اوزره لولهلری آلتون ایله مطلا اولوب طاسلری دخی
همچنان ذهب خالص ایله مطلادر واورته صغه سی بر واسع شکل مشن صغه در کم
اورتاسنده کی فواره لری ناقبه نك ذروه علیاسنده اولان بلورونجف وموران جاملره
شادروانلر پرتاب ایدر بر نقش بو قلمون صغه وبرعبرت نمون شادروان قدحی واردر
وجمله دلاکلری ابریشم فوطه لر ایله سیم کون بدنلرن دراغوش ایتدیروب بلارنده
فنونی [۶] کیسه لر والدرنده سسی رندی حیارل [۷] اورنمش اونار اون بشر یاشنده
استاد چرکس و ابازه و کورجی و روس وله و ماصقو دلبرلری طاووسی رفتار ایله خرام

[۱] وزنی دوزولتمک ایچون (اذعان و عقل پا کینه تحسین صد هزار) طرزنده اولمیدر
[م] [۲] صنع برنده (طبع) کله سی دها مناسبدر [م] [۳] وزنی ومعنایی اکل ایچون
(په باریک الله اوزکه مقام فرح فزا) اولمیدر [م] [۴] شاعرک اسمی نقطه سز صاد ایله اولدن
زیاده نقطه لی ضد ایله اولمسی دها مناسبدر چونکه مخلصلرده برنجیسی مشهور دکلددر ممکن که
ص ۶۱۲ ده اسمی کلن شاعر بودر [م] [۵] شو تاریخ مصراعی پاکلیشدر چونکه ایچنده کی
(ذات) کله سی یالکز باشنه [۱۱۰۱] ایدر شو حالده بومصراعک دوغروسی بلکه (جای سرور
و آبی مصفا و دلکشا) اولمیدر فقط بوده بالحساب [۱۰۷۱] ایدر اونک ایچون (فضلی کتر)
تحلیل ایدیلرک (فضلی + s + کم) یعنی ای فضلی بررقم اکسیک اوله جق دیمک اولمله براسقاط
ایدیلنجه ۱۰۷۰ قالیر [م] [۶] ک : طوسی . ط : فتونی [۷] ک : قیرمزی وزنی حنالر
[شکل املا به کوره (سنی زینتی حنالر) یا خود (شیئی زینتی حنالر) اولسی ممکندر [م]

مهمان سرای کاربان روان) بنای عظیمه ایله مبنی سرای کاربان حسیلدر یوقدر
 اما بوشهر سرایک ایکی یاننده کی قیالرده نیجه یوزغار بیتانلر واردرکم ایچنه نیجه یوز
 آدملر کروب قنوب کوچرلر عجایب وغرایب کاربان سرای مهمان خانه حسیلدر
 (درمنظره خان خواجه کان سودا کران) جمله یدی عدد خاندنر اما جمله آ چارشو
 ایچره قلعه مثال سفر غازی اغا خانی یوز التمش یدی عدد تحتانی وفوقانی کارکیر بنا
 برخان زیبادرکم دیار قرمده نظیری یوقدر کویا شهرک بزازستانیدر روم وعرب
 وعجمک سودا کرلری بونده ساکن اولورلر دمر قپوسنک عتبه سی اوزره
 تاریخی بودر

یاره شور هرکورن دیسه تاریخ خان معموره جای زیبا [۱] سنه ۱۰۷۱
 (درعلامت وکاله مجردان غریبان) جمله یدی عدد بکار اودالریدرکم هر برنده
 کونا کون ارباب معارف غریب الدیار بکار آدملر ساکن اولوب کار ایدرلر اکثریا
 پانبوشجی [۲] یعنی پاپوججی بکارلری وطایه جی و درزی بکارلری ساکن اولور
 بونلرکه خانجیلری ووقف جایلی و واردر (درقید چارسوی بازار بزازستان)
 جمله شهریدر [۳] حسابجه بیک یوز عدد دکانلدر اما قبایلی کارکیر بنا بزازستانی
 خانلدرکم هرمتاع کونا کون بی نهاییه بولنور درزیلری وخفافلری وعطارلری وقهوه
 خانه وقیوجیلری وبوزه خانه لری غایت چوقدر اما زرخیجیلری یوقدر (درمدح
 حمامات روشنای راحت جان) جمله دورت عدد حمام خوش هوالدر اما جمله آ مکلف
 ومکمل کرمای عظیم محمد کرای خان حمامیدر سراپا جمله قبایلی برکونه مصنع
 قرمزی لعل کون کره متلر ایله مستور حمام لطیف پرنوردر اما اوله برقطعه زیبا
 بربنای رعنا حمام دلکشا دیار قرمده یوقدرکم آب وهواسی وبناسی وطرح وطرزی
 لانظیردر بوحممه مشابه مکر اسلامبولده حیدر پاشا حامی اوله وبو حمام بی بدلك
 قپوسی اوزره التونلی ولاجوردلی جلی خط ایله تاریخی بویله تحریر اولمشدر
 صاحب الحیرات والحینات السلطان غازی محمد کرای خان ابن سلامت کرای خان

[۱] رنجی مصرعی بحر خیفندن اولوب موزوندر قطع ایکنجی مصراعدن برکله دوشمش
 اولغله ناموزون اولمش (م) [۲] ک : پانبوشجی [۳] : شهر بندر

(در ذکر تکیہ کاه ارباب طریق درویشان) جملہ طقوز عدد زاویہ کان آل عبادر
 اولاً [۲] (در وصف چشمہ سار آب روان) جملہ یتش عدد عیون جاریہ لر
 وارکم ہر بری بر کونہ آب ناب آب حیات ماء زلالدن نشان جوی بر اقلدر
 جملہ آ سفر غازی اغا سرایی قریندہ خان جنساب عینیدرمک ماہ تموزدہ بر آدم اوچ
 بودوم صوبی صفای خاطرلہ نوش ایدہ من تا بومرتبہ صوق طورنہ کوزی مثال
 براق وزریق ماء طاہردر و بسوک امثالی نیجہ چشمہ سار لر قیالردن طلوع آندوکی
 باہردر اما شہر ایجرہ احمد اغا چشمہ سنک تاریخیدر

منبع لطف و کرم عین عدالت یعنی صدر سلطان قریم حضرت احمد اغا
 قلدی بر چشمہ بناکم آنی کورسہ خضری رشک ایدوب اکمز ایدی آب زلالی اصل [۱]
 اولدی تاریخنہ ذہنی قلمندن جاری ایلدک قاعدہ عین حیاتی اجرا [۲] سنہ ...
 اندن ابو احمد اغا چشمہ سی و سفر غازی اغا چشمہ سی و محمد کرای خان عینی
 ونیجہ عیونلر دخی واردر (در عدد سییل خانہ جان ستان) جملہ قرق یدی یردہ
 شہیدان دشت کربلا روحیچون نیجہ گوشہ لردہ سییل خانلر واردر اولو اسلام
 کرای خان سییلی و سفر غازی اغا سییلی و طاط اغاسی طنبوری [۳] رمضان اغا
 سییلی و علمشاه سییلی ونیجہ سییل خانلر وار (در دفتر اسماء عدد محلات بلدان)
 جملہ ... عدد محلاتلردر اولو خان محلہ سی و سفر غازی محلہ سی وقیا [۴]
 محلہ سی و اسلام اغانک محلہ سی ... [۵] مشہور محلات بونلردر (در حق عدد
 سرایی خاندان کبار اعیان) اولو خان عالیشاننر سرایی اندن وزیر سفر غازی
 سرایی و صلاحقدہ منکلی کرای خان سرایی و قیطاس اغا سرایی و دفتر دار اسلام
 اغا سرایی و بابی اغاسی احمد اغا سرایی و شاہ بولاط اغا سرایی و ابو احمد اغا
 سرایی و امکدش [۵] احمد اغا سرایی ونیجہ سرایی عظیملر واردر (در فصل

[۶] ابکی سطر آچیق وار [۱] بویت شویلہ اولمایدی :

قلدی بر چشمہ بناکم آنی کورسیدی خضر رشک ایدوب آکاز ایدی آب حیاتی اصل

[۲] بومصر اعدہ کی (قاعدہ) کلہ سی یا کلشہ بکزمہ بور (م) [۳] س ، ک : طنبوری

[۴] ک : قوبا محلہ سی . س : قبا محلہ سی [۵] ابکی سطر آچیق وار [۵] ظن ایدرمک

دوغروسی (امدش) اولمیدر بریلر دہ چوق کچبور (م)

کار کبر بنادر اما اوستی چطمه خشب خارپوشته کیره مت ایله مستور قبه طرز قدیم بیت‌الله معموردر اما غزا مالیه بنا اولدوغندن بوجامعه غایت روحانیت واردر وایچنده حال صاحبی مظنه کرامه صلحای امت کسنلر چوقدر خصوصاً امامی عرب ... افندی وطوبال ومفلوج مکتب خواجهمی ونجه صلحای امتدن آدملر بوجامعه بولنورلر اما بوجامع قدیم قبله قپوسندن تا حرابه وارنجه طولاً یوز اون ایقدر وعرضاً یتمش ایقدر وایچنده یتمش عدد خداملری موجوددر ودرون جامع ایچره یکریمی عدد میشه درختلرندن عمود منهارلر اوزره کرسیلر [۱] ودخی اوستنده مصنع طرز قدیم ساده طواندر بوجامعک صاغ طرفنده خان عالیشانلرک عبادت خانلری محملی وار کومش قنادیلرر وکونا کون آوزره مصلوبات مصنعلر ایله مزین اولمش بر محفل منیفدر اما بوجامعک حریمی یوقدر زیرا چوروک صو درهسی قبله قپوسی اوکنیدن جریان ایدر قبله قپوسی وخان قپوسی وبر آچاق طرز قدیم منارهسی ویمین وپسارنده وقبله طرفنده کی تره باغچه سنه ناظر جامعک پنجره لری وار اندن (قوجه بابا جامی) [۲] چارشو ایچنده واقع اولماق ایله جماعت کثیره به مالکدر بودخی کرده متلی وطاش مناره لی برجامع قدیمدر آندن ... ماعدا محله مساجدلریدر (در بیان عدد مساجد موحدان) جمله ... عدد محلات نققه لری [۳] ومزکت وزاویه لردر جمله [۴] فویا [۵] مسجدی وسفر غازی اغا سرایی اوکننده سفر غازی مسجدی ...

بوشهر ایچره بش عدد طاش مناره لردر (در باب علوم مدرسه علمان مفسران) جمله ... عدد دارالتدریس مفسران ومحدثان وحفاظاندر اولاً صلاحقده منکلی کرای خانئ سرایی قربنده صاحب کرای خان مدرسه سی ... اما دارالحدیث ودارالقرای مخصوصی یوقدر (در بیان مکتب طفلان جکرکوشه پسران) جمله اون یدی عدد مکتب ابجد خواندر جمله آ بهادر کرای خان واسلام کرای خان ومحمد کرای خان مکتبلری معموردر ...

[۱] دوغروسی (کیریشلر) اولمیدر (م) [۲] س ، ک ، ط : فویا جامی [۳] س ، ک : نققه لری یا کلیشه بکزه بور دوغروسی (بقه لری) اولق محتملدر (:) [۴] دوغروسی (جمله آ) اولمیدر (م) [۵] ط : فویا

وطمع خامدن بری برپیر نورانی اهل وقوف صاحب کرم وصاحب هم خیرات
وحسناته مائل جمیع ککشلرده یعنی مشاوره لرده حق سوزه قائل و ارباب
معارف واصحاب کماله مائل نیجه کبیار اولیاء اللہ لک شرف صحبتترینه نائل اولمش [۱]
بلندان [۲] ظریف ورشید هزار فن پر معرفت دنیا و معرفه الله و اخری
صاحبی صاحب سلوک و برعنقای جم جناب صاحب ملوک کسنه در و دائماً هم انیسی
و هم جلیسی سیاحان بروبحار و علمای مدققین و فضلاء الدهر دن کسنه لر ایله کنج
و حدتی و صومعه سنده مباحثه علوم شرعیه و کونا کون علوم غریبه و عجیبه به مشغولر
ایدی و کندولرینک دخی علم شعرده دیوانی اولوب چقنایی پاکیزه اشعار بلیغری
وارد رکم «دخانی» [۳] تخلص ایدر [۴] اما دائماً ذکر الله ایله مشغول اولوب کار و کسب لری
جهاد فی سبیل الله اولوب کفساردن انتقام آلوب غزا مالیه کفافلن لر دی بوکونه
بر مشربده نامدار و یرار سرور دلاور تاجدار برخان عالیشان باوقار کور مدم جناب
کبریا دائماً وقع و وقارن من عند الله زیاد بر زیاد ایدم زیرا مدت عمر لر نده توابع
ولو احقر لری و جواری و مملوکلرن چراغ افروخته ایدوب شهر بانچه سرای ایجره
خیرات و حسنات ایدوب شهری عمار ایتمک مائل لر در رب العزه آنی سعادت
دارینله عمار ایدم (اولا شهر بانچه سرایده عمارت اتدوکی آثار لری و غیره
عمارستان لری عیان و بیان ایدر) (اولا در بیان عمارت جامع [۵] سلاطین اهل ایمان)
جمله درون شهر سرایده یکر می دورت محرابدر اولا صاحب خیرات لر دن خان
سراینک حویلی ایجره ایکی عدد معمور قورشن اورتولی قیاب لر ایجره سلف
خان لر نندن ... خان لر مدفون لر در و برنده غازی اسلام کرای خان ابن سلامت کرای
خان اولاد و انساب و یم و بو جکریله قبه پر نور ایچنده آسوده در لر صندوق لری
صوف سبز کون ایله مستور قبه معمور و مزین و تر به دار لری و اوقاف لری وارد
توربه مهبط پر نوره متصل (صاحب کرای خان جامعی) در و دیوار لری متین

[۱] ك : نائل و واصل اولمش [۲] س : بلنداز [ظنه چه (سخنندان) اوله جقدر] (م)
[۳] (کلبن خانان) مخلصنک «عارف» اولدیغنی یازبور (م) [۴] س نسخه سنده ایکی سطر
آچیق وار [۵] ك : جوامع

وقاعده لری و حکومت لری غریب و عجیب تماشا در حتی آل عثمان و عجم شاه لری و غیره پادشاه لری و قرال لری کبی دارات و عظمت و احتشام لری یوقدر و آکمز لری [۱] زیرا آبا و دده مزدن کور کز [۲] یوقدر [۳] بدعت آنه ززدیر لری اما سکه و خطبه لری نه عشق اولسون زیرا باشقه سکه صاحبیدر آل عثمان اقمی جزیره قرمده تاتار ارسنده کچمز اما کفده کچر لکن بوخان اقمه سنک سکنزی بر درهم اولوب خالص العیار صرمه کومش بیاض اقمه در سکه لرنده (السلطان محمد کرای خان ابن سلامت کرای خان عز نصره ضرب بانچه سرای) [۴] دیو تخریر اولنشد بر بودیارده کومش معدنی یوقدر اما جمیع کافر قرال لرندن کن خزینه بی حساب لری اریدوب اقمه کسر اما خطبه سنده اول بنام خدا جل جلاله اندن محمد مصطفی آندن چاریار صفا و ابن عم النبی و شهیدان دشت کربلا بعده خادم الحرمین الشریفین مولی ملوک العرب و العجم و العراقین سلطان البرین و خاقان البحرین السلطان محمد خان ابن ابراهیم خان اخی غازی مراد خان ابن السلطان احمد خان دیوب اندن صاحب القباچ و الصلغات ذوالقدرة و القوة السلطان غازی محمد کرای خان ابن السلطان سلامت کرای خان ابن السلطان دیوب تا صاحب کرای حاجی کرای منکلی کرای خانه وارنجه خطب اجراد خان لری بویه یاد ایدوب بعد الموعظه (ان الله یأمر بالعدل و الاحسان) آیتن تلاوت ایدوب خطبه تمام ایدر اما آل عثمانی مقدم یاد ایدر زیرا مکه و مدینه پادشاهی اولدینی حیثیتدن و جمله خانلرک نصیلری آل عثمان النده اولدوغندن ابتدا آل عثمانی خطبه لرنده یاد و ازواج شهیدانی شاد ایدر لری و خطبه لرنده تلاوت آتدیکی موعظه لریک جمله سی غزوات مسلمینی کفار بدکارانه جنکه ترغیب ایتمه آیتلری و حدیثلرن خطیبلر تلاوت ایدر لری حقا که عوفه و بیلقمز برالای مجاهدان غازیان فی سبیل الله خوش مسلمانلردر و ولایتلرنده غایت امین و امان و عدالتلردر [۵]

در وصف اخلاق حمیده صاحب خلق حسن محمد کرای خان غازی سلمه الله
اولا غایت صالح و متدین و حلیم و خلوق دیندار و حرامدن پرهیز کار و متقی
 [۱] ك : و انمز لری [۲] ك : کورد و کز [۳] ك : یوقدر در [۴] بزم سکه لری کوره
 (فی بانچه سرای) اولمیدر (م) [۵] ك : غایت امن و امان و عدالتلری وارد

لرینک قوپروقلرینه باغلیوب هر قوشنده یعنی بوز آدیعهده برحوشچی نام قرانلری بر بار کپر اوزره طوقاق قایشلریله باغلی اولوب و بر قاقچ بار کیرلر اوزره قیون و کچی دریلری ایچنده یوزپاصدرماسی یعنی قاورلمش داری و کش قورتلری وار و غیره ماکولاتریوق بر آلائی تاتار صبار قنار عدوشکارلردر کم دائمًا معتادلری بودر کم اون قنای یزی بر کونده آلر لر غریاب بونده کم آتلینک می و بیه جککری و تیمارلری یوقدر همان آتدن اندکلری کچی آتدن صحرائه بر اوغلانلری ایله صالیوه در لر آتلیر بر قاقچ کره یو وارلنوب اونار و اویناشوب او تلامغه باشلر اکر قیش سفری ایسه آتلی قاری اشوب آتنده اولن او تلی یعنی قرومش بلدردن قالن او تلی قار آتلیرنده اشوب بولوب چیقاروب یرلر اصلا آتلینه آرپا و یرمز لر اما سفره آت باغدلقلری زمان قرق اللی کون آتلینه صمان و او تلو ق و یرمیوب شب و روز باشلرندن آرپا ایله دولو طور بارلی ا کسک دکلدنر و جمله تاتارده اول دیارلرک شدت شتاسنده چادرلری اولمیوب همان دورت چیوجاقلرک [۱] او جلرین بریره طوقاق قیشیله باغلیوب چیوقلرک اشینی او جلرین بریره صوقوب ارقاسنده کی عبا یا غمور لغین چیوقلر اوزره قویوب چادر کچی اولدقده آتک چرکیسنی [۲] یعنی تکتلیسنی آتنده کی قار اوزره دوشه یوب ا کرین باشی آتته قویوب ا کرخانه سنده قلیجی و صداغی یعنی ترکشی باغلی اولوب کندیسئی کوملکین بیله چیقرو ب کوك طونن اوستنه اورتنوب جمله عربانآ یطرلر علی الصباح قرمزئی و ماوی بز کوملکلرن قیوب همان قالفنجه اوستنده یا غمور لوق چادری ارقه سنه کچه دوشیوب ا کرن آت اوستنه قوینجه آتک بری قولان یرندن و بری فاصغندن ایکی قولانن چکوب همان طرفه العین ایچره آتته سوار اولوب قلیجی و ترکشن آت اوستنده قوشنوب آتته برایی قامچی سندا ق اوروب یور طار آت و کندوسی اول شدت شتاده قزوب عزم راه ایدر لر الحاصل سفر ایچون خلق اولنش بر الای مخلوق خدا قومدراما همان خانک و قلفانک و نورالدین و شیرین بکنک [۲] بر کو چک کچه اوابجقلری و خانک سکز خزینهلر بر سر کر [۳] چادر جئی وار و السلام نتیجه کلام قرم عسکری چاپور عسکری کچی بر طرفه لشکر در و قرم خانلرینک قانون [۱] س، ک: خنوجاقلرک. ط: خنوجاقلرک [۲] ک: خرکیسنی [۳] ک: بر سادده جه بزدن

عسکری طائفه لرن سفره کتور میوب انجاق خانلر سکسن بیک عدد بنم دیگر نیست
 دین عسکریله سفر اشوب جمیع کافرستاندن انتقام آلوب سورو سورو اولاد لردن
 سوروب جزیره قریمه کتیر لر و ولایت ولایت کتور لر اما مذکور سکسن بیک
 تاتار عسکرندن ماعدا دایما خان یاننده باغچه سرایده و باغچه سرا ی قریبنده کی کویلر ده
 و او طار لرنده ساکن اوچ بیک قپوقوللری واردر کم بونلری سلطان بایزید ولی منکلی
 کرای خان نامه [۱] آستانه سعادت قوللرندن توفنک انداز عسکر قومشدر اما اول
 عصر ده کامل اون ایکی بیک قپوقوللری ایش مرور ایام ایله بو طائفه لر جو ییلوب
 [۲] یعنی بوزیلوب اوچ بیکدن زیاده جه قالمش لردر لکن ینه اطراف دشمن لرنده
 اون ایکی بیک قریمک قپولسی [۳] رار دیو عد اولنور حالا خان قوی شککنده
 قالمش لردر اما تاتار دکلردر برالای ابازه و چرکس و کورجی قومی اولاد اولاد لربدر
 و آل عثمانه بونلردن جمیع زمانده خیانت صادر اولماشدر حتی آل عثمان بر سفره
 حرکت ایلسه تاتار خانلره جزمه ها کوندر دیک ایون ایکی بیک آتون بو قپوقوی
 علوفسی ایچون ارسال اولنوب قپوقولرینه تقسیم اولنور اما خانک خاص هایونی
 قانون بادشاهی اوزره رو پایلی بکار بکی پایه سیله اون بر کره یوز بیک آجه خاص هایونی
 اولوب جمله خانلر حاصلر [۴] خرچلغن کفه کومر و کندن آلوب امین مزبور
 در دولته دفتر دار و روزنامه جیلرله محاسبه سن کورور قانوندر [۵] و خانلر ایکی
 طوغلی و ایکی سنجاغ و بیر اقلی و یدیشر قات مهرخانه جالمغه رخصت و یرمشدر اما
 کندولرینک عسکری اوکنده اجداد لرندن قلمه طرز افراسیانی بورولری و طرز
 جمشیدی سورنا و طبیلری دو کولور حقا که عظیم وزنی اوزره حاضر باش عسکره
 مال کدر کم نه سیسخانه و نه بارخانه و نه کلارونه مطبخ و نه عربه و نه دوه و نه قطار و نه مهار
 و نه طوب و نه توفنک و نه خیمه و نه خرگاه بار و بنگاهدن بر نشان اولمیوب
 هان سکسن بیک عدد صالت آتی صداقلی و صواتلی واللری سبداقلی [۶] عسکرک
 آتی کره ویدی کره یوز بیک آتلی و آله شه لری قوشن قوشن جمله آتلی بربر

[۱] ک : نازیبه [۲] پ، ک : جو ییلوب [۳] ک : قپوقوی [۴] س، ک : خاصنک

[۵] ک : بویه قانون بادشاهیدر [۶] ک : سبداقلی

قرمه مالک اولورکن ابتدا قریمه کروپ قلیج اوروب قریمی موالتن [۱] بوشیرین بکلرینک اجداد لیدر کم جوجی کرای خان بوغازیلره ابتداء ختر با کیزه اخترن ورد کلرندن الی هذا آلان قانون جوجی خاندر کم جمیع قرم خانلری قزلرین بوشیرین بکلرینه ویرلر آنکچون خانلره بونلر اقر بادرلر و بوشیرین بکی الی آلتنده اوچیوز عدد حسیب النسیب مرزالر واردر حقا که بوقوم و قبیله بنوک اویماق لیدر کم چادر داغی آلتنده نقشوان ایلنده ساکن اولور ایکنجی بوی بکلری شیخون [۲] بکلریدر اوچنجیمی دایر بکلریدر کم بونلر اونار بیک ییکیت ایله اینوب بینوب شیرین بکلری عد اولور کم قلغا سلطان ایله سفر اشرلر اما خانلرک صولنده نورالدین سلطان ایله سفر اشراشن بکلر منصور لیدر کم بونلرده غایت شجیع و بهادر اویماقدر سرچشمه پیشوالری غازی قیا بکلر جمله صداقی و صواتلی برسلاح یکر می بیک کوبه لی یعنی زرهلی وزره کلاهللی زور بطر یکیده مالکلردر کم اصلا بر دشمندن جمیع زمانده روگردان اولما مشلردر هرچانکم بر اوروش صواش پرخاش اولسه ابتدا قیو قولیه بومنصور لی کافره آت صاله کلشلردر و قیا بکک الی آلتنده یوز قرق عدد کزیده مرزا بکلر واردر جمله مانقت بکلری و بت [۳] صارخان بکلری و شجون [۴] بکلری و جمله اورالی بکلری نورالدین سلطان قولنده سفر اشرلر اما بوبکلردن شیرین بکلری اوستدر و ویدی یوز یتش التی میل اولان جزیره قرمده بیک التیوز کوبدر والتی بیک عدر اوبار [۵] یعنی چقتلکلردر بقدر قرالردن جمله یوز بیک و یکر می التی بیک عسکر اولور اما حین سفرده قرق بیک کیدر اگر خانلر مراد ایتسه سکسن بیک تانار عسکری اوروشه کیدوب ماعداسی قرمده قالر زیرا نفس قرمده دورت کره یوز بیک قزاق اسیری اولدوغی محققدر دورت کره یوز بیک دخی قزاقلرک عورتلری و اوچ کره یوز بیک عدد قونیه نام کوچوک اولادلری قزلری واردر و یکر می بیک ده روم و ارمنی و یهودی کفره لری واردر اما فرنک و مجار رعایالری یوقدر بوقدر قزاق اسیرلری قرم ایچنده اولدوغندن جمله

[۱] ك : موتالین [۲] ك : شبخون [ظن ایدرم که (سجات) اولمیدر (م)]
 [۳] ك : وینه [۴] ك : شبخون . ط : سنجون [۵] ك : اوبار [ظن ایدرم که (اوتار)
 اولمیدر که اك چوق (اوطار) شکلنده یازلمقده در (م)]

طرفندہ و دیوان افندیسی نورالدین سلطان طرفندہ دورورلر و غیرى امناء و خزنه دارلر و ملتزمین و دیوان کاتبلى جمله باشقه روزنامه جى طرفندہ دورورلر و دخى بعدالديوان صباط [۱] محمدى چکيلوب کونا کون اطعمه نفيسه لر ايچنده البته بر طای آتی مقرر در زیرا قوم تاتار شافى مذهب لر در آتی انلرده صرف حاللدر بو طعاملری خان ایله قلغا سلطان و نورالدین سلطان و مفتی [۲] و قاضى عسکر و شهر منلاسى بيله اوطوروب طعام يرلر [۳] غیری قاضیلر باشقه يرلر [۴] وزیر ایله شیرین بکی و منصورلی و غیرى مرزالر بریده يرلر قبوجیلر کتخدا سیله قبوجی باشیلری بریده يرلر و قبو قوللرینک اشهلری دفتر دار بک ایله يرلر و سایر امناء و ملتزمین ایالقلر [۵] و اوت اغالریله بریده طعام يرلر و جمله قزاق سلطانلر خان زاده سلطانلر ایله بریده يرلر و جمله کروس کاتبلى [۶] روز نامه جيله يرلر الحاصل بویه دیوان عالیلر کوننده یکریمی ایکی برده صباط محمدى چکيلوب جمله ارباب دیوان دفع جوع ایدوب بعدالضیافه دعا و ثنالر اولور والسلام

تمه قانون فریم [۷]

بالنفس جزیره قرم جمله دائراً مادار یدی یوز یتمش آتی میل یردر بو جرمدہ اولان جزیره ده جمله یکریمی دورت قاضیلق یر جمله قاضیلرک عزل و نصبلى جمله خان النده در الادوردی کفه ایالتنده اولماق ایله آل عثمانک النده دورت قضا یردر و جمله قرمده قرق بکلک حکومت یردر جمله بکلردن مکلف و مکمل انتہاء سرحد اولان اور بکیدرکم طبل و علم صاحبیدر بعضی زمان بو اور بکلکن قزاق سلطانلره یرلر اندن قاتون اوزره شیرین بکی یکریمی بیگ جرد آتی تاتاره مالکدر خان قزلرندن [۸] حاصل اولورلر ینه حسیب النسیب [۹] آل جنکیزیاندر زیرا بو شیرین بکی ما تقدمدن [۱۰] خانلرندن اول قرم آتلیری ایدی زیراجوجی خان

[۱] ک: صباط [۲] ک: نسخہ سنده (مفتی) یرنده (شیخ الاسلام) واز(م) [۳]: طعامی خان ایله برابر يرلر [۴] ک: باشقه محلهه اوتوروب يرلر [۵] ک، ط: اتالقلر [۶] دوغروسی (و جمله کیرر سر کاتبلى) اولق ممکندر (م) [۷] ک: قانون دیار قرم [۸]: قوللرندن [۹] ک: حسیب و نسیب [۱۰] پ: ما تقدم

خانکبر و بری بهادر کرای خانکدر و بری سرای میدانہ ناظر یکی کورونش اسلام کرای خانکدر و بو کرونشدرہ خانلر جلوس ایدوب قاعدہ آل جنکیزیان اوزره دیوان شہنشاہی ایدوب حکم حکومت و عدل و عدالت ایدرلر

در بیان دیوان قانون قاعدہ امرای آل جنکیزیان

اولا خان عالیشانلر هر قنقی کرونشک تختکاهنده قرار ایتسه جمیع قبوقوللری و قره جی خلقلری ال قوشروب آداب و ارکان اوزره هرکس یرلو یرنده ساکن اولوب [۱] خان جم جنابک صاغ طرفنده قلغا سلطان اوطوررکم آنک بو قرم اولککسندہ تختکاهی آق مسجد شہریدر اندن قرمک جانب شرقی نہایتندہ کرس [۲] قلعه سنہ و کوچ کویلری ناحیہ لرینہ وارنجہ او جیوز پاره قرالہ حکم ایدر آندن خانک صول طرفندہ نورالدین سلطان اوطورروب ناقاچی درہ سندن تا کوزلو قلعه سنہ و اور قلعه سنہ و جکشک [۳] و آرباط قلعه لرینہ وارنجہ ایکویز اللی پاره کویلردہ دوشن دعوالری خان حضورندہ نورالدین سلطان دیکلیوب حکم و حکومت ایدر اما خان عالیجنابلر قلغا سلطانہ و نورالدین سلطانہ حکم ایدوب یر لیغ بلیغ شاہی یعنی طغرای غرای خانی یازوب جملہ یہ حکم ایدر و ینہ صاغ طرفندہ شیخ الاسلام حنفی و اوچ مذہب صاحبی مقتیلر دوررلر و صول طرفندہ قاضی عسکر مرتضی علی افندی آنک آلت یانندہ شہر منلاسی و جزیرہ قرمک یکریمی دورت قاضیبی اوتورورلر تحت قضالزندہ دوشن دعوالری دقت اوزره دکلیوب قطع علاقہ و فصل خصومت ایدرلر اللهم عافنا بری بر خلاف شرع و یا خود بر قول ضعیف اوزره حکم ایتسه علمای تاتار اول بار اول باطل حکم ایدن عاصی بی [۴] طاش ایله دپہلرلر اصلا امان و یرمزلر اما خان وزیری سفر غازی اغا ایاق اوزره دورور کاهیجه قلغا سلطان طرفندہ اوطورور و قیوجیلر کتخداسنک النده کومش دینک ایله کزوب شکایتجیلری ایدری چکر بو دیواندہ قیوجیلر یوقدر اندن اوت اغالری دخی ایاق اوزره خدمتدہ درلر [۵] و دفتردار قلغا سلطان

[۱] ک : دوروب [۲] ک : کرش [۳] ک : چکشک [۴] دوغروسی (قاضی بی) اولمیدر (م) [۵] ک : مقام خدمتدہ دورورلر

چوروك صويك جانب جنوبنده خان عاليشانلر سراينك كورونشي واردر (ذكر ستايش كورونش سراي خان عاليشان) اولابوشهر باغچه سراي برواسع دره ايچي اولماق ايه كرچه جوجي خان بونده ساكن اولمش اما همان مجاهد في سبيل الله اولوب شهرك عمارتنه مقيد اوليوب اولوريله چكنمش اماسنه ... تاريخنده صاحب كراي خان صاحب ظهور اولوب اولوعظيم الشان پادشاه دوران اولوب صلاحق دره سنده كي عبا دره سنده اوطور مانغي جميع دشمندن عار ايدوب اژدر هفت سركي صلاحق دره لري غارندن چيقوب بوباغچه سراي مسكن و اووي ايدنمكي مراد ايدنوب تمام بدى بييله بوباغچه سرايك كورونش سراين اتمام ايدر بوسراي هشت آسايه آدم امان نظر ايله نظر ايتسه دمبسته وواله و حيران اولور وبالضروره انكشت بردهن ايدر وعقللر چاك اولاجق رسراي عجيب وغريبدر كرچه اوصافنده جميع و صافلر ك لسانلري لالدر اما بو حقير پرتقصير على قدر الاستطاعه درياده قطره وكونشده ذره قدر كلك جواهر نثار مزله [۱] سهل تعريف وتوصيفه شروع ايدلم اولابوسراي دلکشانك جانب اربعه سي باغ اراملر اولدوغو بچون باغچه سراي در جانب اربعه سي قلعه مثال چار گوشه شادي مثال كار كير طاش بنا ديوارلي سراي خاص الحاصدر اما بوسرايك اطرافنده دندان بدنلري وقبه يصد قلري يوقدر دائر امدار جر مي بش بيك آلتش آديم اولوب جمله درت يرده قوي ومتين دمير قپولري واردر اولابري شمال جانبنه ضرب خانه قپوسيدكم اول طرفده مطبخ كيكاروس واردر وكيلار عامره وچاشنيكيران وكيلار جيان اوده لري واردر وبرقپوسي دخي جانب جنوبه باغچه قپوسيدر وبرقپوسي سمت قبله يه مكشوف اسكي كورونش قپوسيدر و بري دخي يكي كورونش قپوسيدر كم حرمه بو قپودن كريوب ارمه بر باغچه ارمي كچوب قمر خادمه غالر دوردوغى بيوك حرم قپوسيدر وبوقبولر ك ايچنده جمله اوچيوز آلتش عدد قات ادرقات شاهنشين وقاعه لي وجهان نما قصر عاليتر ومتعدد كو باكون نقش بوقلمون عبرت نمون حجره لر در هر بري بر پادشاهك آثار بنار بيدر و جمله اوچ يرده كورونش وراز كم هر رينه اوچ بيك آدم صغار [۲] يعنى ديوان خانه لر در كم لسان تانارده كورونش ديوديو انخانه به ديرلر بر كرونش صاحب كراي

[۱] س . ك : نياز مزله [۲] ك : فريخ و مستوفى صيفر

بو باغچه سرایك شرق دن غربه طولی كامل سكز بيك كرمه يكت آدميدر . رخسه
بريالی آدمی آدیمی دكلدر بريالی آدمی آدیمله كامل برفرسخ طوللی بر شهر زیبادر
ور فرسخ اون ایکی بيك آیتدر . امانده لوندات خطوه سیله سكز بيك آدمی باغچه
سرای شهیدر . بر اودی شهری کی ایکی جایی یالچن قیالی برواسع دره ایچنه دو شمش
بر سواد معظم شهر عظیمدر . بنوك دخی ایکی جاننده کی قیالرده بامر الله تعالی آت کی
وفیل ودوه وکچی کی خلق اولمش عجیب و غریب و مهیب مغارالی قیال وار بو
قیالک بعض یرلی طوبراقلی بایرلردر . انجاق بودر . نک جانب شرقی سنده اسکی
صلاح یولی و طرف غربنده اسکی یورد یولی و شمالده آق مسجد یولی و جنوبنده
کوزلو قلعه سی یولی وار . بودورد یولدن غیری باغچه سرایه شاه راه یوللر یوقدر
اما قیالردن کچی کی طرمانز [۱] پیاده یوللری البته چوقدر اما غیری یرلی غایت
صارپدر و دورت طرفدن کان یوللرک تا قیالری باشنه کلینجه اشنی دره ایچنده باغچه
سرای شهری کورنمز . و بوشهره سرای دینه سنک بر اصلی دخی ابتدا جوجی خان
دیار مسکوده نهر ادل کناننده کی سرای شهرندن کلوب بوشهری عمار ایدوب نامنه
باغچه سرای دیدیلر . و بوشهرک تا اورناسنده کی جریان ایدن صلاحق شهرندن کان
آشلمه صوی غایت مستعمل صو اولدوغندن جوروک صو دیرلر نیجه دکرمانلری
دوران ایتدیروب و نیجه بيك مژخرفات و قاذوراتلری کتوروب شهرک جانب غربی
اشنی سنده جبه خانلر و نیجه آسیاب مالره و نیجه مشبک بوستانلره اوغرایوب اسکی یورده
کیدر . بعده اندن اشنی نهر [۳] مخلوط اولور و بو چوروک صو اوزرنده شهرک
ایچنده قرق اوچ یرده طاش و اغاج جسرلره شهرک بریانندن بریاننه کچیلوب بوشهرک
یمین و یسارنده قات اندرفات تحتانی و فوقانی جمله کار کیر بنالی و سراپا لعل کون قرمز
کیره مت اورتولی بایرلره و قیالرک دبنه وار نیجه باغلی و باغچه لی خاندانلردر (اوصاف
سرای اعیان خان خانان) جمله دورت بيك بشیوز کره متلی و طاش دیوارلی و سرو کچی
سر آمد باجه لی و مصنع دروزه لی سرای عظیملردر . جمله آشهرک ایچنده جریان ایدن

[۱] ک : طرمانه جق [۲] س : نهر قاجیه [دیگر نسخه لده نهر اسمی بو قدر . س

نسخه سنده صو کره دن یازلمشدر (م)]

آتمکه مانع اولور الحاصل دیار قرمده بویله بر تفرج گاه مسیره گاه قویاخر [۱]
خیابان عجم کبی برارم اولمازدر خدای واهب الامال الی انقراض الدوران معمور
مزین و آبادان ایده آمین بعده بوادنا کمتر بوروضده کونا کون ذوق و صفالرایدوب

اسکی صلا شهری

ایچندن کچدک بوکا اسکی صلا دیتدن مراد ابتدا بو جزیره قرمده جمعه صلاسی
بونده تلاوت اولدوغیچون اسکی صلا شهری دیرلر بوشهری کچرکن غرب طرفنده
باغ و باغچهلرن و بواسکی صلانک ایکی جانبنده اولان یالچین قبالرده کی غارلری سیر
ایدهرک صلا قپوسندن طشره حیقنجه همان

اوصاف شهر عظیم و تختگاه قدیم و کزیده شهر قریم یعنی

دار غازیان کان کرای مثل ارم ذات العماد سواد جسیم باغچه سرای

قوم تاتارک مورخلری قوللری اوزره ابتدا فاتح قرم اسکی صلاحق یوردنده
ساکن اولراق ماهان و اخلاط و کرمان و یسو [۲] شهرلرندن و قازان و اژدرخان و سرای
اولکه لرندن قریمه تاتارلر کلهرک تناسل بولهراق اسکی یورده صغمیوب بو باغچه سرای
یوردنده توطن ایدوب بوسوبوتون قریم جزیره سنه دست و بازولریله مستولی اولوب
انجاق لب دریاده جنوز کافرلری قلعه لرنده قالب کرممانلرندن طشره کفارک چقماغه
اقتدارلری اولمادغندن و لایتلرینه قحط و غلا مستولی اولور اندن زراعت ایله
کچینن تاتار طائفه لرینه کافرلر مراجعت ایدوب مال فراوانلر و یروب قوم تاتاردن
غلال آراق قوم تاتار عنقا اولوب بو باغچه سرای آبادان ایدرلر عمره الله تعالی الی
انقراض الدوران امدی باغچه سرایک ابتدا عمارینه باعث فاتح جزیره قرم جوجی
خان و ارطوغمز خان [۳] اولمشلردر بوشهر دخی اسکی صلاحق دره سی ایچندن اشقی
اینن دره نك ایکی یاننده واقع اولوب صلاحق قپوسندن تا اسکی یورد کنارینه و ارنجه

[۱] س ، ک : قویاخ [۲] (یسو) کله سی بعض نسخه لرده یانک ، سینک قتی و واوک
سکونیه حرکتلنشد: (م) [۳] ک : ارطوغمز خان . س : ارطوغمزخان . ط : ارطوغمز خان

ذوفنون جمشیدلر عرض معرفت ایچون بو باغ ایچره کونا کون علامتلا اختراع اتمشلا حقا که بوباغ آشلمه ده اولان مصنع آثارلر مکر بلده طیبه یعنی قسطنطنیه شهری اولان اسلامبولزده اوله اما جلدأ مصنع ذکر اولنجاق مقصوره لک تاریخلرن بیان ایدر اولا بهادر کرای خان افندیزک قصر عبرت نمانسک تاریخیدر [۱]

برطاق خوش نمادر تام اولسه هم سزادر روادرا تامنه تاریخی قصر خوبان سنه ۱۰۴۹

اندن قصر محمد کرای خان افندیزک تاریخیدر [۲]

ندر دیدی رضایی آکه تاریخ دیدک نامینه قصر جنت آباد سنه ۱۰۵۲

بودخی محمد کرای خان کاخنک برمصنع تاریخیدر [۳]

حساب سال بنایش سؤال کرد دلم خرد بکفت که تاریخ قصر شهنشاه سنه ۱۰۵۲

دیگر تاریخ قصر محمد خان

بنای محمد کرای خان بکو بنای تاریخ آبادش سنه ۱۰۵۵ [۵]

دیگر تاریخ زیبا [۶]

الطاف خداوندی قدری ایدوب کویا تاریخی بو قصرک زندانه دوشوردی کور سنه ۱۰۵۶

نتیجه مرام بوباغ مرامک عمارتلی تاریخلرن نتیجه کونه مصنع آثار بنالرن

تعریف و توصیف ایتمسک مجموعه مسوداتمزی تصحیحه کچر مکه وسائر دیارلری سیاحت

[۱] (قصر خوبان) ترکیبی تاریخیدر (م) [۲] ایکنجی مصراعدن ۱۰۴۵ چیتیور

شوالده یا عباره یا کلیش یا خود ۱۰۵۲ رقی یا کلیشدر مصراع اولده تعمیمه اشارتده بو قدر

(م) [۳] ایکنجی مصراعدهکی (قصر شهنشاه) تاریخدر فقط ۱۰۵۱ چیتیور . (شهنشاه)

یرنده (شاهنشاه) اولورسه هم تاریخ ، همده وزن دوزلمش اولور (م) [۴] ریجی مصراع

بجز متقاربدن اولوب موزوندر ایکنجی مصراع ایسه مجهول برکله اکیسک اولدیغی جهتله موزونلقدن

چیمشدر بوندن دولایی تاریخی ده کوستره سز (م) [۵] ۱۰۵۵ رقی یا لکنز (ک) نسخه سنده

وار دیگر نسخه لده رقم یری آچیق بیراقیلمشدر (م) [۶] تاریخ ایکنجی مصراعدهکی (زندانه

دوشوردی کور) ترکیبی در فقط (۱۰۶۶) ایدبور احوالده ۱۰۵۶ رقی یا کلیشدر یا کلیش

اولدیغی ده محققدر چونکه (کلبن خالان) ده کور ولدیکی اوزره محمد کرای خان اولا (۱۰۵۱) ده خان

اولمش (و) (۱۰۵۴) ده عزل ایدیلهرک یرینه « اسلام کرای خان » کچمش بوده (۱۰۶۴) ده وفات

ایتمسکله محمد خان تکرار خان اولمش و ۱۰۷۶ ده تکرار عزل ایدلش (و) (۱۰۸۵) ده معزول اولدیغی حالده

وفات ایتمشدر شوالده (۱۰۵۶) ده محمد خان خان دکل ایدی بلکه اوزمان اسلام کرای خان ایدی .

مذکور رقم ایسه یا لکنز ک نسخه سنده وار دیگر نسخه لده رقم یری آچیق بیراقیلمشدر (م)

اولان كونا كونا انواع مثمرات ودرخت ميوه دارلر قرده دكل غيري بلدانلرده
 دخي يوقدر واولقندر ميوه ابدارلري چوقدركم سائر شهرلره ميوه لرندن هدايا
 ايجون كتورورلر اون فرسخ يره كتسه ينه فاكهه لرينك حلاوت و لطافتلري باقيدر
 واطول ايامده ميوه سنك لذتته قطعا تغير كلز زيرا هواسي لطيف يرده حاصل
 اولمش مثمراتلردز [۱] وجميع ولايتلردن خانلره هدايا كلن شكوفه هزار كونا لرك
 رايحه طيه لرلي آدمك دماغلرن معطر ايدر خصوصا اناطوليده باقراض بلي مشك
 رومي صوغانلري وطرب افزون قرضيللرينك قاكر تماجلري و اسلامبولك زريني
 ومثلا چيلينك ابللق لاله سي وچلبي خوجه نك فلاندره [۲] لاله سي وكاغدخانه لاله سي
 وكونا كونا شقايق نعمانيلر واستانكوي سنبللري ونجه يوز بيك كونه هدايا كلن
 چيچك صوغانلرينك شكوفه لرلي بو باغ قوهستان [۳] ايجره زين اولوب كورنلر
 وبو باغه كورنلر كويا جنت خلد برينه كردك ظن ايدرلر اما وقت بهارده هر درخت
 ميوه دارك شكوفه لرلي كشاده اولوب اريك والما وامرودو كراس و وشنه وغيري
 اشجار مثمرات وغيرينك چيچكلري قچان كشاده اولديغي محله بئى آدم آنلرك
 رايحه طيه لرندن سرمست اولوب بوباغ ارم ذات العمد آيت شريفه (لم يخلق مثلها
 في البلاد) مضمون كريمي اوزره بي شبيه وبئى نظير بر حديقه لانتظير اولوب كويا فاني
 جهانك فردوس برين مثالي اولور اما بوخيايان لطيف بو محمد كراي خان عصرنده
 بويله مزين اولمشدر زيرا كندولر بر ذات شريف وصاحب طبع لطيف وصاحب
 جود وسخاوكان كرم كاري برخان عالیشاندر وكونا كونا درخت منتهارك ظل حمايه سنده
 كونا كونا چنزار و لاله زار نشيمن صفه لرده سلسييلردن عيونه جاريه
 جريان ايدوب نيجه يوز يرده فواره لردين آب نابلر درخت منتهارك ظل
 حمايه سنده كونا كونا چنزار و لاله زار نشيمن صفه لرده سلسييلردن عيون جاريه
 جريان ايدوب نيجه يوز يرده فواره لردين آب نابلر درخت منتهارك برك
 و بارلريته پرتاب ايدوب هر درختدن باران رحمت كبي شادروانلرك صولري
 جريان ايدر وهر ديارك استاد كامللري بو دياره كلوب ونجه بيك اساراي

[۱] ك : نمراتلردز [۲] پ : فلاندره [۳] ك : قوهستان

بومبارك ساعت ایچینده بعون مستعان قیلدی آبادانده بردوت سراین بوزمان
 شاه اولاد والی شیب ووضفر يتکسرلوا [۱] آل جنکیز یعنی کم صاحب کرای اوھسان [۲]
 ظاہراولدی چونکہ بچرتدن طفوز یوز قرق ایکی. انده ختم اولدی محقق بو محلا سسلبنان [۳]
 سنه ۹۲۴

ومدرسه صاحب کرای خانه [۴] سلف خانلرینک برنه برایوارلری [۵] انده
 سوری سوری قبلر ایچینده آسوده اولان بادشاهلری انشالله محللریله تحریر ایدر
 وبو شهر اسکی صلاحقک اوست یاننده جانب شرقده مذکور چفود قلعه سی قیالری
 دبنده باغ ارم مثال اولان آشلمه باغنده قاضی عسکر ولایت قرم اولان مرتضی
 علی افندی ایله ضیافته کیدوب بو باغ مرآمده عجب ذوق وصفالر ایدوب سیر
 وتماشایتم

درستایش باغ حدیقه روضه رضوان آشلمه [۶]

... [۷] جمله خانلر و خان زاده لر و سلطانلر و بییم و بو چکر بو باغ جیننده
 ذوق و صفالر ایدر لر بویله بر باغ آسپوز و درکم باغ بهشت کلستانلری ایچره کوشه
 به کوشه جاری آب روانلری کنارنده اولن مقصوره لرده مکث ایدن [۸] جانلر
 جانانلریله صحبت خاص الحاصده ایکن بلبلرک نغمات خوش الحانلرن استماع ایدنلر
 روح افزا صفالر ایدوب دمبدم عیش و عشرت ایدر لر آب و هواسی اولقدر
 لطیفدرکم بونده بر ساعت تفرج ایدن البته غم و غصه و اندوهی فراموش ایدوب
 سرور و شادمانده اولور هر خان عالی شانلرک بو باغ خیابان ایچره برر ستمده کونا
 کون مذهب و منقش عبرت نما مقصوره لری و کاخلری و متعدد قاعه و حجره لری
 وارکم کویا هر بری برر کارخانه فغفور چیندر و هر خانلرک کونا کون عشر آ
 فی عشر حوضلری و فسقیه و شادروانلری و قصر خورنقلری وارکم علم معماری یه
 مالک [۹] اولنلر کوردو کده انکشت بردهن ایدوب عقلی پریشان اولور بونده

[۱] ك : پیکر لوا [۲] ط : اوھسان [۳] ك : سکبنان [۴] دوغروسی
 (خان) اولمیدر (م) [۵] ط : بونه برایوارلری [دوغروسی (ترنه برانوارلری) اولمیدر
 (م) [۶] ك : آشلمه در مملکت قرم [۷] یالکز پ نسخه سنده اوچ سطر آچیق وار
 [۸] ك : سیر ایدن [۹] ك : آشنا

بونهرک ایکی جانبی صافی باغ و باغچه‌لر ایله آراسته و کونا کون خاندانلر ایله پیراسته اولمش بر شهر عتیقدرکم جمله اوچبیک عدد قرمزی کرمت اورتولی مصنع خانه سرآمدلی [۱] و جمله کارکیز بناطاش دیوارلی مکلف و مکمل و مزین و طرز قدیم اودالدر [۲] و نیجه یوز عدد حجرملری قیالر آلتنده کی مغارالر ایچنده درماه تموزده بو غارلرده کی اولر غایت سرداب اولوب ایام شتاده اسی اولور مغاره لردر و جمله بش محله و بش محرابدرکم بش محرابنده دخی بش عدد طرز قدیم مناره لر واردر اما بو شهرده اصلا دکان و خان و حماملر یوقدر زیرا مانجه سرای شهری بو شهره متصلدر و مانقدم بواسکی صلاحق شهر قدیم ایکن نیجه خان جامع و حمام و مدرسه لر واریمش حالا منکلی کرای خانک مدرسه عظیمی معمور قالبوب باب عالیسی اوزره جلی خط مستعصمی اوزره تاریخی بودر (امر بناء هذه المدرسة [۳] بعون الله الملك المنان منکلی کرای خان بن الحاجی کرای خان خلدالله ملکه الی انقراض الدوران سنه ۹۵۶) مرقومدر و بو مدرسه یه متصل بر لطیف حمام روشنا قالبوب آب و هوایی و بنایی دخی لطیفدر و بو حمامه قارشو یول آشری (سرای قدیم جوجی کرای خان) مانقدم خان شکوفلر [۴] بو خاندانده سا کن اولورلر مش حالا بو سرای چار گوشه بر کارکیز بنا بر کوچوک قله جکدر دائراً مدار جرمی ایکویز آدیدر اطرافنده دورت عدد قله لری و غریبه ناظر بر دمیر قیوسی وار ایچنده ایکی عدد آلاچق مناره لی برجامعی و اراما مناره سی کوچوک اولماق ایله آدم صغماز و اذان شریف او قونماز و بو سرایک یول اوزره عالیجه بر عدالت کوشکی وار آنده خانلر کور وینوش ایدوب دیوان ایدرلر مشکم تحته اورتولی و صافی آلتون عملی بر کوشکدر و حالا بوسرایده جبه خانه دن غیری برشی یوقدر اما خانلره متعلق اشبالر چوقدر دائماً قیوسی مقبول دورر و حتی باب مصنعی اوزره تحریر اولنان تاریخی بودر [۵]

[۱] ک : اورتولی مصنع و سرآمد باجلی [۲] ک : اولدر [۳] ک : عمر هذه المدرسة [۴] دوغروسی (خان سلفلر) یا خود مغوللر اولماق ممکندر . ک نسخه سنده ایسه (اسلاف خان عالی شانلر) دینامش [۵] شوتاریخک دوغری بر بیق قلامش هپسی ده تحریر فانه اوغرادلشدر (م)

جنکندہ شہید اولوب بو چشمه لر محلدہ دفن آمشلر در حالاً آثار بنای معظم لرله آستانه سی معلوم بر زیارت کاه اناسدر اندن اشنی جانب غربه قیالر آرہ سندنہ کیدوب

اوصاف شهر قدیم قلعة اسکی صلاحق [۱]

بقول مورخین آل جنکیز یان ابتدا قوم تاتار بو قرم مملکتته جنوز کفره سی اندن مالک اولان سنہ... تاریخنده جوچی خان واراطوغمز خان [۲] ایله قرق بیگ تاتار صبا رفتار عدوشکار قوملری بو جزیره قرمه آتیه [۳] چیقوب وادی قریمی کشت و گذارایدہ زک بر محلدہ برجای مناص بکشمیوب الا بواسکی صلاحق دره سن کندولره مناسب کوروب کفار خوفندن بودره ایچنדה بواسکی صلاحق قلعہ سن یصہ یوب بعدہ ا کسہ سندنہ کی قیالر اوزره مذکور قلعه کوهر کرمانی یعنی چفود قلعہ سن جنوز اندن فتح ایدر لر اما بواسکی صلاحق یوردندن تاتار لر حظ ایدوب شرقدن غرب طرفنه دورت بیگ آدیمنلی بر دره ایچنک ایکی باشلرنده وایکی جانبلرنده کی یالچین قیالر اوج آسمانه برابر سر آمد قیالر اولوب جمله قیالک آتلیری کوه بیستون کبی بوش اولوب مغارا مغارا اینتر و اوزر لری شاهین وزاغنوس یووالی قزل قیالر اولوب اصلا بر طرفدن دشمن اینوب چقماق ممکن اولمادوغن جوچی خان واراطوغمز خان [۴] بلور بودره کندولره جای امان بولوب بودره نک ایکی باشلری داراجق اولان یرلرینه ایکی یاننده قیادن قیایه دره آغزینہ قلعہ دیوار لری چکمشلر و برر آغاچ قیو یصہ مشلر حال اول قیولر دورر و بو قیودن غیری یردن بودره ایجره قوش اوچماز و بو قیالک آرہ سندنہ آب حیات اشلمه صویب جریان ایدر ابتدا بو عیون جاریه نک مطلبی ینہ بو محلدہ قیالردن خروج ایدوب خانہ لک آشلمه باغ ازمی ایچنדה نیجه حوض وشادروانلرن کچوب باغ مرای سقی ایدوب دخی اشنی صلاحق محله لری ایچنדה نیجه آسیاب مالری دورن ابتد یروب اندن اشانی اسکی باغچه سرای شهری دره لرندن جریان ایدرکن بو عینہ چوروک صودر لر غایت مستعمل صودر ایچلمز و بو صلاحقده

[۱] س، ک، ط : صلاحق [۲] ک : ارطوغمز خان . س : ارطوغمز خان . ط :
 ارطوغمز خان [۳] س، ک، ط : آتیه [۴] ک : ارطوغمز خان . س : ارطوغمز خان . ط :
 ارطوغمز خان

چقارامیوب بر مرغ عقابك منقارنده معصوم قلوب آخر کار قونداغی [۱] خان
 طایشانلره مخصوص آشلمه باغئك اغاجلری داللری اوزره مرغ زیرك معصومك
 قونداغن براغوب عقاب قوشی آشیانته پرواز ایدوب کیدر معصوم باك قونداغیله
 اغاجلرك نهاللری اوزره قلوب بر زماندن صکره معصوم فرغ وجزعه باشلار
 بریاندن آناسی یوقارو زندان باجه سندن آه وواویلايه باشلر حکمت باری یاری
 قیلوب آشلمه نام باغك باغبانلری باغ ارم ایچره سیران و دوران ایدرهك [۲]
 کورسه لرکم بر درخت منتهانك تازه نهاللری اوزره برنارسیده معصوم صداسی کلر
 درحال باغبانك برچست وچاپنی [۳] اول شجر بالانك ذروه اعلاسنه چقوب لطف
 ایله معصومك قونداغن آلوب محمدکرای خان حضورنه کتروب احوال وسر انجام
 معصومی بر بر تقرر اندکرلنده هان خان عالی قدر تیز فهم صاحب طبع بو معصوم
 غلامك اسمی «نجاتی» اولسون بیوروب تایه لره [۴] ویروب پرورش ایدرهك
 کالن بولوب برنیچه آفتاب مهتاب غلام رشید اولدی خدایه عیاندرکم بوله اولمشدر
 امدی عزیزم فیاض مطلق اولان باری تعالی عزاسمه یاری قلدقده قوللرن بوله
 عقاب قوشلری پنجه سیله خلاص ایدر والسلام بو حقیر احقر دخی مذکور زندانی
 تماشای ایدوب شرمت بانه بولشوب وافر کلمات اتمم البته بن بوندن خلاص اولوب
 قرم ولایتن بیره برابر ایدرم دیمدن غیری بر کلام سسویله مزدی بعده بو جفود
 قلمه سندن اشقی خان ذیشانلرك آشلمه باغی یولی ایله ویاخود چشمه یولیه اسکی
 صلاحیغه [۵] کیدر بقوش اشقی دورت بیك آدمدرکم حقیر یوقوشی پیاده اینوب
 حساب اتمم وایکی بیك آدمی محلنده چشمه لر قربنده (زیارتگاه عظیم الشیخ
 منصور مدنی) حضرت رسالت پناه صلی الله علیه وسلمک صحابه کراملرنندر حتی
 آق کرمان جنکننده صلصال لعینك اوق زخمیه شهید ایندوکی مالک اشتر حضرتلرن
 بو شیخ منصور حضرتلری غسل ایدوب قرم باغچه سرای شهری خارچنده اسکی
 یورد نام یرده مالک اشتری دفن اتمشدر بعده شیخ منصور حضرتلری بوقلمه

[۱] ك ، ط : قونداغی قبالك دپنده [۲] ك : ایدرکن [۳] ك : چاپکی [۴] ك :

طایه لره [۵] ك : صلاحیغه

ایلہ دائماً قپوسی مقبول دورر مسلم جماعتدن نام و نشان یوقدر حتی بو قلعہده اصلا چارشوی بازار دکانلری و خان و حماملری و باغ و باغچهلری و صولری یوقدر جمله صولری اشفی حاجی دره لرندن اشکارله قلعہیه صو طشرلر زمان قدیمده معمور صارنجلری وار ایمش حالا معطلدر و بو قلعہده خان اسیرلرینک زندانی وارکم جهانده بویله بردار ججیم سجینی [۱] یوقدر مکرطمشوار ایالتنده سولوس قلعہسی زندانی یاخود کافر النده یانق [۲] قلعہسی زندانی اوله اما بو چفود قلعہسی زنداندن خلاص بوجه ایله ممکن دکلدر الا تابوت ایله چیقوب خلاص اوله تا بو مرتبه زندان سجن ججمدر [۳] (دربیان صنع خدای جناب باری عزاسمه و تبارک شانہ) بالاده ذکر ی سبقت ایدوب نبرد عظیمی تحریر اولنان مصقو قرالی ولایتنده جنک عظیم ایدوب شرمهت بان وزیرک اوچ کره یوز بیک جنود جنبن قروب اسیر ایدوب بالذات شرمهت وزیر ی و تمش عدد بکزاده لری ویدی یوز عدد خصمانلری [۴] و قپودانلری یوز بیک کافر ایله اسیر ایدوب قرم شهرینه کتر دیکمزده شرمهت وزیر ی محمد کرای خان افندیمز بو چفود قلعہسنده کی زندانه حبس ایدوب ایاغنه تمش وقیه دمر سته [۵] اوروب محبوس ایتدی بعده خانه اوچ بیک کیسه نوقراد خزینه وروب خلاص اولماق امنیه سنده اولوب رجایدر محمد کرای خان رضا ورمیوب حبس ایدقاله جاغن مقرر بلوب بوزندان جانلدرده [۶] قانجه همان داغ دروندن هنوز بش آلتی آباق قونداقده کی معصوم اناسی قویندن آلوب بو چفود قلعہسی زندانی باد کیرندن اشفی فرلادوب معصوم آتار تقدیر خدا معصوم پاک قونداغیله یوز قولاج قیالردن اشفی قوش کبی اوچوب اینرکن همان قیالرده آشیان آتمش مسکی قر تالدر و قره قوشلر بو معصومی بر شکار صانوب یووالرندن بو معصومه سوزولوب منقار اورلر بو قوشلر معصومی کشاکش یووالرینه کتور مکه چائشراق بر لرلیله دوکوشوب بر لرلر ننجیر لیرک [۷] معصومک قونداغن آشیانلرینه

[۱] ك: چاه ججیم سجن [۲] ك: بانو [۳] چاه غیای سجن ججمدر [۴] ك، ط :
 حطمانلری [۵] ك : تیشه [س نسخه سنده (نیه) شكنده در فقط نقطه سزدر ط نسخه سنده
 ایسه (دمر اوروب) دینلمشدر (م) [۶] پ : چالندرده [۷] ك : ننجیر لیرک

اصلا قلعہ لری [۱] یوقدر و لازم دخی دکدر زیر حمله مرجانب و اطراف لری یاچن و اوچوروم قیالردر کم العیاذ بالله آدام اشنی باقسه زهره سی چاک عاقبت یری خاک اولور اما اشنی باقین بی باک و بی پروا اولور و قبله یه یقین فرقدان یلدزی طرفه بر کوچوک دمر قپوسی دخی وارکه قلعہ اولردن یوز ایاق کسمه قیا طاش زردبان ایله اینلر یولدر و بو یولک ایکی جانب لری کسمه مغارالردر کم آنلرده فقیر الحال یهودیلر ساکن اولورلر و بو قلعہ ایچنده جمله بیک بشیوز او طوز عدد کرمه مت اورتولی کارگیرینالی مکلف و مکمل و معمور چفود اولری واردر اصلا مسلمانلر یوقدر حتی قلعہ دزداری و قلعہ نفراتلری و دیده بانلری و قپوجیلری جمله یهودیلردر قلعہ قپولری مابینلرندہ آلات حرب سلاحلر [۲] چوقدر اما بوسلاحلری قوللنمغه چفودلرک یورکلری یوقدر انکیچون بو قلعہ یه چفود قلعہ سی دیرلر اما اسمی کوهر کرماندر اما طوپلری و توفنکلری یوقدر زیراقوم چفودلر طوب و توفنک آتماق دکل صداسن اشتمکه یورکلری یوقدر حقا که بردارده بویله مستقل چفود قلعہ سی یوقدر ولایت قریمک و باغچه سرایک جمیع اهل دکان جهودلری و عنقا یهودی بازراکنلری بو چفود قلعہ سنده و منکوب قلعہ سنده ساکن اولوب هر صباح بو قلعہ دن یقوش اشنی اینوب بر ساعتده باغچه سرایده دکانلرینه واروب کلرلر و بو قلعہ نک جانب اربعه سنده کی قیالره جهودلر نیجه کره یوز بیک قیالری داغلرکی یغمشلر حین محاصره ده اتار [۳] دشمنه قیالردن اشنی ال قیالری آتلر زیرا اوک صوک توفنک و طوب آتامازلر و بو قلعہ ایچنده سلف خانلردن غازی الحاجی کرای خان طرز قدیم برجامع بنا آتمش قپوسی اوزره جلی خط ایله تاریخی بویله در تاریخ (بنی هذا المسجد المبارک السلطان الاعظم و الحاقان المعظم مولی ملوک العرب و المعجم السلطان حاجی [۴] کرای خان بن غیاث الدین خان بن اردوغمر [۵] خان عمره [۶] و ابد دولته سنه تسع و خمین و ثمانمائہ) دیو تحریر اولنمشدر اما بو فقیر جامع چفودلر ایچره قالمق

[۱] س ، ک ، ط : قلعہ دیوارلری [۲] ک : سلاح کونا کونلر [۳] ک : آتلر .
ط : آتار [۴] ک : الحاج [۵] ک : اردوغمر خان . پ : ازدغمر خان [۶] (طول الله)
کچی برعباره لازمدر (م)

اوصاف قلعہ کوهر کرمان

امالسان جنوز فرنگندہ اسمی بو تمای در [۱] بعد سنہ . . . تاریخنده آل جنکیز یاندن جوچی خان ماہان دیارندن کلوب ابتدا قرم صاحبی اولدقده جنوز فرنگی الذدن آلوب بوقلعه بی فتح ایدوب علمای تاتار بوقلعه تک اسمنه کوهر کرمان دیدیلر حقیقہ الحال اول عصرده جمله درو دیوارلرنده و قلعہ دروزہ لرندہ ذی قیمت جواهر طاشلری زر نشان آتمش بر قلعہ ایمش تاتار الینه کردکن صکرہ سؤال نہ لازم جواهر می قالر اما حالازرافشان [۲] یرلری ظاهر و باہر در بعدہ ینہ بر کرہ کفار جنوز بوقلعه یہ استیلا ایدوب سنہ . . . تاریخنده منکلی کرای خان دست جنوزدن شہید کدک احمد پاشا اعانہ سیلہ فتح ایدوب قرم خانلرینہ تخت گاہ اول بوقلعه در اول عصرده غایت عمار اولوب ایچنדה کزیدہ عسکری وار ایمش اما بوقلعه اشنی اسکی صلاحق قلعہ سنک اوستندہ بر قلعہ بالادرکم اوچ آسمانہ صعود آتمش بر قرمز ی یالچن قیا اوزرہ شکل بادمی برید قدرت قلعہ سیدر کم جرمی سکز بیگ آدیم بر قیادر [۳] جانب اربعہ سندہ اصلا قلعہ دیواری یوقدر زیرا ہر طرفی بیکر آرشن شاہین و قرتال یووالی قوش طرفنی الشمز قیالدر لر کم اشنی سی چاہ غیا ودرک اسفلدن نشان ورر اوچوروملردر اما بوقیانک قبلہ سی طرفندہ براوچورمدن براوچوروم باشنہ وارنجہ کفار زمانی استاد کوه کنلرسنک خاراقیالری کسوب برچاہ عمیق خندق عظیم کسوب خندق ایچ بوزینہ بر شدادی کار کیر بنا یوزارشن طولی [۴] بر دیوار چکوب اوچ قلہ عظیم احداث آتمش واورتہ قلدہ بر دمر قلعہ قپوسی آتمش قبلہ طرفندہ کی داغلرہ بوقپودن کیدیلر و بوقپودن ایجری اوچ یوز آدیم سمت شمالہ کیدوب ینہ براوچوروم درہ دن بر اوچورومہ وارنجہ ایقری [۵] بقات قلعہ دیواری دخی چکمش بودیواردہ دخی اوچ عند قلہ عظیملر ایدوب ینہ کالاول اورتا قلدہ بر اغاج قناتلی قپوسی وار بومذکور ایکی دیوارلرک مابیندہ ایکیوز قرمز ی کرہ مت اورتولی چنود اولری وار و یوایکی قات دیواردن غیر ی یردہ مبنی

[۱] ک : پوتمای در . پ : . بو شای در . [۲] ک : زر نشان [۳] ک : بر قیرمز ی قیادر

[۴] ک : طولی [۵] ک : آشیری

سن [۱] و بلبان و دولنکچ و مسلی [۲] قرتالار آشیانلر اتمشله حتی اشنی درملرنده بر آدم برنره خاقرسه [۳] قیلاری نیم ساعت صاعقه کبی کورول کورول کورلیوب آدمه دهشت عظیم حاصل اولور حتی قرم ولایتی فتح اولوب یدی بیل یوقله دست کفارده قلوب کدک احمد پاشا بوقدر عسکر قردردغیچون کندوسی دخی غضب شهریاری ایله شهید اولدوغندن بوقله یه منکوب دیدیلر اما لسان قریمه اسمی ... در بوقله بی مثالی دخی سیروتماشا ایدوب سمت شماله جهودقپوسندن یقوش اشنی اینوب برواسع درده کیدوب

قریه قوجه صلاسی [۴]

برجامعلی و برحاملی و یوز عدد کره مت اورتولی مسلمان اولی باغلی و بانچهلی و برآب حیات دردی ایکی یالچن قیالی دره مایینده بر معمور کویدر اندن ینه اول دره ایچره بر ساعت شماله کیدوب

منزل قریه سورن باغ ارم ذات

نهر قازقلی اورک [۵] کنارنده بر باغ مرام مثالی کویدر کم محمد کرای خانک آند بر سرای عظیمی وار کونا کون قصر خورنقلر و مذهب کاشانه لر وار کم کویا هربری بر کونه نقش نکارخانه چیندر اکر بو باغ جنان زهت آبادلری ماقعی اوزره تعریف و توصیف اتم بر طومار دراز اولور خدای لم یزل صاحبنه مبارک اید حتی بودعایه مناسب بر ایات [۶] خاطره خطور ایدوب روی دیواره تحریر اتم (بیت)

صاحبنه مبارک اید خدا طول الله عمره ایدا

دیوب بر کیجه مهمان اولوب بوستان و کلستانلری ایچره جاری آب روانلری کنارلرنده کی مقصوره لده نیجه هزار هزاران اصوات حزینلن استماع اتمدن کسب طراوت پیدا ایدوب ارتعی جانب شرقه ۳ ساعت معمور قرالر ایچره کیدوب

[۱] اشبو (سن) کله می ک، ط نسخهلرنده یوقدر معنای ده اکلاشیله میورد (م)
 [۲] پ، ک، میکی، ط، مسلی [۳] ک، جاقرسه [۴] پ، صلاسی [۵] پ، ک، اوزوک [۶] دوغروسی (بیت) اولمیلدر (م)

حتى بر سفیه مهمل و جهمل صیاد غلام بو ایاتی ترنم آتمش (بیت مالایعی)
 بریهودی شخه [۱] دین عشقنه زرك [۲] ایلدم. آفرینلر [۳] ایلوب شیطان تحسین ایلدی
 دیمش اما بدکاری کبی نجس یمش اما بو طشره قیسا قلعه‌نك ایکی عدد قپوسی
 وار بری بو چفودلرک کوچوک قپوسیدرکم جانب شماله مفتوحدر بوندن یوکلی
 آت کره مز آندن طشره جمله دخی طاباغ [۴] دکانلریدر و بر قپوسی دخی طرف
 شرقده ایچ قلعه آلتنده مسلملر قپوسیدرکم یالچن قیالری کسوب یول آتمشلردر
 و بویولدن ایجری بر کفار کنیسه‌سی وار قپوسی اوزره بر چارکوشه بیاض مر مردن
 جسدیه برابر [۵] بر آت اوزره الی مزراقلی بر آدم آتنک ایاغی آلتنده بر اژدره‌های
 اولدرمش شکللی طاشدن او یولمش بر تصویردرکم کویا سحر اعجازدر و بو قلعه‌نك
 ادرون و بیرونده نیجه بیک کونه مغارالروارکم کورن آدم حیران قالر [۶] اما جمله
 قرم ولایتی خلقنك ذی قیمت ماللری بومنکوب قلعه‌سنده کی غارلرده محفوظدر زیرا
 بو قلعه ربع مسکونده اولان نه ماردینه و نه شبن قره حصارینه و نه وانه و نه عمادینه
 و نه دهله و نه عقربه [۷] و نه عجمده مالویه [۸] و نه قهقه‌های و نه زندانیه و نه شفق
 قلعه‌سنه و نه دیار مورده نعهسه [۹] قلعه‌سنه و نه افیون قره حصارینه و نه امق [۱۰]
 قلعه‌سنه الحاصل بو ذکر اتدی کمز قلعه‌لرک برینه دخی بومنکوب قلعه‌سی بکزه مک
 احتمالی یوقدر زیرا مذکور قلعه‌لرک هر برینک بر کونه قبحی [۱۱] واردر اما بونک
 ایچنده ذخیره‌سی اولدقدن صکره شلفله [۱۲] سنجاغنده ارمناق [۱۳] قلعه‌سنه مانند
 بر قلعه منکوبدر انکی چون مورخان جنسکیزیان بو کرمانه قهقه‌های قرم دمشلر خدا
 حفظ و امانده ایده زیرا بوهان ید قدرت ایله قلعه ایچون اولمشسدر بونی
 کورمین جهانده بر قلعه تماشا اتمدیمسون و جانب اربعه‌سی قیالرنده شاهین وزاغنوس

- [۱] ك : پیجه (دوغروسی) پیجه (اولمیدر (م) [۲] ك ، ط : رزك [دوغروسی]
 (رزق) اولق ممکندرکه مزراق آتقی معناسنه در (م) [۳] ك : آفرینلر [۴] ك : دباغ
 [۵] اشبو (برابر) کله‌سی پ ، س ، ك ، ط نسخته‌لرنده یوقدر (م) [۶] ك : حیران
 اولوب انکشت بردهن ایدر [۷] ك : عقربه [۸] ك : ما کوبه [۹] ك ، ط : بفتشه .
 پ : نعهسه ، س : نعهسه [۱۰] ك : آتقی [۱۱] ك : قبحی و بجنقی وار [۱۲] ك : سلفسکه
 [۱۳] حالا (ارمناك) دییه سویلنمکده در (م)

جلی خط ایله تاریخی بودر (تاریخ جامع سلطان بایزید بقلمه منکوب قهقهه)

صاحب الخیرات سلطان بایزید آتمشیدی بونده بر جامع بنا
 روزکار ایله خرابه مشرفن کوردی آنی حزیه دار محمد اغا
 حق تعالینک رضاسن کوزلیوب ابتدی احیا جامی قلدی بنا
 حشرده اوله عبادت تاریخی محض لطفندن قبول ایده خدا سنه ۱۰۵۶

بوجامعک انجاق بر قیوسی وار اطرافنده هیج اولر یوقدر همان بر چنزار برده
 معبدکاه قدیمدر اما بوجامعدن سهل آشنی بر مسلمان محله سی وبر مسجدی دیوز
 عدد کیرمت اورنولی خانه لری و کوچوک حامی و ایکی عدد چشمه سی وار غیر
 عمارت یوقدر بومحدن اشنی سراپایدی عدد چفود محله سیدر جمله بیک مقدری
 کره مت اورتولی یهودیلرک منحوس خانه مخصوص لیدر کم مردار [۱] و ملولردر و جمله
 سکسن عدد طباق دکانلری واردر جمله یهودیلر کوده ری و کوسه له اشلرلر قرم
 دیارنده منکوب کوسه سی مشهوردر و آنجاق ایکی عدد قصاب دکانی وار وبر
 بوزه خانه سی واردر اما جمله یهودیلری قرانی مذهبنده چفود جهودلدر سائر
 یهودیلر بو مذهبده اولان جهودلری سومزلر و طعاملرند قشر و طورفه ندر بنزلر
 هرکک نعمتی اولورسه صای یاغلی ده اولسه و سگری چقماش هر نه کونه ات اولسه
 یرلر مثلا بونلر یهودیلرک قزلباشلیدر روز محشر کونی بونلر قزلباشه بنزلر
 اما او بر اسرائیلی چفودلر یوم محشرده قزلباشه بینزلر دیرلر مصراع (رافضی
 روز قیامت خربود زیر یهود) دمشلر اما بوجفودلر کرچه اسرائیلی و موسویلدر
 تورات و زبور او قورلر اما اصلا چفودلسانی بلزلر جمله تاتارجه کبات ایدرلر و جمله
 مور صوفدن دیکلمش تاتار قلیغانی کیرلر شاپقه کیمزلر و غایت محبوبلری چوقدر
 زیرا بومنکوبک آب و هواسنک لطافتندن یهودی پچه لرکرنک روپلری غایت حمرت
 اوزره قرالی [۲] و عنالی [۳] کوزلی قرمنزی یوزلی و شیرین سوزلی غلاملری
 اولور حتی قرم دیارینک معلم محبوب دوستلری بونده کلوی غلامپاره لک ایدرلر

[۱] ک : قرم مردار [۲] ک : مرالی [۳] ک : غزالی

بش عدد مردم حصارى واردر زیر اقریمك ایچ ایلیدر (اشکال قلمه سی) اوج آمانه سرچکمش بریاض قیانك بورننده برقلعه بالادرم بوقلمه اولدوغی قیانك دائرآمدار جرمی یکریمی بیک آدیم احاطه ایدر بردوز چمنزار ولاله عذار صحرادر وبوقیانك جانب واطرافى بیکر آرشن چاه جحیم دره لیدر وهرطرفی آلتلی کوه بی ستون کبی بوشدر کوبایرمانطار کبی بلی اینجه یوقاروسى واسع خلق اولنمش قیا اوزره صحرادر برطرفندن بوقلمه یه وارلاق محالدر الا قپوسى یولندن طرفه وارلسه ممکندر اما یدى قات بروج عقبه لری وار قبولدن کیمکه محتاجدر کمهر بر قپوسى در بند جانلندردن نشان ویرر قبولدر همان دشمن اوطوردینی یرلردن آشنی طاش یو وارلسه کفایت ایدر غیرى طوب و توفنك آتماق لازم دکادر حتی بوقیادن یوکسك جانب اربعه سنده بالا قیالر یوق ایکن حکمت خدا بوقیا اوزره اوج یرده آب حیات چشمه سارلر و صو قیناقلری واردر و قلمه سی بوکوه بالانك شرق طرفنده بر بورونده واقعدر انجاق برقات قالن دیوار چکلمشدر غیرى قلمه لری کبی بوقلمه دیوارنده بدنلر و قله بی بدللر یوقدر و غیرى اوچوروم یرلرنده دخی قلمه دیوارلری اصلا یوقدر و لازمده دکادر زیرهان ید قدرت ایله بوقیا قلمه خلق اولنمشدر و جانب غربه مکشوف براوچورومده برکوچوچك دمرقپوسى واردر عربده کل آت بیله کوچیله کررچیقار حین فتحده جمیع قپوقولی یکچیریلر بونده [۱] شهید اولمشلردر و بو ایچ قلمه ده اصلا اولریوقدر انجاق برطاش قبله لی کنیسه دن بوزما برمسجدی وار و براوزون کیره مت اورتولی اوی وار برصوقلمه سی وار اللى ایاق نردبان ایله اینلوب صو آلتز و بو ایچ قلمه قپوسى اوزره جنوز کفره سنك خطیله بوقلمه نك تاریخی وار دخی اوستنده کی چار گوشه فله ده کفار سرانی ایمش حالا شمدی ایچنده جبهه خانه و طوب و توفنك و غیرى مهمات و آلات جنك دورر و بوقلمه جمیع زمانده مقفول دورر مفتاحلری دست دزدارده در ایچنده اصلا آدم و آدمی زاد یوقدر و بو ایچ قلمه قپوسندن جانب شرقه یوز آدیم بعید برواسع الاک میدانده همان سلطان بایزید ولی جامعی وار طرز قدیم چاقما کیره مت اورتولی مناره سبز برکوچك جامعدر حتی قپوسى اوزره چار گوشه برجنده

[۱] ك: بو محله

اورتولی معمور اولی معظم کویدر اندن سمت شماله. بر ساعت کیدوب نهر قازقلی اوزك [۱] اوزره اسلام کرای و محمد کرای خان وزیر سفر غازی اغانك دورت کوز طاش جسرندن عبور ایدرکن بر سد اوزره بر نمازگاه محرابی اوزره جلی خط ایله تاریخی بویه تحریر اولمشدر (بیت) تاریخ مصلاى سفر اغا وزیر محمد کرای خان

آصف اعظم سفر غازی اغا همتيله بوجسرى ابتداى بنا
حق مرادن همیشه ایده عطا قبل الله خيركم تاریخ اوله

سنه ۱۰۶۸

اندن شرق طرفنه قره نام کویلی صاغزده براغوب بر ساعت کیدوب

منزل قریه - ورغنه [۲]

قازقلی اورك [۳] نهری کنارنده برواسع اوزایچنده باغلی و بانجلی و یوزاللی عدد کیرمت اورتولی برجاملی و برحاملی معمور اولدرر باخصوص خانه من صاحبی جورغنه لی [۴] مصطفی اغا و احمد اغانك خانه لرنده قله عظیمنده دمر قبولری اوکنده آصها جسرلری وار بوخاندان صاحب لرنك نعمتلری جمله آبنده ورهنده یه مبدولدر آندن سمت شرقه ۴ ساعت داغلا و دره لر کچوب

ستایش قلعه منکوب قهتهای ولایت قرم

بانسی حنوز کفره لریدر اماقتی سنه ... تاریخنده بایزیدخان فتحیدر بدست کدك احمد پاشا یدنی کره بوقلعه به سفر ایدوب سکنز نیجده یدنی بیک یکچیری فردروب فتح اتدو کیچون کدك احمد پاشانك سبب شهادتی بوقلعه فتحنده یکچیری فردر دیفیچون اولمشدر زیر جانب از به سی فتح اولوب اورته ده قالمش قلعه سن علی مهل محاصره و تضییق ایله آلمیوب عجب ایله یوروش ایله قوللرم فردر ک دیو کدك احمد پاشا قتل اولمشدر بوقلعه حالا کفه ایالتنده و یونادالقدر و یوزاللی اچمه پایه سیله قضادر یتش پاره ناحیه قرالری واردر غیرى جا کلیری یوقدر انجاق دزداری و اون

[۱] ك: قازقلی اوزوك [۲] ك: جورغنه [۳] ك: اوزوك. س: اوزك [۴] ك: جورغنه لی

لیمانه ناظر پنجره‌لی خانه مفید مختصر لرزد اما اول طرفه بر عظیم قلعه سی لیمان
 آغزینه ناظر اولوب انده شاهانه طوپلری واردر کم جمله یکریمی پاره طوپلردر
 بوذ کر اولتان آتارلردن غیری درون قلعه ده اصلا چارشوی و بازار و خان و حامدن
 بر نشان یوقدر همان قلعه دزداری قپو اوکنده نفراتلریه او طوروب نوبت بکلر
 اما بعضی زمان قلعه سن برک ایدوب اشنی اسکله یه کیدر (درستایش اشکال و اروش
 قلعه بالقوا) بو قلعه دن اشنی طشره کیدوب لیمان کنارنده جمله ایکی محرابلی بری
 جامع و برمسجدلی و ایکی محله لی جمله ایکیوز کره مت اورتولی قیالر اوزره ایکیشر
 اوچر قات اولردر چوغی تحتانیدر و جمله بر کوچوچک حمام و جمله بر کوچوچک
 خاندن و جمله سکسن عدد دکاتلردر وینه لب درباهه کومروک خانه در و جمله یتیش
 عدد روم کفره سی اولریدر و طاشلق زمین اولماق ایله اصلا بو واروشک باغ و باغچه سی
 یوقدر و بونده چشمه لر دخی یوقدر آب حیات قپو صولری نوش ایدرلر و لطیف
 آب ناب قیناق عیونلری واردر و لیمانی بشیوز پاره کمی آلر سکزر روزکاردن
 امین لیمان سالمدر حتی بولیمانده دورت موسم بالقلری حیقار کم حساب و کتابن خدا
 بلور انکیچون بالقوا دیرلر و جمله خلقنک کارلری بالقه جیلقدر و کیجیلکدر
 و اکثریا قوم [۱] اخریان لاز طائفه سیدر تاتار قومی بوقیالر آره سنده دوره مازلر
 اما بولیمان قره دکزدن کروب حیقماق غایت مشکدر زیرا لیمان بوغازلری داراجقدر
 قره دکزدن بروطشره دن کلر کن دکمه رئیس ملاح کشتیانلر بوغازاغزن بوله میوب
 کیلرن پرالدرلر خدا حفظ ایده آل عثمان حکمنده خطرناک اولان لیمانلرک بریسی
 دخی بودر و کیجیلر مابینده بولیمان مشهوردر بر غرایب و عجایب لیماندر کویا بر
 چناق ایچنده در [۲] اطرافلری اوجه پیوسنه اولمش یالچن قیای کونا کونلردر
 بوقلعه دخی سیر و تماشا ایدوب آق محمد پاشا صوباشی سندن و کومروک امینندن خرچ
 راهلریمز آلوب بوجزیره دن ینه کرویبه عودت ایدوب اوچ بیک آدیم کیدوب

منزل قاضی کوی

صافی تاتار مسلمانلریدر باغلی و باغچه لی و بر حاملی و ایکیوز کره مت

[۱] ک : قومی [۲] ک : ایچنده صودر

مشرق طرفي يالچين قرمزي قيالري اويله بالادركم لب دريادن تاذروء اعلاسنه وارنجه
 بوقيالرك قدي بشيوز معمار آرشني عاليدركم ابا [۱] داغليدرم بوكوه بالالر
 تا اناطولى طرفنده سينيوب يعنى صناب داغليندن وروم ايلنده بلغراد داغليرى
 قياليندن [۲] اوچيوز ميل بعيد يرلردن بوالقلوا داغليرى نماياندرم بوالقلوانك ايچ
 قلعهسى تا اول سر آمد قلعهلك ذروء اعلاسنده برقلعه سر آمددر بوقلعه دن آدم
 بحر سيابه نظر اتسه درياده كزن كيملى سنك كى كورينور بوو ايچ قلعهده
 اولان سر آمدنارن قلعهسى [۳] تاذروء اعلاسنده بهار اياملرندن تاروز قاسمه وارنجه
 آلتى آي بو ايچ قلعه قلعهسى اوزره اون فتيلى قنديل چراغدان يانار زيرا درياده
 كزن كيملى بو قنديل فانوسى كوروب بلرلكم بالقلوا قلعه سيدر اندن دوغروب
 كلدكلرنده بالقلاغى ليمايه كروب سلامتته داخل اولرلر اما روز قاسمدن صكره
 فرده كزده كيملى كزملك احتمالى يوقدر زيرا حقا كه بحر سياهدركم اوقد فلك
 كيملى بعض كئنازلرده يقين يرلره كيدرلر بو قلعه نك جرمى كامل اوچ بيك آيدمدر
 امال دريايه ناظر قيالري اوزره قلعه ديوارلىرى يوقدر زيرا اول طرفلى نعوذبالله
 غيادر اما يالن قات شددادى طاش ديواردر ووجه قرق عدد چار گوشه لى مصنع
 قلهرلى وددان بدنلى غايت مصنع قلعه زييادركم ايچنده اوچ قات توله [۴] حصار
 ديوارلىرى وار بربرينه كيملى قپولرى و خندقلرى واردر عجيب حكمتدرم بويله
 سر آمد قيالردن صولر چيقوب قلعه دن طشره آب حيات عيونلر آقار الحاصل بو قلعه يه
 بر جانبدن اصلا ظفر ممكن دكلدر انجق محاصره ايله آلتر بو قلعه نك بو راز جانينه
 ناظر ايكي قات بردم قپوسى وار بو قپونك ايچ يوزنده جاندى لذيد بر آب حيات
 چشمه جاريدر بو قلعه نك اطرافنده اصلا خندق يوقدر واولماقده محالدر حتى
 قپوسى كمرى اوزره جنوز كفره سنك خطيله تاريخى وار زيرا بو قلعه زمان بايزيد
 خاننده جنوز فرنكى الندى فتح اولمشدر وقلعه ايچنده اللى عدد كره متلى نفراترك
 اولرى واردر برى برى اوزره قيالره ياپشمش اولرك پنجره لرى جانب شماله وغرپده [۵]

[۱] ك : ايايا . س : آيانا [۲] ك : يلفراقيلرى طاغليندن [۳] ك : سر آمد و ناران

قلهرك [۴] ك : دوله [۵] ك : وغرب جانينه

خاکنده بالقوا ناحیه‌سیدر اما بوزمین یولدن خلاف نامعلوم برصاپه‌رده قره‌دکز ساحلنک برکورفزی ایچنده ایکی لیمان اورتاسنده یا لجن قیالر اوزره متین قلعه‌لر ایمش اکر عمار اولسه هر محصولاتلرندن اوچ مصر خزینه‌لری حاصل اولوردی بونی دخی سیر و تماشایدوب ینه لب دریا ایله کیدرکن معمور قرالری ۳ ساعتده کچوب

اوصاف لیمان جان خلاص یعنی قلعه بالقوای جای مناص

قوم تاتار بالقلاغی کرمان دیرلر بقول مورخان جانه‌وا یعنی جنوز کفره لرینک مورخلری قوللری اوزره بو قلعه جانه‌وا قومی ولادت رسول کبریادن مقدم سنه ۸۸۲ تاریخنده اسکندر کبیر وفاتنده بو قلعه خانه‌وا نام قرال [۱] ضال صالحالیان منحوسلری خوفندن بو قلعه بالقوای بنسایدوب اسمنه لسان جنوزجه . . . دیرلر بالنی وفرت اوزره اولماق ایله قوم تاتار بالقلاغی دیدیلر بعده سنه . . . تاریخنده سلطان بایزید ولی عصرنده سردار معظم کدک احمد پاشا با اعانت منکلی کرای خان ایله جبراً و قهرآ جنوز فرنگی لندن دست قهر ایله فتح ایدوب جنوز بانی بک زاده‌سی قره‌دکزدن کیلریله آزاغه فرار ایدرکن دو تنمای هایونمز دریاده جنوز بانی بک زاده‌سنه راست کتوروب بشیوز کیلریله آئیده آلوب اسپر اتدکرن تاتار تواریخلرنده مفصلاً تخریر اولمشدر حالا بو قلعه بالقوا بایزید ولی تخریری اوزره کفه ایالتی پاشاسنک و یووادالفیدر و یوز اللی اچمه پایه‌سیله آل عثمان طرفندن صدقه اولنور شریف قصادر خان عالی قدرلر قضا‌لرندن دکلدر شیخ‌الاسلامی و نقیب‌الاشرفی و سپاه کتخدا یری و قپو قولی سرداری یوقدر لکن فتوالرن یا کفه‌دن یا خود باغچه سرای مفتیسندن آلرلر و بر حاکمی دخی کومروک امینی درکم عظیم لیمان و بندر قدیم اسکله‌در بر حاکمی دخی قلعه دزداری‌در و جمله یوز سکسن عدد قلعه نفراتلری واردر (اشکال قلعه‌سی) بر لیمان ایچنده لیمانک جانب شرقیسنده اوچ آسمانه قات اندرقات سرچکمش یا لجن قرمزی رنگ قیالراوزره شکل مثلثا کری بوکری و انش یوقوش شدادی طاش بنا بر حصن حصین بر قلعه بالادر

بو قلعه يه استيلا ايدوب یتش يلدنصکره يته له قرالی ايله آق کرمان صاحبي صلصال اوغلی يك دل ويك جهت اولوب بو قلعه دست جنوزدن اله آلوب قبضه تصرفنده قالوب ايچنده کی له بك زاده سنك بريسی قرنداشی ايله حسن زندکانی ايدمه يوب ميكال نام له بك زاده سی موصقو قرالینه فرار ايدوب اوزی صويی ايله اوج بيك پاره قايق ايله بوسار کرمان [۱] اوزره عسکر بی پایان چکوب کلور نجه زمان قرنداشی ايله حرب وقتال ايدوب آخرکار قرنداشی برکیچه قلعه دن کيلره بنوب فرار اندکده مصقودن کلن قرنداشی بلوب بو قلعه صار کرمانی [۲] قرنداشمه قالسن يته ديو مصقو عسکريله بريل بو قلعه ده اوطوروب کوچيله تمام بريلده خراب ايدر حالا قلعه سنك جابجا يرلری ویراندر اول زمان بو قلعه ايچنده یتش بيك عدد معمور خاندانلر وار ایش بو قلعه نك زمینی بر لیان اغزینه واقع اولوب قبله طرفی لیان عظیمدرکه ايچنه اون بيك پاره کمی صیغار کویا جزیره کريده حانیسه قلعه سی قرینده سود [۳] لیانیدر اما بوسار کرمان [۴] قلعه سی ایکی لیان عظیم اورته سنند. بر بورونده واقع اولوب بو قلعه لیانلرینك قرشو طرفنده بر میل قرشی

شهر عظیم صالونیه قلعه سی

بری واردر بونده دخی یوز سکسن بيك عدد خاندانلرینك و قرق بيك دکانلرینك و کویا بسته [۵] برر کئیسه لرینك و نجه کره یوز بيك آثار عمارتلرینك سر آمد صاقی مرمر ستونلری رده يتوب هر آثار اساسلری حالا ظاهر و باهردر بو صالونیه شهری ايله صار کرمان [۶] شهری قرشو قرشویه واقع اولوب مابینه مالرنده مذکور لیانلر اولماغيله برشهردن برشهره قرق بيك قايق آدم طشرلر ایش بونی دخی له قرالی بك زاده سی مصقو لشکريله خراب ایتشدرک ایچلرنده بوم وغراب ویلان و چیان آشیانه و مسکن ایدنمشلردر اما وقت شتاده بو خرابستان قلعه لر ایچره قرم اعیانلرینك نجه کره یوز بيك سو رو قیونلری قشلیوب قشاه حقن بالقلاغی قلعه سی امینته ویرلر زیرا بو قلعه تینلرک [۷] زمینی آل عثمان حکمنده کفه ایالتی

[۱] ك : ساز کرمان [۲] ك : ساز کرمان [۳] س ، ك : سوده [۴] ك : ساز کرمان [۵] ك : وکوی باشنه [۶] ك : ساز کرمان [۷] دوغروسی (بو قلعه تینلرک) اولمیدرکه (قلعه) کله سی عربی قاعده سیله نئینه لندکدن صکره تورجکه قاعده سیله جملنمشدر (م)

باشلیینه سوردکری کیل ددکاری بر کونه یاغلی چاموردردر بودخی بردیاریه بونک کچی کیل محسوس دکلدر کشتی بانلر داغلردن قازوب چقاروب نجه یوزباره کیلره بو کیلی دولدوروب کتوررلر حتی اسلامبولده یاغلی کقه کیلی دیو صادقلری بواین کرمان کیلدر یوخسه کفده کفه طوزندن و ترکش [۱] بالغندن غیری بر شی اولماز اما بواین کرمان اطرافنده کی داغلرده ککلک وچیل وطوراج و سوکلن و طوی واکت مثالی طیورلر اولوب صیدشکارگاه و مسیره گاه لیمانلردر بوندن صکره جنوب طرفه قره دکیز ساحلیه کیدرکن اولوطه لیمانی و حماملن [۲] لیمانی و صولیجه لیمان و اولولیمان و باغچلی لیمان و چورغونه لیمان خلاصه کلام بو طرفلرده اون سکزه عدد لیمانلری خراب و بیاب قلعه لری قله لریله سیر و تماشا ایدوب نجه عبرت نما آثار عجیبه کوردم الحاصل قره دکیزک یمن و یسارن ایکی کره دور اینک میسر اولوب بو محللرده اولان لیمانلر کچی سکزر روز کاردن امین لیمان جای مناصلر کوردمم جمله لیمانلر سکزر روز کاردن مصون و محفوظدرلر هر نه ایامده بولیمانلره کیلر کرسه اصلا تیور براقیوب یا طرلر و جمله کیلرک باشلری باغلمدن یا تمق ممکندر بولیمانلرک جانب اربعه سنده کی داغلر جمله صاقز اغچلریدر کفار زمانی بو اشجارلر جمله صاقز ویرلر مش اما شمدی قیمتن بلیوب تانار قومی کسوب اودون ایدرلر بو لیمان اطرافنده کی داغلرده و قیالرده کی غارلرده جمله قریم خلقنک قیونلری قشله عظیم ماندره و سایه لر [۳] واردر بو محللری کامل اون کون کزوب سیر و تماشا لری ایدوب ماندره لرده چوبانلر ایله قیون و قظو و بال و تره یاغی و قیاق و کوله مز و هو شمرم و آغز و قاتق و تله پنیری و کسمک و صور و طقه و کونا کون سیرلر [۴] و لطیف سودلر ذوق و صفالرن آتمشدر کم خدا بیلور و سیدسخانه لریمزه تازه تکرلک پنیرلردن تحمیل ایدوب اندن شرقه کیدوب ۶ ساعتده

دروصف قلعه کهنه آباد صار کرمان [۵]

زمان قدیمده له قرالری بناسیدر اندن جنوز فرنکی قریمه مالک اولماق ایله جنوز

[۱] س، ک؛ ترکز [۲] ک؛ و حمامی [۳] س، ک؛ و سایه لر [۴] ک؛ پنیرلر

[۵] ک؛ ساز کرمان

وارد و جمله ایکیزاوروم کفرملینک دارمنحوسلری و بردیرلری وار اماماتقدم بو اشنی واروش بو قزاقلی اوزک [۱] درهسی کنارنده قرق بیک عدد معمورومزین اولر ایش طو خطمش [۲] کرای خان معرکلری محلنده کفار دوزخ قرارفرجه بولوب یوز پاره کیمله بواین کرمان لیمانه قزاق کفاری کلوب بوشهری خراب و بیاب ایدوب بوقدر مال غنایملر دخی آلوب کیدر حالا اول خرابستانک آثار بنالری ظاهر و باهردر و بو خراب اولان واروش دره سنک ایکی طرفنده اولان اوجه سر چکمش قیالرده قات اندرقات شاهنشین و مفرشلی و فروشلی [۳] و بولکلک [۴] شرکیلی و باجملی و مصنع اوجاقی قیادن اویمه صفه صفه مغارار وارکم کویا هنوز فرهاد کوه کن تیشه سندن چقمش غاریتیانلر درکم کورن بی آدم انکشت بردهن ایدوب واله و حیران قالور اما بامرالله تعالی اول زمان آدم لرینه سنک خارالر مسخر ایش کم بو قیالری همان کویا پنیروایار کبی او بوب نیجه کونه مراد و مراملری اوزره سرایلر دودوده خانه و دیوان خانلر ایشلر اندن معلوم درکم زمان قدیمده بواین کرمان شهر عظیم ایش حالا یه بومغارالرک حد و حصیرین خدا بیلور انکچون بو شهره این کرمان دیرلر لسان نامارده این مغاره یه دیرلر و بو خراب واروش ایچندن جریان ایدن قازقلی اوزک [۵] نهری مشرق طرفنده آناپا [۶] داغلرندن کلوب بواین کرمان اوکندن کچوب اشنی طرفده لیمان ایچنده قره دکیزه مخلوط اولور قدیم اولده بونهر اوزره یدی بیک صو درکرمانلرینک تاملری نمایندر (ستایش لیمان عظیم این کرمان) ابتدا بیوک لیمان دائراً مادار اوج میلدر و بوغاز بوغاز قیالر اره سنده جمله سکز عدد لیمانلر درکم هر برینه بیکرپاره کمی صیغر بری بری ایچنده قیولی لیمانلر در آب و هوالری غایت لطیفدر ممدوحاتندن نجه بیک الوان ماهیلری وارکم کویا مصرده اسکندریه لیمانلریدر اما بول لیمانلرک اطرافنده کی داغلرک قره جه وصفن و بکش بیابانلری بردیارده بوقدر و ایام شتاده لیمانلر ایچنده قاز و اوردک و قوغو و بالقجیل و قره باطق و سرخاب صقا [۷] قوشلرینک حسابلرن خالق کونین بیلیر و لیمانک بایلرلرنده عورتلرک حمامده

[۱] س: قازقلی اوزک . ک: قازقلی اوزوک [۲] ک: طوختمش [۳] ک: قررشلی

[۴] ک: بولکلک [۵] ک: قازقلی اوزدک [۶] ک: آیاپا [۷] ک: وسقا

چاه‌غیای درك اسفلدن نشان‌ورر جمله شهر خلقنك اسیرلری بوسجندہ محبوس اولوب
ینه بوابلر بکلر وینه قپوسی اوکنده زیارت‌کاه شهیدالر مرقدی وارکم زیارت‌کاه‌خاص
وعامدر (طشره واروش قلعه این کرمان) بو قلعه نك طشره مشرق طرفنده بر
مسلمان محله‌سی وار جمله اوستلری طوپراق اورتولی طاش دیوارلی کارگیر بنالی
اوچپوز عدد تختانی و فوقانی تانارلر اولریدر بونده بر جامع و بر محله مسجدینک
قپوسی کمرینک ایچ یوزنده جلی خط ایله تاریخی بودر (کان‌اتمام‌هذالمسجدہ تاریخی
سنه ۹۲۹) بو مسجدک برمصنع بر مناره‌سی و بر دارالتدریس مسائل شرعیه تلاوت
اولینجاق مدرسه‌سی وار کان فقرا بر مسجد عتیقدر بوزاویه قدیم ساحه‌سندہ
خلوتی طریقتده الشیخ یعقوب افندی انده مدفوندرکم قطیته قدم بصمشدی دیرلر
حتی قریه قاجیده مدفون حسین افندینک بو یعقوب افندی سیواسیدرکم [۱] اولو
سلطانلردر قدسنالله لسره‌العزیز [۲] وبومذکور واروشدن اشنی واروشه کیدرکن
بریاچن قیا اوزره بر واسع چمنزار میدانده چار گوشه بر متین و صعب شدادی قله
وار چار گوشه‌سندہ طوب مازغاللریله آراسته قله عظیمدر کفار زمانی بومذکور
چمنزار واسع برمیسی [۳] بوچار گوشه قله ایله طشره واروش قلعه‌سی [۴] یاماق
مراد ایدتمش لکن میسر اولماش ا کر اویله اولسه بو قلعه این کرمان امن وامان
اولوردی و مذکور چار گوشه قله‌ده دخی برعظیم کمر قپو واردر بو قپودن قلعه‌یه
وطشره مذکور واروشه چیقار صارپ قپودر اردی اوکی کسمه قیالی خندقدر بر
طرفی جانب جنوبه اوچورومدر بو قپودن اشنی اینرکن (دروصف اشنی واروش
قلعه این کرمان) اولایول اوزره بر کوچوک حمام و برطاش مناره‌لی وقت مسجدی
وار بومسجدہ متصل حالا نورالدین سلطان افندیمزک باغ‌خیاباندن نشان ویریرسرای
عظیمی وارکم کویا یلانچی فانی دنیانک باغ بهشتیدر بونده اولان متعدد قاعه‌لر و کونا
کون فسقیه و حوض و شادروانی حجره‌لر دیار قریمک برسرایلرندہ یوقدر و برمفرح
ودلکشا آب‌وهواسی و بناسی لطیف حامی وارکم بو دخی بی‌مانند و بی‌نظیردر و بو
واروشده جمله ایکیوز اللی مقداری طوپراق اورتولی کارگیر بنالی مسلمان‌خانہ‌لری

[۱] ک : پیشواسیدرکم [۲] ک : بسرهما‌العزیز [۳] واسع و متین [۴] ک : قلعه‌سین

وجنوب طرفلرنده اصلا قلعہ دیوارلری یوقدر العیاذ باللہ آدم اشنی باقغه جرأت
ایده منر زیرا کوه بی ستون کبی آلتی بوش قیالردر وقیوسی طرفنده خندق کامل
یکرمی آدیم کر مه قیادن کسمه درین خندقدر کم بوقیابی بویله کسوب خندق عمیق
یاپماق مقدور بشر دکلدر کم زمان قدیمده کفسار تاتار خوفندن بو خندقه عجب همت
صرف آتمشدر ماتقدم جنوز النده ایکن لغمسزسنجوان پاشا فتح آتمشدر بودخی
مقدور بشر دکلدر زیرا بوقلعهیه بر طرفدن سیبه و متریس ولغم ممکن دکلدر وبویراز
جانبنده برقلعه عظیمی وار انده بر تیمور قپوی مسدود اوزره جنوز فرنیکی خطیله
بوقلعه نك تاریخی وار وبوقپو اوزره بر کوچوک کینسه جک وار وبوقپودن ایچری
کفره قرالری نك دیوان خانئه منحوس نامبار کلری وار قبلهیه مناسب اولماغیله حالا بو
دیوان خانه سلطان بایزید ولی جامعیدر لکن مناره سی یوقدر و محرابی اوکنده قیادن کسمه
بر آب حیات صوقیوسی وار تاشنی قارقلی اورک [۱] نهرندن قعر زمین ایله بوقیویه صوکلیر
منفذی نامعلومدر وبوقلعه ایچره انجاق اون عدد اولر واردر اما ایچنده آدملری
یوقدر قلعہ قپوسنی بوابلر سدايدوب دزداردن غیرى نقراتلرک الیسیده جمله اشنی
دره کنارنده کی باغ ارم کونده اولورلر حین خوفده اشنی واروشده اولنلر [۲]
واطراف کویلرده ولب دریاده اولان قرالرک جمله اهلایلیری بوقلعهیه کلوب کررلر
زیرا اکثریا قزاقدن خوف ایدرلر کفایت مقداری جبه خانه جکی وبش پاره شاهى
طوبلری واردر وبوقلعه نك التنده کی قیالرده نیجه یوز غاریتیمانلر وارکه هر برینک
ایچرلرینه بیکر ایکیشر بیک قیون صغار قش کونلری جمله بودیار اعیاننک قیونلری
بومغارلرده یطر انکیچون بوقلعه خانهلری آزدلر بی آدم چوق اولسه هپ بو
مغارلرده ساکن اولورلردی وغارلرک ایچنده صوقاق صوقاق قیادن کسمه یوللری
واردلر وقیالرک بعضی یرلرن کوه کئنه دلوب مغارالریچره آیدنلق کلر باد کیر یرلری
وار العظمه لله غریب و عجیب تماشا کاه قلعهدرحتی جمله اهل ولایتک مال وارزاقلری
بومغارلرده در کم کدلی دوررینه بوابلری وار وبوقلعه نك شرق طرفنده قلعهدنی
اوستنده طاش جسر ایله کچیلر خندق ایچنده بر متین وقوی زندان قلهسی وار
[۱] س: قازقلی اوزک . ک : قازقلی اوزوک [۲] ک : اشنی واروشده ساکن اولورلر

اوغر ایوب بوبعل بک [۱] باغلی ایچندن کچوب قره دکیزه مخلوط اولور بر آب حیاتدر کم قریمک تا اور تاسنده کی قارلی طاغردن کلوب طاطالن کچر و بوبعل بک باغلی تمش بیک دولو [۲] باغدر درلر بوباغلرده اصلا کویلیک یوقدر انجاق باغلی بکلہین صرفان نام کولہلر ہر باغده اهل و عیال لریلہ سا کنلردر و بوبعل بک باغلی درہ سن کچوب سمت قبلہ یہ ۳ ساعت داغدر و اور مانلر ایجرہ آبادان چفتلیکلی سیر و تماشا ایدہ رک عبور ابدوب

اوصاف دارامان یعنی قلعہ این کرمان

لسان فرنگدہ اسمی درلکن قیالرنده اینلری یعنی مغارلری چوق اولماق ایلہ قوم تانار بوقلہ یہ این کرمان دیرلر زمان قدیمہ بوجزیرہ قرم جنوز فرنگی النده ایکن بوقلہ اونان فاراوانام برقرال قریسی بنا آتمشدر بعدہ سنہ . . . تاریخندہ سلطان بایزید ثانی وزیری سنجوان پاشا جنوز فرنگی الندن دست قہر ایلہ آلوب حالا کفہ ایاتی حکمنده و ووادالقدر بوقبار تا نہرندن بریسی تا قلعہ کفہ یہ و قلعہ کرسنہ وارنجہ و مشرق و قبلہ طرفلرنده تا صدق قلعہ سنہ و طاط [۳] قلعہ سنہ و آناپا [۴] قلعہ سی بورنہ و بالقلوا قلعہ سنہ و بواین کرمان قلعہ سن کچوب تا صار کرمان قلعہ لرینہ وارنجہ جنبہ دریا کناری و چادر داغلی و منکوب قلعہ سی جنبہ کفہ ایالتی در کم آل عثمان حکمنده در خانلرک ذرہ قدر داغدرہ حکمی یوقدر انجاق لب دریادہ کوزلوه قلعہ سی و قریمک اور تاسنده چول لرلی خانلرک حکمنده در بواین کرمان قلعہ سی بالقلوا قلعہ سی قضاسی حکمنده نیابت و ووادالقدر و قلعہ سی اب دریادن ایجرہ شمال جانبہ قرہ یہ بش بیک آدم کیدوب قلعہ این کرماندر کم نہر قارقلی اوزک [۵] نام عیون جاریہ کنارندہ عبرت نما برکوه بیستون اوزرہ سایہ قدکشان اولمش بریاچن قرمزی آلبہ ایری قیا اوزرہ شکل بادمی بر قلعہ متیندر انجاق مشرق جانبی بشیوز آدم قالن و عالی شدادی متین دیواردر و جنبہ آلتی قلہلردر و دیواری تمہاندن اشنی خندق دبنہ وارنجہ اوچ آدم قدی قدر کسمہ صارپ قیالی واسع خندق عظیمدر قبلہ [۱] بورادہ کی (بعل بک) کلہ سی شایان تدقیقدر (م) [۲] ک : دونوم [۳] ک : طات [۴] س ، ک : آیاپا [۵] س : قازقلی اوزک . ک : قازقلی اوزوک

قریه قاجی

نهر قاجی کنارنده اوچیوز اولی باغ و باغچلی وایکی جامع قدیمی و بر حاملی
و بر مهمان سرایی بر معمور کویدر اما کویا بر قصبه رعناذر بونده خضر
شاه افندی حضر تلرینک تکیه سنده مهمان اولوب هر بار کندولرینک شرف صحبتلریله
مشرف اولوب شب و روز طریق خلوتیده حلقه ذکرینه کروبو توحید و تذکیر
ایدردک بو عزیز حالا ولایت قرمه قرق بیک مریده مالکدر بر عظیم آناز
بنالی کارکیر قبا بلرله منی بر اولو آستانه در شب و روز آینه و رونده لره صفه
بی امتنایله نعمتلی بای و کدای و پیر و جوانه مبدولدر حتی بو حقیر فقیر [۱] کستاخانه
بالبداهه خضر شاه افندی به مناسب بو ایات [۲] دلشدر (یت)

جهانده حضرت خضره ارم دیرسک غریب عاشق طریق خضر افندی پیشوادر خضره ای صادق
حقا که خضر افندی عزیز مستجاب الدعوه بر اولو ار و سرور در کم کمال مرتبه
ریاضات و مجاهده ایله گوشه نشین خر قه پوش فقر و فاقه ار نلرندن بر اولو سلطاندر و پدر
عزیزلری محمد افندی و دده لری حسین افندی بو تکیه جنبنده بر قبه عالی ایچنده
آسوده در لر کم اول قبه پرانوار تکیه نک صول طرفنه واقع اولوب حالا زیارتگاه
خاص و عام ارباب دلاندر و بو تکیه اوکنده جریان ایدن نهر قاجی قریمک قبله طرفنده کی
طاطالی [۳] نوا حیلر نده چادر داغلرندن کلوب نیجه یوز پاره قرالره اوغرایوب و نیجه یوز بیک
مزارعات و جنینلری ری ایدوب و نیجه وادیلری سقی ایدهرک بو قاجی کویندن عبور ایدوب
توقریدن [۴] نیم ساعت جانب جنوبه بو آب زلال جریان ایدهرک بحر سیاهه رزان اولور
بعده بو حقیر شاه افندیله و داعلشوب نیم ساعت کیدوب سفر غازی اغانک طاش بنا
جسرنی نهر قاجی اوزره در آنی کچوب بر ساعت دخی سمت قبله یه کیدوب باغ ارمندن
نشان ورر داغ و راغ و باغ و بوستان و بهشت مثال خیابانلر ایچنده نهر قبارتا بودخی
جانب شرقه طاطالی [۵] داغلرندن طلوع ایدوب نیجه یوز عدد معمور قرالره
[۱] (طرفندز) کله سی علاوه ایدملیدر (م) [۲] دوغروسی (یت) اولمیدر مکرکه مدحیه
اساساً بر قاج یت اولوب بورا دیا کز بریتی قولوش اولسون (م) [۳] ک: طاتالی [۴] دوغروسی
(بوقریه دن) اولمیدر (م) [۵] ک: طاتالی

بالقلاویہ کتدی کمز بیان ایدر

اولا کوزلودن مشرق طرفنه ۴ ساعت لب دریا ایله کیدوب و کوزلو امینی طوزلسن کچوب بودخی بر بحیره عظیمدر خانلق بیوک طوزله در کم ملخی ملح اجاج کبی لذیدر کم داغلا کبی فصله فصله طوزلر یقلیدر اندن قریه طوزلیبی [۱] اندن ینه قریه مصطفی اتالقی کچوب اندن لب دریا ایله نیجه معمور قرالر دخی کچوب ۳ ساعت دخی کیدوب

قریه المالی

بردره ایچنه واقع اولمش باغلی و بانچهلی و آب و هواسی لطیف مسیره کاه تفرجکاه بر وادیده واقع اولمشدر ابتدا جزیره قریمده روضه رضوان مثللی باغ و بانچه بو کویده پیدا اولمشدر بو کند معمور ایچندن نهر الما جریان ایدوب بالقلاغه و پورغونا [۲] و ابن کرمان و چادر داغلرندن کلوب بو محله قره دکنزه مخلوط اولور بو نهر الما کنارنده باغ ارمندن نشان ویرر نورالدین سلطان سراینده بر کیجه مهمان اولوب حقا که پادشاهانه ذوق و صفالر ایدوب نیجه بیک بلبلرک نغمات خوش الحانلر استماع ایدوب روح افزا دمئر اتدک دیار قرمده بو باغک مثل یوقدر مکر بانچه سرای قربنده آشلمه باغی اوله بو باغ الماده نورالدین سلطان بر قصر مشید بنا ایدر کن حقیر راست کلوب بالبداهه بو تاریخ قصرک کتابه لرینه تحریر اولمشدر اولیا بی کاخه [۳] تاریخن دیدی مبارک اوله قصرک پادشاهم سنه ...

بعده بو باغ مرامدن سمت شرقه کیدرکن

[۱] ک : قریه طوزلی [۲] س ، ک : چورغونا [۳] س ، ک : بو کاخه

[شوبیت ظن ایدر کم « هیجه صایسی » یعنی بارمق حسابله سویلشمش؛ هر مصراعی اون بر هیجه لیدر . واقعا عروض وزننه او بو پورسه ده برنجی مصراع بحر رملدن ، ایکنجیسی بحر هزجدن اولیور حالبوکه بویله شی اوله ماز . بلکه بریسی اوته کینه ایدورمق لازمدر تاریخ پیتلرنده ایسه تاریخ مصراعی اساس اولدینی ایچون شوراده کی برنجی مصراع فرضا (دیدم ای اولیا بو کاخه تاریخ) شکتنه قونولمیدر . تاریخه کلنجه (۱۰۶۸) چیقور حقیقت حاله موافق می دکلی بیله م (م)]

(در مناقب صلحای مشایخان طابان زاهدان) ائمه و خطبا و مشایخاندن مظنه کرانه خلقدن مزوی زاهدو متورع و صاحب سلوک اهل حال کمنه لری چوقدر (در فصل هوای خوب جاودانی) محمد کرای خان حضرت لری بو قلعه طشرده سینه خندق قازدر رکن خندق برنده بر بیوک طوج قومومه بولور لر بو قومومه بر حال ایله قروب ایچندن اوچ کونه صوحیقار کم بر برلینه قارنهامش بری صاری و بری یشیل و بری کبرتی رنگلی صورلدر همان ساعت بو قومومه بی قران آدم لری استمه طوتار و بری سنی طاعون اورور و بری سنکدن هلاک اولور اولکوندن برو شهریمزک هواسی بد اولوب خلقی طاعونده اورمغه باشلدی و چارشوی و بازارده قره سنک دخی چوق کورینور اولدی دیوا هالی ولایت شکایت و حکایت ایتدیلر مکر اوائلرده بوشهر ایچنده استما و طاعون و سنک اصلا یوق ایمش خدای بیچون یینه دفع ایدمه (در وصف شهرانکیز تته کلیات شهر کوزلو) اولا بو قلعه سائر قلاع لر کی ایکیشرا و چرقات دیوارلی دکدر انجاق یان قات دیواردر اما قرق آرشن عالی و دوردر آرشن اننی دیوارلی و هندسه اوزره دزلمش دندان بدنلی و هر بدنده مازغال دلکلی قلعه در کم بر بورونه واقع اولوب قبله جانبی و مشرق طرفی و پوراز طرفی دریا فورطنه سندن جمع اولمش برکولک بورننده در و اودون قپوسندن طشره چیقوب دریا ایله خلیج اورته سنده اوچ ساعتک یر قرا در کولنده کونا کون ماهیلری چیقار باشقه امینلکدر (در بیان حاکمان کوزلو) حاکم جمله املکی امینی احمد اغا [۱] و قلعه دزداریدر و جمله اوچ یوز قوللری واردر و وظیفه معینه لرن کومروک امیندن آلر لر حاکم شرعی علمای شیخ الاسلامی [۲] و نقیب الاشرافی و اعیان و اشرافی و یوز اللی اچقه پایه سیله محصولی قضا در کم جمله نواحیلری یوز اون پاره قصبه مثال قرالری وار سپاه کتبخدا بری و یکیکجری سرداری یوقدر زیرا تانارستاندر بونده یکیکچریک و سپاهلیک بر اچقه ایتمز الا اولمز [۳] خانک قوللری قره چی خلقیدر

بوشهری دخی سیر و تماشا ایدوب امیندن خان عالیشان فرمانی اوزره ایکیز غروش و برقات اثواب آلوب

[۱] ک: ایلك امین احمد اغا [۲] ک: حاکم الشرع علما شیخ الاسلامی [۳] ط:

الا اولمش. [ک نسخه سنده بو ترکیب برنده (بونده معتبر اولان) ترکیبی وار (م)]

و بو چشمه لرك صولرى آت قپوسندن طشهره ربع ساعت بيمدجه قپولردن آتلر چكوب ترازولر ايله استاد كامللر درون شهره كتروب خان و جامع و حماملره مذكور چشمه لردن جريان ايدوب جميع باي وكدا و مخلوق خداوش ايدوب شهيدان دشت كر بلا ارواحلرن ياد [۱] ايدرلر بر عجيب و غريب دولابلى قپولدر كم تماشا گاه عبرت نمادر و عظيم اوقافلرى اوزره جمله شهر اعيانلرى ناظر النظر اولدق لردن بو خيرات فنا و خلل بولماق احتماللرى يوقدر (درعيان سيبيل خانه ارباب عطشان) جمله يكرى عدد سيبيل خانه جان ستان واردر نيجه خيرات صاحبلى بعضى گوشه لرده سيبيلر ايدوب اهل عطش اولانلرى رضاء لله سقى ايدرلر (درمدح خان مجردان غريبان) جمله آلتى عدد بكار اولدالريدر كم ارباب معرفت اهل صنايع كونا كون شيلر اشليوب اكثرى پابوج و عرقيه و غيرى پيشه بازلق ايله كفاف نفس ابدنيان مجردان حجره لريدر كم بونلر كده بوابلى واردر (دركار چارشوى و بازار و بزازستان) جمله اندرون و بيرون كوزلوده آلتىوز بتمش عدد دكانچهلرى واردر هر نه مراد ايدنسك جميع اقاليم سبعة نك ذى قيمت كالاي والاي كاخا و دارينلرى [۲] بي قيمت و بي منت بولنور اما قورشوم اورتولى كار كير بنا قبه لى بزازستانى يوقدر (درمدح رنگ روى پيرو جوان) اكثرى خلكك چهره لرى حمرت اوزره درلر (درمدح صفت محبوبه و محبوبان) جابجا تانار چجه محبوب غلاملرى و محبوبه قيزلرى بولنور اما اكثرى اصفرا اللون يعنى صارى چهره لى غلاملردر (در اساء اشرف اعيان كباران) اومور اتالق و صالمان اتالق و الت ميرزا و غزاقاباى [۳] و صاللق اتالق و سوندى باي و كلكن باي (در بيان علمائ طيب حاذقان) بو ولايتلرده اهل مرض نادر در اما ينه شهر معظم اولما غيله آلى شامرزا و دود سر آتا [۴] استاد حكيملردر (در تعريف استاد جراحان) جالا بوديارلرده جنك و جدال كافرلر ايله اكسك اولمادغندن استاد جراحلردن مجار قاتيسى [۵] قدر جراح اولمازدر

[۱] ياكشدر دوغروسى (شاد) اولميدر (م) [۲] ك : درايلىرى [۳] س ، ك :

غزاقاباى . ط : غمز اقبابى [(عمر آقاباى) اولمى نمكندر (م)] [۴] س ، ك :

دودوس آتا [۵] س ، ك : مجار قاتيسى

حقیقه الحال بوخان کوزلو قلعه سنک ایچ قلعه سندن بیوک و متین قلعه مثال خن اعلاد در کم قات اندر قات ایکویز سکسن عدد ایچلی و طشره لی و حرملری او یله معمور تور قپولی خان مهمان سرایدر بونلردن ماعدا خانلر بویله متین و مستحکم دکلدر اما یینه هربری تجارلر ایله پردر (در علم مدرسه عالمان) جمله ایکی عدد مدرسه دارالعلوم مفسر اندر اما مخصوص دارالحدیث و دارالقرالری اصلا یوقدر زیرا علمای محدثینی و علمای حافظ قرآنی یوقدر [۱] (در وصف مکتب صبیان ابجدخوان) جمله بش عدد دارالتعلیم مکتب جکر گوشه پسرانلری وارددر (در ذکرتکیه درویشان) جمله اوچ عدد تکیه گاه ارباب طریق آل عبای جلوتی و خلوتی تکیه لری وارددر جلد آ کوجلی احمد افندی خلیفه سنک تکیه سی عماردر (در بیان چشمه سار آب روان) جمله یدی عدد شراب طهور مثلی آب زلال عیونلری وار جلد آ شهر ایچنده اسلام کرای خان چشمه سی و چارشو چشمه سی تا شهرک اورتا یرنده چار گوشه سی قبله چشمه سار عظیمدر کم تاریخی خان جم کولنه اسلام کرای او کندی غازی چند عزوات دیدی تاریخ بناسن جوری [۲] جان فزاوزهی چشمه عین حیات سنه ۱۰۶۱

(بید) حالی آلرق (بید) سوبله دیمک اولوب تاریخ مصراتک اوزرینه (بید) لفظنک کوستردیکی (۲۴) عددی علاوه ایدیله جکدر . بوحالده (۱۰۴۳ + ۲۴ = ۱۰۶۷) اولمش اولوره نسخه لوده (سنه) کله سندن صوکره رقم قونولامش اولسی معنیدارددر (م)

[۱] ک : و علمای حفاظ اهل قراءت لری یوقدر (۲) س ، ط : خوری [یا کلبش اولدینی بدیهیدر نسخه لوده بوکی (تصحیف) لریک جو قدر سان که شو نسخه لری یازانلر تصحیف صنعتنه مائل معماچی ایشلر . فن معماده (تصحیف) دییه بر کله ده کی حرفلرک شکلی بوزولدن نقطه لوله او بنایه رق کله بی باشقه دورلو او قوم به تعبیر دیگر له باشقه کله بولمه دیلرر مثلا (عم ، غم کی بو تاریخی جوری دیوانک بریسنده بولدم فقط بوراده کی یا کلبشدر دوغروسی دیوانه اولدینی وجهله شوبله در :

خان جم کوکبه اسلام کرای که اودر غازی حیدر عزوات
کوزلوه عین عنایتله باقوب یابدی بو عینی اوصاحب حسنات
دلکشا چشمه صافی که اولور آینه تشنه عیون جنات

دیدی تاریخ بناسن جوری

جانفزا چشمه زمی عین حیات

سنه ۱۰۶۱

کورولبورکه تاریخ دورت بیتلیدر نسخه لوده ایکی بیی سهاوا یازلامش یا خود مؤلف طرفندن اختصار ایدلمشدر (م)

لطیف خان حمایدر [۱] (درمنظره خان خواجه کان تجاران) جمله اون بر عدد وکاله آینه ورونده به مهمان سرای سودا کراندر اما اوچ عدد خانلری کویا قلعهدر دمر قپولی وقلهلی ومازغال دلکلی قلعهدر مثال خانلردر جمله آ مکلف و مکمل و متین اسلام کرای خان افندیمز مرحومک خانیدرکم ایچنده آب حیات چشمه سارلری وار بوخان قپوسنک عتبه علیا‌سی گمرنده چارکوشه بیاض مرمر اوزره جلی خط ایله مذهبی (تاریخ زیباسی) در [۲]

دیدي کوش ایلیوب بیادنی تاریخ ایچون جوری

یاپلدی [۳] خان والا منزل اهل سییل اولدی

سنه ۱۰۶۲

ایکیوز قرق بش عدد قات اندر قات تحتانی و فوقانی اودهلری وار بوابلری دائماً دروزه‌لری و دوام و باملرنده محافظه ایدرلر قپوسندن ایچری دکمه آدمی قومازلر لاندن بو مذکور خانه قرشواولو جامعه متصل افندیمز غازی محمد کرای خان بناسی خان زیبانک قپوسی اوزره مرمر اوزرنده مذهب تاریخی بودر

محمد شاه غازی خان اعظم منازل قد بوخانی خبر [۴] اعلا

لسان اهل دلده دوشدی تاریخ منازل باد کوسد [۵] ازخان زیبا سنه ..

دیگر تاریخ رعنا

تاریخ قلعهدر دیواری دیننده کی قپوسی اوزره مسطوردر

محمد شاه غازی خان اعظم بنا کردند این خان معظم

بکویید [۶] خانرا منظوم تاریخ چه اعلا خان وزیا حصن محکم [۷]

[۱] پ نسخه‌سنده ایکی سطر آچیق وار [۲] بو تاریخی باقدیم دورت دانه (جوری) دیواننده بوله‌مدم و ذاتاً جوری دیوانلری پک متناوتدر (م) [۳] ک: یاپلدی [فقط بویا کلیدشدر دوغروسی (یاپلدی) کله سیدر چونکه تاریخک عددی بونی اقتضا ایتمکده در (م) [۴] ک: خیره س: خبر [۵] ک: کویید [شوقطه‌نک ایکنجی مصرعلری تصحیح قبول ایتمه‌جک قدر یا کلیدشدر (م) [۶] ک: بکویید [۷] بو مصرع ۱۰۴۳ کوستریور حالبوکه مشارالیه (محمد کرای خان بن سلامت کرای خان) (کلبن خانان) قولنجه اولا (۱۰۵۱ — ۱۰۵۴) ، بده عزل ایدیله‌رک تانیا (۱۰۶۴ — ۱۰۷۶) سنه‌لرنده خانانی ایشم اولغله ۱۰۴۳ ده خان دکل ایدی شاعر ایسه اونی خانقله توصیف ایدیور. ظن ایدیورم که (بکویید) کله‌سنده تمیمه وار یعنی بوکله (تحلیل) قاعده‌سیله (بکو)

جامع پر نور و مزین و معمور یوقدر برفرسخ یردن قبا بلرینک قورشوملری شعشعه ورر و محرابی اوکنده پیمیلر و بوکجنگر و سلطانلرمدفونلردر و حرمنه قرشویول آشری برلطیف بنای رعنا حمام روشناسی واردرکم مثلی مکر شامده دفتردارحمای و سنانیه حمای اوله جمله سیاجلری [۱] پاک و جمله دلاکلری محبوب و چست و چالاک نیچه آفتاب خداملری وارکم مرادومرامک اوزره خدمت ایدرلر وینه بو جامع حرمنده صول طرفنده یول آشری شهرک ایچ قلعه سیدرکم خندقمنز چارکوشه طاش بنا برنازک حصار رعنا اولوب جرمی کامل اوچیوز آیدمدر آنده دزدار [۲] وزندان و انبارلردن غیری برشی یوقدر اورتاسی میداندر اما بو ایچ قلعه نیک شرق طرفنده برعظیم قلعه زیباسی وار انده عجایب سرآمد طوپلری جمله لیانه ناظردر و هر جمعه کونی بو قلعه نیک دندان یدنلرن دزدار اغا سنجاغ و بیراقلر ایله زین ایدر صلاتدنصکره [۳] قلعه قیوسن سد ایدر طشره قلعه یه آچیلر انجاق بردمیر ایچ حصار قیوسی وار و آشنی جبهه خانه خزینهلری قریبنده ینه لیانه ناظر بالیمز طوپلری وار زیرا نیچه کره قزاق شایقه لریله کلوب لیاندن کیملر اولمشدر [۴] بو ایچ قلعه نیک دریا طرفنده اصلا خندق یوقدر زیرا الحاق قومه صال یردر اما قلعه نیک قره جانبلری دائراً مادار کسمه قیا خندقدرکم محمد کرای خان غازی مال فراوان صرف ایدوب هنوز بوخندکی نیجه بیک کوه کنلره قازدرمشدرکم و وجهله مقدر بشر دکدر آندن جامع نورالدین سلطان ساده چاتمه کره مت اورتولی جامع محبوبدرکم مناره سی غایت موزون و مصنعدر معلوممز اولوب ایچلرنده طاعت و عبادت اندیکمز بونلردر ماعدا... عدد مساجد موحداندر اما چارشی بازار ایچنده براق معمور واسع مساجدلری وارکم جامع اولماغه استعدادلری واردر (درمدح حمام راحت جان) جمله بش عدد حماملری وار اولامذکور صاحب کرای خان حمای آندن اسکی حمام آندن یکی حمام آندن کوچوک حمام بونلرک بناسی و هواسی و ماسی غایت لطیف و مفرح و دلکش حمام رعنا لردر اما جمله آ

[۱] ک : باطلری [۲] (دزدار اوطورور) یاخود (دزدارخانه) اولمیدر (م)

[۳] س ، ک : صلا دن صکره [۴] ک : آلوب کتورمشدر

نوش ایدوب اسرک اولوب کیدر بش اچهلوق بوزه اون بش وقیه ایدر هان ایکی نغده اون بش وقیه بوزایی نوش ایدوب سرخوش اولوب کیدر بحث ایله بزکونده یوز وقیه بوزه و بر قیون یمیش تاتار یی حسابدر بوزه هم ایچر و بر طرفدن ایشر و بو بوزه خانه طرفلرنده اون عدد طاش قله بالائر اوزره یل دکرمانلری وارکم عجایب و غرایب طرز آخر آسیاب ریچلردرکم بو طرز یل دکرمانی بر دیارده کورمه مشم آندن یلدز روزکاری جانبنه آق منلا قپوسی جمله بو شهرک آب حیات صولری بو آق منلا قپوسندن طشره آت عربلرندن ایری فچیلرله صوین شهره طشرلر بو طرفده اللی عدد باغلی و باغچلی مکلف اولر [۱] واردر و بو محله اوچیوز آدیم یقین باطی جانبنه ناظر آت قپوسی عربه صفماز بر کوچک قپودر آنجاق آتلی ویایان آدملر کروب چیقارلر

ستایش اندرون عمارت قلعه کوزلو

بو قلعه عظیمک ایچنده جمله یکریمی دورت محرابدر اون ایکیسی جامع سلاطین وغیری اعیان جوامعلریدر ماعداسی محله مساجدلریدر و جمله اون ایکی عدد طاش بنا مناره رعنالر نمایاندر اما جمله آ عالی و مکلف و مکمل بهادر کرای خان جامعیدرکم طولاً و عرضاً قبله قپوسندن تا محرابه وارنجه یوز اللی قدمه در بوجامعک صول طرفنده خان عالیشانلرک نماز قیلاجاق بر مصنع محفلی واردر و جمله ایکی سر آمد مناره سی واردر اما برینی زلزله منهدم اتمش اما صاغ طرفنده حالا موجود اولان مناره سنه حقیر عروج ایدوب شهرک جمله عمارستان طرز و طور و شکل نخمسن سیر و تماشا ایدوب مناره دن ایترکن یوز بش قدمه عد ایتدم اما حقا که سر آمد مناره مصنعدر زیرا سلطان سلیمان جامعنی اسلامبولده بنا ایدن قوجه معمارسانن اغا ابن عبدالمتانک کاریدر حقا که پسندیده بر مفرح و دلکشا معبدکاه زییادار لکن بوجامعه کوره حرمی کوچوکدر زیرا شهرک ازدحایی یرنده چارشوی بازار ایچنده واقع اولوب جماعت کثیریه مالک بر جامع فرح بخش سلاطیندر حتی بو شهر ایچنده بوجامعدن غیری رصاص خاص نیلیکون ایله مستور

[۱] ک : سرای اولری

قرمزی کرمت اورتولی سر آمد قلهلدر وهرقله مابینلری یوز الیش کرمه آدیمر بو حساب اوزره قلعه کوزلوك دائراً مادار جرمی اوچ بیک دورت یوز خطومه در وکردا کردی بش کوشه بر شدادی یونمه طاش بر معمور و مزین قلعه صواشدر ولب دریاده بردوزلک یرده جانب اربعه سی دریا اولوب همان بر جورونده جزیره مثال واقع اولمشدر وجمه بش عدد متین وقوی حدید وجدید قیولری وار جانب شرقه دریا کنارنده اسکله قیوسیدر وبوطرف قلعه سنی لیان دکزی دوکک ایله خندق یوقدر و خان طرفندن کومروک امینی احمد اغا بو کومروکده اوطوروب جمیع آینه ورونده کیلردن کومروک پادشاهی آلر زیرا قریک بیوک بندر عظیمدر بیک پاره کمی آلر اعلا دمر دوتریتاقلی لیان کبیردر لکن قبله وکون دوغوسی ولودوس روزکارلردن امین دکلدر زیرا بولیمانک اول طرفلری آغزی آچقدر وقصاب خانه بولیمان کنارنده اولوب کونده یوز صغر واون آت بوغازلر واسیر بازاری دخی بولیمان قیوسی طشره سنده هر صباح دوروب نیجه یوز جواریلر ومحبوب غلاملر فروخت اولنور ودخی مشرق طرفنده اودون بازاری قیوسی جمله کراسته و دیرک و اودون بو قیودن طشره ده کی میدانه ساتلر عظیم بازار دوروب ومحمد ایکی مسلمان محله سی وار بر شیرین جامنک بر موزون ومصنع طاش مناره سی واردر ودخی ایکی عدد چنکانه قومی محله سی و برارمنی کفره سی محله سی وار بر شیرین کنیسه لری وار اما روم وفرنگ وغیری ملت محله سی یوقدر و جمله بوواروشده یوز عدد مفید ومختصر فقرا دکانلری واردر اما بوواروشک اطرافنده خندق وپلانقه سی یوقدر همان دریادن کرمه برکول کنارنده امن وامان مجلایلدر [۱] اندن پوراز روزکاری طرفنه آچیلر طوپراق قیو طشره سنده ایکنجی واروشده بر مسلمان محله سی و بر محله مسجدی ویکرمی بش عدد بیوک وواسع بوزم خانه کارخانه لری وار کم هر بنده شب وروز بشر التیشر یوز بوزه بکریمی تاتارلر لب بر بندر زیرا پاک وپاکیزه صفاتی انجه الکن کچمش قیو ولذیذ ایلک کبی بوزا اشلیوب اوچ وقیه بوزایی بر قرم اچمه سنه ورلر حتی بر تاتار همان آت اوزره بش اچمه لقی بوزه

[۱] ک : محلاتدر . ط : مجلایلدر

ابراهیم افندی چفتلیکی

بونده سهل استراحت ایدوب طعام تناول ایدوب اندن . . . ساعت دخی
قبله یه کیدرکن قره دکزدن کله بر کول کنارنده دورت کوزلو بر طاش جسر دن
کچوب

اوصاف شهر کوزلی او یعنی قلعه شیرین کوزلو [۱]

سبب اسمیه سی اولدرکم سنه . . . تاریخنده بو ساحل بجره طوختمش کرای
خان تاتارلرندن بر کشی کلوب بو محله توطن ایدینه [۲] اوباسنک یرینه اوباسی کبی
دپه سی دلک برکوز اوبنا ایدوب هوا سنک لطافت و طراوتندن بو او صاحی آدم
تناسل بولاراق نیجه کوزلو اولر انشا ایدرک بر معظم کوی اولوب اسمنه کوزلو
او دیرلر کوزلو اودن غلط مشهور اولوب حالا کوزلو [۳] دیرلر بعده سنه . . .
تاریخنده سلطان بایزید ولی عصر نده کدک احمد پاشا بو جزیره قرم اطرافنده اولان
قلاع عظیملری جمله جنوز فرنیکی الندن فتح ایدوب منکلی کرای خان ایله عهد
وميثاق ایدرلرکم لب دریاسی جزیره قرمک آل عثمانک اوله جزیره اور تاسنده کی
صحراسی قوم تاتارک اوله دیو عهد و امان ایدوب منکلی کرای خان بر قرداشن
قول و قرار اوزره دردولتده یانبولی شهرینه رهن کوندروب جزیره قرم بووجه اوزره
نظام وانتظام بولور بعده اول سنه کفه وزیر ی اولان سنجوان پاشا بو کوزلو
لیمانه کلوب کوررکم بر بندر جالندر اوله جاق اسکله یریدر همان دردولته عرض ایدوب
فرمان شهر یاری کلوب بو کوزلو لیمانی کنارینه دائراً مادار بیگ آرشن زمینه بر تمل
براغوب قلعه روی زمیندن ایکی آدم قدی عالی اولدقده سنجوان پاشا مرحوم
اولوب قلعه کوزلو ناتمام قالر بعده سنه . . . تاریخنده فرمان پادشاهی ایله صاحب
کرای خان بسنا ایدرکن اول دخی دار باقیه ارتحال اتدکده غیر ی خانلر بو قلعه
اتمام اندیلر جمله اطرافنده یکر می دورت عدد چار کوشه قله لرینک اوستملری جمله

[۱] ك : کوزلوه [بعض نسخه لده لامك فتحي و واوك سکونيله حرکه لمشددر (م)] .

[۲] : دوغروسی (ایدینور) اولمیدر (م) [۳] ك : کوزلوه

منزل قریه قوجه‌ماق

مد کور قرالر جمله‌سی قرقده اغاجسز و باغ و باغچه‌سز جمله خلقی صغرتزه‌کی و دوه کمره‌سی و آت ترسی یقرلر و دائماً تزک قوقارلر لکن اکیئلری غایت چوق اولور حتی برکیله‌سی اللی آلتمش کیله ویرر و جمله اولرینک دیوارلری طوپراق کرپچدر و انلی کرپچ مایسلری در آسته‌سی‌ده چوروک صماندر [۱] امانه‌پک متین دیوارلری اولور اما بو قرالر جولستان یرده اولماق ایله صوسز یورتلدر یوزر و سکسن و الیشر قولاج قیولرندن آتلی صغرطولملریله صولر چکوب حیواناتلری و کندیلرن صواررلر اندن سمت قبله‌یه قرالره ۵ ساعت کیدوب (قریه بش اولی [۲]) اندن (قریه الکسن) اندن (قریه قوجه‌لاق) اندن

منزل بو طاش [۳]

خان سنجاقدارلرینک معمور قرالریدر بونلرک اولری دخی طوپراق اورتولیدر اما جمله طاش ایله مبنی دیوارلردر اما بونده انجاق اوچ عدد بیوک سکود اغاجلری وارکم جزیره قرده بو اغاجلر معروفدر بونلر دخی کرچه تزک یاقارلر امامسافره پک بقرلر نعمتلری مبدولدرکم البته طعاملری آت اتی و لاحسه چورباسی و طالقان و قورد [۴] و تارما و مقسمه نام طااطلی بال‌کی بوزه‌در اندن ینه طرف قبله‌یه ۵ ساعتده (قریه صوغانلی) اندن (قریه یای شلی) خلقی عجیب و غریب استادانه تاتار یایلری اشدکلرندن یای شلی یعنی یایجیلی دیرلر اندن (قریه شنیکه) اندن

منزل قریه بوزیاشی

بونده دخی تحف یای اشلرلر بونلرک دخی اولری جمله طاشدن مبنیدر زیرابو قرایه طاشلق یقیندر اندن نیجه معمور و آبادان قرالری ۶ ساعتده کچوب

[۱] ك: وایی کرپچ مایینی دریا ارشته‌سی و چوروک صماندر [۲] ك: بش اولی .
س ، ط: بش اولی [فقط لامک اوزرنده شده وار (م)] [۳] ك: بو طاش [۴] دوغروسی
بلکه (قاود) اولمبدر (م)

قراقم اولیا افندی هر قنده واررسه اوزومك خاطر یچون احسان وانعاملر ایدوب کیدروب قوشادوب قزلغه آلتون خر جلقلر و یروب معتمد یولداشلر قشوب ولایتم تماشای ایدوب آتلینه و کندویه و ریفقلیینه رعایت ایدوب جمیع آزقلرن ویرهسن [۱] و سنکی کوزلو [۲] قلعہسی اغاسی احمد اغاسن اولیا چلبی قرنداشم سکا وارد قده برسرایه قوندروب جمله ما کولات و مشروباتن و یروب هر کون بر قزلغه آلتون خر جلق و یروب کیده جکی زمان برس مورطون و یوز قزلغه آلتون ویرهسن و نه جانبه عزیمت ایدرسه معتمد یولداشلر قوشه سن و السلام، دیو کاغدلری آلوب خان ایله و داعلشوب اور قلعہ سندن قرم ولایتین محرر وار [۳] کشت و کذار اتدی کمز قرا

و قلاع و شهرلری بیان ایدر
اولا قلعۀ اوردن جانب قبله یه دوز سحراده ۵ ساعت کیدوب

منزل قریۀ طوزله

بر آجی کول کنارنده اوچیوز عدد طوپراق اورتولی دیوارلری صغر تره کی و کراسته ایله بنا اولنش اولردر جمله خلقی جابلقدر کم [۴] کولدن قیا قیا طوز چیقاروب طوز امینه ویرلر اون بیک غروش حاصل اولور امانتدر المزده اولان یارلنی امین کوروب وافر رعایت و حرمت ایدوب بر التون علوفه مزو یروب بزمله کلن ریفقلی قایتاروب غیری سکبانلر حاضرلدی و شمدن کرو هر قناقده بویله علوفه و بویله ریفقلر ویرلر دیو امین بزه یمین ایدوب تطیب خاطر منزله مقید اولوب ارتسی کون ینه قبله یه ۳ ساعتده (قریۀ کش قره) اندن (قریۀ کنه کس) اندن (قریۀ جلایرلی) بو قرالری اگر جمله عمارتیله و اشکالیه تحریر ایلسک مجموعه نامصف عمز [۵] برسرباری [۶] اولور انحاق اسمانن تحریر ایدر ک بو قریه لری کچوب

[۱] پ، س، ک : ورمز [۲] ک : کوزلوه [۳] بورادهمکی (محرر) دن مقصد غزته محرری دکدر چونکه مؤلفک زمانده غزته یوق ایدی بلکه اوزمان (محرر) دیبه فتح اولومان مملکتی یازانه دیورلردی (م) [۴] س، ک : چابلقدر کم [۵] دوغروسی (نامطبوعمز) اولمیدر (م) [۶] ک : برسرباری . ط : برسرباری (دوغروسی) (برشتباری) اولمیدر که بردوه یوک دیمکدر اسکیدن بویوکلکک مقیاسی ایدی (م)

الحاصل آنلر ایله بروجه ایله انتقام آلتوب صواش پرخاش اوله ماز زیرا ایزدیزدانه صدک حدوشنا اولسون الشم الاه ایله [۱] درجنک اول بوقدر قالمق قتل اولوب سکز یوز عددی اسیر اولدی و آنجاق اوچوز یکتلریمز شهد شهادت شربتن نوش ایدوب جمله سن بیه سرخوشله [۲] آتلینه یوکلدوب اورقله سی داخلمده دفن ایتدک آندن سرور وشادمان ایله بر آلائی عظیم ایدرک سالمین وغامین ۶ ساعت جانب قبله یه کیدوب

ولایت جزیره قلعه فرح کرمان حصار استوار اور

بونده محافظده قالان نورالدین سلطان قلعه دن نیجه یوز عدد شاهانه طوپلر آتدروب عظیم شادمانلر اولدق دن صکره عسکر اسلامه یوز صفر ویکرمی رأس آت کبابلری ضیافی ایله یوز بیچی بوزه نوش اولنوب جمله عسکر اسلامک اسیرلرندن صاوقه ایچون اسیر باشنه بشر غروش آلتوب دفتر موجبنجه بوسال مبارکده بر سفره چقشده یدی کره غزا اولدوغی بر تاریخده تحریر اولنما مشدر ویدی کره اورشده جمله ... بیک قدر اسیر و اوچ کره یوزبیک آت و بلاحد ولاغایت سائر مال غنایم آلتدنی جمله تحریر اولنما مشدر حمد خدا بو حقیر احقرک دخی الینه اون یدی اسیر و قرق رأس آت کر مشدر بعده خان عالیشان بو اور قلعه سنده محافظه یه قلوب بو حقیره بش کوله وبش یورغه آت بری رخت تختیه [۳] و بر سمورطون چکمان و خداملریمده بر آت و اونار آلتون و برر چوقه قماش [۴] احسان ایتدکده بو حقیر خان حضورنده باش اوروب پادشاهم نیجه کره قرم ولایتنه کلوب سفر مشربلردن [۵] الم دکوب ولایت قریبی بر خوش تماشایتمه مشدر خانمه باش اوروب طاوه [۶] ایتدم دیدکده هان خان عالیشان دست شریفنه کلک جواهر نثارن آلوب دای قریم آتلی [۷] و آتالقلر و اش ارلری قوجالاقلر هر قیسی [۸] بندر و شهره خارلیغ پلنی خانی [۹] ایله قراداق [۱۰] قرداش سرداش حالداش سفرداش یولداشم قارب

[۱] ک : ایشم الله الله (اسم الله ایله) اولمسی ده ممکندر (م) [۲] س، ک : سرخوتیه [۳] ک، ط : رخت و بختیه [۴] ک : وقماش [۵] ک : سفر مسرتلردن [۶] س، ک : صاوه [۷] (آیلری) اولسه ده ما مناسبدر (م) [۸] ک، ط : هر قنسی [۹] دوغروسی (یارلیغ بلیغ خانی) اولمیلدر [م] [۱۰] (قزاقداش) اولسه ده ما مناسب اولوردی (م)

ایدوب بریایلم اوق تابور ایچره باران لعنت کبی سهام قضا یغوب کافر دن دخی طوپلر
 ونجه بیک توفنکلر آتیلوب بزم عسکر قارش قارش [۱] اولوب برتقریب ایله تابوره قریب
 واروب ظفر بوله مادیق وسهل کرو دوردق همان کفار های تاتاریان وردی دیوب
 جمله کفره لر تابوردن خنزیر سوروسی کبی چیقوب بز دخی جمله عسکرله سمت شرقه
 یان ویرنجه کفار بزى نصف ساعت قدر تابورندن آلارقه اولدوغمز کوروب بیره
 تاتار قاچدی دیو بزى قوه قوه میدان عرصه کاهه چیقنجه همان شیرینلی ومنصورلی
 وقپو قوللری بر کره بیره کافرلز دونکدر دیوب اوت اغاری طوغرلیله کافر اوزره
 بر کره عسکر اسلام دونوب آت صهلندن وینی آدمک صدای اللهندن زمین وزمان
 واوج آسمان در در دتره یوب طرفه العین ایچره کفاری بو صحرا ده اورته یه آلوب کفار
 عسکری ایچره غازیلر آج قورد قیونه کرر کبی کروبو برقلج شاقیردیسی ورتوفنک
 پاطریدیسی و برصداق کتوردیسی اولمشدر که کویا برعظیم رعد و برق و صاعقه واقع
 اولمشدر حمد خدا سانه ۱۰۶۷ تاریخنده روز قاسمه کفاری آن واحده قا کلیجاق
 تابورینه ار کر میوب جمله کفاری منهم ایدوب قیرمه باشلقدق اما قالمق تاتاریله
 کویک جنکی ایدره ک کاه آنلر بزى کاه بز آنلری سورهرک تا بوطنه باشی [۲] نام محله
 وارنجه قالیغیده قیره قیره منصور و مظفر اولوب صد کز شکر خدا بو جنکدن دخی بدی
 بیک اسیر و آلتی بیکی طعمه شمشیر اولوب سکنز یوز قالمق تاتاری اسیر قید بند زنجیر
 وایکی بیکی دخی فرار آتمک تدبیر ایدرکن آنلر ده غازیان جنکیزان یتشوب قیره قیره
 قزغان قدر کله لر خان حضورنده زمین غلطان اندکرنده بو غازیله خان
 عالیشان جم جناب بورکلر وچکمان طونلر و شپرطمه قالیقلر احسان اولندی جمیع
 زمانده تاتار ماییننده باش کتیرمک عیب ایکن قالمق باشی کترنله احسان اولندی
 زیرا جمیع زمانده بو آنه دک بر قالمق باشی آلمانمشدر زیرا بو قوم قالمق غایت دلاورانه
 جنک ایدرلر دائماً قریملی بوزه کلوب قریم خلقنک اودن صندرمشدر زیرا
 قالمق قومی جمله حلولی مذهبلر در اولوب ینه بر عورت قارنده کی معصوم جاننه جانم
 کروبو ینه دنیا به تازه کلیم دیر و دائماً جنک ایدرکن سحر ایدوب عسکر بوزارلر

[۱] ک : قارش قورش [۲] پ ، س ، ک : بوطنه باشی

دياري خاکنده هيات صحراسي ايجره جانب قبله يه کيدوب هيات صحراسي نهايتنده

منزل قلعه شاهن کرمان

بوندن دخي خانه شادمان طوپلري آتلوب قلعه اغالرينه چت حق وريلوب
اندن قالقوب برکيجه ماهتابده هيات صحراسي ايجره جانب قبله يه کيدوب انده

منزل قا کلي جاق [۱]

لسان تاتارجه عربيه يولي ديمکدر بو محله شاهن کراي خان برطابور قازمش
دورردی مکر خان حضر تلي کافرستاني اورمغه کتدکده قرم ولايتي بوشدرديو
في الحال سرکه قزاغندن و براناس [۲] قزاغی و ايدريا [۳] قزاغی و زابور وسته [۴]
قزاقلردن يدي خصمانه [۵] اون بيک قزاق و ايکي بيک قالمق تاتاري کفره لري
قزاق ايله بر اولوب قريمي اورماق ايجون بو محله کلوب قيازلر حکمت خدا بوکافر [۶]
قرمده اور قلعه سنه کتمک صددنده ايکن خان عسکرينک آتلي اشکنجیلرن کورنجه
طرفه العین ايجره تابور ايجره قايوب [۷] بز دخي عسکر دريا مثال ايله تابور اطرافنده
مکت ايدوب خان عاليجاه جمله قراسي [۸] قرتلر [۹] و شيريني و منصور ليلرله
مشاوره ايدوب علی الاتفاق جنکه آهنک انديلر

درييان جنک آشوب تابور يورد قا کلجاق [۱۰]

هان اول آن قرمدن خانه استقباله کن بش آتلي بيک آدملره جمله مال غنايمليميز
طايشروب آنلر قريمه روانه اولدقده جمله مز صالت و سبکبار قالوب علی الصباح جنک
طلبنه طره لر اور يلوب قرمدن کلن دنج ايکي بيک عسکری ايلري قيوب جمله عسکر
تاتار آت باشلري برابر اولوب اللرينه يایلرن آلوب هر چيله يه ايکيشر اوچر عدد
طا بور اوقلاري کزليوب براغزردن الله الله [۱۱] رها بولدروب تابور اوزره جمله

[۱] پ : قاکلي جاق . ک : قاکلي جاق [۲] ک : بورانس [ظمنجه (برابرش قزاغی)
اولميدر (م) [۳] ک : اندريا [۴] ک : زانوروشقه [۵] ک : حطمانله [۶] دوغروسى
(بوکافرل) اولميدر (م) [۷] ک ، ط : قيايوب [۸] دوغروسى (قراچي) اولميدر (م)
[۹] دوغروسى (وقارتلر) اولميدر (م) [۱۰] پ : قاکلي جاق [۱۱] ک : الله الله صداسنه

ایدوب برکزدن جمله غازیلر صدای الله الله رها بولدروب جزیره اوزره هر طرفدن آت براغوب جزیره ایچره بر یایلم تابور اوقلرن آتجه بامرالله تعالی جمیع اوقلر جزیره نك ایچنده اولان حیوانلره و آدملره خدنگ بلا اصابت ایدنجه بو قدر یوز بیک حیوان همان بر کره اورلوب [۱] جزیره اطرافنده مترسه کرمش کفره لری چکنیرک جمله حیواناتلر صویه اوروب بری بزم طرفره کچرکن تاتار کوردی کم جزیره کچمک ممکن بو حالده کفسار دخی حیوانات چکنه دیکندن شاشوب توفنک آتماغه اقتدارلری اولیوب سرسری بوررلرکن [۲] همان تاتار بر کره دخی الله الله ایله بر یایلم اوقلرن دخی پران ایدوب همان جمله غزات جزیره نك هر طرفدن کوله آت براغوب بی باک و بی پروا بطاغی کچوب کفارہ قلیج اوروب [۳] تیرباران آتمغه [۴] باشلینجه کفسارک نیجه بیکی جزیره دن بری بزم طرفره یوزوب سلامت کنسارینه یقدم درکن ملامت یقه سن اله ووروب اسیر بند زنجیر اولدیلر محصل و مرام کلام اولکون تا وقت عصره داق بیک سکزیوز کافر دندن تیغ آتش تابدن کچوب ایکی بیک توانا قزاق اسیر و اوچ بیک یدیوز آلتمش عدد عورت و اوغلان و بنتانلر بند زنجیر اولوب آدادن طشره یکر می بیکدن زیاده مال چیقاروب اوزوقولی دامقارلیله [۵] اولان ماللرین عدالت ایدوب اوزیه یدی بیک یوز آلتمش عدد حیواناتلر وروب پادشاهه خدمت ایدوب اوزی قولنی خا کدن رفع ایدوب جمله سی ممنون اولوب خانه خیر دعالم ایدوب کتدیلر خان عالیشان دخی فی البرکه دیوب بو قدر مال غنایم و بو قدر اسیر ایله عسا کر تاتار عد و شکار سیر اولوب اندن سالمین وغامین شرق طرفنه ۱۰ ساعت سکر دوب منصور و مظفر

منزل قلعه دارامان یعنی حصار دوغان

بونده قلعه دن خانه طوب شادمانلری ایدوب خان دخی قلعه اغالرینه یوز عدد آت و صغر و اون باش اسیر کچت حقلری وروب اول کیجه ماه تابده جمیع عسا کر اسلام نهر اوزوی کی آتله یلدروب کی می کیلرله کذر ایدوب قرشو طرفه قرم [۱] س ، ک : اورکوب [۲] ک : دوررلرکن [۳] ک : صاتور جنکیزی اوروب [۴] ک : ایتمکه [۵] ک : دمقارلیله [بز (تمغا) یازارز(م)]

سفره کیدوب بوزولدی دیو خبر چیقاروب شمدنکرو خانک اوغوری دوندی و عثمانلی داخی کندیدن یوز چوردی و آق کرمانده خان النده کی یالی اغالغن آلوب قشالارن جمله آتسه اوردی. فرصت غنیمتدر بزده اوزو قلعه سی عسکرینک ماللرن سورهم دیو بروقت سخرده اون بیک کافر کلوب جمله حیوانات خرکله لریمز سوزوب اشته هنوز ایدریا [۱] اداسنه دوغری کتمده درلر لکن حیواناتلری بک سورهمی بورلر [۲] اکر پادشاهم بوقدر بیک عسکرله مراد ایدرسکمز الغاریدوب بسبتون ماللر قورتاروب منصور و مظفر اولورسز « دیدکلرنده خان ایتدی » عثمانلی بزم آق کرمان منصبین دکل خانلغمدن دخی معزول ایدوب جمله ملک و املاک آق کرمانده طلاوه اورسه بز سلامت کرای خان اولاد کزیده سی یز بز عثمانلیدن یوز چورمه زز ینه بز آل عثمانک ایلدیکنه [۳] قلبوب پادشاه اوغورینه بو مصلحته [۴] سفر ایدلم توکلا علی الله قونداشلرم اصلا سر [۵] ، دیوب عزم راه ایلدی

آق صو کنارندن [۶] آندریا قزاقی آداسنه چاپوله کتدی کمز

غزایی بیان ایدر

اولا آق صو ساحلندن چول چواستان ایله اولکون الغاریلوب ایدریا قزاقی جزیره [۷] اطرافنه واروب کفار بزی کورنجه بیره های مدد بزی تانار بصدی دیو جمله اوزو عسکرینک ماللرن اوزیه قیوب جمیع کافر جزیره نک اطرافنده مترسه کیروب قبانیدلر همان خان حضرتلری مقدا آتش پاره اولشکن دیبهک آتش محض اولوب فی الحال دلالر ندا اندروب « آت و طون و مال و رزق و قول و قراواش استین بو آدایه بر حال ایدوب قیولسونئر » دینجه العظمه لله یتمش یدی بیک تانار یا بیلرینک چیلهرینه ایکیشر دانه ایری تمرنلی [۸] طابور اوقلرین یای چیلهرینه کزلیوب جمله عسا کر اسلام قات اندر قات ایدریا جزیره سن احاطه [۱] ک : اندریا [۲] ک : سورومیه بورلر [۳] ک : ایتدیکنه [۴] ک : ینه بو مصلحته [۵] ک : آتلانین [۶] ک : سنه . . . تاریخنده آق صو کنارندن [۷] س ، ک : قبانوغی جزیره [۸] ک : دسرنلی

قلعه بوینو [۱]

اوزو نه‌ری کنارنده پلنقه‌در آنی کچوب

منزل قلعه قریلو [۲]

نهر اوزو کنارنده طاش بنا قلعه اولدوغی بالاده کی سنه ۱۰۷۷ [۳] تاریخی جلدنده بو دخی مسطوردر اندن یینه بودوروزونقه ولایتی ایچره بر قناق جانب قبله یه کیدوب

منزل قلعه قوبلاق [۴]

یعنی قصراق قلعه‌سی دیمکدر بو دیارک روس منجوسی نهر اوزویه نپروودا دیرلر بو قلعه دخی بالاده یتیم تاریخنده و آلتش یدیده مفصلاً تحریر اولمشدرکم اوزو نه‌ری کنارنده اولوب دوروزان [۵] حکمنده آخرالحدود قلعه‌لری اولوب نهر اوزو قرشوسی ارتق قرم دیارنده اور قلعه‌سنه‌دک هیهات چولیدر لکن بوسفر مسیرتمزده [۶] حرکلی یوللردن [۷] کافرستانک عمارت یرلینه کروب غارت آتمشدک بو قوبلاق قلعه‌سنک قبله طرفی اون قناق یرصاری قامش ولایتیدر روس منجوس لسانی اوزره بو قومه رانوروسه [۸] قومی دیرلر برمعناده جرایلی [۹] یکت دمکدر برمعناده قپو اشیکي دمکدر بعده خان عالیشان ایله یینه قلعه قوبلاق التندن قالقوب برقناق یربورطوب آق صویی قپویر [۱۰] کچیدنن کچوب کیدرکن

در بیان فریادنامه قلعه اوزولی [۱۱]

بو محله اوزی قلعه‌منز اغالردن وبکلردن اوچیوز عدد پر سلاح یکتلر خانه کلوب د امان پادشاهم یاقزاعی [۱۲] وسرکه قزاعی و صاری قامش قزاقلری پادشاهمک [۱] ب ، ک : بوینو [۲] : فریلق [۳] س ، ک : ۱۰۶۷ [۴] پ : قیلاق [۵] س ، ک : دوروزان [۶] ک : سیریمزده (مسرتزده) اولسی دها مناسیدر (م) [۷] ک : بولردن [۸] ک : زانوروشقه [۹] ک : جزایلی [۱۰] س ، ک : قپویر [۱۱] ک : اوزو [۱۲] ک : اندریا قزاعی

قلعهٔ وره. دوقه [۱]

تاتار دن مرتد اولمش ابو [۲] نامنده بر کفره بناسی اولوب ایچ قلعه‌سی طاش
طشهره‌سی پلنقه اولوب بر یانی نهر طاصمه صوبی اولدوغی بالاده دخی مسوده
اولمشدر اندن نهر طاصمه‌ک ایچی ساعتده طول ودراز اغاچ کوپروسندن
کچوب اولکون

منزل قلعهٔ جهرن [۳]

وجهرل [۴] داخی دیرلر اماقزاق جهرنجه [۵] دیرلر صول طرفده نهر اوزی
دبنده نهر طاصمه اوچ قات قناقلقه [۶] و اوچ قات خندقلی شمدادی بنا ایچ قلعه
وطشهره‌سی پلنقه حصار اولوب دوروزونقه حکمنده اولدوغی بودخی تحریر اولمشدر
ندن (قریهٔ لوموواط) [۷] ی کچوب بر قناق شرقه کیدوب

منزل قلعهٔ جار قزی [۸]

نهر اوزو کتارنده دوله پلنقه اولوب پوقونیک حلان [۹] یعنی تاتار دونمه برامره [۱۰]
حاکمی اولدوغی محرردر اندن بر قناق چوله کیدوب

منزل قلعهٔ قانی [۱۱]

کچن کونلرده بوقلعه‌ک نواحیلرن بر باد اتدیکمز محله اوصافی ترشید [۱۲] اولمشدر
اندن ینه تکرار

قلعهٔ کرمانجق

طاش قلعه‌در انی کچوب اندن ینه شرقه کیدرکن

[۱] پ، س، ک : ودمدوقه [۲] س، ک، ایو [۳] پ، ط : جهرن [۴] س، ک :
جهرن [۵] س، ک : جهرلیجه [۶] ط : قوناقلقه . (ک) اوچ قات متین قلعهٔ استوار
[۷] ک : لوموواط [۸] ک چارقزی . ط : جان قورتران [۹] ک : پوقونیک حلان .
ط : پوقونیک حلان [۱۰] ک : برکفره [۱۱] س، ک : قابو . (س نسخه‌سی (قانو) دخی
اوقونیه‌یلور تقطه‌سی چیمته در) . پ : قانو [۱۲] یا کلیشه بکزه‌یور دوغروسی (تحریر)
کچی برکله اولمیدر (م)

فریادنامه سندن زیاده احمد اغا مکتوبی دخی زیاده و اوایلای تحریر ایتش همان در حال خان نغیر رحلتی چالدروب اول آن کرویہ عسکر اسلامک مال غنایمیلہ دونوب برکون قبلہ جانبہ الغار ایدوب ولایت دوروزنقیہ [۱] قدم بصوب آندہ دخی شافی خیر آلوب

قلعه لادجن

آلتندہ مکث اولندی حکم دوروزنقیہ خصانیدر [۲] آندن سمت شرقہ کیدوب ینہ

منزل قلعه اومان

شہر پلنقہ عظیم و بلدہ قدیم اولوب باغلی باغچیلی معمور اولوب دوروزنقیہ حکمنندہ در اندن بر کوندہ شرقہ اورمانلر ودوز وادی لالہ زارلردہ کیدوب ینہ

قلعه براصلو [۳]

نہر طاصمہ کنارندہ بر پلنقہ عظیم اولوب دوروزنقیہ حکمنندہ اولدوغی بالادہ کی... جلدہ مرقومدر اندن براصلو قلعه سنک طرف شرقینہ بر قناق کیدوب

قلعه دوشقہ

بو دخی نہر طاصمہ صوبی کنارندہ اولوب دکرمانلر دبندہ اولان معروف کچدن نہر طاصمہ کچوب ینہ بر قناق کیدوب

منزل قلعه قپوشنہ [۴]

دولنیہ صوبی کنارندہ بر بطاقلق ایچندہ او یچ قات پلنقہ اولوب صوتینک حکمنندہ اولدوغی بالادہ... مرقومدر اندن ینہ سمت شرقہ چول ایله بر قناق کیدوب

منزل قلعه زابوتن [۵]

نہر طاصمہ بطاقلنی ایچندہ اولوب معمور پلنقہ اولدوغی بالادہ مرقومدر اندن بر قناق

[۱] ک : دوروزنقیہ [۲] ک : خطمانیدر [۳] پ ، س ، ک : براصلو [۴] پ ، س : قپوشنہ . ک : قابوشنہ [۵] س ، ک : زابوتن

تاریخنت ماه . . . کوئی صلح و صلاحی قوی دوستیزله قرالی طرفندن اللی عدد کفره اولاقلری نامه محبت اسلوبلر ایله له قرالندن آدملر کلوب مفهوم ومآل کلامی « پادشاهم عثمانلی الکندن یالی اغالغن آلوب یالی اغاسنی حکومتدن قووب جمله بوجاق تانارلرن اوزی وزیر یوسف پاشا ضیبه ایتدی وجهله قرم اغالرینک وجهله سلطانلریکنزک وبالذات پادشاهمک قبیلهلرن دخی سز نیجه بو ولایتلری احراق بالنار ایتدیکنر ایسه عثمانلی دخی سزک اوطارلریکنزی وقبیله چفتلیکلریکنزی آتسه اوروب نیجه بیگ قول وقراواشلریکنزی ونیجه کره یوز بیگ قیونلریکنزی وغیری حیوانات مقولهسی ماللریکنزی سزک خصمکنز اولان اولو نوغایه اوردروب مقدا نوغایدن آلدیفکنز مل یرینه نوغای عثمانلی ماللریکنز آلوب قوم نوغای عثمانلی بای اولدیلر » دینیجه خانک عقلی باشندن کیدوب روی احمرلونی اصفراللون اولوب بر کره آه داغ درون چکوب ایدر « اولیام کوردکمی عثمانلی خاین بیزه نه ظلم ایتدیلر » دیوب نقل بالمضطر [۱] له قرالنگ تحریر اندیکن بر بر تقریر ایدوب ایدر « بز کفره دین مبین اوغورینه قلیچ اوروب پادشاهمز واسلامبولده وقره دکز اطرافنده جمیع مخلوق آسوده حال اولسونلر دیوکافرستانه قلیچ اوررلن بز مآق کرمان آغالغیمیزی الیزدن آلدقفلرندن ماعدا جمله اوطارلریمز آتسه اوروب مال ومنالریمز عثمانلی سوروب کتوزمش » دیوبکا آلود اولدوقده جولاق ددس اغا [۲] وسسیجان [۳] غاری وغیری قارت اغالر ایدر « خانم بو له مکتوبی اوتروکدر سزی بو ولایتن قالفوب کتسن بلکه دانسقه ولایتی ده اوررلر دیو خوفندن بو اتروک نامه یازمشدر اعتماداته خانم همان بو ولایتله شو جمعیتله کلشکن مشلق [۴] ولایتن اوروب بیره برابریده لم اولیه الا خیر » دیو نیجه کونه کفت وکو ایتدیلر همان اول آن یالی اغاسی احمد اغان دخی اوچیوز تانار اولاق کلوب مکتوبلرنده امان پادشاهم بی یالیدن قوودیلر وجهله قشالرده اولان مالاری عثمانلی آلوب اوطارلری آتسه اوردیلر دیو له قرالنگ

[۱] ک : بالمضطر [۲] س : جولاق دوس اغا . ک : جولاق ددهسی اغا [دوغروسى
 (ددش اغا) اولوق ممکندر یرلیغرده بوکله کورولمکده در ص ۸۸۴ (م) [۳] ک : سجان .
 س : سنجان [دوغروسى (سجان) اولوق ممکندر (م) [۴] ک : مصتو

شهر عظیم قراقو قدیم

ایدی ایدی کون یدی کیجه التندن [۱] قالمیوب مال غنایمی آلتدقدنصکره برریخ عقیم یلدیز روزکاری اسدیکی محله شهرک اوست یاندن روزکاره قرشوشهره بوقدر بیک تانار آتش ایدنجه برکون برکیجهده نیجه یوزیللق معمور و آبادان شهر قراقو خاکه برابر اولوب دود شاهی [۲] اوج سمایه پیوسته اولدی انجاق ایچ حصاری و یوزبش پاره قلعه مثال منظرلری کارکیبر اولمق ایله سطوحلری یانوب شدادی بنالری آتش نمرود ایچنده سوکله قالدی اندن نهر دسنه کنار نیجه سمت غریبه کتدک بو نهر دسنه قراقو داغلتندن جمع اولوب نهر اوزویه منصب اولور آت ایله کیچیلر کوچوک صودر بونهر زلال کنارنده

اوصاف قلعه کیور

قراقو حاکمی حکمنده اخملنج [۳] خطمان قبوداندر [۴] ایدی سنه بو له دیار یله قراقو ولایتندن ققمیوب یمش یدی کره غزام واردر بو قلعه کورمه مشدم بردوز واسع فضا ده سازلق و بطاقلق ایچنده خندق عظیمی قلعه سد اسکندر درر ایچ قلعه سی بر مرتفع طوپراقلی عملی یغمه بایر اوزره طوغله بنادر عسکر اسلام چکننه خیلی طوپر آتدی بونی دخی قوم تانار یقمیوب [۵] بر صحرا ده قوش قولان آرقانلر و آلاچقلریمز و یاغمور لقدن چادر لریمز له اول شدت شتاده مکث ایدوب بو قلعه کیور ولایتلرنده اوچیوز پاره قلعه و یوز سکسن پاره واروش عظیم و نیجه بیک پاره قرا و قصباتلرک مال غنایملرن امدانی [۶] نهب و غارت ایدوب نیجه بیک اسیر و مال فراوان ایله عسا کر اسلام مقتم اولوب جمیع مال غنایمی ایدی بیک تانار ایله قریمه کوندر و یینه جمله عسا کر صالت و سکبار قلوب جمیع قارت لشکر و یوزدانه سی امور دیده اوت اغالریله ماصقو شهرلرن غارت و آلان تالان اتمک ککشله ایدوب قسم بالله و یمن بالله ایله ولایت مصقوه کتمک صدندده ایکن آنی کوردک سنه ۱۰۷۰

[۱] ك : بو قراقو شهرینك آلتندن [۲] (سیاهی) اولمیدر (م) [۳] س : اخملنج
[۴] ك : حطمانی قبودانیدر [۵] ك : قوم تانار بوکا دخی باقیوب [۶] ك : امدانی

آیلق یول بودیواری سد آتمش [۱] نهایتی تاجرخ خزره وارر دیوبنه مصقواسیرلری خبر ویردیله [۲] آخر کار اول حائطك دبنده بر کیجه مکث ایدوب اوچ یردن دیواری منهدم ایدوب واول کیجه طبوردن آلتان طوپلری نهاییه یره دفن ایدوب علی الصباح منهدم اولان دیواردن [۳] کچوب قطع منازل و طی مراحل ایدوبک جانب غربه یدی کونیدی کیجهده قلعه پراسلو التنه کلندکده خان حضر تتری عهد و میثاقه وفا ایدوب جمله عسکر اسلامک اسارا و مال غنایمردن نصیبت اوزره صاوقارن آلوب بو حقیقک اون سکرز اسپردن برشی آلمادیغندن ماعدا یدی اسپر وایکی بورغه آت و بروب جمله عسکرک اسپرلرن آلتی بیک عسکر له قریمه کوندر و ب جمله صالت قالدیلر

اوصاف قلعه قدیم پراسلو [۴]

... بودخی نهر اوزو ایله نهر طاصمه بربرلرینه مخلوط اولدوغی محله بر پلنقه حصار متیندر دوروزونقه [۵] حکمنده اولوب اوچ بیک عسکره مالک اولوب بش بیک قدر تخته و ساز اورتولی اولری و کنیسه معظملری اولدوغی بالاده ... جلده سنه ۱۰۶۷ تاریخنده مفصلاً اوصافی مکتوب اولمشدر اما شمدی قتی معمور و مزین و آبادان اولوب یاننده مکث اتدی کمزدن خوف ایدوب بتون کون بتون کیجه تاصباحداک قلعه اطرافلرن نفت و قطرانلره چراغان ایدوب بی معنی یره نیجه بیک طوب و نیجه کره یوز بیک توفنکر آندی آندن بو قلعه به دخی اصلا التفات و رغبت ایتیموب آندن یه جانب شرقه و طرف شماله اوزی نهری کناریله اوچ کون سکر دود له ولایتک قراقو دیاری کوهلریک آردلرنده

در تعریف ولایت اخملینج [۶]

بو اولکده دخی علی الغفله سکر دود یطماق [۷] ایله آتله خراب و بیاب و کافرلرن اسپر و کباب و خانه لرین تراب ایدوب ایکی بوز پاره شهر و قرا و قصباتلر ویدی پاره شهر عظیم خراب اولنلرک اولای بریمی

[۱] دوغروسی (بودیوار کامل اوچ آیلق یولی سد آتمش) اولمیدر (م) [۲] ک: بزم ایله اولان مصقو اسارارینک دانشلی اولانلری خبر ویردیله [۳] س: یرلردن [۴] در بیان اوصاف قلعه قدیم و حصن متین پراسلو [۵] س: ک: دوروزونقه [۶] س: ک: اخملینج [۷] س: ک: بطماق

وتاتار عسکری بوکلهلری غلطان اولان کفارلرک میدان برزخده قالان یتیمش یدی بیک عدد جیفه مردارلرن صویارکن هر برنده بو قدر جواهر ولعل ویا قوت وز مرد و الماسلردن ماعدا یوزز وایکیشر اوج یوزر آلتونلری و قطعہ قطعہ ذی قیمت کران بها شیلر بولدیلر و تاتارلر بای کرای اولدیلر و لاشه مردارلرن عربان ایدوب سحرای تپده براغوب طیور و مور و ماره غدا بتدیلر (شعر مناسب)

سحرایی دوتمشدی مصقوک لشی کرک ایله روباه اولشدی [۱] هر کشتی [۲]
 فله الحمد بو جنکده کامل قرق اوج بیک عربه مال غنایمک انوعندن بلاحد
 و لانهایه سمور پوست و بیاض سمور و بیاض تلکی و سیاه تلکی ولعل کون تلکی
 کورکلری و یحساب یوز عربه بالق دشلری و اوچ یوز کیسه التون که هر برکیسه کیسه
 مصقوی اولوب هر برنده اونار بیک آلتوندر و جمله سکز یوز کیسه نقراد نام اچمه
 و سکز یوز کیسه اسدی غروش و ساثر مال غنایمک حد و حصرلرن احسان ایدن
 جناب باری بلور حمد خدا جمیع عساکر اسلام منصور و مظفر اولوب قریمه
 کتمکه متوجه اولدوقده مشاوره عظیم اولوب بو قدر عربه بارخانه ایله غبری یولدن
 کتمکه عزم راه اتدیلر (تاریخ غزای فتح طبور مصقو

اولکه غزاسنه [۳]

...

بویارخانه غنایمه قریمه کیمدرکن بشرالتیشر ساعت ایلری جانب اربعه یه قرا ووللر
 تعیین اولنوب قالمق تاتاری کفارلری خوفندن بصیرت اوزره کیمدرک آخر جمله
 قرم خلقی کدکش و مشورت ایدوب بیوک هیهات سحرایی ارض خالیدر اندن عبور
 ایدلم دبوب یولمز غریبه ایکن یدی کون شرق جانبنه کیدوب بر دیوار طویل عظیمه
 راست کانون قدی اوجه سرچکمش و برر طوپ منزلی یرلرده بر دانه قله عظیملری
 وار اما قلهلرک ایچلرنده آدم و آدمی زاددن اثر بوق مکر بودیواری سلفده مصقو
 قراللری قالمق قومی مملکتلرن خراب و بیاب آتمه سن ایچون بنا ایتیشلر کامل اوج

[۱] ک : اولشدی [۲] س ، ک : هر ایشی [ایکینجی مصرع یا کلیشه بکزه بور
 دوغزوسی (کرکه روباهه آیشدی هر کشتی) اولمق ممکندر بو صورتده معنایی لشکره
 اوقدر چوق قورت ، تیلکی کلش ؛ لشلری بیک ایله مشغول اولمش ایدی که بونلرک دیریلره
 ضررلری اولدیغی کبی آرتق اولنلره مونس اولمشلردی دیمک اولور (م) [۳] ک : اول غزاسنه

عیسی ده رجالی اوزره نیجه بیک کفارلری طوتوب تانار اینه و یروب اسیر ایتدیلر
اندن مصقو قرال زاده سی یوز بیک لشکریله بر جانبده جنک ایدردی اول دخی
بوانهزامی کوروب عسکریله طبوره جان آتوب کلدکده کوردیلرکم طبور ایچنده بر
اویلا واولدا و فزع و جزع اولیور همان قرال زاده تکرار کرویہ دونوب بر
جانبه رها بولم دیرکن ایکی تانار عسکرینک اورتاسنده قالبوب یوز بیک کفاره ینه
اویله برسیف مجزم اوردیلرکم بوکونه سیفی مصر دیارنده قبائل بنی سیف عربی
بررستان و فونجستان [۱] عربلرینه اورماشدردر حتی بوکونکی کون جنک وجدال
بر مرتبه قرشدی و هر بهادرلر عدولریله دوروشدی حمد خدا بادظفر خان حضر تلی
جانبنه اسوب کفار خا کسارلردندان تیغدن میدان معرکده قالدی و مغلوب و منکوب
اولوب وقت صباحدن تا بعد العصر دک اویله بر جنک و صواش و پرخاش اولمشدرکم
صحرای مصقو خون انسان ایله دریای نیل وار سرخرنک اولوب پای اسب و پای
بنی آدم دم نهورده شناورلک ایدردی حمد بیچون بوغزای مسرت اثر سنه . . .
تاریخنده اولوب جمله کفارلرک لاشه مردارلرینک سینهلرن شرحه شرحه ایدوب
علامتله [۲] عد اولنوب یتیمش یدی بیک کفار میدان عرصده جمله سی سهم قضان
و دندان تیغ آتش تابدن کچوب صحرای تیه جسد بنی آدم ایله شجره و قواق دبی
کبی زین اولمشدی و جمله آتیش آلتی بیک اسیر بند زنجیر اولمشدر و جمله یوز
بیکی دخی سود نهرنده غرق اولمشدر و جمله شرمهت بان ایله اوچ وزیر اسیر
اولمشدر و جمله ایکی یوز حطمان و جمله ایکییوز موثق قپودان و بو قدر یحساب
عورت و اوغلان که هر بری بر مهوش و شهزاده و ش غلمان و جمله یکر می آلتی
بیک بکر ناشکفته و دختر پاکیزه اخترلر اسیر اولدی و باخصوص مصقو قرانک
باش و زیری اولان صاری شرمهت وزیر بان که آنک قویننده اوچ یوز قطعه الماس
و یتیمش عدد در یتیم انجولر و قرق قطعه لعل بدخشانلر ایله اسیر اولوب عورتیله خان
حضورینه کتوروب دست بسته دلخسته ایدوب پاینه ایکی قات قالین دمر نیبلر اوروب
قاریسیله ایکیسن بر عربله ایچره قید ایتدیلر و جمله الماس و جواهرلرن آلدیلر

[۱] ک : و فونجستان قومی [۲] ک : علامتلیله

قویوب اوجه پیوسته اولوب آت آته ورکاب زکابه اولوب آت صهیلی وار صهیلی
 وصداق کورولدوسی جهانی دوتوب همان جمله تاتار براغوردن دال قلیچ و دال تیرکش
 و جان کش اولوب کافر اوزره یلدرم کبی دوقونوب ینه برکره یان وردیلر کفار
 بوکره جمله طوب و توفنکلرن هیابه آتدیلر بردخی طوب و توفنک صیقلامغه قالمدی
 هان تاتار عسکری یدی کوندن برو قانقمش عسکر آج قوردقیونه و قیون طوزه صونار
 کبی صنوب تاتار کفاره طاعونا کبرکرکبی اویله کردیلر کم ایلی کلن کفارلردن
 برجان قورتولیبوب قانلری جانلری چیقوب پیاده اولان برلرینه باغلی کفارلر
 طوپلریانلرنده قالبوب طوپلرک عربلری آتلیرینه یا کافرلری کروب جنمکه آهنک ایدلم
 دیوجر آتلایدوب اما کیمی عربلره کیررو کیمی چیقار قوللرنده باغلی اولان زنجیرلری قیرمغه
 چالشرلرکن عربلرک کوره لشم کافر آتلی کیمی او قدن و کیمی توفنک و قلیچ زخندن
 زخمدار اولوب بو صحرای عرصه کاهده جمله عربلری آتلیچکرکن زخملرندن وهای وهوی
 و فغان اور کوندیلرندن عربلری آتلی پیاده اولان زنجیره بغلی کفارلر اوزرنه عربلر
 بو پیاده کفارلری تاتار قیرمدن عربلر خورد و خمیر ایدمک قیرمهده تاتاردخی آنلره
 کلوب صاغ قالانلری اسیر ایدوب عربلری آتلی و ماللری ایله غنیمت آتمه مکر
 بو جانبد شیرینی و منصورلی و سجوتلی قرق اللی بیک یرار بهادر تاتارلر ایله مقدم
 کفارک طبورینه کروب فتح ایدوب قبضه تصرفه آلمشدر همان کفار بومیدان وغاده
 قلیچ بازارین کورنجه کرویو دونوب طبورلرینه قاچوب قمانایم دیرکن کورسه کم
 طبورلری ایچره تاتار کروب آنده دخی باشقه بر قلیچ بازاری وار اول آن
 کفار طبوردن دخی مایوس اولوب سود صوی اوزره بنا اتدکری جسره جمله
 کفار جان حولیله اوغرایوب قرشو جانبه عبور ایدیم دیرکن جمله جسره عربلری
 قریلوب نیجه بیک کفارلر آتلیله غرق آب اولوب تاتار وچرکس عسکرلری آتلی
 ددشمرمه [۱] بری طرفده بزمله صحراده جنک ایدن شرمهت بان وزیر طبورک
 فتح اولدیغن و جسرهک بو کونه قرلدیغن کوروب بقیه السیف اولان کفارلر ایله تارومار
 اولوب حمد خدا مهزم اولدقلرنده طوت بزلی یا عیسی دیو فرار ایدرلرکن حضرت

[۱] ک : دوشیرمه

مستولی اولدوقده شدت حرارتدن ایکی لشکر کرما کرم اولوب ابتدا خان طرفدن جنگ طبللرینه طره لر اوریلوب قانون جنکیزیان اوزره کره‌نای افراسیابی و طبل سکندری و سورنای جمشیدی و نقاره هوشنگ شاهی و کوس خاقانیانی وزیر دارا شاهی سازلرن چالراق جمله عسکر آت باشی برابر اوله‌راق ایکی قولدن لشکر تانار میدان شجاعته واردیلر و درفش کلویانی ذیلنده آماده دوردیلر قرشو طرفدن دخی قرق اللی الای کفار طبورلرندن چیقوب دوموزسورولری کبی سوروسورو ابتدا پیاده توفنکللیسی بایراقلیله و خاچلی پاپاسلریله میدانه چیقوب طبورلری یاننده دوردیلر اندن اللی پاره طوپلرن طشره میدانه چیقارنجه طبورک یدی قپوسندن جمله کفار بربرلینه ترکشوب ناخر سوروسی کبی رهمرهمه طبوردن چیقوب لوطوریانی بورولری و تورومپته وارغنون و ناقوس و طبل و مزماراتلرن چالراق و بعضی کفارلر اللرنده قلیجلیله هوره دپوب اوینایراق و پاپاسلری انجیل او قویارق و کیسی یرلایراق بر آلائی مست و مدهوش سرخوش مصقو [۱] کافرلری و چهوله و قزاق عاق فاجرلری دوزخ قرار اولغه قرارلری قالمیوب خنزیر طوپی کبی طورطوب اولوب اونار اونار یایه‌لری بربرلینه زنجیرلر ایله باغلیوب جمله سلطاط و مور طاطلری یاپ باب کلوب جمله طوپلری بو باغلی پیاده لرک اردلری صیره زنجیر ایله بغلیوب علی الترتیب دور مشلر و جمله کفرلر صحرائی مالامال ایتمشلر و جنود جنب کفارلر دوموز کبی صویک بطاقلغنه ارقه و رمشله همان بو پیاده کفار میدان معرکه‌ده طوپلرینه و بوقدر بیگ عرب‌لرینه سپرنوب دورنجه دریا مثال آتلی کفارلر اجل میدانه آتلرن سوروب چیقوب جنکه آهنگ ایدوب بزدن و آنلردن جنگ کرما کرم کفاره کیجه امداد کانلر دخی تانارک کراملرن کورمه مشلر همان ملعونلر وار قوتلرن بازوی کجکلرینه کتوروب چرخه صواشنه چقدیلر همان عسکر تانار دخی قول معهودلری اوزره طوب و توفنک اغزندن آلارقه هجوم ایدرلر شکلی اولوب گاه یان وروب گاه اوغرار شکلی اولوب ینه کفارلر کامل برطوب منزلی عرب‌ه طبورلرندن و طوب آغزلرندن کفارک یرخیلی الارقه اولدقلرن تانار کورنجه العظمة لله عسکر تانار ایچنده براون و برصدای الله

[۱] س ، ک : مسکو

دریامشال طپوره متوجه اولدیلهر وات باشی برابر اولوب اون ایکی قول اولدیلهر فی الحال میدان معرکه یه واروب کفارہ منتظر اولوب دوردیلهر خان حضرتلری و قلغا و نورالدین سلطانلر عسکرلریله آغزماق کچیلان آتلیینه سوار اولوب هربری الای چاوشلری کچی عسکر ایچنده طرفینه سلام ویره رک و عسکره بیحد دعا و نالرا ایدره رک جنکه رغبتلندی ره رک خان مبارک باشن آجوب بیاض صاحیلرن پریشان قیلوب «امان جوره لرم» [۱] امان بطر جک لرم و قره جی قرداش لرم کون بو کوندر [۲] دین محمد عشقنه و جدیمز جنقیز خان جانن شادیصدک [۳] چاپ الیه قورسه بزکه پرست و نصرت برسسه دیوم بولغنده باریکیزک قوللرنده اولان شورلر دم کله ریکزدن [۴] جارم صاوقه آلیم و سیزه سمور طون و سمور شېرطمه قلیاقلر ویره م، دیو عسکره فوق الحد استمالتلر و یروب کونا کون دنلوازلقلر ایلدی و «بنم قراجیلرم» [۵] صقنک دیوم اولماغه آشقماک ورون قاوورک آریسن صوقوب چویک [۶] صوکر اتن بالئی آشانک قوب مال طامماغه توشمک وکله پوره دریلوب اشمک اولکر [۷] عسکر دیوماغه آشقرکن بوزلوب قایتا اول اتوب صنغانلردر، دیو خان حضرتی قول قول عسکر ایچره بو نصیحتلری لسان تاتارچه تنبیه و تأکید ایدرکن آفتاب برج سعادت سعد ساعت و طالع میمونده طلوع ایدوب ایکی جدا قدی نمایان اولدی (بیت مناسب)

سحر چون کرم اولوب بازاری مهرک
آنکچون زهره کرم ایتشدی بازار
مکر میزانه چکمش یوسفی ماه
سحر دن دوغدی چون نور الهی
سوار اولدی قوصاحب قرانلر
مضمون اییا تلی اوزره مهر عالمتابک شدت حرارتی طرفین عسکری اوزره

[۱] س، ک : چوره لرم [۲] پ، س، ک : بکونکی کوندر [۳] پ، س، ک : یسه دک [۴] پ، س، ک : دوکله ریکزدن [۵] س، ک : قراجیلرم [۶] س، ک : جویک [۷] س، ک : قوب اولکن [۸] پ، س، ک : بیره [مصرعک دوغروسی شویله اولمیدر : (پلنک و بیره بیددی پهلو انلر) (م)

باغليوب آلاچقارنده قلعجرن ياغليوب وجبه وجوشن سوکوکرن دیکوب تکرار
جمله عسکر تانار عهد و امان و یمین و ایمان مغلظه ایلدوب وقت شافعیده دریا مثال
عسکر آتلنوب طبور مقهورک اوچ طرفلرن تکرار قات اندر قات قادیلر مکر
کفار اول کیجه طبورن سود صوی اوزره قات اندر قات عربهلرندن بر جسر
عظیم احداث ایدوب کفارلرک نصفی قرشو طرفه کچمشلرکم...

قلعه یه جان آتار همان تاتارلر بو حالی کوروب بیرمدد کفار دخی قرشو
طرفده بر صارپ طبور یصاطمادن سود صوین قرشو طرفه اوتلم دیوب فی الحال
جمله تانار صوینی اوتیه اوتوب ایکی بلوک اولمش قالمش کافره بر آنده قلیج اوروب
نیجه بیگ کافری سود کبی بیاض کوده لريله سود صوینه دوکدیلمکم اول کافرلردن
بر جان قورتلیوب جمله غنایم لريله عسکر تانار منصور ومظفر یه صوی بروکچوب یه
طبوری محاصره اندیلر همان کفار دوزخ قرارک طبور ایچره قرارلری قالمیوب کوردیلرکم
بو وادیلرده تانار عسکرینک اللرندن امان یوقدر همان اول آن طبورن طشره قرق
عدد کفاری الجیلکه کوندروب صلحه رغبت اندیلر خان حضر تلری صلحه اصلا
رضا ویرمیوب احتیاطاً طبورک اطرافنه قراوولار قیوب جنکی صباحه آلیقوبیدیلر
زیرا مقدم صویک قرشو طرفنده کفار ایله یدی بوچوق ساعت جنک عظیم جنکیزی
ایدوب بو قدر کفار ماللرین بری جانبه اوتدورنجه تنک وقت اولدی و جنکیز غازیلری
بی تاب و بی مجال قالدی ایدی مکر اول کیجه کفارک قرشو طرفدن قرق بیگ عدد
بد کردارلری عربه جسری اوزره عبور ایدوب طبوره امداد اولدی مددکلدی
ظن ایدوب تازه جان بولدوق صاترلر همان اول کیجه بو خبری طبور ایچنده اولان
مصقوه تابع هشدک رعایای اولان امت محمدلردن بر خیلی مسلمانلر طبورن
حیقوب کفارک امدادلری کلدیگی خبرین خانه طشردیلو آنلر آرتق طاپوره کیتمیوب
خان یاننده قالدیلر همان خان بو خبردن آگاه اولنجه جمله عسکره چاو چالدروب
جمله عسکر پاک آبدستلر آلوب قبله یه متوجه ایکیشر رکمت حاجت نمازلری قیلوب
بمدالدعا و التنا ال یوزه سورولوب حمله عسا کر موحدین اسب صبار قاتارلرینه سوار
اولوب جمله نوغالی عسکرین کرده آغرالقار یاننده قزان تی آلیقوب بعه عسکر

مملو ایمش واران نوغای عسکرن آتش فشانلقرا ایله احراق بالنار ایدوب اسلان بک
 ایلندن وچوبان ایلندن ونوروز ایلندن ودوی ایلندن بی حساب زور آور بطریکتلر
 اول معرکه ده خاک هلاکه دوشوب بقیه النار اولان عسا کر تاتارینه بیوک عسکریمز
 ایچنه کروب میدان معرکه ده اولان کفارلر ایله حرب و قتال و جنک وجداله اهتام نام
 ایدوب کفاره او یله برصاتور محمدخانی اورلدیکم وقت ظهردن غروب ده جنک متمادی
 اولوب وقت شام مانع صواش اولدی چون اخشام اولوب محل معرکه ده هر کس
 آج وزاج قوشلرینه [۱] واروب کفار دخی بیتاب و بی مجال بی بال و پر وبال طبور
 منحوس خانه لرینه کروب متحصن اولوب اول کیجه صباحه دک کفار طبور اطرافلرن
 چراغان ایله شادمانلر ایدوب بری طرفدن تاتار آتیلری میدان صواشده قالن
 شهدلرن جمله آتلا یله قوشلرینه طاشیوب قریمه کتوره جک میتلری باشقه جه
 طوزلیوب حفظ اتدیلر نیجه لرینی ده خاک پاک ایچره دفن ایتدیلر اما بو کیجه تاتار
 عسکرینک بهادرانلری تا صباحداق خواب راحت کور میوب کفارک میدان معرکه ده
 دندان تیغ آتش تابدن وقوس سهم پرتابدن مرد اولوب پایمال رمال اولوب بطن
 لاشه مردار لریکه سقر مقر اولنلردن یکریمی یدی بیک عدد کفاردن متجاوز کفره
 و فخره لر قضای سهمه هدف اولوب راه نیرانه روانه اولوب لاشه منحوس نجس لری
 تلف اولدی و میدان سیاستده قلان کفارک لشلرینی تاتارک چست و چاپکری خواب
 راحتی اول کیجه ده کندولره حرام ایدوب تا صباحداق کفارلرک لاشه جیفه لرن
 صویوب اولقدر ذی قیمت اسباب و ائقاللر و بعضی کله پر و کامیاب و بی قیمت کران بها
 جواهر مقوله لری و بللرندن ایکیشر اوچریبک آلتونلی کفره فخره لشلرینی صیوب
 جمله کفاری عرصه کاه و غاده عریان براغوب اندن ینه جنک یرنده قلان یکریمی بیک
 طبور عربه لرن بوشال دوب و قرق بیکدن زیاده عربه آتارلرن و غیری مرد اولان
 کفار آتلرن و جمیع غنایماتلرن آلوب بو قدر مال غنایملر ایله هر کس قوشلرینه
 کلوب جمله اشلو اشلرنده و عقلی باشلرنده اولان بطریکتلر آغرماق آلاشه لرن
 آونادوب یعنی یووارلندیروب و نیجه کشیلر آتلرن آرفانلیوب [۲] یعنی ایپلر ایله

[۱] س ، ک : قوشلرینه [۲] س ، ک : ارفانلیوب

صوت اعلا لر ايله انجيل اوقويوب چليپارن چلاراق كافرلك اوزرلرينه سوپوركلر ايله صولر سرپرك آفروس وماندهكوس [۱] وكريلوس ايدرك كفارلري جنكه ترغيب ايدرك آهسته آهسته جمله سي طوپلرن چكرك كلوب بربره جمع اولديلر اما خدا عالمدر سمور قالماقلي وقره شاقالي آدم درياسي تمولج ايدوب ايلريه يتمش عدد ماوي حرير خاچلي پيكرلر وقرق بلوك آلايلر جمله عسكرلريه قول قول سچيلوب آرهلرندة يوزاللي عدد صغير وكبير طوپلر ظاهر اولوب جمله طوپلرك آرهلرندة قاره ناخر كي قره شاقهلي نمسه ولهوچه واسفاج وطوت وقرول [۲] و محار و قورش [۳] كفارلرينك نيجه بيك توقنك اندازلري نمايان اولدى ويتمش يردن ياژوژ وياژوژ صداسي كلوب چام چقاللري كي اولوشوب فرياد ايدرلردى اما عسكر اسلام كفارك جانبلرينه اصلا بقمايوب صحرا طرفنه يوز طومتشر ايدى همان كفار تانارك بوكونه بطي الحركه اولديغين كوروب تنزلده اولدقلرينه واقف اسرار اولدم ظن ايدوب همان براغوردن جمله كفار دوت بزي ياعيسى ويا مريم انا ويا اسوت ني قوله ويا آووسدوس ويا قاسم كوني ويا صارى صائق سلطانلر سيزه ديانوب تاناره كتدك ديو خنزير سوروسى كي كلرلر زعم باطلر نيجه عيسى ومريم وقاسمدن استعانت طلب ايدوب خاچلي بيراقلرن صالوب درون عسكرلرندن انچاق بر بيوك باليمز طوب وبر عظيم فشك هوايي آتيلنجه عظمت خدا دريا مثال كفار بر كره دريا كي چالقنوب ياژوژ وياژوژ ديوب ابتدا نيجه بيك پر سلاح آتيللري خان الايلرينه آت قويديلر همان تانار دخی بحر عمان كي تلاطم ايدوب ال صداغه اوروب بر صداق صاعقه سي ايدوب اندن صدای الله الله رهها بولدوروب ايكي لشكر بربرلرينه كروب كرد سياهدن كافر و مسلم نامعلوم اولوب كامل يدى ساعت نجومى بر جنك و پرحاش وبرهادرانه اوروش سواش اولمشدر كم حضرت داود ملك طالوت ايله براولوب ملك جالوت كافر قرالدين برو نوع بنى آدم بويله بر نبرد عظيم كورمه مشدر همان بو جنك ايجره تانارك كروده قالن فصفي طيبورى قبضه تصرفه آلمانغه آت سوروب كتديلر مكر دخی طبور ايچنده كفار مالامال ايمش ونيجه بيك كونه حيل وشيطنلر ايله طبور

[۱] س ، ك : مانده لوس [۲] ك : قورول [۳] س ، ك : قورس

جمله عسکر روز کار زور کار اوزره چیقوب دو ماندن کوزلرن آچدیلهر وعسکر موحدین بر برلرن جنکه ترغیب ایتمکه باشلادیلهر اما ایکی بیکنن زیاده آدم مجروح اولوب بیک مقداری قدر یکتیلر شهد شهادت جامندن نوش ایدوب سرخوش اولدیلهر حقیقه الحال کفارک اول هجومه کوه دماوند بیله مقابل اولسه برقرار دورماق محال ایدی زیرا کفار طبور ایجره متحصن اولوب پر آتش اما فقیر تاتارک نه آتشی ونه سترلری وار همان سنت رسول الله اوزره براوقلری و بریایلیری و برر قامچیلری وار نتیجه کلام کفار دوزخ قرار تاتارک بویان وردیکی حالن کوزوب قاجدی ملاحظه سنده اولوب طبورینک جمله قیولرن کشاده قیوب اولوسی دیرسنه بنوب بال یمز طوبلرن طشریه چکوب ایکی بیک قدر عربلرن طبوره و کورن چتاراق طوب و توفنکلرن آتاراق ارغنون و تور و پته ولو طریان بوریلری و ناقوسلرن چلاراق اوزریمزه چاپور عسکری کبی کلر اما طبورندن دخی چوق آلارقه اولماغه خوف ایدوب آهسته آهسته کلهرک بزم عسکریمزک میدان معرکه ده بیکنن متجاوز کزیده سی بلکه دخی زیاده سی جام اجلی نوش ایدوب بی هوش زیروز بر یاتدقلری کفار کوروب تحقیق تاتار قرلمش انکی چون بوزولوب قاجمش بیر مدد تاتاری قوالم فرصت بزمدردیو طبورلرن آلارقه اولمغه جرأت ایدوب اوزریمزه کفار کلدکجه تاتار آلاق بولاق کرو کرو کتمده تا اول محله واردیلرکم کفار خاکسار طبورلرندن ایکی ساعت بعد عربه طبورلریله صحرايه چیقدی بزم عسکر دخی بریده قرار و بر برلرینه قفادار عسکر پیشمار بریره طوب اولوب دوردیلهر و جمله تاتار ماینلرنده یمن بالله ایتدیلهرکم همان علی العموم کفاره برکره دن دال قلیج اولوب ابتدا کفارک طبوری طرفنه وارالم امان وزمان و یرمیوب طبوری قوشادالم که کفار صحرای فلا کتده و وادی ملامتده قالسینلر دبو ماینلرنده عهد و میثاق ایتدیلهر کفار کوردیکم تاتار چوق قیولوب حرکت اقدارلری بوق همان ایچ قات طبورک دخی ایدی یردن قیولری کشاده ایدوب ابتدا اوچ بیک قدر پاپاس و پطریقلری و بیکنن متجاوز خاچی نوشروان بایراقلریله و بوغازلرنده انجیل پانچیلریله [۱] والارنده مجمره لری و بللرنده زارلرن قوشاوب

[۱] ک : یا یچیلریله

درون دلدن و جان کولدن صدای الله الله رها بولدوروب زمین و آسمان آت
 صهیلندن و الله الله صداسندن و تیرکشلرک کورلدون نندن افلاک و آسمان لرزه ناک اولوب
 جمله عسکر بر کره دن کوز قراردوب طبور اوزره آت براغوب المرنده کی یایلرک
 چیله لرنده اولان خدنک بلالره شصط [۱] برقبضه کشاد و یروب نیجه کره یوزبیک
 آو اوقلری و نیجه یوز بیک چطال قورشوملر هوادن طابور ایچنه باران لعنت کبی
 یاغنجه جمله عسا کر تاناریان و یروب آلا رغه یه کتدی لر همان با مر سبجان طابور
 ایچره برغری و فریاد و واولدا قوبوب قیامتدن بر نشان اولوب همان طابوردن بوقدر
 یوزبیک کفار برقتیلدن بوقدر یوز بیک توفسکاره و بوقدر شاهی و بال یمز طوبلره
 آتشلر ایدوب جمله عسکر اسلام آتس نمرود ایچنده قالوب جمله غزات صحرائک
 نهایتنه عزم ایلدیلر [۲] (نتیجه غزای طابور شره مت بان) همان کفار کوردیکم
 طابور ایچنده اوق زخمدن مجروح اولماق آدم و هلاک اولماق عورت و اوغلان
 قالموب چپلا قده اولان نیجه کره یوز بیک آت لک آرقالری نه خدنک بلالر صانجلوب
 و کبریت ایله فقیر آت لک آرقالری یانوب پای بند کوسدکلر قروب جمله
 آت لر بربرلری نه دپشک نیجه بیک کفارلر آت آلتنده پایمال رمال قالدق لرن
 کورونجه همان کفار اولدن دیرلک یکدر ایشته ناتار بریایلم اوق آتوب قاجوب
 کتدی همان عربلی طوبلر میزله تاناری تاقریمه داق قوالم دیوب کفارک صکره دن
 احداث ایندیکی طشره طابورک قپولرن آچوب طبورک کهنسکا هلرنده نهفته اولان
 جنودلرندن [۳] جان و باشه قالمین جبار عنودلرندن یرار کفره لری جمله طبوردن طشره
 چیقوب اوقلانش خنیزر کبی عسکر اوزره بر هجوم ایلدیلر کم عسکر اسلامی یصه دیلر
 وایکی عسکر اول میدانده بربرینه کروب مرغ سمندر وار آتس نمرود ایچنده
 قالدیلر اولکون رور روشن وقت شافی مثال اولوب عسکر بربرلرن فرقدن قالوب
 جنک ایتمک اقدارلری قالمادی در حال عسا کر اسلام بر قایتا وول یعنی دونک ایدوب

[۱] دوغروسی (شصت) اوله بقدر اصلی (شست) در (م) : ارباب غرض بزدن ایراغ
 اولدینی یکدر . دوشمز یره زیرا اوقز صاحب شصت « روحی بغدادی » [۲] پ نسخه سنده
 ۷ سطر آچیق وار [۳] س ، ک : جنود خنودلرندن

قالوب بلدیلم کم دخی طابورلرینه برجانیدن امداد کلک محالدر طابور ایچنده صیت و صداری کسلیوب یاطدیلمر بعده جمله قارتلر و اتاقلر و جمله اوت اغالری و ایش ارلری بز بوقرلقده و قتلقدده نه دورورز همان برکره کوز قراردوب شو تا بورك بریانندن [۱] برکره اوغرایلم ورمک اللهکدر دیو ترکیم درست اتدیلمر همان تا بورك صول قولندن اون بیک عدد منصورلی تاتاری و یکریمی بیک عسکرله صاغ قولندن شیرین بکلری و یکریمی بیک بهادرانلر ایله خانک صاغ طرفندن قلغا سلطان و یکریمی بیک عسکرله صداقلی و صواتلی ارلر خانک صولندن نورالدین سلطان و خان حضر تلیله ایکی بیک منم دیکرینست دین شهباز روم یکیدی توفنک انداز سکبانلر ایله ایکی بیک عدد خانک قپو قوللری و الحاصل جمله اون بیک قراچی خلقی و بادراق قومی وصفی کرای سلطان و حاجی کرای سلطان و غیری صداقلی و صواتلی یکریمی یدی عدد سلطانلر قول و قراواش لریله و جمله سکبانلر ایله قول قول صاف صاف آماده دوروب جمله سبوت عسکری و مانقتلی [۲] و ارقنلی [۳] و دایرلی و بولغناقلی و چونجلی [۴] و کولجلی [۵] و کرچلی [۶] و تب اللی [۷] و جورغنهلی [۸] و دخی نیجه یوز عدد ایل و ولایت قبیله لری جمله خان قولنده حاضر باش دوردیلمر صکره امداده کلان عادل مرزا نوغایلریده یوز عدد زور بطرار جکنلر [۹] ایله ایکی بولون [۱۰] یرده ذوالجناحین وار الیشمر بیک بطرله طلیعه عسکر اولوب اندن جمله چرکس بکاری توفنک اندازلری قزان توبی [۱۱] یعنی دوندار قالوب جانب اربعه یه برساعت بعید قراووللر تعیین اولنوب جمله اوت اغالری بریره کلوب جمله علما و صلحالر فتح شریفه مداومه مشغول اولوب همان عسکر دریا مثال آهسته آهسته طبور اوزره یوریوب طبوره برطوب منزلی قالدقدده جمله عسکر اسلام ال صداغه اوروب هرکآنک چیله سنه ایکیشمر و اوچر دانه طبور اوقلری کزلیوب هراوقک دمر نلرینه برر ایکیشمر کبریتلر باغلیوب کبریتلره آتش ایدوب علی العموم جمله غزات موحدین وار قوتلرن بازویه کتروب

[۱] س، ک : هریانندن [۲] پ : مانقتلی . ک : منقتلی . س : مانقتلی [۳] س، ک : ارقنلی [۴] ک : چونجلی . ط : چوسنجلی [۵] س، ک : کولجلی [۶] ک : کرچلی [۷] ک : تب ایلی [۸] س، ک : چورغنهلی [۹] س، ک : ارچکتلر (۱۰) س، ک : بولوک [۱۱] ک : قولی

الحاصل جمله ایلرک یوز قرق بیک عدد تاتار عدوشکارلی کلدیله اندنصره
 اوچ بیک عدد توفنکلی چرکزستان عسکرندن اولاشفاکه [۱] عسکری وژانا
 قومی و مامشوخ قومی وادی [۲] قومی و بولتقای [۳] عشیرتی و بسنی [۴]
 قبیله سی و قبارتی بکلرینک اون ایکی عشیرتی و طاوستان [۵] قومی جمله بکلر ایله
 کلوب خانه بولشوب عسکر اسلامک بر طرفنده باشقه اویماق اولوب قوندیلر
 و کفارک طبوری محاصره سی و محافظه سیله مقید اولدیله ارتسی کون یسه سود
 صوبی کنارنده برقاچ دل کفار دوتلوب سویلدلده اشته طوره قرق بیک خرسیتان
 امداده کلیورلر دیو خبر ویردکلرندن همان عادل مرزا ایشدوب خان حضر تلی
 حضورنده باش اوروب طوارلر آیطوب یعنی دعالر ایدوب خان دخی عادل مرزایه
 دستور ویروب باشنه برشیرطمه سمور قالیاق کیدروب و چکورکشی الای جولوق
 برسن، [۶] یعنی یورو آدم الله یولک آسان اتسن دیدکده عادل مرزا آق کرمانده
 خان النده طالاه و اورولدوغن خاطرینه کترمیوب دین اوغرونه اللی بیک عدد منم
 دیکر نیست دین زور آور بهادر نامدار یکتلر ایله آتلا نوب اول ساعتده چاپول
 چیوهروب [۷] برق خاطر کئی کتدیله بر کون بر کیجده کفاره امدانه [۸]
 ایشوب اول بیابانده کفاره آت اوزره راست کلوب نه تاتار عسکرندن ونه کفارک
 جنود جنبندن بر مرد فردک بورنی قنمادن جمله کفارک حنطو عربه لریله عورت
 و اوغلان و مال خزاینلرینک اردلری و اوکلرن چویروب اون پاره بال بیز طوپلری
 وجه خانه و توفنکلریله ماه ... کوننده جمله کفاره ال قالدیر تمان اسیر بندزنجیر ایدوب
 بر الای عظیم ایله سر نکون خاجلی پیکرلری و طبل و نفیر وارغون و ناقوسلرن چالدر اراق
 کفارک طبوری اوکندن عبور ایدرلر کن بعضی تاتار بی رحملر کفارک قوجه باباسلرینی
 و صیبان او شاقرینی قلیجلر ایله کفاره قارشو پاره پاره ایدرک عبور اندکلرنده درون
 طابورده اولان کفارک خاکسارلر بو حال و احوال پریشان پرملالری کوروب عالم حیرتده

[۱] پ : شفاکه [۲] س ، ک : آدمی [۳] ک : بولتقای [۴] پ ، س ، ک :
 سنی [۵] ک ، ط : طاوشان [۶] س : چکورکشی الای جولوق برسن . ک :
 چوکورد ... [۷] ک : چیوهروب [۸] ک : کفار امدانه

عورت واوغلانلری وجہ خانہ ومال خزاینلرن قیوب قپانوب [۱] دورر اویله بر صارب طابور آتمشکم برطرفدن بروجه ایله رخنه ویروب ظفر بولماق ممکن اولمیوب برطوب منزلی بعید یره جمله عسا کر تاتار ایله الاجقلمیزی قوروب طبورک اوج طرفن قپادق [۲] اما صو طرفنی قپانماق [۳] ممکن اولمیوب اول طرفن کافر امداد و ذخیره لری کلر نه چاره دیو صافی کرای سلطانی صیوک [۴] یوقاروجانبنده بر بوغاز یره اون بیک عدد کزیده تاتار عسکری وایکی بیک توفسکی سکیانلر ایله مذکور سود بوغازینه خان تعیین ایلدیکم کفارک امدادی و ذخیره سی قیقرا ایله کچمیه دیو جانب اربعه یره قراووللر قودیلر اول کیجه دارامان مثال آتلیمیزی صحرایه صالوب تاتارلر معتادی اوزره ماوی وقرمزی کوملکگری وطومانلرن چیقاروب خواب راحت یاطدیلر اول کیجه ملعون کافرلر صباحه دک خواب راحت کورمیوب فرهاد کبی چالشوب طبوردن طشره برقات طبور دخی بنا ایدوب اکه دخی بر فیج عمیق وار خندق قازوب ترابن ایلری آتدی واوج یردن قپولر یاپدی ویدی یردن عظیم طابیه لر چاتدی وهر برطابیه لره اونار پاره بال یمز طوپلر قیوب عسکر اسلام اوزره آتدی وبمده خاموش باش اولوب یاتدی آیا بوکافر نه رای وتدارک ایدوب طبوردن چیقارسق دیو قارتلر ایله مشاوره اوزره ایکن هیهات سحر اسنک قبله جانبندن بر طوز اوج آسمانه پیوسته اولور مکر بزم یلقی آتلیک یاننده اولان قوش قزان توی شورلر [۵] ایمش آت بویننه دوشوب بره مدد بر عظیم عسکر کله طوریور مونا کورندی دیو خبر اندیلر همان جمله عسکر اسلام صدا قنوب قزاقلنمش یورال آتلیینه سوار اولوب عجبیا قالمق قاوورومیکن دیو طوخطاب دوررکن همان قزل صلغاق ویشل سنجاق ویراقلر نمایان اولنجه جمله عسکر تاتارک جانلری یرینه کلوب بلدیلمک اسلام عسکری امداده کلر مکر بزم اولو نوغای و کچی نوغای و شیداق نوغای و عادل نوغای و کور یوسف نوغای و چوبان [۶] الی [۷] نوغای و نوروز الی نوغای و دوا الی نوغای و اسلام بک [۸] الی نوغای و اورومیتلی [۹] نوغای و ...

[۱] س ، ک : قانوب [۲] س ، ک : قادق [۳] س ، ک : قانماق [۴] ک : صیوک
 [۵] س ، ک : شورلر [۶] پ : جوابی [۷] ک : ابلی [دیکر اوج کله ده بویله در (م)]
 [۸] پ ، ک : ارسلان بک . س : ارسلان بک [۹] ک : اورمیتلی

ومخالفت اندیکی اجلدن قالمق دخی شرمه مت نانه کوسوب یدی کوندر هیهات سحر اسنه کتدیله دیوخانه شافی خبر ویردکر ندنه در حال بوکافر لک یکر میسنی ده دندان تیغ ایله مرادلرینه ارگردیلر جان خینلریخی وادی نیرانه کوندر دیرلر اندن خان عالی تبار علی الصباح کره نای افراسیابلره رهاوردروب [۱] شمس آتش تاب قله فدیگدن باش کوستردیکی کجی اسب تازی صبا سرعتلرینه سوار اولوب متوکلاً علی الله لاجول ولاقوة الا بالله ایله اوراد واذکارلرینه مداومت ایدره ک ... [۰]

نام قلعه آلتنه وارد قده اول وادی تپده عسکر کفار دریا مثال نمایان اولدقده اوت اغالری خانه خبر ویردیله در حال جنک سلطانی کبرکالرینه طوره لراورولوب جمله غزات مسلمین یرار قزاق داش اغرماق آتلیسه سوار اولوب جمله اغر لقلری یکر می بیک عسکر ایله قزان توپ ایدوب هر قوشدان [۲] اونار کشی دخی قالبوب سکسن بیک عدد کزیده صداقلی وصواتلی وکوبه لی زور بطر یکتلر ایلرینه طلیعه عسکر اولوب همان کفار عسکرینه الله دیوب صداق جلووی و آتله صبه لری افلا که پیوسته اولوب چاپول عظیم جیوه روبرو زومحشر دن برکون اولوب روی زمینک خاک پاکنک غباری آسمانه عروج ایدوب آفتاب عالمتابک شعله سی دوتولوب منکسف اولدی وجمه عسکر طرفه العین ایجره کفارک تابورینه چاندی خان حضر تلی ایسه دریا مثال عسکر ایله آهسته آهسته بر چاپول یردن کلمه اما بز کفاری سحراده جلوغور ز ظن ایدردک مکر کفار خوفندن سود نهرینه ارقه ویروب جمله جنود عنید ولید پلیدیله اول سحرایه قنوب اوچ قات خندقلی برتابور عظیم قازوب قرق الی بیک عر بهلرن ویکرمی بیک حنطو عر بهلرن داراً مادار جمله قنادقناده و تکر لک تکر لکه چیتوب طبور اطرافلرینه عر بهلری دیزوب جمله سن بر برلرینه قالین زنجیر لر ایله باغلیوب عر بهلرک ایچ یوزلرینه خندق قازوب وجمه خندق طوپراقلرن داغله کجی ایچ یوزلره یغوب استلرینه بالیمز وشاهی طوپلری قیوب قرق یرده کوه دماوند مثال طوپراقدن طابیلر احداث ایدوب دورر ویدی یرده بو طابور عظیمه شرانپاولی [۳] صارپ بارماقلی اغاج قپولر یاپمش بو طابورک تا اورطاسنده برکوچک تابور عظیم دخی قازوب آنده [۱] ک : بولدوروب [۰] ایکی سطر آجیق وار [۲] ک : هر قوشدن [۳] ک : شرانپاولی

وجه ایله سود نهرن یلدروب [۱] آندن برچنزار یرده مکث ایلیوب اطراف وا کنافه قراوولر تعیین اولندی حکمت خدا بو محله کیجه بر کافر قزاق قایینی نهر سود ایجره عبور ایدرکن تاتار بو قایغه تیرباران ایدوب نیجه تاتارغازیلری آتلیله کندورلن صویه اوروب یلدروب قایینی کناره کتروب کفرملرن خان تیلماش لرله یعنی تر جانلر ایله سویلدروب ایتدیله که حالا شرمهت وزیر اوچ کره یوز بیک عسکر ایله بوسود صوینک باشنده دخی عسکر جمع ایدوب قرالدن کله جک اون پاره طوپلره واون نوقراد خزینه سی کله سته بقوب قریمه کتسه لر کرک حالا نسکی کرمان قلعه سنده اوطور لرل بورادن اون بر قناق یردر دیو خبر وردکارنده بیوردیلر کم قالمق عسکری بیله میدر دیو سؤال ایتدکارنده بلی اول ایکی کره یوز بیک قالمق عسکری بیله ایدی صکره ادل صوینی کنارنده موینجاق [۲] شاه نام پادشاهلری خسته اولوب باباسی اولان طایشی شاه اوغولم خسته در . سفری براغوب کله سز دیو قالمغه خبر کانجه قالمق دخی شرمهت باندن اذن استدکارنده اذن ویرمیوب مال ایستدیلر مال دخی ویرمیوب عناد

وجدال اولیوب آل عثمان سائر کفار ایله غزا وجهاده مشغول اولمشدر یوخسه بو کفار ایله برماموندرکه اگر بش اون سنه تاتارک چاپولندن قورتلوب رفاه حال ایله دولته فی الجمله نظام ویره جک اولور ایسه بوملاعینه بر دوات مقابله ایده میوب جله قزاقه ولهه استیلا ایدوب طونا یالیرینه چیقماق اولور ایسه بر درلو دوات آل عثمانه راحت ویرمیوب معاذالله بلکه قریمه دخی استیلا ایدر خدلسلم خان غازی به رحمت ایلیه بو احوالاتی ملاحظه ایلیوب ایتدکارکنی کورمش کنه بویله ایکن وحالا تاتارک الله زار وزبون ایکن اژدرهان اطرافنده ساکن اولان نیجه قبائلی مشتمل هشدک تاتاری مسلمانلریته واژدرهانه استیلا ایدوب بوتقریبه بحر خزره دخی مالک اولوب نیجه کیلر تدارک ایلیوب کیلر ایله ماوراء النهرده کیلان زمیننه استیلا ایتمش بو ایاملرده هیهات صحرا سنده و قرم جوارلرنده بعضاً قالمق عسکری کورینوب مسقو قرالی برقاچ کره یوز بیک عسکر ترتیب ایتمکه قوت بولور اولدی خدا انجمنی خیر ایله کار آ کهان دولته الزم لوازم اولان مواد دندرکه بو کافرک احوالی ملاحظه الله بونی سائر کفاره قیاس ایتمیوب بونک تدارکنی کوروب سلیم خاںک فانوسنه مراعات ایله قریم خانلرینی سائر یره تمین ایتمیوب همان بو کافره مسلط ایدرل زیرا بو کافر دن دولت علیه به ضرر عظیم ترتب ایدر جنکی عنلا جزم ایدیورلر همان خدا دولت علیه یی ایقاظ ایلیه و تاتار دولتی مؤید ایلیه آمین کنه صده رجوع ایده لم بو نوال اوزره خان حضرتلری

[۱] : ک یلدروب [۲] ک : موینجاق . س : موینجاق . ط : موسنجاق

متعال حفظ و امانده ایده [۱] بومنوال اوزره خان ذی شان حضرت تلی تلامم بحر عمان وار آت و آده دریا سیله جریان ایدوب اوچ کون اوچ کیجه سکر دوپ ازاق قلعه می شرق جانبده صاغ طرفزده قالب نهر عظیم سود باشندن جمله عسکر آسان [۱] (حفظ و امانده ایده) دماندن سوکره الده کی بش نسخه ده موجود اولدی فی حالده بالذکر مختصرده کورولن فقره در :

اگر سؤال اولنورسه کیم مسقو قرالینک آل عثمان بادشاهی ایله جنک وجدالی بوق صلح و صلاح اوزره ایکن بوتاتار عسکری باشلی باشنه کومه کومه چاپوله کیدوب مسقو ممالکنی خراب و بیاب ایدوب کاهیجه بالذات خان حضرت تلی دخی برکتورمز عسکر ایله مسقو آتینی اوستنه کتوروب طوروب او طوراجق حالن قوماز بونه اصل صلح و صلاحدر مسقو قرالی فسخ صلح اندوکز دیو دولته شکایت ایتیمی و طرف دولت علیه دن خان حضرت تلی معاتب اولیزی دینورایسه قرم خانلری جدید مستقل خطبه و سکه صاحبی پادشاه اولوب فاتح مصر سلطان سلیم خان اوله بونلر اطاعت ایدوب خطبه آل عثمان نامنه قرائت ایتدکنرنده سایم خان حضرت تلی غایت دورین فکر و عاقبت اندیش برعاقل پادشاه اولغین بونلرک حالی تفکر و تأمل ایدوب مسقو ممالکنی کره کی کئی تفتیش و تفحص ایلدکده مسقو ممالکنی اقصای عربیه ده واقع اولوب تاظلماته دکن ایچنده ساکن اولان اجناس مخلوقات که جمله می طایغی و بیابانی دین و ملت بیلمز نفع و ضرری فرق ایتیز حیات و ممات ندر آنی یلمز حیوان صفت برالای ملاعیندر کیم حسابن خدای لم بزل ییلور جمیع مسقو ممالکی بوکونه اقوام کثیریه مشتمل اولوب کیده رک بونلر برآیین وارکان ترتیب ایدوب قانون و قاعده اوزره بو حیوان صفت اولان مخلوقاتی مسقو قرالری اکر عسکر ایدینورایسه دولت آل عثمانه بوملاعیندن خاطره خطور ایتیمه جنک ضرر ترتب ایدو جکنی وقتنک عقلامی ایله مشاوره ایدوب بو محذورک دفعی ایچون مسقو دولتی فوتلنمسون دیوقرم خانلری باخطه ایون مستقل مستبد بالرأی ایدوب آل عثمان هر نه مقدار مسقو ایله صلح اولورایسه قرم خانلری اول صلحده داخل دکلدن قرم خان ایله مسقو مستقل صلح اولغه محتاجدر و صلح اولدی فی حالده دخی شو منوال اوزره صلح اولورکه اوچ ییل تمامنه دکن دفعه دفعه قافله سلطان ونورالدین سلطان و میرزلر چاپوله کیدوب اوچ ییل تمامنده بالذات خان حضرت تلی برکتورمز جمیع تاتار عسکر ایله بر عظیم چاپوله کیدوب کنه اوچ سنه تمامنده بوتانان خان بواجه چاپوله کیدر بو احوال صلح اولدی فی حالده در اکر صلح اولورایسه مان هر هفته و هر کون چاپوله کیدوب سنه باشنده خان دخی جمله عسکری ایله چاپول جووروب مسقو قرالی سائر مملکتلره صافنی کندولرینه کار و کسب ایدرلر اشته سلیم خانک قریم دولته وضع اندوک قانون بودر بوقانونی ترک ایدنه سلیم خانک امانتی واردر سلطان سلیم خاندن تا محمد خان رابع زمانی که بزم و قتمزدر بو آنه دکن بوقانون ترک اولنماشدر آنکیچون مسقو قرالری کندو باشی در دینه دوشوب دونتک نظام حائنه قدرتیب اولدی فیندن آل عثمان دولته مسقو بیننده جنک

شهره سی راحتدر اما قیش کونلرنده ایسه بوعسکر ایچنده کیدن آتلیک و بی آدم لیک
 قان تره بطوب اصلا صوق تاثیر اتمز اما عسکر تاتار ایچره آل جنکیزدن برورقانون
 دخی وار کم خانلر بر سفره کتسه لر اون ایکی اوت اغاری ایلییه قولاغز تعیین اولوب
 اون ایکی عدد طابقر [۱] اولوب یعنی عسکر اون ایکی قطار یول اولوب دره و دپه
 و کچتلیر کلسه اون ایکی قطار عسکر بر لرینک اردلرندن اصلا منفک اولمازلر اما قلغا
 سلطان سفره آتلانسه اللی بیک عسکر اولوب جمله سکنز عدد طابقر عسکر اولور
 ودخی نورالدین سلطانلر سفره کتسه لر قرق بیک عسکر کیدوب آلتی طابقر عسکر
 اولور اما خان وزیر و قزاق سلطانلر ویالی اغاری و شیرینلی و منصورلی و سجو تیلیر [۲]
 سفره آتلانسه لر اوتوز بیک عسکر اولوب بش طابقر یول اولورلر ماعدا میر زالر
 و بوی بکلری چاپوله کتسه لر اوتوز بیک عسکر اولوب بونلر دخی دورد قطار عسکر
 اولورلر اما بونلره سفر دیمزلر همان اوتوز بیک آدمه آیده بر هفته ده بر چاپوله کتسه لر
 اوتوز بیک عسکر اولوب کیدرلر بوکه بش باش دیرلر بر ایکی هفته ده چالوب چار پوب
 اکسزدن کافرستانی طلاوه اوروب شکارلر آوب قریمه داخل اولورلر دخی غیر
 قره چی [۳] خلقی مایندلرنده بر عنقا مرزه باش اولوب ایکی اوچ بیک بطر یکتلیر ایله
 بر طوب اولوب بش باشه کیدرلر بونلر نیجه اولورسه کیدرلر طابقر حسابلری یوقدر
 همان چامپور عسکر کی طوبلفوب کیدرلر اما کفار بوعسکر دن زیاده خوف ایدوب دائماً
 بصیرت و حذر اوزر لدرلر زیرا بونلر دوشمنه اصلا امان وزمان یر میوب و سفره کتسه لر
 زماننده اولیوب بری بری آردلری صره کسلمیوب کافر ستانه بر بش باشی کیدر بری دخی
 بر غری بولدن کیدر انکی چون کفار بوقومدن غایت خوف ایدرلر کفار نه داغله و اورمانلره
 اودون کسمکه و طار له لره اکین اکتکه و کویلرنده اوطور مغه راحتلری یوقدر کویا کافره
 بوقوم تاتار طاعون عسکریدر خلاصه کلام بوذ کری سبقت ایدن طابقر لری سلف خانلری
 وضع ایتمشلر دز کم سفره کیدر کن علی الترتیب کیدوب آدم و آت تکرانسه هلاک و پایمال
 اولیه حقا که بو معقول شیدر اما چاپول قویومر لیدیکی محلنده ولا طابقر و لا قطار
 و لاترتیب واردر کم روز محشر دن بر نشان اولور همان جمله تاتار عسکرین خدای

[۱] س، ک : طابقر [۲] ک : شبخونیلیر [۳] ک : قاره چی

مصقوه دریا مثال عسکر ایله متوجه اولوب عظمت خدا ایکی کره یوز بیک جیوش
 موحدینک سکز کره وطقوز اون کره یوز بیک آلاشه آتلی اولور دریای بنی آدم
 ودوابات بحر عمان تلاطمی کبی تموج ایدوب آتلندقلرنده آدم دریایی جلقنوب فیج
 عمیق وار بحر آدم آقوب زمینک غباری اوچ آسمانه پیوسته اولوب بردرختک کوکلری
 اوزره اسب صبا سرعت آیقلری اوغراسه اول آغاجک کوکلری صوفی مسواکی
 کبی تفتک تفتک اولور اللهم عافنا حمد خدا بو جمعیت کبرانک اسرار خفیه سندن برفرد
 آفریده کفار ذره وشمه خبردار اولمیوب اوچ کون اوچ کیجه هیات سحر اسنده
 یورطوب کیدر لر

دریای قانون آل جنسکیزیان

بو قوم اول قوم صاعقه رعدوار درکم تخمیناً کفار برایکی مرحله یرلرده قالنجبه
 جمیع تاتاره چاپول باقماق یعنی الغار ایله کتمک فرمان اولندقدده جمله قوم تاتار
 مقدا آریبه باغلامش ویرانمش وقر اقلانمش آغرماق کیلان آتلینه اولکون سوار
 اولوب سکر در لر الله ایراغ ایلسون اول محلده [۱] بر آدم آدن تکرلنسه اصلا
 خلاص ممکن دکدر همان اول آدم آت ایقلری آلتنده یا ایمال رمال اولوب شهید
 اولور زیرا اول محلده بوقوم تاتار آردلرینه وایزلینه باقماق دأبلری دکدر زیرا
 اوز و اون بشر قدر آتلی بربرلرینک قوروقلرینه اورقانلر ایله باغلی اولوب
 جمله آتلی بربرلر کشان برکشان چکر لر اوله آنا بابا کوننده بر آت دخی
 یقلسه اول آت بر دخی داورانمیوب [۳] آتلیک ایقلری آلتنده هلاک اولور
 دکلمک بنی آدم آدن ییقلوب خلاص اوله اول آت دخی زیر پای سمندده و بنی آدم
 دخی آتلیک ایقلری آلتنده هر یسه و معجوز و سلم عین کبی اولور اللهم عافنا هله
 بو حقیر کتمر بو خوفدن تاتار عسکرندن آلارقه خان وقلغا و نور الدین سلطان قوشلاریله
 کیدردم الحاصل عاقلانه حرکت ایدن بوقوم ایجره کیمیبوب (اگر خواهی سلامت
 درکنارست) دیو کنارده کتمک عاقبت اندیشلکدر واکریای فصلی ایسه عسکرندن

[۱] س ، ک : بو سکر دم محلده [۲] ک : دورانه میوب

کلندکده مصقو ولایتنده رعایا و برابا قالان اون کره یوزبیک هشدک تاتاری مؤمنین موحدینلردن خانه نهانجه خبر کلدیکم پادشاهم اشدہ اوچ کره یوزبیک مصقو کفاری وزیر شرمهت بان ایله خان سفردہ در و قرم ولایتی بوشدر دیوجله کفار قرم ولایتی اوزره کتمده درلر ایکیوز پاره طوپلری وار و ایکی کره یوزبیک عدد کامل قالمق کافرلری امدادلری وار جمله بش کره یوزبیک کافر اولدی و یوزبیکدن زیاده بارخانه کتورمهکه و قوندقلری یره عربلری تابور یا پیغه دمردن زنجیرلر ایله باغلی عربلری وار حالانهر عظیم ادل صوبین جمله کیملرله کجوب هیهات صحراسی ایچنده ابتدا قریم دیارینه واروب آندن قلعه ازاغه کلوب ازانغی و قزانغی آلسه کرک حالا ماصقووک... نام قلعه سی اوزره دریا مثال لشکر ابه کتمده درلر بیلک و آکاه اولوک اکه کوره پادشاهم برتدارک کورک بولایکم بو کافره بو قرقلده و هیهات صحراسی چولنده راست کله سیز دیو خان حضر تیرینه ماصقووک هشدک مسلمانلردن بویله خبر کلنجه خان عالیشان شاد و خندان اولوب جمیع اش ارلری قارت کشیلر و قارت اتاقلر و اوت اغالری ایله مشاوره ایدوب فی الحال کندو یاننده اولان سکسن یدی بیک عدد تاتار صبار قنار عدو شکارلرینک جمله اسار لرینی و مال غنایملرن قریمه کوندردی زیر اقریم تاتار الغاریله بر مرحله بر قالمشیدی و فی الحال برباد صبادن شدید بر تاتاری یارلیغ بلیغ شاهمی ایله جزیره قرم عسکرلرینه جار صالوب آته دونه مالک اولان البته سفره کلسنلر دیو خبر کتدیکنده اولکون خبر کیدوب همان اول کیجه قرق بیک آتلی کلوب خانی پراضو قلعه سی آلتنده طاقدیلر ارتسی کون قالغا سلطان اوتوز بیک عسکر ایله کلوب یتدیله وینه اول کیجه اوتوز بیک عدد نوغای عسکر یله نورالدین سلطان کلوب خان عسکرینه قانلیدیله ارتسی کون اور بیک قره قراش اغا اون بیک طشره نوغای لشکر یله کلوب حورلقدیله [۱] ینه اول کیجه اور قلعه مزک قپوسن سلیم کرای سلطان وحاجی کرای سلطان و قرم کرای سلطانلر اور قپوسن آچدیروب اون بیک عدد کزیده بادراق و شیداق تاتارلر یله خان لشکرینه اریشوب خان حضر تری یاننده جمله ایکی کره یوزبیک عسکر اولوب همان خان حضر تری بسم الله نیه الغزا دیوب ولایت

[۱] س ، ک : جولوقدیله

قلعه کرمانجی قلعه‌سنة بر مرحله یردر بعده بنوک دخی نواحیلرن خاکه برابر ایدوب
نیجه بیک اسارالر آلوب ینه جانب شماله نهر اوزی کنارنیجه یقاراق و یقوب برباد
ایدرك

در بیان ولایت پوتقالی

گاه له قراننه و کاهیجه مصقو قرانته تابع اولور بر الای کفار خاکسار
دوزخ قرارلردر اما خاک ناپاکلری غایت طارلق و سازلق [۱] و بطاقلق اولماق
ایله بعضی نواحیلرینه اون کون اون کیجه بر یرده دورمیوب اطراف واکنافلرینه
چاپوللر جیوه‌روب بو اولکئه خراب و برباد ایدوب کوچیله یکریمی یدی بیک اسیر
نوادر شکار اولنوب [۲] جمله سن اولی اولرنده غافل بولدق و بر سد سالور
ایاملری [۳] اولماق ایله جمله کفار اهل و عیالریله اولرنده آتش کنارنده قورسه [۴]
ذوق و صفالرایدرکن اسیر بندزنجیر اولدیلر اما بو ولایتک قرشو طرفی براناس [۵]
خا کیدر مقدا خراب ایتشیدک اندن جانب غربه بر کون چاپوب

اوصاف قلعه قدیم یرارچیسه [۶]

بو دخی نهر اوزی کنارنده یر قلعه شیرین کورینور اما میسر اولوب ایچنه
کروب کورمدم اندن

سنه... تاریخنده محمد کرای خان حضر تلری مصقو مملکتته غزایه کیدوب...
نام محله اوچ کره یوزبیک کفار لشکری تابورینه راست کلوب شرده مت

بان وزیر ی منهزم ایتدی کمز بیان ایدر

اولا محمد کرای خان بر سفر ایچره دورت کره غزای عظیملر ایدوب بو قدر مال
غنیاملره ولایت قریمه کتمک صدنده ایکن ولایت فزاقده بر اصلووعتیق [۷] قرینه

[۱] ك : سازلق و سازفاق [۲] ك : آلینوب [۳] ك : و بر شدت شتا کوز ایاملری
[۴] ك : فورسه [۵] (براباش) اولمی ممکندر (م) [۶] پ ، س ، ك : پرازیجه
[۷] ك : بر اصلووعتیو . س : بر اصلووعتیو

اوصاف قلعه کرمانجی

لسان ماصقوده یا شلوروز کرمان دیرلر بودخی اغاج قلعه‌در اما ایچ قلعه‌سی طاش اولوب بوسک [۱] حطمانه تابع اولدقلری بودخی سنه ۱۰۶۷ تاریخنده ینه محمد کرای خان ایله له ولایتنه کیدوب راقوشی اوغلی تابوریله جنک استدی کمزسنه بوقلعه اوصافی مفصل مرقومدر اما شیمیدی بوقلعه سمندر وار آتش نمرود ایچنده قلوب طوپلر آتماند ان اصلا فارغ اولیوب عساکر تاتار یانه وارده میوب جانب اریعه سن بش کون بش کیجه اوروب احراق ایده رک بلاحد ولاغایه اسیرومال خزاینلر آلوب اندن اولکون سکر دوب ینه غنیمتله آلهرق

اوصاف قلعه جارقازی [۲]

بودخی بوسله [۳] تابع اولوب دورو ژونقه خاکنده متین قلعه اولدوغی یتیش یدی سنه سنده مسطوردر بوقلعه یه دخی تاتار نظر ایتیموب ایلم ولایتن بر باد ایدوب تکرار ینه نهر اوزی بی بری قرداش قزاق جانبنه عبور ایدوب ۵ ساعتده اغاجلی و بطاقلی و قامشلی رلر کچوب

ستایش قلعه نیرن

بودخی قرداش قزاق اولماغیله خساره اولتیموب قلعه دن خانه هدایالر ایله ضیاقتلر کلدی قلعه‌سی اغاجدن بر کوچک قلعه‌در اما اوزی نهرندن بولنمش بر صو کنارنده صارپ کرماندر اندن ینه جانب غریبه قرالری آلان و تالان ایده رک و نیجه ایرماقلر [۴] کچهرک کیدوب ۵ ساعتده

تعریف قلعه قانق [۵]

پلانقه عظیمدر اما ایچنده بش بیک او اولوب بودخی بوسکف [۶] خطمانه تابع اولدوغی بالاده کی جلد . . . ده یتیش یدی تاریخنده بودخی موصوفدر بو [۱] ک: بوسک. ط: بوسنک [۲] پ، ک: چارقازی. ط: چارقازی [۳] ک، ط: بوسک [۴] س، ک: آزماقلر [۵] س، ک: قانو [ک، س: نسخهلرنده نونک کسری وواوک سکونیه قید ایدلشدر [م] [۶] س: بوسکف

اولیوب اون بیک کزیده توفنک انداز امداد کفره لر و یروب کندولره مطیع اولماینلری نهپ و غارت اتمکک عزیمت اولنوب جانب غریبه برکون و جانب شماله اوچ کون ایلی ولایتی خراب ایده رک کیدوب

اوصاف منزل قلعه کورلو

بو قلعه قزاق [۱] ولایتی خاککنده اولوب له قرالی حکمنده ایکن سنه ۱۰۵۴ تاریخنده اسلام کرای خان عصرنده قرداش قزاق بو قلعه خان قوتیله قزاق [۲] قرالی لندن آلوب ایچنده نیجه زمان ساکن اولوب ینه له قرالنه و یروب کندولری قلعه ایچره عسکری طائفه سی قالدقیری بالاده موصوف اولوب اندن سنه ۱۰۶۷ تاریخنده ینه محمد کرای خان ایله له دیارنده راقوخی اوغلنک ارکک مجاری یعنی اردل مجاری تابورینی بوز دوغمز سنه تاتار خان ایله بو کورلو قلعه سی آلتنده مکک اندیکمز دخی مفصل تحریر اولمشدر اما شمدی بو قلعه دن خان عالیشان باوقار حضر تلرینک استقبالنه قرداش قزاق خطمانی [۳] قرق اللی آتلی ایله جیقوب خان حضر تلرینک پای سمندینه روی مالیده قیلوب عظیم ضیافتلردن صکره وافر هدایالر و یروب اندن قرداش قزاق عسکر یله آتانبوب بو محله نهر اوزی بی بایقلا ایله جمله عساکر اسلام قرشویه عبور ایدوب

در بیان ولایت قزاق عان براباش یوناق

اول و آخر ماصقو قرالترینه تابع اللی بیک قدر کفار قزاقدر خان بونلره نامه ایله الچی کوندروب نامه قرائت ایتمدن قبول ایتمیوب خان بیلیدیکندن قالماسن دیو الچیمزی قوودیلر درحال خان دخی اوزی نهرن آسان وجه ایله عبور ایدوب یلدز جابنه براباش قزاقی ولایتن آلان وتالان ایده رک تحته لرنده [۴] اولان کافرلری اسیر ایده رک جانب غریبه کیدوب

[۱] س، کتة قراقو. ط: قرامق [۲] س، ک: قراقو. ط: قرامق [۳] ک: حطانی [۴] ک: تحنه لرنده [س نسخه سی ده بوشکلده فقط نقطه سزدر دوغریسی (بجنه لرنده) اولق ممکندر (م)

ایدوب کامل یدی عدد کزیده اسیر آلتوب دوغان قلعه‌سنه کوندرلدی
آندن یلدز روزکاری جانبنه بش قناق یر کیدوب قرا وقصباتلری خراب ویباب
واسیرلر آلهرق کیدوب

ستایش ولایت سرکه قزاق

بو دخی له رعایالغندن آریلوب قرداش قزاق ایله اشوب یورطرکن قرداش
قزاقدن آریلوب دور روقه [۱] قزاقیله قره دکیز اطرافن اورماق یاقوب بیقماق
استردی بنوک دخی مملکتن الگدن دست فلکدن کچروب اللی پاره کیلرن نهر طاطمه [۲]
اوزره کلوب احراق ایدوب آتی بیک آلتمن قدراسیرلر و بوقدر مال غنایملری آلتدی
آندن سمت غریبه کیدرکن قرداش قزاق اولکهنه سنه قدم بصوب

دربیان مملکت قرداش قزاق

بونلر محمد کرای خان ایله قرداش یعنی بارشوق اولدقلرندن بو کفره لره قرداش
دیرلر اولکه عظیم ولشکرالیم صاحبی ملعونلردر مقدا بونلره قرالرینک رعایاری
اولوب بعده له قومی وله یهودیسی حکمندن [۳] بونلر لهدن روگردان اولوب
کامل سکسن بیک توفنک انداز قزاق قرم خانی اسلام کرای خانه تابع اولوب
بونلرک اعاقیله اسلام کرای خان یدی سنه کامل له دیارینه یتش برکه سفر ایدوب
تاقراقو ودانسغه [۴] وجه وفوروله [۵] و اسفاج [۶] مملکتلرینک آتی قراللق
یرلرین یدی ییلده سکز کره یوز بیک اسیر آلوب ایلنی ولایتنی خراب اندیکندن
ماعدا همان له دیارندن ایکی کره یوز بیک یهودی اسیر چیقوب برر بوله بونلرکله
حعودی ورمشلردر [۷] اول عصردن برو تاتار قومنک مرزالری سمور کورک
طون وسمور شیرطمه قلیاق کیمکه باشلیوب قرداش قزاق دخی لهک مال قاروننه
مالک اولوب سمور قلیاق و قرمزلی چوقه کومش دوکمه لی دوله لر کیمکه باشلیوب
حالا عتقا کفره لر اولدیلر اما عصیان و طغیانلری اولمادغندن ولایتلری نهب و غارت
[۱] س : دوروزوقه [۲] س، ک : طاصمه [۳] ک : حاکندن [۴] س، ک : دانسقه
[۵] س، ک، ط : فوروله [۶] س : اسفاج [۷] ک : برر لوله توتونه قوم تاتارله جهودی
اسیری ورمشلردر . س : برر لوله توتونکه قوم تاتار له چفودی ورمشلردر

اوطوز قدرده بوزه جي دکاتلری وساز اورتولی صانقللری وبوزه قویاجق بوناطلری [۱] وار دخی هنوز عمار اولده بر قله در . . .

وبو قله نك قره سی جانبنده واروشی بو باغ [۲] وبانچہ سی یوقدر لکن مشبک بوستانلری غایت چوقدر وهواسی غایت صووقدر اما بو قله ایله شاهن کرمان مایینده نهر اوزی ایچره عظیم واسع آدالر واردر اکر اول جزیره نك بریسنه آل عثمان همت ایدوب بو بوغازده بر متین قله دخی یصهسه اصلا قزاق کبیلری کچمک احتماللری اولیوب اول محلده حاصل اولن طوزله لرینده آل عثمان ضبط ایدوب جمله قوللری مواجبلری طوزله لر دن حاصل اولوب کافر قزاق بردانق طوزه محتاج اولرلردی بو قله دخی سیرو وتماشاییدنجه عساکر تاتار بری طرفه سلامتله عبور ایدوب نفیر افراسیابلر چالئوب جانب شماله ۸ ساعت یورطوب نهر عظیم آق صوینی فتون [۳] کچیدنن کچرکن خان سهل آرام ایتدی بو آق صو تامصقوايله له ماییندن کلوب سرکه قزاقی ایچندن کچوب دوغان قله سنندن اشنی ایدرتا [۴] اداسنده نهر عظیم اوزیه داخل اولور ونهر اوزو گاه شماله وگاہ قبله یه آقراق تامصقوايله له دیاری آره سنندن کلوب بو محلدن عبور ایدوب اوزی قله سی اوکنده حسن پاشا قله سی بورنده قره دکیزه منصب اولدوغنی بیک آلتش بیدیه مفصل تحریر اولنشدر بعده آق صونک قیون کچیدنن جانب شماله ۱۲ ساعت

ولایت دوروزونقه [۵] قزاق

نهر اوزودن بریسی جمله دوروزونقه نك [۶] ولایتیدر مقدا قرداش قزاقه تابع ایدی شمدی عاصی اولوب یوز باره شایقه بنا ایدوب اسلامبول بوغازن اورمغه قصد ایتشدی آق صو اوزره جمله شایقه کیلرن بولوب جمله احراق بالنار ایدوب ولایته چاپول یعنی آقین سفری ایدوب ایلن ولایتن احراق بالنار

[۱] ك : نوباصاری . ط : یوباظلری [۲] ك : وباغ [۳] س ، ط : قیون [۴] ك : نسخه سننده بوکله هم (اندریا) همده (ایدرتا) اوقونه بیلور آلتلی اوستلی جیفته نقطه لیدر (م) [۵] پ ، س ، ك ، ط : زونقه [۶] ك : دوروزونقه نك

کنارنده بر یالچین قیا پشته اوزره بر بورونده جزیره مثال دوغان کبی قونمش اسمی
مسابنه مطابق بر قلعه دوغاندر کم هر بار صید و شکار کوزه دیر در یارحمره کوره [۱]
حق تعالی داٹما مکر اعدادن امین ایده آمین

دیگر تاریخ مناسب

اولیا چاراسمه دوزاندله تاریخین دیدم یا عزیز یا بصیر یا قوی و یامتین سنه ۱۰۷۲
بو اسماء حسنی بالحلری [۲] خنکار جامعنده روی دیواره تحریر آتشم
قوناق یر اسلام دیارندن بعید تا کافرک کوزی به به کنده بنا اولنشدیر زیرا بو قلعه
یوق ایکن اضباراس [۴] سفرنده منہزم اولوب یدی کون یدی کیجه قاچوب
بو محله کلدی کمزده مکر کافر بزی کینکاهلرده قاتلنمش آتلیمز ارلریمز یورغون
آرغن بو محله کلد کده کافر اوکمز آلوب بر جنک آشوب ایدوب آلدیغمز مال غنایمی
چله اسارلری براغوب جان حولیله کندومنر نهر اوزیه اوروب قرشو شاهن کرمانه
کچوب جان قورتاروب نیجه یوز آتلیمز وغازیلریمز صوده بالدادرلرکن [۵]
قورشومله کفار صو ایچنده آتلیوز عدد غازیلریمز شهید ایدوب بیکدن متجاوز
غازیلر مجروح بری طرفه چیقیدیلر حتی بو حقرک اول عصرده بر عبد مملوک وایکی
آتم بو اوزو صوینده غرق آب اولدی اما شمدی حمد خدا بو قلعه بنا اولهلی ایکی
اوچ قدر آتلیلر شاهن کرماندن بو دوغان کرمانه کچوب کافرستاندن شکارلرین
آلوب سالمین وغانمین طوغان کبی شکار کیچه [۶] دوغان قلعه سنه کلوب آندن
بی باک و بی پروا قرشو شاهن کرمانه عبور ایدر آندن ولایت قریمه کیدر اما
بو قلعه نیک طشره حصارنده هنوز بنا اولنمش مفید و مختصر یتمش سسکسن قدر
دکا نجقلری واردر و هنوز برخان بنا اوانیور و طشره ده بر کوچوک حمای ویکرمی

[۱] س، ط: یار تحمیره کوره [بلکه (هزار تعمیر کوره) طرزنده بردعا اولماسی
ممکندرک نسخه سنده ایسه بو عبارده هیچ یوقدر [م] [۲]: تاریخلری. س: بالچیلری [دوغروسی
(بو اسماء حسنی بالچیزی) اولوق ممکندر (م) [۳]: و محفوظ ایلیه [۴] ک: اضباراس .
ط: اخیاراس [۵] ک: یلدا دیرلرکن [۶] ک: شکاریله

رعنادر کم بندر قلعه سندن بیک قات متیندر جرمی دائراً ادار کامل بیک ایکویز
 کر مه آدیم ایی قات قلعه قویدر ایچ حصارده جمله بوز یتش قدر مفید و مختصر
 خانه لری و بر مفرح خشکار جامعی وار مناره سی اولقدر عالی دکلدن یوللری کسه
 قیادر (در وصف طشره قلعه) طشره قپوسی ایکیدر بری اوزی کنارنده بری
 قره طرفنده در بوقلعه دیواری تالیچ قلعه دن یقوش اشفی تانهر اوزی کنارینه
 کلنجه ایکی قات دندان بدنی و محبوب و موزون و متین قله لی ایی قات قلعه دیوایدر کم
 طشره خندق لری کسه قیالدر امانهر اوزی کنارنده غایت متین قوله لرنده بال یمز
 طوپلری واردر و اولری بربری اوزره نهر اوزیه ناظر در و ایچ قلعه سی بریالچین
 قیا اوزره واقع اولوب بش عدد قله لی قلعه استواردر کم بر طرفندن لغم و مترس
 خوفلرندن امین و سالمدر انجاق بر قپوسی طشره واروش قلعه سنه آچیلر بونده دزدار
 و امام و مؤذن و چالیچی مهتر باشی اولری وجیه خانه و انبارلردن غیری چارسوی و بازار
 و خان و حمام یوقدر اما غایت متین نارین حصاردر و خندق لرینه ناظر و شماله و یلدز
 جانبنه ناظر جمله بال یمز طوپلری کرپی کبی [۱] زین اولمش شاهانه طوپلری واردر
 و بوقره دیواری طرفی کامل یکر می یدی آرشن عالی و یکر می آیاق انلی دیوار سد
 جالندر در زیرا بوقلعه نك خوفی بو جانبدندر اما بو طرفده بش عدد طایبه قله لری
 غایت صارب ابراجلدر دزداری و اون ایکی اغاسی و الی اوده برار و نامدار جبه جی
 غازیله جبه جی باشی وار بونده اصلاً یکیکچری یوقدر و ایکی اوده ایله طوپچی
 باشی سی و بیک سکزیوز قلعه قولی و سکزیوز عدد قره صاف [۲] تاتاری نفراتلری
 وار حتی چین معرکده جمله اوچ بیک عدد کزیده عسکری موجوددر اما جبه
 خانه سی و ذخیره سی غایت چوقدر و جمله صفار و کبار سکسن آلتی پاره طوپلری
 واردر اما کزیده طوپلری قره یه و نهر اوزی جانب لرینه ناظر قله لرده عظیم بال یمز
 طوپلری وار کم اوزو قلعه سنده بویله طوپلری یوقدر مکر اوزوده حسن پاشا قلعه سنک [۳]
 طوپلری اوله بو قلعه اوزی قلعه سنه و بندر قلعه سنه و قرم جزیره سی آغزنده
 مذکور اور قلعه سنه اوچر قناق یردر اما هر طرفی چوللدرر هان بوقلعه نهر اوزو

[۱] س ، ک : کرپی توکی کبی [۲] س : قره صاق [۳] ک : قلعه سنک

خطاط نرنز ایدی صکره ینه سنه ۱۰۶۷ تاریخنده قلعه اوزی بی دست کفاردن استخلاص ایدوب کفاری قره قره بومحله کلدکده اول حسن خط تحریر اولنش طاشی کوره مدم حمد خدا اسلام کرای خان ایله بو طوغان خان قلعه‌سی ینه عمار اوله دیو دعا اتدی کمز آثاری کلوب ظهور اتدی کم سنه ۱۰۷۶ تاریخنده سلطان محمد خان رابع عصرنده بدست وزیر اعظم سابق سلیمان پاشا بافرمان کوپرولی وزیر اعظم محمد پاشا اغاسیله تاتارخان وایالت روم ایلی وایالت اوزی وعسا کر بوجاق تاتاری وایالت افلاق وایالت بوغدان کفره لر بله یوزاللی بیگ عسکر دریا مثال اولوب طوغان کچیدی قلعه سن مجدداً برقلعه حصن حصین وسد متین اولمشدر کم حالا قزاق عاق ضال قزاق [۱] ایچنده بنا اولنش بر بولو [۲] ایکی قلعه‌سی مثالدر زمان قدیمده طوغان خان بناسی اولماق ایله ینه یوقلعه یه قوم تاتار طوغان قلعه‌سندن غلط مشهور دوغان قلعه‌سی دیر لر اما عثمانلی غازی کرمان دیر لر

تاریخ بنای قلعه دوغان (گفته اولیا)

اولیا خیر دعا ایله دیدی تاریخی حق تعالی ایله بو حصنی اعدادن امین سنه ۱۰۷۲

دیگر تاریخ زیبا

ایده اسلام ایلارن حق مکر اعدادن امین سنه ۱۰۷۲

دیگر تاریخ رعنا [۰]

حالا قلعه دوغان محمد خان رابع تحریری اوزره اوزی ایالتنده سسنجاق بکی تختیدر بکی طرف بادشاهیدن سلیمان آلور زیرا ایالتی ناحیه لری جمله کافرستاندر کم اطرافی دربند جالندر بر انتهای سرحددر کم حالا دست آل عثمانده بویله بی امان قلعه غازی کرمان یوقدر تیمار وزعامت والای بکیسی و جیری یاشیمی یوقدر قبوسندن طشره یوز ایکیوز آدم چیقماغه اقتداری یوقدر قلعه‌سی نهر اوزی کنارنده بر یالچین قیا اوزره شکل مربعدن طولانی بر سد اسکندر مثال مطرش طاش بنا برقلعه

[۱] ك : قزاق [۲] ك : بکور [۰] تاریخ گفته‌سی یازلاماش ، یری آچیتدر [م]

عصرينه دك بوقلعه طوغان خان خراب و اساسي معطل قلوب تا كه سلطان بايزيد ولي
 كلي و آق كرمان قلعه لرن بوغدان و قزاق عاق الندن فتح اندكده نهر اوزيله بر قاج
 قزاق كفاري كلوب آق كرمان وكلي قلعه لرن نهب و غارت ايدر بعده سلطان
 بايزيد ولي بومذكور طوغان كچيدي محلنده اساس قديمي اوزره بر قلعه عظيم بنا
 ايدوب اسمني غازي كرمان قور آندن قلعه آق كرمان و قلعه كلي قزاق عاق
 كفره لرينك شوروشر لرندن امن و امان اولور لكن سلطان بايزيد ولي قرنداشي
 شهزاده قور قود خان ايله [۱] اناطولي ولايتنده نيجه سنه محاربه ده ايكن بري طرفه
 قزاق فرصت بولوب بو طوغان كچيدي قلعه سني آلوب تيورخانك منهدم انديكي كبي
 يره برابر ايدر بعده بوعبد كتر ديار قردن سنه ۱۰۵۱ تاريخنده اسلام كراي
 خان ايله له سفرينه و قراقو ولايتيله دانسغه [۲] ولايتنه كيدر كن بونهر اوزي يي
 يلدروب عبور اندكده سائر عسا كر اسلام نهر اوزي يي كچنجه سهل آرام ايتدي
 طوغان قلعه سي زمين سير و تماشا ايدوب حيفا دريغ نه عجب متين و صعب قلعه
 اولاجق زمين اولور آه آل عثمان بوسنه [۳] فنا اوزره بر قلعه يه سهك [۴] ولايت
 قرم و ولايت اوزي و قره دكيز اطرافلري قزاق شرندن امين اولوردي ديو اسلام
 كراي خان نطق اندكده حقير همان بالبداهه بونطق دربارك وجود بولماسي چون
 بوسنه الفاتحه ديوب نيجه بيك صلحاء امتدن تاتار مجاهدان حاضر و فاتحه سبع المثاني
 تلاوت ايدوب ال يوزه سورديلر بعده ينه خان ايله اياق رفتاري ايدمرك قلعه قپوسي
 منهدمي يرينه كلوب حقير كوردمكه زمين اوزره بر چار كوشه مرمر اوزره بر آب
 حيات ثلث خط ايله « هذا حصار طوغان [۵] غازي كرمان تاريخه فتحنا [۶]
 سنه ۸۸۹ » ديو تحرير ايدوب « كته العبد المذنب الشيخ حامداً ومصلياً لله
 تعالى » ديوب بر خط زرفشان تحرير اتمشكم آندن معلوممز اولديكم بايزيد ولي عصرنده
 بوقلعه عمار اولندوقده شيخ حضرت لرينك تاريخيدر زيرا اول عزيز محترم بايزيد ولي خان

[۱] نسخ لوده هب (قور قود خان) بايزيلش ايسه ده يا كيشدر دوغروسي (جم سلطان)
 اولميدر (م) [۲] س، ك، ط : دانسته [۳] س : قنا [دوغروسي (ريشته فيا) اولميدر (م)
 [۴] س، ك : يه سهه [۵] ك : دوغان [۶] س، ك : فتحنا [دوغروسي بودر (م)]

وار اماخان و هاملری یوقدر جامع زیباسی قرم قپوسی اوزره واقعدر قره طرفرلنده درین خندقلری وقلعه دزداری وبشیوزعدد قلعه نفراتلری واردر علوفه معینلرن جمله تاتار خانلر ورر زیرا بوقلعه تاتار خانلر کدر اما زمینی آل عثمان حکمنده در زیرا اور قلعه سندن طشره در بو قلعه نك سبب بناسی اولدر که هر بار تاتار صبارفتار اوزی نهرن علی الغضله کچوب له وقزاق ولایتلرن نهب وغارت ایدوب عودت محکمنده بونهر اوزودن بری قرم جانبنه عبور ایدر کن کفار قزاق بوقرالده ونهر اوزی سازلقلری ایچنده پنهان اولوب تاتار مشقت وبلا ایله نهر اوزی بی کچرکن هر بار تاتاری اوروب قروب جمله شکار مال غنایملرن قور تاروب ولایتلرینه کیدرلردی آخر الامر غازی شاهن کرای خان سلطان مراد خان رابع اذنیله بو کرمانی بو محله یسه بوب عسکر تاتار سلامتله طوب آلتندن بی باک وبی پروا کچوب امن وامان اولدی الی هذا آلان بر کوزل جای مناص وممرناس کچدر حالا قلعه آلتنده یتش سکسن باره قایقار وچر نقلر واردر کم هر بار قلعه لیمانده آماده در وقلعه خار جنده بر قاج آزار صمانقلری وبوزه خانه لری واردر اما باغ وبانجه لری یوقدر لکن مشبک بوستانلری غایت چوقدر وقاوونی وقربوزی وداریسی ممدح اولدوغندن تاتار بوزه سی مشهوردر بودخی قرم دیارینک بر انتهاء سرحدیدر کم غریب غازی شهپاز بطرلری وار کم هر بار له ومصقو وقزاق قاق ایله جنک وجدال ایدر لر بو محلدن قریمه اوچ مرحله یردر اما هیات چولستانیدر [*] اندن جمله عساکر تاتارک کیمی کیملره ونجه بیکی آتلیله یو بودیه رک نهر اوزی بی بلدوروب [۱] قرشو سلامت کچدیلر اما حقیر غازی محمد کرای خان حضر تلی ایله کیلمره بنوب وقرشو عبور ایدوب مکث ایتدک

اوصاف حصار استوار سد امان غازی کرمان یعنی قلعه دوغان

زمان قدیمده بوقلعه زمینده سنه .. تاریخنده قرم خانلردن طوخطمش کرای خان یعنی دورمش خان اوغلی طوغان خان بوقلعه عظیم بنا بعده تیمور خان صاحب خروج بودیارلره دشت قیچاقدن کلوب بوقلعه یرره برابر منهدم ایدوب تا سلطان بایزید ولی

[۵] س نسخه سنده بر سطر آچیق وار [۱] ک: یلدروب

ایمش همان خان عالیشان فرمان ایدوب جمله توفنک انداز آتلرندن پیاده اولوب جزیره کولی کنارنده کفار ایله چتاجات توفنککشرکن همان کرودن قرق الی بیگ تاتار الله الله دیوب سازلق و بظاقلق ایجره آتلریله کوله کیروب جزیره به قدم بصدقلرنده آن واحده اوچ بیگ کفاره امان وزمان ویرمیوب دخی طعمه شمشیر اولمدن جمله سن قید بند درچمبر ایدوب بونلری ایکی بیگ عسکر کتوروب ینه کملک اوزره قریمه روانه اولدیله حمد خدا عسکر اسلامدن همان آلتی آدم جام شهادتدن نوش ایدوب ویکرمی آت اولمش شهیدلریده آتلرایله سالچاتوب وجودلرین قریمه کتوردیلر ینه جمله عسکر تاتار انشالله اوغوردردیوب ینه جانب شماله ۷ ساعت چولستان وبرو بیابانده کیدوب نهر بلیقی [۱] کچدک بونهر تامصقو ولایتنده کورلور [۲] داغلرندن کلوب بو محله اوزی نهرینه مخلوط اولور بونهردن اوروس منحوس قایقرایله کچمه-ن دیو وزیراعظم اولان وزیر سلیمان پاشا یویلیقی نهرن خاروخاشاک ودرخت منتهالرایله دولدوروب بردخی کفار بونهر یلیق دن قایقرا ایله کچمیوب [۳] مضطر حال قالدی (تاریخ بند نهر یلیقی)

اولیا عاشق دیدی اتمامنک تاریخی دیولر بوما بنیادی سلیمان کچمکه سنه ... اندن جمله عساکر تاتار بوسلیمان پاشا بنیاد و سد اتدوکی یلیق نهری یرندن عبور ایدوب

دروصف قلعه صغیر شاهن [۴] کرمان

سنه ... تاریخنده شاهن کرای خان بنا اتمشدر نهر اوزو اوزره شکل مربع برسنک بنا قلعه رعناجکدر بر قومصال یرده دائرآ مادار جرمی بیگ یوز آدیمر بش عدد کره مت اوزتولی سرآمد قله لری ایله ایکی قپوسی وار بری قبله جانبیه شرقه میال بیوک قپودر و بر قپوسی یلدز طرفنه ناظر نهر اوزی کنارنده بوداخی بر دمور قاپودر کم نهر اوزو قارشوسنده کی غازی کرمانه یعنی دوغان کچیدی قلعه سنه ناظر اسکله قپوسیدر بو قلعه ایچنده انجق سکسن قدر طوپراق اورتولی تاتار اولری و برجامی وار شاهن کرای سلطانکدر جمله سکز عدد دکا نجه قله لری

[۱] پ، س : یلیقی . ک : یلیقی [۲] س، ک، ط : کورلو [۳] ک : کچمیبوب

(۴) (شاهن) اولمیدر (م)

سنه مزبورده قزاق عاق ولایتنه سفره کتدی کمز قناقلری عیان

وبیان ایدر

اولا اوردن طشره مکک اولندقدہ اولکون قرق یدی بیک عسکر تاتار جمع اولوب ایکی کره یوز بیک اسبان تازی ایله هیهات سحرسانه دوشوب شمال جانبنه کامل اون بش ساعت یررطوب [۱] اند طوجیتوب [۲] دوردق اول کیجه قرمدن یکریمی بیک آتلی دخی کلوب یتشدی اما آتلیک ازی [۳] اون ایکی قات طاہقر اولوب یول اولدی بوقوم تاتار صبارفتار عدو شکار اوله اوچارلرکم [۴] بونلره قوش یتشمز اما اللهم عافنا بوسکر دمده بر آدم آتدن تکرلنسه اکر آتی و اکر کندی داوارانامیوب کرودن کلنلرک ایغی التنده پایمال رمال اولوب آدم هریره اولوب آتی کشکک اولور ارتسی بو سحرادن قالقوب ینه جانب شماله اوچ کون اوچ کیجه کیدوب جمله عسکر بلدیکم همان تاتار خان مصقو ولایتنه کیدر دیوب تسلیء خاطر بولدیلر ارتسی کونکک اولوب دردنجی کون همان جمله اول اغالری [۵] طوغی وباراغی چوروب غرب طرفنه دونوب اوله یورطوم اتدیکم کم بشر کره آت دکشدردک اول کون ینه ۲۶ ساعت یرسکر دوب منزل اوبانی کچوب اندن منزل جرکلی [۶] کچوب جمله آتلی اونا دوت [۷] سهل طالقان وقورتلر ییوب استراحت اتدک بو جرکلی [۸] نام محل اوزی صوبی ایچنده بر قامشلی آادار مکر بو جزیره ایچنده اوچ بیک عدد قزاق دورت دفعه خصمانلرینه [۹] عصیان ایدوب بو جزیره یه قیامشلر عسکر تاتاری کورنجه نیجه بیک توفنک آتدیلر

در بیان فتح جزیره جرکلی

مکر مقدا اوردن بش باشه کیدوب قزاق اوره کلیور دیدکلری کفار بونلر

[۱] س، ک: یورطوب [۲] س، ک: آنده طوختیوب [۳] ک: ایزی [۴] س، ک، ط: اوله بر رچارلرکم [ظنجه (اوله بر رچارلرکم) اولسی ممکندر (م)] [۵] س، ک: اوراغالری [۶] ک: جرکلی بی [۷] ک: اونا دوت . ط: اونا دوت (اونا زوب) اولسی ممکندر (م) [۸] ک: جرکلی [۹] س: خصمانلرینه . ک، ط: حطمانلرینه

پرخاشده اوج بيك صدقلى و كوبه كيملى عسكرو مالك اولوب هر اوروشه خانلره
 طليعه عسكرو اولماق قانون آل چنكيزياندر اما بزم محمد كراى خان [۱] عصرنده اور
 بيكى اون ايكي بيك عسكربله اوروشه كيدردي زيرا اور بيكى اولان قره قراش بك
 نهنده برزور آور دلاور سرور بي نظير يكت ايدى زيرا اور قريمك غايت سدسديد
 كلديد هر قدر دوشمن قريمه قصد اتسه بو اور جانيندن كلر انكچون دائما اون
 ايكي بيك قوش قول آتلى شهباز عسكركلر آتليله آماده درلر و شيخ الاسلامي
 و نقيب الاشرافي و يوز اللى اچمه بايه سيله قضا در كم بونلر نه عزل و نصب لرى جمله خان
 النده در (در فصل تمه شهرانكيز قلعه اور) [۰]

بوشهر ك سبر و تماشارلر ايدنجه خان حضر تلى آق كرماندن سوروب كتر ديبكى
 نوغاي قومنه و قرم رعايلرى و اسارالرينه اور خندقن تطهير اتديروب و مجدداً مذكور
 قلعه ديوارين قلعه لريله سد اسكندر ايدوب جمله قرم خلقنه اذن وروب آق كرماندن
 كلن نوغاي قومي قرم ايچره كويلر ده سن اولنى [۲] تعبير اتكلرى كبي رعايا يازوب
 جمله كويلر قوم نوغايي كوندروب كندولر اور قلعه سي محافظه سنده عساكر ني پايان
 ايله قراردادده او طور ركن بركون آيانه جانب كفره سنه برسفر ايدوب كوشال اتسك
 ديو جميع يورت ايلرى [۳] يعنى قديم دن قريم صاحب لرينك قارتليله و قزاقداش
 و امكداش و اناقلر [۴] و شيرينلى و منصورلى و سنجونلر [۵] و بادراق قومي و اولنلر
 يعنى خان خصم لريله جمله بر پيره كلوب ككش يعنى مشاوره ايدوب دورر كن
 حكمت خدا مقدا قزاق و لايننه بس باسه [۶] يعنى چنه به كيدن غازيلر كلوب قزاق قافدن
 فرياد و فغانلر ايدوب قزاق كفره سنك قرم اوزره كله سي مقرر در ديدكلر نده همان خان
 عاليشان تيز جمله عسكرو اسلام حاضر باش اولسونلر انلاودر [۷] ديوب نغير
 افراسيابنى [۸] چالوب اور قلعه سنه باصاق [۹] ايچون بيك عدد توفنك انداز ايله
 نورالدين سلطانكه . . . سلطاندر انى محافظه جى قيوب كتديلر سنه . . .

ماه . . . كونده قرق بيك عسكركله طبل و قدومن دو كوب اوردن طشره مكث اتدى
 [۱] ك : حتمز [۲] ك : كويلر بئش اولى [۳] ك : ايلرى [۴] ك : اناقلر .
 ط : اناقلر . س : نسخه سي نقطه سز [اناقلر] اولسي ده ممكندر (م) [۵] س : سنجونلر
 [۶] (بئش باشه) اولميدر (م) [۷] هر نسخه ده بوشكلده همي ده نقطه سز در (م)
 [۸] ك : افراسيابين [۹] ط : باصاق [۰] اوج سطر آجيق وار

شاہانہ قلوبورنہ طوپلری یوز یکت طوپجیلر والیشریکت جبہ جیلر قیوب وایکی قلعہ عظیمارہ برر عظیم واسع وعلی دمرا قپولر ایلدیکم بوایکی قپودن غیری یردن جزیرہ قریمہ کرلمز اولدی مکر در یادن کیملرله کلتر کرر [۱] اوله و بو اور ک ایکی قپوسندن چیقان هیہات صحراسن کچوب استرسه شرق جانبنه قلعہ ازا قه استرسه شمال طرفنده اون ساعت قزاغه استرسه غرب جانبنده اوچیوز ساعت چول ایله قلعہ قیل بورون قلعہ سنه کیدر اما بومز بور یوللرده [۲] یوز ایکیوز آدم کیده من بش التی یوز آدم کیدر و بو اور شهرینک صولری جمله شورجه قیو صولیدر اما اور قپوسندن طشره براوق منزلی بر آب حیات قیوسی وار جمله آدملر سلاخلنوب اول قیودن عجله ایله واروب صو آلرلر زیرا قلموق قومی وقزاق عاق نیجه کره یرده [۳] بولونوب صویه چیقانلری قاپوب اسیر آمشدر اما محمد کرای خان بو اور قلعہ سی و اور خندقن عمار ایدوب اور قلعہ سی هنوز سد اسکندر اولوب خندق قله لینه تعمیر و ترمیمنه اور بیجی و اور طوزله سی امینی ناظر و معتمد اولمشلر (درفتح بحیره قلعہ اور) بو اور قلعہ سنک ایچ یوزنده بر صحرا باشنده بر بحیره بر افدر کم آنده کفه طوزی دیدکاری طوز بو اورده حاصل اولوب کفه یه و ولایت قریمہ و اسلامبوله و جمیع ولایتلره کیدر کر پیج کبی فصله فصله خاص و بیاض و لذیذ طوزدر قرق یدی وک ایچہ الزاملی اما سدر اور خلقتک جمله سی بو اور طوزن چیقار مالر یچون معاف [۴] و مسلملدر و مجرم و واجب القتلاری بو طوز بحیره سنه قورلر ماه تموزده بو بحیره نک یوزی بوز کبی طوز دوکوب بر قرش قانلقده اولدقده کلم قدر پاره پاره قروب داغلر کبی یغوب بازرگانلره امین مملحه فروخت ایدوب قلعہ اور نفراتلرینه و علما و مشایخلرینه و اور بکنه و اور مفتیسی و نقیبی و قاضیسنه جمله علفه و یروب ماباق [۵] بش خزیننه ایدوب خانہ کوندرر دائر آ مادان بش میل احاطه ایدر زهر مار بر کوچک بحیره در (در بیان حاکن فرح کرمان) جزیرہ قرم ایچره خان عایشانلر ایالتنده اور بکی تختیدر کم اوچیوز قرایه مالکدر بکی حین صواش

[۱] ک : کیریلور [۲] ک : اما بو ذکر اولتان چوانستان بولره [۳] ک : بو محله

[۴] ک : تکالیف شافعدن معاف [۵] ک : ماباقین

ایچنه باقماغه آدم جرأت ایدمز هان بو خندقدن صو آقسه ینه قرم بر آدا اولور
 مورہ جزیرہ سی دخی اینہ بنجی بوغازیلہ اینہ بوغازی ارہسی سسکز بیک آدیم
 قرہدر آنی دخی سلف قرالدر ابوالفتح محمد خان غازی مورہ یہ کلہسن دیو
 کسوب دریا آقیدوب مورہ ولایتن جزیرہ آتمشالردر کشتی قورقدوغنہ اوغرار
 دیدکلری کچی ابوالفتح محمد خان غازی مورہ یہ واروب مذکور بوغازی هان
 اوچ ساعتہ دولدوروب کوردوس قلعه سی و مسیرہ [۱] قلعه سی وبادرہ قلعه لرن
 فتح ایدر اما بو قریمک اور خندق مرور ایام انہ دولوب قرم ایچندن طشرہ
 اسیرلر فرار آتمکہ باشلیوب طشرہ دن قزاق عاق و تانار قدامق دخی قرمہ کر مکہ
 راه آسان بولدیلر هان افندیمز محمد کرای خان سنہ . . . تاریخنده ولایت قریمک
 آدم دریاسن و دورت کرہ یوز بیک اسیر کفرہ لرن بو اور محلنہ جمع ایدوب مقدا
 اور خندقنک ایچ یوزندہ یغیلی اولان طوپراغی اوزرہ خندقنک طوپراغن شرفدن
 غربہ بر ساعتک یرک خندقنک تطہیر ایدوب ایچ یوزندہ خندق طوپراغی داغلر کچی
 یغدی بعدہ محمد کرای خان بو طوپراق اوزرہ بر دکزدن بردکڑہ بر ساعتک
 یرہ بر متین قلعه دیواری چکوب بر بردن بر توفنک منزلی بعید خندق ایچنہ ناظر
 بر برلرن قورودر سدا سکندر وار متین ابراجلر ایدوب هر برینہ بشر عدد شاهی
 ضرب زن طوپلر قیوب هر بر قله یہ الیشر یکت توفنک انداز روم یکتلری قودی
 زیرا اول عصرده کافرک پک عصیان طغیان حرکتی وار ایدی [۲] و دیواری زمینی
 دبدن اون ارشن بالا طاش دیوار ایدوب اوچ ارشن اینلی ایدوب بو دیوارک
 ایکی باشندہ کی قہلری مخصوص قلعه کی عظیم قہلر ایدوب ایکیشر یوز یکت
 قودی [۳] و اور قلعه سی دبنده بو دیوارہ یان یانہ ایکی عدد ایکیشر قات قہلہ
 عظیملر انشا ایدوب هر قہلہ الیشر عدد روم یکتلرندن ارکن یعنی عزب اودہ باشیلر
 قیوب جملہ قہلرہ کی یکتلرہ بونلری ضابط ایدوب هر کیجہ دندان بدن اوزرہ
 قول دولاشوب اویویان مستحفظانلرہ تعزیر ایدلر [۴] و بو اور تہ قہلرہ دخی بشر عدد

[۱] ک : مسیرہ . س : مسیرہ [۲] کافرک زیادہ سیلہ عصیان و طغیان اوزرہ
 حرکتلری وار ایدی [۳] ک : ایکیشر یوز روم یکتلری قودی [۴] ک : ایدلر

ماہی بندہ انجاق سکنز بیک آدیم ہیہات صحرا سنہ متصل قرہ در . آنی دخی سلف
 خاں لردن سلیم خان ثانی عصر بندہ سمر محمد کرای خان بو اور بوغازینہ کافر
 کلہ سن دیو بر خندق عظیم [۱] بر دکزدن بردکزه کسوب بر چاہ غیا مثال خندق
 عمیق قازمش تاتار قومی خندقہ اور دیرلر انکیچون بو قلعہ یہ اور دیرلر اما
 مورخان تاتار بو قلعہ یہ فرح کرمان دیرلر حقا کہ ہیہات صحرا سندن کلوب بو قلعہ
 اورہ کرن فرح وشاد اولور حتی اول زمان بو خندق اولہ درین قازمش لرم
 ازاق دیکزی کلوب اولو دیکزه مخلوط اولوب هنوز قرم اول زمان جزیرہ اولور
 ازاق دیکزی کنار بندہ کی بالی صیرہ قلعہ سی وچکشکہ [۲] و ارباط قلعہ لری اوکنده
 صو چکیلنجه قلعہ لر قرہ قلوب تن نہری قزاغی دخی ایکوز پاره قایق ایلہ ازاق
 آلتندہ قازقلی اوزک بوغازندن چیقوب جملہ کیلری ایلہ دوس دوغری یکی قازیلوب
 صو یکن اور قپوسی بوغازندن کچوب اولو دیکزه کروب علی الغلہ کلوب بزم آق
 کرمان قلعہ مزک طشرہ واروشن اوروب بی حد وبی قیاس مال فراوان واسارای
 بی پایان آلوب یکی کسینلن اور بوغازندن بی باک وبی پروا کچوب یہ دار منحوسلرینہ
 کیدرلر بعدہ سنہ . . . تاریخندہ سلیم ثانی عصر بندہ قلیج علی پاشا کفہ قلعہ سنہ
 دونمای ہاین ایلہ کلوب لیمان کفہ دہ لندر انداخت اولدقده سمر محمد کرای خان
 کفہ یہ کلوب اولوج علی پاشایہ بولشدقده علی پاشا ایدر بقہ خان نیچون اور بوغازن
 کسوب قریمی بتون جزیرہ ایدوب ازاق کافرینہ یول آچوب بزم آق کرمان قلعہ سنک
 نہب وغارتنہ سبب اولدک دیو سمر محمد کرای خانی کفہ نک اوزون چارشوسی
 باشندہ صلب آتمشدر بعدہ یرینہ . . . خان اولوب کوررلر کم حد ذاتندہ
 حال مکدر اولوب ازاق دیکزی طرفندہ کی کسینلن مذکور خندق مہل دولدوروب
 یہ جزیرہ قریمک قرہ یہ اتصالی اولوب دیار قریم وچکشکہ [۳] و ارباط وبالی صیرہ
 قلعہ لری صو ایچندہ قالب دیار قرم و قلعہ آق کرمان دار امن وامان اولور
 الحاصل بر عظیم خندقدر کم بر دکزدن بر دیکزه طولی بر ساعت وسکنز بیک آدیمدر

[۱] ک : بو خندق عظیمی . س : بر خندق عظیمی [۲] س : چکشکہ . ک : حکشکہ

[۳] ک : حکشکہ

مفید و مختصر دکانلری وار لکن بزازستانی یوقدر مشهوراتندن کسکن دارو [۱]
 یعنی پاك تاتار بوزاسی اولور حتی عبرت ایچون بو بوزه ابدست مقرمه سنه قیوب
 اولرینه کتوررلر بر قطره آتماز تاشول مرتبه قیو ایلک کبی طاطلی بوزاسی اولور
 حتی قوم تاتار بش قناق یردن آتلوب اور برقی [۲] ایچلم دیو کالر بر صوبه
 شطغان [۳] بوزاسن ایچن سرمست اولوب قله لای و بولالای ترکیسی ایرلر تا بو
 مرتبه سکر ویرر بوزاسی واردر بود یارده شراب ایچمک عییدر و باغ باغچه اولما دغندن
 شرابی دخی یوقدر زیرا شدت شناسی قتیدر بر آغاچی [۴] بتمش دکدر اودونی
 دخی یوقدر جمله صغر ترکی یقارلر و آت و دوه ترکی دخی ساتارلر و اکثریا خلقی
 صغر بوتی قوقارلر فقرالری چوقدر بو واروش قومصال زمین باشنه واقع اولما غیله
 شهر ایچره اصلا قالدیرم یوقدر جانب اربعه سنده قلعه دیواری دخی اولمیوب دائراً
 مدار اطرافی دریک اتلی خندقدر اوچ یرده واسع آغاچ قپولری واردر اما
 بو واروش ایچره (زیارتگاه عزالدین سلطان) زیارتگاه عاشقان ارباب دلاندر قدس
 سره و بو قلعیه اوز قلعه سی دیمدن مراد اولدر که بو قرم ولاتی قره دکز کنارنده
 یدی یوز بتمش میل بر جزیره شکل مثاک واقع اولوب صاغ جانبی طرف غریبه
 اولو دکز درکم قره دکزدن کرمش بر صیغ دریادر اولو دکز دیمدن مراد بر کمی
 یا خود بر قایق قره دکز فرطنه سی ایله بودریایه دوشرلر سه اصلا خلاص ممکن
 دکدر جمله آدملری ایله کمی لری غرق اولوب اولدکلرندن اولو دکز دیرلر
 و قبله جانبی قره دکزدر و شرق طرفی ازا ق دکزیدر بالیسره دکزی دخی دیرلر
 بومذ کور دریالرک اوچی دخی بر برینه متصلدر اما بو جزیره قریبمی اوچ دریادخی
 احاطه اتمشدر بو نلرک ایچنده قرم شکل مثاک بر آدادر قبله طرفی بالقلوا قلعه سی
 بورنیدر مشرق طرفی کرچ قلعه سی بورنیدر مغرب طرفی بو اور قلعه سی
 آغزیدرکم بو محله قریم جزیره سنک اوردن طشره چیقارکن ازا ق دکزی صاغ
 طرفددر صول طرفی سمت جنوب اولو دکزدر اولو دکز ایله ازا ق دکزی

[۱] س، ک : وارو [۲] س، ک : بزقه سی [۳] س، ک : برطوسطغان [۴] س، ک : بر آغاچ [۵] س، ک : بالی صیره

اور تولید دزداری و بشیوز عدد توفسکی سبکان نفراتلری وار اما جملہ سی روم
یکتلیدیر زیرا تاتار قومی توفنک آتماق بلزلر و توفسکدن قورقوب توفنک اولدوغی
یرہ ملتق قوپ دیو وارمازلر قوم تاتار توفنک ملتق دیرلر و بوقلہ نک کامل بشیوز
عدد بش اولی نام تاتار ایلیسی [۱] عسکری وار کم جہہ یرار و زور آور ودلاور
و سرور و پرهز بطر یکتلری وار شہرک دزداری و اون بش عدد قلعہ اغالری
و طوپچی باشی و جبہ باشی واردر اما قلعہ سی اور صحراسندہ اصلا حوالہ سز و خندق
اون بش قولاج کسمہ طوپراق درین خندقدر قبلہ یہ ناظر اوچرقات متین و قوی
دسر قبولری وار ایکی طرفندہ خندقہ ناظر عجایب طوپلری وار ایچ قلعہ سندہ
صاحب کرای خان مسجدی و بیغدای انبارلری و جبہ خانہ حجرہ لری و صو قبولری
وار غیرى شى یوقدر (ستایش طشرہ قلعہ) ایجرہ یوز عدد طوپراق اورتولی اولری
اولوب چارشوی بازار و حمام و خان بوقلہ دہ یوقدر انجاق قلعہ بانسی صاحب کرایک
برجامی وار طولاً یوزاللی ایقدر و عرضاً یوز قدمدر محرابی اوزرہ «لایالہ اللہ محمد
رسول اللہ» تحریر اولنوب بوخط اوزرہ آیة الکرسی تحریر اولمشدر استاد سرمر بر
طاشہ بوخطلری اولہ یازمشکم [۲] حقا کم سکہ سرمرده قازمش منارہ سی جامعک
صولندہ برالحاق بیاض طاش منارہ زیبادر جامع دخی طرز قدیم الچہ جق طوپراق اورتولی
ر معبدکاه قدیمدر کم غزا مالیلہ بنا اولماغین [۳] غایت روحانیتلی و جماعت کثیرہ لی
بردار التوحید برمصلا ی عتیقدر بو جامعک صول طرفندہ مشرق جانبنہ ناظر قلعہ نک
برکوجک قپوجکی [۴] وار اما آتلی کوجیلہ کیر چقر بو قپوجکک اوکنده کی
خندق اوزرہ مقرہر ایلہ آصا کورپسی وار قرشو خندق کنارندہ محمد کرای
خانک برکوجک خوش هوا و خوش بنا حمام روبشناسی وار واروشدہ واقع اولمشدر
(درمدح طشرہ واروش قلعہ اور) جملہ اون ایکی محرابدر و بیک بشیوز طوپراق
اورتولی اکثریا تختانی اولری وار ساز اورتولی سرای بوندہ مکلف سرایدر
قلعہ دبنده آنجاق برخانلی وار و بر اولو یولک یمین و یسارندہ جملہ بشیوز عدد

[۱] س : ایلیسی « بلکہ (ایلیسی) یا خود (آتلیسی) اولق ممکندر (م) » [۲] ک :

قازمشکم [۳] ک : اولماغین [۴] ک : قپوجنی

بر نیک جامع و مسجد و بقدر لده [۱] شب و روز جملہ تاناز صوفیلری توحید و تذکیر ایدر لر غایت اهل توحید و اهل طریق آدملری واردر خصوصاً بالادہ کی اور اقر لده اوصافہ شروع اندیکمز اور قلعہ سنندہ کی صاحب کرای خان جامعندہ صومعہ نشین صاحب سلوک مظنہ کرامہ ... افندی عزیز حضر تلری قرق ییلدر خلق [۲] ایلہ الفت ایتمیوب ذی روح قسمندن حیوان اتی و بوغدای امکی میوب ال دکرمانندہ اربائی اوکودوب [۳] کندی ایلہ بشروب یرو کندی ایلہ اربا ا کرا کدوکی زمین صی صاحب الحیرات صاحب کرای خان شیخک پذیرینہ احسان ایدوب ارث ایلہ کندوبہ انتقال ایدن خاک پاکدہ اربا ا کوب ییچوب کندی ایلہ ال دکرمانندہ چکوب بشروب یر اون بیکنن متجاوز فقرای باب اللہ گوشہ نشین صوفیلر ایلہ صاحب کرای جامعندہ جملہ عاشقان حلقہ ذکر اللہہ کرد کدہ چان توحید اورہ کلدکلرنده [۴] جمیع اور خلقی عالم حیرتدہ قالر لر حتی جملہ اور قلعہ سی خلقی عزیز مزبورک [۵] معتقد لیدر حتی ہر کیجہ اور قلعہ سنک درود یوار لری اوزرہ قلعہ فقراتلری کبی شیخ محترم [۶] فقرالریلہ رباط بکلویب اللہ یکدریک دیو بانک محمدی صداسی ور لر

در بیان زمین اشکال طرز و طور قلعہ اور یعنی فرح کرمان

بو قلعہ بالایی سنہ ... تاریخندہ آل جنکیز یاندن صاحب کرای خان بنا ایدوب ایکی قات شدادی مثال سنک طراش [۷] قلعہ صواش اولوب زمیندن قدی کامل یکر می اوچ آرشن عالیدر و دائراً مدار جرمی دیوار بدنلری اوزرہ اوچ بیک آدیم و دندان بدنلری ۸۰۰ عدد اولوب ایکی قات حصار استواردر کردا کردی بش گوشہ اولوب یکر می عدد چار گوشہ قلعہ بالالری وار کم ہیہات سحر اسنک ہرنہ طرفندن کلد کدہ بو اور قلعہ سنک قلعلری بشر قناق یردن نمایاندر کم جملہ قلعہ لرینک اوزر لری لعل کون قرمز ی کیرمت اور تولیدر بعضی تختہ اور تولی الحاق قلعہ لری وار و درون قلعہ دہ جملہ سکسن عدد تاناز اولری وار جملہ سی طور اراق ایلہ

[۱] ک : وبقہ لده . س ، ط : وبقہ لده [۲] پ : چقلق [۳] ک : چکوب اون ایدوب . س ، ط : اودوب [۴] ک : ادہ کلدکلرندن [۵] ک : عزیز مشارالہک [۶] ک : شیخ موی ایلہ [۷] ک : سنک تراش

في لحوم الخيل) بو حديث صحيح ايچون مسلم و بخارى متفق عليه درلر انكچون قوم تاتار آت آتى، يرلر بر آلاى غازيان مجاهدانلردر سفرلرده عسرت مقرر در بر حديث شريفده دخى (السفر قطعة من السقر ولو كان فرسخاً) بيور مشلردر امدى بوقوم تاتار سبكبارك بارخانه لرى اوليوب سفرلرده اصلا ذخيره دن [۲] بر شى كتور منزل الاطالقان وقورت وآت قوريسى [۳] قارسى كتورلر اول دخى كفايت ايتيوب همان يوللرده لنىك پا اولان آتلى وسهل خسته لىك يوز طوتوب يورغن وآرغن و دورغن آتلى كافر قالمسن ديو همان اول آن اول آتى حق يولنه قربان ايدوب و دريسيله ياره ليوب ياره شرلر كى سركى [۴] كى چركى نام تكلتيسى آلتنه قويوب اوستنه بنوب آت ايله يورطه يورطه آت اتنىك صويى چكلوب پشدى ديوتكلى آلتنده كى آت اتين ييوب دفع جوع ايدوب كافرستانه آقنلر وچاپوللر جيوه روب جميع دشمنلرينه شمشير ستيز تيغ سرتيزى بى دريغ اوروب بقيه السيوف اولان كفر لرى اولاد و عيال ليله كشان بر كشان سوريوب ديار اسلامه كتروب اسلام ايله مشرف ايدرلر من عند الله برالاي غازيان سربازان عاشقان آل جنكيزياندر حفظك الله [۵] بونلر كغزا اتمدن غيرى بركارلرى دخى دهقاتى وزراعدر يعنى اكينچى وچقنچيلردر كم ا كثر يا دارى ا كرلر زيرا دارى بو ديارده بر كيله سى يوز يوز اون كيله ويرر و دائماً يدكلى دارى در اما اهل حال اولان مشايخان و صوفيلرى آرپه اكوب ا كمك ن يرلر زيرا حضرت پيغمبر دائماً آرپا اتمكى يردى ديرلر انكيچون بوغداى اتمكى يمزلر بر اصنافى دخى تجاردر ولايت ولايت اسيرلرى كتوروب فروخت ايدرلر وغيرى متاعده كتوروب بيع وشرا ايدوب غيرى اشيار كترلر بر صنفى علما و صلحا و مشايخان و صوفيلردر كم خلوتى و جلوتى طريقده قرق بيك قدر اهل توحيد و صوفيلرى اولدوغن سفر غازى اغا وزير تحرير ايتشدر جمله جزيره قريم ايچره اولان يكرمى

[۱] ك : نبى رسول الله صلى الله عليه وسلم يوم خيبر [دوغروسى ده بودر (م)]
 « عن جابر بن عبد الله نبى النبي صلى الله عليه وسلم يوم خيبر عن لحوم الحمرو رخص في لحوم الخيل »
 (بخارى) : مصر باصمه سى ج ۷ ، ص ۹۵ [۲] س ، ك : قبورقى [۳] [دوغروسى (آت)]
 قابورقه سى وقايسى (اولوق مكدندر (م) [۴] ك : كى پشروب [۵] ك : حفظهم الله

تلماس ایله یعنی ترجمان ایله آکلتر کلمات و الفاظ ولغسترلی واردر و افصح فصیح و ابلیغ بلیغ الفاظ دربرارلری وار اولان لسان جغه‌تای [۱] و لسان قوموق و لسان موغول و لسان نوفول [۲] و لسان ترکان و لسان نوغای و لسان قیتاق و لسان موراق [۳] و لسان هشدک و لسان داغستان عجم و هند و اوزبک و بلغار بونلر دخی تاتار اولماغیله باشقه لسانلری و باشقه کونه کتابلری وارکم هیچ بر لسانه مشابه دکلدن بونلرک هر برینک بر کونه لهجه مخصوصه‌لری واردر و بو قوم تاتار هرکز غیبت و مساوی و سوء ظن و کین و کبر و بغض و عداوت و ذم و نم ایتمک بونلرده یوقدر بری برلری ایچنده غایت عییدر بر کئی غیبت و مساوی کله جیسی اشته اندن غیری کشیلر نفرت ایدرلر انجاق بغض و عداوتلری غیری قوم و غیری دشمن اوزره کیدوب نهب و غارت اتمه عداوتن ایدرلرکم *البغض فی الیهدر* و قرم خلقنک مذهبلی خنفیدر شافعی المذهبلی ده واردر اما قرمدن طشره ایلرده و لایتلرده اولان اولو نوغای و شنداو [۴] نوغای و اورمیت نوغای و منصورلی و سحوبلی [۵] و شیرینلی و مانقتلی [۶] و جوپان اللی [۷] و بورور اللی [۸] و دوی اللی [۹] و نیجه بنوک امثالی نیجه بیک کونه ایلرک کشیلری جمله شافعی مذهبدرکم یوقدر یوزبیک علمای متبحرینلری وارکم تعبیر اولماز جمله‌سی ایلرلیله سحرالرده ادبارلی و مدرسه‌لرلیله قنوب کوچرلر بو علمالرک اذن شریفلرلیله جمله قوم تاتار آت اتی رلر حتی ابو حنیفه که نعمان بن ثابتدرکم امام اعظم و هام اقدمدر آنلرک قول شریفی اوزره آت اتی بک مکروهدر زیرا آت آلت غزادر آت بککه رخصت و یراسه احتمالدر آتله انقراض بوله اما مالکی قتنده کراهت تحریمدر لکن امام شافعی و امام حنبلی قوللری اوزره حلالدر زیرا آنلر حضرت رسالتدن بو حدیث شریفی روایت اتمشدر (قال جابر رضی الله عنه یوم خیبر [۱] عن لحوم الحمرا الهلیة وارخص

[۱] ك : جغتای [۲] س، ك، ط : نوغول [۳] س، ك، ط : قوراق [۴] س ، ك : شیداو [۵] ك : سجوتلی (س نسخه‌سی ده بویهدر فقط نقطه‌بزدر) . ط : سحرلی [دوغروسی (سجوتلی) اوله جقدر بهض کتابلرده (سجودلی) شكندنه کوردم فقط یریلغرده دائما (سجوتلی) دیبه یکمکده در (م) [۶] ك : مانقتلی [یریلغرده (مانقتلی، مانقتلی، منعتلی، مانکتلی) کی مختلف شکلرده یکمکده در (م) [۷] [۷] ك : ایلی [۸] ك : نوروز ایلی [۹] ك : ایلی

يغوردى كىش [۱] اصلا دوپ يرلر بردخى يازمه [۲] نامنده ايليك كى لذيذ قياغى التمامش
 يغوردى دخى ات سوديله آران ايدوب آنى ايجرلر و ايليك كى قيو و لذيذ بوزالرى اولور
 سفر و حضرده بوذ كر اولنان اشيا لرى ييوب ايجرلر اكمكه صويه آنكى چون رغبت
 اتمزلر و اكمك نچكدر قايدو اولور ديو سوال ايدرلر سؤالنه جواب و ررلر درلر كم
 اكمك چوپكده يتكندر دكر منكنده اون يسه دوپ [۳] جامور ايدوب بشكندروب
 آتشدو كويندرلر اكمك اولور ديدكلر نده الله الاله [۴] اكمك سولايى اولور ديو
 تعجب ايدوب ادم اتاي جنتدن چيقارمغه سبب شول چوپكده بتكن اوتكم ميدر
 بهى اتاك اناك چاولى بوله يم اوزم صقولور سده بن اونى آشامدر ديز يعنى بن
 اولور سده بن اكمكى يم دير غريب و عجب سفره يرار بو طبيعتده خلق اولمش
 شجيع قومدرلر اما بو نوغاي [۵] قومندن ماعدا بزم قرم جزيره سى ايجنده بنى
 آدم ايله اختلاط اتمكه معتاد ايدوب صاحب صنع [۶] كچنر بادراق نام برالاي قوم
 بناملر واردر آنلر ايجلر نده نيجه بيك بادراق قومي ابدآ اكمك ييز و صوايچمز آدملى
 واردر نيچون صوايچمز سن (ومن الماء كل شى عى) دكيدر ديسك واللهم بزي
 چالپ الله يصانقده طوپراني صوايله جوق چامور ايدوب ياراتدى چاموره جوق
 صوقتيلسه البته چامورك بريانى جويار يعنى برطرفن قوبارر اندى آدم اولادى نكده
 اصلى چاموردر صويي قوب ايجمه مك كرك اشته ات سودى و دوه سودى دخى
 صودر ديو مثال تاويللر ايدرلر كچه بوقوم صوايچمز اما لاحسه [۷] چورباسى
 و دوه و قيون و صفر و چاموش سودلر يله دارى و باصطه چورباسن جوق يرلر لخشه
 [۸] شورباسى يعنى لاكشه چورباسن يرلر زيرا حضرت رسالت پناهك حديث
 شريفنده (خير الطعام لاكشه) بيورمشلر دركده كه اون چورباسى و دوتماس [۹] ديرلر [۱۰]
 و جميع تاتار علماسى و صاحاسى و پادشاهلرى ات اتى يرلر و السنه مختلفه لرى بربرينه
 مغايردر زيرا جمله تاتار اون ايكي لسان اوزره تكلام ايدوب بربرلينك لسانلر بن
 [۱] ك : يغوردكش [۲] ك : يازمه [۳] ك ، ط : بصه دوپ [۴] ك : الله الله
 [۵] ك : اما نوغاي [۶] ك ، ط : طبع [۷] ك : لاحسه . س ، ط : لاحسه [۸] ك ، ط : لاحسه
 [۹] ك : دوتماش (۱۰) يوقاربكى حديث كى بونده كتابلرده آرادم بوله دم (م)

آلان وتالان وكفره لرین اسیر وتالان ایدوب صغار و کبار اولاد ونسوان و بنتانلرن
 اسپر پای بسته دختسته شکسته بسته ایدوب ونجه شکنجه ایدوب آت درسی و آت
 آشکنه سی و آت بفر صقلرن اسپرله یدیره رک جمله کفره لرک اولاد وانسابلرین دیار
 اسلامه کتروب اسلام ایله مشرف ایدرلر حتی بوقوم تانارغدو شکار حقنده حدیث
 صحیح وار «قال رسول الله صلی الله علیه وسلم ان الله جنوداً بالمشرق اسمهم الترتک ینتقم
 ۴۲ من عصاه فکم [۱] من خائبات خاسرات سترجن فلایرجن فاذا رأیتم
 ذلك فاستعدوا للقیامة» صدق رسول الله [۲] حقا که بوقوم تانار بی رحم قومدرلر اما
 من عندالله تعالی آل عمان اوکنه سد سدید اولوب هر باز کفار ایله جنک و جدال
 و حرب و قتال ایدرلر و غایت صالت و سبکبار عسکر در زیر قوم نوغای
 تانارلری نک یانلرنده حل و حرمتدن برشی بلزلر برالای مباحی قومدرلر حین
 ضرورتدن غیری محله ذی روح نسلی اولوب انک جانی اوله و قانی حقیقه البته آتی
 یرلر وقاننه داری پوقه سی [۳] قرشدروب جمیع حیوانات قانی شوربا کی ایچرلر
 دائماً یدکلری ادر بلزلر هر حیوانک درین کیرلر [۴] یعنی کورکن کیرلر واکمک
 یسهلر یورکارینه یاپشوب اولرلر دائماً یدکلری داری و کیدکلری دری اولری صاژ
 کندولری ناساز برالای قوم غازیان مجاهداندر دائماً حکیمانه برکونه طعام یرلر غیری
 شی یمز و بلزلر آب و هوالرینک حکمندن معدله ری غایت سریع الهضمدر حتی
 برتاتار اوچ دورت کونلک طعامی و برنیچی بوزایی بیوب ایچوب وینه اوچ دورت کون
 طعام یمسه نمکندر بولور [۵] بولاد نخشواسی براباغن حد [۶] نیجه کره [۷] یوزیک
 تاتار واردرکم عمرنده صو اچه مشلدر قز [۸] نامنده بر کونه الی یدی کونلوک
 آت سودی ایچرلر طالقان نامنده داری قاووروب دکرماندن چکوب اون کی
 ایدوب آتی آت سودی دوه سودیله قریشدروب ایچرلر دفع جوع اتدیکندن
 ماعدا سهل سکر ویرر بردخی بورس ایرانی [۹] یعنی اکشیمش و یله مش [۱۰]

[۱] ک : بکم [۲] بوله دم (م) [۳] س، ک : پوقه سی [۴] ک : هر حیوانک اتی یرلر
 ودرینی کیرلر [۵] (بولور) برنده (بولسه) دهامناسیدر (م) [۶] ک : بولاد نخشوانی یر و اباغن
 ایچر [۷] ک : ونجه کره [۸] ک : قیز [۹] ک : یفورد آیرانی [۱۰] ک : ویله مش. س : یله مش

سکسن یدی بیک میل [۱] بر جزیره در بو جزیره نیک نصفی قوم صلعات یعنی قوم تاتار دوتمشدر بوادیم ارضده شاه [۲] عربلر ایله تاتار قومندن بر جوق [۳] قوم یوقدر دیو یازمشلر و یجه یوز قوم نصارا تاتار قومندن آزمشدر دیو یازمشلر... [۴] تاریخنده بر قاچ مرسل نبیلرک حلیه شریفلرن جناب کبریا ابتدا حضرت آدمی یدقدرتیه طیندن خلق اندکده تاتار صفتنده خلق آتمشدر دیو مفصل یازمش و بقول مورخ عالم مفسر اسحاق (سوره آل عمران) (ان مثل عیسی عندالله کمثل آدم) تفسیرنده حضرت عیسی نیک بابا محبوبی [۵] شکنده خلق اولتمشدر دیو تحقیق آتمشدر حتی قوم یونانین کفره روم ملت مسیحیه اولدقلرندن حضرت عیسی علیه السلامک جمیع اوضاع و اطوار و لباسن و حلیه شریفن صحتی اوزره علی الاتفاق تاتار اشکالنده یازمشلردر اما جمیع کفره لر قوم تاتاری سوومیوب عدوی خاینلر کلدکلرندن [۶] حاشا حضرت عیسی تاتار طبعنده [۷] دکل ایدی همان حضرت یحیا کبی سیرک صقاللی و مکحل سوکون کوزلی ایدی حتی حضرت یحیی حضرت عیسی ی قوجاغنده کزدررکن کورنلر بو عیسی حضرت یحیا یه بکزر کجن سنی دخی قوم صلغاته بکزه درلر مش [۸] اما روم کفره سی قوم صلعات یونانین بزم قومدر دیرلر خلاصه کلام قوم صلعات تاتار بوروی ارضی طوتمشدر اما الحمدلله بو جزیره قرم تاتاری اوزره جناب کبریانک نظری تعلق ایدوب هر نه جانبه توجه ایدرلر سه هر بار منصور و مظفر کلوب جمیع کافرستانه بی رحملقاری ولوله سالوب قوم تاتارک خوف و خشیتلرندن جمیع کافرستان کافرلرینک امانلری کسلوب بی ایمان قالمشلردر حمد خدا بو قوم تاتار مؤمن موحد اهل سنت و الجماعتدن برالای غازیان مجاهدانلر اولوب معجزات محمد المصطفایک دعاسی برکاتیه جزیره قرمده و غیری بلادلرده ساکن اولوب جانب اربعه ده کفار دوزخ قرارک قرار کاهلری اولان مملکتلرین

[۱] ک : میل جویرر [۲] بوراده کی (شاه) کله سی یا کلیشه بکزه پور بلکه ده (سیاه) کله سندن محرفدر (م) [۳] ک : چوق [یعنی (بر) کله سی یوقدر مناسب اولان بودر (م)] [۴] ک : نسخه سنده ایچق بوق بلکه «حتی بو کتاب تحفه ده» عباره سی وار (م) [۵] ک : تاتار محبوبی [۶] ک : عدوی جانلری بیلدکلرندن [۷] ک : صفتنده [۸] ک : یحیی دخی قوم صلغاته بکزر دیرلر مش

ہیہات سحر اسنہ متصل اولان ایکی طرفی دیار اولہ نک [۱] اور تاسندہ کی اور محلہ بو قلعة اوزیء [۲] بنا ایدوب دلشاد وفرحناک اولدوغندن اسنہ فرح کرمان دیو نام ویرر اما مورخان عرب و کتاب فصوص صاحبی « حضرت محی الدین عربی ، بو جزیرہ قریمہ و ولایت قزاق عاقہ بلاد صلغات [۳] دیرلر و جفر جامعہ و نیجہ کلام علیہ تاتارستانہ بلاد صلغات دیرلر حتی بر کتاب جفرده «یا بلاد الصلغات [۴] احذرو اعن صفار العیون من انفسکم [۴] ، بیور مشلردر یعنی یاقریم خلقی سزک نفسکزدن اولان کوچک کوزلی قومدن حذر ایدک یعنی قالمق [۵] قومندن پک قورقک دیو قرم خلقنہ قوم صلغات دیرلر اما چونکہ تاتارستانہ بلاد صلغات دیدکدن صکرہ ولایت هندوسند و کشمیر و کولکندر کند [۶] و چین ماچین و ختا و ختن و فغفور و اوز بک و بلخ و بخارا و ولایت عجم و خراسان و ولایت قوزاق و ولایت ترکستان و ولایت ماہان و قوم موغول [۷] و قوم بوغول [۸] و قوم قیتاق و قوم داغستان و قوم نوغای و قوم قالمج [۹] و قوم ہشدک [۱۰] و قوم مصقو و قوم لہ و قوم لبعہ مسلئی [۱۱] و قوم بحار و قوم قرم جملہ تیش عدد اقوام کونا کون بونلر جملہ تاتاردر کم مرقوم صلغاتدر [۱۲] حتی اسفاج قرانک تحت حکومتندہ مصقو وک ہشدک تاتاری کبی اسفاجک دخی اون کرہ [۱۳] یوز بیک کوچر اولی تاتاری وار حتی آل عثمان و جملہ قوم ترکان دخی قوم تاتاردر حتی تحفہ نام بر تاریخندہ و روم یازوان تاریخندہ وارمنی مقدسی [۱۴] تاریخندہ ولاتین مقتیز [۱۵] تاریخندہ و منایط [۱۶] مشکل کشا تاریخلرندہ اولہ تحریر آمشلر کم بوروی ارضکم بحر محیط [۱۷]

[۱] ک : اولانک [۲] ک : اوزی . س ، ط : اوزی [۳] س ، ک : صلغات [۴] ب : الصلغات [۴] س ، ک ، ط : من نفسہ [۵] خانلرک برلیغزندنہ (فلوق) دیبہ یکمکدہ در : قالمق دیدکری ملمون بی دین خلق ص ۴۲۳ (م) [۶] س ، ک : وکولکنندکند . (باقیلہ وکولکنندوکنند) اولسی مناسبدر (م) [۷] س ، ک ، ط : مغول [اسکی کتابلر بجزدہ (مغل) شکندہدہ یازلقندہ در (م) [۸] پ ، ک : بنول [۹] ک : قالمج . ط : قالمج [۱۰] س ، ک : و قوم ہشدک مسلئی [۱۱] پ ، س ، ک : کبہ مسلئی [۱۲] ک نسخہ سئدہ (مرقوم) بزندہ (قوم) کلہمی وار (م) [۱۳] س ، ک : اون ایکی [۱۴] س ، ط : مقدسی [۱۵] س ، ک : مقتین . ط : معنین . پ مغیز [۱۶] ک : وضابطہ [۱۷] باقیلہ (بحر آتی محیطدر) کبی بر بارہ اولمبدر (م) [صلغات کلہمی غین معجمہ الہدر (م)]

موجود در بوہیاتمہ دخی غول بیابان و بیان آتلی و دوہ لری و بچہ بیک انواع
حشرات مخلوقاتک موجود اولدوغی انشالله اگر سیاحتی نصیب اولورسہ علی قدر
الاستطاعہ تحریر ایدرز اما نہر اوزی کنارندہ ہیہات صحرائی اوجندہ قلعہ قبل
پوروندن تا بو قلعہ اورہ کلنجہ و اور طشرہ سندن تا قلعہ ازاغہ اون کوندہ وارنجہ
آل عثمان حکمندہ در اما اور قلعہ سندن ایجری جزیرہ قرم اور تاسی خانلر کدر
اما قریم جزیرہ سی اطرافلرندہ کی قلعہ لرینہ عثمانلینکدر الا بو اور قلعہ سی و کوزلوه
قلعہ سی و بانجہ سرای قریبہ چنود قلعہ سی خانلر کدر ماعدا قلعہ لر عثمانلینکدر
ہلہ حمد خدا صحت و سلامتہ خان حضر تلیلہ جملہ عسا کراسلام و غارت اولان [۱]
قوم بوغای ایلہ قلعہ اور قپوسندن ایجری کررکن خان حضر تلیلہ قلعہ اوردن
تیجہ یوز شامی و قلامبورنہ طوپلر شادمانلری ایدوب اوزیک قراش بک خانہ کلوب
بولشدی

اوصاف حدود ولایت صلعات [۲] آل جنکیزیان یعنی ابتداء سرحد

حصار استوار اور یعنی فرح کرمان

جميع تاتار تواریخلری بو اور قلعہ سنہ فرح کرمان دیو تحریر ایشلردر بو جزیرہ
قرم جیور [۳] کفاری الندہ ایکن ابتدا بو جزیرہ قرمہ مالک اولان جنکیز خان
اوغلی جوجی خان ... تاریخندہ بو اور قلعہ سی یرندہ کی قلعہ جیور [۴] فرنکی لندن
آلوب ازاق دکزی بوغازندن اولو دکیز بوغازینہ وارنجہ بو قرم جزیرہ سنک قرہ یہ
متصل اولان ... آدیم یرینہ بر اور قازوب یعنی برخندق قازدغیچون بو قلعہ یہ اور
قلعہ سی یعنی خندق قلعہ سی دیرلر اما مورخان تاتار فرح کرمان دیرلر بعدہ ...
تاریخندہ ینہ نسل آل جنکیزیانندن صاحب کرای خان بر مدبر و عاقل و صاحب
ظہور خان جم جناب اولماغیلہ جد عظامی جوجی خانک جیور [۵] فرنکی لندن فتح
اندوکی اور قلعہ سن تمہ لندن مہدم ایدوب مجدداً بو اور قلعہ سن قرم جزیرہ سنک

[۱] ک : اولتان [۲] ب : صلعات . س ، ک : صلعات [بعض کتابلرہ قاف ایلہ

(صلعات) یازدیغی دە وارد (م) [۳] ک : جنوز (جنوز) [۴] ک : جنوز [۵] ک : جنوز

آطلا یوب [۱] نهر اوزویه دریا قریبشرا کر اوزی نهری طاشسه قره دکزه قاریشر
قیل بورون دیدکری بو انجه یولدر اما جای اماندر زراقزاق کفره سی صاقلانا جاق
یرلری یوقدر اندن ینه شرق طرفه هیات یولیه ۱۱ ساعت اوتلی وصولی برلده
کیدوب

منزل بخشه لی

بونده دخی آجی و طاطلی قبولر واردر نیجه عسکر بونده باطمیوب ایلریده کز [۲]
قیویی کچوب

منزل بای دپی

برشدت شتاده بو محله دپی و بوراندن نیجه بای عنقا آدملر صوو قدن هلاک
اولد قریچون تانار قومی بو محله بای دپی دیرلر اندن ینه جانب شرقه ۵ ساعتده

قیفاج [۳] کولی

لسان تانارده ... دمکدر نهر اوزودن متفرق بر بحیره عظیمدر بعض زمان
ایچنده قزاقلر قایقلرن ارقالریله کتوروب بو کوله قیوب شکار آلرلر بو کولی کچوب
۵ ساعت ینه طرف شرقه کیدوب بو چوللرده آجی صولر ایچوب قزاق و قالمق
خوفن کچوب قطع منازل وطی مراحل ایدرک بو چولستانده قیل بورون قلعه سندن
جانب شرقه قرم جزیره سی آغزنده تا اور قلعه سنه وارنجه اوطوز ساعتک زمین هیاتدر
کم شنک و شادمانلقدن اصلا اثر یوقدر حتی کونش چوله دوغار چوله باطر اما
بو هیات یوجول [۴] هیاتدر کم شرقدن غربه طولی طقسان یدی قنادر کم شرق طرفی
نهایتی بحر خزرده تمام اولور غرب طرفنده مذکور قیل برونده نهایت بولور
مورخان عجم بو هیاتی دشت قیجاق دیو تخریر ایدرلر اما بو هیاته متصل تامصقو ولایتی
ایچنده [۵] بر ییلق یول چین ماجین فففور و فوراق [۶] و قزلر [۷] ولایتنه
وارنجه بلوک [۸] هیاتدر کم ایچنده غول بیایان و بیان آدملری وغیری اجناس مخلوقات
[۱] ک: آتلا یوب [۲] پ: کن [۳] پ، ک: قیفاج [۴] دوغروسی (کوچوک) اولماید
(م) [۵] س، ک: ایچندن [۶] ط: فوراق [۷] ک: قزلر [۸] دوغروسی (بیوک) اولماید (م)

مدح اولنشدر تکراره حاجت یوقدر زیرا اول سنه مبارکده بو اوزی قلعہسندہ قرق بیک قزاق ایله یدی کون یدی کیجه جنک عظیم اتدیکمز بالاده جلد . . . مرقومدرکم تکراره حاجت یوقدر بو قلعہ اوزی اغاری خان ایچون یوز پاره کیلر و توصلر [۱] حاضرلیوب خان و جمله عسکر کیلره سوار اولوب جمله عسکرک آتلی و صغرلی باشنه برو ربع و قیون باشنه بر اچمه آلوب قرشو طرفه عبور اتدیلر حقیردخی خدایه صفیوب سلامتله عبور ایدوب قرشو طرفه قرمخاکنده هیات سحر اسنک بر اوجنده

منزل قلعہ قل برون

بو دخی بالاده کی جلدک سنه ۱۰۶۷ تاریخنده مفصلاً ترقیم اولنشدر بوندن قالقوب الغار ایله سحرای هیات اوجیدرکم بو قل برون قلعہسندہ نهایت بولور بو صحرا ایچنده جانب شرقه کیدوب ۱۵ ساعتده

منزل وادی قوب قیو

نهر اوزی ایله قره دکیز مایینده بر قومصال زمینده سهل طااطلی قیولر اولدوغندن قوم تاتار قوب قیو دیرلر یعنی چوق قیولی یرلر دیمک اولور آثاربندان اصلا بر شی یوقدر انجاق کفارک یوللری اوزره بصو یرلری چوقدر اندن قالقوب سمت شرقه ۱۲ ساعت کیدوب

منزل صاری قامش

نهر اوزی کنارنده بر مخوف و مخاطره قامشلق یردرکم قزاق کفره لری اول قامشلق ایچنده پنهان اولوب آینده و رونده لری صید ایدوب اسیر بند زنجیر ایدر اندن ینه شرق سمتنه . . . ساعتده . . . [*]

منزل چورغا

نهر اوزی ایله قره دکیز مایینده بر انجه یولدر قره دکیز طاشسبه یولدن [۱] پ: بوطلر [س، ک نسخهسندہ نقطهسز ونه اولدینی بالیسزدر (م)] [*] پ نسخهسندہ اوج سطر آجیق وار

حالدرو جنبنده [۱] نجه بیک شهید شهدار دخی مدفوندر [۲] وزمان اوائلده بومناق [۳] بابا سلطان قربنده بر قلعه متینه وار ایمش آثار بناری حالا ظاهر و باهردر و حالا بو محله اوتلایان حیواناتلرک یاغی اویله جوق اولورکم مناق یاغی دیو ربع مسکونده مشهور آفاق اولوب مسک و عمر خام کبی رایحه طیبه لی مای صافیدر [۴] و بونده اوتلین قیونلرک نیجه بیکیکنک دیشلری آلتون کبی صاری اولور دیرلر اما حقیر کورمدم نیجه غازیلر بو وادیلرده کیمیا اونی واردر دیرلر حتی نیجه کره له و فرنک کافرلرینک بو محلدن نباتات و گیاهات جمع اتدکلرن کورمشلدر اندن یته خان ایله قالقوب جانب شماله قره دکنر ساحیلده ۱۵ ساعت [۵] کیدوب

منزل بوکه بولاغی

خوجه بایک بوکه سی قیونلری بو یورده اوتلارمش انکچون بوکه بولاغی دیرلر لسان تاتارده کوکه [۶] خاتون قادنچقره دیرلر غلط مشهوری قادنچقدر اما اصلی خاتونچقدر بعده بوکه بولاغندن جمله عسکر تانار ایله مغرب طرفنه ولایت قزاق ایچنه کتدیله کم نهر پرزنی [۷] باباسندن [۸] ایافلات [۹] کچلر زرا لب دریاده کیمیه کچمک امر عظیم عسرتدر انکچون نهر پرزنیق قزاق ایچنده باشنه کتدیلهر اما بو حقیر خان عالیجاه ایله کشتیلره سوار اولوب نهر برزنی [۱۰] عبور ایدوب ۸ ساعت دخی کیدوب

منزل قلعه چاق [۱۱] کرمان یعنی حصار جای امان اوزی جان [۱۲]

مقدما سنه ۱۰۶۷ تاریخده مرور اتدیکمز بو بللر [۱۳] و بو قلعه لر مفصلاً

[۱] ط : وجیننه [۲] س ، ک ، ط : مدفوندر [۳] نخلرده هب بویله نون ایله در حالبوکه بو قاریده هب یا ایله ایدی (م) [۴] (مای) تانار دبلنده یاغ دیمکدر شوخالده (مای صافیدر) ترکیبی لسان قواعدینه اوبمازسه ده مؤلف بو کبی ترکیبلی سوه سوه قوللانمده در (م) [۵] ک : ۱۰ ساعت [۶] پ ، س ، ک : بوکه [۷] ط : پرزنی [نهر مذکور بعض کتابلرده (برزن) شکلنده کورولمکده در بوکا کوره (برزنی) اولمیدر (م)] [۸] ک : تاباشندن [۹] س ، ک : ایافلات. ط : ایافلات [۱۰] س ، ک : پرزنی [۱۱] پ : جای . س ، ک : جان. ط : آق [۱۲] س ، ک : پرزنی [۱۳] پ : بو بوللر

صغوب ایکی آتایله بلدایوب [۱] سلامتله قرشویه کجوب حمد خدا کلام عزتم و نیجه کتابلرم و افلاق و بوغدان بکلرینک خانه وردکاری مکتوبلری و هدا یالری اصلا اصلا میوب اول محله هدا یالری و مکتوبلری خانه تسلیم آندی کمدن وافر حظ ایدوب افلاق و بوغدان بکلرینک آسوده حاللرین سؤال ایدوب حسن حاللری و استقامتترین عرض اندم اما العظمه الله بو قدر کره یوزیک حیوانات نهر طور لیه کرد کلرنده نهر طور له دریا مثال بولنوب [۲] کویا اقامز اولدی همان جمله صالت آتلی تاتار لرك عاق اولوب قزاقنمش [۳] آدم لری بو کونمش صویک آلت بانندن کچد کلرندن [۴] نهر طور له کی دریای عظیم آت لری نکلرینه چقوب چقمیوب طرفه العین ایچنده بلا عسره کچدیلر اما فقیر قیون و صغر و سائر حیواناتلر و بنی آدم لر غریبو و فریاد ایدر ک برهای وهوی ایله عبور اتمش لر در ک کویا یوم حشر دن نشانه ایدی بری طرفه کچن لر سلامتله الاجقلرن و دریم اوبالرین قوروب اسبابلرن قورونمغه باشلیدیلر زیرا نهب اولنان نوغای قومنک اهل و عیال لری چوق ایدی و نیجه آت و قیون و صغر و نیجه بنی آدم غرق اولدی بو محله (زیارت میاق بابا سلطان) لسان تاتار ده یاغلی بابا دیم کدر زیرا بر کره بو عزیز دن اهالی و ولایت بر کرامت استر لر اول دخی بیور لر کم بزده برشی یوقدر بوش طوره کی بر کشیم و اولیالره کرامت کوسترمک عورتلر حیض برشی [۵] کوسترمک کبیدر و آخر ته انتقال اتمک کوزینور وارک قوزولر بنده بر کرامت یوقدر دیور جالر ایدر آخر کار اللرن دن قور تولیوب همان اول محله نهر طور لیه نظر ایدوب یا نهر عظیم با مر الله تعالی یا غ صافی صاری سمن آق دید کده باذن الله اول آن نهر طور له صاری صای یاغی آغاغنه باشلیدوب اوچ کون اوچ کیجه یاغ آقوب قره دکوزک یوزنی یاغ بور ییوب آق دکزه بیله یاغ جیان ایدوب جمیع لب دریاده اولان بندر لرك اهالی لری اول قدر یاغ جمع ایدر لر کم تعییر و توصیف اولناز بویله کشف کرامت اید کلرنده روح تسلیم ایدوب بومذ کور سلطانی او محله دفن ایدر لر بعده اوزرینه سلف خانلری بر کار کبر بنادن قبّه عالی ایدوب حالا آنده آسوده

[۱] ک: یلداوب . س : یلداوب [۲] ک : بو کونوب [۳] س ، ک ، ط : قزاقنمش
[۴] س ، ک ، ط : کچد کلرنده [۵] ک : بزنی

امر لر و خط شریف لر کو ستر لر قلعه سلطان نوغای تاتارینک بوکونه جواب و یروب
 قالقماقلرین خانه اعلام ایدر اما اللرنده امر و خط شریف واردر دیو بلدرمز
 همان قرمدن خان عالیشان سکسن یدی بیک عسکر ایله اول کلن خط شریفه عمل
 ایدوب آق کرمان آلتنده نوغای قومیه جنک ایدوب نوغای طلاوه اوروب فروب
 کچروب نهب و غارت و ایصال خسارت ایدوب جنک عظیم اولسی منبعی علی المفید
 مختصر بودر کم حکمت خدا بوضاوش پرخاشده بولندق اما خدای متعاله عیاندر
 نوغای قومنک دانه خردلندن برشیلرینه وضع ید اتمدم خصوصا مال غنایمک کزیده
 یلرنده بولندم و خداملریمک آلدوغی اشیلاری دخی طاشیدوب آنلرده بر حبه
 و بر دائق و بر دینار دنیا آلدرمه مشمدر اما محمد کرای دورین فکر آق کرمان
 عسکرینک کویلرینی نهب و غارت ایدرمه مشدر بعده بو حقیر خان عالیجاء ایله

آق کرمان آلتدن قرم ولایتنه کتدی کمز قناقلری بیان ایدر

اولا خان قشلاسندن

منزل قلعه یانلق

ما تقدم سنه ... تاریخنده موصوفدر بریانوی [۱] قلعه سی دخی نمسه چاساری
 النده نهر طونا کنارنده واردر اما بوفانبو نهر طورله کنارنده دست آل عثمانده در
 بو قلعه بادمک [۲] اوکنده نهر طورلدن بر آرق آقار آنک آغاج جسرندن جمله
 تاتار عدو شکار و جمله نهب و غارت اولنان قوم نوغایک اهل و عیالاری ونجه کره
 یوزیک حیواناتلری جمله جسرندن عبور ایدوب ۶ ساعت قامشلق و سازلق و بطاقلق
 ایچنده طورله کنار یله کیدوب

منزل میاق چکدی

تاتار قومی بو محله میاق کشوی دیر لر طورله نهری کنارنده بر مهیب کچتدر کم
 دریا مثالدر خان بو محله کیمیه طورله کچوب قرشو طرفده بر کوچک چادر ایله
 مکث اتدی بعده جمله تاتار عسکری همان طورله صوبینه اور دیر لر حقیر دخی اللهه

[۱] ك : یانلق . پ : بانوی [۲] ك : یانلق . پ : بانوی [۳] ك : یانغک

مصطفی پاشاده قالمق ایلنده [۱] مزراق ایله شهید اولوب آندن قالمق کفاری ازاق آلتنده نهر دری یسی [۲] و اولوسی [۳] و موش صلورن بلدروب [۴] چکرلر آندن قرم طشره سنده ساکن اولان عادل نوغای و اورمیت نوغای و سیداق [۵] نوغای ایلترین اوروب بی حدود بی قیاس مال فراوانلر آلوب ملعون قالمق یته ازاق جاننه کیدرلر بواحوال پرملالی عادل نوغای و غیری نوغای مرزالری محمد کرای خانه اعلام ایدرلر محمد کرای خان ایدر نه چاره قورقارم که برکون بوصاحب خروج بی اصرر قالمق قرم جزیره سنه اور آغزندن ایچری یاخود چکشکه و ارباط بوغازلردن ایچرو کیرر و بزى گوپرولی اوغلی او یوار سفرینه دعوت ایتمش بو قالمغه جواب نیجه و یروب سیک ایچون انتقام آلام دیدکده همان قوم نوغای حکمت خبرین لقماندن آلدیم دیوب خانه اوتلاق حتی ویرمدن برکون کچوب قطع منازل ایدرک قلعه قل بورونه آندن نهر اوزویی کیلرله کچوب اوزو قلعه سنه آندن بشنچی کونده نهر طورله بی بلدروب [۶] آق کرمان نواچیلرند توطن ایدوب بندر بکینه و بالی اغاسنه [۷] و بوجاق تاتارینک اون اغالرینه [۸] عواید فوایدلر وروب خاموش باش یطرلر اما برقاچ آیدن آسوده حال یاتمیوب بوغدان و آق کرمانک رعایا و بریالردن نیجه بیک حیواناتلر چالوب و یوللر کسمکه باشلیوب امن طریق اولماز اولدی آنلردن جمله رعایا سعادتلو پادشاهه شکایت ایدوب درحال تاتار خانه سربوبان درگاه عالی خلیل اغا یدیله محمد کرای خان حضر تترینه خط شریف کلوب « سنکی [۹] محمد کرایسن نوغای عشقیالرن آق کرمانم خاکندن قالدروب ولایت قریمه قویه سن » دیو فرمان شهریاری کلدکده درحال محمد کرای خان قلغا سلطان ایله قرمدن قرق بیک عسکر کوندروب قوم نوغای یرلردن برقدم آریلیوب قلغایه دام دیوب دیرلرکم بزپادشاهه قول اولوب عربله رمزی قروب هرکوله سی [۱۰] اولی تحریر اولنوب آق کرمانده سلطان بازید خان رعایاسی قید اولندق دیو قلغه سلطانه

[۱] ك : النده [۲] پ : نهردرینی . س : دری بی [۳] پ : اولوتتی . س : واولویی

[۴] پ، س : یلداروب [۵] پ : شیداق [۶] ك : یلداروب . ط : یلداروب [۷] ك :

بال اغاسنه [۸] ك : اوراغلرینه [۹] ك : سنکه [۱۰] س : هرکوکله سی

بیک عدد کالیوه خاتونلری اهللری اوکنده افعال بابلرینه چکوب اولقدر مال
ومنال فراوانلر آلوب اولقدر رسوای بدنامقلر اولشدرکم بو ستمکارلنی تانار
هلاکو بغداده و بخت النصر صیفیه [۱] وقده و مصره آتمه مشدر

در بیان سبب نبرد طرفین

مقدما بو قوم عادل نوغای و سندا ق [۲] نوغای و اورمیت نوغای و کور یوسف
مرزا نوغای ایبلری قرم جزیره سی ولایتی خارچنده اور قلعه سندن طشره هیات
سحرسی نهایتنده قریمه متصل یرلرده قنوب و کوچوب و ذوق و صفا ایدوب خانلره
اوتلاق حتی و یروب قریم دیارین و عثمانلی ولایتلرین یاغ و بال و صغر و قیون و قزو
ایله و قزاق عاق ولایتلری و مصقووله و قراقو ولایتلرندن آلدقلری اسیر مال
غنایمه دیار اسلامی غنیمت ایدرلردی حکمت خدا سنه . . . تاریخنده
قالق [۳] پادشاهلرندن طایسی [۴] شاه و اوغلی اورمیت شاه و قویه قالماح [۵] شاه
و میونجاق شاه چین و فغفور و ماهان ولایتلرنده شدت شتادن و اطرافنده اولان
اسلام قومی توراندن [۶] فرار ایدوب ولایت مسقوه کلوب قرار داده اولم دیوبرقاج
سنه مکث ایدوب آنده دخی قیرب [۷] عصیان و طغیان ایدوب مصقودیارنده رعایا
اولان اون ایکی کره یوز بیک امت محمد هشدک قومی کیجه و کوندوز بو قالق
پادشاهلرین صاصا [۸] قالقک ماللری قالمیوب آخرکار نهر ادیلی شهرسرای قیربنده
قرشو هیات سحراسنه چکوب آنده دخی شدت شتادن و اولونوغای دردندن و بر
یاننده نهر قوبان کنارنده ساکن اولان چرکس قومی و داغستان عسکری دردندن
ازاق قلعه سی آلتنه کلوب آنده دخی آل عثمان عسکر یله جنک ایده ایده آخرکار
ازاق محافظه سنده اولان کورجی مصطفی پاشا ایله جنک عظیم ایدوب کندولرندن
یتیم مزراق موسجاق [۹] شاه دوشوب جاساری [۱۰] یاری قلمیوب ازاق وزیر

[۱] ك : صیفیه . س : صنفیه . [عجبا شیمدی (صفد) دییه یازیلان (صفت) کله سنک
آخرینه مفعول الیه اداتی چکمش اولماسون (م)] [۲] دوغروسو (شیداق) اولتی ممکنشدر (م)
[۳] برلیغرده (قالوق) دییه کچبور (م) [۴] پ ، س ، ک : طایسی [۵] ك : قالماح
[۶] س ، ك : قوراقدن [۷] ك : قاروب . س : قیرب [۸] ك : چتاچتا [۹] پ : موینجاق .
س ، ك : نسخه لری ده بوشکده فقط نقطه سزدر (م) [۱۰] ك : جناب باری

سَنه ... تاريخنده آق کرمان قربنده محمد کرای خان عادل نوغای و بوجاق

تاناریله جنك عظیم آندیکی اوروشی بیان ایدر

ماه مزبورك ... كونی همان خان دخی قرم عسكرينك تاراغی و منصورلی و شیرینلی و سحوولی [۱] و دخی اولانلی و ارقبلی [۲] و دایرلی و کرسنی و چکشکه [۳] و ارباطلی عسكرلریله فی الحال سکسن یدی بیک عدد منم دیکرینست دین صداقلی و صواتلی و قوش قول آتلی زور بطر یکتلر ایله آلتنوب آماده اولدیلر [۴] اوته طرفدن دخی عادل نوغای و بوجاق تاناری قرق اللی بیک عسكر ایله خان عسكرینه مقابل اولوب همان درجنك اول نوغای عسکری آت باشی برابر اولوب یویو صداسیله خان عالیشان عسكرينك قپو قولی اوستنه دوشوب ایکی باشند عسا کر مسلمین بربرینه کیروب اولیله تیرباران ایتدیلر کم کونشك تأثیری یره اثر انمیوب ارضهیلی و آت صهیلی افلاکه پیوسته اولوب کامل اوچ ساعت نجومی نبرد سلطانی اولوب آخر الامر خان طرفی سورهُ (و العادیات ضیحاً) حرمتنه نوغای تانارلی مهنزم اولوب الاجقلمی و قوشلرینه قاشد قلمزنده قرم عسکری قوم نوغایک عقیلرینه دوشوب نوغایک اهل و عیالی و اوبالرینه وارد قلمزنده قوم نوغای عورتلرندن حیا و ناموس ایدوب اولیله برغریبو [۵] و فریادیکی اوروش اولمشدر کم هوشنك شاه و جنکیز خان و طوختمش خان و تیمورخان و منکلی کرای خاندن برو بویله برصواش و پرخاش اولمامشدر زیرا بریاندۀ عادل کرای عسکری و بریاندن اوبالرده کی عورت و اوغلان و قرم بادراغی قومی باشنه اوشوب اولکی جنکدن زیاده بو اوبالر ایچنده قرم عسكرينك چوغنی جام شهادت شهدی شربتن نوش ایتدیلر خان دخی بونلری بروجهله منع ایدمه میوب وقت ظهرده نوغای عسکرندن ال قلدردر قالمیوب جمیع نوغایک اوبالرن نهب و غارت ایدوب نیجه بیک پا نیزه دختر ناشکفته اخترلرک بکارتن ازاله ایدوب فقیر کل چهره بنتانلرک سکرندن قانلر جریان ایدمه رک نیجه

[۱] نسخه لده هب بویله نقطه سزدر فقط قریم خانلرینک برلیقلرندۀ دائما (سجوت) دیبه یکمکده در (م) [۲] پ : ارقنلی [برلیقلرندۀ آرغین بکی) کله سی وار (م)] [۳] پ : کشکه [۴] ک نسخه سنده (آماده اولدیلر) یزنده (طوخته دیلر) کله سی وار (م) [۵] ک : غری

ومملکت مجار واولکة اردلستان اندن دیار آل عثمان اندن ولایت افلاق اندن ولایت بوغدان الحاصل پادشاهم اویوار سفرندن بری یدی قراللق یری ونیجه بان وهرسکک ولایتلری کامل اوچ ییلده دور ایدوب الحمدلله پادشاهمک مبارک جمال پاکالن بو محله ینه کوردم شمدنکرو اولدوکه غم یمیم دیوب ینه خانک دستن بوس ایدوب زانو بزانو اوطوروب نیچه مصاحبندن صکره اولیام بردخی [۱] بو آق کرمان آلتنده قوبان بوجاق تاتاری ایله عادل بوغای [۲] تاتارلرن قریمه کتورمه که خط شریف فرمانیه کلشنر اما الله اعلم تاتار بزمله اوروش ایده کبی دیدکده حقیر ایتدم انشالله پادشاهم مکه ومدینه پادشاهنک خط شریفیه سزک قرم عسکرینه آنلر قرشو دوره مازلر اکر مقابل اولورلر سه همان قرق کشی ایله (والعادیات) سوره سن اوقیوب نوغای عسکری اوزره اوفورلم بامرالله تعالی خواص قرآن عظیم ایله آنلر منہزم بزله منصور ومظفر اولورز دیدکده خان بوجواب پرصواب مفرحاتدن حظ ایدوب حقیره ایکی آت وبرسمور قفاسی طون و یوزالتون احسان ایدوب بالی اغاسی [۳] احمداغا یاننده حقیره قناق وروب قناق بانمز احمداغا اولدی نتیجه کلام خان حضر تلری اوچ کون اوچ کیجه نوغای تاتاری وبوجاق تاتاری ایله مشاوره ومجادله لر ایدوب تاتار مزبور داراتی [۴] براغوب ولایت قرمه کتمکه اصلا رضا ورمدکرنده خان ایتدی امدی قره شیلری برسری [۵] کچن کونلرده کلن خط شریف موجبجه سزی اوروب شاپوب البته قرمغه کتورورم دیدکده نوغای وبوجاق تاتارلری ایتدیلر اکر خانم قادرسک بزی قریمه کتورسنکله اوروش ایدوب بارمزده قریلوب سنک لشکرینی وسنی صوقامن بلدیکندن قلما دیوب کتدیلر ارتسی کون اولدی نوغایدن برتاتار علی السحر کلوب خانه ایتدیکم پادشاهم مینا یعنی اشته نوغای وبالی تاتارلری یک پاریده [۶] اطلانوب صداقلی وصواتلانوب خانک اوستنه جاودشمکه حاضر کتدیلر دیو خانی خبردار ایدوب تاتار غایب اولدی

[۱] ک : بز دخی [۲] ک : نوغای [۳] ک : بال اغاسی . س : بالی اغاسی [۴] س :

دارینی . ک یوردلرینی [۵] ک : بز سزی [۶] ک : یک بارمده . ط : یک پاریده

منزل قلعه بنای سلیمان خان یعنی حصار بندر آباد جای امان

ما تقدم سنه ۱۰۶۷ تاریخنده سب بناسيله و طرز و طور و اشکاليله بوقلعه له مملکتته راقوچی اوغلی جنکنه کیدرکن بالاده ... جلدده مفصل تحریر اولمشدر بونده جمله حیاته اولان احباب ایله کوروشوب قلعه اغاسندن رفیقار آلوب جانب شرقه کیدرکن یکی کوی کچوب و قویان کوی کچوب و لوونتا [۱] کوی و لوازا کوی جمله ۷ ساعتده عبور ایدوب (منزل قریه بازار چوبلیجه) اندن قریه سلطان صواتی اندن قریه قورقاز اندن حاجی حسن قشلاسی بومعمور قصبه مثال کویله جمله بندر قلعه من ساکنده بالی اغامی [۲] حکمنده اولدوغی بالاده التمش یدی [۳] تاریخلنده مذکور قرالک اوصافلی تکرار بتکرار تحریر اولمشدر اما شمدی

منزل خان قشلاسی

نام محله کلدکده بونده بالی اغامی ساکن اولور اما مکر محمد کرای خان حضرتلری که ولایت قرم خانیدر مکر سفره کلوب بو خان قشلاسنه قومش هان بو عبد کتیک جانی یرینه کلوب بلاواسیطه افندم پادشاه محمد کرای خان حضرتلرینک حضور شریفلرینه واروب باش اوروب انسان ناتارجه صواتلر [۴] اینوب صواتلر ایدوب باشمدن چالمامی طشلیوب حضورنده باش قیوب صاوصاغلیوب کوزمدن چکیده چکیده باشلر جریان ایدرک دست شریفن بوس ایتدکده خان ایدر بیره قونداش بولداش قونداشم اولیان سن خوش کلدک قیلدان [۵] حو کوروب کله سن سن بنم اولوم [۶] احمد کرای سلطانله او یوار سفرنده ورابه سفری بوزغونلغنده بله اولوب صکره سن المان قرالنه الحی پاشایله کتمش سن شمدی قندان کله سن ، دیدکده حقیر ایتدم والله پادشاه بنم بوسفرلرده سرگذشت و سرانجام قوپدر اما نمسه قرالندن شیلر آلوب بحر محیط کنارنده دونقار قیز و ولایت دانیبارقه و ولایت لونچاط و ولایت فلمنکده امضطردام و ولایت اسفاج و مملکت چه و ولایت طوت

[۱] ک : لونتا [۲] ک : بال اغامی . پ ، س : بالی اغامی [۳] س ، ک : آلتش برده و آلتش یدی [۴] س ، ک : صواتلر (نقطه سز) ط : سواتلر [۵] ک : قندن [۶] ک : اوغلام

کوچوک صودر کم له داغلرندن کلوب نهر سرته مخلوط اولور لکن کوچوک صودر اول ذره کنارنجبه کیده رک صول طرفن زده براوز ایچره قریه پرقلاپی کچوب اندن ینه ۳ ساعت شرقه کیدوب

درصفت اشکال قصبه کشنو

بودخی بر مکلف بویار لقدر نهر نس ترول [۱] کنارنده غایت معمور قصبه در کم کویاشهر مزیندر اونیدی کینسای وار امامنصطرلری یوقدر لکن دکانجهلری چوقدر وجهه اولری ساز اور تولیدر بو ولایت قرالری اکثریا ساز ایله مستوردر حتی باغ و باغچه لرنده برر خشیدن مینی قصر لرنده فاحشه لری کلوب آدمک دزینه اوطور لر بونی دخی کچوب ۵ ساعت سمت شرقه کیدوب قریه بر بوژ [۲] اندن قریه سحارا نهر بشنوج [۳] کنارنده معمور کویلدر بو نهر دخی له ولایتندن کلوب نهر عظیم سرته قریشیر اما مذکور سحاره کوینده بر کیجه مهمان اولوب عجب ذوق و صفا ایتدک اندن قلوب ینه جانب شرقه کیدزکن قریه لوجی [۴] اندن قریه بونارش [۵] بر معمور کویدر بونده اخشاملیبوب صاحده ک جان محبتلری آتدک زیرا بوکوی بوغدان ولایتک آخر الحدودی اولوب بندر سنحای خاکیله مشا [۶] اولدوغندن رعایای غایت مطیع و منقادلدر اندن طرف شرقه ۳ ساعت کیدوب

دریاز ولایت دارالاسلام درلواء قلعه بندر آباد

قدم باصوب [۷] (قریه پاشا) اوچیوز خانلی و ایکی کینسه لی معمور عثمانلی کوییدر کم بندر بکینک خاصیدر و یوواداسی حاکمدر لکن جمله رعایالری مطیع و منقاد بوغدان کفر لریدر و نهر طور له یه قریب معمور کویدر اندن ینه ... ساعت محصوللی فضال ایچره جانب شرقه میلیجه کیدوب

[۱] ک : تسترول . پ : س : نس ترول [۲] ک : بو بوژ . پ : س : بو بوژ [۳] س : ک : بشنوج . پ : بشنوج [۴] س : ک : لوجن . ط : لوجن . پ : کوچن [۵] ک : بونارش . ط : بونارش (۶) ک : مشاع [۷] ک : بوخا که قدم بصوب

کلوب بو محله هر پزندن [۱] آیریلوب ینه نهر پزنه [۲] مخلوط اولور عظیم صودر بو ایکی نهری برکمی ایله عبور ایدوب ۲ ساعت دخی کیدوب نهر عظیم بوروت تاله ولایتندن ... داغلرندن کلوب ... نام محله نهر طونایه داخل اولور نهر کبیر آب نابدرکم کنارنده قریه صوصوره بر معمور کویدرکم بر بنای طالی منصطری وار جمله قزاق ولایتندن کلن کفره لر بونده قونار لر ممرناس بر آبادان کویدر اما بو کوی پرقلابی بزی قوندرمیوب در حال واموش کمیلر کتروب نهر عظیم روتی کمیلر ایله قرشو طرفه عبور ایدوب بر قلاب و واموش و بویار کفره لر بزی استقاله چقوب

منزل اوصاف شهر قدیم خراب چوچوره

شهر یاشدن قالقان کاربان و یاشه کیده جک تجاران و آینه و روندکان بو چوچوره قصبه سنه قونار زیرا نهر بروت کنارنده اولماق ایله جمیع کومروک بونده آلتر عادت قدیمه بودر یتش یوک اچه بیوک التزامدر بو چوچوره قصبه سی زمان قدیمه بندر شهر ایمش حالا سرایلری و منصطری و چارسوی بازارلری و جمله سواقلرینک نشانه و علامتلی ظاهر در لکن فاتح روان و بغداد غازی سلطان مراد خان رابع عصرنده قزاق عاق و بغداد قنلاق [۳] ایله ایکی لشکر جنب بو محله جنک عظیم ایدرکن بوغدان بکی اولان لپول بک قزاغه غلبه محلنده علی الصباح تاتار صبا رفتار عدوشکار یتشوب بو محله قزاغه و بوغدانه بر صاتور جنکیزی چکرکم حالا جمیع کفارک کیمکاری داغلی کبی پشته پشته یغلیدر و بو محله قزاق بر تابور چورمشدرکم بر کونده کوجه دور اولور بو تابور عظیمک فتحندن صکره تاتار عسکری مذکور چوچوره شهرینی احراق ایدوب مال غنایمله قریمه کیدرلر اول عصردن برو حال شهر چوچوره خراب اولوب شمدی ایوم قصبه مثال بر ربطه جکدر یوزخانه سی و ایکی کنیسه سی واللی قدر دکانلری و نهر بوروت کنارنده کومروک خانلی قصبه در بو محلندن حقیر ینه قالقوب شرق طرفه بایرلر و داغلی ایله دلسوار [۴] داغن آشوب ۸ ساعتده ایکی طرفی بایرلی براوز ایچنده کیدوب نهر نشرون [۵]

[۱] پ، س، ک : پزندن . ط : برندن [۲] ک : پزندن [۳] س، ک، ط :

قنلاق [۴] ک : دلسواز [۵] ط : تش روان

اوزره اوچیوز عدد تختمه ساز اورتولی اولری و دکانلری و منصطرلری وار اما شهرنده آدملری جمله طاعوندن داغله فرار اندکلرندن خیلی مشقت راه چکمشکن آنده مهمان اوله میوب بنه شرق طرفنه داغروا غاجلی اورمانلر کچوب ۴ ساعت بی مجال کیدوب

منزل قصبه غلطه

بوغدان تخنی اولان یاش شهری کولی کنارانده باشقه بو یارلق معمور خانلی و چارسوی بازارلی و یاغ و بانچه و معمور منصطرلی ربطه زیبار اندن جانب کولی دولاشوب بر ساعت

در منزل بلاد تخت کفره بوغدان قلاش یعنی بلده آبادان قدیم شهر یاش

ما تقدم سنه ... تاریخده لبول بك [۱] اوغلی استفان بکی اندرمدان [۲] بوغدان بکی ایدوب بورونسز قسطنطین ایله بو یاش شهری آتنده تاتار ایله بورونسز قسطنطینه برقلج اوروب یاش شهرینه استفان بك حاکم اولدوغی و دیار بوغدان و ولایت افلاق نهب و غارت و خراب و بیاب ابتدیکمز سنه مر قومه یاش شهری اوصافیه مفصل تحریر اولمشدر اما شمدی بوکشمترده ... بکه بولوشوب افلاق بکینک و نیکه بولی مسلمنک مکتوبلری ایله بیج قلعه سنده نمسه قرالنگ بو حقیره و یردیکی امان کاغدی و تعینات دفترلرین و یردکده بوغدان بکی نمسه جاسارینک خطنی یوزینه کوزینه سوروب ایاغه قالقوب تعظیم و تکریم ایدوب دیوان افندیسی محمد افندیکنق قناغنه متصل حقیره بر منزل آراسته ایدوب علوفه و تعییناتلریمز و رروب اوچ کون استراحت ایدوب دوردنجی کون یول مکتوبلرین بو یارلرینه و بندر بکینه و بالی اغاسنه [۳] و بالذات تاتارخان افندی مزه عبودیت نامهلر ایله هدایار و رروب واللی عدد پر سلاح کفره رفیقار و عربهلر و رروب برکیسه خرج راه و یوز آلتون خداملریمه و رروب

بوغدان دیارندن قرم ولایتنه کتدی کمز منازلاری بیان ایدر

اولا یاشدن ۳ ساعت کون دوغروسی [۴] طرفنه کیدوب نهر ژوناتاله ولایتندن

[۱] ك : لبول بك [۲] ك : اندرمدان [۳] ك : بال اغاسنه . س : بالی اغاسنه

[۴] ك : طوغوسی . س : دوغوسی

نهر بولاد کنارنده بر کوچوک قصبه جکدر اما ناحیه کویلی غایت معموردر نهر بولاد یینه بوغدان دکزندن کلوب نهر سرته مخلوط اولور اندن یینه جانب شرقه ۶ ساعت کیدوب نهر بولاد کنارنجه بر واسع اوز ایچنده صافی باغلی و باغچه لی یوز باره معمور قرالری کچوب

درمنظره قصبه برلاد

بنوک دخی حاکمی بوغدان بویاریدرکم برصارپ بایر اوزره ایکویز تخته شندره وساز اورتولی اولردر جمله ایکویز دکاکینلری و بر بایر اته کنده قلعه مثال منظره مصنوعی وار اما باغلی و باغچه لری یوقدر بوندن دخی قولاغزلر ایله عربلر آلوب ۶ ساعت یینه مذکور برلاد [۱] دره سی اوزی ایچره کیدوب اول دره ایچره نهر برلاد [۲] صول طرفده داغلا ایچنده قالب یینه اول اوز ایچره ۴ ساعت کیدوب (نهر وسلوی) بونهر جاریه دخی بوغدان داغلازدن کلوب نهر طونایه مخلوط اولور آتلا ایله کچیلیر بر کوچوک صودر اما آب حیاتدر یینه بو وسلوی صوبی کنارنجه کیدوب

داستان قصبه وسلوی

خاک بوغدانده بویار حکمنده شهری بر بایر اوزره باغمز و باغچه سز و چارسوی بازارسز اوچیوز تخته وساز اورتولی اولری و بر معمور کنیسه لی شهردر بو محله کلنجه دخی نهر برلاد [۳] دره سی تمام اولمادی یینه بوشهر بویارندن عربلر و قولاغزلر آلوب نصف الیل ماه تابدہ قالقوب یینه نهر برلاد [۴] دره سیله ۶ ساعت کیدوب صباحیسی یینه برلاد [۵] دره سی صول طرفزده قالب مشرق طرفنده قرشومزه (عین اسقینتی) دره سی کلوب برلاد [۶] دره سنه مخلوط اولوب دخی اول اسقینتی دره سیله ۲ ساعت کیدوب

درنشانه قصبه اسقینتی

بونده دخی بوغدان بویاری حکم ایدر آثار بنالری بر مرتفع طوپراق [۷] بایر

[۱] ک : بولاد [۲] ک : بولاد [۳] ک : بولاد [۴] ک : بولاد [۵] ک : بولاد

[۶] ک : بولاد [۷] س ، ک ، ط : طوپراقلی

والوان چوقه قالباقلی تاملیراقدن [۱] و ولایت مواراندن [۲] و چین ماچین فغفور
 و ولایت ماهاندن بنی آدم متاعلر ایله کلوب نیجه بیک چالشدن [۳] و چادردن و کلدن
 [۴] دکانلر یاپوب شهر کنارنده کی کارکیر بنا دکانلرده عنقا کفره تجارلری
 دیبا و شیب و زرباف و اطلس و کا مخلوخارا [۵] دداراسلرن [۶] فروخت ایدوب
 یوک جوزوب یینه یوک باغلیوب قرق کون قرق کیجه کرما کرما طرز ارغیش [۷]
 دوزوب [۸] هرکس متاع نوادرلرن فروخت ایدرلر اما افلاق طرفنده بشیوز
 عدد دکان و بوغدان جانبنده همچنان بشیوز دکان قدیم اولوب آنلرده دخی کالاول بیع
 و شرالر اولوب زر اندر زر زردوز متاعلر آنلرده بیحد و بیقیاس بولنوب قرق
 کونک اوچ کون اوچ کیجه سی نیجه یوزبیک قنادیل و چراغدان و فانوس و مشعله
 و شمع غسل و شمع ریخلر ایله چارشو بازاری چراغان ایدوب کونا کون هر دیارک
 سازنده و مطربانلری گوشه بکوشه ارغنون زمر [۹] ولوطریانی بورولری چالوب
 نیجه بیک فاحشه لرده سازلی و قللی فصللری چالوب جان صحبتلری ایدوب ذوق و صفالر
 ایدرلر کم بردیاره مخصوص دکلدر و حقیر بونلری اوچ کون اوچ کیجه تماشا ایدوب
 افلاق ولایتندن قرشو کچوب بوغدان شهری بویارندن رفیقلر آلوب

در بیان حدود ولایت بوغدان

اولا فوحشان شهرندن شرق طرفنه ۳ ساعت کیدوب نهر پوقنایی آتلا ایله چکدک
 بونهر سیچ اووا داغلرندن کلوب طونایه قریشیر اندن ۵ ساعت دخی کیدوب نهر سرت
 اردل ولایتی ایله له ولایتی مایبندن طلوع ایدوب جنوب جانبنه بوغدان ولایتی ایچندن
 جریان ایدرک نهر طونا کنارنده قلاص قلعه سنه قریب طونایه مخلوط اولور حقیر بو
 نهر سردتی کیمله کچرکن رنج و عنا چکرک سلامت عبور ایدوب ۴ ساعت دخی کیدوب

در علامت شهر تکوج

بونده بوغدان بویاری اوطورور باغلی و باغچلی در اما دکانسز و منصطر سزدر
 [۱] ک : قیلراقدن . ط : قیلراقدن [۲] ک : توراندن [۳] ک : چالیدن
 [۴] ک : کلیمدن [۵] : ک ، ط : و کاغذا و خارا [۶] ک و درایلرن [۷] س : ارغیشوی
 [۸] ک : بازار دوزوب [۹] س ، ک : و ناقوس زمر

و نهر حدود واقع اولمشدر و بوفوخشان جسرينك بری باشنده افلاق بیکي طرفدن بر کومروک امینی اوطوروب آينده وروندهدن باج بازار آلرلر و جسرك قرشو جانبدن بوغدان بیکي امینی کومروک آلر غایت بيوك اما تندرلر کم جمع کلوب کچن کفره لردن دخی خراج آلرلر کم ایکی کره یوز بيك غروش حاصل اولور و ایکی طرف شهری غایت معمور بندرلر در حالا دخی زیاده عمار اولمه حمد خدا مقدا احراق ایتشدک شمدي ینه عمار اولمش کوردک ایکی طرفی جمله بشر بيك عدد شندره تخته اورتولی و سازدن و ساز اورتولی تحتانی و فوقانی معمور خانلر در اما چوغی تحتاندر و طرفینک یدیشر عدد کار کیر بنا منصطرلری واردر کم تانار ایله بوشهری شبخون اتدی کمزده نیجه بيك کفارلر بودیورلره قاپانوب خیلی جنک ایدوب آخر کار کلیسالی فتح ایدوب ایچنده کی کشیش پلاس پوشانلری وغیری کفره لرك من قروب کمن اسیر بند زنجیر ایتشدک حالا کنیسه لر اولکیدن زیاده عمار اولمش باخصوص افلاق حدودی طرفنده افلاق بیکي اولان لوروشلی [۵] رمی بك [۶] بر منصطر بنا ایتش غایت مزین و اوقافی چوق و ایچنده بر آب حیات صوقازمش و بر عمارت تاصه مش روزمه بوغدای چوبره سی بشوب مریم اما روحی چون بره مسکین کفره لره و یولچینرک مؤمن وغیر مسلملرینه بر نان پاره ایله آدم باشنه برر چناق چوبره سی مبدولدر بو حقیر دیار الماندن صکره بوشهره کانجه یدی قراللق بری کشت و کذار ایتدم عمارت دارالضیافه بونده کوردم [۷] اما ولایت المانده و ولایت دونقار قیز و ولایت دانمار قده عمارت اطعام چوقدر اما بوفوخشان شهرینک افلاق طرفی کویلری معمور و مزین اولوب بوفوخشانه یقین کویلر اولدیقندن بوشهر فوخشان غایت معمور و مزین اولمه در (در فصل ستایش پناپور شهر فوخشان) [۸] بوشهرک افلاق طرفنده ییلده بر کره یاز پنایری دورر و ییلده بر کره بوغدان طرفنده کوز بازاری دورر بو حقیر شمدي افلاق طرفنده کی تموز بازارینه راست کلوب غریب و عجیب تماشا لر ایتدمکه یدی اقلیم چار گوشه دن یوز بیکن متجاوز قره شاپقه لی

[۵] ك: لغوروشلی [۶] ك: نام ذمی بك. س: زمی بك. ط: دی بك [۷] س، ك:

کوردم [۸] پ: فوخشان

قرالري قرق کون قرق کيجه جنک عظيم ايدوب جله مي بربرلرن دندان تيغدن کچروب حالا لشلرني برکوه بالا کبي يغوب اوزره طوپراق اورترلر هنوز برکوه سربلنددر بويشته ذيلنده برمقصوره جيت ايچنده باشقه برامين اوطوروب جله اول کوي رعالياري تکاليف شاقدن معاف اولوب اول داغدن رعاليار کوه چه چيقاروب (اما بونده برحکمت خدا وار) زمان اوائلده بوداغه کوميلن کافرکيکري چيقوب اولدخي کوه چله اولمش بولتوب قزغانلرده قاينادوب بياض کوه چله اولور حتی بو حقير اسفاج قرالي ولايتن سياحت ايدرکن کافرلر آدام ککلرن آتسه يقوب کولدن بياض باروت ياپوب توفنکده قورشوم آتلدقده اصلا بارودندن قره دود چقميوب توفنکي صدا ورمدن قورشوم منزل اوروردی بوافلاق ولايتنده بو آدمک کسکارندن کوه چله اولدوغن کوروب تعجب اندم وبوکوه چله معدني اوزره باشقه امين اوطوروب خيلي خزينه حاصل ايدر بوني دخي سبروتماشا ايدوب ينه جانب شرقه ۴ ساعتده

اوصاف شهر عظيم نوفشان [۱]

قرشو قرشويه ايکي شهر عظيمدرکم اورتالردن نهر بوول [۲] صوبي جريان ايدر بری افلاق طرفنده کينک حاکی افلاق بکي طرفنددر کوپرينک قرشو طرفنده کی شهرک حاکی بوغدان بکي بویاری حکم ايدر ايکي طرفنده يکي بنا اولنمش شهر مزينه لردرکم مقدا سنه ۱۰۷۱ تاينخنده تاتار ايله بوايکي شهر يده خراب ايدوب بو حقير خيلي شکار آلمشدم و بو محل تا شمال جانبنده ديار اردک براشو داغرينک دنبه وارنجيه بو فوحشان صوبي حدوددرکم اوته طرفی ولايت بوغداندرکم صويک شرق جابيدر بری طرفی غرب سمتيدرکم افلاق دياردرکم بو محله تمام اولور وبونهر فوحشان ينه اردل ولايتلر نده شيکل [۳] ولايتی داغلرندن کلوب بوشهر فوحشان ايچنده جست [۴] جسر لر آلتندن کچوب قبله يه جريان ايدر نهر طونايه مخلوط اولنجه ينه شرق طرفی بوغدان و غرب طرفی افلاقات [۵] ولايتيدرکم مابينمايه [۶]

[۱] پ، س : فوخشان [۲] ک : نوول [۳] ک : سيکل [۴] س، ک : جيت [۵] ک، ط : افلاق [۶] ک : مابينمايه

عصیان اندکلرنده حقیر بغدادک یاش شهرندن تانار صبارفتار عدو شکار ایله چاپول
جیوهوروب بومحله کلدکده بوکرکچسه قصبه سنک مال غنایمن آلوب احراق بالنار
آمشدک حالاهنوز معمور اولدهدر شهری بر صحرایه واقع اولوب باغ و باغچلی
وایکی منصطری واللی عدد دکانلی افلاق شهریدر بویار حاکمی افلاق بکینک کاغدینه
عمل ایدوب جمله ما کولات ومشروباتلریمز وروزمره برع غروش [۱] خرج
راهز وروب اعزاز واکرام اتدی اندن قالقوب نهر پراه اووایی تکرار کچوب
وبر صحرای ۴ ساعتده جانب شرقه عبور ایدوب

درمدح قصبه پورو [۱۲]

بودخی باشقه بویارلقدر بونده دخی عظیم وزنی اوزره بویار حاکمی تعظیم
وتکریم ایدوب برکیجه راحت اولدق بوشهر بردوز واسع فضاذه بشیوز خانلی
وبر نوبنا وبر کهنه بنا ایکی منصطری و یوز دکانلی و باغ و باغچلی قصبه شیریندر اما
محبوب ومحبوبه لری دخی زیاده شیریندر اندن قالقوب ینه طرف شرقه کیدرکن هان
شهرکنارنده نهر بوزاوی [۳] آتله ایاقدن کچوب ۵ ساعت صحرای معمورلرده کیدوب

درذکر شهر زیبای رملک

بودخی باشقه بویارلقدر حقیری بوشهرک بویاری برمکلف سرایه قوندرروب
اعزاز واکرام ایدو بوشهر رعنا نهر رملک کنارنده وبر ییلاکوه سربلند
دامننده باغلی و باغچلی شهردر الی عدد منصطری وبشیوز قدر دکانلرنده قزلر
اوطورروب کار ایدرلر بونده حاکم اولان بویاردن علوفه ورفیقلر وایکی بالغه [۴]
عربهلر آلوب سیس خانلریمک بازلرن عربلهه تحمیل ایلوب اندن ینه سمت شرقه
۶ ساعت کیدرکن بر یغمور ومحنت ایله بر صحرای عظیم ایچره کیدرکن آخر الامر
(منزل معدن کوه جیله) بزلردخی کلوب مکث اندکده باران رحمت دیکوب برکشاده
هوا اولوب اطراف واکشافی تفرج اتدک ماتقدم بوشهرای بی پاینده افلاق وبوغدان

[۱] ک : برغروش [۲] پ ، س ، ک : بوزو [۳] ک : بوزاوی [۴] ک : تالقه،

ط : بالقه

بوغدان ولایتی اوزره قرم ولایتنه کتدی کمز قنقلری بیان ایدر

اولا تر قوشدن چیقوب جانب شرقه ۷ ساعت کیدوب (منزل قریه چرپا) افلاق بئی خاصی اولوب بشیور خانہلی معمور و آبادان باغچہلی کویدر (در بیان تماشا گاہ صنع خدا) بو کویدہ بر شکل عجیبہ و غریبہ و مو حش بر چہرہٴ عجوبہ کفرہ کوردم جملہ اعضاسی یرندہ اما باشی تختہ کی یصی اما بوینندن اکسہ سنہ دوغرو یصی و بر قولاق و بر کوزی و بر قاشی تختہ نک بر طرفندہ و او بر قولاغی و بر قاشی و بر کوزی تختہ نک صاغ طرفندہ کویا النی اولہ جاق یری و اغزی و بورنی و چکسی تختہ نک کنارندہ و تختہ نک ایکی طرفندہ ایکیشر دانہ دوه دیشی کبی دیشلری طشرہ چیقمش اما کردانی یری سهل تختہ کی یصی باشندن قالنجہ خلق اولمش و قولاقلری ایکی طرفندہ فیل قولاقلری کبی اولوب دائما قولاقلری بیکپارہ کبی اوینار اما قولاقلری ایچندہ نفت یاغی کبی بر صاری صو آقوب سینکار اوشدو کندن قولاقلری اوینار و کوزلری اوکی قوشی کوزلری کی مدور اما اولقدر لطیف و مکمل کرپکلی زکس کوزلری وارکم کورن حیران قالر و قاشلری اغزندہ کی بیقلرینہ قرشمش کویا قاشی بریق کبی دخی خلق اولمش لکن صقالی یری یعنی چکسی تختہ کبی یصینک بر کنارینہ واقع اولماغیہ صقالی همان قرق الی قدر قیللردر و ہرنہ بولورسہ یر حتی بر منصطر اوکندہ اوطوروب جمیع کلوب کیمن کفرہ لر بوکہ ما کولات و مشرو باندن ہرشی کتر لر اما اکثریا بوغدای واریا و صہانی چوق یر و فیل و جاموش قدر صو ایچوب قالقوب چارسو بازاردہ کزوب آری کبی وزلیوب کلمات ایدر حتی یطدینی زمان ارقاسی اوزرہ یطر غیری کونہ یطہماز عجب حکمتدر (ان اللہ علی کل شیء قدیر) ہونی دخی سیر ایدوب اندن نہر پراہ اووایی کچوب (منزل قریہ سربنہ) [۱] بو یارلی بر معمور کویدر و بر عالی منصطری وار اندن ۵ ساعتدہ ینہ شرقہ کیدوب نہر یالونچیسہ آتلا ایلہ کچوب ۶ ساعتدہ دخی شرق طرفنہ کیدوب

دروصف قصبہ کرچکسہ

مقدما غایت معمور ایکن کورمشدک اما سنہ ۱۰۷۱ تاریخندہ بوغدان و افلاق

[۱] پ ، س : سربنہ . ط : برینہ

اورمان عسکرلری بوترقووش شهرن علی الغفله بصوب ییحد و بی قیاس مال و منالرن آلوب شهرنی احراق بالنار آتمشدر حالا بشیوز قدر شندره تخنه و ساز اورتولی اولری هنوز عمار اولمده در انجاق جمله طقوز عدد قلعه مثال کارگیر منصطرلری قالمش و باغ و باغچلری دخی ویران ایدی و جمله اللی قدر دکانلری و جمله ایکی عدد خانلری واردلر شهرک زمینی برمرتفع بیره واقع اولمش آب و هواسی غایت لطیفدر زیرا اردل و لایقی سیلاقلرینه غایت یقینسدر حکمت خدا بز بونده برکون بک و بارمک وویبکده [۱] مکث ایدوب ذوق و صفا ایدرکن آستانه سعادت طرفندن برکفره اولاق کلوب بک معزولدر بریسی [۲] اسیر دبهجی اوغلی... بکه افلاق ایالتی صدقه اولدی دینجه هان کفارلر و قائم مقام و بویارلر [۳] شاشوب در عقب اولاغی بوقریشده معزول اولان... بکه خبر [۴] کوندر دیلر همان ایرتمی کون الای عظیم ایله یکی بک افلاق اسیر دبهجی اوغلی... بک اسکمله اغاسی و سنجاق اغاسیله کلوب بوتخت ثانی ترقووشده اسکمله اغاسنک [۵] طرف پادشاهیدن کلن اسکمله اوزره قرار داده اولوب اوکینه پادشاهک احسان اتدوکی طوغلری و سنجاغ و بیراقلری قیوب الینه طپوزین آلوب دیوان عظیم اتدکده جمیع مرتبه صاحبی بویارلر بکدن بیعت ایدوب هرکس مرتبه سنده قرار داده اولوب تحصیل ماله شروع ایدوب اولکون حقیر رفیقلرله مبارک باده وارد قده های جانم اولیا افندی بیره صفا کلدک یاز سنی بیچ قرالندن المان ولایتلرینه کندی اشتدک بیره سن خوش کلدک دیو سرگذشت و سر انجایم ویدی قراللق بری ایکی بوجوق ییلده سیاحت اندیکم برشمه نقل اندیکمده وافر حظ ایدوب فقیره برقناق دوشدوب علوفه و تعیناتلر و یروب کامل بر هفته آنکله دخی ذوق و صفالر ایدوب بعده آندن دخی بوغدان بکیمه و تانار خانه و خان زاده لره مکتوبلر و ایکی یورغه و اوچ بارگیر و ایکی چوقه [۶] و ایکی قماش و اوچیوز غروش و رفیقلر آلوب

[۱] س: بک بویارمک بنول و ویبکده. ک: بل بویارمک سول و ویبکده [۲] دیگر نسخه لرده لری کله ده بوشکلده در فقط نقطه سزدر (م) [۳] ک: بویارلر وورسکلر. س: بویارلر و وورسکلر، ط: بویارلر و ووبکلر [۴] اشبو (خبر) کله سی ک نسخه سنده یوقدر م [۵] اشبو (اغاسنک) کله سنده صکره (قویدینی) کله سی لازمدر [۶] ک: ایکی طوب نوقه

بکدن الوب حقیره دخی افلاق بکی بر کیسه غروش و برسمور پاچه کورک وایکی
بورغه آت و ایکی بار کیر احسان ایدوب خداملریمه یکر میشر التون و بر چوقه و قاشلر
و رفیقلر و یروب

افلاق ولایتندن بو قرش شهرندن قرم ولایتنه کتدیگمز

منازلری بیان ایدر

اولا شهر بو قرشدن قالقوب جانب شماله سحرالر و بایر و چایرلر ایچره معمور
و آبادان یتمش بزه باغ ارم آسا قرالری ۵ ساعتده کچوب

اوصاف تحت ثانی شهر عظیم تر قوش [۱]

لسان اولاهده . . . دمکدر بنوک دخی بانسی جبل الهمه اوغلی ابو
قریشدر بعده اردل قرالی و له قرالی و نیجه دولدن دوله انتقال آتمش بر وقف
شهر تر قوشدر بر کره تیمور خان ، بر کره طوخطمش خان و نیجه کره تاتار
خانلر بو شهری احراق ایدوب ینه عمار آتمشدر بعده سنه ۷۸۲ تاریخنده یلدرم
بایزید خان دست اولاه کافرندن قبضه تسخیره آلوب ینه کفار استیلا ایدوب آخر
کار سنه ۹۷۵ تاریخنده سلیمان خان فتح ایدوب افلاق بکلرینک بر تختی دخی بودر
ماقدم بر شهر عظیم ایتمش بو دیار خرم آبادده جوق تک و پومز واردر ما بو
شهری کورمه مش ایدم حالا شمدی ویران بولدم هنوز عمار آتمده درلر سنه ۱۷۰۱
تاریخنده افلاق بکی اولان مهنه جوان بک عصیان آتدکه جمله بازرکان امت
شمدی قروب ماللرن آلوب یرکوک قلعه سنده سردار فضل پاشایی و اوچ وزیر ی قبادوب
جنک ایدرکن بو حقیر بوغدان ولایتنده یاش شهرنده تاتار عسکر یله یوروش [۲]
قسطنطین نام کفره یاش آلتنده بوزوب قردیغمزدنصکره افلاق دیارنده آقین
وچاپول براغوب افلاق دیارن احراق ایدوب مال غنایملا یله نیجه بیک اسیرلر آلدیغمز
محلده بو تر قوش شهرن دخی قناجلی [۳] قره علی پاشا ایله دوبروجه [۴] ودلی

[۱] س،ک: تر قوش [۲] س،ک: بوزونمز [۳] ک: قوناجلی [۴] س: دوبروجه.

ک: دوبروجه . ط: دوبرجه

(نویا دوچا) کتریم (آدوقر [۱]) کتر بوغدای (آدو اووز) کتر یولاف (آدوپای) کتر صمان (آدومالای) کتر داری (واقه) اینک (بوغ) اوکوز (بیپول) صوصغری (بیچل) بوزاغی (فابره [۲]) کچی (میل) قوزو (اورسو) آیو (لوب) قورد (هولپه) تلکی (یپوله) طاوشان (اوغارقه) دشی طازی (فاته) قز (بابا) قاری (پورونق [۳]) اوغلان (نوسته) کلین (غازطه) او صاحبی (دوژ [۴]) قوجه (فطی طن یظدا [۵] میتاطه) یعنی والده کی فلان ایدیم (فطی طان قورول) ادبده کوتکی فلان ایدیم (قولقات) یات اشنی (فطط به صوطا [۶]) یعنی قز قرنداشکی فلان ایدیم (اوندا دوچ ژویون [۷]) زرهه کیدرسن اغام (اسقول) قالق

بونک امثالی نیجه یوز بیک الفاظ مالا یعنی مهمله لری واردر تحیر اتمدک اما سیاح عالم و ندیم بی آدم اولوب جهان کشت اولان کمنه لره هر لساندن بلك لازمدر کم سندن حظ ایتیموب علیهمکه بر سوز سویلدکلرن آ کلیوب آگاه اوله سن و بنوک [۸] طیور مغسه و ما کولات [۹] ومشرو باتدن بر شی ایستیه جک قدر بیلمک البته سیاحلره لازمدر حتی نجات بوله و هر شیئک جهلندن علمی یکدر خصوصا بویله کافرستانه دوشه سن البته جزئی وکلای لسانلرن بلك لازمدر اما سویلمک اولادر عفا لله تعالی عن شرور انفسنا و هفوات لساننا و غفر الله لمن تجنب ممالایعنیه و لنا (ازین جانب) بوشهر بوقریشی [۱۰] دخی سیر و تماشا ایدوب بکدن بوغدان بکینه ویلدر [۱۱] قائم مقامنه و بالی اغاسی [۱۲] آق کرمان [۱۳] اغالرینه و اووزو [۱۴] بکینه و بالذات قرم خانی اولان محمد کرای خان افندیمه و اوغلی سردار احمد کرای سلطان و قلغا سلطان و نورالدین سلطان مکتوبلر و هدایالری

[۱] پ، س، ک: آدوقرو [۲] پ، س، ک: قاپره [۳] پ: یورونق [۴] س: ووژ: ک: ووژ [۵] پ، س، ک: یظدا [۶] س، ک: صورتا . ط: طورطا [۷] پ: زوپون [۸] (وقرنوک = وقارنک) اولسه کرکدر (م) [۹] (دمأ کولات) کله سنک باشنده کی (و) فضله اولسه کرکدر (م) [۱۰] پ: بوقریشی [۱۱] س، ک، ط: بلدر [۱۲] ط: یالی اغاسی. ک: بال اغاسی (۱۳) (و آق کرمان) اولسی مناسبدر (م) [۱۴] ک: (اور) بکینه

در بیان لسان قوم افلاق عاق

کرجه بوغدان قومی ایله بونلر عیسویلردر اما مذهبلرنده بعضی شیلر بربرینه مخالف ومغایردر ولسانلری کذک بردر اما بعضی لقبلی مفرد اولیوب باشقه اصطلاحات عبارت برالیلی ابلاملری [۱] واردر مثلا مال حساب ایدرکن آقچه صایملری بویلهدر

اولا (اونو) ۱ (دوی) ۲ (تری) ۳ (بآتری) [۲] ۴ (تنس) ۵ [۳] (شس)
 ۶ [۴] (سپت) [۵] ۷ (اوبت) ۸ (نووی) ۹ (زش) ۱۰ (شوونه) ۱۱
 (شودوی) ۱۲ [۶] (شی تری) ۱۳ (شی بآتری) ۱۴ [۷] (شی شس) [۸] ۱۵
 (شی شس) ۱۶ (شی شاپت) ۱۷ (شی اوبت) ۱۸ (شی نووی) ۱۹ (دوی زش)
 ۲۰ (تری زش) ۳۰ (بآتری زش) [۹] ۴۰ (سنش زش) ۵۰ (شش زش) [۱۰]
 ۶۰ (شابت زش) ۷۰ (اوبت زش) ۸۰ (نووی زش) ۹۰ (اوسوطه) ۱۰۰
 بو حسابله لسانه واردلستان اولاهنه وطوت وقورول لسانه بکزر

(...) (الله اسمی (...)) پیغمبر اسمی (پینا) اکمک (ایا) [۱۱] صو
 (قارن) أت (پرنزه) طلوم پینیری (قاش) فاشقوال پینیری (مل) [۱۲] بال
 (اوت) یاغ (فرینا) اون (اوجتو) سرکه (لایت) [۱۳] آقرو (یوغرد
 (اویه) قیون (پرون) ارك (مری) ألما (پری) ارمود (اشقوروشه) [۱۴] اووز
 (پروم برک [۱۵]) کوکم یشی (چوما) اوزوم (پرسش) شفتالو (شرش) [۱۶] کراز
 (پشنه) [۱۷] وشنه (نوقه) جوز (اوو) یمورطه (غینا) طاووق (غنانور شقه)
 مصر طاووغی (غنصقا) قاز (پررومب) [۱۸] کورجن (زین قوچ شد) کل
 اوطور بورایا (اصقولیده دوج) قاتی وار کیت (داداورج [۱۹]) کتر آرپا

[۱] ك: نزا کتلی کلاملری [۲] س:ك: بآتری [۳] (سنش) اولسی ممکندر(م) [۴] پ؛
 س، ك: شس [۵] پ؛ س؛ ك: شابت [۶] ك: شودوی [۷] پ: شی بآتری [۸]
 ك: شی تنس [۹] پ: بآروزش [۱۰] پ: س؛ ك: شس زش [۱۱] پ؛ س؛
 ك: ابا [۱۲] ك: مد [۱۳] س؛ ك: لابت [۱۴] پ: اسقوروشه [۱۵] پ:
 پروم بدل [۱۶] پ: سرش [۱۷] س:ك: یشنه [۱۸] س:ك: پورومب [۱۹] پ: داداورج

و (ستیار) [۱] جمله ماله دفترداردر و (قومسین) یعنی امیر آخورددر و (زیه نکار) ارپه امینی در و (اوجنجی لغوفت) یعنی تذکره جمیدر اما مسلمان دیوان افندیسی باشقه واردر و (اوشار) باش قپوجی باشیدر و (شطاران) چادر مهتر باشی در و (قاراش) یعنی بك خزینه داریدر و (ارماش) عسس باشیدر اللهم حافظنا مجرملره بونلر اشکنجه اتدکنرنده اردل دیارنده بیله او یله سیاست ابد مزلر و (استولنیک) یعنی اسکمله جی و (استونیک) چاشنکیر بانی در و (طاح) [۲] چاوشلر کتخداسیدر و (بویار) ناحیه بکلریدر و (پرقلاب) [۳] ینه حاکمدر و (قولچار) کلارجی باشیدر و (مده ن کار) صفره جی باشیدر و (سلیچار) قصاب باشیدر و (دراباس) [۴] اغاسی (یکچیری اغاسیدر و (اموش) [۵] کومروک امینی در ... [*] نیجه بیک کونه آنلره متعلق اصطلاحلری وار اما بونکله اکتفا اتدک بو مذکورلر ولایتک نظام و انتظامنه پادشاه طرفندن حاکمدر بو مذکوررتبه صاحبلری جمله پاك و مسلح قوم عسکریدر امانباده [۶] طره بانس عسکریمی چوقدر اما بونلرک جمله سنجاغ و بیراقلرنده ایکی قناطرن آچمش شاهین قوشی نصویری علامتی طاشرلر و هر مرتبه صاحبلرینک قوشلرنده برکونه طبل بازلر چالئوب آلائی آلائی اولوب برسلاح کیدرلر

پنز نام آچقه لرینک خطلرن بیان ایدر

زمان قدیمده آل عثمان طلوعندن مقدم بونلر دخی باشقه قراللق ایدی والتون و کومش معادنلری اولماق ایله (باشقه) [۷] نام بشلک و (یوزقات) نام آلتون و (تایقه) نام غروش کسرلردی دست آل عثمانده کرفتار اوله لی سکه لری رفع اولوب آنجاچ بقیردن (پنز) نام آچقه لری واردر بو قریش شهرنده و برقوش شهرنده کسیرلردی شمده آتی ده کسمز اولوب اسکی بیرلر [۸] واردل بیرلریله [۹] شرا ایدرلر پنزلرینک بریاننده بکلرینک اسمی و بریاننده حضرت عینی صورتی و تاریخی یازیلیدر

[۱] س: وستیار ک : دستیار [۲] س ، ک : و طاح [۳] ک : بوقلاب [۴] س : دارابانس [۵] س ، ط : اموش . پ : اموش . ط : اموش [۶] دورت سطر آچیق وار [۶] س ، ک : دنیاده [۷] ک : باقه [۸] (پنزلر) اولمیدر (م) [۹] (پنزلریله) اولمیدر (م)

مقامنده آغازه لر اندکرنده بریاندہ دخی بلبلان چمنستان اصوات حزینلریله نواسازلق ودمسازلق ایدرلر حقا که آب وهواسی لطیف کون کورنمز درخت منتہالک ظل حمایہ سنده نشیمنلر اوزره اکر مسلم و غیر مسلم جمہ مخلوق خدا طرف طرف جوق جوق اولوب ذوق وشوق ایدوب پادشاه بی ہمتایہ حمد وشکر ایدرلر خلاصہ کلام بویله برباغ سرام اولاہ مملکتندہ کورمدم خدای بیچون دائما عمار ایدوب قوللرینی شادان ومسرور ایدہ اندہ برضیافت عظیم تناول اولنشدرکم ہر صاحب جوع پرشکم اولوب کویا ہر برینی آدم معدی کرب کبی ا کول اولدیلر بعدالضیافہ ہضم طعام ایچون آتله سوار اولوب جانب غربہ صید و شکار ایدہ رک قولتتا منصطرنده باش وورنیک اخشام ضیافتن اتدیکم بو دخی ومن العجایب ایدی واوچیوز آدمہ ہدایالر وروب حقیرہ دہ بریورغہ بارکیر بساطیلہ حصہ دکدی اندن ینہ آتله سوار اولوب نیجہ بیگ مشعللر ایلہ مہترخانہ آل عثمان ومہترخانہ افراسباب فصللری اولہ راق بعدالعشا الای عظیم ایلہ شہر بقریشہ کاوب جامہ خواہلر مزدہ استراحت ایتدک

درفصل تئمہ شہر انگریز کلیات شہر بوقریش [۱۰]

درفصل اصطلاحات اسماء صاحب مراتیلر

اولا جملدا ملک (باش لغوفت) درکم جمہ بویارلرک یعنی جمہ حاکم بکارک سرچشمہ سیدرکم جمہ ولایتک مہری آنک الئدہ دورر اندن (کوچک وورنیک) جمہ ولایتک نصفی آنک حکمنده درکم دوشن دعوالری اول دیکلر (ایکنجی وورنیک) ولایتک بر نصفنک دعواسن دخی بودیکلر و (باش خطمان) [۱] یعنی جمہ ولایت عسکرینک باش سرداریدر و (ایکنجی خطمان) بو دخی ولایتک عسکریس جمع ایدر (پوستیلک) [۲] بکک قہوجیلر کتخداسیدر و (بہرائیل) [۳] و (قویار) بونلرک ایکسی بکک کندی معتمدلری اولوب دائما بونلرک اللرندن شراب ایچر و (اصباطار) [۴] یعنی بکارک یاندہ قلعج طوتار سلحدار کیدر

(۱۰) درت سطر آچیق وار (۱) س، ک، ط : خطمان [۲] س : پوستنلک : بوشتله

[۳] ک : بہرائیک [۴] ب : اصباطار

مطبخ عامرہ یہ اوجیوز کیسہ لک بال ویاغ وبال مومی و طوز کتورر لر و ہر سنے ترس خانہ عامرہ ایچون اوجیوز کیسہ لک صغر کونی و کیلری یغلامق ایچون دوک باغی واسیرلرہ قرہ کندیر بزی کومدکلک بزورر لر و ہر سنے سلسترہ بایاسنہ [۱] اوز کیسہ و بوقدر چوقہ و اطلاس و برر عربہ منقش ایلہ انواع متاع ہدایا کوندر لر و مناصبہ اولان میرلوالرہ دخی ہدایا لر کوندر لر و بہر سنہ تاتار خانلرہ برحفظو عربہ یوکی انواع ہدایا لر ایلہ الی رأس یورغہ بار کیر و بیکرمی کیسہ نقود کوندر دکلرندن ماعدا ہر سنے تاتار خان طرفندن برمرزہ اغا کلوب یوز فچی بال تحصیل ایدوب اغایہ دہ اون کیسہ خدمت ایدوب قریمہ اغای مزبوری بال ایلہ کوندر لر بال اغاسی نامندہ بر درامدی اغا قدر و اسلامبولدہ پادشاہ مطبخنہ . . . قیون و صدر اعظمہ بردمرہ [۲] قپو کتخداسی بیک وقیہ ات و اوچ بیک وقیہ لم کوسفند دخی منلا و قاضی عسکرہ و اسلامبول قاضینسہ و اعیان کبارہ تعیین ورر لر حقا کہ بونک امثالی نیجہ بیک مصر و فلری واردر اما ولایتلرندن بش مصر خزینہ سی مال حاصل اولور بو شہرک نیجہ بیک احوالاتلرینہ واقف اولدق اما محرر عالم کبی ہرشی تحریر اولماق ممکن اولمادیغندن بوقدرلہ اکتفا ایدوب کندی عالمزہ مشغول اولوب بر کون بک ایلہ و بوقدر بیک عسکر ایلہ آتلا نوب سیر و تماشا ایدہ رک مشرق طرفنہ بر ساعت کیدوب نہر قولنتنا ساحلنہ واردق اولقدر بیوک صو دکلدر و باشی شمال طرفندہ داغلر دہ اولوب قتی یقیندر بونہرک کنارندہ بکلرہ مخصوص بر قصر عالی وار جملہ جیسننددر [۳] جملہ قرالر رویہ [۴] و بویار و اموس و لغو قتلریلہ بوندہ ذوق و صفال ایدوب اندہ اولان بحیرہ جکدن و جریان ایدن عیوندن کونا کون ماہیلر صید ایدوب بکہ ہدایا کترلرہ احسانلر اولوب بو جای خیاباندہ عیش و عشرت ایدر لر حقا کہ بر کل کستان چمنستان مرغزار لالہ عذار یردر کم ہزار ہزارانک نعمات خوش نوالری آدمہ حیات ویرر بر طرفندہ مطربان و خاندکانلر رھاوی

[۱] ک : پاشاسنہ [۲] س ، ک : روزمرہ [۳] ک : جیسننددر [اگر آلچی ایلہ کوشک یامق اورالرجہ عادت ایسہ دوغروسی (جیسننددر) اولمیدر (م)] [۴] س ، ک : دوبہلری ، ط : دویہ

اعظمین وغیری برلندن کن مسلمانان همچون شهردن شہرہ نہر پرمبو وجہت
 قرشو طرفندہ براتج کو پرو ایله کچیلر جسر باشندہ خان کی لالی عدو اودالی
 برکازہان سرانی وار ایچندہ برمسجدی و ہشتہ مزارلی و باغچلی برمفرح و دلکشا
 سرایدر ہشتہ خدامتری وار و اسارلی [۱] کفرہ لدر بک طرفدن کن
 یضالی [۲] اشبارلر بشرر و بو سریہ متصل صو آشری برمفرح عورتہر حامی وار
 و آب و ہواسی غایت لطیف اولدوغندن محبوب و محبوبہ سی غایت جو قدر خصوصاً
 باکرہ قزلری جملہ باشی قا [۳] سیاد کا کلرن تار قلوب قوبادی صاری پابوچ
 ایله رفتار اندکدہ آدمک عقلی کا کل کار پازہ [۴] کی پریشان اولور اما اکثری
 فحشہ جگردر و جملہ زمانہ سی یوزی آجق کزوب دیسا و زیبا و شیب و زرباف
 صدان اولانر کیرلر اما جملہ کفرہ لری ملوی دولہ و جوقہ قوتلوش و سر حملی
 کیوب باشلرہ تانار قلدغی کیوب صغیر و کیرلرینک بوغازلر تده آلتوندن و کومشدن
 یا خود پرغندن بر خاچ آسیلیدر زیرا بو کفرہ لر ملت مسیحہ دن اولوب
 کتایبری انجیلدر آیین باصلہ و عید یرتہ بدنام گونری یعنی قزل یو مرطہ روم
 کفرہ لر لہ برابردر وارمنی قومیلہ حسن الت ایدرلر اما یہودی نی اصلاح مزلر
 ارباب معارف کفرہ لری جو قدر علم ہیئت و علم حکمت و علم اسطرلابہ مقیدلدر
 حتی شہرلرینک طالع عمارتچون برج عقیدہ بیت مریم مائی دیو استخراج
 ایتملدر انکیچون مریم جلالہ تانار عدو شکارلدر برقاچ سئدہ برکوب قلع
 اوررلر و علم نجوم و زوزہ شہرلری اقلیم خامسہ یونوب عرض بلدی
 و طول تہار ساعت و درجہ و دقیقه در و معدو جانندن بی و یاغی و باب موسی
 و کوناقون خورلقہ نام راقسی و محبوب و محبوبہ سی و فرانیجہ نام بیاض اکہ کی
 جملہ مشہور و معدو حدر و بکینک تزل و نسی محلندہ پادشاہ یت کیسہ و صدر اعظمہ
 ایکوز کیسہ و جملہ ایتر اولرینہ دخی ایکوز کیسہ حاصل اولور بیٹ بشیوز کیسہ
 بکینہ قار و ایک بیٹ کیسہ دخی ولایت ضابطلرینہ بو یازلرہ و خطمانلرہ و قیودانلرہ حاصل
 اولور و مرستہ اوچیوز کیسہ مال خزینہ پادشاہی بہ کوب قانون سلیمان خان اوزرہ
 [۱] ک: آسارلی [۲] ک: تمیناتی [۳] ک: س، ما: قا [۴] ک: ط: نکار بازہ

منصطری وقسطنطین بك دبری واردول [۱] بك دیری وصاری صالئق دیری ومسیم
 انا منصطری بو مذکور دیورلر جمله دمر قپولی قلعه مثال منصطرلردر باخصوص
 قرال قورینه سی [۲] یعنی بك سرایلرینه بودیارده فورتہ دیرلر (دروصف بك
 سرایی) شہرك تا اورتاسندہ جانب و اطرافی قالین مشہ اغاجلرندن یالین قات پلنقہ
 دیوارلی سرایدر بوسرای ایچرہ کونا کون کارگیر بنا اودالر و متعدد دیوان خانہلر
 و بر مزین منصطر و جانب اربعہ سسندہ ایکیوز عدد تحتانی و فوقانی توفنك انداز
 طرہ بانس [۳] یعنی یکیکچری اودالری و سرای اورتاسی بر عظیم میداند
 بر طرفی بیوک آخوردرد و دیوان خانہ سسندن ایچرہ ایچ اوغلانلری حجرہلری
 و کونا کون مقصورہلر و حرم اودالری و دمنہ [۴] یعنی بك قرشو [۵] حجرہلری
 و حاملری و نیچہ یوز آثار بنالر ایلہ آراستہ و مزین باغچہلر ایلہ پیراستہ اولش
 قورته سرایدر و آل عثمانك بر طرفہ سفری اولدقده قانون اوزرہ بو افلاق بکی
 اون ایکی بیك عسکر ایلہ سفر اشرف و بو قورته سرايك صو آشری قرشو سسندہ
 برحام خوش هواسی وار و بوشہر جمله اون ایکی بیك ساز و شنندہ تخنہ اورتولی
 چوغنی تحتانی واسع اولردر کارگیر بنالی دار منحوسلر آزدر زیرا کفرہلری یدی
 سکیز ییلده بر عصیان ایدوب تانار و عثمانلی بو شہری احراق ایدوب بته اول سنہدہ
 مفید و مختصر تحتانی اولر یاپارلر جمله بیك مقداری و تحتانی دکانلرندہ جمله محبوبہ
 قزلرا و طوروب ایچردہ متاعلرن فروخت ایدرلر و ہر دکانلرک آلتلرندہ زیر زمینلری
 مقرر اولوب کونا کون خمر لعل کونلر و بال صوبی و خورلغہ [۶] ومدونیو نام
 مسکراتلی مشروباتلری واردر لکن باغلر بو قدر زیرا شدت شناسی چوقدر
 زیرا ہر بار عصیان اندکارندن شہرلری و باغ و باغچہلرن تانار و عثمانلی خراب اندکارندن
 باغ و باغچہ سی ممدوح دکلدرد و اولان باغلرینک دخی اوزوملری اکشی اولور
 و جملہ یدی عدد بازارکان خانلری و کومروك خانہلر واردر حالا بوشہر کوندن کونہ
 عمار اولمدهدر (در مدح مسافر خانہ مسلمین) چچانکم طرف پادشاہیدن و صدر

[۱] س . ک : رادول [۲] س . ک : قورته [۳] ک : طربانس [۴] س . ک : دومنہ
 [۵] دوغروسی (بک قریسی) اولمیدر (م) [۶] ک، ط : خورلغہ

عصیان ایدرسه تانار خان ولایت قرمدن اوچ کون اوچ کیجده، یوز بیک عسکر ایله بوغدان ولایتنه و افلاق ولایتنه کیروب خلقی قروب نیجه بیکن اسپر بند زنجیر ایدوب شهرلرینی احراق باننار ایدر بو ولایتک طولی یکن کونلرده اوغرادوغمز بزم عثمانلی حدودنده ایزمز اوامز [۱] قلعه سندن شرق طرفنده قوجسان شهرینه وارنجه طولی کامل اون بش قناقدر اما فوجشان [۲] شهرینک اوته شرق طرفی بوغدان ولایتی حدودیدر اما افلاق ولایتک عرضی شمال جانبنده اردل ولایتی ایله مشا [۳] اولوب عرضی طونا کنارلرینه وارنجه بشر التیشر و اوچر قناق یرلری واردر حالا آل عثمانه مطیع رعایالی بر عجب معمور آبادان سواد عظیم ولایتدر و جمله اوچ برده باقر و کومش وزمرد والتون وجوز [۴] و کهرچیه ...

معدنلری واردر اما اوقته نام طوز معدنلری عبرتتادر کم بهرسنه برمصصر خزینه سی حاصل اولور ودخی زفت و نفت و قطران و بال مومی یرده بتوره... معدنلرندن ماعدا یتمش آلتی کونه معادن و محصولاتر دخی واردر و بونده حاصل اولان بال و یاغ و پصدرمه و نباتات کباب [۵] مکر ولایت اردلک بحار ناحیه سنده اوله و بو ولایتده اولان آت و صفر و چاموش [۶] و قیون حسابن خدای پروردکار بلور امدوده و قطر و اشک اصلا یوقدر اما جابجا کیکلر واردر

ستایش اشکال شهر ابوقریش یعنی بندر بوقریش

بو شهر رباییرلی یره واقع اولوب شهر ایچندن نهر دمبووچسه [۷] جریان ایدوب بو شهرک ایکی طرفی شهردر بر طرفدن بر طرفه یکریمی بر بردن اغاج جسر لرله کیکلر شهر معظمدر اما قلعه سی یوقدر اما جمله اون دورت منصطر عظیملری واردر کم هربری بر حصن حصین قلعه مثال دیورلدر اولاقوجه محال دیری رباییراوزره یوز عدد کارکبر اودالی دبردر اندن قائم ویواد منصطری واسبوت [۸] نقوله

[۱] ك : ایزسز اووا . ط : ایزسزاووامز [۲] س . ط : فوحشان . ك فوحشان
 [۳] ك : مشاع (مؤلف حضرتلری دائما (وداع) کله سنی (ودا) ، برده (مشاع) کله سنی
 (مشا) شکلنده یازبور (م) [۴] ك : طوز [۵] ك : کباهات [۶] ك : جاموس
 [۷] ك : دمبووچسه [۸] س . ك : اسوت

زیاده سیله عمار اولوب بکارتیه رغبت ایدوب مورہ پاشاسی پایه سیله ایکی طوغلی
 وسنجاغ وپیراق ویدکلری ومهترخانہ لری ومطرہ جیلر وتوفنکجیلری وشاطرلری
 وامیر آخوری وبازارہ کیدہ نی و آلتی نفر چوقدارلری و آلتی عدد سراجلری
 وبر دیوان افندیسی واونار عدد سکیان بلوک باشیلری جمله طرف پادشاهیدن مسلمان
 کمسہ لر وردیلر تابو مرتبه افلاق وبوغدان بکارتیه رخصت وریلوب الی ماشاء اللہ جمله
 بکار اویله محشمانہ مسلمان عسکرلریله کفرہ بکلری حکم و حکومات ایدوب مال
 پادشاهی بی تحصیل ایدر کندو کندینه تحکمنہ کورہ هر نقدر طریاس [۱] نام
 نقدر پیاده توفنکلی عسکر یازارسه کندی بلر اما حالا قانون اوزره سینجاقلری
 اردنده آل عثمان مهترخانہ سی چار اوکی صرہ الارقدہ کفرہ لیک افراسیاب بورولری وطبللری
 چالینور وحالا قانون اوزره یوز الی اچہ پایه سیله بر معتدل قاضی سی واردر زیرا
 مسلمان بازکانلر چوقدر نیجه شرعی دعوالر دوشر ومسلمان اغارہ قانون اوزره
 امام ومؤذنلر واردر وبکارک بر عالم ومعتدل کامل عیارخواجہ سی واردر و کیدوسینه
 متعلق اولان کفرہ لردن سرکارده یتمش عدد مرتبه صاحبی خصمانلری [۲] وقیودانلری
 وقوپارو [۳] واموسه لغو قتلری واردر بونلر دخی مجللریله مرتبه لرنجه ذکر
 اولنورلر جمله ایالتندہ التیوز یتمش عدد بویارلری واموس جا کلری واردر و جمله
 تحت حکومتندہ اوچ بیک التیوز عدد چفتکلکی معمور قرالردرکم هر برنده بر
 چارشوی بازار و بنای عظیمی کویلر واردر و جمله یوز یکر می بارہ شهرلری وارکم
 هر برندن خزینہ حاصل اولور بندر شهرلردرکم آشغیده محللریله ذکر اولنور اما
 بو افلاق ولایتندہ اصلا قلعه یوقدر جمله سن تاتار و عثمانلی خراب ایتمشدر زیرا
 محصولی ولایت اولدوغندن رعایاسی مال قارونہ مالک اولوب کر میت شراب بی حجاب
 ایله جمله کفرہ لری عصیان ایدوب تاتار و عثمانلی بونلری قیره قیره نیجه بیکن دخی
 اسیر قیدبند ایدوب الی ولایتی و قلعه لرن خراب و بیاب ایدرلر وینه آل عثمان
 عصیانلرینه باقمیوب غیری بک نصب ایدرلر زیرا بو ولایتک بکلرینک عزل ونصلری
 آل عثمان پادشاهی النده در اما تاتار خان رجاسیله اولان بک عصیان ایدہ من اگر

[۱] ک: طرائس (س نسخه سی نقطه سزدر) [۲] ک: حطمانلری [۳] پ. س: قویارو

هرون الرشید تا بغداددن سید بطل غازی ایله اسلامبوله کلوب فتح ایدوب سلوری قیوسنده کی زنجیرلی سروی یاننده قزلر کنیسه سن قلعه یاپوب ایاصوفیه کنیسه سنک چاکلغنه سید بطل البسا [۱] قرانزی آصدینی کی سزده بی اول حلقه یه آصوب عبرت عالم اولهیم وینه کم قرنداشم بکدر عصیان وطفیان آتیه جکنه بن ضامن اولوب سنه باشی تمام اولمدن افلاق خزینه می ایچون قانون اوزره اوچیوز کیسه پادشاهمه برکونده بوکسید [۲] کاغدیله تسلیم ایدهیم دیدکده ابوالفتح محمد خان بو صادقانه جواب خوش ادا لردن حظ ایدوب تیز بر یرلیغ شاهی یازوب بطریق قرنداشن بورس سجنندن اطلاق ایدوب کادکده کورسه کم برپریمغان صاحب زنارینه افلاق بکی اولوب واردقده عدل و عدالت ایدوب خزینه پادشاهی بی الفار ایله در دولته کوندروب شهر بوقریشی و شهر برقوشی [۳] اوله معمور ایدرکم بو ایکی شهر عظیم مانند بلغراد وادرنه کی اولور بعده بریلدن صکره قوجه بک مرد اولوب ولد بلیدی ینه اسلامبول بطریق کفالتیه مستقل بک اولور خلاصه کلام ابوالفتح و بایزید خان و سلیم خان اول عصر لرنده افلاق بکری اسلامبول بطریق کفالت و وکالت و حمایت یله بک اولوب افلاق ولایتنده عصیان اولیوب آل عثمان آسوده حال اولور لر مش بایزید خان و سلیم خان اول عصر لرنده بوغدان بکری تاتار خائلر رجاسیله بک اولوب اول طرفده آسوده حال کچر لر مش بعده سلیمان خان عصرنده رستم پاشا طمعکارک سوء تدبیر یله قانون بایزید خاندن زیاده تکلیف اتدکر نده افلاق و بوغدان سلیمان خان عصرنده عصیان ایدوب بالذات کندولری بوغدان سفر ایدوب کوچیله فتح ایدوب یاش شهرنده برجامع بنا ایدوب حالا کنیسه ایتمشدر نه چاره غیرت اسلام قایرر قالمادی و افلاقیده فتح ایدوب برقوش [۴] و نهر بسنده [۵] برر جامع بنا ایدوب اثر و اساسلری بیله قالمشدر ازین جانب ینه صده رجوع ایدلم کرچه بو افلاق ولایتن ابتدا یلدرم بایزید خان فتح اندی اما سلیمان زماننده

[۱] ک : الیا . ط : الیا [۲] ط : پادشاهمه برکون بر کیجده ک : برکونده پولیجه

[۳] س : بر قوش [۴] س ، ک : بر قوش [۵] ک : و شهر سده [ایکنجی کله

قطعه مزدر] . ط : بستده

حواريونه [۱] دكر اندن روهاپااسلرينه انتقال ايدوب انلرده حضرت رسالت پناهك دست شريفى رسمن صاروب حفظ ايدرلر بر كره كرلندى ديو مقرمه ييقامق استرلر اصلا صودك مين بر قطره [۲] صو تاثير ايدوب اصلا نماز و مقرمه آتسه براغرلر يانمز معجزه مسيحر ديو صقليوب آخركار بو محله اسلامبول بطريقى ابوالفتح احسان اتدوكى معاف نامه لردن حظا ايدوب حضرت عيسينك وجه شريفى نفسلى مذكور مقرمه دست شريفك طشره طرفه هدايا ورديكندن سلطان محمد اولقدر حظا ايدوب دستمال شريفى روى منورينه سوروب حفظ ايدرلر الى هذا الان خزينه خاص الخاص حل خانه سنده ظرفيله محفوظ دورر بعده ابوالفتح محمد خان ايدر بره پاپاس بكة بريكي دنيا بغشلك ديله بندن نه ديلرسك ديدى باش بطريق سر بزمن ايدوب حضور پادشاهيده ير اوپوب ايدر پادشاهمدن رجا و تمام اولدر كم چان جد عظامك [۳] يلدرم بايزيد خان طاب ثراه سنه ۷۸۹ تاريخده افلاق ولايتن فتح ايدوب قبضه تسخيره آلدقده اول عصرده بنم براق لوجه [۴] قرنداشم افلاق بكي بكنوب حكمت خدا جمله رعايا قرنداشم اوزره غلوى عام ايدوب يلدرم خانه عصيان ايدوب اول سنه خراجلرين ورمزلر همان يلدرم خنده الغار ايله اناطولى اسكله لردن سنايه [۵] كلوب انده بشيوز پاره كميله بنوب قرشو كچوب على الغفله افلاق ولايتن شبخون ايله بصوب نيجه بيك افلاق كفره لرن طعمه شمشير و نيجه بيكنى اسير بند زنجير ايدوب اول زمان قرنداشم دخى اسير اولوب الى هذا الان بي كناه ايكن بورس قلعه سنده حاله حبسدر دشاهمدن پارچام اولدر كه بزده امانت اولان حضرتك دست شريفى [۶] حرمتنه وسزده امانت اولان روح الله مقرمه سى حرمتنه اولسون بنم قرنداشم حبسدن اطلاق ايلوب ينه افلاق بلكلكنى صدقه اولماسن رجا ايدر م ديو ير اوپدكده محمد خان ايدر كنه [۷] قرنداشك عصيان ايدرسه سنك حالك نيجه اولور ديدى باش بطريق ايدر پادشاهم سز احسان ايديكز اكر عصيان ايدرسه آل عباسياندن

[۱] ك : و حواريونه [۲] ك : اصلا صو دكر و بر قطره [۳] ك : عظامك دن

[۴] س، ك براق لوحه: [۵] ك : سينوبه [۶] ك : دست شريف رسى [۷] ك : يانه

حسن تعبیر ایله تصدیق ایدنجہ ابوالفتح سلطان محمد ایتدی افندی بن بو دست شریف رسمن بو پاپاس سردارلردن آلوب خزینه‌مه قورم دیدکده جمله پاپاسلر پادشاهک ایاغنه دوشوب پادشاهم جمله‌من قرارسن صکره حضرت محمدک کندی مبارک‌ایله بیزه امانت وردیکن آلورسن دیوفریاد ایدوب ایتدیله پادشاهم بودست شریف رسمی بر دخی ریم پاپا قول الماسیکم رومیت البزادر [۱] آنده ریم پاپا خزینه‌سنده دورر بردست تشریف نفتی دخی وان دریاسی ایچنده «عهدم وار» جزیره‌سنده کی ارمنی کنیسه‌سی پاپاسلرنده دورر بز بورسم شریفی آنلردن زیاده جواهر ایچنده حفظ ایدرز بو بزم جمیع کافرستان پاپاسلری اوزره تصدیر آتمه‌میزه باعث اولوب بیزده اولماق ایله تفاخر کسب ایدرز دیو جمله پاپاس و قیس و ره‌بان و بطریق ولادیفه و کشیش پلاس پوشان صاحب زانارلر رجا اندکده محمد خان رجالن قبول ایدوب اما بر خوشجه پاک حفظ ایدوب بر کفره ال اوروب کورمسن دیو تنیه و تآکیدلرایلیوب برخط شریف تحریر ایدوب بیوررلرکم «بندن صکره اولاداولادلرم بوماتی پاپاسلردن آلورسه فرعون وقارون و شداد ویزیدک لغتی آماق قصدنده اولنلرک اوستنه اولسون» دیو بریرلیغ شاهی دخی تحریر ایدوب بیوررلرکم بو رسم دست شریف کیمک ضبطنده اولورسه اول جمیع بطریقلر اوزرینه حکم ایدوب سرچشمه پلاس پوشان ملت مسیحیه اولوب جمیع کافرستانه حکمی ناظر [۲] اوله بیوررلر بعده اول پاپاس دخی ابوالفتحک کندویه بومرتبه اعزاز واکرام ایدوب هر رجاسنک قبول اندوکنه قارشلق حضرت رسول اکرمک دست شریفی رسعی صاریلی باروحادن [۳] یعنی عرقه [۴] شهرنده دیر آزدن رسم مبارک بو پاپاسلره صارقیسیه کلدکده مکر اول صاریلان مقرمه حضرت عیسی‌نک مبارک یوزن سلدیکی مقرمه ایمشکم حضرت عیسی بو مقرمه‌یه بر کره مبارک جمال باکمال وحه حسننی سلدوکی اب اول روی مبارک وجهنک عکسی مقرمه‌یه تأثیر ایدوب قالر اول مقرمه انطاقیه [۵] قلعه‌سنده سر سعادتق اولان حبیب نجاره دکر آندن شمعون صفا

[۱] دوغروسی (رومیة الکبری) یاخود (رومیة کبرا) اولمیدرم [۲] ک ، ط : نافذ

[۳] ک : اورحادن [دوغروسی (روهادن) اولمیدر (م)] [۴] ک : اورفه [۵] ک : انطاقیه

اوغلی آخر زمان پیغمبری محمد اولہ جاقدر و جمیع دنیا بنوک امتی اولوب عرب و عجم و هندو و سند و تاتار و ترکمان مسلمانلری النده اولہ جاقدر بوروی ارضه قدم بصدقه اول کیجه نیجه کره یوزبیک علامتلی بو دنیاہ ظاہر و باہر اولوب آتش کده نمرود و تاک کسری و ایاصوفیہ قہسی و قزل المای روم قہسی و قزلی المای انکروسی و بودینک مناصطری چاکلی و اسلامبولک اوچبوز التمش آتی عدد طلسماتلری جملہ بو اوغلان تولدایتدیکی کیجه منہدم اولدی یا ابی طالب سن بو اوغلانی مکہ دشمنلرندن پک حفظ ایدوب بویله ولایت و ولایت تجارتہ کز درمہ انشاء اللہ بو معصوم پاک قرقنہ بالغ اولدقده بن بوکہ ایمان کتیرم اماہلہ شمعی بیزم جیران درسی اوزرہ مرکبلہ صاغ الی پنجه سن بصوب پنجه سی نقشی بندہ دورسون اگر دخی معمر اولورسم اول پنجه بندہ دوروب انوک سببیلہ تکالیف عواندن بری اولورم بتدنصکرہ سائر باشلرک [۱] هر قنقی سنده بو نقش دست محمد بولنورسہ معاف و مسل اولورلر دیدکده همان ابوطالب بحیرا پاپاسک خاطر یچون ایدر یا محمد شو کاغده مرکبلہ بر پارماغک باص دیو رجا اتدکده حضرت دخی عمسی رجاسن قبول ایدوب بر کاسہ ایجرہ مبارک شہادت پارمغن مرکبہ باطرہیم دیرکن بحیرا پاپاس طمع خامہ دوشوب حضرت رسالتک دست شریفندن یاشوب بوس بتون پنجه رسولی مرکبہ بطیروب جیران درسی کاغده بصدردی اما بامرحی قدیم مرکب سیاہ ایکن دست شریفک نقشی کاغده اوزرہ یشل ور مین کبی بصلدی بحیرا پاپاس بودست شریفک نقشن آلوب و اوپوب باشنہ قویوب و برجواہرلی قطو ایجرہ حفظ اتدیکندن حضرت مخدوم مکرم حظ ایدوب ایدر یا بحیرا بو بنم الم کولکہ سیلہ جهان کافرلری ضبط اولہ و هر کیمده بو پنجهم بولنورسہ اول معاف و مسل اولوب حاکم اولہ دیو نطق درربار بیورلر بعدہ بو بحیرا اولوب بو پنجه رسول روہادہ کی دیر آزرده [۲] اولان آنکلی پاپاسہ دکر اندن قدس شریفده باش رهبان اولن فلوارلیہ دکر اندن کلہ کلہ اسلامبول پترکاهندہ قرار ایدر دیو بو حکایہ حضرت آق شمس الدین نقل اتدکده اسلامبول پترکاهی ایدر بنی پادشاهم بزم توار یخلردہ دخی بولہ یازار دیو آق شمس الدین حضرت تلبینک نطق دربارلرن پترکاه

[۱] ک : پاپاسلرک [۲] س ، ک : آزرده [اوچنچی حرفی راء مهمله در]

کتیروب انده دفن اندردم و بو محمدك ولادتدن التنجی سنه والده سی امینه خاتون اهلی عبدالله قرداشمك میراثن اخذ و قبض ایتمک [۱] مدینه یه کیدوب بو محمدی التی یاشنده ایکن بیله کتوروب برآی بیرت [۲] شهرنده او طوروب مخلفات عبداللهدن جزئی و کلی شیلر بولوب بیرتدن [۳] یته مکه بو محمد اناسیله کلیرکن مکه قریبده ابوا [۴] نام محله والده سی دخی مرحومه اولوب نعشی مکه یه کتردوب [۵] انده دفن ایدوب بو محمد بابادن وانادن اوکسوز قالدیغندن جمله قبائل قریش بوکه محمد یتیم دیرلر قرداشم اولادی اولماق ایله بنمله بیله تجارت ایله کاه شامه وکاه بو بصری شهرینه کتیریم دیو ابی طالب بو حکایه لری نقیر قطیر جمله بحیرا پاپاسه نقلایتدکده بحیرا پاپاس اهل وقوف ذوقنون الدهرایدر امدی مژده سکه [۶] بوسنك قرداشك

اعتماد ایدیلن کتابلرده بویه برشی کورولمور . ممکنکه بوراده کی عباره یا کلیشدر دوغروسی (نغش مدینه دن کعبه یه کتیرده بوب آنده دفن اندردم) اولماید . برده بوراده مؤلفك (بابایی مدینه قریبده ... اندردم) افاده سی صوک درجه دوکوملیدر عاداتا مقصدی باکلش آکلادیور . حقیقت ایسه شودر : مشارالیه عبدالله حضرتری تجارت مقصدیله برقافله ایله شام طرفلرینه کیمش دونوشده یوله خسته نغش مدینه یه کلنجه یوله دوام ایدمهش مدینه ده دایرلی «نحار زاده» لک یاشنده قلش ارقاداشلری بابایی عبدالمطلبه خبرورمشلر اوده مکه یه کتیریلدی ایچون دیکر اوغوللردن ریسنی کوندرمش فقط مشارالیه مدینه ده وفات ایتمکله مدینه ده «نحار زاده» لره عائد (دارالتابعه) دینان ره دفن ایدلمش . وفاتده ۲۵ یاخود ۲۸ یاشنده ایش . معنایه مدینه ایله مکه آرسنده کی (ابوا) یه دفن ایدلمش دینلرده وار . بوکا کوره مشارالیه عبدالله حضرتلری مدینه دن یوله - یقارلمش فقط یوله وفات ایتمش اوله جقدر (م)

(۱) اولیایه کوره والده محترمه نبوی « آمنه » حضرتلرینک مکه دن مدینه یه کلیشی بر میرات مسئله سی ایچون اولمور . حالبوکه دیکر کتابلرده بونی کوره مدم بلکه بر چوق مؤلفك بیاننه کوره مشارالیه هر سنه برکوره زوج محترمنک قبرینی زیارت ایچون مدینه یه کلیرمش . بو صوک کلیشنده قاین بابایی عبدالمطلب و مخدوم مکرملری یعنی اوزمان آلتی یاشنده بولنان نبی ذیشان افندمر ایله ییغمبر افندیمک دادیسی « ام ایمن » نامده برابر اعش . دونوشده (ابوا) ده وفات ایتمش و اورایه دفن ایدلمشدر (م) « یاقوت حموی » ده بویه یازیور جا ، ص ۹۲ (۲) ک : بیروت (بیروت) ده یا کلیشدر دوغروسی (پرتب) اولمایدرکه مدینه نك اسکی آیدر (م) | (۳) دوغروسی (پرتب) اولمایدر (م) (۴) بوکله همزه نك فتحی ، بانک سکونیه در عربلرجه مهجوز ایسه ده بز بوکیلری همزه سز سولیلورز (م) (۵) والده محترمه نبوی نك نغش شرفنك مکه یه نقل ایدلمسی روایی غیر مشهوردر (م) (۶) ک : سکا

قسطنطینہ پاترکاهی [۱] یعنی ارشاک سر قسیسان رهبسان اولان پاتریک حضرت رسالتپناھك دست شریفی نقشن جیران دریسندن کاغداوزره سلطان محمدہ کوستردکده ابوالمفتح پنچہ محمدیہ یوز سوروب حضرت عثمان خطیبہ جمیع پاپاسلرک خراجدن وغیری تکالیف عرفیہ دن معاف نامہ لری وهر پادشاه امویون وعباسیان و چرا کزہ [۲] واکراد و تورکمان پادشاھلری معاف نامہ سن پاترکہ محمدخانہ کوستردکده ابوالمفتح دخی یرلیغ بلیغ شاھیسن پاتریک و یروب جملہ تکالیف شاھیدن بری اولدقلرنده محمدخان رسول اکرمک پنچہ سی نقشی کہ مبارک کیندو دست شریفلری رسمی اولدوغنه شہہلری قالمیوب بورسم پاپاسلرہ ندن قالمشدر دیو آف شمس الدین حضرت تلرندن سؤال اتدکده آنلر حکایت ایدرلرکم «تجان حضرت رسول اکرم عالم صباوتندہ عمی ابوطالب ایلہ بصری شہرینہ تجارتہ کلدکلرنده بحیرا پاپاس حضرت رسولی کوروب بلدیکم بو آخر زمان پیغمبری اولاجاق محمدامیندر و کوردیکم دخی عالم صباوتندہ حضرتک کلککسی یرہ دوشمز و اوستندہ برپارہ بلوت کزر اصلا کونش تأثیر ایتمز محقق بو محمد اوله جقدر دیو الھام ربانیلہ قلبی شہادت ایدوب ہلہ بو اوغلان قرق یاشندہ اولوب بوکہ تاج نبوت کلدکده نولہ ایمان کتریمز سم [۳] دیوب توقف ایدوب ایدر یابی طالب بو اوغلان سنک نکدر دیو سؤال ایتدکده ابو طالب ابتدی بو اوغلان بنم قوندشم عبداللھک اوغلیدرکم باباسی مدینہ قربندہ دارالتابعہ [۴] نام محلدہ تجارتہ کیدوب شامدن کلیرکن تابعدہ [۵] مرحوم اولوب نعشن مدینہ دن کعبہ یہ [۶]

(۱) ک: پاتریکی . خ: پتریکی (۲) ک: چراکسہ (۳) س: بوکہ ایمان کتیریمزم . ک: بوکہ ایمان کتورہ مزم (یعنی بحیرا دیمک ایستدیورکہ بو چوق بو یویہ جک قرق یاشندہ کیرہ جک اوزمان پیغمبر اوله جق بن ایسہ یاشلی بر آدم بن اوکونی کورہ میہ جک و ایمان شرفنہ نائل اوله میہ جقم (م) (۴) «انسان العیون فی سیرة الامین المأمون» یعنی سیرحلی صاحبی بو کلہ یی بورادہ اولدیغی کبی (تابعہ) حرفلریلہ قیدایدیور؛ «مواہب لدنیہ» صاحبی ایسہ (دارالنابغہ) دیبورکہ (زابغہ) حرفلریلہ در؛ «ابن الاثیر» بردہ (الجمدی) صفتنی علاوہ ایلہ (دارالنابغہ الجعدی) دیبور (م) (۵) بوکلہ یاکلیشدر دوغروسوی (مدینہ دہ) اولمیدر (م) (۶) س: نعشن مدینہ دہ بقیمہ . ک: نعشنی مدینہ بقیمہ . (بو ابکی نسخہ والد محترم نبوی «عبدالله» حضرت تلرینک مدینہ دہ مدفون اولدیغی ، متندہ کی نسخہ ایسہ نعشنک مدینہ دن کعبہ یہ یعنی مکبہ نقل ایدلدیکنی کوستریور . فقط بو ایکنجی روایت غیرہ شہوردر سوزینہ

ایله بوقلمه سلطان یلدرم بایزید خان فتح ایدوب قلعه سن جمله منهدم ایدوب بر دخی قابل سسکنا اولدی زیرا آثار بنادن بر قلعه علامتی یوقدر زیرا یلدرم خان عصرنده بو افلاق کفاری اون بر کره عصیان ایتدی اما برسنه ایچره یدی کره عصیان ایدوب یلدرم خان بریسنده قلعه سینوبدن یعنی صنابدن انلاقه کجوب یدیسنده دخی کفاری قروب بریسلده همان یلدرم کبی یدی کره یتشدیکه چون امیر سلطان یوزسنده [۱] بایزیدم سن یلدرم اولدک دیو نطق ائدکرنده « یلدرم بایزید خان » دیدیلر حتی افلاقی یدنجی بوزوشنده [۲] تاتار عسکری افلاق کفار یله بیسه ایدی زیرا اول عصرده دخی تاتار خانلر آل عثمانه مطیع و منقاد دکلر ایدی تا سلطان بایزید ولی ثانی عصرنده کلی و آق کرمان و کفه قلعهلرین فتح ایدرکن منکلی کرای خان آل عثماندن بایزید خانه مطیع اولوب بر اولادن رهن و یروب یدی قلهده یوژ [۳] حبسنده دورردی بعده کدک احمد پاشا کر حله قلعه سن جنوز فرنکی الندن فتح ایدوب فتح مبشر یله [۴] دار السلطه الملیه اولان اسلامبوله کادکده رجاسیله منکلی کرای خانک اوغنی یدی قله حبسندن اطلاق ایدوب ادرنه قریبنده یانبولی شهرنده خاص هایون وردیلر اول عصر دن برو خانلرک معزولی و خان زاده لر و سلطانلر یانبولی واسلمیه و قزل اغاچده و طوشان [۵] بانده زغره ده و زغره یکیجه سنده ساکن اولوزلر بعده سلیمان خان مالطه اولن ردوس قلعه سن (فتحنا) [۶] تاریخنده فتح ایدوب ابتدا تاتار خانلر معزولن ورهن سلطانلرن رودوس قلعه سنده قلعه بنداتک سلیمان خاندن قالمشدر اما سنه (آخرون) و دخی (بلده طیبه) تاریخلرنده ابو الفتح سلطان محمد خان غازی اسلامبولی فتح ائدکده

(۱) ك : بوسه ده . خ : بوسه ده (۲) ك : افلاقه یدنجی یوروپوشنده

(۳) ك : ط : کوز (۴) ك : مسریله (۵) س : ك : صوسا (نقطه سز) (۶) س : نسخه سنده (فتحنا) کبی برکله وار فقط نقطه سزدر . ط : نسخه سنده (فتحنا) کبی برکله وار اوده نقطه سزدر بوراده کی (فتحنا) کله سی ایجد حسیله (۹۲۹) ایدیور هالبوکه ردوسک فتحی (۹۲۸) ده در دیورلر بوکا کوره دوغروسی الفک حذیفه (فتحتم) اولمیدر شو قدر وارکه اگر سفر ۹۲۸ ده باشلادی فقط ۹۲۹ ده نتیجه لیدی ایسه اوزمان (فتحنا) دوغرو اولور . شاعرلر بوله ایکی سنه نك آیلرینه تصادف ایدن وقه لر ی بعضاً بدایت ، بعضاً نهایت اعتبار یله کوستر بورلر . دیمک که هانکیسی شاعرک قولاینه کلیرسه اون آلیور (م)

در بیان ستایش شهر بوقریش

بقول تواریخ مجار ارساک [۱] ابتدا بانسی حضرت عمر خلافتند شرعیله کوروب [۲] قصاص ابتدرمه که رضا ویرمیوب بنی قریش قبیله سندن جبل الهمه حضرت عمر دن فرار ایدوب انطاکیه ده [۳] قیصر رومه التجا ایدوب دخیل دوشر اولدخی جبل الهمیه [۴] شام طره بلوسی دریایی ساحلنده صارپ سنکستان داغلی وروب جبل الهمه آنده ساکن اولوب قلعه لر بنا اتدوکنندن حالا اول دیارده جبل الهمه نامیله جبلیه دیرلر آنده حضرت عمر قدس شریفی فتح اندکده جبل الهمه جبلیه ده قرار داده اوله میوب خوفندن کیلره اهل وایاللیله بنوب اون یدی اولادیله اقدکیز دریاسندن کچوب اسپانیه [۵] وارلر اولدخی اولونیه داغلرنده قوریش نام داغی بونلره جای وطن وورر بر قاج اولادلی اسلامبولده جنوز قرالنه کلوب برینه قره دکیز ساحلنده عبازنده [۶] ائاره داغلر ویر [۷] چرا کسه [۸] چرکیس [۹] داغلر ویرر لازیه کوبینه [۱۰] داغلر وروب لازقومی اولور قریش نام بلیده [۱۱] طونا ساحلرنده یوزدوروب بوقریش کشت وکذار ایده رک بر خاک پاک عمر آسا زمینی بکنوب آنده توطن ایدوب عمار ایدر بوشهر ابوقریش بنا اتدوکنندن غلط مشهور اولوب بوقریش دیرلر دیو مورخ عالم اولان مجار ارساک [۱۲] مفصل تحریر آمشدر حتی اردل ولایتنده سیدی احمد پاشا ایله قیلا دغمز [۱۳] سنه سین قلعه سنده بر مجار اسپریمز وار ایدی اول تواریخی مفصل اوقیوب حقیر اولدجه تحریر اتم [۱۴] بعده بوقریش شهری نیجه ملوکن ملوکه انتقال ایدوب بعده دولت آل عثمانده سنه ۷۹۳ تاریخنده دست افلاقدن قوت بازو

(۱) ك: ارساک (۲) ك: کوزین (۳) ك: انطاکیه ده (۴) ك: جبل الهمیه (۵) س: ك، ط: اسپانیه (۶) ك: عبازنده (۷) دوعرومی (ورر) اولمیدر (م) (۸) س: چرا کسه (۹) س: جرکیس (۱۰) ك: کوبینه (۱۱) ك: بلید (۱۲) ك: شاک (۱۳) ك: قیشلادیی (۱۴) مجاری اسپرک مجار تاریخندن نقلنه کوره مؤلفک یازمش اولدیغی شو (جبل الهمه) ظن ایدورم که عمر الفاروق رضی الله عنه افندیمن حضرتلرینک حضور عالیبنده کندی آرزوسیه شرف اسلام ایله مشرف اولمشکن جزئی بر سیدن دولای قیصر رومه التجا وقسطنطینیه ده رسماً نصر ایدن غسانلردن (جبله) اولمیدر. اگر اوایسه اسم ووقه تحریف ایدمشدر (م)

افدیمز بو حقیری غزاز زاده احمد اغیه قوشوب ادرنه دن قطع منازل ایده رک استغان بک ایله اون یدی کونده اسماعیل شهرینه وارد قده جمله یکریمی بیک عسکر اولدق اما چاپور عسکری کی اجناس ملدن وقل بر اقدن بربران [۱] کفره وارمنی وبقال وچقال و بوزه چی و میخانه چی قوم بیله ایدی اما عسکر ندن [۲] یهودی یوق ایدی یوقدر عسکر چاپور ایله اسماعیل شهر ندن قال قوب ایکنجی منزله حمد خدا بو جاق تاتار ایله محمد کرای خانک مبارک کرای قلغا سلطان یه [۳] قرق بیک عسکر تاتار صبا رفتار ه راست کلوب اولکون اول کیجه الغار ایدوب حمد خدا بو غدانک یاش شهری ایچره قپان بور و نسر قسطنطینه ... ماه ... کونده بر صاتور محمدی اوروب آن ساعته کفارک لاشه مردار لری بیاض قار اوزره بیقاص [۴] کفره جسدر لری چسته چسته اولوب بقیه السیوفلری دست بر قباسته اولوب نیجه بیک عدد فرار ایدن کفار لری عقب لینه قلغا سلطان ایله دوشوب بو حقیر دخی عالم قتا لغمز اوناغله بیله سکر دوب اوچ کون کیجه ده افلاق ولایتنه قدم بصوب اندن دخی اوچ کون کیجه علی الغضله بقرش شهرینی باصوب ... قدر اسیر و مال غنایملر آلوب و شهر عظیمن آتش نمروده اوروب اول قدر شهر معظم بر آنده خاکه برابر اولوب اندن یوقوریش [۵] شهرین اوروب همچنان اول قدر مال فراوان آلوب آندن بیر کوی قلعه سی اوکنده افلاق بکی اولان مذکور مهبه [۶] جوانک اولان اول حیز بی تمیزک طابورن بوزوب قرق بیک عسکر ن دندان تیغدن کچروب بقیه السیف اولان کفار لری جان حول لریله نهر طونایه کندولرین اوروب جمله غرقاب اولدقلری بالاده سنه ... تاریخنده بو غزالریمز مفصل تحریر اولنمشدر نظر اولنه تکرار ترقیمه حاجت یوقدر محصل کلام اول عصرده مذکور یوقریش شهرینی احراق بالنار آتمشدک اول زماندن برو ... سنه اولوب بوشهر یوقریش اول قدر معمور و مزین شهر آبادان اولمشکم کویا باغ مرام اولمش

[۱] س ، ک : بر راق [۲] ک : عسکریدن (۳) ک : سلطانه (۴) س : بیقاص [دوغروسی (بیقیاس) اولقی ممکندر (م)] (۵) س ، ک : بر قووش (۶) دوغروسی (مهنه) اولمیدر (م)

یرن کفرہ لر زین ایتشلدر در اوچ کون اوچ کیجه بونده جمیع کونا کون کفرہ لر ی
و مجبوه بانو چهره زنانه لر ی و سر برهنه پاکیزه قز لری سیر و تماشایدوب ینه بود یاردن
۷ ساعتده معمور یلر کچوب

منزل قصبه دلی اورمان

نهری تار دلدن کلوب بو قصبه دن کچوب نهر چویانه [۱] مخلوط اولور بودلی اورمان
ناحیه سی قرالدر باشقه قصبه دکلدر اما باشقه بویارلق اولور معمور ناحیه در اندن
(قریه کورتن) اندن قالقوب... ساعتده اغاچلی معمور داغلا ایچره کیدر کن نهر لاهو خو
ونهر رازووی [۲] ونهر ارجش [۳] کنارنده برچمنزار یرده (منزل قریه یسه جن)
بو مرقوم نهر لر جمله سی بویزار جانبنده اردل ولایتی ییلار ندن کلوب افلاق ولایتندن
کچوب نهر طونایه مخلوط اولور لر اندن قالقوب ۵ ساعتده

اوصاف تحت افلاق شهر عظیم بو قریش

مقدما سنه ... [۴] تاریخنده سلطان محمد خان رابع عصرنده کوپرولی محمد پاشا
صدر اعظم ایکن دیار بغدادنه بورونسز قسطنطین عصیان ایدوب شهر یاشه قپانوب
اساعیل و ابرائیل و اسحاق قی شهر لرن خراب و بیاب آدی ولایت افلاقده کنعان پاشا
سلطان آتکه سلطان [۵] النده بیویوب اوغولوغی اولون جوان اوروم «مهنه چلی»
دینلن ملعون محب خاندان آل عثمان ایکن افلاق بکی اولوب عصیان ایدوب قرق
اللی بیک امت محمد بازرکانلری افلاقده قلجدن کچوب یر کوکی قلعه سننده فضلی
یاشا و خان ارسلان پاشا و قناق قی قره علی پاشا و نیجه پاشالری یر کوکده قپادوب
کرما کریم جنک اندوکی و بوغدان بکی عصیان کوپرولی محمد پاشانک مسموعی اولوب
یدی قلهده محبوس سابقا بغدادن بکی اولان لپول بکک اوغلی دلبر [۶] استفان بک بوغدانه
بک اولوب غزاز زاده احمد اغا سنجاق اغاسی اولوب قز لر اغاسی فضلی اغا [۷]

[۱] ک : طونابه . س : چوبانه . ط : جویانه [۲] ک : رازووی [۳] ک : ارجش .
س : ارجش . پ ارجش [۴] ک : (۱۰۰۹) [بوله یازمش ایسه ده سلطان محمد خان رابک
جلوسی (۱۰۵۸) اولقله مذکور رقم یاکلشدر (م)] [۵] ک : کنعان پاشا سلطانی
تاتکه سلطان [۶] س ، ک ، ط : دلبر [۷] ک : مولی اغا . س : مصلی اغا

ونیکه بولی مستلمی محمدآغا دن افلاق بکنه خطاباً بحبت نامر ایله هدیالار ورفیقلر آلوب جمله احباب ایله وداغلاشوب ینه برکی یه سوار اولوب تکرار قرشوده چول قله سی نه کجوب قله دزدارندن دخی رفیقلر آلوب

افلاق تختی اولان بوقره ش شهرینه روانه اولدوغمز قناقلمی بیان ایدر

اولا بوشلاتی [۱] نیجه کره سیاحت ایدوب نیجه کره غزالر ایدوب شکارلر آلدق اما بو یوللره اصلاً کله مش ایدک اولا چون قله سندن شرق جانبنه ۳ ساعته (قریه موینی) بزم قله ناحیه سیدر اندن ینه شرقه (قریه اولوج) اندن (قریه قومشان) بونلر معمور افلاق کویلریدر کم بونلری کجوب ۵ ساعته دخی معمور قرالرده کیدوب (قریه پالوسن) [۲] ینه پالوسن [۳] نهری کنارنده اردل داغلرندن کلوب نهر عظیم ارکنه [۴] قریشر کوچک صودر اندن باطی طرفنه سهل کیدوب

منزل واروش مهموره وارشان [۵]

باشقه بویارلقدر کم افلاق ولایتک غایت آبادان یرلریدر حتی بال مومی یرده بتر مثلاً شدت حاردن یرلر چاتلابوب بال آرلرینک آزیغیلری اول یرک چاطلاقلرند بال یابوب قالر شتا ایاملرنده یغمورلر کثرت ووفرت اوزره یغدغندن یرلر شیشوب یارقلمی دولوب جمله بال مومی طشره چیقار اشته افلاق دیارنده بال مومی یرده بتر دیدکلرینک اصی بودر حفاکه غایت محصولی ناحیه در بویارینه سکسن کیسه التزام اولماق ایله بویاری آلتیوز آدم ایله حکومت ایدوب اطراف ولایتن هر بار دور ایدر اما قصبه سی بر دوز واسع چمنزار یرده بیک خانلی ویدی منصطری وبر چاکلی و اوچیوز دکانلی قصبه در بو شهرده یرده برکه عظیم پنیور یعنی بازار دوروب قرق کون قرق کیجه هند وسند و عرب و عجم ورومک بازار کالری کونا کون متاعلر کتروب فروخت ایدوب متاع آلرلر حکمت خدأ حقیر آنده ایکن جمعیت کیرا کونلری آیدی جهانی قره شاقه لی و قله باقلی یعنی قلباقلی کفار بازار

[۱] ک : بوولایتده [۲] ک پالوسین [۳] س ، ک : پالوسن [۴] س ، ک ، ط : اوکنه

[۵] پ ، س ، ک : اورشان

اوصاف قلعهٔ چول

سنه ۷۴۵ تاریخنده نیکه بولی قلعه‌سن یلدرم بایزید خان فتح اندکده ینه افلاق کفره‌سی عصیان ایدوب تکرار افلاقی فتح اندکدنصره افلاق جانبدنه نیکه بولی قرشوسنده بو قلعهٔ یانمغه مباشرت ایدوب اما غایه‌الغایه بطاق وحتاقلی یراولماق ایله جمله رعایا وریالردن وجمیع عساکرلردن نیجه کره یوزبیک چول‌طوره وغرار وار ایسه جمله خار وخالشاکری چوللره وطوره‌لره دولدوروب اول بطاغه اینوب [۱] لب‌ربل ایدوب اندن اول محله بو قلعهٔ بنا ایتدکلریچون قومی [۲] بو قلعه‌یه چول قلعه‌سی دیرلر دائراً مادار اوچیوز آدیم احاطه ایدر بر کوچوک قلعه‌جک اولماغیله بو قلعه‌یه قله دخی دیرلر بعده طشره‌سنه چلبی سلطان محمد ابن یلدرم خان برواروش صغیر بنا ایدوب اطرافنه متین پلنقه دیوار جکوب یری بره وری نهرطونا کنارینه قپولر ایدوب بوچول قلعه‌سی ایچ قلعه کبی اورتاده قالر غلطه قلعه‌سی کبی برمدور تماشلی مصنع قله واوستی شندره تخته اورتولی سوری قبه‌مثالی در ایچنده دزداران وانبار وجبه‌خانه‌دن غیری برشی یوقدر جانب شرقه بر کوچوک دمر قپوسی اوکنده جست [۳] جسری اصما کورودر اماطشره‌ده کی واروش اوچیوز خانه اولوب رعایالر سساکن اولورلر عایشه سلطان خاصیدرکم اون یوک اچه التزامدر کرچه افلاق خاکنده در اما نیکه بولی سنجاعی حکمنده نیابتدر و افلاق ولایتی ایچنده زراعت ایدو جک برخیل خاک‌پاک حدودی واردر بعده بو قلعه‌دن ینه آتلیرمزله بر کچی یه سوار اولوب نهر طونایلی قرشو عبور ایدوب

اوصاف قلعهٔ نیکه بولی

سنه ۷۴۰ تاریخنده یلدرم بایزید خان‌غازی فتحی اولوب سنجاق بکی تختی تحریر اولندوغی بالاده کی جلد ... ده مفصلاً تحریر اولنمشدر اما شمدی چلبی حسن پاشا که [۴] چرکس عمراغاده اوچ کون اوچ کیجه صحبتلر ایدوب عمر [۵] اغاردن [۱] ک : آنوب [۲] س : افلاق قومی . ک : قوم افلاق [۳] ک : خشب [۴] ک : پاشاکی ((پاشالی) اولوق ده ممکندر (م)) [۵] ک : اربی عمر [عبارده انجق بر (عمر) کچدیکی جهته دوغروسو (عمراغادن) اولوق ممکندر [م]]

اوزره واقع اولوب جمله شندره تخته اورتولی کار کیر بنالی دورت یوز معمور خانه لی
 قصبه جکدر آنجا ق برجامی وار آنی دخی حاجی مصطفی نام برتجار هنوز بنا ایدیور
 و برمسجدی و برمدرسه و برتکیه سی و اون بش قدر دکانجقلمی و برخانجغزی وار حالانیکه
 بولی سنجانخی خا کنده و وواد القدر یوزاللی اچمه پایه سیله تیش پاره ناحیه قرالی لطیف قضادر
 و جمله باغ و باغچلمی شهرک ا کسه سنده کی داغ لر سر ابا باغ لر در و آب و هواسی غایت
 لطیفدر اهالیسی فقر ادر کم تجارتله کچنر لر بونی دخی تامشا ایدوب تکرار برکمی به
 سوار اولوب قرشو افلاق طرفنه کچدک اندن بو یار [۱] امیندن رفیق لر اولوب
 جانب شرقه ۴ ساعت کیدوب (قریه دو بولن) اندن (قریه باقه) [۲] کوینده مهمان
 اولوب جمله بو یار لک بزه رفیق و ردیکی کفره لر هر رندن [۳] اولاق بار کیرلری
 چیقار رکن جمله کوی کافرلری اللرنده طریانلری و حار به لری و قچلر یله اوزریمزه هجوم
 ایدوب بر ساعت عظیم جنکمز کچوب بزدن بر آت مجروح اولوب آنلردن بر غلام
 مرد اولوب آخر کار عمومه مخالفت قوت خطادن در دیوب جنکدن فارغ اولمشکن
 آنلرک اولن بر آتی [۴] رینه بزم بر آتمز آلیقیوب کتور رکن حمد خدا کرودن
 بو یارلری یتشوب آتمزی آلیقیوب سز برک [۵] جنک ایدرسز بزدخی یقیندن [۶]
 تانار و عثمانلی اندن اسیر اولدن هنوز قور تولدق دیو کوی کتخداسی اولن کفره
 قازغه اوردی اندن بزمه رفیق اولوب کیدرکن زور ایله اولاق آتلی آلماک
 زیرا بو افلاق کفره لری حاصلدر دیو نصیحتلر ایده رک کیدوب ۵ ساعتده سمت
 شرقه (منزل قریه ازلن) [۷] اندن (قریه قرله) بونده بر کمی به بنوب نهر عظیم
 اولتی [۸] کیمله کچوب قرشوطر فده سهل آرام ایتدک بونهر آب زلال تار دل دیاری
 بیلا رندن بو افلاق ولایتنه کلنجه اوچیوز عدد انهار صغیره لر قریشوب نهر طونایه
 نیکه بولی قلعه سی مقابله سنده خول قلعه سی قربنده ام النهران [۹] اولان طونایه مخلوط اولور
 ایچنده بعض اوقا کیمیلر و قاقلر و چرنقلر ایشلیوب افلاق ولایتندن عثمانلی ولایتلرینه متاع
 کتروب کتر لر بونهری کیمله عبور ایدی کمزدن صکره ینه جانب شرقه کیدوب نیم ساعت

[۱] س ۶ ک : بودیار [۲] س ۶ ک : قریه باقه [۳] ک : هر بری بوندن [۴] ک ،
 س : ترک [۶] س ، ک : یقینده [۷] س ، ک : ازل [۸] پ : اولینی [۹] ک : ام الانهار

اندن (قریه صدوقاً) اندن (قریه فوقولنا) [۱] کویده مانی [۲] قرآک بر اورمان میشه وار ایچنده بر بنای معظم منصورلری وارکم گویا باغ مرامدر اندن ۳ ساعتده مشرق طرفده

منزل اسکله ژیل

نهر ژیل کنارنده بشیوزخانلی بش عدد معمور دیورلی کویدر نهر ژیل اردلک براسوداغلرندن کلوب بو محله نهرطونایه مخلوط اولور باشقه بو یار اوطورر معمور اسکله در و آتلی بو قریه ژیلده بویاره امانت قیوب حقیر بز قاج خدامرمله برکی به سوار اولوب قرشو طرفده

اوصاف قلعه راه اووا

ولایت کردستانده بتلیس قلعه سی قربنده راه اووا صحراسی نهایتنده راه اووا نام بزخرابجه کوچک قلعه جک واز ایچنده چوبانلر ساکن اولورلر اما بوطونا کنارنده راه اووا غایت معمور دزبانسی صرف فرالردن . . . در قاتخی سنه . . . تاربخنده یلدرم بایزید خاندر اما فتح ایدرکن عسرت چکوب بعدالفتح قلعه نک بعضی یرلری منهدم آمشدر حالا قولله لری [۳] برداغ باشنده طونا کنارلرینه وارنجه بر طور اقلی وصاری بایر اوزره شکل نمخس شدادی طاش بنا قلعه رعنا ایمش اما مرور ایام ایله ایچ ایل اولماق ایله کوزدن براغلوب دخی زیاده خراب اولماده در ایچنده انجاق بش عدد خانه سی و برجامعی وبروران جمعی وارغیری آثار سنالر یوقدر اما سلطان احمدخانده غایت معمور ایمش افلاق بکی اولان قوجه محال کفارطونا نهری طوکنجه عصیان ایدوب یوزبیک کفار لشکر یله آل عثمانک طونا کنارنده یوزیمش پاره قلاع و شهرلرین نهب و غارت اتدکده بوقلعه دخی قبضه نسخیره آلوب خراب ایذر آنکی چون اول زماندن بر بوقلعه ایچی غمار دکدر و رکوه بلندک ذروه اعلاسنده واقع اولماغیله خلق قلعه یه ایستوب چیقمدن عاجز اولوب غمار اولمامشدر اما اشغی واروشی قلعه دن یوز آدیم اشغی نهرطونا کنارنده بدره اغزندمه جمله اولری بزبایرلی صرطه نری بری

[۱] ک : فوقولنا [۲] ک : کوینده مانی [۳] س ، ک : قله لری

بنالری نمایاندر کم جمله خراسانی طوله بنادر کم حالادورر بو کتر حقیر بو محله بو کو پروباهلرن کورمک اولمشدر اما پایه لرینه کوره اون ایی کوز جسری نیجه اولمق کرک ایدی بوسورن [۱] وسورن قلعه لرینک وبر اسبابلرن دخی سیر و تماشای ایدوب یینه افلاق ولایتی خاکنده جانب شرقه ۵ ساعت صحرای میشه یستان ایچره کیدوب (منزل قریه فلوردن) [۲] اندن یینه شرق طرفه ۴ ساعت کیدوب (منزل اسکله پوروشوق) [۳] اندن ۳ ساعتده (منزل اسکله قلعات) [۴] بو دخی یوز اولی معمور قریه در کم باشقه بویار حکم ایدر جمله افلاق ولایتنک طونا کنار ای اسکله لرینک طب پشتماسی [۵] بو بویارک الله در حقیر بویکو مازده [۶] آتلیمز براغوب برکمی به سوار اولوب طونانک قرشو طرفنده قلعه ودینه واروب

اوصاف قلعه و دین

بالاده سنه ۱۰۷۰ تاریخنده نیکه بولی باشاسی قاضی زاده شهید ابراهیم باشایله او یوار غزاسنه کیدرکن بو و دین قلعه سی و شهرنک اوصافی مفصلاً تحریر اولمشدر جلد . . . نظر اولنه تکرار تحریره حاجت یوقدر اما شیمدی سبوق سلطانیده بعض متاعلر آلوب ونیجه یار قدیملر ایله کوروشوب آندن یینه کتیمکه [۷] افلاق طرفنده [۸] قلقات کوبنده بطوب علی السحر بویاردن رفیقلر آلوب شرق طرفه کافرستانده کیدوب (قریه بویانا) اندن (قریه پویش تی) اندن (قریه بسنقوله) [۹] اندن (قریه اورج) [۱۰] یوقرالر جمله سی قلقات اسکله سی بویاری حکمنده بشر التیشیر یوز اولی باغلی و باغچه لی و بناء عظیم منصطری مع مور کفره کویلی در اندن ۳ ساعتده میشه زار صحرالر ایله کیدوب (منزل قریه برقا) [۱۱] اندن (قریه قومش تیز) [۱۲] نهر ژل کنارنده اوچ منصطری و بیگ اولی معمور کنددر نهر ژلی [۱۳] اریدل ولایتدن کلوب بو محله قریب راه اووا قلعه سی اوکنده طونایه مخلوط اولور

[۱] ک : سوری [۲] ک : فلوردین [۳] ک : پوروشوق [۴] ک : قلقات [۵] س
صک و سلسی (نقطه سز) . ک : جمیع امور و خصوصی [۶] ک : بو بویارده [۷] ک : کھی
ایله [۸] ک : افلاق طرفه کچوب [۹] پ : بنقوله [۱۰] پ ، ک : اورج [۱۱] ک :
برق [۱۲] س ، ک : قومش تین [۱۳] ک : نهر ژیل

قلاعلره كله چكن كفارخا كسار اشيدوب سوره‌ن [۱] وسوره‌ن قلمه‌لرنده جنكه مهيا اولوب دوررلر حكمت خداغازي خداوندكار قوس اوواده يدي قرال كفاريله جنك ايدوب يدي قرال لشكرن قيروب منصور ومظفر اولوب منهزم اولان افلاق قرالى جمله بقية السيف جنود جنديه فرار ايدركن بلوبه‌لى [۲] غازي محال اوغوللاري اشكنجى عسكريله افلاق لشكرين قوه قيروه طونا اوزره اولان سوره‌ن وسودرن [۳] قلمه‌لرينك جسرينه كفار اوغرايجه ازدحامدن جسرى عبور ايدمه مين كفارلري غزات مسلمان طعمه شمشير ايدوب نجه بيك كفار جان خيثلرين جهنم زبانيلرينه اصهار ليوب الى قليج دوتار كفار قالمايجه همان جيوش موحدين الله الله دييوب قليج اوره راق طونا جسرندن قرشو كچوب يدي كون يدي كيجه ده افلاق وبوغدان واردل ديارلرن خراب ويباب وغازت ايدوب بو قادار مال غنايمله مغتم اولوب سلامت سوره‌ن [۴] وسوره‌ن قلمه‌لرينه سلامت كلوب بوايكي قلمه‌يه محافظه جي قودقلى غزاته حصه ويروب ايكي قلمه‌سن ده جابجا منهدم ايدوب سلامتله مغتم قوس اوا صحراسنه كلدكلرنده كورسه لركم غازي خداوندكار صحرا ده قيريلان لشكري سير و تماشاش ايدركن همان بر كافر زبردست نامنه ميلوش قوبلاكي [۵] ديرلر كافر ك لشكري اره لرندن قالقوب غازي خداوندكاري بيچاق ايله اوره اوره شهيد ايدر كر چه كافر يده عسكر پاره پاره ايدرلر اما چه فائده پادشاه صاحب قران لدن كتدي عسا كر اسلام تارمار اولوب غازي مراد خانك نغش شريفن روسيه كتروب اسكي قابليجه يانده كي جامعي ساحه سنده دفن ايدرلر رحمة الله عليه بعده كفار بو طونا اوزره بنا اتدوكي جسرى ياپديغنه پشمان اولوب بز سوه تدبير يزله عثمانلى عسكرينه برى افلاق ولايتلرينه كچمكه يول ايتشز ديو عسكر او شروب مذ كور جسرى طونا اوزره خراب ويباب ايدوب بعده قوس اوواده مراد خانك شهيد اولدوغن استماع ايدوب جسرى يقديغنه [۶] تأسف ايدر امدى اول عصر دن برومذ كور جسر خراب اولمشدر اما قچنكم طونه نهري تموز آينده تنزلده اولدوغى وقت مذ كور جسرك طونا ايچنده اون ايكي قدمه شدادى

(۱) ك : سوري (سين كسره ؛ واو فتحه ايله حر ك لشمش) [۲] ط بلوبه‌لى [۳] ك :

سوري وسوره‌ن [۴] ك : سوري [۵] پ : قوبلاكي [۶] ك : يقديقلى

ظالمدر اما ولایتلری امن و اماندر بوکوبدن آتلیرمزه سوار اولوب برقاچ عدد کفره رفیقلر آلوب بر اوق منزلی کیدوب

اوصاف قلعه عتیق سوه رین [۱]

سنه ... تاریخنده غازی بالی بك سمندرہ قلعه سندن بو قلعه اوزره سرعسکر اولوب فتح اتدکده بو قلعه نیجه یردن لغم ایله خراب ویبای ایدوب طاشلیله دمر قپولری وجبه خانعلری و طوپلرن قرشو طرفه کچروب فتح اسلام قلعه سن مجددا بنا ایدر و حالا بوسورن قلعه سنک طونا کنارنده بعضی قلهلری دورر بو قلعه نك سبب بناسی بقول تاریخ یانوان اول زمانده افلاق ولایتی اردل مجارینك دستنده ایدی و طونانك قرشو طرفنده فتح اسلام یری وودین و بیله وو و صربووی [۲] ولسقوچه و لوفجه و نیکه بولی و رست اووی [۳] نامان قلعه لر دخی جمله افلاق کافرلری و لاز اوغوللری اللرنده ایمش بعده بوسوه رن قلعه سندن طونانك قرشو جانبلرنده ذکر اولنان واروشلره و شهرلره کچمک ایچون افلاق بانی [۴] قوجه مختاقوبان طونا اوزره اون ایکی کوز بر جسر عظیم بنا ایدر کم هر تا کلری آیا صوفیه دیرکی کمرلری قدر عالی و عرض قنطره عظیم بنا ایدوب جسرک اوته باشنده یعنی فتح اسلام قلعه سی طرفنده بر قلعه عظیم دخی انشا ایدوب اسمنه (قلعه سسورهن) [۵] دیونام قور حالابوسوه رن قلعه سی وقار شوده سورهن قلعه واورته یرده نهر طونا اوزره اون ایکی کوز جسر عبرتمانك و ایکی قلعه نك آنحاق اثر نالری قالمش اما واجب السیر اساس عبرتمالری وار اما او عصرده بو اوچ قلاعین [۶] جسر ی نهر طونا کبی صواوزره اون ایکی کوز جسر عظیم بنا ایتمک خیلی قوت قاهره صاحبی اولماق کرک نیجه یوز بیک [۷] بو جسر عظیم نهر طونا اوزره ثابت قدم اولوب دورمش تا کم سنه ۷۶۱ تاریخنده بورسه شهرندن غازی خداوندکار روم دیارینه کچوب ادرنه قلعه سنی روم قرالی ادرونه قرال الندن آلوب و کوچوک ما کدون اولان فابیه شهرن و صوفیه شهرین واسکوب قلعه سن و نیجه یوز عدد قلاع متینه لری غازی خداوندکار فتح ایدوب طونا کنارنده

[۱] ك : سوه رن [۲] س : دوصره ووی . ك : دوصربوی [۳] ك : رشت اووا . ط :

دست اووه [۴] س ، ك ، ط : نانئ [۵] س : سوه رن [۶] ك : قلاعك [۷] س : بیل

ایچنده برلطفی خوش هوا حمام روشناسی وار و جمله بر خانی وار ایچنده عنقا تاجار لری وار و جمله ایکی مدرسه طالمانی وار و جمله ایکی تکیه درویشانی وار و جمله بش عدد مکتب صیانی وار و جمله طونا کنارنده الی قدر جبه خانه دکانی وار و جمله الی عدد بالق مجری لری [۱] وار زیرا جمله خلقی عنقا بالق بازرگان لری در و غایت غریب دوست و محب فقرا ولی نعم مر د خدا کمنه لری وار و آب و هوای غایت لطیف و معتدل اولدو غنبدن محبوب و محبوبه لری غایت عشاق پرستلدر زیرا طونا صوبنک حکمی اولدر جمله خلقی بوشناجه و تورکجه و افلاجه دخی بلرلر و جمله قرمنی قلیاق و سرحدلی اسپانی کیرلر رنگ روی لری حرمت اوزره اولوب جمله اناسی اهل و عیال لرله اهل ذوقلدر امداد و زوقیلر [۲] دکلدر دیمک اولور لکن هو وارده خلق اولوب ارباب معارفی یوقدر انحاق نازه یکتلری چارسوی یازارده ای قپوز و دیللی دودوک و چاغی تادودوک چالرلر و دخی شهرک خارچنده باغ و باغچه سی غایت یحسابدر بوشهرده اوچ کون اوچ کیجه ذوق صفار ایدوب چالق عثمان پاشا ایله نیجه کونه صید و شکارلر دخی ایدوب آندن برکشتی به سوار اولوب آتلمز ایله نهر طونای عبور ایدوب

اوصاف ولایت افلاق عاق

بو حقیر کمتر نیجه کره بو افلاق دیارینه کچوب سیر و تماشا لر ایدوب اوچ کره غزالر ایدوب نیجه کونه مال غنایملر آلدق اما بو طرفلرده کورم دیکمز قرا و قصبانلری بیان ایدر اولاف فتح اسلام قلعه سنک مقابله سنده نهر طونا کنارنده

منزل قریه چرناس [۳]

بونده مکت اولنوب جمله ایکیوز منحوس خانه لردر و ایکی کینسیه و اوچ منصطردر و افلاق بکی طرفندن بریو یار کافر حا کمدر بویار دیمک یعنی و و بودا دیمک اولور بونوا حینک صلب ساسی و حر حسابی [۴] بویار النده در بشیوز کفرم لشکره مالکدر جمله یوزاللی پاره قصبه مثال کویله جا کمدر اما کافرلر رعایا به غایت

[۱] ک : بالقی مخزن لری [۲] ک : دودوقیلر . ط : دون و قیلر (دوزخیلر) اولسی

مکندر (م) [۳] ک : چرناس [۴] ک : بونوا حینک صلب و سیاستی و جرم و جنایتی

ايڪي ساعتڪ ييره وارنجه اول محلڪ طوناسي ايجندن اصلا برقرارش بالق بيله خالص
 اويوب البتديه صيد اولور وطونا ڪنارنده هر يقدر قلعهر وار ايسه مواجبه لري
 بوبالق دالانلرندن چاصل اولور عظيم امانتدرکم ودين سينجاغي بکينڪ یتش يوك اچقه
 ايله التزامنده در حتي اوزو تلعهر ليزنك جمله نيراتلري دخي بومقابطعه دن وظيفه
 معنيه لرن آلرلر حقير بوتماشالري سيرايدهرڪ ۶ ساعتده بشرق طرفه طونا ڪنارنجه
 درخت منبهالر سير ايدهرڪ

اوصاف شهر دار اسلام يعني بناي قلعه فتح اسلام

سنه . . . تاريخنده ابو الفتح محمد خان امرالردن غازي بالي بك بنا سيدر . . .
 اياتنده ودين سينجاغي خاڪنده يوز الله اچقه شريف قضا وناحيه سي يوز یتش پاره
 قرادر سپاه ڪتخدایري ويڪيجري سرداري و دزداري واوچيوز عدد قلعه نيراتلري
 ومحتمسي وبايجاداري و بالق اميني وخراج اميني واردر قلعه سي نهر طونا ڪنارنده برباير
 اوزره شكل مربع اون ايڪي عدد تخته اورتولي سر آمد ڪارڪير بنا متين قله لدر
 وقلعه ايڪي قات ديوارلي و خندقلي و قبله به ناظر بر دمر قبولي و قبو اوزرنده قلعه [۱]
 ايجنده طوله مناره لي سليمان خان جامعي وايجنده دزداراولي و دائراً مدار قلعه سي
 بيڪ يوز آدم رشداي طاش بنا برمتين قلعه جڪدر وطونا ڪنارنده اولان توله [۲]
 حصارده اولر خرابدر ايجلرنده برڪسه ساكن اولماز وطونا نهري طرفي اوچ قات
 قلعه ديواريدر اما آنده بي نظير طوپلر واردر وجهه خانه وآلات سلاحتلري مڪملدر
 وقلعه قاپوسي اوڪنده بر نمازگاه ميداني و جنازه مصلاسي طاشي واردر

در مدح و اروش بيرون

بو قلعه نك قبله طرفنده طشره واروشي جمله دورد محرابدر و جمله درديوز عدد
 باغلي و باغچهي و شندره تخته اورتولي و اڪثرياً لعل ڪون ڪيره مت اورتولي تحتاني و فوقاني
 و واسع ڪارڪير بنا خاينانلري وار اما جهلدا چالقي مصطفي اغا و چالقي عثمان باشا اولري
 مڪلفدرکم عظيم توربه [۳] قبولري وار و جمله الله عدد دڪانلري وار و جمله چارسو

[۱] س، ڪ: قله [۲] ڪ: دوله [۳] ڪ: بورزه . ط: نوربه

مغارالرك قنارنده دوردر بشر آدم قدی بالا قنارده نهر طونانك چامورلی صولری جریان اندیكننك علامتلرن كوردك حالا منظور عالماندر دخی ایلری كتمك مراد اتدیك اما چیلاق و كوررجن قدر یاره سه قوشلری چهره لر مزه قناتلریله اوروب جمله مزك اسبابلری یاراسه قوشی نجاستندن رسوای اولوب كرویه دونك و دخی بو حقیر كمتز فقیر سنه ۱۰۶۱ تاریخده افندم ملك احمد پاشا صدارت مهربندن معزول اولدوقده اوزی ایالتی احسان اولنوب روسه جق نام قلعهدن بو قولنی و دین ناظری محاسبه سن كورمكه كوندردكده سواحل نهر طوناده نیجه كره سیاحت ایدوب اول سنه نهر طونا اولقدر تزلده اولدیكم نهر طونا ایچره مذكور یانوان قرالك مذكور دمر قپوده دولدر دونخی حمام قبه سی وفیل جته سی قدر اول سنك خارالر آشكاره ایدی و اول محله طونا كنارنده نیجه یوز عدد كیمسه لر ایله دمر قپویی كورمك اولدی كم اول دمر قپونك یری و طونا ایچره اولان كرداب سدی قفتح اسلام قلعه سی طرفنده بریار كنارنده بر سرای قپوسی قدر دمر قفص قپودر كم دمر لرینك قالنلنی آدم بلی قالنلغنده واردر اما مرور ایام ایله قپونك نصفی چامور ایچنده غرق اولشدر یوقاریسی بر آدم قدی قدر دمر قفص قالمشدر اما شمدی آل عثمان پادشاهی مراد ایدنسه یوللرن تطهیر ایدوب نهر طونانی اسلامبولك آق سرای ایچندن آق تاق امر سهلدر اما چوق خزینه كیدر نفی آزا اولور حق تعالی سلطان محمد و سلطان بایزیده و سلطان سلیمان غریق غریق رحمتلر ایلسون جمله اسلامبول خلقنی طونابه و غیره صوبه محتاج آمدی لر حق تعالانك مرادات علیه سی اول ایمشكم اسلامبول خلقنی طونا صونو ایچیمه لرا كرایممش اولسه لراهل و عیال و صفار و كبار باشقه طبیعتده اولوب ضبط و ربطلری ممكن اولیوب طائفه نسوانلری صاحب عصیان اولور لر دی نتیجه كلام مذكور یانوان قرال نهر طونانك كرو دوندكن كور ییجئ بر آه سرد چكوب روحن تسلیم ایدوب یانقو قرال یانوانك نعمتی زیرت باشی دیرنده دفن ایدوب انجاق نامیله یانوان نام توار ییخی قالر و دمیر قاوده طونانی ساداتو کی كرداب عظیم قالر كم جمیع ملاحان كشتیانلر مابیننده مشهور آفاق دمر قپودر و بود دمر قپودن اشنی تافتح الاسلام قلعه سنه و ارنجه نهر طونا ایچنده آطا آطادر هر آطانك ارالری ایكیشر و اوچر یوز قدر بالق دالیانلر دیر

کسوب ايچنه برقاج آدملر انوب [۱] صوبي قويورك [۲] ديو تنبيه و تا کيد و تعليم ايدوب اندن يانوان منازل قطع ايدورك اسلامبوله قزل يومورطه نك ابتدا کوني کردکده مکر وقت عصر ايش طونا نهرين اشته دمير قپوده على الصباح قويور مشلر بومحمد يانوان قرنداشي يانقويه بولاشد قده ياقرنداشم قني طونا صوبي گلدی دینجه همان يانوان قرال مغرور اولوب ايدر «بوصباح طوناني دمر قپودن قويوردیلر حالا عورت کي صاحندن سورويوب کترمدم [۳] و کوپک کي آردمه دوشوب کله ده دره دینجه همان حکمت خدای عزوجل نهر طونا اسلامبول قربنده ارادلی [۴] کوني دره سندن يوقوش اشني اسلامبوله آقارکن بامر حی قدير نهر طونا کروه دونوب برقولى بيوک چکمه جهده و برقولى کوچوک چکمه جهده قاينايوب طونا صوبي دريا کي چقوب کول اولوب دريايه مخلوط اولوب دريا دخي بحيره کزه قریشير حالا چکمه جهه کوللرينک اصلي نهر طونا درکم سنه ... [۵] تاريخنده جلوس ابراهيم خان کوننده بيوک چکمه جهه کولنده طونا بالفارندن بر مورينه بالنی چقوب طوب قپولى مصطفی اغا اول بالنی قره مصطفی پاشايه اول دخي سلطان ابراهيمه کتورر ابتدا ابراهيم خان تحته جلوس اتدکده طونانک مورينه بالغن بيوب ديار بکرك ايچنده کي حمزواب [۶] صوين اولا قلر کتر مشلردی ابراهيم خانه ميسر اولوب بالق بيوب حمزه و اب ايچمشدر حالينه چکمه جهه کوللرنده طونانک جنيغه واسوفه [۷] وسوم بالقلى چيقار و دخي نهر طونانک بر فرقى دخي قره دکز ساحلنده وارنه قلعه بی قربنده دويه دکرمانلری صوبي طوناندر و برقولى دخي قرق کلسه [۸] شهرى قربنده ينه حصارده و بيکار حصارده چيقار زيرا آنلرده دخي بعضى زمان طونا بالقلى چيقار ديو اختيارلر نقل انديلر حتى بو حقير بر کره فاطمه سلطان زاده سايمان بك مرحوم ايله قرق الی کشى اولوب ش اون دانه مشلار و نيجه فانوسلر و نيجه شمع ريخار ياقوب ارادلی [۹] کوينده کي طونا جريان ايدن مغارالره کيروب بر ساعت کامل کيدوب

[۱] ک : ابوب [۲] ک : قوين و برك [۳] ک : کتورمه . م . س : کترمه . م . ط : کترمدم [۴] ک : ازادلی [۵] ک : (۱۰۴۰) بوبله يازلمش ايسه ده ياکليشدر چونکه سلطان ابراهيمک جلوسى (۱۰۴۹) ده در (م) [۶] ک : حمراوات . س : حمزوات . پ : حمراوات [۷] ک : استوفه [۸] ک : قرق کليسا [۹] ک : ازادلی

بیک بنی آدم هندیسه علمی اوزره میز کور ولایتلر و داغلری دلوب قرنیاط [۱]
 قصبه سی اکیسه سنده داغلری دخی دلوب نیجه رلرنده کی دره لره سدیمزو [۲] کمرلر یاپوب
 بریلده طونانصوی یوللری اصیطانجه داغلرینه دخی عالی اکیسه سنده اولاجیسیلی [۳] کوی
 بارلرینه اندن اسلامبوله برمرحله قاله یرده حالان ادلی [۴] نام معمور قریه به طونایوللری
 کلوب اندن اشغی اسلامبوله وارنیجه یوقش اشغی کتمه سی آسان اولوب یوللری روی
 ارضه چیقوب ناقلالی کوی دره لرندن طونایی [۵] کچوب طوب قیوسیه ادرنه قیوسی
 مایینده کی کیرده سندن آقوب قلعه نك دیوارنده کی دمر قفصلردن اسلامبولک ایچ
 حصاری اولان حالا اسلامبولدر اندن [۶] بکی باغچه ایچنده آق سرائی دره سیندن
 لئقنه نك اوج عدده قلعه سی اورته سندن طونایان جریان ایدوب آق دکیزه قریشه دیو
 یانقو دخی بو یوللرده اسلامبول قریبنده امداد ایدوب طونایان کلئنه منتظر اولدوغن
 قرینداشی اولان یانوانه خیر کوندروب یانوان دخی طونایان صوی اسلامبوله زیاده
 آقسین دیو نیجه کیره یوزبیک زیرست آدملره نهر طونه ایچنه علم جرائقال ایله حمام
 قبه سی مثال بری دمر قیو اوکیندن تاقرشوارس اووا [۷] طرفنه وارنیجه فیلمنکروسوی
 چشه سی قدر طاشلری طونایانچره براغوب داغلر یقزلر [۸] بعدده طونایانکی سد
 اولوب بوکه بز [۹] حالا بودمر قیو اوکینده کی کرایب اولان یرده کی طاشلر طونایان
 ایچره یانقو ابن مادیانک قرینداشی توارنیچ صاحبی یانوان قرال یقدیغین [۱۰] ینه یانوان
 کندی توارنیچده مفصل یازمشدر و طونایان یوللرین دمر قیودن اول قازمشدر
 و اسلامبول قریبنده یانقو ابن مادیانک بنا اتدوکی قرق چشمه لرینه یانوان طونایی
 آقماق ایچون بریول دخی قازمشدر بعد زمان یدی ییلده بو صو یوللری تا دمر
 قیودن اسلامبوله وارنیجه تمام اولوب یانوان قرال وزیر لرینه ایدر اشته بن عهدمه
 وفا ایدوب دین داود عشقنه بو صو یوللرن تمام اتم اشته بن ماکدونیه شهرنده
 قرینداشم یانقو قراله کیدرم سز قزل بومور طه نك اتیدا کونی بو دمر قیوده قریانلر

[۱] ک . ط : قرین آباد [۲] س : سدیمزود [سدغروود] اولیق ممکندر (م)
 [۳] ک : اولان جیسیلی [۴] پ . س ک : ازادلی [۵] ک : نهر طونایان [۶] یالکر برنسخه ده وار
 [۷] ک : ط : ارش اووا [۸] ک : ییغرلر [۹] ک : بوکاتر . ط : بوکاتر [۱۰] ک : ییغدیغین

چشمه صوبی جریان ایدوب جمیع بنا و ارغاط عمالیر آب ناب قرق چشمه بی نوش
 ایدرک اسلامبولک تلرین قعر زمیندن روی ارضه برابر اتدکرندن ماعدا بر آدم
 قدی عالی و جة ارضه سور دیواری چقد قدیم اول محللرده یانوان قرال قدس شریف
 زیارتندن بارخانه عظیمه اسلامبوله کلوب یانقو ابن مادیان قرداشنه بولشوب
 کوزسه کم اسلامبول قلعه سنک تللری روی ارضدن بر ایکی آدم قدی عالی اولوب
 آلتی کره یوز بیک بی آدمک جد و اهتاملریله البته بوقلعه وجوده کله چکن بیلوب
 یانوان قرال قرداشی اولان یانقو قراله ایدر رادر الله مبارک ایلیه یکر می بیله
 بوقلعه اتمام بولور بن دخی میثاقم اوزره المان دیار لرینه واروب علم اصطرلاب و علم
 هندسه ایله طونا صوبین سنک ما گدونیہ شهر ی ایچره آقیدایم دیدکده یانقو حجابندن
 بزم قرق چشمه صوبیز کفایت ایدر دیه میوب مقید اولمادی همان یانوان قرداشی
 یانقو ایله و داعلشوب اسلامبولدن قطع منازل وطنی مراحل ایدرک علم هندسه
 اوزره طونا صوبی اسلامبوله کله چکی یوللری شاقوله و هوایی ترازولر ایله ارتفاع
 آلهزق طونا کنارنده سورده [۱] قلعه سنه کلوب علم هندسه ایلدیلر کم بوتهر
 طونا بوسورن قلعه سنندن اسلامبوله کیدر زیرا اول محکم صرضی اسلامبول عرضندن
 یدی عرض بالادر اما عاقبت اندیش دورین فکر اولان یانوان قرال احتمالہ حمل
 ایدوب بوسورن قلعه سنندن ایکی قناق دخی طونا کناریله یوقارو بر آاز بالا دخی
 کیدوب سکنزنجی عرض بالاده بودمیر قپو محلنده ینہ علم هندسه اوزره ارتفاع
 آلوب بلرکم نهر طونا اسلامبوله باش اشنی یلدرم کبی سرعت اوزره جریان ایدر
 همان اول آن المانک یدی قرالقی یرندن و فلنک و اسقاج و چهوله و طوت و قورول
 و مجاز و ماضقو و روس صلغات [۲] منحوسندن [۳] اون کره یوز بیک آدم عمال
 و بنالر مآ کولات و مشروباتلریله بوطونا نهرینک ایام تموزده تنزلده اولدوغی محله
 کلوب ابتدا بودمیر قپو نام محله برباب حدید یاپوب آندن ایچری تا و دین و نکه بولی
 و صوروا [۴] مؤصرار [۵] داغلرین و فرارما [۶] بالقانلرین اون کره یوز

[۱] پ: سورهین [۲] س، ط: صلات . ک: صلوات [۳] ک: منحوسندن [۴] پ:
 طوروا [۵] س: مؤصران. ک: قوسران. پ: مؤصراب [۶] س. ک: و فران قیا. ط: و قزغان

هان یاقو قرال بنم خیرآتمده قرن داشم یانوانک خراتی اولماسون دیو اصطرانجه داغرلنده اولان جمله صولری اسلامبول ایچره آتمغه جد وجهد واهتمام ایدوب اسلامبول ایچنده قرق چشمه ا کبه سنده کی اشخی قات صو کمرلین بنا ایدوب بریلده قرق چشمه صولرن ایوب سلطان اکسه سنده کی داغرلی دلوب تا... بو کوندن برو اسلامبوله صو کیرر بعده آل عثماندن سلطان سلیمان خان علیه الرحمه والغفران اسلامبول ایچره قرق چشمه و ابو الفتح و سلطان بایزید ولی صولری کفایت اتمدیکن کوروب اسلامبولدن بر قناق بعید قره دکز قربنده کی داغرلده اولان صولری ... کونده حوض عظیملره جمع ایدوب آندن معمار سنان هندسه سی و آنک کاریله تا اسلامبول ایچره کلنجه صو کمرلین قات ادرقات بنا ایدوب سلطان محمد جامی حرمی قربنده کمرلی کچروب مقدا ما با اولنان یاقو ان مادیانک قرق چشمه باشنده کی الحاق و قره طاشلی کافری بنا کمرلر اوزره بر قات کمرلر بنا ایدوب تاباب هایون اوکنده ترازو ایله یکی سرایه صو کیروب اورته قپوده قیولره دوکلوب اندن بوستانجی اوجاغنده دللابجیلر آتلا ایله و صغرلر ایله صولری چکوب حرم خاص و مطبخ سلطانی به و حلواخانه و اکمک خانه و اصطلبل عنتره و ایچ غلام خاصده حمام و چشمه لره سلیمان خان صولری تقسیم ایدوب خیرات عظیم ایدوب اسلامبول خلقتنی سقی ایدر بر پادشاه سسلف آل عثمانه و بر خاقان و رای هنده بویله خیرات میسر اولما مشدر حتی بنا امینی و معمار باشی سنان بن عبدالمنان اغالک دفترلی موجبجه سلیمان خانک همان بو صو خیراتنه سکز کره یوز بیك و طقسان آلتی بیك اوچیوز سکسن اوچ فلوری مصرف کیتمشدر اما شمیدیکی عصرک حسابجه ایکی بیك ایکی یوز قرق بریوک اچیه اولور اما اسلامبول ایچره یاقو ان مادیانک صو کمرلی اوزره یکی کمرلر بنا اولماسه اوچییک یوک اچیه اولوردی اما قرق چشمه کمرلی و صو یوللرین دخی تعمیر و ترمیم ایتمکیله اوچ بیك یوک اچیه مصرف اولمشدر دیو یازمشلر خلاصه کلام و نتیجه مرام ینه صده رجوع ایدلم چونکه یاقو ان مادیان اسلامبول ایچره بو قرق چشمه صولری [۱] کمرلین بنا ایدوب ابتدا قرق

شهرنده اندن براوجی جانب شمالده ترقوز[۱] قلعه‌سنده قره دکیزی کسوب سلوری قلعه‌سی دبنده آق دکزه مخلوط آتمکه دورت قات خندق کسمشله و برقوقزدن[۲] قره دکز کناریله قره دکز بوغازی یرندن تا قورشوملی مخزن بورنه اندن غلطه وقاسم‌پاشا و خاص کویدن کاغذخانه دره‌سی اوزره حسرلر ایله ایوب انصاری قپوسی اولان یرده قلعه دائراً مدار تمام اوله دیو بو اون صاف یری احاطه ایدر قلعه خندقلرینک یرلرن یانوان قرال کوروب قرنداشی یانقو ابن مادیانه ایدر بیره برادر نه‌عجب خام سودایه دوشمش سن بو قازدیغک اون قناق احاطه ایدر خندقلراوزره قلعه اولماق محالدر بیره برادر دیدکده ان‌شاءالله حضرت سلیمان هم‌تیه واوغلی ملک رحیم پادشاهمز دعاسی برکاتیه بو ما کدونیه شهری اطرافنه بر ما کدونیه کیر ایدرم که ایچنده بیک پاره مقیم کند اوله و اطرافی اوچر قات خندق و اوچر قات دیوار اوله دیدکده یانوان قرال ایدر بهی برادر ملک رحیم پادشاهمز دن بلدیکمز علم اوزره ینه بزم یونانیان پادشاهلرندن الکساندر یعنی اسکندر نام جهانگیر بر اولو پادشاهمز کلوب محمد کله‌جکندن سکزیوز سکسن بریل اول کلوب قره دکز بوغازن کسوب قره دکزی آق دکزه آقیدرکن بو سنک بنا ایده‌جکک ما کدونیه شهرین وقیدفانه [۳] قزی فراله شهرلر[۴] قره دکز صوی خراب ایده‌جکدر دیو سلیمان نبی اوغلی رحیم قرال افندمدن استماع اتم دیدکده یانقو ابن مادیان ایدرکه بلی بن‌ده رحیم قرال و باباسی سلیمان قرال‌دن اویله اشدتم اما بن‌ده مقدم تاریخ ایله قره دکزی ترقوز قلعه‌سی بیجاغم بوغازدن کسوب ازادلی [۵] دره‌لرندن قره دکزی تا سلوری قلعه‌سی دبنده آق دکزه قارشوروب بو قازدیغ اون قوناق احاطه ایدر قلعه‌اتسم کرک دیدکده یانوان قرال ایدر امدی برادر الله ایله عهدم اولسون و داود نبی حتی ایچون اولون بو جرمده قلعه بنا ایدوب اتمام ایدرسک بن‌ده قدسدن کلوب بو قلعه تمی آشکار اولدوغن کورم بو سنک ما کدونیه که بنده طونه شهرین بو سنک قلعه ایچندن آقیده دیو عهد ایدوب قدس شریفه کیدر

[۱] پ : برقوق [۲] ک : ترقوزدن [۳] پ : قیدخانه [۴] ک : وقیدفا قزی قراله

شهرلرن [۵] پ : ازادلی

واقعه [۱] آدملیدر هر کیدن کیتسنه کوره بشر یوز اینکیشر یوز غروش آلوب کینلری اکر کیلره بر ضرر اولوزسه شرعاً اولن آدملره کیلرک بهاس اوده درلر الحاصل بحر محیطده کی کرداب اوقینوس [۲] و نهر مرادده کی جعبه قلعهسی بوغازی و نهر جاییقهده [۳] مصقوک زون قلعهسی بوغازی و نهر ازلده [۴] یینه مصقوک هشدک قلعهسی کردابی و بحر خزرده دمر قپو قلعهسی بوغازی و قره دیکرک قیز بوغازی و نهر شیطالغرب اوزره نمرود بوغازی و یینه بو نهر طوناده انیلک [۵] قلعهسی کردابی و یینه بو نهر طوناده مذکور تحتلی کردابی جمله مخوف و مخاطره یرلدر اما بو دمر قپو بوغازی اوقینوس [۶] کردابدن زیاده غذاب الیم برزخ بی امان توغازدر اما عملیدر تحتلی وانلک بوغازی کی ید قدرت بوغازی دکلدز بو دمر قپو بوغازی بظمه [۷] طا شدن عملی بوغازدر

ذریبان سبب کرداب دمر قپو

بقول مورخ عالم یانوان یونانیانکه اسلامبولی بنا ایدن یانقو ابن مادیانک برادر کهتریدر بو یانوان اوچیز قرق آلتی سنه معمر اولوب عقل ارسطو حکیم برقرال ضال ایدی اما کندو توارینخنده حضرت سلیمان اوغلی رحبعامه [۸] ایمان کترمشم دیو یازمش نتیجه مرام بو یانوان امان وارذل و چهوله قرالی اولوب طونا سواحللرین چوق کشت و کنار ایدوب جهان بان بر حکیم قرال ایدی اما ملک رحبعامدن استماع ایدرکم بابام حضرت سلیمان قدس شریفده مسجد اقصای و صخره الهی و قدس شریفی اویله اعمار ایلدی دیوملک رحبعام قدس شریف عمارتترین تعریف و توصیف ایدنجه هان یانوان قرالک قدس شریفی زیارت اتمک کتسی آرزولری حرکت ایدوب قطع منازل و طی مراحل ایدرک اسلامبول زمینده اولان ما کدونییه شهرینه کلوب قرداشی یانقو ابن مادیانه بولوشوب کورسه کم اسلامبول قلعهسی بنا اتمک مباشرت ایدوب براوجی سرای بورننده و براوجی طرف جنوبده ایکی قوناق یر تاسلوری

[۱] س، ک: و دریا و او قصبه [۲] س: (اوقینوس) کپی فقط نقطه سزد [۳] س، ک، ط: جاییقه [۴] خ: اتله [(ادلده) یازلمسی ده جائزدر (م)] [۵] پ: انلک [۶] ک: اوستوس [۷] پ، س: بضمه [۸] س: رحبعامه

طونا دمږ قپوسنك اشكال بناسي و طرزن بيان ايدر

اولا بو دمږ قپو نام ږده جريان ايدن نهر طونانك ايچنده صيره صيره حمام
 قبهسي قدر ايري طاشلر واردر حتی نهر طونا ماه تموزده آزا ولدني محله دعواي
 مرديله شهباز و مردانه فتا يكتلر طاشدن طاشه صيچرايوب پرتاو ايدهرك بريدن
 اوتيه اوتهدن بري جانبه دك كچمك ممكندر لکن هر زمان اول بيوك طاشلر كورنمز
 مكر طونا پك تزلده اوله انكيچون بو طاشلر سه بيله نيجه كميلر هلاك اولور اما
 چچانكم طونا طشوب طعيان اوزره كلوب اقسه مذكور طاشلر صويه غرق اولوب
 جمله كميلر سلامتله كچمكه باشلار اما ينه خوف ايديلر [۱] بو كرداب عقبه عبور
 ايدن كميلر اكر اشغیده اكر يوقاږيده هر طونا طراسه كميلري سگز ادم كيدر
 مفرت كميلدر اللهم عافنا بعضی كميلر طاشلره اوروب يا خود يدك اپلري قريلوب
 بركناره كمي اوروب كمي و آدملري جمله هلاك اولورلر آنكيچون نيجه وهام تجارلر
 كميلر دن چيقوب سهل قره دن كيدوب كميلر كردا بدن خلاص اولنجه ينه كميلرينه
 كررلر و بو كرداب محلنده طونانك فرياد و فغان و صاعقه وش كورولدوسنه بني آدم
 طاقت كتره ميوب كورلمهسي بر قناق ږدن استماع اولنور و بو محلدن آشنی كميلر
 كيدر كن برق خاطر كمي كيدرلر يوقارو كيدن كميلر بو عقبه محلندن اشغیده جمله
 يوكلرينك بعضيلرين بوشالوب جمله اسبابلري عربلهزه و اوافق قايقله تحميل ايدوب
 دمږ قپودن يوقاروده يوكلري داغلكي اندن كميلري دمږ قپودن يوقاروهر كمي بي
 قالين پاله مارلر ايله بيكر و بيك بشر يوز آدملر بوش كميلري درد و بلا ايله الله الله
 ديرك چكوب دمږ قپودن يوقاروده ينه بش آلتی كونده يوكلرين كميلره دولدوروب
 هر كمي مراد و مراملري اولان ولايتلره كيدرلر بو محله كميلري كچر باشقه
 استاد آدملر واردر كم بو كردابك احوالنه طاش به طاش اكري بوكري مخوف
 و مخاطره ږلرين بلوب كميلري سلامت كچرمكه درعهده ايدوب كچرلر اكثر يا
 بو كميلري بو خطرناك ږدن كچروب قولاغز اولان آدملر موره خافصه لي و دربو

[۱] شوراددي (اما ينه خوف ايديلر) جمله سنك ږنده ك نسخه سنده (اما ينه خوف
 ايدوب بو محله كلكلر ننده كشتيانلر جمله بصيرت و تدارك اوزره اولورلر) جمله سي واردر (م)

قپوسی درلر وبر دمیر قپو دخی مسیس قلعه‌سندن اوته [۱] . . . کیدرکن دربند
 حالیدر [۲] کبی دمیر قپودر بریده . . . محله راه مشقت دمیر قپودر بری دخی
 شروان وشباخی قلعه‌لری ایله داغستان پادشاهنک طرحو نام اولکسی قرینده بحر خزر
 کنارنده اسکندر ذوالقرنین بنا اتدوکی دمیر قپودر کم عرب توار میخلرنده اکه
 باب‌الابواب درلر سنه . . . تاریخنده آل عثمان الندن حیه ایله عجم آلوب حالا
 دست عجمده برقلعه دمیر قپودر حقا اول دخی صارپ دمیر قپودر بری دخی
 نیجه کره عبور ایدوب حالا شمعی بوماه . . . ایجره کذار ایتدی کمز اردل ولایتی
 دمیر قپوسی بری دخی ملعون هر باش منحوس دمیر قپودر بری اسلامه بولده
 بوکاغده خانه نه‌ری اوزره مطمئن دمیر قپودر نیجه بیک دخه کشا اولم دین آدم‌لر
 بوکاغده خانه نه‌ری دمیر قپوسنده هلاک اولمشلردر بر دمیر قپودرخنی ولایت مصردن
 ده‌لین [۳] حبس [۴] اولان اسوان ولایتنه کیدرکن نه‌ر نیل ایجره‌یدی سلال
 بوغازلرینک برنده بر دمیر قپو واردر آندن دخی برکمی یوکیله سلامت کچمک احتمالی
 یوقدر نیجه کیملرک یوکلرین بوشالدوب عبور ایدرلر غایت مخالف دربند حالیدر
 کرچه بومذکور دمیر قپولرده حالا دمیر قپولر یوقدر انجق اسکندر ذوالقرنین
 بودمیر قپولری بنا اتدوکن برو حضرت رسالت ولادتندن سنه ۸۸۲ مقدم بنا
 اولنش دمیر قپولردر کم قپولری یوق اما اثر بنالری آشکاره در اما ذکر ی سبقت
 ایدن دمیر قپولردن اشد عقوبت چکه جک بر بو طونا دمیر قپوسیدر کم هر سنه نیجه یوز
 باره کمی ونیجه بیک آدم هلاک اولور الحاصل شط العرب نه‌رنده کی سدیمزودن [۵]
 اشد بو طونا دمیر قپوسیدر اما بودمیر قپویی اسکندر ذوالقرنین بنا اتمه مشدر

[۱] (ادنه) یعنی (اطنه) اولسی ممکندر ظن ایدبورم که مؤلف حضرتلری اطنه ولایتنده کی
 (کولهک بوغازی) دینلن دربندی تعریف ایدبورمش. بوازده ۳ نیجی جلدک ۳۹ نیجی صحیفه‌سنده
 (کولک قلعه‌سی) مذکور اولدینی حالد کولک بوغازی مع‌التأسف ذکر ایدلمشدر (کولهک)
 کله‌سنده کی کافر عرب کافیدر. ایرغادرک قولاندقلری (کورهک) کبی اوقونور. تختهدن یایلمش
 یوکسکلی آزی، بویوچه قوغابه دینلور. بزم طرفلرده یازیلده طولاشان ویا کویلده اوطوران سورو
 صاحب‌لری بوغوردی بوبله کوله‌ک کرا ایچنده یایار، چارشویه بوبله کوله‌ک لرله کتیر برلردی (م) [۲] بوده
 (چالندر) اولمیدر [م] [۳] س، ک، ده‌لیز [۴] ط: حبش [شوالده (ده‌لیز حبش)] اولوق ممکندر [م] [[
 [۵] س: سدیمزودن. ط: ک: سدیمزودن [دوغروسو (سدیمزودن)] اولوق ممکندر [م] [

قله‌سی دبنده ایچ قله قپوسی اوزره بر ساعت قله‌سی وار تخته‌لیدر [۱] ساعتک چاکی برفرسخ یرده صدا ورر و بو ایچ قله‌نک غرب طرفنده برواسع دوزیرده (دروصف بیوک واروش) جمله اوچیوز عدد تختانی و فوقانی کمی کارگیر و کمی جمله شندره تخته اورتولی اولردر و برجامع و برمسجد و برمدرسه و برمکتب و یوز اون عدد دکانلری واردر اما بزازستانی یوقدر لکن هرمتاع بولنور و قله‌نک خندق کنارنده برحامی و برحان تجارانی وار و نهر طونه کنارنجه معمور و مکلف باغچلی روم کفره‌سی اولری و برکنسه‌لری وار و قله‌نک حواله‌سی اولان بایرلری سراپا باغلی و خلقنک کاری آغلردر کم جمله‌سی بالی اولر لر بو شهرک مشرق طرفی داغلینک اردی افلاق ولایتیدر کم بو شهر آخرالحدود اولوب افلاق سرحدیدر حقیر بونده بکدن [۲] افلاق بکنه خطاباً مکتوب محبت اسلوبلر آلوب دیار افلاقه بوارش اووا طرفندن کیده لم دیو مشاوره اتدی کمزده بو طرفک افلاق کفاری هنوز عصیان اوزره در طونانک قرشو فتح اسلام طرفندن کیدوب و دیندن یا خود غیری اسکله لردن افلاق ولایتنه کچک دیورای احسن کوردکلرنده همان حقیر اورادن آتلیزمله کیلره بنوب نهر طونایی عبور ایدوب . . . ساعت دخی طرف قبله‌یه طونا کناربله سلامت کیدوب

در بیان عجایب و غرایب کرداب دمر قپو

غریب مخوف و مخاطره جزیره یردر رومده و عرب و عجمده و جمیع فرنک کشتیانلری بیننده مشهور آفاق برطونا نهری کردابیدر بو کتر احقر العباد اوطوز آلتی بیلدر اقالیم سبعة بی سیاحت آمده خصمنده [۳] اولوب اون سکز پادشاهلق و قراللق ولایتلرده . . . عدد دربند خاکیدر [۴] مثال دمر قپولر کوردم اولا ابتدا دیار بکر ایالتنده نهر شط باشی قربنده ارغنی قله‌سی ایله چنارلی دره مایننده اسکندرک شط جریان اتسون دیو قیالری کسیدیکی ارغنی دمر

[۱] ک : تخته اورتولیدر [۲] ک : بوسنجاق بکندن [۳] پ ؛ س ؛ ک : خصمنده [دوغروسی (حصه مند) یا خود (حظمند) اولوق ممکندر . ط نسخه‌سنده بوکله یوقدر (م) [۴] بوکله یوقاریلرده (جالندر) دیه یکمکده در (م)

بو بوغازدن جمله کیلردن کومروک آنزرمش الحاصل امان نظرایله کوروب عجایب و غرایب تماشا گاه یرلردر بعده حقیر بو انلک بلن کچوب جانب شرقه ۴ ساعت نهر طونا کنارنجه کیدوب

اوصاف قلعه کهنه آباد ارش اووا

سنه . . . تاریخده ابوالفتح امرالرندن غازی بالی بك دست اردل کفارندن فتح ایدوب نیجه سنه خالی و معطل یاتوب بعده سنه ۹۳۳ تاریخده سلیمان خان عصرنده فاتح طمشوار وزیر نانی احمد پاشا تعمیر و ترمیم ایدوب طمشوار ایالتی تحریر اولنوب سنجاق بکی تختی اولدی حالا قانون سلیمان خان اوزره بکینک خاصی ۳۱۰۰۰۰ اچهدر و تحت لواسنده ارباب زعامتی ۱۳ و ارباب تیماری ۵۵۶ نفردر الای بکیسی و چری باشیسی و یوزباشیسی واردر قانون اوزره جبه لولری ایله و بکینک عسکر یله حین صواش پرخاشده اوچ بیک کزیده عسکر اولور قانون اوزره بو سنجاقده سپاه کتخدایری و یکیچری سرداری و قلعه دزداری و یوز الی عدد مردم حصاری و عزبان اغاری و مرتلوسان اغاری و کومروک امینی و محتسبی و باجداری و خراج امینی و معمار اغاسی و شهر کتخداسی واردر و شرع رسول مین طرفندن شیخ اسلامی و نقیب الاشرافی و یوز الی اچه پایه سیله قاضیسی و یتیم پاره ناحیه قرالری واردر و قلعه سی نهر طونا کنارنده شکل مربع بر دولار ختم بنا پلنقه رعنادر کم دار آ مادار جرمی سکز یوز آدیمدر و ایکی عدد قپوسی وار بری طونا کنارنده مشرق طرفنه ناظر کوچوک اجاج قناتلی قپودر و بری دخی مغرب طرفنده طونا کنارنجه واروش قپوسیدر کم قلعه نك جانب جنوب نهر طونا دوکر اما شمال جانبی حواله لی یرلردر و اچاق خندقلری واردر بو قلعه ده بک سرایی جمله خاندانلردن معمور اولوب طونا کنارنده کی دیوار اوزره متعدد قاعله و کونا کون تفرج گاه مقصوره لی یرلری وار و جمله الی عدد تخته شندره اورتولی خانه لر وار و بیوک قپودبنده طونایه ناظر بر کوچوک مفرح جامی وار جماعتی و فرت اوزره در (در بیان ایچ قلعه) کفار زماندن قالمش شدادی چار گوشه طاش بنا بر قلعه زیبا کدر ایچنده انجاق دزداری و امام و مؤذن و مهتر باشی انده اولور و زندان

قلعه دن بربرلينه طونا اوزره قات اندر قات آدم قولى قاللغى دمر زنجيرلى قرشو قرشويه باغليوب بر كمى دكل برچيرنق بيله كچه من ايش حالا زنجيرلك دلاب يرلى ايكي طرفده كي قيالده ظاهر و باهردر و بو ايكي باننده كي قيالرى يانقو ابن مادبانك ابتدا اسلامبول قلعه سنه تمى براغوب بنا ايده تك قرن داشى يانوان قرال بو قيالرك طونا كنارلرن اويوب ايكي عربه چكر واسع اويولمش قيادن كسمه يوللر اتمشكم كومي ستونى و اماسيه شهري قيالرن پس [۱] فرهاد كوه كن كسمه قادر دكل عظيم انلى كسمه يوللردر كم مقدور بشر دكلدر حالا طونا كيلرينك دريادن [۲] كشتيانلرى قالين پالامار ايلر ايله كيلرى بو كسمه قيالرك بولنده قوت ورنج و عنا ايله چكرلر زيرا بو محلك دار بوغازندن نهر طونا يوقوش آشاغى يلدرم كبي جريان اتدو كنه كوز ايرمز الحاصل بو قيالرى فرهاد دخى كسمه قادر دكل عبرتتا بر دار و مهيب بوغازدر كم جميع لشكر بو تنك محلدن عبور اتدكده ملاح زبان [۳] كشتيانلرك فرياد و فغانلردن بوداغلر قبه آسمان كبي كوم كوم كورليوب صدا ورنر عبرتتا تماشا كاهدر اندن بو مذكور ايكي طرف قلعه نرك آلتلى نهر طونا يه ناظر كوه بى ستون كبي قيالرك دلك دلك مغاره لدر و انلك بكي طرفنده اولان قلعه بر قيالى برون اوزره اولماق ايله ينه يانوان قرال بو قلعه قياسنك داغى اردنى بر خيلى كسوب نهر طونايى آقيدوب قلعه بر جزيره كبي اتمك مراد ايده نمش اما عمرى وفا اتميوب حالى اوزره قالمش اما بو قيالى دخى بو مرتبه كسوب طونا آقتمق همتى دخى مقدور بشر دكلدر اكر اويله اولسه بو انلك قلعه سى سدا سكوندر اولوردى حتى كفره زمانى

[۱] ك: كسن. س: بش [ط نسخه سنده بوكله بو قيدر (م)] [۲] بوراده كي (دريادن) كله سى ياكلش اوله كر كدر دوغرو سى رانك ضى ريا فتخى، بانك تشديديله (ربان) اولميدر كه كمى طاقه سنك ريشى يعنى قپودان و يا خود شاب دكزينه مخصوص اولمق اوزره شاپلرك يربنى ييلن و دومنده او طوره رق قوماندا ايدين قلاغوز مناسنه در بوكله عربلرجه شاپ دكزينك قلاغوزينه مخصوص ايدسه بو تختلى كردايده شاب دكزينه بگزه ديكي ايچون مؤلف بو كله يى بوراده بك كوزل قوللا تمشدر (م) [۳] بوراده كي (زبان) كله سى ده ياكلش اولسه كر كدر دوغرو سى بو قارنده اولديغى كبي (ربان) اولميدر. برده بوراده جباره تك حق اسلاف اصولتجه (ملاح و ربان و كشتيانلرك) اولميدر (ربان) كله سى قاموسده هم (رب) ماده سنده، همده (رب ن) ماده سنده يازيليدر (م)

ستایش قصبہ پوراچا [۱]

بو محل و دین سنجائی طوپراغی و فتح اسلام قلعہ سی قاضی سنک نیابتیدر وودین صوباشیسی حاکمدر بوشهر نہر طونا ساحنندہ بردہ آغزندہ اکسہ سی داغلی جملہ باغلیر و باغلیرندہ زاغلیر باغلیرک اوزوملرندن یدکجہ باغلیر صاحبلیری زاغلیردن فریاد ایدوب آغلیرلر و اول باغلی داغلیرک دامنندہ واقع اولمش برقصبہ بورہ جاجقدر بر جامعی و اوج محلہ مسجدی و برخانلی و بر حامی و اون عدد دکانی و بر مدرسہ و بر تکیہ و برمکتبی وار بنوک دخی جملہ خلقی کیجیلردر و آب و هواسی غایت لطیفدر بو قصبہ نہر طونانک بر بوجانندہ واقع اولوب عظیم لیماندر تحتہ لی کردابندن خلاص اولان طونانک طرانسہ نام کیلیری جملہ بولیمانده یطرلر بو حقیرکتر بو قصبہ دخی سیر و تماشا ایدوب تکرار قرشو اوج قله طرفنہ کچوب اندہ قلاغلیر آلوب مشرق طرفنہ طونا نہری کنارنجہ بش ساعت کیدوب

اوصاف قلعہ انلک [۲]

بو محللر بر عجایب دار فنا بوغازدر کم طونانک ایکی طرفنی اوج سماہ سر چکمش یالچین قیالر اوزرہ قرشو قرشویہ کافر زمانی ایکی دانه قلعہلر وار کم کویا ہر بری دربند مشادر [۳] اما حالا بو ایکی عدد قلعہلرک ایچلرندہ آدم و آدمی زاد یوقدر لکن طونا کیلیری بو محلہ کچدکلرندہ کیلیری طونا حایدودی باصوب بو بوغازدہ غارت اتمہ سن دیو اریش اووا [۴] بکی بو انلک قلعہ سنہ و قرشو طرفدہ کویہ پشتہ [۵] قلعہ سنہ وودین بکی دخی توفنکلیلر قیوب طونا قپودانی دخی کیلیر ایلہ بو اینلک بوغازندہ اون ایکی پارہ فرقتلر ایلہ پالپہ آلمستہ حاضر اولوب طونا کیلیرین بو حال اوزرہ کچرمکہ جملہ بکلر و قپودانلر مأموردر زیرا بومذکور اینلک قلعہلری بوغازی طونا اوزرہ حقا کہ بر کرداب موحددر زیرا بوغازدہ ہر زمان طونا کافرلری کیلیری [۶] بصوب نہب و غارت ایدرلر کفار زمانی بو ایکی

[۱] ک : بوراجا [۲] ک : اینلک [۳] پ ، س ، ک : ماشادر [۴] س ، ک : ارش اووا [۵] پ ، س : کولس (قطہ سز) . ک : کوسہ [۶] ک : تجار مسلمین کیلیرن

وار جمله عمارت لری تختہ اورتولی ایکی یوز اون یدی اودر اما آب و هواسی لطیفدر بنوک دخی جمله اہالیسی طونا کیچیلریدر اعیان و اشرفلری یوقدر اما حدیقہ مثال باغلری چوقدر حقیر بونی دخی سیر و تماشایدوب کمی ایله تکرار بری طرفدہ دورن اووابہ کچوب ینہ دزداردن قولاووزلر آلوب شرق طرفنہ ۴ ساعتدہ کیدوب

دروصف تماشاکاہ کرداب تختہلی

العیاذباللہ تعالی بو کردابدہ ہرسنہ یتمش سکسن پارہ طونا کیملری پارہ [۱] اولوب یوقدر بیک آدم ہلاک اولور کرچہ بردار بوغاز دکلدر اما بامراللہ تعالی نہر طونا ایچندہ بری جانبدن تا قرشوجانبنہ وارنجہ بوراحاطرہ فقی [۲] طونا ایچندہ بالق صرطی کبی تختہ تختہ دوشہلی طاشلر و قیالر اولدوغیچون بو محلہ تختہ لو کردابی دیرلر ونہر طونانک بو محلہ جریانہ و فریاد و فغانہ آدم تحمل ایدہ مز و بو محلہ بر طرانسہ کمی بی بیک آدم کوچیلہ اشتراق ایلر ایله کوچیلہ چکوب سلامتہ واصل ایدرلر و بعضی کیملرک خالاتلری قیریلوب کیملری ہزاران پارہ اولوب حتی طونا ایچندہ مورینہ بالقلری و قرش [۳] بالقلری بو تختہ لو قیالری آرہ سندن کچرکن سراسیمہ اولوب کیمینک بلی قیریلوب قرہ یہ دوشر الحاصل حقانم کرداب طونادر خدا کیملری و بی آدملری اول کرداب المدن خلاص ایلیہ اما بو تختہ لیدن اشقی سی سلامتدر بوتماشالری دخی سیر ایدوب ینہ رقیقلریمز ایله نہر طونا کسنا رنجہ جانب شرقہ ۵ ساعت کیدوب

زل اوچ قلہ

مداووا طورراغندہ بو اوچ قلہ عظیم ماتقدم معمورایمش اردل کفاری خراب ایتمش زیرا بو اوچ قلہ محلنک شمالی طرفندہ اکسہ سندہ کی داغلر و یایلار اردلری جلہ اردل ولایتنک قولجوار [۴] قلہ سی یایلاریدر بو حقیرینہ بو اوچ قلہ محلندن برکی یہ بنوب طونا ایله قرشو فتح اسلام قلہ سی طرفنہ کچوب

[۱] پ : پراکندہ [۲] ک : بوراحاطرفی [دوغروسی (بوراحاطرفی) اولوق مکنکندر (بوراجا) اینہ بوندن برسرلوحہ سوکرہ کلپور (م)] [۳] پ : فرش [۴] ک : قولجوار

قدر کفره اولری جمله شندره تخته اورتولی و تخته حولیلی فقرا خانه لیدر حامی
وخانی و چارشوی بازارای اصلا یوقدر اما باغ و باغچهلری غایت چوقدر و بوقلمه نك
قرشوسنده سیر و تماشا ایچون کیمه کچوب آن واحده قرشو کچوب

اوصاف قصبه زیبا دورن اووا [۱]

سمندره سنجاغی خاکنده و یووادالقدر و نیابتدر قلعه سی خرابجه اولمش عمارت
خانه لری لب طوناده بر دوزلك چنزار و آره مستان [۲] و میشه یستان کوه بلندر
دامنده واقع اولوب باغ و باغچهلی جمله ایکیز عدد تخته اورتولی و تخته حولیلی
معمور خانه دانلدر و محصولاتی چوق اولدوغندن لسان لاتینجه دیرن اووا یعنی انی
اووا دیمک اولوب آنجق بر تخته اورتولی و بر تخته مناره لی جامعی و بر اتمک جی دکانی
وار غبری عمارت یوقدر جمله خلقی طونا کیمجیلیدر ...

بونی دخی سیر و تماشا ایدوب تکرار کیمه قرشو طرفده لبق اووا یه کچوب دزداردن
قولاووزلر آلوب ۵ ساعت شرق طرفجه کیدوب نیجه اوچوروم قیالر اوزره
کیدوب طونا کنارنده بر باغلی و باغچهلی و چارلی یرده چادریمز ایله مکث ایدوب
اطراف کویلرندن رطایالر قیون و قوزولر و سائر مأ کولات و مشروباتلر کتیروب
خداملریمز طعام پشرمکه باشلقدمه همان حقیر برقاچ ریفقرا ایله ینه بر کیمی به سوار
اولوب طونا ایله قرشو جانبه کچوب

اوصاف قصبه درلق اووا

لسان لاتینده ... دمکدر بودخی سمندره سنجاغی خاک پا کنده و یووادالقدر
و نیابتدر ماتقدم بر معمور پلنقه سی و ارایمش ایچ ایل اولماق ایله خراب اولوب عمار
اولنماشدر اما شمدی طونا کنارنده بر داغ اتمکنده و بر واسع دره آغزنده
صافی باغلی و باغچهلی بر شیرین قصبه رعنادرکم بر جامعی وار آنجاق مناره سی تخته دن
اولوب کوچک جامعدر و بر مسجدی وار اما کفره سی چوقدر حامی و خانی
و چارشوی بازاری یوقدر آنجاق بر اتمکجی دکانی و بر بوزه خانه سی و بر بالقجی دکانی

[۱] ك : دورن اووا [۲] ك : ارستان [۳] ك : دورن اووا

محمد پاشای ولی کورجنک قلعه سن فتح ایدوب بوقلعه بال یزطوپلر ایله کورجنک قلعه سندن دوکه درون واراطده اولان کفار بدکردار مردارالمان ای عسا کر آل عثمان دیوب امان ایله حیقوب اردل دیارینه واروب حالا المزده اولان واراط قلعه سن بو واراط نامیله بنا اتدکلرندن اسمنه واراط دیرلر برروایتده ذکر سبقت اتدیکی اوزره واراط قلعه سی ایچره منوچهر اولادلری اول صاحب قرانلرک طوجدن آلتوندن یالذلی [۱] آتلی صورتلری طلسمات اولدوغندن وار آتلردن غلط واراط دیرلر دیو افواه ناسده سویلر اما بو طونا واراطی اول زمان کفار طرفنده اولاق ایله میمنه و میسره قلعه سنک نیجه یردن دیوارلرن لغملر ایله اندر هوامعلقست ایدوب حالا نیجه یرلرینک دیوارلری خراب وییابدر حالا بعض قلهری وچاه ججیم آسا زندانی دورر غایت متین وواسع وصعب قلعه ایمش بونی دخی سیر و تماشای ایدوب ینه کیلره سوار اولوب نهر طونانک یمین ویسارین تماشای ایده رک طونا ایله باش یوقارو ینه مداوا و قلعه سنه کلوب آندیه دزداردن رفیق قولاغزلر آلوب آندن آتلی میزه سوار اولوب ۵ ساعتده الغار ایله [۲] غازی علی بک دربندندن تپه اشنی نزول ایدوب ینه طونا کناریله واسع یرلرده قرالر کچوب

اوصاف پلنقه لبق اووا

عثمانی بناسبدر نهر طونا کنارنده طمشوار ایالتنده موداوا بکینک خاصی اولوب صو باشی [۳] حاکمدر و نیابتدر دزداری و آلتش نفری وار اما کتخدای یری ویکیکچری سرداری یوقدر و قلعه سی نهر طونادن ایکبوز آدیم بیدجه بر دوز واسع چنزار و خیابان عجم مثال بر اغاجلق اچنده شکل مربع بر کوچوجک پلنقه حکمدر ایچنده بش خانسی وار دزدار و قلعه مهتری و کتخداسی اولور غیری آثار بنادن برشی یوقدر و ایکی قات خندق وار کفار زمانی غایت معمور ایمش حالا بش عدد طوپلری و قپوسی اوکنده خندق آثمیری واروشده بر تخته مناره لی و تخته اورتولی جامعی وار بو واروشده یوز مقداری باغ و باغیچلی مسلمان اولری و یوز

[۱] پ ، س ، ک ، ط : طوجدن آلتون یالذلی [۲] پ ، س ، ک ، ط : العیاذ بالله

[۳] پ ، ک ، س ، صو باشی

(قطعه مرغوب) [۱]

شوماهیلرکه دریا ایچره در دریایی بیلمز لر هم عاقل اولان آدم تهلهکه دریاه کیرمز لر
 بنی آدم دخی بر ایچره اصلا ریخی کورمز لر عجب سر خدادر کم بوسره کیمسه ارمز لر
 الحاصل بو جزیره لهک (۲) ایچره باباسلطان عجب زیارتکاه ارباب دلاندر کم جمله
 کورجنک خلقی هر بار خاکنه واروب یوزلرن سوروب زیارت ایدر لر بو حقیر پر
 تقصیر دخی زیارت ایدوب (اذاخیرتم فی الامور فاستعینوا من اهل القبور) حدیث شریفی
 اوزره روح پرفتوح لرندن استعانت طلب ایدوب اندن ینه نهر طونا کیمسیله آشنی
 آقوب طونانک کورجنک بوغازنده کی اوج آسمانه پیوسته اولمش قیالرده نیجه کره
 یوز بیک عدد کورجن آشیانلری اولدوغندن بو قلعیه کورجنک قلعه سی دیر لر
 نیجه لر بو قیالرده افلاطون الهینک کورجن جمعی ایچون طلسماتی واردر دیر لر اما حقیر
 مطمئسمین کورمدم کذب حرامدر لکن (عجیب وغریب سر خدا) بو قیالرده
 کره یوز بیک کبوترلرک یووارنده اولان یاورولرن نه یلان ونه چیان نه شاهین
 نه دوغان وزغنوس وبلبان قوشلری شکار اتمز لر ونی آدمندن ده بر فرد آفریده
 بو قیالره عروج ایدوب کورجین یاورولرن آملازلر عجب تماشادر و بو کورجین قیاسی
 بوغازینک ایکی طرفی سمایه قدکشان اولمش تنک قیالرک آره سنده نهر طونا او یله سریع
 جریان ایدر کم اوق آتسک صویه ارمز و جمیع کیمیلر دخی برق خاطف کبی شاقیوب
 عبور ایدر لر تا بومرتبه تنک بوغازدر و زیارتکاه اولان بابا قیاسنک بر اوق منزلی
 قرشو طرفنده یعنی طمشوار خاکنده

اوصاف قلعه طونا واراڤی

حالا طمشوار ایالتنده نهر طونا کنارنده بریالچین قیا اوزره صعب قلعه ایمش

[۱] بو قطعه نک برنجی مصرعی (خیالی) نک

جهان آرا جهان ایچنده در آرای بیلمز لر او ماهیلرکه دریا ایچره در دریایی بیلمز لر
 مطلعلی غزلنک ایکنجی مصرعیدر شو قدرکه (او) برینه (شو) کتیرلشدر
 دیمک که شو قطعه نک ناظمی مذکور مصرعی آلهرق بوکا اوج مصرع علاوه ایشدر
 مع مافیله ناظم عجمی برشاعره بکزه یور (م) [۲] نک : بو جزیره جک

و فرت اوزره در و غرب طرفته [۱] باغ و باغچه‌لریده جمله نهر طونا کنارینه واقع اولوب کویا باغ ارمدر و هوایی اعتدال اوزره اولوب سائر شهرلردن سهل اسیدر ...

بو قلعه دخی سیرو تماشایدوب ینه رفیقلمزله کشتی به بنوب همان قلعه مقابله سنده طونا اور تاسنده جزیره ایچره [۲]

زیارت بابا سلطان

بر سیوری قیا اوزره ایکی دانه درخت منتهار سمندر [۳] مزبور دده سلطان مذکور شجرینک سایه حمایه سنده آسوده حالدر (حکمت خدای عظیم) بیلده بر کره جمله طونا نهرینک بالیقلمری بو بابا سلطان جزیره سی کنارینه کلوب اویله یغیلمر لکم طونانک ایکی فرقی [۴] ماهیء کونا کونلر ایله زین اولوب بالقلرک ازدحامندن طونا اوزره سهل بالقی باغی آقار تا بومرتبه اسماکلرک ازدحامی اولوب مذکور بابا سلطانی زیارت ایدرلر بو محله بالقلرک زیارت کونلری صیاد ماهیلر و غیره فرد آفریده بالقی آولامازلر و بالقلر دخی اولکون اصلا آدمدن قاچازلرنیجه ماهیلری زیارتکاهه وارانلر لرینه آلوب ینه طرفه العین ایچره صویه قورلر بو محله حقیر مشاهده اتمک بالقلر دیلی یوقدر زیرا اسلامبول پرده سی و [۵] قایقلمری قدر متفرقه نام مورویه [۶] بالقلری باشلرین اژدر هفت سر کبی طونادن طشره چیقاروب مغاره کبی آغزلرین آچوب صو ایچدکلرنده آغزلری ایچنه نظر ایدوب کوردم اصلا دیللیری یوقدر و بالقلر صو ایچمی صودن طشره باش چیقاروب روزکار ایچمسیدر بو خصوصده بالقی دخی انسان کییدر اگر بالقی طشره چیقوب صورینه روزکاری چوق ایچرسه اولور آدم دخی (ومن الماه کل نیء حی) ایکن صویه کیروب صونی چوق ایچرسه غرق اولور اما بنی آده روزکار ضرر آتمز ماهیلره دخی صو ضرر آتمز

[۱] ك : و غرب طرفنده [۲] ك : بو جزیره نك ایچنده [۳] دوغروسی (یتمشدر) اولوق ممکندر (م) [۴] ك : فرقی [۵] ك : برده سی [۶] ك : مورنه . ط : مورنه . س : موروه

خرا بذر ایچنده بی آدم یوقدر اما بو طونا کورچنلکی معمور قلعه درسنه ... تاریخنده ابوالفتح فتحیدر بدست سعید و شهید قوجه محمد پاشا دست صرفدن دست وقوت بازو ایله فتح ایدوب حالا بو دین ایالتنده سمندرہ سنجاغی طوپراغنده و بودالقدر کتخدایری و یکچیری سرداری و قلعه دزداری و الی عدد مردم حصاری و امینی و خراج امینی و باجداری و محتسبی و معمار باشی و قلعه مرمانه مأمور میراخور اغاسی ویدی نفر قلعه اغاری و شیخ الاسلامی و نقیب الاشرافی و یوز الی ایچہ پایه سیمیله قاضیمی و یوز قرق ناحیه قراسی واردر اما قلعه‌سی نهر طونه ساحلنده اوج آسمانه سرچکمش بریالچین پشته قیا اوزره شکل مسدس شدادی کارکیر سنک طراش یعنی دار صواش غایت متین یدی قله‌لی قلعه عبرتمادر بش قلعه‌سی یالچن پشته قیا اوزره و ایکی عدد قله‌سن نهر طونا دوکر صعب قلعه سردمدردر بو قلعه‌نک جانب اربعه‌سی یالچین قیا اوزره اولماق ایله اصلا بر طرفدن بو حصار استواره لغم و سبیه و مترس ایله ظفر ممکن دکلدر و کویا کوه‌بی ستون مثال طونا نهری ایچنه چقمش بر یوکسک بورون اوزره واقع اولمش بر قلعه سردمدردر ایچ قلعه‌ده یدی او و بر غلال انباری و قلعه‌لرنده جبه‌خانه کونا کون و ذخیره ایچون قرمزی داری دورر و بر محمود پاشا جامعی و غرب طرفنه مکشوف بر دمیر قپوسی وار او قپونک قله‌دن [۱] آشنی تا نهر طونایه اینر بر غرایب عبرتتا سو یولی وار غرایب و عجایب [۲] صنعتدر اما طشره قلعه‌ده آشنی طونا کنارنده جمله اوج محله و جمله اوج محرابدر اولا حاجی علی جامعی [۳] طونا کنارنده جامع نوبنادر ماعدا مساجدلدر جمله ... عدد مدرسه‌لدر و جمله ... عدد تکیه درویشاندر و جمله ... عدد مکتب صبیاندر و جمله برحامی وار قوجه محمود پاشانکدر و جمله الی مقداری دکانلدر بزازستان و عمارت اطعامی [۴] یوقدر اما محمود ولی پاشا [۵] حین فتحده بو قلعه اها لیسنه خیر دطالر ایدوب غایت منع کمسنلری و اهل و عیاللری و غذیمت اوزره محصولات و حیوانات و نباتاتلری

[۱] ک : قله‌سندن [۲] ک : غرب و عجیب [۳] ک : حاجی بک جامعی [۴] ک : عمارت

دارالاطعامی [۵] ک : محمود پاشای ولی

وزوار بریحار [۱] حاجیدی چوقدر خلوق وحلیم و سلیم ولی نعم و غریب دوست بوشتاق آدملردر کم غایت اهل عرض لردر و جمله ... عدد مساجدلردر و جمله ایکی رده مدرسه لردر و جمله [۰] و بو قلعه نك مشرق طرفنه قریب نهر عظیم موراوا چاقچه و رودینك [۲] و آله حصار داغلرندن جمع اولوب بلغرادك شاهراهنده یعودنا [۳] نام محلدن خشب جسر دن عبور ایدوب بو کویلوچ قلعه سی قریبند نهر عظیم طونایه مخلوط اولور آندن ینه کشتی به سوار اولوب بر ساعت یوقوش اشفی انوب تکرار قلعه یکی پلنقه یه کلوب علی موداوا بکندن رفیقلر آلوب شهر کنارنده نهر پرچالی [۴] کچوب ۵ ساعتده غازی علی بك قولی ایله داغلا و صعب یوللر کچوب ۲ ساعت [۵] دخی نهر طونا کنار یله جانب شرقه سلامت کیدوب

اوصاف پلنقه قدیم مداواوا

یعنی لسان صرفجه نال اووایی دمکدر اما غلط مشهور اولی اولماغله موداواوا درلر ماقدم قانون اوزره مداواوا بکنك تخنی بو ایدی سنه ... تاریخنده ابوالفتح عصرنده غازی بالی بك فتحیدر طونا کنارنده چارکوشه ایکی قپولی برور انجه کوچك پلنقه بقدر ایچنده الی عدد تخته اورتولی نفرات خانلری و بر تخته مناره لی کوچوك جامی و دزداری و اوچیوز عدد مردم حصار ی وار یکی پلنقه بناسی و یوواداسی وار غیر ی حاکم لری یوقدر اما طشره واروشنده ایکی یوز عدد باغلی و باغچه لی شندره تخته و ساز اورتولی رعایا اولری و بر کوچك تخته اورتولی جامی و بر اککچی دکانی وار خانی و حامی و غیر ی دکان لری یوقدر اما اون کونه بالی مشهور اولدوغندن مداواوا درلر بوندن ینه بر کشتی به سوار اولوب بر ساعتده نهر طونا ایله اشغی آقوب قرشوسمندره خاکنده

اوصاف دار کبوترك یعنی قلعه آشیان کورچنك [۶]

روم ایلنده دیمه طوقه قره سی قریبند بر کورچنك قلعه سی دخی وار اما [۱] دوغروسی (اهالی ولایت مجار وزوار بریحار) اولوق ممکندر (م) (۰) ایکی سطر آجیق وار [۲] پ، ک، رودینك [۳] س، ک، بمودسا (نقطه سز) [۴] س: زخالی. ط: رحالی (حالبوک ص... ده یکی پلنقه مک بوبوک واروشی اشکالنده مننده (رحال)، هامشده س، ک، ط نسخه لینه کورم (رحال) دیه یکمشدی (م) [۵] ک: ۷ ساعت [۶] ک نسخه سنده کافک ضمی، و اوک فتحی، رانک سکونیه حرکه نهدر که استانبول امجه سیدر (م)

ایله ینه طونه کشتی سنه سوار اولوب نهر طونا اینه غرب طرفنه باش یوقارو رنج و عناقوره کن چکرک بش ساعت کیدوب طونانک قرشو جنوب طرفی که سمندره قلعه‌سی جانیدر اول طرفه یانه شوب بر ساعت دخی کیدوب

اوصاف بنای کوچ یعنی قلعه کویلوچ

برقلعه کویلوچ دخی بوسنه ایالتنده هر سگ سنجاغی خاکنده لب دریاده اولان بووه [۱] قلعه سنک شمانده ماجقه [۲] سحرسی نهایتنده بر کوه بلند اوزره واقع اولمش کویلوچ قلعه‌سی وار اما بو طونا کویلوچیدر سنه ... تاریخنده ابوالفتح سلطان محمدخان عصرنده بدست غازی بالی بک دست صرف قرالی الندن دست قهر ایله فتح ایدوب حالا بو دین ایالتنده سمندره سنجاغی خاکنده ویودالقدر و سمندره قاضیمی نیابتیدر قلعه‌سی لب طوناده بردولک [۳] یرده شکل شمس اوج قات شدادی طاش بنا قلعه رعنادر کم دایر آ مادار جرمی کامل بیک التیوز کره آدم اولوب قبله طرفنه بیوک قپوسی ولیمان طرفنه صو قپوسی وار اسکی بنا اولوق ایله بیاض قلعه دکدر یعنی کیشیف قلعه عتیقدر کم در و دیوار لری قره جه و بعض یرلری آله رخنه دار یرلری وار اما سمندره قلعه‌سی کچی عجیب و غریب اون یدی سیوری تخته کلاهی قبله لری وار اما ایچ قلعه‌سی طشره قات قلعه دن یوکسکدر و جله یکر می پاره شاهی طوب جغز لری وار اما بش عدد طوپلری عجیب مهیب طوپلردر لکن ایچ قلعه‌سی کوچکدر انجاق دزداز و کتخدا و امام و مؤذن خانه لری وار و جبهه خانه لری و غلال انباری و برخنکار جامعی وار تخته اورتولودر و اشغی طونایه ایتیر صویولی و بر قپوسی وار غیری شی یوقدر و طشره قلعه ده یوز قرق عدد تخته شنده اورتولی اولدر و جله ایکی محرابدر و ایکی محله در و قره طرفی متین خندقلیدر کم ایچندن نهر طونا جریان ایدر اما شهر خارجنده کی داغلرده باغلر زین اولمشدر ممدو حاتندن بیاض آبدار خوش خور کرازی و سیاه اریکی و امرودی مشهوردر آب و هواسنک لطافتندن محبوبی غایت چوقدر محبوبه لری غایت مؤدبه خاتونلری اولوب اهالی ولایت مجار

[۱] ک: بوزه [۲] پ، س، ک: عا جغه [۳] ک: بردولک

عینی بو نقش اوزره تحریر اولمش قارسی شکلی تاریخدرکم اصلا زیاده و نقصانی یوقدر و قلعه نك طوپلری چوقدر و مشرق طرفنده خندق واردر اما غایت داردر و باطی طرفی یالچین قیالی حصدر حتی طونا کناری اولمق ایله بو قیالر طرفنده خندق یوقدر

ستایش و اروش قلعه احرام

سبب تسمیه سی اولدرکم بو قلعه بنا اتمکک بایزید ولی بو جای مهوده کلوب بر احرام اوزره مکث ایدوب بو احرام یرنده بکا بر قلعه بنا ایدک دیو نطق بیوردقلرنده مبارک دست شریفیله احرامی اطرافنه طاشلر قیوب [۱] احرام قلعه سیدر دیو نام ویررلر حالا مذکور قلعه نك یری احرام جرمنده قلعه [۲] بالادر انکیچون وحه تسمیه سنه احرام قلعه دیرلر شیرین بر قلعه مزیندر بو قلعه نك قبله جانبنده قلعه یه سهل حواله بر مرتفع زمینده براروش عظیم آتمش هنوز بر قاچ آی مقدم احراق اولوب نیچه یرلری خراب و بیاب حالی اوزره یطردی انجق قلعه اوکنده بر طاش بناخان و ار طمشواری جیم جیمه [۳] دفتردارک خیراتیدر و شهر هنوز عمارت اولوب انجاق ایکیوز قدر شندهر تحته ایله مستور خانه نوبنای معمورلدرر جمله یکریمی عدد نوبنا دکانلدرر و بر جامعی وار بو دخی هنوز احراق اولوب جانب وقفدن عمار اولده ایدی قلعه دن آشنی بر کوچک حامی وار و الحاصل بو واروش معمور دکلدر اما آب و هواسی باغ و بانچه لری لطیفدر خلقی روم ایلی طرزی اسباب کیوب بوشناجقه و صرف و بولغارجه و تورکجه کلمات ایدرلر بو شهری دخی تماشای ایدوب ینه کشتی یه سوار اولوب قرشو طرفده یکی پلنقه به تکرار کلوب ارتسی کون ینه سیر و تماشای ایچون بر قاچ یار موافقلر

پ نسخه سنده شویله در :

ای دیار خیرست بدان جام نو رسالودر جن جان خواه نو

حالبوکه بونلرک هیج برسی ده دوغری دکلدر دیمککه مؤلف اوقویه مامش. اساس یا کاش اولدینی کبی یازانلرده بوس بتون بوزمشلر. بوراده یالکز شایان استفاده دوغری بر شی وارسه اوده (۸۹۷) تاریخیدر (م) [۱] س، ک، ط : بیغوب [۲] س، ک، قلعه [۳] ک، ط : جم جیمه . پ : جم جیمه

نهر طونابی عبور ایدرکن رنج و عنال و ریخ عقیملر چکرک برمیله قرشو کچوب

اوصاف قلعه بنام یعنی حصار استوار احرام

سنه ۸۹۷ تاریخده بالذات سلطان بایزید ولی بنا سیدر حالا بودین ایالتنده سمندره سنجاغی خاکنده و بودالقدر و یوز اللی اچقه پایه سیله شریف قضادر زیرا ناحیه لری . . . عدد معمور قراردر سپاه کتخداسی یری و یکیچری سرداری و قلعه دزداری و اللی عدد نفراتلری و شیخ الاسلامی و نقیب الاشرافی و محتسبی و کومروک امینی و باجداری و خراج امینی و معمار اغاسی و آلتی نفر قلعه اغالری وارد

در وصف اشکال قلعه احرام

نهر طونا کنارنده بر یالچین قیا اوزره شکل خمس و بش عدد متین و قوی قلهلی و دائراً مدار بشیوز آدیم جرملی ایکی قات شدادی مجلا و مصیقل سنک طراش بر متین قلعه صواشدر بش قلهسی دخی شنندره تخته اورتولی سوری قبهلی قله سر آمدلردر حتی درون حصارده بر خنکار جامعی و بردزار خانهسی و مذکور قلهرده جبهه خانلر و ذخیره لر و بر صو قپوسی [۱] وارغیری آثار بنادن برشی یوقدر و جانب غربه ناظر بر دمر قپوسی وار اما ایکی قات باب جدیدلرک مابینی آلات سلاح ایله مزین اولوب بوابلر آماده دورلر کرچه ایچ ایلدر دشمندن امیندر اما داغلرک صرف و بولغار حرامیلردن خوف ایدوب قپویی دائماً بکلرلر زیرا جمله شهر اعیانلرینک ذی قیمت اشیارلی بو ایچ قلعهده محفوظدر و بو قلعه قپوسی اولان قله بالا بری بری ایچنده ایکی قات مصنع قله عبرتمادر و بو قپونک [۲] عتبه علیاسی کمری اوزره تاریخی بویله تحریر اولنمشدر

(تاریخ) [۳]

ای ویا حیرست بد از جام نو رما بلورددر جن جان خمره نو سنه ۸۹۷

[۱] ک : قپوسی [۲] پ : و بو قلعه تک [۳] ک نسخه سنده شویله در :

ای و باز حیرست بدان جام بو رسلورددر چن جام حرام نو

س نسخه سندهده بویله در یالکیز (حرام) یرنده (خرام) وار

در بیان اشکال یکی قلعه

نهر طونا ساحلنده بر بایرلی ی اوزره [۱] چار گوشه پلنقه اولوب جمله ایکی قپوسی وار بری مشرق طرفنه ناظر در وبری کوچک قپودر کم نهر طونا کنارینه بو قپودن یکریمی آباق زردبان ایله اینلر طونا طاشمه اون قدمه زردبان قالیر واروش طرفنه مذکور بیوک قپو اوزره بر قصر عالیسی وار محکمه شرع رسول جوارنده در و قپو اوکنده بر عمیق [۲] خندق اوزره مفره لر ایله اصما خشب جبری وار بو جسر دن کچوب بیوک واروشه وارمغه نهر طونا اوزره یوز آدیم کیدوب براغاج جسر دن دخی کچوب آندن واروشه کر یلر بو حساب اوزره بو قلعه نهر طونا احاطه ایدوب بر جزیره کبیدر زیرا طونادن آیرلش بر فرقه اسر [۳] صو دخی واردر

در بیان اشکال بیوک واروش

اولا مذکور جسرک باشنده الی عدد دکانلری و بر خانی و بر جمعی وار جمله اوچ محرابدر و جمله دورد محله در ایکیسی مسلم ایکیسی کفره محله سیدر و جمله اوچبوز عدد باغلی و باغچلی تخته شندره اورتولی معمور خانه لر در و بونده بر بنای لطیف حامی وار اما ایام تموز اولماق ایله مفصل [۴] دوروب جمله خلقی نهر طونایه کبر لر اعیان کبارلری اولرنده صوبه حاملرینه کر لر ز راهراوده چوملکدن صوبه مقرر در و بو شهرک باطی طرفندن نهر قراشوا [۵] جریان ایدوب بو محله قریب نهر طونایه منصب اولور لطیف صودر اما کوچکدر و بو شهرک ابتدا طلوع و خروجی اردل ولایتک قراشوا [۶] داغلرندن کلوب و رسه قلعه سیله بو یکی قلعه صحرا سندن جریان ایدوب نهر طونایه کیرر و نهر ترچال [۷] چالمشاش [۸] بیلاغندن کلوب بو شهرک مشرق جانبی دبنده بوده طونایه ریزان اولور و حقیر بو یکی پلنقه دن بر کشتی به رفیقلمه و شهر اعیانیه سوار اولوب علی طریق السیر [۹] طونادن قرشو قبله جانبنه

[۱] ط : برابر اوزره [۲] س ، ک ، ط : برانی عمیق [۳] ک : انز : پ : اسیر

[۴] طوغروسی معطل اولمیلدر [م] [۵] ک : قراشو پ : فراشوه [۶] ک : قراشو

[۷] پ ، س ، ک ط : ترحال [۸] ب ، ک : چالمش [۹] ک : سیر و تفرج طریقله

بنوك دخى اولرى تخته اورتولى باغلى و باغچلى واسع خانه لدر و جمله سوقاقلرى قومسالچه ير اولماق ايله قالدرمى آذر زيرا اولقدر چامور اولماز و بوشهرک مشرق طرفى تايوقارو قلعه کهنه [۱] و ارنجه داغلى جمله باغلدر هواسنک لطافتندن خلقى صاغلدر اهل کون اوزومى لذيددر اما صوبى سهل شور اجه در يعنى کرن [۲] آجيدر اما خلقى عنقا بازركانلر و غريب دوستلدر و غايت اوجوزلقدرد و غنيمت يردر محبوبى غايت چوقدر بو حقير نهر طونانک طمشوار طرفنده و افلاق طرفنده کورمديکمز شهرلر اولماق ايله طونا کناريله کتمکه عزيمت ايدوب ورسه وويو اداسندن يرار قولاغزلر آلوب ورسه دن جانب قبله يه ۶ ساعته کيدوب

اوصاف یکی پلنقه

سنه... تاريخنده ابوالفتح محمد خان غازى عصر نده غازى... بك [۳] صرف کافرى لندن فتح ايدوب مرور ايام ايله خراب اولدقه سنه ۱۰۷۲ تاريخنده فاتح و اراط وزير ثانى احمد پاشا سلطان محمد خان ثالث فرمانيله تمى قديمى اوزره مجدد آ نهر طونا کنارنده شکل مربع بردوله رخم بنا بر پلنقه رعنا انشا اتمکيله اسمنه یکی پلنقه ديرلر اما بناء اولى قديمدر درون حصارده بر خنکار جامى واللى عدد تخته اورتولى خانه لرى وار و آنجاق پاشانک سرائى سراپا کيرمه ت اورتولى در و حالامود اووا بکى بونده سسا کن اولور حالا محمد خان ثالث تحريرى اوزره طمشوار ايلتنده موداووه [۴] بکنک تخيددر ايکى طوغلى پاشالره دخى صدقه اولتمش لطيف سنجا قدر بکينک حاصى ۲۶۰,۰۸۰ اجه در و جمله زعماسى ۱۳ نفر در و جمله ارباب تيمارى ۱۲۳ چرى باشى و يوز باشى والای بکيسى واردر حين سفرده قانون اوزره مذکور ز عمو ارباب تيمارلرک جبه لورى بکينک توابعيله جمله بشيک عدد کزیده عسکر اولوب طمشوار محافظه سنه مأمور لدر در قانون اوزره سپاه کتخدایرى و يکيچرى سردارى و قلعه دزدارى و يکرمى نفر مردم حصارى و يوزاللى آجه پايه سيله قاضيسى و محتسبى و امينى و باجدارى و شهر کتخداسى و يدى نفر قلعه اعالرى واردر اما شيخ الاسلامى و نقيب الاشرافى يوقدر [۱] ك: كهنه يه [۲] بوكله ك نسخه سنده كافک، رانک فتحى، نوٹك سكوتيله حركه لشمدر (م) [۳] ك: غازى بالى بك [۴] ك: موداووا

سنه ... تاریخنده ابوالفتح سلطان محمدخان فتحیدر بدست غازی یالی بک بعده اردل کفاری بو قلعه استیلا ایدوب آخر کار سنه ۹۳۶ تاریخنده سلیمان خان عصر نده وزیر ثانی احمد پاشا طمشوار فتحه کیدر کن بو قلعه فتح ایدوب حالا طمشوار ایالتنده و و بودالقدر و یوزاللی ایچہ قضادر سپاه کتخدا یری و یکیچری سرداری واردر اما ایچ ایل اولماق ایله یوقاری قلعه دزداری و نفراتلری و عمارتی یوقدر زیر اقلعه سی اوج آسناه برابر برکوه سربلند اوزره شکل بادی برشادی طاش بنا بر قلعه ر عنادر اما جابجا یرلری خرابدر ایچنده قیش کونلری شهر اعیانک چوبانلری قیون قشلا درلر آدم و آدمی زاد ساکن دکدر اما بو قلعه جانب اربعه سنده الیشر ویدیشر قناق یردن کورینور باطی و قبله طرفلری صحرای بی پایانی قلعه بالادر و بو ورسه قلعه سنک اشفی سنده برکول جکیز کنارنده شکل مربع دولما ورختم بر مضع بر پلنقه سی وار جرمی کامل دورت یوز آدمدر کم سنه ۹۳۶ تاریخنده فاتح طمشوار وزیر ثانی احمد پاشا اردل کفاری قطناسی ایچون بو اشفی واروش پلنقه سن بنا ایدوب قطنا عشقیالری اشفی شهر ی غارت اتمش اولوب [۱] دزداری و بکرمی عدد مردم حصار ی و دورد عدد شاه ی طوپلری و کفایت مقداری جبه خانلری وار و قلعه ایچنده بر تخته اورتولی و تخته منارملی بر جامعی و سکنر عدد ینه تخته اورتولی نفرات اولری وار و قلعه نک قبله یه ناظر براغاج قناطلی قپوسی و قپو اوکنده ینه چست جسری و خندق کنارنده برزیبا محکمه سی وار و قلعه نک باطی طرفی بر کوچوک کولدر ایچنده کونا کون ماهیلری سید اولنور

دروصف طشره واروش ورسه

بو اشفی پلنقه قلعه نک قبله طرفنده اوچ یوز عدد تختانی و فوقانی واسع تخته اورتولی معمور اولدرر جمله اوج عدد محرابدر اولو محکمه اوکنده بر جامعی وار چار سو ایچنده واقع اولماق ایله جماعت کثیر دیه مالکدر بوندن غیر ی محله مساجد لر بدر و جمله بر مدرسه و جمله بر تکیه و جمله ایکی مکتب و جمله بر حمام و جمله ایکی خان و جمله یوز اون عدد دکان و جمله اوج عدد سیل خانه عطشان وار و جمله

[۱] ک : ایدمه سن اولور

سفرندن کلدکده بو دمر قپونک ایچ یوزنده خاچک [۱] صحراسی طرفنده قار اوزره مکت اولوب اوچ کون اوچ کیجه بودمر قپو داغلری واورمانلرن آشنجه شدت شتادن اون بیک اسیر قرلدی وبر قحط عظیم اولدوغی جمله بالاده مر قومدر حد خدا شمدی سلامت دمر قپویی کچوب جانب غریبه یوقوش اشینی دیار اسلام ایچره کیدوب (اوصاف منزل قلعه شبش) ماتقدم ایکی کره توصیف اولمشدر اندن ینه جانب غریبه ۶ ساعتده (ستایش قلعه لوغوش) بونی دخی کوپرلی محمد پاشا سنه ۱۰۶۹ تاریخنده یانووه فتحنه کیدرکن فتح اتدوکی و ایکی کره کچدی کمز بالاده موصوفدر اما شمدی بولوغوشه [۲] قونمبوب ۴ ساعتده ینه سمت غریبه کیدوب (اوصاف قلعه طمشوار) والی و لایت اولان جراح قاسم پاشا یانووده ساکن اولوب اردل قرالی نامه لرن هدایایله طمشواره قائم مقامی اولان احمد اایه و یروب برکیجه بونده مهمان اولوب علی الصباح احسانرایله رفیق اولوب طمشواردن قائم مقام اولان مذکور احمد اغانک مکتوبلریه

افلاق ولایتته کتدی کمز قنقلری بیان ایدر

اولا طمشواردن رفیق رایله بر ساعتده اوردون جسرین عبور ایدوب بوجسر بر عظیم خشب جسر قویدر کم الی کوزدر التندن جریان ایدن نهر طمشوار دیار اردلن طلوع ایدوب شبش و لوغوشه [۳] قلعه لرینک خندقلری ایچندن جریان ایدن عیون جاریه لر بونهر طمشه مخلوط اولوب بر قسمی قلعه طمشوار خندقی ایچندن جریان ایدره رک پلنقه [۴] پنج اوانی [۵] عبور ایدوب نهر طونایه مخلوط اولور واوردو [۶] جسرندن ۷ ساعتده صحرا ایله جانب قبله یه کیدوب

اوصاف قلعه ورسه

بش آلتی سنه بوسر حدنری کشت و کذار اتمشدم اما بو قلعه ورسه کورمه مشدم باینسی صرف قرال لرنندن دست توط [۷] قرال بناسیدر لسان صرجه ... دمکدر

[۱] پ : خاصک [۲] پ : لوغوشده [۳] پ ، س ، ک ، ط : لوغوش [۴] پ : فده [۵] ک : باج اوایی [۶] س : اردوز . ک : اوردوز [۷] پ ، س ، ک ، ط : دست نوط

چار کوشه کارگیر بنا بر قلعهٔ رعنادر نیجه دردوبلا چکوب قلعه‌یه جیقوب تماشا ایتمکه قومادیلر انجاق قبودانی طشرده ضیافت ایدوب براز هدایالر وروب کندم حالا بوقله اردل قرالنه عصیان اوزره کفره لردر اندن ۹ ساعتده سمت غربه کیدوب

ستایش قلعهٔ سازوار [۱]

قلعه‌سی بر صو کنارنده و برداغ اتکنده و بر دولک فضاذه کارگیر و سنک بنا بر قلعهٔ رعنا و برواروش زیبا ایدی بونی دخی علی پاشا احراق بالنار ایتدی شمدی‌ینه کالاول عمار اولمش زیرا غایت محصوللی و غنیمت صحرائی و باغ و باغچه‌لی یردر اندن غرب طرفنه ۷ ساعتده نهر مورش عظیم کنار یله معمور و آبادان قرالر ایجره کیدوب دروصف قلعهٔ ده‌وه‌وار

مورش نهرینک قرشو طرفنده اوچ سایه منقلب اولمش بر قلعهٔ قدر تدرکم [۲] ولایت اردلده وچیه [۳] ولهده بوبله بر قلعهٔ قهقهه مثال حصار استوار یوقدر مورش جسر بله چکوب قلعه‌ده بر کیجه مهمان اولدق و مراد و امرامز قدر سیر و تماشا ایتدک کرچه باطی طرفنده کی کوه بلندلر بوقله‌یه حواله دراما آنلردن بوقله‌یه اصلا ضرر یوقدر و بوجه ایله بوقله‌نک یانته وارماز حتی علی پاشا ایله سنه ۱۰۷۱ تاریخنده اردله کیردیکمزده بوقله اصلا اطاعت ایتیب و عسکر اسلامه مورش صوین ایچرمدوکی بالاده مفصل تحریر اولمشدر بعده و اراط قلعه‌سنه کیدرکن بزم لتووه قلعه‌سندن بودوه قلعه‌سنه یینه کلوب و اراطلی [۴] علی اغا برادرز اسیر لکدن خلاص ایتمکه بودوه قلعه‌سنه یینه کلشدک بوقله یینه درستی سیر و تماشا ایدوب قبودانندن هدایالر آلوب آندن یینه جانب قبله‌یه ۳ ساعت صحرائر ایجره کیدوب لنا بوغازن آشوب (منزل قریهٔ بارچای قرال) معظم و معمور بحار و افلاق کوییدر اندن ۶ ساعتده خاصک و خاچک دخی دیرلر بو صحرائی چکوب اندن یینه غربه اسکندر ذوالقرنینک بنا اتدوکی دمر قپونی عبور ایتدک حمد خدا سلامت کچدک اما سنه ۱۰۷۱ تاریخنده علی پاشا ایله اردل

[۱] ک: سازوار. س: سازواری. پ: ساروارو [۲] ط: قدیمدرکم [۳] س، ک: چه

(۴) ک: واحاطلی

ایه ینه اذان محمدی او قوردق اما بو اردل قرالی یاننده ذوق اتدک ارتسی کون سپت صدوغمدن نمسه چاساری وزیر قوجه رودول فوشک و وزیر پلاطونوشک و وزیر زوزانک و وزیر ماتتی قوقوله نک و باش ارشاکلرک و بعض کسه لرک مکتوبلرن اردل قرالینه وردکده وافر حظ ایدوب چاساره بزم الحی قره محمد پاشانک بولشوب نیجه تعظیم و تکریم اولندوغنی ونه یوزدن بولشوب نیجه معامله اولندوغنک احوال لرن سؤال ایدوب حقیر دخی قرالک سؤالنه جوابلر و یروب بعده ینه اوشارلر [۱] حقیری قناعمزه کتروب کامل اوچ هفته پادشاهانه کونا کون صید و شکارلرده ذوق و صفالر ایدوج بعده حقیره اوچ یوز اردل التونی و بر کیسه نکبان اژدر قلعه سی غروشی [۲] و بر بصطاو چوقه و اون طوب قاش و بش قره بنه توفنک و بش ساعت احسان ایتدی عورتی مای فراو دخی برغیری شیر احسان ایتدیکی ظن و کمان اولنیه زیرا ایچ اوغلانلری دخی چوق متاعلر وردیلر و قرال افلاق و بوغدان بکلرینه و ایش ارلرینه و له قرالنه و وارسالغه قراله و قراقو قرالنه و طمشوار وزیرینه و یالی اغاسی قلغای سلطان و نورالدین سلطانه و بالذات قرمخانی محمد کرای خانه کتورمده خفیف بهاده ثقیل هدایا لرایله نامه لرایله افلاق و بوغدان بکلرینه مکتوبلر و یروب و اوچ یوز عدد یرارکافر رفیقلر قوشوب قرال و سائر ایش ارلریه و دالشوب اردل بلغرادندن طمشوار و افلاق و بغداد و لایترینه کتدی کمز

قناقلری بیان ایدر

اولا اولکون ۸ ساعتده

اوصاف قلعه و یحان [۳]

اول و آخر اردل قرالرینه تابع نهر مورس کنارنده بر شهر عظیم ایدی مقدا سنه ۱۰۶۸ تاریخنده اسماعیل پاشا احراق ایتمش ایدی حالا اولقدر معمور اولماش و قلعه سی مورس نهرینک قرشو طرفنده اوج آسمانه برابر بریاچین کوه بالا باشنده [۱] بعض نسخه لرده همزه نک فتعی و واوک سکونیه حرکه لشمدر (م) [۲] ک : نکبان اژدر غروشی [۳] س : و یحاز. ک : و یحاز. پ : نیچان

کلدکنصکره قلعه اودوارهل [۱] آلتنده بوکفره نك لندن ملك احمد پاشا افندیمز
 یایشوب سردار علی پاشایه کوتوروب دیوان عظیمده مستقل قرال اولوب افندیمز
 ملك احمد پاشانك اصالة چراغ افروخته می اولدوغندن حقوق سابقه من اولماسی
 جهتیه شمدی بزه برخیلی اعزاز واکرام ایدوب یاننده برابر برتخت نشین اولوب
 واراظ وزیر ی خصم محمد پاشانك ویانوه وزیر ی جراح قاسم پاشانك محبت نامه لرن
 دست بردست قراله ویروب قراحت اولندوقده آیاهه قالقوب وافر حظ ایدوب «نیچون
 سزك واراظه قریب سیكل هیت قلعه سن وبنم» [۲] ادوربان قلعه سن یقیدیلر [۳] حیفادرینغ
 سیزه برکون لازم اولوردی، دیدی حقیر ایتدم سیكل هیت قلعه سنك یقلماسن منسه چاساری
 انبره طور ی رجا ایلدی انکیچون یققدق آدوربان قلعه سن علی پاشا صلحه بیقوب شربنه
 باتمش سز [۴] پادشاه دن خط شریف کلوب یققدق دیدم وافر متالم اولدی بعده قویندن نیچه
 چاسارینك حقیره ویردیکی یدی قرال ایچون [۵] خطنی اردل قرالی الینه وردیکمه
 عقلی باشندن کیدوب ایاق اوزره قالقوب چاسارک کاغدن جمله دیوانده اولان کافر لره
 گوسترنجه جمله کفره باشلردن کونا کون قلیاقلرن چیقاروب بنم وردیکم کاغده
 دوغری کویا سجده ایدوب حمد ایتدیلر هان کوردم که قرالک کوزلری یاش ایله
 دولوب ترجمانلر چاسارک خطنی اوقیوب مضمونی [۶] معلوم قرال اولنجه هان قرال
 قالقوب بو حقیرک قولتوغنه کیروب خوش کلدک یوزم بیه کلدک بنم اسکی دوستم دیوب
 حقیری چکوب خانه سنه کتوروب عظیم وزنی اوزره اعزاز واکراملر ایدوب کندو
 سراینده اوچ عدد حجره دوشدوب جمله تعینانمز شکر ودار چین و قریفیه وارنجه
 وروب شب وروز کندوسیه ومای فرا ونام عورتی و بو قدر محبوبه زمان محار قزلریله
 حسن القلر ایدرم خدایه عیاندر کیجه منز لیه قدر وروز من روز عبداضحی وروز
 نوروز خوارزم شاهی ایدی اماینه توابعمله اوقات خمسیه مداومت ایدوب اذان
 محمدی بی صوت اعلا ایله تلاوت ایدیکمه مانع دکالر ایدی اماچه ولایتنده ایکن
 قرال سراینده صوت اعلا ایله مملو کرم اذان او قودق لرینه مانع اولوب خلوتی صوت

[۱] پ : اوزوارهل [۲] پ : وهم [۳] (بقدیکنز) اولمی مناسبر (م) [۴] ك : سزینه

یاپمش سز [۵] ك : یدی قرالاق یری سیاحت ایتم ایچون [۶] پ : مفهومی

زیاده معمور و آبادان کوردم اندن قبله طرفنه ۴ ساعت کیدوب (منزل قریه قلبسن) [۱] مرد اولان کوپرولی وزیرک چرانغی بارچای [۲] قرالک خاصی کویدر اندن بر ساعت اسمی معلوم دکل برکوجوک واروشی... و ۵ ساعت دخی کیدوب داغلا ایچنده (منزل قریه یوناچ) [۳] غایت معمور کویدر ورعایاسی قره افلاق کفره سیدر بوخلدن تا ساز مجاری ولایتنه وارنجه جمله رعایاسی قره افلاقدر زیر افلاق ولایتنده بکلری غایت زیاده سیله ظلم ایلدکلرندن جمله افلاق رعایاسی عدل وعدالتدر دیو اردل دیارنده توطن ایدینوب قراله بر آلتون خراج ویررلر غیری تکالیفلری بوقدر اما قره اولاه رعایاسی ناپا کدر اما مجار رعایاسی وعسکریسی پا کدر اندن ینه جانب قبله یه داغلا واورمانلر آشوب ۸ ساعتده

ستایش تحت کاه قرال اردل یعنی قلعه بلغراد ارزل

بوروی ارضده دورد بلغراد واردر روم ایلنده آرنانودبلغرادی و طونا بلغرادی و اوستولنی بلغرادی و بو اردل بلغرادی غایت ارم آسا معمور ایدی ابتدا سنه ۱۰۶۹ تاریخنده بانووه فتحنه کیدرکن قرم خانی محمد کرای خان سلطان قرداش قزاق ایله بو بلغرادی محاصره ایدوب برکونده فتحندنصکره احراق اتدی بعده سنه ۱۰۷۱ تاریخنده سیدی احمد پاشا ایله ینه بر باد ایتدک بعده عمار اولوب ینه سنه ۱۰۷۱ تاریخنده سردار اکرم علی پاشا ایله کلوب خراب اتدی کمز جمله بالاده کی جلدده مفصل کتابت اولنشدر اما شمدی اپوفی محال قلعه سی وکله لرنی وچارشوی و بازاری و حمام و خانلری و سرای خاندانلر تا نهر مورش کنارینه وارنجه و بر طرفی نادار آغاجنه وارنجه او یله معمور اولمشکم تعبیر و توصیف اولنماز و قرالره مخصوص محرق اولان سرای منحوس خانه اولقدر مزین و معمور اولمشکم مثلی مکر چه ولایتنده چه قرالینک فراندون سرایی اوله حمد خدا قرالی بونده بولوب برعظیم دیوانده بو حقیقه بولشوب های اولیا چلبی خوش کلدک دیو تعظیملر اتدی زیرا سنه ... تاریخنده علی پاشا ایله دیار اردلده تاتبسه نهری کنارینه و یا شکل [۴] ولایتنه واروب

[۱] س ، ک : قلبن [۲] ک : بارچای [۳] پ ، س ، ک ، ط : یوناچ [۴] س ، ک :

باسکل ، ط : باشکل . پ : یاسکل

جمله طوزجیلدر در حتی علی پاشا سنه ۱۰۷۱ تاریخنده بوشهری ویران ایدوب نیجه یوز اسیر آلدوغی بالاده کی جلدده مفصل تحریر اولنشدیر اما شمدی عجایب معمور و آبادان اولوب طوز غارلرینی سیروتماشا اتدک نعوذبالله - اندن ۶ ساعت قبله طرفنه کیدوب (قریه معمور دژله) هنوز برقبه مثال عمار اولمش اندن ۵ ساعتده اووالری و معمور قرالری عبور ایدوب

اوصاف قلعه انت وار

بودخی سنه . . . تاریخنده کلدی کمزده بر معمور و مزین کوچوک قلعه و برعظیم آبادان واروش ایدی بودین وزیر چار قاجی اسماعیل پاشا بودین عسکر یله ویران و احراق و غارت ایدوب جمله خلقن اسیر و کباب اتدوکی بالاده مر قومدر اما شمدی اولکیدن بیك قات اعلام معمور و آبادان اولمش اما قلعه سی دخی تعمیر و ترمیم اولیوردی و قلعه سنک حواله سی اولان داغ لر جمله باغ لر در و محبوب و محبوبه لر ی خوب و فراوان در و خلقی طباع لر و تن در ستلر در زیرا آب و هواسی و بناسی و مزرعه لر ی چو قدر

اوصاف واروش زنوار

ماقدم قلعه ایمش سنه ۱۰۷۰ تاریخنده یا نوویلی تانارخان قرداش قزاقله بو محله کلوب بو قلعه بر باد ایدوب حالا حالی اورزه قلمش اما بر معمور مزین واروش عظیمی وار کم مثلی اورتا بحار دیارنده مکر دور و چین شهر ی اوله علی پاشا عصر نده احراق اولنوب حالا ینه عمار اولمش حقیر مقدا کورمه مش ایدم بر داغ دینه واقع اولمش صافی باغ و باغچه لر ایچنده آب و هواسی فراوان باغ ارم مثال بر واروش آبادان در کم حالا بی بدل و بی عدیلدر آندن . . . ساعتده قبله باغ لر آشوب بزم یا نووه قلعه منزله کوله قلعه مزه اوغز ایان نهر کریشک باشندن آتلر ایله کچوب اندن قبله طرفنه داغ لر آشوب (منزل قریه ژدک) اولقدر معمور کوی دکدر اندن ۲ ساعتده جانب قبله کیدوب

اوصاف قلعه شبش وار

سر عسکر علی پاشا ایله وارد غمزده بر باد ایتمشدک شمدی اولکیدن بیك قات

تحریر اولمشدر زبرا بوقلعه حصین متین علی پاشایه اطاعت ایتیوب واروشی احراق اولوب بی حد و بی حساب مال و منال آلتشدی شیمدی غایت معمور کوردک قلعه سی برواسع اوز ایچنده شکل نخمس برشدادی بنای رعنادر اما کوچو کدر و بو محله نهر شاموش مشرق طرفندن کلر آب حیات صودر بو قلعه ده بر کیجه مهمان اولوب قپوداندن احسانور فیکلر آلوب نهر شاموشی آتلا ایله عبور ایدوب ۷ ساعتده [۱] معمور و آبادان قرالری و مزرعه لری کچوب (منزل قریه لسه) آن نینه ۵ ساعتده سمت غربه کیدوب

اوصاف شهر ساموج [۲]

بونی دخی علی پاشا عصرنده خراب و بیاب و برباد اتمشدک حالا معمور اولمش شهری نهر شاموش کنارنده تماشا گاه برباغ ارم و فرح فزای مرامدر بو مذکور شاموش نهری تا سنال [۳] داغلرندن طلوع ایدوب نهر تیسسه یه قریب جریان ایدرک یکر می پاره قلاعلردن قلعه صقمار و قلعه قارول و قلعه اختوار و قلعه بنامین [۴] و قلعه قالیق [۵] صحرا رنده نیجه واروشلره و نیجه ناحیه لری قرالری بونهر شاموش سقی ایدوب قلعه قالیق [۶] ناحیه سنده نهر تیسسه یه مخلوط اولدوغی بالاده مصر حدر آندن ۵ ساعتده

اوصاف واروش طورده [۷]

بو محلك داغلرندن صافنا [۸] طوز کسرلر بو عبرتمانی کورمین جهانی کشت و کدار اتمدیمسن العیاذ بالله تعالی قعرزمینک طوز چیقان غارلرینه قانی و خرسزلر قیوب طوز کسرلر اصلا آدمه بکنزه مز بر آلا ی غول بیابانه بکنزر آدم صفتلی مجرملردر کم فرهاد کبی فرهادی کولونکلر ایله کوه کن مثال جبال منتهالی مغارا مغارا دلوب طوز چیقارلرل قرق بیسک التون حاصل اولور امانت عظیمدر جمیع سرحدلره طوز بو طورده [۹] شهرندن کیدر غایت لذیذ طوزدر و خلقی [۱] ک : ۵ ساعتده [۲] ک : شامه . خ . ط : ساموخ [۳] پ ، س ، ک : سنال [۴] ک : بنامین [۵] ک : قالیق [۶] ک : قالیق [۷] ک : طوزده [۸] ک : قیاقیا . ط : صاقیا [۹] ک ، ط : طوزده

ایله عودتده اوغراقق حالا بوقولوژواریدنجی کیشمزددر حتی بو حقیرک بوادرل دیاریله لهومصقو کافرستانلرن اولقدر کثرت اوزره سفرلر ایدوب وفرت اوزره تماشاشمشدر که بر دخی کورمکه نفرت اتمشم اما جناب باری یاری قیلوبینه کلوب سیاحت اندکاما بوقلعه قولوژوار اردل دیارینک اورتاسنه واقع اولوب قلعه عظیم ومبتین وقوی اولدوغی بالاده کی کراس [۱] جلدلریمزده مفصلاً تحریر اولنمشدر لکن بوقلعه نهر شاموشدن اوزاقدر ونهر شاموشک وراط قلعه مز طرفنده وراطه اوچ مرحله یر اولوب مجار حدودنده در وبوحده کتحریر اولنان اردل قلعه لری وراطدن کون دوغروسی (۲) طرفنه واقع اولمشدر اما بوقولوژوار قلعه سندن تاردل بلغرادینه وارنجه قبله جانبنه کیدیلر بوقولوژوار قلعه سنده بو حقیر استماع اتمک ادرل قرالی اپونی مجال (۳) هاندوسا [۴] ولایتنه کتمش بالضروری بز دخی کرو دونوب او طرفلره کتمک اقتضا ایدوب قولوژوار دن کاه شماله وکاه غربه وکاهجه جنوب طرفلرینه بر هفته کزوب نیجه قرا وقصبات وقلاع لری سیر وتماشاشم ایتدی کمز یرلر جو قدر اما غیر مشهور لری ذکر نده فائده ویاننده عانده اولیوب نیجه منازل لری دخی اسمالری معلوممز اولیوب اوصاف لری تحریر اولنمادی آندن بر منزل کم بامدن [۵] قالقوب ۵ ساعتده

اوصاف قلعه کالو

لسان مجارده ... مکدر مقدما راقوخی لهینک تختی اولدوغی بالاده علی پاشاده

[۱] بوکله بوکتابده همده هر نسخه سنده بوبله ص حرفیله (کراس) دییه کچمکده ایسه ده دوغروسی س ایله (کراس) در . عالمز ، خطاطلر ، مجلدلر آره سننده (جزء) ، مطبعه جیلر آره سننده (فورمه) مقامنده مستعمل عربجه برکله در . حالا کتبخانه لمزده یدی ، سکز عصر اول عرب یازسیله یازلمش کتابلری بعضینده هراون یاراقدن یعنی (۲۰) صحیفه دن عبارت فورمه تک برنجی یاراغتنک برنجی صحیفه سنک اوست طرفنده کوشه به یاقین یرنده (الکراسه الاولی . الکراسه الثانیه ...) قیدلری کورونمکده در . قاموس ترجمه سی بوبایده شویله دیبور : (الکراسه) زمانه وزنده [یعنی کافک ضعی ورائک تشدیدیله] مفرددر جمع جنسی (کراس) در وجمع صیغی (کراس) در . صحیفه دن بر جزوه یعنی اوراق متعدده دن جمع اولنش بر جزوه دینورکه حالا اون صحیفه بر جزو در . نقول (قرأت کراسه من الکتاب ای جزء امن صحیفه . (م) [۲] پ : دوغوسی [۳] ک : مجال [۴] ک : هایدوشاق [۵] دوغروسی کاف فارسیه تک ضعیله ونون ایله (کم نامدن) یاخود متصل یازلدیفته کوره (کثامدن) اولمیدرکه اسمی ضایع اولان وتعبیر دیگرله اسمی غیر معلوم بولونان منزله دن دیمکدر (م)

نهرينك و اراط قلعه من طرفنده دكلدر بزي اردل طرفنده بله شوصو و نلق ناحيه سنده در اما شار بطاق و سكل هيت و تميزه كي بطاقلده صارب قلعه در لکن مسافه بغيده ده خواله سي واردر اندن ۷ ساعت شرقه كيدوب

اوصاف شهر دژواروش

بوني دخی سنه ۱۰۶۹ تاريخنده علي پاشا ايله كلديكمزده اويله احراق بالئار اتمشدك كه كورنلر آيا بونده آثار بنادن بر اثر وارمیدی درلردی حالا اولقدر معمور اولوب باغ ارم وار بر شهر جدید اولوب قلعه مثال منصطرلر و خان و سرای و دكانلر ايله اويله مزین شهر معمور اولمش اما قلعه سی اولماق ايله شهرک اطرافنه يالین قات چیت پلنقه ايله قعر عظیم خندقلر کسوب یدی یرده جسرلی قپولر اتمشدر اندن ینه جانب قلعه ینه معمور یرلره کچوب و عبرتنامه تماشا ایدوب ۷ ساعتده [۱]

اوصاف قلعه نوپوروار [۲]

بو حقیره بو قلعه ینه یدی کره کلک واقع اولدی اوچ کره سی ملک احمد پاشا افندیمر صدر اعظم لکدن سنه ۱۰۶۲ تاريخنده معزول اولوب سلاطره ایالته متصرف ایکن راقوفجی اوغلی عصیان ایدوب له ولایتی قبضه تسخیره آلمانغه کیدرکن سلاطره دن الغازیله اردل ولایتنه کروب راقوفجی اوغلن بو قولوز وارده بولوب ملک احمد پاشا افندیمرک مکتوبلرن آلوب [۳] ینه راقوفجیدن مکتوبلر آلوب کتدم و ینه ایکی کره دخی کتدم آخرکار دوردنچی کلپشمز سنه ۱۰۷۱ تاريخنده غازی سیدی احمد پاشا ايله کلوب بو قولوزوار قلعه سی صحرا سنده راقوفجینک یوز سسکسن بیک جنود جنبلرن دندان تیغ آتش تابدن کچروب راقوفجی زاده ملعون قرال دخی بو جنکده مجروحاً فرار ایدوب اناسنک نامیر (۴) قلعه سنده جان بر جهنم مرد اولوب دولت آل عثمانده سرحد طمشوار امن و امانلر اولدی بشنچی کلپشمزده سنه ۱۰۷۲ تاريخنده سردار معظم علی پاشا ايله بو قولوزوار (۵) کلدک آلتنجی کلپشمز ینه علی پاشا

[۱] پ ، س ، ک : ۶ ساعتده [۲] پ ، س : قولوزوار . ک : قولوزوار [۳] پ ،

س ، پ ، ک : وروب [۴] پ ، س ، ک : نامین [۵] پ : قولوزوارده

جنگ و جدال نصکره بزم عسکریمز یان و یروب فرار ایدر شسکلنده اولدقلری کچی کفار دوزخ قرار عسکریمز عقبه دوشوب قووارکن قلعه کریدن [۱] خیلی آلاقه اولدقلرنده همان ملک احمد پاشا افندیزک کیجه دن کینکاهلره قودوغی عسکر اسلام اژدرهفت سرکچی بصودن صدای الله الله ایله چیقوب کفار ایکی عسکر اورتاسنده صوت لو (۲) طوپه طوظلمش میمونه دونوب کفساری قیره قیره جان قورتولیبوب بو قدر مال غنایله غزات روم ایلی مغتم اولوب اشاغی دره کنارنده کی واروشی احراق ایتدیلر اما شیمدی ایچنده ایکی کیجه مهمان اولوب قپودان ایله بعضی کلات ایدرکن ملک احمد پاشانک بونلری قیردیغنی یاد ایدم کندولرده تعجب ایدوب بزه سیدی پاشاییله غریم اولهمدی اما کیدی ملک پاشا بابا بیزه ابو قلیچ اوروب حیوق مال آلدی دیوسد (۳) ایتدیلر بن دخی قلعه سین تماشایدوب طرز وطور بناسنه تعجب ایدتم وعجیب غریب ومتین سد اسکندر مثال قلعه ایمش بو قلعه کرچه اردله تابعدراما راقو فچی اوغلی مرده بک (۴) ملک موروثی اولماغیله اوچر بیک عسکر ایله راقو فچی اوغلی اباسه (۵) تابعلردر لکن شاموش نهری آشوری قبله طرفنده بر خیلی مسافه بیعه یرده حواله سی واردر بو قلعه تاشادن صکره قبله طرفنه ۵ ساعت کیدوب (منزل قریه کوره) مجار کوییدر آندن ۴ ساعت ینه جانب قبله به کیدرکن نه ر شاموش کنارنده (منزل قریه اورانیار) [۶] یعنی اغالر کوب، (۷) دیمکدر غایت معمور ومزین کند عظیمر آندن ینه طرف قبله به کیدرکن ینه نه ر شاموش [۸] کنارنده معمور کویله ونیجه صارپلق داغله ودره وده لری وبلن یرلری ۶ ساعتده عبور ایدوب

اوصاف منزل قلعه شاموش (۹)

بودخی سنه ۱۰۶۹ تاریخنده علی پاشایه اطاعت ایتیبوب واروشی احراق اولندی ایدی اما شمدیکی حالده اولکیدن معمور اولمشدر قلعه سی بر کولک ایچنده شاموش

- [۱] ك : قلعه دن [دوغروسی (قمه لردن) اولمیدر (م)] [۲] ك : قالوب . پ :
- صوالور [۳] دوغروسی (بسد) اولمیدر. س نسخه سنده ده بو شکلده ایسه ده نقطه سزدر (م)
- [۴] ك : مرده نك [۵] ك : اناسنه . ط . ایاسه [۶] پ س ، ط : اورانبار . ك : اورامبابور
- [۷] ك : اغا کوبی [۸] ك : شاموش [۹] ك : ساموس س : شاموس

دکدر حتی بو عبد کتر سید خانه لک غراره لرینه [۱] براق الوان کاسه و برد قتر قیوب رومه کتر دم کورنلر کار برتقال ظن ایتدیله و الحاصل جمیع کفره لری و نسوان صاحب عصیانلری جمله هزارفن پر معرفت آدم لری وارد بو شهرده حقیره جوق رعایت ایدوب ایکیوز عدد پراسلاح رفیق کفره لر و یروب خصم محمد پاشانک و یردیگی رفیق لری کیرویه دونوب کتدیله بعده بو شهر بحاردن (۲) قالقوب بش ساعتده جانب جنوب طرفه معمور قرالزی کچوب

ینه ستایش ناحیه بله صونلوق

مقدما عسکر اسلام ایله یکر می کون مقدم بو ناحیه بله شو صونلوقک [۳] بر جان بنده مکث اتمشدک شمدی (قریه فراو) قربنده مکث اتمک لفظ (فراو) قرال عورت لرینک اسمیدر بو قریه قرال عورتی خاصی اولماغیله فراو کوی دیلر غایت معمور کویدر کم اردله تابعدر و بو محله بزم و اراط قلعه سنه تابع کویله تمام ودخی و اراطدن بر و عبور اتمیکم ایل و ولایت جمله اردلستاندر اما رعایا لری و نیجه بیک قرالری و اراط ایالتنه زعامت و تیمار خاص وزرا و خاص دفتر دار و دفتر امینی خاصلری قید اولمشدر اندن جانب شرقه ۵ ساعت کیدوب

اوصاف قلعه کویوار

لسان مجارده طاش قلعه دیمکدر اما سرحد قومی بو قلعه یه خیال [۴] قلعه دیلر زیرا حقیقه الحال ایکی چتال برپشته عالی اوزره قرشوقرشویه ایکی قلعه در امانه بری برینه کیدیلر بر قلعه استواردر سنه... [۵] تاریخنده سردار علی پاشایه اطاعت ایتیب بلکه بیکدن زیاده طویل آتدی اول کیجه ملک احمد پاشا افندمز روم ایلی ایالتنه متصرف اولماغیله روم ایلی عسکرندن نصف الیلده اوچ بیک عسکر پر سلاح بصویه قیوب کندولری علی الصباح کافر به ک کوستردکده همان کفار خاکسار بو قلعه کویواردن دوموز سوروسی کبی چیقوب کوزینن عسکریمز اوزره هو ایدوب برخیلی

[۱] ک : خرار لرینه [۲] پ : بهاردن [۳] ک : بله صونلوقک. پ : س : بله صونلوقک
[۴] ک : چتال [۵] ک : سنه ۱۰۶۹

اوصاف سواد عظیم شهر قدیم واروش بحار

اردل ولایتند بویله بر معمور و آبادان باغ ارم مثال شهر عظیم و ناحیه قدیم یوقدر
 تامنوجهر اولادلری زمانندن برو مسکن دار قدیملری واردر و بویله بر نباتات گیاهات
 محصولاتی دار و دیار کور مردم حتی ابتداسیدی احمد پاشا ایله بعده ایکی کره سردار
 علی پاشا و کوچک محمد پاشا ایله بونا حیه عظیمدن یتیم سکنر بیک اسیر و بو قدر
 مال غنایملر آلوب بوقدر بیک عسا کر اسلام ایله صحرا سنده تانار صبارفتار دخی
 مکث ایدوب نیجه کره یوز بیک دوابات مقوله لری نباتات محصولاتلرن بیوب دریاده
 قطره و کونشده ذره ا کسلمز ایدی حتی علی پاشا ایله سنه... [۱] تاریخنده کلدیکه زده
 بوشهر بحاری [۲] خراب و بیاب ایتشدک حالا آلتی سنه دن برو اولکیدن مزین
 و معمور و آبادان اولوب بعضی قرالری قلمه و اراطه تابعدر اما شهری نهر شاموش [۳]
 کنارنده بر باغ ارمدر بروحا کلمرینک روایتی اوزره بیکرمی اوچ بیک شندره تخته
 اورتولی دار منحوسلدر و یتیم عدد دیور کیره و منظرلر و اوچ یوزاللی آسیابلر
 و اینکی بیک عدد دکانلر ایله آراسته و یتیم بیک باغ ارمدر ایله پیراسته اولمش شهر ارم
 ذاتر آب و هواسنک لطافتی و محبوب و محبوبه سنک حسن و نظافتی بردیاره یوقدر کم
 جمله نسوانلری صاحب جمال و لطیف الاعتدال خوب منظر و پری بیکر نسوان و بنتانلری
 وار کم سوزه کلسلر مجار جه بدیع البیان و فصیح اللسان کلماتلر ایدرلر (مدوحانندن)
 بیاض و خاص سپوا کمکی و کونا کون آلوسی و الوان امرودی و انواعندن لعل کون
 یناقلی الماسی غایت مدو حدر حتی میوه لرن سائر اقالیمه هدا یا کتورورلر هنوز لطافت
 و حلاوتی باقی قالیر و طول زمانده میوه سنه اصلا تغیر کلوب لذتی بوزولماز و بو شهرک
 جانب و اطرافنی باغلر و مشبک بوستانلر و باغچهلر وار کم کل کلستانلری ایچره جاری
 آب روانلری کنارنده کاخ خورنقرده کسب طراوت ایدوب بلا تشویش عیش و نوش
 ایدرلر و اول مرغ زار باغلر ایچنده بلبلرک نغمات خوش الحان و اصوات حزینلری
 آدمه روح افزا صفالر ورر و دخی مدوحانندن خاک عمر بیا کنک طین معجونندن
 فغفور چین مثال کلسلر و طباقلر و رنده [۴] و صراحی کوزه لر اولور کم بردیاره مخصوص

[۱] ک : سنه ۱۰۵۹ [۲] پ : بهاری [۳] ک : ساموس . پ : ساموش

[۴] پ : زنده [دوغروسی (زبده) اولق ممکندر (م)].

اردل قرالنه محبت نامه مکتوبلر آلوب عساکر اسلام منصور و مظفر سردار لر ایله جانب و اراطه و جراح قاسم پاشا طرف یاووهیه کیدرکن آنلر ایله وداع لشوب بو حقیقیر پرتقصیر کوچوک آدوربان قلعه سنندن اردل قرالنه

کیتدیگمز قوناقلری ذکر و بیان ایدر

اولا جمله رفیقلمنن ایله مذکور کوچوک آدوربان قلعه سنندن جانب قبله یه سکنز ساعتده داغلا و طاشلر و صعب یوللر آشوب

ناحیه مجارده قریه صرفات [۱]

قصبه مثال بیک خانلی ساز مجاری کوییدر حالا و اراطه قلعه سننه تابعدر اندن یینه مشرق طرفنه کوه بلندلر و صحرالر کچوب یدی ساعتده

قره سی ناحیه سننده قریه سواج

براولو ناحیه معموره ده سواج کویی ماتقدم اردلک ایدی حالا قلعه و اراطه تابعدر اندن یینه جانب مشرقه کیدرکن نیجه قرالری کچوب سکنز ساعتده

اوصاف قلعه حاضر باش یعنی دارصواش حصار حالمش

بانسی معلوم دکادر اما لسان مجارده حالمش . . . دیمکدر بونی دخی سنه ۱۰۷۱ تاریخنده سیدی احمد پاشا ایله برباد آتمشدک حالا معمور اولوب قلعه و اراطه تابعدر ایچنده اردل کفاری وارد بر عظیم ناحیه سی وار جمله و اراطه تحریر اولمشدر اما قلعه سی شکل مثلک حواله لی بر شدادی طاش بنا قلعه رعنادر حالمش ییلاغی دبنه واقع اولماغیله حواله لی یرلری جمله باغلدرد و غرب طرفی (جهی کاد) [۲] ناحیه سیدرکم عظیم نواحیدر هایدوشاق [۳] کافرینه تابعلردر سیکیل هیت قلعه سنن منهدم ایدملی مذکور جهی کاد رعایایی و اراطه کلز اولدیلر و هایدوشاق کافریده خاطر مانده اولوب نیچه چاسارینه تابع اولدیلر اندن مشرق طرفنه آلتی ساعتده

[۱] پ : فرخات [۲] پ : جهی کاد [۳] پ : حاندوساق

واطرافنده ناحیه سی دخی زیاده معمور اولوب و اراط قلعه سی اقلامی تحریر اولمشدر
اندن ینه سحرالری و داغلیری و باغلیری کچوب یدی ساعتده

اوصاف قلعه کوچک آدوربان [۱]

واراط صلحنده ایالت تحریر اولنوب قلعه سی بر پشته عالی اوزره ایکن منهدم
اولوب ناحیه سی قلعه و اراط وزیرینه خاص قید اولمش ایدی اما شمدی اردل
قرالی اولان آپوفی مجال [۲] قرال صلحه مغایر بو قلعه کوچک آدوربانی تعمیر
و ترمیم ایچنه عسکر قودغی طرف شهریار یی عرض اولنوب علی العقیب [۳]
سعادتلو پادشاهدن خط شریف کلوب قلعه آدوربان صغیری دست کفاردن قبضه
تسخیره آلوب قلعه سن ینه خاکه برابر ایده سن دیو خصم محمد پاشایه خط شریف کلن
قلعه بدر همان اول آن سردار محمد پاشا بوقلعه آلتنده مکک اتدکده قلعه یه امان
وزمان و برمیوب اظهر من الشمس [۴] جمله غزات مترسه کیروب انجاق دورت
عدد بال یمز طوپلری قلعه نک سینئه پرکینه سنه و ورونجه قلعه نک نیجه بردن برج
و بارولری و دندان بدنلری هوایه تراب [۵] اولوب قلعه منهدم اولدوغن درون
حصاردن کفار کوروب الاثمان ای کزیده عساکر آل عثمان دیوب فی الحال سردار
طرفه دندان بدنلره بیاض امان یراقلرن دکوب و خاچلی پیکرلرن سرنکون ایدوب
ویره ایله قلعه ویردیله و جمله کفار سلاحسنز قلعه پوچایه جان برجیم کیدنجه درون
حصاره عسکر اسلام کیروب فرمان شهریار ییله قلعه نک درود یوارلرن ایکی کونده خاکه
برابر ایدوب جمله جبه خانه و طوپلری و سایر مهماتلرن قلعه و اراطه کوندردیله
بعده بوقلعه انهدامنه خط شریف ایله کلن سربوایان درگاه عالی مصطفی اغا در دولته
کیتمکده ، اذون اولدوقده همان حقیر دخی (اول الرفیق ثم الطريق) دیوب سردار محمد
پاشادن و جراح قاسم پاشادن اذون اولوب برر کیسه خرج راه و اوچ آت و اوچ
رأس مجار کوله لری و نیجه کونه احسانلر ایله رفیقلر آلوب قبوچی باشی طمشوار طرفه
کیدوب حقیر اردل قرالنه و ارماق مراد اتدیکمده سردار محمد پاشا و قاسم پاشادن

[۱] پ : آدوربان [۲] ، پ ک : مجال [۳] س ، ک : علی التعیب [۴] ک : روزروشنده
[۵] س ، ک : بران

جمله عورتلر بیع و شرا ایدرلر و جمله اوچیوز عدد شاه راه پاك زوقاقلری وار و جانب اربعه‌سی فج عمیق خندقدر و جمله اطرافنده اتی عدد پدربینه [۱] قپولری واردر بوواروش خندقبیله قلعه‌دن صارپندر و جمله اطرافنده یتمش یدی بیک قدر داغلرنده باغلردر الحاصل بو واروش مجار دیارینک مصریدر غایت اوجوزلق و غنیمت محصولدار صحرائی وارکم سراپا مزارعات و مشبک بستان و باغاتلردر (ممدوحاتندن) آل و بیاض اوزومی واریکی و امرودی و خاص و بیاض سپو اکملری ربع مسکونده یوقدر حتی سلیمان خان بودینی سنه ... تاریخنده المان قرالی الندن قبضه تسخیره آلدقده بودوبره چین رطایسی سلیمان خانه غزاک مبارک اوله دیو ایکی چفت اکمک کتیرلر هر بر اکمکی یوزر چفت جاموس قزاقلره چکوب سلیمان خان حضورینه کتوروب هدایا وردکارنده سلیمان خان ولایتکیز غنیمت اولوب اولادلریکیز چوق اوله دیوب اللربینه معاف نامه یروپ حالا اولاد و انسابلری چوق اولوب آدم باشنه برر آلتون خراج و عدد اغنسام و باغ حتی ویرلر غیری تکالیفدن معافلر آنلر شمدی و اراط قلعه‌سی تعمیرنه امداد ایدر اولدیلر و آب و هواسی لطیف اولدوغندن محبوب و محبوبه‌سنه حد و حصر یوقدر بونده دخی سرداره عظیم هدایالر ایله ضیافتلر ایدوب جانب‌شماله داغلر و قرلر ایچره معمور قرالر کچوب

اوصاف قلعه پوچای

لسان اردلده ... دمکدر بانیسی معلوم دکلدر اما قدیم اولدن بر واردل قرالی حکمنده ایدی شمدی و اراط ایالتنده قلعه‌سی و ناحیه سنک جمله خراجی و اراط قولی اقلامیدر لکن و اروشنی و اراط فتحندن اول سیدی احمد پاشا ایله احراق ایتمشدک و قلعه‌سندن امان ایله یتمش کیسه مال آلوب غزاته بخش قلندری آتمشدک حالا اول زماندن برو برسور رعنادر حالا قلعه ایچنده معمور و آبادان اولمش قلعه‌سی بر کولک ساحلنده شکل مربع شدادی برسور رعنادر حالا قلعه ایچنده معمور تحته اورتولی اولری و دیرلری واردر اما طشره و اروشنی خندقلی متین رباطلیدر

[۱] پ: بدربینه

براشی دخی اکره قلعہ سی قربندہ سلطان محمد خان ثالثکم فاتح اکرہ در آنک یدی
 قرال ایله جنک ایدوب بوزولدوغی و صکره کافری منہزم اتدیکی خرستوس [۱]
 بیلاسنده منوچهر اولادلرینک برقلعہ سی دخی ینہ طہراقنددر اول دخی خراب اندر
 خرابدر امابوخاک ہایدوشاقده کی [۲] اکہ کورہ معمورہ در بعدہ بوتانار اوزرندن
 جانب شمالہ اوج ساعت کیدوب

اوصاف قلعه کس قرہ کی

لسان اردلده ... دمکدر بانسی ینہ منوچهر اولادلرندن سکبان [۳] اژدر
 بناسیدر نیچہ ملوک عمار ایدوب الدن انہ کیروب حالا اردل قرالی آپوفی مجال [۴]
 حکمنده ہایدوشاق [۵] ناحیہ سنده بر صحرائ لالہزار چنرازده بر متین قلعه در
 اما مرحوم سیدی غازی احمد پاشا ایله بو قلعه یہ امان و زمان ورمیوب واروش
 عظیمن احراق ایدوب بیچہ بیک اسیر و مال غنایم آلمشدق اما بعدالفتح و اراط
 بو قلعه و رعایالری مطیع و منقاد اولوب کوپرولی محمد پاشا اوقافی اولمشیدی اندن
 طرف غربہ ۵ ساعت معمور و آبادان قرالی خاندان مزینہ لر و صحرائ و داغ و راغ
 و باغلر کچوب

اوصاف وادی عظیم دوبرہ چین

اول و آخر سلیمان خاندن برو بوواروشک رعایالری مطیع و منقادلدر تحریر
 قدیمده اکرہ ایالتی اقلامی ایدی شمدی و اراط ایالتہ تحریر اولندی ہر سنہ پادشاہہ
 قرق بیک عدد انکروس آلتونی [۶] خراج ویرلر و بودین و اکرہ و و اراط
 و یانووہ پاشالری نہ نیچہ یوز بظطو [۷] چوقہ وغیری کونا کون ہدیہ لر و حنطو عربہ لر
 ویرلر بوواروش جملہ اون ایکی بیک سکز یوز عدد سراپا شندرہ تخنہ اورتولی
 تحتانی و فوقانی کار کیر بنا باغلی و باغچہ لی معمور دارمنحوسلری وار و اون ایکی عدد
 اللری کومش دیہ نکلی برو حا کملری وار و جملہ قرق عدد قلعه مثال منسطرلری
 وار و جملہ اوچیوز عدد چوقہ دو قتر دکانلری وغیری بشیوز عدد کامل دکانلرندہ
 [۱] ک : خرشتوش [۲] پ : ہاندوساقده کی [۳] ک : یکبان . پ : یکنان
 [۴] پ، ک : مجال [۵] پ : ہاندوساق [۶] س، ک : انکروس آلتونی [۷] پ : ہسطاو

بجارجا ناحیه‌سندنه شکل بادی سنک طراش برقلعه حاضر باش سور استواردر حتی فازی سیدی احمد پاشا طشره واروشن احراق آتمشدی حالا شمدی اولکیدن زیاده معمور اولوب جمله عسکری کفره‌لی قلعه و اراطه تابعلردر اما قلعه‌لی یینه هایدوشاق کفره‌لی الندهدر وغایت معمور قرالری وار انجق قلعه‌سنه کیرمدک اما مسافه بعیدهدن برنمایشلی مناستری وبرج وبارولری وطاییه‌لی وار برمزین قلعه معموردر اندن قلعه قبودانی وبرولری هداایلرله ضیافت عظیملر کتروب طوب شادمانلری اتدیلر اندن یینه یلدز روزکاری جانبنه بش [۱] ساعتده عبورایدوب

اوصاف قلعه قدیم تاتار

... [۲] اول و آخر دست مجارده ویراندر ابتدا دیار مجارستانده بوقلعه منوجهر اولادلری ماواره النهردن بو اقلیمه کلوب دورت شهزاده جوان بخت منوجهرزاده‌لر بو جای مناصده دورت عددطوپراقدن یغلی قلعه‌لر بناایدلرلر اما طاش ورختم دوله دکلردر آنجاق برعظیم طوپراق یغلی خندقلی صور [۳] قلعه‌لریدر انکیچون تاتار قلعه‌سی دیرلر بومنوجهر اولادلرینک دوردینه سائر کفره‌لر سؤال ایدوب سز کلمر سزدرلر بونلر دخی لسان فارسی ایله بز منجارك [۴] یعنی بز دورت آدمز دمک اولور کیده کیده بونلره منجارمنجار [۵] دیه غلط اولوب تخفیف کلام ایله مجار دیدیلر ایمدی مجار منجاردن [۶] غلط مشهوردر انکیچون لسان فارسیدن مجار لسانی پیدا اولوب اکثریا لسان مجارده بعضی فارسی لغتلر چوق استعمال اولنور مثلا لسان مجارده (ابن تودم [۷] متی پنلا قوت) یعنی بن‌کندی کوزم ایله کوردم وحسابلرنده هتوان هتوان قلنچون [۸] نسوان [۹] ساز لفظی مثللی کلماتلری وازدر و مجارک اصلی منوجهردن درکه ملل [۱۰] قدیمدر وحالا بو طوپراق قلعه‌لی براروش عظیمدر اما طوپلری وتوفنکلیری یوقدر وحالا و اراطه قلعه‌سندنه کی کورولی محمد پاشا جامعنک اوقایدلر لکن رعایاسی مجاردر خاک کی هایدوشاق [۱۱] طوپر اغیدر اما بوتاتار قلعه سنک

[۱] ك: ۴ - ساعتده [۲] س، ك نسخه‌لرنده آجیق یوقدر (م) [۳] ك: طابور [۴] س، پ: بز منچارز. ك: بز منچاربز [۵] پ: منچار منچار [۶] پ: منچاردن [۷] ك: تودوم. پ: قودم [۸] ك: قلیخوان [۹] پ، س، ك: تسوان [۱۰] پ: ملك [۱۱] پ: هاندوشاق

اما بواجب السیر قلعه سد اسکندر اولدوغی بالاده علی پاشا عصرنده مرقومدر
اندن برقوناقدہ جانب شرقہ کیدوب کوه بلندلر دامنندہ

اوصاف باغ ارم عبرتقا قلعه قشہ

اورتا مجار ومورش [۱] بانی مجاری حکمنندہ اولدوغی بالاده علی پاشا عصرندہ
مراد ومرامز اوزرہ سیر و تماشای ایدیکمز مفسلا تخریر اولنشدلر اما شمدی ینہ
تماشای ایدیکمزده بوقلعه قشہ ارمی قربندہ بر وادیدہ برعمیق صوقیوسی واردلر اول
صودن فرنگی دمر اوزرہ دوکسلر در آن اول فرنگی دمر قرمزی بقر اولور
حقیرک غلاملری هیبلرنده بررکیم نعل وار ایدی بوصول اوصافن قولاغزلردن
استماع ایدوب خاطرہ خطوراتدی زیرا علی پاشا سنہ . . . سنندہ بو صوینی دمیرہ
سوروب بقر اولمشدی همان ینہ هیبندن برکیم نعل چیقاروب بوقیوصویندن سورنجہ
آن واحددہ نعللر قرمزی نحاس خاص اولوب سرداریمز خصم محمدپاشایہ وجراح
قاسم پاشایہ کتروب کوستردکده آنلر عالم حیرتده قالبوب فی الحال کندو آدملرن
شیشلر ایله مذکور قیوبہ کندہ روب صوین کتروب نعللرہ سوردیله همان آنلر اول آن
قرمزی بقر اولدیله مثلاًنجہ قرمزی بقری صارب سرکبہ قوسلر فی الحال بقر محو
اولوب جنگاری بویہ اولدوغی کبی مذکور قیونک صوین دمرہ سورسلر اول آن
دمر قرمزی بقر اولور قشہ شهری قربندہ مشهور آفاق قیودر « ان الله علی کل شیء
قدیر » اما بوخاک پاک عنبرخاکده چوق عبرتقالر واردلر لکن تخریر ایلسک سیاحتمزہ
مانع اولور بعدہ سردار محمد پاشا جملہ اختیار امور دیدہ لرله مشاورہ ایدوب یک
دل ویک جهت اولوب

ولایت هاید وشاقہ عزیمت ایدیکمز قنایلمری بیان ایدر

بوخاک عمبر رایجھلی زمین محصولدارده جانب قبلہ یہ طقوز [۲] ساعت کیدوب

اوصاف قلعه بیوک آدوربان

لسان اردلندہ ... دیمکدر بانیسی معلوم دکلدلر قلعه سی برواسع چنزار دوزلکده

(۱) ک: فورس [س نسخه سنندہده بوشکده فقط نقطہ سزدر (م)] (۲) ک: ۵ ساعت

اوصاف قلعہ بولغار مع ناحیہ کیری

نہر تیسہ کنارندہ بر کوہ سربلند اوزرہ شکل مربع شدادی بنا بر قلعہ رعنادر
مقدما علی پاشا عصرندہ بونی دخی کورمه مشدک اردل حکمندہ قوم ہایدوشاق
قولندہ بر کوچوک قلعہ در بونلر دخی سردارہ اطاعت ایتدیلر و ہدایالر و ضیافتلر
کتردیلر اما ناحیہ سی غایت معموردن اہالیسی وقپودانلری جملہ سی سیکل ہیت
قلعہ سنی یقدیغمزہ اغلاشدیلر کاشکہ دست آل عثمانہ اولیدی دیدیلر حتی ببولغار
قلعہ سندن یوقارو نہر تیسہ قارشوسندہ داغلر اتکندہ

قلعہ حصار [۱] عظیم

اورتہ مجار خاکندہ در سنہ ۱۰۷۱ تاریخندہ سردار علی پاشا ایلہ نہر تیسہ
کنارنہ واردیغمزہ سردار علی پاشا کتخداسی حسین اغا وطمشوار وزیر صاری
آبازہ حسین پاشا ایلہ نہر تیسہ جملہ طمشوار عسکریلہ یلدروب قرشو طرفدہ خسوار
قلعہ سنہ واروب ظلومی [۲] اوغلن قرالغہ طلب آتدی کمزده ظلومی [۳] اوغلن
ورمیوب بزی خسوار قلعہ سندن کفارک قودینی و خسوار قلعہ سنک اوصافی بالادہ
مسطوردن اما شمدی نہر تیسہ قرشو یکوب خسوار قلعہ سنہ وارمادیق همان مسافہ
بمیدہ دن سیر و تماشای ایتدک بعدہ نہر تیسہ دن شمال جانبنہ ایکی کوندہ

ولایت اورتا مجارده قلعہ شار بطاق

نہر تیسہ ... دہ حقا کہ بطاقلق ایچندہ منہدم آتدی کمز سیکل ہیت قلعہ سی
وقنیزہ واستولنی و سکتوار کی بطاق ایچندہ بر قلعہ در بند جانلردر قپودانلری
و برولری وغیری حاکم لری سردارہ ہدایالری و ضیافتلری لہ کلدیلر (اشکال قلعہ شر بطاق) ...
اندن ینہ جانب غربہ تیسہ کناریلہ کیدوب

اوصاف قلعہ طوقای

قلعہ سی نہر تیسہ نک یا ایسندہ اورتا مجار خاکندہ طوپال پالہ طنوش ہر سک حکمندہ در

[۱] کرک بوکلہ و کرک بوندن صوکرہ کیلر (ک) نسخہ سندہ (حسوار) شکندہ در (م)

[۲] ک : صلومی [۳] ک : صلومی

و کباب اندیکمز جمله بالاده کی جلده مفصل مسطوردر تکرار تحریه حاجت یوقدر
 اما علی پاشا بر بادندن برو عمار اولوب سردار محمد پاشایه و جراح قاسم پاشایه
 قپودانلری کلوب طوب شادمانلریله هدایالر کتروب عظیم وزنی اوزره ضیافتلر اولندی
 اندن ینه عسکر اسلام ایله

اوصاف ناحیه صابوش و قلعه ابرام

اول و آخر دست کفارده معمور و آبادن قلعه در علی پاشا عصر نده بو قلعه یه
 اوغرامامشک اما صابوش ناحیه سن بر باد ایدوب یدی بیک عدد پنج یکی آلمش
 اسیر آلمشدر حالینه عمار اولمشدر اما ابرام قلعه سی بر کوه دماوند مثال بر کوه
 سربلندک دامنندن بعید سد اسکندر وار قلعه خاکندن [۱] ایش بشیوز پاره
 طوب شادمانلری ایدوب قلعه قپودانی و برولری و نملری وارشا کلری جمله قلعه
 خارجنده سراپرده سرداره کلوب هدایالریله طعاملرین کتروب ضیافت عظیم اولدی
 مکر بو ابرام قلعه سی منوچهر اولادی یژدر بان بناسی اولوب ارث ایله انتقال ایده
 ایده حالا بوراقو فچی اوغلی نک قلعه سی ایش اوچ بیک جنود جنب لشکره مالک
 شدادی بنای رعنا بر قلعه متین در لکن کوچو کدر شمال جنبه [۲] طوقای اسکله سی
 و طوقای قلعه سی قریبدر لکن بو قلعه ابرام ایچنه کروپ سیرو تماشا آتمکه ایچنده
 اولان نیچه قپودانی قومادی اما بچ قلعه سنده نسه چاساری بو حقیره یدی قواللق
 یری سیاحت اتسون دیو بو حقیره و ردیکی خط مستکرهن ابرام قلعه سی قپوداننه
 کوسترنجه همان ایاق اوزره قالقوب خطی یوزنه کوزینه سوروب حقیرک دستنی بس
 ایدوب اولقدر اعزازوا کرام اندیکم بو حقیر و غلاملرم طام حیرتده قالدیلر باشقه بو حقیره
 برکیسه غروش و ایکی نیچه نک قویرو قمنز آتلی و ایکی ساعت و بر بصلو مجار چوقه سی
 والی عدد چرخلی قول توفنگلری و یروب خداملریمه اونار انکروس آلتونی و بر
 دونلق چوخه و قومش و یروب بر ملوکانه ضیافت ایدوب قلعه دن یدی پاره طوب
 آتوب چاسارک سنجا قلیله قلعه بدنلرن زین اتدی ینه عسکر اسلام ایله
 جانب غریبه کیدوب

[۱] س، ک : خالددر (قطعه سزدر) [۲] ک : جابنده

علی پاشا ایله اردلی فتح اتدی کمزده بوشوملی وار [۱] قلعه‌سی علی پاشایه اطاعت ایدوب حالا ینه سردار خصم محمد پاشایه دخی اطاعت ایدوب شادمان طوپلری آتوب عسکره وایکی وزیره ضیاقتلر ایدوب هدایالر وردیلر اما کفره دستنده بوشوملو عظیم ناحیه‌در لشکر جنودی هایدوشاق قومیدر (طرز و طور قلعه‌سی) آندن جانب عربه ۵ ساعت کیدوب نهر تیسه کنارنده نیجه قرالر عبور ایدوب

اوصاف قلعه صقمار و ناحیه‌سی

اول و آخر اردل قرالی حکمنده نهر تیسه کنارنده اولدوغنی سنه ۱۰۷۱ تاریخنده اردل دیارینک سیکل ولایتن بودین وزیر ی اسماعیل پاشا ایله فتح ایدوب منصور و مظفر اوردوی اسلامه داخل اولدوغمزده تانار عسکر یله بوصار [۲] قلعه‌سنی تیسه کنارنده اوروب معمور ناحیه‌سندن یکر می یدی بیک اسیر آلدیغمز بالاده تحریر اولنشدن آندن ینه طرف شماله عسکر ایله ینه تیسه نهر یله کیدوب

اوصاف قلعه ارانیوش مکشوار و ناحیه‌سی

معمور و آبادان نواحیلردر اما حالا اردل حکمنده در بونی دخی سنه ۱۰۷۱ تاریخنده علی پاشا عصرنده خراب و بیاب ایدوب مطیع ایتمشدک شمدی حالا ینه زوی اطاعت کوستروب قبودانی هدایالر کتروب عظیم ضیاقتلر محلنده طوپ شنلکری اتدی آندن ینه جمیع عسا کر اسلام ایله کاه نهر تیسه کنار یله و کاهینه داغلو و مشه زار لر ایچنده اقتضا حسینیه (قلعه اشتوار) [۳] . کیدوب بو ینه صقمار ناحیه‌سنده در آندن (قلعه قارول) [۴] بودخی صقمار ناحیه‌سنده در آندن (قلعه کالو) و ناحیه‌سی آندن (قلعه کالو و ناحیه‌سی) بوبالاده کی دورت پاره قلعه لر و نواحیلر که تحریر اولندئی سنه . . . تاریخنده علی پاشا ایله دیار اردل غزاسنه کیردی کمزده [۵] مذکور قلعه لر جمله نواحیلر یله اطاعت ایتمیوب خراب و بیاب خانلرن تراب کفره لر نی اسیر

[۱] س ، ک : شوملو وار [۲] ک : صقمار [۳] ک : اجتوار [۴] ک : قاروله

[۵] ک : کتدی کمزده

اوصاف قوزده صونلق ناحیه سی وستایش قلعه حادات وار

بوناحیه کیرا دخی و اراط فتحنده تحریر اولنوب اوچیور پاره معمور و آبادان قراسنده اون یدی بیک مجار و افلاق رعایاسی دست اسلامده و اراطه تابع اولوب قلعه سی دست کفرده قامشدر حالا برکوه بلند دامننده دست اورتا مجارده برکوچوک شدادی بنا قلعه رعنادر ایچنده کفره اولماق ایله کروب تماشا ایدمه مدک اما قبودانلری خصم محمد پاشایه هدایارن کتروب عسا کر اسلامه عظیم ضیافتلر ایله طوب شادمانلری ایدوب اطاعت یوزن کوستردیلر اندن ینه سمت شاله داغلا ایچنده آبادان قرالری کچوب

اوصاف قلعه چهی وار و ناحیه بشو صونلق [۱]

ایکیوز پاره مزین قرالرنده یدی بیک عدد کزیده رعایالری حین تحریرده و اراط قلعه سی رعایاسی قید اولمشدر اما قلعه سی اردل کفره سی النده اولوب ایچنده نمسه لشکری واردر جمله عسکر اسلام ایله زیرقلعه ده طناب طنابه خیمه و خرکاهلر ایله مکث ایدوب قلعه دن طوب شادمانلری اولوب سردار خصم محمد پاشایه و جراح قاسم پاشایه هدایار کتروب عظیم ضیافتلر اولوب بعدالطعام قلعه قبوداننه وارشک و شا کلرینه عظیم ا کراملر اولندی

دریان اشکال قلعه چهی وار [۲]

علی پاشا عصرنده بالاده تحریر اولمشدر اما شمده اندن طرف غربه داغلا ایچنده کیدوب [۳]

اوصاف قلعه شوملو [۴] و ناحیه سی

واراط فتحی تحریرند نصکره قلعه سی و ناحیه سی اردل کفره سی النده قالب برمتین صعب حصاری واردر کرچه دست کافرده در اما سنه ۱۰۷۱ تاریخنده [۱] س ، ک : صونلوق [۲] س نسخه سنده بو سرلوحه تک آلتنه برشی یازماش ؛ آچیتدر (م) [۳] س ، ک نسخه لنده بو افاده تک سرلوحه سی (اوصاف قلعه شوملو و ناحیه سی) عباره سیدر (م) [۴] ک : شوملو وار و ناحیه سی

عثماندن قلعهٔ وره ایله وروب جمله جبهه‌خانه‌سن و ارطه کتروب حالایتمش طقوز پاره معموره ناحیه قرالریله قلعه‌سی جمله دست اسلامده اولوب مطیع و منقاد قرالری و رعایالری وارد (اشکال قلعه‌سی) کوه پامه‌زو دامننده یوزی پامه‌زو صحراسنه ناظر شکل مربع برکوک سنک بنا اولدوغی قدر قلعهٔ رعناجقدر [۱] اندن ینه طرف شماله دورت ساعت کیدوب

اوصاف ناحیه و قلعهٔ بلنوش [۲]

بینک عدد معمور و آبادان محار و افلاق رعایالی مزین قرالی ناحیهٔ کبرادر کم حین تحریرده بو ناحیه و ارطه قلعه‌سنه تحریر اولنشدر غایت غنیمت دار و دیار اولوب دیگر بر دیارده محبوبلرینک مثلی یوقدر (شکل حصاری) بریار دامننده شکل مسدس برکار کیر بنادر بانسی سلیمان خان عصرنده بتلن غبور قرال بناسیدر کم بوکه محار قومی بتلن غور دیرلر ولسان مجارده (بلنوش وار) ... دیمکدر حالا ناحیه‌سیله رعایا و برایسی آل عثمانکدر اما قلعه‌سی ینه رعایا النده آل عثمانه تابع قومدرلر ... [۵]

اندن قالقوب جانب شرقه ۵ ساعت کیدوب

ناحیهٔ هنوط و اوصاف قلعهٔ شبش وار

اوچیوز عدد معمور و آبادان قرالی هبوط [۳] ناحیه‌سیدر عسکری کفره‌لری هایدوشاق قومیدر اما بو ناحیه ایچره مذکور شبش وار قلعه‌سی بر دوز صحراده و بر اورمانلی کوه بلند دامننده اولدوغی سنه ۱۰۷۲ تاریخنده سردار علی پاشا ایله اردل غزاسنه کیدوب کیانوش قرالی قتل ایدوب آپوفی بحالی [۴] قرال اندیکمز سنه بو قلعهٔ شبش واری احراق ایدوب مال غنایم آلدیغمز سنهٔ مرقومده اوصافی مفصل تحریر اولنشدر کم تکراره حاجت یوقدر اندن جانب شماله ینه عسکراسلام ایله ۶ ساعت کیدوب

[۱] س نسخه‌سنده ایکی سطر آجیق وار (م) [۲] ك : بلنوش [۳] ك : هنوط

[۴] س ، ك : عالی

[۵] ایکی سطر آجیق وار

عقد صلح مخلنده نمسه چاساری الجلی پاشادن، بو سیکل هیت قلعه سنک منهدم اولسنی
 رجا اتدکده بوادنا حقیر و فقیر نهاییجه الجلی پاشایه رضا و یرمک دیدم خمد خدا
 سوزم تأثیر ایدوب او یله اولوب بو قلعه نك انهدامنه اذن و یرمدی آخر کاردر دولت
 طرفه نمجه چاساری کندو ایچلرینه خبر کوندروب انده سعادتلو پادشاهمزدن
 اذن آلوب خط شریف و اراطه کلوب فرمان شهر یاری ایله قلعه بر باد ایتدک
 اما و اراطه قلعه سنه تحریر اولنمش یکر می درت بیک رطایدن چقه بدق امر و فرمان
 پادشاهکدر و مذکور سیکل هیت قلعه سی بزم بحار حدودندن برفچ عمیق بطاقلق
 ایچنده سد اسکندر وار شکل مدور اطرافنده طقوز طایسه ملی و قرمز ی
 طوله بنالی و جانب غربه ناظر بر قوبلی بر حص حصین و سدمتین کرمان ایدی حتی
 صاحب قران غازی سیدی احمد پاشا افندی مزله دیار اردلده قوت بازوسیه یوز آلمش
 پاره قلعه لری قبضه تسخیره آلوب ایچلرینه کروب جمله سنک هدایالرن آلمشکن و جمله
 قلاع لر مطیع و منقاد اولمشکن بو سیکل هیت قلعه سی صعب و متین اولمق ایله سیدی
 احمد پاشایه بر کرید منقری و رمیوب بیک یدیبوز پاره الارقه طوبی [۱] سیدی احمد
 پاشایه آتوب اصلا اوغرا تمادی آخر کار سیدی احمد پاشا داغ درونندن اولیه الاخیر
 کیدی کافر سیکل هیت قلعه سی دیوب خایب و خاسر داغ درونیه کتدی یعنی
 تابو مرتبه صعب و متین و دریا کی بطاق ایچنده بر قلعه استوار ایدی و سهل بهانه
 ایله دست آل عثمانه کرمک ممکن ایدی کم خراب اتمک ایچینه کردیکم زده عسکر اسلام
 ایچندن چیقماسه فتح اولمش اولوردی هنوز دست اسلامده بر قلعه قهقهها اولمش
 اولوردی اما شمدی هر طرفدن فقیر قلعه لغیملر ایله خراب و بیاب اندیکم انجق
 تمللری قالدی الحاصل اردلده او یله قلعه یوق ایدی مکر قلعه قارول و قلعه کالو
 او یله اندن جانب شماله کیدر کن بو قلعه نك منهدم اولدوغن در دولته عرض ایدوب
 بعده جمیع عساکر اسلام ایله جانب شماله اوچ ساعتده داغلر و طاشلر آشوب اندن
 اوچ ساعت دخی ینه نیاله سحرای پامه زو [۲] ایچره کیدوب

اوصاف قلعه مختصر پامیزو [۳]

بودخی ولایت اردلده ایکن و اراطه فتح اولدوقده کافر لری رعب و خشیت آل

[۱] س ، ک : طوبن [۲] ک : پامه زو [۳] س : پامه زو

معلوم دکلدر واراٹ فتح اولدقدہ علی پاشا تحریرندہ بوقلعہ اردلک ہایدوشاق ولایتندہ
 قالبوب جمیع التی یوزیارہ قرالی بحار ناحیہ سنہ تحریر اولنوب واراٹ کویلیری اولدی
 بوقلعہ بزم واراٹ قلعہ مزہیقین اولغیلہ نمچہ قرالی خوفندن بوقلعہ نک منہدم اولسنی
 حین صلحدہ رجا اتدی زیرا عاقبت اندیش ودوربین فکر کافرلر بویله ملاحظہ
 اتدیلرکم عثمانلی قلعہ واراٹ اولدی اکر بو سیکل هیت قلعہ سن دخی آورسہ بویله
 برصارب قلعہ یہ عسکر قورسہ جملہ ولایت اردلی وجمیع ہایدوشاق [۱] اولککسن
 وجملہ آورتا بحار ولایتن قبضہ تسخیرہ آوردیو مقدم تاریخ ایله بوسیکل هیت قلعہ سنک
 منہدم اولماسن رجا ایوب بزم سردار خصم محمد پاشا قرق بیگ عسکر ایله بوقلعہ
 آلتنہ واردقدہ نمسہ چاساری طرفندن دخی قرق اللی بیگ قدر رعایا وبراہیلر قازمالری
 وچپا وکورکلری ایله اوچ بیگ قنطار بارود سیاہ وایکی بیگ قدر قزان قوم برہر
 کتروب قلعہ نک ہر طرفندہ آمادہ آتیشلر ہان درون قلعہ دہ اولان نمچہ عسکری
 پیادہ اولوب پرسلاح بحار قلعہ سنہ کیتدیلر وجملہ قلعہ دہ اولان او صاحب لری رعایا
 وبراہیلر اہل وعیال لرن آلوب جملہ فقرا کفارلر ہی کیدی سیکل هیت قلعہ سی سنک
 قیمتک عثمانلی بلدی کاشکہ عثمانلی التندہ اولیدی دیو قلعہ دن چیقوب آغشوب
 فریاد ایدہ رک کتدکلرندہ ہان قرق اللی بیگ نمچہ رعایا سی قلعہ سیکل هیت اطرافنہ
 مورمارہ اوشر کبی اوشوب قلعہ یہ یکر می یدی یردن لغملر قازوب بارود سیاہ ایله
 اول نازنین قلعہ رعنائی اندر ہوا معلقدر [۲] دیوب درود یوارلرن کوکہ آتوب
 جملہ آثار بنالری اول فچ عمیق بطاق ایچنہ دوشوب قلعہ بر کوندہ خراب وبیاب
 اولیجاق ہان اول آن ایچندہ اون ایکی بیگ قلیج صاحبی ہایدوشاق عسکری ورعایالری
 باش قالدیروب بوقلعہ مز خراب اولدقدن صکرہ شمدنکرو بزمسہ قرالینہ تابعز
 واراٹ قلعہ سنہ تابع اولمازز دیوب سرفرو ایتوب اون ایکی بیگ قلیج رعایا واون ایکی
 بیگ عسکری کفرہر واراٹ رعایا لغندن آریلوب تتدیلر وآن واحددہ تارومار
 اولدیلر ملعون نمسہ قرالی عجب نزا کتلہ عظیم رعایا صاحبی اولدی اما چہ فائدہ
 لکن خدایہ عیاندیر چچانکم الحی پاشامزلہ نمسہ قرالینہ بوقلعہ سی ایچندہ بولشدیقمز دہ

[۱] س، ک : ہایدوشاق [۲] س : معلقست

مقدم بوحلده اوریلوب و آلتی سته زخمدار کزوب یدنجی سته غره سنده ینه بوقرال
دکرمان یاننده افقت بولدی اندن ارته سی کون ینه الای عظیم ایله طرف غربه
داغلا و اورمانلر و مشه یستانلر ایچره بصورلرن بش ساعته بصیرت اوزره کیدوب

اوصاف قلعه متین سنکوی

سنکوی [۱] دخی دیرلر لسان مجارده... دمکدر بانسی بتلن غبورک جدناپاکی
اولان بته غور قرال بنا سیدر سنه ۱۰۷۱ تاریخنده آرنابود سنان پاشا فتحیدر
حالاً و اراط ایالتنده باشقه سنجاق بکی تختیدر قانون محمد خان رابع اوزره طرف
پادشاهیدن ۳۰۰۰۰۰۰ ایچقه خاصی وار ویدی عدد زعامتی و آلتی یوز ارباب تیماری
واردر و الای بکی و چری باشی و یوز باشی و سپاه کتخدا یری و یکی چری سرداری
و قلعه دزداری و بش عدد قلعه اغاسی و اوچ بیک عدد نفراتلری و مکمل جبه خانگی
ووز الی ایچقه پایه سیله قضاسی وار و جمله تیمارینک قانون اوزره جبه لولر ایله
بکینک دخی عسکر یله حین سفرده آلتی بیک عسکر اولور (اشکال قلعه سی) و اراط
قلعه سنک شمالی و غربی سی طرفنده آلتی ساعت بعید داغلا و ماغلا و بطاقلی برلر ایچنده
برحواله لی زمینده شکل خمیس برکار کیر بنادر اما برکوچوک قلعه جکدر لکن غایت
صارپدر و کردا کرد جرمی بیک یدییوز آدیتمدر و شرقه ناظر بر دمر قپومی وار
ایچنده سنان پاشا جامعی و بر مسجدی و جبه خانگی و غلال انباری و اون عدد
دکانجقلری وار غیره عمارت و حامی یوقدر و بو قلعه نیک جمله اوصافن تخریر ایتمک
لازم دکل و اراط قلعه سن کورن همان بونی کورمش اولور نجه قلعه قپوسوار قنیزه
قلعه سنه بکزر سه بدخی و اراطه مشابهی اولوب کویا و اراطک اوغلیدر و واروشی
دخی هنوز معمور اولماشدر آندن ینه شمال جانبنه معمور و آبادان قرالر و مشه یستان
و درختستان اولو داغلا کچوب بش ساعته کیدوب

اوصاف حدود اردل یعنی قلعه سیکل هیت

سیکل هیت [۲] دخی دیرلر اول و آخر اردل ولایتی قلعه لریدر [۳] اما بانسی

[۱] س : سنکوی . ک : سنکوب [۲] س : ک : ط : سکل هیت [۳] ل : قلعه لرننددر

و ولايت اورتا مجارك و ايالت و اراطك نقدر كفره برورلى يعنى حاكملى و جمله ارشكارى يعنى باش باباسلى و جمله نملارى يعنى سپاهىلى و جمله ژودوژلى يعنى علوفلى عسكرى جمله خصم محمدپاشايه كلوب سفرىكز مبارك اوله ديو جمله هدايلرن عرض ايدوب جمله كفار طائفه لرى عساكر اسلامه قولاغز اولوب اطاعت ايتمين قلعهره محمد پاشايى كتوررلردى اولا و اراطدن جانب غربه ... ساعته معمور قرال ايجره كيدوب

منزل وادى قرال دكرمانى

حكمت خدا مقدا سنه ۱۰۷۱ تاريخنده قلعه و اراط فتح اولوب درون حصاردن امان ايله طشره چيقن كافرلى سكوى قلعه سنه كتروب سالمين و غانمين كافرلى سكبوى [۱] قلعه سنه تسليم ايدوب قپودانندن خصم محمدپاشا هدايلر آلوب عودته بركىنكاه يردن اوچ بيك قدر كفار چيقوب خصم محمد پاشايى بو قرال دكرمانى محلنده بصوب اوچ ساعت بر جنك عظيم اتدك آخركار خصم محمد پاشا قصفندن قورشوم ايله اوريلوب بركنارده مجروحاً دوروب كسهيه مجروح اولدوغن كسب راز ايتيوب عسكرى جنكه ترغيب ايدوب حمد خدا بعدالظفر كفار منهزم اولوب بو قدر كله و اسير ايله اردوى اسلامه و اراط التنه كلكده محمد پاشا بن مجروح اولدم ديو خبر اتدى نيجه يوز استاد كامل جراحلر بريره كلوب محمد پاشانك قورشومن قصفندن چقارمديلر حكمت بارى يارى قلوب بو سفر مسرتده محمد پاشا ايله بو مجروح اولدوغى محله ينه كلوب مكث اتدكه بركون مقدم بو حقير محمد پاشانك قورشوم زخمى يرينه بر قتيله ايله طوشانك يوره كى [۲] ياغن قومش ايدم همان اول محله محمد پاشا بيره مدد قصيغ ديو فرياد ايدركن جراح قاسم پاشا كلوب ندر برادر ديو محمد پاشانك ياره سنه نيجه ميل صوقدى ايسه هنوز كاغده صارمش آلتى درهم برقول توفنىكى قورشومى چيقوب محمد پاشا قرق قيون قربانلر ايدوب اوچ كيسه ريال عربه [۳] تصدق ايدوب زخم رصا صدن خلاص اولدى حكمت بارى آلتى بيل

[۱] س : سكوى [ايكنجى حرف نقطه سزدر] [۲] س ، ك : يوره كى (نقطه سزدر).
[۳] ك : غربايه

اطاعت ایدوب سیکل هیت قلعه سین یقما دقلرینک اوچنجی کونی طرف شهر یاریدن بر سلاخور وخنکار قپوچی باشیسی واراٹ وایسی خصم محمد پاشایه خط شریف کلوب دیوان پادشاهیده برلیغ بلیغ شاهی تلاوت اولنوب مفهوم کلام خط شریف بودرکم د سنکه واراٹ وزیر ی محمد پاشاسن سکا خط شریفم واردقده ایالت واراٹده ندر عسکرک واریسه قالقوب نیچه چاساری دوستمزک رجاسیله واراٹ قلعه سی قربنده اردل دیارینک هایدوشاق ناحیه سنده سیکل هیت قلعه سن منهدم ایدوب پیره برابر ایده سن و بزم واراٹ فتحی صلحنده ویران قاله جاق اردلک آدوربان قلعه سی ینه اردل قرالی لعین صلحه مغایر ایش ایدوب مذکور آدوربان قلعه سین تعمیر و ترمیم ایدوب ایچنه نیچه واردل وهایدوشاق کافر عسکرلری قومش ایمدی خط شریفم وصول بولدقده تحت حکومتکده اولان واراٹ ایالتی عسکریه قالقوب جبه خانه وبال یز طوپلردخی کتوروب قرال چاسار دوستمزک رجاسیله سیکل هیت قلعه سن خراب ایدوب بزم طرفزدن آدوربان قلعه سن منهدم ایده سن، دیو دیوان پادشاهیده خط شریف وامر پادشاهی قرائت اولندقده اول آن واراٹ وزیرینک طوغلری ایله خیمه وخرکاهلری واراٹک اوله سی جانبنه چیقوب دلالرندا ایدوب اوچ کونده یکر می بیک عسکر جمع اولوب بشنجی کونده یانوه ایالتی عسکریه جراح قاسم پاشا دخی یکر می بیک عسکریه ویکر می شاهی و اوچ عدد بال یز طوپلرن جاموسلر کشان برکشان چکرک واراٹ عسکرینه داخل اولوب ایکی وزیر روشن ضمیر بریره کلوب جمله سرحد اعیانلریله مشاوره ایدوب آندن توکلا علی الله دیوب یدی بال یز وقرق شاهی طوپ وقرق یدی بیک عسکر پرسلاح اولوب

ولایت واراٹدن دیار اردلک هایدوشاق ولایتنه وغیری قلعه لره

کتدی کمز قوناقلری بیان ایدر

اولا واراٹ آلتنده ولایت اردلک وناحیه خاندوساقک [۱] وولایت قورسک

[۱] ک : هایدوشاگ

قومی آزر (در وصف حبوبات و محصولات) صیف و شتادہ نباتات و سبزہ وانی
 ا کسک دکدر حتی قلعہ قسز بر کونہ دوه دشی بوغدایی اولوب اندن حلب قلقانی
 قدر بیاض سپو ا مک بشر لر کم کویا نوردر اوزومی و اریکی و امرودی و لحنا
 وقاوونی و قرپوزی اویله و فرت و کثرت اوزره اولور کم بر عربہ قاوون و قرپوز ایکی
 بشلکه و بروقیه ات بر پزہ وریلر خلاصه کلام غایت غنیمت ولایت فتح اولمشدر
 جناب باری یاری قیلوب دست اسلامده برقرار قله اما جمله رعایاسی افلاق
 وطوت و مجاردر (در مدح اہار زلال آب حیوان) قلعہ خندق و شہراچمرہ
 جریان ایدن نہر کرش اردل دیارندن کلوب نہر تیسہ یہ مخلوط اولدوغی بالادہ تحریر
 اولمشدر اما اولقدر ممدوح صو دکدر زیرا علی الدوام نوش ایدنلرک بوغازلرنده
 قوشقہ یعنی اور [۱] حاصل اولور آنکیچون صاحب طبع اولان کشیلر اکثریا
 آب ظہور مثال قیو صورلندن نوش ایدرلر (در قول منجمان بحار) بوشہر عظیم
 علم اوستورلاب اوزره اقلیم خامسده بولنوب عرض بلدی ... و طول نہاری ...
 درجہ و دقیقه در شب یلداسی دخی همجنان اویله بولمشدر بوشہری مراد و مراہمز
 اوزره سیر ایدوب بعدہ صدر اعظم کوپرولی اوغلی طرفندن الچی پاشایہ کلن
 امر بادشاہی دیوان و اراطدہ قراءت اولنوب نمچہ چاسارینک حضورندہ نامہ ہایون
 قراءت اولنوب عقد صلح اولندقدہ نمچہ چاسارینک رجاسیلہ بو واراط قلعہ سی
 یانندہ ہایدوشاق ولایتی ایچندہ سیکل ہیت قلعہ سی یقلما فرمائی قراءت اولندقدہ
 حاکم واراط خصم محمد پاشا و جلہ سرحد عسکرلری بو امر شریفہ عمل ایدوب
 پزہ انفع اولان سیکل ہیت قلعہ سن یقدرمایز ان شاء اللہ آئیدہ اردل لندن فتح
 ایدوب ایچنہ عسکر قودوغمزدہ واراط قلعہ من ہنوز تازہ جان بولوب ایچ ایل
 اولدقدہ سد اسکندر اولوب سرحد اسلام راحت اولور دیدکدہ کتردی کمز امر
 شریفہ و بودین وزیر ی محمد پاشا فرمانلرینہ و الچی پاشا افندی مژک مکتوبلرینہ و نمچہ
 چاسارینک صلح نامہ لری صورتہ اصلا رغبت و امر پادشاہیلرہ اطاعت ایتیموب
 سیکل ہیت قلعہ سن یقماغہ علی الاتفاق رضا ورمدیلر حکمت خدا بو امر شریفلرہ

[۱] ک : قوشقہ یعنی بغا یعنی اور

ستایش و اروش اولهسی

مذکور بویوک و اروشک پویراز جاننده نهر کرش آشری اولهسی در لبر و اروش
 عظیمدر کفار عصرنده بو دخی ارم ذاتدن نشان ویرر بر حسرة الملوك باغ مرام
 ایدی حالاینه عمار اولدهدر دزداری و قلعه نفراتلری باشقهدر جمله آلتی عدد
 اغالقدر و جمله اوچیوز نفراتلری و مارتلوسلری وارددر و رباطلی شکل مقوس نهر
 کرش کنارندن داغلا انکینه [۴] واقع اولمش دوله چیت پلنقه رختم دیواردر کم
 کردا کرد جرمی بیک سکسن عدد کرمه آدیمر اما خندقلری نو بنا اولماق ایله
 هنوز تطهیر اولماش اچاق خندقدر و دخی و اراطه ناظر اولان طرفندن نهر کرش
 جریان ایتک ایله کرش کنارنده پلانقه دیواری یوقدر و لازمده دکلدر لکن
 اکه سنده تاب و چار و باغلا طرفنده پلنقهسی و خانلری [۵] وارددر و جمله اطرافنده
 یدی عدد طابیه متین لردر و جمله ایکی قپوسی وار بری قبله طرفنه جسر باشنده
 نهر کرش کنارنده بیوک و اروشه و قلعه یه کیدر بیوک قپودر و بری پویراز جاننده ناظر
 سیکوی قپوسی بو دخی اغاج قناتلی قپولردر و بو و اروش ایچره اوچیوز عدد
 شندره تخنه اورتولی کارگیر بنا ایکیشر قات معمور خاندا نلردر پانچو حسین اغا
 بونده ساکن اولور مقدا کفره زمانی بو و اروشده باغ آسپوزی کبی معمور ایدی
 اما و اراط قلعهسی فتحندن صکرهینه کفار شبخون ایله کلوب بو و اروشی احراق بالنار ایلیوب
 هنوزینه معمور اولدهدر انجاق ایکی قهوه خانهسی و بش دکانی و برخانی و ایکی مکتبی و برجامعی
 و اوچ محله مسجدی وار و دخی بو و اراطک مقدا کفره زمانی خانلرینک سطوحلری سراپا
 کیره مت ایله مستور ایدی اما شمدی اکثریا شندره تخنه اور تولیدر و بو اولهسی
 و اروشک اکه سنده کی داغلا سراپا باغلا و مشبک بوستانلردر (در بیان آب
 و هوای جاودان) هواسی غایت لطافت اعتدالده اولدوغندن خلقی تن درست اولوب
 محبوب و محبوبه لری حسن جمالده و هواسی کبی لطیف اعتدالده مشهور بحار زمانه لری
 واردر اما یکی فتح اولماغیله اکثریا خلقی روم آدملریدر دخی سرحدلی بو شناق

[۴] ک : اتکینه [۵] ک : نسخه سنده (و خانلری) برنده (و طابیه لری) وارد(م)

اوصاف بازار پنايور و اراط

مذکور در کرمان قپوسنک طشره‌سی اوکنده قلعه دن و بیگ آدیم بعید قبله جانبنده بر فضاده بر عظیم چارشوی و بازار دکانلری و خانلری وار که سولوش بازاری درلر اما بجه دکانلری حلاس و پلاس و ملاسدن کلبه احزانلردر یعنی کار کیر بنالی دکانلر دکلدرد صیف و شتاده آلتنده [۱] هفته ده بر بازار کونی بازار عظیم اولوب قرق اللی بیگ رعایا و برایا جمع اولوب بازار عظیم دوردقده باشا عسکری و صو باشی و جمله یکیکچری عسکرلری پر سلاح کلوب هر هفته بازار کونلری آماده اولوب وقت غروبده بینه هر کس تارومار اولوب وطنلرینه کیدرلر بونده باج بازاردن میری مال حاصل اولوب قلعه نفراتلرینه اقلام قید اولمشدر جمله دورت بیگ عدد دکانلردر کم واسع یوللری صدرنج نقشی طرح اولمشدر اما بو محله یل باشنده بر کره کفارک قزل میرطه سندن قرق کون مقدم یل بازاری دوردقده هند و بمن و عرب و عجمدن و الحاصل جمیع اقالیم سببعدهن نیجه کره یوز بیگ کفار تجار بحار و السنه مختلفه مخلوقی جمع اولوب بو و اراط سحراسی خیمه و خرگاه و بار و بشگاهلر ایله زین اولوب یکرمی کون یکرمی کیجه عیش و عشرت ایدوب بر کار و کسب اولوب نیجه بیگ یوک متاع بوزولوب فروخت اولور و نیجه بیگ یوک و الای کالای کونا کون آلتوب یوک ناغلتوب نیجه مصروروم خزینه‌سی کار اولور اما بو محله قرق کون مقدم یانوو و و اراط و ایالت و اراط عسکرلری پر سلاح کلوب کامل برای [۲] و اراط سحر اسنده خیمه لری محافظه ایدوب بازار بوزیلوب طاو و اوتوب صا و صا و لندقدن صکره و اراط وزیرینک اذنیله محافظه کن عسا کر اسلام هر کس وطنلرینه کیدرلر دولت آل عثمانده بویله پنايور یعنی بویله بازاریری اوشک [۳] قلمه‌سی پنايوری دولیان پنايوری اله صونیه پنايوری ماشقولور پنايوری و یانیه پنايورلری کبی بازار اولور اما بو و اراط پنايوری غایت جمعیت کبرا اولوب تماشاگاه عظیمدر

[۱] ك: البتده [۲] س، ك: : برایکی آی. [۳] س، ك: : اوسك

اولش اما مقدما عساکر اسلام بو قلعه محاصره اتمکرنده جمله باغ و طاعی و خاندانلری بيله تنوب [۲] خراب و بیاب اتمشدر ایدی حمد خدا بش بیلده ینه مزین باغ و باغچه لری مشبک بوستانلریتشمش (واروش کیر) و بو واروش کیر شکل مربع واقع اولوب جمله زوقاقلری علم هندسه اوزره کافر زمانی صدرنج نقشی طرح زیبا اولمشدر و بو رباطک جرمی دائراً مادر اون بیک الی عدد کرمه آدیمدر و بو واروش همان بیوک قلعه نیک مشرق جانبیله قبله جانبین احاطه اتمه مش یوخسه ماعدا یرلرن بو واروش دورا اتمشدر و بنوک دخی خندق ایچندن نهر کرش دور ایدر جمله اطرافی دوله رختم نوبنا سور رعنادر و پلنقه زیبارکم دیواری اوستنده عربه کزسه ممکندر و جمله دائراً مادر اون ایکی عدد متین و قوی طاییه لری وارکم جمله سنک اوستلزی شدره تخته اورتولی سوری سوری تخته بیراقلی مزین قبابلری وار و قراول خانه لری واردر اولاً جمله آ بیوک قاضی طاییه سی و علی پاشا طاییه سی و کوچوک محمد پاشا طاییه سی و یکیکچری اغاسی طاییه سی و خصم محمد پاشا طاییه سی و سنان پاشا طاییه سی و نیجه سد اسکندر مثال طاییه لر بو واروشک اطرافن احاطه اتمشدر و هر بر طاییه ده بشر و التیشر عدد شاهی و قلوبورنه و ضربزان طوپلر موجوددر بو واروش جمله دورت قبودر اولاً مشرق طرفه علی پاشا قپوسی کارکیر تخته قناطلی متین قبودر و مشرق طرفه اوته پوراز جانبه کپرو باشنده اوله سی واروشی قپوسی ساده معمور قبودر یعنی کارکیر دکلدنر و باطی طرفه طاش قپو جدراننده طاش بنالی قوی باب کبیردر و قبله طرفه دکرمن قپوسی دخی ساده تخته قناطنی دروازه کبیردر و بو واروشک جانب اربعه سی خندق ایچندن نهر کرش جریان ایتک ایله مذکور قپولرک اولکرنده جمله خشب جسر لردن عبور اولنوب هر قپوده ایکیشر یوز عدد پرسلاح قلعه نفراتلری دیده بان ونکه بانق ایدوب هر قپو اولکرنده لونجه کوشکلرنده اوطوروب برهای وهوی ایدوب نوبت بکلرلر و خندقلر کنارنده و نیجه یرلرده نهر کرش اوزره صو ذکرمانلری دوران ایدوب دقیق رقیق بیاض حاصل اولور

سراپا قهوه خانه و بوزه خانه و غیرى ما كولات و مشروبات ساتجی هر اصناف موجود دكانلردر بو واروشده جمله بش دانه كوچوك حمام واردر برى اوله‌سی قپوسنك ایچ یوزنده در ماعدا دوردی بیوك چارشو ایچنده مكلف و مكمل حاملردر و جمله اونیدی محرابدر اوچی صلات جمعه ادا اولنوب جماعت کثیره‌لی جوامع‌لردر اولافانج واراط کوسه علی پاشا جامعی کره‌مت اورتولو و بر مستور و سراپا کارگیر مناره‌لی [۱] جامع جدیددر اما حریمی یوقدر زیراتنک یره واقع اولمشدر و چارشوی و بازارک ازدحامی بونده اولتی ایله جماعتی چوقدر بر جامع دخی محله ایچنده کوپرولی محمد پاشا جامعی لعل کون قرمزی کره‌مت ایله مستور بر کارگیر مناره‌لی و بر واسع حرملی جامع معمورددر اما هنوز کوپرولیدن فرمان کلوب جامعی قورشوم اورتمک استرلردی اندن بر جامع دخی طاش قپوسی دبنده كوچوك محمد پاشا جامعی حقاكه كوچوكدرکم اسمی مساسنه مطابق اولوب سطوحی کره‌متلیدر اما هنوز مناره‌سی یوقدر بونلردن ماعدا بو واروشده ... محله مساجدلیدر و جمله اوچ عدد مدرسه تحصیل دارالعلومدر و جمله دورت عدد مکتب صبیان و طفلان ابجد خواندر و جمله ایکی یرده تکیه درویشان ذاکران واردر و جمله اوچ عدد خان‌تجاراندر و جمله بر عدد عمارت دارالضیافه فقیراندرکم کوپرولی محمد پاشا خیراتیدر و جمله یدی عدد سییل خانه عطشاندر و جمله بش عدد حمام روشنادر و جمله بیك عدد کارگیر بنا تختانی و فوقانی کیره‌متلی و شندره تخته اورتولی خاندانلردر مقدا کافر زمانی یدی واروشده جمله اون ایکی بیك عدد مزین و معمور مکلف سراپلر اولدوغی منظورمز اولمشدی و جمله اوچیوز عدد دكانلردر اما حالا سپاه بازاری و قلعه اوکنده بازار یری دكانلری معمور و مزیندر (درحق سراپا اعیان) جمله پاشاسراپا و دفتردار احمدافندی سراپا و ایچ حصارده یکینچری اغاسی سراپا و اوله‌سی واروشنده بانچو حسین اغاسراپا و قره‌مانلی علی بشه سراپا و نیجه صوبه اولی و حاملی خاندانلر واردر اما انجاق بونلری تحریر ایلدک و بو واروشک جانب اربعه‌سی باغدن و بانچهدن کورنمز

خندق يوقدر زيرا بيوك قلعہ اورتہ سنده واقع اولمشدر و جمله دورد عدد قپوسى وار اما برى ايشلر اوچى مسدود دورر و مقتوح اولان قپو اوزره سلطان محمد خان رابع جامعى مقدا برکنيسه ايشس حالا نور منور [۲] اولوب مبعداکاه مسلميندر بونک نازک مصنع نوبتا برمناره سرآمد رعناسى وارکم کویا يك پاره برسرو ونخل موزوندر و جامع اوزره برکونه مصنع قرمنى کره مت اور توليدرکم کویا سحر آثاردر مذکور آثار بنالردن ماعدا بو اورتہ حصارده غيرى عمارت يوقدر هان ايچ قلعہ اورتاسى برميداندر

اوصاف طشره واروش

اولا قلعهدن طشره واروشه خشب جسر ايله کيدرکن اوچ يردن مقارلر ايله هر کيجه جسرى نکهباندر قالدرروب قلعہ جزيره کپي قالور اما خندق جسرندن واروشه غرب جانبته کيدرکن جسرک صول جانبنده براوستى تخته شندره اورتولى ينه خشبدن بر مصنع لونجه کوشكى وار جميع شهرک ظرفالرى و غريب الديارلرى بوکوشکده اوتوروب کسب طراوت ايدرلر غایت مسيره گاه و آرامگاه مقصوره جکدر و بو جسر باشيله واروش چارشوسى ماينى يعنى قلعہ اوکى خندق کنارنجه قلعہ احاطه اتمش دائراً مادار برميدان واسمدرکم هرکون بووادیده آدم درياسى اولوب بازار دورور حمد خدا شهر و اراطى عمار کوردک اما حين فتحده خراب و يياب بر اقمشيدق مقدا بو قلعہ و اراط دست کفارده ايکن ملک احمد پاشا صدر اعظم اولدقده اردل قرالى راقونجى اوغلوته ايکي کره اولاقلقه حقير بو قلعہ و اراطه کلوب کورمک اولمشدى قلعهنک جانب اربعه سنده باغ ارمدن نشان ورر يدى عدد واروش عظيملىرى اولوب هر برنده برکونه آدم درياسى اولوب بازار دورردى حالا اولزماندن برو بو بازار قلعہ اوکنده کى ميدانده هرکون دورمق عادت قديمه اولوب جمله رعایا و برابو محبوبه قزلر و محبوبه کالم عورتلر کيزليجه اثوابلرن بو بازاره کتوروب فروخت ايدرلر بو ميدانک قلعهيه ناظر طرفى

[۲] ک : حالا بر بدر منور

دلگیر اولوب قریمه کتدیکندن همان عسکر اسلام سردار اوزره غلو ایدوب جمله عسکر اسلام قلعه واراط آلتندن بی فتح خائب وخاسر عودت ایدوب اول شدت شتاده بارگاه وبنگاه جبه‌خانه و خزاین آل عثمان ایله سلامت قلعه طمشواره واروب مشتا ویردیلر همان کفار یوز بیک حمد ایدوب واراط قله‌سنگ منهدم اولان یرلرن طاش بنا ایله وقرمزی طوله ایله برسد متین قلعه اتمشدرکم کویا نوهروس کرماندر بوقله‌نک باطی طرفنه آنجاق برقبوسی واردر اما اوچ قات قوی جدید بار جدیدلدر وقبو اوزره طاشدن استاد کامل مرمر برصغر باشلی اویشکم کویا ذیروحدر وبو صورتلرک ایکی یاننده ادم اللری وایاقلری وداوول وپوری وکونا کون جبه‌خانه تصویرلرن طاشدن اوپوب حالا قپو اوزره دورور غایت مصنع صورتلدر وبو قپونک ایچ یوزنده صول‌جانبده برقله اوزره ساعت قله‌سی وار چاکنوک صداسی برقوناق یرده استماع اولنور بوقله ایچره اون دکان واردر وایچی هم وایچی یوز اللی [۱] عدد فوقانی کارگیر بنا شندره تخته اورتولی مصنع عسکری اودالری و اوچ یرده آت دکرمانلری ویکو چری اغاسی قله‌سی اوکنده برچاه جحیم زندانی وار وغیری آثار بنالر یوقدر و بر قاچ کوچک میدانجقلری وار

ستایش اشکال ایچ قلعه

بومذ کور طشره قلعه‌نک ایچنده ایچ قلعه کردا کرد کامل طشره دیواری دبدن بیک آدمدر وبش‌دانه شاهانه و سرآمد قله‌لرک ایکیسی قرمزی کره‌مت قبه اورتولیدر اوچ عدد قله‌سندنه جبه‌خانه وسائر مهمات ولوازمات و ذخیرمقوله‌سی مالا مالدر و بو ایچ قلعه‌ده بیکو چری اغاسی ویکو چریلری و جبه‌جی‌باشی و جبه‌جیلر و طوپوچی باشی و طوپوچییلر و یرلی قوللری ساکندر اما غایت مصنع و مزین قات اندرقات کارگیر بنا کره‌مت اورتولی و شندره تخته ایله مستور معمور سرایلر وار بونده ساکن اولانلرک اکثری مجرد عسکری طاقه‌لریدر و بو ایچ حصارک اطرافنده اصلا

[۱] س، ک، ط : یوز اللی

ايچي نهر شيش كرش ايله لب برب اولوب قرق يدي آرشين درين خندق عظيم درك
 ايچنده قادرغه اوانيه [۱] ايدوب پلا اوروب كزسه ممكندر بو قدر و واسع خندق
 صوبي ايچنده تاخذقك اورتايرنده قلعه احاطه آتمش برانسز خندق [۲] دخي واردر
 اول خندق اون يدي آرشين دريندر زيرا بو خندق صوبي برليدر [۳] بتون ايكي
 خندق صوين كرش نهرندن كسهلر اورتاده كي كوچوك خندق صوبي باقي قالور
 بو خندق ايچنده كوناكون حيوانات ماهيلر واردر بو قلعه نك جرمي ديوار اوزره [۴]
 ايكي بيك بشيوز آديمدر جمله بش طايه عظيم درك هر برنده اون ايكي شتر عدد قمرزي
 چوللي عربلر اوزره بال يمز طوپلري وار لکن سائر قلعهلر كي طايه دن طايه يه
 وارلاز هر طايه نك باشقه باشقه قولري و باشقه باشقه جبه خانلري و باشقه قبودانلري
 و باشقه نوبجي قوللري وار و هر طايه اوچر كوشه اولوب هر كوشه سنده بركار كير
 قبله قارا اول خانلري وار و هر طايه نك خندق صوينه ناظر اوچ عدد بال يمز
 شايقه طوپلري وار و قلعه ديوار ي خندقن يوقارو قرق معمار آرشيني بالا و اون
 آرشين [۵] انلي شادي طوله بنا و يكرمي آرشين ديوار دن يوقارو كوه دماوند كي
 طوپراق يغليدر بو طوپراق اوزره دخي اون آرشين انلي بر درين خندق ايچره نيجه
 بيك مخيل شيطانلر [۶] ايله آماده خندق بالادر قبله يه ناظر اولان طايه نك تمه لندن
 يوقارو قلعه ديوارينك نصفنده قلعه احاطه آتمش برمصنع طاش قوشاقدن قلعه ديواريني
 دائر امدار محيطدر و قلعه ديوار ي جمله طوله ويونمه مطرش و مصيقل طاش ايله مبنی
 قلعه بالاي و متين و قويدر زيرا سنه ۱۰۰۷ تاريخنده سلطان محمد خان ثالث عصرنده
 بو قلعه و اراطي ساطورجي ... پاشا بش آي دوكه دوكه يره برابر ايتدي اما جميع
 عسكر و اراطك يدي عدد باغ ارم مثال واروشلرنده ذوق و صفا آتمده بشنجي آيد
 برف و بارانك و فرتندن و باران رحمتك كثرتندن و شدت شتاتك تقدمندن ال آياق
 طوتميوب درون عسكرد قحط و غلا اولوب تاتار خان دخي ساطورجي پاشايه

[۱] س، ك، ط : اوانته [۲] ك : برايچ خندق [۳] ك : يرليدر [۴] ك : نسخه سنده
 (ديوار اوزره) برنده (دائر امدار) وار (م) [۵] ك : اون بش آرشين [۶] ك :
 حبل و شيطانلر

مالکدر غیرى سنجاقلرى کوچو کدر اما رعایالری طوت و مجار اولوب غایت مطیعلردر زیرا سیدی احمد پاشا ایله اوچ سنه بو کافرلری قیروب کوچیله مطیع ایتدک ودخی ایالت و اراطده اللی دن زیاده قلعهلر دخی ایکی قلیج آلتنده مطیعلردر یعنی کافره دخی خراج وررلر حسن رضالری وار واون ایکی بیك خانه خراج همان کوپرولی اوقافی وار ماعداسی میری تحریر اولنوب و اراط قلعہ سی قوللرینک اقلاملریدر و جمله ایالت و اراطده یکرمی ایکی بیك خراج تحریر اولنوب دفتر پادشاهیده قید اولمشدر خراج اغاسنه خراج باشنه یاریم غروش خرج معیشت قوممشدر

اشکال زمین قلعہ و اراطی بیان ایدر

اولا قلعہ و اراط اردل مملکتک سدا سکندریدر وراقو فچی قراکک تختی ایدی حالا دست اسلامده اولوب مکه و مدینه و قفی درکم اون ایکی بیك آلتون مدینه منوره یه صره کیدر [۱] اما قلعہ سی کوه اوله سی دبنده بو کوهک قبله سنده نهر کرش آشری برطوب منزلی بعید مذکور داغ اتمکنده برواسع چمنزار فضا ده شکل خمس جمله شدادی بنا طوله بنا بش طابیلی بر قلعہ رعنادرکم کویا بر حصن حصین و سدمتین قلعہ ماغوسه کر چه مذکور اوله سی داغی قلعه یه حواله در اما ماییننده نهر کرش شبش جاریدر بو نهر شبش کرش تاردل و لابتنده شبش وار قلعه سنه اندن بو و اراط قلعہ سی دبندن و خندق ایچندن جریان ایده رک جانب غریبه کوله قلعه سیله صونولوق قلعہ سی ماییننده نهر تیسه یه مخلوط اولور و مذکور اوله سی داغی واراتک پوراز جانبنده بر پشته عالیدر حتی حین محاصره ده بو کوه بلند اوزره یانتر [۲] حسن پاشا قلعہ بو جبلدن یدی پاره طوب ایله دو کردی اما اولقدر قلعه یه ضرر اصابت اتمزدی زیرا خیلی مسافه بعیده در و صو آشری اولوب دریا مثال خندق صوی آشریده اولماق ایله طوب کله سی قلعه یه سوق کلوب او یله ضرر ایده میوب طوب کله لری باطوب قالدردی زیرا قلعه خندقک انلکی کامل یوزیکرمی آدیمدر و دریا مثال

[۲] س ، ک : صره لیدر [۲] س ، ک : بتر

اون بش ن فردر قانون اوزره جمله ارباب تیمارک جبہ لوری ایله و باشانک کندو
 عسکر یله سکزی بیک عسکر اولور و جمله اون ایکی عدد طوغ و طبیل خانه صاحبی
 قلعه اغاری وار مثلا دزدار اغا و ساغ قول اغاسی و صول قول اغاسی و باشلی [۱]
 اغاسی و مار طولوس اغاسی و کوکلی اغاسنک صاغ قولی و کوکلی اغاسنک صول قولی
 وریلی طوپچی باشی وریلی جبہ جی باشی و قومباراجی باشی مثللی اغاری وار قلعه
 دزداری هر کیجه قلعه قبولرینک مفتاحلرن قپو قولی یکبجری اغاسنه تسلیم ایدر
 جمله جمله در دفتر موجود و مرقم اوچ بیک عدد قلعه قولیدرکم بودین واکری و قانی ژه
 قلعه لرنده بویله کزیده عسکر بو قدر بوحساب اوزره جمله حین اوروشده محصور
 اوله مخلنده یکرمی بیک سکسن عدد عساکر بر سلاح موجود و یکرمی بیک عسکر
 دخی حین محاصره ده طشره ده و اراط ایالتی قلعه لرندن امداده کلور قانون اوزره
 شیخ الاسلامی و نقیب الاشرافی و اوچیوز ایچه پایه سیله شریف قضا در و جمله طقوز
 عدد نواحیده اوچیوز قرق پاره کمی مطیع و کمی عاصی شکالی ناحیه قراری وار
 بهر سنه قاضی به بروجه عدالت آلتی کیسه حاصل اولور باشاسنه قرق سکزی بیک
 غروش جوز معدوددن حاصل اولور بعد هوای [۲] باج بازار پنایر بازاری رندن
 سکزی بیک غروش دخی آلوب اوچ بیک عسکر بسلمک فرمان اولنمشدر اما
 طرف پادشاهی به عیدیه هدایایی دخی و رملک اوزره شرط اولنمش منصب بکردرکم
 دخی بکارتی بوزلمدی اما غایت انتها سرحد اولمش نوقح بر ایالتدر بر طرفنده
 جانب شرقی [۳] ولایت اردل کافری شمال طرفنده قورس مجاریله اورتا مجار غرب
 طرفنده نیچه کفاری وار خدا حفظ ایده بر سر حد سد سیددر و ایالت و اراطده
 جمله دورت سنجا قدر اولا سنجاغ سنکوی سنجاغی قلعه بامز [۴] و سنجاغ
 قلعه بلنوش و سنجاغ قلعه اشلنکور (۵) و ناحیه مجار سنجاغ یکی تخی اواق ایچون خصم
 محمد پاشا در دولته عرض ایدوب هنوز تاتار نصوح اولاققله ادرنه به کندی اما
 معمور سنجاغ اولور مجار ناحیه می اردل دیارینک کزیده بر بدرکم یدی یوز پاره کویله

[۱] س، ک : بشلی [۲] س ، ک : باد هوای [۳] ک : شرقی [۴] س : سنجاغ
 قلعه بامز . ک : سنجاغ قلعه یانیر . ط : سنجاغ قلعه بامز [۵] س ، ک : شلنکور

ویباب ایدی اماشمدی اولقدر معمور و آبادان اولمشکم قلعه‌سی ورباطلری و محلات
جوامعلری و باغ و باغچه‌لریله کویا باغ ارم ذات بهشت اولمش

در بیان اوصاف قلعه واجب السیر حصار استوار و اراط

سنه ۱۰۷۱ تاریخنده سلطان محمد رابع بن ابراهیم خان عصرنده بدست کوسه
علی پاشا بااعانت سدی احمد پاشا و چاووش زاده محمد پاشا و چقال باشی پاشا [۱]
و خصم محمد پاشا و جراح قاسم پاشا و آبازه صاری حسین پاشا و بنطور [۲]
حسن پاشا و نیجه وزرا و میرمیرانلرک اعاقبله قلعه و اراطی علی پاشا فتح ایتدیکنک
تاریخلری بودر

مصرع تاریخی

وار طی الدی عدودن علی پاشای دلیر

دیگر تاریخ زیبا

وراط آلتدی اردل ارزل اولدی

نیجه مصنع تاریخلری واردر اما بو قدرله اکتفا ایتدک حالا بو قلعه محمدخان
رابع تحریری اوزره باشقه ایالت وزارتدر طرف پادشاهیدن وزیرینک
خاصی روم ایلی وزیرلی خاصی کبی اون برکزه یوز بیک الحقه در و مال دفترداری
و تیمار دفترداری و دفتر امینی و تیمار دفترداری [۳] و چاووشلر کتخداسی و چاووشلر
امینی و چاووشلر کاتبی و دفتر کتخداسی و کاغذ [۴] امینی و محلول کاتبی و قلعه‌لر
تذکره جیسی و تاریخی افندی و مقاطعة‌جی افندی و شهر امینی افندی و بیت‌المال امینی
و بیت‌المال کاتبی و بیت‌المال نأبی و معمار اغا و کومروک امینی و خراج امینی و محتسب
اغاسی و باجداری و محتسب نأبی و شیخ‌البلدی و سپاهیلرک کتخدایری و آلتی اوده
یکیکچریله بر معظم [۵] خاصی اغا و یکیکچری اغاسی و اوچ اوده جبه‌جیره جبه‌جی باشی
و اوچ اوده طوپچیلره طوپچی باشی و لغمیجی باشی و قونباره‌جی [۶] باشی و چالیجی مهتر
باشی و الای بکیسی و چری باشیسی و یوزباشی‌سی و ارباب تیماری ۸۰۰ و ارباب زعماسی

[۱] س ، ک : و چقال باش پاشا [۲] س ، ک : ینتر [۳] اشبو (و تیمار دفترداری)

عباره‌سی (ک) نسخه‌سنده یوقدر اولمامسده مناسبتدر. چونکه مکرره بکزبور (م) [۴] س،

ک : کاغذ . ط : کاغذ [۵] س ، ک : متعظم [۶] س : قومبره‌جی

کيروب کامل اون آی اردل دیارین سیاحت ایدوب اندن اردله آپوفی محال نام
 برکافری قرال نصب ایدوب ولایت اردلن ایکی کره یوز بیک اسیر چقروب
 امن و امان اولدق مقدا سیدی احمد پاشانک منہزم ایدوب قتل اندیکی راقوخی
 اوغلی قرالدن باقی قالان اوچ بیک عدد کیسه تحصیل ایدوب بالصحة والسلامه
 دمشقوارده [۱] مشتا ایدوب حقیر ملک احمد پاشا ایله اسلامبوله کلوب قبه نشین
 اولدقدہ سلطان احمد قزی فاطمه سلطانی ملک احمد پاشا آلوب سنہ ... ماہ ...
 ملک احمد پاشا در دولتده قبه آلتندہ ایکن مرحوم اولوب غریب قالدق بعدہ
 بو حقیر کوپرولی زاده صدراعظم احمد پاشایہ انتساب ایدوب اندن سنہ ۱۰۷۳ تاریخندہ
 ایووار فتحندہ بولنوب اندن سنہ ۱۰۷۴ ... آیندہ نامبارک و منحوس رابہ سفرندہ
 منہزم اولوب حمد خدا بو حقیر اول انہزامدہ جان باش قورتاروب سلامتہ
 ایووار آلتنہ کلدی کمزده نیچہ چاساری صلحہ رغبت ایدوب برکوچک الجیسی
 چیقوب بلغرادہ کلدک آندن بزم الجی مز قرہ محمد پاشا ایله نیچہ چاسارینہ حقیر
 بیله کیدوب المان دیارین نیچہ زمان سیر و تماشای ایدوب بعدہ نیچہ چاسارینک پابنتہ [۲]
 خطیلہ ایکی بچق سنہ یدی قراللق یری بالادہ تحریر اولندوغی وجہ مشروح اوزرہ
 یدی قراللق یری کشت و کذار ایدوب [۳] اوچنجی ییلدہ بودین وزیر ی اولان
 کورجی محمد پاشایہ کلوب صحبتلریلہ مشرف اولدیغمزده حقیرہ اکرہ و طمشوار
 و واراط ایالتلرینک قلعه یوقلمہ لر حسان ایدوب بالادہ تحریر اولندیغی اوزرہ
 مذکور ایالتلرک جمیع قلعه لرینی سیر و تماشای ایدہ رک قطع منازل و طی مراحل ایدوب
 یج و پراق و بحر محیط و دونقار قیز و دانیمارقه و اسفاج و چه و طوط [۴] و لایترندن
 اوچنجی ییلدہ حمد خدایینہ صحت و سلامتہ مقدا سنہ ۱۰۷۳ تاریخندہ فتحندہ
 بولندوغمز قلعه و اراطہ کلوب و اراط و ایسی اولان آرناوود خصم محمد پاشا سربندہ
 مکث ایدوب شب و روز شرف صحبتلریلہ مشرف اولوب قلعه و اراطی و واروشی
 و باغ ارمترین سیر و تماشای ایدردم اما فتح اندیکمزده عساکر اسلام النذہ خراب

[۱] س، ک، ط : طمشوارده [۲] س، ک : پابنتہ [۳] مؤلفک شورادہ کی افادہ سی
 کوستربورکہ مؤلف یدی قراللق یری کز رکن . شاهداتی یازمندر (م) [۴] س، ک : طوت

جرملى پلانقه مستحکم در ایچنده دزداری واللى عدد مردم حصارى و جبه‌خانه‌سی و شاهی شاهانه طوبلری و بش دکانجینی و برمکاف خان‌جیغازی وار و مذ کور فکته باطور مناصطرنی حالا حسین پاشا سلطان محمد جامی اتدی و قلمه قپوسی جانب غربه مکشوف اجاج قپودر و برصیق اورمان مشه‌یستانلی زمینه واقع اولمغه غایت مخوف و مخاطره یراولدوغندن هربار بجار قطنه‌سی کافری اکسیک دکدر ، زیرا ینووه ایله و اراط آره‌سنده غایت ممر الناس در و بو قلمه خندقدن اقان نهر قره کرش اردل ولایتنده قولوژوار قلمه‌سی داغلرندن و شیجه‌وار قلمه‌سی دره لرندن جریان ایدر کلوب بوفکته باطور قلمه‌سنه اوغرایوب اندن مذ کور کوله قلمه‌سنی ری ایدوب اندن اکره ایالتنده صوکلک [۱] قلمه‌سی ماییننده نهر تیسیه مخلوط اولور اولقدر لطیف صودکدر اندن بو قلمه‌دن چیقوب یلدر روزکاری جانبته دوزلک و اورمانلی مشه‌لک ایچنده مخوف و مخاطره کافرک بصویرلرن بش ساعتده کچوب

اوصاف حصار استوار دارجهاد یعنی کرمن [۲] سرای قلمه و اراط

حد خدا بو عبد کمتر سنه ۱۰۷۱ تاریخنده سردار معظم کوسه‌علی پاشا ایله فتحنده بولنوب ابتدافتح مین اذانلرن بو حقیر تلاوت ایدوب نیجه ایچلرنده بولندق امام عمار اولمدن درون حصارده اولان مطلسمات طوجدن دوکلش زمان قدیم پهلو انلری صورتلرین سیر و تماشا ایدوب جمله غزات مسلمین ایله سرور و شادمانلرده ایکن سردار ظفر شعار اولان علی پاشا افندیز بو احقر کتری بوسنه دیارینه بو و اراط قلمه‌سی فتح نامه‌سیله ملک احمد پاشا افندیزه الغار ایله کیدوب افندیزک نیجه نیجه احسان و انعاملری کوروب ینه ملک احمد پاشا افندیز یاننده قلوب بوسنه‌دن زرین اوغلی ولایتلرین و وندیگده موران و دودوسقه [۳] ولایتلرین سیر و تماشا ایتدی کمز دنلصکره افندیزله بوسنه‌دن معزول اولوب روم ایلی ایالتیه ینه اردل ولایتی سفرینه سرداری موه‌الیه علی پاشا ایله کیدر کن طمشوار التنده سیدی احمد پاشایی برجه کونی علی پاشا کندی اوطاغنده شهید ایدوب سیدی پاشانک کله‌سین دردولته کونردی بعده دمیر قپودن دیار اردله

[۱] س ، ک : صونلوق [۲] ک ، ط : کرمان [۳] س ، ک ، ط : دودوشقه

اهل ایمان شهید اولنجدیق یوزبیک ایکیوز کفار دندن تیغ انساندن کجوب لاشه ناپا کلری
یدی رده یغلیدر زیرا بوسرحدلرده قانوندرکم بر سواش و پرخاش یرینه جمله رعایا
جمع اولوب اکر مسلمانن واکر کفاری داغیر کبی یغوب اوزرلرینه هویقه طوپراق
یغوب اسلام عسکری میتلری اوزره یشل تخته دن بر صرق اوزره بیراق دیکر لر
کفار لشکری هویقه سی اوزره اغاجدن خاچلر دیکر لر مؤمن وغیر مؤمن مزارستانک
علامتلی بودر حالا جمیع سرحدلرده نصوح پاشا زاده حسین پاشانک صلانته
صحرا سنده اوچ کون اوچ کیجه جنک عظیم ایدوب یوزبیک کفار خاکساری قروب
آخر کار کندوسیده منهزم اولدوغی مشهور آقادر اول زماندن برو صلانته قلعه سی
جابجا خراب و بیاب یتوب واروشی حالا غایت معموردر

ستایش واروش صلانته

جمله ایکی بیک خانلی افلاقان و بحار رعایالی و ایکی بروکافری حاکمی و اوچ
کلیدالی و بر قاچ دکانلی و بی حساب باغ و باغچلی و بحار محبوبلی معمور و مزین
واروشدرکم کوله قلعه سی قولنک اقلامیدر اندن یلدز جانبنه بش ساعت کیدوب

اوصاف پلنقه فک نه باطور

بو قلعه ایچنده نیجه یوزیل معمراولمش بر پاپاس قسیس وارا یش مرد اولنجه
آنوک مالیه کورخانه سی اوزره بر دیر معظم بنا ایدوب پاپاسک اسمی له مسمی
فکته باطور منصطری دیرلر بعده سنه ۱۰۷۱ تاریخنده سردار علی پاشا ایله
واراط فتحه کیتدی کمزده بو محله سیاوش پاشا قرنداشی آبازه صاری آرسلان حسین
پاشا طمشوار ایالتی عسکر یله مکث ایدوب آینه ورونده عسا کر اسلامه امن طریق
اولسون ایچون بو محله عسکراوشروب بر هفته نک ایچنده بو فکته باطور قلعه سن مجدداً
انشا اتدی کم حالا معمور اولوب قلعه یانوه ایله قلعه واراط مایینده برجای امان
پلانقه اهل ایمان اولمشدر حالا واراط خاکنده نهر قره کرش کنارنده جانب اربعه سی
اورمانلق ایچنده شکل مربع برمتین ورختم دوله دیواری دایراً مادار بشیوز آدیم

غزا مالندن برکیسه یوقلمه بها وایکی اسیرقطننا کافرین ووروب ینه انده اولغازیلره ایکی کافری برکیسه طالر کاغد یرطان غروشه فروخت ایتدم حق برکات ورسون (ممدوحانندن) مشبک بوستانلرده قاوونی وقارپوزی واریکی وبال صوبی و بیاض سپو اکمی ممدوح طالدر جمله رعایاسی افلاق و بحار قومی اولدیغندن شهری غایت غنیمت و اوجوزلق یردر زیرا افلاقان و بحار و بغداد کفرملری غایت چفتجی و دهقانی و خدمت کار اولور الحاصل ممالک آل عثمانده بویله بر غنیمت و متین و مستحکم قلعہ یوقدر حفظک [۱] الله من الآفات و البلیات

در بیان زیارتگاه کوله

غرب قپوسندن طشره اجاج کوپرو بلشنده (زیارتگاه شهدار هویقه سی) [۲] نجه یوز بیک شهدا وصلحای امتدن کمنسه مدفوندر همتلری حاضر و ناظر اوله بعده بوقلمه ده جمله احبا غازیلرایله ودالشوب یوزاللی عدد پاک مسلح غزا یولداشلریمزدن رفیقئر آلوب طوپچی قپوسندن طشره چیقوب یدی ساعت یدلز روز کاری جانبنه کیدوب صحرال و اورمانلر کچوب

اوصاف واروش پلانقه صلاانطه

ما تقدم کفره بناسی بر کوچک رباط ایش بعده پرتو پاشا کوله قلعہ سن فتح اتدکده بوقلمه صلاانطه واسع ایدر بعده مرور ایام ایله جابجا یرلری منهدم اولور حکمت خداسنه ... تاریخنده بودین و زیری نصوح پاشا زاده حسین پاشا بوصلانته قلعہ سی آلتنده اورطه بحار وقورس بحاری واردل بحاری و سیکیل [۳] بحاری و هایدوشاق بحارلری له جنک عظیم ایدوب حکمت باری اوچنچی کونک جنکنده حسین پاشا بودین عسکر یله وغیری لشکرله منهدم اولوب یشمش بیک آدم شهادت جامن نوش اتدکده حسین پاشاهان انحاق ایچ اغار یله قلوب فرار ایدر حالابوصلانته صحرا سنده جمیع شهدالرک جسید پاکلری ایکی رده هویقه [۴] یغیلوب زیارتگاهدر و بوقدر غازیان مجاهدان مؤمنان

[۱] ك : حفظها [۲] س،ك : هونقه [۳] س،ك : سیکل [۴] ك : هونقه

اولوب علی ملا الناس کافرک بینی سی طشره جقوب آتندن دپه می اوزره کافر یقلنجه
 آتی کافره دوغری فرار ائدکده هان قصاب زاده آتندن اینوب و آتنگ دیز کین
 قولنه کچروب آتدن پیاده اولوب دال صطر پهلوانی اولوب قصاب زاده قصاب
 جو مرد کوچکی کبی کافرک کله سنی جسد ناپا کندن جدا ایدوب کافرک کله سن آغزندن
 اکر قاشینه یومروغیله اوره اوره کچروب حمد خدا سالمین و غامین [۱] غازیان
 و مجاهدان ایچنه کیرنجه درون عسکردن بر الله الله صداسی اوج آسانه پیوسته
 اولدی هان ینه کافر طرفندن ایکی نفر کؤک آهنلره مستغرق اولمش کفارلرک
 یری دزدار زاده بری پهلول اوغلی طلب ایتدکلرنده ایکی عدد غازیلر
 کافر اوزره آت براغوب اول آن ایکی سیده کافرله امان و زمان و یرمیوب
 کافرلری آتلندن آقداروب کله لرن کسوب اسلام طرفنه کلرکن هان جمیع کفار
 عساکر اسلام اوزره یازوژ یازوژ دیوب هجوم مهجوم ایتدکلرنده بری طرفدن
 هان جیوش موحدین الله الله دیوب ایکی لشکر بری برلرینه قرلدی و قاتلدی و قلعه دن
 نیجه یوز پاره طوپلر آتلدی کامل بر ساعت نجومی چتاچت کونا کوت جنک علی
 اولوب میدان معرکه قانندن برخلیج اولوب جسد کفار ایله زمین شجر و قواق کبی
 اولوب آن واحده ایکی یوز کفار خاکسار اولوب دورت یوز نفر پر سلاح دمر قتلوی
 کیملی کفار اسیر بند زنجیر اولوب دست بر قفا جمله سن یانمه کتروب مکر حقیر جنک
 ایچنده فتح شریف تلاوت ایدرک مبهوت و متحیر القلم بقیة السیف اولان کفارلر
 فرار ایدنجه نیجه یوز غازیلر و قلعه دن نیجه بیک آدملر آتی و پیاده وقت ظهره دابق
 کافرلری عقیلرندن قوووب یوز بش کله و یتمش اسیردخی کتوروب اول کون اول کیجه
 فلعده طوب شادمانلری و اوده صحبتلری اولوب اون کون اون کیجه قلعه کوله
 کوله کوله کوله لریمزله ذوق و صفا ایتدیلر یعنی تابو مرتبه غازیان مجاهدانلری وارد
 خدای بیچون جمله سن خطا و خطرلردن حفظ ایده آمین حتی بوصواش و پر خاشده
 اون یدی آدملری شهید اولوب برر برر جنازه نمازلرن قلوب دفن ایدوب غزا
 مالندن روحلری چون حوالر و بشیلر [۲] بشوروب فقرايه بذل و اطعام ایدوب حقیره

[۱] دوغروسی (سالملاً و غاملاً) اولمیدر (م) [۲] س، ک : بشیلر

علی الله) دیوب قلمه دن یوز یوز اللی آدیم قدر چقدیغمزده همان کافر مذکور
 هویقه [۱] آردندن آت دیوب میدان معرکویه کیروب آت باشی برابر چتاچت
 رکاب رکابه دوردیله بری بزم طرفزده دخی همچنان غازیله رکلبا کلب [۲] آت باشی
 برابر زانوبه زانو و آموز آموزه پرسلاح آماده دوردقلرنده همان حقیره بر وجد
 وحالات کلوب «کلبانک کلبانک نبی سر محمد العربی کرچکرو حاضر وغائب و رجال الغیب
 وامنا وبدلا وواتاد وجميع ارواح انبیا واولیالک ارواحلری حاضر اوله کرچک ار نلر
 دمیینه هودیلیم هو» دیوب بر کلبانک محمدی چکنجه جمله غزات الله الله دیوب [۳]
 ایلوو آت سوروب کفار ایله ماینمز برتوفنک منزلی قلوب آردمده کوله قلمه سینه
 برزاکتله بقدم قلمه نیک برج وبارولرن سنجاچ وپیراق وعلملرله زین ایدوب دورت
 قات قلمه دن طبل خانه لردو کلوب جمیع برج و بارولر اوزره قات اندرقات صغار
 وکبار بنی آدم ال آچوب جمله خیردمايه مشغوللردر همان حقیردخی بزم عساکر
 اسلام ایچنده صوت اعلا ایله سورة فتحدن (وینصرك الله نصرأ عزیزاً) آیت
 شریفن تلاوت ایدوب همان کفاردن کوك دمره مستغرق اولمش برکافرکیلان آتن
 میدانه دپوب بر پیاده صراخیله میدان معرکوده آت باشی چکوب ایدر «قتی بنم
 بوکونکی کون ورنه کولنکی التندن جانن قورتارر قصاب اوغلن میدانه او قیدم
 کلسون» دیو القلدروب برقاچ نعره ایدوب شراب بی حجابدن کوزلری طاس پرخونه
 دونوب دخی اویله ری [۴] میدان وغایه کلوب یینه قصاب اوغلن میدانه استه دی
 همان بری طرفدن قصاب اوغلی غازیله بنی خیر دمانن اوتمک سزی اللهه اصبارلدم
 دیوب میدان رزومه آت صچرادوب میدانه برقاچ کره آتته موشوار ووروب کفاره
 یرکره حمله ایلیوب بر حمله [۵] خطا کچدکده کافر دخی لنده کی فرهادی کلنک
 ایله قصاب زاده به بر حمله ایدوب حمد خدا آنک دخی حمله سی خطا کچوب همان ایکنجی
 حمله یینه قصاب زاده به دکوب لنده کی یدی وقیه حدید همدانی طقوز یا پراق
 ششو پریله کافره بر حمله قصاب جو مورت ایدوب کافرک کله سنده کی مغفیری خورد

[۱] س: هویقه دبه . ک : هویقه دبه [۲] بوراده کی کافر کسر ایله حرکت لشدن (م)

[۳] ک : الله الله صدا سینه رها بولدوروب [۴] س : ایله ری . ک : ایلو [۵] ک : بو حمله

روشنده خدمه جوانیلر [۱] قپودن طشره حمامه بیله جی قمازلر هر کس خانه سنده صوبالی حاملرینه کیررلر و جمله خلقی هودی سدی بلمزسهل تور کجه بلر و افلاق و مجارجه چوق بلر برالای سرحد اثوابی کیر چوقه قداقی غازیلر و تجارلر در

سرگذشت حقیر

بو ادنا کتر فقیر بو قلعه یه ابتدا رفیقلر و کوله لر و سیس خانم ایله قلعه یه کیررکن وقت سحرده قلعه قپوسی آچلوب آنی کوردم که دورت بش یوز حرد آتلی پرسلاح غازیلر قلعه قپوسندن طشره جیقار حقیردخی جسر باشنده توقف ایدرکن همان قصاب زاده و بهلول اغا و دزدار اغا و نجه غازیلر همان حقیری کورنجه « الحمد لله اوغوردر عثمانلی یوزی کوردوک اغا سنی اوغور دوتوق هله دور معاً بزم ایله چتیه و بطوره یه کیده لم » ایشده باغداله هویقاسنده [۲] کافرک قطنای بو یاقلری بزی قتلانز دورمه کیده لم دیدکلرنده حقیر باقدم باغداله هویقاسی [۳] دیدکلری یوکسک دپه نك دبنده قرنجه کبی قره شاپه لی و قره صماچلی کفار چتاجت اولمش دورورلر حکمت خدا حقیر اولطرفدن کلام کافرلر حقیری کررب اصلا حرکت اتمه مشرکم احتمالدر قلعه خلقی دویردیو خاموش اولوب یتمش لر همان حقیر اولقدر کافرک کثرت و وورتن کورنجه « والله غازیلر بنی اوغور او قوماک [۴] بن براوغور سز آدمم زیرا قرق آتلی یلدر صاحب صقلم طراش ایدوب جوللامی اشقه دوتدم [۵] و یا نووه دن الغار ایله کلام آتلی یوزور غوندر » دیونجه کونه بی معنی عذرلر بولدم اصلا (العذر عندکرام الناس مقبول) دیمه یوب تابز سنی صباحدن راست کلوب اوغور ایتدک بیره دورما یوربنا بیره دورما یوربنا [۶] دیو هر قفادن بر صدا کلوب باشمه اوشوب الم انه کم اوپوب آخرکار غلاملرم بار خانم ایله قلعه یه کوندروب حقیر دورت نفر غلامله غازیلره قرشوب (بسم الله نية الغزا توکللاً [۱] س : حرمه جوانیلر . ک : حرمه خوانیلر [هراییک نسخه ده ده ک (حرمه) کله سی حانک ضمی و رانک سکونیه حرکه لمتشدر (م) [۲] ک : هونقاسنده [۳] ک : هونقاسی [۴] ک : سزبنی اوغور طونتاک [۵] ک جولاق اشغه دوندم [۶] ک : دورمایورو دورمایورو بیره دورمایورو

دسر قپو قلعہ سی بابلریدر کم بونلرده باب حدید جدید دروازہ لر در اما شمال طرفہ ایکی عدد کوچک صو قپولری دخی واردر لکن خاص وطام قپولری اولوب رہ راست دکدر بو۔ باب اوزرہ ایچ قلعہ ایله مذکور دورت قات قلعہ نک اندرون و بیرونده جمله ... عدد شاه راه قپولری ویدی یرده خشب جسر لری وار و بو طشرہ بیوک واروشده جمله بیک التمش قدر معمور و مکلف و مکمل باغلی و بانجھلی جمله شندرہ تختہ اورتولی مزین خاندانلر در و جمله صوقاقلری سراپا تختہ کرش قالدرم دوشه لیدر زیرا بوشهر بر بطاقلی کول ایچنده واقع اولدوغندن زمینی چامور اولوب انکی چون شهر ایچی و اولر ایچی جمله تختہ یوان [۱] درکدر دوشه لیدر کویا قیژہ و طمشوار و سکتوار و قپوسوار قلعہ لری کبی جمع صوقاقلری تختہ دوشه لیدر و جمله [۲] دورت محله و دورت محرابدر اولاسلیان خان جامعی و علی بک جامعی بر قورشوملی جامع زیبار صاحب الحیرات علی بک داخی جامعی حظیرہ سنده بر قورشوملی قبہ عالی ایچرہ آسوده حال یاتر رحمة الله علیه بو ایکی جامع و علی بک تور به سندن غیر ی بو قلعہ ایچرہ رصاص خاص ایله مستور خیرات معمور یوقدر و بو ایکی جامعدن غیر ی کار کیر منارہ لی معبدکاه دخی یوقدر ماعدا جمله طقوز عدد محله زاویه لریدر و جمله ۳ عدد مدرسه طماندر و جمله ۲ عدد تکیه درویشاندر و جمله ۳ عدد مکتب صبیان و پسراندر و جمله ۱۰ دانه خان تجاراندر و جمله بردانه علی بک حامی واردر و جمله ۲۰۰ عدد [۳] دکانلری وار کرچه بزازستانی یوقدر اما جمیع ذی قیمت اشیای بی نوادر بی قیمت حاضر بولنور و جمله طشرہ واروشده اوچ دانه کفرہ رهبان کنیسه لری وار اگر جمیع آثار و بنا لرن ماوقعی اوزرہ تحریر اولرسا بر مجلد طومار اولور لکن بو طرز اوزرہ بویله شهر ایچنده اودن اوه و باغدن باغہ و دکرماندن دکرمانه و هر کس اش و یولداش و دوستنه قایقله کزیلر غریب تماشا کاه شهر در اما آب و هواسی لطیف اولدوغندن کل جمال کوله محبوبی و محبوبه سی مدو حدر اما غایت مؤدب و مؤدبه نسوان و مردان و جوانلری وار اصلا روز

[۱] س : نالوان [برنجی حرفی نقطه سزدر] [۲] ک : و بو واروش جمله [۳] ک :

(۲۸۰) عدد

آدیمر کامل و جملہ آلی طایئہ کیرلری اوزرہ اونار پارہ بال یمز طوپلری صویہ برابر مزغل دلکارندہ آدم صیغار شایقہ طوپلری دخی واردر وبومذکور ایکی قات ایچ حصار اطرافلرن خندق یرینہ جملہ نہر کرش دولاب [۱] شہر ایچندہ قیقلر وکمی ل کزوب ہر خانہ شاہدشینلری و باغچہ لیرینک مقصورہ لری نہر کرش کنارنہ واقع اولوب ہر کس مقصورہ لرنده بالق لک انواعن صید ایدوب ہر کس خانہ دن خانہ یہ قایقلری لہ کیدوب کزولر عجیب غریب وضع و اساس قورولمش شہر در کم کویا فرنکستاندہ ونہ دیک شہریدر اما بونک دریایی مدح و ذم [۲] اولدوغندن صویہ چکیلوب قروودقدہ جملہ خلق پیادہ کزور اما بوکولہ دائما شہر ارہ سندہ قایقلر ایلہ کزولوب جملہ محبوبلری شب و روز نہر کرشدہ دکز ماہیلری کبی بی آدم ماہیلری شناورلک ایدر کن بیچہ عشاقان کرش صویندہ کی دلبرانہ کرش کچنورلر کرچہ بوشہر ایچرہ بیچہ یردہ کیمیلرہ کزیلور اما ایچ قلعہ وبومذکور واروشلرک جانب شرقی سی و قبلہ سمتندہ [۳] بنوہ قلعہ سی طرفی صافی سازلق و قشلق و چونبول [۴] برتلی [۵] بطاق و جطاق کولدر کم اصلا برطوب دراز ایرہ مز بحیرہ عظیمدر و بویاکنجی قات مرقوم واروشک باطی جانبندہ

دروصف و چنجی قات واروش کیر

غایہ الغایہ معمور و آبادان واروش قوی البنیان رباط مکان آشیاندر لکن جانب اربعہ سی او بر واروشلر کبی طولہ رختم یالن دیوار دکلدر بوانحاق همان یالن قات دولہ چیت پلانقہ دیواردر بونک دخی خندق اولہ جق یرندہ دائرآ مادار نہر کرش جریان ایدر بوشکل شمس بر باطدر کم جرمی دائرآ مادار دورت بیک کر مہ آدیمر تیجہ کرہ عبدملوک کرم ایلہ آدملشمدر و جملہ اطرافندہ اوچ عدد باب قویلری وار اولا قبلہ طرفنہ غرب [۶] قیوسی باطی طرفنہ اورطہ قیو مکشوفدر مشرق طرفنہ بنوہ قیوسی وار بومذکور اوچ عدد قبولر کویادست عجمدہ بحر خزر کنارندہ

[۱] دولانور (دولوب) اولوقدہ سمکندر (م) [۲] س ، ک : مدحزم [دوغروسی (مدوجزر) اولمیدر (م)] [۳] س ، ک : و قبلہ سندہ [۴] س ، ک : چونبول [۵] س : برکلی . ک : برکلی [۶] دوغروسی بلکہ (عزب) اولمیدر (م) .

دریا مثال بطاقلقدر بو اورطه واروشك دیوزری کول کنارنده قرق ایاق اینلی
 رختم طولمه پلانقه متین دیوار اولوب یکریمی عدد آرشون یوکسک اولوب فیج
 عمیق بطاقلق ایچنده شکل مربع برسور ربا طدرکم [۱] دائراً مادار جرمی ایکی
 بیك آرشیندر عظیم وزنی اوزره یدی عدد یدی اقلیمدن وسیعاً سیاره‌دن نشان
 ورر سدیاجوج جنبه عبرتتادرلرکم هر برنده یتشر پاره صغیر وکیربال یمز طوپلری
 وار وپونده آنجاق اللی عدد شندره تخته اورتولی اولری وبعداً انبارلری ایچنده
 جمله دارودر و بوغدای و ارپا و سار غلال حبوباتلر لب‌ربلدر بو واروشك
 انجاق ایکی قپوسی وار بری صو قپوسی وبری بیوک قپو کارکیر بنا کمرلیدر
 آندن

ستایش ایکنجی قات واروش

بو واروش عظیم دخی اولکی واروشی احاطه ایدوب بودخی قرق آدیم انلی
 ورختم و متین و قوی شکل مربع پلانقه دیواردر اما بو واروشلردن بربرلرینه
 کچیلیر مابین دروازه‌لری واردر اما یوقاروسنده سلیمان خان جامعی وار کره‌مت
 ایله مستور جامع معموردر حالا جانب و معدن [۲] ناصرالنصاری [۳] بر کارکیر
 سرآمد مناره‌مصنع بنادر و بو واروشده جمله یوز مقداری شندره تخته اورتولی
 خانلر واردر و بو قات قلعه قپوسنک اوستنده ساعت قلعه‌سی وارکم ناقوسنک
 صداسی برقناق یرده استماع اولنور کارکیر قله و شاله ناظر کارکیر بنا کمرلی دمر
 قپودر بو قپونک اوکنده طشره بیوک واروشه کچه‌جک قپو اوزره بر کارکیر بنا
 قله سمندر وارکم آتش فشان کرپی کبی [۴] دوزولمش طوپلری حاضر و مهیادر
 بو مذکور قله و قپو اوکنده طشره مذکور بیوک واروشه کچه‌جک نهر کرش
 اوزره یوز آدیم انلی بر خشب جسر ایله مذکور طشره بیوک واروشه کچیلیر
 حسر قویدر بو ایکنجی قات واروشك کردا کرد جرمی ایکی بیك بش یوزاللی

[۱] س ، ک : بربرور تاصدرکم [غلط اولدیغنده شبهه یوقدر (م)] [۲] ک : وقعدن

[۳] ط : جانب معدل باصرالنصاری [بلکه دوغروسی (حالا جانب‌وقعدن ناظرالنظارلی ...)

اولمیدر (م)] [۴] ک : کرپی توکی کبی

قیوسی [۱] وارغیسی [۲] یوقدر و بو ایچ قلعه قیوسی جانب بکدره ناظر اولوب
 قیویه قرق آغاج زردبان ایله چیقلوب حین جنکده زردبان لری ایچ قلعه یه چکوب
 قلعه یه بر طرفدن وارماز و بو قیونک اراسی ایکی قپودز ایکی قپو مایننده چام
 جیمیدن نشان ورر برزندانی وارکم هر شب جمله شهر اعیانک نیجه یوز اسیرلرن
 بونده حبس ایدوبینه صباح صباح چیقاروب اسیرلره خدمت ایتدیررلر اما بو ایچ قلعه نک
 و طشره اوچ قات قلعه نک خندق لری یوقدر جمله بطاق ایچنده در آنجا ق طشره بیوک
 واروشک غرب طرفنده کی اورطه قیوسنده سهل یرده خندق اوزره خشب
 جسدن کچیلر اول خندقده دخی کرش نهری جریان ایدر و بو ایچ قلعه نک
 دورت عدد قه لری اورطه سنده سلجی [۳] قله جمله آ عالی اولوب جمله ولایت
 صحرالری و مزرعه یرلری وختانلری [۴] صحیفه اوراق کبی نمایان اولوب برخشب
 بنا قصر عالی واردر اطرافنده شاهی سرآمد طوپلری واردرکم برفرسخ یرده
 بو طوپلر قوش قوندرمازلر حتی بو قصر اوزره شب وروز برقاچ قلعه نو یجیلری
 قراول بکلیوب بر طرفدن دشمن کلورسه قلعه دزدارینه خبر ایدوب طوب آترلر
 و جمیع شهر اعیانک بعض ظرفالری بو خهان نماقله قصرینه چیقوب جان صحتی
 [۵] ایدرلر الحاصل بردیارده بویله صعب ایچ حصار اولمازدر حتی کفره زمانی
 بو ایچ حصارک طشره اوکنده برقات طوله شدادی بنا قلعه دیواری تمللری ظاهر
 و باهردر مکر حین محاصره ده پرتو پاشا بو ایچ قلعه دوکدوکه منهدم ایدوب
 مذکور دیوارک حالا اساس بنالری قالمش اکر بو دیوارینه تعمیر و ترمیم اولنسه
 کوله قلعه سی هنوز سد اسکندر اولوب تازه جان بولوردی و سد قهقها اولوردی
 و بو ایچ قلعه نک جانب غربیسی اوکنده

اوصاف اورطه واروش

بو واروش ایچ قلعه نک جانب بلاتن [۶] احاطه ایدوب ایچ قلعه نک قبله جانبی

[۱] ک : و بر آب حیات قیوسی [۲] ک : غیری شی [۳] ک : سچی [۴] ک :
 و خیابانلری [ظنجه (و درختانلری) اولماید (م)] [۵] ک : صحتلری [۶] ک :
 ثلاثسن [(جوانب ثلاثن) دخی اوله یلور (م)]

یوک آجهدر ارباب زعماسی اون اوچ عدد ارباب تیماری بش یوز عدددر ایلی بیکی و چری باشی و یوز باشیلری واردر حین معرکده قانون اوزره جمله ارباب تیمارک جبه‌لولریله و بکینک عسکریله و قلعه نفراتلریله جمله سکزیبک عدد کزیده مسلح و مکمل عسکر اولور قانون اوزره شیخ‌الاسلامی و نقیب‌الاشرفی و اوچیوز اچّه پایه‌سیله قاضی‌سی و سپاه کتخدایری و یکیچری سرداری واکره و بودین قولی سردارلری و یکیچری اوچاغندن قلعه دزداری و اون ایکی عدد طوغ صاحبی قلعه اغالری و جمله بیک سکزیبک یوز عدد غازی و بهادر و رستم مثال قلعه نفراتلری و طوپیجی باشی و جبه‌جی باشی و کومروک امینی و خراج امینی و محتسب اغاسی و باجداری و معمار اغاسی و قپودانی و سائر اغوات و اعیان و اشرفلری موجوددر

ستایش اشکال قلعه کوله

قلعه‌سی صحرای تیه مثال قرکو [۱] چولستان یرده جانب و اطرافی بطاقلق و چتاقلق و سازلق واقع اولوب اصلا و قطعاً برطرفندن حواله‌سی یوق نهر کرش بطاغی ایچنده برقلعه معظمدرکم نهر کرش تارادل ولایتندن شیجه وارقلعه‌سی و لسان [۲] داغلرندن جمع اولوب کله‌رک یا نووه قلعه‌سی خندقلری و شهر ایچندن جریان ایدره کلوب بوکوله قلعه‌سی اطرافلرن ری و سقی ایدوب بر عظیم و منهیب [۳] بطاقلی کول اولوب اندن جانب غربده اکره ایالتنده چوکرادقلعه‌سی خندق او کونده نهر عظیم [۴] مخلوط اولور اما کوله قلعه‌سنک ایچ حصاری صافی طوغله رختم شدادی کارگیر بنای متین و قرق ارشون یوکسک شکل مربع بش عدد قلعّه بالالی ایچ قلعه‌درکم قله‌لری جمله داری و بغدادی و چلتکللی پرنیچ و سائر مهمات و لوازهات و آلات جنک اشیلاری ایله مالا مال دولیدر و بو ایچ قلعه‌ده انجق دزدار اغا ساکن اولوب بر قاج انبارلر و جبه خانه‌خانلری [۵] و یرات جناب

[۱] ک : قراق [۲] ک : لیتان [س] نسخه‌سنده کی کله بوشکده ایسه‌ده نقطه‌سزدر (م) [۳] ک : منهیب [۴] ک : نهر عظیم طونابه [۵] ک : و جبه خانه‌لری

ايدوب قرق کون قرق کيجه کرما کریم جنک و آشوب ایدوب ک صد مات طوب کوب
ایله قلعه کوله ک نیجه واروشلرن رخته دار ایدوب زیر قلعه ده اولان دریا مثال
بحیره نیک بر طرفه کوه دماوند مثال طوبراق سوروب آخر کار قلعه نیک طوبرایله
منهدم اولان یزلندن غزوات مسلمین یوروش ایدوب کفاری قره قره طشره ده کی
اوچ قات حصار لری فتح ایدوب اذان محمدیلر تلاوت اولنور اما بقیه السیف اولان
کفار لرایچ قلعه یه قبانوب درون دلن و جان و کولدن کونا کون جنکه آهنک ایدوب
درون حصار دن کفار لر در لر مشکیم های تورک عسکری سکتوار قلعه سی آلتنده
سزک اغراندو پادشاهی کز سلیمان اوتول [۱] قسطنطین خسته اولوب اولمش بز
سزه بو قلعه ویرنلردن دکلز دیو قلعه دن بو کونه سوزلر سویلر لر ایش پرتو
پاشای عاقل تفکر ایدوب بو کفار لاملرینک کذب و صدقه احتمالی وارد
اما بز تدار کز کور لم دیوب شب و روز قلعه یه کوز آچدیرمیوبیدی قولدن ایچ
قلعه هجوم ایدوب آخر کار قرق بشتی کون ایچ قلعه دن کفار خاچلی بیکر لر
سرنکون ایدوب ویره ایله ایچ قلعه قاج ایله طشره قلعه لر فتح ایدوب مزده سن
سکتوار آلتنده مفتاح لری له کوندر دکده مکر قلعه کوله فتح اولدوغی آن سلیمان
خان هارجی الی ربک، فرمانیه مرحوم اولوب اول ساعتده سکتوار قلعه سی دخی
قلج ایله قراراق بدست عاقل صقولای محمد پاشا سکتوار فتح اولمشدر آنکی چون
نیجه تواریخ آل عثمانده سکتوار قلعه سیله کوله قلعه سن سلطان سلیمانک اولوسی
آلمشدر دیو یازمشلر حقا که اوله اولمشدر دیو سکه مرمرده قازمشلر بعده
پرتو پاشا بو کوله قلعه سن کرکی کی تعمیر و ترمیم ایدوب جمیع مهمات ولوازماتیه
اون ایکی بیک عسکر قلعه نفرا تلی قیوب سنه . . . [۳] تاریخنده بعدالفتح
طمشوار ایالتنده باشقه سنجاق بکی تختی ایدوب کندر لری سکتوار قلعه سی آلتنه
عزم راه ایدر لر قانون اوزره بو کوله سنجاقی بکینک خاصی اوچ یوز قرق بیک

[۱] ک : اوپول [۲] تاریخ رقمی دورت نسخه ده کوستر له مش، بالکنز (ک) نسخه سنده
(۹۶۰) یازمش ایسه ده سلیمان خاتک تاریخ وقای (۹۷۴) اولغه مذکور رقمک یا کیش
اولدیفی ظاهر در (م)

خوفندن داملر اوزره معتمد قره‌ووللر قیوب آتلیرمزه یم کسدروب سهل استراحت ایدوب تا نصف الیلده ینه آتلانوب پر سلاح حاضر باش اولوب و مخوف و مخاطره جوللری و کافر یتاغی کافرک بصویرلری ایچره کامل سکیز ساعت کیده‌رک

اوصاف حصار استوار چار قوله یعنی قلعه عبرت‌نمای کوله

لسان مجارده اسمی ... لسان نیچده ... لسان سرحد لیده پرتو پاشا بو قلعه فتحنده چوق اغلادیغی چون غازیلر بو قلعه‌یه کوله دیمشدر بقول مورخ عالم روم ینوان بو قلعه‌نک بانسی قره‌دکز کتارنده آق کرمان قلعه‌سی صاحبی صلصال اوغلی صلعات [۱] قرال بناسیدر بعده منوچهر اولاد لرندن اردل ولایتی بانی بژدر [۲] بان بناسیدر دیویانوان تاریخنده لسان یونانیانجه مفصل یازمشدر بعده نیجه یوز کره بو قلعه ملو کدن ملوکه انتقال ایدوب هر بری مراد و مراملری اوزره کونا کون تعمیر و ترمیم ایده‌رک کویاسددر بند حالندر (۳) اتدیله بعده سنه ... تاریخنده سلیمان خان غازی طاب ثراه و جهل‌الجنه مشواه عطف عنانلرین (۴) ولایت زرین اوغلی تختی [۵] اولان سکتوار قلعه‌سی اوزره اتدکلرنده [۶] سعادتله بلغراد بهشت آباده کلدکلرنده طمشوار ابالتنه متصرف احمد پاشادن فریادجیلر کلوب بو کوله قلعه سنک اردل کفارندن تشکی اتدکلرنده هان سلیمان خان غضب آلود اولوب وزیر ثالث پرتو پاشایه سکسان بیک عکر و قرق پاره بال یمز طوپلر و یوز پاره شاهلی ضرب زن طوپلر ایله نیجه کره یوز بیک کونه الزم لوازماتدن مهمات کونا کونلر ایله بش یوز کیسه خزینه مصروف و یروب بو کوله قلعه‌سی اوزره پرتو پاشایی سردار ایدوب بلغراددن طونه نهرن قرشو طمشوار طرفنه کچروب کندولری سنجاغ رسول‌الله ایله لشکرکش و عدوکش اوله‌رق قلعه سکتوار اوزره واروب دوکده بری طرفده غازی پرتو پاشا طمشوار وزیر احمد پاشایی طلیعه عسکر ایدوب قطع منازل و طی مراحل ایده‌رک قلعه کوله‌یه امان وزمان ویرمیوب محاصره

[۱] ط: صلعات [۲] س، ک: یوزدر [۳] ط: جالندر [۴] ک: عنان مراد شاهانه لرین

[۵] ک: تختی‌کاهی [۶] ک: عطف ایدوب

ینہ بالادہ جلد کراسلردہ مفصل موصوفدر تکرارہ حاجت یوق اندن جانب شمالہ سازلق وبطاقلق ومشہ یستانلی اورمانلقری ومخوف ومخاطرہ کفارک بصورلرن آمادہ اولہرق سکزر ساعتہ کچوب

اوصاف قلعة ولاغوش

بونی دخی سنہ ۹۵۹ تاریخندہ وزیر ثانی احمد پاشا اردل الندن قبضہ تسخیرہ آلدغی ویانووہ خا کندہ اوجہ برابر برکوجوک کارکیبنا اولدوغی بالادہ جلد کتابدہ مفصل کتابت اولنمشدر نظر اولنہ اندن ینہ شمالہ دورت ساعتہ بجر درسک [۱] کچوب

اوصاف قلعة معمورینووہ [۲]

سنہ ... تاریخندہ سلطان محمدخان رابع وزیری کوپرولی محمد پاشا ایلہ اردل قرالی راقوغلی اوغلی الندن فتح اتدیکمز وسنہ ... تاریخندہ سردار علی پاشا ایلہ واراٹ غزاسنہ کیتدیکمز عصرده بوقلعه ینووہ اوصافی کرتین وجہ مشروح اوزرہ بالادہ مرقومدر اما شمدی بوینووہ وزیری جراح قائم پاشادن احسان و العاملر ایلہ قلعه نفراتلرینک یوقلمہ بہالرن دخی آلوب اندن ینہ یوزاللی عدد شہباز وپر سلاح رفیقنر ایلہ

کولہ قلعه سنہ کتدیکمز قوناقلری بیان ایدر

اولا قلعه ینووہ دن جانب غربہ بر ساعت کیدوب (منزل قریه جیقوله) [۳] ینووہ کویدر اندن ینہ جانب غربہ (منزل قریه صراندآ [۴]) ... ینووہ خا کندہ معمور افلاقان کوی وزعامتدر اندن ینہ سمت غربہ قرقق صحرا ایلہ کیدوب (منزل قریه سدرکین) کولہ سنجانغی خاکندہ معمور افلاق و ماجار رعایاسی کوی اولوب سربست زعامتدر بو کویده اورتہ مجار قضناسی کافری

(۱) ک : بجر دره سین . س : بجر درسن . ط : بچی دره سک [۲] س ، ک : یانووہ

[۳] ک ، ط : جیقوله [۴] ک : صراند

ویوهده لئی اولوب بریار باشنده بر کوچوک کارکیر بناقلعه زیباچک اولدوغی سردار معظم علی پاشا ایله واراط غزاسنه کیدرکن اوصافی بالاده تحریر اولمشدر شمدی مکرر تحریره احتیاج یوقدر آنجق شیمدی قلعه یوقلمه سی بهاسین آلوب آندن مشرق طرفنه نهر مورش کنارنجه ایکی ساعت کیدوب

ستایش قلعه جدید آراط

سنه ۹۵۸ تاریخنده اردل قرالی الندن صقوللی محمد پاشا آلوب بعده سنه ... تاریخنده یانوره فتحنه کوپرولی محمد پاشا کیدرکن بو قلعه مجدداً غیری زمینده بنا اتدوکی سنه ... ده علی پاشا ایله واراط فتحنه کیدرکن بالاده اوصافی مفصل مرقومدر لکن هنوزغایت معمور و آبادان کوپرولی محمدپاشا اوقافی اولمش اندنینه نهر مورش کنارنجه اورمانلر ایچنده کامل ۶ ساعت کیدوب

اوصاف قلعه معمور لپووه

بودخی سلیمان خان عصرنده ایکنجی وزیراحمد پاشا سردار معظم اولوب فتحنده اولمه [۱] پاشا شهید اولوب طمشوار ایالتنده باشقه سنجاق بکی تختی اولدوغی واراط غزاسنه کیدرکن بالاده ماقعی اوزره مفصل ممدوح و مرقوم اولمشدر انکیچون تکرار توصیفه حاجت یوقدر اندن بولپووهن کمییه بنوب قرشو نهر مورش کنارنده

اوصاف پلنقه رادنا [۲]

بودخی یوقاروده ماقعی اوزره موصوفر اندن مشرق طرفنه داغله نصف ساعته دردوبلا ورنج و عنا چکرک کاه آتلا ایله وکاهجه پیاده چیقوب

اوصاف قلعه جهان نما سولوس [۳]

بونی دجی سنه ۹۵۹ تاریخنده سلیمان خان فرمانیه وزیر ثانی احمد پاشا اردل الندن فیح ایدوب نهر مورش کنارنده اوج آسمانه برابر بر کوچوک قلعه عالی اولدوغی [۱] بوکله همزه تک ضمی ، لامک ، میمک فتحیه حرکه لشم اولدیفندن شیمدیکی املا مزه کوره (اولامه) شکلنی آلیر (م) [۲] س ، ک : زادنا [رنجی حرفی نقطه لیدر] (۳) ک : سولوس

واروش عظیم انشا ایدوب خط شریف شہریاری ایله بو شہرہ سہ ساکن اولانلری
 جملہ تکالیف عرفیہ و شاقہ دن مقطوع القلم و مفروض القدم [۱] ایلدوب و قنیہ سندہ
 ہامان وقارون و شداد و ابوجہل و یزید لعنتن تحریر ایدوب و قنیہ یازمشدرکہ اولاد
 اولادہ بعد الانقراض ابقایہ [۲] دیو مشروطلری [۳] لعنت نامہ مذکور ایله [۴]
 تحریر اتمشکم برفرد آفریدہ فرعون و یزیدک لعنتن قبول ایدوب و قنیہ بوزمغہ قادر
 دکدر حالا ابراہیم خان زادہ بک افندیلر عمز باصر النظر [۵] متولیدر بوشہرک
 جمیع خان و جامع و حامی و عمارت دار الضیافہ سی و مدرسہ و تکیہ و مکتب و مساجد
 و جملہ چارشوی بازاری و الحاصل جملہ آثار بنالری سراپا صقولی عاقل محمد پاشا آثار
 بنالیدر کہ رصاص خاص ایله مبنی کار کیر بنالدر باج و بازار و کمروک و جملہ خراج
 و عشر سلطانی وقف طرفندن ضبط اولنوب حاکم الوقتی متولیدر کرچہ چناد
 سنجاغی خا کندہ در اما سنجاغی بکی اصلا مداخلہ اتمز انجق یوزاللی آچہ شریف
 قضا در مفتی و نقیبی و امینی و باجداری وار امینہ و وقف طرفندن امین ضبط ایدر
 بوقلمہ دن ابراہیم خان زادہ بک افندیمز ایچون براچہ آمادق وور منزلر ایدی و بوقلمہ
 دیندن جریان ایدن نہر تکی اردل دیارندن کلوب نیجہ بیک باغ و باغچہ و بسا تیلری ری
 ایدوب آندن اشنی نہر موریشہ قریشوب اندن نہر تیسبہ مخلوط اولور تیسہ دخی
 طونیہ [۶] قرشور اما آب و ہوا سنک لطافتندن محبوب و محبوبہ سی چوقدر و معاف
 و مسلم قوم اولوب حکم نقدی [۷] اولمادیقندن معمور اولوب عنقاچہ بازار کان حاجیلری
 چوقدرینہ سرحدلی اثوابلری کیوب بتورحہ کلمات ایدر لر و جملہ رعایا و برابالری
 افلاقان و صرف قومی اولوب غایت مضیعلدر [۸] اندن مشرق طرفنہ کاہ سحرا
 و کاہ مشہ اورمانلری ایچندہ سکز ساعت کیدوب

اوصاف قلعة فلاق

بدست قوجہ محمود پاشا فتحی اولوب طمشوار وزیرینک ایکی یوک آچہ خاصی

- [۱] ک: مفروض القلم و مقطوع القدم [۲] ک: عنقاچہ. ط: ابقایہ [۳] ک: شروط مشروطلری
 [۴] ک: ولنت نامہ مذکور ایله [۵] ک: باصر و ناصر [۶] ک: نہرام الانہار طونیہ
 [۷] ک: حکم نفوذی [۸] (مضیعلدر) کلہ سندن سوکرہ س نسخہ سندہ یازم سطر آچیق و از (م)

اوصاف قلعهٔ محبوب بجی [۱]

لسان لاتینده ... دمکدر بانسی اردل قرالی یوناق استفاندر نجه کره دست آل عثمان کروب چقوب آخرکار سنه ۹۵۸ تاریخنده سلیمان زمان عصرنده قوجه محمدپاشا فتحیدر چنادسنجانغی حکمننده و یوه دالقدر اما الله اعلم اوقاف محمدپاشای طویلدر بیج کرک قضاسی نیاتی در دزدار و قرق عدد مردم حصارى و محتسبى واکره یکىچریسی سرداری و کمروک امینی طمشوار قولى طرفندن یدی یوک اچه التزامه [۲] ضبط ایدر محتسبى و باجداری و خراج امینی واردر قلعه‌سی نه‌تیسسه کنارنده چارکوشه برطوغاه بنا بر کوچوک قلعهٔ رعناجکدر کم کردا کردجرمی بش یوز عدد خطوه احاطه ایدر خندق ایجره تیسسه نه‌ری جریان ایدوب براسکله قپوسی و براوغرون قپوسی واسکله باشنده برخانى واللى عدد مخزنلری و برکنیسه دن ولی اولنمش بر معمور جامی و بر مدرسه و اوچ مکتب و برتکیه‌سی و برحامی و قرق عدد دکانی و جمله یوز عدد کیره متلی و ساز اورتولی تحتانی اولری وار اسکله [۳] عظیم اولغیه خلقی اکثریا طوز و بالاق بازرکا نلریدر کم عنقا و خاندان صاحبی غریب دوست آدملری اکثریا حاجیلردر جمله سرحدلی اسبابی کبی قلدیق کیرلر برخیلی شیرین و معمور قصبه‌در اما باغ و باغچه‌سی غایت جو قدر بوندن دخی یوقلمه بها آلوب جانب شرقه صحرالری و معمور قرالری [۴] آلتی ساعتده کچوب

اوصاف اوقاف عظیم پلنقهٔ بش کلک

بچ کلک دخی دیرلر اسمی لسان تورکیده بش قوون دیمکدر مقدهما کفره زمانی بر کوچوک بی معنی پلانقه ایمش سنه ۹۵۸ تاریخنده سلطان سلیمان شاه عصرنده قوجه صوقللی [۵] طویل محمدپاشا دست اردلدن فتح ایدوب مخوف و مخاطره قطنه‌لر کین کاهی یراولوق ایله محمدپاشا فرمان پادشاهیله قلعه‌سنی توسیع و بر معمور و آبادان

[۱] س، ک : بجی (عبدالرحمن شرف بک) تاریخنده ده بویله‌در. ج ۱، ص ۲۶۹ (م)

[۲] ک : التزام ایله [۳] ک : اسکله [۴] س، ک : صحرالده معمور قرالری [۵]

س، ک : صوقوللی

کي آ کرديقه صداسن استماع ايدن آدملرک زهره سي چاک اولور حقيک دخی جکری خون اولوب خدا خلاص ايدہ تمدن غیری چاره من اولمادی اماينه کاره قوشسلر ايشلر اما نطق يوقدر بر محبوب مرزايکندر [۰] و غایت غنیمت ولايتدر جمله خلقي قيش کجهری بر لرینه ضیافت عظیملر ايدرلر جمله غازيلر و تجارلر و حاجیلردر بونلر دخی بوشناق جه کلمات ايدوب سر حدلی اثوابلری کیوب مرد ربانی مؤدب کرزلر و دائماً انتہاء سر حدلره یکتلر چته و پتوره یه کيدرلر بو حقیر دخی بوشهری علی قدر الامکان سير و تماشا ايدوب قلعه یوقلمه سندن او چيوز غروش آلوب يته ريفلر ايله تکرار قبله طرفنه اوچ ساعتده

وصاف قلعه بش اووا

سبب تسميه سي [۰۰] و بانيسي اردل قرالی آفون مجالدر اعده سنه ۹۵۸ تاريخنده سليمان خان وزيری قوجه محمد پاشا فتحيدر حالا چناد سنجانی حکمنده ويوه دالقدر قلعه سي نهر مورشدن آزماق اولمش بر بطاق و چطاق کول کنارنده شکل مربع بر کوچک پلانقه در کم جرمی آنجاق بيک آيدمدر دزداری و سکسن عدد قلعه نفري و چناد قضاسی ناچی وار غیری حاکم لری يوقدر و رکنيسه دن ولی اولمش [۱] جامعی وار وایکی مسجدی و بر مدرسه سي و بر تکيه سي وایکی مکتبی و بر کوچوک حامی و برخانی و سکز عدد دکانلری و جمله ایکی عدد تخته اورتولی خانلری واردر امامشک بوستانلرنده قاوونی وقارپوزی اولقدر لطيف و آب داروخوش خوار اولوب کثرت و وفرت اوزره اولور کم بر عربه قاوون وقارپوز بر بشلکه و برلر اما چنانکم نهر مورش طغیان اوزره کلوب بستانلری و قلعه ياننده کی بطاقلنی مورش غرق اتدکده قاوون قارپوز قيمتلی اولور اما غلالنک کونا کونشک [۲] غنیمت بر پلنقه معموردر اندن يته قبله طرفنه صحرالر ايله و معمور قرالر ايجره کاهيجه نهر تيسه کنارنجبه سکز ساعتده کيدوب

[۰] (يکتدر) کله سندن صورکه (س) نسخه سنده ايکی سطر آچيق وار (م) [۰۰] (تسميه سي) کله سندن صورکه (س،ک) نسخه لرنده اوچ کلهک آچيق وار (م) [۱] س،ک : اولمش [۲] ک : اما غلال کونا کونی

(ستایش طشرہ بیوک واروش) بوجلد آ واسع ومعمور و آبادان وصافی اطرافی ایری یلوان [۱] خشب درکلر ایله مبنی یالن قات دوله پلانقہ حصار استواردر و جملہ اوچ عدد متین قپولری وار شرقه وغربہ و شمالہ مکشوف دروزہ لردر و جملہ اوچیوز اللی عدد واسع بانچہلی وکارکیر دیوارلی وپورتا [۲] قپولی و جملہ لعل کون قرمنی کیرہ مت ایله خاندان معمور لردر بعضیسی جابجا سازوقیش اورتولی فقرالک کنارلرده بیت الحزن کلبہ احزانلری وار و جملہ ۱۲ عدد محرابدر اولا حاجی عثمان اغا جامعی دخی هنوز نوبنا بر جامع شیرین وزیادری واورطہ قلعہ قپوسی اوکنده فاتح قلعہ غازی کوچک بالی بک جامعی کندیلری دخی برکارکیر بنا برقبہ رعنا ایچنده مدفوندر ماعدا مساجدلری [۳]... وچناد بکی سرانی بوجامعہ قریب بر خاندان غریبدر و جملہ اوچ عدد مدارس طالبان علومدر و جملہ اوچ عدد تکیہ درویشاندر و جملہ دورت عدد مکتب پسراندر و جملہ اوچ بوز عدد دکان اصنافاندر کرحہ بزازستانی یوقدر اما ہر متاع کران بہانی نہایہ وبی بہا بولنور و جملہ برحام مختصردر و جملہ اوچ عدد خان تجاراندر اما کاربان سرای خانلری یوقدر زیرا ہر اعیانک مسافرینہ قپولری کشادہ اولوب غریب الدیار کمسنلری خانہ قوند مرغہ محتاج آتملر زیرا بوواروشدہ اورطہ واروشدن زیادہ خاندان صاحبلری چوقدر و بوواروشدن طشرہ دخی اولر غایت چوقدر اما نقدر ایدوکی معلوم دکلدر و اطرافندہ پلانقہ دیوارلری یوقدر لکن باغ وبانچہلری چوقدر اما جملہ اہالی ولایت صوی نہر مورشدن طاشرلر و آب و ہواسی غایت لطیف اولدوغندن محبوب و محبوبہ سی غایت چوقدر اما سحر باز فرتوتہ پیرہ زن عورتلری چوقدر (حتی منظوریمزدرکہ بیان اولنور) یدی یلدر بر تاتار یکیدن سحر ایله حمار ایدوب برکوشہ کونجده دوروب صمان و او تلوق یرا مکک دخی ورسلر یر دائما بی آدم ایله اختلاط اتمیوب آغزندن صلاسی [۴] آقوب آدمہ آلاری آری بقوب شب وروز صم و بکم درور کاجہ خاطرینہ وطن اصلیدی کلوب اشک کی سگاہ مقامندہ عجم کرہ نانی

[۱] بوکلہ س، ک نسخہ لرندہ یوقدر (م) [۲] ط: پورت. ک: بورس [۳] س، ک:

مساجدلدر [۴] ک: صالیارلری

قرق عدد ناحیه قرالری و محتسبی و باجداری و کمروک امینی طمشوار قولی طرفندن در
 و خراج امینی دخی طمشوار کدر معماری و بیک عدد طوغ صاحبی نفر اغالری
 و اعیان اشرفی و طوپچی باشی و حبهجی باشی و مارتلوسان اغاسی وار اما قیوقولاری
 اغاسی اردالریله یوقدر

اشکال قلعه چناد

نهر مورشدن برکان کش و کانداز کشینک اوق منزلی بعید برچولده ایچ قلعه سی
 کار کیر بنا و برچار گوشه شکالی متین و مستحکم کرمان دارا ماندیرکم کردا کرد جرمی
 کامل یدی یوز آدیمدر و سراپا رختم شدادی طوغله ایله مینی بررباط غرادر و درون
 حصارده دورت عدد چاکلقدن [۱] بوزمه مناره لی جامع کبیرلری وار بری خنکار
 جامعی ایچ قلعه ده در امام و مؤذن و دزدار و کتخدا و مهتر باشی خانه لری و جبهه خانه
 و انبار مخزن لری بو ایچ قلعه ده در شاهانه بال یمز طوپلری وار و بو ایچ قلعه نیک
 ایکی قات متین قوی دمر قپولری ایله خندق آرمه سنده برزیر زمین زندانی وار کم
 چاه سچیندن نشان ویرر یوزندانه متصل برقله عظیمی وار سراپا طوغله بنای
 شدادیدر

دروصف و اروش چناد

مذکور ایچ قلعه خندق خارچنده برجماعت کثیره لیجه مسجیدی وار محکمه
 شرع رسول مبین بونده در و بو واروش قلعه رختم دوله جیت پلانقه در کم جانب
 غریبه بر قپوسی وار دائر آ مادار بو واروشک جرمی کامل بیک آدیمدر و ایچنده
 جمله تحتانی و فوقانی تحتی شندره و کیره مت اورتولی و اسعجه یوز سکسن بش خانه در
 اما جمله آ بک زاده خانه سی مکلف و مکمل خانداندر بو سراپه متصل بر ویران
 منصطری و سکز عدد دکان جقلری وار و بو واروشه جمله صوقاقلری تحتی
 قالدیرم دوشه لیدر زیرا قیشی شدید اولوب باران رحمتدن چموری زیاده اولور

[۱] ک : چاکلق قله لندن

نچہ شہر لہ و واروشلرہ و قلعہ خوددہ [۱] و قلعہ دوہیہ اوغرایوب اندانصرہ نچہ
عیون جاریلہر دخی جمع اولوب جانب غربہ جریان ایدہرک ولایت طمشوارده
کیووه [۲] قلعہ سنہ اوغرایوب اندن بوسکدین قلعہ سی قربندہ نہر تیسہیہ مخلوط
اولوب ایکی سی دریا کی جریان ایدہرک مذکور وموصوف اولان تتل قلعہ سی دبنده
نہر عظیم طونہیہ منصب اولورلر اندن حقیر نہر مورشی دخی کیلہ قرشو جانبہ
کچوب گاہ صحراده و گاہ خیابانستانده و گاہ نہر مورش کنارنہ اوغرایوب کامل ۶
ساعت کیدوب

اوصاف دار جہاد یعنی حصار استوار چناده

لسان اردلجہ ... دیمکدر بانیسی منوچہر اولادلرندن دوی بان غور بنا سیدر لکن
نچہ کونہ ملوکک دستنہ کیرہ کیرہ جو کونہ عمار اولمشدر بعدہ سنہ ۹۵۸ تاریخندہ
اردل قرالی بتلن غبور [۳] الذدن سلیمان خان اغرندو [۴] فتحیدر بدست وزیر ثانی
سردار احمد پاشا با اعانت اولمہ پاشا وامداد غازی کوچک بالی بک بعدہ کفارینہ
چنادی آلوب محمد خان ثالث عصرندہ سنہ ۱۰۰۷ تاریخندہ صاطورجی محمد پاشا
فتح ایتدی و فرار ایدن کافرلری جملہ قردی واسیر ایدی حالاسلیمان خان تحریری
اوزرہ طمشوار ایالتندہ باشقہ سنجا ق بکی تختیدر کم میرلواسنک خاصی طرف شہریاریدن
۴۰۰۰۰۰ یوک اچہدر و جملہ ارباب زعامتی اون نفردر و جملہ ارباب تیماری ۶۰۰
جملہ سی آلات سلاحہ مستغرق غازیلدرر الای بکی و جری باشی ویوز باشیلری
واردر بکینک بیک نفر آدمیلہ جملہ زعما و ارباب تیمارک جبہ لولری ایلہ چین معرکدہ
جملہ آلتی بیک عسکر اولور سپاہ کتخدایری و قپو قولی یکیچریسی سرداری
ویکیچری قلعہ دزداری و اوچیوز عدد پاک و پاکیزہ مسلح قلعہ قولی و شیخ الاسلام
ونقیب الاشرافی ویوز الی اچہ شریف قضاسی ویدی عدد ناحیہ باشی وایکی یوز

[۱] س ، ک : هوزده [۲] س : لبووه . ک : لیووه [۳] س ، ک ، ط : بتلن غور
[مطبوع فریدون بک منشأئندہ سہو مرتب اولہرق ت حرفنک تقدیمیلہ (بتلن غبور)
شکلندہ کورولمکدہدر (م) [۴] س ، ک ، ط : اغراندو

شهد شهادت جامن نوش ایدوب آخرکار میدان معرکه غازیلده قلوب اللی عدد کافری دندان تیغدن کچروب کله لری غلطان اولوب اوطوز عدد کفار دخی اسپریند زنجیر اولوب بر قپودانی سنجاغ و خاچی بیراغیه و سلاحلری و سکن قدر آتلیله جمله غزات مقتم اولوب آلائی ایله قلمه یه کلوب شادمانلر ایله شهدا حلواری ییوب شهدالرن دفن اندیلر تا بومرتبه نامدار ویرار ودلاور سرور و هتور و قتالری وار اما فقیرلردر بونلردن بو فقیر یو قلمه نامنه برجه المایوب انعام ایدوب آنلر دخی فقیره هدیه طریقیله ایکی اسپر کفره و ایکی قطن آتی و ایکی مجار توفنکی وردیلر و حالا قانون سلیمان خان اوزره باجقه سنجاغی دیدکاری بوسکدین قلمه سیدر قانون اوزره کاهیجه سکدین بکی بونده و کاهیجه تاج قلمه سنده ساکن اولور قانون اوزره پاشاسنک خاصی طرف شهریاریدن ۵۰۰۰۰۰ یوک اچقه در و جمله طقوز عدد زعامتدر و جمله اوچیوز عدد ارباب تیمارلری واردر الای بکیسی و چری باشی می و یوز باشیسی واردر و قانون اوزره جبه لولری و بکنک عسکری ایله حین جنکده جمله دورت بیک عسکر اولور و شیخ الاسلامی و نقیب الاشرافی و یوز اللی اچقه مفلس قضادر واکره یکچیریلری سرداری و کمرک امینی و خراج امینی قانون اوزره موحددر جمله لواء سکدینده خیمه خانه رعایالینه [۱] یکرمی دورت بیک خراجدر کم جمله اکره قولی اقلامیدر جبه جی باشی و طوپچی باشی و اون ایکی عدد قلمه قولی اغالری و محتسب اغاسی و باجداری و معمار باشی و نجه حاکم لری واردر خداعمارایده زیرا اورطه مجاره بو قلمه سدسید اولمشدر جناب جی قدیر عمرمزید ایله اهالیسی معمرایده بواراده سکدین سنجاغی تمام اولدی آندن جمله مجاهدان ایله و بالشوب یرار رفیقلر ایله قلمه دینده جمله آتلییز ایله کیمیره سوار اولوب نهر تپسدن قرشو عبور ایدوب (طمشوار ایالتنده جناد سنجاغی خاکنه قدم بصوب ینه قلمه یو قلمغه کتدی کمز منازللری و جمله قلمه لری بیان ایدر) اولان نهر تپسدن قلمه جناده [۲] کیدرکن مشرق جانبنه بر اوق منزلی کتدکه (نهر عظیم مورش) ساحلنه واریلر بونهر مورش تا اردل ولایتنده قولچه وار [۳] یای لالردن چیقوب [۱] ک: رعایالری که . س: رعایالینه که [۲] ن: چناده [۳] س، ک: قولچوار

اشکال قلعه سکدین

جرمی دائراً مادار کامل دورت بیک آدیمر و جمله یدی عدد صعب و متن قلعه [۱] عظیملردر و هر قلمه سی بری بری ایچنده بدن بدن قلهلردر جمله آ صوقلمه سی نهر تیسه کنارنده کی بیو کدر و هر قله ده قرقر الیشر عدد صغیر و کبیر شاهانه طوپلری وارد و جمله ایکی پوسوی وار بری مشرق طرفنده باغله و باغچه لره ناظر قپودر دائماً مسدود دورور حین محله آچیلر بری دخی جانب شماله صونلوق قپوسیدر و قلعه نك شرق طرفی دیوارن نهر تیسه دو کر اسکله اول طرفه در کم جمله تیسه و طونا کیلری آنده یناشر لر لکن نهر تیسه غات طغیان ایله کلوب قلعه دیوارن جابجا خراب آتمشدر زیرا بو قلعه نك جانب اربعه سنك اطرافی خندق [۲] نهر تیسه به [۳] دولاشوب کافر دن قالن [۴] قلمه سی حالا ایچ قلعه در و طشره قلمه سنك ایچی اولقدر معمور و مزین دکدر آنجا سلیمان خاگ طرز قدیم برجامعی و بر مصنع مناره سی وار و قلعه دیوارینک ایچ یوزی طولمه طوپراقدر و طشره وارونشی اطرافی دائراً مادار دولما رخم شدادی پلنقه دیواردر و جمله اوچیوز عدد شنده تخته اورتولی تختانی و فوقانی اولردر جمله برحامی و جمله برخان و جمله صغیر و کبیر اون بر عدد کینسه لری وار اما ویران دیری چوقدر و جمله ایکیوز عدد دکانلری و جمله بر مدرس و جمله ایکی تکیه و جمله ایکی عدد مکتب صینیانی وار و دخی واروشنك اطرافن نهر تیسه دولانوب بنوک دخی خندقنی نهر تیسه احاطه آتمشدر الحاصل قوجه سلیمان خان عجب متین و مستحکم قلعه انشا آتمشدر اما حاکم مفلسلارنده ویران اولمده در دزدار لئی مکلف اغاقدر و اوچیوز عدد شجیع و نامدار قوللری وارد حتی بز آنده ایکن اورتا مجاردن دورت یوز قطننا کافر کلوب قلعه دن طشره هونقار یغنلرینک اردلرنده امت محمدی کافر لر قتلانوب وقت سحرده عسکر اسلام طشره چقنجه چتاچات کوتا کوت بر جنک عظیم اولوب بشلی اغاسی سبحان زاده و مارتلوسان اغاسی و اون بر یکت

[۱] ک : قله [۲] ک : اطراف خندقن [۳] ک : نهر تیسه [۴] ک : قالان

اوصاف حصن حصین و سد امین [۱] یعنی قلعه استوار سکدین

لسان صرفده اسمی . . . اما سلیمان خان ایله کفارلری چوق جنک و جدال و حرب و قتال ایدوب فتحنده عسرت چکدو کیچون سلیمان خان شوسک دینلر دخی قلعه ورمزلری درکن بامر خدا قلعه فتح اولوب اسمنه سکدین یعنی دیننه اهانت ایدن کوبک قلعه سی دیملک اولور بانیسی اورته مجاربان پرائصوربان [۲] بنا سیدر بعده سنه ۹۳۲ تاریخده ماه ذی الحجده سردار معظم مقتول ابراهیم پاشا سعادتوسلیمان خاندن برقوناق ایلری قپوقولیه و قرق بیگ قدر جیوش مسلمین ایله طلیعه عسکر اولوب کیدرکن قلعه سکدینه اوچ مرحله قالدقه اطراف قلعه نهب و غارت اولنماسیچون سرم و سمندرله غازیلری ایله غازی بالی بکی ایلری کوندروب اولقدر مال و منال و اوان آلرلرکم حسابن جناب باری بیلور علی العقب سردار ابراهیم پاشا دخی زیر قلعهده مترسه کیروب حنکه آهنک ایدوب اوچ کون اوچ کیجه جنکدنصکره سلیمان خان دریا مثالی عسکر ایله کلوب ینه کرما کریم جنکدنصکره کفارنرم ورام اولوب قلعه ویره ایله ووروب امان ایله بی سلاح التی بیگ قدر کفارک جمله سی قلعه صونلوغه کیدوب قلعه سکدینک کینسه لری اصنام و دوسواع و یغوت مثللی پوطلردن و چرک شرکدن کینسه لر پاک اولوب معبد گاه مسلمین اولور بعده سلیمان خان طاقبت اندیش دورین فکر کورسه کم بو قلعه غایت محنده وضع اولنش اما غایت کوچوک قلعه در همان قوجه معمارستانه فرمان ایدوب بو قلعه نک طشره سنه برقات دخی شهادی . . . [۳] کار کیر طوله بنا بر قلعه زیبا آتمشدر کم کوره نک عقلی کیدر کویا سد اسکندر در آل عثمان قلعه یاباماز دیرلر و الهی مراد ایتسه سد یا جوج و سد قهقهها کبی قلعه لر بنا ایدر اما آل عثمانک اصلی ماهان ولایتی تاتاریدر [۴] عمارستانی سومزلر همان بر قلعه ویر اولکته آلوب خراب آتمک باشلر

[۱] ک : متن [۲] س ، ک : پرائصوربان [۳] دیگر نسخه لده آبیق یوقدر (م)

[۴] ک : تاتارندندر

اما باس‌الله تعالی خائب و خاسر کیدر لر زیرا اهل بلدی غایت شجیع و بهادر فتا آدمردر بودین واکره یکچیریلری سرداری و نأبی و محتسی و با جذازی و امینی و خراج اغاسی و معمار اغاسی واردر قلعه‌سی برفراقده صحرای بی پایان اورته‌سند و واقع اولوب باطی طرفی بر کوچوک بحیره در کونا کون لذید بالقدری چیقار قلعه صوبوسقه بوکولک کنارینه ایچ قلعه واقع اولمشدرکم بر عالی کار کیر شدادی بر کوچوک قلعه در ایچنده قرق قدر نفقات خانه‌لری و برجامعی وار اما طشره واروشی معمور دوله رخم بنا پلنقه در و حمله یوز قرق عدد ساز و قامش ایله مستور خانه معمورلری وار اما باغ و باغچه‌لری چوقدر اندن ر فیکلر آلوب ۶ ساعتده

اوصاف قلعه قدیم مارتنوش

... [۱] لسان لاتینده بانیسنگ اسمیله منیا برقلعه کهنه آباددر بونی دخی سنه ۹۳۲ سکدین قلعه‌سیله برکونده سلیمان خان آلمشدر بودخی سکدین سنجانچی خاکنده اکره قولی اقلامی امینلکدر نلعه دزداری و اون بش عدد قلعه نفری و سکدین قاضیسی نأبی واردر غیری حا کلمری یوقدر قلعه‌سی نهر نیسه کنارنده بر کوچوک چار گوشه پلانقه در اما ایچ قلعه‌سی ینه چار گوشه بر کوچوک کار کیر بنا قله در اما طشره بیوک واروشی یوزاللی عدد ساز اورتولی مجار رعایاسی اولری و کینسه‌لری وار بو واروش رعایالری سر بست زطامتدر بو قلعه دن سکدین قلعه‌سنه قره دن دولاشمق نه بلادردیو جمله آتلی تیزی کیلره قیوب بحیره مارتنوشدن سکدینه کتیدک

ستایش بحیره سکدین

دائر آما دارا ون برکولدر اما کونا کون لذید ماهبلری چیقار صیادلری صیدسمک ایدوب عشرینی امینه ویرلر بر آدم بر بالق آلمغه [۲] قادر دکلدن زیرا میری مال تحصیل اولور بوکولی بر ساعتده عبور ایدوب بر ساعتده مشرق طرفنه آتلا ایله کیدوب

[۱] دیگر نسخه‌لرده آجیق-یوقدر (م)

[۲] ک : کتم اتمک . س : آولمه

اوصاف پلنقہ سو بوجہ

سبوسقہ دخی دیرلر و سبوسقہ دخی یازیلر اما لقب صحیح بوجقای هر سک بنا آتمک ایله سو بوجہ دیرلر صرف بانلرندن بر مدبر هر سک ایمش حالا لسان صرف و خرواد و وینیق ولاتین و بولغار و بوشناقده آوار ایله تورکی رینه او قونان (داووری داووریمو بوجقای مارقوبوسپو بوجقای [۱]) بانک ترکیبدر بعده سنه ۹۳۲ تاریخنده غازی سلیمان خان فتحیدر بعده سنه ۱۰۰۲ تاریخنده سلطان مراد خان ثالث عصرنده کفار بخار مجار علی الغفله بوقلعه محاصره ایدوب کرما کرم جنکه آهنگ ایدرلر درون حصارده محصور اولان امت محمد کورسه لر کم بر طرفدن امداد یوق همان بر کیجه فرجه بولوب جمله اهل و عیال لرین دخی آتلندیروب شد رحل آتمک اقتداری اولنلردن صغیر و ضریر و علیلاری جمله کندولری مروت [۲] بعده وقت سحرده قلعه قبولنن آجوب کفار دوزخ قرار خنیزر کبی خورلیوب یطرلرکن الله الله دیوب بوقدر غزات کفاره قلیچ اوروب یوللر آجوب کجکمت [۳] سحرالرینه جنک ایله رک نیجه بیک کفاری قیرارق بودین قلعه سی اوکنده پشته قلعه سنه جمله غزات اهل و عیال لرله سلامت داخل اولورلر حکمت خدامکر سبوسقہ قلعه سی دزدارینک بر مفرت قوچی بیله قلعه دن چیقوب فرار ایدن عسکرک عقبلرندن آیرلیوب پاشنه [۴] قلعه سنه عسکر ایله بیله کلور غریب تماشادر بعده کفار سبوجقه قلعه سنه استیلا ایدوب قلعه صاحبی اولدم دیو غره لنورکن سنه ۱۰۰۲ تاریخنده سنان پاشا یانبو [۵] غزاسنه [۶] کیدرکن بو قلعه سبوسقہ فتح ایدوب کچوب کتدی الی ماشا الله دست اسلامده در حال اسکدین سنجانخی خاکنده کومروک امامتیدر دزداری و یوز الی عدد بهادر قوللری وار شب و روز اورطه مجار ایله حرب و قتال آتمده درلر زیرا مجار قرالی اولان تله موسک [۷] بوقلعه ملک موروثی اولوق ایله هر بار فرصت کوزدوب بوقلعه اوزره قطننا کافرلری کوندروب جنک ایدرلر

[۱] س، ک : مارقو بوسبوجقای [۲] ک : مروت ایدوب [۳] ک : کجکمت [۴]

س، ک : پاشنه [۵] ک : یانبیق [۶] ط : استنه [۷] س، ک، ط : تله موسک

غزات مسلمین جمیع طعاملری زهرناک ظن ایدوب تناول ایتدیلر بعده دورن شهرده نیجه کور کوتوروم عاجز و فرومانده پاپاسلر ایتدیلر بو طعاملردن بیک و لایتمز خلقی پادشاهمزه بوقلعه نعتمله ویرهلم دیو ضیافت حاضر ایدوب هربری بر طرفه کتدیلر اکر اعتماد ایتمزسکز ابتدا بو طعاملردن بزیهلم دیو جمله عمل مانده کفره لر طعاملری بیوب بعده عساکر اسلام ییدیلر بوضیافت عظیمدن سلیمان خان حظ ایدوب الهی بوسکدین و باشقه و لاشقه و بو تتل قلعه سنک نعتلرنی زیاد بر زیاد ایله دیو خیردعا ایتدیکندن حالا بوتتل قلمه سی و لایتلرینک نعتلری فراواندر اندن پادشاه حضورنده ابتدا بین پاپاسلرک عمل مانده اولان ضریر و علیلرینک اللینه خط شریف و یروب خراجلردن و سائر تکالیف عرفیه دن معاف و مسلم ایتدیلر حالا معمور و آبادان و آب و هواسی لطیف محبوب و محبوبه سی خوب و مطلوب و مرغوب قلعه تلدیر بوشهرک قرشو جانی طونا آشری قلعه اصلنقمن و قلعه و ارادیندر حتی غازی سلیمان خان بو قلعه تتلی فتح ایدوب طونا نهری اوزره جسر دن قلعه و ارادینه کچمشدر زیرا قلعه و ارادین برسنه مقدم فتح اولمشدی اندن بوقلعه تلدن یوقلمه بها ایله رفیقلر آلوب شمال طرفنه قراق ایله ۶ ساعت کیدوب

اوصاف پلانقه سنه

بلغراد قرالی اقربالرندن بر فرنک قپودانی بو قلعه آتام اتدکده جمله ایرغاد و معمارلری عصیان ایدوب فرنک قپودانن قتل ایدوب قلعه یه مالک اولمق استرلرهمان فرنک قپودانی عسکر یله جنسکه آهنک ایدوب ایچنده عصیان ایدن ارغادلره سنه باش یعنی او طورک ال قالدیرمک دیوب جمله عصیان ایدن کفاری قیرار انکیچون بوقلعه نک وجه تسمیه سی سنه قالمشدر بعده سنه ۹۳۲ تاریخده دست صرفدن سلیمان خان فتحی اولمشدر سکدین سنجانغی خاککنده نه رتیه کنارانده بردوز چمنزار یرده چار گوشه بر کوچوجک پلانقه در قلعه دزداری و یکریمی نفر مردم حصار ی و امینی و نابی وار غیری حاکم لری قلعه تلده در و درون حصارده بر کنیسه دن بوزمه بر جامعی و برقیچ مفید مختصر دکانلری وار اما بانچه لری چوقدر اندن ۸ ساعت غرب طرفنه قراق صحرا ایجره معمور و آبادان قرالر عبور ایدوب

محرابدر و جمله بر خان و بر حمام و بر تکیه درویشانی و آزه جق دکانلری وار
آندن رفیقله آلوب مشرق طرفنه ۵ ساعت صحرای آبادانلر ایچره قرالری کچوب

اوصاف قلعه تتل

بودخی بلغراد قلعه سی صاحبی بنا سیدر لسان لاتینده تتل ... دیمکدر سنه ۹۳۲
تاریخنده سلیمان خان فتحیدر بدست ابراهیم پاشا نیجه کره دست کفاره کیروب
آخر کار وزیر ثانی احمد پاشا ایله اولاولا پاشا فتحیدر سکدین سنجانغی خاکنده و یواد القدر
درداری و یکر می عدد قلعه نفراتلری و ناهی و محتسبی و یاییچری سرداری و امینی و خراج
اغاسی و معمار اغاسی واردر لکن شیخ الاسلامی بلغرادده و نقیب الاشراف قائم مقامی
واردر (اشکال قلعه سی) نهر عظیم تیسه نهر ام الانهار طونایه مخلوط اولدوغی بر چمنزار دوز
یازوده [۱] شکل مربع بز کوچک قلعه در کم حر می بیگ آدیمدر . و جمله اوچ
محرابدر و جمله جامعی ... ماعدا محله زواویه لریدر و جمله اوچ مدرسه و جمله ایکی
تکیه و جمله دورت مکتب صبان ابجد خوان و جمله بر حمام روشنا و جمله نامعلوم
خانلری وار و جمله بر مفرح چارشوی بازاری سکسان عدد دکانلردر غایت معمور
اسکله اولوق ایله جمله اوچ یوز عدد طوز مجریلری [۲] و غیره حاصل خانلری واردر
زیرا اردل دیارنده طوز معدنی اولان طوزده شهرنده قیا طوزی کلوب اردلده دوه
قلعه سنه اندن لنووه قلعه سنه مورش نهری کیلریله کلوب اندن نهر تیسه یه کیلر کیروب
اندن طوز کیلری بو قلعه بتل شهرنده مجریله حزن اولوب [۳] اندن جمیع ولایت
نهر طونا ایله اردل ولایتک قیا طوزلری کیدوب غنیمت اولور انکچون بوتیل
قلعه سنک اهایلیری طوز بازر کانلریدر غایه الغایه عنقا تجار حاجی کشیلری واردر
و جمله غریب دوست و دلنواز خلوق و منعم صفره صاحبی آدملر واردر زیرا سایمان
خان سکدین قلعه سن فتح اتد کند نصرکه بو قلعه یه کلور کن درون حصارده متحصن
اولان کفار خاکسار صیت و صدای پادشاهیدن قلعه لرندن فرار و هر جنبه ترک دیار
ایدوب دار منحوسلرند جمله بشمش طعاملرن صفره لر یله براغوب کتمش لر جمله

[۱] ك : یوزنده [۲] ك : مخزنلری [۳] ك : مخزنلره درمخزن اولوب

مردانی وزنای غایت مادب کز لرل نعمتتری مبدول بر الای اوغوز طائفه لر دز

زیارتگاه باج

قلعه‌ک حندق کناری آشریسفنده زیارت فرهاد باباسلطان آدن ینه رفیقلر
آلوب ۶ ساعتده [۱] جانب قبله‌یه کیدوب

اوصاف پلنقه شیرین و طوق [۲]

بانیمی معلوم دکدر لکن کار قدیم بر رباط عظیم ایش سهل خرابه یوز
دوتوب اولقدر عمار دکدر اما فاتحی سلیمان خان عصرنده بدست وزیر احمد پاشا
سنه ۹۳۵ تاریخنده مجار لندن فتح آمشدر حالا سلیمان خانک تحریری اوزره
سکدین سنجاغی خاکنده ویوادالقدر قلعه‌سی نهر طونا کنارنده شکل مربع
بردوله دیوارلی پلنقه‌در دزداری وسکسان عدد مردم حصار ی ویکچری سرداری
وباج قضاسی ناچی وار غیر ی حاکمتری یوقدر وجهه دورت عدد محرابدر بر ی
سلیمان خان جامعیدر ماعدا مسناجدلردر وجهه یوز سکسان قدر کره‌متلی
اولدوعی قدر فقرا خانه‌لریدر آدن جانب مشرقه ۷ ساعت صحراده کیدوب

اوصاف پلانقه قوبله [۳]

... [۴] لسان لاتینده و صرفده وبوشناق قوبله اب قلعه‌سی دیمکدر زیرا
به دیارلر مجارستان دکدر صرف وبوشناق ولایتلریدر بانیمی بلغراد صاحبی
صرف قرالکدر فتحی سلیمان خان عصرنده وزیر ثانی سردار احمد پاشا-انکدر
حالا سلیمان خان تحریری اوزره سکدین سنجاغنده امینلکدر کم اکره قولی افلامندندر
ونیابتدر قلعه دزداری واللی عدد قولی ویکچری سرداری وار غیر ی حاکمتری
یوقدر قلعه‌سی نهر طونا کنارنده شکل خمس دوله پلنقه دیواردر ودزون
حصارده جمله ایکیور عدد کره‌متلی داره‌جق خاه‌جکلردر وجهه دورت عدد
[۱] ک : ۷ ساعتده [۲] ک : وطوت [۳] ک ، ط : قوبله [۴] دیگر
نسخه‌لرده آچیق یوقدر (م)

انجق ایکی عدد قپوسی وار بری قبله جانبته طشره واروشه آچیلیر و برقپوسی
 یلدز جانبته باغ و بانچه لره آچیلیر و بو واروشده جمله ایکویوز عدد فوقانی و تحتانی
 تخته حویلی واسع کیرمهت اورتولی خانه زیباردرکم اکثریا کرپج و طاش دیواردر
 و جمله ... عدد محرابدر چارشو قپوسنک ایچ یوزنده متدین پاشا جامی قرینده
 محکمۀ حاکم الشرع اندهدر اما بو واروشنده اصلا دکان و خان و حمام و عمارت
 و مدرسه یوقدر اما دخی طشره بیوک واروشده ایکی خلوتلی برکوکجک حمام وار
 و اسکی چارشوسنده جمله یوز عدد دکانچۀ تجاراندر و یکی چارشوسنده جمله یوز
 قرق دکاندر جمله متاع ذی قیمت بی قیمت بولنور اما بدستانی یوقدر اندن
 بو واروشده جمله سکز محرابدر جلدن بیوک اسکی جامعدرکم ماتقدم بر دیرعظیم
 ایمش بعدالتیح سایمان خان جامع آتیش طولی کامل قرق آدیمدر و عرضی کامل اوتوز
 آدیمدر زمان قدیمده چاکلی اولان حالا بانک خانه محمدیدر اما تا بو مناره نک
 ذروه اعلاسنده کلاهی اسلامبولده بوستانچی کلاهی کی بر طرفه مصنع قورشوملی
 کلاهدر ماعدا مساحدردر سایمان خان و باج قلعه سن غارت ایتدکده بو جامع
 اولان کینیده یه نیجه بیک کفار مال و منالی و اولادلری ایله قپانوب یدی کون جنک
 عظیم ایدوب نیجه بیک غازیان مجاهدان شهادت جان نوش ایدوب آخرکار سکیزنجی
 کون بو کیسه فتح اولوب نیجه بیک اسیر و نیجه بیک کیسه ملیون مال ایله غزات
 مقیم اولوب بو قدر اسیرلر ایله عسکر اسلام سیر اولدیلر و جمله بو واروشده
 ایکویوز عدد باغلی و بانچه لی تحتانی و فوقانی واسع بیوت زیباردرکم جمله سی کیرمهت
 ایله مستورددر و بک سرانی بو واروشده خاندان معمورددر لکن بو واروش پلانقه
 حصار ایچنده دکلدر زیرا انتهاه سرحد اونق ایله اطرافته سور استوار چکمه مشلر
 اما بوشهرک آب و هواسی لطیف اولدوغندن جمیع سرحدلرک عشاقلری مابینده
 باج محبوبی مدوح عالمدر و غایت غنیمت شهردر و اسکله سی قبله جانبته ایکی ساعت
 بعید طونا کنارنده بو دین یولی اوزره سرم سنجاغی خاککنده پلنقه صوتین بر بایر
 اوزره تاپاندر بو باج خلقی دخی قوم بوشناق و بتورجه کلمات ایدوب جمله تجارت
 ایله کچتر صلحای امتدن آدملردرکم یه جمله سی سرحدلی اسبابی کی قلیاق کبرلر

انجق سکسان عدد نفر مردم حصارى و سپاه کتخدا یرى و بودین و اکرى
یکپجری سردارى و محتسبى و باجدارى و کومروک امینى و خراج امینى و معمار
اغاسى و صوناشیبى واردر

در وصف اشکال قلعه باج

بو قلعه طونادن کله بر کول ایچنده چار گوشه سراپا طوله بنا بر قلعه رعنا
اولوب جانب غربه مکشوف بر قپوسى و خندق آشرى اصما مقره لى کوپروسى
باشنده ایکی عدد شدادى بناقله عظیملى اوزره سکیز پاره شاهانه مدفع طوپلری
وار و قپو اوزره ایکی عدد قلهلری اوزرى ششدره تخته اولی قبه اورتولیدر
و قلعه ایچنده اصلا دزدار و کتخدا و امام و مؤذن و مهتر باشى و طوپجى باشى
خانه لرندن غیرى اولر یوقدر و بو قلعه اورتا سندنه بر قلعه عظیم ایچره چاه غیادن
نشان ویرر بر زندانى وار هر شب جمله ولایت ایمانک اسیرلرن بونده حبس
ایدوب دیده بانلر نکه بانلق ایدرلر و بو زندان قربنده بر سلیمان خان جامجى وار
اما طرز قدیم بنا اولمشدر و بو قلعه نك آلتى سراپا بوش کمر بنا اولمشدر زیرا
بطاق یرده در و دخی بوقلعه ایچره کوله ناظر بر جهان نما قلعه عظیم اوزره بر تماشاکاه
شاه نشینى وار جمله شهرک ارباب معارف یاران باصفالره آرامگاه مسیره گاه بر قصر
خورنقدر کم قله سنده اولان سرآمد شاهی طوپلر جانب اربعه یی قورودوب هر طرفدن
کلن دوشمن نمایان اولور بر قصر عالیدر و بوقلعه نك جرمى دائرآمادار جمله یدیوز
آدیمر کم مجارجمجى دیدکلى بو ایچ قلعه در

ستایش اشکال واروش بیرون

جمله دوله چیت پلنقه دیواردر اما غایت متین و قوی بنا اولمشدر لکن
مرور ایام ایله جابجا یرلری رخنه دار اولمش ایچ ایلدر دیو حاکملى عمار ایتمه مشلر
بو واروشاک کردا کرد حرمى اوچ بیک آلتش خطوه در بنوک دخی جانب
واطرافى ایچ قلعه نك سازلنى و بطاقلنى کولیدر انجق بر طرفنده یولی واردر

ایتدیله سنک جکر پاره اولادک ایسه بزم سرحدیمزک کلی وکوزومزک نوری
برغازی یبت اوله جقدر برقیچ یلدن کافردن اسقام آله جقدر شمیدن طبائحه ایله
کوزین قورقودرسین یازنده برکونده کافرک ششوپروبالته ... وکلنکنندن قورقوب
کافرله یاقه یاقه اوله ماز بونا [۱] شوسرحدیمز اوغلانلرین دوکیه [۲] دوغلامک
پدرین طعن آمیز لسانلر ایله رسوای ایدوب غلامه تسلیه خاطرلر وردیلر یعنی
یکتلیینه رعایت وحرمت ایدوب هرکتییه مراد ومرامی اوزره دلنوازقلر ایدر
برآلای غریب دوست حاجیلری چوق آدملردر وبوشهر اکره قولینک اقلامندرکم
جمله خاصی وخراجی وناج بازاری جمله اکره قولی طرفندن ضبط اولنور
وطونا نهرینه بر ساعت اسکله سی اردود قلعه سینه قرشودر اردود ایسه نهر طونا
کنارنده ... طرفنده اسکله عظیمدر بر متین ومستحکم قلعه سی وار

دریاز زیارتگاه شهر صومبور

زیارت شعبان بابا قدس سره هام دده امام افندی بو شهرده براچه یوقنمه
نامنده آلبوب انجق بری باشادن یوز التون ورتات وبوشهرده قشیلین تانارلرک
فرار ایدن کوله لرندن اوچ نفر کوله احسان ایدوب ویرار رفیقئر آلوب بو
شهر صومبوردن جانب قبله یه تحرای بی پایان ایچره کامل ۸ ساعت کیدوب

اوصاف قلعه قدیم باج

بانیسی منوچهر اولادندن بژدر [۳] بان بناسیدر ابتدا منجاردن غلط مجار
قومی یچی بودر بعده غلط مشهور باج قلعه سی دیرلر نیجه دولدر دوله انتقال
ایتمش قلعه عتیقدر بعده سنه ۹۳۲ تاریخنده بالذات سلیمان خان سکسی [۴] قرالی
مجاری لندن قوت بازو ایله فتح ایتمشدر حالا تخریر سلیمان خان اوزره اکره
ایالتنده سکدین سنجانغی بکینک قانون اوزره تختیدر و یوز اللی ایچه قصادر
شیخ الاسلامی و نقیب الاشرافی و قلعهدزداری و ایچ ایل اولوب سرحد اولماق ایله

[۱] س، ک : قویا . ط : قوبازو [۲] ک : دوکیه-ین

[۳] س، ک : بژدر [۴] س، ک : سکسی

عظیمدرکم جمله ۱۴ محرابدر جمله دن اشری [۱] پاشا جامی باناسی متدین پاشا جامی الحاصل بشنده صلات جمعه ادا اولونور ماعدا محله مساجدلیدر و جمله ایکی بیک عدد کره مت ایله مستور تختانی و فوقانی مکلف واسع سرایلری وار جمله دن معمور و مزین بری پاشا سرایی باغ سرامدر بونده بر هفته ساکن اولوب مراد و مرامیمزحه ازدل جان صحبتلری اتدک لکن بو شهرک اقلر صولری یوقدر جمله دورت عدد یرده آب حیات قبولری وار و غایت غنیمت شهردر حتی بر آتیمی بر قوش کوزی اچیه و بر قوزی اون اچیه و بر عربه قاون و درپوز بش پنزه بیع اولنور و جمله رعایای بچار دکلدک کفره اقلاندر [۲] و محللر غیری بچارستاندن دکلدک ناحیه و لاشقه ولایتلری عد اولنور و جمله ایکی مدرسه طالباندر و جمله ایکی تکیه دروینان ذیشاندر و جمله الی عدد مکتب صبیان پسراندر و جمله ایکی عدد خان آینه و روندکاندر و جمله بر عدد حمام جانستاندر اما دکانلری جمله چارشو قلعه سنده مذکوردر و جمله اغیان کبارک اشهبی ری پاشا درکم نعمتی بای و کدایه و پیر و جوانه شب و روز صفره بی امتنای مبدولدر اکثریا اهالیلری بچار اولوب ینه جمله سرحدلی اسبابلری کیوب غایت مؤدب غاری آدملردر حین صواش پر خاشده و شهردن ایکی بیک یرار جرد آتلی عسکر چقار حتی بو حقیر بر کون متدین پاشا جامی حرمنده بر قیج اختیارلر ایله سرحد احوالاری مشاوره سن ایدرکن بر صبی اوغلان سهل لعبد بازلق ایدرکن پدری بو اوغلانہ نیچون جماعت حضورنده ادب سزک ایدوب اوینار سین دیو اوغلونہ بر سهله پهلوانی اویله اوردیکم فقیر مخدوم زیروز بر اولوب گویا مرغ دوتر کبی [۳] اولدوده همان حضار مجلس برلندن قالمقوب بیره آدم بو اوغلانی نیچون بویله طبانجه ایله خلق ازه سنده اوروب عرضنی پامال اتدک دیدکارنده غلام مظلومک پدر بزر کواری ایدر تربیه ایچون الح لله دوکدم دیوب بویندی ترم ایتدی (بیت)

باباسی دوکسه اوغلونی محلدک اوغول جاندن در درلر مثلدر

بو بنم اوغلمدر دوکریم اسر کریم بو غلام سزک نه کزدر دیدکده اهل بلده

[۱] ک : بری . س : ری [۲] ک : اولاقاندر [۳] ک : صرع طوتار کبی

و بر تکیه سی و بر مدرسه سی و بر مکتبی و بر خانی و بر حامی و یوز الی عدد دکانی و ار واسکه اولمق ایله اهالیسی غایت عنقا و غایت غریب دوست آدم لر در و بو واروشک جمله طریق عاملری نخته دوشه لیدر زیرا زمینی یغورن اویناق و بطاق و جتاق اولور و بنوک دخی ایکی قپوسی وار بری اسکه قپوسی جانب غربه مکشوفدر و بری طرف قبله یه ناظر شهر صومبوره کیدر باب کیدر و اسکه باشنده مزارستانی انده در و امین خانه سی دخی بو اسکه باشنده در و بو اسکه طرفی مناره قدی عالی یارلر و بایر لر در کم آدم اشنی طونایه باقغه جرأت ایده مز بونیده دخی قلعه یوقلمه سن آلوب یوز اللی قدر رفیق لر ایله جانب قبله یه ۸ ساعت کیدوب

اوصاف شهر پلنقه قدیم صومبور

... سبب تسمیه سی در [۱] نایسی المان انکروس قرال لر نیدن اشقان قرال بنا سیدر زمان قدیمده شهر عظیم ایمش حالا نیجه یرده آثار بنالری ظاهر و باهر در بعده سنه ۹۵۹ تاریخنده سلیمان خان وزیر لر نیدن پرتو پاشا دست کفاردن فتح ایتمشدر حالا قلعه سی سکدین سنجامی خاکنده بر سخرای عظیمک جنب غریبنده چارکوشه پلنقه بنا قلعه متیندر ایچ حصاری بر کار کیز قلعه در ایچنده انجق دزدار خانه سی وار غیریسی یوقدر و بو قلعه نک قپوسی اوکنده خندق آشری سلیمان خان جامی و حامی وار اما کوچوک کیره مت اورتولی جامه در کم بو عمل طشره قلعه در اما ایچنده اصلا و قطعاً شهر اولردن نام و نشان یوقدر صافی جمله ایکی یوز عدد چارشوی بازار دکانلری ایله مزین اولمش اکثریا دکانلری قیوچی دکانلریدر هر کیجه بو قلعه پاسه بانلری بکلیم قپولرن سد ایدر لر ایچردن [۲] برکمنه کبرمنز انجامی بر قورشوملی کار کبر بنا جامی و کیره مت اورتولی خانی و اون ایکی عدد پاسه بان نفری وار اما حین معرکه ده ایکی بیک کمزیده جرد آتلی عسکری چیقار و انجق ایکی شاهمی طوپی و هیچ قیه بارودی وار زیرا ایچ ایلدر دیو بارود سیاهی یوقدر (اماستاینس طشره واروش) بو واروش قلعه نک قبله طرفنده باغلی و باغچه لی و مشبک بوستانلی واروش

[۱] س ، ک : سبب تسمیه سی ... در [۲] ک : آخردن

المان دیارنده نمچه چاسارینک تخت قدیمی اولان پراق قلعه سنده اوله لکن بو قلعه اهایلیری فقرار و غریبلردر و جمله آلمش نفر قولى اولماغیله بونلردن برشی آلمیوب جانب قبله یه ۲۰ نفر قول ایله ۱۰ ساعت بطاقلقر و صازلقر ایجره کیدرک کاهیجه چنزار و اورمانلر ایجره معمور قرالری عبور ایدوب

اوصاف پلنقه معمور پایه

لسان مجارده ... دیمکدر بانیسی معلوم دکدر اما قلعه عتیقدر سنه ۹۵۴ تاریخنده سلیمان خان فتحیدر بدست مقتول ابراهیم پاشا قلعه سی سکدین سنجاغی خاکنده نهر طونا کنارنده ایکی قات صعب و متین قلعه قویدر و یوز الی ایچه شریف قضادر اکره یکیچریسی سرداری و سکسان عدد مردم حصارى و محتسبى و یا جداری و کومروک امینی و خراج اغاسی و معمار اغاسی وارددر قلعه سی نهر طونا کنارنده چار گوشه ایکی قات حصار استوار و عظیم اسکهدر جمیع ناحقه [۱] و لاشقه و لایتلرینک بندر عظیم اسکله سی اولوق ایله طقوز یوک ایچه اکره قولى اقلامیدر بوشهرک قرشو طونا نهری کساری بطه اسکله سیدر

اشکال قلعه پایه [۲]

ایکی قات چار گوشه پلنقه دیوارلی شکل مربع قلعه منضع بر معمور سور استواردر و ایچ حصارده ایکی محرابدر بری سنن پاشا جامعی زمان قدیمده آیین ملت مسیحیه اولور دیرکیر ایمش حالا معبدکاه امت محمددر ورنازک بانک محمدی تلاوت اولنور مناره قلعه سی وار قپوسی اوکنده بر آب حیات قپوسی یاننده قلعه نیک براوغرون قپوسی وار ورن دخی بیوک قپوسی جانب غربه ناظردر و محکمه شرع رسول متین بو قپونک ایچ یوزندهدر و بو ایچ حصارده الی عدد شندهر تخته ایله مستور خانه معمورلر و اون بش عدد دکانجقلمری وار غیرى آثارلر یوقدر و بو قپودن طشره واروش کبیر دخی برقات دوله پلنقه کبیر ایچنده اوچیوز عدد تحتانی و فوقانی واسع تخته شندهر اورتولی معمور و مزین اولردر برمسجدی

[۱] ک : باجقه [۲] س ، ک : پایه

عظیم ایدوب آن واحده کافر دن الی کله ویکرمی نفر یرار قطناسیر و یوز رأس قطناسیر و بوقدر مال غنایم شکار آلوب سرور و شادمانی آتدیلر حقیر دخی بوغازیلره مرحت ایدوب قلعه یوقلمه سی بهارن آلمیوب آنجاق بر مجار غلامی و ایکی چفت قره بنه چرخلی توفنکلرن آلوب ایکیوز یکیت ایله ... ساعت جانب غربه یینه جول و جولستان قرقده کیدرکن نیجه هوتقه دپه لرینی کچرک

اوصاف پلانقه عتیق قاله چا

لسان مجارده ... دیمکدر بانیسی سلیمان خان ایله مهاج صحرا سنده جنک ایدوب اول عربده ده منہزم اولوب بر بطاقدہ مرد اولان لاغوش قرال بناسیدر بعده سلیمان خان بو قلعه فتح آمشدر بدست سلیمان پاشا قلعه سی نهر طونادن بر ساعت یقیندر [۱] اما نهر طونا جوش و خروشه کلسه بو قلعه یه البتده [۲] طونا کلوب قلعه ادالی [۳] برده قالور جانب اربعه سی بطاقلق اولمق ایله غایت صارپ قلعه در و اسکله سنک قرشو نهر طونا آشری بودین یولنده نحسنه [۴] قلعه سیدر اما قلعه سی سکدین سنجانی خا کنده اکره قولی افلامی امینلکدر کمیدی یوک آجه خاص الزامدر و جمله درو دیوار لری ایکی قات دوله پلنقه در لکن ایچ قاتنده ایکی عدد شدادی بنا چار کوشه متین قاعه رعنائری وار کم سلیمان خان فتح آتدکده کفار بو قلعه لره قبانوب ایکی کون حرب و قتال دن صکره نیجه لری قلعه دن کمندر ایله فرار و بردیار ایدوب نیجه بیکی طعمه شمشیر و نیجه یوزی بسته زنجیر اولور لر حقا که متین قله در کم بر قوی قپولری وار و طشره واروش قلعه سنک جانب قبله یه ناظر بر قپوسی اوکنده اصها مقره لی چست [۵] جسر ی وار مرشب دیده بانلر جسر ی رف ایدوب قلعه قپوسنه سپر ایدر لر کم جسر آتی صافی صودر خندق ایچنده ماهیلر شناور لک ایدر لر و قپو جسر ی اوکنده بر جامعی و اوچ دکانی و بر کوچوک خانی وار طشره واروشده بر ویران کنیسه سی وار آنده اولان مرمر لر اوزره نقش بو قلمون عبرت نمونلر مکر قلعه استرغونده پاخود

[۱] ک : هیدر [۲] ک : بو قلعه آلتنه [۳] ک : ادا الی . س :

ادا الی [۴] ک : نحسه [۵] ک : خشب . س ، ط : چست

سکدین سنجاغنه کیتدی کمز قوناقلری بیان ایدر

اولا بوقلعه چو کرادن جانب شرقه چول جولستان یرلری ۱۶ ساعتده حکمت [۱]
 قریب لری ایچنده صوسز یرلری کیدوب اول کیجه حکمت چولنده بالضروری
 یطوب ارتسی علی الصباح ۵ ساعت قبله یه کیدوب

منزل واروش بیوک حکمت

بودین وزیر خا صیدر کم برچواستان بی امانده بی کدن متجاوز ساز و قامش اورتولی
 مجار خانلری و اوچ عدد کنیس لری و جابجا دکانچه لری وار و جمله اورطه مجار
 قطناسی کافر لری بونده یطوب یملنوب ییه جکانبوش طشره و لایتلرده شکار آلر لر اما
 حکمت مجارینک قزلری و سرایی باغ لری مشهوردر جا کملری برو کفره لری در کالنده
 کومش دکنکی واردر لکن برایی حسن حال لری واردر بو واروشه بر مسلمان
 مسافر کلسه مجار قطناسنه دمزلر و مسلمانه مجار قطناسی وار دیموب بر برلرندن
 ایکی سینه حفظ ایدوب مسلمانک یانه رفیق لری یوب [۲] البتده بر سلامته [۳] واصل
 ایدر لر زیرا بودین وزیرندن اوله فرمان اولمشدر اندن ... ساعت قبله یه قرقده
 کیدوب

اوصاف پلانقه متین یاتقوجیه [۴]

لسان سرحد لیده اسمینه ... دمکدر سنه ۹۵۲ تاریخده
 سلیمان خان بناسیدر وقلعه سکدین سنجاغی خا کنده اکره قلعه سی قوی اقلامی
 اولوب یدی یوک اجه امینلکدر باحه فری حوکی [۵] ایچنده بر معمور و قوی بنا
 قلعه [۶] رعنادر کامل ایکیوز عدد منم دیکر نیست دین غازی ویرار و نامدار قوله
 مالکدر حتی آنده مهمان ایکن اورطه مجارک سمندر و کوار قلعه لرندن قلعه
 یاتقوجیه دبنده بشیوز کفار پوصویه سیکوب قلعه قپوسی آچلنجه درون حصاردن
 ایکیوز یکت مذکور بشیوز کافره قرشو چیقوب طرفه العین ایچره آمدان بر جنک

[۱] ک : حکمت [۲] ک : قوشوب [۳] ک : سلامت محله [۴] ک : یاتقوجیه
 [۵] ک : ناحیه قری حولی . ط : ناحیه قری حوکی [۶] ک : پلانقه

زيرا ولايتلری مجار دياريدر بونده دخی اوچ کون صحبت ايدوب قلعه نفراتلرن يوقلايوب حقيره ايكيز غروش و بر آت و بر مجار غلامی اجرت قدم ايله ايكيز عدد پر سلاح رفيقير ويروب آندن جمله احباب ايله وداعلشوب جانب جنوبه چول چولستان ايچره العياذ بالله كفارك هوتقه نام تصويرلرن ۴ ساعتده يوز بيك رنج و عنا و درد سر چكر ك و غافل مباح ديرك كيدوب

اوصاف کرمان بی داد یعنی قلعه متین چو کراد

لسان مجارده ديمکدر بانيسو سلشتی قرالدر سنه ۹۵۳ تاريخنده سليمان خان سکدين قلعه می فتحنه کيدرکن صلابت پادشاهی به [۱] بوقله مجارلری طاقت کتوره ميوب اورطه مجار بو قلعه معطل براغوب فرار آتمشلدرر حالا محمد خان ثالث تحریرلری اوزره صونلوق سنجاغی ملکنده [۲] امینلکدر کم قرق کيسه به اماندر ونهر تيسه کنارنده شکل مربع بر کوچوک پلنقه قلعه در لکن دوله رخم دیواری اون آديم قالین دیواردر انجق اطرافنده ایکی قپوسی وبش عدد متین طایه لری وار و جمله ايكيز عدد موجود قوللری وقلعه دزداری و صونلوق قضاسی ثأبی واکره يکيچری سی سرداری و معماری و باجداری و خراج اغاسی و محتسبی واردر لکن سليمان خان جامعدن غیری جامع یوقدر مساجدلری و مدرسه و تکیه جکی و مکتب صبیانی و برخانی واردر اما حمامی یوقدر و چارشوی بازاری آزر لکن باغی و بوستانلری چوقدر و قلعه کوله خندقلرندن جریان ایدن نهر کشوس [۳] اردل دیارلرنده مجار داغلرندن کلوب بو محله نهر تيسه به مخلوط اولور مستعمل نهر اولماغيله صونی مدوح [۴] دکدر و کفار بدکردار مردار اورطه مجار فجارک طغیانندن بوقله چو کراد قوللری ضعیف اولدقلرندن بوقله ناميله بوقله دن حقیر برجه آلیوب انجق جمله نفراتلرینک نصفی پر سلاح اتدیروب طائفه [۵] نام عربله دولدوروب

[۱] ك : پادشاهانه به [۲] س، ك، ط : حکمنده [۳] س، ك : کشرس [۴] ك :

مدوجه [۵] ك : طابقه

جامع مؤمناندر اولا ... جامعی ... و جمله ...
 عدد مکتب صبیاندر و جمله ... عدد حمام دلستاندر و جمله ... عدد خان
 تجاراندر لکن چشمه‌لری یوقدر جمله نهر تیسهدن و نهر زا کوه دن نوش ایدر لر
 نهر تیسه بو شهرک جانب شرقی و شمالیسنده اورته مجار ایله له ولایتی مایینندن صجان
 سامور داغلرندن ایکی نهر طلوع ایدوب شرق جانبنه جریان ایدوب له و مراوا
 ولایتلری و حوتین و بندر قلعهلرینه اوغرایان نهر طورله درکم اولزمان [۱] قلعه‌سی
 دبنده قره‌دکیزه قاریشور و دخی مذکور صجان سامور داغنک غرب جانبندن
 خروج ایدوب دیار له و بلاد اردل و اولکه اورطه مجارده قلعه خسواده [۲]
 و ایکیویز پاره قلعه‌یه اوغرایوب ولایت عثمانلی سرحدنده اکره ایالتنده بو قلعه
 صونلوقه و قلعه سکدینه و نیجه قلعه‌لره دخی اوغرایوب قلعه تیل [۳] دبنده
 نهر طونه‌یه مخلوط اولان نهر تیسهدرکم ایچنده طوز کیلری [۴] و طونا نهری
 کیلری کزر نهر عظیمدر و بو قلعه بر دوز چولستانده ایکی نهر عظیم کنارنده
 واقع اولوق ایله واروشندن جسره [۵] داراغاجی سمتنه باغ و باغچه و مشبک بوستان
 محصورلارلری جهانی زین آتمشدر و قلعه‌نک یاننده ادا باغی [۶] درلر بر مسیره
 کاه تفرجکاه یرلردرکم جانب اربعه‌سن نهر زا کوه ایله نهر تیسه احاطه آتمشدر
 باغ ارمدن نشان ورور بر مسیره کاه جنین حدیقه روضه رضوانلردر بونده دخی
 شهیدلرک مزارستانلری واردر و اندن جسره ایله کچوب نهر زا کوه‌نک قرشو
 طرفنده اولان باغ و باغچه و بوستانلری حسابدر بونده دخی شهدا خانه‌سی [۷]
 وارکم زیارتکاه ارباب دلاندر و بو شهرک آب و هواسنک لطافتندن محبوب و محبوبه‌لری
 مدوح طامدر جمله خلقی بوشناق غازیلردر اکثریا تجارت ایله کچنور بر الای
 خلوق و حلیم و سلیم و مصلی صلحای امتدن کسسه‌لردرکم نیجه‌لری مجاهد فی
 سبیل‌الله جانلردر لسانلری ینه صرف و بلغار و تنور [۸] و لاتن و مجارجه‌در

[۱] ک: آق کرمان [۲] س، ک: حسواره [۳] س: یتل [برنجی حرف نقطه‌بزدر]
 [۴] س: طورله کیلری [۵] ک: طشره [۶] ک: اطه باغی [۷] س، ک: جنانه‌سی
 [دوغروسی (جبانه‌سی) اولمیدر (م)] [۸] ک: بتور. ط: بتور. س: سور [نقطه‌بزدر]

ونقیب الاشرافی و یوزاللی آچقه قاضیمی و سنجا ق بیکی و ویواداسی و محتسبی و باجداری و معماری و کومروک امینی و خراج امینی و غیره اعیان و اشراف اغلاری وارد

در فصل اشکال قلعه صونلوق

نهر تیسه کنارنده بر دوز چمنزار صحرا ده شکل مربع بر دوله پلانقه حصار متین عبرتخادر اما دوله رختم دیواری کامل اون بش آدییم قالندر و قبلد آ شرق جانبنه طرز طولانی واقع اولوب شرق طرفنی نهر تیسه دو کر و مغرب جانبندن قلعه حطوان ایچندن کان نهر زا کوه جریان ایدوب قره طرفنده کی خندق ایچره دخی [۱] واروش حصاری خندق ایچره [۲] نهر زا کوه دولاشی براق اقوب نهر تیسه یه مخلوط اولور و بو قلعه نك جانب اربعه سنده دورت عدد طایبه عظیمی و اوچ عدد متین قپولری وار بری مغرب طرفنه واروشه اچلیبر بیوک قپودر و بری جانب مشرقده بوستانلره مکشوفدر و بری دخی اسکله قپوسیدر و دخی واروش ایله قلعه خندق ارسنده جریان ایدن نهر تیسه اوزره براواج جبری وار و اراطدن و کوله قلعه سی طرفلرندن کان آدملر بو جسر دن کچرلر و قلعه ده خنکار جامی بر کارکیه مناره لی و مصنع قبه لی جامعدر و جمله . . . عدد شنده تخته اورتولی معمور و مکلف و مکمل طرز قدیم فوقانی کارکیه بنا خاندانلردر لکن قلعه سی ایچی ضیق اولماغیله هر خانه لک باغ و باغچلری یوقدر

ستایش اشکال واروش صونلوق

و دخی قلعه نك غرب طرفنده جسر آشری واروشی دخی چار گوشه دن طولانی بر واروش محبوبدر و شمال جانبی و مشرق طرفنی درین خندقدر کم ایچندن نهر زا کوه جریان ایدر لکن نهر تیسه طرفنده و قلعه یه کیده جک سمتنده بو واروشک دیواری یوقدر و بو واروشک جمله بش عدد طایبه لری واردر قلعه حطوان طرفنه بر بیوک قپوسی و بر اوغرون قپوسی دخی واردر و جمله . . . عدد دکاندر و جمله . . . عدد مدرسه در و جمله . . . عدد تکیه درویشاندر و جمله . . . عدد

[۱] س ، ک : ایچی دخی [۲] س : ایچن . ک : ایچی

صومونلوقدن غلط صوملوق و صونلوق دیرلر حقا که سپو نام بیاض صومون
 اکه کی ربیع مسکونده یوقدر باندی قوجه لاصلو [۱] قرال اورتا مجاره رغما
 مجار خاکنده بوقلعه بنا ایتمشدر بعده اردل فجاری الینه کرمشدر بعده
 قورص مجاری دستنه کرمشدر اندن سنه ۹۵۹ تاریخنده سلیمان خان
 فرمانیله وزیر ثانی احمد پاشا طمشوار قلعہ سن فتح ایدوب اکره قلعہ سی
 فتحنه کیدرکن مقدم تاریخ ایله بودین وزیر خادیم علی پاشا بوصولق
 قلعہ سی محاصره ایدوب مترسه کروبو درون حصارده محصور اولان کفار دوزخ
 قرار امان دیمک صدندنه ایکن سردار اعظم احمد پاشا دخی یرکتورمز عسکرایله
 امداده کلدیکن کفار کوروب برکیجه جمله کفار قلعه راغوب کمی تیسسه نهریله
 کمی قره دن برر جانبه فرار ایدکلرندن عسا کرنصرت مآثر خبر آلوب عقب کفاره
 دوشوب نیجه بیگ کفاری دندان تیغدن کوروب قلعہ قبودانن طبل خانه سیمیه اسیر
 ایدوب قلعه صونلوق بویوزدن فتح اولوب سلطان سلیمان موژده خبرلری کتدی
 بعده سنه ۱۸۹۶ تاریخنده ینه اورتا مجار حاکمی طوبال پاله طنوش قرال دده سی استیلا
 ایدوب دخی زیاده عمار ایتمشکن سنه ۱۰۰۵ تاریخنده سلطان محمد خان ثالث فتحیدر
 بدست ... پاشا بالذات پادشاه جم جنابک دریا مثال عسکرایله اکره غزاسنه عزیمت
 اندیکن کفار خاکسار استاع ایدوب عسا کراسلامه مقابل دورمغه طاقت کتوره میه جکن
 بلوب قلعه وره ایله ووروب دارمانده [۳] امن و امان بلوب کتدکلرنده قلعہ یه
 لشکر اسلام سلامت کروبو پادشاهه فتح موژده سیمیه قلعہ مفتاحلرین کوندروب
 بعده فرمان شهرباری ایله بعدالفتح اکری اکره ایالتنده سنجاق بکی تخنی تحریر
 اولتور حالا صونلوق بکینک طرف پادشاهیدن خاص هایونی ۴۰۰۰۰۰ آقهدر
 جمله زمامتی ۹ و جمله ارباب تیماری ۳۰۰ آلائی بکی و چری باشی و یوزباشیسی واردر
 بولوانک قانون شهرباری اوزره حین سفرده جبه لولری ایله و پاشانک عسکرایله جمله
 اوج بیگ عسکراولور سپاه کتخداری یوقدر اما قپوقولی سرداری و بودین واکره
 یکچیریلری سرداری و قلعہ دزداری و بشیوز عدد مردم حصاروی وار شیخ الاسلامی

[۱] ك : لاصلو [۲] ك : قورس [۳] س، ك : دارامانده

و طمشوار ايلتنده چناد سنجاغی و لپوه سنجاغی و مداووا سنجاغی و کوله سنجاغی و غير يلرينك و وارا ط ايلتنده سنكوي سنجاغی و غير يلرينك قلعه لری

یوقلمه سنه کتدی کمز منزل لری بیان ایدر

اولا بسم الاء [۱] ایله بودین اوکنده پشته قلعه سی جسرندن نهر طونایی عبور ایدوب و پشدن الی عدد یرار نفرات قولاغزلر آلوب جمله سی طالیقه تعبیر اندک لری عربله ره پر سلاح سوار اولوب ۱۰ ساعت مشرق طرفنه سحرای پشته و قومسال یرلری سلامتله کچوب

منزل قریه کوچوک حکمت

بودین وزیرلرینک خاصلری اولوب جمله رعایا لری مجار فجارد درکم بودین وزیرینک جمیع اوتن و اوتلوغن بونلر کتورر آندن جانب مشرقه ۱۲ ساعت سحرای بی امان یرلری و قومسال هونقانی چوللری و قرنیا آغاجلی اورمانلری و نیجه معمور قرالری کچوب وقت عصرده

اوصاف قلعه سنجاغ حطوان دارامان

حمد خدا اوچ سنه مقدم کورمش ایدک شمیدی ینه منظور من اولوب قلعهدن فرق الی پاره طوپلر آتوب یوقلمه شادمانلری ایدوب بر آلا ی سرحد فازی لری اولماغیه سهولته نفراتلرینک جمله سین یوقلیوب ناموجودلرینه انماض عین ایدوب جمله ... عدد نفرات لری کامل دیو سجله قید ایدوب بو حقیقه اوچ یوز غروش اجرت قدم و یروب علی الصباح ینه بوندن یوز الی عدد عربله ی پر سلاح توفنک انداز رفیقلر آلوب آندن جانب قبله یه ینه سحرای بی پایان ایله ۷ ساعت معمور و آبادان قرالر کچوب

اوصاف دارامانلق یعنی قلعه صونلوق

لسان مجارده ... دمکدر اما لسان سرحدلی فازی لرنده صوملوق درلر یعنی

[۱] ك : بسم الله

اسیرلریمزك قصور اچہلربله اللی عدد بہادر و شجیع و نامدار رفیققر آلوب
جملہ دوستانلر ایله و داعلشوب اندن جانب شرقہ ۶ ساعت قان قومار [۱] امانسز
ایمانسز کافرلرینک قرارکاهی وکین کاهلری اولان مخوف و مخاطرہ اورمانلری
سلامتله حمد خدا کچوب

اوصاف منزل پلانقہ وال

بو دخی بودین ایالتندہ صو باشیلقدرد بو قلعه اصلا منظورمن اولمامشدی
بو قراق [۲] و بر قتلق امانسز یرده و بر درہ ایجرہ بر جامعلی و بر کارکیر قلہ
بالاسی اطرافی غایت متین پلانقہ شکل مربعدرد و جملہ یوز اللی نفری واردرد
واروشی و چارشوی بازاری و خان وحمای یوق غایت جزیرہ بی امان یردر حتی
پونی دخی اردل سفری سنہسنده زرین اوغلی طشرہ واروشن آتشف اوروب
اورطہ حصار اولان چار گوشہ قلهسی دخی واروش آتشدن احراق اولوب ایچندہ
اوچیوز عدد مخلوق خدا امت محمد احراق اولمش بعدہ اسماعیل پاشا بو قلعه
دخی مجددآ متانت اوزرہ اولکیدن اعلا تعمیر و ترمیم ایدوب مستوفا جبہ خانلر
قور اما حالا باغ و بستانلری معموردرد اندن شرقہ ۶ ساعت داغلر واورمانلر
آشوب (پلانقہ حمزہ بک) ی کچوب ۳ ساعتہ جانب شہالہ

اوصاف حصار استوار امین یعنی دارامان قلعه بودین

مقدما بالادہ نیجہ کرہ اوصافی تحریر اولمشدر لکن بو محلدہ بودین وزیری
کورجی محمد پاشا افندمزہ [۳] مهمان اولوب نیچہ چاساری صلح نامہ سن و یروب
عقد صلح اولدوغندن و او یوار ایالتی امن و امان اولدوغنی خبرلرندن حظ ایدوب
آنک مقابله سنده بو حقیر پرتقصیرہ اوچ عدد ایالتلرینک [۴] قلاع متینہلرینک
یوقلمہلرن ظفرای غرالی امر پادشاهی ایله احسان و انعام ایتدی

بودیندن ا کر ی ایالتندہ قلعه خطوان و قلعه صونلق و قلعه سکدین سنجاقلری

[۱] ط : قبان قومار . س فان قومار . (ک) نسخہ سنده بو ترکیب یوقدر (م)

[۲] س : قراق [۳] س ، ک : افندمزده [۴] س ، ک : ایالتلرک

منزل قلعه استرغون عبرت نمون

استرغون حاکی اسکندر بکده برکیجه اکنوب ارتسی علی الصباح استولنی بلغراد پاشاسی الحاجی مصطفی پاشا ایله سهل حسابمز اولوب انده کتمک اقتضا اتدکده استرغوندن یرار قولاغز لر آلوب جانب جنوبه داغلا واورمانلر ایچره ۵ ساعت کیدوب

اوصاف قلعه جان بک

بودین ایالتنده اوستولنی سنجاغی خاکنده صوباشلقدر قلعہسی بربار دبنده شکل مربع برکار کیر بنا بر قاعه رعنادر لکن طشره واروشی پلانقه حصاردر سنه ... تاریخده آل عثمان عسکری اردل سفرنده ایکن زرین اوغلی و بکان اوغلی مجارلری فرح [۱] بولوب یتیم سکسان بیک عسکرله کلوب بودین اطرافنده نیجه قلاع متینه لری محاصره ایدوب ظفر بولماد قیلرندن بو جان بک قلعه جکینک طشره واروشن احراق بالئار ایدوب و افرمال غنایم و اسیر شکار آلوب ایچ قلعه سنه ظفر بولمایوب دارالبوارلرینه کتدیلر بعده اسماعیل پاشا اردل سفرندن کلوب بو قلعه اولکیدن بش قات زیاده عمار و متین و صعب ایدوب اوچیز عدد منم دیگر نیست دین کزیده عسکر وجبه خانه سن مستوقا قویدی هنوز درون واروشده مکلف و مکمل خانلر بنا اولمقددر آب وهواسی لطیف اولماغیله باغ و باغچه سی چوقدر اندن جانب جنوبه داغلا ایچنده ۵ ساعت کیدوب

منزل قلعه پای تخت آباد یعنی حصار استولنی بلغراد

مقدما بالاده بانسی و سبب تسمیه سی وسائر اوصاف لریله رابه صوبی سفرندن کلورکن مفصل تحریر اولنشدر اما شیمدی ینه ولی نعمتم [۲] مصطفی پاشا خاندانده مکث ایدوب کامل کندولری ایله بر هفته ذوق و صفالر ایدوب رابه سفری سنه سنده کندویه فروخت اتدی کمز ایکی رأس قپودان اوغلی و یوزباشی

[۱] ک : فرجه [۲] س ، ک : نعمتمز

صبح [۱] اذانی او قوماق بوکتره میسر اولوب طشره واروشی احراق اولنوب ایچ حصارده مستحفظان عسکر قونمشدی اما شمدی طشره واروشی غایت معمور اولوب معان [۲] غازیان مجاهدان اولوب درون حصاره بیک عدن کزیده یکیچری و بیک عدد طوپچی و جبهجی و غیری فردمان حصار [۳] ایله قلعه شوران معمور اولمش اول کیجه بوشورانده یاطوب دیار المانده یدی قراللق ولایتلی چاسارک فرمانیه سیر اندیکم عسکر اسلامه حکایه ایدوب جمله عالم حیرتده فالدیله [۴] اندن علی الصباح حقیره قلعه اغاسی رفیق لر و یروب ... ساعتده جانب قبله یه کیدوب

اوصاف منزل قلعه اویوار

حمد خدا قلعه قپوسندن ایجری قدم بصنجه قپو اراسنده اسلام دیارینه قدم بصدم دیو سجده شکر یزدان ایدوب اندن اوج [۴] والی ولایت کوچوک محمد پاشا افندمک سراینده مکث ایدوب شرف صحبتلریله مشرف اولوب اوج کون جان صحبتلری ایتدک اما قلعه اویوار فتح اولدوغی محلدن زیاده بنا جهتیه و بنی آدم ایله غایه الغایه زیاده سیله آبادان اولوب وزیر واروشی و جامعی و نهرلتره اوزره مقصوره لر و باللق دالیانلری و نیجه بیک آثار غریبه لر ایله اویوار معمور اولمش و کوچوک محمد پاشا نفسنده بریارار و بهادر و شجاع سرور دلاور هنرور غازی یکت اولماق ایله جانب و اطرافنده اولان کفار لر محمد پاشانک خوفندن اصلا چته و بطوره ایله قطنالر برچتیه چقمیوب خاک اویوار آسوده حال اولوب اوجوزلوق و غنیمت اولمش و هر جانبی عسکر اسلام ایله پر اولمش دوردنچی کون محمد پاشادن احسان و انعاملر ایله رفیق لر آلوب جمله احباب ایله و داعلشوب جانب قبله یه ۹ ساعت کیدوب

منزل قلعه جکر دلن

بر کیجه قلعه دزدارنده استراحت ایدوب علی الصباح نهر طونا اوزره کیلر اوزره

جسر عظیمدن کچوب

[۱] ک : فتح [۲] ک : مکان [۳] س ، ک : حصار [۴] اشبو (اوج) کله سی

(س ، ک) نسخه لنده یوقدر (م)

[۵] مؤلف یدی قراللق یری سیاحت ایتمش اولدیغنی تصریح ایدبور (م)

حسین پاشا ایله فتحنده بولنوب ابتدا اذان محمدی، اوقیوب خدمت سبقت اندوکی بالاده کی کراسلرده اوصافیه مسطوردر اما ینه کله سی سنه کوپرولی زاده فاضل احمد پاشا بلغراد مشتاسنده ایکن کفار بولتره قلعه سنه استیلایدوب حکمت خدادست کفارده ایکن ینه ایکی کیجه مسافر اولوب سیر و تماشا اتمک میسر اولدی بوندن آکلنان اولدرکم بودینال وردبناسی [۱] ایش جناب باری یاری قیلوب ملکئی گاه مسلمانان گاه کافرله اکلنجه ایچون قیراط به قراط ویررینه آلدیرر خلاصه کلام همان قوللرینه بو دنیایی اکلنجه ویرر هر پادشاه بر ولایت آلوب بر ملکه مالک اولدم ظن ایدوب ینه اول ملک بر اغوب الدن حیقارور همان بو آیه شریفه مضمونی اوزره (من الملک الیوم لله الواحد القهار) در اما کفار دوزخ قرار بولتره قلعه سن دست اسلامدن آله لی اولقدر متین ومستحکم ایدوب جانب واطرافنه طابیه قویله اتمشکم هنوز قلعه لتره کویا قلعه قهقه اولمش آدم کورسه حیران قالیر حتی اصلنده زمینی برصارپ پشته قیائی عالی اوزره مبنی باش پاپاسلرک خاصلری بر قلعه صعب ایکن اون بیک قدر جنود جنب ایله بی حد و بی پایان جبهه خانه قومش ویزی بوقلعه یه کترین رفیق کفارلر کیدوب اول کیجه قیودانلری ایله بولشوب ایچ قلعده خنکار جامعی اندیکمز منصطر عظیمه واردم محراب و منبرن بوزمیوب حقیرک خطیله محراب اوزره (آیه سوره آل عمران) (کما دخل علیها زکریا المحراب) آتی خطم ونیجه آثار عبرت تالملم دوروب بوزما مشرف وافر حظ ایتدم اما هنوز بوکنیسه امین گاه ملت مسیحیه اولوب کفره وفجره لر ایله مالامال برقلعه اولمش اندن علی الصباح قلعه قیودانی بو حقیره قرالک فرمانی کاغدلرینه عمل ایدوب نیجه احسانلر ایله اللی نفر کافر قطننا رفیقلر ویروب اندن جانب قبله یه اوچ ساعت چمن زار ومعمور قرالر ایچره کیدوب حمد خدا اسلام دیاری اولار او یوار قلعه سی خاکنده بزم شوران قلعه مز خاکنه قدم باصوب ۵ ساعت آبادان ایچره کیدوب

منزل قلعه شوران اثناء سرحد عظیم

حمد خدا روم ایلی ایالتی وزیر ی نکفو [۲] پاشا ایله فتحنده بولنوب بونده دخی

[۱] ک : آل ویردنیاسی . ط : ال وردی بناسی [۲] س ، ک : تکفو . ط : تکفو

ایدی او یواری فاضل احمد پاشا دو کرکن قبله‌لی مصطفی پاشا شام ایالتی عسکر یله و قرداش قزاق عسکر یله بو قلعه محاصره ایتمک مأمور اولوب یکر می کون یکر می کیجه بوقلعه قبله‌لی مصطفی پاشا دو کوب فتحی یقین اولمشکن کودون [۱] اوستندن آل عثمان اوزره نمچه چاساری وزیر اوغلی [۲] لشکری کله‌سی استماع اولنجه بوغالغوفجه دوکدن فراغت ایدوب اردوی اسلامه کله‌سن دیو فرمان صدر اعظم صادر اولنجه هان قبله‌لی پاشا بو قلعه آلتندن طوپلری چکوب شام عسکر ی و قزاق عسکر یله او یوار آلتنه توجه ائدکده حقیر اول محله اقی ییلارلر حمه‌سندن [۳] اوچ بیگ عسکر له بوقدر مال غنایمله بو قلعه غالغوفجه آلتنه کوب بر خوش سیر و تماشای ایدو میوب فتحی میسر اولدن قبله‌لی پاشا ایله اوردوی هایونه ککشدک اما شمدی بو صلح ماییننده بر خوش سیر و تماشای ائدم

در ذکر اشکال سور غالغوفجه

نهر واق کنارنده بر چمن زار دوز صحرا ده شکل مربع بر کوچوک قلعه ایدی حالا اطرافنه ینه نهر واق کنارنده سکز گوشه بر شدادی طوغله بنا بر متین و قوی قلعه رعنا ایدو یور اسکی غالغوفجه بو یکی قلعه یه ایچ قلعه مثال اولوب بوندن طشره بر واروش عظیم چور مشکم قبله‌لی پاشا ایله قزاق عسکر ینک متر یسه کردکاری خندفلر جمله واروش اولوب بنوک دخی اطرافن دوله شر امپاولی رخم پلنقه عظیم ایله سکز عدد کوه بی ستون مانند طابیه لر آتمش بو طابیه لره دخی خندق عظیم لر قازوب ایچندن نهر واقی آتباق استردی و بو او یواره یقین اولان کوچوک قلعه لری جمله بیوک ایدوب او یوار رعایا لر ین بو قلعه لره قیوب معمور آئمه ایدی اندن بو نهر واقی کچوب او یورا طوپراغیدر اون ایکی ساعت طرف شر قه ویران قرا و قصباتلر کچوب

اوصاف قلعه منزل لیره

حمد خدا او یوار فتحی سنه‌سنده سیاوش پاشا برادری غازی ابازه صاری

۲ س، ک، ط: کورون [۳] س، ک، ط: وزین اوغلی [۴] چته‌سندن (م)

دخی قازمغه اشارت ایدوب چیزمشر اما دخی قازمه مشر لکن یوز الی آدیم انلی وواسع خندقلر طرح ایشلر بو حساب اوزره بوقلعه نك آتامی میسر اولورسه اویوار قلعه سندن صارپ و متین اولور وقلعه دیواری تمام اولدقده تملدن چیقان و خندق ایچندن چیقان طوپراقلری قلعه دیواری اوزره طابیه لره یغمغه بنی آدم قرنجیه کبی طوپراق طاش سیوب یدی طابیه اوزره یدی عدد طوپراقدن کوه البزر مثال داغر یغمشر و بوقلعه یه ایکی عدد قپو طرح ایشلر اویوار فتح اوله لی کافر بدکارلرک اتکاری طوطوشوب بوقلعه یه مباشرت اتدی اما دوربین فکر کفارک بو قلعه یی بو محله بو طرز متین بویه تکلفلی بنا و انشا ایتمدن البته بر شیطنتی واردر بو حقیر عاقبت اندیشک اکلا دینی اولدر که کفار بو قلعه بنا ایدوب ایچنه قرق الی بیک کافر قیوب پوزون قلعه سن محافظه ایدوب فرصت بولدقده قلعه اویواری عثمانلی لندن سهولته آله بو قلعه بنا اتمک طرف شهر یاریدن اذن ورلیدی عین خطا اولوب سوء تدبیر اولدی همان خدای بیچون قلعه اویواری دست دشمندن حفظ و امانده ایده حتی بو قلعه یی بنا اتمک بهانه سیله بو قاعه اطرافنه یوز بیک قدر کفار خاکسار جمع اوایشیدی اما هنوز دورت حصارده خانه منحوسلری و منصطر کواشلی [۱] بنا اولنوب جمله کفار قلعه خارچنده خیمه و خرگاهلری ایله ساکن اولدقزلندن اویوار پاشاسی قورد پاشا کفارک غلغله سن درگاه عالی طرفنه عرص اندکده قورد پاشانک عرضه اعتماد ایتوب یرینی کوچوک محمد پاشایه ویردیله بو قلعه بناسن سیر و تماشا ایدوب آندن جانب شماله ۵ ساعت ینه خرابستان قرالر ایچره کیدوب

اوصاف قلعه غانغوجیه

زمان قدیمده اویوار حاکی قازغاجی قپودانک دده سی بنا ایدوب بعده نیمجه نك چاساری استیلا ایدوب حالا قرال انبره طور طرفندن پوزون حاکی قپودانی ضابط ایدر نهر واق کنارنده بر کوچوک کارگیر طوغله بنا بر قلعه زیبا

[۱] ک : کفر اشلی . س : کور اشلی

درین و دیوارلری اولقدر عالی دکادر لکن هنوز اویوار فتح اوله‌لی نمچه چاسارینک فرمانیه یکریمی بیک طوت رعایالری بو قلعه‌یه اوشوب اولکی طرزندن اللیشر آدیم هر جانبدن قلعه دیوارن انلی و برقات خندق دخی یا بغه مباشرت ایتمشر و واروشی اطرافلرن دخی بش اویوار قلعه‌سی جرمندن بیوک اییدیورلردی و جمله رعایا دریا مثال اوشنتی ایدوب چالشرلردی اما حقیری کورنجه اویوار آلتنده آلتان و رابه جنکمنده اسیر اولان امت محمدلری جمله قالدروب پنهان اتدیر لکن اویوار ییلی فتح اولن قلعه لک کافره دونن رعایالری و اویوار کویلری رعایالری و نیجه بیک طوت ولایتی رعایالری بو اشنی یکی ژبل واروشنده تمکن ایدوب بو قلعه عمار اندکلرندن قلعه اویوارده رعایا آرقالدی و بو ژبل قلعه‌سی صحراسی اولقدر باغ و باغچه‌لی یردرکم حدیقه مشبک بوستانلری برقناق یری زین ایتمشر بو قلعه دن قالقوب جانب قبله‌یه ۹ ساعت خراب و عمار یرلرده کیدوب

اوصاف قلعه بکت اویوار [۱]

اویوار فتح اولدقدن سوکره الچی پاشا ایله بیج قلعه سنه واروب اذن پادشاهیه نمچه حدودنده چاسارک برقله پیام دیدوکی بو نو بنا بو قلعه ناتمامدرکم نهر پوژون ایله نهر واق مابیننده کی جزیره ایچره نهر واق کنارنده و نهر واق ایله نهر پوژون بریره مخلوط اولدغی محله حالا قرق الی بیک قدر کفار دریا مثال اولوب نیجه بیک عربه لرله طاش و کرج و کراسته و سایر مهمات ولواز ماتلر طشیوب یری کوکی توز دوتمش نیجه بیک کفار خندق قازمغه و قلعه تمللرن حفر ایتمکه چالشرلردی حتی قلعه تمه‌لی بر آدم قدی قدر کارگیر ورختم بنا روی ارضه چقمش و یکریمی آرشن قدر دخی دیوار عالی اولورسه کفایت ایدر دلردی تا اولقدر متین و درین خندق ایچره دریا مثال نهر پوژون و نهر واق جریان ایدردی و تمه‌لی سراپا صافی خورده خورده کمرلر اولوب دیواری کامل الی آدیم انلی شدادی طوله رختم بنادر و اویوار کی شکل مسدس اما ایکی اویوار قلعه‌سی قدردر و قاعه خندقندن طشره برقات خندق

[۱] س ، ک : اوصاف قلعه جدید بکت اویوار

دبندہ نہر طونایہ منصب اولدوغی نیجه کره مرقومدر الحاصل بر کیجه خیمه مزله
 نہر واق . احلندہ بر چمن زارده بطوب اندن ارتسی علی الصباح نہر واق کچدین
 بولوب یوز بیک رنج و عنا ایله نہری عبور ایدوب او یوار خاک کی طرفلرینه دوشدک
 اما هنوز کافرستان قطنایرلرینه کلدک بونده دخی نیجه یوز احراق اولمش
 قرا و قصباتلری عبور اتدک و نیجه احراق اتدیگمز کویله و شهرلره راست کلوب
 آشنا چیقوب علامتلا ایله بلدم اما نیجه یوز کارگیر بنالی کنیسه و منصطرلر شدادی
 بنا اولماغیله میدانده سو گهلی قالمش ایدی زیرا بو محللرده [۱] تا قومران و او یوار
 ولتره و نہر واق آشری تا هنوز کچدیگمز پوژون قلعه سی و آق ییلار و سوچه وار
 قلعه سی و بان قلعه سنه و ارنجه یکر می قناق یرلری تا طوت و لایتنه و ارنجه بو ولایتلری
 برباد ایتشدک هنوز جابجا عمار اولده اما یوز یوزاللی بیک اسیرلری آلتوب بو قدر
 مال غنایملری آلتدیغندن بو اوچ سنه دن برو خوش عمار اولماش حمد خدا اوچ
 سنه دن صکره ینه خراب اتدیگمز یرلری عمار اولور کورمک میسر اولدی آندن
 بو صحرائی دخی برکونده الغار ایله کچوب

اوصاف قلعه ژبل

بانیسی معلوم [۲] دکل اما حالا نیجه چاساری حکمنده در اما پوژون
 حاکی طرفندن آلیان قبودان ضبط ایدر اما خاک باکی طوت ولایتی عد اولنور
 نیجه کره اورتا مجار حاکی طوبال پاله طنوش هر سسک بو قلعه یه مالک اولمشدر
 مقدا او یواردن نیجه کره چته و بطوره لره سکر ایتشدک بو قلعه کورمک نصیب اولمادی
 اما حالا مجار ایله مالامال بر قلعه پر مال در حتی درون حصارده مجار ونسه واردر
 طشره قرالرنده [۳] قوم طوت و قوم مجار کافرلری واردر اما قلعه سی نہر پوژون
 کنارنده حواله سز بر شدادی طوله بنا بر سور رعنا قلعه متین بی بدلدر اما کوچو کدر
 و شکل مخمس واقع اولوب ایکی قبوسنک بری جنوبه و بری شرقه مکشوف اولوب
 بش گوشه سنده بش عدد قهقهها وار متین و قوی طابیه لری وار اما خندق اولقدر
 [۱] س ، ک : بو محلاری [۲] س ، ک ، ط : معلوم [۳] س ، ک : قرالرنده رعایالرنده

اوصاف واروش پوژون

کویا اچقه تخته‌سی کبی شکل بادی واقع اولمش برجایی طونا کنارنده وبرطرفی اویوار طرفنده جمله اولری باغ وبفچلی شدادی کارکیر بنا شندره تخته ایله مستور اوچ بیک عدد خانه معمورلردر وبوواروشک کردا کرد جرمی اوچ بیک آرشین یالین قات دیواری رباطدرکم یدی یرده سهل معمور قله‌ری وار وجمله اوچ عدد قپوسی وایچنده دورت منصطری وطقوز کنیسه‌لری وبعضی یرنده میدان محبتلر [۱] وبشیوز قدر دکانلری و اوچ عدد خانلری وار لکن کفار هنوز بوقلعه‌نک قیمتین بیلوب کوندن کونه عمارآتمده در وبوقلعه‌نک سمت شمالیسنده داغی و طاشی باغی وبانچیه‌سی طوتمشدر لکن بو باغلر شهره اولقدر حواله درکم ایچ قلعه‌سنده اولان مذکور قرال سراینده واشنی واروش ایچنده طوب و توفیق دن آدم کز مه من محاصره‌سی غایت ممکندر خدا دست اسلامه میسر ایده بونده دخی قرالک بانیسه‌لرن [۲] پوژون قپودانسه کوستروب اوچ کون صفالر ایلیوب قپوداندن احسانلر ایله رفیقلر آلوب اندن جانب شرقه عمارستان ایچیره برکون کیدوب

در بیان ولایت مجارستان

تااخشامه قریب کیدوب نیجه یوز عدد هنوز معمور اولمش کویلر وقصبه‌لرونجه بوز خراب ویباب اولمش قرالر عبور اتدک زیرا مقدم اویواری محاصره ایدرکن خاچیلی [۳] پاشا زاده عسکرلیه بوقرالری خراب ویباب ایتمشدک وبعدافتح اویوار تانارخان زاده احمد کرای سلطانمک عسکرلیه آق بیلالردن ایچری طوت ولایتن وقور مجاری واورطه مجار ولایتلرن نهب وغارت ایتمدی کمزده بوقرالری خراب ویباب ایتمشدک هنوز اوچ بیلدن بروعمار اولمامغیله بالضروری

منزل ساحل نهر وراق

بونهر آق بیلالردن کلوب اویواره قریب عبور ایدوب کافرک قلعه قومی ای [۴]

[۱] س، ک : میدانجتلر [۲] ک : بآنتهلرن [۳] ک : حاجی کی [۴] ک، ط : قومرانی

استاد کامل علم هندسه و علم معماریده کامل مهندسار هر دیاردن جمع اولوب مذکور
 سرایک جانب و اطرافنه بر بنا و بر واروش [۱] رعنا ایتمکه تمل خندقلری قازوب
 ایکی یردن قبولری آلی قومشلسر بری قرهده او یوار قلعهمز خاکنه و بری غرب
 طرفنده نهرطونا کنارنده وضع ایتمشلسر و بومذکور ایچ قلعهمده اولان سرایده مقدا
 قرالکر کلوب ضرور [۲] مشاوره سن ایدوب قرالکر تخته جلوس ایتمکه بونده کلوب
 تاج غرونه باشنه کیوب باش ارشاک پاپاس الیه بلینه قلیج قوشانوب قلعه بجه کیدرمش
 زیرا غورونه دیدکلیری تاج اسکندر بوپوزونده دورماق ایله بوشهره قوم نمسه قدس
 شریف قدر اعتبار ایدرلردی لکن شمعی دولت آل عثمانده سنه ۱۰۷۳ تاریخنده
 سلطان محمدخان رابع وزیر کی کورولی زاده فاضل احمد پاشا او یوار قلعهم سن فتح ایدله
 نمچه قرالی خوفندن تاج اسکندری بو پوزوندن قالدیروب بجه قلعهم سندن آلی
 قوناق ایچری تاجی پراق قلعهم سنه کتوردیلر حتی بزالجی پاشا ایله بجه واردیغمزده
 تاجی بجه آلا ی ایله پراقدن کتوردیلر زیرا بو قلعه پوزون حالابزم او یوار قلعهمزه
 اوچ مرحله یقین اولدوغندن جمیع نمسه کفارلری خوفه دوشوب تاجی قالدیدیلر
 و پوزونی عمار ایدوب اون ایکی بیک اشکر قودیلر و مذکور ایچ قلعهم اولان سرای
 حالا مسدود اولوب ایچنده جبه خانه دن غیری برشی اولیوب حالا اطرافنه سرایه متصل
 مغربدن مشرقه طولاً بش بیک آدیم ایکی قات بر عمیق طوپراق خندق قازوب
 ایچندن نهرطونا جریان ایدوب بریاننده طونا کیلری باغلنیر تابو مرتبه انلی خندقلردر
 همان عینی روما قلعهمسی خندقی کبی شکل بادمی نوبنا برمتین خندق قازمشلردر
 و هنوز کنارلرینه شدادی بنا دیوارلر یامشلردر و بو خندق دوز یرده اولماغیله ایکی
 قات خندق ایچنده طونا کیلری دولاشوب کیروب چیقارلر و مشرق طرفندن
 بو خندقه نهر پوزون آق بیلا لردن بروکلوب بو خندق ایچنده نهرطونایه مخلوط اولور
 و بو خندقلر اطرافنده اون بر عدد نوبنا طوپراقندن متین طابیه لر اتمشکم هر بری بر
 سد اسکندره مانند برسدیچهلردر و بومذکور نوبنا خندقلرک ایچنده

[۱] ک: نوبنا بر واروش [۲] س، ک مرون [بوله یازلمش ایسه ده (طروین = طوروبن)

اولسی ممکندر (م)]

اوصاف شهر تاج قرون یعنی قلعه پوژون

بانیسی لاصلو قرالدر مقدا بر کوچوک قلعه ایمش بعدہ سلطان سلیمان خان
نمسه چاسارلرینہ تاج اسکندر اولان غرونہ احسان ایدنجه بو پوژون قلمه سن
تملندن منہدم ایدوب مجدداً آخرکار بو قلعه انشا ایدوب اون ایکی بیک لشکر
ایله تاج اسکندری بوندہ قور

در بیان اشکال قلعه پوژون

مقدا الحی پاشا ایله بجه کیدرکن بو قلعه صاعمزده قالب کورمک میسر
اولدی ایدی اما شمدی منظورمز اولوب نہر طونا کنارندہ برسوریجه طوبراقلی
بایر اوزره طونانک جانب شمالندہ اویوار خاکندہ اویوارہ اوچ مرحلہ یردہ
چار گوشہ شدادی برقلعه متیندر اما حالا مشرقدن مغرب طرفنہ طولانی واقع
اولوب ایچ قلمه‌سی قنیزہ قلمه‌سی کبی شکل مربعدن طولانیدر و اورتاسی
انجه جکدر یعنی انسزدر دیمک اولہ و اول قلعه‌نک انجه یرندہ غایت مرتفع
سرای عظیم وارکم جانب اربعه‌سندہ نیجه یوز شاهنشین و روزنلر ایله مزین
برسرایدر مکر ماتقدم قرالدره مخصوص بودخی نمسه چاسارلرینک سرای منحوسی
ایمش بودین و استرغون و استولنی بلغراد قلعه‌لری اللرندن کیتدکن صکرہ
قرالدر بچی تخت ایدینوب اندہ قرار ایدرلر انشالہ اندن دخی فرار ایدرلر و بو
مذکور پوژون سرای کامل اوچیوز التمش آلتی عدد بالور ونجف وموران جاملی
نجرلر ایله آراستہ در و چار گوشہ شبہ اسلامبولک غلطہ قلمه‌سی کبی دورت
عدد قلمه‌لری وار آنلر دخی قات اندر قات پنجره‌لری جاملر ایله پیراستہ اولوب
چار قلمه‌لری دخی چار گوشہ رصاص خاص ایله مستوردر و بو سرای معمور
داثراً مادار باشقہ ایچ قلمه کبی بیک آدیمر و جانب قبلہ یہ ناظر بر عبرتیا
مصنع قپوسی وار اطرافی کرد اکرد باشقہ درین خندق ایچندن نہر طونا
جریان ایدر اما شمدی بز آندہ ایکن نیجه یوز بیک کفار ارغاط و نیجه بیک

شفا بولنلر بوتيمار خانويه اولقدر التون وکومهش قزغانلر و سخن لر [۱] وکباب شيشلری و اولقدر کومش و التون و قلای و بقر اوانی شيلر ياپدروب بو ديره وقف آتمش لر کم تعبير و توصيفدن مبرادر و بوديرک جانب و اطرافى کوبا باغ مرااملردر بو شهرک بر حاکمی دخى طشمره واروشنده در غایت معمور و آبادان شهر معظم و معمور و مزیندر جمله سکز بيک عدد تحتانی و فوقانی کار کير بنالی و باغ ارملی شهر مزیندر لکن قلعه سی یوقدر اما قلعه دن صارب جانب اربمه سی کمی دوکارندن و سائر درخت منتهالردن قازنلی متین شرانپاولردر و دخى طشمره سی خندق عمیق لک ایچندن نهر قيسى [۲] کوچوک المان داغلرندن کلوب بوقشه وار خندقن دولشوب بو محله قریب طونا نهرینه مخلوط اولور و بو شهرک اکثریا اولری طونا کنارینه واقع اولوب قات اندر قات سرايلر و قصر عالیله و مصنع دیور کيبرلر ایله آراسته و اسواق مزینلر ایله پراسته اولمش بر معمور آبادان فشه وار شهریدر برکون بوشهرده مکث ایدوب تکرار بیج شهرینه کیده حکم کلدی زیڑا بوشهر بیج طور اراغنده اولوب اون ایکی ساعت قریبدر اندن تکرار بوشهردن کشتیلر سوار اولوب قرشو او یوار قلعه مز اولان طرفه کچوب ۷ ساعت جانب شرقه فرح فزا آبادان باغ ارملی معمور قرا و قصباتلری جمله کچوب

اوصاف قلعه ...

اویوار صاحبی فارغاجی قبودانک دده سی سلیمان خان خوفندن سنه ... تاریخنده بنا آتمشدر حالانجه چاساری حکمنده در لکن قلعه پوژون حاکمی خاکنده طونا نهری کنارنده بر سوری طوپراقلی بایر عالی اوزره چار گوشه شدادی بنا بر قلعه زیبا و بیج قلعه سی شکل مدور واقع اولوب قبله یه ناظر برر قیوسی وار و قلعه ایچره کار کير بنا بر منصطری واشنی واروشنده ایکی بيک قدر شندره اور تولو خانلری و بر قاچ چاک قله نی منصطری وار اما طشمره ده باغی ایله بغهچلری بی حسابدر و اکثریا بیج قلعه سی اعیانی و پوژون قلعه سی اعیانک بو وادیلرده محصولدار باغلری وار اندن بر ساعت کیدوب

[۱] س، ک: و طنجره لر [۲] س ک: قنسی

آندن ایکی بوجوق یلده ینه بیج قلعهسی برابر لکنده صحرایه فنوب بیج قلعهسی
 صاغ طرفزده اون ایکی ساعت یرده قالوب اولکون بو... واروشنده ذوق وصفالر
 ایدوب شهری سیر و تماشای آندک بیج قلعهسی ایچنده قرالک ددهسی استفانی قرال
 بنا اندوکی منصطرك وقتی بر شهر مزیندر کرچه قلعهسی یوقدر اما غایت لطیف
 و معمور شهردر جمله اوچ بیگ عدد کره مت اورتولی باغ و بهجهئی یدی منصطری
 و چارشوی بازارلی شهردر اندن قالقوب جانب جنوبه ۵ ساعت کیدوب اصلا
 داغ و طاش کچمیوب چمن زار و نباتات و گیاهانی صحرائی اوزره معمور قرال ایچره
 آتی ییلادن جریان ایدن صولر عبور ایدوب

اوصاف شهر فشهوار

نیمچه چاسارینک باباسی بنا ایدوب [۱] فیح قلعهسی ایچنده کی تیمارخانه سنک
 اوقافیدر باشقه حاکمی واردر کم اوچ عدد برو حکومت ایدر بری یودانده [۲]
 منصطری و واروشنک حاکمیدر بو منصطرك دخی ربع مسکوند، مثل یوقدر و بونده
 اولان اطبا و حکما و جراحان و فسادان و بونده اولان تشریحات بر کافرستانک
 دیورلرنده یوقدر تشریحات اولدر کم بر امراض مختلفه دن اولن آدمک قرال اذنیله
 یاخود مرد اولان کفره لرك وصیتیه قرن یاروب سبب موتی اولان مرضارینه باقوب
 بعضی وجودی طوزلیوب موغلا بلر ایله قدید ایدوب بر دولابده حفظ ایدوب
 سبب موتی اولان مرضن یازارلر و نیجه سن دریسز جمله سکرلریله تشریح ایدوب
 صقلرلر و نیجه سنک سکرلرن تیزاب ایله کیده روب جمله سکرلریله بر دولابده پنهان
 ایدرلر و نیجه لرك دریسنی و سکرلرنی و طمرلرنی کیده روب جمله وجود انسانده
 نقدر کسکرلی و ارایسه تیمور تللر ایله بر برینه باغلیوب ینه بر دولابده حفظ ایدرلر
 الحاصل بودیر کیرک هر کوشه سنده اولان دولابلر ایچنده آدم قدیلری و تشریح اتلرک
 کونا کونی محفوظ اولوب جمله نک سبب موتلری و اسالری دولابلر اوزره مسطوردر
 و نیجه بیگ واجب السیر عبرتتا بو یورانده دیرنده موجود اولوب بو دایر الشفاده

(۱) س، ک : بیج . ط : فتح (۲) س، ک : یوراند . س : یورانده

ديوب اول كيجه بونلرك اوستلرينه كوكدن آله آله [۱] نوريغار ديوكفره لر شهادت اتدیلر حمدخدا جمله سن زیارت ایدوب روحایتلرندن استمداد طلب اتدك و بو قلعه نك صحرا الرنده خراب و بیاب اولمش شهر عظیمیلر و قرا و قصباتلردن اولقدر خرابستان شهرلروار كم تعیر اولتماز مكر او یوار فتح اولدوغی سنه بزم عسكردن اول چقان حاجی كي [۲] پاشا زاده تاتار عسكریله تابو محلله كلوب احراق بالنار اتدكرندن بو ویران قالمش شهرلروار راویواردن بو محلله كلنجه اون طقوزقوناق یردر اندن ینه سمت غربه ۸ ساعته كیدوب [۳] (*)

(۱) س، ك : آلاجه آلاجه (۲) ك : حاجی كي (۳) س : كیدوب (اوصاف...)
(۵) بر صمیمه قدر آچیق وار شوقدر وارکه بوراده کی بر صمیمه حقیقی اولیوب مهم مقداره آچیق بولندیغه اشارتدر چونکه یدی قراللق یری ایکی بوچوق سنه کزن مؤلفك ویره جکی معلومات لاقفل برجلد تشکیل ایدردی . چوق بازیق که یدی قراللق یرده بو ایکی بوچوق سنه لك سیاحته دائر معلومات الده کی بش نسخه نك هیچ برینده یوقدر دیمك که ضیاعه اوغرامشدر. شواری اختصارایدن ذاتده بوراده بو بختك کنارینه شو عباره پی یازمشدر : « سیاح مرحومك یدی قراللق یری سیاحت ایدوب تحریر ایتدیکی سیاحت نامه جزؤلری غالباً ضایع اولمش که بو محله ایکی بچوق یلدنصکره عودتدن بدأ ایشدر » ایشه بویوك بر مقداره آچیقلاق اولدیغه اشارت اولق اوزره عبدعاجزده بوراده آرنجه بر صمیمه چیق بیرا قدم (م)

معمور آتمک ایچون لغت ایدوب حالا بو واروش خراب ویاب قلوب زمینده باغ و باغچه وکل کلستان و مشبک بوستانلر ایچره یکریمی عدد دیر عظیملری کار کیر بنا اولوق ایله باغچلر ایچره معمور کنیسه لردر اما قلعه سی نهرطونا کنارنده غایت شدادی سنک بنا بر قلعه بالادرم نظیری اولمیوب استادان سلف بو قلعه مهر سلیمان کبی طابیه عظیملریله شکل مسدس یا بمش لردر و آلتی قپوسی وار آلتی ولایتدن کن کاربان خلقندن بو قپولرده باج آلتیر و بو قلعه اوکنده نهرطونا دوه بوینو کبی دولاشوب جانب جنوبه الی قوناقینه المانه دوغری آقوب اندنینه طرف غربه آقار بو قلعه یه قپودانی بزى قوندروب اشپانیه وزیرینه هدایالر و یروب عظیم ضیافتلر ایدوب حقیره دخی کونا کونا هدایالر ویردی

در بیان زیارتگاه شهدای قاسم و یووادا

بو قلعه نك شرق طرفنده بر چمنزار صحرای لاله زارده [۲] قاسم و یووادا جنکنده شهید اولردن قرق یرده یغن یغن مزارستانلری زیارت اندک بقول کفره بونده اون ایکی بیک تورک عسکری یا طر دیدیلر اما هر یغننده طوجدن بر علامت یا بمش لر مثلا اون یغننده طوجدن بی آدم تصویرلری و بر یغن اوزره طوجدن آت صورتی و برنده قلیچ و برنده قالقان و برنده توفنک و برنده تیرکش الحاصل جمیع شهدالک آتلرن دخی قروب اصلا بر سلاحلرینه وضع ید ایتیموب جمله شهدا سلاحلرن برزیره کوموب اوزرلرینه بر یغن طوپراق یغوب دخی اوزرلرینه هر سلاحه کوره بر طوجدن علامت آتمش لر و جمله شهدالک اطرافلرینه قلعه و طابور خندق کبی خندق قازوب اصلا بر حیوانات کیروب شهدالری چکنیه منزل حالاقدرتدن جمیع شهدالر اوزره کل کستان و ریحان و سنبلستان بترکم رایحه سی آدمک دماغن معطر ایدر اما بوزیارتگاهک تا اورتاسنده بر مرمر عمود اوزره کفار بر قلیچ قوش یعنی بزوموتالری قلیچ ایله تردق دمکدر و لکن کندولرینک نقللری اوزره هر سنه قاسم کونلری اولدقده بو قاسم و یووادا عسکرلری اوزره برهای هوی الله الله

[۲] س، ک، ط : لاله عذارده

آندن علی السحرینه قالقوب جانب شماله ۴ ساعتده (آق ییلا) بی کچوب اویله بر تل بالادرم جمیع نحرالر اشغیده نقش مانی کبی باغ و بانچه و مزارطایله نمایاندر آندن ۲ ساعتده یقوش اشنی کیدوب نهر پرانی کچوب آق ییلا لردن کلوب نهر واقه قریشیراندن

اوصاف قلعه آن پران المان

لسان نمچه جه ... دمکدر بانسی لاصلو [۱] قرالدر سنه ۹۳۶ تاریخنده سلیمان خان بچی محاصره اندکده قاسم و ویوادا قرق بیک یکت ایله علی الغفله بو قلعه آن پرانی بصوب فتح ایدوب مال غنایمندن برشی آلمایوب جمله کفارلرن دندان تیغ آتش تابدن یکیروب و اروشنی احراق بالنار ایدر اما قلعه سی غایت متین و مستحکمدر بر یالچین قرمزی قیا اوزره بیاض قغو قوشی کبی دورر شکل مدور بر قلعه بالادز ایچنده بیک قدر تحته اورتولی اولری و بر منصطری وار اما چارشوی بازارلی یوقدر اشنی و اروشنی بیک بش خانه ویدی کنیسه و التیوز دکان مزینلری وار باغ و بانچه سنک ایچندن نهر اووو آقوب ابتدا طلوعی آق ییلا لردن کلوب بو قلعه دن بش ساعت اشنی جانب جنوبه آقوب نهر طونایه مخلوط اولور بو و اروش ارمده اسپانیه وزیرینک قوناغنه متصل حقیره بر قناق ایله جمله تعینات هدایالریمز و یروب بر کیجه بو و اروش ارمده ذوق و صفا ایدوب عظیم طوپلر و فشنگلر آندروب آندن په قالقوب جانب غربه آب و هوایی لطیف نحرالر ایچره قرالری عبور ایدوب ۵ ساعتده

اوصاف قلعه عظیم شنوه

لسان نمچه ده اسمی ... دمکدر اما قلعه کهنه بنیاد اولماغیله بانسی معلوملری نامعلوم اولماغیله بانسی تحریر اولنمادی اما اول و آخر نمسه چاسارینک ملک موروشیدر اما یینه سلیمان خان عصرنده قاسم و ویوادا بونده خیلی جنک عظیم ایدوب قلعه سین فتح ایدمه یوب و اروشنی احراق بالنار ایدوب جمله رعایا سی قلجدن کچروب غنیمتلرن آلمیوب جمله آتسه اورر بعده کفار بو و اروشنی

[۱] ك : لاصلو

کرك بويله كرك شويله كرك ديومشاورله ايله شكل مسبع بعنى یدی كوشه برتمل قازمغه اللی بيك رعايا جمع اولوب ابتدا ايپلر ايله قلعه نك زمينن طرح ايدوب ابدن طشره خندقلى وطايه لری وقبولن طرح ايدرکن عظيم تماشالر ايدوب تمللری قازدقلرينك طوزی وطوپراخی افلاکه پیوسته اولوب حفرلر قازلردی ایچنده هنوز عمارتدن بر او یوق ایدی انجاق طوبنا کنارنده بش بيك قدر سولطاط اوله جاق [۱] - ازدن وقامشدن اودالر وعظيم طوپراق طايه لری مفید ومختصر ياپوب قرق اللی پاره طوپلر قيوب مقدا معمور اولان کومروك خانه کوی بو قلعه یه واروش قالمش اولور اما اکر بو قلعه اتمام بولورسه غایه الغایه متین قلعه استوار اولور ایکیوز برده همان داغله کبی قرمزی طوله پشروب آماده دورردی بو قلعه جمله طولدن [۲] اولسه كرك بو قلعه نك اسی حفرلر [۳] سیروتماشا ايدوب ينه شمال طرفته سحرالرو معمور وآبادان قرالر ایچره ۳ ساعته کیدوب

اوصاف قلعه نو بنا طنجه وار رعنا

ما تقدم کوجو جک پلانقه اولوب اول قاجر قرال وزیرینک خاصی ایمش اما شیمدی اویوار فتح اولدن برو اویوار غازیلرینک چته جیلری وپتوره جیلری خوفندن بو قلعه طوله دن دخی واسع ومتین ايدوب ایچنده اوچ بيك کزیده نسه قطناسی قيوب اویواردن بو قلعه یه کنجه واق نهرندن برو بويله برمتین قلعه جدید یوقدر ونهر طونادن آلتی ساعت بعید بر سحرای لاله زارده واقع اولوب اصلا حواله سی یوقدر طوله بنا بر شکل مخمس برمتین قلعه در اوچ بيك عسکر یله قپودانی اشپانیه وزیرینه ^۲ قرشو چيقوب الای عظیم ايله قلعه یه کیررکن طوب شادمانلری ايدوب حقیقه باغ ارم مثال بر قناق ايله تعیینلریمز ویروب ابتدا بو قلعه قپودانی فونانغمه کلوب الیزده اولان قرال خطنه باقوب هر نه که فرمان اولندی ایسه بالتمام ذخیره وتعییناتلریمز وتحف ^۳ هدا یالریمز [۴] ویروب اون عدد عورت واون نفر غلام واون ریف شراب کتوروب ^۴ شرابی نوبجی کفرلر زهر مارکی نوش ايدوب عورتلری رد ايدوب خدام غلاملری آلیقیوب ^۵ [۱] نسخه بويله ایسه (آله جق) اولسه دها مناسبدر (م) [۲] ك : طوله دن [۳] ك : اساس وحفرلر [۴] ك : تحف وهدا یالریمز

صِرْجِه ايله مستور بر روضه جنان معموردر جميع بچ خلقی بعدالعصر بجدن پیاده بونده کلوب صحبت خاصلر ایدوب ینه قلعه بجه کیدرلر غایت یقیندر و بچ قلعه سنه کلن طونایی بو محله انا طونادن آروب داغلیری و بایرلری خرقلر ایلدوب اوچ ساعت کامل یول ايله طونایی زور ايله بچ قلعه سی آلتنه کتر مشلر اما ینه بو محله یوللرده [۱] سد ایدوب طونایی بچ قلعه سی اوکندن کسمک قابلدنر بو اسکی بچی و طشره واروشی دخی تماشا ایدوب ینه بر قایغه سوار اولوب بری طرفده قوناغمز اولان کویه کلوب اندن علی الصباح ینه کافر اشپانیه وزیرینک لوطریان بورولری چالینوب اندن قالقوب نهر طونایی دورت یردن چام دیرکلری اوزره جسر عظیملر دن کچوب هر جسر بشر کوزدر اما طونانک بر بیوک اسکی قولی اوزره اولان جسر اون بر کوز جسر عظیمدر و بوندن اشغی تا استرغونه وودینه وارنجه طونا اوزره اغاجدن بویله جسر اولماق محالدر هپ کمی اوزره جسر یاپلر زیرا بو محللرده طونانک چقدوغی المان داغی قریب اولماق ايله طونا آزا اولوب درکار اوزره کوپرولر یایماق ممکندر و بو جسر لک قرشو جانبنده او یوار خاکنده نوبنا اولیور

اوصاف قلعه جدید

ما تقدم نسه چاسارینک جسر باشنده بشیوز خانلی بر کومروک خانه سی ایمشکم بهر سنه اسفج ولهوجه واشپانیه وفرانسه وفرول [۲] وطوت وفلمنک ولایتندن کلن بازرگانلردن ایکی کره یوز بیگ میلیون آلتون کومروک آلینر کوی ایمش بعده سنه ۱۰۷۳ تاریخنده کوپرولی زاده وزیر فاضل احمد پاشا او یوار قلعه سن فتح ایدلی کفار خوفه دوشوب بچ واروشلرن ترک [۳] اورماسن دیو بوقلعه او یوار طوپراغیله پوژون توپراغنده کچت باشنده هنوز بنا آتمک مباشرت ایدوب ایری زردبان کبی پرکاللرایله و کونیه لرایله استاد مهندس بنالر جمله بریره کلوب جمله ارباب جنسکاری دخی بوقلعه طرخنده جمع اولوب دشمن بوقلعه محاصره ایدرسه بوقلعه شو رسمده

[۱] س ، ک ، ط : یوللرین [۲] س ، ک ، ط : قروا [۳] ک : تورک عسکری

رفیق قدیم ہندی بابا منصور ایلہ بابا [۱] احمد بکتاشی ایلہ و بابا ترابی سلمانی ایلہ و اشپاہی وزیری . . . ایلہ یدی بیک عسکر ایلہ بجدن قالدقدہ توکللاً علی اللہ دیوب خدای متعال ینہ سالمین و غامین عودت میسر ایدہ دیوب بجدن غرب طرفنہ بزم قنقلرمز اولان آدا ایچندہ طونا کنارنجہ باشی یوقارو ۳ ساعت کیدوب

منزل قریہ . . .

طونا کنارندہ بر اورمانلی اغاجلق ایچندہ بر کینسہلی و بشیوز خانہلی و باغلی و باغچہلی معمور نمسہ کویدر بو کویدن رفیقلرمز ایلہ بر قابغہ بنوب نہر طونا ایلہ قرشو جانبہ عبور ایدوب یکی بیج خاکندہ

اوصاف قلعة اسکی بیج

حضرت عیسیٰ زمانندہ بنا اولنان بیج بو قلعة قدیمدر نہر طونا کنارندہ کوچوک المان داغی بورندہ اوج آسمانہ برابر بر متین قلعة بالادر اما ایچندہ آدم و آدمی زادی یوقدر جملہ جبہ خانہسی و مال و دفاینیلہ [۲] اجنہ قومی بو قلعة ضبط استدی دیو جمیع کفار بو قلعة براغوب حالی اوزرہ دورور اما نہ مصور و مشکل و متین قلعة قویدر بز دخی خوفزدن کوه بالانک ذروہ اعلاسنہ چیقوب اسکی بیجی سیر و تماشا آتمکہ خوف اندک

ستایش و اروش اسکی بیج

نہر طونا کنارندہ بر نہر معظمدر قلعة ایلہ بو شهر مایینندہ بر منصطری وار بوندہ دخی کسہ یوقدر اما شہرندہ بیج آدمی چوقدر جملہ اوج بیک قدر کونا کون صیرجہلی کیرہ میت اورتولی باغ و باغچہلی و چارسوی بازارلی مزین شہردر بوندہ قرالک بر قلعة مشال دیوارلی باغ ارمی وارکم دللر ایلہ تعبیر و قاملر ایلہ نحریر اولتماز جملہ قصر عالیلی و جمیع آثار بتاری سراپا یشیل

[۱] ک : و بابا [۲] س ، ک : و مال دفاینیلہ

خلاصهٔ كلام اوچ آي قدر شرف صحبتلريله مشرف اولوب نتيجهٔ مرام جميع مصاحبتلرئز اڪثرئا سياحته متعلق اولوب شام طره بلوس وجبله [۱] وصيده وبيروت وعك ويافه وعسقلان ورمله وغزه وقدس شريف احوال لرن ومذكور بندر اسكله لري سؤال ايدوب البته هر بار قدس شريف سؤال اولونوردي حقير پرتقصر ايسه قدس شريفك جميع احوالاتلرينه اويله واقف اسرار ايدمكه بر سياح اول مرتبه ده بلك احتمالي يوقدر حتى قرال حضورنده چاسار حقيرى قدس شريف احواليجون نيجه پاپاسلر ايله امتحان چكوب قدس شريفده نيجه يل افناي وجود اتمش پاپاسلر حقير قدر قدس شريفده كي قامه كنيسه سن وصخرة اللهى ومسجد اقصى وطورزيتايى وبئر سلوانى حقير قدر بليوب نيجه پاپاسلرى حقير كذاب چيقاروب باش پاپاس يلان چقان بطريقلره قرباجلر اوروب پاپاسلقدن چيقاروب وحضور قرالدين دكل نفي بلد ايلديلر . قرال ضال قدس شريفى بويله صحتى اوزره نقل ايدوب بدرستى سياحت اتديكمدن قرال حظ ايدوب حقيره بر كيشه غروش و اون جوقة واون قماش و اون اوچ عدد المان ساعتلى احسان ايلدى همان حقير اول محله يدى قرال ولايته كيدوب سياحت ايديم ديواجازات استه دكده باش اوستنه ديوب اليه دوات وقلمن آلوب ديدى قراللق ولايتلرمده اولان قلعه لر وشهرلر وسندرلر و قراوقصباتلرم ممزر ومكرم كزوب سير وتماشا اتسون، ديوب بر پايته خط وروب همان حقير قرالك كوزى اوكنده خطنى اوپوب باشمه قيوب ردبيا كيشه ايچنه قرال خطن قوينجه قرال خطنه تعظيم اتديكمدن حظ ايدوب ينه قرال خطنى استيوب ده قوناقدن كونده بر قيون واللى چفت سپو اتمك واون طاوق ويكرمى آت يمي واون عورت و اون نفر اوغلان خداملر وروب هر قوناقدن قوناغه يوزر آتلى و يوزر يايان كفرة جفزه رفيقلر وروب هر بندر حاكمرى و قپودانلرى و بكلمرى استقباله چيقوب الاى ايله شهرلرينه كتوروب مراد ومرام قدر اول شهرده اوطوروب كيده جكم وقتى هر شهرك حاكمرى واعيانلرى رعايت ايدلر، ديوب قرال تكرر برخط يازوب حقيرى باش

[۱] س، ك، جيله

و چشم عبرتلى ايله نجه بيك اعجوبه دهردن شيلر كوروب جمله و قايعاتى و جمله دلبرانلى ايله صحبت خاصلىر انديكمز تحرير ايله سك همان شهر بچ اوصافى بر مجلد كتاب اولور
 اما كورمديكمز دولت على و بلده عظيم غالى اولماغيله چاسار باوقارك هر نقدر مصاحب
 نديلملى [۱] و نقدر وزرا و وكلا لى وار ايسه آنلى ايله جمله آشنا اولوب آنلردن
 خبر آلدكمك بزم الحلى پاشا تا اسلامبولدن نمسه نك الحيسى ايكي يلده نجه كلنجه بزم الحلى
 پاشا بجه ايكي بوچوق يلى اقلما [۲] يكون بر يلى بر بوچوق يلى او طور رمش
 بو حقيرك عقلى باشندن كيدوب آيا بو جزيره كافرستانده سياحت و تجارت و زيارت
 بو قدر بر يلى و بر بوچوق يلى نجه محبوس كى دورولور ديو تفكر ايدر كن حكمت
 خدا ... [۳] (اذ ااراد الله شيئاً هياً اسبابه) مضمونجه حكمت بارى يارى قلوب
 اشپاسيه و قزقرال و دايما رقه و دونقار قيز و الحاصل ... [۴] [۵]

يدى قرالك و وزيرلى بعد الصلح اداى خدمتلى تمام اولدقلى رنده جمله وزيرلى
 قرالدىن كتمكه مآذون اولدقلى رنده همان بو حقير دخى ايو فرصتدر بو بجه بر يلى
 دورمقدن ايسه غيرى ديارلىرى سياحت ايدوب ينه الحلى پاشا كيدنجيدك كلوب
 يتشرم ديوب همان اردل ديارندن برو قرالك زوزه وزيرى غايت دوستمز ايدى
 اكا و اردم و ماتى قوقوله وزيره و باش وزير اولان رودول فوشه و باش قومساره
 و باش پاپاسه و اروپ و نجه اش ارلرينه و قرال مصاحبلىنه بلوشوب برر دانه منقش
 قيا سلطان مقررملرى هدايا و يروب يدى قراللىق يرى سياحت اتمكى مرادى
 سويليوب ارتسى كون باش وزير حقيرى چاساره بولشدر دقدده چاساره دخى ايكي
 دانه نقش بو قلمون و عبرت نمون قيا سلطان ياغلنى و ايكي عدد كشميرى شال
 و بر سحر اعجاز فرنك مانى قلميله تحرير اولنش حضرت عيسى و مریم آنا نصويرى
 هدايا و وردكده نجه بيك خزينه مال پيشكش و رمدن زياده حظ ايدوب بو حقيرى
 ينه وافر سويلدوب ايكي ساعت كامل جان صحبتلىرى ايدوب مصاحب ايدرك

[۱] س ، ك : نقه دن مصاحب [۲] ك : اقل ما يكون [۳] ديكر نسخه لده آچيق

يوقدر [م] [۴] باقىلسه آچيق سز معنا تمامدز [م]

[۵] بوراده اوچ - طر آچيق وار

مالك اولماشدز الاونديك قرالى مالكدرهله ونديك كيميابه مالكدر اما بانكروس تبركتوردوب وجميع بارزكانلرى هرمتاعده [۱] سكهلى وسكسز آلتون [۲] آكتوروب تكرر قال ايدوب بر كونه زر خالص انكروس التونى كسرلكم بر قرالك التونه بكنزه مز حتى ونديكك بالذالتونه بان باهى كلر غايت خالصدر (اشكال التون انكروس) بر ياننده باشى مغفرلى وتللى و كوده سى دمر كيملى بلى انجه النده بر دسته اوق ايله اياق اوزره دورور بر تصوير واردر زعم باطلارنجه ... اوله اطرافنده نمسه خطيله اوصافى تحرير اولتمشدر اردنده چاركوشه خزينه سى ايجره بش سطرخط واردر ... نك اوصافيدر كنارنده غيرى خطلر دخى واردر (در اشكال دوكمه غروش المان) بر مدور الشكل كامل طقوز درهم كاور خالص بياض كوشى واردر ديار رومده يوز درهمه اوتوز درهم بقر قورلر ينه دامقيا كادى درلر بر طرفنده قرالرينك باشى قبايلينه نك تصويرى وار كنارنده جلوسى تاريخى وار او بر طرفنده ايكي باشلى وايكى اياقلى وايكى فناطرن آچمش قره قوش تصويرى وار جميع سنجاق وييراق و سكه لرنده بو قره قوش تصويرى وار زيرا زعم باطلارنجه قاره قوش جميع قوشلرك رطيچيسيدر يعنى كندولر دخى جمله قرالردن رطيچى و كسكن قرال اوله جمله يدى رده سكه سى كسيان ولايتلر بونلردر كم ذكر اولنور ... [۳] اما بجده كى ضرب خانه سى كورمكه محتاجدر غروشك بر نوعى زمبه ايله مدور كسوب سكه دخى اوريلر و ر نوعى يعنى [۳] عروش كې سبوكه تختدر بر يانندن آدملر دلايلرى [۴] چوردنجه چرخلرى چويردوب [۵] هم مدور غروش كسلر هم سكه اوريلر بر كونده سهولته اللهى ييك غروش كسك ممكنه در اما ضرب خانه سنه باش قومصار و امينندن غيرى بر غيرى كسسه كيروب سير و تماشا ايد، مز والسلام حاصل كلام بوتماشالرى ونجه يوزييك كونه يازيلماسى ممكن دكل معجايات و غيراياتلرى سيرو تماشا ايتديكمزدن صوكره ايكي آى اون يدى كون بچ شهرنده ذوق و صفالرايدوب

[۱] س.ك: هرمتاعك [۲] س.ك: التون [۳] س.ك، ط: يعى [۴] ك: دولابلى

[۵] س، ك: چوروب

[۰] بوراده بر سطر آيتق وار

یاخود خوش اخان صوت مزین [۱] ایله رهبان و صبیاندر او قودوقده آدمک عشقندن واله و مست اوله جانغی کلور زیرا بو آیتلری علم موسیقاری اوزره صوفیانه اوصولیه [۲] اوقندوقده آدم انشراح صدر و ذوق درون بولور والسلام

(در فصل بدرستی لسان نمچه) اولا نمچه لسان مجارده لفظنم دکیلم معناسنه در یعنی چه دکیلم نمسه یم دیرلر اما فصیحای نمسه یه سؤال اتسیک نمس قومیسز [۳] دیرلر یعنی نمچه دکلز دیمک اولور هر قومک بر زعملری واردر اولا نمسه نک بیع و شرالرنده حسابلری بویوزدن عد اولنورکم لسان صحیحلری علی الاتفاق بودر

اولا انس (۱) اسحیا (۲) تری (۳) فیر (۴) فنف (۵) سسکس (۶) سبن (۷) اخت [۴] (۸) ناین (۹) چن (۱۰) چیانچت (۲۰) ترایسک (۳۰) فرجیق [۵] (۴۰) فوفچیک (۵۰) سنحچک (۶۰) (بروت) اکمکدر (بوصر) [۶] صو (واین) شراب (لحت) موم (لیختر) شمعدان (مسر) بجاق (فدر) قلم (وین تردر) دوت قلم (نته) مرکب (پاپیر) کاغد (قوت) الله (ماریا) مریم انا (قسطنطین اوبول) [۷] اسلامبول پادشاهی (جاسار) [۸] قرال در (الینره طور) [۹] پادشاهنر پادشاهی یعنی شهنشاه (پولده انپره طور انکور) نمسه نک انکروس قرالی (پامپول) پاموق (قم هر) کل بری (سچنیده) اوطور (نکسی) یوقدر (اوصقوط) ایمدر (نامین هرپو) [۱۰] یوق آغام (مای فراو) بنم قادنم (یوک فراو) بنم قیزم (دورنه) بیره قاچ (ماین فودر) بنم بانام (ماین بلوده) [۱۱] بنم قرداشم (کهر قلاتی) کل کوچوک (کهر مای هرچ) کل بنم جانم (پوریسلی) دوردباره [۱۲] (قوت) اش التونی یعنی الجاق آتون (دوقات) سکلی آتون (طالر) دوکمه ریال غروش (قرالیچقه) ایکی پنز (انکرلش) پنزه... [۱۰]

اما سکه لرینک پاک و پاکیزه و خالص العیار اولدوغنه و قلب و مقصوص [۱۳] اولمیوب سیم خالص اولدوغنه عشق اولسون بونلرک بر ضرب خانه سی واردرکم بر قرال و بر پادشاه

[۱] س، ک: خزین [۲] ک: اصول ایله [۳] ک: قوی ایز [۴] س، ک: آخت [۵] س، ک: فرجیق [۶] ک: بوصر [۷] ک: اپول [۸] س: چاسار [۹] س، ک: انپره طور [۱۰] س، ک: هرپو [۱۱] س، ک: پلوده [۱۲] س، ک: دور برپاره [۱۳] ک: مغشوش [۱۰] بوراده ایکی سطر آچیق وار

ملت مسیحی‌دین چکنوب انجیل کتابی اوقورلر اما لسانلری باشق‌در انشالله محلنده
 آنرکده لسانلری تحریر اولنور لکن لوطریان مذهبنده ر الای مجوسی قوم‌درلر
 اما نمسه بدرستی ملت مسیحیدن اولوب انجیلیدر و مذهبلی پاپشته مذهبنده یعنی
 اریم پاپا مذهبنده‌درلر لکن لسانلری پاپانک اسپانیه [۱] لسانی کبی دکلدن نمسه
 لسانی غایت آغردیلدر اکثریا نیجه الفاظلری فارسی بلونمشدر زیرا بونلر دخی
 دیارعمجمن منوچهر اولادلریله ککشلردر لکن بالاده تحریر اولندغی اوزره حضرت
 داود علیه‌السلام ارغنون سازی چلوب زبور آتی اوقودوغیچون داود نبی‌به نازل
 اولان صحفلری لسان نمسه ترجمه ایدوب ارغنون ایله زبور آتی اوقورلر (هذا
 آیت کتاب زبور بلسان نمسه کافور) • فین صون دربارس آن داش کبت [۲]
 چودر [۳] علی‌الرهبلیکستن اونت سلکستن [۴] بوکنت [۵] فراوماربه [۶] هلف
 آوفدن قبوجینان [۷] برقوبا [۸] صوصون، و تحریر اولنانلر جمله حضرت عیسی
 علیه‌السلامک و مریم انا [۹] علیهانک مدحیدر حتی جمیع رهبانلر خاجلی سنجاغ
 و بیراغ و ارغنونلرله کنیسه‌دن کنیسه‌یه کیدرکن بو مدح عیسی صوت اعلا ایله
 اوقویوب یوللردن گذر ایدرلر اما بر طرز عجیب و غریب ایله بو مدحی رهاوی
 مقامنده اوقودقلرنده استماع ایدن آدم مبهوت اولور (هذا دعاء حضرت عیسی آیت
 کتاب زبور یعنی ترجمه کتاب نمسه) • دالرفورتر فلیخته غلو ورد باسته [۱۰] عالی
 الرهبلیکسته عاله چیت اون بفلکسته [۱۱] بوکنت [۱۲] فراوماریه آن ماره اون
 سرس هرس یزو قرستی [۱۳] این رنگن در دولت اونت هرسر ان علی‌الر قرا
 آتورن [۱۴] ملکه‌دوینیه‌مانت [۱۵] ورتست [۱۶] نیه‌مانت ورتست [۱۷] نیه‌مانت
 ورتخت اوج [۱۸] نیه‌مانت ورجودرمت ای نین [۱۹] ارت نیرسقتند [۲۰] اونت
 بوس قرتکن قوت ماریه فراو، بو الفاظ دزربار زبوری قچان ارغنون ایله

[۱] ك: اسپانیه [۲] ك: تكس کبت [۳] ك: چودر [۴] س، ك: سلکستن [۵] ك،
 ط: بوکنت. س: بوکنت [۶] س، ك، ط: ماریه [۷] س، ك: قبوجینان [۸] ك: برقوبا
 [۹] ك: علیها‌السلامك [۱۰] س، ك: یاسته [۱۱] س، ك: بفلکسته [۱۲] ك، ط: بوکنت
 [۱۳] ك: قرستی [۱۴] ك: آتوران [۱۵] ك: دمانت [۱۶] ك: وارلت [۱۷] ك:
 وارلت [۱۸] س، ك، ط: آوخ [۱۹] س، ك، ط: رای نین [۲۰] س، ك: شقتند

نهرنده سوء تدبير ايله بوغولدغمز يازوب صو ايچندن قرشو سلامتہ چيقوب خلاص اولمدينلری قورشومله اوردقلن اويله يازمشلرکم تحريروالماز حقا که جمیع تواریخ نرنده جمله بوزماق و بوزولمالرین ماقوع اوزره صحتی ايله تحريرو ايدرلر حتی بنه بوديوارده قرالک قد و قامتيله اشکال قبيحه شترليله بر قرال تصويری ايتمشلردر کورن آنی ذی روح ظن ايدر بو تصويری استاد نقاش ماقوعی اوزره تحريرو ايتدیکيچون قرال بو آدمی نقاش باشی ايدوب برر قراليجقه غروش علوفه تعين اتمشدر [۱] ...

درفصل لسان نمسه قديم

بعضيلر نمچه درلر بعضيلر انکوردر زير اولايت انکروس و ولايت المان و ولايت ... درلر اسکی بلاد نصکرالدر کم [۲] دولتمز ايکي بيک آتپوز يلق اسکی دولت در ديو تقاخر کسب ايدرلر حقا که آل عثمان ايله و مسقووه قراليله دنکادنکک ادعاسين ايدر بر قالن دولتدر يدی قرال الی آتنده اولوب بر قرال مرد اولدقده بونمچه چاسارينک انپره طوريله [۳] بلوشوب آندن مأذون اولوب يدی قرالک بريسی تخمه کچر اولادونقار قيز قرالی و دانمارقه قرالی و فلمنک قرالی و چه قرالی و له قرالی و ... قرالی و ... قرالی جمله نمچه چاساری انپره طورينه تابعلردر حين معرکه ده هر قرال يوزر بيک عسکرايله چاسارک امدادينه کلور اماينه بويله ايکن بحر محيط کنارنده يکی دنيايه قرشو اسفاج قرالی نمچه چاسارينک يدی کره يوز بيک عسکريله اولدريخی قوپاروب جهانی قرالک باشنه دار اتمشدر زيرا اسفاج قرالی همان اون ايکي کره يوز بيک کوچر اولی تارتار عسکرينه مالکدر سائر کفره لشکرينک حد و حصرن خدا بلور يوزيکرمی يدی يلدر نمسه چاساريله علی الاتصال جنکی واردر حتی نمچه چاسارندن قریب المهده يدی پاره قلعه سن آلمشدر کم هربری سبعة اقلیمه معادل قلاع متينه لر ایدی ديونمچلر [۴] فرياد ايدرلردی حتی بز ترک ايله بو صایحی اسفاج در ديدن ائدک يوخسه رابه جنکند نصکره بز ترک ايله باريشر ميدق درلردی اما اسفاج قرالی

[۱] ك : اتمشدر ديديلر [۲] ك : اسکی بلاد نصکارالدر کم . [س] نسخهي نقطه ستر ايتده بوکا بکزه بور (م) [۳] ك : بونمسه چاساری اولان انپره طوريله [۴] ك : نمسه لر . بن : نمسه لر

ورر خيصة الاسعار بردار دياردر ديار بولايتلرده [۱] مانندی يوقدر زرا جميع داغ و باغ و راغ و يقين و اراغ لری جمله نباتات کونا کون حاصل اولور برکله سی [۲] اللی کيله محصول ویرر اما خلقي زراعت ايديجي دکلدرد جمله چرچی و بونجوقچی و بچاقچی و قیوچی در و چونغی بيقید تمبلان خره سان کبی اللری الديوان دن جقمیوب عیش و عشرته مشغوللر اولدقلرندن ولایتلری اکثری زمانده قلت اوزره در زیراً دائماً شهری آدم دریا سیدر جميع زمانده بوغداي و آریاسی مجارستان و طوطلقستان ولایتلرندن کلوب شهرلری سهل غنیمت اولور

(درستی نعمت عظمای ما کولات) ... [۰]

(در وصف صنع خدای کزیده مشمرات) ...

(در بیان حیات جان پرور انواع مشروبات) ...

(در حق مسیره کاه ارباب حاجات) ...

(در نظر کاه عدد باغ ارم ذات) ...

(در وصف تمة شهرانکیز کلیات قلعه بیج) اولا قرالک سرایی قربنده تماشاشا صوغاغی درلر یولک ایکی طرفنده کی دیوار اویله مجلادر کم کویا ختانی کاغد کی مصیقلدر بو یولک ایکی جانبی یوزر آرشن مجلا دیواردر و اون آرشن عالیدر بودیوارده جميع بجده و پراقده و غیری شهرلرده هر نه قدر استاد کامل نقاشلر و ارایسه کلوب سحر اعجاز مرتبه سی خورده تصویرلر یازمشلر کم کورنلر انکشت بردهن ایدرلر بو یولک صاغ طرفنده کندولرینک سنه ۱۰۷۳ تاریخنده استرغون جنکننده آل عثمانک قلیجبله اوتوزیدی بیک کافرک قردلیغن ماقعی اوزره اویله تحریر آتمشکم دللر ایله تعمیر و توصیف اولتماز حتی صدراعظم کورولی زاده اوطاغی اوکنده جلالدر کافری قروب کلهری و لاشه لری داغلر کی یغلمش تصویرلر آتمشکم غیری استاد رسام قلمن چکمه عاجزلدر اما یولک صول دیوارنده بزم رابه نهری جنکننده نه افراط و نه تفريط اوزره ابتدا کندولرینک میدان شجاعتمده عثمانلی قلیجندن قردقلرن بعده بزم رابه

[۱] دوغریسی (دیگر بولايتلرده) اولمیدر (م) [۲] ک : بودیوارده اکیلن برکله

[۰] شو و دیگر دورت سر لوحه نك هر بریسندن صورکه بر سطر دها آجیق واردرد.

قدر کوچوک امجکلری وار اما ینه اولادرین زیاده سیله سود ایله بسلرلر و جمیع قزلری باشی
 آچیق سیاہ کیسولری تارومار اولماسون ایچون کیسوی مشکبارلری اوزره هر دخت
 پاکیزه اختلر مالکله لکنه کوره صاچلری اوزره انجو ایله یا خود مونجوق المان ایله
 برکونه مصنع اورولمش حلقه لری صاچلرینک اوزرنده آلتندن قولقلرن احاطه ایدر
 جواهرلی حلقه لدر اما بو قزئرک عورتلر کی سینهلری کشاده دکدر اوزرلرینه
 روقله چکمان کیمبوب همان ساده زردوز کونا کون فصدان کیرلر و آب وهو آسنک
 لطافتندن جمله نسوانلری صاحب جمال ولطف الاعتدال خوب منظر و پری پیکر
 حددن افزون و عدددن بیرون شمس تابان مثال حسن و جمال و پرکال صاحب لری
 قزلر وار کم هر جنبش و حرکاتلری و رفتار و کفتارلری آدمی حیران ایدر و هر بدخت
 ناشکفته اخترک چیم چیم و خم بنخم اولمش کیسولرینک هرتاری شب تاردر و خال لرینک
 هر دانه سی خال هاشمی وار بیک کز رشک مشک تاتار دکر تا بومثال قزلری وار
 (اماغرایب و محایب) بودیارده برعجب تماشا کوردم چقان بولده برعورت کیدرکن
 قرال اول عورته راست کلسه اکر آت ایله ایسه [۱] قرال آت باشن چکوب
 آندن عورت کچر واکر چاسار پیاده ایسه ینه قرال برعورته راست کلسه ال
 قاوشروب دورر عورت قرالی سلاملیوب قرال دخی باشندن شاقه سن چیقاروب
 عورته تعظیم ایدوب عورت کذر اندکدن صکره قرال کچر غریب تماشادر بودیارده
 وغیری کافرستانده سوز عورتک اولوب مریم انا عشقنه عورته تعظیم و تکریم ایدرلر

(در فصل اسماء زنانہ اهل عصیان) ...

(در تعریف انهار آب حیوان) ...

(در وصف چاه ماء خاندان) ...

(در قول کهنه اقالیم عرض بلدان) ...

(در قول منجمان طالع عمارستان) ... [۲]

(در مدح حبوبات نباتات سبز و اوت محصولات) بو شهرک زمینی برواسعه الاقطار

[۱] ک : آت اوزره ایسه

[۲] بر سطر دها آچیق واردر .

اولوب سيم تن بر آلاي انان محبوبلري وار كم غايت بياض قلرندن چوغني اصفر اللوندرلر
 اما بر ملعتلري وار كم تعبير اول نماز كره قباحتر امامر كذشتمز اولما غيله سهل سهل
 تحريرايدهم اما مستمع اولان احباب عفو ايدلر بر كون باش قومسار اوغلي ميكال
 نام غلامي لعل كون تبكائي [۱] يناقلر و كراز كبي آل دودا قزلبه كورنجه خطاء طمع
 خامه دوشوب وقت سحرده لعل كون يناغندن بوس ايتدكده حقيرك دوداغنه بر نمكين
 عرق كلوب عرق آلود اولمش ظن ايتدم صوكره كوردم بو نجه آفتاب مغ بجه
 كندو سدكيله يوزن و كوزن بيقار بلدمكه بو غلامي بوس ايتدكده بليريمه نمكين لذتي
 كلن سدك ايمش غيري محبوب و محبوبه لردن آلفته و آشفتهك سبيله بوس اتمدن
 فراغت اتمد آنكي چون بوديار كفره لري و محبوبلري صاري به مائل بياض سي
 چهره زردلري واردر اما سدكله يوزلرن بيقاد قلرندن غايت وجودلري نرم و رام
 اولورلر بر زمان داخي نمسه چاسارينك بش آلتبوز عدد ممتاز و مستثنا نجه آفتاب
 مه تاب مثالي موغ زاد بجه محبوب بي حجاب جوان المان بي ايمانلر ايله اكلنوب تسلي
 خاطر بولوردق (در بيان قيافت قبای نسوان) بولردخي مردانه لري كبي اوزر لرينه
 سياه و كونا كون چوقه دن يكسز نكنده لي روقله كيرلر اما ايجلرينه ديبا و شيب
 وزرباف و كونا كون افشه فاخره زردوز و چرقاب فصدان كيرلر اما سائر كافرستان
 قزيرلينك فصدانلري كبي دراجق و قصير دكلدر جمله اتكلري يره بر آرشين
 سورونوب مولوي درويش لرينك اتكلك فصدانلري كبي بولدر و اصلا دون كيمزلر
 جمله الوان قبادي پای پوش كيرلر اما اكثر يا قوشاقلزي جواهر و مصنعدر [۲]
 لكن باكره شكلي اولان قزلردن ماعدا كاليم اولان عورتلر ك جمله سينه لري
 عرياندر كيم بياض قار كبي براق سينه لري وار لكن مذكور فصدانلريني مجار و افلاق
 و بوغدان عورتلري كبي قوشانميوب بللرنده بر قلبور چبري كبي قالن قوشاقلري جمله
 بو عورتلري قانبور كوستروب بد قياقلردرو باشلرنده بياض دولبندن اورمه خيال پسند
 چتمه اورمه نقشي تقيه لراوزره جمله جواهر و انجولي و استفانلي [۳] عرقيه كيرلر اما حكمت
 خدا بوديار زنانه لرينك مه لري روم نسواني امجكلري كبي طلوم قدر مه لي دكلدر جمله تورونج

(۱) ط : تبكائي [۲] س ، ك ، ط : مرصعدر [۳] س ، ك : انجولي استفانلي

اتمدك [۱] ديديكمده جمله كافرلىسى سى ديوب خاموش باش اولديلر بعده بزم الحى پاشا قرال وزيرييه بوكونه معارضه لرم استماع ايدوب صناسندن حضورينه دعوت ايدوب حقيره آلتمش اوچ آلتون احسان ايتدى وبوكونه معارضه لريمز قرال استماع ايدوب الحى پاشا افندمرك اذيله هر بار قرال حقيرى حضورينه دعوت ايدوب حقير دخى برتخت كهربا اوزره اوطوروب قرال مصاحبى اولور شكلى اولوب نجه زمان قرال ايله حسن الفت اتدك بركون اثنای كلامده او يوار قلعه سى فتحى مناسبتيله قومران آلتنده اسير اولان سىنى نام غلامك زچشوان نام قپودانك اسيرلكندن خلاص اولماسن رجا اتديكمده اول آن قرال برپانظه يازدروب غلامك بهاسيچون قپودانه بركيسه غروش كندروب كتدى بش كوندنصكره كيدن آدم كلوب غلام مرحومك بر آتى وقلجى واسبابلى وجمه سلاح پوصاطيله و غلام مرحوم بركون اول مرحوم اولدوغندن ارتسى كون قيرن آچوب صاع الك چتال صرچه پارماغن وصول آياغلك ينه چتال صرچه پارماغن كسوب طوزايچنه بر قطويه قيوب بركيسه غروشيدنه قرال حضورينه كتروب حقير مرحوم غلامك پرماقيرن و آتى وجمه اسبابلر كوردكده بر بكا عارض اولنجه قرال كرم كارلق ايدوب اول بركيسه غلامك بهاسن حقيره احسان ايتدى اما داغ پاره سى كى بر شجيع ويرار غلامدن آريلوب جهان باشمه دار اولوب يدى قرال كافرستانه كتمك آرزولرى خاطره خطور ايدوب ينه بچ ايچره سير و تماشايه مشغول اولدم (دربيان خوب هواى جاودانى) اولقدر [۲] لطيف دركم باد نسيم و سحر يلى بو شهرده اسوب جميع خلقى تندرستلدر رجال مقوله لرى كمال مرتبه رياضت و پرهيز ايله كچندكلرندن كچه ضعیفدرلر اما غایت تندرستلدر و غایت مسن و معمر اولورلر اما حمله كفره سى سياه رقله و فرنگ پاپوچى باشلرنده كوناكون شاپقه اوزره دوه قوشى و عاب [۳] تللى طقرلر اما (دربيان رنگ روى پير و جوانان محبوبان) هواسنك لطافتندن جمله خلقى كافورى بياضدر و تناسب اعضالى غاية الغايه قولاق شاحمه سى [۴] كى يوشاق

[۱] ك : ايتمش ايدك [۲] ك : بچ هواسى اولقدر [۳] بوكله (ك) نسخه سندن بو قدر

(م) [۴] ك : شحمه سى

کلن اسیرلردن ایدی. وایکی عدد طوب شاهی و بوقدر قلیج و غداره [۱] و تیرکش و قلفان و زره و زره کلاه و بوقدر ایری کومش اشچی بچاقلرن جمله عربله زین ایدوب بر آلائی مصیبت ایله و بوقدر مال غنایمله عسکر اسلامه رغماً فرحشاد اولوب غرالتک عبور اتدیلر. ارتسی کون حقیر پاشانک بر خدمتیه باش وزیر اولان رودول فوشه وارد قده کوردکمی اولیا چلی سزک رابه جنکنده بوزولوب کسین باشلری دینجه همان حقیر ایتدم اول جنک واقعاتی رابده اولالی اوچ آیدر اولقدر زماندنبرو اول باشلری و سزک مردلرک ناطرات باشلرن صاحبلرن دخی طراش ایدوب بریره قویوب اوچ آیدن برو بزم بجه کله مزه باقوب بکونکی کون کورسنلر دیو الای ایله کتردیلر [۲] عیسی نبی و مریم انانی سورسکز دوغرو سویلک رابه جنکنده سز بزیمی قردیکز یوخسه بزسزی درجنک اول یدی رده قردق و نعمت اوپوار آلتنه داق سزی قیره قیره بوقدر کله و بوقدر مال غنایم آلوب اوردومیزه کله دکمی صکره اسمعیل پاشا و صالح پاشانک سوء تدبیریه کرو دونوب الله امریه رابه صوینده غرق اولدق زیرا بزم سلطان سلیمانمز بورابه صوین اوتیه کچن اوغوللرم و وزیر و عسکرلرم و کافردن دخی رابه نهرن بزم حدوده کچنلر انلرده بوزولوب غرق اولسون دیوبد دعا اتمشدی بز سلیمان خانک وصیتن طوتما یوب بلایه اوغرا یوب صویه غرق اولدق یوخسه سزک قلیجکز ایله قرلما دق اکر بزى قردیکز ایسه حضرت عیسی ایچون دوغروسوبله دیدم آنلرده انصاف ایدوب یوق سیزی الله غرق ایدوب صکره لشلریکزی صودن چیقاروب و میدانده قردیغمز باشلرله جمله بریره قیوب شمدی کتردک دیدکده حقیر ایتدم اما بز اول میدان شجاعت جنکنده سزدن یکریمی بیک خرستیان کوز کوره قلیجدن کچروب اصلا آلائی اتمدک اما سز فضول خرستیانلر سز قریلریکیزه طرفه ایچون سهل شیء بهانه ایدوب آلائی ایدرسز اکر اسلامبولده سزک الحیکز دخی کرچکدن استرغون صحرا سنده بزم قلیج سزدن قریلنلرک کله لریله ویدی قنده و ترس خانه زنداننده اسیر اولان قبودانلریکیزه الحیکیزه بر آلائی عظیم اتسنلر کم صحرای استرغونده یکریمی سکز بیک کله وزیر اعظم او طاعنی اوکنه دو کیلوب هیچ کله آلائی

(۲) ک : قداره (۳) س ، ک ، ط : کتوردیکز

وتلکی وچقال وقورد ویر و پارس و ارسلاان وقپلان کبی نعره اوررلر و آت صہیلی اوروب کشنه دکلری زمان کخیلان آت کشنر ظن ایدرسن و اشک کبی سگاہ مقامنده آکر دقلری زمان کویا دجالک اشکی آکرر والحاصل قنقی بر شیطنتلرن بیان ایدلم اما ولایتلرنده دوه اولماق ایله دوه کبی اسروب آزوانا اورماغی بیلمیوب پاشانک آلائی چاوشنه برطوب چوقه و برطوب قماش ویروب دوه کبی اسروب کورلمکی تحصیل ایتدیلر الحاصل مستعد کفره لردر پاشادن بوز آلتون بونلر احسان آلوب بعدہ بیوک طعام کلوب تناول اونوب بعدالطعام قرال وزیر ی پاشایه بش کیسه طالر غروش و یکریمی نفر امت محمد اسیری وروب راہہ جنکنده اسیر اولنلردر دیدی و برحنطو عربہ یوکی المان قلیچی وتفنکاری و برحنطو عربہ یوکی اطلاس وچوقه وروب ینه قناغمزه کلرکن بول اوزره بر جمعیت کبرایه راست کلدک (دریان آلائی منحوس واوایادا [۱]) مکر بو آلائی اون بیک قدر کفار ایله اوچ آی اول رابده جنک اندیکمز یردن کلوب نہر رابده غرق اولان شہدلریمزک مال ومنال و متاعلرن جزئی وکل ی نہر رابدن چیقروب جملہ شہدلریمزک نعشہ لرن صودن کفارلر چیقاروب سرلرن تلرندن جدا ایدوب طوزلیوب اوچ آی کامل حفظ ایدوب بز نیجه بجه واردقده بوضیافت کوننه مصادف دوشروب الچی پاشا کورسن دیو آلائی ایله کلرکن همان الچی پاشا بوکاردن خبردار اولوب جرید اوینار شکلنده مہترخانہ سن دو کورک بر طرفہ چیقوب کتدکده بو حقیر غلامرملہ سیرو تماشاہیہ قالدیم ابتدا اوچ بیک آلتش قدر آت و اوچیوز عربہ توفنک و اوچیوز عربہ داغردہ براقدیغمز طوب کلہلری وغیری جہ خانہ مقولہ لری ہر برندہ قرقر واللشسر قرغی و قنطار صرق مزراقلر ویدی عدد میر میرانلرک مہترخانہ داووللری ویدی بیک آلتش عدد کلہلری بر کفرہ لرک اللرنده کی مزراقلر اوزره آرایش نیزہ ایدوب کچدیلر وایکی بیک قدر یشیل و صاری وقرمزی بیراقلری صرقلر اوزره کفرہ لر اللربنہ آلوب جملہ سنجاق و بیراقلر باش آشنی ایدوب کذر اندیلر اما اسیرلری پنہان ایدوب میدانده یوق ایدی مکر ضیافتدہ قرال وزیرینک وردیکی اسیرلر بو

اتمشدر آنلر باشی اوزره سکه سکه وصچرايه صچرايه قورو طوپراقده دپسی اوزره کزدرلردی وبربرلرن باش آشنی وباش یوقرو قوجاقلیوب ایکی اللری اوزره رقص وسماع ایدوب یوزولدقده اوبری قوجاغنده ایکن بودخی برینک برقولی وبرینک برآیغی اوزره اصول آهنگ ایله سماع ایدرلردی ونجه مسخره کفره لکویا کندی وجودلرندن چیقوب نسخ [۱] اولوب اللری وایاقلری آردینه دونوب یوزی ایلروده ایاقلری کزوده سکردرک کیدر وکیسنگ اللری وایاقلری باغلی ایکن قرنی اوستنه سکه سکه کیدر ونجه سی باش اوزره سکوب سماع ایدر وشا کردلری ایاقلرن بربرلرینه کچروب ایکیشر اللری اوزره کویا ایکی باشلی ودورت ایاقلی دریا مخلوق کبی میدانده اولقدر لعبه بازلقار کوستردیلرکم جمله من عقل دائره سندن چیقوب واله وحیران قالدق وبونلرده برکونا معرفت وارکم بر قومدن استماع اتمدم اولا بونلرک اونی اون بشی بریره کلوب برکوپک خرافخراسی جنکی ایدرلرکم کمی صمصون کی کمی تازی وکی فنوزغرکبی چک چک وک وک اوروب فریاد اندکارنده آدم کولمدن تمام اولور وبربرلریله خزیلوب دلشوب [۲] جنک ایدوب کویا دالشرکن بری مجروح اولوب آجیسندن سزلقلری زمان کویا لسان حال ایله وای آیغم دیور یاد اندکده آدمک عقلی کیدر وکلب کبی چفتلشوب کویا قصیله قلوب برکلب صریح دخی کلوب یاباشندن یاینه محل نخصدن [۳] کرلیوب جماع ایده میوب دلن چیقروب سرسری کزدکده آدم کولمدن دمبسته اولور ونجه سی بریره کلوب کویا صاحبن یترمش کلبلر کی اولودوقلرنده آدمی دهشت آلوب تویلری قالفار وکدیله کبی جنک ایدوب دوکشوب بفقوشوب ماولیوب پخ قیسخ دیوب کدی اوضاعلری اندکده آدم مسرور اولور حاصل کلام جناب باری روی ارضده هر نقدر بیک کونه مخلق خلق ایتمش سه جمله سنن اصوانه کوره فریاد ایدوب و اوضاع و اطوارلرینه کوره حرکت ایتمک بونجه ولدز نالرینه مخصوصدر غیرى اقوامده بویله کورماشم اما همان هر مخلوق صداسنگ طبق کی اوررلر خصوصا خروس وقاز وطاووق واوردک وجیلان وطاووس وقازغه ولیلک وبلبل وقره طاوق و صاری آصا قوشلری کبی اوتدکده همان طبیقدر

[۱] ک : مسخ [۲] ک : دولاشوب [۳] : نخصه دن

بو حوان اغاج طوبی علی الغفله بر قلعہ قپوسنه قریب قیوب آتش ایدنجه کرده کی
 فالیه دن طرفه اولان خزینه نك بارودی آتش آلوب عربه جام سرن درکار ایله طوبی
 قلعہ قپوسنه یا خود خندق کنارینه کتوروب بو کره ایچرده بر بارود خزینه سی دخی
 وار طوب کله سیله صقینمشدن همان اول دخی آتش آلوب نه قلعہ دیوارن قور
 ونه در و دروازه قور قپویی البتده قلع ایدوب ایچرو دشمن کروب یانق قلعه سن و پاپانک
 قلعه سن بویه اغاج حوان طوب ایله آتمشدنر اما بر کره آتله غیره آتماز لکن او بر نوع
 اغاج طوب اونر اون بشر کره آتلوب بو حوان طوب قدر عمل کثیره سی یوقدر
 اردل ولایتنده سین [۱] قلعه سنده و حسوار قلعه سنده اغاج طوب لر کورمشم اما
 بو یج قلعه سنده کی کبی مصنع طوب لر کوردم آندن ارتسی کون قرال وزیر
 الچی پاشایه ضیافت عظیمه یج صوی کینارنده بر کل کاستان و باغ و بوستان ایچره
 بر ضیافت عظاما آتمشدنر کم وقت سحرده تحت القهوه بیک طبق فغفوری چناق و کاسه
 مزوق ایله جمله سکری املج و کبات و خمیره لر و کونا کونه رچلر و ممسک بهارلی
 مقویات معاینه کلدیکم تعبیر اولتماز بعد الفطور همان یتیم کونه سازنده لر و مطربانلر
 کلوب جمله رهاوی مقامنده فصللر ایدوب اولقدر طرب و عیش و نوش و ذوق و صفالر
 اولندیکم گویا حسین بیقره مجلسی ایدی اما جمیع سازنده لرک سازلری اصلا روم
 سازلرینک اشکالدرینه و صدالری صوتلرینه مشابهتی یوقدر و غایت محرق سوزناک
 خوش نوا اصواتلری وار و خواننده لری همچنان رهاوی مقامنده کونا کون
 پشرف [۲] اصوللریله ترنماتلی قوللر و زجللر و تصنیفاتلری اصوات حزینلر ایله
 او قودیلر اندن صکره (عجایب کار مقلدان و قشمران مضحکان) اولقدر مسخره
 ولد زنا کفره لری وار کم تعبیر اولتماز لکن جمیع تقالیدلری اسفاج وله وجه و مصقو
 و یهودی و مجار قومنک اوضاع اطوارلری و عورتلریله معامله و بیع و شرالرن لسانلری
 اوزره تقلید ایدرلر اما همان جمله قومک اسبابلرن کیوب و یوزلرینه نیجه یوز کونه
 صورتلر کیوب تقلید ایدوب تحقیق ایدرلر اما خارق عاده سحر مرتبه سنده شیلر
 اندیلر کم مقدور بشر دکدر مثلا بنی آدمی الله تعالی ایاق اوزره یورومک [۳] خلق

[۱] ط ، خ : سین [۲] س ، ک ، ط : پشرو [۳] ک : یورومک ایله

كردك (در بيان اشكال عبرت آثار مصنع آغاچ طوب) بوجه خانه ايجره داغلكي
 اغاچ طوپلر واركم هر برينه بر آدم صيغار و قرقر واليشر و بوزر و قيه طاش آثار
 اغاچ طوپلرڪ انواعي واركم حد و حصر لرن خدای بيچون بلر اما جمله سي قره اغاجدن
 و بلاصنطه و دش بوداق و چشير و صارما اغاجدن طوپلردر نجه بيكي حاضر و مهيا
 دوروب نجه بيكنك تختهلرنده رقم يازيلي تيمور چپرلر ايله هر طوب تخته لري يغن يغن
 دورر اما قد و قامت لري اولقدر اوزون دكلدر كويا صوواروللري تخته سي كو پرداخت
 اولنوب رقملي تختهلردر اما قائلنغی آدم بلي و انيلكده درك كبي صارپ دش بوداق
 آغاجلريدن حين محله بر مسافه بعديه دوردن و بشني بر عربه يه قوبوب في الحال
 ميدان معرکه ده تيمور چپرلرن كجروب يكرمي و او طوز كره آطر [۱] بعضي سي
 اون كره آتلوب آغزي و فاليه سي ينار آني براغوب برن دخي آتارلر نجه
 بيك عدد بو كونه آغاچ طوپلر وار (نوع ديكر اغاچ طوب مدفع) بونك
 هيت مجموعه عجيلوسي اويله انشا اولتشمكم ينه دش بوداق اغاجنك كو كسندن
 كويا حمام قورنه سندن عاليجه ياخود بوغداي ديكي كبي ياخود بو جيلرڪ [۲]
 آغزي آچق كوپلري كبي قالن تيمور چپرلر ايله قرق اللی ردن قوشاقلی آدم قدی
 قدردر و ايچنه آدم صغار قدر بو اغاچ طوپلرڪ فاليه لري آلتنده در او بر آغاچ
 طوپلر كبي فاليه سي اوستنده دكلدر و تيمور چپرلر ينك هر برنده ايكيشر اوچر عدد
 تيمور حلقه لري ايله هر طوپده يكرميشر او طوزر دو كره تيمور حلقه لر وار جمله چپرلر ده
 بيله دوكلش حلقه لردر [۳] اما بو طوپك او بر اغاچ طوپلر كبي عربه لري بو قدر همان
 بركلر [۴] قدر قره مشه كتوكلري . پليدندن قالن تخته قزاقلر اوزره دورر اول
 قزاقلرڪ دخي تيمور دن قوی حلقه قوللري وار ايكيشر تکرلر كلی عربه لر اوزره
 بو اغاچ حوان طوپلري اورغانلر ايله باغليوب آردی صره عربه يه ايچي بوش اويولش
 كمي سرنلرن قويروق كبي باغليوب مثلا هوايي فشنكار كبي بوسرنلر طوب آتلدقه
 اكري بوكري كتمكه قوماز ايچي بوش چام سرت [۵] دركلردن حين محله [۶]

[۱] ك : آتيلوز [۲] پ ، س ، ك ، خ : بو باجيلرڪ . ط : بو به جيلرڪ [۳] ك :
 حلقه لر وار [۴] س ، ك : كلم . ط : كار [۵] س ، ك ، ط : سرن [۶] س ، ك : محله

زانیه ایمش حاکم لری بو عورتی دو توب سیاست ایدوب کندولرینک ضبط وربطلرن پاشایه بیلدیرمک استرلر پاشا اصلا و قطعاً نظر اتمیوب مهترخانه فصلی ایدره ک عبور اندکده حقیر برقاج یاران ایله تماشاً اتمک قالدق چونکه بومیدان سیاستده داغله کبی اودون یغلوب نیجه یوز یردن آتشلر ایدوب آن ساعتده اودونلر یانوب آتش نمرود افلاکه پیوسته اولنجه همان اسلامبولده کی بیرام سالنجنی کبی سر آمد کمی درکلرندن مبنی سالنجک ایپلری رینه جمله زنجیر ایپلر ایدی همان بر آدم سالنجق درکلرینک باشنه چیقوب اوطوردی و فقیره عورتک اللری و ایاقلری بر یرده طور طوب باغلی سالنجق تختی دخی تیموردن آنک اوستنده عورت اوطوروب فریاد و فغانی آسمانه چیقوب امان آدم لر فاخته لکدن خبرم یوقدر دیو و اویلا ایدردی همان فرق اللی قدر زبانی صورت دیودست وزر دست جلاد بی امانلر بایاغی سالنجق صار کبی دورت یردن ایکیشر آدم قولانلرایله عورتی صالحه افلاکه چیقوب نیجه کره آتش نمرود علوی ایچنه برهوا عورت کروب چیقوب آخر عورت آتش ایچنه دوشجک مرتبه هندسه سنه عورت برهوا آچیغنه همان مقدما سالنجق باشنه چیقان کفره برکه سالنجک زنجیری ته تکینی قیوور نیجه عظمت خدا حقیره عورت سالنجق اقدن چیقوب قوش کبی هواده او چراق آتسک تا اورتاسنه دوشوب فقیره عورت فریاد ایدره ک چایر چایر و علو رعلو یارکن عظمت خدا مکرخی آدم صافی نفت و قطران یاغی کبی یاغلی اولوب کونا کون آتس پارلر عورتک وجودندن وزر وزر دیرک [۱] یانوب کول اولدی بو حقیر اولکون آتش نمرود منجلیقن کوروب تعجب اتم کرچه عرفده [۲] ایچ حصار اولان یرده نمرود لعینک حضرت ابراهیمی آتسه آتدوغی منجلیق میللرن تماشاً اتمشدم اما بونده عین الیقین و حق الیقین و علم الیقین حاصل ایدوب جمله معونت [۳] و مهماتیه منجلیق [۴] کوردم والسلام آندن ارتسی کون زوزا وزیرک اوغلیله غایت یقین دوست اولوب آنک سببیه بی قاعه سنک جمیع جبه خانه سی و مهمات ولواز ماتلری و طوپلرن سیر و تماشاً ایدرکن برجبه خانه عظیمه ایچنه آنوکه

[۱] ک : دیرک [۲] ک : عرفده [ظن ایدرم که (اورفده) اولمیدر (م)]

[۳] ک : مؤنت [۴] س ، ک : منجلیق

استاد لری بوا کیلن طوخوملرک اوستلرینه سپهسپه اشیوب علی ملاء الناس طرفه العین ایچره کونا کون قاوونلر وغیری اشیالر ستوب جمله حضار مجلسه قارپوز وقاوون وخیارلر اولشدروب هرکس تناول اندیلر واعلا لطیفلرندن یکریمی او طوز قدر قاوون وقارپوزلردن شله [۱] سبتلر ایله پاشا وقرال والدهسی اوکینه پهلو ان هدایا کتروب قرال والدهسی طوخوملی خیاردن ییوب پاشا برشی میوب پهلو انه پاشا او جیوز آلتون احسان ایدوب پهلو ان مسرور وخندان کیدوب دعائندی اماحقا که عجایب وغرایب استاد کامل ایمشکم بر ساعتده بو قدر کونه عرض معرفت لر آندی حقیر کندوبه سؤال اندم فرنکستانده اولوج آدمیسی اولوب مغرب زمینده قرطبه شهرنده وطنجه شهرنده وتلسان شهرنده شیخ عبدالحالقدن [۲] تحصیل معرفت ایدوب ملت مسیحیه دنم دیدی اما بو قرال والدهسی باغی بر باغ خیابان ارمدرکم بزم قناقلری بزم دن اول باغ مرامه وارنجه کامل اوچ بیک آدی مدرکم بوراهک یمین و یساری اوچ سایه سر چکمش درخت منته الرک سایه سنده اصلا آفتاب عالم تابک تاب وتوانی بو قدر وبودر خت لرک ایکی طرف لری یولدرکم هر درخت بالالر ترتیب اوزره دکمشدروب بوراهلرک طرفینی باغ صداق مثللی اعیان کبار کفره لرک روضه لری مدرکم هر بر باغ وسرای یوزر مصر خزینه سنه اولمز وبوباغلرک جمله سی صدرنج [۳] نقشی چرپی هندسه ایله دکمش اشجارات مثمرات کونا کونلر وارکم دللرایله تمبیر وتوصیف وتحریر اولنماز بو باغده دخی نیجه بوز کونه قصر تختانی وفوقانی وحوض وشادروانلر وارکم فواره لری طوانلره پرتاب ایدوب کونا کون مصنع چرخلری وشادروان صولریله جریان اتمده درلر بو قرال والدهسی باغی قربنده ینه چاسارک اجدادلرندن انتقال ایتمش قلعه مثال بر باغجه آصپوزوسی وارکم وصفندن بنی آدم عاجزدر اگر مدح اتسک مدحتنده لسان قاصردر آندن قرال اناسنک بمدالعصر ینه بر ضیافت عظیمن ییوب آندن ینه مهترخانه من فصلی ایدره ک لکرکن (در بیان تماشا کاه منجنیق آتش نمرد) بروا دیده بش اون بیک کفره و خجره لر جمع اولوب بر عورت محبوبه بر صالنجغه بندروب دورلر مکر پاشایه تماشا اترمک ایچون بو عورتی آتسه آتسه لر کرک ایمش مکر بو عورت

[۱] ک : سه : ط : شوبله [۲] ک : عبدالحالقدن [۳] ک : شطرنج

ارم کورینوب مقدا نمایان اولان کونا کون دیولر وغول بیابان واجنه وازدرهالردن نامونشان قالمیوب مذکور پرده نك وراسنده برالای روم خلقي وتكّه وحید وقونیه کلاهی آدملر ومصر وشام وعجم وهندوسند ومصقو وتانار واوزیک الحاصل خللاق عالم بوروی ارضده نقدر مخلوق بی آدم خلق اندیسه جمله سی اشکال واسبابلریله ظاهر اولوب باغ ارم ایچره کمی کزوب کمی هر درخت آلتنده اوطورب صحبت ایدرلردی اما بونلرک برنده نطق اولیوب بربرلریله تکلم ایتمزلردی هان هیولا کی بربرلرینه باقوب کززلردی اما سیاه زنیکی عرب وبربری قومی وتلسان وفس وسودان ومغاریه قومی وعربان فونجستان وآفتو ومای بونی وداحونی [۱] وقرمانیقه وبقه نسفی [۲] وفور قومی قره عربلریله حبش وهندی قومی غایت چوق ایدی (تماشای عظیمه زهی کمال معرفت) اولدرکم مذکور پرده نك آردندن بوذکر اولنان اقوام کثیریه نیجه بیک کونه نیجه آفتاب غلاملر نیجه کره یوزبیک صخون وکاسهلر وقصهلر وعلبلر ومجورلر وزبیدلر وکشکلر وآغاج تکنهلر ایچره غلاملر پرده آردندن اولقدر طعام کونا کونلر طشیوب مذکور حریرلرک اوکنه قیوب بونلر کوی کوی جمعیت ایدوب اولقدر طعام یدیلرکم تعمیر اولتاز وطعامک مشک وعمبر خام وزباد وکلاب وزعفران ودارچین رایحه سی دماغلری میزی عطر ایدوب بوی عطریاتندن نیجه آدملری میز صفا ایدوب طعامه قرارلری قالمیوب کرچکدن صمط محمدی طعامی کی طعاملری بیوب قالدیلر بعده پاشا بو طعام بین آدملری میزدن سؤال ایدوب نیجه طعام ایدی دیدکده واللهی سلطاتم بر مسک طعام یدک اما چکنیوب آغز میزدن ایچری کیردی اما الی الآن حالا بر لقمه سنی یمش کی آجز دیوزم آدملر جواب اندیلر بعده استاد کامل پهلوانینه میدان محبته کلوب برتوفنک آنجه جمله مخلوق خدایدکاری طعامک صخونلری وسنی وتپسی ومجورلری [۳] آلوب مذکور پرده آردینه گروه گروه کتدیلر بعده مقداینه میدان محبته سماع ایدوب وجودلری بربرینه یایشوب وحوض ایچنه دوشوب حوضدن اژدرها صفتنده حیقان غلاملرینه کسبت پهلوانیلریله میدان بزمه کلوب زمینی صولیوب قباق وقربوز وقاوون وخیار طوخوملری ا کوب

[۱] س، ک : داجو [۲] س، ک : بنه نسفی [۳] ک : مجورلری

اوزره آتش نمرودلری آغز نردنن پوسکروب نیجه یوز تماشاجیلر فریاد ایتدیلر
 (تماشای بنام) همان پهلو ان کامل بر کره ذکر ن الینه آلوب حوض ایجره اشینجه
 همان رکره حوضک صوبی دریا کبی حوش و خروشه کلوب تلاطم ایدره رک باغ
 ایچنه دریا یورومکه باشلیوب همان جمله تماشاجیلر اغاجلره جمعاغه باشلیوب کیمی
 آتیه بنوب فرار اتمکه باشلیوب حقیر کوردمکه غرق اولیور ز علم سیمیا در دیو وجود
 ورمم [۱] دده اما نمم قلمیوب قرالک ولده سیله پاشانک یانه واردم آنده دخی صو
 کلکه باشلیوب فرار اندکده بوظاهر اولان دریا دن اولقدر دریا مخلوقلری پیدا اولوب
 گوما کون شناور لیکار ایدوب بر برلن قوواراق و بر برلن یودوب بیرک عظیم تماشالر اندک
 (سیر عبرت های آخر) پهلو ان کامل و بحر ایجره قور و بوب باغچه نک بر گوشه سنه بر آغا جدن
 بر آغا جهر پرده کر و ب النده کی عصا یله برده یه بر کره چقو ک طشره دیو اور و ب همان بر کره
 و رای برده دن بر آ لای عظیم دیو کوما کونکم هر بریک اللرنده چنار پاره نبوطلری و قلقلان
 و حاربه و آلات سلا حلری ایله عبور ایتدیلر آندن بر کر و دخی غول بیابانلر کم هر بری
 بر عجبیه لقا آدم هیئتلی و میل قولاقلی و ارسلان نیجه لی و کیدی قیل طبانلی و کمی دوه یاقلی
 بونلر دخی اللرنده سلا حلیله بر برلن اور اراق و بر برلن قزراق بر طرفه دریا ایچندن
 کجوب کتدیلر آندن اجنه عسکری یور و دیکم نه کونه نمایان اولدقلرن بر بر تخریر
 انتم طول و دیزاز کلام اولور آنجا ق جمله سی مصر الجهلری اسباب کیوب اللرنده
 بر قامش و حصیر پاره لری اولوب کوزلری مدور کمی سیچان قولاقلی و کمی کدی
 قولاقلی و کمی آدم باشلی و قوش باشلی و بالق باشلی و آریسلان آیا قلی و الحاصل جناب
 الله بو ایدیم ار ضده نه قدر مخلوق خلق ایتدیه بو اجنه قومنده هر مخلوق عضوندن بر اشکال مقرر
 ایدی اما بدنلری جمله وجود انسان کبی و نیجه بیکنک باشی [۲] ینه انسان باشی کبی اولوب
 کوزلری انسان کبی آجیلوب قیامیوب یانه آجیلوب قیازمدور کوزلری وار و بور و نلرینک
 اورته درکاری یوق یوز کره یوز بیک گونه اشکال ایله کور و نمش قوم اجنه لر بر برلیله
 بوغیه شر اق و قو و شر اق و کوما کون مسخریات [۳] ایدره رک بونلر دخی بر طرفه عبور
 ایتدیلر آندن (عبرت های دیگر) حوض دن [۴] ظاهر اولان دریا قور و یوب کالاول باغ

[۱] ک : ورمیم [۲] س ، ک : باشلی [۳] ک : سخریات [۴] ک : اول حوض دن

ادناسنه برر غروش واللی عدد متفرقه لرہ و سرکارده اولنلرہ یرمشر غروش و یوز قدر قرہ قوللقجیلرہ یومیہ برر ربع غروش علوفہ تعیین دفتری فرالدن کلنجہ قرہ قوللوجیلر ناز واستقنا اندکارنده علی العموم خدامانلرہ برر ربع علوفہ دفتری دخی کلدی اما خنکار آتلیله کلنلرہ و خنکار مهترلرینه بهر یوم برر غروش دفتری کلدی وبعده فناقلریمزده ذوق وصفایہ مشغول اولدق امانتیجه کلام الچی باشلرہ جملداً الزم لوازمندن اولان بودیارده سخی وصاحب کرم و خلوق و حوصله لی اولوب عرض پادشاهی وغیرت دین مبینی کوزہ در آدم کرکدر العیاذبالله اگر الچی برخسیس ولیم ودنی و لجوج و فاسق و سفیه آدم اولورسه اصلا رغبت و عزت اتمیوب اصلا سوزینه عمل و اعتبار اتمیوب میمون کی اوینادرلر زیرا بودیارک کفاری اویله نقاش و فصال و ذمام و نمام و دخالدرلر کم بر آدمک روش جنبش حرکات و سکنا تندن نه ماهیت و کیفیتده اولدوغنی بلوب آکه کوره عمل ایدرلر

در بیان تماشا کاد عبرت های معرفت عظیمه لر

ارتسی کون تماشایه قرال والدهسی فناقلریمزه قریب کندو باغچه سنده بر ضیافت عظیمه ایدوب اولقدر سیر و تماشالر اندککم دیلر ایله تعبیر و توصیف اولنماز حتی برپهلوان کفره میدان محبتہ کلوب دف و قدوم چالرکن ایکی غلامی سماع ایدرکن بررلرینه عرباناً صاریلوب ایکی غلامک وجودلری بر اولوب باشی ایکی وقوللر دورت و آیاقلری دخی دورت اولوب برخیلی زمان دور اندرہ رک [۱] برحوض ایچنه دوشوب غائب اولوب بر زماندن صکره ایکی غلام آدم باشلی و کوده لری پول پول اژدرها کوده لی و دورد آیاقلی ایکی اژدرها باغچه ایچنده خلقی بررلرینه قنوب هر برینک آغزلرندن آتشلر درخت منہالرک تاذروہ اعلاسنده کی یاپراقلرن یقوب جمله شجره لرک برک و بارلری برک خزان کی آتشدن یرہ دوکلوب ایکی اژدرها میدان معرکده بررلریله اولقدر بعوشوب قووشوب اوبناشوب چفتلشدیلر ویلان کی بررلرینه صارماشدیلر و حوضه دوشوب حوضک صوبن جمیع خلقک اوستنه [۲] صاچدیلر وینه خلق

[۱] س ، ک ، ط : ایدرک [۲] س ، ک : اوستلرینه

ینوب جاسار یالکنز باشلی باشنه ییوب بعضی طعاملردن محبه پاشایه آلتون وجوامرلی طباقلر ایله طعاملر کوندروب بعدالطعام پاشایه برسمور کورک وادن کیسه وبرحنطو عربه هدایا واروب آندن قرال ایله پاشا ودالشوب ینه آلایمزله مهترخانه مزدو کرک قناغمزله کلدک الحاصل قرق یدی کره ضیاقلر ینوب پاشا بالغامابلغ هدایار آردی اغواتلره طعامدن غیری برشی یوق ایدی ارتسی کون پاشایه قرال وزیرندن بش کیسه غروش وبرحنطو عربه یوکی پراقونه چوقه واطلاس وقوماش وقرق چفت آلمان ساعتی ونجه تحف هدایار کترنلره پاشا دخی اوچیوز آلتون وهر کفره یه برر دستار وردی زبرا آنده دولبند غایت مقبولدر آندن پاشا کتخداسی قرالک آناسنه برجوللی آت وبرخالیچه حریر ومشک وعمبروبر کولچه کوسه دلبندوروب اول دخی کتخدایه بش کیسه واون توفنک واون عددساعت وروب پاشا کتخداسی کلوب قناغنده قرار ایدی آندن غیری اغواتلر قرالک کوندردیکی دفتری موجبجه جمله هدایالری هر آغلار وزرالره ووکلا وباش پاپاس وارشک وشاکلره والحاصل دیوانده خلعت کینلرک جمله سنه آتله وجزوی وکللی هدایالری بذل ایدوب آتله دخی هر وزرا واعیان دولت کفره لردن بالغامابلغ احسانلر آلوبسهل یوزلریمز کولدی حاصل کلام اکر علی الترتیب جمله وقایعاتلری وقوعی اوزره فراد فرادا اللی [۱] دفترکی تحریر ایلسک تعب عظیم اولوب کثرت کتابت اولور اما

دربیان تعینا [۲] پاشا واغوات عالیشان

پاشایه بهر یوم یوز یتشر غروش علوفه وریلردی تعین مصارفدن ماعدا وبشیوز آلتش آلتی نفر عسکره بش بیک عدد بیاض خاص اکمک وسکز یوز سکسن آت می ویکرمی قیون واللی وقیه یاغ واللی قیه بال واون کیله پرنج و آلتش چفت سموز طاووق و یوز چفت کوکرجن و سائر مأ کولات ومشروباتدن ماعدا جمیع لوازمات وسکر وقهوه ومسک وعمبر وپیر ودارچین وقرنفیل هرشی وقیه بالغامابلغ کلوب اللی عدد قپوجی باشیلره یومیه رر آلتون واللی عدد قپوجی باشیلرک

[۱] س ، ل ، ط : دبللی [۲] ک : تعینات

بوسرای ارمی ماوقعی اوزره تخریرایله سک تطویل کلام اولور ارتسی کون پاشا علی السحرینه الای ایله قرال وزیر اولان قوجه رودون فوشه بر جواهر اگرلی آت وبر چوللی بلیکندن [۱] کخیلان آت کتوروب وایکی سجاده وایکی کولجه دولبند هدایاوروب پاشا ایله برابرلک معامله سی اتدیلهر اما وزیر عاقل وکامل ومدبر ومبصر کافر ایش پاشا ایله امور دولت دنیا ایچون وایکی پادشاهک مابینلرن اصلاح ایچون وانتهاء سرحدده اولان قلاع متینه لک حفظ وحر استر ایچون برخیلی کلمات مشاوره لر اولوب آندن ایکسی پاشا ایله اوپشوب قوجشوب پاشا سلا لایوب کتدکده پاشانک یانی صیره وزیرخیلی طشره چیقوب کرو دونوب اندن پاشا ایله فناغمره کلوب سهل استراحتده ایکن

در بیان آلائی عسکر چاسار

اولکی کون الچی پاشایی [۲] اوطاقده ضیافته دعوت آتشدی بوکره قرال بدفعال الچی پاشایه اسباب احتشام ودارات وعظمتن کسترتمک ایچون برچاپور کفره سی کبی برعسکر بی حد وپایان ایله عبور ایتدیکم قره شاقه لی کفار جهانی دوتوب یتیش یرده ارغنون وترومپته وناقوس وبورولر وطبل جمشیدلر دوکولرک خاچلی پیکرلر ایله جنود جنب کفار پیاده و آتلی اولقدر عبور ایتدیلر کم حد وحصری یوق ایدی بعده وقت ظهرده قرال بر جواهرلی واون ایکی آتلی حنطو عربه ایله عبور ایدوب آردی صیره ایکی بیکنن متجاوز پنجه آفتاب موغ پچه غلمانلر ایله عبور ایدوب دخی واردده هان اول آن باش قومسار کلوب الچی پاشایی ضیافته دعوت اندکده هان پشای مدبر جمله آلائیله پرسلاح ساده مهترخانه فصلی ایده رک چاسارک باغنه واروب چاسار آباغه فالقوب یینه تختنه اوطوروب پاشا ایچون عثمانلی طرزی اوطاق یاننده براوطاق وبرچرکه قوروب یرلرنده اوطوروب طعام فراوان کلدی اما جمله بزم آشجیلر طعام کونا کون پشره شلردی ایکی ساعت کامل معدی کرب کبی طعاملر

[۱] س ، ط : بلیکندز . ک : بلیکندس [۲] ک : اولکی کون بالذات چاسارکندی

سراینده الچی پاشایی

قرالک کندویه مخصوص استوانیلر بدر ماعداسنه وزارلری وبانلری وهرسکری وشاك وارشاکلری اوطورر اما جلدأ غرونه اولان صفه اوزره قرق عدد تخت سیمین طاق برر تاکلر وارکم هررینه نظر ایدنهك دیدهلری خیره لئر لکن جلدأ حقیر کهربادن وقرمزی مرجاندن ویشم وبلغعی وعتیق یمنی وسیلان وپیروزه تختلردن حظ اتم و دخی قوش کیکیندن و بالق دشندن و سیاه آبنوس اوزره بیاض کومش قاقا آبنوس اسکمله و نجف و بللوردن و موران و زبرجد و سیلان و آلتون و کومش و روح توتیا و الحاصل انجو و زمرددن اسکمله لر وارکم هربری برر قرال یادکارلری و هربری برر استاد قدیم کارلری و هر دیارک قراللری هدایا کوندر و بویان کسرا تختلریله آراسته و روزنلر و دروازهلر ایله پیراسته اولمش واجب السیر سرای و الادر اما حقیر هرچن قرال حضورینه وارد قده ماتهتموز ایاملری اولماق ایله قرال بروح توتیادن مبنی برنخت رخت بخت اوزره اوطور و ب حقیر مذکور کهربا تخت اوزره پادشاهانه جلوس ایدردم و جمله سرایک در و دیوارلری نقوش بو قلمون خالیچه لر ایله مزیندر بودیوان خانهلرک و جمیع منحوس خانلرک زمینده خالیچه و کیملری و بوریا پاره لری دوشنمیوب جمله خالیچه لری دیوارلرده کریلیدر و زمینی اوبله خورده رخام طاش دوشه لیدر کم کویا فسون کار هندستاندر کم [۱] قوش کوزی قدر طاش ایله نقش بو قلمون عبرت نمون احجار ذی قیمت لرک ایچنده پیروزه و مرجان و سیلان و عتیق یمنی و بلغعی ویشم و بللور دوشنمش دیوان خانهلردر و جمله طوانی عود و صنوبر و سرروی و عرعر و پلاصننه و آردیج و یکی دنیا و سندیان و چشیر و جوز و چنار و گونلوك اغاچلرندن و غیرى خوش بو خشبلردن مبنی منقش عبرت نما طواندر اما مایینلرنده بالق کمکی و قوش کمکی و کهربادن بچلمش تخته طوانلر واردر اما آشنی قات دیوان خانهلری جمله کار کیر بنالی و طولوز کمرلی قبا بلر ایله انشا اولتمش دیوان خانه و حجره لر در و نیجه بیک پنجره لرنده اولان صنعتلری و نور قرورمش [۲] خورده خیال پسند جاملری بوسرایى منور آتمشدر ...

[۱] ك : کویا کار فسوس کار هندستاندر کم . س ، ط : کویا کار فسور کار هندستاندر کم

[۲] س ، ك : نور فر ویرهش [دوغروسی (نور وفر ویرهش) اولماید (م)]

اوستى اولماق ايله ايجرىسى نه ايدىكى معلوم دكادر انجاق مشالى ومقوالى قوقه كچه كلاه كچي تاق تاق اوترقاتيدر زمار قديمده بويله مصنع ومجوهر ومرصع دكل ايمش هر كان قرال ضال اعتبار ايدوب برر شى ياپدروب صافى جواهرله زين اولمشكم بيك مصر خزينه سى مال دكر واكه بها يتشمزده درلر همان حقا كه اون سكرز قرال اون سكرز عدد زنجير ايدوب دپه سنده بر جواهر حلقه يه زنجيرلى باغليوب تاجى بريره صلب ايمك ايچون بو سلسله لرى اتمشلهر اما بو زنجيرك هر برينه بها يتشمز ديرلر اما هر بار بو زنجيرلر ايله بو تاج دورمزمش زيرا زنجيرلك چنكاللرى كچمه در اسباب احتشام كونلرى وبويله برعالى قدر الچى كونلرى زنجيرلى قيوب تاجى يرينه قورلرمش بعده ينه پراق قلعه سنه كتوررلرمش اما بو تاج اون ايكي تر كدر هر تركى آردلرنده صيره صيره لعل و ياقوت و الماس و زمرد و انجوسى چوقدر و آغز ينيك كنار لرى دائراً مادار التى صيره فندق قدر دريتم بياض انجولر مايننده يشل دامله زمرد ذيلوب بياض ويشل تاجه اويله حسن ويرمشكم چشم انسان خير لئر بو كونه وبواشكالده بر تاج اسكندر در ...

در منظره سراى على بناى چاسار باوقار انپره طور

كرچه بالاده ديوان خانه لرى محليه سهل توصيف اولندى اما هر تقدر اوصافى تحرير اولنسه درياده قطره وكونشده ذره قدر مدح اولنجه زيرا ايكي بيك ييلدن برو هر كان ملوكلر بر كونه مصنع طرز طور آثار بنالر ايدده ذره قدر نقصانى يوق تعريف وتوصيفدن مبرا بر شدادى بناى نزهت آباد در كم بو اديم ارضك اقاليم سبعة سنده و ربع مسكوننده نظيرى يوقدر انجاق بر نقصانى اولدر كم قلعه ايچنده دار يرده واقع اولماغليه باغ ارم كل كلستانى يوقدر اما قات اندرقات جهان نما مقصوره لرى و متعدد نيجه يوز قاعه لرى و حجره لرى وار اما اصلا دوشمه سى يوقدر جانب اربعه سنده نيجه يوز كونه مصنع ومرصع ومجوهر اسكملهلر وار كم جناب بارى بودياده هر نه قدر موجودات خلق اندى ايسه جمله معادن واحجار واشجار اتدن وهر نوادر اشياردن بر كونه مرصع اسكملهلر واردر اما اوچيوز التمش عددى

قطنه ایله غرونه حاکی اولان پیرین پتره بصوب کندوی و اهل و عیالین قروب غرونه آلوب سو برون قلعه سنه قور بعده سلیمان خان سنه ۹۳۸ تاریخنده المان غزاسنه کیدرکن سو برون قلعه سن فتح ایدوب ینه تاج اسکندر غرونه آلوب خزینه پادشاهیده حزن اولنور بعده انکروس قرالنه سلیمان خان تاجی وروب اون ایکی بیسک قپو قولی یکیحیری دخی وروب زرین اوغلی مجارینک وجمیع خروادستانک قلاع و شهر و قصباتلرن خراب و بیاب ایدوب کفاردن سلیمان خان انتقام آلمر بعده سلیمان خان سکتوار قلعه سی آلتنده سنه ۹۷۴ تاریخنده مرحوم اولنجه الی هذا الآن تاج اسکندر نمسه چاسارلرینک النده قالدی اما فاتح بغداد مراد خان رابع چاسار الدن غرونه آلماق مراد اتدی اما فتح بغداددن صکره عمری وفا آیموب تاج اولیلجه بیرواج قالدی اما مقدا بوغرونه تاج دائما پوژون قلعه سنده دوروری سنه ۱۰۷۳ تاریخنده سلطان محمد خان رابع عصرنده سردار معظم کوپرولی زاده فاضل وزیر احمد پاشا او یوار قلعه سین فتح اندکده تاج دورن پوژون قلعه سی قلعه او یواره قریب و او یوار خاکنده اولماق ایله کفسار خوفلرندن تاجی بجدن آلتی قناق ایجری پراق قلعه سنه کتوروب شمعی بوالچی پاشا دیوانی غلبه سی اولنجه تاجی پراقدن کتروب کندی دیوان خانه سنده تختنک اوسقنده برکمرجک آلتنده اون سکز عدد جواهرلی آلتون زنجیرلر ایله آصیلی دورر شکلیدر اما ینه آشنی کناره لری کمرک دیواری اوزره دورور اما طشره دیوان خانه دن ایجری قرال یانه کلن آدم قرال تاجی کیمش ظن اولنور تا بومرتبه قرالک باشی اوزره دورر تاجدر

درقیافت اشکال تاج قرونه

وغرونه و تاج و مانلقه و ... دیرلر هرلسانده برکونه اسمی واردر حقیر دقله نیجه کره تماشا اتمم رومک بوغدای کیه سی قدر مدور سوری ادھی کلاهی کبی برشیدر الله اعلم کوندن و تلاتندن اوله زیرا صافی مرصع و جواهرندن [۱]

[۱] ک : جواهردن

اصلي چنانكم قرال برکسنه يه غضب آلود اولسه پادشاهلر عيسى کبي قوزو اولماق کيرکدر ديو قزويه بقوب جلال غضبي تسکين اولور ديو جواب ويردي

دروصف نتیجه اشکال قورونه تاج بي رواج اسکندر

جميع مورخان مجار ولاتين و قوم يونانين [۱] تحريرلری اوزره ابتدا بوتاج غورونه اسکندر کيرکدر اندن منو چهره اندن انوشروان دادايانه اندن کورجی آچق باشه انتقال ايدوب اندن منوچهر اولادلرندن يزدربان [۲] نام پهلووان بنام غورونه کورجی آچقندن [۳] آلوب باشی آچق قالدیغندن حالا آچق باش ديرلر و بعضی غروش سيکلرنده آچق باشلی قراللر واردلرک بوغورونه آنلرک اللرندن کيدن قراللردرکک محليله آنلر دخی تحرير اولنور اندن منوچهر اولادلرندن ننگبان يژدر اکره جانلرلرنده وطن طوتنوب تناسل بولراق لسان فارسی اوزره بونلره منچار قومی درلرکن غلط مشهور ايله منچاردن غلط مجار قومی ديرلر بو مجار قومنک النده تاج اسکندر نيجه يوز ييل طوروب آخرکار سليمان خان عصرنده سنه ۹۵۱ وشه غراد قلعه سين دست مجاردن آلوب کفار مجار بوتاج غورونه اسکندری بي بو قلعه ده اونودوب امان ايله قلعه دن چيقوب خلاص اولمشيکن صالحی بوزوب کفارينه قلعه يه غورونه آلماق ايچون عودت ايدوب قلعه يه جمله سی هجوم اتدکلرنده جمله کفار تيغ آتشنايدن بيتاب کچوب بو تاجی اهل اسلام بو دين خزينه سنده حفظ ايدوب سليمان خانه عرض ايدرلر بعده سليمان خان بودینی اردل قرالی اولان يانوش بانه احسان اتدکده کفارک تاج اسکندره اعتبارلری اولدوغندن يانوش قرال وقع و وقار صاحبی اولسن ايچون غورونه يانوش قراله سليمان خان احسان ايدوب يانوش قرال تاجی آيين کفره اوزره استولنی بلغرادده باشنه کيوب مستقل بودين قرالی وانکروس چاساری اولوب قورونه نك حفظنه شقلوش قلعه سی هر سکی پيرين پتور نام کفره غورونه ضبط اتمک حاکم اولوب بوغورونه کاه و شغراد قلعه سنه وکاه استرغونه وکاه شقلوش قلعه سنه کتوروب کترکن برکون پچوی قبودانی اولان نسوک [۴] نام لعين اون بيک آتلی

[۱] ک: يونان [۲] س، ک: يزدربان [۳] ک: آچيق باشدن. [۴] س، ک: ط: شيوک

اما اولقدر نجيب ورشيد و تيز فهم و مدرك و ذى عقلمدركم كويا عقل ارسطودر و جميع مشاوره و طور و سينلرده بيوك سوزندن عاقلانه مشاوره سوزى ايدهمه مشاوردر و رعايا پرور و برمدبر و هنرورا كفردر لىكن سوزينى داك داك سويلر بر بدقبا آوازليدر

دربيان قيافت لباس چاسار بدلقا

اولا باشنده سائر كفرلر كى سياه افلاطونيه شاپقهسى وار بعضى زمان ينه اول جرمده يشل و قمرزى و صارى و ماوى كچهدن كونا كونا شاپقه كيراما اوستنده جواهرلى سرغوج لباسلر واردر و شاپقه اطرافنده فندقدن ايرى بياض دريتم انجولر واردر و پوسكلرى جمله انجودر و بوغازنده بياض دولبند مقرمه صاريليدر و كوملكينك ايكي قارش يقاسى بر كونه چتمه اشلمه منقش يقهدر كم كويا سحر اعجازدر اما اوستنده اسبابى و روقلهسى دولمهسى جمله سياه پاپاسلر كيدكلرى صوفدر كم بش آخچه ايتيموب اون آخچه آرترانك اوستنده قار و قوشاغى پاپاس قوشاغى كى ايدن زناردر اما بوغازنده آصيلى الماسدن بر قوزو صورتى وار قرق قيراط كلر غرابت بونده كم استاحكاك بوالماسى قوزى صورتنه انى و اياغى و باشى و بوينوزلريله قيونجه نقدر بيوك الماسى اولماق كرك كم بو مرتبهده قيوب قوزو صورتى اوله حتى بو حقير چاسار حضورينه قرق اللى كونده نيجه يوز كره واروب غايت دقت ايله مذكور قوزوسنى تماشا ايدر دم حقا كه قرق اللى قيراط كلر الماس قزودر كم بوغازنده صالحنوب دورر اسباب احتشامى همان بودر غير شيشى يوقدر كويا همان برسياه روقلهلى پاپاسدر كم هر بار بويننده كى قوزو بى اليه آلوب نظر ايدوب ينه قوينونه قور بو حقير بو قوزو الماسى سؤال اتدكده باش پاپاس ايتديكم حضرت عيسى حضرت الهك ياننده قوزو صفتلى و قوزو كى خلق و يواش و قوزو كى ملر و انيس و مونس قوزو صفتلى اولدوغندن سيزك پادشاهلريكرك وزير مهرى نيجه پادشاهلريكزه دده لرندن قالمش ايسه بو قزو تصويرى الماس دخى ايكي بيك آلتىوز بيلدن برو چاسارلره دده لرندن انتقال ايدوب جهان پادشاهلرى بو اشكالده و بو قطعهده بويه الماسه مالك اولمامشدر ديديلر و هر بار قرال بو قزويه نظرايمه سنك

دکل و اولقدر قدید محض دخی دکل بر فدایی قد صفالسز غلامدر اما اولا باشی
 بامرالله مولوی کلاهی کبی یاخود بال قباخی کبی سوراحی کلهسی وار و آلی تخته
 کبی یصی وقاشلری قالین سیاه قاش اما مابینی غایت آچیق اولوب اوکو قوشلری
 کوزی کبی مدور آلاری کوزلی و کرپکلری اوزون سیاه کرپکلر ویوزی حاجی
 تلکی کبی اوزون چهره لی وقولاقلری اوغلانچقمر پاپوجی قدر بویوک قولاقلی و بورنی
 برقرق قدر قیرق یارم آقجه تختهسی کبی یاخود موره باطلجانی قدر بیوک قرمنی
 بورونلی و بورنسک دلکلرینه اوچ پارماق صغر واسع بورنی دلکلرینک ایچندن
 او طوز یاشنده یکیدک بیغنی قللری کبی بورنی دلکلرندن بیقلری چیقوب دوداغی
 بیغنه قرشمش قرش مورش اولمش سیاه فوص بیغی وارکم تا قولاقلرینه وارمش
 و دخی دوداقلری کویا شترابی کبی دوه دوداقلی واغزینیه برصومون صیغار و دیشلری
 کذلک ایری بیاض دوه دیشلری وار اما چنانکم سوزه کلهسه همان اغزنندن و دوه
 دوداقلرندن اغزینک صالیارلری غشیان ایدر کبی غلیان و جریان ایدرکن یاننده پنجه
 آفتاب غلمانلری آغزنندن آقان صالیارلرن برکونه حاوی دوقونمش قرمنی مقررملر
 ایله آغزینک صوین سیلمده درلر و کندوسی دایما طراق ایله کیسوی و مرغوله لرن
 طره مهده در والیرینک پارماقلری لئقه خیاری قدر وارد بر امرالله تعالی بوچاسارلرک
 حسب ونسب لری جمله بویله بدچهره لرایمش جمله کلیدلرنده و خانهلرنده و طالرغر و شلرنده
 قرالی بویله بدچهره یازارلر اکر محبوب چهره یازانلری بنی تزییف آتدک دیو قتل ایدرلر
 زیرا بدچهره اولدوغیچون ... [۱] آنکله تفاخر کسب ایدرلر اما چاسار ناچارک
 خداملری هر قدر محبوب و پنجه مهر درخشان ایسه قرال بدفعال ضال و اول کافر
 پچپ جار [۲] و نیران دار دوزخ قرار بد نام چاسار اینره طور اولقدر بد چهره
 ایکن ملت مسیحیه نک کزیده سیم دیو غره دولت نصارا ایکن اولقدر عیبه لقاو کریه
 الوجه چهره غول بیابان مثالدرکم بالبداهه بوقرالی بنی آدم وغیری حیواناتلر کورسه
 مسحور اولمش کبی قرالی کورنلر در در دتره یوب دمبسته و حیران قالرلر اول اجلدن
 قرالی حنطو عربله رایچره پنهان ایدوب دوران و سیران و باغ و کستان تفرجی ایدرلر

[۱] دیگر نسخه لده آچیق بو قدر و باقیله آچیق سز معنا دوز کوندر (م) [۲] س، ک: چار

صيحه مهيب اوروب اول محله روح تسليم اندوکی خبری کلوب ديا چولارن کتروب پاشا رينه برغیری آت کتروپ جمله عسکر اسلام بو آتک بويه اش اندیکنه عالم حیرته قالدیلر بعده آخور خلیفه لری واروب مرحوم آتی شهید چرکزک آتی اوکنده بر حفره قازوب آنده دفن اندیلر و جمله خلق بو آته انکشت بردهن اندیلر بعده چاسار اوکینه حنطو عربله ایجره اوطاغی کتروب جمله زر اندر زر [۱] و زر خالص ایله مطلا طوبلرن سیر و تماشاشا ایدوب قرال اولقدر حظ اندوکندن تیز بو ساعت بو اوطاغی کتروب بنم باغچه مده قورسونلر یارن الچی پاشا دوستمزه بو اوطاق ایجره ضیافت ایدرم صباح تشریف بیورک دیو پاشایی دعوت ایدوب پاشا نوله دیوب پاشا قرال ایله دخی نیجه کونه صلح و صلاحه متعلق کلماتر اندکن صکره نه طعام ونه خلعت فاخره بریسی احسان وانعام اولندان پاشا قرال دن مأذون اولوب چاسار باش آچوب پاشابه دطار ایلیوب تعظیم و تکریم ایله ینه آلائی ایدمک جمله قناغمزه کلوب پاشانک صاط محمدیسی طعامنه اوله دندان اوروب دفع اندک (دریان تماشای دیگر) چونکم قرالک فرمانیله اوطاغی قرال باغچه سنه جمیع کفار کتروب اوطاغی قورارکن بر ریح عظیم اسوب اوطاغک اون قنطار دره کی و بش قنطار اوطاق کوبی تختیسی روز کردن اوچوب یدی نفر کفره مرد اولوب نیجه کفره ل مجروح اولوب پاشابه قومسار کلوب ایدر سلطانم بز بو اوطاغی قورماسن بله زز یدی آدمز اولدی و بقدر خرسیتانلر مز مجروح اولدی دیدکده پاشا چادر مهتر باشین کوندروب آن واحده قوروب کلدیلر

دریان چهره اشکال بدلقای عجب لوی قرال ضال کریه المنظر

اولانسه چاساری اینزه طور قرالک اسمی... و باباسی... درهنوز یکریمی ایکیسنه بالغ اولوب سنه... تاریخنده انکروس قرالی اولمشدر اما جناب باری بونی کرچه انسان دیو خلق آتمشدر اما اورته بویلو ایجه میانلو اولقدر ملحم و مجسم

خورینه تسلیم اولندی (تماشای غریبه کخیلان) چونکه ایکی رأس آتلی بزم آخور خلیفه لری سیاه شاپقه لی کافرله تسلیم ایدوب کتدکلرنده همان اکر سر اولان دیبا چوللی طریق نام کخیلان بنام کوردیکم سیاه شاپقه لی کافرستان ایچنده قلوب کوردکی بلدیکی مسلمان قیافتنده آدم یوق همان بر کره ایکی ایاغی اوزره قالقوب یولارینی دوتن ایکی عدد کافرک باشلرنده کی شاپقه لری اوزره نیجه اوک اللریله اوردی ایسه اول آن ایکی نفر کافرک بینیلری طشره چیقوب جان بر جهنم مرد اولدیلر همان چاسار اوکنده عرض جرأت ایدم دیو بر قاچ کافر آت اوزره هجوم ایدوب یولارندن آته یایتم ظن اتدیلر انلردن دخی دورد کافر دپه لنوب دمن بنا کوشنه حواله ایلوب بو سرای میدانی ازدحامنده اولان کافرلر ایچنه کخیلان آت فقیر کورب جمله کفارلری بربرلینه قتوب جمله کفارلر بربرلرلر چکسینوب آت کامل نیم ساعت کافرلر اوزره برق خاطف کی سکر دوب کزدکجه بو سرای میدانده آل عثمانن کله بر آت بامرالله تعالی اولقدر کافری هلج و ملج ایدوب قروب کچروب اولقدر کافر مجروح اولمشدر کم حالا کافرستانده دستاندر آخر کار الحی پاشا کوردیکم کفار دمت دمت قریلیور و سرای میدانندن طشره ازدحامدن کفار چیقاماز بیر شو آتی دوتوک دیو آخور خلیفه لینه فرمان ایدنجه بر بیاض کلاهی یدکچی واروب کل جیحونم کل دینجه همان آتک ایکی کوزلردن قانلی باشلر آقوب صهیل اورارق یدکچینک یانه کلوب لجامندن ضبط اتدکده الحی پاشایه حقیر اتم سلطانم بو آت بر غازی آندر و بالذات آل عثمان پادشاهی بنمشدر بو آت بو میدانده بو قدر رسوایلق ایدوب بو قدر کافر قرمشدر آخر کار بو آتی کافرلر اولدزلرلر بو آتی آلوب یرینه غیری آت و رک دیدم هله کوره لم دیو اغماض ایدوب یدکچیلر آتی قرالک آخورینه باغلیوب کتدکلرنده همان آت پای بند و یولارلرن قروب آخور ایچره یدی کافر دخی دپه لیوب بو قدر کفره آتلرن مجروح ایدوب آتی کوردک ینه جیحون نام آت صهیل اوروب سرای میدانندن طشره یدلرم کی چیقوب شهر ایچنده کزه رک چرکس میدانده مذکور چرکزک آلتنده کی آت لشی فوقلیوب ینه بر قاچ کره

علی الترتیب ہدایای آل عثمان یورومکہ باشلادی

ابتدا پاشا سورغوج پادشاهی بی اوپوب باشنه قیوب اندن بو مرصع اوطاغہ
الچی پاشا قرالک الینہ وروب قرال دخی فرنک شاپقہ سی مانلفکہ اوزرہ صوقوب
تختندہ قرار داده اولدقده همان پاشا جواہر و مرصع طپوزی اوپوب ینہ چاسارک
الینہ وردکدہ همان چاسارایاق اوزرہ قالقوب جملہ ارباب دیوانہ طپوزی کوستردکدہ
جملہ سی باش اچوب دعا اتدیلر اندن جملہ مز چاسار حضورندہ کی صفہ اوزرہ
جملہ مشک ختن و جملہ عمبر خام و جملہ عود ماوردی و جملہ دستار محمدی
و جملہ قوشاقلق زر اندر زر خلعت فاخرہ لر میدان محبتہ کلدکدہ چاسارک فرمانیہ
ابتدا بر خلعت واللہ سنہ کوندروب برن باش وزیرہ و رن باش پاپاسہ کیدروب
بو محللہ رابہ صوبی جنکنندہ مرد اولان زرین اوغلنہ بر خلعت فاخرہ کیدریلوب
زرین ولایتنہ بان اولوب الینہ چاسار بر کومش کولنک وروب بان اولدی اندن
غیری خلعتلری غیری وزرلرینہ و امرا و اش ارلری و قپودانلری و قومسارلر
و ارشاکلر و شاکلرینہ خلعتلری جملہ کیدروب دیوان قرالده بر سرور و شادمانی
اولوب جملہ ہدایالر غایت مقبولہ کچوب اندن جملہ زردوز خالیچہ حریر منقشلر
حضور چاسارہ کلوب طرفہ العین ایچرہ بو خالیچہ لری دیوان خانہ نک دیوارلرینہ
کردیلر اندن صکرہ جملہ اغواتلر بعدالہدایا آشنی دیوان خانہ یہ [۱] کتدیلر
اما بو کون [۲] آجلقدن جملہ مز تمام اولدق نہ صو نہ شربت و نہ فہوہ و نہ بر
لقمہ طعام یمیوب بطن جیعان دیدوکی کبی عربک آج قرنہ عودت ایدوب آل عثمان
دیوان بو محللہ خاطرہ کتروب ہنوز دولت آل عثمانک نعمتی قیمتن بلدک بعدہ ینہ
پاشا چاسارہ ایدر پادشاهم قرالہ محبتہ کندو آتلرندن ایکی آت کوندردی تشریف
بیوروب کورک دیدکدہ همان قرال اتک درمیان ایدوب جملہ ارباب دیوانیہ دورد
طبقہ اشعی انوب سرای میدانہ ناظر بر مقصورہ دہ اوٹوروب آتلی اوکینہ
چکوب کوردیکم جواہرہ غرق اولمش آتلرکم بر قرال ملک اولیوب امرا

[۱] س ، ک ، ط : خانلرہ [۲] ط : اول کون

واردر ادبلىله او طور سنلر الحمد لله بوصلح وصلاحز بو يوزدن منعقد ... [۱]
 اولوب كيمك قبضه تصرفنده قلاعلر و قرالر و قصباتلر و نواحيلر بولندى
 ايسه آنك حكمنده قلوب سزك و بزم طرفرزدن قطنالرمز و سزك چته جيلركز
 برر حيله تقريديه حدودلرندن طشره چيقوب بزم قلعه لر مزه تجاوز اتمه لر ديدكده
 بزم الجى پاشا ايدر همان چاسارم سز سزك مجار قطناكزى ضبط و ربط ايدك
 بزم سر حد خلقى بر شى اتمكه قادر دكلدرر والا سزلر الجى كوندرمديككز
 محلدرده سر حدليلر فرصت بولوب الجى چيقمادى ديو اول زمان ولايتلر اورلر
 همان سز قطنالركز كورك ديدكده همان چاسارك وزيرى رودولفوش ايدر
 بزم مجار قطنامزك ضبطى اصلا بر وجه ايله نمكن دكلدر آنلر خرسزلدرر سز
 آنلرى سر حدلركزده بولورسه كز دوتوب قازغه اوروك ديدكده بزم الجى پاشا
 ايدر حد داننده بز دخى تاتار عسكرن و درياده جزايرلى عسكرن ضبط
 اتمكه قادر دكلنر تاتار عسكرمزم شمدنصكره قزل المايه وانكروس ديارلرينه
 بو صلحدن صكره كلرلرسه سزده تاتار عسكرن دوتوب كوزلرين اويوك ديدكده
 همان چاسار وزوره [۲] وزير و دخى ماتى قوقوله وزير نونو ديوب شاقه لرز
 كله بى دولترندن چيقاروب ايتديلر يا بو صلح بويله نيجه اولور بر مملكتته كم
 قرق اللى بيك تاتار ايكي كره يوز بيك آت ايله كله اول دياردن دخى نه اومارسن
 بيره مدد سز همان تاتار عسكرن ضبط ايدك بز دخى مجار قطنالريمزى پك ضبط
 ايدرز ديو جواب ايدوب صلح وصلاح نامه تحرير اولنوب الجى پاشا ايدر انشالله
 بعداليوم بز تاتارى پادشاهمزم فرمانيله ضبط ايدرز اكر مملكتلر يكرزده بر تاتار
 بولورسه صلحه مغاير اش اولمش اولور شمدنصكره نظام وامن واماندر ديدكده
 جمله ديوان چاسارده اولان كفار باشلرن آچوب پادشاهمزه و الجى پاشايه وچاساره
 خير دعالم ايدوب بومنوال مشروح اوزره طرفيندن بكرمى ماده آنلردن و بكرمى ماده
 بزلردن و بكرمى سنه ده بر يوك الجى بيوك خزينه ايله چقماسى جمله يازيلوب عقد صلح
 اولوب فاتحه اوقنوب پادشاهه عرض و تلخيصلر يازلمغه فرمان اولندى آن دن صكره

[۱] ديكر نسخه لرده آچيق يوقدر (م) [۲] : زوزه . ك : زوزه

دولت آل عثمانه کوچوک الچي حيقه ويكرمي ييلده بر بيوك خزينه ويوك هدايالر ايله بيوك الچيلري ركاب هايونه كلوب تجديد صلح ايله اكر يكرمي ييلده بر بيوك الچي كلزسه انكروس ولايتي اوزره سفر ايديله وهرسنه باشنده در دولته کوچوك الچيلر نسه قيوكتخداسته كله وهر آي باشنده قرالدين بودين وزيرينه وآندين قراله الچيلر ماه به ماه طرفيندن الچيلر محبت اوزره واروب كلهلر وهرسنه قانون سليمان خان اوزره ... بيك انكروس التوني خراجلرن وبتش عدد كوش قوپه بر روقيه اولماق اوزره ايكي بيك وقيه كوش اواني صندوقه كي وحوض وشادروان كي وكوش لکنلر وكوش مسجد وكوش سروی وغبری سيم خالص اواني هدايالري سيم وزر خالص منقش عربلر ايله كلك اوزره ... (۳) طرفينك [۱] الچيلرينه بهر يوم يوزالتش عدد ريال غروش خرج معقول وريلوب طرفينك الچيلري معزز ومكرم واروب كلهلر الچيلرك وجودلرينه ديوان پادشاهيده بر ضرر كليوب بريرلري رخنه دار اولميه يعنى الچينك وزني وبولاغني كسلميه ديو چاسار رجا اتكدده همان الچي پاشا ايدر واللهي چاسارم اكر بزم طرفيزدن كان الچيلر حضور يكنزده شراب ايجوب بدمستلك ايدوب زبان درازلق ايدرلرسه قولاغن بورن دكل ديلني كسك اما سرك الچيكنز دخی ديوان پادشاهيه كلكده شراب بي حجاب ايجوب بدمست اولوب كرميت شراب ايله حضور پادشاهيده زبان درازلق ايدرسه پادشاهم حضورنده بورن وقولاغن وديلن كسمك دكل همان اول آن باشن كسرلر شراب ايجوب ناهموار اوضاع ايدن الچيكنزه زده رعایت اتمك شرط دكلدر همان الچيلر كزه تنبيه بيورك كم شراب ايجوب حضور پادشاهه [۲] وارماسنلرا كرينده قرالمك حضورينه سرخوش كلرم نهمده حقمدين كل ديدى چاسار ايدر حقا كه مسلمان پادشاهي الچيسي وهرالچي بوبه ماده [۳] عرض صاحبي اولوب پادشاهنك عرضني كوزتمك كرك زيرا پادشاهلرك اولولمى وعظيم الشان اولدوغى واران الچيسندن بلليدر وينه قرال ايدر جاتم الچي پاشا سن بو ولايمزه رحمت كلوب خوش كلك اما سرك استرغون واستولنى بلغراد و بودين سرحدلر كرك چته و بطوره جي لوندلرندن فريادمز

[۱] س،ك : ودخی طرفينك [۲] ك : پادشاهيه [۳] س ، ك : مؤدب

نامنده بر کت پلانقہ سی بنا اولہاقی فرمان ہایونم اولمشدر بزم اوکواریمزہ [۱] تابع فتح ایلہدیکمز اوٹوز ایکی پارہ قلعہلر خراب ویباب یاتہ یکی قلعہ توابعلرندن یکریمی پارہ قلعہلر دخی طرفیندن یاپلیوب قلعہ وسزک قومران قلعہسی دبنده واق صونی ولترہ صونی اویوار قلعہمہ حدود اولہ واسترغون طرفندہ کی سلیمان خان اجدادیمک سون کوی دبنده کی میللر ینہ حدود اولہ و آنلردن یکی قلعہ خراب قلعہ بزم اردلده سکل ہد قلعہ سن خراب آتمکہ رجا ایلمش سز منہدم اولہ اما ولایت اردلده کی قلعہ نرذہ قدر نسمہ عسکرلریکمز اولمیہ رضای ہایونم یوقدر مسموع ہایونم اولورسہ نقض عہد آتمش اولورسکمز اوزریکمز سفر آتم مقرردر ویزمذہ زرین اوغلی ولایتندہ علاقہ سز اولمیہ آنلر سزک رعایا کزدر فرمان ہایونم اوزرہ بزم بودین اوکنده پشتہ قلعہ سیلہ قتان [۲] حطوان قلعہ سزک مایندندہ دکر منلک درہ سی نام محلہ بر قلعہ بنا آتمکہ فرمان شریفم اولمشدر بزم فتح ایدوب ایچنہ عسکر قونان قلاعلر بزده قلعہ و لوہ و لترہ قلعہلری سزده قلعہ وسائر فرمانلرم صادر اولدقده علامت شریفہمہ اعتماد ایدوب ذرہ قدر صلحہ مغایر اش آتمہ سز والسلام دیونامہ ہایون بو یوزدن قراءت اولندقده چاسار دخی سمعاً وطاعۃ دیوب بو یوزدن صلحہ رضا وروب بزم اوردوقاضیمی سچلمندہ وانلرک ملت مسیحیہ باش پاپاسلری سچلرندہ جملہ شروط وقیودیلہ صلح نامہ وعہدنامہ وتدبیہ ہایون تحریر اولنوب نظام وانتظام بولدقده چاسار ایدر سلیمان خان عصرندہ اولان عہود وشروطمز موجودنہ یوجینجہ یکریمی بش سنہدہ بر تجدید صلح ایدہرز دیدکدہ الچی پاشا ایدر یوق بوسوزہ پادشاہمز رضاسی یوقدر فرمان پادشاہی یکریمی یلدہ بر تجدید صلح اولہ زیرا بزم پادشاہمز وجملہ عسا کر اسلامز جنک وجدالسمز و حرب وقتالسز اولہ مازلر زیرا بزم حضرت محمد من اللہ امریلہ کافرہ قلعج اورماغیلہ بعث اولوب آنلرک فرمانیلہ بزدر دخی تلج اوروب غزالر ایدہرز دیدکدہ قرال یکریمی دورد سنہدہ بر تجدید صلحہ رضا وروب بزم الچی پاشا یکریمی سنہدن زیادہ صلحہ قایل اولوب نیجہ کفت وکوی وقیل وقللر اولوب قرالک رضاسی اوزرہ آخرکار قرال طرفندن یدی سنہدہ بر

[۱] ک : اوپواریمزہ [۲] اشبو (قتان) کلہ سی (س ، ک) نسخہ لندہ یوقدر (م)

جلاله وعظم شانہ و لا اله غیرہ ثانیاً حضرت محمد علیہ الصلوٰۃ والسلام ثالثاً چاریار کزین رضوان اللہ تعالیٰ علیہم اجمعین رابعاً بشکہ خادم الحرمین الشریفین سلطان البرین و خاقان البحرین صاحب العراقین مولانا [۱] ملوک العرب والعجم مالک رقاب الامم اولان السلطان ابن السلطان السلطان محمد خان بن ابراهیم خانمکہ صاحب المغرب و الجزائر و طونس و طرد بلوس و مصر و حبش و مکہ و مدینہ و لحسہ و بعصرہ و بغداد و وان و دیار بکرو ارض روم و اخسقه و کور جسامان و داغستان و دشت قیجاغ و لایت قریم و ایالت طرب افزون [۲] و ارض روم و سیواس و قونیہ و اردن و مرعش و قره مان و حلب و شام و شام طربلوس [۳] و قدس شریف و صاحب البر و البحر اولوب دریادہ یدی یوز یارہ قلاع صاحی اولوب خصوصاً بورسہ و اناطولی و بلدۃ طیہ یعنی قسطنطنیہ و ادرنہ و روم ایلی و ادزی و مورہ و بودین و اکرہ و و اراط و طمشوار و غیرہ اوچ بیک یدی یوز قلاع متینہ صاحبی سلالہ آل عثماندن سلطان محمد خاتم سنکہ انپرہ طور قرال دوستم [۴] اولوب دستور مکرم و زرم اوزریکہ وارد قدہ یکر می بیلہ عقد صلح مراد اتدیکنک مسموع ہمایونم اولوب الچیم ایلہ نامۃ ہمایونم وصول بولد قدہ کر کدر کہ یکر می سنہ صاحی قبول ایدوب و طرفیندن یکر می ایکیشمر مادہ اوزرینہ

تلیہ نامۃ ہمایوندر کہ ذکر اولنور

ابتدا (مادۃ اولی) اولدر کم ایکی طرفدن یکر می عدد قطنسادن و چتہ جیلردن زیادہ اولوب قلعه دن قلعه یہ ... [۵]

عسکر ایلہ طوب حکلمیہ و آغاچ طوب حیلہ ایلہ آتلیہ بزدن جکردان ایلہ او یوار مابینہما سندنہ کی [۶] کول کنارندہ بر قاعہ یاپیلہ [۷] سیزک رجا کز اوزرہ او یوارہ ر مرحلہ یر کندو طوبراغ کز زده نہر واق کنارندہ کچب او کووار [۸]

[۱] موجود بش نسخه دہ مپ بولہ (مولانا) یازلش اییلہ دہ باکلیشدر دوغروسی (مولی) اولمیدر (م) [۲] ک : طربزون [۳] ک : و طربلوس شام [۴] ک : دوستمز [۵] دیگر نسخه لردہ آجیق یوقدر دوغروسی دہ بودر (م) [۶] ک : مابینندہ کی [۷] ک : یاپیلسمین [۸] ک : بکت او یوار

یورویهرک قرالک خاص دیوان خانه سندن اجمری کیرنجه هان قرال اون آدیملری
الچی پاشایه کلنجه الچی پاشا دخی آپول آپول یورویوب

درمال تحقیق ملاقات چاسار با الچی پاشای با وقار

هان الچی پاشا قرالی ایاق اوزره کورنجه سهل سر یعجه و جست و چابکجه
یورویوب قراله سلام ورر شکلنده (سام علیکم) دیوب قرال دخی باشندن جواهرلی
مانلفکلی شایقه سن چیقاروب باشی آجیق پاشانک سلامن آلوب پاشا سکر دیوب
قرالک کوکسن اوپوب قرال دخی الچی پاشانک قول و قرار اوزره او مزین اوپوب
قرال پاشانک الن انه آلوب قرال تختده قرار اتدکده پاشایه یر کوستروب صفا
کلدک و خوش کلدک دیو پاشایه وافر تعظیملر اتدکده پاشای علی و قار قوبندن نامه
هایونی چیقاروب و اوپوب باشنه قویوب صاغ ایله نامه قراله ورنجه قرال نامه ایکی
ایله آلوب ایکی کره اوپوب نامه باشنه قویوب نامه صاغ طرفندن [۱] جمله و زراسنه
کوستروب جمله سی باشلرندن شایه لرن چیقارب و جمله کفار نامه یه سجده ایدوب
یوزلرن یره سوروب دعالر ایدوب شکر بویله صلحی کوردک دیدیلر اندن قرال
نامه صول طرفنده اولان جمله امرالینه و پاپاسلری و ایش ارلرینه و جمله ارباب دیوانلره
کسترنجه آنلر دخی باشلرن آچوب سر بر زمین ایدوب صوموردانوب ماریه قوت دیو
دعالر اندیلر. بعده نامه دیوان خانه نک صاغ طرفی کوشه سنده بر عالی مقصوره چک
اوزره نامه اناسنه کوستروب اتاسی دخی آیق اوزره قالقوب اللرن و قوللرن و بوینن
وبلن اکرک حمد ایدوب دعالر اتدی بعده چاسار انپره طور نامه ینه اوپوب باشنه
قیوب نخت اوزره ایاغه قالقوب نامه باشی اوچنده تاج غرونه [۲] یعنی تاج رواج
اسکندر اولان مانلفکله التنه قیوب نامه نک نمسه لسانی اوزره ترجمه سن ترجمان
میگله وروب قراءت اولتان

صورت نامه هایبوندلر بوحله سهل تحریر اولندی

اولا سر نامه ده (السلام علی من اتبع الهدی) دیوب بعده اول بنام خدا جل

[۱] س، ک : طرفنده [۲] خ : قرونه

کتورن اغار و غیریلر ایکیشر ایکیشر آت باشی برابر عبور ایدرک چاسارک سرای میدانک قبوسندن ایجری ابتدا خلیجه لر آندن او طاغ پادشاهی و آندن آتلا کروب میدان محبتده دوردیله بز لر دخی هدایا لر ایله سرای میداننه کروب قرال سرایی دیوان خانه سنه چیقاجاق قپوده جمله مز آت لردن اینوب کوچوک قومسار کوچوک ترجمانلر قانونلری اوزره اوکلر مزه دوشوب کامل یدی قات سرایدن چیقوب ویدی صفة سنده [۱] نیجه بیک کونا کون اغرب و غرابیدن سیر و تماشالر وارکم بی آدم کوردکده عالم حیرتده قالر بو مذ کوریدی قات سرایه جمله دولاشه دولاشه اوچ دیوان خانه عظیمی کچوب یوز طقسان یدی قدمه طاش زردبان ایله عروج اتدک اما ایکی قات طبقه دیوان خانه لک اشغی قاتلری زردبان دکلدر همان اسلامبولده ایاصوفیه جامی طبقه سنه چیقار بی یله یوقوشدر بونده قرال آت ایله چیقوب ایکنجی طبقه ده آندن اینوب آندن دورد بش طبقه سنه کاه پیاده و کاه قول تر کرملر یله حمل کفره لر یوقاری طبقه لره چیقار لر یدی قاتنده یدی صره دیوان خانه عظیم وارکم هر برینه اوچر دوردر بیک کفره آلر دیوان خانه لدر هر بری برر کونه طرح اولمش بر برینه اصلا مشابته یوقدر دیوارلری نقش بو قلمون زردوز خلیجه لر اصلمش کورونش دیوان خانه لدر و هر قاعده نیجه یوز روزنلر و جمله سی جام و بللور و نجف و مورانلر و تلقدن جاملی پنجره لری وار اما سکنزنجی دیوان خانه بالذات چاساره مخصوص اوچیوز التمش عدد زر اندر زر ایله مینی کار کیر بنا دیوان خانه عظیمه جمله مز چیقوب پاشا بر تخت عالیده قرار اتدکده پاشا مطره جی باشی ایله حقیری ایجری قرالک کوچک دیوان خانه سنه کوندروب وارک کورک قرال تختدن اینوب قپونک ایچ یوزنده دورری دیدکده واروب کوردک مکر چاسار تختدن اینوب مطره جی باشی بی زر دوز اسکوف مهابت حاجی بکتاشی سیله کورنجه همان قرال باشندن شاپقه سن چیقاروب و حقیره و مطره جی باشی مطنوب سلام آلر کبی بر ایکی اکیلوب دوغرولدی بز دخی کوردکمز کبی پاشایه خبر وردکده همان پاشا دخی آهسته آهسته ایاق ایاق

[۱] ک : ویدی طبقه سنده

اغار و پیاده ملبس سراجلر و چاشنیکیلر و چادر مهترلری و مهتر باشی عبور اندیلر
 آندن صکره اوچ رأس آت کم هر بری معتبر آت و صافنات الجیاد مثللی
 آتلك بری جواهر و مرصع اکرلی و جواهر رختلی و طپوز و غدالری [۱]
 و جمله چارقاب زردوز جواهر دکمه [۲] ابابیلی [۳] و بحری خوطاسلی و آلتی
 پاره جواهره غرق اولمش یا نجقلی و آتک باشنده ابلاق مرصع جغه تلیله یمین
 و یسارنده قرمزلی دولهلی خاص آخور یدکیلیری و خاص آخور قالفاسی [۴]
 ایله عبور ایدوب بر آت دخی ساده دیبادن جوللی یلکنندن دیورر [۵] آتکم
 کویا بر آت عشقردیوزاددر آندن بر کخیلان مظلوم آت جمله جواهر اکرلی
 و مرصع رکابلی پاك و مسلح بساطلی آت قراک اناسنه ینه آخور خلیفه لریله
 کذر اندیلر آندن صکره یکریمی چفت آغر قوشاقلق خلعت قاخره لرك هر بری
 آتله اوزره محشم اغالرك النده ترتیب اوزره عبور اندیلر آندن صکره اون کلچه
 خنکاری و کوسه و هزاری دستار محمدیلر کچوب آندن اون وقیه عودماء
 وردیلر عبور اندی آندن اون شامه عمر خام زردوز بوغچه ایچنده بو حقیرده
 ایدی آندن اون کوبك مسك ختن بنم آیاقداشم قپوچیلر کتخداسیله عبور آتک
 آندن پاشا کتخداسی حسین اغاده سورغوج شاهی آندن باش قپوچی باشیده
 بر جواهر طپوز ایله پاشا کتخداسی [۶] آت باشی برابر عبور اندیلر بعده پاشا نهر
 طونا اوزره جسر دن عربه ایله کچوب قلعه یه کیرنجبه کخیلان آتله سوار اولوب جمله
 آتی و کندوسی زر اندر زر جواهره غرق اولوب آهسته آهسته کیدرکن
 سلیمی دستاری اوزره جواهرلی سورغوج پادشاهی طاقنوب و نامه هایونی کندی
 قویینه صوقنوب نامنك کیسه سی و جواهرلی آلتون قوزالاغی پاشانك یقه سننده
 کورینوب سمور قباچیسه [۷] و جمله مطره جیلری و توفنک جیلری و شاطرلری
 و کالاول سلحدار و چوقدار و جمله ایچ اغالری پر سلاح و ملبس و جمله هدایا

[۱] ك، ط : و غداره لری [۲] ك : دیکمه [۳] س، ك : ابابیلی
 [۴] ك : خلیفه سی [۵] ط : یلکنندز یورر. ك : یلکنندز یورک . س : یلکنندز یورر
 [۶] ك : کتخداسیله [۷] ك : قباچیسه

بیوردیلر دیجه هان بزم پاشا ایدر هدایایلی کترکن مهترخانه چالمق قانونمز دکادر ودخی هدایا کترن اغالر بنم آنلر خدمتکارلرمدر چاسار حضر تلیری یانه واروب چاسارک اللرن اوپمکه برالای امت محمدک نه حدلری وار آنلرده بنله قرال یاننده برمی اولسونلر وعرض اسلام محمدی یوقیدرکم بنم اغالرم بنی قیوب قرال اوکننده ال قوشروب دوره لر بودخی عادت آل عتانه مخالف خام تکلیفدر پیزه بواصل کونه قانوندن خارج تکلیفلر ایتمک دیوب عجب متانتلی حوابلر سویلدیکم جمله مز غش اولدق خصوصا الای ایله هدایایلی کترکن مهترخانه چالتراق بیله کتمکه مشاوره انمش ایدک هان قرال طرفندن مهترخانه چالتراقی تکلیفی اولنجه قانونمز دکادر دیو جواب اتدی آخرکار جمله کمار مضطرب کار اولوب اتدیلر امدی سلطانم علی الصباح مبارک بازار کونمزدر چاساردن سسلطانمه خبر کلدکده تشریف بیورک چاساری تختندن اتوب قیونک ایچ یوزنده سیزه منتظر دوررلر بوله سز دیوب پاشادن جمله هدایا دفترلن آلوب کتدیلر و یوهدایا دفترلی اوزره چاسار یاننده طورون و مشاوره ایدوب جمله هدایایلی کندولری وزرا و وکلالرینه توزیع ایده جکاری دفترلی پاشایه کوندروب قانونمز بودر کتره جکاری هدایایلی و آنتری بودقتره موجبنجه توزیع ایسنلر دیو پاشایه دفتر کلدی پاشا دخی قرالک کوندردیکی دفتر اوزره جمله هدایایلی قراله و اناسنه و باش وزیر و باش پاپاسه و باش ارشاکه و غیرلی وزیرلی مقامنده اولنلره و سرکارده اولان بی دینلره جمله هدایایلی آماده ایدوب ارتسی سنه . . . ماده ذی القعدنه ک بازار کونی علی الصباح چاسار ایکنچی وزیر و باش قومسار ایله کندو حنطو عربهلرندن سکیز عدد اشهب آتلی برمجوه و طلا و مرصع کومش اوزره مینا قبهلی برحنطو عربه کوندرمشکم چشم انسان کوردکده خیره لیز پاشا حنطویه بیلنوب جمله اغواتلر رخس فرخشارینه بر سلاح و ملبس و مزین سوار اولوب آماده دوردیلر ابتدا سکیز عدد دیوان خانه دوشمه سی نقش زرکار ابریشم خالیجه لری سکیز عدد حنطو عربهلر ایله ایلری کتدیلر اندن بدرکلی اوطاغ نه طاقی اون بر حنطو عربهلره تحمیل ایدوب زراندزرر نقش بو قلمون لرن عرض کالای ایدوب ایچریسن طشره جو یروب یانلری صره جمله ملبس سمور کورکلی

در بیان مشاوره ملاقات چاسار باوقار بهالچی قره محمد پاشای شیرین گفتار

پاشا ایدر بقه قومسار خوش کلدیگز اما بن چاساره واردقده قرال تختندن اینوب بکا دیوان خانه قپوسنه داق کارسه و بنم اومزومی چاسار اوپوب بن آنک کوکسن اوپرسم و مکّه و مدینه پادشاهنک نامه سن اوپوب باشنه قیوب نامه هایون قراءت اولنجه قرال ایاق اوزره دوررسه و جمله پیشکشلرمن قانون اوزره ویریلرسه و نامه هایونده و نامه وزیرده اولان عهدنامه مزك قول و قرارندن زیاده تکلیف مالایطاق اتمزلرسه حضور چاساره واروب بواشورم والا یوق درسه رب کعبه [۱] و بحق حضرت محمد علیه السلام پادشاهه [۲] احوالی عرض ایدرم سزك الحیکزه دخی اسلامبولده رغبت ایتیوب جفا ایدر لر دینجه باش قومسار ایدر بهی سلطانم سز نه عجب خام سودایه دوشمش سز بویدی قرال چاسار باوقار شهنشاهنه بوتکلیف مالایطاقی برالچی قرداشکنز اتمه مشدر دیو برخیلی معارضه کلاملر اولوب آخر الامر باش قومسار ایدر سلطانم بوتکلیفلر کز واروب چاسار حضرتلرینه دانیشالوم دیوب اوچ کشی چاساره اوچ کفره واروب [۳] آخر دوردنچی کلشده چاسار تختندن انسن و سلطانمه یدی آدیم قرشو کلسن و تاجن باشندن چیقاروب سلامیکز آلسن و سز چاسارک کوکسن و چاسار سزك مجوزه کز اوپسن دینجه پاشا یوق اومزومی اوپسن دیدکده ایی سلطانم بوسوزه مآذونن اومزوکز اوپسن و چاسار نامه پادشاهی اوپوب باشنه قیوب نامه شاهی اوقننجه قرال ایاق اوزره دورسن اما هدایالر ویریلرکن چاسار تختنه اوطورسن دیدکده پاشا دخی ایی اوطورسن دیو اذن ویردی و آنلر ایتدی سلطانمدن چاسار افندیمزك برجالری وار سزك هدایا کز کتیرن اغازک جمله سی چاسار حضرتلرینک انه کن اوپسنلر و حضور قرالدهال قوشروب دورسونلر برجالری دخی پیشکشلر کزی الای ایله کترکن مهتر خانه آل عثمانی چلاراق حضوریمه کلسنلر دیو چاسار

[۱] ك : رب الكعبه [۲] س ، ك ، ط : پادشاهه [۳] ك : اوچ کشی چاساره

اوچ کره واروب

ميدولدر اندن عمارت كنيسه . . . آندن منصطر . . .

آندن . . . جمله منصطرلر بومخلده تمام اولدى . ماعدا محله كلسه لريدر
 اما بومذكور منصطرلر ك جمله سى قورشوم اورتولى دكلدر و استفانى كنيسه سنك
 دخى نيجه يرلى قورشوم اورتولى قبه دكلدر همان خارپوشته تخته منقش طوان
 اوزره كونا كونا منقش صرجه لى كره مت اورتوليدر وغيرى ديورلر دخى منقش
 كره متليدر و جمله شهر ك عمارستان اولان دارمنحوسلرى و نيجه يوز سرايلرى جمله
 الوان رنگ كبره ميت و قورشوم و صارى پرنج و قرمزى بقر و قلايلى تنكه و جابجا
 شندره تخته اورتولى معمور و آبادان خانه منحوسلردر و اكر بوشهر ك اوصافن
 كوردو كمز كى تحرير ايلسك بر كتاب مجلد اولور و تحريرى ده ممكن دكلدر همان
 خداى لم يزل دشمن شرندين بوشهرى امين ايده . زيرا بوشهره برغيرى ياد آياق
 باصه ويران اولور همان سهولتله خداى بيچون دست اسلامه ميسر ايده . و بوشهر ك
 جمله شيشى ممدوح و مشهوردر اما هزار احسنت پسند جمله حكما و جراح و فصاد
 و كمال و نقاش و ساعتجى و توفندجى و جقرقجى و سواققرينك پاكلكنه و حاكمرينك
 ضبط و ربطلرينه و بيع و شرالرنده ميزان و ترازوده خلاف ايتيوب كذب سويله .
 دكلرينه و عدل و عدالتلرينه و رعايا و رايالرينك آسوده حال اوزره اولوب ظلم
 ايتدكلرينه و آب و هوا سنك لطافتنه و محبوب و محبوبه سنك نظافت و ظرافتنه و طرز
 آخر رايحه سى و الوانى غيرى كونه شكوفه لرينه و جمله خلقنك هر كس ايله حسن
 الفت ايدوب غريب دوست اولوب دنوازلقرينه و ولايتلى جمله هر شيدن امن
 و امان اولدوغنه صدارك الله عشق اولسونكم اسلام ديارنده بويله امن و امان و عدل
 و عدالت يوقدر . بوشهر ك نيجه بيك كونه حسنيا تارن تحريراتسك بريده تمام اولماز
 انجاق بز مراد و مرانمز اوزره صده رجوع ايدلم بوشهرى آلتى كونده سير
 و تماشا ايدوب مقدا قرال ك برهفته دن صكره الحى پاشا ايله مشرف اولام ديديكى
 كونلردن يدنجى كوني جمعه ارته سى اولوب باش ميكل ترجمان و باش قومسار دفتر دار
 پاشايه كلوب سلطاتم چاسار انپه طور سلطانه سلاملر ايدوب يارنكى كون مشرف
 اولم ديو بيورديلر ديدكده

وارد و اولقدر التون و کومش کباب شیشلری کوشه بکوشه دایلی دورر و هر مریضك علتته کوره التون و کومش و باقرطنجره ده طعام کونا کون طبخ ایدوب خسته لره بذل طعام ایدرلر کیلارلرنده قوش سودی و شیر خورما و قطر نبات حموی مثلی ما کولات و مشروباتلر موجوددر و اویله استاد کامل اش-بازلری وارکم چنان قرال برقراله و بروزیره و برالجی به ضیافت اتسه بواشبازلر تیمارخانه دن واروب طعام کونا کون پیشیرلر اما جمیع کافرستانک طعامی مشهور دکدر جمله کفره پرچقیر [۱] ایله چتال دمر اوجیله اللی درهم طعام و اللی درهم شراب ییوب ایچرلر طعام دولت آل عثمانده در هندوسند و عجمده دخی طعام یوقدره مان برپلاولری مشهوردر و هر بیمارخانه نك معاجن خانه سنده حکیم باشی اوطوروب یومیه برر قنطار سکری معاجنلری اهل درد و فقرالره بذل ایدرلر نیجه یوز بیک حقه و قوانوس معاجن و ما کولات و منروبات حلویاتلری وارد و هر بیمارخانه ده متعدد یازلی و قیشلی حجره لرنده کونا کون حوض و شادروانلری وار قش اودالرنده حمام کبی صوبالر یاز اودالرنده شادروانلری اولوب پنجره لری بانچهره ناظر اولوب هر خسته نك طبیعتنه کوره سازنده لر کلوب کونا کون سازلر چالوب فصل [۲] ایدرلر اما عجیب حکمت خدادرکم بو المان دیارنده رومده و عربستانده کی کبی چوق مجنون یوقدر لکن مسحور کفره لر بوتیمارخانه لره چوقدر و آنلره دوا ایدر دخی یوقدر

در عمارت دارالاطعام فقیر [۲] غریبان

جمله اون ریرده ما کل دارالضیافه لر وارد کرچه خیس و لثیم و حسابی بو لاتی اولوب قحط و غلا شهیدر لکن البته هر قرال منظرلرینک عمارتلرنده بوغدای و اون چوربایی پشوب کنیسه لره ساکن اولان بطریق و قسیسلره و بعضی فقرالره چوربلی [۴] مبدولدر اما جمله استغنی کنیسه سی و قرال سرانی عمارتی جمله معمور اولوب بای و کدایه و جوان و پیر و صبیانه خوان بی امتنانلری

[۱] س، ک : پرهیز [۲] ک، ط : فصللر [۳] ک : فقراء [۴] ک، ط :

خوان بی امتنانلری

آلدینگ کی یرینه قیوب قرمزی صودن سوروب همان بو دنیاده دورمه مال قران دیدکده حقیر اللی التون وردم [۱] یوق [۲] یوز آلتون ویرمینجه اوکرتم دیدکده حقیر خست ایدوب ورمدم اما مکریک التون وروب اوکرتمه لی بر معرفت عبرت ایش ینه بر کون بر کفره نک اوچ قرا لفته یعنی اوچ پاره اجه سن آلوب دیشنه ماوی صو سوروب دشن اینه وروب کفره کیتدی مکر یرینه دشنی قومغه برر آلتون آرمش . . . [۰]

والحاصل بو بجده اولان حکمای حاذق و نیجه یوز جراح فاصد بر دیارده یوقدر و بونلرده کوردو کز کمال معرفتلی برر برر تقریر و تخریر اتسک بمجموعه نا مطبوعه بر قانون ابو علی سینا اولور و هر کارلی زورازور دکلدرد جمله آسان وجه ایله اش لرلر حتی نیجه جراح دکانلرنده بر برلر واردر کر چه جمله کفار نمسه صاحبیدر طراش اولماغه محتاج دکلدردر اما به باشلرینک اورتی بر لری طراش ایدوب صاحب لری مسک صابونلر ایله بیقیوب نیجه یوز بیک کفره لر یتش سکسن باشنه کیرر ینه صقالن طراش اندکده برر کفره لری دایما بر یوکسک اسکمله ده اوطوروب خداملری کفره نک صاحب و صقالن بیقیوب باشقه اسکمله اوزره اوطورر اما طراش اوله جاق کفره نک اوطور دینی اسکمله بر میل اوزره [۳] اولوب فرلاق کی دوران ایدر برر طراش اندکجه اسکمله چو یروب هر نه جانبن طراش آتمک مراد ایدر سه کندوسی اوطوروب اسکمله چو یروب آسان وجه ایله طراش ایدر رومده کی کی برر آباق اوزره طراش آتمز بودخی تماشاکاهدر و دکانبری شادروانلر و کونا کون اشیار ایله مزین تفریح کاهدر اما دارالشفالرنده اولان خیرات و حسناتلری و آثار بنالری و ما کولات و مشروبات و معاجناتلری بر دیارده یوقدر اولا هر کیم بو تیمارخانه لرده شفا بولورسه مقدماندر اندو کی اشیارلی کتروب اولقدر التون و کوموش و باقر و قلاهی صخون و طنجره و سنیلر و تنسیلر و شمعدانلر وارکم هر تیمارخانه ده اون مصر خزینه سی دکر التون و کوموش آوانلری

[۱] ک : ویره دیدم [۲] س، ک : نونو [۳] ک : اوزرنده

[۰] ایکی سطر آجیق وار

ماوی وبری قرمزی صور ایدی وبراغاجدن کوچک مشا کبی بر جبصطره شکلی بساطی الینه آلوب کفره نك آغزن آچوب آغرییان دیشک اتلرینه شیشده کی ماوی صودن سوروب همان النده کی اغاج مشا ایله دشه یاشوب بلاعسرت زور آمدن و قانی اصلا آقمان بر دانه بیاض اوچ چتال کوکلی شاهانه دیشی چیقاروب همان مذکور آتش کنارینه کلوب مذکور طنپوره تلرینک برن آتشدن چیقاروب دشک کوکنه قزمش تلی صوقنجه همان تل دشک ایلیکی ایچندن جز جز دیرک دشک چوروکی ایچندن قزمش تلک اوچی چیقوب بر قره جه باشلی نحیف ورقیق قوردجغز طشره چیقوب بر تل دخی قزمش ایکن ینه بر کوکه دخی صوقوب ینه دشک چوروکندن بر قورد جیغاز ایله چیقوب همان اول آن دیشه ال ایله یاپشیدان ینه دیشی چیقار دینی کیچه [۱] سبتله [۲] دلیکنه قیوب بوکره اول بر شیشده کی قرمزی صودن صو و طوز سوروب کفره نك چیقان دشی اوزره بر کوچوچک تخته پاره جکنی دشک اوستنه قیوب اصر شو تخته دیوب کفره تخته اصروب چیقان دیش سنبله سنه یرلشوب قالدی بر دخی آغریمان خلاص اولوب اولکیدن متین اولور دیدی اما ال ایله یاپشمایور [۳] همان حقیر بو حال پرکمال پر صوابی کوروب جانم یرینه کلدی زیرا او یوار قلعہ سی آلتنده جرید اوینارکن قبله لی مصطفی پاشا دشریمه بر جرید اوروب اوچ دانه دشرلم یرلندن متزلزل اولمشدی همان جراحه دشرلم کورستوب اول آن قرمزی صودن دشریمک اتلرینه سوروب مذکور کبی بر پاره تخته جکی اصروب صباحداق دشرلم پولاد نخشوانیه دونوب فندق و جوز قرمغه ایاقلی دشرل اولوب جهان قدر حظ ایدوب جراحه بر قیا سلطان یاغلنی وردم صفا ایدوب بر کوچوچک شیشده جک ایچنده قرمزی صودن نیم درهم قدرجه صو و یردی و جراح ایتدیکم اکر یوز التون ورسک سکا صورلی تیزاب کبی قینا تمک یولن اوکرده ایم هر قنغی دیارده کورسک [۴] دشرلی آغریان آدمک دشن ماوی صو ایله چیقاروب ایچنده ایلیکن داغلیوب دشی ینه

[۱] س، ک : کیبجه [۲] س، ک : سنبله . ط : شیه [۳] س : یاپشمایور . ک :

یاشماه بورر . ط : یاپشمایور [۴] ک : کزرسک

اوچ قارش قدر طولی يلان کي بياض و آجه و اوستی سوموکلای انلی اچنده [۱] کانجک باشی کي باشلری وار اما دشلری یوق لکن ایکی باشنده دللری کار دلیلی کي اما کوزلری یوق قرنی بریوک الما قدر قرنی یاروب ایچی لب بر اب قرمزی قرمزی خورده صوولجانلر چیقدی آنلر کندی کي ایاقمز و کوزلری کور صوولجانلر ایدی و حریفک اللرندن و ایاقلرندن و مذکور دبر اردندن هنوز جراحیتر و صاری دوتقاللر آقوب وقت غروب یقین حریفه سیرکلی کباب و بر کسه شراب وروب بعده حقیر اخشام قریب اولوب قناغمزه واروب جمله تماشا اندیکمز پاشایه برر نقل اتدکده پاشا و سامعیندن اولنلر جمله عالم حیرتده قالدیلر بعده اوچنجی کون یته دارالشفایه واروب حریفی سیر و تماشا اتم العظمة لله حریف طلوم کي بر بطلموس [۲] کفره ایکن کویا نسخ [۳] اولوب اولیه قدید محض اولمش اما یوزنده و کوزنده نور قالمیوب صداسی زنبور عسل کي وزلردی و یوزی کوزی و وجودی جمله اولیه بوروشمشکم کویا یوز باشنده آدم کي بوروشمش و هنوز اللرندن و ایاقلرندکی دلکاردن صاری صولر آقاده ایدی نتیجه کلام کفره مستسقی اونجی کون جمله امراض مختلفه دن خلاص اولوب کوندن کونه افاقت بولوب یکرمنجی کونده ایاغنده و قوللرنده دلین یرلری ای اولوب رنک رویی حمرت اوزره اولوب حراحه بر کیسه غروش و یروب دارالشفایه بش کیسه عیسی عشقنه وقف ایدوب ولایتنه کیتدی

دیگر صنعت عبرت نمای استاد جراحان

بر کون بر جراح دکاننده اوطوررکن بر کفره کلوب جراج برانکروس التونی و یروب دشم آغروور چیقار دیواسکمله اوزره اوطوردقده همان جراح الینه میلن آلوب حریفک دیشنه میل ایله اورنجه حریف فریاد ایدوب اشته آغریین دشم اودر دیدکده استاد جراح میدان بر منقال ایله آتش کتبروب ایچنه صاری پرنجدن طنبورده تللری قیوب ایچی شیشه صوی میدان قیوب بری [۱] ک : ایکی اوجنده . ط اتلی اخنده [۲] خ : بطلمیوس [۳] ک : مسخ

بو حریف استسقای کورنجه بوقرق کوندر بویله اوله لی نچون بونی یکر می او طوز
 کون اول کترمدیکز دیدکده مستقی آدمک خداملری ایتدیلر بز فلمنک ولایتده
 آمصطردام شهرنده اولورز یکر می کوندر کم عربه ایله سیزه کلرکن کوندن کونه بو
 قپودانمک مرضی مشتد اولوب بویله طلوم کبی ششدی دیدکلرنده همان اول آن
 حریفی عربه دن یاغ طلومی کبی اندروب بر چاریایی سریر اوزره یطروب اما سر برک
 باش طرفی یوکسک و ایاقلری طرفی الحاق و اورتاسی تبول و تغوط ایده جک حاوروز
 کبی دلیکی وار همان قوجه استاد صصقه حریفی عربان ایدوب بر چوملک ایجره
 برصاری چاموری حریفک جمله وجودینه سوردی اما چامور کبریت کبی قوقارذی
 و حریفک اغزیننه و بورننه صبر سقو طری صوی سوروب دبرینه بر قالب صابونی
 سوری ایدوب صوقدی بعده حریفک ایکی ایاقلرنک طپوقلرنک ایچ یوزلرندن و ایکی
 اللرینک نبض یرلرندن و دبرینک آردنده قویروق صوقومی تعبیر ایتدکلری
 مذکور یردن الحاصل ایکی ال و ایکی آیاقدن بو بش یردن حریفک طلوم کبی
 درین دلوب بر قارش طولی یاغلی چرا اغاجلرینه بر قرمزی مرهم سوروب
 حریفک قوللری و ایاقلری و قویروق صقومنک یاردینی یرلره صقوب دوردی
 و حریفه بر کاسه بیاض شربت وروب اوستنی اورتوب استاد غیری ایشه مشغول
 اولوب اوچنجی ساعتده عظمت خدا حریفک اللرندن و ایاقلرندن و قویروق صقومی
 محله چرا اغاجلری صوقدوغی دلکلردن اولقدر قرمزی و صاری بلغم کبی قیو
 قیو دوتقال کبی شیلر آقدیکم تعبیر اولنماز همان دوردنجی ساعتده حریفک اشنی سنه
 صوقولن صابون چیقوب عقبنجه یکر می و قیه وار قره و صاری قطران کبی اولقدر
 مزخرفات و اخلاطلر و صفرا و سودا و بربرینه باغلنمش طوب طوب بلغملر
 و یومروق قدر یدی عدد صوولجان یووالری چیقوب حریفک فریادی اوجه
 پیوسته اولورکن طعام استمکه باشلدقده بر کاسه ماوی شربت وروب غیری شی
 ورمدی حقیر اولکون تابیج قبولری قائمه محلی اولنجه باشایه کتمیوب بو
 تماشایی ادم حریف مزبور دن تا وقت عصر اولنجه تحتانی و فوقانی اولقدر
 عمللر ایدوب بد رایجه لی قره قطرانلر و نیجه بیگ صوولجانلر چیقارکن دژندن

بریخی دمرحقیه [۱] ایله قطودن آلوب حربفك قفاسی دریسنگ کسین لرلینه قرنبجه نك باشن قیونجه همان آج قرنبجه ایکی دری نی بریدن اصرنجه جراح قرنبجه نك بلندن مقاص ایله کسوب قرنبجه نك باشی ایکی دری کنارلرن اصیره قالدی آنك یانه برقرنبجه دخی اویله ایدوب حاصل کلام برقولاقدن برقولاغه وارنبجه سکسن عدد قرنبجه لرك باشلرینه مجروح باشك دریلریخی اصردوب مرهملر سوروب صاروب صرملیوب حریف مزبورى پوپوله دوشك اوزره بر بوجاغه دایایوب ایکی یانلرینه یصدقلر قیوب حربفك کله سنده اولان قورشوم دلکینه برقتیله صوقوب اوزرینه آنك دخی مرهم سوروب ساردی بعده اوده ایجره بر بد راجه لی بخور یاقوب حریف مجروحك بورنی دلکیرینه قرق الی ییلاق شراب سروپ اللرینه وقوللرینه وکوکنه وگردانه الحاصل ممکن اولان یلرینه طین عمرچین سوروب آندن ینه اوده ایجره مومیایی [۲] کانی یقوب آندن اورتیه طعام کلوب تناول اتدی کمزده کامل بر ساعت اولنجه حریف کوزلرن آجوب طعام استدکده بادم حریره سی وطاق مصلوقه سی ایچروب آندن بش درهم قدر شراب وروب غیرى شی ورمدی بو حقیق بوتماشایه یدی کون کامل مداومت ایدوب تماشایا ایدردم سکزنجی کون حریف ظریف افاقت بولوب سهل بیمارخانه ایجره حرکت اتمکک باشلیوب اون بشنجه کون قرال حضورینه کیتدی یعنی بو بیج قلعه سی ایجره بویله استاد کامل جراح لر و فساد کاملر و حکمای عالملر وارکم کویا هر بری بوعلی سینا و فیثاغورث توحیدیدر

فصل دیگر کار عجیب جراحان

برکون ینه لاصلو قرال نام منصطرك دارشفاسنی سیر و تماشایا ادرکن ولایت قلوبه لی [۳] براستاد جراح ایله آشنا اولوب سهل ترجه دخی بلوب آندن لسان طلیاندن واسان نمچه دن بعضی لغت لر بازارکن استرنیه شهرندن بر عربیه ایجره طلوم کبی شمش صاری بر آدم کتروب کوزلرندن وقولقلری و بورنی دلکیرندن صافی صاری سولر و جراح تلر جریان ایدر بر آدمکم بد رایجه دن یانه وارلماز همان جراح

[۱] ك : چفته [۲] ك : مومیات [۳] س ، ك ، ط : قلوبه لی

قولاقه [۱] مابیننه دک صولقان [۲] وسوموک کبی بعضی اخلاط ایله مملو اولوب یینی
 یاننده توفنک قورشومی کاغذیله دورر مکر بشر درهم چاقاقلی توفنک قورشومی
 ایمش ییننک زاری یاننده دوروب قرمزی قان ایله ملمع اولوب دورر همان استاد
 کامل جراح حقیره ایدر کل باق کور بو بی آدمک برنان باره ایچون حال دیگر
 کوننی دیدکده حقیر دخی ایلریجه واردقده آغزیمه و بورنمه قیون مقرمه سن قیوب
 مجروح حریفک کله سی ایچنه نظر اتم عظمت خدا غریب انسانک یینسی قفا ایچنده
 کویا طواق یمورطه سنده [۳] یاوروسی هنوز چقمش کبی بر قوش یاوروسی کبی
 بوزولمش باشی و کوزلری و بورنی و قناطرلی ایله بوزولمش دورر اما اوزرنده بر
 قالین دریدن ظرفی یعنی بریاض زاری وار جراح باشی حقیقک آغزیمه مقرمه
 قیوب قفا ایچنه باقدیفمدن ایتدی نیچون آغزیکی و بورنکی مقرمه ایله قپایوب
 بقرسن دیدکده حقیر ایتدم بلکه بقرکن یا آقصرم یا اوکسورم نفس آلوب وررکن
 حریفک کله سی ایچره روز کار کرمنس دیو آغزیم و بورنم قپادم دیدکده جراح ایدر
 آفریم صد بارک الله اشته سن بو علمه مقید اولسک استاد کامل جراح اولوردک
 وامعان نظر ایله تقید ایدوب باقدیفکدن بلد مک بو دنیا ده جوق شی کورمش سن
 دیوب همان عجله ایله مجروح حریفک یینسی یانندن برچفته ایله قورشومی آلوب
 برصاری سونکر کبی شی ایله قورشومک بو قدر زماندن رو دوردوغی یرده کی
 اویوشق قانلری و صاری صولی اخلاطلری [۴] جمله سونکر ایله آلوب سونکری
 شراب ایله ییقوب یینه قفا ایچنی و بینی اطرافلرن پاک و پاکیزه سلوب همان یینه عجله
 ایله قفای یینه قیوب دپه سنندن و چکمه سی آلتندن یاصی قایشارله محکم صاروب میدان
 محبته بر قطو کتوروب قودی

تماشای حکمت جراحان

همان حریفک مقدا باشنک دریمی ایکی قولاقلرنه وارنجه جزلمش ایدی همان
 اول دریلری بر برلینه یقین کتروب مذکور فطو ایچره ایری آتلی قرنجه دیدکارینک
 [۳] س، ک : قولاقلر [۴] س، ک : صولی قان [۵] س، ک : یمورطه سنندن
 [۶] ک : و صاری صولی و اخلاطلری

حتی رابه صوبی جنکنده قرالک بر اقرباسنک کله سسته قولانغی یانندن بر قورشوم اوروب قورشوم قفاسی ایچره ایچرده قالمش

در بیان کمال جراحت استادان

بوجروح کفره نه اولور ونه علاج پذیر اولور آخرکار قرال ایدر بنم اجداد لرمک دارش فالزنده بو قدر وظیفه معینه یر جراح کاملر و فصاد عاملر وار البته بونم اقرنامه بردوا اتسنلر یوخسه جمله سنی قطع ارزاق ایدرم دیدکده استفانی دیرینک جراح باشیمی علاج ایده جک اولدوغن حقیر استماع ایدوب جراح باشی به واروب حسن الفت اتدکده اول آن مجروح کفره بی کتوروب برچار بالی سریر حریر اوزره ضریر مثال اعما کی یطر دینر اما باشی آدنه قباغی کی کوزلری مار دین انجاسی [۱] کی بورنی مورده پطلجانی کی جمله سی شمشه هان حکیم باشی جمله کفره لری طشره قووب بر خدای وحقیرایله راسی جاملی اوده ده قالبوب هان مجروحه بر فلجان زعفران کی برصو ایچروب کفره کندودن کچوب مست مدهوش اولنجه اوده ایچره بر منقل آتش یاقوب برکوشه ده قودی وهان اول آن مجروحک وجودن حکیمک خدای قوجاغنه الوب جراح مجروحک باشنه کله پوش کناری اولان یرک اطرافنه بردز که باغی کی بر طاصمه قایش باغلیوب بر کسکین اسطوره انه آلوب حریر مجروحک اوکنه جراح باشی او طوروب حریرک آلننک در یسن ایکی قولاقترینه وارنجه باشنک در یسن چیزوب صاغ قولانغی یانندن در یی سهل یوزوب قفا کمیکی بم بیاض نمایان اولوب ذره قدر بر قطره فان آقادی هان جراح مجروحک قولانغندن ایلری شقاق تعبیر اتدکلری یردن قفانک اک یرندن قفانی سهل دلوب بر دمر منکانه صوقوب منکانه نک بورماسن بوردجه حریرک کله سی تاشو در یسی چیزیلن یردن کله پوش قدر قفاسی قالمغه باشلیوب حریرک مجروح بووقده سهل حرکت ایندی آندن ینه منکانه بوردجه حریرک کله سی قباغی با مرالله تعالی کله نک دش دش کند بر لرندن آچیلوب کله ایچنده ینی اکدن [۲] طرفه نمایان اولوب کله نک ایچی

[۱] ک : اجاصی . س ، ط : انجاسی [۲] ک : اکسهدن

چقنجه بربری ایچنده اولوب تا نهایتده کی طبقه سنه وار نجه اونیدی قاتدر و تا نهایتی جمله دن سوریدر کم غزل الما طوبی بنوک اوزرنده در بو ذروه عالیدن جانب شرقه اوچر قناق قلعه پوژون و قلعه آن پروق نمایاندر و جانب شماله او یوار صحرائی آشکاره در و جانب غربنده تا پراق داغلی آشکاره در تا بو مرتبه برقله بالا چاکلغ رعنادر خدای متعال مناره اندروب بانک محمدیلر تلاوت آمنه سن میسر ایده والسلام

ستایش طشره حرم

بودیرک طشره حرمک بر طرفی دسر پنجره لر ابله مبنی طشره سی قرال ضال و غیری کفره بدفعال یولیدر غیری طرفلرنده قات اندرقات جمیع دیار کفره لرینک کویا طلبه حجره لری وار کم جمله ایکی بیگ کفره لر تحصیل علم و معرفت ایدر لر بو حجره لرک اورتاسی بر میدان عظیمدر کم بنده اولان اشجار کونا کونا مشرآتک ظل حمایه سندن زمینه اصلا کونش دوشمز بر قویاغستان نمچه در بعضی فقرا کفره لر هر درختک سایه سنده او طوروب خورده وات و کوهنیات فروخت ایدر لر ...

درمقام دارالشفای مورستان یعنی بیمارخانه تیمارخانه

جمله بو شهر ابجرک کنارلرنده بدی رده بیمارخانه واردر اما جمله دن معمور و مزین سندس و استبرق مثللی جامه خابلی جمله د یباوشیب وزیراف یورقانلی [۱] و چارشافلی استغافی کینسه سنک تیمارخانه سیدکم بالذات قرال خسته اولسه بودارالشفایه کلر زیرا بودیرده افلاطون و بقراط و سقراط و بطنیموس و فیلقوس و فیلسوف مثللی حکمالر بونده در جمیع کافر لر سیاه روقله اسباب کیوب باشلرینه افلاطون شاقه سی کیر لر اما بونک حکمالری بیاض ساده لر کیوب باشلرینه تلاتین و کوده ریدن بدی رک [۲] برکونه طاقیه کیوب اللری دائماً الیواندن چتماز زیرا اللری دائماً یومشاق اولوب اهل دردک نبضنه یا بشدینی ساعت البتده در دینی بلوب [۳] اکه کوره علاج ایدر لر

[۱] ک : یورغانلی [۲] س ، ک ، ط : بدی ترک [۳] ک : البتده هر نه کونه دردی

وار ایسه ییلوب

طوپي سليمان شاه طشره ده ياپرب ايجرده قراله کوندرروب قرال زال دخي اول کيجه بو آتون طوپي بوچا کلنگ تاذروه اعلاسنه قيوب انکيجون بويج قلعه سنه بو آتون طوپ ايجون قرال الماي المان انکروس ديرلر بعده سليمان خان بي فتح بو قلعه آلتندن کيدنجه فرديناند قرال سليمان خانک آتون قرال الما طوپي اوزره بر آتون آي و بر کومشدن کونش تصويري قومشدز بعده سليمان خان کندو طوپي اوزره کفارک تصدرا نه برغيري شيلر قودوغيچون حاضر اول اوستکه سفرم واردر ديوب المان سفرينه کلوب ريبله يوز تيمش آتي پاره قلعه سن فتح ايدوب ايلن ولايتن خراب و بباب ايدوب آخرکار سليمان خانک طوپي اوزره آي و کونش تصويرن فرديناند قرال اندروب سليمان خان ايله عقد صلح ايدرلر بعده مرور ايام ايله سنه ۱۰۴۸ تاريخده سلطان مراد خان رابع بغدادا بهشت آبادي فتح ايدوب قسطنطينيه به کلنجه باده توبه-ن بوزوب مرحوم اولوب جلوس ابراهيم خاننده نيمچه چاساري ...

نام قرال بدفعال صلح سليمان خانه مخالف ناهموار برایش ايدوب سليمان خانک طوپي اوزره چطال مطال خاچ کبي بر آتون شي قومش نيچون بو خاچ شکلي شي سليمان خانک قرال الما طوپي اوزره قودیکز ديدکده آتون طوپ اوزره قوش قونماسون ديو اول خاچ شکلي چرخي قودق ديو جواب و يرديلر اما حقا که قوش قوناماز روزکار زورکاردن دخي فرلاق کبي دونر برکونه خاچلي چرخدر بوني دخي سليمان خان کبي طوپ اوستندن ادرر بر جري پادشاه حم عظمت البته بولنور اوله و بو قلعه نك جانب اربعه سنک ايچنده قات اندرقات کبرلر ايجره کار کبر بنا حجره لرك بللور و نيچف و موران جاملر ايله آراسته و نجه سوري سوري مناره کلاهي کبي سوري قبايلر ايله پيراسته اوئش اوزرلرنده کونا کون آتون خاچلي علملري وار و بربرينه نامشابه مقصورلر و شاهنشين جهانمالي و ايرکم جمله صاري پرنج و قلايلي دمر تنکه اورتولي قبايلري اوزره خاچ علملرينه کونش اورسه اول خاچ علملرك مطلاسي شعشمه سندن خدا حقيچون آدمک کوزي خيره لئز و بوچا کلنگ قلعه سنک انکاشي سي اسلامبولک غلظه قلعه سي قدر قاليندر اما اول چار گوشه سياه طاشدن مبنيدر آنک ايچنده برقات دخي آنک ايچنده آندن انجه برقات دخي آندن تا ذروه اعلاسنه

واستاد کامل ناغالمری [۱] جملہ بومنصطر چا کلغندہ جمع اولوب مباحثہ علم نا نافع کوررلر جملہ دن بویوک ساعت چا کی بوقلہ درکم نافوسی حمام قبہ سی قدر واردر چکیجی آت قارنی قدر درکم قچان اویله زمانی بو ساعت اون ایکی بی ضرب اندکده بوچاک صداسی ایکی قناق یردن استماع اولنور قیش کونلری چاک چکیجک [۲] ضربندن پاره نمنس دیو چکیجک اوکنه کچه باغلیوب ساعت چا کنه چکیج پک ضرب ایده مز و قرق اللی کونه ساعت اوریلر تاتار کسه شهری یغما اتسه باشقه طرز اوررلر وبدنام کونلری وصاری صالقی وقاسم وخضر الیاس واسوت نیقوله وآوستوس وقرل بومورطه کونلری و آیالعر نامه [۳] وقرالک برمعین انی اولماسی کونلرینک باشقه باشقا اورشلی وار برمهیب چا کدر قرق عدد کفره خداملری وار اما غیرى زمان ساعت وقتی کلدکده چرخلری اولوب ساعت ساعت کندوسی اورر اما غیرى زمان کفرلر اوررلر (تماشای غریبه) شهر بیج ایجره جملہ اوچیوز آلتش عدد منصطر و دیورلرک برر ایکیشر چا کلقلرنده دورت یوز یتیش ساعت قله سی واردر همانکم وقت ظهر اولدقده ابتدا بو استفان کینسه سنک بیوک ساعتی برکره اورنجہ دخی آهنگی تمام اولدن بیج قلعہ سی ایجره جمیع ساعت قله رنده چاکلری ضرب واحده ده چاله دوشر عجیب ارتباط بولدر مشلردر اما زومده بر آدمک ایکی ساعتی اولسه بری بردرجه وایکی دقیقه ایلری یاخود کری قالوب یورر اما بیج ساعتلری جملہ یک ضربدن چالر مصنع ساعت قله زیدر و جملہ قله لردن بو استفانی دیرینک چاکلنی عالی اولوب جملہ دیدیوز یتیش قدمه طاش نردماندر وایچنده جملہ اوچیوز عدد صغیر وکبیر حجره بطریقان واردر ودخی تا ذروه اعلاسنده بر آلتون طوپى وار کامل یوز اللی وقیه آلتون خالص طوپ دولبدر [۴] ایچی اون شنک بوغداى آردرلر چنانکم سلیمان خان سنه ۹۳۶ تاریخده بو بیج قلعہ سن محاصره ایدوب بو قله بالایی دوکمه قیاسوب آخز عبادتکاه مسلمینه بانک خانہ محمدی اوله جقدر دیو بوقله اوزره علامت اولسون دیو مذکور آلتون

[۱] ک : ناغالمری [۲] (چالچق) اولتی مناسبدر (م) [۳] ک : آیایس نامه
[۴] (س) نسخہ سی ده بوبله در فقط نقطه سزدر (م) [۵] ط : آیاهرا نامه [۶] ک : دولبدر

دكلدر و بو آثار غريبه كچه سياه طاش بنا كي كورينور اما طاش دكلدر
 آچي كي معجون ايدوب صنعت ايله طوكدرمدر حقيقه الحال بو حقير اولقدر
 امعان نظر ايله تقيد ايدوب كوردم طاشلك بربرلينه امتزاج يرلن كوردم
 و بوچاك خانه قله سنك ايجريسي جمله يكرمي يدي طبقه در و جمله بيك عدد رهبان
 ايله ممولدر تاذروه اعلاسنده انوب چقماغه قوت و قوالري اولان محبوب موغ پچه
 و بطريق پچه پاپاس غلامري سا كن اولور آندن آشني يكرميسنه بالغ پاپاس پچهلر
 آندن آشني قرق اللي ياشنده رهبانلر وار آندن آشني تمش سكن سنه بالغ
 اولمش نابالغ بطريقلر وار اك ادنا طبقه سنده يوز اللي يوز آلتش ياشنده پيرمغانلر
 وار كم عمر نازنينلر كال [۱] رياضات ايله كچروب قديد محض اولمش قيسلر وار كم
 اول مرتبه مسن و معمر و زال زمان اولمشلر كم قوتلري كتمش و هيئنلري تمش و عمر كان
 مايه لري يوز آلتشه و يوز تمشه تمش و مصاحبتدن بالكليه قلمش نيجه سي هفته ده
 بر كره افطار ايدوب بش بورنما [۲] و بش زيتون و اون دانه سياه اوزوم
 و بش خورما و بر ايكي فنجان سود ايجر بعضيسي بو ما كولات و مشروب اتلري
 يكرمي كونده بر و آيده بر افطار ايدر رهبان و راهبلر وار كم هم ضال و هم نضل
 لاديقلر وار اما جمله سي نانه چوپنه و يادس كميكنه دونمش آريق و عروق و قديد
 محض كافرلر وار كم يكرميسنه بر موشت پهلواني اورسه لر جمله مرد اولورلر الحمد لله
 على دين الاسلام حديث صحيح اوزره (لارهبانية في الاسلام) مضمونجه معدي
 كرب قدر ييوب عبادت ايدوب غزا ايتمكه و حلال مزله جهادا كبر اتمكه قوت و قوابلورز
 اما حقا كه بو كفره لرده پرهيز و رياضات ايله نيجه حالتلر مشاهده ايدوب تن درست
 اولوب اخلاط امراض مختلفه دن بريلدر و رياضت و مجاهده ايله نفسلر دنخي
 اولدر مشلدر و اولقدر علم فلسفيات و علم رياضت و علم طب و علم جراحت و غيري
 اوچيوز تمش دورت كونه علوم غريبه لر و علوم عجيبه لره مالكلدر هان علم
 فرائض يوقدر اما علم حساب و علم هندسه و علم نجوم و علم اسطرلاب بونلرده در
 اما با مرالله تعالي علم جفر دنخي بو كافرستانده يوقدر اما جميع كافرستانك و لنز ناري

[۱] س، ك، علم كال [۲] پ: بورنما

مالک فر باجلر ایله خلقی اورارق عقرب ویلان وچیان و دوهر بونی قدر عنکر کلر
 آدمیری صوقاراق بو آلام و شد ایدلرک تصویراتلرن کورنلر طبیعت نمرودیتدن
 وفرعون وقارون و شدادیت طبیعتندن و همزه و لمزه و ذمام و تمام و فاسق و فاجر وزانی
 ولوطی و رباخوار و خمرنوش اولوب جمیع اخلاق ذمیمه لردن تائب و طاهر اولور
 بو عذاب الیم تصویرلرن کوروب یمدن و ایچمه دن بری اولوب بر کنج محنتده
 صومعه سینده بقیه عمر کران مایه سن طاعتله کچروب چرکف دنیادن ال چکوب
 امر اللهک جنت اولماز سه باری جنت و جهنم اورتا سنده اعراف اولسون دیر اما
 استاد نقاش یدطولاسنی عیان ایچون بو دیرده بر اعراف تصویر اتمشکم بر طرفن کورن
 شاد و خندان اولوب بر طرفی تصویرن کورن متالم اولور و بر طرفده میدان عرصات
 تصویر اتلرن کوستروب بیک بر آباق بر آباق اوزره بر هلیج و ملیج و اوویلا و اولدا و فزع
 و جزع ایدر شکلی تصویر عبرت نملر کوسترمشکم آدم کوردکده و جودی برک
 خزان کبی دردر دتر خلاصه کلام بو جنت و جهنم و اعراف تصویر لرینک اوصاف لری
 دریا ده قطر و کونشده ذره قدر تحریر و توصیف اولنماق ممکن دکدر نا که علم الیقین
 و عین الیقین و حق الیقین حاصل اتمینجه اولماز اما بو منصطک اوچ قبوسی وار بری
 قبله قبوسیدر کم بودخی تعریف و توصیفدن عاری کمر لری [۱] جمله بورمه بورمه
 زیه زیه مر مردن او بولمش مقرنس و فرشلر و میدینه لر و سحر اعجاز تصرفی باب عالی در
 و قناطر ننده اولان سحر آثار خورده کار صدف کاریلر بر دیارده یوقدر وصول
 طرفنده کی باب مصنع همچنان باب راهباندر و صاغ طرفده کی باب جانب جنوبه
 مکشوف اولوب قرال سرائی یولینه ناظر در اما بو قبونک صاغ طرفنده

ستایش قله ناقوس خانه عبرت نما

بودیر عظیمک چار گوشه سنده درت عدت ساعت قلمه سی وار اما اوچی کوچک
 ساعت قله لیدر اما بو صاغ قبونک یاننده کی سر آمد قلاه پر مهابتک مثلی بور بیع
 مسکونده یوقدر و حالا دنیا استاد لری بر پیره کلسه لر بر طاش بر پیره قومباغه قادر

[۱] س، ک، ط : اطراف کمر لری

وصکرہ کی کلن اولیالرمزک وصاحبقرانلرمزک وخیرات صاحبی پادشاہلرمزک صورتلریدرکہ کوروب تعظیم ایله خیر دعا ایدوب جملداً زیادہ حضرت عیسیٰ نبی بہ زیادہ تعظیم ایدہرز زیرا روح اللہدر بزم دینمزدہ صورت یازمق جائزدر زیرا پایازلریز وعظ و نصیحت ایدرکن سزک شیخلرکز کبی خاقہ حسن تعبیر ایله آکلاتمق مشکل اولوب تصویرلری ایله پیغمبرلری و اولیالری وجنتی بو جمال طرفی صورتیہ یازوب آکلادرز وجهنی بویله زبانلر ایله و آتش سعیر و نار حمیم ایله نقش ایدوب جلال طرفن یازوب پایاسلرمز خلقه قورقک اللہدن دیو وعظایدرکن بو صورتلری کوستریر یوقسہ بونترہ عبادت اتمہرز دیو جواب اتدیلر اما بونمسہ قرانک تخت نابختی اولان بویچ ایچندہ کی استفانی کینسہ سندہ برکونہ جنت تصویری وارکم آدم کوردکدہ روح تسلیم ایدوب آیہ سورہ ...

(فادخلی فی عبادی وادخلی جنتی) دیوب داخل جنان اولاجاغی کلر وجنت عدن برینی وجنت فردوسی وجنت علیبنی وجنت سدرہ وجنت ماواپی وجنت ...

بو جنتلری برکشادہ یردہ قات اندرقات قصرارم جنانلر ایله وکونا کون انہار عظیملر ایله وحوض کوثرلر ایله مملو باغلر و باغچہلر و حوری و غلمانلر ایله و نیجہ بیک کونہ براق و سندس و استبرقلر و رفرر نام براقلر و جمیع ملائکہلر و عرش و کرسی و لوح و قلملر ایله بر جنت کوسترمشکم حقا فرنک تصویرہ کلدکدہ ہند و مجمہ غالبدر و بوجنتہ قارشیلق بر مظلم کینجده اللہی آدمیم مقداری طولی بر دیوار یوزینہ بر جہنم تصویری یازمشکم حقیر کوردکدہ سورہ فاتحہ دہ (اهدنا الصراط المستقیم) او قودم و میزان و ترازوی کوروب سورہ رحمن دہ (ولا تخسروا المیزان) آیتن او قودم و درک اسفل درہ سن کوردکدہ سورہ نسادہ (ان المنافقین فی الدرک الاسفل من النار) آیتن تلاوت اتمم و چاہ غیابی کوردکدہ سورہ (ویل لکل) آیتن او قودم و یل دہ سی و سقر یوقوشی و طمودرہ سی و سبجین درہ سی و سعیریلر و غیری کونا کون جہنم درجہلرن [۱] استاد نقاش فرنک پسند بر نقش فرنک مانی اتمشکم بر کرہ اول جہنم ایچندہ عباد اللہک نفت و قطران و آتش ایچندہ بریان اولوب زبانلر ائندہ کریان اولوب

[۱] تعبیر مشہورہ کورہ (درکلرن) اولمیلدر (م)

آیتلر زهاوی مقاملر نده کونا کون تحریرات ایله تلاوت ایتدکلر نده آدمک چکرلری خون و دیده لری اشک کلکون ایله پر اولور اما کرچه نمسه زبور آیتلر او قورلر اما حضرت داوده قبل حقندن نازل اولدینی کبی لسان اوزره دکلدر نمسه کفاری لسانلرینه ترجمه ایتشدردکم مخلنده تحریر اولنور یقینده اما بو ارغنون کرچه دجال صداسی کبی بر مهیب و موحش صدای جکر دلندر زیر آدمک جمله وجودنده کی توکلری اولپرر الحاصل امی اولان آدم بو ارغنون دیکلسه داود نبی وعیسی روح الله معجزه سیدر اول ارغنون ایسه نه کرامت ونه معجزه در آنجق سحر اعجاز بر معرفت سازلرک جمعیتدرکم استماع ایدن آدملرک عقلری پریشان اولور بو دیر ایچنده باش پاپاسک بدنام کونلر نده چیقوب وعظ ونصیحت ایده چک بر کورسی سی وار بنوک دخی وصفنده لسان قاصدر در بر محفل دخی قرالره مخصوص بر مقصوره کار پرفصوص وارکم استاد نمسه ید طولاسنی حقا که عیان و بیان ایتشدردکم استاد مهندسین معمار سلف وارمقدورن صرف ایدوب اول بنای بانی بو محفله بو دیر مصنعه نیجه بیک کونه تصرفلر اتمشکم اطلس فلک دهر دینده او یله بر کار کرلک بر معمار سلف اتمه مشدر مکر استاد ازل بویله کار بو العجب ایده

در بیان تماشای احوال تصویرات کنیسه بج

بو دیر ایچره اول قدر تثال و تصویرات و نقوش بنی آدم و اولقدر کونا کون صنم پوطلر وارکم او یوار فتحندن صکره ولایت لهده و جهده واسفاجده و مجارده و دونقار قیزده و دانیمار قده و دانسقه اسکله سنده کی دیور معظملر ده بویله چوق پوتلر کورمه مشم حتی بر قاچ پاپاسلر ایله حسن الفت ایدوب آنلری الزام ایچون ولطیفه اولوب حسن اختلاط اولماق ایچون حاشا شم حاشا سیزک نه چوق تکر یکز وارکم هر برینه باشلر کزدن شاپقه لکز چیقاروب طپوب سجده ایدوب کچر سز دیدیکمه آنلر ایتدی حاشا بونلر بزه تکرری اوله الله سنی ویزی یرادن بیر ییزوالدورکم روح اللهدر حاشا بز بو صورتلره طپوب عبادت ایده بز و بونلردن اغول و نعمت و دولت دنیا و عمر ایستیه بز آنجاق پیغمبر من حضرت عیسی و حواریلرک

ظاهر اولورکم حقا جمع سازلری صارصوب هر سازدن برکونه صدا ظاهر اولوب
 استماع اولورکم اشیدن آدملر واله وجران اولور وکوروکک بری اشینی انجه
 اوستنده کی طواشی غلاملر مذکور زرباندن اونی دخی طرمشوب چیقارلر وینه
 کوروکه بیزلر او بر کوروکه دخی بویه غلاملر او بر کوروکه بنوب کوروکلر غلاملر ایله
 اینوب چیقماده در [۱] و بوغلاملر همان کوروکه بارثقیل اولوق ایچون دکلدلر
 بوغلاملری آنکیچون طواشی اتمشدرکم نفسلری بوزولیبوب ارغنون صداسیله آهنگ
 ایدوب اصوات حزینلر ایله رهاوی مقامنده زبور آیتلرندن محف سورهلری او قورلر
 کرچه تورات وزبوری یهودیلر او قورلر زیرا آنلر داودی وموسویدر اما بونمسه
 عیسویلدلر یا نیچون بونمسه زبور آیتلری او قورلر دنیلرسه نص قاطع اوزره
 (و آیتنا داود زبورا) آتی اوزره حضرت داود علیه السلام زبور آیتلری تلاوت
 ایدرلردی آنلرک زمان سعادتلرنده نیجه قومی حضرت داوده ایمان کتیروب جمع
 آیین داودنی اوزره عمل ایدرلردی بعده آیین داود کیدوب آیین عیسوی اولدیلر
 [۲] حالا بونمسه نک زعم باطللری اوزره حضرت داود زبور او قورکن ارغنون
 سازنی چالوب زبوره آیتلرن حضرت داود صوت حزین ایله تلاوت ایدرلردی و جناب
 الله حضرت داوده برخوش الحان نفس وروب تلاوت زبور ایدرکن جمیع کروبیان
 صوت داودی استماع ایدوب سبحان الخلاق دیرلردی وارغنون حضرت داودک
 معجزه سیدرکم زبور آیتین او قورکن نیجه بیک عدد منکرین ایمانه کلرلردی حالا
 جمیع ملل مایینده داودنی علیه السلام زبور او قورکن بلند آوازی مشهوردر و حتی
 قرآن عظیمده سوره فاطرده (ویزیدنی الخلق مایشاء) آیت شریفن فصحای بلغای مفسرین
 صوت حزین ایله تفسیر اتمشدرلر زیرا خوش آواز عالم ارواح صداسیدر دیمشدر
 دیو حالا نمسه پاپاسلری بویه دیوبوب ارغنون چالارلرکن جمله بطریقان ورهبانان مقام
 رهاویده ارغنون چالوب زبور آیتلرن او قورلرکن مذکور کوروکلر اوزره طواشی غلاملر
 دخی ایکی کوروکلر اوزره اونا عدد غلاملر خوش آواز و خوش الحان ایله مسلسل زبور

[۱] س: او بر کوروک دخی بویه غلاملر ایله اینوب چیقماده در [۲] ک: آیین عیبی ایدوب
 عیسوی اولدیلر

جميع كفار لر اوطوروب زعم باطللرنجه آيين عيسى ايدوب عبادت ايدر لر حتى بودير
 ايجره مذکور اسکمله لرك جمله سی بربرينه بکزه ملك احتالی اولما دوغندن ماعدا قوش
 کیمکندن و آدام کیمکندن بالق دشی وفیل دشنندن والحاصل جميع اخشابادن استولنویلر
 [۱] یعنی اسکمله لر واردر و بوديرك کرده قبله قپوسنك ايج بوزنده سکز عددستون
 نحيف حجر صوان اوزره برارغنون محفلی وارکم هنوز زمانمز استادلری اویله برقصر
 مصنعه تیشه واره اوروب یاغنه قادر دکلردر مکر استورغون قلعه سنده کی قرل الما
 جامنك ايجنده سلیمان خان محفلی اوله اما بوبج محفلی اندن عالیدر و بونده اولان
 ارغنون حضرت داود بردیار کفره لرينك دیورلرنده یوقدر کامل اوچیوز عدد
 ساز و طبل و نقاره و نفیر و کونا کون مز مرا تلردر کم [۲] نه دیلر لرایله تعبیر ونه قلملرله
 تحریر اولنور انجق سماعه [۳] موقوفدر وبومصرع (شیدن کی بود مانندیدن)
 کبی کورمه محتاج برواجب السیر ارغنوندر حتی جميع سازلری مذکور محفل اوزره
 زین اولوب بوسازلرک یمین ویسارنده جاموس در یسندن آتلیری و اوستلری چام
 تخمه سی کوروکلردر اوستنده کی تحتلری مقره ایله پاپاسلر یوقارو چکوب برکه روک
 اینر وبری چیقارکم بو سازلرک روزکارلری کسلمیوب علی الاتصال سازلر صدا وره
 وهر کوروکی چکمه یکر میشر نفر پاپاسلر بوایشه خداملردر و بو کوروکلرک یا نلرنده
 طولانی دیکلوب دورر زردبانلری وار چقانکم کفارک بردنام کونلرنده بو ارغنون
 چالمق مراد ایدن کلرنده بو ارغنون علمنده ماهر استاد کامل ساحر کفره لر وارکم
 هربری قول اوار کتانی اوزره علم موسیقارده فریدالدهر اولوب کویا هربری فیثاغورث
 توحیدی و عبدالله فاریابی و غلام شادی و حسین باقرا مرتبه سنده استادلر کلوب
 بو ارغنون بساطلرینک چرخلرین و بورغولرین بوروب و جميع زممارات مارا تلیری
 قوروب مذکور کوروکلری چکمه که باشلار لر اما بو کوروکلرک یا نلرنده اولان
 زردبانلردن طواشی نمسه غلاملری چیقوب آماده دورور لر چقانکم کوروکلرک اوست
 تخمه سی نهایتنه چیقوب آشنی اینرکن همان طواشی غلاملر زردبانلردن اینوب کوروکلرک
 تحتلرینه بنوب کوروکار ایله اشنی بیله اینرکن کوروکلرندن برکونه ریج صرصر

[۱] س، ک، ط : استولیلر [۲] ک : زممارا تلردر کم [۳] ک : آنجق رؤیت و سماعه

برامت محمد ديمزگم بوقدر ڪتاب الله نلف اوليور بوڪه برچاره ايدم دمڪ احتمالري
 يوقدر زيرا انلرڪ ڪتاب اللهلم ڪافرقدرد محبتلري يوقدر همان اول جامعي بوديرڪي
 عمار ايدوب خداملري وحاڪمري اول غريب جامعه مرحمت نظريه نظر ايدلر
 اما بويچ ڪنيسه سنڪ ايچنده روزمره بيڪ عدد خداملري موجوددر اون سڪز
 قراللق ڪافرستان ڪفره لرينڪ پاپاسلري ولاديقه لري وپاپالري وارشاڪلري ورهبانلري
 موجود اولوب هرملت نصارانڪ بوديراچنده بر ڪوشده مقاملري وارگم شب وروز
 جميع علوم ورياضه چاليشير ڪفره لر موجوددر واستولتي بلغراد دست ڪفاردن
 ڪيده لي نيجه قراللري ونيجه ارشاڪلري ونيجه باش پاپاسلري بوديرڪ مخرابي اوڪنه
 ودرودن ديره ڪومرلر ايڪي طرفي صافي مشادلق مزار لغيدر اورتسي تاحمراهه وارنيجه
 ايڪي سوز عمود اوزره مخزندرگم بونده اولان التون خزينه سنڪ حسابن خالق ڪونين
 بلر غروش خزينه سي طشره حرم التندهدر حتى قرال سلف قزلرندن ازاريله
 صون نام دختر باڪيزه اختري مرد اولوب بيڪ مليه ن مالي وپوز مليون التوتخي
 بوديره وقف ايدوب حالا دورر ونيجه بونڪ ڪي امثالي مليون ماللر بونده مدفوندر
 انڪچون اسفاج قرالي بردولي ڪسه شراب زهر نابي نوش ايدوب ايدر بوتاج و تخت اسڪندر
 ددهمڪ تختي بڪا حرام اولسون نمسه نڪ بيچ قلعه سنده ڪي استفاني منصورنده ڪي ماله
 مالڪ اوليا نيجه بودولت اسفاج بڪا واولاد لريمه حرام اولسون ديدو تعهدلر ايدر
 تا بومرتبه مال بي حد وپايان وار بردير معظمدرد و بونده اولان نيجه بيڪ مصر خزينه سي
 مال دڪر ڪونا ڪون پوطلر ونيجه ڪره يوز بيڪ عدد مصنع آويزه لر وارگم هر ڪري برديار
 قراللرندن وهر ڪري بر استاد ڪاملردن ڪلش مصلوبات آويزه لروار واولقدريڪ
 التون وڪومش ومرضع قناديللر وشمعدانلر وچراغدانلر وبنجوردان وجمره لر وارگم
 ڪوره نڪ عقلي ڪيدر اما بودير دوشه لي دڪلدر جمله بالاده تحريرو اولنان احجارات
 ڪونا ڪون متنوعه لرايله فسوس ڪاري رخام عبرت نموندرگم هر برطاشي قوش ڪوزي ڪي
 ڪونا ڪون نقوش غريبه لرايله مفروش دير ڪي دردر جوانب واطرافنده جمله اوچ بيڪ
 عدد اسڪمهلر درگم جناب الله بوروي ارضده نهگم خلق اتدي ايسه جمله موجوداندرن
 مصنع اسڪمهلر وارگم هر ڪري بر قرال ضالڪ وبرايعان پر ملاڪ خير اتلريد اوزرلرنده

ذی قیمت عبرت نمون ایله زین اولوب هر سنک جواهر برر کونه فروروب بودیره
 حسن ورمش و قبله سی اولان طرفنده لعل و یاقوت و زبرجد و سیلان و فیروزه
 نشابوری و عقیق یمنی و عین الھر و عین الحر و عین السمک و صاری یاقوت و کولک یاقوت
 و کهربا و صدف و حبش لولوسی مثللی کونا کون اھجار ذی قیمت ایله انشا اولمش
 دیواردر و انجیل و تورات و زبور و الفرقان اولان دلابلرک [۱] دیوارلری ایچی جمله
 عمر خام ایله صیوالی حجره لردر کم جمیع دنیا ده نقدر السنه مختلفه قوم و ارایسه انلرک
 لسانلری اوزره جمیع مصنفین و مؤلفینک کتب معتبره لرندن نیجه کره یوز بیک
 مجلد کتابلرینک باشقه خدام پاپاسلری واردر بر کتاب خانه عظیمدر کم واجب السیردر
 بردیارده بویله کتاب مستطاب جمعیتی یوقدر الا مصرده سلطان برقوق و سلطان
 فرج جامعنده و اسلامبولده ابو الفتح جامعنده و سلیمانیه ده و یازید و لیده [۲] و یکی
 جامعده دخی حسابن الله رب العالمین بلر کتابلر واردر اما بوجده استفانی منصورنده
 کتاب دخی زیاده در زیرا هر لسانک کفره خطلری مصور کتابلری و تشریح
 کتابلری و اطلس مینور و جغرافیه و پاپا مونظه نام هیئت کتابلری غایت چوقدر اما
 بزده صورت حرامدر دیو تصویرلی کتابلر یوقدر انکی چون بویج منصورنده کتاب
 چوقدر هله بو حقیر باش پاپاسک اذنیله بو کتاب خانه بیروب سیر و تماشا اندیکمه
 عالم حیرته قالب مسک و عمر خام رایحه سی دماغم معطر ایلدی امدی عزیزم بو
 کلام درازدن مآل و متحصل اولدر کم کافر کافر لکنجه کلام الھدر دیو جمیع کتابلری
 هفته ده بر کره سیلوب سپورب یتش سکسن قدر خداملری وار اما بزم مصر
 اسکندریه سنده جامع العطارین دیرلر بر جامع عظیم واردر بو قدر یوز دکان خان
 و حمام و مخزنلری و نیجه خیراتلری و ارایکن جامع خراب و بیاب اولوب کتاب خانه سی
 اوزره باران رحمتدن نیجه بیک جلد کتب معتبره لری و یاقوت مستعصمی و عبدالله
 قریمی و شمس الدین غمراوی و شیخ خوش [۳] خط شریفلری ایله ذی قیمت کلام عزت لر
 جمله یغموردن چورویوب جمعه نمازینه هفته ده بر کره بوجامعه واران مذکور
 کتاب الھلری بین کووه لرک و قوردلرک و فارملرک صدالرن استماع ایدوب
 [۱] س ، ک : دلابلرک [۲] س ، ک : ولی جامعنده [۳] س ، ک : و شیخ جوشی

منصطری ده مکلف و معمور و مزین دیر عظیملردر لکن بویج ایچنده اولان استقانی منصطری بنای عتیق و غایت معمور و بونده اولان مال و خزاینک حد و حصرن و بونده اولان جواهر مرصعاتک و بونده اولان امانت ذی قیمت جواهرک حسابن جناب باری بلر و بو آنه دک تماشاشا اتدی کمز دیورلرک جمله سندن بو استقانی دیری بیوکدر جمله اون الی عدد عمود منتهالر اوزره بعضی یرلری کار کیر قیاب عالیلدر کم افلاکه سرچکمشدر و بعضی یرلری تا ک خورنقلر اوزره سرودن درخت منتهالر اوزره نقش بو قلمون عبرتمون طوانلری جمله زراندر زر نقوش غریبه و عجیبه فرنک پسند سحر اعجاز نقشلردر بو طوانلر اوزره سطوحی حار بوشده [۱] اورتولی رصاص خاص نیلکوندر بعضی یرلری کونا کون صرچلی کره مت اورتولیدر ... [۲] بعیده دن بودیره آدم نظر اتسه داملرینک و جاملرینک بلور و نجف و موران روزنلرینک شعله سندن و اوچیوز یرده آدم قدی آتون خاج علملرینک شعله سندن مردم بی آدم خیره لئر بودیر عظیم کوردستانده آتون معدنی اولان عقره داغی کبی برق اوروب نوری آدمک دیده لرن خیره لندیرر و ایله جه بر منور داغ کبی دورر بر معبدکاه مسیحیهدر و درون دیرده اولان مذکور اون آلی سر آمد صباقی و زنبوری و یرقانی عمود منتهالرک هریری اونار مصر خزینه سی دکر ستون بالالردر کم حضرت سلیمانک اهلی بلقیس انانک مسقط رأسی اولوب حالا خراب اولن یمن دیارنده سبأ شهرندن ککش عمود عظیملردر کم اراضی جهانده مثلری یوقدر واجب السیر صنع خدا صوان طاش درکلدر و بودیرک طولی کرو قپودن محراب عیسیه وارنجه کامل اوچیوز ایقدر و عرضی کامل یوزسکنن ایقدر و قات اندرقات و تا ک اندر تا ک اره لرنده خورده روح توتیادن و بلغمیدن و سنک فرحدن و یشمندن دره جکلر واردر و وجهه روی دیولری و صغیر و کیر قبا بلری و اندرون و بیروننده انواع فصوص مقوم و محکوک کونا کون رخام عبرتمای معکوک ایله معقود قلنمشدر و هر قبه نیلکوننده و جمله در و دیوارنده و غیره تا کلری کناره لرنده کی زیهلرنده کونا کون عمق منجوقلر و بیاض و سیاه و یشل و احمر کون و غیره ایجار

[۱] س : حار بوشده [۲] س ، ک : برمسافه بعیده دن

وقلباقری وکلاہلری وجمہ لباسرن آلوب ہر آدمک قولتوغی آلتیرینہ برر ساعت
مفتاحلرن صوقوب چویردی درحال جملہ امت محمد اسیرلرینک اللری وباشلری
وکوزلری وقاشلری اویناماز اولدی وباشلرندن صارقلرن وصرطلرندن اسبابلرن
آلنجہ کوردمکہ بونلر جملہ طوچدن ساعت کبی آدم تصویرندہ قورولوب چرخلر
ایلہ ساعت کبی حرکت ایدر ایمش حقیر عالم حیرتہ قالدقدہ بزم رفیقمز علی اغایدر
اولیا چلبی ورہ اللہ ایچون شواسیرلرہ برقیچ ایچہ دیو لطیفہ اتدی حقا کہ غرایب
ومعجایب تماشا ایدی

درکار کهنهٔ مطلسمات استادان سلف

اولا بوشهر بیج ایجرہ اصلا اسباب یبقانماز اکر یبقاسلر پارہ پارہ ارر کیدر
جملہ قرشو بزم طرفزده کی واروشده یبقتر نالاده تحریر اولمشدر وبوشهرده اصلا
قان اولوب حیوانات بوغزلنماز اکر بوغزلنرسہ طاعون مستولی اولور وحالا
طاعون و سوری سنک وقرہ سنک ویلان وچیان وعقرب واستا اولماز وقرغہ
وبایقوش ولیلک شهر ایجرہ یوقدر اما طشرہ واروشلرده واردر جملہ بو اشیلاری
حکمای قدمای سلف طلسمات آتمشدر [۱]

درعلامت بی مدح کلیسهٔ راهبان قسیسان

جملہ آلتش التی عدد دیور بطریق ومطرہ پولید کان عنید پلید پاباساندر اما
التش التی سی منصطر عظیملردرکم ہربری برر قرال ضاللرک ناخیر بدآیین
خانہلریدر انلردن ماعدا اوچیوز عددی شہرک اندرون وپیرونندہ خوردہ جہ
کنیسہ جکلردر اما جملہ آ شہرک تاشو عین الفعانندہ استفانی نام منصطری روم وعرب
وعجمدہ الحاصل بوادیم ارضک اقالیم سبہ کافرستانندہ ایلہ برینای عظیم وایلہ بر
کار قدیم انشا اولنماشدر واولمازده جملہ سیاحان بر و بحار ربع مسکونندہ نظیری
یوقدردرلر حقا کہ کرچکدر اما بو حقیر لہ مملکتن سیاحت ایدرکن بحر محیط
کنارندہ دانسقہ اسکہ سنندہ ... منصطری واوتا مجارده قشہ شہرندہ ...

[۱] س ، ک : آتمشدر

قوج بو حریفه اون ایکی کله [۱] اوردقلرنده حریف طریف دکل اول کله لری قوچلر فیل منکروسی به اورسهلر خورد ایدرلر اما سلیمان خان بو قلعه محاصره ایتمکه عزیزیت اندکلرنده مذکور ساعتلی و بو عبرتمالی کیلره قیوب پراق قاعه سنه کتورمشلر صکره ینه کترمشلر وینه طقسان تاریخنده کتوررلر [۲] بو مذکور عبرتتا تصویرلرک اسملیله مسما برر برر صواقلرک اسمیدرکم انکله معرف در [۳]

در فصل تماشا گاه اغرب و غرایب

بو حقیر پرتقصیرینه بیج شهری ایچنی سیر و تماشا ایدرکن حکمالر چارشوسنه اوغرادقده یوز عدد دکانلردر بعضی دکانلرک اوکلرنده اسکملهلر اوزره بیاض بیاض صارقلی و بوشناق قالپاقلی و تکه و حمید کلاهی و تاتار صفتلی و تاتار قیافتلی و قلیاقلی جمله اللری و ایاقلری دمر زنجیری امت محمد اسپرلینک کمی قره عراب و کمی جوان یکتلر و کمی آق صقاللی اختیار پیر فانی آدملر محزون بوونلرن بوکوب اسکملهلر اوزره اوطوروب اوکلرنده مفرت طوجدن هوانلر ایچنده بسباسه و کبابه و دارچین و دار فلفل و قاقوله و زنجبیل واکر و غیره اجزالی ایوله چالشوب دوکرلرکم کویا اسکلهلرنده تیز دوکک دیو قلیج ایله دورر آدملروار اما اختیار اولان آدملر آهسته آهسته بی درمان دوکوب صاغنه صولنه بقوب بی تاب و بی مجال قالدیغندن بو حقیرک مرحمت طمرلری سکره یوب سخاوتم تودپ اختیار اسپرله بر قاج اچمه ورلم دیه کیسه چیقاردقده استرغونلی بوشناق علی زاعم مناع الحیر اولوب ایدر شمدی قو طورسون اخشامه قریب ینه بو محله کلوب کچدی کمز زمان ویر شمدی بو اسپرلرک صاحب لری یانلرنده دورویور وردیکک اچهلری اللرندن آلر ددکده حقیر دخی معقول دیوب کیسه ینه جیمه قویب ینه کورم دیکم ز چارشوی بازارلی و محلاتلی و عمارت اولان آثار بنالری سیر و تماشا ایدرک اخشامه قریب ینه مذکور اسپرلرک یانته واروب تماشا ایدرکن دکانلر قیابتمه مباشرت اولدقده بر قاج کافرلر کلوب بو امت محمد اسپرلینک بللرندن قوشاقلرن چوزوب باشلرندن صارقلری

[۱] س ، ک . کلهبی [۲] س ، ک : کتورر درلر [۳] س : معرف در .

مگر سینہ سی ساعت چا کی ایمش تمام اون ایکی کرہ سینہ سنہ خورطومیلہ اوروب بلرلرکم نصف نہار اولدی برغرہیب ومہیب عبرتتا فیل ساعتدر بوخلہ فیل صوقاغی دیرلر (تماشای غیر) ینہ برکوشہدہ دخنی ینہ برگر آلتندہ بیاض فیل واردر بوکیجہ ایلہ ساعتی چالر برحجوب مصنع فیل صورتیدرکم ایچریسی طوجدر اما طشرہ سی ینہ فیل ذریسیدر بنوک دخنی حرکات وسکناتی همان سیاہ فیل کییدر اما بو سحر اعجاز صنعت عظیمہ درکم کورن آدم حیران اولور (عبرتتای آخر) برکوشہ باشندہ سہل واسمعجہ میدانہ بر صافی [۱] قرمنی عمود منتہا اوزرہ بر صفرہ عظیم قدر برقرسنی ایچرہ بقردن آلتون یالذلی برطوس صورتی واردرکم چچانکم وقت ظہر اولدقدہ طوس بر کرہ صیحہ اوروب قنات قاقوب مذکور بقر سنی نک کنارندہ اون ایکی کرہ دوران وسیران ایتدکچہ اون ایکی کرہ قناتلرن بربرینہ اوردقجہ ساعت صداسی آدم قولاقلرن اصم ایدر (صنعت مصنع دیگر) اولایتہ برکوشہدہ طوجدن آلتون یالذلی برکچی صورتی وار بو دخنی اغرب غراییدن مصنع تمثالدرکم کویا بر تکہ کییدر (دیگر عبرتتای واجب السیر) سیاست میدانی نام محلہ یولک ایکی طرفندہ کمرلر آلتندہ ایکی دانہ طوجدن قوچلر وار اما اوزرلینہ قیون درسی کچر مشلر چچانکم اویلہ زمانی اولور بو قوچلر حرکت ایدوب بر کرہ اشنوب بربرینہ تا یولک اورتہ یندہ کلہلر اوروب اویلہ طقوشورلرکم صدمات کلہلرندن زمین دردر دترہ یوب اویلہ زمانی اون ایکی باش [۲] بربرلینہ اوروب کلہلرندہ کی ساعت چاکلری صدا وور چچانکم بر آدمہ سیاست ایدہ جکلردر اول آدمی بو قوچلر اوکنہ کتوروب ایکی الی وایکی آیاقلرینک باش پارماقلرن بریرہ باغلیوب مذکور ایکی قوچک دو قوشاغانی اورتاسندہ کی یرک کمرندہ مجرم حریفی طورہ کچی اللرندن و آیاقلرندن صلب ایدرلر حریف مجرم اگر باشندن کچرسہ جان برجهنم کیدر اگر قوچلرک باش اورماسندن خوف ایدوب جرمی اقرار ایدوب یا خلاص اولور یا عقاب الیم ایلہ میدان سیاستدہ ایکی

[۱] س ، ک : صفاق [۲] س ، ک : اون ایکی باشی [دوغروسی (اول ایکی باش)

اولمیدر (م)

بویله غازی یکیدی بویله حیلہ ایله اوروب توفنک ایله آوردک چونکه یکید ایدک آتندن ییقوب یکتلک ایدوب باشنی کسمیوب موہوناد توفنکیله اولدوردک دیوب قرال ضال عدالت ایدوب چرکزی شهید ایدن کافری اول چرکز یکیدینک قرشوسنده دیوار اوروب [۱] اشکنجه ایله دیوار ایچره مرد اولوب حالا اولدخی قدید اولوب دیوار ایچره جیفه مرداری دورر آندن زندان میدانی و قرال سراپی میدانی و سیاست میدانی و فیل میدانی و قوج میدانی واستفانی منطری میدانی بونلر خیلی واسع بازار میدانلریدرکم هر برنده بازار دورر

دروصف چشمه سار آب روان

چشمه لر و حوص و شادروانلر و سلسبیل و فواره لر کونا کون میلردن و طاشدن اویولمش آدم صورتلرینک ذکر لرندن و قره و بیاض فیلرک خورطوملرندن و باقر صو صغرلرینک آغزلرندن و دمر اشکلرک آغزلندن و نیجه بیاض مرمر آرسلانلرک آغزلندن و دخی برایکی اوچ ویدی باشلی طوج اژدها [۲] صورتلرینک آغزلرندن آب حیات صولر غزغروب حوض عظیمده جریان ایدوب هر حوض عشر آ فی عشردن واسع حوضلرندن جمله بی آدم صولری آلوب دفع عطشان ایدرلر بیج قلعه سنده اولان چشمه سار سلسبیلر جمله بر کونه حیوانات صورتلرندن جریان ایدر

درستایش عبرت های آبادان قلعه بیج

اولا مذکور فیل میداننده اولان یرده بر عالی کمر آلتنده بر طوج فیل واردر قدی میل مناره قدر واردر درت آیانغی اوزره دوروب کوزلری و قولاقلری و خورطومی دائما حرکت آمده در چنانکم اویله وقتی اولدقده همان بر کره فیل غزغروب قولاقلرن اوینادوب کوزلرن دوروب [۳] خورطومنی بر هوا قالدروب یولک قرشو طرفنده اولان اولرک طاملرینه برابر خورطومی قالقوب بر کره خورطومن سیننه پر کینه سنه اوردقده سیننه سی خسروانی کوب کبی کوم کوم اوتوب صدا ورر

[۱] س ؛ ک : دیواره اوروب [۲] س، ک : اژدها [۳] ک : دریوب

قرمزی طاشلرک برهنه زن حمامچیلر دمر کورکلر ایله قالدیروب برکوشه یه قورلر همان حمام صووق اولور اکرینه دمر کورکلرله اول طاشلری صوبالر اوزره قورسه حمام یینه اسی اولور ... قزانلری [۱] حمام ایچنده مفرت باقر قزغانلردرک چشمه لری واردر همان قیوردن صویب چکوب قزغانلره دوکرلر ...

بو حماملرک [۲] جمله خداملری و دلاکلری جمله قوجه قریلدرکم مهربری کویا رسطالیس [۳] و جالینوس و بوقراط و سوقراط مثالی پیره زن حکما قریلدر کیه آنلر سوروب شربت و احتقانلر و قریق و حقیق اولان کمنسهنلره معالجه ایدوب جمیع امراض مختلفه یه مبتلا اولانلره بودلاک قریلر حجاماتلر ایدوب کونا کون شیشه لر و یا قیلر قیوب داه دوا ایدرلر ... تماشادرکم [۴] بو حمامه کرن کفره لرک اختیارلری بیاض فوطه قوشانلر امانقدر دلبران صیانیلری وار ایسه جمله عریان حمامه کروب بیاض بلور مثال تنلری وارکم کویا وجودلری بالوده ترکیب در در دترلر تاشول مرتبه نرم و رام شحمه کبی یومشاق وجودلری واردر جمله سی کیسوی مشکبارلرن جیم اندر جیم [۵] مرغوله مرغوله ایدوب حمامده ذوق و صفا ایدرلر ... [۶] جمله شهر ایچنده اون عدد یرده بازار میدانلری واردر یش بازاری میدانی و اتمک میدانی اون قسانی میدانی و چرکس میدانی سلیمان خان عصرنده برچرکس یکیدی اول محله کلنجه آت قیوب کفاری قیره قیره کندوسی دخی شهید اولوب حالا برکمر آلتنده اول چرکس یکیدی آتی اوزره کندوسی حکمالر موغلاب ایله تام الجسد [۷] قدید ایدوب طوج کبی جمله سلاخیله

وزره زره کلاهی [۸] و تیرکش و اسباییله و باشنده شیرطمه [۹] قلیاغیله آتی اوزره دورر آتی دخی موغلابله قدید اولوب دوررلر آنکیچون بومیدانه چرکس میدانی دیرلر و بویکیدی تفنک ایله شهید ایدن کفره فریدیناند قرال کتردوب نیچون

[۱] س؛ ک: و صوباقزانلری [۲] س؛ ک: (تماشای غریبه) بو حماملرک [۳] ک:

رسطالیس [۴] س؛ ک: اما بر غریب تماشادرکم [۵] س؛ ک: جیم اندر جیم، خ:

خم اندر خم [۶] س؛ ک: درو صف میدان بازار قلعه بیج [۷] س؛ ک: نام ایچون

[۸] خ: زرخ زرکلاهی [۹] ط؛ خ: شیرطمه

يکي دنيادن واشپانيه [۱] وپرتقال ودونقارقيز ودانيمارقه واسفاج و فلمنک و چهوله ودانصقه و قراقو و ماصقو [۲] وچين ماجين وختا وختن و فغفور و عجم و اوزبک و هند و عراق و عربستان ورومدن وجميع اقاليم سبعمه نک اولوبازرکانلری بونده البته کلوب بوخانلرده نيجه بيک يوک چوزوب و باغليوب نيجه بيک ميليون مال کارکسب ايدرلر خان عظيملردر اولا...

اوصاف حمامات راحت جان

جمله بش عدد حمام دلستاندر لکن حماملری روم و عرب و عجم طرزی کی دکلدر چار گوشه بر دیوار ایچره جمله قبلری جاملردر و بوقبلره وار نيجه حمامک دورد یانندن طاش زردبان ایله قدمه قدمه قبهیه چیقارسن هر قدمه زردبانلری انلیدر طبیعتکه کوره قدر اصحاق استرسک اول قدر قبهیه چیقارسن کرچه قورنالری واردر اما رومک کی موصولقلری یوقدر همان صوبا قزانلرینک لوله لی چشمه لرندن حمامچیلر صیجاق صولری قرمزی اردیج اغاچی کردلر ایله صولری طاشیوب قورناله قورلر وینه صووق صودخی حاضر ایدرلر تا قبه برابرنده کی زردبانلرک پک اصیجاغنه تحمل ایده مزسک برقاچ قدمه آشنی اینرسک دخی سرما استرسک تا آشنی قدمه ده ییقرسک اما حکمای قدما بو حماملری حکمت ایله تألیف ایدوب هر قدمه ده ییقنن آدملرک چرکابلری آشنی آدملره طوقنمیوب برکشی برکشی یی کورمیوب مراد و مراملری اوزره هرکس ییقتاز هوالری و مالری خوب حمام روشنالردر ... حرارتین [۳] استاد سلف او یله ایشکم بو حماملرک ایچنده دورد گوشه سنده دورد عدد قبه کی جاملردن مبنی صوبالر واردر ایچنده علو بر علو یانن آتشلری حمام ایچنده ییقانانلر کورورلر آنلرک آلتلرنده منفذلر وار حمامک آلتنه صولردن علو کیدوب حمام اسی اولور و مذکور جام صوبالر اوزره ایری ایری قرمزی عقیق مثال طاشلر واردر ... حمام [۴] پک اسی اولسه بو

[۱] ک، ط : اسپانیه [۲] ک، ط : مصقو [۳] س، ک : اما کره میت حرارتی [۴] س؛

ک : چقانکم حمام

عربہ لک بمضیسی ہم عربہ در ہم دردر تکر لکلرینک یانلرنده بر اون دکر مانلری وار بمضیسنده ایکیشر دکر من اشلر اما بودکر منلی عربہ ایکی قاتندر آزپوک کتورر عجیب وغریب مصنع عربہ لدر (دیگر صنعت عجیبه) بوشهر بج ایجره کونا کون دمیردن ال دکر مانلری انشا ایدوب برهیه یاخود خرارلره قیوب سفرلره کتوررلر بر ساعتده ایکی کیه اون اوکودر کرچه جمله آلات چرخلری دمر در اما غایت خفیفدر بارثقیل دکلدلر اهل سفره غایت لازملی ال دکر مانلریدر (نوع دیگر) بوکونه [۱]. برصندوقه جک ایجره ینه دمردن اون دکر مانلری یاپارلر آدم چوریمردن چرخلر چوریر همان بوغداين ا کسک ایتیوب اون ایکی ساعتده بوچرخلرن قوردقجه دقیق رفیق بیاض اون اوکودر (صنعت عبرتتا) برکونه موم شمعدانی پیارلر یرم ساعتده بر موم قتیلی کسمکه شمعدانک ایچندن بر شکل مضحک بر عرب حیقوب مومک قیلن النده کی مقراص ایله کسوب ینه شمعدانک آلتنده بنهان اولور (صنعت دیگر) برکونه قطوجق ایچنده قاو وچقمق وکبریت وچره [۲] واردر همان توفنک چرخلی کبی چاقنجه چره یانوب علوحاصل اولوب داغلی احراق ایدر اهل سفره لازملی شیدر (مصنع آخر) دورد آیاقلی بر دمردن چرخلدر چخانکم ات قیاق و صوغان دوغراماق و توتون قیاق وغیری اشیلردوغراماق مراد ایدن همان بوچرخلرک ساعتن قوروب آن ساعتده بش وقیه تتون واللی قیه اتی اوله قیارکم کویامعجون ایدر (دکر کار مصنع) ینه دمردن چارپایه اوزره چرخلری وار وکونا کون قوش یلکلرندن کویا یلپازیه بکنزر بعضی قنات دکلدلر ترشه دریدن یاخود کوده دریدن یلپازه لدرر همان مذکور بساطک چرخلرن قوروب شدت خارده یانکه قورسک اول دوندکچه اوده ایچنده روز کاردن اوطور لیموب بلکه کورک کیمک اقتضا ایدر بر چرخلی مصنع یلپازه در حاصل کلام بوشهر بجده بونلرک امثاللری نیجه یوز بیک عدد بویله مصنع غرایب عجایب شیلر اثرلر واردر

در بیان خان تجارت بروبحاران

جمله یتش عدد صغیر وکبیر خانلری واردر اما یکر مسی قلعہ مثال خانلدر کم

[۱] ک : برکونه [۲] ک : چرا

جقوب سوقاقلری اوילה پاك وپا كیزه و مجلا سپوررلرکم بال دوكلسه پالنر وهر سوقاق باشنده آدم قولی قالنلنی زنجیرلر حاضر در هر کیجه بوزنجیرلری گوشه دن گوشه په کرلر حین محاصره ده دشمن قلعه ایچنه آتلا ایله و یایان یوروش آتمسن دیو بوزنجیرلری کرلرکم چارشوی بازار امین اوله

در بیان چارشوی بازار بدستان

جمله بیک بشیوز دکانلردر واولقدر ترتیب اوزره بنا اولنوب [۱] اويله معمور و مزیندرکم هر بر دکانچیده بر مصر خزینه سی مال وارد و هر اصنافی سوقاق سوقاق بر شاه راهه واقع اولوب ساعتجیلر و قیوجیلر و کتاب باصمه جیلر و بربرلر و درزیرلرک چارشولری اويله مزیندرکم کویا نقش نکار خانه چیندر ودخی صناعات عجیبه و آلات غریبه اشلده بی نظیر اسواقلردر و منبلی و میقاتلی و آی و کونلی و ابراجلی و ماهیلمی و روزنامه لی آصا چالر ساعتلر اشلنر و جمیع اجناس مخلوقاتک تصویراتلریله کونا کون ساعت انشا ایدرلرکم کوزلری واللری وایاقلری حرکت ایدوب کورن آدم اول حیوانلری حیاتده ظن ایدوب ایله حرکت ایدر آنی ایسه استادکاملر چرخ ایله حرکت ایدروب ساعت ایتشدر و جمله منبر ایچره نه قدر دکرمانلر واریسه نه آت و نه صغیر و نه آدم چورر دکرمانلری و کباب ششلرن و قیولردن قوه لر ایله صولر چکمکی و صحرالرنده کزن عربلری آتمز و صغیرسز جمله حیل و شیطنت و مصنع ساعت چرخ [۲] ایله حرکت ایدر دکرمانلر و کباب چرخلری و قیولرک دولابلری عبرت آور عربلردر اما هر عربه صحرانرده کیدرکن یوزقنطار یوک چکر اون جاموس چورمز عربلری چرخلر چوروب دوزیده راحت کیدر اما یوقوشه کیده مز انشه سریع کیدرکن عربنک اردنده بر بار ثقیل سورودوب عربلر اشنی انسه راحت کیدر انجاق عربه اوزره برکافر النده برچتال دمیراوجلی صریفی وار آنکله عربه صاغه و صوله چورر اکر عربه پک کتسن دیرسه ساعت کبی عربنک چرخلرن قوروب سرعت اوزره کیدر اما (صنعت غریبه) بوچرخلی

[۱] س ، ک : هموار بنا اولنوب [۲] س ، ک : چرخلری

بجک جانب غربتہ ایکی ساعت بعد نہر طونا [۱] کنارندہ اسکی بج واروشی قلعہ سنی اجنہل ضبط آتشدہر اما واروشی معموردر و بو ذکر اولنان واروشلرک آلتیسندہ دخی آلتی قومسار حاکمیری واردر و جملہ سی باغ و باغچہ لی ودرختستانی قلعہ مثال شدادی بنا اوانار بیک خانہ لی اولردر و ہر برندہ قرقر اللیشر کنیسہ جکلر و آلتیشر ویدیشر عدد قلعہ مثال منصطرلری و یوزر و یوزر اللیشر دکانلری واردر کم جملہ بومذکور آلتی پارہ واروشلر آلتش بیک اولردر اما جملہ واروشدن معظم مذکور شہر پشہلدر اندن صکرہ بزم اوطوردیغمز الحی پاشا واروشی معمور و مزیندر

اوصاف تمة قلعہ بج

اما نفس قلعہ بجک اچندہ کی عمارستانی جملہ قرقر بیک اودددر و جملہ ... عدد قپو سرا ی عظیملردر چاسار سرایندن ماعدا جملہ آلتیشر ویدیشر قات اندرقات کارکیر بنا سرا یلردر ہر صفہ سندہ کونا کون مقصورہلر و شاہنشینلر و روزن و منظرہلر [۲] وار کم صد فکاری و حلکاری کاخار و مرصع مثال دیوان خانہ لرک جملہ ایکی کرہ یوز بیک پجرہ در دیو باش دفتر دار نقل اتدی و صححدر آنردہ کذب کلام اولماز و جمیع گوشہ باشلرندہ واقع اولمش شاہنشینلرک بابالزندہ [۳] بر کونہ تل قفس اورولمش کونا کون قبایلی کوچوک شاہنشینلر وار کم آنردہ بلبلر و پاباغانلر و طوطیلر و قرہ طاوقلر و صاری آصہار و کونا کون صفیر اوروب خوش الحان ایلہ نغمات ایدیچی مرغان عندلیبانلرک خوردہ شاہنشین قفساری واردر و بو قلعہ ایچی سوقاقلری جملہ ہندسہ اوزرہ صدرنج [۴] نقشہ طرح اولتشدہر سوقاقلرک جملہ سی پاک و پاکیزہ قالدرم دوشہ لیدر کم بوشہرہ آتدن غیری بر حیوانات کیرہ مز اکر آت کروب ترسلرسہ در عقب دکان صاحبلری و خانہ مالکارتینک خداملری آت نچسلرن سلوب سپوررلر و یاغور یاغسہ جملہ خانہ صاحبلری و دکانلردن اوغلان و عورتلر

[۱] س، ک : نہر نیل [۲] س، ک : مصرہلر [نقطہ سز ایسہدہ (مبصرہلر) اولسی

ممکندر [م] [۳] س، ک : یانلرندہ [۴] س، ک : شطرنج

ايڪي طونا مابينده برجزيره طويلده اوچ بيڪ عدد باغ و بانجهلي سراپا کار کير عالي
 و تخنه و کره مت اورتولي ايکيشر و اوچرقات و اسع سراي عظيمدردر جمله الحلي پاشالري
 و بودين طرفندن کان الحيلري بونده قندورر لر طونا کنارنده قرشوبجه ناظر معمور
 خانه لدر و آلنلري جمله انبار و مخزن لدر و ترس خانه [۱] اسڪه سي و کيملر باپلاجاق ير لر
 جمله بو و ارو شده در و بجده نقدر يهودي و ارايسه جمله سي بوشهر ده کي سرايلرک فوقايلرنده
 جهودلر اولوب اشفي خانه لرنده نمسه کفارلري اولور غايه الغايه عنقا يهودي باز رک لري
 وارد و قرال ضالک بو و ارو شده برواجب السير بانجه سي وارد رکه اکر بوني دخي باشقه
 تعريف و توصيف اتسک فلاح ت نامه مثال بر کتاب اولور انجاق معمور و مزينلکي
 شوندن معلوم اوله که اوچ بيڪ باغبان کفره سي و يمش يدي بيڪ معدود شجره سي
 و يمش يده هر بری بر قرال آثار لري قصر عالي لري و ارکم کورن آدم واله و حيران
 اولوب جميع نخلستان کل کليستانک سايه سندن زمينه آفتاب علمتابک شله سي تأثير
 اتمز کويار بر چار باغ خيابان محمدر و هر اعيان [۲] کفره باغلر نک اطراف قلعه
 ديوار کي سر چکامش [۳] بانجه لري و ارکم هر بری بر کونه طرح اولنشد و جمله
 جامه شوي يعني اسباب بيقيجي کفره لر بو و ارو شده اولور لر باشقه بشيوز خانه لي
 محله معموره در شهر يچ ايچنده اصلا بر اوده اسباب ييقنوب چرکاب دوکلز جمله
 کفره لرک اسباب لري بونده غسل اولور استاد غسلر وارد و محبوبه غسل قزلري
 مشهور در بو و ارو شدن ماعدا يچ قلعه سنک اطرافنده بش عدد و اروش عظيمي
 دخي وار آلتی و اروش ايدي برنی هنوز ييقوب بش قالدی بزم او طور ديغمز
 و اروش ايله آلتی و اروشدر لکن يچ قلعه سنک جانب شرق سينده يچ صوني
 آثري طبه خانه و اروشي جمله دباغلر و کوده ريچيلر و کرشجيلر و بوياجيلر و قيون
 و صغير و خنزير قصاب لري جمله بو و ارو شده ساکن اولوب شهر ده اصلا ذي روح
 قسمي بوغاز لنيوب قان دوکلز پاک شهر در اندن اوچنچي و اروش پشه ل و اروشي
 مقدا موصو قدر . . . آندن . . . جانب . . .
 و اروش . . . آندن . . . و اروشي . . . آندن

[۱] س ک : ترساخانه [۲] ک : وجه اعيان [۳] س ، ک : سورچکامش

وسرا پیلر کورونمز وکنیسہلر وچا کلقلر اولی بالطریق کورونزلر اما بیچ صوبی آشری باغیر ایچنده بوقلعه نك سهل حواله سی واردر اولطرفدن قلعه یه طوپراق وسییه [۱] ومترس سورمك ممکندر کم (همهالرجال تفلع الجبال) در [۲] وبوقلعه نك دائرآمدار اطرافنده علی آلتی سراپا صوقاق صوقاق کوچوک کمرلر ایله یر آلتندن قلعه باشدن باشه نیجه یوز صوقاقلر ایله دولاشلور واول تمل صوقاقلرنده صاحجه طوپلری آماده دورر کم حین محاصره ده طشره دن قلعه آلتنه لغم کلسه بولنه دیو تلمده صوقاقلر ایدوب شب وروز آدملر کوزر وتمل ایچنه طشره دن آدملر کورسه صاحجه طوپلره آتشلر ایدوب یر آلتنده جنك ایدرلر ویرقپوسی دخی مشرق طرفنه . . .

سرای قپوسی دیرلر برمتین اوچ قات قوی قپودر خندق آشری اللی آدییم بعید نهر بیچ جریان ایدر بونهر اوزره بش کوز برمصنع شدادی بنا بر جسری وار اما اولقدر عالی دکلدر بونهرک اوته طرفی طبه خانه واروش عظیمیدر کم جمله کفره دباغلی بونده سا کنلدر و بومذ کور سراي قپوسی طاییه سی اوزره صنع خدای عظیم بر قلتز اغاجی وار بوروی ارضده بامرالله تعالی اصلا نظیری یوقدر عجیب وغریب تماشا کاهدر بوادییم ارضده بودرخته مشاهتی اصلا برك وبارنده وبرخشبه سنده اویله رشجر خلاف یوقدر جمیع کافرستاندن پاپاسلر کلوب بودرخت سایه سنده اوطوروب کویا عبادت ایدوب زیارت ایدرلر زعم باطللرنجه چنانکم حضرت عیسی خلیفه سی شمعون صفا صفا ایله بوشهره کلدکده برعبرتما آثار من اولسون دیوانده کی عصاصنی زمینه صوقوب بامرالله تعالی بوقلتز اغاجی ظاهر اولوب برصنع خداتماشا کاه درخت عظیمدر ویچ صوبی جسرندن آشنی نهر طونا کنارنجه کوپرو قپوسی شماله ناظر اوچ قات دمر قپولدر ووقپو اوکنده عملی کان طونا نهری اوزره کمی درکلرندن یدی کوز جسر عظیمدر کم الچی پاشا واروشنه بو جسردن کیدوب کلتر برعمور واروش عظیمدر

ستایش واروش سویده

نمجه لسانی اوزره بیچ قلعه سنك براسمی سویتهدر ابتدایچ بوزمینده بنا اولمشدر

[۱] ط : سبت [۲] ك : دینلمشدر

خان زماندن برو هر سنه اون ايكيشريك كافر چراخور كلوب بوقلعه نك اشلرن اشليوب هر ولايت كافرستاندن هر سنه نيجه يوزمهندس شيطان استاد كاملر كلوب بوقلعه نك متين و مستحكم اولماسيچون هر استاد قنعه يه متعلق بر كونه اختراع وانشا ايده ايده بوملعون قلعه برحاله وار مشكم كوياهر بر كوشه سنده كي ابراجلري و طابيه لري كوما لبرزه دونمشدر و قره جابي ديوار يكر ميشر آدم قالن طولمه ريختيم شداي طولمه بنادر او طوز آديم انلي دوله طوپراق دوله ديواردر بو حساب اوزره جمله طوپراغيله بوقلعه ديواري اللى آديم قالين ديواردر اما فرنك قپوسى طرفى سليمان خان زمانى صدمات طوپدن خيلى رخنه لر يمش آنكيچون اول طرفى غايت متين وقوى فيلجتهسى قدر طاش ديواردر وقاپونك ايكي يانلرنده كي جمله طاشلري يونمه مطرش مصيقل طاش دكلدر جمله يومرئى و يامرئى طاشلردر و بو طرفى ديواري سكسن ارشن بالادر بوفرنك قپوسى جانب قبله يه مكشوفدر بودين واسترغون طرفه مفتوح اولماغيله الچى پاشا ايله بو قپودن ايجرى كردك اما سد باب ال ابواب قلعهسى قپوسى كي او چرقات اكرى بو كرى يوللى كمرلر آتندن عبور اولنور مهيب مظل قپودر بو قپودن ايجرى قرال سرائى بيك اديم قدر ياقين شاه راه واسعدر كم كويا ديوان بوللريدر و بو قپو اوزره بيض مرمر اوزره ايكي باشلى و آلتون ايله منقش بر قره قوش تصويرى وار كم ايكي باشلرن قالدروب و جناحينلرن آجوب و منقارلرن كچ قلوب قپونك عتبه علياسى اوزره دورر اماحقا كه استاد مرمره [۱] ايله بر تصوير اتمشكم كورن اول مرغى ذى روح ظن ايدر و هر قپولرده دخى بويله برر عبرت آثارلر واردر هر برينك اوصافلرن ترقيم ايلسه كنج قلعهسى اوصافى همان بر جلد اولور اما بو قپو جمله دروازه لردن متيندر و جمله قپولر بويله او چرقات متين وقوى حديد و جديد قپولدر و هر قپولر او كنده خندقلر اوزره يوزر آديم طولى خشب جسر قويلر وار كم او چريردن مقارلر ايله قالفار جسرلرى قاپولرك او كينه سد ايدوب سپر ايدرلر بوفرنك قپوسى طرفى ديوارلرى سكسن ارشن يوكسك اولماق ايله قلعه ايچنده قرال سرائندن غيرى اولر

[۱] ك : استاد مرمر بر [(بر) كلهسى بانك ضميمه حركه لنمشدر بو صورته تركيب معناسى مرمر كسن يعنى مرمرى ايشله ين اوسطه ديمك اولور (م)]

زیرا بو طایبه لرك جانب اربعه لری صافی ایکیشر و اوچر قات فرچه لغملردر کم هر بری اوچر دوردر خزینه لی لغملردر و بو طشره طایبه لرك اطراولری جمله شرامپاودن قازقلی مترسلردر

در بیان کرامات غازی سلیمان خان

قیچانکم سلیمان خان غرب طرفندن بو قلعہ دوکدکه یقدوغی یر حالا ویراندن هر ییل بر ولایتدن پاپاسلر کلوب زعم باطلر نجه دعا ایدوب بر حصار استوار دیواری یاپارلر کم کویا سد اسکندر اولور همان دیوار تمام اولنجه بامرالله تعالی جمله دیوار تملمدن یقیلوب خراب قالر حالاینه خراب اولوب دورر آخرکار اول رخنه دار یرلره کمی تخته سندن قلفاتلی تخته دیوار ایدوب دورر کویا یمالی بر قلعہ در بو تخته دیواردن بو قلعہ یه آخر اولوم کبی زوال کلر دیو خوفلرندن بومذکور یقق دیوارک اوکنه طوناکنارینه بر قات دیوار دخی یاپوب ایکی قات اولماسنک اصلی بودر و نهر طونایی ده بو یکی دیوار اوکندن عملی آقتمه لرنک اصلی بودر کم قلعہ دخی متین اوله ملاحظه سیله طونایی جریان اندر مشلر بو منهدم اولان تخته قابلی دیوارک غرب جانبنده خندق آشری بر واروش عظیم وار ایدی کم بونده اولان قلعہ مثال سرایلر و کنیسه و منصطورخان و حمام و بزازستان و دکانلر بیک خربینه ماله اولمازدی (غانم) [۱] تاریخنده تورک عسکری بو قلعہ یه کلوب بو واروشده تورک سپرلنوب بو قلعہ دوکر دیو خوفلرندن بزآنده ایکن دریا مثال کفارخا کسار یدی قرالدن کلوب مذکور واروش عظیمده اولان خاندان صاحب لری نه اچهلرن وروب جمله عماراتی یازوژدیرک ایله یقدیلر کم کولنی خاک ناپاکنی همدانی سورمه ایدوب اوچ آیده یره برابر ایدوب زمیننه لغملر و نیجه بیک حیله و شیطنتلر اتمکله باشلا دیلر و یدی عدد متین طایبه لر و خندقلر و شرامپاولر ایتدیلر و سلیمان

(۱) (ظه = ۹۳۵) تاریخندن سوکره بجلیرک (غانم = ۱۰۹۱) تاریخندن قورقلرینه باقیلیرسه (غنم = ۱۰۹۰) کلهسی یا کلیش اولوب دوغروسی (غنیم = ۱۱۰۰) اولمیدر چونکه اگر (غنم) کلهسی دوغرو اولسیدی بجلیلر (ظه) تاریخندن سوکره ایکنجی دفعه اولورق (غانم) تاریخندن دکل بلکه (غنم) تاریخندن قورقلردی (م)

یناشر لردورد کردیوز بیک آلتون حاصل اولور کومروک امانتیدر و بیج قلعه سی مشرقدن مغربه طولانی شکل بادی واقع اولوب طونا کنارنده بر الحاق زمینده صغیر و کبیر و اندرون و بیرونده جمله یکریمی یدی عدد طایبه لی بر سد متین و بر حصن حصین سور رفیع البنیان و نامی عالیشان بر قلعه آلمان بی امان داربی ایماندر خدا صاحب ایمانه میسر ایده اما قلعه نك کندی وجودنده اولان اون ایکی طایبه سی غایت متیندر کم هر برنده بیکر عدد آدم آور طایبه لردر قرقر اللیشر پاره بالیمز طوپنری وار بونلردن ماعدا طایبه لری کوچکدر و بو قلعه نك دیواری اوزره جرمی دائراً مدار کامل اون بش بیک آدیمدر اما طایبه لری اوزره آدملمغه دیدنه بان کفارلر قومادیلر اکر آندن آدملیوب حساب اولنسه یکریمی بیک آدم اولوردی و جمله سکنر عدد قیوسی واردر اما بشی شاهراه عظیم قیولردر اوچی کوچوک قیولردر لکن طونا کنارنجه بر قاج قیولری دخی واردر اما انلرک اسملری معلوم اولیوب خوردده جه سو قیولیدر و جانب و اطرافی جمله خندق عظیمدر الاطونا کنارنده کی ایکی قات دیوار طرفنده خندق یوقدر بو خندق کنارنجه بو قلعه آهسته آهسته یورویوب المده تسدیحمله عد اتم بو قلعه نك کردا کردی خندق [۱] صیره کامل اون طقوز بیک بشیوز اللی عدد خطومه در و ایکی بیک آدیمده مقدا طونا کناری ایدی بو حساب اوزره قلعه بیج یکریمی بر بیک بشیوز اللی آدیمدر بو قلعه نك مغرب و مشرق جانبنده ایکی باشلری تا فرنک قیوسنه قریب خندق ایچی مالامال نهر طونادر انجق فرنک قیوسی سمتی ایکی بیک آدیم خندق ایچی قرودر چایر و چمنزاری زمین محصولداردر و بو طرفی سکسن قولاج درین خندقدر کم نهر طونا کلامشدر و هر طرفی خندق کامل یوزر آدیم انلی و عمیقدر اما خندق لک ایکی باشلری الحاقدر و غرب جانبی باشنده خندق ایچنه نهر طونادن بیوک کیلر کروپ یاظر خندق ایچی بر لیمان عظیمدر و خندق ایچنه ناظر عظیم طوپلری وار خندقدن طشره اون عدد طوپراقدن طایبه لری قورودر سر آمد طوپلردر بو طایبه لک دخی باشقه خندق لری وار اما خندقده صولری یوقدر

[۱] ک : خندق

دريان اشكال زمين طرح و طرز بناي قلعهٔ بج

بو قلعه نك جانب جنوبيسى كوچك المان داغلى داممنده بج بايرلى التنده نهر طوناي برقناق يردن بلوب [۱] مغربدن مشرق جانبنه آقوب قلعه نك شالي طرفي ديوارن نهر طونا دو كرك عبور ايدر اما نهر طونا بو قلعه دبندن عملي آتماق ايله يوقارودن كسوب ينه بيوك طونايه آتماق قابلدن زبرا بزبونده ايكن قلعه آلتندن نهر طونا آزالوب اوغلا نچقلا برونم واروشدن قرشوبجه صوايجه يورويوب بچرلردى صكره تورك عسكرى صويك آز اقدوغن كورمسنلر ديو غلاملرى صويه كرمدن منع اتديلر قلعه سنك جانب وبويج جنوبدن [نهر بج آقوب قلعه نك قبله سى طرفي خندق ايجندن عبور ايدوب خشب جسر باشنده نهر بج نهر طونايه مخلوط اولور و قلعه نك لسان مجارده اسمى كلواردر [۳] ولسان نمجده . .

ولسان لاينده . . . ولسان يونانده . . . درلسان اروامده بچدر اما بج قلعه نك دبندن آقان نهر صغيرك اسميدر وبونهر كوچك الماندى كلور آب حيات صودر و قلعهٔ بج طونا كنارنده ايكي قاتدر هرقات ديوارى بشر آديم قالين شدادى متين و مستحكم طوله ديواردر طونا كنارى قاتنك تمل صافي حمام قبه سى قدر فيل منكروسى كوده سى قدر ايرى طاشلردر وبوطونا كنارى طرفي كامل ايكي بيك آديمدر واون عدد عظيم طاييه لدر هر برطاييه ده بيكر عدد كفرة بكر زيرا بزم قناقلا بزمه قرشوايدى وهر برنده الليشر پاره باليمز طوپلرى وار اما بو صو طرفي ديوارلى الجا قدر زيرا صو كنارى ارماق ايله بو طرفدن خوف وخشيتي يوقدر وبوايكي قات ديوارى ماينى خيلى انلى واسع ميدانلى يولدر يپراقدن وچلى چرپي وچلاشدين كلبهٔ احزانلر كي سازدن دكانچقلا واردر فقرا كفره لر دمر و كوموركي خورده وات فروخت ايدرلر و طونا كنارى صافي اسكاه در كم جمله طرانسه كيلرى بونده يناشوب قايقلا وچر نقلا وناقچيلر و جمله اودون صالمرى ودرك صالمرى وشندره نخته لرك صالمرى بو محله كومروك او كنده نجه يوز مخزنلر واردر آنده

[۱] ك : بولوب [۲] ك : جانب جنوبدن [۳] س،ك، ط : كلوارشدر

مفضل یازمشلردر بزم یازمازمه احتیاج یوقدر آنجاق بو حقیر اولیای پرتقصیر
 بیج قلعه سن کوروب تماشا ایتمه من سببیله بعض احوالاترن تحریر ایتمک اقتضا اتدی
 اما چنان که سلیمان خان سکسن یدی بیک عسکر ایله بیج قلعه سن محاصره اتدکده یوز
 االی بیک عسکر تاتار عدو شکار ایله صاحب کرای خان کلدکده سلیمان خان اولکون
 تاتار خانی قریمه کوندردی وعسکرک یوزن دوندردی تاتار عسکری ایسه آل عثمانه
 لازمیدر و بو بیج قلعه سی آلامان داغی اتکنده در قیشی غایت قتی اولوب سائر دیارلردن اوج
 آی اول قیشی کلیر بو قلعه بیج محاصره ایدن بر ییل مقدم بودینده مشتا ایدوب همان
 نوروزندن مقدم قار آلهجه اولغاغه باشلینجه عسکر اسلام ایله بیج التنده قار اوزره
 مکث ایدوب سائر تدارک کورولنجه اول بهارده کلوب دریا مثل تاتار عسکرن
 آل عثمان اردوسی اطرافنده قوندروب کافرستانک هر طرفلرن ووردوروب نیجه امداده
 کلن کفار لشکرن قردیروب قلعه مراد اوزره محاصره ایتمک کرک زیرا بو قلعه
 بیج ... سادسه [۱] بولنوب علم اسطرلاب اوزره بقول بطلمیوس حکیم بوبلده نک
 عرض بلدی ... وطول نهار ... اولوب ...

دریجه ... ودقیقه در انکچون قیشی شدید اولور و بز بویجه
 ایکن اطول نهاری محلولو ایدی اون سکز بوجوق ساعت و بر دقیقه ایدی
 وسلیمان خان زمانی بیج قلعه سی یالین قات ایتمش اما شمعی آوجی لندن خلاص
 اولمش غزال کبی کندوبی چکوب جو یروب اولقدر متین و مستحکم اولمشدرکه
 کویا سد یا جوج و ما جوج اولمشدرکم تعریف وتوصیفدن مراد اما حضرت
 عیسی حواریوننک شمعون صفاسنک رموزنده (ظه) تاریخنده سلیماندن قورقاک
 دیدیکی کلوب ظهور ایدوب حکمت خدا سلیمان بی فتح عودت اتدی اما انشالله
 (غانم) ودخی (غنم) [۲] لفظی تاریخنده عثمانلی بو قلعه محاصره ایتمه لری محتملدر خدا
 فتحن میسر ایده اما کفار منجملری ترک عسکری کلر اما تاتار بیزه امداد ایدوب
 تورکی بوزار وتورکوزرلرن قروب اسیر ایدورز و بر عظیم الشان بو قلعه سنه سه [۳]
 غالب [۴] اولوب تورکدن چوق قلعه آلبرزدیو پاپاس ولادیه منجملری بویله دیرلر
 [۱] س، ک : اقلیم سادسه [۲] س، ک : غنیم [۳] ک : سببیله، س : سه سه
 ط : سه بیله [۴] س، ک : غائب

قیه قلیج اورر لر و دندان بدنلرده اذانلر او قورلر و درون حصارده بی حد و بی قیاس مال غنایملر آلر لر حکمت خدا یور ویشده عسکرک کریسی اشلمیوب سهل تاخیر اولند قده درون قلعه یه کرن غزاندن دای چرکس [۱] نامنده بر شهباز دلاور جنک ایده ایده آتی و کسندونی کافر لر قور شومله اوروب شهید ایدر لر حال بچ قلعه سی ایچند چر کز میداننده چر کز غازی بر کمر آلتنده آلتیله وجودی قدید اولوب دورور دخی چورومه مشدر بعده المان داغلی اتکی اولمغله بر کیجه بر مرتبه قار و طوفان و بوران اولور کم جمله عسکر اسلام هلاک مرتبه سنه وارر لر زیرا بوقلمه سلیمان خان محاصره یه کلر کن یوللر اوزره التمش آلتی پاره قلاعلری فتح ایدوب آنو کچون کچ قالنوب عسکر اسلام زبون اولمش ایدی و عسکر اسلام قیشه دوتلدوغن کفار خیر آلوب عسکرک جانب اربعه سن کفار بدکار یدی قرال ضال عسکری احاطه اتدوکن سلیمان خان استماع ایدوب جمله امور دیده اش ار لر یله مشورت ایدوب سلیمان خان ایدر مرادم بچ قرالی اولان فر دیناند قراله کند و حدن سیدر مک ایدی چونکه آلتمش آلتی پاره قلعه سنی قبضه تصرفه آلوب و قلعه بچی بو قیافته قیوب جمیع بروج مشیده لرن خاکه برابر ایدوب خراب و بیاب اتدک حکمت خدا قلیج کبی قیش کلدی همان شسمدی تدارک اولدر کم اون ایکی بیک یکت ایله بمضیلر قرق بیک یکت ایله قاسم و یوادی سردار ایدوب طونای قرشو کچروب طوناجمرن کسلم قرشو جاننده انلر ایلی ولایتی آتسه اوروب شکار اسیر آلمیوب همان کفار لر ی جمله قلیجدن کچروب قارشو کچسینلر دیدکده قاسم و یوادی فرمان پادشاهی ایله قرق بیک و اون ایکی بیک یکت قرشو طرفه طونای کچوب کفاری قلیجدن کچر کن بری طرفه بو احوال دیکر کونی کورنجه جمله کفار سلیمان خان آردن الماغی فراغت ایدوب قاسم و یوادی عسکرخی قوماغه کیدنجه همان سلیمان خان سنه ۹۳۶ ماه صفرک اون آلتنچی کونی قلعه بچ آلتنده یارکاه سلیمانی بی براغوب اما اوسکده کی بیوک طوی و خزینه بی و سنجاغ رسول الهی سلامته چیقاروب مام مزبورک یکر می ایکنچی کونی جان قورترانه کلوب آنده جان قورتر لر بعده ینه بودینه کلر لر تفصیل اوزره لمی چلی وادر نه لی محمد چلی و جلال زاده صالح چلی توار یخترنده

جمله مزه آندن حصه اولوب ذوق اتدك بعده پاشا بو هدا یالری کترین کفره لرك هر برینه اوزر التون بخشش احسان ایدوب جمله کفره لركیدوب بز لر دخی قناقلر مزده آسوده حال اولوب هر کون کونا کون سیر و تماشا لر ایله صفالر ایدوب بیج قلعه-ن تماشا ایدردك اما بو حقیرك طونا کنارنده بر شاهانه مفرح قناغم وار ایدی

اوصاف پای تخت شهر المان منحوس و دار الملک چاسار انپره طور قرال انکروس

یعنی بنای سور استوار سیج سد قزل المای حصین قلعه بیج

بقول مورخان ملل قوم نصار ابو قلعه ابتدا حضرت عیسی خلیفه لرندن حواریوندن اولان شمعون صفا حضرت عیسی کی سیاح عالم ایدی جهانی کشت و کذار ایدردك بو المان دیارینه اوغرا یوب منوچهر اولادندن منجاریان [۱] صحبتله شمعون صفا مشرف اولوب انک تعلیمیه منجاریان بو قلعه بیج بنا ایدر اما کله جک محمدك تاریخنده لفظ (ظه) [۰] ایله قسطنطین ایبول اغرا اندوسلیان کلنجه قورقك قلعه پك یاپك صوکره لفظ (غانم) تاریخنده و لفظ (غنم) [۲] تاریخنده سلطان یوسف محمد زمان کله سندن پك قورقوب محمدیلر ایله صلح ایدك دیو شمعون صفا بو قلعه بیج ایچون نیجه رموز کنوزلر سویلیوب بو قلعه بیجی عمار اتدوروب نیجه وصیتلر ایدر حالا بو الفاظ جفر جامعلر بیج قلعه سی ایچره استفانی کنبسه سنده و جمیع مجار ونمسه ولاتین و یونان تاریخلر نده بو بیج قزل الماسنی و بویوک اریم پاپا قزل الماسنی عثمانلی آله جفی مصر حدر اما حقا که شمعون صفانک نطق درر بارلریله اشارت بو یوردقلری بعد هجرة النبویه (ظه) تاریخنده که سنه ۹۳۵ اول سنه منحوسده سلیمان خان بو بیج قلعه سنه کلوب سنان پاشا ورستم پاشا و مقبول ایکن مقتول ابراهیم پاشا قوللردن لغملر آتلوب هر طرفدن یورویشلر اولوب چرکس میداننه وارنجه کافرلری قیره

[۱] پ، ک، ب؛ منجاریان [۲] س، ک، غنیم

[۰] [نسخه لرك بر قسمته (ظه) کله سی ایکی لام ایله (ثلله) شکلنده یازلمش ایسه ده یاکلیشدر چونکه (۹۳۵) اولوق ایچون بر لام کافیدرا کرایکی لام ایله یازیلیرسه اوزمان (۹۶۵) ایدر حالبوکه وقعیه مقایدردر (م)]

آنتہ بنوب جمله کلن کافرلر بزم الایمزدن ایلری کیدوب وزیر دخی چاساره کیدوب انجاق بزم الایمزده پاشا یدکلری اوکنده آلتی وزیر ایله آلتی عدد کافر بوروسی چالنبوب خواه ناخواه پاشا ایچ اغالری ایچنه وزیر اوغوللری وسلطان اوغوللری کم هریری پنجه آفتاب ومهتاب غلاملر ایچ اغالری ایچنده قالدیلر وبومنواک مشروح اوزره جمله عسکرمنزه آهسته آهسته کیدوب ایکی طرفزده دریا مثال قره شاپقهلی کفره عسکری ایچنده قالبوب بیج قلعہ سنک پشپهل قپوسندن ایجری داخل اولورکن حقسا که قپوسی کوچک ایمش سنجاقلری و بیراقلری وطوغلری قوقه لرندن چیقاروب سنجاقلری اوموزلرینه آلوب قلعہ قپوسندن ایجری کیرنجه همان ینه سنجاقلری آچوب (نصرمن الله وفتح قریب) آیتلری زردوز کار ایله نمایان اولراق کیدرکن بیج قلعہ سنک جمله سوقلری وجمیع دکانلری والتیشر ویدیشر قات سرای طالیرینک روزنلری وداموباملری وجمه شاهنشین ومقصوره لری آدم دریاسی اولوب الایمزی سیروتماشا ایدرلردی بو حال اوزره قلعہ ایچره بر ساعتده کاه شماله وکاه جنوبه بزى صوقاق صوقاق کزدروب بعده بیج قلعہ سنک جانب شمالنده اوچ قات دمور قاپولردن طشره ینه کتور کتور مهتر خانه من چالهرق شهر ایچی کوم کوم اوتهرک مذکور قپودن طشره چیقوب نهر طونا اوزره بر خشب کمی دیرکلرندن مینی اولمش جسر دن جمله من عبور ایدوب اداوارشندن [۱] پاشایی قناغنه قنوب [۲] جمله اغواته والتی عدد قرال وزیرلرینه که آنلر بزى الای ایله قولاغز اولوب کترمشلردی انلره وسلطان زاده لره پاشانک بر ضیافت عظیمی اولمشدرکم طعامک مسک وعنبر رایحه سنندن کفارک وغیریلرک دماغلری معطر اولدی بعدالطعام قرال دن باش قومسار ومیکل ترجمان کوب چاسار سزه سلام فراوان ایلدیلر یولدن کلشلردر شومیوه لری وسکری معاجین واثربه لری وبوزردوز دیباوشیب وزرباف چارشف وبورغان وجمه خوابلری قبول ادوب برهفته استراحت ایدوب ینه کلهسی بازار کون انشالله آنلر ایله ملاقات اولورز دیو بوخبر ایله دورد یوز عدد کفره لر ایله بوقدر ما کولات و مشروبات و ملبوسات فاخره لر ومشمرات نادره لر کلدیکم

[۱] ک : اطه واروشنده . س : آدا واروشنده [۲] س : قیوب . ک : قیوب

و مرصع جواهر قوشاقلر و جواهر قداره [۱] قلجلر ایله ایکیشر ایکیشر عبور ایدرلر آندن بالذات پاشانک یمین و یسارنده مطر مجیان و توفنکجیان قرمزلی چوقه دوله لر ایله جواهرلی سنان پاشا مطره سی کم قرق بیک غروش قیمت تقدیر اولنشدیر و مجوهر زر نشانه لی و صد فیکار قونداقلی دالیان توفنکلر و باشلرنده صرمه زردوز کچه اسکوفلر اوزره بیاض اوطاغله لر ایله زین اولوب پاشای کامکار باوقار ایسه زر اندر زره مستغرق اولمش کخیلان آت اوزره رستانه اوطور و باشنده سلیمی دستاری اوزره مرصع مرغ ها سور غوجی و اکننده سمور قبا نیچسه اوزره مرصع شمشیر و چارقاب تیرکش قوشانوب آردی صره قرمزلی کچه اسکوفلی سلحدار و چوقدار و آردی صره یوز چیفت پر سلاح ایچ اغالری جمله پر سلاح اولوب کخیلان آتلر اوزره یا نجقلی و بحری خوطاسلی ایچ اغالرک اللرنده کومش صاریلی سیاه صاغریلی خشتلر ایله ایکیشر ایکیشر عبور اتدیلر آندن اللی چیفت مهترخانه لری [۲] بونلر دخی پر سلاح طوقاق توفنکار ایله عبور ایدوب آندن پاشانک کتخداسی توابعلریله پر سلاح عبور اتدیلر آندن سنجاقلر و بیراقلر آندن یدیشرفات استاد کامل چالیجی مهترلری سگاه مقامنده حداوی [۳] اصولنده بر خوش هوا پیشرو فصل [۴] ایدوب عبور اتدیلر آندن ایچ اغالرک سراجلرینک اللرنده قرغی صیرقلری ایله پر سلاح عبور اتدیلر آندن سقار مشکلرن و آتلرن کونا کون شکوفلر ایله مزین ایدوب کندولری سیاه مشین دوله اسبابلری ایله عبور ایدرکن قریه لرنده ممسک بال شربتلرن ایکی جانبده اولان تماشاچی کفارلره بذل ایدرک عبور ایدرک بوتربال الای پادشاهی اوزره سلیمان خان اوطاغی بانچه سی اوکنه وارلا ش وزیر اولان رودول فوش نام قرالندن پاشایه بر مجوهر اکرلی کخیلان آت کتروب پاشانک کوکسن اوپوب وغیری سلطان زاده لر و وزیر زاده لر وغیریلر جمله آتلرندن اینوب پاشانک دامنن بوس ایدوب پاشا دخی یوز بیک ناز و استغنا ایله قرالک کوندردیکی آته سوار اولوب سهل کیدوب ینه آندن نزول اتدی زیرا ملعون کافرلر بدخوی آت کترومشلر ینه پاشا کندی

[۱] ک: غداره [۲] س، ک: مهترلری [۳] س، ک، ط: حل اووی [۴] س،

ک: فصلی. ط: فصلاری

طومان کیمش زبردست عریان پهلوانلر سفیر بیوندورونجی قدر دمربایلر چکرک
 وجابجا محفلرده بربرلیله کولش ایدرهك کشتی کیران پهلوانلر نیجه کونه لعبدله بازلقلر
 ایدوب کونا کون معرفتله اجرا ایدرهك عبور ایدرلر اندن طوغلرک اردی صیره
 پاشانک امیر آخور اغاسی جمیع سراجلری ایله اللرنده قرغی [۱] قنطار صیرقلری ایله
 عبور ایدوب اندن صکره پادشاهمزك چاساره هدا یا کوندردیکی اون ایکی رأس کچیلان
 وصافنات الحیاد مثللی آتلمک هر بری اصطلل آل عثمانده برآت معتبر اتدی پاك و پاکیزه
 کومشی چوللر اوزره دیباصفری پوش ایله آتلی تیزین ایدوب هر آتک باشلرنده
 کونا کون مصنع صچاق پچهلی [۲] چطال زنجیرلی یولارلرک هر برن بیاض کلاهلر
 یدکچی خلیفه لر هر آتی ایکیشر آدم ضبط ایدوب بعضی آتلمک ایاقلرنده زنجیر پای
 بندلری قفش قفش [۳] اوترک هر برآت اژدر هفت سر کبی پرتاب ورقص ایدوب
 صهیل اوره رق و یانلری صره استاد عرب ساییسلر پیاده عبور ایدوب هر آتلمک
 باشلرنده ابلق سورغوج شاهی تلر و چلنککلر ایله هر آتک یانلری صیره ایکیشر
 عدد ینه بیاض کلاهلر خاص آخور خلیفه لرلی و بیاض کلاهلر پیاده توابعلری آتلمک
 یانی صیره عبور ایدوب بعده باش خلیفه قراله و یریله جنک ایکی رأس مجوه و مرصع
 وزراند زره مستغرق اولمش جواهر اکرلی و جواهر رختلی و جمله انجو و لعل
 و یاقوت ایله تیزین اولمش دیک دیک و ایایی [۴] ایکی رأس کچیلان آتلمک عبور ایدرکن
 بونلرک دخی یانلرده ینه پاك و ملبس آخور خلیفه لرلی بیاض یدکچی و کلاهلر ایله
 عبور اندیلر اندن بونلرک اردی صره پاشانک آخور کتخداسی ایله پاشانک طقوز
 عدد زراند زره مستغرق اولمش پرسلاح مجوه رختلی و طقوز نفر یدکچیلر کچیل
 آتلمک اوزره زره کلاهلر اللرنده یدکلر ایله برابر عبور اندیلر اندن اردی صره
 التون طاسلی و باشلری بیاض ابلق تللی و اللری تبر مسلملی اون نفر شاطرلرک
 هر بری دیبا و شیب و زرباف و چارقاب انجو دکمه خلقلر [۵] و زردوز اتکاکلر
 و انجو دکمه قنتوره لر و بللرنده دبده وی و دده وی و زیل سم [۶] و آفتابله

[۱] ك : قارغی [۲] س ، ك : بچهلی [۳] س ، ك : قفش قفش [۴] س ، ك ،

ط : ایایی [۵] ك ، ط : خلقلر [۶] س ، ك : زیل م

جیغہ لری کردن لرندہ [۱] زیان لری و الی پارہ کم [۲] یا نجملر جملہ پولاد نختوانیدن
 اولوب بحری خوطاسلر و قپلان پوستلری ایله عسکر ارہ سندنہ چاوشلر نعرہ اللہ
 اکبر صداسن اور اراق و جملہ عسکرہ ایکیشر ایکیشر اغالر دیو نعرہ لر اور اراق
 عبور ایدر لر اندن اسکملہ صاحبی و قطار و مہار صاحبی قپوجی باشیلر پر سلاح
 وزراندر ررہ مستغرق اولوب سمور کورکلر ایله و آتلی بحری خوطاس و یا نجملری لہ
 کخیلان آتلی اوزرہ یان یانہ ورکاب رکابہ کیدرکن اردلری صیرہ ہر اغانک پر سلاح
 قانظر [۳] صرفلی کوچکلری ایله عبور اتدیلر و ہوا غواترک اوکلری صرہ ہر
 و ایکیشر کخیلان آتلی یدکلرک مزین و ملبس یدکجیلری بر صیرہ یدکلر چکیلوب عبور
 ایدر لر آندن بو قپوجی باشیلرک اردی صرہ طوغلر و یوکر وک بیراقلرک [۴] اوکی
 صرہ امام و مؤذن و حقیر و پاشانک شینخی و قاضی افندی و دیوان افندیسی و قپوجیلر
 کتخداسی و پاشانک اوغلی بک افندی دخی جملہ ملبس و محتشم عبور اولندی اندن
 بو عسکرک اور تاسندہ قرق الی قدر قرمزی شلوارلی جنیدیلر آتلی اوزرہ ایاقدہ
 دور اراق و بعضیسی آتلی اوزرہ تپہسی اوزرہ دوروب کونا کون سلاح شور لقلر
 ایدرک بر لرینہ طوپوزلر آتوب دوتوب و آت اوزرہ باغداش قوروب و دز اوزرہ
 اکر خانہ سندنہ او طوروب رع دوار آت قوشدوروب و آتلی نیک قارنی آلتندن کروب
 اوتہ طرفندن چیقوب آت کردانہ آصیلوب ینہ آتہ بلارکاب پرتاب ایدوب بتوب
 وینہ آت قوشدررکن آتک قولانن جوزوب آت یلدرم کبی شقیوب [۵] کیدرکن
 اگری التنہ آلوب چیلق آت ایله قوشدررکن ینہ اگری التنہ قویوب آتی اکر لیرک
 کیدوب آت اوستندہ ایاق اوزرہ نماز قلوب کاهیجہ آت اوزرہ بر ایاق اوزرہ دوروب
 کمیسی آت اوزرہ او یوبوب ہر بر جنیدیلر بر کونہ لبعبدہ بازلق و سلاح شور لقلر ایدہرک
 عبور ایدر لرکن کفار لر بو حال صنایعاتلری کوروب عالم حیرتدہ قالر لدی اندن
 ینہ بو عسکر اور تاسندہ کونا کون پہلوانلرک کور زبازلری و کمان کشلری و مطراق بازلری
 و شمشیر بازلری و آت و دودہ صیجرا یان چاپک باز پہلوانلری و نیجہ چیفت یاغلی مشین

[۱] س ، ک : زبیلری [۲] س ، ک : کیم [۳] ک : قنطار [۴] س : یوکر وک
 بیراقلرک . ک : یور وک باواغانک . ط : یوکر وک بیراقلرک [۵] ک : شافیوب

چالراق جمله چاشنیکیران وکلارجیانلر پرسلاح ککیلان آتیر اوزره اللرنده مزر اقلری اوزره کونا کون حریر بیراقلرن زین ایدوب و جمله اغرلق اولان نسه عربهلرن دخی بیراقلرایله دونادوب قناغه کیدوب جمله اغرلقلری یرلشدیروب علی الصباح بازار کونی قناغه کیدوب برلشرلر [۱] اندن سیس [۲] وخرینده مقوله لری قالب قناجی باشی و خزینه دار باشی و جمله خدامان قره قوللو قیجیلرینه شهر پشپهله کلوب جمله اغوات آتیره سوار اولوب اویله دن اوچ ساعت اول جمله عسکر اسلام آماده دوردیله جمله اول طاغنه عکمان و جمله مشعلجان [۳] مشعللرک صاپلرینه کونا کون اطلاسار صاروب و مشعللر بوغازلرینه ذی قیمت منقش یاغلقلر باغلیوب و مشعللرک ایچلرینه لاله و سنبل و بنفشه وارغوانلر وکل و فول وریحانلر زین ایدوب آداب اوزره (الله ینصر السلطان) دیرهک عبور ایدیلر آندن تانار عسکری آندن چاشنیکیرلر اندن طشره کلارجیلر اندن آشجیلر اندن متفرقلر اندن واجب الرعایه اغلری اندن بزم ایله تعین اولنان بودین واکره و قنیزه و استونی باغراد و استرغون اغالریک اشپهری بونلر دخی پرسلاح وزیر زره کلاه [۴] و قیلان پوستی و قارتال قناتلری ارقالرنده و باشلرنده صالحلی ویحیالی وپورچالی وکرز الیاس و ادرتوبی [۵] تاجلر و یلکن طاقیه لر کیوب و آتلی حسنی و حسینی طونا کجدی قنالی آتیر ویدکلری اولوب اللرینه قوردتوکی صاریلی قوصد اینجه صرقلر اوزره کونا کون حریر فلاندره یا اقلر ایله اللرنده و بللرنده قره بنه توفنیکار ایله آت باشی برابر عبور ایدیلر اندن پاشا دلیری و اندن کوکلیلری همچنان پاک مسلح و مکمل عبور ایدیلر اندن بو عسکر ایچره آلتی چفت آلائی چاوشلری عجیه لقا هیکل ایله مسلح و مکمل زراندرزر نیمته خفتانلر و سیم وزره مطلا [۶] کمرلر و مکلف کومش چوکان و قطیفه چرقاب دوکمه شلوارلر و باشلرنده کونا کون سربندلر اوزره سیم رغ عنقا او تاغله لری و نیجه کونه ابلق [۷] جیغه لر و طورنا تللری و شاهین تللری باشلرینه زین ایدوب اتلرینک باشلرنده دخی ابلق [۸] جیغ

[۱] ک: برلشرلر [۲] ک: ساییس [۳] ک: مشعله جیان [۴] س، ک: زره زره کلاه .
ط: زر زرخه کلاه [۵] س، ک، ط: ادرتوبی [۶] س، ک: سیم وزر مطلا [۷] ک:
ابلق [۸] ک: ابلق

ات زیاده ویره ملی دیو همان چاساره طائشرسز وینه آل عثمان ایله دنکادنکک ستارسز ددکده جمله کافرلرک عذرلری قباحتمدن اشد اولوب خاموش باش اولدیله الحاصل بو حال اوزره نیجه کفت وکوی و لچ و جدالر اولوب حمد خدا الچی پاشامز کفار خاکسارک ذره قدر سوزلرینه متابعت ایتمیوب جمله سوزلرینه معارضه اوزره اولدی برهفته لجدن صکره الچی پاشانک هر نه مرادی وارایسه قرال مقبول هابونم اولمشدر صفا کلدک و خوش کلدک قدم کتوروب یوزومز بیه کلدک اما قلعه ایچندن الای ایله کچرکن سنجاقرن سهل اکسنر دیو رجا آتمشله اما مقدا سنجاقرلی اچما سنلر وباش اشنی اتسنر دمشلر ایدی شمدی سه لجه اکسنر دمشلر همان پاشا ایدر حاشا بن سنجاغی اشنی آلوب بو اش صاحبی اولم مکر بونده اولم دیویمین مغلظه لر ایدوب آخر کار کفار خاکسار چاسار نابکار ناجار قلوب برکونه رجارلی کچمدی

بج قلعه سنه الای ایله کردیکمز ترتیبی بیان ایدر

چونکه علی الصباح اولدی پاشایه باش میکل و باش قومسار و ایکنجی وزیر حضور پاشایه کلوب یراووب چاسار سزه سلاملر اندی بیورک جمله مراد کز اوزره الایکنز اولسون دیو قرالدن بر جواهرلی و سکنز آتلی بر حنطو عربه کتر دیلر کم حقا که چاسار قراله مخصوص عربه مرصعدر کم کورن آدمک دیده لری خیره لئر همان پاشا بن عربه به بنم و بز عثمانلیوز بزم معتادیمز کچیلان آتله بنوب جرید اوینایوب غزالره کیتمکدر بزم اسلامبولده بویه عربله عورتلر بنر بزه لازم دکلدر دیدکده سزاعلمز سلطانم دیوب کفره لر بر طرفه طوروب جمله عسکر اسلام آلایه آماده اولوب یدیشر قات مهترخانه و جمله جبه و جوشنه مستغرق اولوب آماده دور دیلر سنه ۱۰۷۴ ماه ذی القعدة سنک . . . کوننده جمعه ایرتسی کونی جمله آغراقلر ایله طوغلری قوناقچی باشی بجه کوروب قوناقلر مزه جمله خداملر مز قونوب مکث ایدوب بعده جمله خدامان پر سلاح اولوب مکلف و مکمل خزینه دار افا ایله کزیده آهن پوش چارقاب تیرکشلی ایچ اغالری خزینه قطارلری و عربله لری و دوه لرک ارداله و ناقوسلر چالراق و جمله قطارلرک هاوود و حطبلرینه بیراقلرین زین ایدوب کوسلرین

کافرلری قیوب جمله اغواتلرم تارمار ایتدیبررم و نیچون الایمه کافرلرک بورولرن و طبللرن و دجاللرن چالدرم ای امدی سنزک مراد و مرامکزنی آکلادم بن بو سنزک تکلیفکیز اوزره قراله وارم و قانون آل عثمانی بوزمام و بنی سائر الجبلره قیاس ایتک آنلرقنیزه ایالتی و طمشوار ایالتی پایه سیله کلرلر ایدی طب مال ایچون آل عثمانک عرضنه شین کتوروب قرال لندن شراب دیدکری حرامی ایچرلردی بکه ایسه نه مال و نه منال و نه شراب پرزوال لازم آنجاق عرض پادشاهی و عرض محمدی لازمدر و اگر قانونمز اوزره بشیوز آلتش عدد آدملریمه بر قیه اتمک و بر قیه ات و بشیوز رأس آتلمیمه بر یم و غیره خرج معقولاتلمزنی و ررسه کز معقولدر و الاقانونمز رعایت ایتیموب بزه حقارت ایدرسه کز بن بونده اون ییل جمله توابعمه اوطورسم شیرخورما و قطرنبات یدوروب جمله سنه دیباوشیب و زرباف کیدوروب اوطوررم و سنزک بکا التفات ایتدی کیزی یکایک سدراعظمه عرض ایدرم سنزک دخی الحیکیزی اسلامبولده کوپک بزیننه قومیوب رغبت و التفات و اعتبار ایتیموب غلظه میحانه لری ایچره پاغوریا و یککچ و کره ویت و تاغورنه [۱] و مدیه و استردیه نام مزخرفاتلری و سوموکللی بوجکلری و قابل بغه و اختاپوت بالقلری یسن دیوب همان پاشا ایدر تیز دیوان افندیسن چاغرک صدراعظمه حانز اعلام ایدوب عرض ایدلم و جمله عسکری و تاتار عسکرن داغتمه سنلر دیو دیوان افندیسنه عرض یازمغه تنبیه بیوردقلرنده همان ترجمان و قومسار کفره لرک عقللری باشلرندن کیدوب پاشانک ایاغنه دوشوب امان سلطانم لطف ایلک عرض یازمک وارهلم بر کره چاساره طانشهلم دیدکلرنده پاشا ایتدی بیره می ملعون بی دینلر سوزه کلسه چاسار شوپله جم جناب و عظیم الشان فلان فلاندر درسکیز بونده چاساره طانشه جاق نه وار چاساردن غیره ایش بلر و سوز آکلار آدملرکیز یوقیدر بیزم آل عثمان وزیرلری اشلر کورر قلعه لر آلر بوزار بوزولور اردل قراللرن و افلاق و بوغدان بکلرن معزول ایدوب اردلده یانوه و واراط قلعه لرن فتح ایدرلر پادشاهک خبری اولیوب صوکره فتح نامه خبرن کوندرلر اما سنزلر الحی به بر اتمک و براوقه

[۱] س ، ک : تاغورنه .

طشردر سلطانم سز سعادتله آلا یکنزله قلعه از دحامندن کچر سز انکچون اغراق اول کتسن دیدک دیدکارنده پاشا ایدر امدی عربیه و دودر طشردن کتسن قطار قطر لر جمله بنجه کتسن دیدکده قومسار ایدر سلطانم چاسار حضر تلی عظمتیه شویله بیوردیلر کم دینجه همان پاشا ایدر واللی ملعون و بی دین بر دخی سنک اغز کدن چاسار عظمتیه شویله بیوردی لفظنی اشتمیم بوخسه سنی خنچر قبضه سیله دپه لرم عظمت بر اللهه مخصوصدر بزم مکه و مدینه پادشاهی بیله عظمتیه دییه مزده سن ایکیده برده عظمتیه دیرسن دیدکده کافرک نطقه بحالی قالمیوب عالم حیرتده غشی اولوب قالدقده میکل ترجمان ایدر سلطانم چاسارک سزه سلام فراوانلری اولدر کم آلا یلریله قلعه مزه کیررکن سنجاغ و بیراقلری و علملرن آچاسنلر و سنجاغ صرقلرن قالدرمسنلر و اوموزلرنده کتورسونلر زیرا قلعه قپوسی اچا قدر و مهترخانه سن چالما سنلر و بنم مهترخاتم پاشانک اوکی صره چالئسین و بزم سلطان زاده لر و وزرا زاده لر پاشانک اوکی صره کتسنلر و پاشانک آردی صره بنم ایچ اوغلانلرم یوروسنلر و جمله سپاهلرم و غروفلر و قپودانلر و ارشاکلر و بکلرم پاشانک اوکی صره کتسن دیو چاسار بیوردیلر دینجه اول آن پاشا بر آتش پاره اولوب ایدر بقه کافرلر سزخی بوشهرده برهفته اوطور تمانک اصلی و فرئی و نتیجه سی بوکمی چیقدی بوسزک اتدیکنز تکلیف مالایط اقلر بزه تعظیماً میدر یوقسه تحقیر آمیدر دیدکده کفره لر ایتدیلر حاشا شم حاشا بو جوابلر سلطانمه تحقیر اوله لکن اچلی پاشا قرداشلر کزه بویله ایدرز قانون قاعده انکر و سمز بویله در دیدکارنده پاشای روزکار ایدر امدی سزک قانونکنز اویله ایسه او کافر بی دینک آیین باطل نا قانونلریدر اما بز اسلام پادشاهنک وزرالیوز بزم اسلام اوزره قانون قدیمز بویله در کم بن روم ایلی بکلر بکیسی یم قانون تشریفاتمز بودر کم طرف پادشاهیدن اون ایکی یوک آنچه خاص هایونم واردر اگر معزولاً و اگر منصبده دعوا دکلیوب مجرملری قتل وصلب و سیاست ایده رک و یدیشرفات مهترخانه می چالاراق آلا ی ایده رم و آلا یم ایچنه اجنیدن بر آدم قومام اکر کر رسه وور ایدرم و بن مکه مدینه و قدس شریف و بغداد و شام و حلب پادشاهنک اچلیسی اولهم نیچون سنجاغ رسول اللهی آچام و نیچون مهترخانه می چالمام و نیچون الایم ایچنه

قارون خرج ایدوب بویله قلعه و بوکونه باغ جنان یامشدر در انشاءالله تعالی ینه بزم ایچون معمور اولمشدر خدا ینه دست اسلامه میسر ایده دیدیکمه بر بدلا شکلی چاشنکیر آدم ایدر الله بوباغی و قلعه بیجی طقسان دورده [۱] اسلام الله ورمیه زیر ا بوبناری جمله خراب ایدر لر دیدکده کوزلری طاس پرخونه دوندی بر مجاذبوندن [۲] کسنه ایدی امالله عن قریب الزمان عسکر اسلامک قده میله بوشهر خاکنه قدم بصماغی میسر ایده آمین و بوباغجه مک جانب اربعه سنده اولقدر وزرا و اعیان کبار کفره لرینک باغ و باغچه لری وارکم حسابن باش قومسار بلر زیرا بوشهرک حاکمی اودر و بوشهرک شرق جانبی تا نهر طونایه ایکی ساعتکیره وارنجا سراپا باغ و باغچه لر و آب روانلردن طشره جمله چمنزار و لاله زار عسکر قوناق سحرالردر ... [۰]

وومسیره گاه مراحمی تفرج ایدوب قرالک ضیافتلرن ایکی کره سیوب پاشا کتخدا سنه و هرتوابه لرینه قرال طرفندن جزئی وکللی هدایالر ویریلوب اندن ینه تکرار

منزل شهر پشپل

بونده برهفته ذوق و صفالر ایدوب بیده چاسار باوقار طرفندن باش ترجمان میکل و باش قومسار کلوب انپره طور حضر تری سلطانه سلاملر اندی علی الصباح مبارک بازاریمز کونیدر انشاءالله تعالی الای ایله شهره شریف بیورسونلر [۳] دیدیلر لکن اغراق عربه لری و جمله اغراقلر مقدم کتسنلر دیو چاسار حضر تری اویله بیوردیلر دیدکارنده هان پاشا ایدر بزم اغراقلمزه [۴] کسنه نک حکمی یوقدر پادشاهمزک ایچنده امانت هدایالری واردر آغراق بزدن آیرماز دیدی

در بیان منازعه الچی پاشا با ترجمان و باش قومسار

کفره لرایدر سلطانتک اغراقلی ایلری کتسن دیدمن مراد اولدر که سلطانتک قتاغی قلعه دن

[۲] ک : دورنده [۲] بر مجاذیبندن . [دوغروسی (بر مجاذیبندن) اولمیدرکه (مجذوب) ک جمیدر . معماییه بردها جعلنه جک اولورسه (بر مجاذیبوندن) شکلی آلیر [م] [۳] س ، ک : بیورسونلر [۴] س ، ک : اغراقلمزه [۰] بر سطر آچیق وار

کئی قایناشوب بر عربده و قزل قیامت جنگ اولوب ینه کیلر مذکور کربردن ایجری کیدرلر (دیگر تفرج کاه عبرت) ینه کیجه ایله بر حوض کنارینه واروب باغبانلرک استاد اهل وقوفلری حوض کنارنده ینه بر کونه آلاجه موملر یقوب حوض ایجره اول قدر عریان بنی آدم ظاهر اولوب حوض ایجره عورت و اوغلان بر برلیله کولشرا ایدوب کونا کون فحشیات جماعلر ایدوب ونیجه صومالکری شکلرنده آدملر ظاهر اولوب آغز لرندن تهرج ایدن آدملر اوزره آتش فشانلقلر ایدوب خلقی قاجر لر دی و کندولری دخی حوض ایچنده غایب اولور لر دی (عبرت دیگر) ینه کیجه ایله باغبانلرک اختیار کفره لری کنار حوضده نفت و قطران شکلی بدر ایجه لی شیلر یاقوب صوا ایچنده باشلی و باشسز ادم لشری ظاهر اولوب حوض صوی جوش و خروشه کلوب ینه تسکین اولور دی مذکور آتشلر اوزره باغبانلر بر کونه دارو کبی و بورچاق و نخود و باقله کبی حبوباتلری آتش اوزره دوکنجه حوض کنارنده کی تماشا ایدن آدملرک کمی باشلی و کمی باشسز و کمی صاری و قرمزی ویشل و قره چهره لی آدملر اولوب بعض آدم خوفندن کندوی باشسز ظن ایدوب باشنی یوقلار حتی پاشا امامنک بر اوغلانی کندوی باشسز کوروب کندوی حوضه آتوب غرق اوله یازدی باغبانلر چیقاروب غلامی خلاص اتدیلر الحاصل بوشهرده برهفته او طوروب هر کون کلوب پادشاهانه سیر و صفار و تماشالر ایدوب ذوق و صفار ایدردک دخی نیجه بیک کونه عبرت تماشیلر کوردک اما تحریری ممکن دکلدر و روم و عرب و عجمده و جمیع کافرستانده بو باغ خیابان ارم مشهور آقا اولوب حسرة الملوك بر جنین روضه مصنعدر حتی بر قرال جلوس اتدکده الای عظیم ایله بجدن بونده کلوب سلطان سلیمانک خلوت خانه سنده باش باپاس قراله قلیچ قوشادوب ینه الای عظیم ایله بیج قلعه سنه کروب تختنه جلوس ایدر و بو باغ جهان بیج قلعه سنه برایی طوب منزلی بر مرتفع یرده کوچک المان اتکنده بر باغچه ارمدر و بو محله بویله اعتبار ایدوب قلعه باغ مرام اتدن مراد و مراملری اولدرک بویله بر سر اپرده سر بر سلیمان صاحبی سلیمان خان بو محله کلوب ایکی کره وز بیک عسکر ایله اوچ آی بیج قلعه سن دوکوب و قیشه قالوب و بیج قلعه سن آله میوب بویله اوطاغن براقدی کندی دیو کندو ناملری اعتبار بولمینیچون بو قدر خزیننه و مال

و کرکدان وزرپنای [۱] یوقدر یوخسه ارسلان و قپلان و ببر و پلنک و جمیع تلکی و چقال و قورد و یکی دنیا مخلوقاتندن بودیاده کوروله مش حیوانلر واردرکم کورن آدم حیران اولور بونلرک دخی خداملری باشقه در و بر طرفنده دخی اکر بری واکر بحری اولان وحوش و طیورک انواعی موجوددرکم مصردن منزله نام ولایتدن و فونجستان پادشاهی ولایتدن نیجه بیک کونه قوشلر وقاز و اوردک و آلت [۲] و کورکچینلرک انواعلری و هر دیارک اجناس مخلوق مرغانلری موجود اولدوغندن ماعدا جیرانلر و حمار یابانیلر و صغن و قره جهلر و طبله لیلر و یغمور جهلر و کیسکار و کبش یابانیلر و تیس کوهیلر و المان آیلری وارکم فیل قدردر و الحاصل جناب کبریا بودیم ارضده نه خلق آتدیه ذی روح قسمندن بو باغده موجود اولدوغندن ماعدا یکی دنیا مخلوقلری دخی یحساب موجوددر زیرا بو نسه چاساری جمیع ملل نصارا اوزره تصدرایدوب شهنشاه اولدوغندن بوکونه اشیار آستانه سنده بولنلق عنوان اسباب احتشامندن اوله و بو باغده اصلا اولر یوقدر انجق برکونه طرفه لباس کیر ایکی بیک قدر بوستانجی کفره لری وار مذکور قله لرده اولوب باغبانلق ایدرلر و شب و روز آینه و رونده لره جان و باش ایله خدمت ایدرلر (اما کار غرایب) بو باغ ایچره سیر و تماشا ایدوب کزرنکن بعض غافل آدم لرک یاننده زمبرکلی لوله لر واردر بیلن آدم زمبرکه باصنجه بیلیمین آدمی زمبرکدن چیقان صو اصلا دوب اوستی باشی صر صقلام اولوب جمله خنده ایدوب سیر و تماشا ایدرلر (تماشا کاه عجیبه) بونده برحوض عظیم واردرکم ایچنده اولقدر ماهیلر وارکم حسابن و انواعن خدای بیچون پیر کیجه ایله باغبانلرده برکونه شمع کافور بللور وار [۳] بو حوض کنارنده اول شمعۀ چراغان اتدکده العظمه لله اول حوضک برکوشه سنده برکمر واردر همان اول کمر ایچندن کوچک کوچک قلیونلر و قدرقه لر ظاهر اولوب بر جنک عظیم ایدوب آدم لری طویدن و توفنکدن اولوب کیمسی دریاده آدم لری غرق اولوب بعضی کیمیلر بطوب غرق اولور بعضیسی قلیونلر و قدرغله لر اولوب [۴] ایچنده بی آدم یا جوج و ما جوج

[۱] ک : زورپنای . س : زرپنای . پ : زرنبا [۲] س ، ک : آکت [۳] س ، ک :

شمع کافوریلر وار [۴] س ، ک : آلوب

وچکور و رباب وارغونلری و ناقوس و مزماراتلری جمله دولابلریك چرخلری
 بر صنعت ایله چالركم بودخی برعبرتما تماشا کاهدر ینه نیجه رده دخی نی کبی قوال
 ودودوک و مثقال و دانکور [۱] و چاغرتمه دودکلرک انواعلرن صو چرخلری
 کوروکلری چکوب روزکار ایله کوروکلردولوب آندن مذکور سازلره کوروکلردن
 روزکار اوروب جمله رهاوی مقامنده سازلردن آهنگ کونا کونلر حیقوب کویا حسین
 بیقرا فصللری اولورکم اغرب غرابیدن صو چویرر چرخلرک کوروک سازلریدر
 و بو باغ ارمده دخی آثار عجیبه و غریبه عبرتتار چوقدر اکر تماشا ایلتدی کمز اوزره
 اوصافلرن تحریر ایله سک بر روضه نامه نام بر مجلد کتاب اولور و بو باغ ارمک بر
 کوشه جانبی بیك آدیم مقداری یرک جانب اربعه سنک و اوستنک هر طرفنه قالین
 صاری پرنج تل چکلمشدر باشقه تلدن اورلمش قپوسی وار بونک ایچنده مالامال بلبل و قره
 طاووق و صاری آصا و اسکته و قلوینه [۲] و سقا قوشی و باشدن قره و اسپنوز و طوطی
 و پاباغان [۳] و مینار بوز بقا [۴] و نیجه بونلرک امثالی صغیر اوروجی مرغان خوش الحانک
 نعمات خوش نوالری هزار طرفده هزاران هزارک اصوات حزینلری عندیلب کویانی [۵]
 کویا دم بسته ایدوب بوجای مفرحده دخی باشقه بر جان صحبتی ایدم چک مقصوره لر
 و جمله مرغانلر ایچون آشیانه لروار بومشک باغک دخی ایچی صیق اورمان دکل
 کستان و ریحانستاندر و جمله مرغان خوش الحان یاز قیش بومشک قفصلی باغ مهشت
 ایچره آشیان ایدوب یاورو چیقار لرلر اما المان داغلی اتکی اولماق ایله قیشی شدید
 اولوب جمله مرغان ایچون بوباغک دیوارلری ایچنده و غیری یرلرده نیجه یوز بیك دلیکلر
 بنا ایله مشلر قیش کونی جمله طیور آنده قیشلار لر و بوباغک بر کوشه سنده دخی ینه
 صاری پرنج تلدن اورولمش بر بولک خانه واردر جمیع دوغانلر و شاهین و بله بان
 وزغوس و قره قوشلر و قره کوزلر و دولنکیچلر و آتماجه لر و دلیجه لر و یلوه لر و الحاصل
 جمله یرتیجی باز مقوله سی صید و شکار قوشلریك بوباغده باشقه باشقه تولک خانلری
 و باشقه دوغانچیلری واردر و برکوشه سنده دخی حیواناتک انواعی وارکم همان فیل

[۱] س ، ک : دانکیو [۲] ک : قلوینه . س : فلرویه [۳] س ، ک : باباغله

[۴] س ، ک : مینا و بوزبقال [۵] س ، ک : کویانی

وهر طرفده کی [۱] تخته عد اولسان طارله لرنده برکونه شکوفه لر وارکم آل عثمان دیارنده و عرب و عجمده وله وجه و مصقو دیارلرنده اویله شکوفه لر یوقدر حتی قرق آلتی کونه مطبق ورد خندان کل هدایا کتر دیلر و کک خلقی قرمنی و بیاض و ضاری اولما قدر اما بو باغ مرآمده یشل و ماوی و آل و ابری و آبلق و لعلی و خشخاشی و نیجه کللر وارکم رایحه طیبه سی آدمک دماغن معطرايدر خلاصه الکلام بوروی ارضده اولان ازهارات و نباتات و کیهات و شکوفه دن ماعدا بیکی دنیادن و سائر اقالیلردن هدایا کتر دکلری شکوفه تحملردن نیجه یوز بیک کونه الوان مغیره شکوفه لر وارکم کورن سبحان الحلاق الباقی دیمه سی مقرر در کم جمیع دنیانک تمدوح شکوفه سی بونده در اما حکمت خدا بو باغده خورما و سروی و چمشیر و انجیر و زیتون و نار و حمیز و عرعر و صنوبر یوقدر اما جمیع کونا کون فواکه مشمرانک انواعی بونده موجود اولوب بروقیه کلر الماسی اولور لکن اوزومی سهل خوش خور و ترش اولور زیرا شدت شناسی شدید اولدوغندن نیجه کونه میوه لری اولماز و بوررضه ایچره هرکن صاحب طبع قرالدر کونا کون تحتانی و فوقانی قصر عالیلر و کاخ زهت اثرلر و مصنع و مرصع مطلقا حل کاری مقصوره خورنقلرک هربری برر کونه طرح اولمشدز و جمله طاشلری یشم و حرقاتی و یرقانی و بلغمی و سنک قره جی [۲] و مزمر و صناعی و زنبوری و سیلانی و عقیق یعنی و صوانی و ابری انجار کونا کون ایله مفروش قاعه لر و مصطبه لر و کورونشلر وارکم هربری برقرال ضالدرک آثار عبرت مالیدر و نیجه بیک کونه اصلا بربرلرینه بکنزه من فسقیه و حوض و شادروانلر و سلسیل و فواره لر وارکم هربرینه امان نظر ایله نظر ایدن انکشت بردهن ایدوب عالم خیرنده قالر و بعضی مقصوره و شادروانلرک اولکرنده نیجه الوان مصنع چرخلری و تماشاگاه صاقو چکچلری و مولوی سماع زن تصویرلرن صورل چوروب نیجه بیک کونا فرنک اولد زانانی شیطنلری وار و نیجه یوز یزده جا بجا مقصوره لر اوکنده نیجه یوز کونه چرخانی [۳] صورل دوران آندکجه [۴] نیجه یوز چنک و زباب و ششتار و اقلینغ

[۱] س ، ک : وهر طرفده کی [۲] س ، ک : فرجی [۲] س ، ک : چرخلری
[۴] س ، ک : آندردکجه

بر قله‌سی بر اوده کبی انشا اولنشدر حالا بو قله اودالرك ایچنده باغبان بوستانچی کفره‌لری سا کنلردر و حالا عرض اوده‌سی و عدالت کوشکی ینه اویلجهدر اما لیلک چادری و بیوک دیوان خانه‌عالیکه جهان نمادر و بو اوطاق ایچنده قورولمش چرکالر و خورده چادرلر طرزی متعدد اودالر و پادشاه اوبه‌سی اوکنده کی صفة اوکندن آق‌دینی صولر حالا سلسیل آسا جریان آمده‌در اما بو اوطاقک ناموسیه‌سی قرق‌سکز مرمر ستون منها اوزره بنا اولنش و جانب اربعه‌سی پرنج طره‌بزئر و کونا کون روزنلر و جمله‌در و دیوارلری فرنک پسند نقش بو قلمون متین حائطلردر اما حالا سلیمان خانک خلوت‌خانه‌سی اولان عجم طرزی اوباسی طرزی اولان صومعه‌سنک قوسی مسدود ینه بر خلوت‌خانه‌در و جمله اولان معموراتی سراپا کار کیر بنا اولوب اوستلری قرمز ی بقر تنکه اورتولیدر کم نیجه یوزبیک قنطار باقر کتمشدر حسابن جناب باری بلر الحاصل ایکی بیک طقسان میلیون مال کتمشدر دیو باش قومعه‌سار نقل ایلدی و اوطاقک و جمله قله‌لرک و جمله آثار بنالرك باران رحمتی آق‌جاق سچاقلری و میزاب اولوقلری دخی جمله باقردن مینی اولوقلرک اغزلی ارسلان و اژدر اغزلی کبی اولوب جمله مطر رحمت اژدر اغزلیندن آقار و جمله قله‌لرک قله‌لری و اوتاق اوزره و بیوک چادر اوزره و ناموسیه‌نک یکر می دورت ستونلری اوزره و لیلک چادری و عرض اوده‌سی اوزره جمله یتمش سکز عدد آدم قدی قدر آلتون یالذلی مطلا خاچ علملردر و بو دورد بیک آدیم اولان اوطاغک جرمی ایچی باغ ارمدن نشان ورر کم بودهر دنیده اویله بر آثار غریبه و اویله بر کار عبرتمای عجیبه کورلمش دکلدر

ستایش باغ ارم اوطاغ سلیمان خان [۱]

بو باغ خیامانک ایچنده جمیع صواقلری کونا کون نقش آخر طرح اولنشدر و مرشاه‌هی بر کونه نقش بو قلمون قوش کوزی کبی خورده ذی قیمت طاشلر ایله دوشمنش کویا هند نسوس کاریمی کبی رخام عبرت نمون قالدیرم دوشه‌لیدر

[۱] ک : ستایش باغ ارم اوطاق نه‌طاق سلیمان خان

دوندەر لرلر چون جنك سلطانی وقت صباحه قالنجه حكمت خدا ارتسی كون بر عظیم شدت شتا اولوب قارلر یغوب اولقدر دیی و بوران و ثلج نازل اولوزكم جمله عسکر اسلام ثلجدن هلج ملج اولوب جمله مترسلی قار بصوب نیجه بیک آدم الدن ایاقدن چیقوب نیجه بیک حیواناتلر قریلوب روز محشردن برکون اولور جمله عساكر اسلام الأمان ای سلیمان زمان (الامور مرهونه باوقاتها) ان شاء الله تعالی شمعی قاسم کونندن اون یدی کون صکره در مراد من کافره بر کوشمال ایدی اولدی همان سلامتیه چیقوب ینه اول بهارده ان شاء الله بو قلعه محاصره ایدلم دیو مشاوره ایدوب اون ایکی بیک عسکر ایله اوسکللی قاسم و یواده بی کافرك المان ولایتلرینه کوندروب نهب و غارتیه باشلرلر کفار بو حالی کوروب قاسم و یواده ایله جنکه باشلرلر همان بو محله سلیمان خان بو محله اوطاغن براغوب اوسکده کی طوی و جمله جبه خانه و خزینه کتورب اکثریا ایچ اغاری پیاده اولوب برزخ و مصیبت چکرك طونا کنارنده قوین اداسی اوکنده جان قورترانه دوشوب جان قورتاردیلر بعده کفار تبرکا سلیمان خانک اوطاغن قالدروب خزینه سنه قیوب نقش تصویری و شکل لطیفی اوزره اول اوطاغک یینه همان طابق النعل بالنعل اوطاق کی بو قلعه کارگیر بنای شدادی متین زیبا تمشدر لکن جنك اولنوب محاصره ایچون دکدر آنجاق تبرکا عبرتتا اولوب بر آثار اولسون ایچون و سلیمان خانه بو قلعه آلتنده اوطاغن براقدرمش [۱] نامیچون بنا اولنوب جرمی کامل دورد بیک آیدمدر و اون آلتی گوشه در هر گوشه سنده برر قله موزون ایله مشلرکم آدمک عقلی پریشان اولور و بو قلعه نك دیوارنك قدی حالا پاشاهمز اوطاغ نه طاقنك طرزی و طوروی و طرحی و جمله سواقلری نیجه بدن بدن ایسه معنی ایله بنا اولنمش برمزین چتر سراپرده سلیمانی شککنده بر قلعه مزیندر و مذکور اولان قهله نك مثلا خاص اوده و خزینه اوده سی و کلار اوده سی و بیوک اوده و کوچک اوده و سفرلی اوده و دوغائجیلر اودالری کی بنا اولنمشدر الحاصل سلیمان خان عصرنده اوطاق نیجه قورولی قالدی ایسه [۱] س ، ك : براقدرمش

دیدکده سلطانم ایشه بازار کونی مبارک کونمزددر اشته یقین کلدی اولکون آلاى ايله کررسمز بیورک سیز صفا ایدوب مسافریمزسز برطعام بیوب سیر و تماشایدوب ینه کلک دیدکده کتعم هی ملعون اشته آدملم چوقدر آنر کتسنلر دینجه هان پاشادان جمله من مآذون اولوب بو پسپهل شهرندن یچ طرفنه اوچ بیک آدیم غرب طرفنه باغلیر و باغ ارملر ایچره کیدوب

اوصاف قلعه چار باغ جهان یعنی اوطاغ سلیمان خان آل عثمان

بو قلعه باغ ارم اوطاغ نه طاقک باب عالیسی اوکینه واردوده چاسارک جمیع ارباب دیوانلری جمله مزه قارشو سلامه دوروب بو باغ مرامه دخول ایدنجه عقلمز چاک دیده لرمننماک اولوب جمله من عالم حیرتده قالب سلیمان خانک اوطاغی اشکالی مقصوره لری وقاعه لری و دیوان خانه سنده مکث ایدوب جمله آتلیمز طشره چیقاردیلر نیجه ایش کورممش آدملم من نیچون آتلیمز یا نمزدن طشره چیقاردیلر دیو شک و شبهه یه واردیلر حقیر ایتدم بیره آدملمر عبیدر بو بیعنی فکر فاسدی قوگ آنلرک الحیسی یزیم بودینه واردی بر مزه بونده بر خطا کلسه بودینده آنلرک الحیلرینی و بو قدر اسیرلرینی جمله قلجدن کچرلرلر بیزه بو خام سودادر همان شو آثار غریبه و عجیبه لری سیر و تماشایدوب ذوق و صفامزده اوله لم دیوب رفیقلمزله باغ خیابانی تفرج ایتمکه باشلادق

در بیان اشکال قلعه اوطاغ سلیمان شاه

چونکه سلیمان خان زمان اونکروس منحوس المان نفوس کفره لرندن انتقام آلمق ایچون سنه ۹۳۶ تاریخنده بالذات سلیمان خان قلعه بجی محاصره ایدوب صدمات طوب کوپ ايله طقوز قولدن دوکه دوکه زبون ایدوب یورویشلر اولوب ایچنبه کرلمشکن و بدنلر اوزره اذان محمدیلر تلاوت اولتوب چرکز نام بر بهادر آتیه طونیه طوپلرک منهدم اتدوکی یردن تا قلعه نیک اورتاسنه واروب آتی و چرکس یکیدینی آنده شهید ایدرلر و کفار عسکر اسلامی یورویشدن کروه

ایدوب باده و عرق کیفی کر میتله بر لرلیله قوج قوجاق اولوب ذوق بوجاق ایدر لر
 و آب وهواسی لطیف اولدوغندن محبوب و محبوبه سی ممدو حدر حتی ارلری و عورتلری
 بر لرندن قاجیبوب بزم عثمانلی ایله عورتلری بر رده اوطوروب عیش و عشرت
 ائدو کده قوجه سی بر شی دمیوب قیودن طشره کیدر کندی ماینلرنده عیب دکدر
 زیرا بو کافرستانک جمله سنده حکم عورتکدر تا مریم آنادن برو آیین بدلی بویه
 اوله کلشدر اما بو شهرک کفره لری غایت ایله عنقا باز کازلری و غریب دوست مغانلری
 و موغ پچه لری واردر و الحاصل بو شهرده تماشا ایده جک عبرت نما شیر چوقدر
 جلد آ بری بو شهر ایچره جریان ایدن نهر اوزره نیجه یوز مصنع اون دکر مانلری
 وار مثلا بر کوز دکر مانده اوچ دورد کونه اون پیدا اولور بری خاص و بیاز
 و رقیق بریمی اورطجه دقیق بردخی قباچه بری کپک دیر لر قباچه اون النوب
 شقه باشقه چقار حالاکه دکر مان بردر و آدم یاپیشمان دورت کونه الکن بوفلکده
 اون الهز و بویه نیجه کونه واجب السیر عبا و کبه و چوقه و غرایب بارود سیاه
 دکر مانلری وار کم کورن بی آدم عالم حیرنده قالر ... [۰]

و پاشا افندمز بو بشپهل شهرنده بر هفته اوطوردوغندن صکره [۱] بودین وزیرینه
 علام ایدوب اوچ کونده آدم کیدوب اوچ کونده کلدی بودیندن بو محله و بجه سکر
 قونا قدر اما بزی اون بش کونده بو شهره کتروب کاه شماله و کاه جنوبه و کاه شرقه
 و کاه غربه کزدردیلر زیرا بیج بودینه و استرغونه اوزاق اوله و ولایتلرینک آبادان
 عمارت لرینی سیر آئدره ش اوله لر بودین وزیرندن خبر کلوب ایکی هفته اوطور درلر سه
 اوطوروب همان بکا اعلام ایله دیو خبر کلدی ارتسی کون قرال طرفندن باش دفترار کلوب
 پاشایه بر حنطو عربه کتروب بیورک قرالیز سیزه سلام ایلدی سلطان سلیمان اوطاغی
 باغنده سلطانمه ضیافت ایلدی و سلطانمه کندو عربه لرندن بر عربه کوندردی دید کده
 الحی پاشا ایدر بقه پلید عنید میکل ترجمان بز بونده حبس اولوب ضیافت یمکه و کار
 کسب ایتمکه کلدم همان بکا بر شافی خبر و رک یوخسه الله طالدر صباحن بودینه کیدرم

[۱] س، ک : صکره صقلوب [۰] ایکی سطر آچیق وار

متاعلرن فروخت ایدرلر وجمله ۷ عدد قلعه مثال عبرتتا کنیسه لری وارد هر برنده بشر آلتیشر یوز قدر بطریق ورهبانلری وار برنده جمله قزلر وار اصلا کشیش پلاس پوشان یوقدر و برکنیسه کارعتیق اولوب تا حضرت عیسی زمانی بنا اولنوب قپوسی اوزره تاریخنی سنه ۱۵۴۴ تحریر اولمشدر حتی کفره لرك آیانه نام بدنام کونلری ایدی اون بیک رهبان ویتمش سکسن بیک قدر کفار بی ایمان خاجلی پیکرلری و سنجاق و بیراق وارغنون و ترومپته لریله بودیرکیره کلوب آیین باطللرن اجر ایدوب بعده بوشهر پسپهک باغ مراملرنده اویله فسق و فجور و عیش و عشرت اتدیلر کم تعیر اولماز نیجه بیک کفارلر دخی پاپاسلر ایله اللرنده آلتون و کش مجمره لر ایله بنجور وعود و عمر و کونلوکلر یقاراق صوفاقلرده تورومپته چالراق کزوب ینه منصطرله کیدرلردی هر دیرکیه کبابلری تنه کی وقلایلی و صاری پرنجلی و رصاص ایله مستور بت کده معمورلردر کم هر برنده بر خزینه مصر دکر صنم لر و آویزه لر واردر هر قباب و چاقلق قله لری اوزره آدم قدی قدر آلتون خاج علملری وار کم شعضه سی شهره فروزدر [۱] و ساعت قله لری دخی قلایلی دمر تنه اور تولیدر چاکلری بر قناق ره صد ا ورر و بوشهرک اور تا سنده نهر ... جریان ایدر بر کوچک عیون جاریه در اما آب حیاتدر کوچک الماندن کلوب نیجه قرا و قصبات و بلیده لری ری ایدوب بوشهر ایچنده باغ و باغچه لری سقی ایدوب شهرک آلت پانده نهر طونایه مخلوط اولور و بونهرک ایکی جابنده سراپا باغ و باغچه وکل کلستان و حدیقّه رضوان مثللی باغ اصپوزولر کی جینه لرده کونا کون قصر عالیلر و حوض و فواره و ساقیه لر ایله مزین مقصوره لر و نزهت آباد و فرنک پسند عبرت نما کاخلر وار کم هر برنده استاد کامل برر صنعت قصد ایدوب اویله تصرفلر ایله مینی قصر خور نقلرک هر برنده فرنک مانی وارژنک نقاشلرک نقش بو قلمون عبرت مون سحر آثار نقش لری وار کم علم قلنده بهره سی اولان انکشت بردهن ایدوب واله و حیران اولور حتی جمله بیج قلعه سنک اعیان ظرفا کفره لری بوشهرده و باغ و باغچه لرنده آیلرجه و هفتله رجه ذوق و صفالر ایدوب جمله دلبرانلری و محبوبه قرلری بوشهر ایچره جریان ایدن نهرده ششناورلک

[۱] س ، ک : شهره فر ویر

بالذات چارسار [۱] انپره طورك كندو خاصى اولدوغندن جمیع اعیان كبار نمسه نك بونده قات اندرقات كار كیر بنا سرايلرنده حوض و فسقیه و شادر و انلی بد آیین خانهلر وار كه هر برى بر كونه رشك چار باغ خیابانه مانند سرايلردر منصطرلرینك اكثرى رصاص خاص نیلكون ایله مستور دیور معموره لردر زیرا بو شهر بندر بچه پك یقیندر كم انجق ایكى اوچ از مایش منزلی قدر واردر چاسار طرفندن پاشایه بونده رضیافت عظیمه اولمشدر كه جمله آتر منز بیله شكر ایشی نعمت نفیسه یدیلر و پاشایه برسمور قبه نیجه [۲] كیدر یدیلر و اون كیسه تالر غروش خرچ راه و ردیلر و بوشهر ك اكسه سنده كی كوچوك المان بیلاسی اوزره ماه تموزده قار اكسك دكلدر كه طوفان نوحدن برو آب زلالی عتیق قارلری وار اندن قاقوب محصولانی سحرالر كچوب ۳ ساعت جانب غربه كیدوب

اوصاف و اروش عظیم شهر پیش پشپهل قدیم

سلطان سلیمان علیه الرحمة والغفران سنه ۹۳۵ تاریخنده بیج قلعه سن دوكر كن بوشهری برباد ایدوب حالا اول زماندن برو عمار اولده بر شهر مزیندر كه واجب السیردر بز بوشهره الاى ایله كیرر كن قرال ضال طرفندن آدمركلوب پاشادوستمز برهفته شهر پشپهلده مكث ایدوب یورغونلی كیدوب برهفته دن صكره سی كندولریله ملاقات اولام دیو خبر كلوب جمله مزه بوشهر معظم ایچره زراندر زرلی منقبش سرای قوناقلر و یروب برهفته مكث اولندی اما بوشهر ك قلعه سی یوقدر هان نهر طونادن سهل بعید برواسع فضا ده و جنوب طرفی بیج داغلی دامنده بر شهر عظیمدر كم سراپا تخته اورتولو اوچ بیك عدد تختانی و فوقانی كار كیر بنا سرای عظیملر واردر كم هر برى بر میلیون خزینه به اولماز مزین نوبنا دارمنحو سولدر كم باش قونصارك نقلی اوزره بوشهر ك جمله اوده لری اون بیك عدد فپولی خانه معظملردر دیو جواب اتدی جمله یدی یوز عدد چارشوی بازار دكانلیدر اما هر دكان ترتیب اوزره دكلدر بعضی دكانلر اولرك آلتنده واقع اولمشدر بونلرده دخی بانو صفت قزلر اوطوروب

[۱] ك : چاسار [۲] ك : قپانیجه

اوتندق دیوب اول آن بشیوز پاره طوپلر آتوب شادمانلر ایدوب بعدہ پاشایہ بش کیسه ووقدر تحف ہدایالر وروب عذرن رجا ایدوب بنی چاسارہ ورودول فوش وزیرہ غمز ایٹک دیو نیجہ پشکشلر وروب آندن علی الصباح قلعه قیودانی جملہ عسا کریلہ پاشایہ وسیلہ اولوب ۳ ساعت [۱] باغ ارم مثال معمور قرارلر کجوب

اوصاف واروش پرانقو پروق

لسان نمسہدہ ... دمکدر زمان قدیمہ بر کوچوک بلدہ ایمش مرور ایام ایلہ عمار اولوب باش وزیر اولان قوجہ رودول فوشک خاصیدر حالا یدی بیک خانہلی واون بر منصطری وایکی بیک دکانلی ویحساب باغ وناغچہلی باغ مرام مثالی برواروش بنامدر بوندہ دخی پاشایہ بر عظیم ضیافت واون کیسه آلتون بر مطلا [۲] حنطو عربہ ہدایا وردیلر بوشہری کجوب ۳ ساعتہ

منزل ستایش واروش ...

دخی اوچ بیک خانہلی قرال دفتر دارینک خاص شہریدر بوندہ دخی ضیافتلر اولوب ہدایالر ووردی بو شہرک صول جانبدہ نمایان اولان کوچوک المان ییلاغی اتکلرندہ اون پاره سواد معظم واروشلر مزین اولوب نمایان ایدیکم ہر برینک عمارستانی برربندر شہر عظیمہ بکزر باغ باغہ و مزرعہ مزرعہ لہرہ چتاجت اولمش منصطروسرای عالیلر ایلہ زین اولمش شہرلر ایدی اما بو حقیر ایچلرینہ وارمدم آنجاق الارقہ دن تماشا ایدوب پاشانک ترجمانی اولان میکاندن سؤال ایدوب اون پاره شہرک اسمالین تخریر اتمکہ اسمالری بونلدر اولو واروش . . . [۵]

ندہ . . . واروشدن قالقوب ینہ جانب عربہ ۳ ساعت [۳] کیدوب

اوصاف واروش چارناسار نی وقار

بو جمیع واروشلردن معمور و آبادان و باغ ارمدن نشان ورر بر شہر شیریندرک

[۱] س ، ک : ۲ ساعت [۲] س ، ک ، ط : اون کیسه و بر آلتون مطلا [۳] س ،

ک : ۲ ساعت [۵] آلتی سطر آچیق وار

ایله مکت اولندی اما بو واروش عظیم برانلی صوقا قدر که طرفینی معظم سرائیلردر
 و آلتلری جمله کارگیر بنا دکانلردر کهینه جمله زنان طایفه لری بیع و شر ایدر لر
 و جمله اوچ بیك قدر کیره مت [۱] اورتولی منحوس خانلر و جمله سکز عدد
 منصطرلردر و بو واروشک جانب اربعه سی درین خندق اطرافی سراپا شر امپاولی
 مترسدر و هر خانه نک قبولرینک کمر لری اوزره اول خانه صاحبی نه صنعته مالک ایسه
 صورتی ایله و صنعتنک بساطلری تصویر لری ایله قبولری اوزره یازلشسدر آندن
 بلتر که بو خانه ده صراج و ساعتچی و بیجاچی واردر

اشکال قلعه آن پروق

نهر لایطه کشارنده بر وادیده شکل مربع شدادی بنا بر متین قلعه در
 ایچنده بش منصطری التون خاچلی چاکلق قلهلی وایکی قبولی بری شرقه و بری
 غربه ناظر قبولدر و جرمی کامل بیك بشیوز آدیمر و جمله اون ایکی عدد
 کوچوک طایبه لری و بیك نفر قولی وار و خندق اولقدر درین دکادر ایچندن نهر
 لایطه جریان ایدر بونهر جانب غربده اسلوون ییلارندن کلوب بوقلعه واروشی
 خندق ایچندن کچوب اوچ ساعت شماله آقوب نهر طونایه مخلوط اولور و بوشهرک
 آب و هواسی غایبه الغایه لطیفدر و بونده اغرب غرابیات و عجایباتدن چوق شیلر واردر
 اما برکونه طرفه صو دکرمانلری وار هم اون اوکودر و هم اوچ کونه اون الر
 غریب تماشا درکم الکه و غربوله آدم یاپشمان اون التر خاص اونی قرال ایچوندر
 و ماعداسی صاحبنکدر که کی دکیومه نجیلر نکدر لکن قرال بو اونی صاحبندن آنچه سی
 ایله آلوب ظم اتمزلر و بوشهرک واروشندن طشره نهر لایطه آشری فاتح یانق سنان
 پاشا برهوتقه یعنی بریغن یغمش تانایق قلعه سندن بو یغنه کلنجه بزم یانق ایالتی ایش
 و بونده بزم الحیی به برکیسه غروش خر حلق وردینر ایدی اما بوقلعه دن طوب شنلکی
 اتمدکلر یچون پاشا قلعه قپودانه غایت مغبر خاطر اولوب کیسه و هدا یارن آلمانجه
 همان قپودان یر اوپوب ایدر واللهی سلطانم آلایکیزه چیقوب مهابت صلابتکزدن

[۱] س ، ک : تخته و کره میت

حجوب کونا کون پنجه آفتاب بانویکرمه نمسه فزلی وارکه کورن بی آدم البته تعشق
 آتمسی مقرر در واکنزیا منصطرلرنده جمله حضرت عیسی ایچون کشیشه اولمش
 قزلر وارکه هرری بر بانوی زمانیه مانند قزلردر وشهری اوچ بیک قدر معومر
 وعزین ... ومنصطرلی وچارشوی بازارلی کارکیز بنا برشهر رعنادر نهر فناره
 بوشهر کنارندن جریان ایدوب کنسار داغلرندن کلوب پوژون قلعهمسی مقابله سنده
 نهر طونایه مخلوط اولور بوشهر فراوی دخی کچوب غرب طرفنه ۲ ساعت کیدوب
 صاخ طرفزده طونانک قرشو طرفنده قلعۀ پوژون بر ساعت بعید بر بایر باشنده
 نمایان اولوب آندن ینه غرب طرفنه ۳ ساعتده [۱]

اوصاف شهر عظیم انبرمطوره [۲]

یعنی چاسار شهری دمکدر بوشهر مزین کنسار داغلرینک دامننده بر دوز
 واسع محصولی صحرا ایچره برسواد معظم کبی کلیسالری ومنصطرلی وقات اندرقات
 قلاهی تنه کولی وپرنج تنکه وکونا کون صرجه کره متلی بر شهردرکه آفتاب عالتابک
 شعلهسی بوشهره اوروب شعشعه سندن مردم دیده لر خیره لئر الحاصل جمله اون بیک
 اودر وایکی بیک دکاندر وجهه قرق منصطردر وباغ وباغچهسی ییسا بدر اگر
 ماوقی اوزره بوشهرک اوصافن تحریر اتسک تطویل کلام اولور لکن بونده پاشایه
 عظیم هدایالر وروب وضاقتلر ایدوب آندن

اوصاف قلعۀ شیرین آن بروق

لسان نمسه جه ... دمکدر بانیدی لاصلو [۳] قرالدر وبوقلعه اول
 وآخر نمسه چاسارینکدر لکن سلیمان خان سنه ۹۳۵ تاریخنده بیخ غزاسنه
 کیدرکن بوقلعه احراق ایدوب عبور آتمش بدست قاسم وویوادا اما بز پاشا ایله
 بوقلعه آلتندن الای ایله عبور ایدوب آندن واروش ایچره آدم دریاسن سیروتماش
 ایدوب واروشک اوته طرفنده برواسع چنزار ولاله عذار یرده خیبات وچتر مملعلر
 [۱] س ، ک : ۲ ساعتده [۲] س ، ک ، ط : انبره طور [۳] س ، ک : لاضلو

هر صباح سدكلى ايله بيقامیوب عثمانلى كى مجمار هر صباح يوزلرن صوايله ييقرلر
والسلام ازين جانب ينه صده رجوع ايدلم چونكه اووار قلع، سندن ايجرى جانب
غربه مجار آتلىسى كره من نسمه نك ابتدا حدودى و مجارك آخر الحدودى بو قلعه
اوواردر بو محله الحى پاشا افندمزه رابه جنكنده مرد اولان زرین اوغلى نام
پليدك وليد عنيدى الحى پاشامزه كلوب بو محله بولشوب باباسى يرينه تخته -وب
هرسك اولماق رجا سنده اولوب اوردوى اسلامك برطرفنده اوچ بيك قدر بى سلاح
مجار عسكرى كلوب مكث ايتدى آندن پاشا افندمزه ينه اووار قلع، سندن عسك
آلوب و اول كيجه مشعللر ايله چراغان ايدوب ۵ ساعت جانب غربه بطاقتى يرلك
جسر قويلرى اوزره كچوب معمور و آبادان يرلده

اوصاف واروش ...

غایت معمور نسمه كفارى واروشيدر جابجا مجار قومى رعایالى و اردر بنوك
دخى جمله اولرن آغارتمشلىر برکوه سربلندك دامنده اوچ بيك عدد كار كير بنا
قلعه مثال قات اندرقات تخته و كره مت اورتولى باغ و باغچه لى و يدى عدد كينسه لى
و چارشوى بازارلى و محبوبه دخترلى معمور واروش عظيمدر بو واروشك تا اورتاسندن
الای ايله عبور ايدوب اوچ ساعتده معمور قرالى و چمنزار يرلى [۱] كچوب ينه
جانب غربه باغلىر ايجره بيلا دبنده

ستایش واروش دونه بان

بو قرالك اناسى اولان قرينك خاصيدر بنوك اطرافى خندقلى و جمله شرانپاولى
واروش ارمدرکه لسان نسمده بوکه دونه فراو ديرلر يعنى قريلر ولايتى دمكدر
حقیقه الحال الايمزك تماشانه چيقان جمله عورتلر ايدى اما چارشوى بازارى و كليسالرى
غایت معموردر آندن

درمدح زارش فراو

بودخى قزلر ولايتى دمكدر حقا که جمله قزلى ناز و نعيم ايله الايه قرشو

[۱] س . ك : واديرلى

جمیع زمانده نمسه و مجارک بربرلیله حسن زندکانیلری یوقدر و بربرلینه اعتقاد
 و اعتماد آتمک احتماللری یوقدر زیرا برقیچ کره مجارلی وزیرین و بکانلی سلیمان خان
 تابع اولوب نمسه نك ایلن ولایتن عثمانلی به آدرمشلردر زیرا مجار لوطریان
 مذهبنده در نمسه پابشته مذهبنده در انکچون بوا یکی کفره لر بربرلیله ضددرلر
 کرچه ایکسی ده ملت مسیحیه ددرلر اما (الضدان لایحتمعان) فحواسنجه بریره
 کلهملری ضروریدر و بوقلعه اوواردن ایجری استرغون واستولنی بلغرادی طرفه
 نمسه دخی اکر ساحلی و اکر ساحسز کچمک محالدر کرچه ولایت نمسه نکدر
 اما مجار خوفدن اول سمتله نمسه واره ماز مکر برعظیم کومه اولوب اول زمان
 کیدوب کلر و بربرلیله حاربه اوجیله [۱] سویله سرلر وینه بربرلندن کچمزلر زیرا
 (الکفر ملة واحدة) در لکن نمسه نك دولتی قالدندر مجارک دولتی سلیمان خان
 زماندن برو غرونه تاجی واسترغون قلعه سی و اوجیوز پاره قلعه لری اللرنندن کیده لی
 دولتلری ضعیفدر بعده نمسه مجار اوزره مسلط اولوب رعایا استدی اما مجار قومی
 یاننده نمسه جیفود کیدر اصلا یورکلری یوقدر و قلیچ اوروب آتیه بنوب فارس الحیل
 دکلدردر اما یایان توفنکلیسی نمسه نك حقا که آتش فشاندر اما آنجاق بلنده بر
 شیشی وار قچان توفنک آتسه برچتال اغاج اوزره قیوب توفنک آتار عثمانلی کبی
 قولدن توفنک آتامز کوزلرن یوموب بومللی [۲] توفنک آتار لر و سیاه شاپقه لری
 بیوکدر و پاپو جلرینسک بورونلری اوزوندردر و اوکچهلری یوکسکدر و یاز وقیش
 اللرنندن دیوانلری چقماق احتمالی یوقدر اما قوم مجارک کرچه دولتلری ضعیفدر
 اما صفره صاحب لریدر و مسافر قتلانلر و ولایتلری اکن و بچن ولایتلری اولماق ایله
 اکنجی قومدرلر و حقا که بهادر قومدرلر تاتار کبی هر ولایته چتال آتار ایله
 سکر دوب بشر اونار توفنکلری و بللرنده قلیج لری وار و سرحدلی عسکریمزدن فرق
 اولتماز اولیله اسباب کیوب کچیلان آتله بنزلر و پاک کززلر و پاک یرلر و مسافره
 رعایت ایدرلر و اسیرلینه نمسه کبی اشکنجه آتمزلر و عثمانلی کبی قلیچ چالرلر الحاصل
 ایکسی ده کافر بیدینلردر اما مجار اصلح موجود پاک کفره لردر نمسه کبی یوزلرن

[۱] نك : حربه نك اوجیله [۲] س : بومللی

اشکال زمین قلعہ اووار

نہر طونادن سہل بعید برحوالہ سز دوز واسع فضاہہ بر خوب ورعناو بر شدادی بنا بر مرتفع زمینہ قلعہ بالادر و خندقی ایچندن و واروشی خندق کنسارندن نہر قلقا جریان ایدر پچارھوٹ بیلا لردن کلوب بو قلعہ اووار آلتندن کجوب طونایہ مخلوط اولور بو قلعہ کرچہ کوچکدر اماغایت متیندر و بر قپوسی وار جانب جنوبہ مکشوفدر و ایچندہ اوچیوز تخته اورتولی خانہ لری و ایکی عدد منصطرلری وار و دیواری اوزرہ یکرمی عدد قر اول خانہ لری وار و خندقن طشرہ بش یردہ طوپراقدن بغلی طابیه لری وار کم ہر برندہ یوز بیک کونہ حیہ و شیطنت اختراع لری وار و بو طابیه لک دخی جوانب اربعہ سی درین خندق لردر و خندق لردن طشرہ سندہ متریسہ کرہ جک یرلردہ جملہ لغملردر و بو طابیه لک ارہ سندہ اصلا قلعہ کورنمز و حین محاصرہ دہ بو طابیه لردن قلعہ یہ یا قلا شلماز اما حین محاصرہ دہ بو طابیه لک بریسی الہ کیرسہ قلعہ تیز فتح اولور و ما تقدم یا نطق قلعہ سی بزده ایکن بو قلعہ آخر الحدود ایمش اما کفار ہان بریلدن بروینہ ظفر بولوب آلمش آنکچون بو قلعہ صارپدر و واروش کنسارندہ بر طوپراق یغیل حدود میلری اولان بر دپہ یغیلدر کم سلیمان خان بیج و المان غزاسنہ کیدرکن یغمشدر و بو قلعہ ایکی بیک عسکرہ مالکدر اما استرغون قولی خوفندن استرغونلیہ ہدایالر و خراجلر ورلر و جانب اربعہ سی غایت محصولی و اسعۃ الاقطار و رخصۃ الاسعار و باغ و باغچہ سی بحساب یردر و آب و ہواسی لطافتندن محبوب و محبوبہ سی غایت مشہوردر و مجار و لاتی ہوارادہ تمام اولدی بوندن غربہ تا بچہ و پراغہ و استرنیہ و لونچاط [۴] و لایتلرینہ و ارنجہ نمسہ و المان و لایتلریدر کم مجار کفاری بوندن ایچرو نمسہ و لایتلرینہ آلات سلاخ لریلہ کر مکہ قادر اولیوب پیادہ و یا خود غربہ لریلہ کیدرلر مگر چاسارک بر قرال اوزرہ سفر لری اولوب مجاری امدادہ دعوت ایدر لرسہ اولزمان جملہ مجار سلاخیلہ کلرلر اما باشقہ قنوب اوزر لرینہ مجار عسکرندن زیادہ نمسہ عسکری محافظہ جی قورلر

[۴] ک ، ط : لونچاط

مایینلردن نهر رابجه کچوب داغ طرفنده کی واروش چاسارک باش قومسارینک خاصیدر و بویکی واروش جمله یدی بیک عدد تخته اورتولی و باغ و بانچهلی و طقوز عدد قلعہ مثال منصطری و چارشوی بازارلی آب و هواسی لطیف واروشدر آندن بر ساعت کیدوب

دروصف واروش دول قوش [۱]

هرقنقی کافر قرال ضال وزیری ایسه آنلرک خاصیدر بش بیک عدد اولردر کم اون عدد برو حاکمیری وار رعایالری جمله مجازدر اون عدد منصطر چاکانی نمایان ایدی اما بوشهر ایچره کرمدم لکن برورلی پاشایه هدایالرن کتوروب غرب طرفنه ... ساعتده آبادان ایچره کیدوب

اوصاف قلعہ استوار یعنی بنای سور قوی اوار [۲]

اول و آخر نمسه چاسارینکدر کرچه سلیمان خان سنه ۹۳۵ تاریخنده بیخ غزاسنه کیدرکن احراق اتمشله اما قبضه تصرفه آلامشله قلعہ سی دبنده بر واروش عظیمی وار جمله عسکر اسلام ایله الای ایدرک بو واروشک بر قپوسندن کیروب اول بر قپوسندن چیقارکن برانی [۳] شاه راه ایچره اوچ بیک آدم کیدوب ایکی جانبی سرای عالیله و آلتلری سراپا کمر کارکی بنالی دکانلرکم جمله بیک عدد معمور و مزین دکانلر ایچره نیجه یوز بیک محبوب و محبوبه موغ پچهلر الای تماشاسنه چیقوب بز دخی آنلری آنلریله سیر ایدرک بو واروش مزین ایچندن چیقوب قلعہ اووار برابرلیکی وارلدقده ملعون قلعہ اولقدر طوب شادمانلری ایتدیکم قولاقلریمز کویا اصم اولوب قلعہ آتش نمرود ایچنده قالدی و اولقدر طبل و تورومپته و ناقوسلر چالدیکم کویا دجال یهودی وجوده کلدی ظن اولندی و قلعہ خندق دبنده مکث اولنوب بر چنزار و مسیره کاه یرده قپودانک ضیافتی اولندی و جمله شهرک دلبرانلری چادرلریمز کلوب دنوازلق و دلدارلقلر ایلدیلر

[۱] ط : رودول فوش . س ، ک : رودول فوس [۲] س ، ک : اووار [۳] ک :

رائلی

کویلدر حتی بو حقیر ایله رفیق اولن سرحدلیلر بعض قرالرین حقدیلر اما بو واروش ... نیمچه چاسار پاپاسنک منصطری وقفی اولماغیله او یله معمور و مزین و کنیسه لری و سرای عالی لری و چارشوی و بازار لری و باغ و باغچه لری و مشبک بوستان لری غایت معمور اولوب آدم دریاسی بر مجار واروشیدر بونی دخی سیر و تماشا ایدوب یینه شمال طرفنه اوچ ساعت کیدوب تکرار (منزل قلعه یانق) بده یانق عسکر یله پاشا افندیمر قالقوب سمت غربه معمور قرالری اوچ ساعتده کچوب

اوصاف قلعه قستل

نهر رابچه کنارنده براغاج جسر باشنده برطوپراقدن یغلی چیم ورختملی و صارپ خندقلی شکل مثلث پلانقه دن و کارگیر بنا قلعه دن صارپ برطوپراقدن داغ کبی بر قلعه در جمله اوچیوز قولی ابله قپودانی الحی پاشایه استقباله حیقوب قلعه دن بش عدد طوپلر آتیلوب شادمان ایتدی بو قلعه ایچره اصلا اولر یوقدر همان سولطا نمسه لر [۱] اوله جاق اوزون خانلر واردر انجاق کچت باشنده مجار و استرغونلی بورا بچه نهرندن ایچری کچمه سنلر دیو بو قستل بنا اولنمشدر کم قربنده نهر رابچه نک قرشو طرفنده

اوصاف واروش مازون وار [۲]

بج قلعه سی ایچنده استفانی منصطرینک وقفی صافی مجار واروشیدر کم اوچ بیک خانلی ویدی منصطری و چارسوی بازاری مزین باغ و باغچه سی معمور و کفره سی مسرور بر آبادان واروشدر و بو محله نهر رابچه سن مارتین و رابچه داغلرندن کلوب یانق خندقی ایچره نهر رابه ایله بر اولوب نهر طونا به مخلوط اولور و بو قستل واروشندن قالقوب معمور قرالر ایچره آبادان مزرعه لری ایکی ساعتده کچوب

ستایش واروش مای فراو [۳]

نمسه چاساری قریسی اولان مای فراو نام عورتنک خاصیدر اما برواسع حصه ولدار یرده باغ مرامدن نشان ورر شهر معظمدر کم ایکی واروش یان یانه در

[۱] ك ، ط : سولطان نمسه لر [۲] س ، ك : مازون وار [۳] س ، ك : مای فراو

جيانستاني زيارت ايدوب الحلي پاشادن مآذون اولوب يكرمي عدد سرحدلي ريفيقليله
جنوب طرفنه بر ساعتده داغله كيدوب

اوصاف قلعه سن مارتين

بعضيلر صهارتين ديرلر اما لغت صحيحي صهارتي در ونديك كافرينك بير اقلرنده
اولان رجال الغيب اشكالي اولان صهارقه اسميله مسا بر قلعه بالادر بانيسي برونديك
پرنجير يمنك قزلرندن برفراوقز اسيدر سنه ۱۰۰۲ تاريخنده سنان پاشاياسيق قلعه سن
فتح اندكده بو قلعه صهارتي دخي فتح ايدوب اوچنچي سنه ده ينه كفار ياقه بو قلعه يه
ظفر بولوب حالانسه چاساري حكمنده اوچ آسانه برابر بريالچين قيا اوزره بياض
انجو كي بركار كي بناي شداي شكل مدور وجانب غربه ناظر بر قپوسي وار اما
كويك قلعه در لکن غايت صار پد رجوانب اربعه سنده ايكي شرفناق يردن نمايان بر قلعه
داربي ايماندر بو قلعه يه بزي قومديلر اما اشغي واروشده قپوداني حقيره برباغ ارمده
ضيافتلر ايدوب بعد الطعام مصطفي افندي بي سوال ايتدك والهي رابده اسير اولن
آدملردن بزده آدم يوقدر جمله ايچ المانه كتورديلر ديو جواب اتدي اما بوسهارتين
واروشي عجب مزين و عجب معموردر صارب رده اولماق ايله استرغونلي بو واروشدن
خراج آله مازلر جمله صواقلري شطرنج نقشى طرح اولمشدر وقات اندرقات كار كي
بنالي اوچر قات و اوچ بيك شندره تخته اورتولي خانه دردر بو واروش جمله مجاردر
اما يوقازو قلعه جمله نمسه انده در بو واروشك جمله صواقلري قالدرم دوشه ليدر
ومفرت بنا چا كلقلي ديوارلري وار و چارسوي و بازارى مزيندر و آب وهواسنك
لطاقتندن باغ و باغچه سي يحساب اولوب محبوبى و محبوبه سي ممدو حدر ياقه ايكي فرسخ
يردر اندن ينه جانب شماله غيري يول ايله ياقه كلر كن نهر رايجه كئساننده اول
صحراده معمور و آبادان قرالر و قصباتلري كچوب

اوصاف واروش ...

بو واروش بو صحرالرده كچديكمز قرالرك جمله سي بزم قنيزه لي واستولني بلغرادلي
واسترغونلي عسكرلرينك جمله قرالر نيمار وزعامتليدر كم ايكي قاچ آلتنده مجار عايلالى

آنلردن آریلوب نیجه یوز آتلی طوب صداسی خوفندن کفارلری آتلی یره اوروب آتلی سحراده وصاحبلی پیاده قلعه آنتنده سرسری پیاده کزرلر حمدخدا بزم آتلی طوب صداسن سفرلرده اشیده اشیده آلیشوب بزلی یره اورمایوب اصلا الای ترتین بوزمایوب اول طوب دوماننده برهوا چقدقده درحال بیاض قفو کبی قلعه قرمزی پراقونه چوقیه کیدروب بز بوتماشالری وبزم الایه قرشو چیقان قره شاپهلی دریامثال کفاری سیرایدنك قلعه نك برقیوسندن کیروب واروش قپوسندن چیقوب طونا کنارنده مکک اولندی وهان قلعه دن بودم دخی بریایلم طوب شنلکی اولوب جمله طوب کلهلی کله قدر هربری برطرفه فریاد ایدوب غزلیراق کتدی واول آن یانیق قپودانی الچی پاشایه عظیم ضیافتلر ووافر هدایالر وروب اول کیجه طوب وتوفنک وکونا کون آسمانی فشنک شادمانلری اولدیکم کویا ابوعلی سینانک مصرده نیل کسی شادمانلر اولدی بعدالضیافه پاشا سپاهیلر خلیفه سی مصطفی افندی بی سؤال اتدیلر وزندانه واروب اصلا نام ونشانن بوله مدیلر الحاصل دست کفارده بویله برقلعه متین یوقدر بونده اوچ کون مکک ایدوب عظیم ذوق وصفالر وضیافتلر اولوب ارتسی کون بزلی کتورن ایکی یوز عدد سرم عربهلرینه دستور ویریلوب عربهلره اوچیوز عدد قطنا کفار رفیق قوشوب استرغونه جمله عربهلر روانه اولوب یانیق قپودانی طرفندن اوچیوز عدد حنطو [۱] عربهلر کلوب جمله بارثقیلر من تحمیل اولندی

در بیان زیارتگاه شهدای قلعه یانق

ابتدا سنان پاشا بوقلمه فتح ایدرکن جمله شهدالری واروش طشره سننده دفن آتمش بعده کفار اوچ سنه دن ینه بوقلمه یه ظفر بولدقده محموت پاشایی ویکچیری اغاسی یحیی اغایی و نیجه اغالری و نیجه یوز ایش ارلرن قروب سنان پاشا شهیدلکی ایچره دفن ایدر حالا نیجه سنک سنک مزارلرنده اسمالری تحریر اولنشدر و جمیع اسرارالرمزی حالا بونده دفن ایدرلر اطرافلری خندق کسلمش مزارستاندر بو

[۱] ك : حنطو

كونه دخى زياده معمور اولمشدر [۱] وجهه كنيسهلر ك چا كلفلرينك كلاهلرى بياض
 تنكه و آلتون يالدىلى خاجنر ايله تزيين اولمشدر و انتهاء سرحدلرى اولمق ايله بزم
 يكيچيرى اودهلرى اولان برده حالا اون ايكي بيك توفنك انداز نيمه سولطاطلرى
 موجوددر اما حين معر كده اوطوز بيك جنك آور ودلاور كفشار اولور لकिन
 يكرمى كونده ايجلرينه قتلق دوشوب اكر امدادلرى كلهسنه مانع اولنورسه كفشار
 امان ايله قلعه ورملى مقرردر زيرا جمله امدادلرى و ذخيره لرى بچدن بوژوبدن [۲]
 نهر طونا ايله كلكه محتاجدر آنى ايسه كسك آساندر وحالا آل عثمان خوفندن
 بو قدر بيك ديده بان كفشار شب و روز قيتلارى اللرده بوياقده قيتل ياقوب كزرلر
 حتى حقير طابيه لره چيقوب سير ايدم ايدم نوتجى كافرلر قوماديلر تا بو مرتبه احتراز
 اوزره درلر و قلعه نك اوج طرف خندق جمله طقسان آديم انلى عريض و عميق
 خندقلردر ك ايجنده طرانسه كيلر كزر و قرق اريش [۳] دريندر و جمله طوبلرى
 خندق ايجنه و صحرا لره ناظر كرپى كى دزاش سپرلر آردنده قرمىزى چوقه اورتولى
 سر آمد طوبلر وار جمله صغير و كبير بيك يدى يوز پاره طوبى واردر ديديلر و بو
 تماشالارى ايدر كن پاشانك جمله آغرلق عربه لرى قلعه كوپروسى باشنه كلكده
 عربه لرى و دوه لرى و قطار قطرلى جمله سن آدم صافلى اولماسن ديو آراديلر زيرا
 بو قلعه آنلر بويه عربه حيله سى ايله آلديلر آندن جمله آغرلق ينه بر قپودن [۴]
 كروب و اروش قپوسندن سهل طشره چقوب طونا كنارينه قنولوب طونا كنارى
 خيمه و خر كاهلر بيله مزين اولدى آندن جمله قره قوللوجيلر پرسلاح اولوب پاشا
 الابن قرشولغه كيدوب پاشا الينه قريشديلر پاشا دخى جمله عسكريله زراندر زره
 مستغرق اولوب موج موج عساكر پرسلاحيله يانلق قلعه سى دبنه كلكده ماعون
 قلعه كفارلرى برفيتلدن بيك يدى يوز پاره طوبله آتش ايدنجه زمين و آسمان دردر
 دتره يوب كتدى [۵] قلعه مرغ سمند روار آتش نمرود ايجنده قالدى آنى كوردك
 يوزه قارشو چيقان يانلق حاكمى عسكرى و بزي كتورن زوره [۶] وزير لشكرى

[۱] س ، ك : اولمدهدر [۲] پ ، ك : يوزوندن [۳] ك : آرشون. س : آرشن
 [۴] ك : بو قپودن [۵] س ، ك : كيدى [۶] س : زوزه . ك : زوزه .

وجله اوچ عدد اوچ قات جدید ومتین وقوی قپولری وار اولا جنوب طرفه سن مارتن [۱] قپوسی واستولنی واسترغون قپوسی دیرلر بری بری ایچره اگری بوکری اوچ قات صارپ قپولدر آندن کررکن خندق اوزره جسریخی آدیلمدم کامل ایکیوز کرمه آدیلمدر آندن ایجری شهر ایچره بیک آدیلم کیدوب جانب غربه ناظر واروش قپوسیدرکه بودخی اگری بوکری کمرلر آلتندن عبور اولنور قپولدر اوزرلی داغلبکی طوپراق یغیلی طابیه لدر بومذ کورایکی قپوقلمه نک برکوشه سنه [۲] واقع اولوب بریسندن کریلر و بریسندن حیقلرغیری یول یوقدر زیرا بوقلمه نهر رابه و نهر رابچه ایچره آدا کبیدر و برقیو دخی طونا کنارنده مذکور اسکله قپوسیدر و قلمه نک مشرق طرفی اوجندن تا یصی طابیه وارانجه بوقلمه نک طولی ایکی بیک آدیلم برشاه راه عظیمدرکه ایکی طرفی بر قات آچاق سرایلدر و آلتلی جمله سرداب وزیر زمینلدر کم حین محاصره ده عورت و اوغلانلر بونده پنهان اولورلر و بو اولو یولک ایکی طرفلی جمله دکانلدر اما ترتیب اوزره دکل داغلق دکانلدر و بربر دکانلردن ماعدا دکانلرده عورتلر اوتوروب متاع صانارلر ونسه سرایی اوکنده برخیلی واسع میدان واردر اندن برچاه جحیم زندانی وار ایچنده امت محمداسیرلری مالمالدر وزندان یاننده برمصنع قپوسی وار چرخلر ایله آدم قووالرینه یاشمدن صوی چکاور غریب تماشادر و مجار سرایی اوکنده برمصنع منصطر عظیمی وار ایچنده اولان مجوهر پوطلر و کونا کون مصلوبات آویزه لرم آدمک کوزلری خیره لیر و حالا مقدا حین فتحده جامع آدیلمز برمصنع کنیسه در کم بر قلمه ده مثلی یوقدر یینه منبری و محرابی و مؤذنلر محفل دورور خدا یینه دست اسلامه میسر ایدوب آیین محمدی اولماق میسر اوله و بوقلمه ایچنده ایکی بیک عدد تخته شندره اورتولی باغچه سز منحوس خانلدر اما بربرلردن بعید سیرک اولدر کم حین محاصره ده طوب کلهسی خوفندن سیرک و آچاق اولدر کم طشره دن اصلا برخانه کورونمز انجاق بش عدد منصطر چاکلی قلهلری کورینوب بعضی شاهنشینلر ونجه اولر قلایل و پرنج تنکه اورتولی ونجه یوزخانلری کونا کون کره مت اورتولی بخره خانلدر اما کوندن

[۱] ک : سنارتین [۲] ک : برکوشه سنده

سحرالرده حالا مترساره کرله جک یرلرده آلتی یرده طوپراقدن آلقاق آلقاق
 طابیه لر وارکم هربری نیجه بیک کونه حیل و شیطنت ایله بنا اوانوب یر آلتنده بربرلینه
 واروب کله جک یوللری واردر اما آلتلری جمله قات اندرقات لغملری حاضر باشدر
 ابتدا مترسه کرله جک یرده بر خیلی زمان جنک ایدوب عوق و تأخیر اتمک ایچون
 بو طابیه لری بنا اتمشدر اما بونلرک دخی لغملرن بولوب بو طابیه لری صویه غرق
 اتمک و طوپراق ایله غرق اتمک آل عثمان عسکرینه امر سهلدر بو آلقاق طوپراق
 طابیه لرک کرچه حواله لری یوقدر اما بش جانینه طوپلر قوماق آساندر اما بو
 قلعه نک طونا آثمرسی بر عظیم آدارکم بر اوجی تا قومران قلعه سنده نهایت بولور
 بو آدا بورنه وارنجه ایکی قوناق یردر اول آدایه اویوار طرفندن کچوب بو قلعه
 آدان دوکمک آساندر زیرا اول طرفدن خوف و خشیتی اولماقی ایله حیل
 و شیطنتلری یوقدر و بو محله نهر طونا آذرر و صغدر جسر لر یاقماق دخی ممکندر
 و طونا قلعه دیوارن دوکوب اسکله قپوسی بو محله درکم جمله کشتیلر آنده یناشوب
 جمله قلعه کفره لری صوی بو محله طونادن آلر لر برمتین قپودر و قلعه یاق شکی
 مسبع اولوب شدادی طوله بنا بر قلعه رعنادرکم جمله تمللری خندق ایچره تمللری هام
 قبه سی قدر ایری ایری طاشلردر ویدی کوشه سنده یدی عدد سدا سکندر وار طابیه
 عظیم لری وارکه هر برنده بیکر عدد جنک آور کفار لری وار وهر بر طابیه ده قرق
 والیشر عدد بال یمز سر آمد طوپلری وار بونلردن ماعدا خندق خار جنده دخی
 یدی عدد طابیه لر وار اما بونلر غایت متین طابیه عظیم لردر که قلعه نک هربری بر
 رکن عظیمی وسد سیدی اولمشدر بو قلعه مشرق دن مغرب جانینه طولانیجه واقع
 اولمشدر لکن دائراً مادر جرمی نه مقدار اولدوغن آدیلمیه مدم زیرا دیده بان
 کفار لری مانع اولدیلو و تماشا اتمک دخی قومازلردی اما تزا کتله یه تماشا ایدردم و کندولرک
 نقلی اوزره اون آلتی بیک ارش [۱] قلعه در دیدیلر و کر چکدر زیرا خندق دن طشره
 اولان طابیه لرک کنار لر نیجه اون ایکی بیک آدییم عدا یتدم لکن طونا کنارندن [۲] عدا یتدم
 زیرا طونا کناری اولماغیله قلعه دیوارن اسکله قپوسی طرفنده نهر طونا دوکر

[۱] س ، ک : نر ایشون [۲] ک کنارینی . نیس ، ط : کنارن

سن مارتین قلعه‌سی داغلرندن کلوب یانیق واروشنک خندقلری ایچنده جریان ایدره کور طایبه خندقلری ایچنده نهر رابه ونهر رابجه بر اولوب طونایه مخلوط اولور اما قلعه خندقلرن وواروش خندقلرن دوران ایدوب ایکی نهر عظیم مشرقه ناظر قلعه‌نک دیواری دینده طونایه قرشلر کرچه بو یانیق قلعه‌سی اداده دکدر اما بومذ کور اوچ عدد نهر عظیمک مابینلرنده جزیره مثال یرده قالمشدر اما بو قلعه محاصره اولنسه نهر طونادن غیری نهر رابه ونهر رابجه غیری یرله آتماق وقلعه قوروده قالمق ممکندر و رابه ایله رابجه‌نک مابینی بر اوق منزلی یردر بو ایکی نهر قلعه آنته عملی آقشدر مقدا آقن برلری ویتاقلری ظاهر و باهردر حقیر امعان نظر ایله پک تعید ایلدم

مصراع

« بومثدرکه صواقدوغی یرره ینه آقر » دیمشدر حقا که سکریمشدر بو قلعه‌نک جانب غربی خارجنده خندق آشری مذکور نهرینک [۱] اورتا سنده بر آدا کی قالمش

ستایش واروش یانق

بر عظیم مجار کفاری واروشیدریانق قلعه‌سنه اوچ مجار کفره سندن زیاده کره من جمله مجار مجار بو واروشده اولور اوزونلخی ایکی بیک آدیم کلر واروش طویلدر و جمله ایکی بیک عدد تحتانی و فوقانی سراپا خشب بنا و شندره تخته اورتولو باغ ارمندن نشان ورر واسع دارمنحوسلردر کم جمله روزنلری نهر رابه‌یه ونهر رابجه‌یه بقرخانلردر و اورطاسی واسع شاه‌راهک یمین ویساری صافی مزین دکانلردر کم جمله سنده عورتلر اوتوروب متاعلرین فروخت ایدرلر و بر قاج مفید و مختصر کنیسه‌لری وار بونک دخی اطرافنده خندقنده رابه و رابجه جریان ایدوب دخی خارجنده باغلری و باغچه‌لری یحسابدر

اوصاف تمة قلعه یانق

بو قلعه یانق خندقلرندن طشره سنان پاشانک طوب قیوب و طوپراق سوردیکی

[۱] ک : ایکی نهرک

بو مکتوب ایله جمله خلق عالم حیرتده قلوب علی الصباح جمیع اهل دیوان بوکله لری کوروب پادشاهه عرض ایتدکلرنده سلطان محمد خان خیلی متالم اولور اما نه چاره بعد خراب البصره دیو کندوبه تسلی ویرر برهفته دن صکره بودین وزیرینک عرضی کلوب الحکم لله پادشاهم صاغ اولسون یانیق قلعه سن کفارخا کسار حیلله ایله صلحه مغایر برایش ایدوب استیلا اتدی دیو خبر کلیر اشته سنه ۱۰۰۶ تاریخنده کفار بو متین یانیق قلعه سن بو اسلوب اوزره آلوب متصرف اولمشدر الی هذ الان حالا دست کفارده قلمش بر حصن حصین و سد متین قهقهه اوار بر قلعه استوار درکم کفار بو قلعه حیلله ایله عسکرن قردرمدان و خزینه تلف اتمدن و صلحه مغایر آشکاره عسکر و بال یمز طوپلر چکمدن بویله حصار عبرت نمایه مالک اولمشدر خدا ینه دست اسلامه میسر ایده ای امدی ای اخوان وفا بو حقیر اولیای پرتقصیر بو آتدک یکر می یدی یلدر طقوز پادشاهلق رده بیک یدی یوز قرق پاره متین قلعه لر سیرایتدم مثلا وان قلعه سی وماردین قلعه سی ودهک و عمادیه و سنجار واریبل و حسن قلعه سی وکاخ و شیین قره حصار وافیون قره حصارینی و نیجه نیجه قلاع یدقدر تدر کوردم اما قبرسده مانغوسه قلعه سی ووردوس و قندیه و آناوارین و کوردوس و بودین واکره و واراط قلعه لری دخی صار پدر اما بو یانیق قلعه سی جملدا صارپ و متین و مستحکم قلعه کورمدم الا وندیک کفاری النده صادره [۱] و شبه نیک قلعه سی واردلده دوه قلعه سی و صقمار و اجتواری [۲] و شر بطاق و سیکل قلعه لر ن کوردم

اما ووصاف اشکال زمین قلعه یانیق

اوله برسد یا جوج و مأجود درکم بزم بودین و استرغون طوپراغنده در طونانک قرشو طرفنده دکلدر بزم خاکده استولنی بلغرادی قربنده در شمال طرفنده نهر طونا غربدن کلوب شرقه دوغری جریان ایدر و قبله طرفنده نهر قانلی رابه جریان ایدرکم بزم عسکر اسلام منهزم اولدینی صورکم قلعه یانیق خندقدن اراقده اولان طیه لک خندق لری ایچنده مذکور نهر رابه طونایه قریشیر و مغرب جانبنده نهر رابجه

[۱] س ، ک : صادره [۲] س : اجتوار . ک ؛ اجتوار . ط : اجتواری

جمله‌عسا کر ناجار کفار خاکساره ذخیره ایچون مراجعتلر اتدیلر کفار دخی بورجایی غنیمت بلوب برکیجه قلعه التنه بشیوز عربه یوکی ذخیره گوندرمک بهانه‌سیله کفار کلوب قلعه آلتنده یاتدقده قلعه‌دن دیده‌بانلر سرخوش اوکار نه در اول عربهلر دیدکده کفار ایدر سیزه دوستانغه بناء ذخیره کتوردک دیرلر ای امدی طشرده یاتک صباح قلعه قپوسی آچلر کلوب قلعه‌یه کرک دیرلر همان کفار خواب خرکوش کی یاتدی اما هر عربه ایچنده ایکیشر عدد صندوقه وهر صندوقه‌ده بشردانه پرسلاح قطن کافرلری ویک عدد آشکار پرسلاح عربه‌جیلری ویک عدد کزیده بازرکان شکلی کافرلرک جمله‌سی سکزیبک کافر اول کیجه قره کوسنده عربهلردن چیقوب یکرمی عدد اغاجدن دمیر چپرلی طوپلر ویکرمی عدد حوان طوپلری عربهلردن چیقروب بیج قپوسی خندق کنارینه قورلرکن قلعه‌دن قراوللر ایدر ذخیره‌می چیقاریسز دیرلر کفار بلی عربهلری بوشالدورز درلر زیرا کیمک حاجتی پاشا وقاضی واغا وجاهه عسکر سرخوش زیرا مقدا ملعون کفار ذخیره کوندرمیوب قحط ایدوب شرابی چوق کوندروب قلعه‌ده شرابی اوجوز اتمش بو عربهلرده کی عسکرلردن ماعدا نهرابه کنارلرنده کی کینکاهلرده اون بیک عسکر دخی آماده حاضر باش اولدقده همان وقت شافعیده جمله خلق سرخوش اوکارو مخمور و مست مدهوش ایکن مقدا قپویه دایالی اولان اغاچ طوپلره برقتیلدن آتش ایدنجه قلعه‌نک بیج قپوسنک، ایکی قاتن دخی طوپ کلهلری قلع ایدوب جمیع کفار براغوردن پرسلاح کافرلر قلعه‌یه شبخون ایدوب جمله کفار اولی اولرینه واروب بو قدر سرخوش امت محمد شکلنده آدملر اهللریله خواب راحتده یطرکن چوغنی قلجدن کچروب واهل عیاللری دوشکلرنده یطرکن کفار امت محمد عورتلرینک قیونلرینه کیروب نیجه کونه ایش کورورلر و پاشایی و یکیچری اغاسنی وغیری اغالری دیب دیری دوتوب پادشاهکزک قلعه‌سن بویله‌می کوزه درسز دیو نیجه یوز سرکارده اولان آدملری قتل ایدوب کفار بو باشلری برعرض الهه دردولته کوندروب پادشاهم دینکزک دشمنی اولان سرخوش پاشا و سرخوس اغالرک باشلرن کسوب قلعه یانغمزینه آلوب بوسر خوشلرک باشلرن دردولته کوندردم دیو بر کیجه پاشانک و اغالرک باشلری ناب هایون اوکنده بولنور

بعده ارتسى كون جمله عساكر اسلام اون يدي يردن سنه ۱۰۰۳ محرم نك ۱۲ نجی كونی يانق قلعه سن محاصره ايدوب همان كوز آچدير ميوب قلعه يه طوپراق سورمه كه مباشرت ايدر لر اما خندق ايچندن جريان ايدن نهر رابه طوپراغی كتوروب بعده خاروخا. اك ايله خندق دولدوروب اوزرينه طوبره لر ايله طوپراق يغه رق بر كوه دماوند اولور كفار بو حالي كوروب وطبورينك منهزم اولديغن بيلوب بر طرفدن امداددن مأیوس اولوب ارتسى بر قچ كوپر و جكار دن قلعه آلتنه لاشمچيذر واروب ايكي يردن لغم آتار لر و ديوارك يوزن قوپار لر حالا اثری ظاهر و باهر در نتیجه مرام جناب اللهك احسانی اولوب يكر منجی كونده درون حصار دن كفار وره ايله حيقوب اون بيك قدر حياتده اما ماته قریب قالمش كافر لر امان ايله پزون قلعه لر ينه كيدوب حمد خدا قلعه يانق دست اسلامه بدست سنان پاشا ايله فتح اولدوغنه [۱]

عدوی دین صنوب فتح اولدی يانق سنه ۱۰۰۳ [۲]

بعده سنان پاشا عسکر اسلام ايله قلعه پرايدوب همان يكر می بيك عسکر محافظ و درون حصارده اون ايكي بيك مستحفظ لشكر قلوب سردار سنان پاشا بودينه سلامت كلوب آندن در دولته كار بعده ۳ سنه قلعه يانق دست اسلامده دوروب يانق واليسى محمود پاشا حلیم و سلیم و هوچ آدم اولوب يكيچری انامی اولان يحيی اغا شب و روز مست مدام اولوب جميع عسکر دخی صبح و مسامست او كار بی كار اولدق لر دن قلعه كوزه دلمز اولوب بعده بو ائشاده خادم حسن پاشا در دولته صدر اعظم اولوب بر قچ كوندن زور به لر حسن پاشايی قتل اندروب جراح محمد پاشا صدر اعظم اولوب دولت آل عثمان هلیج ملیج اولدوغندن قلعه يانغه نه خزينه و نه ذخيره كوندن لمديكندن يانغه عسکر آز قلوب بر قحط و غلا دخی مستولی اولور همان كفار حيله كار مكار فرستی غنیمت بيلوب يانق قلعه سنك جوانب اربعه سنده کی رعایا و بر اياي قلعه يه كوندن ميوب قلعه بر جزيره ده قالدی و عسکر اسلام قحط معاشدن عالم حيرته اولدی [۳] آخر كار

[۱] ك: فتح اولوب كيرديكنه [۲] بو مصراع ابجد حسابيله (۱۰۰۲) نی كوستورور (م)

[۳] س، ك: عالم حيرته قالدی

اوصاف دارنارحارق یعنی قلعه سمندر آتش کده یاقق

لسان مجارده اسمی کلواردر و لسان نمسده نامی ... در اماسنه ۹۳۵
 تاریخنده بالذات سلیمان خان دارالملک نمچه اولان بیج قلعه سنک محاصره سنه کیدر [۱]
 بو قلعه کواره اوغرایوب عسا کر اسلام بو قلعه احراق اتدکارنده سلیمان خان بو
 محترق قلعه کوروب یاقق قلعه‌سی دیونام ویردکلرندن الی هذا الان یاقق اسمیله مسما
 برقلعه در بعده سلیمان خان بیج قلعه سندن بی فتح عودت اتدکده فردیناند قرال بو
 یاقق قلعه سن پلنقه اتمیوب شدادی بنا برقلعه رعنا اتمشدرکم دللر ایله توصیف اولنماز
 حتی کفار بو قلعه یاققه یکر می سیک کفره قطناسی دولدروب استولنی و استورغون
 وشعزاد بوودینی و اطرافلرن خراب و بیابایدلر لردی چونکه کفارک بو کونه شور و شر لری
 سلطان مراد خان ثالثک سمع هایونلری اولنجه سنه ۱۰۰۳ تاریخنده ارناوودسنان
 پاشا که فاتح یمندر آنی بو یاقق قلعه‌سی اوزره سردار معظم ایدوب تانارخان آل
 جنکیزیان اولان غازی کرای خان دخنی صدراعظم ایله بو دین آلتنده ملاقات اولوب
 قطع منازا، وطی مراحل ایدره ک قومران جزیره‌سی اوکنه واردقلرنده کوردیلرکم
 جزیره قومرانده تاییق قلعه‌سی اوکنه وارنجه بر طابور عظیم وارکم تعبیر اولنماز
 بو طابور بونده ایکن یاقق قلعه‌سی فتح اولمق ممکن دکلدردیو طونا اوزره اوچ بردن
 جسر عظیملر و صغر دریلرندن کلکلر اوزره ازبارلی [۲] چتله دوشیوب تانار و جمله
 عسکر کچوب اوچ کون جنک عظیمدن صوکره بامرالله تعالی نسیم نصرت آل عثمان
 طرفنه اسوب جمله کفار منهزم اولوب طعمه شمشیردن ماعداسی قومران قلعه لری
 دیننده کی جسر دن قرشو کچوب ایواره فرار ایدرلر جمله غزاة طبور ایچره کروب
 اولقدر مال غنایمله مغتم اولورلرکم برخر بنده غریب بیک الموفه [۳] و آلتی بدی اسیر ایله
 سیر اولورلر سائر غزات همچنان و جمیع جبهه‌خانه و خزائنی و طوپلاری میری ایچون
 ضبط ایدوب (تاریخ فتح غزای تابور یاقق فهزموهم باذن الله سنه ۱۰۰۳)

[۱] ک : کیدرکن [۲] پ : آزابارلی . ط : ازبارلی . ک : انبارلی [۳] س ، ک ،

ط : التونه

اولی بر کنیسه‌لی معمور بر قریه در و قرال طرفندن تنبیه اولنشکم جمیع عبور
 اندیکمز کویلرک جمله در و دیوارلرن آق قغو کبی عماراتمشلر و جمله یوللری پاک
 و پاکیزه سیلوب سپورمشلر و یوللر ازدحام اولسون دیو سائر قرالردن گلش و کینمش
 کفارلر جهانی دوتمش اما بو محللر مجارستاندر لکن نمچه چاساری حکمنده در
 و جمله رعایایی مجاردر اصلا بو محللرده نمسه یوقدر و بو آج کوینده حقا که آجلقدن
 آتلیمز و کندیلریمز آجلقدن هلاک اوله یازدق بعده قرال دفترداری یکرمی کیه
 آرپا و ایکوز اتمک و سکز قوزی کتیردیلر مکر مرادلری بزی امتحان ایمش
 هان پاشا دخی کتیردکلری اشیلرک بریسن قبول اتمیوب دفتردارلرینی قووب پادشاه
 دولتنده بم اللی عربه مزده و اون قطار دوه مزده و یکرمی قطار قطارلریمزده و یکرمی
 پاره کیلر مزده و بو قدر اغواتلریمزک سیدسخانه و قطارلرنده ما کولات و مشر و باتلر مز
 چوقدر دیو تعینات [۱] کترن کافرلری و دفتردارلرن رد اندی آندن جمله
 اغواتلره بالغاً مابلع مستوفا تعینلرین ذخیره کیلرندن و روب مطبخ کیکاوسده
 سکرمی و مسک اطعمه نفیسه لر طبخ اولوب اون بریره سماط محمدیلر چکیلوب بزم
 الچی پاشایی کتورمه کلن قومرمان حاکمی زوزا [۲] نام ملعونه آنلرک تعیناتلرن آماندن
 برضیافت عظیمه اولمشدرکم جمله کفار عالم حیرتده قالدیلر مکر کفار هر الچی به بو
 محله بویه قلت اوزره تعین و ررلر ایمشکم اگر ازمه جق تعیناتی الچی قبول ایدرسه
 قرال یاننده دخی اولیه تعین و ررلر مش ملعونلر غایت حسابی درلر و بو کفاردن
 الچی اولندر پک احتراز اتمک کرکدر بو آج کویندن قاقوب سکز ساعتده معمور
 و آبادان صحرائر ایجره قرالر و قصباتلر کچرک

منزل قراوول خانه یانق

بو محله پاشا بر صحرايه چادری قوروب ماحضر قهوه آلتی طعاعی ینبجه نیجه
 کونه الای بساطلری آتله اوریلوب ولوندا نلر اسباب احتشاملرین کیوب و هر کس
 برلی یرلرنجه الای ایله یوریوب

[۱] ک : تعینات [۲] ک : زوزا

اولقدر معمور و مزین دکلدر آنجاق ایکی بیک قدر تخته و سساز اورتولی اولری وار زیرا بوواروش دخی قریب المهدبنا اولمشدر یدی عدد دیورلری و اوچیوز قدر دکانلری نمایان ایدی اما باغ و باغچه سی چوقدر و بو قومران آداسی ایچره اوچیوز مقداری معمور کویلر واردر کم بو کویلر ایچره برحاور [۱] عظیم قازمشلر یوز بیک کفار آلور حین محاصره ده قلعه خلاص ایچون کلن امدادر بو حاوره [۲] دولوب جنک ایدلر حالا بو قلعه قومرانک اون بش بیک کفره لشکری موجوددر الحاصل هروجه ایله متین و مستحکم قلعه استوادردر کرچه جزیره در اما او یوار طرفنده نهر طونا آزدردر آنا طونا بری استرغون طرفندن جریان ایدر و او یوار طرفندن بو قلعه زبون اتمک امر سهدر و طاطا جانبنده طونا آشری اوچ عدد طور اقدن طابیه لر و اطرافنه شرامپاولر اتمش لرم حین محاصره ده اول طابیه لر ایچنه کیملره قرشودن کلن امداد لری کوروب [۳] آندن قلعه یه کیره لر کویا کچت باشی طابیه لر ایدر اما او یوار طرفندن طونا اوزره جسر یاپوب بو اطیه [۴] کچوب ادایی اوروب قلعه محاصره اتمک آساندر حتی بز عسکر اسلام ایله او یواری دو کرکن اون بیک مقدازی تاتار بو قومران جزیره سنک آزه جق طونا صویندن آتلا ایله یلدروب آده نهب و غارت ایدوب آلتی بیک قدر اسیر و بو قدر مال غنایم چیقاردیلر جناب باری یاری قلوب فتحین میسر ایدمه بو قلعه قومران استرغونه اون ایکی ساعتک یردر استرغوندن بو قلعه نک برج و بارولری و آتشلرینک تتونلری نمایاندر اما جکر دلن قلعه سنه اسکز ساعت یردر زیرا بو قلعه جکر دلنه آقیریدر و هر جانبندن بو قلعه یه طوب چکمک ممکندر بو قلعه دخی سیر و تماشایا ایدوب ینه قایق لره بنوب قرشو طرفده الحی پاشانک اردوسنه کلوب ارتسی کون قومران مقابله سندن کفار عسکر یله قالقوب جانب غریبه ۶ ساعت کیدوب

منزل قریه آج

قرالک قومساری یعنی باش باقی قولی کوییدر طونادن ایکی ساعت بعید بشیوز

[۱] ک : طا بور . س : حالور [۲] ک : بو طا بوره . س : بو حاوره [۳] س ، ک :

کیروب [۴] ک : بو اطیه

عسکری قیوب بر صرب و متین قلعه اولدی (اشکال زمین قلعه سی) نهر طونانک
 ایچنده شرقدن غربه بش قوناق طولانی واقع اولمش بر آدانک بورننده شکل مثلث
 بر طول شدادی بنا بر قلعه متیندر و بزم الحی باشایه طرفه صائمق ایچون اولقدر
 طوب شادمانلری اتدیکم حسابن خدا بلور و قلعه بر آدا بورننده ایکن قلعه نك
 جانب غربنده کی واروش ایله قلعه مابیننده بر خندق عظیم کسوب ایچندن نهر طویایی
 آقندی همان قلعه نك وجودینك جانب ثلاثی [۱] طونا ایچنده آدا قلدی . . .
 و جانب مثلثی شر امپاولی خندقدر و آنجاق جانب غربه ناظر بر قیوسی وار واروشه
 چیقار و بر قلعه نك جرمی کامل اوج بیک آدیمر و جمله اون طابیه در و ایچنده
 اولری سیرکدر و خان کبی اوزون اوزون قات اندرقات سولطاط اوده لری واردر
 و بر معظم بنا کنیسه سی ولردر و قلعه دیواری ایله ایچ یوزده اولان اولرک مابینی
 بر قات شر امپاولی خندق کناری بر اولو یولدر کم بو محله اولان اولرک ارقالری
 خندقه وارمشدر و جمله اولرک خندقه ناظر مازغال دلکاری واردر و قلعه
 اورتاسنده بر میدان عظیمه ساخت [۲] خانه سی و بر چاکلق قلعه سی وار و جمله
 درو دیواری اولقدر انلی شدادی قالن دیواردر کم استنده دردر عرابه یه رومک ممکندر
 و جمله تمللری آلتنده خرده کمرلری اولوب تملی جمله و شدر کم حین محاصره ده لغم ایله
 دشمن کرمیه دیوبوش ایتمشدر اما مفرت عظیم طوپلر و جبه خانلری وار و جمله آ
 مکلف نمسه و مجار قپودانی سرایلری مکلف بنا اولوب جمله اولری شنندره تخته
 اورتولیدر و چاه جحیمدن نشازورر بر زندانی وار و چشوان قپوداندن
 سپاهیلر خلیفه سی مصطفی افندی بی و قیصریه لی خلیل اغایی و او یوار آلتندن کورجی
 پاشا ایله ذخیره یه کلوب بو قلعه آلتنده منهزم اولدو و غمزده اسیر اولان سیفی غلام
 کوره ییم دیو طلب ایتدکه صقلیوب کوسترمدیلر حقیر دخی انشاء الله نمسه قرالنه
 سویلیوب کوله سی چیقاردیرم دیو فارغ اولدم

ستایش و اروش قلعه قوصران

بو قلعه نك جانب غربنده خندق اوکنده جسر باشنده بر واروشی وار امانخی

[۱] ك : جوانب ثلاثی سی [۲] س ، ك : سیاست

کتمشکن کیلرندن برعظیم طوپ و توفنک شادمانلری و کافر الچینسن کتور مکہ مأمور اولان بزی کتورن سرحد عسکر لری دخی بریایلم طوپ و توفنک و کلبناک محمدی شادمانلری والوداع دعالری ایدوب کتدیلم و بزی کتور مکہ کلن کفار عسکر لری دخی بریایلم توفنک شادمانلری ایله یازوژ یازوژ صداسی نیران جحیمده استماع اولندی وهمان بو محله کفارک قومران قلعه سی دخی بزم پاشا عسکرن مهترخانہ آل عثمان ایله عبور ایدرکن کورنجه برقتیلدن بشیوز پاره طوپ شادمانی آتدیکم نهر طونا جوش و خروشه کلدی و بز دخی آهسته آهسته بر ساعت مغرب طرفنه طونا کنار ایله کیدوب

قریہ سون انکروس [۱] بی ناموس نیچه

بو قریہ سون نهر طونا کنارنده بیک عدد کفره خانلی معمور قریه در لکن استرغونلی بوندن خراج آلیرلر کفره لر اکر خراج ورمسهر استورغونلیر بو کوی خراب ایدرلر باغلی و باغچلی و معمور کایسالی مجار کویدر آندن نیم ساعت کیدوب

بی مدح داربی ایمان قلعه [۲] آبادان قومران

لسان مجارده . . . دمکدر بانیسی ابوالفتح عصرنده ارشک باندر بعده سنه ۱۰۰۳ تاریخنده سلطان مرادخان ثالث عصرنده بانیق قلعه سن سردار سنان پاشا دست نیچه دن فتح ایدوب بانیق سرداری سمز عثمان پاشا اولوب قرق بیک عسکر ایله بانیق قلعه سی محافظه سنده قالوب برایی آیدن عثمان پاشا قومران قلعه سن محاصره ایدوب بر آی دوکدکه شدت شتا کلوب عسکر اسلامک اللری و ایاقلری دو تمدن قالوب برکیجه کفار قومراندن چیقوب غزاتک مترسلر ن بصوب بو قدر بدناملقدن صکره عثمان پاشا قلعه قومرانی براغوب بی فتح عودت ایدوب عساکر اسلامک کمی بانیقه و کمی استرغون و بودینه تارومار اولنجه بوکره قومران قلعه سی آوجی اندن قورتلش غزاله دونوب مجار کفاری بو قلعه ایله متانت ایله سد اسکندر ایدوب حالا ایچنه نیچه قرالی بر سرای عظیم بنا ایدوب ایچنه اوچ بیک نیچه

[۱] س ، ک : قریہ سون ابتداء ولایت انکروس [۲] س ، ک : یعنی قلعه

الچيسى بکرمي آدیم يورودی دیرلر اکر يورومدی ایسه بزم الجینک آنلرک
 الجیسی یاننده آدملریمز وار سلام کتوروب خبر کتورنلردر آنلر یوق قرال
 الجیسی بکرمي آدیم يورومدی دیو کافرک کذبن دوتوب پاشایه سویلرلر یاخود
 انماض عین ایدرلر خلاصه کلام معتدل آدملر ایکی الجی بی برر حیلله شرعی
 و زاکتله اویله اورته میله کترلر و ایکی الجی بی برر لرینه بولشدروب مصافحه
 و مصالحه [۱] اندروب کافرک الجیسی بزم الجینک کوکسنی اوپر و بزم الجی آنک
 اومزون اوپر شکللی اولوب حال و خاطر صورشدقن صکره اثنای مکالمده هان
 کافرک الجیسی ایدر ظاهر سلطانم مکه و مدینه و قدس شریف پادشاهنک وکیل
 مطلق سیز دیر پاشا دخی ایدر بلی وکیلیم اما سزده نیچه چا-سارینک وکیلی سیز
 پادشاهمنک خط شریفده اولان منوال اوزره صلح و صلاحی قبول اتدیگزمی
 دیدکده طرفیندن اتدک دیو عهدنامه لر یازیلوب بوکه مناسب نیچه یوز کونه منازعه
 کلماتردن صکره هان کفارک الجیسی بزم پاشانک کوکسن اوپوب ابتدا اورته میلدن
 ایچری بزم حدوده کوروب کیدنجه بزم آل عثمان عسکری کافرک الجیسن آلوب بزم
 طونه قپودانی قدرقه لرینه [۲] الجی بی قیوب کندولرینک نیچه یوز کیلری دخی بله طوب
 و توفنک شادمانلری ایدره رک طونا اوزره آلازغه دورورلر و بزی کترن اکره و بودین
 و استرغون و استولنی و قنیزه پاشاری و عسکرلری جمله بزم پاشا ایله و دالشوب کافر
 الجیسی کیلری یانی صیره الجی بی بودینه آندن در دولته کترمکه دوررلر آندن هان
 کفارک جمله جنود جنبی بزم پاشایی میلدن ایچری آلوب کفار لشکری ایچره بزم
 مسلمان عسکری بر بک کبی قلوب کافر الجیسن کترن آلائی کیلری قپودانلری
 پاشایه کلوب سلطانم بزم کیلره بنوب صفا ایله طونا اوزره کیدک دیدکلرنده پاشا
 ایدر بن عسکرمدن ایرلام و بز آتله بنمکه اوکر نمشز دیدکده آنلرک جمله آلائی
 کیلری بزم ذخیره کیلرمزی یدکه آلوب طوب و توفنک شادمانلری ایدره رک نهر طونا
 اوزره قومرانه دوغری کتدیله همان در حال قومرانه سنک وزیر ی نامنده اولان زوزه
 لعین آلی بیک کفار ایله بزم الجی پاشا عسکرن کتورمکه کانجه کافرک الجیسی کیلری الارقیه

[۱] ک : مساعه [۲] ک : قدرغه لرینه

صحیحده (من اصلح بین الاثنین استوجب ثواب الشہید) حدیثی فحواسنجه ایکی بادشاہ مابین اصلاح ایدر آدم لازمدر تا کہ صلحہ مغایر ایش اولیہ زبرا بو محلدہ بر کرہ ایکی الجی مابیندہ ایکی آی صلح اولیوب [۱] مجادلہ اولمش آخرکار بزم عثمانلی الجیسی عثمان پاشا کفارک صلحی عوق و تأخیری حیلہ سنی ونہا یجہ عسکر جمع اتدوکنی دویوب الفار ایلہ آستانہ سعادتہ واروب بودن وزیری اولوب درحال دریا مثال عسکر ایلہ نمجہ نک ایلین ولایتین نہب وغارت و آلان وتالان ایدوب یوز بیک عدد اسیر چیقاروب الاثمان ای عسا کر آل عثمان دیوب کامل اوتوز ییلہ صلح استیوب کفار الجی چیقار مشلر زیرا بو نمسہ کافری لوج و معاندو حیلہ کار کفاردر الحاصل بو کافر الجیسی ده یوز بیک استغنا ایلہ قرنجہ باصا زقرتار ایلہ یوروریک بزمیکدہ وار اراق اورتہ میلدہ بر لرلینک اللری نہ پایشوب بر لرلینہ تعظیم و تکریم ایدہ رک اورتہ میلک دبنده بر اسکملہ اوزرہ اوطوروب نیجہ بیک لجد نصکرہ جملہ سعادتلو پادشاہک خط ہایون سعادت مقرونی اوزرہ جمیع صلح لری ویکرمی ایکی ییللہ [۲] طرفیندن یکرمی ایکی شر مادہ لری قبول ایتدی مکر بر معتدل کفرہ ایمش اما بزمکی [۳] آنک یانندہ معاند ایمش ذرہ قدر کفارک سوزینہ متابعت آتمدی زیرا کورجی باشادن و کوپر یلی اوغانندن خوف ایدردی اما کفرہ الجیسی اورتہ میلدن بزم طرفہ کر مکہ جہد ایدردی مکر ہرقنی الجی کندی حدودی میلندن دشمنی میلندن ایجری کرسہ بارشہلم دیو مراجعت ایدوب تنزل علامتی ومغلوبلق نشانہ سی ایمش مکر جملہ آہستہ آہستہ یوریوب بو قدر لچ کثیرہ ایلہ مکالمہ لری بو مصلحت ایچون ایمش اما استاد دورین فکر عقل ارسطو بو مذکور میللری بر صنعت ایلہ وضع ایدوب اولیہ دوز مشلر کم اور تادہ کی میل سہل بر مرتفع یقوش باشنہ دیکیلیدر و ابکی الجی ایکی باشدہ کی میللردن اورتہ میلہ نہ قدر یورویوب کلدو کی نامعلوم اولسون ایچون اورتا میلی بویلہ عالی یرہ دیکمشلر بدمہ بزم ترجمانلر و اختیارلر انلرک الجیسنہ بیورک مسلمان الجیسی اون آدم یورودی سیز دخی اولقدر یورویک پاشا سیزہ منتظر در دیرلر وانلرک ترجمانلری و اختیارلری باشانک الن اتکن اوپرک سلطانمہ بزم قرال

[۱] ک : رسخ بولیوب [۲] س ، ک ، ط : ییلہ [۳] ک : بزم الجیمز

آخر الحدود در حقا که لغت اولمش حدود در راه نهری حدودندن ایجری تجاوز
 ایتدی کمز چون قرق الی بیک امت محمد هلاک اولدی و بعد الیوم یانق قلعه سنه کیدن
 عسکر اسلام یانار پجه کیدن بیج و پیچ و هیچ اولور پراغه کیدن عسکر فراغ اولور
 اللهم فافنا زیرا سلیمان خان بیج قلعه سنه واروب اشئ کوجی پوج اولوب جان
 قورتارنده کوجیه جان قورتاروب المانله قرق بیک امت محمدی قاسم و یواده ابه
 قربان و یروب حضرتک سنجابیه کوجیه قورتلدی (ازین جانب) (الکلام بجر الکلام)
 فحواسنجه اقتضای کلام بویه اولوب ینه صده رجوع ایدلم چونکه ایکی عدد
 الجیر سلیمان خانک بنا ایتدوکی میلر اوزره جیقیدیلر و ایکی طرفدن ترجمانلر کیدوب
 کلمکه باشلادیلر اما ایکی الجی میلر باشنده الیشر قدر اختیار آدملرک ایش بنر
 مدبرلریله دوردیلر و بزم پاشانک سلحدار و جوقدار اسکوفلری و چرقاب تیرکش
 و کمر قوشانلریله و جمله مسلح ایچ اغاری و پاک مطرم جیلریله و پاک مجلس شاطرلریله
 دوروب انجاق استوانی بلغراد پاشاسی حاجی مصطفی پاشا و استرغون پاشاسی اسکندر
 پاشا و برقاچ اختیارلر و ترجمانلر ابه مصاحب ایدرلردی و بعضی اوده باشیلر و ترجمانلر
 اوتیه بریه واروب کلوب طرفینک الجیرینی اورطه میله کتوروب ایکی الجی بربرلریله
 یقین کلوب الاله آلوب عقد صلح اوله دیو چالشرلر زیرا برالجیدن بر ایلیچی به ورنجه
 ماینلری یوز آدیمدر کم اورتاسنده کی میلک ایکی طرفی الیشر آدیمدر و علی الترتیب
 دزاش میلردر و قومران قلعه سنه نصف ساعت قریبدر و (قریه سون) دبنده در
 بومیلرک قرشو طرفلری طوما آشری او یوار قلعه سی خندق ایچندن جریان ایدن
 نهر لتره و نهر واق نهر طومایه مخلوط اولدینی محلدر همان بو محله کفارک الجیمی
 عاقبت اندیشلاک ایدوب کندولرسنک طرفنده کی میلک دبندن قالقوب صالزاق ابتدا
 بزم پاشانک ایاغنه دوغریلوب کادیکن [۱] زم الجی پاشا کورنجه اولدخی اسکمله اوستندن
 قانوب آنلرک الجیسنه دوغری آهسته آهسته و رازاق آنلرک الجی سی کلهرک ایکی
 عسکرک اورتاسنده میلر قالوب دخی الجیرلر قرنجه به بنوب کتمده اما بو محله
 الجیرلر باند غایه الغایه معتدل طاقت اندیش معقول شناس آدملر لازمدر زیرا حدیث

پاشا قراردادہ اولتجہ کفار الجیسی دخی انلرک طرفندہ کی میل دیندہ بر اسکماہ اوزرہ اوطوررکن همان بزم پاشایی کورنجہ ایاق اوزرہ الجی قالقوب بزم پاشایہ تعظیم والتیاملرادی همان کفاردن بر اختیار امور دیدہ کفرہ کلوب الجیبرندن پاشایہ سلام فراوان کتروب پاشانک یانندہ قالدی همان بزدن دخی بر استرغون بر استولنی وبر اگری وبر بودین وبر قنیزہ اودہ باشیلری پاشادن برقیون یاغلنی آلوب کفرہ الجیسنہ سلام کتوروب بش نفر اودا باشیلر آنلر دخی کافرک الجیسی یانندہ قالدیلر مکر بوزم الجی یانندہ قالن اختیار کفرہ وگفرہ الجیسی یانندہ قالن بش نفر اختیارلر طرفیندہ ترجمانلر خلط کلام اتمن دیو مجارجہ ونمسہ وجہولہ وترکجہ بلر آدملر قورلر مش

در بیان ستایش اشکال میلر

اولا بومیل تعمیر اندکری بر شیندرکہ سلطان سلیمان علیہ الرحمۃ والغفران نیچہ چاساری لندن استرغون واستولنی بلغرادی آلدقدہ بومیلرلی استرغوندن وأستونیندن اون ایکیشر ساعت ایچری قومرانه قریب نہر طونہ کنارندہ بر مرتفع دپہ طوبراقدن یغوب اوستندہ برچرکہ قوریلر بر خیللی واسعجہ یردر بویومری [۱] دپہ شرقدن غربہ طولانیجہ واقع اولوب بزدن طرفہ برچام دیرہ کی وکافردن طرفہ برچام دیرہ کی دیکیلیدر بودیرکلرک قدرلی بشر آدم بوی آنجاق واردر آندن بو ایکی دیرکک تا شواورتایرنندہ برچام دیرکی دخی وار بودخی عالیجہ ستون منہادراشته حدود میل [۲] دیدکری بودر برحدود میل دخی نہر راہہ کنارندہ وبرحدود میلی دخی بوسنہ سرحدندہ زرین اوغلی حدودندہ در برحدود میل دخی اگری قلعہ سندن ایچری خرشتوش داغی اتکنندہ در سلیمان خان بو حدودلری وضع اتدکدہ جمیع کافرستان قراللری بو جملہ حدودلرہ رضا ورب سلیمان خان بو حدودلر دن ایچری کافرستانہ کر مکہ تجاوز ایدن عسکرم ووزرا واولاد ذوی الاحتراملرم بو حدودلر دن ایچری کیرسہ افلاح برخوردار اولیوب منہزم اولسونلر دیو بددعا اتدوکی بو میللردرکہ

[۱] س، ک، ط: لکن بویومری. [۲] س، ک، ط: میلی

در بیان ملاقات الچیء اسلام و الچیء غیر اسلام

اولا بو محله عسا کر اسلام جمله آتلی اوزره آلارقه پرسلاخ جنگه آماده کبی دوردیلهر و مهترخانه لر دخی چالینمیوب آسوده حال دوردیلهر اما کفار عسکری دخی حدود ملرینک اوته طرفده آنلر دخی آلارقه آتلی اوزره ارغنون و ناقوسلرین چالیوب برصیت و صدا ایتیموب دوردیلهر انجق بزم الچی پاشا آتدن اینوب پیاده اولوب جمله پرسلاخ ایچ اغالری وبش عدد استرغون اوده باشیلری وبش عدد استرغون اغالری و براقاچ اختیار اموردیده سرحد اختیارلیله و ایکی پاشا و ایکی الای بیی آنلر دخی پیاده مللره دوغرو یوقوش یوقارو جقماغه باشلدیلر و جمله عسکر دخی آتلیله میللره قریب پرسلاخ کلدیلهر زیرا بر کره سلیم خان ثانی عصرنده بو محله سکتوار حدودی صاحبیچون ایکی الچی بر لرلیله اوزلاشامیوب جنگ عظیم اولمش اول زماندن برو طرفیندن عسکر پرسلاخ اولوب طورورلر قرشو طرفده دخی جمله کفار عسکری موج موج قره نخر کبی قره شاپقه لرلیله آتله اوزره و جمله کیلیری ایله طونا کنارنده قات اندر قات دوردرلر زیرا جمله کفار صلحه شکرانه کیلریله عورتلرین ییله کتوروب جمله زیب وزینت و دارات و احتشاملریله کلرلر بزم پاشا دخی حدود میل بایرینه عروج ایدرکن صافی دیباوشیب و زرباف و جواهر مرصعاه غرق اولمش کمر قوشاق و خنجر و بجاق و شمشیر و مرصع طپوز النده واکننده برسمور قباچیسه کم ترکی [۱] ایچنده یومورطه صقلانیر سیاه سمور لعل کون چوقیه قاپلیکم هر دو کملری قازی عورطه سی قدرکه هربری اوزریک غروش ایدر دو کملر ایله مزین قباچیسه در و پاشانک باشنده مجوزه سی اوزره مرصع ابلاق صورغوج پادشاهی ایله ایکی جانبنده مطره جیلر و توفنکجیلر دخی زردوز اسکوف حاجی بکتاش ولی اوزره اوتاغلر نرین ایدر پاشانک قولتوغنه کروب پاشایی ناز و نعیم و تعظیم ایله میل باشنه چیقاردقلرنده بزم طرفزده کی اولان میل دینه پاشا یوز بیگ استغنا ایله واردقده بزم میل دیننده بر سایه بان آلتنده برزاند رزر اسکمله اوزره

[۱] س ، ک : تکی

عساكر اسلام الای الای اولوب ایاق ایاق طاطا سحراسی اوزره صاغ طرفزه نهر طونا اوزره جمله فرقتلر و ذخیره کیلری آنلر دخی آلائی ایله بادبانلرن وفلاندره و سنجاق و بیراقلرن کشاده ایدوب کتمده بری طرفده لشکر اسلام کیدرکن حدود المان اوله جق سلطان سلیمان مللری [۱] نمایان اولدی و کفار الحیسنه دخی جنود جنبلری خاچلی پیکرلری و قره شاپقه لرله دریا مثال کفار نیجه بیگ عربه لرله و الایلرنده اورمان کبی صرقلریله و آنلر کده طونا اوزره نیجه بیگ قایق و فرقته کیلریله کورینوب قایناسراق کلمکه باشلدیلر بزم الحی پاشا دخی الای عظیمیله ایاق ایاق کیده رک حدود مللرینه ایکی بیگ آدیم قدریقین واردقده همان بزم الحی پاشا اسباب احتشامن عرض ایدوب قهوه آلتی یمک بهانه سنه بر منقش عبرت نمون چتر ملمعی آلتون طوپلر ایله طرفه العین ایچره قوردوروب جمله زر اندر زردوشه دوب پاشا افدیمز وغیری پاشلار والای بکری ایله سراپرده سنه زول ایدوب ماعدا عساكر اسلام جمله آنلری اوزره بر سلاح آماده اولوب دوردیلمو حاضر مسک و معبرین طعاملر یورودیلمر جمله عساكره آنلر اوزره چورکار و بیاض نان پاره لر بذل ایدوب بعد الطعام پاشا مهترخانه فصلی اندروب برخیلی زمان خیمه سنده دوروب آندن کفارک دخی الحیسی کیلرندن چیقوب حدود مللری اوزره کلوب اول دخی برقره چادرده مکث ایدوب ینه پاشایه بیورسونلر دیو خبر کوندردکده پاشا بو خبره وجود ویرمیوب عساكر اسلام ایله جریت اوینامغه باشلادیلر اما بزم طرفزدن استرغون اوده باشیلری کافر الحیسنه واروب حدودده اولان مللرده کافراک الحسین کوروب پاشایه کلوب سلطانم کافراک الحیسی مللره کلش سزه منتظر حاضر باش دوریور دیو خبر ویردکلرنده درحال پاشای صاحب جمال اسب سوار اولوب مهترخانه سن دوکرک جمله عساكر ایله آهسته آهسته کیدرک یانیز صیره الای کیلریده صدای الله الله ایله کلبانک محمدی چکوب طوب و توفنک شادمانلری ایدرک بزمه برابر مللر باشته واروب جمله عساكر اسلام برآ و بحرآ آماده اولوب دوردیلمر

حسن آغانك اصهارل دینی خلیل بك نامنده آدم دخی یوق ایدی آندن قبوداندن
رفیقئر آلوب جانب غربه نصف ساعت کیدوب

دربیان کرماب های قلعه پایا

ساف قراللری بو حقه ید قدرت اوزره قباب عالیرو عشر آ فی عشر حوض
عظیم و شادروان وقاعه و جامکانلر ایدوب عمارات مشلر بر آب حیات مثال رایحه سی
معتدل السخون ایدیجه در آتدن اینوب ایجری اسبابله کروپ تماشای اتم جمله
کفار عورتلری و اوغلانلری له قرش قتش اولوب کرمشله اما حفا که کونا کون
اژدر کله لری و ارسلان کله لری تصویرلرندن ایلیجه صولری جریان ایدوب حوضه
دوکولور آثار عظیمدر و صوئی غایت نافع اولدوغندن بهرسنه کراز موسمنده
جمیع کافرستاندن مریض و علیل و تندرست کافرلر کلوب بر آی ذوق و صفار
ایدوب و تندرست اولوب هر کس وطنلرینه کیدرلر بو ایلیجه استرغونه برقوناق
قریب اولماغیله وره ایله استرغوندن دخی بعضی سنه نیجه یوز آدملر کلر آندن
بو حقیر رفیقئر یزله جانب شماله داغلردن اشغی ۷ ساعت کیدوب

منزل قریه تسال صغیر

پایا قلعه سی حدودنده اوچوز خانهلی مجار کوییدر اما استرغونلی به خراج
ورلر آندن یته جانب شماله به ساعت اورمانلی داغلر کچوب

منزل طاطا صحراسی [۱]

بو محله الچی پاشا افندمزه بولوشوب صفا کلدک اولیام مصطفی افندی بی
بوله بلدکمی دیدتده خیر سلطاتم نام ونشانندن اثر یوق دیدم بو محله نمچه
الچیسندن خبر کلوب بزم الچی پاشایه بیوررسکز مشرف اوله دیو آلتی آلتی
بر مصنع ومنشش [۲] حنطو غربه و نیجه هدایالر کلوب بزم الچی پاشا برینه رغبت
ایتیوب همان کوس رحتلر چالئوب طاطا قبودانی دکر منلری جسرندن کچوب جمله

[۱] پ : قلمه سی [۲] س ، ک : منقش

محمد خان ثالث عصر نندہ فاتح قنبر، اولان ابراہیم پاشا سردار انکروس ایکن اون بیک قدر فرانسه کفاری بیج قلعہ سنہ امدادہ گلشکن سردار مشارالیہ بیج قلعہ سنہ محاصرہ آمیوب غیری قلاعری فتح آتمکہ مقید اولدقدہ نمسه قرالی بوامدادہ کلن فرانسه عسکرن پاپا قلعہ سنہ قشلمغہ کوندر دکده نمسه کفاریلہ فرانسه پاپا قلعہ سی ایچرہ بر جنک عظیم ایدوب نمسه فرانسه نک چوغنی قاجدن کچر لر همان فرانسه پس پردہ دن بودیندہ لالہ محمد پاشایہ خبر کوندر وب البتدہ پاپا قلعہ سنہ سزہ ورہ لم دیو عہد امانہ آدم کوندر لر همان لالہ محمد پاشا بودیندن واستولنی بلغراددن اون بیک عسکرایلہ لالا پاشا کتخداسی عبدی اغا بر کون بر کیجده علی الغفله پاپا قلعہ سین بصوب فرانسه کفاری قلعہ آچوب جملہ عسکر اسلام قلعہ یہ دخول ایدنجہ همان فرانسه کفاری فرجه بولوب مجازی ونمسه کفارن قلیجدن کچر وب پاپا قلعہ سی بو تقریب ایلہ دست اسلامه کروب اوچ بیک قدر فرانسه پاپا قلعہ مزده نفر قالبوب سائر عساکر اسلام ایلہ حسن الفت ایدر لر کن همان نچہ چاساری آلتی آیدن پاپا قلعہ سنہ تابور عظیم ایلہ محاصرہ ایدوب کامل بر آی جنک وجدال ایلدیرک دور دیلر آخر کار بر طرفدن امداد کلدون کوروب ابتدا بر شب مظلمدہ قلعہ دن فرانسه داغله دوشوب فرار ایدر لر ایدن عسکر اسلام دخی استولنی بلغراد پاپا قلعہ سنہ آلتی میل یدر کم مستوفای بر قنقدہ [۱] بلغرادہ کلر اما نمسه فرانسه کفارینک آردینہ دوشوب وبللردہ ویوللردہ نمسه فرانسه قرہ قرہ انجاق بشیوز قدر فرانسه استولنی بلغرادہ جان آتوب خلاص اولدیلر سنہ ۱۰۰۸ تاریخندن برو قلعہ پاپا حالا دست نمسده قالبوب متعظم قیودانلق و انتہاء سر حدلرندن چار گوشہ دن طولانی اوچ قات شدادی صعب قلعہ قویدر ... (۵)

بوندہ دخی بر باغ ارمده قیودان حقیرہ ضیافت ایدوب ہدایالر وردی و زنداندہ اسیر اولان بیک عدد امت محمددن اونیدی عدد مصطفی اسملی آدملر کتوروب بریسی دخی فوجہ شہرندن سپاہیلر خلیفہ سی دکل و باش باقی قولی قیسریہ لی [۲]

[۱] ک : قنقدر [۲] ک : قیسریہ لی

(۵) اوچ سطر آچیق وار

برقاج کنیسه لری و چارشوی بازار لری و ایکی بیک مقداری تخته اورتولی اولری
 و اوج عدد واروش قپولری و اطرافی شرامپاو خندقلی متین واروشدر اما بقوان
 داغلرینه دوغری باغری بی حد و بی پایاندر لکن قطناسی فایت عشقیبا [۱] دلاور
 کفارلردر [۰]

بو قلعه تماشایا ایدوب قپوداندن هدایالر ورفیقلر آلوب ۴ ساعت جانب غربه
 کیدوب قلعه طاطا قربنده

قلعه تسال کیر

بو محله طاطا کولنک ایغی جریان ایدوب طاطا قپوداننک دکرمانلرینک جسرندن
 عبور ایدوب ۵ ساعتده ینه جانب غربه داغلا و بللر آشوب کیده رک

اوصاف قلعه کفار ویلان

لسان مجارده دمکدر اما بانیسی معلوم دکلدن سنه ۹۵۰ده بالذات سلیمان
 خان طاطا قلعه سن خراب اتدکده بو قلعه ویلانی ده برباد ایدوب بعده کفار عمار
 ایده لی دست کفارده قالوب کوه باقون دامننده چار گوشه شدادی ایکی قات برقلعه
 استواردر کلکسه لری و چارشوی بازاری و آب روان لری و جمله تخته اورتولی منحوس
 خانه لری وار قطنالرینک دوراغی و خنزیرخانه لرینک یطاغی اولمشدر برصارپ قلعه در
 بونده قپودانی حقیره ماحضر طعام فراوان یدوروب بعدالطعام رابه نهری جنکنده
 اسیر اولان سپاهیلر خلیفه سی مصطفی افندی بی قپوداندن سؤال اتدی کیده زنداندن
 آلتی یز امت محمد اسیر کتوروب جمله سن کوردم الا مصطفی خلیفه کوردم
 آندن قپوداندن هدایالر ورفیق کفره لر آلوب سمت غربدن جنوبه میال ۴ ساعت
 ینه داغلرده کیدوب

اوصاف قلعه رفیع البنیان سورا استوار پاپا

ریم پاپا مالیه بنا اولدوغی چون پاپا قلعه سی دیرلر سنه ۱۰۰۸ تاریخنده سلطان

[۱] ك : اشقیبا

[۰] اوج سطر آچیق وار

نام قلعہ لریمزک اہالیلرن متأذی آمدن خالی اولمیوب ینہ سلیمان خان زمانندہ استولنی بلقراد پاشاسی جندی حمزہ بک طاطا قلعہ سندہ اسپر اولنلرک دلالتی ایلہ طاطا قلعہ سنی علی الغفلہ بصوب فتح ایدوب ایچندہ اولان کفرہ لری جملہ طعمہ شمشیر ایدوب سلیمان خانک اذنیلہ سنجاق بکی تختی ایدوب درون حصارہ یدی بیک عسکر قویوب برمتین سرحد قوی اولور بعدہ سنہ ۹۷۳ تاریخندہ سلیمان خان سکتوار سفرینہ کیدرکن کفار خاکسار طبوریلہ کلوب یتیش کون بو طاطا قلعہ سن دوکوب آلر بعدہ بدین وزیر اولان ارسلان پاشا کہ یحیی پاشا زادہ محمد پاشانک اوغلیدر پچوی قلعہ سی آلتندہ مذکور ارسلان پاشا سلیمان خانہ کلدکدہ سن نیچون طاطا قلعہ سنک امدادینہ یتشمک دیوسر اپردہ اوکنده ارسلان پاشا طاطا قلعہ سیچون قتل اولندی بعدہ سنہ ۱۰۰۲ تاریخندہ سلطان مرادخان ثالث عصرندہ فاتح یمین سان پاشا بوسنہ لی شاہین اوغلی سلسلہ سندن سابقا وزیر اعظم اولان لالہ محمد پاشا یکیچری اغاسی اولوب آنک مساعده سیلہ طاطا قلعہ سی فتح اولوب آندن قلعہ ویلان آندن قلعہ سہارتین آندن قلعہ یانیق فتح اولوب تاتا قلعہ سی ینہ کما کان سرحد انکروس اولدی بعدہ سنہ ۱۰۰۶ تاریخندہ کفار یانیق قلعہ سن حیلہ ایدوب براغاج طوب آتوب یانینی آلدقده بو طاطا قلعہ سین وغبری قلعہ لریدہ قبضہ تصرفہ آلوب ملک ایدر بعدہ سنہ ۱۰۰۶ تاریخندہ سلطان محمد خان ثالث وزیر ساطر جی محمد پاشا سردار معظم اولوب ابتدا طاطا قلعہ سن فتح ایتدی وایچندہ کی کافر لر برکیجہ فرار ایدوب طاطا آلتندہ کی سازلقده و بطلقده غرق اولوب نیجہ بیکی اسپر بند زنجیر اولدی وکیمی قلعہ قومرانلرینہ فرار ایتدیلر بعدہ سنہ ۱۰۱۰ تاریخندہ سلطان محمد خان ثالثہ کفار استولنی باغرادہ ظفر بولدقده بو طاطا قلعہ سنہ دخی استیلا ایدوب اول عصردن برو دست کفاردہ قالمش برقلعہ غریبدر حالا نمچہ چاسارینک حکمنده برمرافع بایر اوزرہ برشدادی شکل نمش ایچ قلعہ سی واردر اصلا حوالہ سی یوقدر وایچندہ بر معظم کایسانی وار افلاکہ سرچکمش برچاکانی وارغایت مصنع نمایان ایدی اما بزی ایچ قلعہ یه قومیوب اشنی قلعہ قربندہ قپودانی حقیقہ ضیافت ایدوب اشنی قلعہ تماشا ایدر شکنده اولدق خیلی بیوک واروشدر

استرغون آلتندہ بش آلتی نفر کولہ ملہ بوندہ کلوب ارپہ وبغدای دمتلری دوکوب تیرہ ومغنیسا غازیلری طاطا قلعه سن بصوب کلہ پاچہ و نیجہ غنیمتہ کلوب بیہ صدر اعظمہ واروب احسانلر آلدق ایدی اول زمان بو محللرہ امعان نظر ایلہ تقید ایدوب باقدم مکر کافرستان ایجرہ خیلی یر کتمشم شمدی کوروب عالم حیرتدہ قالدہ همان جناب باری حفظ ایدوب بر کافره راست کلہشم وبو محلدہ بودیم قپودانی اون پاره فرقتہ ایلہ وقلعہ وشغراد قپودانی اوچ پاره فرقتہ ایلہ واسترغون قپودانی آلتی پاره فرقتہ ایلہ کلوب جملہ فرقتلر درکلرن وسرنلرن وچارمیخلرن وکورکلرن منقش ایدوب وکونا کون سنجاق و بیراق و علملرہ و فائوسلرہ وطوب و توفسکلرہ زین ایدوب پاشانک اوطاغی قرنتہ کلدکدہ بر یایلیم توفنک وبر یایلیم طوب شادمانلری ایدوب قپودانلری الچی پاشادن خلعتلر کیوب کشتیلرینہ کتدیلر آنلرک عقببنجہ پاشانک یکرسی پاره طر نہہ طونا کیملری ذخیرہ لیلہ شادمان طوب وتوفنک ایدہ رک کلدیلر وبزم یانمزده لنگر براغوب مکث ایتدیلر بو محلدہ الچی پاشایہ خبر کادیکم کفارک الچی سی قومران قلعه سنندہ در دیدکلرنده پاشا غضب آلود اولوب بو محلدہ تقاعد فرمان اتدکدہ همان بو حقیر پرتقصیر امن وامان اولماق ایلہ پاشادن مأذون اولوب برقیچ نفر استرغونلیر ایلہ جانب قبلہ یہ نصف ساعت کیدوب

اوصاف قلعه طاطا

بعضیلری تانا یازارلر اما لسان مجارده طاطا ... دمکدر بانسی انکروس قرالریدر غایت معمور قلعه ایکن سنہ ۹۵۰ تاریخندہ سلیمان خان استرغون قلعه سین دست کفاردن فتح اتدکدہ بالذات کندولری بو طاطا قلعه سی آلتنہ کلورکن درون حصارده متحصن اولان کفار غلغلہ وولولہ آل عثمانی اشیدوب بر کیجہ قلعه براغوب باقون داغنه وویلان قلعلری باغنه فرار اتدکلرنده جملہ غزات درون حصارده بولدقلری کالای افشہ فاخرملری وامتمہ نادرملری آلوب فرمان شہریاری ایلہ احراق بالنار اولوب درودیوارلرن خراب ویبای ایدوب کیدرلر بعدہ کفار سنہ منهدہ ینہ معمور ایدوب جملہ کفارلری استولنی یلغراد ی وپولطہ وچاقوہ وبکان

عسکری و تحت لواسنندہ اولان قلاعلرک نصف عسکرلریله سردار تعیین اولندی ودخی بودین و قنیزه عسکرلری صاغ قوله تعیین اولندی ودخی اکره وطمشوار عسکرلری صول قوله تعیین اولنوب آماده اولوب حیرای استرغونده قرق بیک عسکر خیمه وخرکاهلریله مکث اتدیلر قلعه استرغون آلتنده ایکی کون مکث ایدوب جمعه نمازین اشنی جامعده قیلارکن بودین وزیرندن بر فرمان کلوب بوآن استرغوندن قالقوب آلمان حدودینه جمله عسکرکله کروب آنده کفارک الجیسلیه عقد صلح ایدوب جمله سنکله کیدن سرحد عسکرینه کافرک الجیسن تسلیم ایدوب سن آنلرک کافر عسکرینه تسلیم اولیوب عرض و ناهوسکله کیدوب کله سن الله دستکیرک اوله دیو جامعده قرآن تلاوت اولوب همان عجله ایله صلات جمعه ادا ایدوب دعایه قنایمیوب طشره حیقه قدقه نفیر رحلتلر چالنوب جمله عسکر اسلام ایله آن ساعتده قلعه استرغوندن ینه الای ایله قالقوب طونا کنارلیه جانب غربه...

ولایت انگروس منحوس و المان بی امان دیارلرینه

کنتدی کمز قناقلری بیان ایدر

اولا استرغوندن... ساعتده (قریه اویفالوبه) [۱] نهرطونا کنارنده استرغون الای بکسنک مجار کوییدر انی کچوب ینه سمت غربه (قریه شقتوی) و (قریه مسمل) و (قریه الماش) [۲] بونلر دخی طونا کنارنده استرغون خاکسنددر اما ایکی قلیج آلتنده اولماق ایله کافره خراج ورر مجار کویلیدر اما غایت معمور باغ مرمام مثال کندلدرر بومذ کور قرالری ۵ ساعتده کچوب و طونا نهری کنارنجه صیق اورمانلی و نیجه پصو یرلری کچوب (نهر بابا) نهر طونایه مخلوط اولدوغنی یرده برصازلق و بطاقلق کنارنده برچمن زار فصاده

منزل صحرای طاطا

برخشب جسر کنارنده مکث اولدی مقدا بو حقیر اویوار فتخی سنه سننده

[۱] ک : اویفالوبه [۲] س : آماش

کوندر برم و راه صوبی جنکنده میدان معرکه کافرده قالدی شکلی [۱] اولوب کفار ایکیده بر آتی - ویلوب یوکلرن یوقارو یغرلر همان صدراعظمک دفترنده و خطهایون سعادت مقرونده نه یازمش سه آ که کوره عمل ایدوب او یواردن ایجری ونهر رابدن ایجری طقوز ساعت ایلری قدم بصدیغمز بر لر بزم حدومز اولورسه آنلرک الچی بونده سن آنده کت والاعکسی ظهور ایدوب صلحی بو یوزدن قبول ایتمز لسه همان بکا خبر کوندر تانار عسکری داغلامدن اش کوردم اولیه الاخیر همان بصیرت اورزه اولوب ایله جه ایله دیو قوجه کورجی پاشا الچی پاشایه دین مبین عرضنه یرار تنبیه و تأکیدلر ایدوب ایدر اولیام اشته سنده پاشا ایله بیله سن بو سرحدک سن اسکی قورساین سن پاشا بوسرحدلره کله مشدر بو بکن سفر لری کورمه مشدر سن ده بو ایشلره آگاه اول دیدی و کفار الچی سی قومران قلعه لرینه کلش سزی بکلر همان صباح بودیدن قالفک دیرب الچی پاشا نوله سلطام دیو کورجی پاشا ایله و داعلشوب ینه الای ایله مهترخانه من [۲] دوکوک اشغی واروشده کول بابا قپوسی قربنده بر سرایه قوب حقیره دخی بر بشقه قناق ورمشدر حمد خدا جمله خدام لریمزی و آتلی میزی سخته بولوب اول کیجه بو دینه یاطوب علی السحر نفیر رحلتلر چالئوب بودیدن جانب غریبه نیم ساعتده اسکی بودینی کچوب ۵ ساعتده (منزل قلعه قزل حصار) مقدما ممدو حدر آندن

منزل قلعه استرغون عبرت منون

مکر کورجی محمد پاشا طرفندن استرغونلیه تنبیه اولنش الچی پاشا الای ایله استرغونه کبررکن جمله استرغون عسکری واستولنی بلغراد عسکری جمله الچی پاشایه استقباله چقبوب برکونه الای عظیم و برکونه اوچ یایلم طوب شادمانلری اولدیکه ارض وسموات کوم کوم صدا وردی بو استرغون پاشاسی اسکندر پاشا سنجانغی عسکریله وقلعه نفراتلرینک نصف عسکریله الچی پاشایه چارقاجی تعیین اولندی ودخی استولنی بلغراد پاشاسی الحاج مصطفی پاشا سنجانغی

[۱] ك : شکلی [۲] ك : مهترخانه سن

عسکر یکسز جو قدر بو قدر چوق عسکر ایله بزم ولایتزه بویه الچی کلدیکی بو قدر
 عسکرله ولایتزه کردیکی یوقدر دیو دخی الای ایله کیدرکن کافر لر یول اوزره
 بو جوابلری الچی پانایه سویلدیلر الچی پاشا ایتدی والله جانم بن روم ایلی
 بکلر بکیم [۱] اوچ بیک عسکر ایله از بنرم لکن سز لر حسابسز [۲] بو قدر عسکرله
 پاشانی بسلیه مزز دیو قور قارسز ویا بو قدر عسکرله ولایتزه نیچون کرر دیو خوف
 ایدرسز انکیچون بشیوز آلتش آمده کدم قور قماک بزدن امین اولوک پادشاه
 دولتنده طونه اوزره یکر می کمی و بو قدر یوز عربه یوکی ذخیره م کلر دیو الچی
 پاشا ترجمایه بوکونه کلمات ایدنجه کافرک نطقه بحالی قالمیوب ایدر امدی سلطانم
 سز صفا کلدیکنز بزم الچی مز سلطانمی بزم قومران قلعه سنده بر آیدر بکلر
 سعادتله سزک بودینه تشریف بیوردیغکنز الچی بکیمزه اعلام ایدلم همان سز دخی
 یارین بودیدن قالفک دیوب ترجمان بی ایمان ایلری کتدکده الچی پاشا کروفریله اهالی
 بودینه سلام وره رک کتور کتور مهرخانه سن دو کرک اوستی آچق ایجه یه
 وارد قده بودیندن بر یایل طوپلر دخی انداخت اولوب زمین و آسمان لرزه ناک
 اولوب الچی پاشا کندو عسکر یله بودونک ایچ قلعه سنده کی پاشا سراینه واروب
 بودیم وزیری کورجی پاشایه بولشوب رضیافت عظیم اولشدر که تعمیر اولنماز بعد الطعام
 کورجی محمد پاشا الچی پاشایه رسمور لپاچه پادشاهی و الچی پاشا زاده بکه و کتخداسنه
 والحاصل حقیره وارنجه قدر زراندر زر قوشا قلق خلعت پادشاهی لر کیدر لکده کورجی پاشا
 الچی پاشایه ایدر بقه آدم الله سکا بو مرتبه احسان ایتدی کم دین اوغرونه دین دوشمنلری
 اولان نمسه کفره لرینه واروب خست و دنائت ایدوب عرض پادشاهی یه بر شامت
 کتره سن هر بار بجه بنم چاشط لرم کیدوب کلکده در اشد که کافرک مالنه میل و محبت
 ایدوب سوز کده ثابت قدم اولیوب تجارته و کافرک تعینات [۳] و هدایا و مالنه طمع
 ایدم سن الله حقیچون سن بجه اوطوررکن انده باشکی کسرم یریکه کتخدای
 کوندر یرم همان طمعه دوشمه بشیوز کیسه مال صرف ایدوب وظهیرک [۴] قالمزسه
 اشته بودین یقیندر همان بکا بر خبر کوندر یوز ایکوز کیسه و بش اون کمی ذخیره
 [۱] س ، ک : بکیم [۲] س ، ک : حسابسز [۳] ک : تعینات [۴] ک : ذخیره ک

منزل قلعه خطوان

بونده محمد پاشا افنديمزدن بودين وزيری کورجی محمد پاشايه و صدر اعظمه و ابراهيم کتخدا افنديمزه و حالا نمچه قرالنه کيده جگمز الچي محمد پاشا افنديمزه بوا کره پاشاسی محمد پاشادن مکتوبلر ايله و نيجه هدايالر ايله اوچيوز عدد پر سلاخ رفيقلر اولوب آنلر اکره منصبلرينه کيدوب بر برلر بمز ايله و داعلشوب حقير خطوان قلعه سندن جانب غربه ۱۴ ساعت [۱] سریمجه يورويوب

منزل قلعه پشته

حکمت خدا مکر اولگون الچي پاشا دخی بودينه کره جگ ايمش همان الچي پاشايي قارشولمغه اکره عسکری پشته التنده کی خيمه و خرکا هلرندن چيقوب الای دریا ماللر ايله بودين عسکرلرينه قريشوب الچي پاشايي کيله سحر اسنده اکره عسکريله بولده سلاملايوب همان حقير آتدن اينوب پياده اولوب الای ايجنده الچي پاشانک آت اوزره ديزن اوپوب بيره اولياچلي بيره خوش کلدک ديدکده خوش بولدق سلطانم بلغرادده کی عهده وفا ايدوب اکره ولايتنه واردم و سزه جمله اکره عسکرن کتردم اشته سلامه دورنلر اکره ليدر صاغ طرفده سلامه دورنلر بودين عسکريدر ديدکيمده هله صفا کلدک بين آتکه ديوب بالارکاب اسب صبا سرعته سوار اولوب اغواتلر مابينته کروب الای عظيم ايله بودينه کررکن اهالی بودينک صفار و کبارلری و نمچه قرالی طرفندن کلن الچي کفره لری آنلر دخی تماشايه چيقوب بر الای احتشام ايله بودونه داخل اولورکن عظمت خدا قوجه بودونک دورد پاره قلعه سی طوب شادماندن آتش نمرود ايجره قالبوب زمين و آسمان مدفع دودندن شب مظلم کي اولوب کرز الیاس داغلری و آرداله باغلری اکل اکل اکلدي اما مکر چاسار الچي سی آدملری چاسطلغه [۲] کلوب بزم الچي پاشانک عسکرن و آلاين کوزدن کچروب بودين وزيرينک و يرديکی تعيناتی و الچي پاشانک عسکريني کوروب همان کافرلر پاشايه ايدر سلطانم سزک [۱] ک : (...) ساعت [۲] س : چاسطلغه . ط : چاشتاغه . ک : چاسوسلغه

عدل عمر اتدی وخطوان بکنه صو باشلیق الحاق ایدوب خطوان قضاسی نیابتی اولدی و مستوفا جبه‌خانه و ذخیره‌لر قیوب خطواندن اون عدد طوپلر کترمه آدملر کیدوب قلعه‌سهل مرماه باشلدیلر درون حصارده اوچیوز قدر داراجق خانه‌لری و برمنصطری خنکار ایچون جامع اولدی

اشکال قلعه‌سی

اوج سایه کهکشان آسا سرچکمش بر یالچن قناره قیا اوزره استونی بلغراد قربنده کی چاوقه قلعه‌سی کی بر صسارپ و متین و بالای بی همتا قلعه‌در اما غایت کوچکدر بر طرفدن اصلا حواله‌سی یوق شدادی بنا بر کرمان رعنادر آنجاق برقبوسی و ایچنده جبه‌خانه‌سی و غلال انبارلری و صو صارانجلی و بر سجن یوسف کی عمیق کند ایله دلابلر ایله انیلر غیا مثال زندانی وار ما تقدم دست آل عثمانده ایمش کفار سلطان احمدخانیده خطوان قلعه‌سنه استیلا ائدکده بو بویاق قلعه‌سنه دخی ظفر بولوب حالا جامع مزك محرابی و منبری آلتش یلدن برو دورور ایدی و بوجامع یاننده بر آب حیات قیوسی وار کم ماه تموزده صوی بوز پاره‌سیدر کویا کوهکن فرهاد استاد بوقیانی بورغی و یاخود مقاب ایله نقب ایدوب صو چیقارمش کامل طقسان قولاجدر بو قلعه قله‌لرندن اشغی باقغه بی آدم جرأت ایده من اما (اشغی واروش بویاق) بر معمور مجار کفره‌سی واروشیدر جمله خطوان رعایاسی بو واروشه دولدولر و قلعه‌یه مارتلوس قول اولدیلر جمله بش یوز عدد مکلف و معمور نخته‌لر ایله مستور و دخی زیاده معمور اولده بر واروشیدر زیرا خطوانه وارنجه غایت محصوللی و اسعة الاقطار صحرا لدر بو قلعه بویاق و قلعه سیجان [۱] و قلعه کرمت و قلعه خطوار ماینلرینه دوشمشدر حقا که هنوز ایی قلعه متین و بالا فتح اولمشدر زیرا بو قلعه خطوان اوواسی اورتاسنده بر یمورطه کی بر یومری [۲] قیا اوزره واقع اولمشدر ... [۳]

بوندن دخی پاشا ایله قالقوب جانب قبله‌یه ۴ ساعتده

[۱] س، ک : سیجان [۲] س، ک : یومری و سوری

[۳] دورت سطر آچیق وار

ویروب اول آن اسپرلکدن آزاد اولوب انلره بر آت دخی ویردی یخشی
 قبودان کفره ایمش (اشکال قلعه سمندره) بر سمندره دخی بودین ایالتنده
 طونا کنارنده سمندره قلعه سی سنجانی وار اما بوجار سمندره سیدر ... [۰]

اوصاف قلعه کلوار

لسان مجارده ... دمکدر بایسی معلوم دکدر اما بودخی اول و آخر اورتا
 مجار حکمنده اولوب قلعه قبودانی پاشایه استقباله جیقوب عظیم ... وزنی اوزره
 شادمانلری ایلیوب بر باغده پاشایه ضیاقتلر وهدایالر وروب بونلر دخی صلحدن
 حظ ایدوب صورت صلح نامه لر قلاوت اولندقده جمله کفار باشلرن آچوب شکر
 عیسی اتدیلر اما بوقلعه ده مکمل کفار عسکرلری چوق نمایان ایدی (اشکال قلعه سی) ... [۰۰]
 اندن جانب غربه

اوصاف شهر قدیم قورطوط یعنی تختکاد مجار بخار قلعه هنوط
 اندن ینه ارتسی کون قلعه کر مات قربندن کچوب

ستایش حصار بالای داریوناق یعنی قلعه بی مثال سور بویاق

لسان مجار جه ... دمکدر بو دخی مقدا اورطه مجارک کسکسن [۱] قطنالی
 قلعه سی ایدی بعده سنه ۱۰۷۳ تاریخده تانارخان زاده احمد کرای سلطان او یوار
 غزاسنه کیدرکن قزاق عسکر یله ذیل حصاره قنوب کفار قلعه یاقدن فرار ایدنجه
 ابتدا همان درون حصاره خطوان قلعه سی عسکر ی کرو ب ضبط ایدر لر زیرا
 خطوان قلعه من پک قریبدر حالا ایچنده فرمانسز او چیوز نفر غازیلر اولوب
 بونلری جمله دزدار و مردم حصار یازوب قوجه محمد پاشا بر عدالت اتدیکم کویا

[۱] ک : کسکن . ط : کیکن

[۰] بر سطر آجیق وار

[۰۰] ایکی سطر آجیق وار

اوصاف وادی ارم ذات یعنی قلعه باغ بهشت کرمات

لسان مجارجه ... دمکدر بانیمی سرحدیلرک و اسیر باپاسلرک معلوملری اولمادوغندن بانیمی تحریر اولنمادی بودخی مرادخان ثالث عصرنده دست آل عثمانده اولوب بوکه دخی کفار سنه ۱۰۰۲ ظفر بولوب آلتش سنه دست کفارده قالب پروردکاره صدک حمدوشنا اولسون بو سنه ۱۰۷۴ ده کفار لوه و لتره قلعه لرینه بدل بوقلعه کرماتی ووروب میرلوانلی بودین الای بکلکنندن معزول عمراغایه احسان اولنوب سنجا قاسلام اولدی بکینک خاصی ۴۰۰۰۰۰ اچجه اولوب ۹ قلیج زعامت و ۲۱۶ قلیج تیمار والای بکی وچری باشی هنوز تعیین اولنوب دزداری و اوچوز عدد مردم حصارى و طوپخیلاری و جبه جیلری و بودین یکیکچریسی سردارلری قونوب یوز اللی اچجه پایه سیله بودیندن هنوز بر عاریتی قاضی کلوب شهر هنوز عماره باشلاندى مکر مقدا سنه ۱۰۷۳ او یوار ائتمده احمد کرای سلطان قزاق عسکر یله کلیرکن بو قلعه خراب و بیاب و احراق و کباب ایتمشلر حالا هنوز عمار ایتمه مباشرت اولندی

اشکال قلعه‌سی

[۰]

آندن سمندره قپودانی پاشایی ضیا فته دعوت ایدوب ... کونده

اوصاف قلعه سمندره

اول و آخر دست اسلامه کرمیوب اورته مجاربانی طوبال پلاطنوش حکمنده در پاشایه عظیم طوپ شادمانلری ایدوب آل عثمان ایله نسه چاسارینک صلح ایتدکلرندن بغایت کسب صفا ایدوب حقیرک الچی پاشا ایله بجه کیده جکمزدن خبردار اولوب حقیره خیلی تعظیم و تکریم ایدوب زیاده سیله هدایالر وروب پاشایه اشخی واروش باغلرنده عظیم ضیا فتلر ایدوب اونامت محمد اسیری و یردی و حقیره بش اسیر

[۰] اوچ سطر آچیق وار

ستایش حصار دار امان یعنی بناء استوار قلعهٔ سیجان [۱]

بودخی بالاده کی قلعه لر کبی مراد خان ثالث عصرینک سنه ۱۰۰۰ [۲] تاریخنده فتح اولوب بده سنه ۱۰۰۲ ده کفار ظفر بولوب آلتمش سنه دست کفارده قالبوب الشکرلله سنه ۱۰۷۳ تاریخنده قبلان پاشا نووغرادی دوکرکن کفار خا کسار خوفندن بو قلعهٔ براغوب احراق اتدی و حالا هنوز صلح ایچنده کفار لوه و لتره قلعه لرینه بدل بو قلعه نك مفتاحلرن صدر اعظمه و یروب قلعه تعمیر و ترمیم اولنوب سابقا استرغون بکی چرکس اسکندر بك سیجان [۳] بکی اولوب ینه اکره ایالتنده سنجاق بکی تخنی اولدی بکینک خاصی ۴۰۰۰۰۰۰ اچمه اولوب ۱۲ قلیج زمامتی و ۳۱۶ قلیج ارباب تیماری و المای بکی و چری باشیمی واردر حین غزاده بکینک عسکريله جمله اوچ بیک عسکر و بیک نفر قلعه نك عسکری و دزداری و یکیچری سرداری و اوچ اوده لر یکیچریسی [۴] و بروده طوچجیلر و بروده جبه جیلر و خطواندن کلش اوچیز عدد پر سلاح خطوان قوللری و اوچیز اچمه پایه سیله هنوز کله قاضیسی و اوچیز کوی رعایاسی تابع اولوب ناحیه قراری اولدی و اسکندر بك عمار آمده برمدبر و مبصر آدمدر (اما اشکال قلعه سی) بر دوزلکده شکل مربع بر جانبی طوله بنا و غیری طرفلری پلنغه ایمش احراق بالنار اولوب بر باد اولمش اما نیجه بیک رعایا اشوب اولکیدن متین ایتمکه مباشرت ایتدیلر و ایچنده اصلا اولردن نام و نشان یوق بر دیرمصنعی قالبوب محمد خان رابع ایچون جامع ایتمکه مباشرت اولندی و اروشی دخی کذلک عمار اولده ایدی اما جوانب اربعه سنده باغ و باغچه لری و آسیاب لری و مشبک بوستان لری جمله معمور ایدی و جوانب اربعه سی ایکی طوب منزلی سیجان [۱] بیلاقلریدر آب و هواسی غایت لطیفدر . . [۵]

اندن ینه محمد پاشا ایله جانب شهاله . . . ساعتده کیدوب

[۱] س ، ک : سجان [۲] ک : سنه ۹۷۲ [۳] س ، ک : سجان [۴] ک : و اوچ

اوده اکره یکیچریسی

[۵] ایکی سطر آچیق وار

قازقلى متين قلعه سرآمددر و جميع قله لرى و جمله دندان بدنلرى معمور و مزيندر
 اما بو اشنى واروشك باغر طرفنده سهل حوالهسى وار اما يوقارو قعلهده ابي
 سرآمد طوپلر اولسه اول حواليده [۱] قوش قوندرمز و بوقله اورتا مجار
 النده ايكن بنوك قطنا كفارلرى اطراف سرحدلر يىزى قوروشمش ايدى حمد خدا
 ديار اسلامه ضميمه اولوب ينه معبدكاه امت محمد اولدى ... [*]

آندن ۷ ساعت كيدوب

اوصاف قلعه هلوق

لسان مجارده ... دمكدر ينه بانيسى اورته مجار بانلرندن در بودخى ماتقدم
 مراد خان ثالث فتحى اولوب بعده كفار فلک قلعه سنه متصرف اولدوغى سنه
 مزبورده بونى دخی آوب حمد خدا شمدى سنه ۱۰۷۴ تاريخنده كفار غاغله روم عسكرى
 خوفندن بوقله دن ال چكوب حالى اوزره معطل براغوب ايچنه خطوان قلعه مز
 قولندن فرمانسز يوز اون يکيت کروپ بو قلعه ضبط ايتمشلردى شمدى اکره
 وزيرى محمد پاشايه حقير رجا ايدوب بوقله يه بويکيتلرک مقدم تاريخله خدمتلى سبق
 ايتمشدر بونلرى ينه قلعه اغالقريله و کتبخدا لقريله و نفرات لقريله چراغ افروخته
 ايدرسز ديورجا ايتديکمه رجامز حيز قبولده واقع اولوب جمله غازيلرى هلوق
 قلعه سنه اغوات و نفراتلر آندى (اشکال قلعه سى) بر مرتفع تل عالى اوزره شکل
 محس بر شدادى بنا بر کوچک قلعه رعنادر اما قپوسى اغاجدر و ايچنده يوز
 مقدارى تخته اورتولى آدمسز بوش اولرايدى عسا کراسلام ايله پراولوب کنيسه سى
 پادشاهز ايچون جامع اولوب جبخانه و ذخاير و مهمات قویوب عمار ايتمه جد
 و اهتمام اولندى ...

بعده قلعه هلوق دن جانب غربه بر ساعتده

[۱] ك : حوالده

[۰] ايکى سطر آچيق وار

کلوب ایچنه عسا کر اسلامدن اکره وخطوان قوللردن ایکی بیک یکت ذخیره لری وجبه خانهلری ایله قلوب ینه اکره ایالتی سنجاغی اولوب حمدخدا ینه حقیره بوقاعه فتحنده دخی ابتدا اذان محمدی اوقیوب صلاة ظهری ادا ایتمک میسر اولدی هنوز فتح اولماق ایله بکینه والای بکینه وارباب زعما وارباب تیمارینه وقاضی به بریسی [۱] تعیین اولیوب خطوان بکنک برادری میرلوا وکیلی اولوب اکره لی بهلول زاده چلی قاضی وکیلی اولوب دزداری یوسف اغا اولدی وجمیع کینسه لرن چرک شرکدن تطهیر ایدوب ایچ قلعه ده سلطان مراد ثالث جامعی کینسه ایکن سلطان محمد خان رابعه بنورمنور جامع اولماغه مباشرت اولندی وقلعه نک جابجایر لرن تعمیر و ترمیمه سی واهتمام اولندی

امادریان اشکال زمین قلعه بالا فلک

اوچ آسمانه برابر یالچین قرمزى وصاری وبوز قیا اوزره شدادی بنا شکل خمیس بر قلعه مستدر [۲] وایچنده کی منصطری جامع شهر یاری اولوب قلعه نک اطرافنده یدی عدد اوستلری تخته اورتولو قله لر وار انجاق بر قپوسی وار درون حصارده انجاق اوچیوز عدد شندره تخته اورتولی اولری وار جبه خانه سی وغلل انبار لری وبرچاه ماسی وبرچاه غیا زندانی وار لکن طوپلرین مقدم تاریخ ایله کفار هنوط قلعه سنه کتورمش خطوانه واکری به طوپلر کتیرمه کتدی

ستایش آسغی واروش قلعه فلک

ایچ قلعه قیاسنک جانب قبله سنده قیالرك دامننده بردوز واسع فضا ده جمله یدی یوز عدد قات اندرقات کارگیر بنا سراپا تخته اورتولی اولردر نصفه عسا کر اسلام کیروب نصفه خطوان قلعه مزک مارتلوسان کفره لری کروب ضبط ایدوب قلعه نفراتلری اولدیلر بو واروش دخی جمله کارگیر شدادی بنا شکل خمیس درین خندقلی ویکرمی تخته اورتولی قله لی و اوچ عدد قپولی واون عدد معظم بنالی کلیسالری و اوچیوز قدر بوش دکانلری وار و خندق خارجنده دائراً مادار شرابوا

[۱] س، ک : برشی [۲] ک : متیندر

و سوسنلی سپونام اكمكلى اولوركم اصلا بونان پاره يانى صيره قاتق استمز غايت
لذيد اكمكى اولور ... [۵]

الحاصل معمر شهردر بونده پاشايه بش بيك غروشلق قدر هدايالر ورب
و ضيافت عظيملر ايدوب حقيره بعض هدايدن حصه مند اولوب اندن جانب غربه
ماترايلاس ۸ ساعتده آشوب يدي عدد معمر. مجار قرالزن عبور ايدوب

اوصاف كوه بالاي فلك يعنى قلعه سر آمد فلك

لسان مجارجه ... دمكدر بانيسى اور تاجار قرالردن ماتره پلاطنوش [۱]
قرال بناسيدر نيجه ملوكدن ملوكه انتقال ايدوب آخركار سنه ۹۷۲ تاريخنده سلطان
مراد خان ثالث عصرنده بدست مصطفى پاشا فتح اولوب بودين سنجانغى اولمشدر [۲]
يكرمى دورت سنه دست اسلامده قالب بعده سنه ۱۰۰۲ ده كفار بوقلعهيه استيلا
ايدوب آلدی بعده سنه ۱۰۰۵ تاريخنده سلطان محمد اكره قلعه سن فتح اندكده
ينه بوقلعه محمد خانك اينه كروب اكره ايالى اولدى بعده ينه كفار سلطان احمدخان
عصرنده كفار استرغون قلعه سنه سنه ۱۰۱۳ ده ظفر بولدوغى سنه كفار بو فلك
قلعه سنه استيلا ايدوب اول زماندن رو التمش سنه دست مجار بخارده قالب آخركار
سنه ۱۰۷۳ تاريخنده سلطان محمد خان رابع وزيرى كوپريلي زاده فاضل احمد پاشا
مهرايله سردار معظم اولوب اويوار قلعه سن فتح اندكده بوفلك قلعه سن دخى تاتار
خان زاده احمد كراى سلطان وحالا اكره واليسى فلبه لى پرنجى محمد پاشا بوقلعه
فلكى نهب و غارت ايدوب خالى و معطل براغوب قالمشدى بعده كوپريلي زاده احمد
پاشا رابه انهمزى سفرندن صكره ينه تكرر اويوار قلعه سى آلتنه كلوب كفارك
استيلا اتوكى لوه ولتره قلعه لرنيك فتحنه كيدركن نيمه چاسارى طرفندن الحيلر
كلوب صلحه رغبتلر ايدوب مذكور لوه ولتره قلعه سنه بدل بوقلعه فلكى و سيجانى [۳]
وكرماتى وهولوغى و بوياق نامان بش پاره قلعه لرى وروب حمد خدا هنوز بوقلعه فلكه

[۱] پ : ماتره پلاطنوش [۲] ك : اولمشدى [۳] س ، ك : سجانى

[۴] بوراده ايكى سطر آچيق وار

وار جمله اولری کار کبر بنا قات اندرقات شدادی قلعه مثال شندره اورتولو مصنع بیت نصارالردر و بوشهر طولانی [۱] اون سوقا قدر و عرضاً الی سوقا قدر کم هر سوقا قی بر باشندن برباشنه نمایان دوغرو یوللردر و طرفلر [۲] اوزره بیکنن متجاوز چوقه و شیاق اشلر چوقه کار خانه لری واردر خلقی جمله عنقا بازرگانلر اولوب جمیع تکالیف عرفه دن بریلدر اما اورتا مجار حا کمی طوبال پلاطنوشه دخی خراج ورلر زیرا ایکی قلج آلتنده درلر اما عثمانلی به هدایان غیر برشی ورمزلر لکن بهر سنه قانون اوزره اکره قلعه سنک تعمیر و ترمیمنه مأمورلردر

در بیان سبب معاف مسلم کفره کنکوش

بو شهر کفارلری فاتح اکره سلطان محمدخان نائنه بر ا کسکی اوچوز چفت صو صغری عربله رینه چکدروب هدایا ورلر آنکچون اللرنده معاف نامه لری واردر و اذن پادشاهی ایله شهرینک جوانب اربعه سنه خندق عظیم قازوب دورت یردن جسری قبولر ایدوب قلعه دن صارپ عظیم واروشدر قلعه دیوارلی دکلدر اما هر خانه و هر منظرلری و جمله کینسه لری قلعه دن صارپدر و آب و هواسی غایت لطیفدر و ممدو حاتندن باغ و باغچه سی برو حا کملرینک نقللری اوزره ماره داغلرن زین آتمش یکریمی سکنر بیک باغدر او یله لذیذ و آبدار و خوش خوار اونی بدی کونه انکوری اولورکم همان بدی کونه سی مسکت اوزومیدر تناول ایدن انشراح صدر و ذوق دزون بولور و کنکوشیه باده سی دیدکاری قطره سی حرام شمیری روم و عرب و عجمده مثلی یوقدر مکر و غاز حصاری قربنده آق دکیز ایچره بوزجه آده جزیره سنک مسکت اوزومی اوله اما بونک شمیرینک شماری اولمازدرلر و صداع و رب باشه اورمازدرلر لعل کونه و بیاض و صاری یا قوت کی براق و مجلا باده لری اولوب برکونه سیوری سیوری طوپراق دستیلر ایله کنکوشیه باده سی دیره ک ارباب فسقه هدایا کتورلر بیاض سودکی عرقی [۳] دخی اولور و اوانار اون بش [۴] و قیه کلر حلب قلقانلری کی بیاض و خاص و رازیا نه لی و چورک اوتلی

[۱] ک : طولاً [۲] ک : بو طرفلر [۳] ک : عرقی [۴] ک : اون بشر

سکبان (سنه ۱۰۱۶ دیوروم مورخلری اکره دن فرار ایدن جلالیلری و عاقبت کارلرن بویله تحریر اتمشله ینه صده کله م چونکه بو سحرای خرشتوش [۱] معرکسی میدانن سیر و تماشا ایدوب آندن اکره پاشاسی محمد پاشا ایله قاقوب جانب شاله ۷ ساعته (قریه صالحه) ایکی قلیج آلتنده معمور مجار کویدر آندن (قریه ورپلیده) [۲] نهر طارنا کنارنده درماتره داغلرندن کلوب صونلو قدن آشنی هوش سحر اسنده نهر تیسه یه قریشیر آندن ینه شمال جانبنه کیدوب (قریه دومصلو) [۳] حطوان قلعه من قضا سنک کویدر آندن (قریه ویش طوند) [۴] بو مذکور قرالی ۹ ساعته کچوب

اوصاف واروش عظیم کنکوش

ا کره ایالتنده سکیز بیک عدد فوقانی و تحتانی شندره تخته اورتولو معمور منحوس خانه لر در و جمله سکیز عدد برو حا کملری اللرنده کومش دیه نکلری و ا کنلرنده سمور کورکلی برو نام ضابطلری وار بوشهر عظیم ماتره بیلاسی دبنده واقع اولوب نهر ماتره ایچنده جریان ایدوب ایکی جانبی قات اندر ت باغلی و باغچلی و پاک پاکیزه شاه راهلی شهر در [۵] و بوشهرک طولی ماتره داغی ذیلندن قبله یه طولانیسی کامل سکیز بیک آدیمر جمله سکیز عدد کار کیر بنا قلعه مثال منصطرلری وار کم هر برینک چاکلق قله لری افلا که قدکشان اولوب هر منصطرلر ده بشر آلتیشر یوز عدد قسیس و بطریق و پیرمغانلری و پنجه آفتاب موغ پچه لری وار و ایکیوز عدد خورده کنیسه لری وار و جمله بیک التمش عدد دکانلر در کم جمله سنده پنجه آفتاب قزلر و کالیه عورتلر دکانلر ده اوطوروب متاعلرن آشکاره فروخت ایدر لر اصلا عیب دکدر هر نه متاع مراد ایدنسن [۶] دیبا و شیب و زرباف و کونا کون اقمشه فاخره و البسه نادره لر موجود در محبوب و محبوبه لری ییحاب و جمله عاشق پرستلر در و شهر ایچره جاری اولان نهر ماتره اوزره پنجه یوز صو دکر مانلری

[۱] س : خرستوس [۲] س ، ک : ورپلید [۳] س ، ک ، ط : دومصلو

[۴] پ ، س ، ک : ویس طوند [۵] ک : شهر عظیمدر [۶] ک : ایدرسک

برده کفار کسکاری بشته بشته قبه مثال کومه کومه بغیلی دورر و کفار کله‌ری
طوب کله‌ری کبی و چاقل طاشرلی کبی صحرا ده زبن اولوب یطِ و بو صحرا ده بزم
شهید اولان اوتوزبیک یکیدیمزک جمله سی سلطان محمد خانک او طاعی زمینده مدفوندر لر
حالا جانب و اطراف لری حفر عظیم لر قازیلوب حیوانات کروب شهدایی چکنیه منز لر

در بیان زیارتگاه شهدای تابور اکره

حمد خدا پدریمز بو جنکده بولنوب نیجه شهداری ایله دفن ایتمش لله الحمد
بزه ده زیارت لری میسر و مقدر اولوب روح پرفتو حلیچون بریس شریفه تلاوت
ایدوب ثوابن انلرک روح شریف لرینه هبه اندک حالا زیارتگاه خاص و عامدر اما
نیجه برده مکلف صفه بنالی قبر منور لر وار جمله شهدالر روحیچون الله رضاسیچون
الفا تحه اما سحرای خرشتوش حقا که بر جنک میداندر کم حد و نهایی تاقشه سحرالرینه
و نهر تیسه کنار لرینه وارر بر طرفی تا اورتا مجارده معدن سحرالرنده نهایت بولور
بو سحرانک تا اورتاسنده کفارک غرق اولدینی خرشتوش نهری جریان ایدر کرچه
بر کوچوک صودر اما فلک و کرمات داغلرندن حاصل اولوب اینر نهر تیسه یه منصب
اولور اما کفار تاریخ لرنده بونهری تورک عسکرندن طرفه مفرور اولوب کجه سک
منهزم اولمازدق واکر ترک عسکری بوصوی بری کجه مسلماندن جان قورتولمازدی
دیو یاز مشلر عثمانلی مورخ لری بو جنکده منهزم اولمازدن مقدم فرار ایدن لرک باش لرینه
بعدا لفتح بوقلی اشکنبهر کیدروب ترسنه اشکره بندروب سیاست ایله اوردوی
اسلامده کز دیروب شهر و عبرت عالم ایدوب اوردودن نفی ایدوب مرد تیمار و عزل
ابد ایدر لر بعده آنلردخی بورسواپی ایله داغ درونلرندن اناطولی به کجوب ابتدا
جلالی اولانلرک سببی اکره تابوری جنکنده فرار ایدن لر در بعده سنه ۱۰۱۶ تاریخنده
سلطان احمد عصرده قیوجی [۱] مراد پاشا مذکور جلالیلردن سعید عرب و قره
یاریحی و طویل حسن و قلندر اوغلی و جنت اوغلی و جان پلاد اوغلی و صهب اوغلی
نامان جلالیلری جمله مراد پاشا قردوغنه تاریخ مصر عددر (بیک اون آلتیده قردلی [۲]
[۱] ک : قویوجی [۲] ک : قیرلدی ز (قیرلدی) یا کلشدر چونکه بویه اولورسه اون
سنه فضله کلیر (م)

یارمہ سی اورمغہ باشلائنجہ شکارہ مالک اولوب چادرلری ضبط ایدن کفار بو حال پرملالی کوروب چادرلری ومال غنایملری براغوب فرارایدلرکن هان بعون کردکار عساکر اسلام ایچندن بیرہ کفار برزولدی دیو برصدای ربانی استماع اولنوب فرارہ یوز طوتم دینلر تازہ جان بولوب کفارہ قلیج اورمغہ باشلرلر تاوقت عصردن وقت غروبہ وارنجہ یوز بیگ کفاری طعمہ شمشیر ایدوب تاوقت عشایہ وارنجہ اول ماہ تابده داغلر ایچرہ کفاری قیرہ قیرہ اوردوی اسلامہ کلرلر بعضی مورخان آل عثمان ومورخ محساران کندیلری اولہ یازمشلر کم اگر عسکر اسلام بزى قرمغہ باشلرقلری وقت ظهر اولسه اخشامہ وارنجہ بزدن جان قورتولمازدی اما وقت غروب اولنجہ فرار ایدوب داغلرده خلاص اولدق دیو یازمشلر اما مورخ آل عثمانیان اولہ یازمشلر کم خرشتوش محراسی کفار لشیله مالامال اولدیغندن ماعدا کفاردن بری جان قورترمیوب صوبی کچدکلری یدہ بری بری اوزرہ تعقیب ایدوب صوده غرق اولمشلردر دیو ادرنه لی محمد چلبی وعلی افندی مفصل یازمشلر بزیم تکرار تحریرایتمہ مزہ احتیاج یوقدر انجق بومیدان معرکہ کوردیکمز مناسبته بوقدرجه تسویداولندی سلطان محمدخان ثالث بوسحرای خرشتوشده یدی قرال قردیغنه قرآن عظیم ایله تاریخی بودر (فہزموہم باذن الله) نصی تاریخ دوشمشدر سنہ ۱۰۰۳ [۱] و آل عثمان ظہور ایدہ لی دوردد عدد طاہورجنکی اولمشدر بری سنہ ۷۰۹ تاریخنده غازی خداوندکارک صرف وهرسک کافرلیله فوس اووا سحراسی جنکی بری ۹۲۰ سنہ تاریخنده سلیم شاه اول ایله شاه اسماعیلک چلدر غزاسی وبری ۹۳۲ سنہ تاریخنده سلیمان خان ایله لاغوش قرالک میحاج غزاسی بری دنخی بو محمدخان ثالث نمسہ وبحار ویدی قرال ویدی کرہ یوز بیگ عسکر کفاری قردغی اکرہ نک تابور غزاسی اولمشدر اما بوجملہ غزالہ غالب اولمشدر زیرا بو عربده یدی قرالک بشی مرد اولوب ایکیسی فرار ایدوب یدی قرال جنود جنبندن آزه جق کفار رها بولمشدر حالا منظورمن اولدیغی اوزرہ بوسحرای خرشتوشده یتمش سکسن

[۱] س، ک، ط : سنہ ۱۰۰۴ [حابوکه (۱۰۰۵) اولملیدر . نص شریف ایسہ

(۱۰۰۲) یی کوستریور (م)]

ایدوب شرابلی ایچوب و خوره دپوب رقص ایتمکه باشلار لر جابجا جغاله زاده و صدر اعظم ابراهیم پاشا طرفندن جنک لر اولمه اما چه فائده اوردو ایچره کفار دولوب شکاره مستغرق اولوب یغما اتمده و خزینه اوزره خاچلی پیکر لرین دیکوب نیجه بیگ کفار صندوقه لر اوزره چیقوب اوورور لر اما پادشاه اوردو کنارنده علم رسول الله ایله بر پشته اوزره دوروب حضورنده سپاه ویکیچریلر کرما کرم جنک ایدوب سنجاغ رسول اوکنده قلمده پادشاه بو حالی کوروب یاننده حاضر اولان خوجه افندی یه ایدر افندی نه چاره ایدم دیدکده خوجه افندی ایدر پادشاهم یرکده ثابت قدم اول جناب کبری انک شیمدی احسان وانعامن مشاهده ایدرسن دیدکده قوجه صولاق باشی ایدر پادشاهم اصلا الم چکمه دده ک سلیمان خان ایله میحاج صحراسی جنکنده سهل بویله کفار غلبه سمیتین کوسته روب آخر کفار بوزولوب کفاردن بر جان خلاص بولدی (فصر جمیل) دیوب پادشاهه تسلی خاطر وردیلر اما نیجه تاریخلرده خنکاری آت قرنی آلتدن بو قاغویه اوردیلر دیرلر بوسوزده غلط اندیلر لکن بو محله نیجه ایش کورممش زلفلی وزردوز خلعتلی وزراندر زر عرقه لی ایچ غلاملرندن یگری قدری چپلاق و بلباق [۱] آتله بنوب فرار ایدر لر کن سپاه دخی بونلری کوروب تا ا کر ی قلعه سنه فرار اتمش عسکر بی پایان وار پادشاه یاننده دورت بولکدن بر بولوک عسکر قالدی اول دخی پیاده قالن آشچی و باشچی و قره قوللقچی و فرار ایدن سپاه غلاملرینک آت اوغلانی و ایت اوغلانی و خذله و مذله مقوله سی حشراتی قالر آخر کار خوجه افندی ال قالدی روب دعا ایدوب حضور پادشاهیده اولنلر درون دلدن و جان و کولکدن آمین دیوب ال یوزه سورر لر همان حکمت باری یاری قیلوب کفار دوزخ قرار اوردو بی غارت ایدوب قره قوللوقچی خداملری قرمغه باشلانجه همان بر سپاه اوغلانی باشندن دستار محمد یسن چیقروب بر نیزه اوچنه بیراق کبی ایدوب بره غازیلر شوکافر ی اوروک دینجه همان غریب آشچی و سانس و آت اوغلانلری اودون بالته لری و اودون یارمه لری و اوجی یاتمش مطبخدن چقمش کوسکی اودونلر ایله و هر کس نه سلاحه قادر ایسه کفاره بر قلیج ویر اودون

[۱] س ، ک ، ط : یلباق

بر آراجق نهر اونوب اول كيجه اطرافه قراووللر قيوب آماده دورور لر ارتسى
 كون يادشاه كردون وقار كلدكده بمون الله تعالى جيفاله زاده طرفندن كفاره
 براي صاتور محمدى اورر لر چونكه وقت غروب اولوب طرفيندن جنك آسايشارى
 چالنوب هر جانبه مكمل قراوللر قيوب آسوده حال يطرلر ارتسى على السحر
 ينه جنك طبلنه طرملر اورولوب عسكر اسلام اياق اياق صحرانك اورتاسنده
 حالا بر كنيسه وار جفاله زاده نك آنده قردينى كفره لشارندن غيرى بر شى يوق
 همان عساكر اسلام ايله وزير اعظم ابراهيم پاشا خان قرداشى ايله طليعه
 عسكر اولوب ايلرى كيدر لر سعادتلو پادشاه دخى قفاده يوز بيك عسكر
 ايله كلمه و جمله عسكر كفارك تابورى دبنه وارمده اما كفار وقت ظهر اونجه
 تابوردن باش كوسترميوب وقت عصرده تابوردن چيقوب عسكر اسلام اوزره
 يورور جمله كفار آهن پوش اولوب جنكه كيرن نمسه وجه وافرنجه و خرواد
 و مجاردن جمله يوز قات آلاى خنزير يورور كم هر برى دريا مثال كفار آلايلرى وار كم
 يوز بيك قدر لشكرى صافى قرقر واليشر درهم مشقات توفنكلى وينه هر بكفره لرك
 اللرنده و بللرنده و يقه لرنده و اكر قاشلرنده و آتلى نك تركيلرنده بشر اونار عدد
 قول توفنكلى ايله عسكر اوزره هجوم ايدوب داغلكى صرقلى اورمان اولمش
 كفار يورويوب كوسلر وارغنون و تورومپته لچاراق موج موج و فوج فوج قرنجه كې
 ياب ياب يورويوب كفارك بوكلشنه بزم عسكر مقاومت ايدم ميوب و بر فرد آفريده كفاره
 قارشو دوره ميوب در جنك اول جمله آلان وتالان و پراكنده و پريشان اولور لر
 ينه كفار تتيكن بوز ميوب اسلوب سابقه سى [۱] اوزره طوب و توفنك آتارق
 كونا كون آتش فشانلق ايدم لرك يورور اما روم ايلي وزيرى حسن پاشا كچت
 باشندن آيرليوب كفاره بريالم طوب آتوب جنك عظيم اتدكده حسن پاشا عسكر يده
 كفاره طاقت كتره ميوب اوردوى اسلام ايچنه كيرر همان كفار حسن پاشانك
 عسكرى عقبنجه سورو سورو كلوب بي باك و پروا اوردوى اسلامى ضبط ايدوب
 يغما و نهب و غارت دالوب نيجه بيك كفار لر باركاه آل عثمانى و خزينه پادشاهى بي ضبط

[۱] س ، ك : سابق

منزل صحرای خرشتوش

بر کول کنارنده بر خراب دیر قربنده مکث ایدوب جوانب اربعه به قراوللر کندی زیرا کفارك ولایتی ایچنده در ودخی سنه ۱۰۰۵ تاریخنده ماه ربیع الاولک بشنچی کوننده سلطان محمد خان ثالث عصرنده یدی قرال ایله بالذات سلطان محمد بو خرشتوش بیلاسنده جنک عظیم ایتدوکی عربده کاهدر بو جنک عظیمی نیجه مورخان روم کونا کون نحریر ایتشاردر اما قریبالمهد اولوب پدرم مرحوم درویشاغا [۱] بیله اولماغیله آنلردن استماع ایتدیکمز اورره و بواکره اختیارلری تقریری اوزره سهل تحریر ایدلم

در بیان اجمال جنک طبور مقهورا کره

اولا محمدخان اکره بی فتح ایدوب بعده یدی قرال یدی کره یوز بیک لشکر ایله عسکر اسلامی اکره التنده باصوب قلعه دست اسلامدن خلاص آتمکه کله جکلرن تاتارخان قرنداشی فتح کرای سلطان قرق اللی عدد کفارلری دیل دوتوب حضور پادشاهی به کتوروب کفارلری سویلدوب البتده یارین یا اوبرکون سزی تمسه چاساری قرندانسی هر سیک مقشی ملیان و یدی قرال سزی بصر دیو خبر وردکلرنده همان سعادتلو پادشاه آنلر بزی بصادن بز آنلری باصاق اولادر دیوب خادم جمفر پاشا و روم ایلی وزیرلی ولی پاشا نیجه سنجاق بکلری ایله قرق بیک عسکر ایله اون پاره طوب ایله بونلر طلیعه عسکر اولوب کفارده دوغری وارد قیلنده کفار بونلره او ایله طوب و توفنک اوروب جمله عسکری قروب آنجاق جمفر پاشا و ولی پاشا دورت بش بیک آدم لریله اوردوی اسلامه کرلر پادشاه جم عظمت بوایشدن خبردار اولوب روم ایلی ایالتی حسن پاشایه انعام ومقرر اولوب کفار اوزره سردار اولور و صدر اعظم ابراهیم پاشا دخی حسن پاشا عقبینجه کیدوب و خان قرنداشی فتح کرای خان دخی یتمش بیک تاتار عسکر یله بیله کیدوب کفارك طبورلی مقابله سنده مکث ایدوب ایکی لشکرک مابینهمالرنده [۲]

[۱] س، ک، ط : درویش محمد اغا [۷] ک : مابینلرنده

آلفشلیوب پاشا یرنده قراردادده اولنجه یرلی یکیچری اغاسی امرلری دخی دیوان جم جنابده قراءت اولنوب اکه دخی بر خلعت زردوز فاخره کیدروب آنیده چاوشلر آلفشلیوب خانسنه صفا وسرور ایدره کیدوب عقینجه پاشا مهترلری یکیچری او جاعی اغاسندن دخی [۱] بر فصل ایدوب همان پاشا اول دیوانده اکره قلعه سنک جمله قرق عدد طوغ و سنجاق و بیراق صاحبی اغالرده مقرر خلعتلری کیدروب هرکس خانلرینه کیدوب سرور شادمانلر اولوب طرف طرف اوچر کون مهترخانه فصللری چالنوب ذوق وشوقلر اولوب پاشایه هر اغادن عواید فوایدلری کلوب پاشا حقیره اوچ کیسه اوچ آت اوچ کوله وبر صمور کورک و یروب ابراهیم کتخدا افندیمزک مکتون تلاوت ایدوب اولیامه بر خوش رعایت ایدوب بودینه طیب خاطر ایله یولایوب الحی پاشا ایله پچه و پراغه نمسه قرالنه کتمکه خرج راه و یروب تیز یولایه سن دیو مکتوب محبت اسلوب قراءت اولندقدده ابراهیم کتخدا افندیمز خاطر یچون پاشای دوربین فکر اوچوز التون و برقات اثواب و خداملریمک اوچنه الیشر التون و برقات اثواب و یروب یرلی یکیچری اغاسی احمد اغادن ایکی کیسه و برکوله و ایکی آت و بش قول توفسکی و بر پستاو [۲] چوقه و بش دونلق اطلس و قرق عدد قلعه اغالرنندن دخی بر تحف بر کذار شیلر کلوب بر عظیم بار ثقیلر پیدا ایتدک اوچنجه کون کتدیکم امر پادشاهده فرمانلر اولندیغی اوزره سنه ۱۰۷۴ تاریخده تاتارو بو محمد پاشا [۳] ایله فتح اولنان قلعه سیجان [۴] و قلعه کر مات و قلعه هلق و قلعه بریاق [۵] وغیری قلاعلرک تعمیر و ترمیمه بالذات پاشا کتمکه دلایلر ندا ایدوب آماده باش اولدیلر

ا کریدن محمد پاشا ایله اورتا مجار دیارنده فتح اولنان

قلعه له کتدیکمز قناقلری بیان ایدر

اولا ا کره دن جانب شماله ا کره ایالتنک نصف عسکر یله جانب شماله ۷ ساعت کیدوب

[۱] س ، ک : اغاسنده دخی . ط : اغاسنه دخی [۲] ک : یصداو [۳] ک : تاتار

و بومذ کور محمد پاشا [۴] س ، ک : سیجان [۵] س ، ک : بویاق

غلامری وار اما جمله سی اصلا اولسمه [۱] و آلات سلاحه مقید اولوب یکتک هوای وهوسلرینه دوشمش صبیانلری وارد و بو شهرک زمینی بر واسعة الاقطار ورخیصة الاسعار برداردیارد مزرعه لری وافر وهرشیده خیر و برکانلری متکثر[*]

دریان زیارتگاه قلعه کره

اولا حطوان قپوسندن طشره قلعه مثال دیواری باغ ارمدن نشان ویرطواس قوشنک سود کبی بیاضی ویشلی ورنکارنک طاوسلر ایله و غیره مرغان عندلیبانلر ایله مملو برمسیره کاه رده کونا کون فقرا خانلری و یاز وقیش میدانلری و نیجه رده نزهت آباد قصر تختانی و فوقانیلر ایله مزین برتکیه بکتاشیاندر بودینده کل بابا تمکیه سندن بو آستانه . . . بابا سلطان غایت واجب السیر تمکیه کاهدراکم برقبه عالی ایچنده حضرت . . . دده سلطان مدفون اولوب قبر منوره سنک [۲] اطرافنده کونا کون حسن خط کلام شریفلر و شمعدان و قندیلدا و چراغدانلر ایله تزین اولمش بر آستانه عبدالاندر [۳] یتیم سکسن قدر فقرالری پارسای محمدی ایله کچنوب چتهیه و پتورهیه کیدن غازیلر غنیمت ایله کلوب بو تمکیه نذوراتلرن ورلر جمله فقر و فاقه ارنلری انکله کچنرل اندن فلنت قپوسندن طشره . . .

بو شهری دخی سیر تماشا ایدوب ارتمی کون کره پاشاسی پرنجی محمد پاشا دو بروچیندن [۴] الای عظیم ایله کلرکن جمله قلعه ده اولان عسا کر اسلام پاشانک استقبالنه چقد قلدننده بز دخی عرض پادشاهی به تعظیماً خداملریمزله قارشو چیقوب آت اوزره کوروشوب آت باشی برار شهره کلورکن قلعه دن نیجه یوز باره طوب شادمانلری اولوب رعدار طوپلرک کورلدیسندن داغلا ایکل ایکل صدا ورردی اولکون دیوان پادشاهی اولوب پاشانک مقرر نامه سی قراءت اولنوب حقیرده کی خلعت پادشاهی بی پاشانک اکننه کیدیرکن پاشای قانون شناس خلعت شهریارینک کریبان بوس ایدوب جمیع خدامان و چاوشان پاشایی قانون اوزره

[۱] ک : اوشمه [۲] ک : منورینک [۳] ک : ابدالاندر [۴] ک : دوبره چیندن

[*] اوج سطر آچیق وار

وطول نہاری ... درجہ ودقیقہ در (در فصل ممدوحات) بیاض سپوا کمی
ولہ طاووغی بریانی وبروقیہ بیاض بوغاجاسی ویاغلی چورکی بر اچہ یہ در و طاووق
بورکی و کردہ چورکی مشہور در وبروقیہ سمیز قویون آتی اوچ اچہ یہ وبال ویاغ
سکنز اچہ یہ ومیوہ کونا کونی بی حسابدر

در منظرہ تئمہ شہرانکیز کلیات بلدہ اکری

اولا دوغری دمک کرک حطوان قپوسندن تا فلتمت قپوسنہ وارنجہ بو
واروش ایجرہ لوندانہ یوریوب کامل دورت بیک کر مہ آدیمر و آب و هواسی
لطیف اولدوغندن محبوب و محبوبہ سی غایت مشہور و مشہورہ لردر اما غایت مؤدب
و مؤدبہ لردر و خلقی جملہ بوشناقدر اما فصیح و بلیغ مجارجہ و نمچہ جہ بیلرلر
لکن غایت حیلہ و خدعہ بیلمز اغوز طاٹفہ در حقا کہ حدیث شریفہ حضرت
رسالتپناہ بیورر (حدیث) (اکثر اهل الجنة البله) [۱] یعنی اوغوز طاٹفہ سی اولہ
اشتہ بو حدیث شریف ماصدقی اوزرہ بو اکرہ خلقی اوغوز لردر و جملہ غازیان
مجاہدانلردر کم ہر کون فلک و سجان و کر مات [۲] و سمندرہ و ہنوط و کولوار
قلعہ لرینک کافر لیلہ جنک و جدال و حرب و قتال ایتمہ در لیر زیرا قلعہ اکری
بو مذکور کافر قلعہ لرینک تا اور تاسندہ واقع اولمشدر و بو قلعہ کافر لیلہ اورتہ
مجار دیرلر و جملہ اکرہ رعایاسی دخی اورتا مجاردر انکچون اکری خلقی فصیح
مجار جہ تکلم ایدوب غایت غریب دوست شہباز غازیلری وار (در نظر کاہ باغ ارم
ذات) هموسی [۳] طقوز بیک آلتیوز باغدر اما انکوری کنکوس [۴] کبی
لذیذ دکلدلر زیرا شتاسو سہل شدیڈ اولور اما یازی یازدر وقیشی قیشدر اما
اکثر یا خلقی قلعہ نفراتلریدر بر فرقہ سی اهل خدمتدر بر زمرد سی تجار و بر صنفی
علما و صلحا و منبع فضلا و مسکن شعرا یریدر و حکمای حاذق و جراحان
فاصدی بی قیاسدر و جملہ صبیانلری تیز فہم و نحیب و رشید و ذکی الطبع نارسیدہ
[۱] س ، ک : (اکثر اهل الجنة بلہ) [۲] ک ، ط : کرمان [۳] ک : قوسی
[۴] پ ، ک : کنکوس

(در علم دارالعلوم مفسران) هبسی دورد عدد مدرسه طالباندر اما دارالحدیث و دارالقراء مجودانی یوقدر زیرا بو شهرده جمله قرآن حفاظان و محدثان یوقدر (ستایش مکتب طفلان ابجدخوان) عمومیبسی اون یدی عدد مکتب جکر کوشه پسران واردر (درذکر خانقاه ارباب طریق درویشان) جملهسی یدی عدد تکیه آل عبای فقر وفاقه در جملداً مکلف حطوان قپوسندن طشره ... بابا سلطان تکیه سیدرکم یمش سکسن قدر چله مردان صاحبی بکتاشی فقراری واردر و شهر ایچنده ... تکیهسی ...

(در قید سییل خانه جانستان) اولانجهسی یکریمی عدد شهیدان دشت کربلا روحلرچون سییل خانه عطشانلر وار جملداً آغا سییلی والای بکی سییلی و قاسم پاشا سییلی مشهوردر (درعلامت چارسوی باراران اصنافان) بازیسی آلتیوز عدد دکانلردر اما بزازستان کارگیری یوقدر لکن دکانلری وقهوه خانهلری مزیندر و عنقا تجارلری اولوب جمله ذی قیمت متاعلری قیمت و بیمنت بولنور (درمدح حمام راحت جان) باردهسی ایکی عدد حمام روشنادر بری ایچ قلعه قپوسندن آشنی کوپری باشنده والده سلطان حامی غایت مفرح و دلکشا آب وهواسی لطیف آلی عدد خلوتی و جمله قبایلری قرمزی کره مت ایله اورتولی کرما ب شیریندر و بر حمام دخی فلمت قپوسی قربنده مفید و مختصر صوبا حامی دیرلر کوچوک حمامدر اما بو شهر ایچنده یدیوزدن زیاده صوبا حاملریمز واردر دیو اعیان ولایت تفاخر کسب ایدرلر زیرا خلقی غایت صلحای امتدن اولوب اهل و عیاللری جمله او حاملرینه کیرلر طشره چارسو حاملرینه نادر کیدرلر (درحق خواجکان تجاران) اولان دهسی بش عدد خان صغیرلدر آنجاق بوخانلرک برینه آغر بازارکانلر قونارلر آینده وروندکان و مسافریندن اکثریا رعایا کفرهلری قونارلر یوقسه جمله مسافرین اعیان و کبار خاندانلرینه قنوب اصلا بر کسنه نک قپوسی مسدود دنکدر همان کتله صلادرکم نیجه خاندانلرک قپوسی اوزره بوایات تحریر اولنشددر مصراع (بی تکلف بیا بخانه ما) دیو بو مصراع زیبا مرقومدر زیرا غنیمت شهردر (درقول منجمان) بو شهر اقلیم ... اولوب عرض بلدی ...

بوایلجہلرہ کیروب آب حمہ سندن نوش ایدوب بامرالله شفا بولورلر لکن بودینده کی
 کبی مکلف بنالی کرماہلر دکلدر بو ایلجہلر اولدوغیچون بو قویہ ایلجہ قیوسی
 دیرلر بو محله واروشک جملہ ... عدد قیولی تمام اولدی

در بیان عمارتہای اشغی واروش

وبومذکور واروش قلعہ سی ایجرہ جملہ اون یدی محله در یدیسی کفرہ محله لریدر
 اونی محله مسلمیندر اولا ...

وقوسی اوچ بیک التمش عدد مکلف و مکمل و تحتانی و فوقانی سرایلردر
 وسائر اغوات واعیان کبار بیوتلری جملہ باغ و باغیچہ وشاهنشینی واسع خانہ زیباردر کم
 نیجہ سی شندرہ تختہ اورتولی ونجہ یوزی قرمزی کرہ مت اورتولی شدادی دیوارلی
 معمور و مزین اولردر جلدآ

سرایبی ...

معمورلردر واکر بو واروشی کوروب بیلدی کمز قدر اوصافن تحریر ایلسک
 تطویل کلام اولور حقا کہ آمانان شهر عمارستاندر

در بیان جوامعہای عابدان زاهدان سلاطین آل عثمان

قیوسی قرق آلتی عدد محرابدر اولا جلدآ حطوان قیوسنہ قریب واروش
 دیوارینہ متصل سلطان محمد خان ثالث جامعیکم فتحیہ دیرلر ماتقدم کنیسیہ اولوب
 و منارہ سی دخی چاکلق اولوب حالا بر معبدکاه مسلمین غایت مفرح جامع دلکشادر
 وحکمت باری باشقہ بروحانیت وار مستجاب الدعویہ مصلائی مسلمیندر آندن
 چارسو جامعی جماعت کثیرہ یہ مالک جامعدر آندن صالح افندی جامعی آندن بکلی
 احمد اغا جامعی آندن می آغا جامعی طرز قدیمدر آندن الای بکی جامعی کاراستاددر
 اندن یکی زاعم جامعی اندن قاسم پاشا جامعی اندن بازاریری جامعی بونلر جمعہ صلاتی
 ادا اولنور جامعلردر بونلردن ماعدا (دروصف مساجدموحدان) دو کلیسی اوطوز
 بر عدد محله زاویہ لریدر اما جلدآ یصی صوقاق مسجدی وکتخدا مسجدی ...

ستایش قلعهٔ بارودخانهٔ عبرتناما

سنه ۱۰۶۸ تاریخنده کوپرلی محمد پاشا بنا اندر مشدر زیرا بواالتده کوپرلی محمد پاشا چوق زمانلر والی اولوب جمله کافرستانی صندروب بو قلعهٔ اکره یه محبت اتدکندن صدراعظم اولدقده بوباروت خانه قلعه سن عمارتمشدر باغ ارمدن نشان ویرر برمسیره کاه اوچ کوزلی وهر کوزلری بشر خوانلی و عبرتناما مجار چارخدا مصنع دکرمانلردر کم آدمک عقلی ارشمز بر کونه واجب السیر دکرمانلردر کم نهر ماقله چویرر غریب تماشاگاه شدادی چار گوشه بنا آلتی قله لی و بر دمر قپولی قلعهٔ متیندر کم جرمی دائراً مادار بشیوز آدیمدر بوقلعه کویا بو واروش عظیمک ایچ قلعه سیدر جوانب اربعه سی جمله صودر قپوسنه جسر ایله واریلر دزداری و نفراتلری و باروتنجی باشی و جمله نفراتلری موجود اولوب شب و روز بارود سیاه اشلر زیرا بوقلعه ده بارود چوق سورولور بوقلعه آلتنده نهر ماقله کچوب اندن چارشو ایچره و خاندانلرک شاه نشینلری التندن کچرکن هرکس روزندن و کونا کون مقصوره لرندن بالقر صید ایدوب آندن چارسو جامعنک بونه ماقله صول طرفندن کچوب ویسی سوقاق کوپروسندن وغیری طاش جسر لردن و اغاج قنطره لردن کچوب و ایلیجه قپوسی دبنده ینه دمر پنجره دن طشره حیقوب بشلی چایی [۱] نام محلدن جریان ایدوب قبله طرفه آقارق نهر تیسیه مخلوط اولور بر آب حیات صودر اما اکره ایچره بوندن لذیذ قیناق و قیولرده آب کوثر مثال صولر واردر و بو ایلیجه قپوسی طشره سنده نهر ماقله اوزره آلتی کوز صو دکرمانلری بونلر دخی واجب السیردر

در بیان ینابیع کرمابه ای زمین و منافع عیون حارهٔ ارضین

جمله اوچ عدد ایلیجه لردر اما بری ارلره بری عورتلره و برینک صوی حیواناتلره نافعدر و نیجه کونه نفی مشاهده اولنش ایلیجه لردر کم جمیع اردلستان و مجارستاندن بهر سنه نیجه بیک فرنک [۲] جریه و فرنکی یه مبتلا کفره لر کلوب

[۲] ک: باشلی چایی [۳] س، ک: مریض

در بیان اوصاف و اروش قلعہ اکرہ

بو قلعہ بہشت آبادك دائرآ مادار جرمی كامل اون ایکی بیک آدیم شکل خمس
 واون ایکی قلعہ [۱] عظیم وجوانب اربعہ سی مازغال دلیکلی و عظیم درین خندقلی
 وبش قپولی و اروش عظیمدر اولا جانب قبلہ یہ ناظر الیجہ قپوسی اوچ قات متین
 قپودر و اوچ یردن آصما جسرلر ایله یکیلر و ایکی طرفلرنده مازغال دلیکلری
 وار آندن بو قپونک صاغ جانبنده سمت جنوبہ ناظر حطوان قپوسی ایکی قات
 میدانلی باشقہ قلعہدر و باشقہ برکوشده واقع اولمش ایکی قات خندق و دورت قات
 قوی قپولری اطرافنده بیرہ برابر عظیم طوپلری وار بودخی آصما جسرلر ایله
 یکیلر قپولردر آندن بو حطوان قپوسندن ایجری جانبہ کیدوب یکی قپو بودخی
 ایکی قات باب قویلر و آصما جسرلردر و بو قپونک ایچ یوزنده تامارتولوس [۲]
 قپوسنه وارنجہ تختہ دوشهلی بیک بشیوز آدیم انلی پاک شاه راه سو قاقدر و بو
 مارتولوس قپوسی اکرہنک باطی طرفنه ناظر برمتین ایکی قات قپودر بودخی
 آصما جسرلی باب قویلردر و بوسمتده جملہ کفرلر ساکن اولوب غایت معموردر
 وجملہ مارتولوسان کفرلریدر کم وظیفہ معینہلی قلعہ نفراتلریدر آندن فلتم
 قپوسی [۳] بودخی غرب جانبہ مکشوف ایکی قات قپودر و ایکی قات کار کیردیواری
 قلعہدر وجملہ دورد قپوسی واردر و قپوسی اوکنده آصما جسرلر ایله عبور اولنور
 متین دروازہلردر و بو فلتم قپوسی اوزرہ قرہ محمود اغانک اصلمش جزمہ سی
 محمولری وار دمردن برکونہ چرخلری وار حین معرکہده آتہ بونکله محمولر
 ایدر مش مصنع دمردن محمیزدر و بو قپودن طشرہ ماقلہ درہ سی اوزرہ نجہ سی
 زعامت و نجہلری ملک عبرتہما - و دکرمانلری واردر و بوفلتم قپوسی دبنده کمر
 التندن ماقلہ درہ سی قالین و متین دمر نجہلردن صو کیروب بو واروش عظیمی ایکی
 بولوب شہر ایچرہ نجہ صو دکرمانلری و باغ و باغچہلی خاندان عظیملری وار آندن
 بو واروشک تا اورتاسنده

[۱] س، ک، قلعہ [۲] ک : مارتولوس [۳] پ، ط : قلمت قپوسی

اولوب ديلىنى ضبط ايدوب ديلنه هر كان هذيان سوزلرى سويله سين رموزن ايدوب
 دمير ديلى اسد تصويرن ايتمشلر بوا كره قلعه سن براسده تشبيه ايدوب ايچنده
 اولان آدملره ارسلانى بك ضبط ايدك اشارتى اوله دمشلر وينه ارسلان ياننده بر
 قپو اوزرينه بياض مر مردن استاد مر سر برايكي باشلى مجار قوشى يعنى كفارك
 زولطه [۱] نام غروشلرنده ايكي باشلى وايكي قناتلرن وايكي پنجلرن اچمش قره قوش
 تصويرى واردر همان بوا كره قپوسى اوستنده كي قوش تصويرى دخى اكه بكزر
 قره قوش تصويرى اما بونك دخى ايكي باشلرنده دمير [۲] ديلىلرى واردر بونى دخى
 حكمانى قدامتال رموز اتمشلكم بوا كره قلعه سي ايكي قلعهدر وايكي باشلى دمير ديلى
 قوشلك پادشاهى قره قوش كيدر الدن قاچرميه سز و بوقلعه دشمنه اوچورميه سز
 وايكي باشلى وايكي ديلى حاكم اوليه سز اشارتن ايتمشلر اما حقا كه استادكل بو
 قوش تصويرى قلمن مر مرده قازمشلر و بوقپومصر ك باب ناصرى و دمير قپوسى كجى
 اغرب غرايب و عجايبدن قپودر و قلعه نك بو سمتلرى سكسن [۳] ارشون دوله
 رخم عالي ديوارلردر آدم بوقارو باقسه باشندن صارينى دوشر تا بو مرتبه قديلا
 حصار استواردر اما كفارالنده ايكن بوقلعه بويله متين و مستحكم دكل ايمش بعدالفتح
 محمد خان يدى پاشا و اون ايكي بيك چراخور رعايالر ياز و قيش بوقلعه ده يدى ييل
 اشليوب بو كونه متين وقوى اتمشلردر و حالا هر سنه باجقه و لاشقه و صلا نطه نك
 جمله رعايالرى جميع تكايفدن مسلملر اولوب هر سنه بوقلعه اون ايكي بيك رعايا
 تعمير و ترميم و خندقلرن تطهير ايدلر و حتى سنه ۱۰۶۸ تاريخنده كوپرولى محمد پاشا
 وزير اعظم ايكن بوا كره قلعه سنك و اروش عظيم قلعه ايچنه آماق ايچون
 قانون قديم فاتح محمد خان ثالث اوزره اون ايكي بيك چراخور رعايالرى و يدى
 سنجاق پاشالرى و يدى سنجاغك جمله رعايالرى ما كولات و مشروماتلرن عربلره
 تحمیل ايدوب اوچ ييلده بو و اروش عظيمى بوقلعه متين ايچنه اتمشلردر كم ديلىلر ايله
 تعبير و قلملر ايله تحرير اولنماز اولو

[۱] ك : زولطه [۲] ك : دموردن [۳] س : سكسن . ك : سكسنار

طوب کوپدن امین اولورلر و بو مغارالر ایچنده خندقه ناظر مفرت و عظیم طوپلر وارکم کرپی توکی کبی زین اولمش طوپلردرکم هر برینک ایچنه آدم صغار طوپلر وار و بونلردن ماعدا نیجه یوز عدد یدک طوپلر قونداقلری و عربلری و سارمهماتلری ایله آماده دورر طوپلری وار و بو مذکور مغارالرده و زیر زمینلرده شهرک مطافلری و اورغانچیلری ایپ بوکرلر تا بو مرتبه واسع و عظیم غار یتیانلردر و آب حیات بوز پاره قیولری واردر و بو بحار حصارنده یکریمی عدد دکانلردن آشنی یوز اللی آدیم قبله یه ناظر دورت قات کمر قیولر وار اما بو قیولرک ماینلرنده کی کمرلری قصدا قرانلق آملشدرکم اکر طشره دن کلن دشمن ایجری کررکن کوزلری کور میوب یورویش ایده میهلر اما بو محللرده اوطورانلر طشره دن کلنلری کوروب دوشمنی اوررلر و یول اوزره شاهانه طوپلری دوررلر حین اقتضاده دشمنلره اوررلر و جمله قیو بکجیلرینک آلات سلاحلری بو مظلم قیواره لرنده کی دیارده مصلوب اولوب نیجه بیک الوان آلات سلاح ایله مزین قیواره لریدر و کیجه کوندوز بوقیو اره لرنده بیکر عدد پر سلاح عسکر موجود اولوب نوبت بکلرلر و بوقیو اوزره بر عظیم طابیه واردر جوانب اربعه سی سد اسکندر وارسد اولوب بونده دخی عظیم سر آمد بال یمز طوپلری اولوب بو طابیه اوزره بر ساعت قله سی وارکم چاکینک صداسی برقناق یردن استماع اولنوب و بوقیونک کمری آلتنده بر کوچک قیو دخی واردر آندن آشنی واروشه اوطوز ایاق نردان حجر ایله اینلر کوچک قیودر اما بیوک قیوده دائماً زنجیر [۱] کریلیدر و طشره سنده خندقی اوزره زنجیر ایله اصلمش جسردن کچوب جانب قبله یه یوز آدیم یوقوش آشنی اینوب برقات قیو دخی اولوب بو باب عظیم طرف جنوبه ناظر در و بوقیونک اوست اشیک اوزره بیاض مرمردن برارسلان صورتی تصویر اولمشدرکم بو ارسلانک دمردن بر دیلی و ارسلانک مرمر بو ارسلانه او یله بر تیشه اوروب کورن اول اسدی ذی روح ظن ایدر اما حکمای سلف ارسلانی جمیع حیواناتلرک پادشاهلری در دیمشدر و بنی آدمی ده ارسلان کؤکللی دیمشدر و بو ارسلانه دمر دیل ادکلرینک اصلی بنی آدم دمر دیللی

باشقه در و بوقلعه نك طاشلری فیل كوده سی قدر هر بری وارد و دیوارلری اوزره جوانب اربعلرئنده صوبالی حمام کی قراوول خانلرئنده هر کیجه اللیشر آدم نوبت بکلر و آنلردن ماعدا تا صباحه دك اون عدد قلعه اغالری نوبت بکلمکه لعینلردر اما جمله آزیاده بحار حصارى زیاده بکلر زیرا پاشا سرایی حالا آنده در زمان قدیمده قرالره مخصوص سرای عظیمدر کم غایت مصنعدر اما احراق اولئناق ایله غیرى طرز بنا اولئوب جمله پاشا اغواتلرینه متعدد اودالری و قاعلری و دیوان خانه و حمام و اصطلب و آخورلری جمله مکلف سرای عظیمدر و قپو قولی اغاسی بو قلعهده اولور قربنده بر چاه ماسی وار سکسان قولاج عمیقدر اما آب حیات صوبی وارد و یرلی یکیچری اغاسی ده بونده ساکندر و پاشا سرایی میدانی خیلی واسع اولوب اون میدان اورتاسنده ایکی عدد اسیر زندانی وارد العیاذبالله جمله شهرک اسیرلری بو سجنده دورلر و هر برینه اللیشر ایاق زردبان ایله اینلر کویا چاه ججیم محبس خانلردر هر شب اوزرلرئنده اللیشر عدد پاسبانلری پر سلاح اولوب نوبت بکلرلر و پاشا جامعی بو زندان میدانده در کم طولی ایکیوز ایاق و عرضی یوز ایاق بر کارکیمر مناره لی جامع مصنعدر و جبه خانه عظیم دخی بوسرایی میدانده در و کوچوک پاشا جامعی دخی بوسرایی میدانده در اما قپوسندن ایچری عساکر اسلام ایچون پکسبات و بغدادی و آرپا و غیرى کونا کون ذخایر مقوله لری مالا مالدر و بو جامعک قپوسی اوزره تاریخی بودر

بر یا هاتف دیدی تاریخی بارک الله جامع جنت مکان سنه ۱۰۲۳ (۱) و بونسه حصارینک و بحار حصارینک جمله آلتلری بوشدر مغارا مغارا و کمر کمر و ادیلر اولوب ایچلرینه نیجه بیک عسکر آلور محله محله تا کلر وقاعه لریدر و بونده دخی جبه خانه پادشاهینک انواعلری وارد در کم بوقلعه وز آی محاصره چکسه بونده اولان جبه خانه لراصلا توکنمز و حین محاصره ده جمیع اهالی ولایت جمله اهل و عیال لرین بو ایکی قلعه لرک آلتنده کهفلره و سردابلره و مخزنلره قیوب جمله اهل و عیال صدمات

(۱) تاریخده (۵۶) اکیسکدر اگر برنجی مصراع (بریا هاتف دیدی تاریخ نو) طرزنده اولورسه اوزمان ایکنجی مصراع (بارک الله نو جامع جنت مکان) حکمنده اولوب تاریخ تمام اولور (م)

در بیان ستایش مجار حصار

فرنگ حصاردن جانب غربی به الی آدیم انلی خندق اوزره بر کار کیر بنا شدادی جسردن کچر کن بوا یکی حصار مابینی تعمیر اولماز چاه نیادن نشان وبرر بر خندق درك اسفلدر کم قدی الی آرشدن و خندق ایچنده آب حیات صولر قایئر حتی بو ایکی قلعه اهالیلری صولریخی بو خندقده کی عیونلردن آلرلر و بو مذکور کار کیر بنا جسره ایله کچیلن مجار حصار قپوسی اوزره علی پاشا طایه سی کویا سد ماردیندر اون ایکی عدد بال یمز طوپلری وار کم هربری بشردانه قلعه دکر آلتون کبی مصیقل و مجلا قرمزی چوللی سر آمد طوپلردر برطوپنه شاهین طوپنی دیرلر خدا عالمدر بر سر حده مثنی یوقدر سپرینک اردنده اژدرهفت سر کبی دورر و علی پاشا طایه سندن بری تا مجار حصاری اورتاسنده زورنازان مصطفی پاشا طایه سی شهرک جوانب اربعه سینه حواله در اصلا اوچان قوشلری بیله اوچورمزلر یکریمی دانه طویل طوپلردر کم [۱] کورمکه محتاجدر و بو طایه قرینده بر منصطر عظیم وار جمیع کافرستانک و اردلستان واورته مجارستان کفرلرینک بلا تشبیه کبه لریدر اکر بودیرده اولان علم معماری بی بونده اولان تصنیعات طرز وطور بنایی مدح ایله سک باشقه بر طومار دراز اولور اما آل عثمان کفرلره رغماً بودیری جبه خانه ایدوب ایچنه نیجه بیگ طوپ آلتلری وغیری مهماتلر مالا مالدر و بوکه قریب خشکار طایه سی جمله طایه لردن متین و قویدر و بو مجار حصاری اوچ نمه حصاری جرمی قدر واردر و ایکیسی دخی سد اسکندر مثال قلعه لر اولوب خندقلری فیج عمیق مثال خندقلی و اوتوزار آرشین رختم دوله دیوارلی قلعه لدر و فرنگ حصاری و مجار حصارینک جمله دائر آ مادار جرملری اوچ بیگ کرمه آدیمر و شکل مدوری جمله اون بر کوشه در و هر کوشه سنده کونا کون طایه لر و مصنع قلعه و ابراجلر و درسکار و کونا کون مازغال دلیکار بیله آراسته اولمش بر برینه متصل ایکی قلعه لدر اما دزدارلری و نفراتلری جمله

[۱] س ، ک : طوپلری وار کم

جيقاروب خطبة بالذات كندلوري تلاوت ايدوب بعد تلاوة الجمعة محمدخان حضرت رسالت پناهك سنجاغ شريفندن بر پاره پوسكل جيقروب يارسول الله سنك علمك پاره سيله بوقلعه سنك حمايه كه صالدم ديو دعالر ايدوب نجه بيك غزوات مسلمين آمين ديرلر حالا اول سنجاغ شريف وصله سي بوجامع منبرينك صاغ جانبنده اولكي صاف برابرلكي ديوار دبنده آلتون علمي ويشل ظرف ايچنده دكلي دورر وشب وروز بو علم شريف دبنده بر قنديل منور ياتوب دورر وجميع اكره وبودين و غيري سرحد خلقنك جمله سي بوسنجاغ رسول الله پاره سنه اعتقادلري واردر حتى محمد خا غازي بوقلعه فتحندن صكره خرشتوش يايلاسنده يدل قرال ايله جنكه تشرريف بيورد قلرنده حضرت رسالت پناهك بيوك سنجاغ شريفن جنكه كتور ميوب بوجامعه قيوب وبو جامعه كي سنجاغ پاره سن آلتون علميله كتور لرلر حكمت خدا حين جنكده اوچ علمدار شهيد اولوب خزينه پادشاهي وبارگاه آل عثمانی كفار ضبط ايدر جناب باري حبيبي يوزي صوينه علمدارلر شهيد اولنجه سنجاغ رسول الله ييره دوشميوب بر دليكلي طاشه كچمش بولنور حالا ينه بوجامع ايجره علم رسول الله وصله سي ينه اول دليكلي طاشه صريني كچمش دورر وبواحوالي اول غزاي غزاده بولنوب كورنلر ك قرق اللي آدم اختيارلرندن استماع ايدوب شهادت ليله اويلاجه تحريره جرات اندم حقا كه بو علم ديبنه آدم وار دقده دهشت حاصل اولور حقيقه الحال معتقد اولان آدملردن هر كيم اول علم شريف ديبنه واروب پاك اعتقاد ايله ايكي ركعت نماز قلوب خير دعا اتسه بامر الله تعالى هر حاجتي قبول اولور آنكي چون بوقلعه ده بوجامعه علم شريف جامعي ديرلر چار كوشه بر جامع پرورد ر وطولاً وعرضاً ايكي شربوز اياقدر وسطوحى كيره متليدر وبر مصنع كار كير بنا مناره يه مال كدر كم بوسر حدلرده مثلي يوقدر مكر پچوي قلعه سنده قاسم پاشا جامعي مناره سي اوله اما بو آندن عالي وموزوندر حقير بو مناره يه عروج ايدوب شهر ك دره سي وده سي وطرز و طرح جمله تماشا اندم حقا كه سواد عظيم وباغ ارم شهر قديم بر بلده معموره در اما بوفرنك حصارنده يكيچري اودالرندن وجامعدن ماعدا اون عدد اولر دنخي واردر

معمور و آبادان صحرای محصلدارك جانب غریسی نهایتند قره باغداله نام بر بایر مرتفع ذیلند اگسه سی باغله و دره لر و دپه لی یره واقع حوالیسی آزه جق ایکی ایچ قلمه سی واردر اما اول حواله ملاحظه اولان یرلردن بو قلمه یه زوال یوقدر زیرا اول حواله عد اولنان محللردن بو قلمه یه طوب آتیلسه کله لری آشری کیدر و طوپلری آشنی آتسه لر طوپلر کندولرن قونداقدن طشره آتر خلاصه کلام بو قلمه یه حواله طوپلردن اولوم یوقدر الا طوپراق سورلسه بو قلمه نك حالی یمان اولور و حواله عد اولنان داغلا سرپامزین باغلردر و حواله اوکنده نمسه حصاری درک آل عثمان دکل اون سکیز پادشاه ویکرمی دورت قرال و بو قدر بان و بو قدر هر سکلر بو فرنگ حصاری کبی بر سد قهقها مثال قلمه یه مالک اولما مشلردر الا آل عثمان اکره یه مالک اولمشدر زیرا بو فرنگ حصاری نك حواله طرفی دیوارینک یوکسکلکی قرق یدی آرشون عالی شدادی متین کارکیر دیوار استواردرک هر طاشی فیل کوده سی و حمام قبه سی قدر سنک خارا مطرش اجمار مصیقللردر و ایکی قات دیوار اولوب هر قاتی اللی شر ایاق انلی دیواردرک اوستنده اوچ عربه یان یانه کتسه ممکندر و بو طرف خندق کامل سکسن آدیم انلیدر و سکسن یدی ذراع مکی [۱] دریندرک آدم آشغه باقغه جرأت ایده میوب زهره سی چاک و منزلی خاک اولور و بو قلمه نك اون ایکی بیک رعایاسی کلوب هر سنه خندق دنخی انلی و دخی درین ایدرلر و بو نمسه . . . [۲]

حصاری ایچره جمله مجرد یری یکیچری لرینک اوده لری قانون اوزره برنجی ایکنجی اوچنجی دیرک کارکیر اودالر بنا اولنوب هر بر اورتی اوده لرینک اوزرلرنده اورتولری سروی کبی صراحی سرآمد تخته اورتولی اودالردر اصلا بو قلمه ده عورت و اوغلان یوقدر و چارسوی بازاردن برشی یوقدر اما (اوصاف جامع علم شریف) بو قلمه ده در علم شریف اسمیله مسما اولماسنک وجه تسمیه سی اولدرک چانکیم سلطان محمد بو قلمه فتح ایدوب حضرت رسالت پناهک سنجاغ شریفین کندولری اله آلوب ابتدا جمعه کونی بو جامعه منبر رسول الله سنجاغ رسول الله

[۱] ک : ملکی [۲] دیگر نسخه لده آچیق یوقدر و حاجت ده یوقدر (م)

خراج امانت [۱] و التزامن کندولری تصرف ایدر لر آخردن بر فرد مرده مداخله ایدر منزله آنکچون خاصلری و علوفه لری صاغ اولوب در لککری اشتهارده در

در بیان حاکمان اهل شرع رسول مین

...
 ابانی طشر یکیحیری چوقدارلی شیخ الاسلامی وار و جمیع سادات کرام لره نقیب الاشراف حاکم لری وار اوچوز اچقه پایه سیله شریف قضا در و ناحیه سی جمله ...
 عدد قرادر بروجه عدالت قاضی به بهر سنه اوزر کیسه رومی حاصل اولور و ایالات اکره جمله ... عدد قضا یردر و بو ایالتده جمله ... عدد قرا و قرق عدد واروش عظیم لره وار جمله آبیوک شهر عظیم مثال واروش لرن دن دو بره چین واروشیدر کم اون ایکی بیک بحار اویدر و دورت بیک چوقه ایشله نر دزکاهی و اون ایکی بیک عدد اللری کوموش دیه نکلی ضابط و حاکم کفره برولری وار و الحاصل قرق اللی بیک رعایای اولوب کویا بر شهر عظیم در اما قلعه سی یوقدر آندن واروش ...
 آندن واروش ... آندن واروش کنکوش کویا باغ ارمدر
 و ایالت اکرده جمله یوز اون بر عدد صغیر و کبیر قلعه لردر بوبله بر ایالت و اسعدن پاشاسنه سنوی بروجه عدالت قرق اوچ قرق دورت بیک غروش حاصل اولور اما حوز معدودی شیء قلیلدر لکن هر طرف اچیلرن دن و قرالردن و واروش لری و باد هوادن علی طریق الهدیه قرق بیک غروش دخی اولور اکر بر طرفه کفار عصیان ایدر سه غازی لر کافره چته یه کیدوب مال غنایم لری له کلوب پاشابه نیجه بیک غروش عشر و پنچک [۳] و اسیر شکار لر دوشر ... (۵)
 الحاصل منصب عالیدر

در بیان اشکال زمین قلعه اکره

اولا جانب شرقی سی و جانب قبله سی و جانب جنوبی سی طرف لری کوی کوی اوزره
 [۱] ک : و خراج و امانت [۲] س ، ک : سچاقلی [۳] ک ! نیچک
 (۵) بر سطر آچیق وار

ومسلح ومکمل مهیب وصاحب صلابت شجیع ونامدار عسکرلری اولور اماغیری سرحد کبی دکلدردر جمله عسکرلری هادیسک موجوددر (اماغیری حاکم لرن بیان ایدر) اولاینه عسکرلی طائفه لرینک ضابط ووابطلرندن نمسه حصاری دزداری ومجارحصاری دزداری وآشغی واروشی دزداری وباروت خانه قلعه سی دزداری وبودرت عدد دزدارلردن ماعدا جمله قرق عدد طوغ و سسناجاق وپیراق صاحبی اغالری واردر وجمه صاغ وصول وغرب حصار وبشلی ومارتلوسان وکوکلی ویرلی طوپنجی ویرلی جبهجی ویرلی قومبراجی ویرلی بارونجی باشی نفراتلری ایله جمله سی آماده اون ایکی بیک عدد پرسلاح آماده قلعه نفراتلری واردر ودخی دورت عدد یکیکچری اوده سیله برقبو قولی یکیکچری اغاسی واردر واون ایکی اوده فرنک حصارده یرلی یکیکچری لری اودالریله باشقه یکیکچری اغالری واردر کم حالاحقیرمقرری (۱) امرشرفن کتردم اما طالع مزه پاشا ایله دو بروچین [۲] واروشنه مال تحصیلنه کتمش لر وایکی عدد قبوقولی طوپنجی باشی اوده لری وار ایکی اوده قبو قولی اودالرینک اغالری وار وحالا بیک بشیوز عدد یرلی یکیکچری لری موجود اولوب قبو قوللری کبی اسکوف وکجه وفس کیوب چورباچیلری بودیمک یرلی یکیکچری چورباچیلری کبی قوقه زردوز اسکوف طشر لر ودخی بیک بشیوز عدد عزبستان نفراتلری موجوددر وبو جمله مذکور قلعه نفراتلری عسکرلردن ماعدا قلعه نک بدنلری وطایبه لری وابراجلری ودرسکلری وجمه قراول خانه لرده یطر قالقر اوج بیک عدد مکمل ومکلف غریب یکت معزولجی عسکرلی وارکم درلکده علاقه لری یوقدرینه قلعه ده هرکیجه پاسبانلق ونکه بانلق ایدر لر اما برکدک صاحبی فوت اولسه بومعزولجینک براسکی مستحقنه محلول اولان کدیکی اکره وزیرلی احسان ایدوب چراغ افروخته ایدر لر بو طائفه یه مستحفظان معزولجیان دیرلر لله خدمت ایدر لر وهربار چتیه وپوتوریه کیدر لر ایی آت وایی سلاح وایی قول وقرآوش بونلرده در کم برآلای غازیان مجاهدان فی الله در الحاصل بو قلعه اکره آدم دریاسیدر زیرا درلکی مقبولدر ومالی اقلامده صاغر کسنه ضبط ایتیموب جمله قلعه اغالری خاص

[۱] ک : ائک مقرز [۲] س ، ک : دو بروچین

چيئنجه براق بکله وبکزاده کفره لره امان وبريلوب رهن آليقنوب غيري کافرلر
 قلعه دن بيسلاح کيدرکن عسکر اسلام کفاره ستاشوب آنلر حطوانده امت محمدي
 وره ايله نجه قرديلرسه آنلري دنخي طعمه شمشير تيزايدوب آنجاق بکزاده لري
 قالدي وقلعه اکره محافظه سنه آناطولي ايالتيه قوجه محمد پاشا قالب قلعه تعمير
 وريمه جدواهت ايدوب سلطان محمد طابور جنکنه کيدر اماحکمت خدا بو قلعه
 اکره نك فتحي سليمان خانه ميسر اولميوب محمد خان ثالثه ميسر اولدوغنه (تاريخ کفته
 چتال زاده)

نمسه دن [۱] سلطان محمد آلدی اکره قلعه سن ۱۰۰۵ سنه

ديگر تاريخ ... (*)

بوا کره غزاسي نيجه تاريخلرده مسطوردر اما بو حقيک منظور ي اولدوغی
 اوزره برشمه بعض اوصافلرينک تحريينه جرأت ايدلم سلطان محمد خان ثالث
 تحريري اوزره بو قلعه اکره ايلندر اکثريا ايکي طوغ ايله ميرميرانلره صدقه
 اولنورکن ابتدا سلطان ابراهيم عصرنده دوغانجي باشليقدن چيقان آق محمد پاشايه
 اکره ايالتي وزارت ايله احسان اولنوب اندن صکره نجه لره دنخي وزارت ايله ویرملک
 قانون ابراهيم خان اولدی حالا ايالتي جمله آلتی سنجاقدر اولا سنجاغ صونلوق
 و سنجاغ حطوان و سنجاغ سچان و سنجاغ کر مات [۲] و سنجاغ باجقه و سنجاغ
 سکدين ...

وا کره سنجاغی پاشالرك کندی تختلريدر و طرف پادشاهيدن وزيرينک خاص
 هاپوني التي يوزاللي بيک آقهدر و مال دفتر داری و تيمار دفتر داری و دفتر کتخداسي
 و دفتر اميني و چاوشلر کتخداسي و چاوشلر اميني و چاوشلر کاتبی و شهر اميني و خراج
 اميني و مکروک اميني و باجداری و ۹ عدد ارباب زعماسي و ۳۵۷ عدد ارباب تيماري
 و آلاي بيکي و چري باشي يوزباشي سي واردر و جمله پاشاسنک و جميع ارباب تيمارک
 قانون اوزه جبلولر ايله حين معرکده بو ايالت اکره ده يکرمي بيک عدد کزیده پاک

[۱] س : نمسن [۲] ک : کرمان

(۰) برسطر آچيق وار

اوزرہ ابتدا بائیمی منوچہر اولاد لرندن مرتد اولان نکبان اژدر بنا سیدر بعدہ خرسٹوس [۱] بیلاسنده فاتح ا کرہ محمد خانک یدی قرال ایله جنک اندیکی محلده تورک اورونام بر خندقلی طوپراقدن قلعہ یامشدر حالا تورک اوری درلر دورراول دخی منوچہر اولادی بنا سیدر اما بو قلعہ ا کرہ نیجه کفار قرالری اللرینه کیروب سکزی یوز ییل اورتا بحار النده عمار اولوب اردلستانک قزل الماسی درلر اما سنه ۹۵۹ [۲] ... (*)

تاریخنده طمشوار فاتحی وزیر ثانی احمد پاشا سلیمان خانک فرمایله ا کرہ قلعہ سی اوزرہ سردار معظم اولوب طمشوار اطراف لرنده [۳] قرق آلتی پاره قلعہ لری فتح ایدوب آندن صونلوق کبی برسد یا جوج مثال قلعہ فتح ایدوب بعدہ ا کرہ قلعہ سنه صارلوب دوغرو تفاق استدکده قرق کون دوکوب قرق کیجه ده عسا کر اسلامه کفارک کثرت ووفرتی کوز آجدر میوب قرق برنجی کون برف وثلج وشدت شتانک و فرتندن عسکرک اللری وایا قبری دو تیموب بی فتح عودت ایدوب جمله غزات طمشواره چقدیلر مکر حکمت باری یاری قلمیوب فتح سلطان سلیمان مینسر اولیوب آخر کار سنه ۱۰۰۴ تاریخی ماه شوالک ۲۴ نجی کوننده سلطان محمد خان ثالث ا کرہ غزاسنه توجه ایدوب سنه ۱۰۰۵ تاریخی ماه صفر غرہ سنده بالذات سلطان محمد خان ثالث قلعہ ا کرہ محاصره ایدوب اول کیجه کفار طشره واروشی عسا کر اسلام خوفندن براغوب اورته قلعہ یه کیروب جنکه آهنگ ایدرلر علی السحر عسا کر اسلام واروشه دخول ایدرلر اول ساعت ا کرہ اون بریدن طوپلرایله دوکمه باشلیوب مته رسلر یورومکه باشلرلر اما قلعہ نیک شرقیسی اولان باغلر بایرنده اولان مترسلر فرنک قلعہ سی ایچره اولان کفارک امانن کسر اما اناطولی وزیر ی طویل لاله محمد پاشا وروم ایلی وزیر ی حسن پاشا باغلر طرفندن فرنک حصارینه طوپراق سوروب قلعہ زبون ایدرلر واول آن قلعہ یه یوروش ایدرلر حمد خدا فرنک حصارن فتح ایدرلر بعدہ جمله کفار ایچ قلعہ یه طولرلر ارتسی ماه صفر الحیرک اون طقوزنجی کونی استیمان ایله کفار

[۱] ك : خرسٹوش [۲] دیگر نسخه لده آچیق بو قدر باقیلسه آچیسز معنا تاممدر

[۳] ك : اطراف لرن

(*) بر سطر آچیق وار

وجله خلقی شب وروز سسچان وفلك و كرمات [۱] وسمندره كافرلیه جنك
 وجدال ایدرلر غایت غازی شهباز قتاری واردر ونهرزا کوه سچان داغلرندن کلوب
 بو قلعه حطوان بطاغندن کچوب جانب قبله به جریان ایده. رك برکونده قلعه صونلق
 خندقندن کچوب همان قلعه دیننده نهرعظیم تیسیه مخلوط اولور ... (۰)
 و بو قلعه حطواندن دخی اوچیوز عدد پر سلاح غازی یکتلر الوب اندن
 جانب شرقه حطوان قرلنی [۲] ایچره منزل عربله یله سکر دروب
 منزل قریه چاندر [۳]

برمعظم مجار کویدر اما حطوان نواحیلری کویدر بو محله برعظیم خندق
 واردر بر اوجی جانب غربده طونا کنارنده واج قلعه سننده در بر اوجی اکره
 آلتنده دولاشوب نهرعظیم تیسیه وارر دیازر ... (۰۰)
 مکر بر قرال ضال اکره صحرائینه طونانی آقیدوب آبادان اتمک ایچون
 یدی ییل قازمش اماغریب وعجیب تماشا کاه درکم بو حفرعظیمی کورن آدمک عقلی
 کیدر زیرامقدور بشر دکدر بعه برطایا یدی ییل بو خندق قازمدن جانسه کچوب
 النده کی قزما ایله قرالک سربی دولت قازوب اورن کافرکده وجودی دفترن صحیفه
 روزکاردن قازوب حالا خندق معطل اولوب حالی اوزره دورر آتی سیر ایدوب
 اندن (قریه نا کوت) [۴] اندن (قریه قاپونا) نهر طارنا کنارنده بشیوز خانلی
 وکنیسه لی مجار کویلدیر اما نهر طارنا هبوط داغلرندن و ماترا داغلرندن بروجمع
 اولوب صونلوق قلعه سی قربنده نهر تیسیه مخلوط اولور آندن (قریه یازما) [۵]
 بو مذکور قرالری اون بر ساعتده صحرائری و چین زارلر ایچره معمور قرالری
 کچرکن محبوب و محبوبه مجار جوانلرن تماشا ایده. رك اکره به دوغری کیدوب

اوصاف دارغازیان بهادران دوغری یعنی حصار استوار قلعه اگری
 دوغری درلر قلعه اکره در لسان مجارده ... دمکدر مجار تواریخلری قولی

[۱] ك : کرمان [۲] ك : قیرلنی [۳] ط : جاندر [۴] ك : ناکوب [۵] ك :

پارما . س : یازما . ط : بازما

(۰) بوراده ایکی سطر آجیق وار (۰۰) بوراده ایکی سطر آجیق وار

یوقدر جمله خشب بنا وسراپا شندره تخته اورتولی اولدرر اما جملدا پاشاسرای
والای بك خانهسی مكفدر جمله ... محرابدر بری سلیمان خان جامعی ایكن كفار
احراق اندكده عمار اولوب محمد خان ثالث جامعی اولمشدر ودخی بودینلی الحاجی
ابراهیم جامعی تخته اورتولی وكاركیر منارهلی غایت محبوب جامع روشن آباددر وبر
محلّه زاویهسی وار جمله برعدد سوخته وات مدرسهسی وار جمله ایکی عدد
مكتب دارالتعلیم صبیانی وار جمله برعدد تکیه درویشانی وار جمله برعدد
خان تجارانی وار جمله برعددكشیف كوچك حامی وار جمله ۵۳ عدددكانلری
وار جمله سوقاقلری سراپا تخته دوشه لیدر زیرا بوقلعه بطاقلق ایچره اولماق ایله
قالدرم دوشهلی دكلدر

ستایش اشكال واروش قلعه حطوان

مذكور بیوك قپونك خندق خارجی طشره سنده برواروش عظیمدر اولدخی
اطرافی پلنقه قلعهدر اما اولقدر صارپ پلنقه دكلدر اما ینه اطرافنده طایبهلری
ودرسكارلی و ماغاللری و جابجا شاهلی طوپلری واردر جمله بنوك دخی ایکی قپوسی
واردر بیوك قپو اوكنده نهرزا كوه اوزره اوچ قات جسرلرك یاننده اوچ كوز
صو دكرمانلری الی ماشا الله چرخ فلک کبی دورا ایدوب دقیق رقیق اوکودر و بو
واروش ایچره جمله ایکی یوزمقداری جمله تخته اورتولی و تخته حولیلی اولدرر اکثری
فقرا خانهلریدر اما واسع بیوت رعنالدرر جامعلری و خان و حماملری و چارشو
بازارلری یوقدر اما بیوك واروش قپوسی خندق جسری آشری باشنده (زیارت
حسن بابا) واکا قریب (زیارت ولیم بابا) غازیلدرر قدس سره [۲] و شهرک جمله
مزارستان و جبانهسی بو طرفدهدر زیرا بو محل طوپراققدر بطاقلق و چتاقلق دكلدر
و جمله مشبك بوستانلر و پویاطه اولریدرر جمله باغ و باغچهسی بوقلعه نك مشرق طرفنه
برطوپ منزلی مسافه بعیدهدر برکولسا [۳] بایر اوزره جمله بیك مقداری باغلدرر
اما قراول خانهلری واردر زیرا كفاردن خوف اولنور و آب و هوایی غایت لطیفدر

[۲] ك : سرها [۳] ك : بو كسك

اشکال زمین قلعه حطوان

... برطوب منزلی جانب شرقده باغیر بایرندن بعید بر صحرای هامونده نهر زا کوه بطاغی و چتاغی کولی ایچنده کویا بر قو لیسز باردق کبی یاطر بر قلعه در مثلاً بارداغک قارنی واروشیدر و بارداغک بوغازی مثلاً ایچ قلعه سیدر اما بو قلعه قانیزه کبی وسکتوار واستولنی قلعه لری کبی پلنقه چت ودولما ورختم وارچ قات قلعه حصن حصین وسد متین در کم هرقات دیوارینک اره لرنده عریض وعمیق خندق لری واردر کم هر خندق ایچنده نهرزا کوه صوی لب برب اولوب ایچنده بالقجی قایق لری کزر تا برطوب منزلی اطرافی بویله بر دریا مثال بخیره بطاقدر و بو قلعه نادر [۱] جمله دائراً مادار بیگ آدیمدر و جمله سکنز عدد طایبه عظیم لدر اما اوچی کار کیر طوله بنا سدا سکندر مثال طایبه عظیم لدر کم هر بری بطاق ایچنده قابلی بغه کبی یطر اراج عظیم لدر و جمله بوسکنز طایبه اوزره یکر می بر عدد سر آمد بال یمز طوب لری وار ماعدا صغیر و کیر سکسن آلتی باره طوب لری وار کم اراج لر اوزره آماده طوب لدر و غیری آلات و سلاح و جبه خانه سنه حد و پایان یوقدر و جمله ایبی عدد قپوسی وار بیوک قپوسی جانب قبله به مکشوفدر اما اوچ قات متین وقوی قپولدر مابین لرنده جمله قلعه نفرات لری آماده اولوب قلعه نک تفرجگاه و آرامگاه یری بو قلعه قپولری آراسیدر و هر قپو او کندن برقات خشب جسر ایله عبور اولنوب اوچر یردن بو جسر لر هر کیجه قالقوب قلعه بر جزیره ده قالور بر یردن مرور و عبور ممکن دکدر و قپولرک کمر لری شدادی کار کیر بنا قله رعنا لدر کم بیوک قپو قله سی اوزره بر عبرت نما ساعت قله سی وار کم ناقوسنک صداسی صونلوقده و دکرمان دره سنده استماع اولنور بر مهیب صدالی ساعت چا کیدر بر قپوسی دخی طرف غریبه مفتوح بر کوچک قپو در بوندن ایچری عربه کیروب چیقامز همان آتلی و پیاده قپوسیدر بو قپو دن طشره خندق آشری بر آت دکرمانی واردر کم چرخ لری مجار طرز ی عبرت نمادر و بو ایچ قلعه ایچنده جمله بشیوز عدد صیق و داراجق دار لری وار اصلاً با نچه لی و انا جلی خاندان لری

خان عسکری التده قرال بطافده مرد اولوب بعده سلطان سليمان بوقلعه حطوانی سنه ۹۵۱ تاریخنده سليمان خان بوقلعه اوزره عزیمت اندکده بوقلعه حطوان اول عصرده ایکی عدد مجار قپودانلرینک دستنده اولوب ایکیسی دخی قرداشلر ایدی ایکیسینک ماینلرنده مجادله واقع اولوب بری سليمان خانه قلعه ورمک صدنده ایکن بیوک قرداشی اولان مقوش نام کافر بویله اجدادیمز قلعه-سی ترکه نصیب اولماسون دیو قلعه احراق بالنار ایدوب کمی قلعه سیچانه کمی قلعه اگری به وکمی قلعه صنوغه فرار اتدیلر بودین وزیرى محمد پاشا بوقلعه به يتشوب جوق یرلرن آتشدن خلاص ایدوب اولقدر استحکام اوزره عمارتدیکم کویا قلعه سدا سکندر اولوب میرلویغینی بودینده ایجه صاحبی ولی بکه احسان ایتدی بعده سنه ۱۰۰۲ تاریخنده سلطان مراد خان ثالث عصرنده یدی آی کفار قلعه حطوانی دوکوب ظفر بولامادی اما نووغراد قلعه سن آلوب ظفر بولدی وعسا کر اسلام حطوان آتنده منهم اولوب عجب رسوایلق اولدی سنه ۱۰۰۴ تاریخنده سلطان محمد ثالث عصرنده کفار قلعه حطوانه ظفر بولوب ضبط ایلدوب ایچنده اولان جمیع عباداللهلری جمله قلدجن کچروب صفار وکبار ونسوانلرن جمله اسیر اتدیلر کفار خاکسارک بوقلعه به استیلا آتمسی جفال اوغلی سنان پاشانک امداد يتشمیدیکی سبب اولشدر دیو یازمشلر بعده ینه سلطان محمد خان ثالث سنه ۱۰۰۵ ده اکره سفرینه کیدرکن صنولوق قلعه سن بوقلعه حطوانی سلطان محمد ثالث فتح اتدی بدست وزیر ابراهیم پاشا بوقلعه حطوانک نیجه اختارلردن محاصره وسرانجاملرن استماع اتدک اما اختصار اوزره تحریر اتدک حالا محمد خان ثالث تحریری اوزره اکره ایالتنده باشقه پاشا سنجانغی تختیدر قانون اوزره پاشاسنک خاص هایونی ۴۰۰ ۰۰۰ اچه در تحت لواسنده ۱۲ زطامتی ۳۵۳ تیماری وار الای بکی وچری باشی ویوزباشیسی وار قانون اوزره ارباب تیمارلری وپاشاسی جبه لولری ایله حین سفرده آلتی بیک عدد کزیده عسکر اولور ویوزاللی اچه پایه سیله شریف قضادر اما مفتی ونقیب الاشرافی بوقدر اما اکره قولی سرداری و دزداری واون عدد قلعه اغالری و اوچویوز عدد یرار قلعه نفراتلری ومحتسی وباجداری وامینی وخراج اغاسی ومعمار اغاسی وشهرکتخداسی واردر اما غیرى حاکملى بوقدر

ایکی عدد منزل عربی و ما کولات و مشروبات لیمز مستوفا وروب پشتدن [۱] جانب شماله میال چیقوب تکلا علی الله دیوب پشته و کج کمت صحرائی ایجره کیده رک (قریه سن قوطار) نهر راقوش کنسارنده اوچیوز خانلی و اوچ کنیسه لی بودینک بحار رعایاسی کویدر و (نهر راقوش) یلدز جابنده اورتا بحارستانک (فلك قلعہ سی) داغلرندن کلوب بو محلدن عبور ایدوب واج [۲] قلعہ سی ایله پشته [۳] قلعہ سی آره سننده نهر طونایه بویله مخلوط [۴] آندن ینه شرق طرفنه میال کیدوب (قریه طارچای) آندن (قریه قرستوش) [۵] یعنی الله کوی آندن (قریه چایا) ... آندن (قریه پیه چل) بو بحار کویلرن عبور ایدوب آندن نعوذ بالله (دکرمن دره سی) نام برینام بوغاز بوغاز سازلی و بطاقلی و چاقلی ملعون کافر لک جمله بصو یرلیدر کم جمله بحارستانده قلعہ سچان و کرمان [۶] و هولوق و بویاق و فیلک و کلوازح [۷] و سمندرده کفار لری جمله بود کرمنلک دره سی نام محل ممرناس اولماق ایله جمله عباد الله لری کفسار بو محله بصوب اسیر ایدر حمد خدا جمله پیاده لرمز بطاقلق ایچنده پیاده صولر ایچندن تصویرلرن تجسس ایدر رک سلامتله عبور ایدوب آندن (قریه طورای) بالادن برو بومذ کور کویلر جمله بودینک اوچ و دوردر و بشر یوز اولی اطرافی شر امپاولی و خندقلی و جسر قپولی و هر برنده برر ایکیشر و بشر معظم بنالی کنیسه لری و باغ لری و باغچه لری وار معمور و مزین بحار جوانلی شیرین قرالری ۱۳ ساعتده عبور ایدوب

اوصاف دارغازیان یعنی قلعہ جای امان حطوان

لسان بحارجه آلتمش دمکدر یعنی التمش یلده تمام اولمش قلعہ قدیمدر کم منوچه ر اولادلری عجمدن فرار ایدوب بو قلعہ آنلر بنا ایتمشلردر بعده نجه ملو کدن ملوکه بو قلعہ انتقال ایدوب آخرکار نسه قرالی لاغوش قرال ضال میحاج جنکنده سلیمان

[۱] ك : پسته دن [۲] پ : وایج [۳] ك : پسته [۴] ك : مخلوط اولور
 [۵] ك : قرستوس . . . س ، پ : قرستوش . ط : قرستوش [۶] س : کرمان
 [۷] س ، ك ، ط : کلوازح

اولنمشدر تکرارندہ عالم یوقدر اما بو محلدہ بودینہ داخل اولنجه همان اول آن بودین وزیر ی کورجی محمد پاشا حضورینہ واروب صدر اعظمک وسائر وزرالک و ابراهیم کتخدافندیمزمک جمله مکتوبلرن واکرہ یکدہ جکم امر شریفلرن و یروب نمسہ قرالنه کیدہ جک بزم الجیمزک دارات وعظمت واحشامندن ونہ کونہ شخص عنقای مالدار ومدبر اولدوغندن جمله سـؤال ایدوب جمیع سـؤاللرینہ جواب پرصوابلر وروب حقیر بلہ ولایت المانہ الجی پاشا ایلہ کیدہ جکم جمله بر بر تقریر ایلدکدہ کورجی پاشا ایدر واللہی اولیام اکر بزم الجی پاشامن عرض آل عثمانی کوزہ دوب اکر بودینہ جمیع کافرہ قرشو دارات عظمتیلہ کلورسہ خوش کلدی والا برمکروز [۱] واپوردوش کلورسہ کیدینک بکر پاشا کی بوینن اوروب یرینہ بنم محمد کتخدای بیگ کیسہ مصرف اولنوب [۲] نمسہ قرالینہ کوندر یرم دیو یمن مغلظہر اتدی حقا کہ کورجی محمد پاشا کو پرلی محمد پاشانک کتخداسی ایکن نیجہ یوزبیک بنی آدم مخلوق خدایی جمله قلجدن کچر مکہ سبب اولمش برخونی بی باک وقاتل سفاک و بر شخص بی ادراک کمنہ ایدی ہلہ اول کیجہ بودین سر ایندہ مسافر اولوب تانصف اللیہ دک امور دنیای دولت و صدر اعظمی سؤال ایده ایده یولدن کلمش یورغون آدم بی تاب و بی مجال قالدہ ہلہ برخوردار اولہ کتخداسی محمد افندی ورئیس دلی ابراهیم چلی ایتدیسلطانم اولیا چلی داعیکز یورغوندر سزده استراحت بیورک دیدکدہ حقیر قاقوب حمد خدا صحبتندن خلاص اولدم علی الصباح کورجی محمد پاشادن بیوردملر آلوب

بودیندن قاقوب اکرہ ولایتہ کتدی کمز قناقلری وقلاعلری [۳] بیان ایدر اولا محمد پاشا فرمانیلہ بودیندن جسراوزرہ نہر طونانی کچوب منزل قلعه پشتیہ [۴] اندن دفتر دارہ وقلعہ اغالرینہ امر شریفلری و کورجی محمد پاشا فرمانلرن کوستروب الاسر امر کم دیوب علی الصباح الہی عدد نزیدہ آتلی پرسلاح یکت ویکرمی عربلہ ایچرہ قرق عدد یایان پرسلاح توفنک انداز یکتلر و یروب و حقیرہ

[۱] ک : مکروز [۲] س ء ک : ایلوب [۳] ک : وقلاع و قصابلری [۴] ک : پشتیہ

ديارلره فيچيلر ايله كيدن پوژه غه اريكي اڪثريا بودال اريكيڊر آندن ينه جانب غره به . . . ساعتده

منزل قلعه اوسك عظيم بناسي سنه ۹۳۲ تاريخنده

آندن اوسك جسرن و (قلعه دارده) يي كچوب يلديز روزكاري جانبه . . . ساعت اغاجلق ايجره صحرالري كچوب ينه جمله رفيقلمزله نهر طونا كنارينه انوب

اوصاف . . . [۱]

و اردور مقابله سنده طونا آشري صومبور قلعه سي نماياندر . . .

اوصاف . . . [۲]

بو پاته [۳] اسكله سي مقابله سنده طونا آشري بايه اسكله سي نماياندر

اوصاف . . .

آندن ۸ ساعتده (پلنقه ميحاج) اندن قلعه سچويي كچوب ۵ ساعتده (پلنقه بات اوسك) آندن (قلعه سكار) اندن بر ساعتده (يكي پلنقه) قلعه سن كچوب و (پلنقه طونا) يي كچوب ۵ ساعتده (پانقه پاخشه) [۴] اندن ۵ ساعتده (پلنقه قوشوار) [۵] اندن ۳ ساعتده (پلنقه پنتلي) يي كچوب ۳ ساعتده [۶] (پلنقه جان قورتران) آندن (پلنقه ارجن) ي [۷] و (پلنقه حمزه بك) ي كچوب

ستائيش قلعه بودين

بالاده ذكر اولتان قلاعلرك جمله سي اويوار غزاسنه كيدر كن جمله وصف

[۱] ك : اوصاف قلعه اردود [۲] ك : اوصاف قلعه لشمارت [۳] س ، ك : پاته [۴] پ : باخشه [۵] س ، ك : فوتوار . پ : قوتوار [۶] س ، ك : ۴ ساعتده [۷] س ، ك : ارجيني . پ : ارجيني

پلنقه صوتن

اولا باغتری و باغچه‌لری فراواندر اویله آبدار میوه‌لری اولورکم اریکینی سائر دیارلره کتورسه‌لر هنوز حلاوتی باقی اولوب طول زمان ایله فاکه‌نک لذتیه اصلا تغیر کلزدر بو شهرک اطرافنده مشبک بوستانلر و باغ و حدیقه و کلهستانلر ایچره جاری آب روانلری واردر و هر گوشه ارضه اولان بلبلرک نعمات خوش‌الحان و اصوات حزیلری آدمه روح افزا صفالر ویرر کرچه باغتری معموردر اما شهری اولقدر معمور و مزین دکدر و نهر طونانک بو قلعه اوکنده قرشوسی باجقه ولایتی صحراسیدر ...

بعده بووکیندن قالقوب ینه جانب غربه داغلر و بایرلر آشوب کاهیجه طونا کنارنجه کیدوب ۶ ساعتده

منزل پلنقه صوتن

بو قلعه مقدا موصوفر اما بو قلعه مرتفع بایر اوزره واقع اولماغیه نهر طونه‌نک قرشو طرفنده باجقه صحراسنده طونادن سهل بعید باج قلعه‌سی نمایاندر آندن ۵ ساعتده

قلعه وولقوواد [۱]

آندن ۴ ساعتده

پلنقه دال قلعه‌سی [۲]

طونا آزماغی بحیره‌سی کنارنده شکل مربع برپلنقه‌حصار اولوب پورغه [۳] سنجانغی خاکنده وویوادلوق اولوب اوسک قضای نیابتیدر درون قلعه‌ده برجامی و برمسجدی و حمامی و خانی و سکسن مقداری تخته اورتولی خانه‌لری واللی قدر دکانلری و دزداری واللی قدر مردم حصاری واردر اما باغ و باغچه‌سی جهانی زین ایشمدر و اریکی پورغه اریکندن لذت و فراواندر حتی جمیع [۱] پ ، س ، ک : وولقووار [۲] پ : وال قلعه‌سی [۳] پ ، س ، ک : پورغه

ایدوب جمله کفارہ اولکی کبی امان وزمان ویرمیوب جمله سنی طعمه شمشیر ایدوب
 دفعه ثانیده قلچ ایله فتح ایتمشدر اول عصرده لاغوش قرالک قزی مای فراو
 نام دختر پاکیزه اختراک تختی ایتمش حالا ایچ قلعهده قات اندر قات سرائلر وقاعه
 و دیوان خانلر و کونا کون قصر عالیلر وار و قلعهسی نهر طونا کنارنده بر مرتفع
 یرده شکل مربع بر شدادی بنای غرادر و غایه الغایه آق کرمان قلعهسی خندق
 کبی بنوک دخی چاه غیادن نشان ورر عمیق خندق واردر و جمله در و دیوارلرینک
 یوزنده اولان یونمه بجلا طاشلری استاد معمار بنای سلف کونا کون تصرفلر اختراع
 ایدوب کونا کون طاشلری برر صنعت ایله دیواره قیوب طاشدن بیراقلر و خاچلر
 و صورتلر و فلاندره بیراقلر و اسکملهلر و نیجه کونه اشکال غریبه و عجیبه لری قرمزلی
 ویشیل و صاری و ماوی و سیاه طاشلر ایله قلعه دیواری یوزبنه کونا کون صورتلر
 آتشکم جمع کافرستانده یوقدر والا عربستانده حما و حمص قلعه سنه مخصوص
 بر کار عبرتموندلر اما بو مذکور و وکین قلعهسی دخی زیاده مصنع بنا اولوب دائراً
 مدار جریمی یدیوز آدیملر و جمله ... قیوسی واردر و قلعه ایچنده جمله ... محله
 مسلمین و جمله اوچ محله فاجریندر و جمله ... عدد تحتانی و فوقانی کارگیر بنا
 سراپا شندره تخته اورتولی اولدر بر سلیمان خان جامی و بر زاریه سی و غلال
 انباری و کفایت مقداری جبهه خانه سی واردر اما بر جلری و دندان بدنلری معموردر

اوصاف و اروش قلعه و وکین

جمله ... عدد محله و جمله ... عدد شندره اورتولی باغچلی معمور واسع
 سرائلدر و جمله ... محرابدر جامی ...
 و جمله محله مساجدلریدر و جمله ... عدد مدرسه طلمان مفسرانددر و جمله ...
 عدد مکتب طفلان و پسرانددر و جمله ... عدد خاقاه ارباب طریق کان درویشاندر
 و جمله ... عدد حمام دلستاندر و جمله ... عدد خان مهمانسرای خواجه کانددر
 و جمله ... چارسوی و بازار اصنافانددر اما بزراستانی یوقدر

وبلاسی بیک یوز آلتش عدد تختانی و فوفانی کارکیر بنای مصنع سراپا شنندره
تخته اورتولی واسع اولردر کم جمله بیوت زیبارک یوزلری و شاهنشین و روزنلری
شال طرفنه نهر طونایه ناظر در و جمله ایکی مدرسه طالباندر و جمله آلتی عدد
مکتب صبیان طفلان ابجدخواندر و جمله ... عدد تکیه ارباب طریق کان فقیراندر
و جمله برخاندر و جمله یوز الی عدد محزنلدر و جمله ... عدد حمامدر و جمله
علی القیاس آلتش قدر دکاندر و جمله یوقوش آشنی و یوقوش یوقارو صوقاقلری پاکدر

در بیان تمة شهر انکیز ایلوق

...
اولا آب و هوای لطیف اولدوغندن محبوب
و محبوبه سی اعلا اولور و خلقی جملة بوشناقدر و صلحای امتدن آدملری چوقدر
و غایت غریب دوست خلوق و حلیم و سلیم آدملری واردر بلغراددن طونا کناریله
تا اوسکی کچوب بودینه و ارنجه بویله بر معمور و آبادان شهر یوقدر اما طونا
کنارندن ایچری آبادان شهرلر چوقدر و طونا کنارنده و ارادیندن صکره و بودین
و استرغون و شغراددن صکره ایلوق کبی متین قلعه ده یوقدر خدا حفظ و امانده ایده
لکن قلعه سی سرحد اولیوب ایچ ایل اولماق ایله نفراتلری آز قالب قلعه سی تعمیر
و ترمیمه محتاجدر

آندن (زیارت مجنون بابا) ...

آندن قاقوب جمله احباب ایله و دالشوب ینه جانب غریبه ۵ ساعتمه

اوصاف حصارگاه مکین یعنی نای متین قلعه و وکین

لسان لاتینجه ... دکلدر بانسی انکروس قرالردن بیوک لاصلو قرال قزی
ایچون بنا ایتش برمصنع و شیرین قلعه زیبارد بعده سنه ۹۳۷ تاریخنده سلیمان خانه
بو قلعه و ره ایله نهمسه کفارلری و روب کله سی سنه ینه کفار آلوب سلیمان خان
بودین قلعه سی فتحنه کیدرکن ینه بو قلعه دوکه دوکه صدمات طوب کوبدن منهدم
اولان یرلری حالا ظامر و باهردر بورخنه دار یرلردن عسا کر اسلام یوروش

اشکال قلعه ایلوق

نهر طونایه حواله بر پشته عالی اوزره شکل مربع بر طوله بنا بر قلعه متیندرکم اطرافنده دورد عدد طایه عظیم لری وار و حرمی داراً مادار طقوز یوز آدیم کامل برصعب و حصار قوی ایچ قلعه در و جمله ایکی عدد قپوسی وار بری بیوک قپوکم جانب شماله مکشوف آشنی و اروش قلعه سنه اینر و بری کوچوک قپودر و بو قلعه ده انجق ایکی جامع واردر بری سلیمان خانکدر و بری سقا باشی محمد اغانکدر و بو جامع قرینده بر لطیف حامی وار اما کیمک بناسی ایدیکی معلوم دکدر اما خوش هوا و خوب بنا بر حمام روشنادرکم ایکی قرنه لی و دورد صفلی حمام روشن بنادر و بو قلعه دن طشره قلعه ده چارشو جامعی اوکنده بر مکلف مسیره کاه قهوه خانه سی وار جمله احبا و ارباب معارفان و صادقان [۱] بونده جلوه لئزر و بو قهوه خانه معموره نک بر طرفی بر مکلف خان تجاراندر بو شهرک بوخان کویا بزازستانیدر و بو خانکینه بر یاننده بر مکلف قهوه خانه واردر و بو قهوه خانه شاه راهی اوزره جمله ایکی بوز عدد دکان اهل حرفدر لکن کارکیر بنا بزازستانی یوقدر اما هرشی بولنور و بو چارشو ایچنده کیدرکن محمد بک جامعی وار اما اوچ وقت قلتر جماعت کثیره یه مالک بر جامع روشندر وینه بوزوقاق ایچره بو مذکور چارسونک تا اوچنده ارسلان بک جامعی اوکنده بر آب حیات چشمه سی وار و بو جامعک بر طرفی شهرک مزار بقیدر و بو مزارلقدن دیک اشاغی طونا کنارنده اسکله یه کیدر و چارسونک صاغ طرفنده اولان یول ایله دیک آشنی کیدوب الحاجی اسلام مسجدی آندن صول یوله کیدوب دیک آشنی نهایتده کوچوک محمد بک جامعی و اندن اوتهجه مصطفی بک مسجدی و اندن دخی یوقاروجه قره بلا مسجدی بو محله شهرک طشره کیدر اولو یولودرکم قصبه مترو و جسیه و قصبه نمسیه و قلعه طوارنیکه الحاصل قننی طرفه توجه اتسک شماره عظیمدر

ستایش عمارستان

آشنی و اروش جمله اون ایکی محله مسلمانین و بش محله مشرکیندر و جمله زیر

[۱] س، ک : و ارباب معارف یاران صادقان

و (قلعه غرغورجه) [۱] و (قلعه بايه) و (قلعه لوکای) و نجه قلعه لر دخی طونا کنارینک یمین و یسارنده و کیمی مسافه بعیده ده نمایان قلعه لر وار اما معتاد قدیم اوزره علم الیقین و حق الیقین و عین الیقین حاصل آتیمنجه قلعه اوصاف لرین تحریر اتمک دائم اولماغیله نجه قلعه لر ی آلارقه دن تماشا ایدوب تحریرندن دخی طاجز اولوب عبور ایدردک زیرا بو بودین سرحدلرنده داغدن داغه و باغدن باغه و نجه کچت باشلری اسکله لرده قلعه لر چوقدر اما مذکور باونشطره [۲] پلنقه سندن ۳ ساعتده

اوصاف مثل بنای سورهلوق یعنی قلعه سبد متین ایلوق

لسان لاتینده ... دیمکدر اما ولایت هر سکرده بو قلعه اسمنه مناسب بر قصبه واردرکه اولوق دیرلر انکروس قرالری بناسیدر لکن سنه ۹۳۲ تاریخنده بالذات سلیمان خان طونادن بیک پاره کمی و قره دن یوز بیک عسکر ایله مقبول ایکن مقتول ابراهیم پاشایی سردار معظم ایدوب اوتوز برکون جنک عظیم ایدوب کفار بو قلعه ویرمک احتمالی اولیوب بالاخره بنفسه سلیمان خان کندولری سعادتله کلدکلرینک آوازه سن کفار استماع ایدنجه صرف و مجار سلیمان خانه قلعه ویرهلم دمشقک نمسه جنود جنبی راضی اولیوب قلعه نک برطرفی امان ایله فتح ایدوب برطرفنده نمسه بر جنک عظیم ایله یورویش ایلوب بر صاتور محمدی اورملشدرکم حالا کافرستانده و سرحد بودیم اختیارلری دیلرنده داستان دوستاندر و حالا قانون سلیمان خان اوزره بو قلعه بودیم ایالتنده سرم ماننده باغ ارم سنجاغی طور اغانده بودین عسکری طرفندن ضبط اولونور اون یوک اچقه یه التزام امینلکدر اسکله سنده بودیم اغالرندن بر ختمم اغا یتیمش سکنز خدمتکار ایله حکومت ایدر شیخ الاسلامی و نقیب الاشرافی و اعیان کبشار اشرافی واردر و قانون اوزره یوز اللی اچقه پایه سیله شریف قضادر بودین یکیکچریسی سرداری و کتبخداری و قلعه دزداری و یوز اللی نفر مردم حصار ی و محتسی و باجداری و شهر کتخداسی و قپودانی و معمار آغامی ویدی عدد قلعه اغالری وار

[۱] : غرغورجه [۲] ک : باوشطره

رستم پاشا فتح ایوب منهدم آتشدر بدمه بو قلعه الزم لوازمندن اولماق ایله اجاج پلنقه دن بر مفید و مختصر قلعه اولمشدر نهرطونا ساحلنده شکل مربع بر قپولی و یتیش قدر تحتہ اورتولی خانہ لری و برجامعی و دزداری و الہی قدر مردم حصاری و کفایت قدر جبہ خانہ لری وار بودخی سرم لواسی خاکنده ایلوق قضاسی نیابتیدر دفترخانہ پادشاہیدہ بو کیویز قلعه سنک اسمی کره وک [۱] قلعه سیدر زمان قدیمده معمور ایش حالا ینہ جامعی و مساجد لری و مدرسه سی و مکتب لری و تکیه لری و حمامی و خان لری و اسکله باشنده مخزن لری و کفایت قدر دکان لری وار بونک دخی باغ و باغچه لری حددن افزوندر و آب و هواسی غایت لطیف اسمکله [۲] ...

تمہ شهر انکیزی اولدر کم بو قلعه نک جنوبیسی هوادار مسیره کاه داغ لری و باغ لردر اما طونانک قرشو طرفی سکدین سنجاغی خاکنده طونانک تا کنسارندن بو شهره قرشو قرشویه و طوق پلنقه سی واقع اولمشدر بو قلعه صکره [۳] آنک ایچون کچت باشنده عمار اولوب اسکله سی بودین قولینه اقلام اولمشدر ... آندن ۲ ساعتده

اوصاف پلنقه بابوشطره [۴]

لسان لاتینجه ... قری قلعه سی دیمکدر حالا اولزن مشرکه نامیله معروفدر اما افواه ناسده ... قلعه سی دیر لر بودخی سنه ۹۲۷ تاریخنده سلیمان خان فتحیدر بدست صاری رستم پاشا ... سنجاغی طپراغنده و یوادالقدر و بر حاکمی بودین امینیدر اما قیزیه قولی اقلامیدر و ایلوق قضاسی نیابتیدر دزداری و قرق قدر مردم حصاری وار پلنقه سی لب طوناده اولقدر معمور و آبادان دکدر انجق بر جامعی و یوز قدر کره متلی و تحتہ اورتولی خانہ جکلری واردر ... (۵)

آندن ۳ ساعتده داغ لری و باغ لری و طاش لری ایچره کیدر کن بوسمتلرده چوق قلعه لری نمایاندر مثلا (قلعه قوپنیک) [۵] و (قلعه وربی) و (قلعه یمزوجه) [۶]

[۱] س، ک، پ : کره وک [۲] ک، ط : اسکله [۳] س : صکره دن [۴] ک : بابوشطره [۵] پ : قوپنیک [۶] س، ک : بروجہ پ : یمزوجه (۵) ایکی سطر آجیق وار

اما خندق ... قبله طرفی صافی داغلردر و اوزرلری سراپا باغلردر
 و بوقلعه نك باغلر طرفندن خوفی اولماق ایله اول جانجی غایت متین بنا اولونوب اوتوزار
 ایاق قالین دیواردر و عظیم کسمه قیا عمیق خندقلری واردر کم بو طرفدن قلعه یه
 اصلا لغم و متریس کاراتمز و بوقلعه نك کردا کرد و جرمی ... آدیمر

ستایش آشنی واروش قلعه و ارادین

... نهر طونا کنارنده جمله ... محله مسلمین و بش عدد قرارخانه
 مشرکیندر و جمله سراپا تخته اورتولی ... عدد تختانی و فوقانی واسع جابجا باغچه لیجه
 اولردر و جمله ... عدد جامع عابدان و زاهداندر و جمله ... عدد محله مساجدلر بدر
 و جمله ۳ عدد مدرسه مفسراندر بوشهرده علمایه پک رعایت ایدرلر زیرا علما یوقدر
 اکثریا تجار و کشتیبانلدر و جمله ۴ عدد مکتب معصوم جکر گوشه پسراندر
 و جمله ... تکیه اهل طریق ابدالاندر و جمله ... هم جانستاندر و جمله ... خان
 تجاراندر اما جمله آ اسکله باشنده کی خانی مکلفدر و جمله ... چارسوی سوق
 سلطاندر اما بزازستانی یوقدر لکن ینه جمیع دیارک ذی قیمت متاعلری
 بی قیمت بولنور

تمة شهر انکیز و ارادین

اولا بوشهرک باغی و باغچه سی چوقدر هواسی غایت لطیفدر محبوبی و محبوبه سی
 مشهوردر ... طونانک قرشو ... [۱] طرفی سکدین سنجانغی طوپراغنده قلعه
 قویله کوزل نمایاندر ...

بو و ارادیندن طونا کنارنجه یوقارو جانبه یارلی و باغلی باغچه لی قرالر کچک
 و آب حیات صولر ایچرک کامل غریبه ۶ ساعت کیدوب

اوصاف قلعه کیوز

لسان مجارده ... صو دیمکدر سنه ۹۶۷ [۲] سلیمان خان عصرنده دست

[۱] دیگر نسخه لده آچیق یوقدر باقیسه آچیسز معنا تمام اولوز [۲] س، ک، پ:

اولوب علی العجله کلوب ایلوق قلعہ سی التندہ مکث ایدوب آندن قلعہ و ارادین آلتندہ مکث خیام آتدکده « دخی بو آتسه یاناسی و ارادین فتح اولمادیمی ، دینجه بامرالله تعالی ایچ قلعہده بارود خزینہ سنه آتس اصابت ایدوب نیجه بیک کفار هوایه پراں آتلوب قلعہ نک حائط و دیوارلری نجایا رخنه دار اولوب دورور اما کفارک کثرتندن و قلعہ نک متانتندن عسکر اسلام یانہ وارد مازلر همان سلیمان خان اون ایکی بیک عدد سردن کچدی غازیلر یازوب و سکزیوز پاره طونا کیلیرینه و فرقه لرینه سلیمان رئیس سر دار ایدوب ابتدا کفارک قرشو طرفدن قلعہ به امداد کترن او چیوز پاره کیلرن فتح ایدوب و سردارلری اولان بطوری نام قپوداتی اسیر دوشوروب اون بیک قدر کفار اسیر اولنجه همان درون قلعہده اولان کفار سلیمان خانک کلدیکی کونک یدنجی کوننده الامان ای سلیمان خان دیوب قلعہ وره ایله ورب قرشو سکدین طرف لرینه عربان و بی سلاح امان ایله کفاری کچیروب سک بر صحرای سکدین [۱] بی دین کافرلر کتدیلر و جمله یکچیری کتخدالری و یکچیری آغالری و شهید اولان وزیرلری و جمله شهداری سلیمان خان دفن اتدروب قلعہ نک جمله الزم لوازمات و مهماتلری و مرما تلرین کوروب قلعہ نک حکومتن سرم پاشاسی خاصی ایدوب یوز اللی اچہ پایه سیله قضادر و اشفی دزدار و یوقاری دزدار و ایکی بیک مردم حصار و یکچیری سرداری و کتخداری و امینی و محتسی و باجداری و شهر کتخداسی تعیین ایدوب قلعہ نک جمیع جبه خانه سن کماکان قویوب سردار معظم ابراهیم پاشایی ایلوق قلعہ سی فتحنه کوندروب کندولری بالذات سعادتله دریا مثال عسکری آلوب میحاج قضاسنه [۲] کیدرلر اما حقا که قلعہ و ارادین نهر طونا کنارنده ایچ قلعہ سی اوج سایه سرچکمش برپشته عالی اوزره شکل مسدس برشادی صعب قلعہ قدیمدر کم مورخان مجار- اسکندر رومی زمانندن برو بنا اولمشدر دیو نحر بر ایتمشلر جمله یدی عدد قلعہ عظیملری وار و جمله دندان بدنلری موزون و جانب . . . برقبوسی وار و درون حصارده جمله ایکیوز تخته اورتولی بانچه سز آچق اولری واردر سلیمان خان جامعی و جبه خاهسی و غلال انبارلری . . .

[۱] س ، ک : سکدینه [۲] س ، ک : غراسنه

اوصاف تمة شهر انكيز شهر قارلوجه

اولا بو شهرك باغ و باغچه سی غایت چوقدر ممدوحاتندن اكمكى واریکی غایت مشهوردر و خلقی جمله ینه بوشناقدر . اما حاجیلری و تاجرلری غایت چوقدر و بوشهرک قرشو طونا آشیرسی سکدین سنجاغی طوپراغنده قوبله [۱] قلعه سی کورینور
 و معمور قرال و مزین چنزاز قضال و آب حیات صولر کچرک جانب غربه طونا کنارنجه ۳ ساعتده . . .

اوصاف کلید سدبودین یعنی قلعه عبرت نمای پتری و ارادین

سنه ۹۳۲ ماه رجبنده بالذات سلیمان خان میحاج طهوری عزاسنه کیدر بو قلعه و ارادینی فتح ایتمدن کرده براغوب ایلری کتمک معقول دکدر دیو وزیر اعظم مقبول ایکن مقتول ابراهیم پاشایی سردار معظم ابدوب آناتولی وزیر ی بهرام پاشا و وزیر ثانی مصطفی پاشا و وزیر ثالث آياس پاشا و قرق سکز اوده یکچیری و اون اوده طوبچی و اون اوده جبهجی و دورت آشنی بلوک سپاهیلرله سپهسالار معظم قطع منازل و طی مراحل ایده رک قلعه و ارادینی سنه ۹۳۲ شوالنده . . .
 محاصره یه باشلاوب یدی کون یدی کیجه جنک عظیم اوله رق قلعه قپودانی اولان طوموری پال نام بی دین ضال یوز بیک عسکری قرشو طونادن بری کیلرله قلعه یه امداد کچیروب جنک عظیم ایده ایده جمله کفاری قلعه یه قیوب هنوز جنکه آهنگ ایدر لر مقدا اسلانقمن (۲) قلعه سی فتحنده دندان بیغدن خلاص اولان ملاعبین و فاجرین و مشرکین جمله بوقلعه و ارادینه قنوب عسکر اسلام اوزره بدی کون [۳] یتش کره قلعه دن طشره حیقوب مترسلر بصوب نیجه بیک عسکر اسلامی اسیر ویای بسته دلخسته و نیجه بیک غازیانی اسیر بند زنجیر و نیجه بیک غازیانلری طعمه شم شیر ایدوب الحاصل اوچ ایده یکچیری او جاغندن یدی عدد کتخدا بک و اوچ یکچیری اغاسی و اوچ وزیر و نیجه بیک عسکر اسلام شهید اولوب قلعه فتح اولمادوغی سمع هما بون [۱] س، ط : قوبله (۲) س : اصلاقمین [۳] : یدی کونده

وجله ... مدرسه عالماندر وجله ... مکتب پسراندر وجله ... تکیه درویشان
 دلریشاندر وجله ... حمام راحت جاندر وجله ... خان آینه ورونده بر
 بخاراندر اما کاربان سرایی یوقدر وجله ... دکان اهل اشغالاندر

در بیان تمة شهر انکیز کلیات شهر اصلانقیمین

و قلعه نك طونا قرشوسنده نهر تپسه نهر طونایه قرشیدینی محله قلعہ تیتل
 نمایاندر ...

اوصاف قلعه قارلوجه

لسان لاتینده ... دمکدر بانیسی انکروس قرالردندر سنه ۹۲۷ تاریخنده
 سلیمان خانیده بوده یحیی پاشا زاده کوچوک بالی بك فتحیدر اماغایت متین قلعه ایکن
 بعدالفتح جابجا منهدم اولوب پلنقه حصار استوار اولمشدر بودخی طونا کنارنده
 سرم سنجاغی طوپراغنده بودین اقلامی امینلکدر وخراجی و باج بازاری جمله بودین
 قوی طرفندن ضبط اولتور ووارادین قضای نیسابتیدر کتخدای یری وبودین
 یکیکچریسی سرداری وقلعه نك دزداری واللی عدد مردم حصاری واردر غیر
 حاجکلیری یوقدر جمله ... محله مسلمدر و اوچ محله کفره مشرکدر وجله ...
 تحتانی و فوقانی و سراپا شنده تخته اورتولی واسع و معمور و مزین و مکلف و مکمل
 خاندانلر واردر اما مقبول اولری نهر طونایه ناظر اولنلردر وجله ... عدد
 محرابدر اولا چارسو ایچنده ...

ماعدای جمله ... عدد محله مزکتلیدر اما جماعتلری چوقدر زیرا
 خلقی مصلی و بندر اسکله اولماق ایله جوامعلرینک جماعتلری و فرت اوزره در وجله
 ... عدد مدرسه طالبان و طالبانی واردر وجله ... عدد مکتب ناریسیده صبیان
 ابجد خوانی واردر اما غلاملری خورردکاندر وجله ... مهمان خانه تکیه درویشاندر
 اما مولوی خانه سی یوقدر وجله ... حمام خوش هوادر وجله ... خان تجاران
 خواجکاندر وجله ... عدد چارسوی دکان اصنافاندر

و جمله ... عدد محله مساجد لیدر و جمله ایکی مدرسه
 سوخته و آتی وارد و جمله اوچ عدد مکتب طفلان ابجد خوانی وارد و جمله
 ایکی عدد تکیه درویشانلری وارد و جمله ... حمام جان ستاندر و جمله ...
 عدد خان بازرگاندر و جمله ... عدد چارسوی بازار ستاندر

در بیان شهرانکیز قصبه فروشقه

... جمله خلقی باغباندر و نیجه سی تجار و زوار و غریب الدیار کمنه لرك
 مجلریدر و آب و هواسی غایت لطیف اولدوغندن محبوبه لری ممدو حدر و بوسرم
 سنجاغنده نمسه قصبه سی و متر و وچسه قصبه سی و بو فروشه ربطه سی غایت غنیمت
 و معمور بلیده لر در ممدو حاتندن فروشقه اوزومی کونشه قارشو حاصل اولدوغندن
 لذیذ و آبدار و خوش خوردر و بیاض بالی و وشنه سی مشهوردر ... (*)
 آندن شمال جانبنه کیدوب فروشقه بیلاسن آشوب ۷ ساعتده

اوصاف دارامین یعنی قلعه متین اصلا تقمین

بلغراد قرالرینک بنا سیدر لسان لاتینجه ... طاش قلعه سی دیمکدر
 سنه ۹۲۷ تاریخده سلیمان خان بلغراد بهشت آبادی فتح اتدیکی سنه بوسنه بکی
 یحیا پاشا زاده کوچک بالی بک یدی سنجاق عسکر یله بو قلعه محاصره ایدوب برکیجه
 کفار فرار ایدوب قلعه قبضه تصرفه آلوب ایچنه کرکی کبی مستوفا عسکر قویوب
 مفتاحلرن سلیمان خان کوندر لرر حالا سرم سنجاغی خاکنده بودین قولینک
 التزامنده امینلکدر و ایرک قضاسی نیابتیدر و (اشکال قلعه سی) نهر طونای عظیم
 کنارنده شکل مربع طولاینجه واقع اولمش شدادی بر حصن حصین و سد متین
 بر کرمان استواردر و جمله ... قپوسی وار و جمله ... محله در و جمله ... عدد
 تخته اورتولی معمور و آبادان تحتانی و فوقانی مکلف و مکمل اولدر و جمله ... عدد
 محراب جامع لر در ... ماعدا جمله ... محله زاویه لریدر

(*) بوراده ایکی سطر آجیق وار

اوصاف قصبة غر قوچسه [۱]

... ده سرم سنجاغی خاکنده و یوادلقدر و قضاسی ...

وسپاه کتخدایری و یکیچری سرداری ... یلدز روز کاری جانبی
 بایرلی و چایرلی و باغلی و باغچلی یرلردر و قبله طرفی صحرالردر و جمله یدی محله
 مسلمین و اوچ محله کفره لردر و جمله ایکی بیک عدد تحتانی و فوقانی تخته اورتولی
 واسع بیوت رعنا لردر و جمله ... عدد محرابدر اولا چارسو ایچنده
 جامی و جمله ... محله مساجدلریدر اما جماعتلری چوقدر
 و جمله ایکی مدرسه طالباندر و جمله اوچ عدد مکتب پسراندر و جمله بر عدد
 خانقاه درویشاندر و جمله ... حمام روشاندر و جمله ... خان سودا کراندر
 و جمله ... دکان اصنافاندر ... (*)

و جمله خلقی (الکاسب حبیب الله) دیوب تجارت ایله کچنر صلحای امتدناهل
 حال کمنه لری چوقدر رجب افندی جمله آ متقی غریب دوست خاندان صاحی
 آدمدر آذن ... ساعت فروشقه داغلی اتکنجه کیدوب

ستایش قصبة باع ارم فروشقه

... ده سرم سنجاغی خاکنده و یوادلقدر و قضاسی ...

سرداری و کتخدایری و اعیانی واردر و عمارستانی فروشقه ییلاسی دبنده لودوس
 جانبلی مترووجه قصبه سی صحراسیدر و جوانب اربعه سی باغلردر حتی باغلی
 بر بورون کبی ایلی چقمش فروشقه داغلی سراپا باغلی اولماق ایله بلغراددن
 فروشقه باغلرینک داغلی کورینور و جمله یکریمی دورت بیک عدد عشرورر
 باغلی داغلی طومشدر و شهرینک جمله عماراتلری محله مسلمیندر و دورت
 محله مشرکیندر و جمله ... عدد تخته اورتولی واسع و معمور خاندان عنالردر
 و جمله ایکیشر قناطلی پورطه قبولری واردر و جمله ... عدد محرابدر ...
 جامی

[۱] پ ، ک : غرغوچسه

(*) بوراده بر سطر آچیق وار

ا كرى به كيدوب سزه ا كرى سرخندنه ايش كورمش آدملىر كتوروب بودينه
بولوشرز ديوب دست بوس ايدوب جمله اعيان كبار افنديلىر يمله بولوشوب قوميله
بجه كيده روز ديو ودالشوب [۱] ونيجه احسان واناملرن الوب بسم الله ايله
بلغراددن ا كره ولايتنه اندن انكروس ولايتنده نمسه قرالنه كتدبكمز

قناقلىرى بيان ايدر

اولا سنه ۱۰۷۵ عيدينك دوردينجى كوني دورد خدامله يوله توجه ايدوب
سائر خدام ورفيقلىر يمز اغر لغمله الحى پاشا ياننده قويوب آلتى راس منزل باركبرلىيله
بلغراددن نهر صوهىي كچوب توكللا على الله ديوب

منزل قريه وويقه [۲]

آندن مترووجسه قصبهسى يولن صول طرفه براغوب صاغ طرفه يلدز
روز كارى جانبنه ۷ ساعت سحر اى سرم ايچره كيدوب

اوصاف قصبه ايرك

سرم سنجامى خا كنده وويواد القدر ويوز اللى الحقه قضاىر و بو ربطه
زيبانك يلدز جانبى بايرلردر و قبله جانبى سرم سحر اسنده باغلىرى و باغچىلىرى يحساب
يردر و جمله آلتى محله در و جمله ايكي بيك قدر تخته اورتولى واسع اولردر
و جمله ... عدد محرابدر ... جامعى ... جامعى ... ماعدا جمله ...
عدد محله مساجد ليدر و جمله بر مدرسه سوخته واندر و جمله ايكي عدد تكيه
درويشاندر و جمله اوچ عدد مكتب صيباندر و جمله بر عدد حمام دلستاندر و جمله
بر عدد خان نجاراندر كم بو خان و حمام واعظ عبدى افنديك خيرات ليدر و جمله يمش عدد
كفايت مقدارى دكانلردر و خلقى غايت غريب دوستلردر و جمله سى تجارتله كچوب
صفره لرى ميدانده محب فقرا كسنه لردر آندن قالقوب داغلا اتكنده معموز قرالر
كچوب ۶ ساعتده سحرالر ايله كيدوب

[۱] س ، ك : و داعلشوب [۲] پ : منزل قرته وويقه

امرکم دیوب بر کیسه غروش خر جراه و بر سمور کورک و بر کوله و اگری
 یکپجری اغاسنک مقرری امرن و اکره پاشامی محمد پاشا مقرری امرارن احسان
 ایدوب اگردن بودیمه [۱] الحی پاشایه تشوب نمسیه بیله کیت دیدکده دست بوس
 ایدوب طشره چقوب ابراهیم کتخدا افندمزک دخی دست شریفن بوس ایدوب
 ایدر اولیام اشته بیج ولایتن کورمدک تکمیل سیاحت ایدرسن اما شو بزم
 خلخالی درویش احمدی بیله کتور دیدکده سلطانم کیده جکمز یر کافرستاندر
 درویش احمد ایسه بر خراسانی جاندر اولیه کم کافرستانده بر بد مستاک ایدوب
 الحی پاشامزک عرضنه بر شین کتیره دیدیکمده آفرین اولیام این دیدکده هان
 کدی اشق اولیه بر بد اوضاع ایدرسه کس یقاسن آل باشندن سکسن برابو
 تعزیر ایلوب ضبط وربط ایله هان درویش احمدی و بابا ترابی [۲] بیله کتور دیدکده نوله
 دیدم صاحب دولتدن اگری اغالغی و پاشا [۳] مقررن آلوب بو قدر احساندر
 ایتدی دیدیکمده هان ابراهیم کتخدا افندیمز بر رقات اثواب سمور قفاسی
 کورکله [۴] و بر آت پر سلاحه [۵] و مصنع ناموسه لی [۶] چادر و یوز آلتون
 و ساز مقررلر ایله [۷] اکره اغالغینه و پاشاسنه اولیامک تطیب خاطرله مقید
 اوله سز دیو تنیه و تا کیدلی مکتوبلر یازوب ابراهیم کتخدا افندمزک کاجی سلیم
 افندی و خیلی چلی و قوجیلر کتخداسی کوسه ابراهیم اغا و اوردو منلاسی انسی
 افندی و صدر اعظم برادری مصطفی بک افندی و چاوش باشی محمود اغا و دقتردار
 احمد پاشا افندیلریمز اولیام بچه کیدر دیو هربری بر رهدایالر و کونا کون اشیارل احسان
 ایدوب بر مکلف و مکمل آدم اولدم الشکر لله الحمد لله ینه اولکون الحی
 پاشا حقیری چاغروب صاحب دولت تنیه ایتدی اولیا چلی بنمله نیجه چاسارینه
 کتیمکه حاضر اول دیوب حقیره بر کیسه خرج مصروف و یردی و غلاملرک یدیسنه
 دخی اللیشر عدد ریال غروش و یروب حقیر ایتدم سلطانم صاحب دولتک فرمانیله

[۱] ک : بودینده . س : بودیمده [۲] ک : ترابی بی [۳] ک : و پاشانلی

[۴] س ، ک : کورکیله [۵] ک : سلاحه [۶] س ، ک : ناموسیه لی [۷] پ ،

س ، : ک بقراوانی اشیارل ایله

ایدوب کامل دورت آی ذوق وصفالر اتدک بعده سنه ۱۰۷۴ [۲] ماه رمضانک یوم عیدنده در دولت طرفندن روم ایلی ایالتی پایه سیله الچی قره محمد پاشا برعفتای عالی جناب عالی وقار کمنه نمچه چاسارینه الچی کتمک ایچون نامه هایون ایله بلقراده صدر اعظمه الایله کلوب بولشدقده صدر اعظم ایدر بقه پاشا سن بو قیافتله المان قرالنه الچی می کتسک کرک تیز قاپوکی وتوابع و لوا حقکی مکلف ومکمل دوز دیوب یکی قلعه التنده مرحوم اولان قبله لی پاشانک و نهر رابده شهید اولان اسماعیل پاشا و یکیکچری اغاسی صالح اغانک و بودینده مرحوم اولان سردار علی پاشانک و بودینده قتل اولنان جان ارسلان پاشا و چاطره باطره اسماعیل پاشانک و غیرى امرالر ومیر میرانلرک مخلفاتلرندن جمله آلات سلاهلرن زورخ زره کلاهلرن و ساثر جبه خانه وغیری آلتون و کومش اوانیلرن ومکلف چرکه و اوطاقلرن جمله میریدن صتون آلوب عرض پادشاهی یرینه کتیرب نمسه قرالی ولایتنه اسباب احتشامله کیدوب دوزت بش یوز کیسه خرج آمدن الم چکمیسه سن ینه سکاجناب الله آنک اضعاف مضاعفن احسان ایدر و اصنافدن عسکرک ایچنده پاک و پاکیزه ارباب معارف اغواتلر کتور و سن بو ستانجی اوجاغنده نشوونما بولوب نمچه سرحدی احوالن بلمزسن حالا بزم یا نمزده ملک احمد پاشالی اولیادیرلر بر میاح عالم وندیم آدم کمنه در [۳] آنی دخی کتور زیرا اول سرحدلرک احوالن اول کمنه پک بلر آنی دخی کتور و بصیرت اوزره اولوب همان تدارک کور دیو صدر اعظم ایلچی پاشایه بو کونه نیجه یوز یوزدن پند و وعظ و نصیحتلر ایدوب همان ارتسی کون الچی پاشا حاجی اسحاق اغا و صدر اعظم کتخداسی ابراهیم اغا ایله مشاوره ایدوب صدر اعظمک فرمانی اوزره شهید اولان وزیرلرک جمله متاعلرن اوچیوز یتمش کیسه یه بو قدر مال و ارزاق و آلات سلاح سپاهیلک آلدیکم تعبیر اولتماز اولکون صدر اعظم حقیری حضورینه چاغیروب اولیام بو کوتوکی کون سن لازم اولدک الچی پاشا ایله نمسه قرالنه کیده سن تیز حاضر اولدیدکده الامر

[۱] ک : ۵ ساعتده [۲] پ ، س ، ک : سنه ۱۰۷۵ [۳] نسخلرده بویله

ایسه ده یاقیشان (در) یرنده (وار) اولمیدر (م) []

(قلعہ میحاج) آندن ۸ ساعتہ (قلعہ پرنواز) ۵ ساعتہ آندن (داردا) ۱ کچوب ۱ ساعتہ

قلعہ عظیم اوسک

ہونڈہ قاسم علوفہ سی الجینک کوزی اوکندہ ویریلوب کفار عالم حیرتہ قلوب
ینہ اول آن الجیہ و تاتار خان زادہ یہ ضیافت عظیم اولوب احمد کرای سلطانہ
صومبور ولایتندہ قشلاسنہ کتک فرمان اولنوب جملہ وزرا ووکلا و میر میران
و امرالہ و جملہ اوجاق خلقنہ قشلالر ویریلوب روانہ اولدقلرندہ انجق صدر
اعظم ارباب دیوان و یکیچری و طوپچی و جبہچی اوجانگی عسکری ایلہ و کندینک
سکز بیک لشکریلہ قلوب بعدہ اوسکدن قالقوب (۵) ساعتہ

قلعہ وال

آلتندہ مکٹ اولندی نیل کنارندہ [۱] چار گوشہ بر پلانقہ و ایچندہ
بردیرقدیم اولوب دورت میل احاطہ ایدر بر کوچوک بحیرہ سی وکونا کونا ماہیلری
اولوب بو کولک عرضی اوچ میل اولوب طونادن جمع اولہ آب حیات کول
اولدوغی بالادہ مفصل تحریر اولنشدرکم تکرارہ حاجت یوقدر آندن ۵ ساعتہ

قلعہ ووقوار [۲]

ینہ ہدی بابا بکیہسندہ فقراہ بر قربان ایدوب زیارت ایتدک آندن ...
۵ ساعتہ (قلعہ صوتین) ی کچوب ۳ ساعتہ [۳] (قلعہ طوارنیک) آندن
۵ ساعتہ (قصبہ معمور متروویچسہ) آندن ۵ ساعتہ (قریہ وویقہ) آندن
۵ ساعتہ

(قلعہ بلغراد دارالجهاد) ۵

بر الای عظیم ایلہ کیرکن طونا کنارندہ کی قلهردن سکدرمه طوپلر وبالا
قلعہدن بال یمز طوپلر آتلوب اولقدر شادمانلر اولوب ہرکس قناقلرندہ مکٹ
[۱] س ، ک (سل) (تل) اولسی ممکندر [م] [۲] س ، ک : دوقوار

منزل قلعہ قزل حصار

آندن ۳ ساعت [۱]

قلعہ بودین

سنہ ۹۳۲ فتح اولوب ینہ یانوش قراله احسان اولندوغی بالاده مسطوردر و بو منزله جان ارسلان پاشا و لوه قلعہ سین کافره و یرن چاطره پاطره علی پاشا و لوه یکچیچی اغاسی خلیل اغا و اردل قرالغنه طالب حلال غبور کفره جمله بودین آلتنده قتل اولنوب اردل قرالی اپوی محال [۲] فرمان وریر ایله اردل دیارینه کتدیلر بونده دخی بودین وپشته و کرس الیاس و بارود خانه قلعہ لری الحی یه رغماً اوچ نوبت طوب شادمانلری و پاک و مسلح عسا کردیا مثال الای لری کوستر مشلدر کم تعبیر اولماز آندن قالقوب ۲ ساعتده (منزل قلعہ حمزه بک) وارجنی [۳] کچوب ۲ ساعت [۴]

قلعہ پذلی

بو منزله وزیر اعظمک بر سکبانی ینہ بر سکبانک بر غلامن آیاردوب فرار اتدکده دوتوب یولسز اولدوغیجون حریف سارق غلامی بر آغاجه محلم صاروب و قورشونه دوتدیلر و غلام حیز [۵] ناپاکی قصاب پاک کبی پاک پاره بازه اتدیلر بو محله قوجه کورجی محمد پاشایه بودین ایالتی احساب اولوب بودینه عودت ایتدی آندن ۳ ساعتده (منزل جان قورتران) ی کچوب ۵ ساعت (قلعہ فوتوار) [۶] آندن ۵ ساعتده (قلعہ باخشیه) [۷] آندن ۴ ساعت (قلعہ یکی پلنقه) آندن ۱ ساعتده (قلعہ سکسار) آندن ۴ ساعتده (قلعہ بات اوشک) [۸] آندن ۵ ساعتده (قلعہ سجوی) [۹] ۹ ساعتده (کچوب) [۱۰] ۸ ساعتده [۱۱] [۱] س ، ک : ۴ ساعتده [۲] ک : ایوی محال [۳] پ : ارجینی . س ، ک : و آندن ایکی ساعتده قلعہ ارجینی [۴] ک : آندن ۴ ساعتده [۵] ک : حیز [۶] پ : قلعہ فوتوار [۷] ک : باخشیه [۸] پ ، س ، ک : بات اوشک [۹] س ، ک : سجوی [۱۰] ک : آندن ۹ ساعت کچوب [۱۱] س ، ک : ۷ ساعتده

ورہم همان دوستلق ایدہم دیوب کلن نامہ جان پولادلی حسن اغایہ وروب اولدخی
پرون [۱] قلمہسی اوزرہ چاسارک بیج قلعهسنہ واروب نامہ قرالہ وروب اولدخی
سمما وطاعه دیوب صدر اعظمه اوچ کونده مکتوبلری کلوب صدر اعظم شاد
وخندان اولدی

اولا قلمه اویوار آلتنده رهن الچی ایله بلقراده عودت

اولندوغی قنقلری بیان ایدر

اولا قلمه اویوار آلتندن جمیع عساکر اسلام ایله قالدقدہ [۲] اوکووار
قلمہسی وارک صحتله دیو اولقدر طوب شادمانلری ایدوب کافرک الچیسى عالم حیرتده
قالوب اورادن جانب قبلهیه ۶ ساعتده

منزل کناربابیه [۳] کولی

اندن قالقوب بومحله صدر اعظم یر تراکت ایدوب کافرک الچین سنه ماضیده
قردیغمز کفارک لشلری ایچره کچروب الچی بوقدر بیک جیفه مردارک چقل طاشی
کبی یطدیغن کوروب سینه پرکینهسنه ایله خاچ ایدر اشارتی ایدوب دیدهلرنده
چکیده چکیده قانلی یاشرلر جریان ایدهرک آندن

منزل قلعه استرغون

جسر اوزرہ صدر اعظم کچدکدن صکره الچی کچرکن استرغون قلمہسی زیر
وبالاسندن اولقدر طوب شادمانلری ایتدیکم صدای طوب اوچ عرافه پیوسته اولوب
الچی انکشت بر دهن اولوب ایدر اشته آل عثمان ایکی قلعهیه مالکدر بری
بودین بری بو استرغوندر دیوب بر آه دلسوز چکدی آندن ۶ ساعتده

[۱] س : بزون . پ ، ک ، ط : بزون [۲] س ، ک : قالدقدہ [۳] س ، ک : باتیه

برخوردار اول اول قلعه اردلکدر سزک اولسه یقک در ایدم اما اودورسون دیو
صدراعظم سکل هیت قلعه سنک منهدم اولماسنه رضا ورمیوب قالدی همانینه
الجی ایدر [۱] ...

بزم وسزک طرفیندن الجیلرمنز والچیلرکز معزز ومکرم وارسون کلسون ووزدن
وسزدن اللی آدمدن زیاده چته جی وپوتوراجیلر جیقماسون وبزم وسزک عسکرکز
قلعه لرمنزه وقلعه لرکززه طوب چکلهمسون وهرسنه محبت نامه وهدایالرمنز پادشاهه
کوندرلم دیدی هپ بورجالی حیز قبولده واقع اولوب الجی قرق یل کامل صلح
استدکده وزیراعظم بوصلحه قائل اولیوب ایدر یا قرق ییل بز سزکله صلح ایدوب
یا کسکه آل عثمان جنک اتسون دیوب الجی یی قرق یل صلح سوزی ایچون قودی
هله خواه ناخواه وزیر اعظم کوچیله یکریمی ایکی ییله ویکریمی ایکی ماده آنلرک
رجاسی ویکریمی ایکی ماده آل عثمانک رجاسی بالاده تفریر اولنان مواد کبرالر کبی
طرفیندن یکریمی ایکی ییله ویکریمی ایکی ماده [۲] صلح قبول اولنوب اول بهارده
کفارک بیوک الجیسی پادشاهه جیقوب عوق وتأخیر اولنماق شرطیله پادشاهه طلمپناهه
مذکور بش عدد قلعه لرک مفتاح لرلیله تلخیص آصف برخیا کیدوب الجی صدر اعظم
یاننده رهن قلوب صدر اعظم طرفندن جان پولادلی بکری حسن اغا چاساره الجی
اولاق کتمکک حاضر اولوب او یوارک بعض مهمات وبعض لوازمات لرین کورنجه یکریمی
کونده صدر اعظمک تلخیصی واروب کلن خط شریفده سعادتلو پادشاهه اوله تحریر
اتمشمکم اجداد اعظام سلیمان خان طاب ثراه صلحندن زیاده خراج وورسه و او یوار
قلعه مدن و قنیزه قلعه مدن وچاقوقه قلعه مدن ایچری تانهر رایبه وارنجه اون ایکیشر
ساعت یر حدود وورسه صلح صلحدر والا کر یوق دیرسه اول بهارده
لشکر دریا مثالله قالقوب المان داغلرنده آوقوش اولیوب ایلنی ولایتی خراب و بیاب
ایدوب یانیق قلعه سن محاصره ایدوب تاچه وپراغه وارنجه اوستنه عسکر چکریم
وقتته حاضر اولسون دیو نامه الجی حضورنده قراءت اولندوقده عاقبت اندیش الجی
باش اوستنه پادشاهه روم نه که مراد ایدندی دخنی زیاده خراج ودخنی زیاده حدود

[۱] دیگر نسخلزده آچیق بیراقیلمامش . باقیله آچیفه حاجت یوقدر [۲] ک : ماده ایله

خان زاده و قپلان پاشا واکره وزیرى فلبهلى پرنجی محمد پاشا ب قلعهرى فتح ایدوب خالی و معطل قالمش ایدی آخر صدر اعظم جمله نك [۱] رضاسیله مذکور بش عدد قلعهرى لوه ولتره قلعهرینه بدل آئوب قبول اولنوب اما بشرط آن اویوار قلعهرسى فتحی سنه سنده غارت و احراق اولنان ۳۴ پاره قلعهر وقنیزه یلی یکی قلعه آلتنده احراق و غارت اولنان ۳۲ پاره قلعهر جمله ۶۶ عدد قلعهرلیکزه احراق ایتمشزدر آنلر یاپلیوب خالی خراب یرده یاتسن و عمار آتیه سز دنلدکده کافرك الحیبی اوبله اولسون دیو صلحی قبول ایدوب الحی دیو بر قاج شی رجا ایلدی اولابزم آق صو [۲] کنارنده پوزون [۳] طوپراغمزدن کچوب اوکووار [۴] نامنده بر کچت قلعهرسى بیام رضاورک دیدکده صدر اعظم اویوارلیدن واسترغونلیدن سؤال ایدوب مضرتی وارمیدر بزم طوپراغمزده دکادر اوله دیدکده جمله سرحدلی خیرکندیلرینک پوزون طوپراغمز دیدکارنده صدر اعظم بیوردیلر کم کشف اولنوب کندی خاکلرنده ایسه اکه کوره چون وچرا یوقدر یاپسونلر دیو کشفه آدم کیدوب اولگون کندی خاکلرنده اولدوغی خبری کلدکده اذن یرلدی ینه الحی رجا ایتدی کم اردل ولایتنده واراط قلعه کزه قریب شکل هیت نام بر قلعه واردر هرزمان بزم آنده نیچه و بحار قطنلاری جمع اولوب سزک واراطی و یانوه کزک اطرافلرن وورلر برکون صلحه مغایر ایش ایدرلر ینه صاحبمز بوزولور همان اول شکل هیت قلعهرسین بیقلم دیو الحی رجا ایتدکده همان سرحدلیلر معقول معقولی باصیور دیلر همان بوعبدکمرتک قراری قالمیوب بو قدر دیوانده ایتدم صلحه مغایر ایش اولور قورقاروز دیو صورت حقدن کورینوب اوبله بر قلعه حصن حصینی یقماق استرلر زیرا بزم واراط قلعهرمز قریبنددر بلکم آئنده فتح ایدیز واورتا بحاری واردر ولایتن اول شکل هیت سبیلله قبضه تصرفه آلهیز دیو کفار بو ملاحظه ایدوب مقدم تاریخ ایله صلح مابیننده بو قلعه سکلی یقدرمق استر دیچه همان صدر اعظم آفریم اولام

[۱] س، ک : صدر اعظمک و جمله نك [۲] پ، س، ک : واق صوبی [۳] س، ک :

موزون [۴] ک : اویوار

در بیان سفر مشاوره (۱) قلعه لوه و قلعه لتره

جمله علی الاتفاق بو ایکی عدد قلعهلری کفاردن تکرار آلفه سفر مهماتی کوریلوب جبه خانلر و قرق باره بال یزلر حاضر باش و آماده اولوب علی الصباح صدر اعظم لتره قلعه سنه و حسین پاشا لک ایکیسی و قپلان پاشا دخی لوه قلعه سی اوزرینه آماده اولوب طوغلر کتمک صدندده ایکن همان علی الصباح سنه ۱۷۰۴ ماه صفر المظفرک یکریمی طقوزنجی کونی نجه چاساری طرفندن اوردوی اسلام ایچنده کویا حاضر ایمش کفارک اوچنجی دفعه ده ینه الحیلری کلوب درون دلدن وجان و کولدن صلحه رغبت ایدوب چاساردن نامه لر و تظلم خامه لر کتروب دیوان صدر اعظمه نامه التیاملری تلاوت اولنوب الامان ای کزیده آل عثمان ایلم مملکت خراب و بیاب اولوب دیار المانه وارنجیه آبادان اولکم قالدی هر نه مرادیکز وار ایسه صلحی او یله جه قبول ایدیم دیو وافر عرض عبودیتلر ایتمش و اوچ سنه دن برو خراجی و هدایا لر می پادشاهمه وریم دیو عهد و امانلر یازوب بر وقار صاحبی [۲] ابوالکلام بر مدبر کافر رهن کوندرمش ولتره قلعه سن آلان بلا تشبیه باش پاپاس اولان مقدملری [۳] مهورلی یمین عیسیلی کاغدلر کوندرمش بعده جمله کزیده عساکر اسلام ینه بر یرده جمع اولوب مشاوره لر ایدوب لوه قلعه سن ولتره قلعه سن یزه و یرک دیدکده کفار دورین فکر ایتدی والله می اول ایکی قلعه لر یزیم دینمز اولوسی باش پاپاسمزک حاصلیدر آنلرک یرینه سیزه ایکی اوچ قلعه و یرهم همان سزکله تک صلح و صلاح ایدم بری سیجان [۴] قلعه سی و بری هلوق قلعه سی و بری بوباق [۵] قلعه سی هب و یرهم بونلری معمور ایدک و ایچلرینه مستوفی عسکر یکز قیوک دیدیلر آخر الامر نیجه کونه نزاع ایدرک بالضروری قلعه لوه و قلعه لتره یرینه قلعه سیجان و قلعه کرمان [۶] و قلعه دیره کل و قلعه هلوق و قلعه بوباق بو بش عدد بر کزیده متین قلعه لر در کم مقدما تانار

[۱] ک : در بیان مشاوره سفر [۲] ک : بر وقع وقار صاحبی [دوغروسوی (بر وقع و وقار صاحبی) اولمیدر (م)] [۳] پ ، س ، ک : مفتیلری [۴] س ، ک : سیجان [۵] پ ، س ، ک ، ط : بوباق [۶] پ : کرمان

پاشا زاده مامور ایدوب آندن نفیز رحلتلرین چالوب بعدہ جکر دلن صحراسندن قالقوب سنہ سابقہ قردیغمز کفار لاشملری ایچندن عسا کر اسلام عبور ایدوب عظمت خدا جمله کفار لشلری قورو یوب وقدید اولوب وجمله ایمانسیز اولوب دریلری کمیکارینه یاپشوب چقل طاشی کبی صحرای جکر دلنده دزن دزن سورو سورو اولوب یاطر لر اما مرحوم ومنقورله قاضی زاده ابراهیم پاشا ایله سکمز هوایدوب کافری قردیغمز میدان معرکه مزه واردم آندہ دخی کفار لشی جست جست [۱] وپشته پشته اولوب یاطر لر دی اما بریلدن برو بونلری نه قورد ونه قوش ونه مور وماریم یوب همان بونلر دخی قدید محض قالمشله ما شهید اولان آتلی میزی بر یره یغمشدق آنلر دخی تر و تازہ دورور کبی دورور لر دی آندن جمله شهید اولان رفیق لر مز بر یره دفن آتمشدک آنلری ده زیارت ایدوب روح شریف لر یچون بر یس شریف تلارت ایدوب ثوابین [۲] هبه ایدوب ۶ ساعتہ

منزل بحیرة بایہ [۳]

سنہ سابقہ قونولوب بر کوچک کول اولدوغی بالاده موصوفدز آندن (۵) ساعتہ (منزل ستایش قلعه او یوار استوار) واررکن ابازہ حسین پاشا و او یوار پاشاسی قورد پاشا صدر اعظمه استقباله جیقوب قلعه او یوار اولقدر طوب و شادمانلری اندیکم دیلر ایله تعبیر اولیوب او یوار خلقی عسا کر اسلامی کور یجک جمله تازہ جان بولوب دورت بیک عربہ یوکی ذخیره او یوار امیننه تسلیم ایدوب در مخزن ایتدیله وینہ عربہ لری بر کرہ دخی اوستور غوندن ذخیره کتور مکہ کوندر دیلر وارسی کون ینه اولقدر غلالی قلعه او یوارہ کتور دیلر مکر قحط و غلادن او یوار خلقنک حاللری مکدر اولمش ایمش همان صدراعظم مدبر جمیع عسا کر اسلامک دوه لری و قطار لری و عربہ لرین تکرار قلعه استر غونہ کوندر وب جمله اوچ نوبت استر غوندن ذخیره لر طشیوب او یوار غنیمت اولدی اوچ نوبت دخی جمیع دوه لر و قطار لر و سیس خانہ لر ایله اودون طاشدوب او یوارک اندرون و بیرونندہ حطب داغ لر کبی یغلدی

(۱) س، ک، ط : جستہ جستہ (۲) س، ک : نواین زوح پرفتح لرینہ (۳) ط : بایہ

اسلام قرشو طرفنه [۱] کچوب ینه [۲] جمله عسکر خواب راحتده ایکن نهر طونا اوزره برطوب و توفنک صداسی استماع اولنجه دورن عسکر دن بر الله الله آغازه می اولوب طرفیندن جنسه باشلادیلر مکر کفار حیبه کار کیجه ایله اون ایکی پاره پرسلاح آتش پاره فرقه لر ایله شب ظلمتده کلوب عسا کر اسلامک خیمه لر ن طونه کنارنده طوپلیوب نیجه آت و آدم هلاک و مجروح ایدوب ینه فرار ایدرکن صو آقندیو ایله کله لری آسان اما صو ایله باش یوقارو چیقماق مشکل اولوب جمله کفار کور که کیروب رباچه اوره راق فرار ایدر لر کن حکمت خدا روز کار زور کار بوکا فر فرقه لر ن قرشولیبوب بر قیراط کیده مدکلرنده همان صدر اعظم استرغون قپودانی فرقه لرینه عسکر طولدوروب وغیری کیلری دخی کذک لشکر ایله پ: ایدوب کیلری قره دن آدم دریاسی ایلر ایله و آتلیر ایله جکرک کتمده وینه استرغون طرفی قره سندن قنبور مصطفی پاشا و دفتر دار حسین پاشا شاهی طوپلر ایله کافری قرمده برو عسکر اسلام طرفندن سیدی احمد پاشا زاده محمد پاشا عسکر ایله وسائر غزات ایله کفاره یتشوب در جنک اول سیدی زاده محمد پاشا بردار بوغازده کفارک اوکن آلوب کفار طونادن محمد پاشا قرادن جنک ایده ایده کفارک ایکی فرقه سین آلوب کفار لری صویه دوکانجه استرغون قپودانی دخی فرقه لر ایله کافره یتشوب اول آن الله الله دیوب کافره کیروشوب اوته طرفندن قنبور مصطفی پاشا و حسین پاشا بری طرفدن سیدی زاده محمد پاشا و طونا ایچره استرغون قپودانی جمله کفار خا کساری طونا نه ری اورته سنده اورته یه آلوب آن ساعتده اون ایکی پاره کفار کیلرین بیک آلتیوز قدر کفار لر ایله فتح ایدوب سرنکون خاجلی پیکر ایله کیلری استرغون آلتنه کتوروب صدر اعظم حضورنده شادمانلر اولوب پاشا لره و طونا قپودان لرینه خلعت فاخره لر ویریلوب کیلری استرغون آلتنه کتوروب لیانه بغلیوب جمله کفار لرین استرغون زنداننده حبس ابد اتمک فرمان اولندی آندن صدر اعظم جکر دلن قلعه سی عمارته قیصریه لی دلاور

[۱] ط : طرفه [۲] بوراده کی (جمیع عسا کر اسلام قرشو طرفه کچوب ینه) عباره سی

س ، ک نسخه لنده یوقدر (م)

بعده سایمان خان نمچه ایله دوست اولوب تاج اسکندری نمچه چاسارینه هبایلویوب
 زرین وبکان اوغلری لندن نیجه یوزپاره قلعه لر آلوب سلیمان خان سکتوار قلعه سین
 فتح اندرکن مرحوم اولوب حالا تاج نمچه جاساری دستنده قالدی انشالله تعالی
 اشکال تاج غرونه مخلنده توصیف اولتور

اشکال واروش و شفراد

اشنی حصاری طونه کنارنده جوانب اربعه سی صرب قلعه متیندرکم هر
 طایفه لری برکونه سد اسکندردر و جمله ... عدد قبولی وار و جمله اوچ عدد
 محله مسلمیندر وایکی عدد محله کفره در و جمله دورتیوزاللی عدد باغچه لی وواسع
 تخه اورتولی اولدر اما کار کیربئالی خانه لری آردر و جمله ... عدد محرابدر ...
 جامی ... ماعدا محله مساجد لریدر و جمله بر مدرسه عالماندر و جمله اوچ
 عدد مکتب صیاند و جمله ایکی عدد تکیه درویشاندر و جمله بر عدد خان
 مسافراند و جمله بر عدد حمام غاسلاندر و جمله الی قدر دکاندر و بو واروشک
 اطراف باغ و بفرجه وکل کلستاندر و خلقی غایت شجیع و شهباز و بهادر لدر [۱]
 حتی غازی لری کیلره بنوب بو قلعه نك مقابله سنده نه رایبول و نه رغه صولری ایچره
 کیلره کیدوب تالوه قلعه سی و نوو غراد قلعه سی آلتلردن اسیر آلورلر برالای
 غازیان مجاهدان یکتلری وار

در تمة شهر انکیز قلعه و شفراد [۲]

بو قلعه دخی سیر و تماشای ادوب آتله چول و غلامره مجار کبه لری
 آلوب آندن ینه جانب غربه ۶ ساعته باغلر و بفرجه لر ایچره کلوب تکرار
 منزل قلعه استرغونه داخل اولوب اولکون استرغون جسری تمام اولوب
 فرمان وزیر ایله جمله عساکر اسلام قرشو طرفه کجوب یه جمله عسکره عموم
 ذخیره سی ویریلوب اول کیجه آنده یاتلدی حکمت خدا وقت شافعیده جمیع عساکر
 [۱] س ، ک : و بهادراندر [۲] س نسخه سنده بو سرلوجه دن صوکره بر سطر آجیق
 بیراقبده در (م)

سلیمان خان تحریری اوزره بودین ایالتنه استرغون سنجانی خاکنده ویوادالقدر
واسترغون نیابتیدر مفتی و نقیبی و کتخداری یوقدر اما بودین یکیکجریسی
سرداری و قلعه دزداری و اوچیوز عدد مردم حصاری وارد

اشکال زمین قلعه و شغراد

نهر طونه کنارنده اوج آسمانه برابر برقرمزی یالچین قناره قیای مهیب اوزره
شکل مخمس بر سنک تراش قلعه صواشدرکم بودین واکره و قنیزه و استولنی بلغراد
صحرازی و سرحدلرنده مثلی مکر قلعه شقلووش و قلعه استرغون اوله بویله برصعب
حصار استوار بالادر کویا طونا بلغرادینک ایچ قلعهسی کبی طونا کنارنده برپورونده
واقع اولمش بر شدادی حصن حصین و سد متین قلعه رعنادر و ایچ قلعه سنک
جانب شماله نظر برکوچک قپوسی وارکم عیوقه سرچکمش قپودرکم اشغی واروشی
حصاردن بو قپویه برکننداران اوق یتیشدیره مه مشلدرر تا بومرتبه برقلعه بالادر
کرچه بر قپودر اما اوج قات دوله دمر قپودر [۱] و درون حصارده یتمش مقداری
شندره تخته اورتولی اولری و سلیمان خانک بر کوچوک جامعی و غلال انبارلری
و جبهه خانه لری ویدی عدد متین قله لری و دندان بدنلری واردر غیری خان و حمام
و چارشوی بازارلری یوقدر اما استاد قدیم بو ایچ قلعه نک طونا جانبنده بر قیای
سنک خارایی او یوب اشغی طونا نهرینه اینه جک برصوبولی اتمش واجب العبردر
اما حالا صولری صارتجلدرکم باران رخمتدن جمع اولور لکن ینه هر بار سقا
بارکیرلریله اعیان کبار اشغی طونه دن صو طاشتوب نوش ایدرلر و بو قلعه سلیمان
خان ایله میحاجده جنک ایدن لاغوش قرالک خزینه کاهی ایدی زیرا صرب قلعه
اولوق ایله جمله خزان و تاج اسکندر بونده دوروردی بعده بو قلعه فتح اولوب تاج
اسکندری بو قلعه دن قالدروب قلعه بودینه قویوب اوج سنه دورور تاج
اسکندر کدر [۲] آندن نوش روانه [۳] انتقال ایدوب تاجه آل عثمان مالک اولوب

[۱] س ، ک : قپولدر . ط : قپولدر [۲] س ، ک : ابتدا تاج اسکندر کدر

[۳] س ، ک : انوشروانه

استرغون قلعه سن طوپلیوب بعده عسکر اسلامک رادن عودت اتدیکن کفار
استماع ایدوب قلعه قومرانزینه فرار ایدرلر صار اعظم بوکلشده قلعه استرغونک
وقلعه جکر دلک بوکونه طوپ ایله منهدم اولدیغن کوروب جسری علی التعمیل
اتمام ایدوب قلعه استرغون وجکر دلنی عمارت آتمک باشلدوغنی محل بوحقیر اولکون
رفیقلمزله بعض اشیا آلوب وشغراده [۱] قلعه سین تماشاشا ایتمکک جانب شره
۶ ساعته کیدوب

اوصاف کان تاج غراد یینی قلعه متین وشه غراد

لسان لاتینده ویشه . . . دیرلر غراد قلعه نامیدر لسان نمدده
اسمی . . . لسان مجارده نامی . . . اما السنه ناسده غلط مشهور
ایله وشغراد دیرلر اما باندی منو چهر اولادندن غراندبان بناسیدر حتی
غراندبان تاج اسکندری دیار عجمدن بیله کتوروب بوقلعه ایچره تاجی پنهان ایدوب
اول تاج سببیله بوقلعه عمار اولوب شهر معظم اولور بعده نیجه ملوکاردن ملوکه
بوقلعه انتقال ایدوب آخر کار سنه ۹۵۱ تاریخده سلطان سلیمان عصرنده بودین
وزیری ییحی پاشاراده محمد پاشا دریا مثال عسکری باشنه جمع ایدوب بودیندن
بال یمز طوپلری کتوروب بوقلعه دوکه دوکه بیقوب اشانغی قلعه استیمان ایله فتح
ایدوب جمله کفار یوقرو ایچ قلعه یه قیاقوب جنکه آهنگ ایدرلر آخر کار سردار
محمد پاشا یوقرو قلعه یه طوپ چکمک مباشرت اندکده کفار بو حالی کوروب
خوف وخشیتندن آونجی کونده بوقلعه وزه ایله وروب مفتاحلری سرداره تسلیم
ایدوب قلعه دن چیقارکن تاج اسکندری کفار درون حصارده فراموش ایدوب
ینه قلعه یه کیروب تاجی آلمق ایستلر یکیچریلر کافرلری قلعه یه قومیوب تکرار
جنکه آهنگ ایدوب یکیچریلر جمله کافرلری دندان تیغدن کچیروب قپودان
سردار محمد پاشا کوجیه یکیجیری لر لندن قورتاروب قلعه مفتاحلریله قپودانی
سمادتی سلیمان خاه مؤژده کوندروب قلعه وشه غراد بو یوزدن فتح اولوب حالا

[۱] س ، ک : وشغراد . پ : وشغراد

قرق الی پاره بالیز طوپلرک آمیدینی استماع اولنوب در حال صدر اعظم نفیر رحلتلرین چالدیروب بو باطقه کولی کنارندن قالقوب ۱۲ ساعتده جانب شماله داغر و دره دپلر و اورمانلر و صوسز یرلری کچرکن قرق الی آدم قدر اول شدت حارده صوسز هلاک اولوب دردوبلا چکرک

اوصاف [۱] قلعه استرغون مثل فلك مشحون عبرت نون

سنه ۱۰۷۳ تاریخده ایوار غزاسنه کیدرکن بو قلعه استرغون قچ کره دست اسلامه کردیکی و قچ کره کفار استیلا ادوکی بالاده مفصلدر اما شمدی مذکور باطقه کولنده طوپلر صداسی استماع اولنوب آندن عجله ایله بو قدر آدم صوسز چاتلا یوب کاتمه سنک اصلی مکر مقدا استولنی بلغراد آلتنده ایوار امدادینه کیدن قنبور مصطفی پاشا و حسین پاشا کروفرودارات عظمتلری ایله سکسن یدی بیک عسکر ایله استورغون آلتنه وارد قلمزنده اهل قلعه بو عسکری وزیر اعظم ظن ایدوب طوپلر اشدلیدیکنک اصلی اول ایمش بعده همان صدر اعظم استورغون آلتنده مکث ایتدکره بیک پاره ذخیره کیلرین بونده بولوب اون کون مکث و تقاعد اولماق فرمان اولوب جمیع عساکر اسلامه آتی آیلق عموم ذخیره سی ویریلوب اوردری اسلام ایجره ایله غنیمت اولدیکم جمله حیوانات وانسانات تازه جان بولدیلر و صدر اعظم همان اولکون بتکرار طونه اوزره جسر عظیم انشا ایتک فرمان ایدوب جمله ذخیره کیلری اوزره جسر پامغه مباشرت اولندی لکن سنه ماضیده [۲] استرغون جانندن بر طوب منزلی بعید یرده جسر یاپیلوب ایوار غزاسنه کیدلدی لکن شمدی استرغون قلعه-ی آلتندن جسر قوریلوب قرشو طرفده جکر دلن قلعه سنه دایاندی اما غایت متین قنطرة قوی اولدی اما مقدا بز عساکر اسلام ایله نهر رابه جنسکننده ایکن کفار نمچه لوه قلعه سین دست اسلامدن آلوب اوچ آی مقدم آلدینی لته قلعه سنه عسکر قویوب عظیم عسکر ایله کلوب جکر دلن قلعه سین احراق ایدوب و جسر ی خراب ایدوب آندن اون کون اون کیجه

[۱] س ، ک ، ط : منزل اوصاف [۲] ک : سنه ماضیده

ماللریمه قارشولوق (آیه) (من جاء بالحسنة فله عشر امثالها) نص شریفی اوزره کیدن ماللریمه قارشولوق الله تعالی یکریمی قات احسانلر ایدوب و بر کون آه واه دیدر میوب جمله خداملرمله و نیجه آتلمله کونا کون احسانلر ایدوب استولنی بلغرادده یوزمیز کولدردی حقا که بو استولنی بلغراد قلعه سی بر مبارک قلعه در هر بار بو حصار استواره کاسم البته بر شی انتفاع ایدرم حمد خدا من عندالله درکم الشکر لله همان بومال غنایمک شکرانه بر قربان و بوقدر پرنج و بال ویاغ آلوب بودین قپوسندن طشره کول کنارنده مرحوم و مغفورله غازی سلیمان پاشا تره سی تکیه سنده قربانلر ایدوب پلاولر بشیرب نیجه یوز عدد فقرالر و غازیلر کلوب تناول ایدوب بعدالطعام تکیه فقرالر کلبانک محمدیلر چکوب حقیره خیر دعالر ایتدیلر بده بو منزله خنکار خاصکیبی حسن آغا در دولت طرفنه متوجه اولوب رابه صوبی انهمازی و قلعه لوه آلتنده حسین پاشا انهمازی جمله سعادتلو پادشاهه تلخیص اولنوب اول آن نفیر رحلتلر چالنوب

استولنی بلغراددن لوه و اتره قلعه لری استخلاصنه توجه اولندوغی

منزل لری بیان ایدر

اولا خاصکی آغایه بو قدر زمان رفاقمیز سببیه وداع محلنده حقیره ایکیز آلتون احسان ایدوب در دولته روانه اولدی و حقیره جمله اهالی بلغراد ایله و حاجی مصطفی پاشا افندم ایله وداعلشوب صدر اعظم کوس رحلتلر چالوب جانب شانه ۱۰ ساعت [۱] کیدوب

منزل بحیره پاطقه

یعنی لسان لاتینجه اوردک کولی دمک اولور بر کوچک آب حیات کولدر اما حقا که اورده کی جو قدر و جمیع عسا کر بی پایان بو کول اطرافنده مکث ایدوب ذوق و صفا ایتدیلر بو بحیره کنارنده دورورکن همان اوستورغون طرفندن

[۱] س ک : ۲ ساعت

و مهماتلری يوقلايوب هر شئي یرلی یرنده ايدوب جمله نفراتلره اون کيسه ذخيره بهاسی احسان ايتديلر اما حقير بو محله حاجی مصطفى پاشا افنديمز سر اينده مکک ايتک ايله بزم ايکی نفر اسيرلریمز مصطفى پاشا سويلدوب بلديلر کم سيارتين قپودانی اوغليدر و بری قلعہ يوز باشيسيدر هر برينه بشر يوز غروش ويرديلر حقير رضا ورميوب ايتدم بز او يوار آلتنده قلعہ محاصره سنده ايکن کورجی محمد پاشا کتخداسيله قومران قلعہ سی آلتنده کفار ايله جنک ايدوب آندہ منہزم اولدوغمز کون بر غلام اسير اولدی حالا اول کولہم قومرانده زچشوان نام بر قپودان يانده [۱] اسير اولوب نيجه کرہ غلامک استرغونليرله کاغدلری کلدی بنم اوغلامه بدل يوز بائی بی ویرم غلام زچشواندن خلاص اتسون و نو قپودان زده ايچون بش بيک کومش ربال استرم اولورسه خوش اولماز ايسه بونلری اسلامبوله کتوروب کورکه قورم دیدم کافرلر ايتدی بز قومرانليه قرشماز اکر بزم قلعہ ده اولایدی شمدي کوله کی کتر دیردک اما قومران سر حدنده علاقه منز يوقدر دیو شافی خیر ویردکده خواه نا خواه ماینه سر حد غازیلری مصلحين کوروب حمد خدا يوز باشی کافری بيک عدد طار غروشسه و سيارتين قپودانک اوغلونی بش بيک غروشسه کسشدیکمزده قرشودن بر ياران قائل اولمه اشارتی ايتدی اما بنده بلدم اون بيک غروش ايدر کافر ایدی لکن ماینده حاجی پاشا اولدوغندن حجاب ايدوب بش بيک غروشسه رضا ویردم و کفره لڑک آتیزن و سلاحلرن و ساڑ مال و غنایملرن استيوب آنلر ايچون دخی جمله بيک سويله غروش ويرديلر ویدی نفر غلاملریمزه بشيوز غروش ويرديلر جمله یدی بيک یدی يوز غروشی آلوب اسيرلری حاجی مصطفى پاشايه تسليم ايدوب اولدخی کافرلری تکرار زندانه قيوب حبس اتدکده حقير جمله اون کيسه غروشی قرنداشاغم بودین اغایی عمر اغايه جمله اوجاق اغالری يانده تسليم ايدوب عمر اغا بودينه روانه اولدی حمد و ثنا اول اللهه کيم بيکی قلعہ دن برو و نهر رابه سفرندن برو بو قدر بر زخ و آلام و شدایدلری چکمشکن کریم الله کرم ايدوب نيجه بيره کيدن

تيز جلاد قلدرك شو ملعون خاينلرى دىنجه جميع اوجاق خلقى و جمله بلوك اغالرى و جميع ديوان خواجهلرى صدر اعظمك اياغنه دوشوب سلطاتم بوسفر اوزره بونلرى قردن ايسه البته شمدى لوه ويا لتره [۱] قلعه بى استخلاصنه سعادتله عزيمت بيوررسن بونلرى اول قلعه ده برر طوپ يولينه قيوك انده جنك ايده ايده شهيد اولسونلر ياخود قلعه لرى فتح ايدوب دفتر جرائملرينه عفو قلمى كشيده اولسونلر ديو خاص و عام و پير و جوان رجائى حيز قبولده اوليچق بو مذكور و زرالر جمله صدر اعظمك خاكپاينه يوزلر سوروب جانلرى يرلرينه كلوب صدر اعظم ايدر تيز شو محلدن قالقوب اويوار آلتنه حسن پاشايه جمله امداده كيدك ديو فرمان ايدنجه جمله اول آن فقير رحلتلر چالوب اوچ وزير و يدى مير ميران سگن يدى بيك عسكر ايله قالقوب اويواره على التهجيل كتمده بعده صدر اعظم بو باغرادده اون كون تقاعد فرمان ايدوب جمله مجروحلرى و جميع خسته لرى محله بمحله ائمه و خطبالره دفتر ايله توزيع ايتديلر و بونده نچه چاسارى طرفدن صلح ايچون ايلچيلر كلوب [۲] رد ايدلر اما احواله واقف اوليان كسهلر بو شهره كلنجه همان جميع خسته لرى طعامه طوطوش دردقلى كبي بو قدر زماندن برو آچلق چكش آدملر طعام يمدن اسهان و زحير مرضنه مبتلا اولوب نيجه يوز آدملر مرحوم اولديلر و نيجه بيك عسكر استولنيه كلدكده كويا قالب بى روح آدملر آب و هواسى لطيف شهره كيرنجه چونغى مونايه جان كلور كبي اولديلر حيات تازه و سرور دلنواره دونديلر زيرا استولنيك خلقى غايت غريب دوست آدملر اولماغيله جميع آل عثمان عسكرينك باى و كداسنه و پير و جوانلرينه و خسته و مجروحلرينه ماللى و جانلرى و باشلريله خدمت ايدوب وار مقدورلرن صرف ايتديلر خدا جمله سندن راضى اوله و صدر اعظم بو قلعه دائراً مآدار تماشا ايدوب عسكر اسلامه بحيره سن تطهير ايدوب قلعه نك بعض يرلرن تعمير و ترميم ايدوب هر قلاعلرده برر آثار اتمه لرى كبي بونده دخراون كونده بر طابيه عظيم بنا ايدوب قلعه حصين استوار اولدى و جميع جبه خانه

[۱] س : يالوه ويا لتره [۲] ك : صلح وصلاح ايچون صدر اعظمه ايلچيلر كلوب

صدراعظم استولنی بلغرادینه کوندروب آنده دفن اتدیله ربو منزله صدراعظمک برادری علی‌بک مشوش‌الحال اولدوغندن کسب هوا ایچون علی‌بکی بودینه کوندروب و آنده آخرت کسب هواسین ایدوب پاشا سرایی جامعی حرمنده احمدبک تربه‌سنده دفن اولندی و بو قلعه بکاندن استولنی بلغراد نمایان اولماغیله ارباب دیواندن ماعدا کیم وارایسه بلغراده کیدوب سرا پرده وزیر دلیر اطرافنده هرکس قانون اوزره مرکز لرنده مکث ایدوب حقیرینه خاندان بی‌متهم اولان حاجی پاشانک سراینده ینه خنکار خاصکیسی بوستانچی حسن اغایله مکث ایتدک اما بلغراد قضا‌سنده یدی سکزیبک خیمه و خرگاه و باروبینگاه ایله مکث ایتش یتش سکسن بیک عسکر وار مکر بونلر راهه نهری سفرینه یتشه‌مینلردن . . . والیسی قنبورمصطفی پاشاودفتردار سابق سیاوش پاشا خزینه‌داری اربابود حسین پاشا . . .

ویکرمی عدد میرلوالر و یتش عدد الای بکیلری عسکرلریله وادی بلغراده مکث ایتمشلر ارتسی کون سنه ۱۰۷۴ ماه . . . کوننده صدراعظم برالای عظیم ایله استولنی بلغراده داخل اولورکن عظمت خدا قلعه بلغراد اوله طوب شادمانلری ایتدی کم اوج آسمان وزمین وزمان تیرتیردتره بوب دود باروت بر آسمان اولنجه قلعه بلغرادک برج و بارولری و خشب طایه‌لری کونا کون فلاندره و علملرله تیزین اوانوب جمله مردم حصارلری بریایلم توفنک شادمانلری ایله اوج نوبت کلبانک محمدی چکوب صدراعظم‌دن جمیع اغواتلری و جمله اعیان کبارلریله احسانلر آلوب هرکس منازلرینه روانه اولدیله و جمیع عساکر آل عثمان بلغراد بهشت آباد دیوب جتنه کیرر کبی کیردیله والیری عسکرک نعمت فراوانه ایردیله و بونده مقدمات کنبور مصطفی پاشا و حسین پاشا و غیر می‌میرانلر و غیری امرالرو سائر الای بکیلر جمله صدراعظمه واردقرنده صدراعظم ایدر بقه بیره آدم‌لر سعادت‌لو پادشاه کچن سنه‌دن بروسیزه قپوچی باشی [۱] کوندروب سردار معظم‌له مأمور سزدیو خبر کیده‌لی بریلدر یا شم‌دی یتش سکسن بیک عسکر ایله نیچون راهه سفرینه کلبوب بویله ایاق سوروندوروب کورسز ز راهه [۲] بویله مهرم اولمازدق

[۱] س ، ک : باشلر [۲] س ، ک : راهه [نهراسمی اولان بوکله یازمه کتابلر سزده اکثریتله (راب ، راهه ، رابا) کبی اوج دورلو یازدیفی کورولمده در (م)]

ایله زیاده جه یوردی زیر لور قلعہسی آلتندہ مقدا منہزم اولان صاری ابازہ حسین پاشادن فریادنامہ لر کلوب البتہ افندم اوکوار [۱] امدادینہ یتشہ سین خبرلری کلدکده بومنزلدہ سرعت ایله یورینوب آندن

منزل قلعہ چاوقہ [۲] سد اسلام

حالا بزم استولنی بلغراد سنجاغی حدودندہ صو باشلیق اولوب قلعہسی اوج آسانہ سرچکمش طاطا و بابا و سپرم و سہار تین نامان قلعہ لرک انہاء سرحدندہ اولدوغی بالادہ بوقلعہ نک اوصافی تحریر اولمشدر خدا حفظ و امانندہ ایدہ متین قلعہ دار اماندر بوقلعہ منز قریبندہ عسکر اسلام مکٹ اتدکده صدراعظم شادمانقلر ایچون وافرطوپلر آندی دزداری و نفراتی صدر اعظمه کلوب خلعتلر و احسانلر اولندی آندن قالقوب ینہ سمت شرقہ ۷ ساعت کیدوب صارپ داغلر ایچرہ عبور ایدوب

منزل قلعہ پولاطہ

بودخی استولنی بلغراد من حکمنده بزم قلعہ من اولوب آخرالحدود اولدوغی بالادہ مفصل ترقیم اولمشدر نفراتلری و دزداری و غیرى اعیانلری جملہ صدراعظمه کلوب طوپ شادمانلری ایدوب خلعتلر و احسانلر آلوب بر آلاى غازیان و مجاهدان فی سبیل اللہ کسنلر مسرور و شادان قلعہ لرینہ روان اولدیلر آندن قالقوب ینہ عسکر اسلام ایله جانب شرقہ ۷ ساعتہ

منزل قلعہ بکان

استولنی بلغراددن جریان ایدن شارویز کولنک کچت باشنده شکل مربع بر کوچک پلنقه اولدوغی بالادہ مفصل تحریر اولمشدر لکن شمدی صدر اعظم کلوب بوقلعہ ذیلندہ مکٹ اتدکده قانون اوزره طوپ شادمانی ایدوب قلعہ اغالری و نفراتلری صدراعظمدن احسان و خلعتلر آلوب کتدیله مقدا چوبانچسہ قلعہسی آلتندہ طوپ ایله زخم خوردہ اولان پکسمت امینی عثمان اغا بومنزلدہ مرحوم اولوب نعلشی

[۱] ک : اووار [۲] ک : چاوقہ

آندی بعدہ سنہ ۱۰۰۲ تاریخندہ ماہ محرم الحرامدہ فاتح یانق سنان پاشا بوقلعہ دست بازوایہ نمچہ چاساری لندن یوم عاشورادہ فتح آتمشدر بعدہ بوقلعہ نک فتح مسرتی سبیلہ سلطان مراد خان ثالث مہری سنان پاشایہ احسان ایدوب قلعہ یانق اوزرہ سردار معظم آتمشدر بعدہ سنہ ۱۰۰۶ تاریخندہ سلطان محمد خان ثالث عصرندہ کفار حیلہ ایلہ قلعہ یانقہ اجاج طوب آتوب ظفر بولوب ایچنہ لشکر قودوغی سنہ قلعہ پابابی وقلعہ تانابی بوقلعہ پسپرمی آلوب الی هذا الآن دست کفارده قالوب عمار اولمشدر حالا بومخلدہ عسکر اسلام بر ساعت بعید بقوان نام بردرہ نک کنارندہ مکث ایدوب جوانب اربعہ یہ قر اوولر فرمان اولندی زیرا بوقلعہ نک قطناسی غایت شجیع و بہادر جری ملعونلری اولور حتی آلتی بیک مرد آتلمسی واردر دیرلر قلعہ سی براورمانلی داغلر ایچرہ . . .

اولاشوب عظیم طوپلر آندی واستولنی بلغرادک طوپلری بو پسپرمده و پسپرم طوپلری استولنی بلغراددہ استناع اولنور زیرا مابینلری جملہ آلتی میل قریبدر و پولاطہ قلعہ مزلہ و چاقو قلعہ مزلہ بو کافرک پسپرم قلعہ لری بربرلینہ یقین واقع اولوب صاج ایانغی دوشمشدر بومنزلدہ مقدا فرمان وزیر ایلہ واشوار قلعہ سی التندن استولنی بلغرادہ ذخیرہ کتور مکہ کیدن حاجی پاشا کلوب ایکویز عربہ یوکی ذخیرہ ویشیوز صفر وغیری ذخایرلہ عسکر اسلامہ خضر کبی یتشوب اوردوی اسلام غنیمت اولوب اندن قالقوب کیدرکن پسپرم قلعہ سنک واروشنی عسکر اسلام احراق آتدی دیو خبر کلوب عقبنجہ اسیر و مال غنایملری حضور وزیرہ کلوب انعام و احسانلر ویرلدی آندن یدی ساعتدہ ینہ جانب شرقہ کیدرکن بعض یارانلر ایلہ ہمعنان اولوب کویا باباعمر وک عمان کرامیسندن [۱] چیقاردر کبی ہکبہ دن خاص و بیاض کل پنبہ مثال مجار اککلری چیقاروب ہمعنان اولدو غمز یارانلرہ ویردکدہ تعجب ایدوب آیا بوقحطدہ یونان بارہ لری اولیاقندہ بولور کم دیو یوزیمہ آلاری آلاری بقارلردی و بوحاجی پاشا ایلہ کلن ذخیرہ عربہ لری بوش قالوب قالان جبہ خانہ لری و بعض شاہی طوپلری بو عربہ لزہ تحمیل ایدوب جبہ خانہ و بعض بار ثقیلار سہل خفت بولوب بومنزلدہ سرعت

[۱] س، ک : عمان کرامہ سندن

آب حیات کو کجک صودر آندہ کدوسلی افندی یہ اون ہم وحاجی زادہ افندی یہ بش یم و صدر اعظم کنخدا می ابراہیم اغایہ اون یم و کاجی سلیم افندی یہ بر یم و جبہ جی باشی علی اغایہ و صامصونجی باشی عبدی اغایہ وغیری دوستلرہ کفایت مقداری بر یم و یروب بوترتیب اوزرہ ایکی جاق نوکی شہیرلری جمیع ولی نعملریمہ بذل ایدوب آنلرہ اولیام بیزہ خضر یتشدی دیو صفالرندن مملوکلرہ اونز و یکرہ یشر آلتونلر احسان ایدرلر [۱] و مذکور قیون کبانک برینی بارہ بارہ ایدرب یکر می قطعہ سن یکر می عدد ولی نعم افندیلرہ دخی کوندر دم آنلر دخی جملہ سرورلرندن خدا لری مزہ فراوان احسان ایدوب نجاری اشته کندی [۲] اولیا حقا کہ بویله قحط و غلا بیردہ نیجہ کبارہ آت یملری وقیون کبابلری و بیاض و خاص بکصباتلری بذل اتدی حقا کہ اولیا لکی اتبات اتدی دیو نیجہ یاران باصفالر شقالر ایدرلر مش اول کیجہ کفرہ قطنالرینک ایکی رأس آتترینی کدوسلی افندی یہ یوز غروشہ فروخت ایدوب ایکسن فروخت اتمدم وغیری چاقلری و ذخیردلی حفظ ایدوب اول کیجہ آتله ینہ آغر یملر آصدم علی الصباح ینہ آتله سوار اولوب هریری بر کونہ جنبش و کرہ یتجک حاصل اتمشلر اولکون حمد جناب اله هوا لطیف اولوب ینہ داغلر اچرہ جانب شرقہ آتلی ساعت کیدوب قلعه پولاتہ ایله باقوان داغلری دامنندن کچوب قلعه لاق نام قلعه دخی نمایان اولوب مقدا بولاق قلعه سی بالادہ وصف اولوب آندن

اوصاف قلعه متین قدیم یعنی حصار استوار پسریم

نیچلر پسریم دیرلر پسریم دیرلر اما غلط مشهور اولی اولیا غیلہ افواہ ناسدہ واسان نمچدہ و مجارده پسریم نامیلہ معروف برقلعه متیندر سنہ ۹۵۸ تاریخندہ سلیمان خانیدہ بدست خادم علی پاشا فتح اولوب عسکریلہ و قلعه متانلیہ بودین ایالتندہ سنجاغ بکی تختی ایدی بعدہ ینہ سلیمان خان سکتوار سفرینہ سنہ ۹۷۳ تاریخندہ کادکدہ [۳] فردیناند قرال طاطا و پاپا و بز پسریم قلعه سن کفار آلدوغیچون سلیمان خان پچوی آتندہ بودین وزیرری ارسلان پاشایی سراپردہ اوکنندہ پسریم قلعه سی ایچون قتل

[۱] س، ک: احسان و اناملر ایدر [۲] س، ک، ط: کیدی [۳] س، ک، ط: کلورکن

برقیچ آشنا بولیدق دیو سلاحمه شاه راهه چیقوب کوردمکه عساکر اسلام چاپور
 عسکری کچی دوکلوب کچی زار و کریان و کچی واله و نالان آج و زاج ذلیل و زبون
 پیاده و یالین آباق الله الله دیوب دوکولرک عبور ایدرلر قوینمده کی ساعتیه نظر اتم
 هنوز وقت ظهر اولوب برغریب یکتدن سؤال ایدوب ایا شهبازم عسکرک کروسی
 دخی وارمیدر دیدکده اول یکت ایدر ابتداسی هنوز بز ز طویلر و دوندارلر آنجاق
 اخشامه قریب بورایه کلرلر اما ایلریده قوناق اوزاقی و یقینیمی بیلیم دیدکده خبرک
 صحتن لقماندن آلدیم دیو عسکری نظاره یه آلوب دورورکن حکمت خدا بزم ساجدار
 سپاهیسنک باش خلیفه سی کدوسلی محمد افندینک صراحی مصطفی و دمراوغلی و قره
 علی نام اون ایکی عدد رفیق قدیملری گوروب جانمیرینه کادی بیره کلک یولداشلر
 شو کورده دره ایچره غلاملرمله آتشلر یقدم سهل تنفس ایدوب راحت اولوب
 آندن کیدم دیدکده آنلرک جان عزیزلرینه منت یولدن صاپوب درحال آتشنه
 کلوب او طور دیلر حمد خدا نزا کتله رفیقلر پیدا ایتدم دیوب بونلرک جمله آتلیرینه
 برر صلمه [۱] بم آصوب و صفرة خلیلی کباب و پکسمتلی ایله میدان محبته کتوردیکمده
 بونلر حیرته [۲] قلوب تازه جان بولیدلر و جهان جهان آتلیر ده و کندولری ده
 آتشنه باشنده صفار ایتدیلر و دفع جوع ایدوب عبادت ایتدیلر و بعد صلات العصر
 جه من رفیقلر ایله بی باک و پروا آتلوب جاقلری قطنلرک آتلیرک دورودینه تحمیل
 و قطنلری غلاملریمک زبون آتلیرینه بندروب و کافرلرک بندوکی آتلیرک قرنلری
 آلتندن آیاقلرینه بو قاغیلر اوروب قره جه لرندن پک قید و بند ایدوب هر بیرینک
 لجاملرین برر غلاملرک اللرینه و یروب صاغ طرفزده بیوک عسکرک های وهوی
 صدالرن استماع ایدرک اورمانلر ایچره کیده رک حمد خدا اخشامه قریب اوردوی
 عسکره داخل اولوب کدوسلی خلیفه نک خیمه سنده رفیقلر منزله بریده مکث ایدوب
 یزه اولقدر اعزاز و اکرام ایدوب نهر چاقوه کنارنده حقیره بشقه برچادر قوروب
 خداملریمز ایله ذوق ایدوب حمد خدا چادر منزی یاقش ایکن ینه بشقه چادر صاحبی
 اولدق اما نهر چاقوه داغلرندن کلوب قبله جانبنه بلاطین کولینه آقوب مخلوط اولور

[۱] س ، ک : صلومه [لامک اوزرنده شده وار (م)] [۲] س ، ک : عالم حیرته

عسکرلره راست کله یوز یا خود بواسیر کافرلریمز کچی قطننا کافرلرینه راست کله یوز یولدر ایزدر وعسکرلکدر بیزه وسیزه صارقندی [۱] ایدلر البته دوکوشمک اقتضا ایدر زیرا شمعی بوداغلر اصلا خالی دکلدلر مالا مال کافرلردلر ویول ایز به یوز هر قننی عسکر بزه راست کلسلر البته بو کافرلری وبوماللری اللریمزدن آلرلر دیو کوله لریم یخشی مشورت ایتدیلر سیفی غلام ایدر هله بر کره دخی شو کافرلری سویلده ایم دیوب سز نره لیسز دیدکده آنلردن حقیرک باغلدوخی کفره ایدر بن بر غریب وفقیرم یانق قلعه سنده یا نشم بو عسکر ایله کیشم دیدکده یا فقیرده بویله کخیلان آتلا و بویله آلتون یالذلی توفنکار [۲] و کومشلی قلیج و کومشلی کولنکار نشلر تیز طوغری سویله [۳] بوخسه سزی شمعی شوراده قتل ایدلر [۴] دیو کافرلره بر قاج کره حاجی بکنتاش ولی بالتالی اورنجه عیسی و مریم آنا حقیچون بن سن مارتین قلعه سنک یوز باشی سییم بو بنم افندم قپودا تمک اوغلیدز اگر بزی اولدور منزه کز سیزه چوق به اویره لم بیزی اوستولنی بلغراده چ قارک آنده بیزه اسپر اولمش آدم لر چوقدر آنلر بزی اغلا بیلورلر سزلردن بزی آنلر کومشلا ایله قورنارلر بزم سرحدیمزک حالی بویله در [۵] ایوله اولور دیدکلرنده غلام لریم ایدر یاسز اوستولنی بلغراد یوللرین بیلوره میسز وقاج کونلک یولدر دیو سؤال ایتدی کمزده کفرلر ایتدی اللی یدی ساعت یر قالدی بز بو پوصوده دوتولدوغمز یردن قاقوب برکیجه سزک چاوقه قلعه سی آلتنده پوصو ایدوب ایرتمی سکر دوب ایکندی زمانی اوستولنی بلغراد آلتنده واروشلرندن یا باغدالهلرندن شکار آلوب یینه دوترز دیو جواب ائدکلرنده بلدم که آل عثمان عسکری آباغیله کامل درت قناق یروار اما ملعونلر احتمالدر کندولری خلاص اولق ایچون بزی کافر عسکری اوزره کوتورلر دیو نیجه کونه ملاحظه لر ایدوب همان یینه آل عثمان اوردوسن قوللایه رق کتمک معقولدر دیو قرار و یروب دوردم اما (اول الرفیق شم الطريق) [۶] کلایمی اوزره بزه دخی رفیق لازمدر دیوب غلام لریمه ایتدم سز اوغلانلر غافل اولمک بن پیاده جه یینه اولو بویوک یول اوستنه واروب بویکم

[۱] ک : صارقندیاق [۲] ک : یالذلی التونلی توفنکار [۳] س ، ک : دشورک [۴]

س ، ک : باش ایدلر [۵] س ، ک : بودر [۶] س : شم الطريق شم الطريق

ونصرت سنكدر ديو سجده شكر ايدوب (هذا من فضل ربی) لفظی [۱] رد
 زبانم اولدی کور ایدمی جناب بارینک انعامن کم اوچ کون مقدم دفع جوع ایچون
 برایشه [۲] آتمی بوغازلیوب تناول ایدوب صالت سبکبار قالام دیو بو قدر اشیایی
 اسباب واثقال وحوایج وچادری جمله آتسه ویزمش ایدک بو کره جناب الله آنک
 عشر امثالی قدر الله کریم کرم ایدوب نیجه کونه عوضلر ایتدی ای برادر جان
 برابرم بو قدر تطویل کلامدن مال محصل کلام اولدرکم هان بر قول قولوغنده بر
 خوش ثابت قدم طوروب جمیع امورن درکاه عزته تفویض ایدوب صدقه الله
 عظیم لسانه توکل [۳] اولدیمی انک رزقن الله سزمدوکی یردن ویرر (ان الله
 هو الرزاق ذو القوه المتین) دیوب بو شکارلری آلوب عالم اغیاردن بی خبر آتش
 کنارنده صفا ایدوب عساکر اسلام ایسه اوته طرفزده رنج و عناچکری عبور ایتده
 اما بو آتش کنارنده غلاملرله مشاوره ایدوب نه دیرسز اوغلانلر بز بواسیر کافرلر
 ایله عسکر ایچره شامراهه وارسق احتمالدر صدراعظم بواسیرلری دیوب قلیل بها ایله
 الیزدن آلار یاخرد دیلدر دیو سوبلد بیونلرن اورلر بوغنیمتلر ایله آنلر الدن
 الدن کیدلر و آج عسکر ایچنده بو قدر ترکیمزده کی جاقلر ایله ذخیره عسکر کوروب
 یغما ایتلری مقرردر بز دخی دورمیوب مالز ویرمه مک ایچون جنک ایتمه من
 مقرردر اما عمومه مخالفت قوه خطادن در بو کره عموم ایچره اولمک اقتضا ایدر
 البته بز بو ذخیره مزه عسکر صاریلجقلزنده هیچ شهم بو قدر زیرا کامل یکر می آلتی
 کوندر کم صدر اعظمک بیله آتلی جمله مشه اغاچی فیلسلری وچامورلی اوتلوقلری
 ییزلر کافر قورقوسندن عسکر اوردودن برفریخ ونیم مرحله طشره کیده میوب
 عسکرک کریبانلرن نیجه کره کافر آلدوغی اجلدن هر کس آتلرن کوزلری اوکنده
 چاموره بغلیوب آتلی وکندولری آجدر شمدی ییزده بو قدر ذخیره لری کورنیجه
 عسکرک البتده یغما ایتلری مقرردر کلک اوغلانلر سزکله صاغ طرفزده عسکر
 وصول طرفزده داغلر کنارن قوللایراق کیده لم دیونجه بیک کونه مشاوره لر اتدکه
 سهراب غلام ایدر یاسلطانم بلکه بز کبی یولدن طشره اورمانلره چیقسان چته جی

[۱] ک : آیت کریمه سی [۲] س ، ک : اشهب [۳] س ، ک : متوکل

بللرینه باندم برر کودوری مشین کمرلی وار برنده یتیش سوبلیه [۱] طلر
 غروشلی وار و فرق عدد انکروس التونی وار و برنده اون سوبلیه [۲] غروش
 ووز بش انکروس التونی وار ایدی بو التونلری آلوب عمان کرامیه [۳] طور بجه
 [۴] ایدوب بشر آتون غلاملمه ووروب کفارک دورت رأس آتلیینه نظر ایتدم
 دوردی دخی برانمش و اشلمش قطن کافری آتلی و جمله آتلیک آلات و سلاحلری
 واکر قاشنده ایکیشر و ترکیلرنده کذلک ایکیشر قول تفنکلری تلاتین آتون بالدزلی
 قبورلری ایله مصنع توفنکلری و ترکیلرنده برر قزل عبادن یا غمورلقلری و برر
 هیبه لرنده دونلری و کوملکلری و آت نعللری و میخلری و بیاض پکسمت و پینلری
 و او ماریم قدر چاقلری ترکیلرنده وار ایدی لکن رختلری جمله قایش ایدی اما
 قالجلی اسکلی المان ایدی و کومشلی کولنکلری و بوی توفنکلری غایت مصنع
 ایدی (حکمت باری نصیب اندر نصیب باری) غلاملرک بر قاجی داغلا اچره
 کزوب شکار کله پیرلن آزار کس ایکی چاق آرپا و ایکی چاق بیاض پکسمت و برجره
 شراب بی حجاب و چانظه چانظه کبابلر و ایکی کومشلی مصنع قلعجر و بر سیم قدح
 و بر آتون عرق قدحی و مجلس باشنده آلتی دانه کومشلی بچاقلر و آلتی دانه کومش
 بختلر و بر کومش قوللی طاس و بر بیاض احرام ایچنده کونا کون دونلر و کوملکلر
 و اسبابلر بولوب خداملم کتوردکده همان حقیر شادمرک اوله یازدم و بیاض احرامی
 آتش باشنه دوشه یوب سد اسکندر وار لنگر براغوب بو اسبابلرک احوالندن خبر
 صوردم و الهی بو اسبابلر بزم یانق قیوداننک اسبابلریدر کیجه قرانلقده خبر کلوب
 قالدقدقه شاشقنقلرندن جمله شیلرن ویزی دخی بیله اونودوب کتدیله بز دخی
 و بو ماللر دخی سزه نصیب اولدی دخی کیملره نصیب اولاجقدردیدیلر همان اولدم
 آتش کنارنده ایکی رکعت نماز قیلوب ایتدم الهی بو عبد عاصی و عاجز حقیر ادانان
 ادانادرم بو قدر احسان و انعام ایندک و بو ایکی طاغ اره سنده ایکی طاغ پاره سی قدر
 کافرلری قبضه تصرفه و بر دک عنایت و احسان و انعام سنکدر و حول و قوت و قدرت

[۱] س، ک: سیویله . ط: سوبلیه [۲] س، ط: سوبلیه [۳] (عمان کرامیه)

دیبه اوقورنعلیدر (م) [۴] س، : " : طور بجه

دانه یرار آتلی بوشانمش کز لرکن آتلی دوتوب بزم آتلیک یاننده باغلیوب
 یلمن آصوب دورورلر دیدکده هان حقیر دورت عدد غلامله پر صلاح کافرلرک
 اولدوغی محل معهوده واروب کوردم ایکی کافر سلاحلرن بر اغاج دالنه آصوب
 خواب راحتله [۱] طوکوز کبی خورلیوب یاطرلر هان بو عبد فقیر باب یاب الم
 قلیج قبضه سنه واروب ابتدا کافرک چالیده آصیلن سلاحلرن آلوب بزم غلاملر
 یاننده برچالییه صلب ایدوب آندن هر کافره ایکیشر غلاملرمله علی الغفله اوستلرینه
 دوشوب صاریلوب اول کفارک بری جان حولیله یرندن پرتاب ایدوب مکر بلنده
 برکوچک توفنکی وار ایمش بلندن چیقاروب و آتش ایتم ظن ایدوب حقیر بونک
 قولنه نیجه برالته دوکدوسی [۲] اوردم ایسه توفنک قولندن فیرایوب هان رستم
 نام بنام کولم حقا که رستمانه کفاره صاریلوب اول محله کافرک کله سنه حقیر برالته
 دخی اوروب کافر سراسیمه اولیجق دست برقنا کافری قید و بند ایدوب ایکیشی ده
 آتش کنسارینه کترک اما او بر کافره کاظم و سهراب نام غلاملرم اصلا کافری
 داوراندرمیوب باغلیدلر اما بو کفره اهل ذوق ایمش النده مزه سیله بلنده بر
 چوطره [۳] شرابیله خواب نازه وارمش اما صوکره شمدی زور ایله اویانمش
 درحال بو کافرلری سیفی نام غلام مرحوم سید احمدپاشا ایله اردل دیارندن کندی
 الله چیقاردیغ فصیح و بلیغ مجار غلامی ایدی بر یرار توانا یکت اولوب آنسکه
 بو ایکی کافری سویدوب کافرلر ایتدی واللهی بورام [۴] یعنی آغام بز یانیق
 قلعه سندن ایکی بیک آدم بو محله کلوب ایکی کیجه ایدی یطوب بودره دن کلن کچن
 تورک عسکری اوزره چیقلم شکار آلهلم یانیغه طافره ایله وارلم دیرکن چاشطلریمز
 کلوب بیره بورده نطورر سکیز دریا کبی ترک عسکری اوزریکزه کلیور دیمشدر
 عسکریمیزک جانلری باشلرینه صیچرایوب یولداشلرمن قاچمشدر بز دخی شو آتش
 باشنده ایکی قیون کبابمز وار ایدی اکا منتظر اولوب بر قیچ قدح شراب زیاده جه
 ایچوب اویویه قالمشز اشته باشمز بویله حال کلدی دیدکده هان بو کافرلری صویوب

[۱] س ، ک : خواب راحتله [۲] س ، ک : توکدوسی [۳] س ، ک : چوطره

[۴] س ، ک : پورام

چکلم دفع جوع ایدوب خالق رازق اللہ حمد ایدلم دیدکده مملوکک بری ایدر
 اغا قور قرم بو کبابلر طوکوز اتیدر دیغجه حقیر ایتدم هی خنزیر اوغلی خنزیر خنزیر
 اتی اولسونده شیشده اولسون دیدکلری اشته بو کباب حقنه دینمشدر سز کافر
 اولادی بلندن کله سز [۱] طوکوز اتیله پرورده اوله سز [۲] صقنه سز یان صقنما یمتی
 اشته قیونلرک باشلری و پاچه لری و دریلری دیو غلاملریمه کوستروب معان اوغلی
 حبسندن چیقار کبی آج جقمش [۳] ونجه ایام آج قالمش خداملرمله قیون کبابلرینک
 بری سین معدی کرب وار غلاملر مزله یدک و فی الحال پیر و پاک اتدک و بر قیون کبابن
 مشین صفره یه صاروب حفظ ایلدک بعد الطعام غلاملر ایکی قره پینه کافر توفنکلری
 و اوچ دانه چرخلی قول توفنکلری و برقلچ و برکولنک بولدیلر آندن سیس خانلری
 یوکلدوب کتمک صددده ایکن ایکی غلاملریمز بر چالی دبنده ایکی چاق [۴] یوکی
 یولاف بولوب کتوردیلر اما هر برن بر آ م قلدره ماز الهی بیک بیک سسکا حمد
 و شائر اولسون بزله شوداغ بی امانده پشمش قیون کبابی و وردک آتلیرمزه یولاف
 و وردک حق کریمسنگم [۵] (آیه) (و ما من دابة فی الارض الا علی الله رزقها) دیدک
 و بو آیت شریفه خاطره خطور ایدوب جنساب کبریاه اعتقاد ازایم دخی زیاده
 اولدی اما بو یولافلری [۶] آتله [۷] تحمیل ایتسک آتله کتورمکه اقتداری
 یوق همان یدی عدد آتلیرمزه یدی قدر صلتمه یملری آصوب آتلی یملری یدینجه
 آتش کنارنده امیرانه ذوق و صفا ایتدک [۸] و آتلی یملری کسنجه حقیر پیاده جه شاه
 راه اوزره واروب عسا کر اسلامک آینده ورونده سنک ابتدای انتها سنه وارنجه واقف
 اسرار اوله یم دیوب شاه راه اوزره واروب جوزئی [۹] تماشا ایدرکن همان بو حقیرک
 سیفی نام بر غلام خارخار [۱۰] صولوی اراق کلوب [۱۱] بیره اغا مو شتلق شکار وار
 قالق کیده لم ایکی کافر بر اغا جلق ایچنده خورخور او یوبوب یاطرلر و دورت
 [۱] ک : کلمشز [۲] س ، ک : پرورش بولامزده [۳] ک : آجقمش [۴] بو کله
 دیگر نسخه لرده هب بر نقطه لی جیم ایله یازلمشدر (م) [۵] ک : حقا که رب العالمین و رازق
 بی تعب خدای کریمسنگم [۶] ک : بو یولاف جاقلرین [۷] س ، ک : آتلیرمزه [۸] س ،
 ک : ایدوب آتلی عیداکبر ایتدیلر [۹] ک : جزئی [۱۰] س ، ک : حار حار [۱۱] س ،
 ک : التده بر دال براق ایله کلوب

(منزل قلعه واشوار) ه [۱]

واریلوب قربنده مکث اولندی سنه... تاریخنده سلیمان خان وزیر لرندن یحیی پاشا فتح ایدوب ینه کفار مستولی اولوب قلعه سی برپشته عالی اوزره شدادی ایچ قلعه سی و آشنی واروشی پلنقه عظیم اولدوغی بالاده مفصل تحریر اولمشدر و بومنزله طول و دراز یول اولماق ایله نیجه یوز مجروح و ضعیف و بی درمان خدامان اهل ایمان خیابان چنکستان ایچره قالدیلر آنلره برحاکم مرد نظر آتیوب آنلر کلمکه جان آندیلر اما جمله سین کفار کرده خسته قان [۲] قردیلر

در بیان حکمت خدا نصیب احسان باری

بو حقیر بومنزله خدامرمله متالم اولوب دوشه قالقه ایلیری بر اورمانلق ایچره کیدرکن صول جانمزه برکینکاه اوله جق یرده بر آتش نمرود ظاهر اولدی آیا بونه آتش اوله دیو جرأت ایدوب ایلیریه آت سوروب واردم بر عظیم آت شک ایکی جانبنده ایکی آغا جدن اورمان شیشلرینه ایکی دانه پشمش عقیق یعنی مثال قیون کبابلی دورور همان حقیر ایتم بیره اوغلانلر اطراف و اکنافی جست و جووایدک بو کبابک اصل و فرعن آرایلم آیا نه اوله کورم دیه مملوکلریمز هر جنبه کوندرم حقیر دخی آت ایله جوانب اربعه بی دور ایلدم آدم و آدمی زاددن بر نام و نشان بولدم اما بو قیون کبابی اولان جای مهوددن و پوصو [۳] یرندن ایکی بیک مقداری عسکر هنوز قالمشدر زیرا آتشلرندن و آت بغلنن یرلردن تقدن عسکر اولدوغی معلوم ایدی اما بونه عسکر یوردی اوله دیو زیر و بالای تجسس ایدرکن بر کفره چنته سی یعنی سلاح کیسه سی ایچنده بر قره شاپقه و بر تلاتین درنیسندن کفره جزمه سی بولدی بیلدم که کفره طاووزی یوردیدر اما هنوز قالمشدر یا خود قالمشدر حقیر ایتم بیره اوغلانلر جناب کتربا بوداغ ایچنده بیزه پشمش قیون کبابلی احسان ایلدی اول جان صکره جهان کلک شو کبابی (ا کل یا کل) باندن صیغه به

[۱] پ : واشوازه [۲] س ، ک ، ط : قالدیلر [۳] س ، ک : و پوصو

براورمانده حقيری قطرلرک يانته کتروب برقيچ قطرلرک جمله سمرلرین انديروب مکر
 مقدا سمرلرک سازلری ايجره آربا طولدروب هر سمردن برآتیمی آربا چيقاروب
 بوسری کسيه ديه هر کيجه کلورسن بر آلتونه سکا بریم بلورم وغيره ايکيشر آلتونه
 ويري م اما سن اسکی دوستمز سکز ديو رجارل ايدوب قطر سمرلری ايجندن آربا
 چيقاروب ویردی الهی حيله کار خداملر افلاح و بر خوردار اولمیلر زیرا قرق
 اللی يیلدن برو خدمتکار قهری حقيری زاروزبون ايتدی و بونهر و يژه کنارنده آتله
 نفقه بولدی اما خداملرک ذره قدر آزقلری يوق هان آتله يم آصادن مقدم
 بر اشهب ترکجه آتمی بصوب بوغازليوب قربان ايدوب نصفی ريفقيلر يمز تانارلره و يروب
 نصفی حقير پرتقصير خداملرمله تناول ايدوب اول کيجه ليله اضحی ايتدک و بو
 نهري عسا کر اسلام عبور ايدرکن بونهره بر بال يمز طوب دوشوب يکيجری اغای
 محرم پاشا و صدر اعظم کتخداسی ابراهيم اغا بر کيسه قزمزی قزلنه آلتونی فی الحال
 غازيلره بذل ايدوب خواه نا خواه ابرام مالایطاق ايله مذکور طوی بطاق ايجندن چيقاروب
 قرشو طرفه کچيروب بونهر اوزره فی الحال يدی رده درخت طويللر اوزره جسر قویلر بنا
 ايدوب جمله غزات مسلمین عبور ايدرلرکن ابراهيم کتخدایه خير دعار ايتديلر و بومنزله
 استولنی بلغرادده بش مرحله برقالدی ديو استولنی بلغرادده متصرف حاجی پاشانی استولینه
 کوندروب باشک کرک ايسه عسا کر اسلامه ذخيره تدارک ايله ديو مؤکد فرمان اولوب برقيچ
 سر حدیلر ايله طاغدن طاغه روانه اولديلر و بو محله جوانب اربعه به نيجه قراوللر
 تعيين اولنوب آنده برکون تقاعد اوانوب ايرتبی کون بعد المغرب عسکر اسلامک
 صوکی دوندار پاشا ايله کلوب اوردوی اسلامه واصل اولديلر اندن ينه عسکر
 زده خوار ايله اسب رهوار يمز سوار اولوب جيران پانک برسنگ سنديره رک [۱]
 آتلی يمز کيدرک حمد خدا هوا کرم و زم اولوب شمس تابانک شدت حرارتندن
 غزاتک جرأت طهرالری حرکته کلوب يوزلری کولدی گویا عسکر اسلام ايجره
 يوم نوروز خوارزم شاهی اولدی جيوش موحدین بيجان ايکن پرجان اولدی
 و اولکون ۱۱ ساعت يول آلتوب سلامتله

[۱] س، ک : سنديره رک

جان تسلیم اندکده فی الحال غیرت کش عثمان اغانک وجودین غیری آته بندیروب جمله غزاتک [۱] شهدارک نعشملرن و مجروحلرن آلوب اوردویه بی فتح پرمال واصل اولدق اندن قالقوب یینه ولی نعمتمز دخی مجروح اولدی دیهرک عثمان اغا افندمن ایچون بکا ایدهرک کندی کندیمه صد کونه [۲] لوم ایدهرک یینه عنم راه ایدوب آردیمزده و اوکزده برکاک ایچره کیدهرک بر اورمان ایچره کیروب ابتدا خیمه و دوشمه لزی و سوزنی ایچی چفت هند کاری مقعدلری و اوچ عدد کللری و بر بوش دبه کیره جمله بریره بغوب آتش اوروب کتدم حمد خدا بارمز بر کره باری قالدی و ایکی وقیه پکسمات انجق قالمش ایدی آنلری ده خداملرک هییهلرینه قودق اما آنلره شعیردن بر دانه خردلدن ذره نشان یوق انجق اوت و اوتلوق و آب حیات صو چوق نه چاره توکل حقدن غیری علاج یوق بو حال اوزره آج وزاج و بزنان یاره یه محتاج آنلر ایله یوله روانه اولدق حقیرک دکل جمیع عسا کر اسلامک آنلری و خداملری قرق اللی کوندن برو نه شعیر و نه اسی طعام بوزن کورمه مش آنلر و آدملر وار نیجه بیک کزیده اسب صبار رفتار کخیلان آنلر شاه کدا آنلری کچی رفتار ایدرک و جمیع شهبازیکیت خداملر آجلقدن لال زبون کچی کفتار ایدهرک قره چامورک بطاغ و چطاغنده مستغرق اولوب کیدهرک چامورلر زده دوشن آدملر اول یرلرده قازاق اولکون ذردسر انجام چکرک ۹ ساعتده

منزل نهر ویژه

بونهر صغیر کفارک پرس یریم قلعه سی داغلرندن طلوع ایدوب بو محلدن عبور ایدوب جانب قبله یه جریان ایدهرک قلعه طایبه سه قربنده بحیره بلاطینه منصب اولور اما حقیر بو محله آنلریمه صدراعظمک خربنده باشیسندن برر آلتونه آت می آلوب اون بر آلون و یردم حمد خدا آلتون وار اما نیز ایکشر آلتون دیسه و یردم اما خدام حیله کاری کورکیم افندیلرینک ماللرینه نیجه خیانت ایدوب قطار حیوانا تلرندن نیجه کسوب ساتارلر چونکه خربنده باشی حقیردن اون بر آلتونی آلوب

[۱] ک : جمله غزات [۲] س، ک : صدک [لامک فتی و کافک سکونیه حرکت لشدن (م)]

قلعه سى ولتره قلعه سى دخى الدن كتدى خدای متعال بدترندن حفظ ايدو ديوجواب
 انديلر همان اولياما كراقل ايسك بوسفرلرده بولنمايوب عزم عربستان ايدوب (مفرد)
 (مجردى به حقيقت عظيم سلطنت است) دمشك بوسفرلرده ودياده هر نقدر صالت
 وسبكار آدم اولورسك اولقدر راحت اولورسين ديدكده قازنجي زادهك دست
 شريفن بوس ايدوب بوپندلري كوشمه منكوش ايدوب جميع امور يميزى رب العزته
 تفويض ايدوب اول كيجه مملوكلر مذك جمله يورغان وكبه ولسه لرن وغيرى بارثقيبارى
 وجدان سراويل وقيصلى جمله احراق ايدوب آنجق درويشانه بر احرام آليقيوب
 سهيل سبكار اولدق ايرتسى كون ينه شدرحل شدت شتاوكل پربلاچكر كيدركن
 كيرودن فريادجيلر كلوب جبهه خانيه وطوپلره كافر اندى ديجه عسكر ك نصفى كيرويه
 عودت ايدوب طوپلره امداد يتشوب جمله كفار داغله فرار انديلر امداده واران
 عسكر كفارى داغلردن قوماديلر احتمالدر كفارلر كرده ايلروده پوصوسى واردر
 ديوكافرى قوماديلر آندن

اوصاف قلعه چوباچيسه

بو قلعه بالا قربنده مكك اولنوب نجه چاسارى حكمنده بكان اوغلى خا كنده برسر آمد
 پشته عالى اوزره شكل محمدن طولانى جمله سنك تراش ايله مبنى بر قلعه ر عنادر ا ما بمحله صدر
 اعظمه خبر كلديكم قلعه وره وروب مطيع اولدى ديوخبر كلنجه صدر اعظم دفتر دار احمد
 پاشايه ضبط وربط چون فرمانلر صادر اولوب جمله دفتر دار عسكرى ويدي بلوك آغالى
 قلعه آلتنه واروب هاندم درون قلعه دن عسا كر اسلام اوزره ملعون كفارلر بر يايلم
 قرشوم و بر يايلم طوب آتوب بو قدر آتلى و بو قدر بنى آدملى زخم خورده
 ايدوب بو قدر يوز آدم شهادت شربت ن نوش و بو قدر آدم زخم آلوده مدهوش اولوب
 دفتر دار احمد پاشانك باش اغالردن ولى نعمتمز اولان پكسمت [۱] امينى عثمان اغا
 دخى آت اوزره ورهيه منتظر دورر كن قلمه دن عثمان اغانك ديزى كوزينه برمشقات
 طوب كله سى اوروب و آتلك قولان يردن كله اوروب اوتنه باندن كله حيقوب آت

[۱] ك : پكسمت . س : بكسماتك

ایدوب یتیمش یدی بیک اسیرلری آ لینوب بو قدر ایبلری و ولایتلری نهب و غارت اولنوب الامان ای کزیده آل عثمان دیوب خراج کذارلک قبول ایدوب ایلچیلرن کوندردی صدر اعظم ایلچیلرین کروییه دوندردی کفار تکرار رسول کوندردی و صلحه رغبت ایدوب [۱] ایلچیلری ینه رد اولندی بو حال اوزره کفار مظلوم اولمش اولدی بری طرفده بزم وزیرالمرز عسا کر اسلامی ورعایا و برابری متاڈی ایدوب جمیع مواجبات مصارفاتلری باهوادن بدل و اشترا و نزلات [۲] و سائر تکالیفاتدن تحصیل مال ایتمکچون و حظ نفساریچون عسکری طائفه سنک بورونلری سفر ایتمک ایله قیرلسون ایچون بویله بر بی معنیلر ایدوب یکی قلعه فقرار جاسیله فتح ایدنجه بو قدر جان هلاک اولوب بو قدر مال خزان [۳] بیت المسلمین هبایه کیدوب بر قزیل منقر [۴] فائده سی اولوب ینه بیره برابر مهدم ایدوب جمله حکاملر مرز دماغ غرور [۵] حاصل ایتدیلر و خود بیدنک و خودرایلق [۶] خود فرو شاق و خود پسندلک ایتدیلر (آیه) (و خلق الانسان ضعیفاً) اولان غریب بنی آدم کنندی وجودین بیلمیوب بو خصلت ذمیمنه دن برینه مبتلا اولسه جمله حسن تدبیری سوء تدبیر اولوب اشلدوکی جمله ایشلر جمله سهو و خطا اولور [۷] و باده نوش و فاسق و فاجر و لوطی اولان حاکمرا استدراج ایله جهان آرا اولسه ده (سنستدر جهنم من حیث لا یعلمون) (واملی لهم ان کیدی متین) نصی اوزره یوزی آق اولوب [۸] عاقبتی خیر اولیوب عاقبت کاری عاق اولوب خشم پادشاهله مسموماً هلاک اولور اشته جانم اولیا چلم [۹] بزم تازه جوان نوظهور حاکم مرز خود رایلقلری سببیله رب العالمین کفاری اوزر لریمزه مسلط ایدوب بونهر رابده بویله منهزم اولوب دین مبینه بویله رخنه لر کلککه باعث اولوب دولت آل عثمانه بو قدر رسوائی شین [۱۰] کلدی و قلعه لوه سنده دخی بو قدر بدناملق اولوب لوه

[۱] مختصرده بوکلهدن صورکه (امان دیدی) جمله سی وار ایسه ده الده کی بش نسخه نك هیچ ریسنده بو جمله بو قدر (م) [۲] س، ک، ط : نزولات [۳] ک : و خزاین [۴] س، ک : برقره مانقر [۵] س، ک، ط : و غرور [۶] ک : و خود فرو شلق [۷] ک : جمله اشلرده جمله سهو و خطا ایدر [۸] (اولوب) کله سی نسخه لرده وار ایسه ده مختصرده بو قدر و اولماسی لازمدر. اولسی معنای بوزویور. دوغریسی بونک یرنده بر (و) اولمایدر (م) [۹] ک : چلم [۱۰] س، ک : شأن

کونه آلام وشدایدلر چکوب ینه درخت منتهالر ایچره کیدوب تاتار عسکری نیجه
بیک آتیمی کتوروب برر غروشه فروخت ایدیلر آندن

منزل پلنقه واروش کبیر [۱]

بلاده خاصکی اغا ایله استونی باغراددن رایسه [۲] کارکن کوچک واژونه
اوغرایوب شمدی بویوک واژوندز بودخی نیجه چاسارینکدر لکن بکان اوغلی
حکمنده اولوب بونک قطنالری ره زنلک ایدوب خیلی آت و قطار سوردیلهر اما
آردلری صره سرحد غازیله کفاره ایدیلر وجهه قطنالری قردیلر وجهه آلنان
حیواناتلری اوردویه سوروب صاحبلینه وردیلر بومنزله حقیربوللرک ازدحامندن
وبطاق وچتاق وطوب کشانجتاق دردندن تاتار اوردوسنه وارمیوب سپاه اوردوسنده
ولی نعمتمز اولان قزانجی زاده سلیمان اغا خیمه سی یاننده خیمه می قوروب مکک
اتدم وعظیم آتشلرمن یقوب جمله اسبابلریمز [۳] قورودوب اسی طعاملر ییوب راحت
جان بولدق وقزانجی زاده ایله جان محبتلری آندک اثنای کلامده حقیر اتم سلطانم
بوسفرده نه عجب رنج و عنا و شدت شتا و کثرت مطر چکوب منہزم اولدق دیو سوال
اتدم سوالیه جواب بیوردیلرکم اولیام مجلس الله امانتیدر چونکه سوال ایتدک اما
بو سرحد الله ایچون بورده قالسون [۴] اما جان قولاغیسه دکله کم واقف اسرار
اوله سن دیدکده نوله سلطانم دیدم (ومن النصایح الغرایب من کلام قزانجی زاده
سلیمان اغا) [۵] بیوردیلرکم اولیام اولابوزری بوزان نیجه کفارلری ابتدا صلحه
وغایر برایش ایدوب بودین ایالتنده حمزه بک وارچین [۶] وپنتلی [۷] ووال
وجان بک نامان قلعه لرن یقوب وبقوب جمله خلقن اسیر ایتدوکی اجلدن آنک مقابله سنده
شرعیله بزده اوزرلرینه سفر ایدوب صحرای استورغونده یکریمی یدی بیک کفارلری قلیجدن
چکروب قلعه او یوارینی [۸] فتح ایدوب تو اماندن [۹] اوتوزیدی پاره قلعه لرن دخی فتح

[۱] پ : وازون . ک : وازونه . [دوغروسی (واژون) اولمیدر (م)]

[۲] ک : نهر رابه [۳] ک : اوابلرمن [۴] ک : بو سرخدا الله ایچون اولسون

وبوراده قالسون [۵] ک : ومن النصایح الجلیله کلام قزانجی زاده سلیمان اغا [۶] پ : ارچین .

ک : آرچین [۷] پ ، س : پنتلی [۸] ک : وقلعه او یوارینی [۹] پ ، س ، ک : تو اماندن

برشته عالی اوزره شدادی برمتین وقوی قلعه در اما ذیل قلعه ده بر آتش نمود
 نمایان اولدی بر ساعتدن مقدم بزم احمد کرای سلطانک علی بطر نام بر بهادری
 بیک آتلی یکت ایله باش باشه کیدوب داغلا ایچره یدی یوز آتلی یکیدی بصویه
 قویوب اوچ یوز آتلی یکت ایله قلعه مارچیل واروشنه صاریلرلر و در عقب
 کفار خاکسار سومدوکی تاتاری کوروب همان جمله ی واروشدن چیقوب
 تاتاری قواراق برطوب منزلی بعید اولدقده همان کینکاهده اولان یدی سکز یوز
 تاتارلر [۱] بصودن چیقوب واروش ایچره کوروب او یله بر ساتور مجزم اوررلر کم
 تعیر اولماز همان ایچ قلعه دن طوپلر آیلنجه تاتاری کفار قوارکن کیروندن طوپلرین
 صداسین اشیدوب کفارلر کیرو دونوب واروشه کلورلر کورسه لزکم تاتارلر
 واروشلری قبض ایتشلر همان کفارک جان باشنه صیچرایوب کیرویه قاچم صندیلر
 کفار ایکی تاتار عسکرینک اورتاسنده قالب جمله سین تیر تاتاردن کوروب واروشک
 حددن افزون وقیاسدن بیرون مال وارزاقلرن آلوب اوچ یوز اسیر ویتمش پاپاس
 خناس وسواس آلوب ماعداسی کینسه لرنده قالب واروش احراق اولدقده پاپاسلر
 دیرلری ایچره چیز بیز کبابی اولورلر و ایکی یوز مقداری پنجه آفتاب ضیمان وبتانلر
 ونجه عربه یوکی ماللر ایله اوردوی اسلامه کلوب ماللری بر اچمه اتمدی زیر هر کس
 کندی جانلرندن بیزار اولشلر اسرا و مال غنایمه کمنه رغبت اتمدو کندن همان تاتار
 رابه نهرنده حر شهید اولنلرک قان طلب ایچون جمله قطن کافرلری و پاپاس خناسلری
 یوللر اوزره قیره قیره تمام اتدیلر وسائر صیمان وبتاتلری آتلینه آلوب کیتدیلر
 آندن ینه جانب شماله ۸ ساعت رنج و عنا چکرک کوده ولاند دامننده جمله عسکرله
 مکث اولوب جوانب اربعه یه قراوللر تعیین اولنوب ارتسی کون

منزل قلعه طایبه سه [۲]

بلاطین بحیره سی کنارنده اولوب نمسه چاساری حکمنده و بکان اوغلی خاکنده
 اولدوغی بالاده ممدو حدر [۳] آندن ینه جانب شماله یغمور وچامور چکوب نجه بیک
 [۱] س ، ک : یدی سکز یوز نفر تاتارلر [۲] س ، ک : منزل قرب قلعه طایبه سه
 [۳] ک : موصوفدر

(مار آم المؤمنون حسناً فهو عند الله حسن) دیوفاتحہ شریفہ تلاوت اولنوب تاتار خان زاده احمد کرای خان سلطانی صدر اعظم حضورینہ چاغیروب بر خلعت فاخرہ احسان ایدوب اوچ بیک آت توپلرہ قوشاق ایچون تاتار عسکرینہ یومیہ اوچر بیک آلتون اجرت ویردیلر ویکرمی کرہ یوز بیک اوق ویدی بیک عدد یای تاتار عسکرینہ احسان اولنوب حقیر بو محلدہ تاتار ایله قونوب کوچردم وجبہ خاہدن بعض ثقیل اشیالری احراق بالنار ایدوب اوچ بیک کله لری دفتر دار احمد باشا دفتر ایله کندو توابع و لواحقلرینہ بذل ایتدی و جملہ خستہ و مجروح لری دفتر دار ایله دوندارہ [۱] . . . تسایم ایدوب بو محلدہ بیکچری اغالنی محمولدن سیاوش باشا کتخداسی محرم اغایہ احسان اولندی

نہر رابدن [۲] عودت ایدوب او یوار امدادینہ کتدی کمز بیان اولنور

اولا ماہ . . . کونندہ نہر رابہ کنارندہ نفیر رحلتلر چالنوب جانب شمالہ استونی بلغراد جانبہ متوجه اولندی اما کفار دوزخ قرار نہر رابہ کنارندہ عمللریلہ قرار اتدیلر اماینہ داغلردہ و بللردہ و اورمانلردہ و بطاقلی و چامورلی کون کورمز یوللردہ سکز ساعتہ

منزل قلعة شمک

مقدما غارت آتشدک اما ایچ قلعه سی اوج سماہ سر چکوب ایکی ساعت صولزده قالبو نمسہ چاسارینکدر آندن ینہ شمالہ اورمانلر [۳] کچرکن بال یمز توپوک بریسی چامورہ غرق اولوب ابراہیم کتخدا نانارلرہ بیک آلتون احسان ایدوب خواہ ناخواہ توپو چاموردن چیقاروب بو قلعه شمک آلتندن قالبوب

اوصاف قلعة مارچیل

سنہ ۹۳۹ دە [۴] سلیمان خان فتح ایدوب ینہ کفار مستولی اولمش بو قلعه

[۱] ک : دوندار [۲] ک : رابدن [۳] ک : اورمانلر ایچرہ [۴] پ ، س ، ک :

سنہ ۹۳۸ دە

عسكری ابتدا آنلر عصیان ایلوب قاقچش دیو بو كسنهلر كشف راز ایلوب زهلر نوش ایدر واكر امداده كلزسكلز او یوار قلعه بی ده الدن كیدر دمشلر دیدكه صدر اعظم ایدر یاربی احوالز نیه منجر اوله سن عالم الهمر والحقیات سن بز یاربی كندی دردمنله بریان ایكن بوموحش خبر دخی كلدی پادشاهه نه جواب ویرلم و باخصوص خاصکی افا دخی بونده بو مصیبت وملامت وفلا كنی كوردی خشكاره نه جواب ایدهلم و او یواره نیجه امداد ایدهلم دیو كندیه تلاش ال وروب اصلا یمدی واجدی ودرمدی و اوتورمدی اول نازك چلبی ذات شریف بر كونده لعل كون رخلری بر ك خزانه دونوب مصرع (كورلم آینه دوران نه صورت كوسترر) دیوب بوموحش خبری عسكرا سلام ایچره شایع ایتمدیله بو فریاد وفغانی فلك اطلسدن اشرمادیلر مشاوره ایچون علی العموم غموم اندر غموم اوجاق اغالرن وقنیزه اغالرن واستونی بلغراد اغالرن واستونی بلغراددن كلن حاجی پاشایی و اول سرحدك ایش كورمن ارلرین جمع ایلوب صدر اعظم بیوردیلر كم نه جانیه بزه سلامته چقماق معقولدر دیدكلرنده بزم عثمانلی اغالری قنیزه بزه بك یقیندر آنده چقالم دیدیلر اما سرحدلی ایتمدیله كیرویه دونمك ویغمور وبطاللق چكمك اولورمی وكافره ترك كرویه دوندی دیدرمك اولورمی ناموس محمدی دكلی دیدیلر بزم عسكریمز ایدر سز سرحدكزی حفظ ایلوب قنیزه یه عثمانلی اوغراماسن دیو او یله دیرسز اما بزه سلامت یقین قنیزه یه كتمكدر دیدیلر بو دین اغالری ایتمدیله بیره دولتی وزیر یقین یول سلامت استرسن جمله یقین وسلامت استونی بلغراددر كچه كافر ایچیدر اما سلامته دوغریدر وكرو قچمایوب ایلو وكافرستان سوكرك چقمش اولورز واكراوسترغونه و او كواره [۱] كیدرسكلز بو دینه چیقارسز [۲] جمله شاه راه یولدر و اول یوله كتدیكمزدن دشمن دخی خوف ایلوب ترك بلدك یانق قلعه سنه كیدر یا طاطا یا پاپا قلعه لرینه یا پرست پریم ویا سبارتین قلعه سنه كیدر ملاحظه سیله كفار خوفه دوشوب كوررسز البته ایلچیمی چیقار دیدكلرنده بو مشاوره جمله نك مقبولی و پسندیده سی اولوب حدیث شریفی تلاوت ایلوب [۱] ك : او یواره [۲] ك : و بو دینه چیقارسكلز [سینك اوزرنده فتحه وار (م)]

کورجی کنعان پاشانک طمشوار قربنده نهر مورش کنارنده رانوخچی اوغلی
 بحار النده انهزامی در اما بو سنه ۱۰۷۴ سنه منحو سنده کوپریلی زاده فاضل احمد پاشا
 نهر رابه کنارنده نسه کفاری النده انهزام عظیم ایدی اما (لایسٹل عما یفعل) در
 والسلام حکمت خدا صدر اعظم وعسکر اسلام بو ملات و فلا کتده ایکن
 بلاطین کولی کنارندن طاغدن طاغه کیجه لر ایله قوبان قلعه سی و مارچیل [۱]
 قلعه سی آلترندن سرحد غازیلرندن [۲] بودین وزیر صاری حسین پاشانک
 محمد چلیسی صدر اعظمه فریادنامه مکتوبلر ایله کلدکده وزیر اعظمک هنوز جهان
 باشنه دار اولدی مکر حسین پاشایی بودین عسکر ایله لوه قلعه منز آلتنده ... نام
 نیجه وزیر بنام کافر بودین عسکرین قیروب حسین پاشایی بوزوب لوه قلعه سنده
 چاطره باطره علی پاشایی ویکیتچی اغاسی خلیل اغایی جمله اسیر ایدوب
 ونیجه بیک عسکری رخ و سناندن کچیروب قلعه لوه قبضه تصرفنه آلوب چاطره
 باطره علی پاشایی ویکیتچی اغاسی خلیل اغایی و برقیچ الای بکلرین آزاد
 ایتدوکی خبری صدر اعظمه کلانجه کندونک منهزم اولدوغین فراموش ایدوب
 قلعه لوه ده اولان جبهه خانه وقیریلان عسکر اسلامه غایت متالم اولوب مذاقی
 سلیمان افندی وحاجی زاده افندی وقازانچی زاده سلیمان اغا وخیلی افندی
 و ابراهیم کتخدای وزیر دایره تسلی خاطر ایدوب ایتدیلم سلطاتم اویله اولورسن
 صاغ اول نته کیم حالا سسناجاغ رسول الله بزده در سلطاتم یته قلعه لوه و قلعه
 کتره [۳] یته آلسز همان علی الصباح بو محلدن حرکت ایدلم دیدکلرنده همان
 صدر اعظم غضبندن حسین پاشانک محمد چلیسن حضورینه چاغیروب وشیقندن [۴]
 اوجاق اغالرندن برقیچ آدملری چاغروب ایدر بیره اغالر دویدو کوزمی بزبونده
 بامرالله بویله اولدق اما لوه آلتنده بودین وزیر حسین پاشا قرنداش مزده
 من عندالله بوزولمش قاجمش و جمله جبهه خانه و جمیع خزائن پادشاهی و قلعه لوه کفار
 آلمش و جمله عساکر اسلام دخی زم کی آنلرده تارومار اولمش افلاق و بغدادان

[۱] پ، س، ک، ط : مارچیل [۲] س، ک : غازیلری [۳] پ، س، ک : لره
 [۴] ک : وقتادن . س : وشیقندن . پ : وشیقندن .

شہید اولوب [۱] دارالقراری خلد برین اولدی و سائر نامہ معدود بی اسامی امرا [۲] و غریب غربانک شہادت نامہ معلومدر جملہ سنہ جناب اللہ غرقہ غریق رحمتلر ایدہ نتیجہ کلام بو مصیبت سرکارده اولنلرک دماغ غرورلرندن و بی غرض کمنہ لرله مشاوره ایتیموب سوء تدبیر اتمہ لری سببیلہ اولمشدر و دولت آل عثمانده آلتی کرہ سردار معظملر منہزم اولمشلردر بری سنہ ۱۰۱۲ [۳] تاریخندہ تبریز آلتندہ عجم ایله جفال اوغلی [۴] سراو صحرا سنده منہزم اولدیغی بری دخی سنہ... تاریخندہ روان آلتندہ اوکوز محمد پاشا انہزامی و بری سنہ ۱۰۰۰ تاریخندہ طواشی [۵] حسن پاشانک بوسنہ سرحدندہ انہزامی و بری سنہ ۱۰۰۲ تاریخندہ اوزون حسن پاشانک اوستونی بلغراد [۶] آلتندہ انہزامی و بری دخی سنہ ۱۰۰۲ تاریخندہ [۷] قلمہ خطوان [۸] آلتندہ حسن پاشا و سنان پاشا زاده انہزامی و بری دخی سنہ ۱۰۳۵ [۹] تاریخندہ صلانطہ صحرا سنده بودین وزیر ی نصوح پاشا زاده انہزامی و بری دخی سنہ ۱۰۶۰ [۱۰] تاریخندہ بغداد آلتندہ حافظ احمد پاشا انہزامی و بری ده سنہ ۱۰۵۵ تاریخندہ ونه دیکک شبنک [۱۱] قلعہ سی آلتندہ تکلی مصطفی پاشا انہزامی و بری دخی سنہ ۱۰۶۰ [۱۲] تاریخندہ بودین وزیر ی

[۱] س، ء، ک: شہید دشت کربلا کبی شہادت جاملرین نوش ایدوب [۲] پ، ء، س، ء، ک: بی اسامی میرمیرازو سائر امرا [دارالفتون کتبخانہ سنده (رضا پاشا) قسمندہ (۲۰۰۵) نومروده مقید «عزیز زاده حاتی» نک کندی ال یازسیلہ بر دیوانی واردر بو دیوانک (رباعیات) قسمندہ (اولیا چلی) نک یازمش اولدیغی بیت شو طرز ددر: (رباعیہ)

دل نقدنی دلبرانہ اوکدل قومشیز داغ غمی جانہ بی تأمل قومشیز
بز باشقہ بر اصطلاح پیدا ایتدک قان یوتمه نک آدنئ تحمل قومشیز

مرحومک یازسی پیشکین فقط قلمیسز تملیقدر . باشده قصیده لر ، صوکرہ رباعیلر ، صوکرہ مفردلر کلپور
رباعیلرینی صایدم (۵۸۶) عدددر (م) . [

[۳] پ: سنہ ۱۰۱۳ - [۴] س، ء، ک: جیغال اوغلی [۵] س، ء، ک: دوش [۶] س، ء، ک: بلغراد ی [۷] س، ء، ک: سنہ مزبورده [۸] س، ء، ک: خطوان [۹] پ، ء، س، ء، ک: سنہ ۱۰۳۶ [۱۰] س، ء، ک: سنہ ۱۰۳۵ [۱۱] پ: شبہ نیک [۱۲] ک: سنہ ۱۰۰۶

دوموز طوپي اولوب اولولرني آلوب طوپ منزلدن آلاقه كندكارنده جمله غزات تا صباحدق نهر رابده [۱] قلوب غرق اولان شهدارك كمرلرين و آلات سلاخلرن و جميع آتلك سلاخلرن و اساعيل پاشا و يكيچري اغاسي صالح پاشا و اساعيل الاي بيكي نك و غيري شهدارك نغشه لرن ميدان معركدن و نهر رابدن چيقاروب برى طرفده سائر شهدار ياننده دفن ايتديلر حقا كه صدر اعظم بو جرأني ايدوب بر كون او طوزاق ايتديلر يعنى انهمزام صورتن كو سترمديلر اما عزمي زاده حالي افنديك رباعيانك بر بيتنده ديركم (بيت)

عشق اهلي اوللدن [۲] بر اصطلاح اتدك قان يوتمهك آدين تحمل قومشز
ديديكي بيتي بو سفرده صدر اعظمه حسب حال اولدي اما حال بوكم وزير اعظم بخيلي زهره دار جرأت صاحبي آصف دلير زورطبان [۳] ايش اكر ذره جه برندن حرکت اتسه عسكرك تار و مار اولمش ايندي عجب متانت ايدوب بر جرأت اتمشدركم بر سپهسالار معظم بو شجاعتي اتمشدر حقا كه بيكي قلعه فتح ايدلن [۴] كفاري كوزه سالندرمديلر هر زمان بو دهر دني وفق مراد اوزره دور ايدر سانديلر اما بو فلک كجرو اويله دكلدر

تجری الرياح بمالا تشهي السفن

بوكارخانه اديم ارض بويله (يفعل الله مايشاء بقدرته و يحكم مايريد بعزته) در و دخي (الملك لله الواحد القهار) در و مملك الملك اولدر دولت و عزت و نصرتي استدوكي قولونه ورر خلاصه كلام بو حقير كتر فقير بو جنكده موجود بولنوب علم اليقين و عين اليقين و حق اليقين بلديكم اوزره بلديكم بودر كه بو جنكده عساكر عثمانی مهزم و اوچ وزير منعدم و آلتی ميرميران و آلتی مير لوا و اون بر عدد الاي بكلي و يكيچريلردن بيك سسكنن جامه دان بيت الماله تسليم اولندي و سپاهدن [۵] بيك سكز يوز عدد شهيد اولوب ماعدابي اسب صبا سرعتله صويه و ورب چوغني خلاص اولديلر و غيري غازيلردن جمله دورت بيك يتش آدم [۱] ك : رابه كئارنده [۲] ك : اوللیدن [۳] سن، ك : دوزطبان [۴] ك : ايله ايدن

[۵] س ، ك : وجه سپاهياندن

ترك كې صويه غرق اولورز ديو جمله كفار صويك قرشو طرفنده اورمانلرده [۱] قرار اتديلر اما ايرى طوبلرى و قورشوملرى و مشقاتلرى بریده عسکر اسلام اوزره يغمور كې ياغدر لرلدى و برى بزم طرفزدن ايكي عدد طوپمى سرقت ايدوب صو ايچندن قرشوبه كچيروب كوتورديلر تاشو مرتبه غافل عسكرمز وار ايدى و جابجا عسكريمز طاغلرى كييوب فراره يوز طوتديلر آردلرنجه عسکر تعين اولنوب اردكلرى يرده فرار ايدنلرى قرديلر

دريبان اصابت رأى و تدبير احسن فرمان وزير دلير [۲]

درحال آصف دوربين فكر عسكرك بويه انهزام [۳] اولدوغين كوروب و فرار ايدنلرك نيجه بيكن قروب همان او طانغى اركنده فى الحال بر كروفلى محتشبانه او طاق نه طاق قوروب جنك طبلنه طره لر اوروب اطرافه قراوللر قيوب جمله غزاته دنلوازلق و دلدارلقلر ايدوب جمله عسكره اوبله اولورديو تسلىء خاطرلر ايدوب هر كسه رتبه سنه كوره احسان و انعاملر ايدوب مجروح اولنلره مرهم بها و جراحلر تعين ايدوب عمل مانده لره بالغاً ماباغ تقاعد نان پاره لرى احسان ايدوب عساكر اسلامه فرار اتمه نامن اونوتدروب يرنده بر قرار اولوب صو ايچنده قالان آتلى و آدملى چيقاروب شهيدانى دفن ايتديلر و صودن چيقان مجروحلره دخى يحساب انعاملر ايتديلر اما جمله كفار دخى نهر رابه نك قرشوسنده قات اندرقات مكث ايدوب طوپ و توفك شادمانى اتديلر صدر اعظم اغماض عين ايدوب وار قوتى بازويه كتوروب [۴] اقامت فرمان اولوب عساكر اسلامدن بر صيت و صدا يوق ايكن همان اوچيوز پاره طوپلره و نيجه توفنكلره برفيلدن آتش ايدوب قرشو طوران آسوده حال دوران كافرى طوپ كله لرى و زنجير و صاچه لر دمت دمت و صوقاق صوقاق ايدوب كتو اوزره او طورر جان قاليوب كفارك بقية الطويلرى

[۱] ك : اورمانلر ايچنده [۲] دربار رأى و تدبير صدر اعظم

[۳] ك : منهزم [۴] ك ، س نسخهلنده (كتورب) كله سيله (اقامت) كله سى

اره سنده شو عباره وار : ابراهيم كئخدا بك زاده تدبيريله جمله غزاته طعاملر نذل اولوب ضياقتلر اولوب جمله آتله ديكنوب .

ایدرلردی و جمله عسکر مغرورانہ حرکت ایدرلردی و بو یکی قلعہ نیک فتح و نصرتن جناب باریدن بلمیوب عسکرک کثرتندن و جبهه خانه و مال و خزینہ نیک و فرتندن و کندولرینک رأی احسن تدبیرلرندن بیلدیلر جناب باری ایسه رب العالمین در و بر اسمی دخی منتقم در بکرمی کوندن صکره بزه دخی بو نہر رابده اولیہ اولدی کافرک جسری [۱] قیریلوب غرق اولدیلر ایسه بزم دخی نہر رابده جسرمز قیریلوب اولیہ غرق اولوب کافر دخی بزه کوتن آچوب ہی ہی دیو فریاد ایدرلردی زیرا (من دق دق) دمشلردر و بو رابہ انہزامی کونی روز محشر اولدی [۲] و رب العالمینہ اعتقاد دخی زیادہ اولدی زیرا جمله وزرا حسن تدبیر ایتدم ظن ایدوب مشاوره لر اندیئر اما (العبد یدبرو الله یقدر) غریب بوکه بر سوء تدبیر بیورلدسی ایله یکیچری مترسدن چیقہ سی بہانہ اولوب میدان معرکہ کافردہ قانیدی اما اول مصاف میدان شجاعت عسکر اسلامده ایدی (فان مع العسر یسر ان مع العسر) نص شریفی دلیل قاطعدرکم بو جنکده مشاهده ایتدم زیرا بوزماتق و بوزولمق الله تعالی التده در اما بر آندہ جناب باری بیک کونہ صنعن اجرا ایدر عسکر اسلامہ نہ کونہ غفلت و تلاش و یردیکم اوردوی اسلامده آل عثمانک اوچ یوز یارہ شاهی و غیری کونہ طوبلری و نیجہ یوز بیک ترفنکاری و شاهی ضرب زن طوبلری جمله زنجیر و طاشلر ایله و صاچہ قورش و منر ابله صتلی دورر و جمله طوبلر قرشو جانبدہ کفارہ حوالہ دوررکن بو قدر بیک طوبیجیادن بر طوبیجی بولنمادیکم کفارہ ناظر و حاضر طوبلرہ آتش ایدوب کفاری صوقاق صوقاق و دمدمد ایدی اما الحکم لله تعالی [۳] حتی صدر اعظم طوبیجی باشینی کتروب میدان سیاستہ چوکر دوب ینہ مصاحبین خلاص اندیلر اما حمد خدا کفارہ بری طرفہ یکمدی لر ترکه بو بوزولمق اللهدن اولدی بزدن اولمادی والله آنلری صویہ غرق ایدی اگر بزدہ صویہ قرشو کچرسک بزدہ

[۱] ک : اولیہ اولدی (طابق النعل بالنعل) یکی قلعہ ده کافرک جسری

[۲] ک : روز عسر اولدوغنه اصلا شہم قلادی

[۳] س ، ک : اما اللهم رضای یوق ایدی آنوکچون بر طوبیجی بولمادی

جمله کفار بارمق اصروب کلدیله [۱] و صو کنارینه چیقوب خلاص اولان عسکری کوروب قرشوومه وروب یقدیله و کفار خاکسار کوردیلر کم آت و قطر و آدم بربرلینه مخلوط اولوب [۲] جسر دن عبور ایدرکن [۳] مزاحمه دن آغشته خون اولشله [۴] کفار بو حالی کوروب زعم باطلاری ایله حمد عیسی ایدوب قره ناپقه لرین قره ساچلی باشلرندن چیقاروب نهراچیره خلاص اولمغه جان چکیشن عبادالله اوزره بر یایلم قورشون دخی اوروب کویا سمان باران لغت یاغار کبی قورشوم یاغوب و دیک دیک ایچنده کویا بلغور قینار کبی قورشومدن صو قینایوب قورشون ویزردیسندن قولاقلا اشته میوب جمله حیوانات و بی آدم غرق دریای رحمت اولدیله و قارشو طرفده جمله امت محمد عالم حیرته قالدیلر و کافره قارشو بر طوب و توفنک آتغه اقتدارلری اولمایوب کافردن آتیلان طوب کله لرندن بردانه کلوب صدراعظمک او طاغنده صدراعظمک امیر آخور اغایی شاهین پاشا اوغلتک کردتی و او موزلرندن طوب کتوروب بری طرفده نیجه یوز آدم لر دخی صدمات طوبدن [۵] شهید اولماغه باشدی و کفار فجارک چوغی بو محله صویک قرشو طرفده ادبدر اول خاص و بیاض کونلرن [۶] آچوب صویه غرق اولنله و بزم تماشاچیلر مزه هی ترک هی دیوب اول دست ناپا کلریله در ناپا کلرینه اووب نیجه کونه هرزه لر [۷] یلردی امانتیجه عبرت مال کلام اولدرکم بو احوال پریشانک نتیجه سنه نظر اولنسه حق سویلنوب حق کورلسه بو انهزام عساکر اسلامه من عندالله کوشالدر بزیک قلعهی فنح اندکده ضرب تیغدن کفار فرار ایدرکن کفارک دخی اولکون جسری نهروراوه اوزره مکسور اولوب جمله کفار غرق آب اولدقده جمله عسکر کفاره هی هی دیوب صوده شناورلک ایدن کفاره قرشون یاغدیروب بر کافر خلاص اولمایوب غرق آب اولانله و قرشو طرفده کی کفاره رغماً بزم عسکر هی هی دیوب ایکی الارن ادیده دینه [۸] اوروب کویاشقالر

[۱] ک : کولدیله [۲] س ، ک : اولوب معجون حیوانات اولشله [۳] س ، ک : و جسر دن عسکر عبور ایدرکن [۴] س ، ک : مزاحمه دن آغشته خون اولنله اول نه رعیمقه غرق آب اولشله [۵] س ، ک : طوب کوبدن

[۶] س ، ک : کوتلرن [۷] س ، ک : هرزه لر [۸] ک : دبرلینه

واسماعیل الای بکی کفارہ حملہ اتدکلرنده کفاری صوقاق وبلوک بلوک بولوب قصاب اجل کبی کفاری قرارلردی بو حال پرملائی کفار کوروب بلدیکم ترکک عسکری آرتق اولوم اری اولوب درون دلدن وجان وکوکلدن جنک ایدوب کافری قرارلرهان جملهیدی قرال کفاری عسکر اسلامی اورتهیه آلوب هر طرفدن عسکری طوبه توفنکه طوتوب هر سه [۱] وکر دماند اتدیلر وبومخلدهینه اسماعیللرک ایکسی وذوالفقار اغا ایله اوچی بیاض ساده لزیله باشلری قباق کافره کرب ساده لری قول قانه مستغرق اولوب اوچی بریرده حر شهید اولدیلر ویکیچری غازیلری ده [۲] یایان قالوب آنلردخی جام شهادتی نوش اتدیلر همان بقیه السیف اولان غازیلر کوردیلر کم سردار اسماعیل پاشا واسماعیل الای بکی وذوالفقار اغا ونیجه بیک غزات شهید اولدقلرن کورنجه همان یکیچری اغایی صالح پاشا ونیجه میرمیرانلر واسرارلر ونیجه بیک غزاتلر آت بوینده دوشوب پیاده یکتلریله قول قانه مستغرق اولمشلر همان نهر رابه کنارینه کلوب آنلر دخی صویه اوروب نوش آب ایده جمله غرق آب اولدیلر اما صالح پاشا صو ایچره چوق جیب الادی اما آخرکار غرق آب اولدی لیکن حاجی زاده افندی عرباناً کوجیه بری طرفه کجدی اما عاقل صامصونجی باشی عبدی اغا جسر یاننده ازدحامه اوغرامیوب کوپرودن اشغی کافر کثرتنه باقمیوب آتیه صویه اوروب سلامت جیقوب نیجه پیساده لری غرق اولوب نیجه لری خلاص اولدیلر در حال کفسار بو حالی کوروب بیره فرصت بزمدر عینی ومریم آنا وحواریونلر وصاری صالتق واسوت نیقوله وخضر الیاس وقاسم وآستوس [۳] سلطانلر بزه امداد اتدیلر شمدنکیرو دولت ونصرت وعزت ملت مسیحیه نکدر دیو نیجه بیک کونه خاجلی پیکرلرن آچوب عسکرلری بایراقلری عقبنجه کروه کروه وسرو سرو کلوب طوپلری وحنظو عربلری جکوب ارغنون وتورمپته ولوطریانی بورولری وناقوس وطبلارن چالراق وارلانده ایر ایرلیراق بلاعجه آهسته آهسته روش ایله سرو سرو طوکز طوپی اولوب عساکر اسلامی تعقیب ایده رک اصلا عسکرک قفالرندن آیرلمیوب تا نهر رابه کنارینه قات اندرقات اولوب دوردیلر بوکوره عسکر اسلامک غرق آب اولدوغن کوردیلر [۱] پ : خر سه . ط : خر سه [۲] ط : غازیلرندن [۳] ک : اوستوس . پ : استوس

بری طرفده بوجنکی سیر و تماشایدوب نه امداد آتمکه قابل امکان انجاق جمله بی انکشت بردهان واله وحیران اولوب تماشا ایدردک اما بعض جانلری و بی جان و بی درمانلری ایپلر ایله و مقدم قوشاقلر ایله نیجه بیک آدملری صودن چیقاردیلر کفار دوزخ قرار کوردی که عثمانلی کندیلر و کندیلردن [۱] بوزولوب جنسکدن یان وروب صوده بغولویورلر جمله کفار شاقه لرن چیقاروب باش آچیق الله شکر ایدوب کویا قرنجیه بنمش آهسته آهسته عسکر اسلامی قیره قیره نهر رایه کنارینه کلمه غرایب بوکم [۲] وزیر اعظم اوطاغی طرفنده کفاره حواله بریار اوزره اوچیوز آلتش پاره شاهیلر و بوقدر بال یمزطوپلر وار برطوپچی و بر آدم بولونمادیکم طوپلره آتش ایدوب کفاری پرم پرم ایده بوده برغریب تماشا کم برطوپچی بولنیه صدر اعظم اوطاق ایچره سرسری لوین لوین کمزوب بیره غازیلر حال نیجه اولور اشته کفار قرنجیه بنمش کبی یاب یاب کلیور بیره شو قرشوده کی عسکره امداد کتسین دیو فریاد اندکده هر کس جانی باشی قیدینه دوشوب چادیرلرن بوزوب قاچق سوداسنده اولوب نه امداد قیسی همان قرشو طرفده کی کافر ایچنده قلن سپاه و بودیم و بوسنه و قنیزه عسکرلری کوردیلر کم کوپرو قرلدی و نیجه بیک عسا کر اسلام غرق اولدی و کندولره امداد کلهسی ایشی تمام اولدی همان جمله غازیلردن اون بیک عسکردن متجاوز جمله بریره کلوب اصلا صو طرفنه نظر آتمیوب اولو اسماعیل پاشا و سلاجدار اغاسی ذوالفقار اغا و بوسنه الای بکی اسماعیل اغا و سپاهیان کاتبی قوجهلی [۳] کاتب بوشناق مصطفی افندی ...

و بایراقدارلردن و نیجه بیک توفنک انداز ناموس صصاحبی یکیچریلردن و سپاهیان و جبهه جیان و طوبیجیان دن یکتلر جمله بریره کلوب کلبانک محمدی کتره رک یدی کره دریا مثال کفارک ایچلرینه هودرهو ایده ایده کفاری دمت ایده ایده او یله جنک عظیم ایدوب کفاره او یله صاتور محمدی اورمشلردر کم نهر رایه نک بری طرفنده اولان وزیر اعظم عسکرلی و غیری آلا رقدن مرحباجی عسکرلری بوغازیانلرک جنسکنه پسند ایدوب علیک عون الله [۴] دیدیلر اما حقا که اسماعیل پاشا و ذوالفقار اغا

[۱] س، ک : کندیلر کندیلردن [۲] س، ک : غرایب بونده کم [۳] س، ک : فوجهلی

[۴] ک : علیکم عون الله

غرق اولدیله بونهرك ایکی جانجی یارلر وبارلر بنی آدم و آتله چیقماسی بروجه ایله ممکن دکل نیجه بیک آدم آتلاندن آیرلوب کمی غرق آب اولمه آتله ایسه صو ایچنده برلرینه کرب لجام ورکاب برلرینه دولاشوب فقیر بنی آدم آت وقاطر مابینده قلوب جمله سی هلیج و ملیج اولوب کویا یوم النشور وروز قیامت اولدی ام عاالله و شهدالله ینه بویه ایکن بعضی جست وچالاک عقلی وجانی باشنده اولان ایش کورمش بشکن صچرامش یکتله صو ایچنده آدن آته و آدم اوستندن آدم اوستنه صیچرایوب پرتاوا ایده رک قرشو جانبه عبور ایدوب خلاص اولدیله اما بعض عاقل ایش کورمش فسالر کوردیلر کم صو دریا اولوب بو کندیکندن آتله و آدمله برلرینه قریشوب غرق اولیورلر همان نیجه بیک یکتله بوغرق اولنان برله آتله به کرمیوب صویک دخی یوقاروسنه واروب خالی اولوب صوی ازه جق اولان برلر دن آتله یاخود یابن کندوی صویه اوروب قرشویه کچوب خلاص اولدیله بعض عاقل یکتله بوازدحامده بوغولنلری کوروب همان کورودن اشنی کافر طرفنه اینوب نیجه سی آتله به و نیجه سی شناورک و دلاورک ایده رک قرشو کچوب خلاص اولدیله زیرا صویک درین اولوب بو صوده آدم غرق اولما سنک سبی کوربو قیرلوب نیجه بیک آدم کورونک قازقلرینه وایلرینه بابشوب آتله وقاطرلر و آدمله کورویه دایانوب بو کندیکندن صو دریا کی اولوب آدمیله بوغولدیله یوخسه نهر رابه نک جسردن یوقاروسی و جسردن اشنی سی درین اولیوب عاقل و جری اولن یکتله اندن کچوب خلاص اولدیله اما اول طرفلرده کافر غایت چوق ایدی اما کفار خوفندن هرکیم جهر یاننده کی ازدحامه کردی ایسه رها بولیوب غریق آب اولوب رحمت یزدان اولدی [۱] اما بو محله نیجه بیک غزات مسلمین عار و غیرت ناموس وحمیت محمدیه نی یاد ایدوب جنکدن فرار ایمیوب نهر رابه ده بوغولمیوب میدان بزم رزمده کفار ایله یقه یقیه کلوب جنک علی ایده ایده شهید اولوب نیجه بیک کفارک لاشه سردارلرن میدان معرکه ده جافل طاشی کی سروب کندیلریده جام شهادتی نوش اتدیله وروح پرفتحلری فردوس برینه کتدیله جمله عسا کر اسلام

[۱] ک : رحمت یزدانه واصل اولدی

سوزينه كمسنه اعتماد اتمديلر [۱] ممكن اولوب بوا سراره كمسه واقف اولماديلر هان
 عسكر يكيچريلر ك ووزير اعظم سكببان وصاريجه لر ينك قاجد قلرن ظن ايدوب جمله
 عسكر آنلره بهانه بولوب جمله آتليلر بر كره آت بوينونه دوشوب كرو دونوب
 بدرستى بو كره فرمانسز بونلر ك قاجديغين يكيچرى كورنجه فرمان ايله مترس لر ينه
 كير ميوب هان نهر رابه اوزره ايپ ايله باغلى كو پرويه اوغراديلر سپاه دخى هان
 نهر رابه يه آتلا ايله اورديلر اول كلنلر برخوشجه صويي كچديلر هان حقير قرشو
 طرفده آت اوزره دوروردم بو حالى كوروب صو باشنده عقم باشمدن كيدوب
 بي هوش اولشم مكر من عندالله مقدم آتم اورولوب اول بهانه ايله برى كچوب خلاص
 اولشم اما يكيچريلرى ينه چاوشلر كرويه بسكروب [۲] فرمان اوزره جسمر باشنده كي
 مترس لر ينه كروب مازغاللرن طور بهلر ايله آماده ايدر كن كورديلر كم سپاهى ققادر
 كريدن كمسه قالميوب صويه اوررلر و صدر اعظم سكببانلرى دخى يايان صويه اوروب
 شناورلك ايدوب قرشويه سلامتله حقارلر هان يكيچريلر مترس لر نده قرار داده اولم
 صنديلر كورديلر كم بو حال اوزره عساكر اسلام ميدان بزم رزمده آز قلوب
 اسماعيل وصالح پاشا وبوسنه عسكرى وسرم و سمندره لشكرى قالدى هان يكيچريلر
 دخى اقل اكثره تابعدر (فراراً عن تولى الكثرات) [۳] ديوب كيمسى ده (ياهو
 يقاين جانمن) ديوب جمله يكيچريلر على العموم بريزه جمع اولوب بزم اكسه مزده
 ققادر مز اولمايحق بز بونده بو قدر پياده قان آياقلى نشله سك كرك سپاه بزي براقدى
 قاجدى يا بز نه دورورز ديوب يكيچريلر حاكم وضا بطر ينه بقميوب على الاتفاق
 هان جسردن قرشو طرفه كچمكه بر برلر ينه تقدم اتمكه جان حوليله جان قورتارمغه
 جان آتديلر جسمر ايسه على العجله انشا اولتماغيه بعض يرلرى طوب پلامار ليله
 باغلى ايدى هان بو قدر عسكر قرنجه كبي بر برلرن بصوب عبور ايدر كن جسمر تحمل
 ايدم ميوب قرلدى و جمله يكيچريلر صويه غرق اولوب كى اغاجلره و كى مذكور
 ايلره پاشوب آتم آدم اوزره غرق اولوب صويك او كينه بو قدر بيك آدم قاز قلمه
 پاشوب سد اوليجاق نهر رابه دريا كى اولدى نهر كنار ينه صكره كلن آتليلر بالكله

[۱] ك: ايتيوب [۲] ك: بوسكردوب [۳] ك: الكسرات

شکلن کوسزوب اما ینہ کوتا کوت و کرما کرم جنک صواش پرخاش اولمده اما بزم
 عسکر کاهیجه کفارک هولہ سنہ طاقت کترہ میوب نیجه کرہ یان و وب ینہ کافری
 سوررلر

در بیان مصیبت و اویلای عظیمه برای سوء تدبیر انہزام عسکر اسلام

چونکیم صدراعظم عسا کر اسلامک قالقنوب الاق بولاق اولدقلرینی علی ملا الناس
 کوروب مشاوره ده کورجی پاشا ایدر سلطانم یکیچری اغاسنه خطاباً بر فرمان کوندرک
 فرمانکزلہ یکیچریلر ایلیکی مترسلردن چیقوب جسر باشنده کی اسکی متین مترسلرینه
 کروب جسر باشن پک ضبط ایله سنلر دیو بر مؤکد فرمان وزیر یکیچری آغاسنه
 وارد قدہ جمله یکیچریلر سمعاً و طاعهً دیوب بو فرمانی جان عزیزلرینه منت بلدیلر
 اما (العبد یدبر والله یقدر) جناب کبریانک حکمت ازلیه سنہ عقل ارمز زیرا
 (اذا اراد الله شیاً هیأ اسبابه) چنانکم رب العالمین بر شیئی خلق ایتمکی مراد ایدنور
 ابتدا آنک اسبابی خلق ایدر مکر اول خلاق ازل آل عثمانی منہزم ایدوب بر ندرمک
 و کفار عسکرینه سهل نصرت ورب سوندرمک مراد ازلیسی ایمش همان صدر
 اعظمک سوء تدبیری ایله تحریر اولمش فرمانی یکیچری او جاغنه کلوب مترسلر یکزدن
 چیقوب اسکی مترسلر یکزه دونوب کره سز دیو فرمان کانجه همان یکیچری بر کره
 تفنکلرن اللرینه آلوب مترسلردن چیقوب کروکی مترسلرینه سکرده سکرده جان
 آتوب کتمده چونکه بری طرفده جنکه قز شمش و صواش اوغراشه قز شمش عسکر
 دونوب آردلرینه باقدیلر کوردیلر لم یکیچریلر قاجیورلر خبرلری بو قکم یکیچری
 فرمان ایله مترسدن چیقوب کیدیور

مال کلام انہزام عسا کر آل عثمان

همان عسا کر سپاه و غیزی غازیان جندا الله یکیچرینک بویله فرار ائدکارن کورنجه
 بیرہ کیدی یکیچریلر بیز بوجنکه قز شوب کافرلری قره شکن سز نه یه چارسز دیو
 فریاد ائدکلرنده یکیچریلر ایدر بزه فرمان کلدی دیدیلر و کتدیلر یکیچرینک فرمان

سرو جیلری بیرہ وور کیدی [۱] بیرہ اولدوز کیدی [۲] بیرہ آلا رقه کیدی دیوب مجرد آدم [۳] اما برخیلی کیدی شتوملری استماع ایتدم هان حقیر آتمک بوینده کی قورشوم زخمندن جریان ایدن قانی کستورب. بیرہ آدم لر آتم یره لندی و آتم بی مجال قالدی واروب غیر ی آتمه بنوب ینسه کارم دیو فریاد اتم یا اول یانکده کی اوغلان ندر غلامدر بر بر باش کیدی صدر اعظم دن احسان آلسن دیدکده الحاصل جهانده یار صادق و محب رافق دوست لازم ایتمش نیجه آدم لر حقیری بلوب بیرہ قوک شو آدمی بز بلیرز بری طرفه کچسن آت دکشدر سن دیو اگری قپولی اوروج چاوشک جزاغی علی چاوش بیرہ اولیا آفندی کل شورهدن کچ دریندر اما ضرر ایتمز هان آت یله سنه پک صاریل دیو یول کوستردکده هان آت ایله بر کره صویه آتی اوروب بر کره دالوب غرق اولدم مکر کناری عمیق ایتمش آت یله سن ضبط ایدوب بیرہ اوغلان ازمدن آیرله دیوب تانار طرزی یندروب قرشو طرفه یوز بیک رنج و عنا ایله سلامت غلامله کچوب آتم ینه یدکه آلوب صدر اعظمک حضورینہ کلدکده بیرہ اولیا خوش کلدک بیرہ عسکردن نه خبر دیدکده اشته حضور کده نمایان کر ما کرم جنگ بی پایان هان قرشویه برخیلی عساکر قرمان [۴] امداد وارر ایسه عساکر اسلام تازه جان بولورلزدی حاجی زاده قولک خاکپایه یوز سوروب سلام لر ایدوب علم رسول الله حمایه سنده فتح شریف تلاوت ایدر کن آتم قورشومله اورلدی دیوب آتی کوستردیکده تیز اولیا یه برانی فطوز آت و رک دیدکده غلام دخی کله حضور وزیرده غلطان ایدوب بو غلامله اورناقلشی علم رسول الله اوکنده بو کافری کسدک دیدکده غلامه الهی آلتون حقیره سکسن آلتون و برکیلان آت و زوب دست بوس ایدوب آندن حاجی زاده چادرینه واروب افندی کز قرشوده سفر طاسلر یله تحت الفهوه استر دیو خبر ایدوب خیمه مه کلوب آتک یارمه سن یومورظه و طوز و شب ایله صاروب بر غیر ی آته سوار اولوب ینه نهر رایه کنارنده بر یوکسک بیرہ وارد کده قرشو طرفه نظر اتم العظمه لله تعالی کوردمکه کفار غالب بزم عسکر مغلوب

[۱] س، ک: کیدی [۲] س، ک: کیدی [۳] اولیا چلی بوتاریخه قدر مجرد ایتمش (م)

[۴] س: قرمان. ک، ط: فرمان

اولمش همان اللرنده شکار اولان اسیرلری وجهه پاپاسلری قلعجدن کچروب
 جمله غزات درون دلدن و جان و کولکلدن صدای الله الله رهها بولدوروب
 کفارلرک الایلینه هو هو دیو قلیچ اوره رف کردیلر اما اون بیک قدر توانا یکتلر
 سلامته چقمیدیلر جمله سی شهد شهادت شربتن ایچوب قاندیلر زیرا دریا مثال کفار
 عسکری ایچره برقطره مثال آز عسکر ایدیلر و جمله سی سرمست الست اولوب اول
 وایدیه قالدیلر اما حکمت باری حقیر باری قیلوب حضرت رسالتیناهک علم شریفی
 دبدن بر قدم ایرلیوب سائر اقرانلریز ایله تلاوت قرآن ایدرکن غلامک برن بر
 کافر قات اوکاتمش قووب کلرکن همان حقیر بر تقصیرک غیرت و حیمت طمرلری حرکت
 ایدوب غلامه قفادار وهامیه [۱] چیقام دیو آت دپوب سهل میدانه چقدم مکر
 کفارک بر توفکی دخی وار ایمش حقیره توفنک پر نچی حواله ایدنجه حقیریان ورنجه
 مکر قورشوم آتمک بویننه اصابت ایدنجه آت آلمده بر کره چاوب و چن سرپوب
 کوردمه آدن قان بوشاندی همان غلام کفارک توفنک بوشالتدیغن کورنجه کفار
 بر آی [۲] خدنک سعدوقاصی اوروب کفار دپه سی اوزره آدن دوشوب فی الحال
 غلام کفارک کله سن کسوب آلدی و کفارک آتی کافرله دوغری فرار اتدی
 اما بو آرده آتم مجروح اولدوغندن عقلا باشمدن کتدی همان ینه سنجاغ رسول الله
 دبنه کلوب بر توجه تام ایدوب متالم کنان اولوب سر محفلمز اولان مصاحب حاجی
 زاده یه ایتدم افندی بن قرشویه کچرم کوره آتم اورلدی بن یرمه غلامک بری
 قالسن قرشو کچوب برغیری آته بنوب انشالله ینه کلورم دیدکده حاجی زاده ایدر
 دوغری بو مجروح آت ایله صدر اعظمه وار سکا بر ات ورر وکله کسن غلامکی ده
 کتور اکاده احسان ایدر وقارتمز غایت آجقدی بزه سفر طاسلریله ماحضر طعام
 کوندر دیدکده حقیر کوردمه و بلامکه میدان شجاعت کفارده فلر زیرا عساکر
 اسلام آلاق بولاق اولوب جنکده بطی الحرکلهک ایدوب کفار دلاورانه جنک
 و حرکت ایدر همان آهسته روش ایله آتمی دزکتندن یدکه آلوب نهر زابه کنارینه
 غلامه کلوب قرشو کچلم دیدکده همان صویک قرشو طرفنده کی دیوان چاوشلری و عسکر

[۱] ط : هامیه . ک : هامیه [۲] س : ک : برای [ظنمجه (برای) اوله جقدر (م)]

طرفۃ العین ایچرہ برمفید ومختصر یکی مترسلر قازمشلر وکیرمشلرایدی وجمله عسا کر جنک حاضر باش اولمشلر ایدی همان ابتدا کفار کوس وطبل و قدوم تورومپته وناقوسلرن چالراق یازوژ یازوژ دیهرک عسا کر اسلام اوزره هجوم اتدیلر غزات موحدین دخی درون دلدن وجان وکوکلدن الله الله دیوب آج قورد قیونه کرر کبی وقیون طوزه سکر درر کبی کفار اوزره عسکر سکر دوب صوندقلرنده ابتدا میدان شجاعتمده آت صیچرادان بوسنه الای بکیسی اسماعیل الای بکی و سمر وسمندره بکاری آندن غیری بکلر وبکلر بکیلر وسائر غازیلر عرصه کاه جنک کوروب اولقدر رستمانه جنک پرخاش اولدیکم کفاری در جنک اول دمت دمت دوموز قرار کبی قردیلر همان کفار خاکسار ابتدا نمسه قولندن سوکلوب داغله و باغله فرار ایدوب کورونن نعمت او یوار قلعہ لرینه دوغری صولوغن آنده آلمش کافر لر وارد در حال غزاة مسلمین کفارک بوکونه بوزولدوغن کوروب بربرلرینه بیره کفار بوزولدی دیو خبر ایدوب کفارک عقبلرنجه قوه قوه عسکر تازمار اولنجه مال صول طرفده اورمانلر ایچندن فرانسه کفاری جمله قرمزلی لر کیمشلر میدان معرکه یه دنجا دنج کفار عسکری کلدی وصاغ جانبدن قز قرال جنودی کلدی وچه توفنکلی دخی بربرلرینه زنجیر لر ایله باغلو سوروسورو پرسلاح دنج کفار بی اصلاح میدان عرصه کاهه کروب بزم عسکر اسلامک آردلرن آلوب ایکی عسکر بربرلرینه کروب کامل آلتی ساعت کرما کریم جنک اولوب طرف طرف کفارک جنک آور وزخم خورده اولمامش امدادلری تازه تازه کلوب مست وحیران کفار لر طوپه توفنک باقیوب باطل دینلرینک غیرتنه یدی قولدن طوپلرن وتوفنکلرن او یله یاغدر دیلر کم صدر اعظمک سکیان وصاریجہ لری در جنک اول نصفی قدری شهید اولدیلر غیری غزاة مسلمین طوب وتوفنک ضربدن آلمش نمرود ایچنده قالدیلر وسهل یان وردیلر اما کفار حیلہ کار اصلا ته تکلرن بوزمیوب پیا ن پیا ن دیرک عسکر اوزره کلده اما منہزم اولان تمسه کافر لرینک اردلری صیره دوشوب قوه کیدن عسا کر مسلمین سالمین وغانین میدان معرکه یه کلوب کوردیلر کم کفار خاکسار جنک میدان آلمش و غلبه ایدر شکلنده [۱]

غزات موحدين بسم الله نية الغزاد يوب ابتدا اسماعيل پاشا سرم و سمندره و قنيزه و بوديم [۱] و اكره و استرغون قلعه لرنيك غازيلر يله بزم يانمزه كلوب سنجاغ رسول الله جمله غزات يوز سوروب بزي دعادن اونونمك همان فتح شريفى اوقيونك ديوب جمله ايلرى كتديلر بزدخى صوت خوش الحان ايله قرآن عظيمى و فرقان مجيدى تلاوت ايدوب اون يدى ميرميرانمز و يتمش عدد امرالريمز و اون بر عدد وزرالريمز جمله قول قول چتاجت هر كس مر كزنده قرار داده اولدقده ابتدا كفار حركت اتدى آندن عسكر اسلام ايله اسماعيل پاشا بوديم عسكرى و سائر سرحدليلر ايله چارقا و طليعه عسكر اولوب چقديلر صاغ قولده حلب و زيرى كورجى محمد پاشا و صالح پاشا و اورته قولده صدر اعظم عسكر يله بوسنه عسكرى و اسماعيل الاى بكي چرخيه چقديلر اما قلب عسكرده همان صدر اعظمك اون بيك عدد كزنده خروايد و آرانوود و بوشناق يكتلرندن سكبان و صاريجه آرى و غيرى بهادرانلرى وارايدى و يكرى بيك قدر دخى غيرى توفنكللى و يكيچريلر وارايدى اما وزير اعظم هنوز رابه صوين كچميوب دخى ديب الاى ايله قرشو طرفده دوروردى همان يكيچرى ييالارى صباحكى صو كسارنده قازدقلى مترسلرندن چيقوب جمله ايلرى كفاره دوغرى كيدنجه جمع سپاهيان سلاحشورانلر يكيچرى اكسه لرنده قانون اوزره قصادارلق ايدرك ذوالجناحين وار موج موج دورديلر و دورت عدد آشنى بلوكلر آنلر دخى مركزلرنده دورديلر اما (بر سوء تدبير) دخى اتديلر كم عسكر اسلام ايجره قرق اللى باره شاهى طوپلر كچرمديلر (وديكر سوء تدبير) يكيچرى نى مترسلرندن چيقاروب پياده عسكرى كافره صحرا ايجره جنكه كوندرديلر همان اسماعيل پاشا و اسماعيل الاى بكي و سلحدار اغاسى ذوالفقار اغا و صامصونجى باشى عبدى اغا بونلر باشلرينه چيغلر ن طاقنوب و سرپناهلر ن كيوب جمله كوكد مره مستغرق اولوب سپاه عسكر ن جنكه ترغيب ايدرلردى و يكيچرى اغاسى صالح پاشا و يكيچرى كتخداسى . . . اغا و زغرجى باشى . . . اغا و طورنه جى باشى . . . اغا و الحاصل جمله يكيچريان درگاه على فرمان وزير ايله لب نهرده كى مترسلرندن چيقوب ايلرى بر اوق منزلى كيدوب

[۱] ك : بودين

وبشر آلتیشر چاقاقلی توفنگلی زرین اوغلی و بکان اوغلی و نندار اوغلی [۱] و کیان اوغلی [۲] و اسلوان [۳] و مکه موریه جنودلری عبورآندی الحاصل یدی هر سک عسکرلری ایلرین کستروب کچدیلر و نهر رابه نك ضاغ طرفنده قرار داده اولدیلر. اندن قرق اللی بیک قدرتمسه عسکرینک پیاده سی باک یمزطوپرلیله زوزا نام وزیرلی و ماتتی قوقوله نام وزیرلی سردار اولوب کرره کرره کچدیلر و آندن چه قرالی جنودی کدزآندیلر آندن قزقرال لشکری کچوب عربله لایچره نیجه بیک صمصون کوپکلی جنک محلهنده قویوره لر بوئلر دخی کچوب کتدیلر و جانب غریبه آماده طور دیلر اندن صکره دونقار قزقرالی عسکرلی کچدی اندن دانیمارقه عسکرلی کچدی حاصل کلام یدی هر سک ویدی بان ویدی قرال رایکی وزیر بیله کلوب جمله کفار لری یرنده دوروب آندن جمیع رهبانلر و بطریق و قسیس و پاپاسلرینک اللرته سحره لری ایچنده عود و قره کونلوکلری علوبرعلو یقوب رهاوی مقامنده زبور آیتلرندن لسان زبورزه (فین صون در یازس [۴] جودر کیت عازر هیلاکشتن [۵] دن قپوچار مریه قوت) دیوب صوت بلندایله نیجه بیک رهبان بو آیتلری او قویوب نیجه یوز یردن یته رهاوی مقاملرته ارغنون و ترمپته و لوطور یانی بورولن چالوب و بعضی پاپاسلر جام جام نیجه کفاره شرابلر بدل ایده ترک کیدرلردی. اما کویا قرنجیه بمشکدی تامیدان صواش پر خاشده دور دولر اما بری بزم عسکر اسلام طرفنده قانیقمش عسکر اولکی جنکده شکارلرن آلمشیر و بی تاب و بی مجال قالمشیر و یکریمی کوندن برو کثرت مطر چکمشیر آتلرده و کندولریده در مانده قالمشیر آتلری و کندولری آج او یوز و قان قودوز دیدکلری کچی جمله عسکر آج و عسکرک چوخی اوتده و اوتلوقده و برر قناق رده چته و ذخیره ده اما نه چاره قز شو طرفنده کفار عسکرلی قره بلوطلر کچی قره شاقه لی کفار دنیایی دوتمش بزم محله صدر اعظم تاناز خان زاده یه سهل مقبر خاطر اولماغیله تاناز عسکرلی جنکده دعوت ایتمدیلر همان جمله وزیرا و میر میر انلر و جمله اوجاق اغالری عساکر اسلامی کفار اوزره سوروب همان جمله

[۱] س، ک : نذاذ اوغلی [۲] پ، س، ک : کبان اوغلی [۳] پ : اسلوان [۴] س، ک : دربارس [۵] س، ک : کبت عازر هیلاکشتن

و چار قاجی اسماعیل پاشاویکیچری اغاسی صالح پاشا و سائر وزراء و میر میراندر اولدوغی قدر عسکر لر بیه حاضر باش و مهیا دور دیلر اما عسکر کیش کورمش لوندات مقوله لر ی جمله ذخیره ده و اوتده و اوتلقده اولوب هنوز کلمش لردی

در بیان نتیجه کارانهمزام عساکر آل عثمان در ساحل نهر رابه

چونکه بویوم جمعه ده عساکر اسلام سهل منصور و مظفر اولمشلر کن اطراف و اکنافه چته و پوتوره جیلر نهب و غارته کیدوب امراء دولت و ارکان دیوان اهل همت جمله دماغ حاصل ایدوب کفاری کوزه صالندر میوب اوردوده عسکر شکار لره پراکنده و پریشان اولدقلرندن حقیقت الحال مقدماشکار جیلرک قاجوب خبر ویردکلری اوزره میدان معرکه نک جانب غربندن قلعه نعمت اوکواردن [۱] طرفه و شهر پشلق [۲] سمتندن بروو شهر غراویجه [۳] جانب لردن و شهر برانده بروق [۴] یا لردن برو کفار دوزخ قرار ک قرار لر ی [۵] قالیوب جمله آلمان دیارینه کتدی کمز دن برو جمیع کافرستان خراب و بیاب اولوب جمیع کفار خانه بردوش قلوب آیا تر کدن یجه انتقام آلساق دیو اولوسی در یسنه بنوب دموز سوروسی کبی قره شابقه لی و قره باشلی و جمله دموز دشی کفار دیشلرین بیلوب جمله سی آلات دمره مستغرق اولوب پرسلاح کیملی کفار الای طوبلر ن کشان بر کشان چکرک مقدا جنک ایدوب کفاری قیردیغمز میدان معرکه به کلوب ناپاک قدملر ن بصوب کوردیلر کم جمیع کفار لشی میدانی دوتمش برخیلی زمان لشلر ایچنده صوموردانوب کزدیلر و آتلنوب آهسته آهسته رابه کتارنده کی یکیکچریلرک مترسلرینه دوعرو قضای مبرم کبی و قره جنوار مثال جزالدری و غروفلری و بانلری و همسکلری و ارشاکلری و بی دین ره بانلری ایله یورودیلر اما صول طرفه ده جمله قرمز یلر کیمش کوبا قزل قاته غرق اولمشلر کبی قرمزی اوابلی ویشیل قطیفه لی و بیاض بیراقلی قرانسه عسکری نمایان اولوب بر طرفه قات اندر قات عبور اتدیلر آندن صکره سراپا کوده ری دولما ویشل چوقه قلیاقلی ایکیشر آتی

[۱] ک : او یاردن [۲] س : بشلقه [۳] پ : غراچه [۴] ط : برانده بروق [۵] س ، ک ، ط : قرار کاهلری

اطراف وا کتافي غارت و آان وتالان واسير کريان ايدہ رک اولقدر مال غنایملہ [۱]
 التيشر وسکزر آتلی حنطو [۲] عربہ بللور ونجف وموران جاملی عربہلر ایجرہ
 محبوب ومحبوبہ وغنجه فم خواتینلر ونجه کونہ مال وغنایملر ایلہ اوردوی اسلامہ کلوب
 غنیمت ایدوب باش و دل کتر نلرہ تیشر وسکسر آتونلر و خلعت فاخرہ و چلنکلر احسان
 اولندی بو حال مسرتی کورن غزات مسلمین بر برلرن جنکک و چتہ یہ ترغیب ایدوب نہر
 رابہ قرشو جانبہ کچد کلر نده صدر اعظم مصاحبی حاجی زادہ ایلہ حقیر میدان معرکہ یہ واروب
 تماشا ایتدی کمزده جسد کفارک لاشہ مردارلری عربان یوزی قیون کویا بیاض پمبہ
 کبی خاک مذات اوزرہ پایمال طین و تراب اولوب (یالیتی کنت ترابا) رجالرینہ واصل
 اولوب هر درختک سایہ سنده بی کله کفارک جیفہ مردارلری شہجرہ و قواق
 ذیلندہ یطن مخلوق کبی یطرلردی حتی جملہ لاشہ مردار کفار مہملا تیرک
 کتفلرن وسینہ پرکینہ مجروحلرن تیغ آبدارلر ایلہ شرحلر ایدہ رک جملہ کفارک لشلرن
 عدایدوب طقوزینیک یدی یوز آلتش کفارلشی خبرن صدر اعظمہ کتیر دیلر ویدی
 یوز آلتش عدد غزات مسلمین راہ نجات بولیبو فی سبیل اللہ و میدان بزم رزمده شہد
 شہادت جامندن برز ایاق چکوب ایکی ایاق ایلہ جانب فردوس برینہ روانہ اولدیلر
 همان حقیر بو شہدالری میزی کوروب ایتدم سائر غزات مسلمین بو شہدالری کوروب
 کوزلری بیومہ سون تیز بو شہدالری دفن اتسینلر دیدیکمده همان یکیکچری اغاسی
 صالح اغا عجمی اوغلانلرینہ تنبیہ ایدوب بر عمیق خندق قازوب جملہ شہدالرک بللرندن
 کمرلری وسلاحلرن بیت المال اغاسی آلوب حاجی زادہ افندی امام و حقیر مؤذن اولوب
 شہدالر نمازینہ دیو ندا ایدوب جملہ شہدالرک بردن نمازلرن قیلوب جملہ سن اثوابلریلہ
 برحقیر یہ دفن ایدوب میدان معرکہ ده همان کفارلشلری قالدی بعدہ غزات مسلمین
 کوشہ کوشہ نہب و غارتہ جرأت ایتکک باشلیوب بعض غازیلر مال وغنایملر لہ کلوب صکرہ
 کلن غزاتلر قاچہ قاچہ کلوب آلتی قولدن کفارک عظیم جیشی کلر دیو خبر ویردیلر
 بوخبر موخش صدر اعظمک مسموع شریفلری اولنجه جملہ سکبان و صاریجه سن
 رابہ نہرینک قرشوسنہ کچوروب یکیکچری مترسلرندن ایلری آمادہ پرسلاح دوردیلر

[۱] س ، ک : مال وغنایملہ [۲] پ ، س : حنطو

اعظم حضورینہ کلوب جملہ سی بالغاً مابغ احسان وانعام وچلنکر آلوب ینہ قرشویہ
کچوب مرکز لرنده دور دیلر

در بیان منشأ جنک انہزام نہر راہ

چونکہ کفار بوکویک احراق اولوب بو قدر مال ومنال آلدیفن کورنجہ کفار
مردار میدان معرکیہ چقماغہ باشدقدہ همان حضرت رسالت پناہک سنجاغ شریفن
کشاده قلوب قانون اوزره اون ایکی عدد فتح خوان بریره کلوب (وینصرک الله
نصرآ عزیزآ) فتح شریفن تلاوت آتمکہ باشلادیغمزده صدراعظمک حاجی زادہ سی
ایدر اولیا افندی والہی قرمز آجیقدی حالمز نیہ منجر اولور دیدکده حقیر
ایتم بیرہ شمدی قرمز آجیقدی دیہ جک محلمی همان فتح شریف تلاوت ایدوب
سنجاغ شریف دبندن آریلم بو جنک دیدکلری برساعت ایچنده یا آله ویا ویرہ اولور
(کورہم آینه دوران نہ صورت کستر) دیو بومصرای دیدم آنی کوردم همان
کفار میدان معرکیہ آت دپوب اون بیک مقداری وار چقدیلر اما میدان بزم رزم
برخیلی واسع میدان اما جوانب اربعہ سی غایت صیق درختستان ایدی همان
بو آغاجلق ایچندن بش آلتی بیک قدر دخی کفار میدان معرکیہ آت سوروب
جنکہ دوروشدیلر ایکی لشکر بربریلہ حال خاطر صورشدیلر و چارقه چارقه یہ
قارشوب کروشدیلر و طرفہ العین ایچرہ بربریلہ قلیچ بازارینہ کرشدیلر اما اسلام
طرفندن صدای الله الله اوج آسمانہ پیوستہ اولوب آن واحده غزات مسلمینک
بودینلمی واکرمی وقانیژہ لی و بوسنہ سرحدلیسی کفارہ اولہ برصاتور محمدی
اوردیلمک کفارک عروقی شمشر ظفر حوق ایله قطع ایتدیلمک کویا وجود کفار
ارہ سین سورن ایله قطع ایدر کی اولوب ادیم ارضدن جملہ کفار منقطع اولوب
خاکسار اولدیلم حمد خدا جملہ غزات مسلمین منصور و مظفر اولوب هرکس
شادمان و خندان اولوب صدر اعظم حضورینہ نیچہ بیک کلہ و پاچہ نیچہ یوز اسیر
خاجہ پرستش ایدملری حضور وزیرہ کتیروب کئی طعمہ شمشر و کئی اسیرنجیر
ایدوب دل کترلرہ ینہ کفر لریلہ یوزر آلتون احسان ایدردی و جابجا مجاہدین

عنف ايله كونا كونا جوابلر ديدكده همان صدر اعظم بابائى قزاقچى زاده سليمان اغا ايدر يا بوكونىكى كونا جنك اولمايوب يارنىكى كونا جنك اولماق اوزره فاتحه تلاوت اولنوب اوردوده عسكر يوقدر قرشويه آز عسكر ايله كچيلوب اللهم عافنا عسكره و سنجاغ رسول الله بررخنه اولورسه بوسوه تدبير ايله پادشاهه دكل پادشاهلر پادشاهنه نه جواب و ررسز ديو قزاقچى زاده سليمان اغا صواب شافى جواب ورنجه همان يكيچرى اغاسى صالح پاشا و كورجى محمد پاشا ايتديلر بقا جانم يا قرشوده بوقدر يكيچرىلر يالكيز قورلسنلرمى قانون سليمان خان اوزره قفادارلى اولان سپاه عسكرى قرشويه يكيچرى يه امدهده كچسنلر [۱] ديو جواب اتدكلرنده طرف طرف يكيچرى يه سپاه عسكرن كوندرك قانوند دندكده همان ابتدا سپاه عسكرينه و صدر اعظم جنودينه و سائر وزرا و ميرمرانلر جيوشلرينه فرمانلر صادر اولنجه عسكر اسلام عالم حيرته قلوب بيره جانم جنك يارنىكى جمعه ارتى كوني اوله جاق ايدى ياشمى بز قرشو طرفه كسكه كچلم بارى تانار عسكرينه خبر ايدلم ديو كونا كونا طعن آميز گلانلر ايتديلر آخركار يوم جمعهده ينه گروه انبوه مثال عساكر بي مجال رابه نهرى درياسنه اوغرايوب مقدا كندولرى اصلا فديلهك صوده صر صقلام اولوب رابه نهريتك كناننده اوچ يردن يارلمش يارق يوللردن جمله عسكر اسلام رابه نهرن عبور ايدوب يكيچرى مترسلى ياننه واروب يكيچرى يه قفادار دورديلر و جمله پياده عسكر ميمنه و ميسره ايلر ايله باغلى جسردن عبور ايدوب قرشو جاننده عساكر بي شمار يرلورنده و هر كس مر كزلرنده برقرار اولوب چاوشلر ترتيب و تزئين اولنوب اسماعيل پاشا و بوسنه الاى بكيسى اسماعيل الاى بى ايلرى طليمه عسكر اولوب چارقاچى اولماق فرمان اولنوب قات اندرقات عسكر اسلام آماده دورديلر اما بو محلهده بعضى اشخاص مختلفه لر بريره جمع اولوب بشيوز مقدارى يكتلر ايلرى كيدوب بر بليده [۲] اوروب مال غناثم [۳] و بكر ناشكفته دختر پا كيزه اختلر [۴] آلوب كوي احراق ايدوب كفار بونلره ستاشوب جنك ايدمه سلامتله بر قاچ كله و اسيرلر يله صدر

[۱] پ، ك : كيتنلر [۲] پ، ك : بر بليده

[۳] س، ك : غناثم [۴] س، ك : اختلر

یاماغه فرمان اولدوقده مکر بزدن صکره بر ایکی بیک عسکر بر طرفه طرفه العین ایچره کیدوب معمور قرالر وقصباتر بولوب یجه بیک نور محض المان کوزللی و جاملی هنطو [۱] عریه لری آلوب آنلر دخی شادمانلر ایدرک صدراعظمه کلوب احسان وانعاملر آلدوقده جمعه کونی عسکر شیرینلیوب بر قیچ بیک عسکر قرشویه دخی زیاده جه کچدیله حکمت بازی اول جمعه کونی قرشو جانبده اون بیک قدر کفار بدکردار مردار الای الای صاف صاف تورمپته ولوطریانی وغلیادی بورولری و ارغنون و ناقوسلرین چلاروق موج موج کلوب نمایان اولدی ونهرک قرشو طرفنده کی درختستان ایچره کفار قرم نخر کبی قره شاپه لریله مکث ایدوب بری طرفده صدراعظم اوردوسنده اوچیوز پاره صغار و کبار طوبلری کافره قرشو آماده ایدوب عنی الترتیب جمله طوبلری دزدیلر و جمله سن آغزلدیله اما قرشو طرفده کفارک جابجا ایش کورمش و شیرینلمش قطننا آتلیلری نمایان اولغه باشلادیله و کونا کون لعدده بازلقار کوستردیلر همان کورجی محمد پاشا و اسماعیل پاشا صدراعظمک اوطاغه کلوب سلطاتم بو قرشوده کی کفارلری و وورالم قرالم همان فرمان بویورک قرشویه عسکر اسلام کچسون دیدکارنده صدراعظم بر خیل تفکر ایدوب نیجه اموردیده و کار آزموده مسن کسه لر ایله مشاوره ایدرکن همان خیلی افندی ایدر سلطاتم بو کون جمعه در جنک اوناز یازین جنک سلطانیدر بیوردیغ کزده اوردوده کسه قالمیوب جمله غزات فرمان درر باز کیز اوزره طرف طرف اوته اوتلوغه کتدیله و بو کورن از جنق کفار حیلله ایله میدانه کلوب همان بر جنک بهانه سیچون بکنز [۲] آنلرک اوزر لرینه عسکر کوندروب جنک اتسک عسکری بصوبه چکر لر یوز قرالی اولمادن الله تعالی حفظ ایده جمعه کونلری جنک اتسک سلف پادشاهلری ووزرلری وغازیلرینک رأی و تدبیر احسنلری دکدر دیو خیلی چلی خیلی جواب اتدکده همان اسماعیل پاشای لوج ایدر یاغیرت اسلام محمدی بومیدر [۳] بویله بروزیر اعظم حضورنده بو قدرجه کنار سنجاغ رسول الله قارشو آتترین صبیچرادوب کیدرک قرشو طرفده کی یکیکچری لری قرالر صکره پادشاهه نه جواب ورسز دیو

[۱] پ : حنطو [۲] : س : بکدر ک : بکدر [۳] پ ، ک : بوقبدرک

ایپلر ایله باغلابوب فی الحال یکیچیری اوجاغندن صامصونجی باشی عبدی اغا اون اوده یکیچیری ایله آهسته آهسته جسر دن قرشو کچوب ساحل رابه ده جسر باشنده فی الحال جمله غازیان یکیچیریان ماه مزبورک اولکی کونی مترسره کیروب اوکلرینه سپرلر ایدوب قرار ایتدکلرنده همان نیجه بیک آتیلر صودن قرشو کچوب همان حقیر دخی باری قرشو کچوب کفار یوق ایکن برشکار کله پورن آله بلسم دیوب بش بیک عسکره قاتلوب جانب غربه بر ساعتده الغار ایدوب تا وقت قوشلقده

اوصاف قلعه نعمت اویواز

آلتنه واردق کفار مردار بوقلعه یه نمت او کوار دیرلر سرحدیلر نعمت اویواز دیرلر بر صحرای عظیمک جانب غربیسی نهایتنده اوج آسمانه سرچکمش بریاچین قیا اوزره شکل مخمس بر شددادی بیاض قغو کبی بر سد استوار سوردر کم گویا کوردستانده ماردین قلعه سی کبی صارب شددادی قلعه در اما کوچکدر لکن اشاغیده کی واروشی نهر نمت [۱] کنارنده بر دوز واسع چنزار فضا ده باغ جنان وروضه رضوان ایچره بردوز واسع واروش معظمی علی الغفله باغلیری و باغ چه لری و طارله لرن بصوب تا واروش کنارنده طوب آلتنه دک کوز قرار دوب کروپ نیجه مال غنایمدن ماعدا یدی یوز عدد پاکیزه نمسه اسیرلری آلوب حمد خدا بوغازیلرمن عودت محلنده [۲] بو حقیرک الینه بر بار کبر اوزره بر کوچک شاپقه لی نمسه غلابجنی کروپ همان غلام مغان یانمه کلوب خدامانمه تسلیم ایدوب آندن ایلغار ایله ینه رابه کنارینه عودت ایدوب صدر اعظم حضورینه بوقدر کله و پاچه و مال غنایم و بوقدر اسیر ایله کلدی کمزده جمله اوچرکسه [۳] احسان ایدوب جهان جهان شاد و خندان اولوب کفاردن خبر کز واری دیدکده حقیر صدر اعظم یاننه واروب ایتدم سلطانم اسیرلریمز کافر واردر اما بو کون یارین کوروزلر دیبورلر دیدم کافرلری سویلدوب آنلر دخی زیاده عسکریمز وار دیدیلر همان بر جسر دخی

[۱] ک: نعمت [۲] س، ک: بوغازیلرمن کوزینی قیامیوب عودت محلنده [۳] پ،

ک: اوچ کیسه

کونندن برو عساکر اسلام اوچ سفر ایدوب قنیزه قلعه سن دخی کفاردن خلاص ایدوب و یکی قلعه یکریمی سکز کونده فتح ایدوب یتش یدی پاره قلعه لر دخی فتح ایدوب عسکر اسلامده درمان قالدی و وقت شتا کلوب وقحط وغلادن آت اشک و عسکرده جان قالدی بوایام شتای مطرده پچه و پراغه و یانیغه کتمک نیجه اولور دیه مدیلر زیرا کورجی محمد پاشا و اسماعیل پاشا کیمسه سویلتمیوب بوکون جمعه در جنک اولماز اما یارین (بارک الله السبب و الخمیس) حدیثی اوزره یارن جمعه ارتسی قرشو کچوب کافرستانی خراب و بیاب ایدلم اما بوکون جمعه در نهر اوزره برقیچ یردن جسر لر یاپلسن و نهرک ایکی طرفنده کی یارلری و بایرلری یارسینلر شاه راه یوللر یاپسینلر و جسرلرک قرشو طرفلری باشنده عظیم طابیه و متریزلر [۱] قازسینلر دیو کونا کون باد هوا مشاوره لر ایتدیلر اما قرشو کچوب جنک آتمک عسکر اسلامده جان یوق همان حقیر بو احوال پرملالی و سوء تدبیری کوروب قحط وغلادن و تعییناتک قلتندن اون آلتی عدد آتلم و اون بر عدد خداملرمله برکیجه نه نیجه یورد یری دکیشدیرر شککنده اولوب تاتار اوردوسنه کچوب احمد کرای سلطان ایله بر یرده قنوب چایردن چایره آتلم ذوق و صفاده اولوب حقیر جور و جفای فراموش اتم اما ینه هر بار بر ایکی خدمتکارمله ابراهیم کتبخدا افندمک [۲] و صدراعظمک حضورندن بر آن منفک اولمازدم چونکه جنک جمعه ارتسنه قلوب جمعه کونی جمله چاووشلر ندا ایدوب یارین علی الصباح قرشو کچوب جنک عظیمدر هرکس بوکوندن اوته اوتلوغه کتسینلر و نیجه مؤنلرن کورسینلر دیو کونا کون ننبیه و تآیدلر ایدنیجه جمله خداملر و نیجه بیک یرار ایش کورمش غریب یکتلر ذخیره و علفه و گیاهه [۳] کیدوب اوردوی اسلام ایچی صوبی کسلمش درکرمانه دونوب عسکر اسلام سبرکنندی اما همان صدراعظم بو یوم جمعه ده دفتردار احمد پاشایه فرمان ایدوب وزیر دلیرک اوطاغی اوکنده بش اون بیک عسکر اوشوب فی الحال نهر رابه اوزره درخت منته قازقلر قاقوب پیاده عسکر اسلام عبور آتمک ایچون بر جسر خشب مفید و مختصر انشا ایدوب طوب تختیزن

[۱] س ، ک : مترسلر [۲] س ، ک : افندمک [۳] س ، ک : گیاهاته

بر زخیری هر کون چکړک کافر لر دخی قارشو طرفده قنوب کوچړک یکر می برنجی کون ینه عنا چکړک (منزل ساحل نهر راه) ده مکث اولنوب حمد خدا اولکون عسا کر اسلامک باشنه کون دوغوب یاغور یاغمیوب بر روشن هوا اولدیکم جمله لشکر اسلام شادمان اولوب هر کس اوابلرینی و قولتوخی آلتلرینی قورودوب اوابلرینی بیقیوب اسی طعاملر طبخ ایدوب صفا اندکرنده [۱] منادیلر ندا ایدوب اوچ کون اقامتدر دیو چاوشلر فریاد اتدیلر حکمت خدا اوچ کوندن رو کافر عسکری راهنک قرشوسنده قنوب کوچمز اولوب آیا کفارزویه غائب اولدی دیو بر خبر آتمازدی و هر کون نهر راه قرشو طرفه عبور اتمکه کچت بولونمازدی تقدیر خدا بومزله نهر راهنک ایچی طرفی طوپراقلی اوچوروم یارلر اولوب برعالی یشنه باشندن نهر راهنک جانب غربنده اوچ ساعت مقداری مسافه بعیده ده قلعه نعمت اوکوار [۲] نمایان اولوب بیاض اژدر هفت سرکی دورردی حکمت باری بو محله نهر راهنک بر اعلا کچیدی بولندی وقرشو طرفنده دخی کفار خاکسار داخی کورنمدی همان فرصت غنیمتدر دیو نهری عبور اتمکه تدارکار کورولوب فی الحال صدر اعظم اوچویوز عدد پرسلاح یکتلری نهر راه قرشو کچوروب سمو انجاق اوزنکیلره چیقوب اعلا کچت بولوب برخیلی مسافه بعیده یرلره کیدوب برکافر کویندن وافر شکار آوب ینه صدراعظمه سالین وغامین کلوب [۳] احسانلر ایلدیکم تعبیری ممکن دکدر

در بیان اجمال غزای نهر راه بعده برای سوء تدبیر انهمزام عسا کر

اسلام در کنار نهر راه

بو نهر راه کنارنده جمیع ارباب اهل دیوان اختیارلریله مشاوردرلر اولوب نهر راه اوزره جسرلر انشا اولنوب نعمت او یوار آلتندن بچقه، سی اوزره کیدوب محاصره اتمکه نتیجه ویریلوب فاتحه اوقندی برکسینه دیمکه قادر اولمدیکم قیش [۱] ک : اوردوی اسلام ایچره منادیلر [۲] ک : او یوار [۳] س : کلوب احسانلر آلدیلر . ک : کلوب انعام واحسانلر آلدیلر

کفار قلعه حالی اوزره براغوب داغله فرار ایتمشلر و کل کلفتلیله [۱] باشلرین
 آلوب داغله کتمشلر جهان آل عثمانک عسکری آج و زاج و بر حنطیه محتاج
 قلعهنک ایجنه آج قورد قیونه کرر کبی کروپ فرهاد وار فرهادی کولنکر ایله
 قلعهنک در و دیوارلرن و زیر زمینلرن قازهرق اول قدر مال غنایم و اولقدر
 ذی قیمت اقمشه فخره و اولقدر البسه نادره لر بولنوب نیلیم بولنر نیز دیو اصلا
 بر متاع کیمیاه نظر اتمیوب آجلقدن ذخیره آرارلردی حکمت خدا فرار ایدن
 قپودانک سراینده نیجه زیر زمینلرک ایچنده بر قیچ عمل مانده کافرلر بولنوب انلر
 اولقدر ذخیره [۲] مقولهسی کوستورب داغله کبی ارپه و بوغدای و بقصه [۳]
 و اون و فریک و بقله و نخود و ماش و بال و یاغ بولندیکم عسا کر اسلام ما کولات
 و مشروباتلر ایله مقتم اولوب ذخیره طاشیمدن مستغنی اولدیلر خدا ذکرین خیر
 ایلیه صدر اعظم بو محله اوچ کون اوطوراق فرمان ایدوب اوچ کونده دخی
 بو قلعهنک ذخیرهسی ذره قدر اکسیلمدی اما ابتدا کون بو قلعهده ذخیره یغماسیچون
 چوق یکتلر بری برلرین قتل ایتدیلر بعده قلعه آتسه اوروب عسا کر اسلام
 کتدیلر بو محلدن دخی قالقوب ایلری منزل یوللری اوزره اسماعیل پاشا بر قیچ
 یرده جسورلر انشا ایدوب یوللرده بلقان و اورمنلری قروب چقور لرلی و بتاق
 و چتاق یوللری خار و خاشاک ایله دولدوروب و یوللر تطهیر اولندوغندن عسا کر
 اسلام خیر دعا ایده رک جمله بال یمز طوپرلیله عبور اولنوب بعدالظهرینه . . .

منزل کنار راه

خلاصه کلام اون یدی قناق نهر راه ساحلنده قنوب کوچمشلر بزدخی
 بش قوناغی بیله قونوب کوچوب آلام [۴] و شدائلر چکدک قالدیفمز قناقلرک
 آتشلری قوندوغمز منازل لردن کورونوردی تا شو مرتبه چامور و بطاق
 تعبدن بر ساعت یری بش ساعتده کوچیله عبور ایدوب منزله کاردک بو کونه

[۱] س : کلنترلیله [۲] س ، ک : ذخایر

[۳] ک : بکسات . س : بقصه [۴] س ، ک : نیجه آلام

طوپلری صای یاغندن قیل جکر کبی چکوب منزل به منزل طوپلری ار کوروب هر کون کفاردن مقدم منزله واریلر اولدی و بو منزله قنیزه دن وسکتوار قلعه لرندن بیک عربه یوکی ذخیره امداد کلوب ابتدا آتلیک بعده آدملیک یوزی کولوب اوردوده سهل شادمان اولدی اما ینه باران رحمت کوز آچدیرمدیغندن بعضی افسانه جی تریا کیلرینه باران لغت یاغیور دیرلردی اما ینه بو درد سیری چکیرک منزله ایرلرلردی لکن هر کس نیجه یوز بیک کونه درد و بلا ورنج و عنا چکرلردی و بو مجارستانک ترابی اصلنده بطقی یرلر اولماق ایله اورمانلق و کون کورمنز درختستان یوللر اولدوغندن محصولاتلری آز اولور اول اجلدن زمینی چفت صغرلریله طارلهرن باق صیرطی کبی صرط صرط یوتسک طارلهر ایدوب صرطلر اوزره ا کین ا کرلر نتیجه کلام زمینی انیش یوقوش ایدوب قیش کونلری بو انیش یوقوش یوللرک چامورنده بوروعک عذاب الیدر امت محمد شب و ررز بو انیش یوقوش یوللری عبور آتمدن بیزار اولوب اورمانلری قراق و خشیدن و یپراقدن جسورلر احداث ایدرک شد رحل ایدرلردی آخر الامر بو منزله ازاله مصیبت راه ایچون بودین وزیري اسماعیل باشایی و حلب وزیري کورجی کتخدا محمد باشایی طلیعه عسکر ایدوب غزاة مسامین آسان وجه ایله عبور آتمه لیچون یوللری تطهیر ایدوب و لازم اولان یرلرده جسورلر یاپمغه تعیین اولندیلر ینه اولکیجه اوبله باران رحمت نازل اولدیکم آتلی دور دقلری رده سیننه بندلرینه دک غرق اولورلردی بنی آدم خود اولی بالطریق چادرندن چیقمغه و چادرن قورمغه قادر دکلر ایدی خلاصه کلام بو مصیبت عاد و ثمود قومنه اولماشدر مکر بوسنه لوط قومنه بو مصیبت اولشدر علی السحر ینه قطع منازل ایدرک

— اوصاف قلعة زقان وار [۱] —

مقدما بیک قلعه فتحندن صکره قنیزه آلتندن تاتار عسکر یله المان ولایتی سفرینه کتدیکمزده یانندن کچمش ایدک اماشمدی صدر اعظم دریا مثال عسکر ایله کلنجه

[۱] ب، ک : ذفن وار

غرفه طین اولوب نیجه بیک عسا کر اسلام پیاده قالدیلر و هر خیمه آب رحمت ایچره بر حباب کچی کروزدی عسا کر اسلام ایچره جوعدن بر ضعف مستولی اولوب برنادرستلک اولدیکم نامراد غریب یکتلری بعض درخت سایه سنده چاموره براغوب فریاد و این ایده رک قالدی و نیجه بیک آت عربه سی و جاموس عربه لری چامور ایچره غرق اولوب اول کوزدن صاقدیغک نازک اشیای ذی قیمتلی چامور ایچره - پتلیله غرق اولوب بطر کم بقر و کمک حاجتی ایدی بعضی کمنه لر مالم کافره قالسن دیو متاعلن آتسه یقردی و دودلری درک درک اولوب آسمانه چیقاردی و بو حال اوزره یدی کون یدی کیجه بو آلام و شدایدی چکدرک نهر راه کنارنده مکک ایده رک یه کفار قارشو طرفده طانس اوینایوب هوره تپلردی و ارغنون و تورومپته بورولری و لوطریان بورولری و غلیه ناقوسلرن چالراق الای الای عبور ایدرلردی اما نه آنلردن بیزه و نه بزلردن آنلره برطوب و تفنک آتلیوب بعض سر حدیلر ایله کفار صو آشیری سویله شلرلردی زیرا راه نهرینک عرضی یوز ادیم قدر انجاق انلیدر اما یغموردن درین اولوب برانسز کوچک صودر و قرشوجاننه کچمک امر عسیر اولدی و هر کس جانندن یزار اولدی و بو منزله جبه خانه حامره دن ایکی بیک معدود طوب کله لن قعر زمینه دفن اتدیلر سایرجه خاه وغیری مهمات ولوازمات اوردوی اسلامه واصل اولمایه جفی امرالک و حکاملرک معلوملری اولوب یتیمش شده بارود سیاهی برر برر آتسه اوررلردیکم کافر قرشوده کورمیه و نیجه شده سین چاموره دوکرلردی و ایکی کره یوز بیک اوق و ایکی بیک یای و نیجه بیک کونه آلات و مهماتلری احراق بالنار ایدوب جبه خانه عربه لرندده جمله آتسه یاقوب جبه خانه سهل خفت بولدی دیو جبه حی باشی علی اغا و فضلی کتخداشکر ایدرلردی اما فقیرلرک خبری یوقکم وقف اللهدن بر مصر خزینه سی مال ضایع اولدی همان صدر اعظم طاقت اندیش تانار خان زاده حضورینه قغروب تاتار عسکرینه آت باشنه برر قزله آلتونی دفتردار احمد پاشا و یروب بهر یوم اوچر بیک آلتونی اوچر بیک آت باشنه و یروب یوز اللی باره شاهی ضرب زن آلا ی طوبلرین و یدی پاره بال یمزطوبلری و دوردر عدد قلوبورنه

طشره برآدم اوتلوغه چقماغه قادر دكلدر انكچون جمله عسكرد آجلقدن هلاك اولديلر ديو خبر ويرديلر هله بو حقيرك سيسخانه لرمده ذخيره قسمندن چوق شى وار ايدى ولى نعم افنديلر مه هدايلر و يروب دنيا آنلرك اولدى و آنلره بو حقير سرگذشت و سرانجام لرم ابراهيم كتخدايه و صدر اعظمه برر برر نقل ايدردم ارتسى كون يينه رابه كئئارنده نفيير رحلتلر چالندينى محله عظمت خدا بر باران رحمت نازل اولدى كم كويا سقا مشقى [١] مثال مطر رحمت يغازدى اندن بريخ صرصر عقيم اسوب كيجه وكوندوز جمله عسكرد كوز آچيوب جمله دوابات و عربلر چاموره غرق اولوب جمع امت محمد جانلرندن بيزار اولديلر و بو محله عسكرد اسلام ايجره بر قحط و غلا دوشديكم بر آت يى برغروشه چيقدى زيرا مقدا جمله ذخيره كيلرى نهر موراوا سآحلنده ماشلون [٢] اسكله سندن اوسكه عودت اتدكلرى اجلدن عسكرد ايجره قحط اولدى و جمع كفارك فرا و قصبات و قلاعلرى غارت اولوب خراب و يباب اولوب جمله كفارك جانلرى باشلرينه و اشلرينه دوشوب صارب قلعه لره قبانوب نيجه كره يوزيك كفار خانه بردوش اولوب عسكرد اولدقلى اجلدن قحط و غلا اولماسنك برسبى دخى بو اولدى و بو محله اول باران رحمت محلنده كورچى محمد پاشا و اسماعيل پاشا يلشكه [٣] قلعه سى آلتندن عبور ايدركن كفار ايله بر جنك عظيم ايدوب طرفيندن خيلى آدم دوشوب لكن ميدان و غاغزات مسلمينده قالبوب كفارك ا كثرى نهر رابه قرشو كچوب فرار اتديلر اما بو منزلده رابه نهرينك قرشو جانبنده نيجه بيك كفار دخى طبل و ارغنون و ناقوسلرن چالهرق نمايان اولوب صدر اعظم دخى كچوب آل عثمان برى طرفده كفار قرشو طرفده آت باشى برابر قونه كوچه كيدرلردى غرايب بونده كم كافر طرفنده شمس آتش تاب اولوب خوش هواده طوز طوزاردى بزم جانبم زده عسكرد چامور درياسنده يوزردى و نهر رابه باران رحمتك كئرتندن بروجه ايله انهاره باعث اولوب طغيان ايله جريان ايدر اولديكم كوياسيل جيحون و نيل و فرات و مراد نهرلرى اولدى و پير و جوان و اخوان و ياران بر لرلر ينه واروب كلده عاجز مانده اولديلر و هر كون بيك قدر كئيلان آتلا آجلقدن

[١] ك : سقا مشقى [٢] پ : ماشلون . ك : ماشلون [٣] ط : بلشكه

چيقوب بومحله ککنجه نه برکافر ونه برمسلمان کورونميوب بر ديادن برخبر آله مادق
 ارتمی کون مشاوره ايديوب بلاطين بحيره سی کنارندن چيقوب جنوب طرفنه نهر
 رابه کنارلرينه طوغری کيدوب مقدا احراق ايتديکمز پلشکه [۱] قلعه سنه کيدهم
 ديو فاتحه تلاوت ايديوب کتوردو کمز ذخيره نک بش آلتی عربه يوکنی يوب عربلری
 براقق زيرا سهل ياغمور ياغمغه باشلادی اولکون جانب جنوبه طقوز ساعت
 کيدوب قبل المغرب برخيابانده نزول ايتدکده ايلريده قلاغزلر يمايکی کافر دل کتروب
 سويلتدک صباح ترک عسکرينه راست کرسمز اما اجلقندن جوق آتلی و آدم لری
 اولديلر رابه صويي کناريله کليورلر ديدکلر نده دنيا بزم اولوب کافر لری حاجی باشا
 آلوب اسير قيد بندزنجير ايتديلر علی الصباح قالقوب اسير کافر لری قولاغز اولوب
 کيدرکن حمد خدا يول اوزره عسکر اسلامه سنه ماه . . . کوننده راست کلوب
 جمله مز پياده اولوب شاه راه اوزره صدر اعظمه سلامه دوروب کلدکده ابتدا خاصکی
 افا و آندن حاجی مصطفی پاشا والای بکلری و حقير جمله صدر اعظمک آت اوزره
 زانولرن بوس ايديوب خوش کلدک خاصکی افا و خوش کلدک حاجی مصطفی پاشا قنی
 ذخيره ديدکده افندم بشيوز عربه ذخيره اشته کتردم ديدکده هان صدر اعظم آندن
 اينوب اينه عصا سن آلوب هان اوراده الی عربه يکيچری اوجاغنه واللی عربه
 سپاه اوجاغنه واللی عربه وزيرالره واللی عربه مير ميرانلره واللی عربه امرالره
 واللی عربه طوپچی و جبجی و سائر خلقه واللی عربه کندو عسکرينه الحاصل بشيوز
 عربه يوکی ذخيره يي جمله آل عثمان عسکرينه تقسيم ايديوب آتیه سوار اولوب حمد
 ايندی مکر آل عثمان لشکری آجلقندن اولمشر حمد خدا بزده عسکره سالمين و غانمين
 واصل اولوب تازه جان بولوق اما عسا کر اسلام آجلقندن جانلرن يترمشر خاصکی
 افا ايله صدر اعظم آت اوزره سويلشوب بر ساعت کيدوب منزل ساحل نهر رابه
 کنارنده عسا کر اسلام مکث اتدکده نهر رابه نک قرشوسنده يوزيک لشکر جنب
 ايله قرال عسکری ده قرشومزه مکث خيام اتديلر حقير سؤال اتم واللی اون
 بش کوندر بز رابه صوينک بری جانبنده قونارز کافر قرشو طرفده قونار آوردون

[۱] س ، ک : پلشکه

قلعه سنه دخی استیلا ایدوب حالا الی الآن دست کفارده قلوب نمچه چاساری حکمنده در اما بکان اوغلی خاکنده اوج آسمانه برابر برکوه سربلند اوزره برشادی چارکوشه سربلند برقلعه بی مانند سور استواردر اما کوچو کدر بزم عسکر اسلام ذیل حصارندن عبور ایدرکن قرق الی باره بال یمز طوپلر آتوب در حال قلعه نك برج وبارولرن خاجلی پیکرلر ایله تزیین ایدوب کفارلری قرنبه کبی قایناشوب جنکه آماده اولماغه باشلادیلر
آندن

اوصاف قلعه كوچك واروش [۱]

اول و آخر نمسه چاسارینکدر اما بکان کافری حکمنده در

ستایش قلعه طاییه سه

بودخی چاسارکدر لکن بکان اوغلی حکمنده در بو قلعه بحیره بلاطین کنارنده غایت صعب وقوی پلنقه در بنوک داغلرنده برکیجه یتوب ارتسی . . .

دروصف قلعه مارچیل [۲]

سنه . . . تاریخنده سلیمان خانیده فتح اولنش بعده کفار استیلا ایدوب حالا دست کفارده قالمش اما برعلو آتش نمرودک احمر کونی اوجه پیوسته اولوب یاناردی مگر تانار عسکری مذکور قلعه نك واروشن احراق اتمش

اوصاف قلعه شمک [۳]

بودخی نمسه نکدر اما زرین اوغلی خاصیدر اوج سمایه برابر قلعه ایش اما عساکر اسلام احراق ایدوب آتش نمرود ایچنده ایکی ساعت بعید صولزده نمایان ایدی . . .

[۱] س : واژون . ک : واژون [۲] پ : مارچیل [۳] پ : شیمک

رفیق قولاغوز آلوب جانب غریبه باقون داغلی ایچره کیدرکن عظمت خدا اریک
 واما و امرود و قزلجه و بروشنه سی و چیلک نام میوه لر داغلرده پایمال رمال اولوب
 یطور بونعمت فاکه لری ییوب ۳ ساعتده آیدوب

اوصاف قلعه چاوقه

لسان مجارجه ... دیمکدر اروام لساننده قرقه قلعه سی دیمکدر حقا که داغلرنده
 جویر اغاجلری چوق اولماغیله قرقه سی چوقدر حتی رومده السنه ناسده ضرب
 مثلدرکم قرقه قوزه بقرکی بقر دیکلری اوزره قرقلری چوق اولدوغندن چاوقه
 قلعه سی دیرلر استونی بلغراد حکمنده صو باشیلقدن نیسابتدر دزداری وایکیوز
 مردم حصار ی واردر قلعه سی پولطه و باقوان داغلی ماییننده بریشته عالی به یالشمش
 برکوچوک شدادی بنا برقلعه چکدر اما ایچنه کرمدم درون حصارده مراد خان ثالث
 جامعنده اذان محمدی تلاوت اولدوغن استماع ایدوب سوال اتم سنه ۱۰۰۲ ماه
 محرمنده فاتح یمن سنان پاشا فتحیدر قوی آزددر اما کرات ایله بنوک غازیلری کافرک
 طاطا و پاپا و سنارتین و یانیق آلتلرینه واروب شکار آلوب ینه شاهین یواسنه کلر
 کبی قلعه لرینه کلوب کررلر کرات ایله کافره امان ده درمشلردر قبله به ناظر برقبومی
 اولوب جبه خانه سی و همهمات و ذخیره لری مستوفادر لکن بوندن ایلری برقلعه مز
 یوقدر انتها سرحددر هر جانبنده کافر قلعه لرینک خروس لری آوازی اشیدیلر
 تابو مرتبه بی امان قلعه در اما بنوک دخی باغ و باغچهلری چوقدر بوندن دخی یکرمی
 نفر قولاغز آلوب ینه داغدر وصیق اورمانلقلر ایچره کیدوب کامل یدی ساعت
 یوروپ سهل آتله استراحت ایندیروب ۹ ساعتده

اوصاف قلعه چوبانچیه [۱]

بودخی مرادخان ثالثده سنان پاشا فتح ایدوب بعده کفار سنه ۱۰۰۶ تاریخنده
 سلطان محمد خان ثالث عصرنده کفار یانق قلعه سنه ظفر بولدقده بو چوبانچیه

[۱] پ : چوبانچیه

استونی بلغراددن رابه صوتی طرفنه سفره کتدی کمز قناقلری

وقلاعلری وچکدی کمز آلام وشداندلری بیان ایدر

اولا استونی بلغراددن چیقوب جانب جنوبه بر ساعت کیدوب

منزل قلعه بکان

خاصکی اغا ایله مقدا بلغراده کلیرکن بو قلعه بکان ذکر و توصیف اولمشدر
آنده جمله عسکر جمع اولوب ینه جانب غربه اورمانلر ایچره آماده پر سلاح
کیده رک ۴ ساعتده

اوصاف قلعه پولاطه

لسان مجار جه ... دیمکدر که بانسی انکروس قرالرندن لاصلو قرالدر سنه ۱۰۰۲
تاریخنده سلطان مراد خان ثالث عصرنده سنان پاشا بوقلعه یی و پر سپرم قلعه سن
برسفرده فتح آتمشدر حالا بودین ایالتنده بزم استونی بلغراد سنجانچی حکمنده صو
باشیلقدر و بلغراد نواحیمی نیابتیدر دزداری و دورت یوز مردم حصار ی واردر
غیری ضابطلری یوقدر قلعه سی پولاطه داغی اتکننده شکل مربع بر صعب حصار
استواردر جانب شرقه بر قپوسی وار اوکننده خندق اوزره آصا جسری واردر
درون حصارده اوچیوز قدر خرده کوچک خانهلری و انبارلری و جبه خانهلری
و مراد خانک بر کوچک جامعی وار اما غایت شجیع و نامدار قوللری وار شب و روز
پر بیرم کافرینه جنک و جدال و حرب و قتال ایتمده درلر بو پولاطه و بکان و چوقه
قلعه لرینک جمله بیک ایکیوز عدد نفراتلری بودین دفتردارتده [۱] وظیفه معینه لر
آلیرلر بوقلعه نك باغ و باغچهلری چوقدر اما اطرافلرینه کافرین قوروتماق ایچون
قراوللر قیوب زراعت ایدوب باغلرینه وارلرلر غایت سرحد یردر اریکی و امرودی
غایت چوقدر و آب حیات صولرینه نهایت یوقدر بوقلعه دن حاجی پاشا اللی یکت

[۱] ک : دفتردارندن

و بلیغ مجارجه و نمسه جه بلیرلر اما ترکیه اولقدر بلزلر لکن هودی سدی بار غیری کلام بلز غازیلردر و غایت غریب دوست و کرم صاحبی حلیم و خلوق آدملردر غایت غنیمت دیاردر جمله صحرا سی محصولداردر و جمله صرف بوشناق و مجار رعایالی غایت مطیعلردر و بر وقیه اتمک بیاض و خاص بر اچیه در و بر وقیه قیون آتی ایکی اچیه و صغیر لحمی بر اچیه و بر عربیه یوکی فاوون و قارپوز بش اچیه در (در شعر تمه شهرانکیز کلیات استونی) ...

(در بیان زیارتگاه شهداء استونی بلغراد) بودین قپوسندن طشره غازی و شهید سلیمان پاشا تکیه سنده یطر ...

حمد خدا بوشهر دلاویزده بر قاچ کون والی ولایت حاجی پاشا ایله ذوق و صفالر ایدوب خاصی اغا ایله رابه نهری طرفنه صدر اعظمه کتمکه مشاوره ایدوب جمله اعیان ولایت ایتدیلهر سلطانم سز پادشاه طرفندن خط شریف ایله صدر اعظمه کلدیکن صدر اعظم قنده ایکی معلوم دکل بوندن ایچریسی کافرستاندر بز سزی ایچری کتورمکه قادر دیکلز دیو قطعی جواب و یروب بر قاچ کون دخی بلغرادده مکث اتمکی اولی کوروب قرار ویرمشکن حکمت خدا اول آن نهر رابه کنارنده قلعه و شواردن قنیزه غازیلریله داغدن داغه کافر اسلوبنده آدملر صدر اعظمک خط شریفلرن کتوروب سنکی استونی بلغراد پاشاسی الحاجی مصطفی پاشاسین امر شریفم وصول بولدقده بر آن دور میوب علی التعجیل عسا کر اسلامه ذخیره یتشدیره سین والا کر اهمال و مسامحه ایدرسن باشک کیدر دیو بویله بر مؤکد امر شریف وارد اولنجه همان حاجی پاشا بر کون بر کیجده بشیوز عربیه دوردر آت قوشوب جمیع ما کولات و مشروباتلرک انواعلرن عربیه تحمیل ایدوب اول کیجه حاجی پاشا ایله بش بیک کزیده عسکر اولوب

قرہ مرتضیٰ پاشا بواغلیک تا اور تاسندہ برتل رفیع اوزرہ اسلامبولدہ همان غلطہ قلعہ سی کبی شکل مدور و سر آمد بر قلعہ بنا ایدوب طوپلری و توفنکری واللی عدد نفراتلری ودمیر قپوسی ایله آمادہ برقلعہ آزادہ انشا ایدوب شب و روز اللی یکیت نوبت بکلرلر وبعده بوقلہ کفایت ایتمیوب بلغراد باغلی عمار اولوب چوق اولماغیلہ باغلیک بر محلی یرنده حالا والی ولایت حاجی مصطفیٰ پاشا برقلعہ سر آمد مثال بر قلعہ بنا ایتمشکم مرتضیٰ پاشانک قلعہ سندن متین اولمش و قپوسنی دورت آدم قدی بالا کمدلر ایله عروج اولنور دمیر قپو انمش بونده دخی اللی یکت و طوپ و تفنک و سسار جبه خانلر آمادہ اولوب نفراتلری نوبت بکلہ یوب اکر کفار باغلرده کی آدملرہ کلر سہ بش ساعت یردن کفاری کوروب و طوپ آتوب جمله ارباب مرام قلعہ آلتنه کلرلر زیرا قلعہ یارم ساعت بعیددر در حال قلعہ دن طوپ صداسن استماع ائتدکلرندہ اوچ دورت بیک آدم باغلی ایچنه کلوب کفاری تجسس ایدرلر اکر کفار باغلر دن آدم آلدیسہ کافری قود قوه اسیرلری البتہ بر اقدر لرلر اکر کفار آدم آلمادیسہ نفاری تا طاطا و پاپا و پرس پرم قلعہ لرینہ وارنجہ قووب البتہ کافردن اسیر آلرلر و سالمین و غانمین بلغرادہ کلرلر و بو باغلرده بی حدوبی قیاس کونا کونا مسیره کاهلر واردر اما اوصافن تحریر ایتمکہ وقت یوقدر (در وصف صنع خدا) کزیدہ مشمرا تندن یکر می کونہ آبدار انکوری و شنتالو و امرودی و اریکی و فرت اوزرہ در و هوای خوب جاودانی غایت لطیف اولدوغندن محبوب و محبوبہ سی و مجار کوزلرلی بر سرحدہ یوقدر غایت سیم تن شحمہ [۱] مثال نرم و رام قزلری اولور کرچی حیاسزلردر اما بی حیا یعنی قلیل الادب دکلردر (جمله در قیافت و قبای نسوان) صاحب نسیانلری سیاه فراجہ کیوب یصی تپوش طاقیہ کیوب بیاض چپر اورتونوب ادیبانہ کزدرلر اما چارسوی بازاردہ اصلا عورت کورنمک احتمالی یوقدر (در جامعہ [۲] اشکال مرد میدان) جمله خلقی قصہ جق چوقہ دولہ کیوب و قوبجالی چاقشر والوان چوقہ قلیاق و اختیارلری بیاض دستار محمدنی و ایاقلرندہ مهمیز قبادی پاپوچلر کیوب رفتار ایدرلر (لهجہ مخصوص اصطلاحاتلری) جمله خلقی بوشناقدر اما فصیح

[۱] س ، ط : شحمہ [۲] س ، ک : در جامعہ

بكان قلعه سنه كيدباير باب كيدرر اما قره پليد اغاجندن عنيد قپودر وايكي قاندر
 وجسر عظيمي وار وبر قپوسي دخي سمت غربه پولطه قپوسيدر بودخي ايكي
 قات خشب قپوي مصنعدر وجسري بنوك دخي اصبا زميركلي دورر يردن مقره لر
 ايله قالفار قنطره لر در كم هر كچه بوابلر بوجسرلري قالد يروب هر جسر اوزره اوچر
 يوز آدم نوبت بگلرلر زيرا بوقلعه نك برخوف ايده جك يري بوجسورلردن در
 خدا حفظ ايده بو واروش جمله ايكي محله مسلمان و آلتی محله كفاراندر و جمله بيوت
 مسلمين و مشركين بيك يوز سكسن عددينه شندره تخته اورتولى اكثرثيا تختانی
 يالين قات فقرا خانه لر يدر اما غايت واسع اولردر و جمله ايكي جامعدر اولاصوروت
 جامعي طرز قديم رجامع عتيقدر اما جماعتي وفرت اوزره در بري دخي پولاطه جامعيدر
 ... ماعدا بش عدد مساجدلدر و جمله برتكيه سي وار و جمله سكسن قدر دكانلري
 وار اما خان و حمای و غيري عمارتلري يوقدر (بي مدح دير راهبان بطريقان)
 جمله اوچ عدد معمور كنيسه لري واردر ايكي سي صرف و بلغارلر كوبري مجار خاچار
 كفره لر ينكدر ...

(در وصف واروش بشلی) استونی بلغرادك يودين قپوسندن طشره جانب
 شالده خندق كناننده كفره اعصارنده ايكي بيك خانه لي واروش عظيم ايش حالا
 برقچ كره محاصره لر كورمك ايله بوربطه خراب اولشدر زيرا كفار بو قلعه بر
 ايكي كره بو واروش طرفندن آمشدر آنكچون عثمانلي خراب انمشدر حالا يوز
 قدر خانه و بر محله جامعي و بر مسجدی ... بابانك تكيه سي قالمشدر اما اطرافنده
 پلانقه حصاری قالمشدر چارسوی بازاردن و غيري عمارتدن بر آثار بنا يوقدر
 (در مسيره گاه عدد جنان روضه رضوان) و بشلی واروشك شريقي طرفنده برطوپ
 منزلی مسافه بعیده يرلر ك جمله داغلي و بايرلري سراپا يدي بيك عدد باغ و بوستان
 و جنبه و غيظانلدر بو باغلر ك جمله سنده بر رمقصوره كابه احزانلر و قاعه و مطبخ و آب
 حیات قیولري مقرردر جميع او-تونی خلقی اوچ آي بونده صفا ايدرلر كن برقچ كره
 كفار بو باغ لري باصوب نجه يوز اناس محمدی اسپر ايدوب كتور مشدر آخر كار بودين وزيري

(در بیان سبیل خانہ جانستان) جملہ اون بر یردہ سبیل خانہ عطشان وار
 جلداً قرہ قاش پاشا سبیلی و دزدار اغا سبیلی و یکچیری اغاسی سبیلی و حاجی پاشا
 سبیلی (اوصاف خاندان سرای کبار اعیان) جملہ بوقلعه ایچرہ کامل بیگ یوز عدد
 مکلف و مکمل و تحتانی و فوقانی کارگیر بنا بیوت رعنا لک جملہ سی شندرہ تختہ
 اورتولیدر اما جلداً حاجی پاشا سرایی و الای بکی سرایی و دزدار اغا سرایی
 و چری باشی خانہ سی و صورتلی احمد سپاہی خانہ سی دخی غیری معمور و مزین
 باغچہ لیجہ و واسع بیوتلر وارد و جملہ طریق عاملری سراپا قلدرم دوشلی و واسع و پاک
 شاہ راہلری وارد (در حق خواجگان تجاران) جملہ اوچ عدد خان مسافران
 سودا کراندر (در مدح حمام راحت جان) جملہ بر عدد حمامدر اما چفته حمامدر
 و نیچہ سرایلردہ حمام مخصوصلری و ہر خانہ لردہ صوبہ غسل خانہ لری وارد زیرا پاک
 و طاهر خلقی وارد شب و روز دین مبین اوغری نہ جہاد ایدرلر (ستایش چارسوی
 بزازستان) جملہ ایکی یوز عدد دکانلری وار اما مزین دکلدز و کارگیر بنا بدستنی
 یوقدر لیکن کینہ ہر متاع بولنور بوشہر کول ایچندہ اولق ایلہ چشمہ لری یوقدر
 (در وصف چاہ ماء خاندان) جملہ ایکی یوز عدد بٹرخانہ خوش کوارلری وار اما بازار
 میدانندہ و بودین قپوسندن طشرہ ... تکیہ سی قربندہ قرال قیوسی نامیلہ معروف بر آب
 حیات چاہی وار کم کویا آب کوثر در ماہ نمودہ سرماب اولوب ایام شتادہ کرماب اولماغیلہ
 جمیع شہر خالق بوندن نوش ایدوب دفع عطش ایدرلر حتی بوچاہک اطرافنہ آل عثمان
 عسکری کلوب مکث ایدوب شب و روزدہ نیچہ کرہ یوز بیگ عسکر بوقیودن نیچہ
 کرہ یوز بیگ قووہ صو چکوب ذرہ قدر ا کسیلہ مشدر (در حق واروش کبیر
 صورت) استولنی بلغرادک جانب جنوبندہ پو اطہ طرفندہ بکان قلعہ سنہ کیدہ جک
 جسر اوزرہ بر واروش عظیمدر کم بودخی جوہبول بطاق فیج عمیق ایچندہ معمور
 و آبادان بر مزین واروشدر اما بالذات شرامپا و دیوارلی اطرافی قازقلر ایلہ مینی
 سراپا چیت پلنغہ حصاردر دولہ دیوار دکلدز زیرا دولہ دیوار بطقل ایچندہ
 دورماز عمیق کولدر و جوانب و اطرافندہ ینہ شرامپا و مزغاللری و درسک گوشہ
 بندلری و شاہی طوپلری وارد و جملہ ایکی قپوسی وار بری قبلہ طرفنہ ناظر

اولوب آندہ یطرلر آندن صولابی یاوش چاسار [۱] اسکی بودینده یطر آندن ناطوراشپان و پاطوری استوان بونلر اشپانیه ولایتی حاکم لیدر استونی بلغرادی انکروس قرال لری الدن الماغه کلدکارنده جنکده بری مرد اولوب ناطوراشپان زیارته کلوب مرد اولدقده ایکیسی ده استونی قبه سنده مشاددرلر آندن بیوک ارشک پابه ارم پاپدن اوچ مرتبه اشفی اولانه دیرلر بوماستونی عثمانلی دستنده ایکن مرد اولوب وصیتی اوزره اوستونی خارچنده کفره مشادلری مابینده مشاددر آندن میحادی لاصلو قرال وغورندی مقلوش قرال لک ایکیسی دخی نسه نک وکاهیجه بزم اولان طاطا قلعه سنده یطرلر آندن بیوک زرین بان دخی استونیده یطراستونیده دخی نیجه قرال ضاللر یطر دیو^۶ تواریح لرنده یازمشلر اما غیر مشهورک ذکرنده فائده و بیاننده عائده اولیوب و اول قدر اعتبارلری اولین نسنه لک ذکرنده کلات و تخریر لرنده ملالت وار دیو بو قدر ایله اکتفا ایتدک زیرا استونی بلغرادده اولان ملیاش کلسه سی اوصافی تقریبیه و اول دیر عبرت نمانک مشادخانه سی تخریری سببیه بومد کور قرال لری دخی بو یوزدن تخریره جرأت اولندی خدای متعال حالا اول جبه خانه اولان دیر کیری معبدکاه مسلمین آتمک میسر ایلیه آمین بومخلده استونی بلغراد جوامع لرینک اوصاف لری بواراده آتام بولدی و بوجامع لر دن ماعدا (دروصف مساجد عابدان) جمله اندرون و بیرون بلغرادده اون بر زاویه مؤمنان و موحداندر جمله آقره قاش پاشا زاویه سی و حاجی پاشا زاویه سی و یکیچری اغاسی زاویه سی و چری باشی مز کیدی بونلر مشهور محله اینه لیدر (در بیان مدارس عالمان) جمله اوچ عدد دارالتدریس مفسراندر اما دارالقرآء و دارالحدیثی یوقدر (در علم مکتب صبیان) جمله یدی عدد دارالعلوم جکر گوشه پسراندر (در ذکر تکیه گاه ارباب طریق درویشان) جمله بش عدد خانقاه درویشان آل عبادر اما جمله آ بودین قیوسندن طشره ... بابا تکیه سی مفید و مختصر برتکیه آینه و روندکاندر کم فقراسی شهیدالله [۲] ایله کچنزلر غازی سلیمان پاشا مرحوم دخی بو تکیه ده مدفون اولوب زیارتگاه خاص و طامدر و قلعه ایچنده ...

[۱] س : چاسار [۲] نسخه لده هب بویه ایسه ده (شیخاله) اولسی تمکندر (م)

ایدوب اعتبار ایدرلر مذکور دیر معظمتک اوصافی مناسبتیله بو کنیسه قبه سنده
مشاد اولنان قبه ایچنده کی قرال لک اسمالرن المان دیارنده اسیر آلدیغمز زمان بر پاپاسک
بحار تاریخده جمیع کفار قرال لرینک اسمالرینی تحریر ایدوب

بلغراد استونیده مشاد اولنان قرال ضال لک اسمالرن بیان ایدر

اولا قلعه یی بنا ایدن ملیاش پاپاس اندن لاعوش قرال حضرت عیسی ولادنی
تاریخده سنه ۱۵۰۳ ده وجوده کلوب استونیده یطر آندن بولاغوش قرالک
باباسی لاصلو قرال و آناسی عنه آصون غلیه قرالینک قیزی ایدی بونده یطر لر آندن
ماتیش قرال بودین قرالیدر کم له واسفاج قرال لرینک ملکنه مالک اولوب ابوالفتح
ایله بلغرادده جنک ایدوب بلغرادی ابوالفتحه ویرمین قرال ضالک ولدناپاکی ماتیش
قرالدر کم صاحب خروج اولوب باباسی و کندوسی استونیده کی قبه ده یطر آندن
سلیمان خان ایله محاجده جنک ایدوب بطاقده مرد اولان ولاغوش قرالک لاشه سن
سلیمان خان استونی به کوندردی آندن سلیمان خان بودینی فتح ایدوب یانوش قراله بودینی
ویروب مرد اولدقده ابتدا بودینه وزیر اولان سلیمان پاشا یانوشک لشی بلغرادده کوندردی
اندن سلیمان خان ایله بودین آلتنده جنک ایدن فردیناند قرال دخی استونیده یطر آندن
فردیناند قرال اوغلی مقشی قرال دخی باباسیله استونیده یطر آندن میلن بطوری
مفلوش [۱] آندن ملقوش یلوش بونلر نعمت اوکوار قلعه سنده یطر لر زیرا استونی بلغراد
اول زمان آل عثمان نده ایدی آندن بیوک یانوش قرال و ولد بلید عیندی ماته یوش
قرال نمسه چاسارینک پرائقوروق شهرنده یطر لر آندن عراج هر سک نمچه چاسارینک
تختی اولان پراق شهرنده یطر آندن بوچقایی [۲] قرال آبر شهرنده مشاددر آندن
صونلوق غبور و پتوری غبور و حلبه کری غبور بونلر استونی بلغرادده نمخته کچمشلردر
اما قشه شهرنده مرد اولوب بیره کچمشلردر آندن ژیل قوشقی [۳] قرال ودخی
قونس قوشقی قرال بونلر مملکت له قرال لیدر اما بویاکیسی استونی به کلوب مرد

[۱] پ ، س ، ک : مقلوش [۲] س : بوچقایی . ک : بوچقایی

[۳] پ : قوشقی . س ، ک : قوشقی

قورلر اول عصرده بودیرک برچاک خانه قلهسی وار ایتمش کم شرق طرفنده اوج قناق یرده نهر طونا و جانب جنوبیده نهر رابه و بحیره بلاطین قبله طرفنده نمایان ایتمش مقدا کفار زماننده یدی بیک پاپاس و قسیس و بطریق ولادیه وار ایتمش بعده پاپاسلری ده قتل عام ایتمش لر در صکره بامر خدا بودیر ایچره اولان باروده یدرم اصابت ایدوب کلیسای و مذکور چاکلغ عالیسنی جمله اوج آسانه بارود آتوب برباد اولور و حالا نصفی ینه جبهه خانه معموردر اما خدایه عیاندیر حالا بویله خراب ایکن کوره نك عقلی کیدوب مردم انسان خیره لئوب عالم حیرتده قالر اما قرال لک مدفن خانه لری اولان قباب معموردر ایچنده کی زیر زمینده آدی صانی بللی قرال و قرال زاده لر و بان و هر سکلره مشاد اولوب دورر حالا برقرال مرد اولسه بر طریق ایله لاشه مردارین بوقلعه یه کوندروب دزدارلره پس یرده دن نیجه مال فراوانلر و ربوب مد کور قبه ده مشاد ایدر لر یا خود بلغراد طیراغندن ولایتلرینه کتردوب قرال لک و نامدار ارشاک و بان و شاک و غروف لک [۱] لاشه لرن بلغراد طوپراغنه کومر لر اگر کومه جک قدر تراب کترده مزسه باری مرد اولان کفره لک ایکی کوزلرن دولدره جاق قدر خاک پاک عمبر پاکدن مرده ناپاک کوزلرینه بلغراد طوپراغنی قورلر و کل صفاهان و اکیسیر اعظم کی بر کف میزان قدر بلغراد ترابندن بر لرلرینه هدایا ور لر تابو مرتبه بلغراد بهشت آباد استونی میان کفارده مقبولدر و حالا بر طاشنه بیک باش و بر شر امپا و اغاجنه یوز بیک لش و یرمک جانلرینه منتدر اما ان شاء الله بعد الیوم کفار بوقلعه واقعه سنده کوره مزلر زیر احالا والی ولایت اولان حاجی مصطفی پاشا غایت متین و صعب ایدوب جمیع مهمات و لوازمات و عساکرن یرلی یرنده آتمشدر اما ینه جمیع ملت نصارا آم استرغون واه بودین و اخ استونی [۲] بلغراد دیو فریاد

[۳] پ : و شاکد و غروف لک

(۱) بوکله کرک بوکتابده ، کرک برچوق کتابلرده چوق کره (استونی) ، بعضاً (استولنی) ، بعضاً (اوستونی) ، بعضاً (اوستولنی) شکلنده یازلقدده در . و قتيله « بلغراد » دیواننده ترجمان ثانی اولان « عثمان بن عبدالمنان » نام ذاتک مجارجه دن ترجمه ایتمش اولدینی جغرافیا کتابنده (استونی) دییه یازلشدر . بو اترک سنه ۱۱۶۵ ده محرر مؤلف یازسیله اولان نسخه سی کورپیلی کتبخانه سنک اوچنچی دفترنده (۱۷۵) نومورده مقیددر (م)

عجیب و غریب قلعه در بو مناره دن نزول ایدوب جامعك قبوسنك عتبه علیاسی اوزره
جلی خط ایله تعمیر و ترمیمنك تاریخچدر

خدانك لطفنه مظهرسن الحق قالدی شبهه که استونی باغراد ایچره یادی [۱] جامع اعلا
دیدم اشبوایی مصرع ایچنده بویله اوج تاریخ برسی لفظا و معنی بری معنی درر حقا
یاپلوب بیک یکریمی ایکیسنده بولدی اتامی ثوابه کردك [۲] احمد بك ایدوب بوجامی احیا

سنه ۱۰۲۲

آندن قره قاش پاشا جامعی کوچکدر اما جماعت کثیره یه مالکدر اذن
ولی بك جامعی

ستایش جامع خراب

بالاده ذکری سبقت ایدن حضرت یحیی نفسیله بنا اولنوب معبدکاه بلا تشیه
کعبه لری اولان دیری ملیاش پایاس خناس مغان کلسه سین سلیمان خان برجانبن معبدکاه
مسلمین ایدوب بر جانبنده کفارلره آیین عیسی ایچون پتکده آتمک اذن ویرلر
زیرا بودیرك قربنده حالا برقبه عظیم عالی واردر اولقبه ایچره یتیم سگسن قدر
قرال ضال بد فعاللره مشاد اولمشدرر بعده رعایا کفارلری حمیله یه سالک اولوب
ذکر اولندوغی اوزره قلعه یه استیلا آتمک مراد ایدینوب حاکم الوقت بو امراردن
خبردار اولوب جمیع کافری قتل عام ایدوب کفار غمماً کنیسسه لرنده کی چرك
و شرک جلی اولان جمله اصناملرن دخی تروب کفار معبدخانه لرندن مایوس اولسونلر
ایچون بو دیری جبهه خانه و بارود خانه ایدوب ایچنه نیجه بیک قنطار بارود سیاه

[۱] دوغروسی (یاپدك) اولمیدر [م] [۲] پ : کیردك

[شاعر دییورکه جامع شریف ایچون ابکی مصراعده اوج تاریخ سویلدم برنجی
مصراع لفظاً تاریخ اولدینی کبی معناده تاریخدر ایکنجی مصراع ایسه یالکیز لفظاً تاریخدر.
عبد عاجز دیرم که کرک برنجی مصراع، کرک ایکنجی مصراع شکی حاضر یله حساب ایتدم تاریخ
یعنی (۱۰۲۲) حاصل اولدی. حالبوکه شاعر حاصل اوله جقدر دییور. دیمک که مصراعلرک
یازیبیشی یا کلیشدر .

اگر برنجی مصراع (یاپلوب بك یکریم اکسندا بولدی اتامی) و ایکنجی مصراع (ثوابه
کیردك احمد بك ایدوب بوجامی احیا) شکلنه قونولورسه اوزمان تاریخ اولیور (م)

در بیان عدد محلات مؤمنان

جمله اون دورت محله در امامدوردی بوقلعه ایچره در سلیمان خان عصرنده کفار
عصیان ایدوب درون قلعه ده خراج کذار کفار قریلادن رو بو قلعه ده کفار
محلالتلی یوقدر لکن مسلم کفره خانعلری وارکم قلعه خداملریدر اولا بطلال قپو
محلله سی وقره قاش پاشا محلله سی وپولطه محلله سی

اوصاف جوامعهای عابدان

جمله دورت عدد محرابدر اولا جمله آ مکلف سلیمان خان جامعی زمان قدیمه
بردیرعالی طاق فلک نهطاق کی بیبدل مشهور آفاق منصطر ایمشا کر بودبرده اولان
علمعماری بی وطرز طرح اشکالی وکونا کون تصرفلری وشیوه کار و شیرین کارلقاری
ماوقی اوزره تحریراتسک سائر مسوداتمزه مانع اولور الحاصل اندرون وپبروننده
انواع فصوص مقوم و محکوک اجارات ذی قیمتلر ایله معقود قلنمش برجامع پرنورد
اما کارگیر قباب ایله مبنی اولیوب طوان کریش [۱] قبابدر حتی سهل قبله سی
منحرفدر و برعظیم سرآمد کارگیر بنا چارکوشه چاکلق قله سی وار حالا مناره در
وساعت آنده درکم ناقوسنک صداسی برقناق یرده استماع اولنور بو مناره نک قدی
کامل ایکیوزیکرمی آیاق زردبان ایله بو حقیر جقوب قلعه بلغرادی سیراتم همان برصراحی
صوقپاغی کی بوغازی ایجه و بکان قلعه سی طرفی سیوری و باغلر طرفی قباغک قرنی
شکانه در برقلعه سترآمددر بو مناره دن بلغراد سحر اسنک زمیننده اولان مزارعات
وچایر وچنزار و لاله زار باغلر و مشبک بوستانلر ابری کاغدکی نقش بوقلمون نمایاندر
وبولاطه وچاوقه ووال وچان بک نامان قلعه لر جمله داغلی واورمانلری ایله نمایاندر
واصلا بوقلعه یه حایل یوقدر همان بر صحرای سبزه زار و بچیره ایچره واقع اولمش بر

[۱] پ ، س ، ک ، ط : کرکش

آلتش اوج طوپدر و بوقلعه ده اولان جبه خانه نك اوصافن تماشا اتديكمز اوزره
تحریر و توصیف ایله سك بر طومار دراز مفردات اولور همان جبه خانه سنك كثر
ووفرتی آدن معلوم اوله كم قلعه قپولری مایننده اولان دیوارلرده آماده اولان آلات
سلاحك كثرندن معلوم اوله و جمله ایکی قپوسی وار بری بودین قپوسیدر كم جانب
شرق ایله شمال جانبنه ناظر دورت قات کارگیر كمرلی اگری بوگری صوقاقلی و متین
وقوی جدید و جدید قپولدر بر بوقپو اوزره اولان قلعه ده بر تفرجگاه خشب کوشکی
وار جمله ارباب دلان آنده صحبت خاص ایدر لر و بر قپوسی دخی جانب جنوبه
بكا قلعه سی طرفنده پولطه واروشنه آچیلیر بودخی اگری بوگری طریق عاملی
دورت قات دمر قپولدر كم کویا هر بری عجم دیارنده بحر خزر کنارنده دمر قپو قلعه سنك
بابلری کبی متین و مستحکم دروازهلردر و قپولرک آره لری عسکر ایله شب و روز
پراولوب طوله و صدر رنج [۱] و برهای و هویدر كم تعبیر اولتماز و کونا کون آلات
سلاحلر ایله آراسته و بوابان و نکه بان ایله پراسته اولمش تدریبه قپولیدر و بوا یکی عدد
قپولرک اوکلرنده ایکی شمر یوز آدیم طولی قازقلر اوزره خشب جسر لر واردر و هر جسر
اوزره اوچریدن زمبرکلی مقرره لر ایله هر کیجه قالقر آصما جسر لری واردر

ستایش ایچ قلعه

بیوک قلعه نك جانب قبله سنده قپو قوی و جبه جی و طوپچیلر ساکن اولور لر بر
کوچك قلعه در اما بر کلکدن طرفی غایت متیندر و هر طرفنده قراول خانه اوده لری
اولوب یکیچریلر و غیری قوللر تا صباحه دك بانك محمدی چاغروب نوبت بکلر لر و یکرخی
دورت عدد قلعه اغالی قول دولاشوب او یوان پاسبان و نکه بانلره تعزیر ایدوب
اویخولرن آچوب خوا بدن بیدار ایدر لر زیرا بوقلعه دخی قنیزه کبی بودیندن اوج قناق
جانب غربه ایلری کافر ستانده قالمش انتها سرحددن دخی ایلری کچمش بر قلعه
داراماندر خدای ذوالجلال الی انقراض الدوران شر دشمندن امین ایده آمین

اشکال قلعه و زمین قلعه بیان ایدر [۱]

ولا قلعه سی بر صحرای هامونک تا اورتاستده اطراف بر مرحله بعیده اورمان
 ودرختستانک وسطنده بر محسودار فزاده نهر شارویز کنارنده بر سازی وقامشلی
 وطاق وچاق ایچنده قبلداً جانب غربیه طولانی واقع اولوب گویا صراحی صو
 قباغی شکنده موزون بر قلعه حسن حصین و سدمین ورباط شدادی بنادر دأراً
 مادر جرمی آلتی بیک آیدمدر وجهه اون بر عدد طایبه عظیمیری وار وجوانب
 اربعه سندن لغ و مترس اصلاً ممکن دکلدز زیرا صافی بطاق ایچنده در بر طرفنده
 خندقلری یوقدر بحیره سنک جرمی بر کونده کوجیله دور اولنور فرق الی قولاج
 عمیق یرلری واردد اما اطرافلری صیغدر وکونا کون ماهیلری اولور اما قنیزه نیک
 بحیره سی سمکری کبی ممدوح دکلدز زیرا قنیزه ماهیلری اکر کوکی بیوب آتی
 مسک و غیر خام کبی بوی وروب لذیذ و مقویدر اما بونک بانگی بدر ایجه لیدر لکن رعایا
 و فقراسی واکل السمکه حتی رأسها ، کلامی اوزره باش وقلچغین بیله یرلر بویله
 درین کول ایچنده قلعه نیک دیواری اون آرشن [۲] ملکی یوکسکدر وقلنانی الی
 ایاق انلی شدادی رختم دوله جیملی وخره سانی ایله مبنی پلانقه بر حصار استواردر کم
 دیوارلرینک اوستنده خیمه وچرکله قورولوب پاشالر جرید اوینارلر^۳ جمله ایچریسی
 وطره سی مشه وپلیداغاجلری در هر سنه چوروین در کلرن اول معاف اولان کفارلر
 تجدید ایدرلر وجهه طقوز عدد سدا سکندر وار طایبه عظیمیری ووار اولا طوپراق
 طایبه واولامه پاشا طایبه سی وبطال طایبه سی وقره قاش پاشا طایبه سی وقرال
 طایبه سی وتری کی حسن پاشا طایبه سی وارسلان پاشا طایبه سی وپولاطه طایبه سی
 باشقه در قلعه یه متصل دکلدز اما گویا سدیأ جوجدر و بومذکور طایبه لک هر برنده
 قرقر والیشر عدد بال یمز سرآمد نمسه و مجار طوپلری وار کم بونده اولان طوپلرک
 هربری آلتون کبی شمشعه و برر مجلا طوپلر وار کم هربری ایکیشر قلعه ذکر آلات
 وسلاحلریله آماده طوپلر در کم بو طوپلر مکر قنیزه ده اوله وجهه صغیر وکیبر ایکوز

[۱] س ، ک : اشکال زمین قلعه بیان ایدر [۲] ک : آرشون

بالله و قسم تالله ایدوب درون قلعه به کفار لر کیرمه دن سردار یاننده رهن قلوب جمله غزات قلعه به دخول ایدوب جبهه خانه و خزینه پادشاهی ضبط اولوب اولکون جمله کفار قلعه دن بر مرحله بر پولطه قلعه لرینه صالت و سبکبار وبی سلاح پیاده اوچ بیك قدر کفاری بو دین عسکری بونلری کتوروب پولطه لرینه اصل ایدوب کلر لر حمد خدا سنه ۱۰۱۱ تاریخندن برو دست اسلامده دورر نیجه کره کفار کلوب دولاشر اما خایب و خاسر اولوب کیدر لر اشته بو قلعه استوانی بلغرادک دورت بش کره سرگذشت و سر انجاملرن اختیارلردن استماع ایدوب بو گونه اختصار اوزره تحریر اولندی زیرا رفیقمز اولان خنکار خاصکیسی [۱] رابه نهری سفرینه کتمکه عجله ایتدی

اوصاف حاکمان استوانی بلغراد

اولا قانون سلیمان خان اوزره بودین ایالتنده باشقه پاشا تخنیدر خاص همایونی الی کره یوز بیك اتجه در ایکی بیك جبهه لو عسکر ایله قلعه ضبط ایدر ۱۳ عدد ارباب زعماسی وار ۳۵۵ عدد ارباب تیماری وار^۱ والای بکی و چری باشیسی وار قانون اوزره جبهه لوری ایله اوچ بیك عسکر اولوب بو قلعه محافظه سنه مأمورلردر غیر ییره اصلا کتمزلر و شیخ الاسلامی و نقیب الاشرافی و اعبان کبار اشرافی و کتخداری و اوچ اوده ایله قپوقولی یکچیری اغاسی و طوپچی باشی قپوقولاری واردر و بودین یکچیری سرداری و قلعه دزداری سلیمان خاندن برو محتشم اغا قدر کم النده قلیج ایله کزر و جمله ایکی بیك سکیز یوز قولی وار اما استرغون قولی کبی آتش پاره غازیلردر و جمله سی یکر می دت عدد سنجا ق و بیراق صاحبی اغالری وار و اوچیوزا قچه پایه سیمه شریف قضایر اما محصولی آزدر و محتسب اغاسی و شهر کتخداسی و باجداری و خراج امینی و معمار اغاسی . . . و اوچ بیك نفر معاف کفره لری وار کم اعمار ایدر لر

[۱] س، ک : خاصه کیسی

بودینه کلوب آندن بلغرادده مشتایدوب اول بهارده جمیع عسکر اسلام قشالاردن
کلوب

سنه ۱۰۱۱ تاریخنده استونی بلغرادی ایدی کفاردن

استخلاصی ذکرنده در

چونکم ینه یشجی حسن پاشا قطع منازل و طی مراحل ایدرک بودونه کلنجه
والی بودون ایلان طویل محمد پاشا ظلیعه عسکر اولوب استونی بلغراد آلتنه کلوب
روم ایلی و بودین عسکر یله قلعه نیک جانب جنوبیسی طرفنده اوزون واروش اوکنده
مکت چتر ملمع ایدوب اولکون کفارک یکی بنا آتدوکی طایبه سن فتح ایدوب مترسیره
کررلر و بطل نام قیویه وارنجه مترسیری یورودرلر و قلعه دوکمه مباشرت
ایدوب جنک [۱] آهنگ ایدرلر زیرا مرحوم سلیمان خان بو قلعه بطل قپودن
فتح ایشدر و بو قلعه زوال هر بار اول طرفدن اولور بیورر حقیقه الحال
جمله عسکر اسلام بو بطل قپودن طرفه طوپلرک منهدم آتدوکی یرلردن یورویشلر
ایدوب بطل قلعه ضبط و ربط ایدوب صدراعظم یشجی پاشا قله اوزره بر خیمه
قوروب جمله غزاته بذل احسانلر ایدوب طایبه نیک جمله طوپلرن درون قلعه یه
چویروب قلعه ایچین دیکمه باشلقلرنده کفارک جانی قایسی اولوب جمله غلوی ایدوب
باش غروف نام قپودانلرینه کلوب ایدرلر بز بو قلعه آلدیغمزده بو قلعه بزه
وریه ایله امانت ویرن ترکک امانلرینه باقیوب جمله سن قلیجدن کچردک شمدی [۲]
دخی تورک بو قلعه دوکوب زور ایله آلر زیرا چاساریمز اسوج [۳] قرالیله
جنکده در بزه امداد کلمک احتمالی یوقدر همان آب رویز یرنده ایکن ترکی
دارلتمادن همان قلعه امان ایله وره لم اوله کم قرلمدن قورتوله لم دیوب طروینی [۴]
بر یریه قورلر یدی نفر کفار خا کسار سرداره چیقوب امان آل عثمان ایله یمین

[۱] س، ک، ج، ک [۲] س، ک : امدی شمدی [۳] پ، س : اسفاج [۴]

پ، ک، ط : طروینی

قیه قیره بیتاب و بیحال قالب بعدالطعام ینه قرار لر بو غزای مسرتده قرقیدی بیک کفار قردینی سجدده [۱] مسطور درو حالا پولاطه واروشی و بشلی واروشی و اوزون واروشک قبولرینک یمین و یسارنده چام درکرینه سروی کبی دزلمش کفار کله لری کویا نقل سورز فافدر و لاشه سردار لری باغداله اوه سنده یدی یرده هونقه لر یعنی دپهلر یغلمشدر حمد خدا کفار بویه برصاتور محمدی ییوب قلعه استونی دست کفاردن خلاص اولمشدر اما بو قلعه کفارک بلا تشبیه کعبه لری اوله کفار سردار دوررمی آخر کار سنه ۱۰۱۰ تاریخنده کوزلجه ابراهیم پاشا صدراعظم ایکن مرحوم اولیجاق سلطان محمد خان ثالث یمشجی حسن پاشایه صدارت عظمایی احسان ایدوب بلغراده کلنجه کفار خا کسار استونی بلغراده ظفر بولوب درون حصاره مستولی اولوب قلعه مراد و مراعی اوزره اعمار [۲] ایدر کم کویا سد یا جوج اولور کرچه سردار یمشجی حسن پاشا بلغراده امداده یتشمکه سعی و اهتمام اتدی اما کفار ابراهیم پاشا زماندن برو یدی آیدر بلغرادی دو کردی خسته لی محنده بلغراد آتیش بولنوب ایچنده اولان رجال و نسوان و بنتانلرن جمله طعمه شمشر ایدوب درون حصاره الی بیک عدد جنک آور سرمد کافر دولدورمش نتیجه کلام یمشجی حسن پاشا کفارک تابورینه یدی قولدن [۳] هجوم ایدوب کفاری قرار دی اما کفار تابورده عسکر اسلام آچقده آخر کار تا اخشامه قریب جنک عظیملر اولوب قبل الغروب جنکدن فارغ اولوب هر جانب ینه قراولار قورلر علی السحر ینه طرفیندن جنکه آهنگ ایدوب کفاری قرماق صد دنده ایکن مکر کفار کیجه دن جمله عریلر تابور چتوب میدان معرکه دن جانب غریبه کیدوب هم جنک ایدره ک استونی بلغراد صحراسی نهایتنه وارد قده طابورینی دور غروب جوانب اربعه سنه آتیش فشانلق ایدرکن همان بو دین وزیری منقر قوشی محمد پاشانک الای کافره بر کره هو دینجه وزیر اعظم کتخداسی محمد اغا و منقر قوشی محمد پاشا بامر خدا شهید اولوب کفار تابورن چاترق کوتا کوت جنک ایدره ک پولاطه جانب لرینه فرار ایدوب کیدرلر استونی بلغراد اول سنه دست کفاره قالب یمشجی حسن پاشا سلامتله

[۱] پ : سجل محفوظه [۲] ک : اوپله اعمار [۲] پ : آتی قولدن

کلوب قلعهٔ پرسپرسی و قلعهٔ پولاطه سنه ۱۰۰۴ تاریخنده آلوب استولنی بلغرادک تخلیصنه کلرکن کفار قلعهٔ استولنی بر اغوب عساکر اسلامه قرشو چقبوب کرما کریم صواش پرخاشده ایکن مقدا بصوده اولان ایکی بیک عربه یوکی ذخیره یی و سکز بیک سکز یوز پیاده عسکری جمله استولنی به امداد قیوب کوتا کوت سنان پاشا کفارک تابوریله جنک ایدرلر حکمت باری باری اولیوب جنک محلنده جمله عسکر یان و یروب کمی بودینه و کمی جان بک قلعه سنه و نیجه بیکی وال قلعه سنه و اون بیک مقداری آتلو عسکر استولنی بلغراده یقیندر دیو بلغراده فرار ایدرلر سنان پاشا دخی یدی ساعت جنک عظیم ایدوب آخر کار سنان پاشا دخی بودینه فرار ایدوب کفار ینه پولطه قلعه سنه کلوب جنک عظیم ایدرک یتمش کونده پولاطه قلعه سنه استیلا ایدر دزداری و پچوی بکی و میحاج بکی و ایکی آشنی بلوک سپاهی اغاری شهید اولوب ایام شتا ایروب قاسمردن اون یدی کون صکره کفارینه استونی بلغرادی محاصره ایدیم دیو قلعه آتنده مکث اندکده کورسه کم مقدا کندولرینک قازدقلری مترسردن بر آنا حفر قلامش جمله کفار بر پیره کلوب مشاوره ایدرلر کم ایشته قیش کلدی کرچه ترکی بوزوب قاجبردق و پولاطه قلعه مزنی آلدق شمندی بو بلغراده یکیدن مترس قازسق بر آیده حاصل اولماز اوچ درت کون صکره قار و یغمور یغار مشاوره سنده ایکن مکر درون حصارده محصور اولان غازیلرده مشاوره ایدوب یک دل و یک جهت اولوب بو دیندن سنان پاشا ایله امداده کلنلر [۱] و قلعه ده آماده اولان یکریمی او طوز بیک عسکر قلعه قپولرن کشاد ایدوب وقت سجرده کفار سرخوش اوکار نغور ایکن قلعه دن بر کره یدی یوز باره بال یز طوپلره آتش ایدوب کفار دوزخ قرار نار دوزخده قلوب آلاق بولاق محلنده ایکن درون حصاردن بر کره غزوات موحدین الله الله صداسیله کفاری بصوب دخی جمله کفار مست مدهوش ایکن بر صاتور محمدی اوررلر کم آنجاق یدی قپودان یدی یوز قدر کفره و فخر لریله فرار ایدوب ماعدایی صحرای استونیده پیاده قلوب اتی قونی کفاری

اردی صره موج وکروه کروه بنی آدم آقوب (اوزون واروش) نام قلعه فتح اولوب بانک محمدیلر وریلر اما بقیه السیوف اولان کفرلر جمله ایچ قلعه یه قپانیرلر بعده (بشلی واروش) دخی اولکون فتح اولوب ینه کرما کرم جنک عظیم اولراق سنه ۹۵۰ تاریخنده جمادی الآخرک اوچنچی کونی ایچ قلعه دن کفار استیمان ایدوب نمسه یه وفرنکه سعادتلو پادشاه امان ووروب مجار کفارن قرقماق فرمان ایدر بعده آنلر خراج کذار رعایا اولوب ملیاش کنیسه سی کندیلرینک اولماق اوزره امان استیوب قلعه فتحی بویوزدن اولنجه پاشالغنی سلیمان خان بودین وزیر یحیی پاشا زاده محمد پاشانک قرنداشی اینه بختی بکی احمد بکه احسان ایدوب قضای بیغلی [۱] زاده رجب افندی یه صدقه اولنوب سلیمان خان بو قلعه نک کما کان هر مهمات ولوازمات و مؤاتلرن کورور در دولته روانه اولنجه مقدا رعایا قید اولنان کفار فجار مجار حیلله سالک و ذاهب اولوب یکریمی بیکدن متجاوز کفاری درون حصاره و دخی خانه منحوسلرینه و معهود دیر قدیملرینه کفاری لب برب اتدیکن والی ولایت بو ایشدن خبردار اولوب علی الغفله جمله کفارک خانلرن شبخون ایدوب اولکون اولکیجه یکریمی بدی بیک کزیده کفاری شمشیر آتش تابدن کچوروب ایکنی فتحی قلیچ ایله اولدوغیچون حالا قلعه دزداری النده دال جبلاق قلیحه دایانوب چارشوی بازارده کزیمک قانوندر بر قلعه ده بوقانون یوقدر سلیمان خان قرق سکز ییل پادشاه جهان آرا اولوب بدی یوز یتیش بدی قلعه فتح ایدوب اول قدر خطبه سی تلاوت اولنور بر قلعه یه سلیمان خان وغیری پادشاه جهان قلعه یه یورویش اتمشدردر اما سلیمان زمان بو قلعه یه یورویش ایدوب قلیچ ایله آلدوغیچون دزداره قلیجن ووروب قلیچ ایله کز بیوردقلرندن حالا جمله کلوب کچه جک دزدارلر قلیچ ایله کزیمک قانون سلیمان خان در بعده سنه ۱۰۰۲ تاریخنده سلطان مراد خان ثالث عصرنده ارنابود [۲] سلیمان پاشا سردار معظم ایکن کفار خاکسار بدی قرال ایله بو استولنی بلغرادی دورت ای محاصره ایدوب بر طاش قوپارمغه قادر اولیوب قلعه دوکرکن سنان پاشا دریا مثال مسکر ایله

[۱] س، ک : بقلی . پ : بقلی [۲] ک : ارناوود

حالا جمع کفارک تختکاه حسره الملوکری اولوب قدس شریفدن زیاده بو قلعه یه اعتبارلری واردر زیرا انکروس قول الماسی دیو بلا تشیه کبه لریدر بعده جمیع کافر قراللری بو قلعه سدا سکندر وار اعمار ایده ایده بر شهر عظیم اولور کم همان بر پیاده آدم ایکی کونده دور ایدر بر سواد عظیم اولور بعده سنه ۹۵۰ تاریخنده سلیمان خان بو قلعه استولینک نیجه اوصافلرن استماع ایدوب بالذات سلیمان زمان بو قلعه مقابله سنده مکت خیام ایدوب قلعه محاصره ائدکده جمیع عساکر اسلامی مور ماره اوشر کبی اوشوب بطاقلرن فی الحال دولدروب اناطولی وزیر ابراهیم پاشا بر قولدن بر طرفدن وزیر محمد پاشای طویل یکیچری اغاسیه بر طرفدن دلی خسرو پاشا بر قولدن روم ایلی وزیر احمد پاشا صاریلوب یدی قولدن یتیم بازه بال بزم طوپلر ایله بو قلعه دوکه دوکه اوبله جنک آشوب اولور کم چشم انسان اکا مانند بر کار زار کورمشدر بعده اوننجی کونده [۱] پادشاه کشور کشا طرفندن یوروشلر فرمان اولنوب جمیع غزات صفالرنده احیا ایدوب جبهه خانلر توزیع اولدوقده جمله مال غنائم غزاتک اولسون دندلکده جمله غازیان اهل ایمان قلعه یه یورومکه جان اتارلر آخر علی السحر الله الله صدا سیه جمله جندالله یورودیلر بری برلری اردنجه تعقیب ایدوب قلعه کدکارینه کیردیلر اما بو قلعه کفارک بلا تشیه کبه لری مثابه سنده اولماغیله یتیم بیگ کفار دوزخ قرار جان وباشلرن باطل دینلری اوغورلرینه فدا ایدوب اولقدر جنک وحدال و حرب و قتال ایدوب اون بیکدن متجاوز کفار اوچ کدکده بری بری اوزره لش لش چتاچت اولدی اما عساکر موحدیندن یدی یوزدن زیاده آدم رتبه شهادته ایروب خلد یرینه قدم قالدردیلر و بو احوال پرملالی بالذات سعادتلو پادشاه کور بچک همان غیرت پادشاهیسی جوش و خروش کلوب در آن دامن در میان ایدوب مبارک دست شریفنه دال تیغ ضحاک آلوب یوروش اندکلرن جمله غزات مسلمین کورنجه العظمه لله آدم دریاسی قلعه مک طوپ ایله منهدم اولمیان یرلرندن دخی عنکبوت طرف مشر کبی چیقوب سائر رخنه دار یرلرندن خود اولی بالطریق پادشاه جم حشمک

[۱] پ : اوچنچی کونده

یول یوقدر بو جسر دن عبور ایدن متاعدن قلعه نفراتلری باج آلرل اکثریا کفار بو قلعه محاصره اتدکلر نده آن واحده استولنی بلغرادلی یتشوب خلاص ایدرلر آندن بر ساعتده

در وصف حصار دارجهاد یعنی قلعه استوار استولنی بلغراد

بقول مورخان مجار ارشاک بو قلعه حضرت یحیا عصر نده ملیاش نام بر پاپاس قرال زاده لردن ترک دنیا اولوب حضرت یحیانک شرف صحبتیه مشرف اولوب حضرت یحیانک اذنیله بو قلعه بنا ایدرکن حضرت عبسی دخی حضرت محمدک وجوده کله سندن آلتوز ییل اول حضرت عبسی وجوده کلدیکی سنه بو قلعه استولنی بی بدست ملیاش پاپاس بنا اتمشدردیو مورخان مجار ولاتین وقوم یونان مفصل یازمشلردر اما سبب تسمیه سی لسان لاتینده ولسان خرواد و صرف و بلغار و یوشناق و له و روسده استولنی اسکمله به دیرلر بوغراد بیاضه دیرلر یعنی بیاض اسکمله قلعه سی دیرلر اسکمله قلعه سی تعبیرینک اصلی اولدرکم بو قلعه حضرت یحیا نفسی ایله بنا اولنوب درون حصارده قلعه بنا ایدن ملیاش پاپاس حضرت یحیانک مبارک اغزی یارین آلوب بر آلتون حقیه قیوب بو قلعه ایچره بر معبدخانه بنا ایدرکن حضرت یحیانک اغزی یارن کرج و جبس ایچنه القا ایدوب بر منصطر عظیم انشا ایتدکده علم اولمق ایچون بو دیر قدیمه اوچویز قولاج عالی بر چاکلق قلعه سی بنا ایدوب حضرت یحیانک اغزی یارن قودوغی آلتون حقه و ناقوس خانه نک تاذروه اعلاسنه علم رینه قیوب انکچون بو قلعه به مجار قومی قزل الما دیرلر حالا جمیع کافرستانده آلتی قزل الما وار بر قزل الما بودر و حضرت یحیانک نظرکاهی اولماغیله بو قلعه سست کفارده ایکن جمله قراللر جلوس اتدکده چیدن و پراقدن واسترنیه شهرلری تحت کاهلردن الای چماور ایله بو استولنی بلغراده قراللر کلوب اسکمله اوزره آیین باطللری اوزره دعاوشنا ایله اسکمله اوزره تحت نشین اولدیغیچون بو قلعه به استولنی یعنی اسکمله قلعه سی دینه سنک وجه تسمیه سی اولدر اما لسان مجارده اسمی شاکش نغیر واردر و نمسده نامی . . .

وجه ... و آب و هوای غایت لطیف در جانباً محبوب و محبوبه لری
بولور ... مدوحتندن بشر از روقیه کلیر بیاض سپو بجار
صومرنی آتمکی اولور کم مثل مکر دیار اردلده اوله و بال صوبی مدو حدر و سایر
انواع میوه لری غایت چوقدر زیرا بوشهرک باغ و بانچه سنه حد و نهایت یوقدر ...

در وصف تمة شهر انکیز کلیات شطورنا [۱]

اولا خلقی جمله تجار و غریب دوست و صالح و متدین جمله سرحدلی اثوابی
کیوب بوشناچیه و بجارجه کلمات ایدر خلوق آدم لری واردر ...

بو قلعهدن ینه ایکویز عدد پرسلاح رفیقدر آلوب ینه جانب شاله گاه داغلق وکاه
اورمانلق ایجره کامل ۱۰ ساعت کیدوب

اوصاف قلعه صغیر بکان

سنه ۹۵۰ تاریخنده سلیمان خان غازی فتحیدر باندی بکان بان [۲] اولماغیله واول
قرال ضالک تخت منجوسی اولدوغندن انک اسمیله مسما اولوب بکان قلعه سی دیرلر
اما زمان قدیمده پلنقه عظیم ایمش سلیمان خان مرحوم فتح اندکده بو قلعه کبیرک
لرومی اولماق ایله خراب ایدوب حالاستولنی بلغراددن نمایان برکوچک پلنقه جقدر کم
کچت باشنده شکل مربع برقبولی و بطاق ایچنده متین قلعه جقدر ایچنده یوز
عدد تخته اورتولی خان لری و برجامعی و انباری و مکلف و مکمل جبهه خانه سی و مهترخانه
قله سی اوکنده [۳] خندق اوزره آصا جسر ی واون دکانی و دزداری و یوز سکسن
عدد مردم حصار ی وار اما غایت شهباز یکتلردر بو قلعه استوانی بلغرادک کافر
طرفی اوکنده سپر اولماغه بوغازیلر البته هرکون اوچر دردر کره کافرله جنک
اتمه درلر زیرا نهر شاروز اوزره اولان خندق جسرندن کچمک لازم [۴] غیری

[۱] پ ، ک : شاطورنا [۲] پ ، ک : بکان بان اوغلی [۳] پ ، ک : و اوکنده

[۴] ک : لارمدر

قضا در و ناحیه سی یتش آلتی پاره قرادر نهی و شیخ الاسلامی و سپاه کتخداسی یری و بر دین یکی چریسی سرداری و قلعه دیزداری و بشیوز نفر مردم حصاری و اون ایکی بلوک نفرات اغواتلری و محتسی و باجداری و خراج امینی و شهر کتخداسی و معمار اغاسی و اعیان و اشرفی جمله موجودد.

اشکال قلعه سی

نهر شارویز کنارنده بر کوللی و بطاقلی و جطاقلی بحیره ایچنده شکل مر بعدن طولانی شدادی بنا بر قلعه زیبا در طشره و اروشی صعب پلنقه در و جرمی دائراً مادار بیک دورد یوز [۱] ادیم ایچ قلعه در جانب ... بر دمر قپوسی وار و خندق اوزره آصما جسری وار جمله بر محله و جمله اوچیوز قدر تحته اورتولی دار اولردر اما بک سرایی و دیزدار سرایی غایت مکلف خاندانلردر ایچ حصارده سلیمان خان جامعی و غلال انباری [۲] و مکمل جبهه خانه سی واردر ...

اما و اروشی نهر شارویز بطاغلی کنارنده ینه اغاج پلنقه عظیم و متین و قوی حصار استواردر نهر شارویز مذکور بلاطین کولنک ایاغیدر بو قلعه شمطورنا آلتندن کچوب سکسار قلعه سی اوکنده یکی پلنقه نام قلعه جسری نیک التندن عبور ایدوب همان اول محله نهر طونایه مخلوط اولور از کچون شمطورنه بر بطاق ایچنده جمله ... محله و جمله ... عدد شنده تحته اورتولی واروشدر اما کارگیر بنا خاندانلری نادردر بو دخی دائراً مادار پلنقه دیواردر اما طایبه لری و درسکلری معموردر ... و جمله ... قپودر ... و جمله ... عدد محرابدر اولا ... جامعی ... ماعدا محله مساجدلری واردرو جمله ... عدد دارالعلوم مدارس طالباندر و جمله ... عدد مکتب جکر گوشه پسراندر اما مخصوص دارالحدیث و دارالقراسی یوقدر و جمله ... عدد خاقاه آل عبای کان درویشاندر و جمله ... عدد حمام غاسلاندر و جمله ... عدد خان تجاران سودا کراندر و جمله ... عدد دکان اصنافاندر ...

[۱] پ: بیک یوز [۲] ک: انباری

طشره واروش

بوزمقداری شندره تخته اورتولی سهل واسع جابجا باغچه لیجه اولری ورجامی
 وبر مسجدی وبر تکیه سی وبر مکتبی وبرخان جغزی وبرکوچک حماجغزی ویکرمی
 عدد کفایت مقداری دکانلری وار اما باغلری و باغچه لری و شیک بوستانلری
 یحسابدر حتی میوه زمانی اولماغیله خاصکی اغایه سکسان کونه امرود کتردیلم
 سجده مسطوردر و سائر میوه ابدارلری اکه کوره قیاس اولنه و آب وهواسی
 غایت لطیفدر و بحار رعایا لربنک محبوب و محبوبه لری مشهوردر قلعه مک جانب غربه
 ناظر بر بایر اوزره جهان نما بر خشدن مبنی بر قصر مسیره کاهی وارکم مجمع العرفان
 برکان آینه وروندکاندر ابدن اشنی دره ایچره اقان چای کنارنجه ایکی طرف
 باغ ارمدن نشان ویرر کل کستانلی حدیقه جنانلردر بونده برعربه یوکی انواعندن
 کزیده صنع خدا فواکه و ثمراتلر یوکتدک آندن جمله اعیان ایله خاصکی اغامز
 مشاوره ایدوب سلطانم یوللر امیندر مخاطره سر حدیرلری کچدیکنز بودین یولنده
 سکسار قلعه سی اوزره کتیه کز دیوب علی الصباح بزه رفیقلر و یروب نداژ قلعه سندن
 طرف شماله شمه طورنه [۱] قلعه سی طرفنه متوجه اولوب ۱۳ [۲] ساعتده

اوصاف قلعه عبرت نما شمه طورنا

لسان مجارجه . . . دیمکدر سنه ۹۵۱ تاریخنده سلطان سلیمان خان عصرنده
 بدست مصطفی پاشا وقاسم بک فتح اولمشدر بودین ایالتنده باشقه سنجاق بکی
 تختی در بیک قدر عسکرایه لوانی [۳] ضبط وربط ایدر قانون سلیمان خان
 اوزره بکینک خاصی ۲۴۰۰۰۰ [۴] ایچهدر ارباب زعماسی ۱۳ وارباب تیمار ۴۰۲ در
 الای بکیسی وچری باشی و یوزباشی واردر قانون اوزره حین سفرده جبهولوری
 ایله اوچ بیک التمش عدد مسلح و مکمل عسکری اولور و یوزاللی ایچه شریف
 [۱] پ، ک : شما طورنا [۲] س، ک : ۱۲ ساعتده [۳] س : لواسن [۴] پ :
 ۱۴۰،۰۰۰ ایچهدر

بشپوز آدیم اولدی و پلانقه دیوارلری و خندق دخی متین و مستحکم اولدی مقدا
 تره مهبط پر انوار و جامع و مسجد و مدرسه و خان و حمام و تکیه و دکا کین
 خیراتری جمه سلیم خان ثانینک ایکن بو سنه مبارکده جمه سلطان محمد خان
 رابع خیراتی اولوب غایت معمور اولمش حالا دزداری و یوز نفر مردم حصار
 و مستوفاجه خانلری وار و حاکم الشرعی سکتوار قاضیلغی نابیدر بو قلعه تماشا
 ایدوب و سلیمان خان تره سن زیارت ایدوب بریس شریف تلاوت ایتدکن صکره
 ینه بونده باتمیوب جانب شرقه میالجه قلعه پچویه اوغرامبوب پچوی سرم مانند باغ
 ارم صاغمزده قالب ارشاک نام کوه سر بلند دخی جانب شرقه نمایان قالب داغ
 و مخوف یوللر و اورمانلر کچوب غایت شدت حار چکهرک ۱۴ ساعت کیدوب

اوصاف تختگاه قلعه نذاژ [۱]

بانسی نذاژ قرال اولدی غندن آنک اسمیله مسما بر قلعه رعنادر سنه ۹۵۰ تار یخنده
 سلیمان خان پچوی دلجوی قلعه سن فتح اندکده بو قلعه نذاژ کافرلری صولت آل
 عثمانه طاقت کتیره میه جکرن بلوب بو قلعه امان ایله وردیلر زیرا بونک جوانب
 اربعه سی فتح اولمش دی حالا پچوی سنجاغی خاکنده و یوادانقدر و یوز الی
 اچه پایه سیله قصادر و سکمز پاره معمور و مصنع [۲] قرالری واردر بودین
 یکیچریسی و سرداری و قلعه دزداری و یوز نفر مردم حصار و ار غیری
 حاکم لری یوقدر

اشکال قلعه سی

برطوپراقلی بایر اوزره شکل بادمی ایکی قات چیت پلنقه متین دیوارلری و خندق
 خیلی عمیق و قبله به ناظر قپوسی اوکنده غایت مصنع کندلی و فندلی و آصا زنبرکلی [۳]
 جسری وار و ایچنده کنیسه دن بوزمه سلیمان خان جامعی و انجاق قرق قدر تخته
 اورتولی داراحق اولری وار

[۱] پ ، س ، ک : نذاژ [۲] س : مضیع [۳] پ : زبورکلی

اوصاف قلعهٔ تربهٔ سلیمان خان علیه الرحمة والغفران

سنه ۹۷۴ تاریخده ماه صفر المظفرینک اواخرنده سلطان سلیم ثانی ابن سلطان سلیمان خان بنا سیدر پدري سلیمان خان بو سکتوار غزاسی آلتنده [۱] قلعه فتح اولماز دن اوچ کون مقدم مرحوم اولوب مدبر صقواللی وزیر سلیمان خاڭ مرحوم اولدوغن ابدالابد فشا اتمیوب صاغردیوینه کالاول خدمتله ایدوب در حال سلیمان خاڭ [۲] بطن شریفن یاروب عود و عمبر و طوز ایله صلوموره ایدوب امانه بیره قورلر و قلب شریفلری و سائر جگر و بغرسق مقولهسی اشیارن بوقلعه محندنه آلتون لکن ایله دفن ایدرلر بعده سلیم خان جلوس اتدکه بو تربهٔ پر اواری انشا ایدرلر سکتواره بر ساعت قریب سلیمان خاڭ اوطناعی جرمنده بر پشته عالی اوزره سکتوارک شرقنده باغلی و باغچلی بر مسیر کاه یرده شکل مر بعدن طولانیجه واقع اولوب جمله صحرای سکتوار بوقلعه دن نمایان اولوب جمله سکتواری بونده کاوب تفرج ایدرلر قلعهسی جمله پلنقه در جانب شماله مکشوف بر قیوسی و خندق اوزره جسری آصهار سنه ۱۰۷۴ تاریخده کفار کلوب بوقلعه احراق ایدوب سلیمان خاڭ تربهٔ پر اواری ایچی قازوب سلیمان خاڭ التون لکن ایچنده کی قلبنی و بغر صقورن بیراقوب آلتون لکنی آلاق مراد ایدن کفره لردن اوچ نفر کفار خا کسار بامرالله تعالی قوب قورو قدید اولوب مرد اولدقورن جمله کفار کوروب قورشوملی تربهٔ پر انوارن منهدم اتمیوب خالیچه لرین و سائر شمعدانلرین جمله براغوب آنجاق قبهٔ عالیسی اوزره آلتون ایله مظلالم علم مصنوعی آلوب کفار قنیزه باننده کی یکی قلعه به کتوروب حمد خدا یکی قلعهسی دخی فتح اولوب قلعه اورته سنده کی قیو اوزره علم شریف بولنوب ینه بو تربهٔ پر انوار اوزره کالاول وضع اولندی بعده بو سنه ۱۰۷۴ سلطان محمد خان رابعک فرمانیله بو تربهٔ قلعهسی اویله مجدداً تعمیر اولدیکم اولکیدن بیکیقات زیاده متین و شکل مربع و دخی واسع اولوب دائراً مادار جرمی کامل بیک [۱] پ، ک : بو سکتوار غزاسنده قلعه آلتنده [۲] س، ک : جنازه سلیمان خاڭ

بر کره یردن قالقوب بومیدان معرکه ده باشن کسن کافره یتشوب صاغ الیه کفاری آتدن آشنی چکوب کافره بر موشت شهدا ایله اوررکم کافرک باشی خورد اولوب همان دلی سحر باش سز کفار ایچنه کیروب آنی آنده بونی بونده دیهرک یتدیکنه بر موشت پهلوئی اوردجه کفاری هلاک ایدوب کزر همان کفار بو حالی کوروب قراری فراره مبدل اولنجه جمله غزات کافره بر قلچ اوررلرکم کفاردن بر جان قورتولماز حکمت خدا بومحله دلی محمدک رفیقی دلی خسرو بک دخی شهید اولوب دلی محمد کلوب خسرو بکک وجودن قوجا قلیوب قالورلر حالا ایکی برادر بر یرده مدفوندرلرکم حالا زیارتگاه غازیان ارباب دلاندر رحمة الله علیهما بو غزای مسرت قریب العهد اولماغیله بو مناقی اول جنسکده حاضر اولوب کورن اختیارلردن استماع ایدوب تحریر ایتدک بعده بو شهدالرہ فائحه تلاوت ایدوب ینه رفیقلرمز ایله جانب شرقه نیم ساعت کیدوب

اوصاف منزل قلعه غرغال

سلیمان خان عصر نده میلوش نسقی تام کفره الندن مقبول ابراهیم پاشا فتح ایدوب حالا برواسع صحرا ده اکسه سی داغلی زمینه واقع اولمش چار گوشه بر کوچک پلنقه در صحرا سنده مکک ایدوب قلعه سنه کیروب تماشا ایتمک میسر اولمادی اما خاصکی اغامزه اغاری کلوب پر سلاح رفیقلر کتر دکلرندن انلردن سؤال ایتدم بو قلعه قنیزه ایالتنده سکتوار قضای نیابتیدر دیدیلر اندن ینه جانب شرقه اوچ ساعت کیدوب

منزل قلعه سکتوار عظیم

بو قلعه سد اسکندری خاصکی اغا بر ساعتده سیر و تماشا ایدرکن قلعه نفراتل ندن اوچیوز عدد پر سلاح رفیقلر آماده اولوب دزدار اغانک طعمان تحاول ایدوب بو قلعه ده یطمان ینه جانب شرقه بر ساعتدن اکسکده

بو قلعهٔ قپو شوار قربنده اولان قلعه لری بیان ایدر
 اولا (قلعهٔ سنده بقاب) قپو شواره پک یقیندر اندن (قلعهٔ قوروتسه)
 و (قلعهٔ دیدق) [۱] . . .

درفصل تمة شهر انکیز قلعهٔ قپو شوار

بعده قپو شواردن رفیقلر آلوب جمله احبا ایله وداعلشوب جانب شرته نصف
 میل قدر چتزار وادی ایچره بڑ مزارستانه راست کلدک . . .

در بیان زیارتگاه شهیدای قلعهٔ غرژ غال

اولا (زیارتگاه شهید دلی محمد) نیجه مناقی واردر اما اختصار اوزره بر
 مناقبن تحریر ایدلم چونکه بو غازی دلی محمد بو قلعهٔ غرژ غالی محاصره ایدن
 کفارلر اوزره قلعهٔ قپوسنی آچدرر و اوچ بیک یکیت ایله کفار اوزره حمله ایدلم
 دیدکده جمله غازیلر ایدر دلی محمد شمدی هنوز قوربان بیرامی نمازیدر تماری
 قیلوب آدن بسم الله ایله کفاره صیوانوب صواش پرخاش ایدلم دیدکلرنده همان دلی
 دلی محمد ایدر بیره غازیلر بو کون قوربان بیرامی نمازیدن افضل غازیلر و شهیدلر
 بیرامیدر همان کافره اوغرایلم دیوب قلعه دن طشره کفاره جمله غزات آت دپوب کفاره
 بر صاور محمدی اوررلرکم دلی محمد نام نامدار بنام طرفه العین ایچره قرق یدی عدد
 کافری آقداروب حکمت خدا دلی محمد دخی شهید اولوب بر کافر غازی محمدک کله سن
 کسوب کله سی تنندن جدا اولوب نعلش شریفی خاک آلود یطرکن همان دلی خسرو
 نام ایاقداشی اول میدان وغاده دلی محمدی بی سر کوروب بیره می کیدی دلی بو
 کون بو قوربان بیرامنده حق یولنه قوربان اولدک ناموس دکدر بویله نه یطرسن
 بیره قومه کافر باشکی کتوردی دینجه همان باصرا الله تعالی باشی کسيلمش دلی محمد

[۱] ب: دیدن

جامعی و جبه خانه‌سی و غلال انبارلری و جانب شرقه بر تیمور قپوسی اوکنده
آصا جسری و مهتر خانه قله‌سی واردر غیری آثار بتالری یوقدر اماجرمی
قاج آدیمر معلوم دکلدرد

ستایش طشره واروش

بر واسع فضا ده نهر قیش [۱] بطاغی ایچنده شکل مر بعدن طولانی بودخی
پلانقه دوله رختم دیوارینک ایندیکی [۲] کامل الی ایق قالین و عالی دیواردر
هر طرفه طایفه عظیمه لرایله آماده و هر گوشه سنده در سکارنده مازغاللر ایله پیراسته
بر قلعه سد اسکندردردر بو قلعه دخی کرات ایله یدی قرال محاصره ایدوب کفار
اصلا ظفر بوله میوب خائب و خاسر کتمشلردردر جمله . . . قپوسی وار و خندق
اوزره جسرلری آصا قنطره لردردر جمله . . . محرابدر اولایچ قلعه ده خنکار
جامعی . . .

ماعدایله مساجدلریدر و جمله ایکی عدد مدرسه مفسراندر و جمله آلی
عدد مکتب جکر گوشه پسراندر و جمله ایکی عدد یرده خانقاه ارباب طریق
دوریشاندر و جمله . . . عدد حمام راحت جاندر و جمله . . . عدد خان
خواجکاندر و جمله الی قدر چارسوی بزاستاندر کرچه شهرینه کوره سوق
سلطانیسی آزدردر آمینه ذی قیمت متاع بیعت بولنور لکن کارگیر بزاستانی یوقدر
و جمله . . . عدد محله مسلمیندر و اوچ عدد مسلمان و کفره محله لریدر و جمله . . .
عدد تحتانی و فوقانی شندره تخمه اورتولی اولری واردر و جمله شاه راهلری قنیزه
کبی تخمه دن دوشه لیدر زیر ابطاقلی یرلردردر و آب وهواسی غایت لطیف اولدوغندن
دلبرانلری و مرال کوزلی و شیرین سوزلی بتالری [۳] چوقدر مدد حاتندن
سرباز و سر افراز غازیلری مشهوردردر . . .

[۱] پ : قیس . ک : قیش [۲] پ : انیلکی [۳] پ : بتانلری

ویوادالقدر ویوزاللی اچمه قضادر ناحیه سی جمله کافرستاندر حتی کفار بو قلعه
 امان ایله ورمشکن عهدشکنک ایدوب عسا کر اسلام طشره قلعه یه دخول ایشله
 ایکن جمله کفار بو ایچ قلعه یه چانوب اوج کون دخی کرما کرم جنک عظیم اولوب
 یدی بیکدن زیاده کافر لری تیغ براندن کچوروب ایچ قلعه سی قلیج ایله فتح اولدوغندن
 حالاً شهر قاضیلری هر جمعه خطبه قلیج ایله تلاوت ایدر و اول فتح کونی محبوس
 خانه دن بیکدن متجاوز امت محمد اسیر لری چیقوب حالاً حیاته مسن اسیر لکدن خلاص
 اولمش اختیار لر بو قلعه فتحن نقل ایدوب بونده اولان جنک علی بر قلعه ده اولما مشدر
 دیر لر حقا که متین قلعه استوار دره . جمله اون اوج حاکی واردر شیخ الاسلامی
 و تقیب الاشرافی یوقدر اما سپاه کتخداری و بودین یکچیرسی قولی سرداری واردر
 قپوقولی سرداری یوقدر و محتسب اغاسی و دزد دار آغاسی و بشلی آغاسی و کوکلی اغاسی
 و صاخ قول و وصول قول و عزبستان و مار تولوسان [۱] و برلی جبه جیان و یرلی طوپچیان
 آغالی واردر و آلتی یوز عدد قلعه نفراتلری وار حین محاصره ده جمله بش بیک
 جنک آور عسکری اولور و خراج اغاسی و باجدار اغاسی و شهر امینی و معمار باشی
 و آلتی بیک عدد رعایاسی قلعه تعمیر ی ایچون معاف و مسالمدر

در بیان اشکال قلعه قپو شوار

حاصل کلام بو قلعه سد امان همان قنیزه قلعه سنک اوغلیدر همان قنیزه کبی
 برفیج عمیق صارتق و بطافاق ایچنده قورباغی کبی درت ایاقلی یطمش [۲] دورر اما بطاغنک
 صوبی نهر قیش ایچنده در و خندق ایچندن جریان ایدر چوق بیوک [۳] بر
 دریادر [۴] اما قنیزه کبی بیوک قلعه دکدر همان قنیزه به بکیزر بر کوچک
 قلعه در و او یله جه شکل مراهدن طولانیجه واقع اولمشدر جمله بناسی درخت
 منتهالر ایله مینی دائراً مدار دوله رختم بر پلته حصاردر اما ایچ قلعه سی غایت
 صعبدر او چیوز قدر شندره تخته اورتولی داراجق بانچه سز خانه لری و سلمان خان
 [۱] ک : مار تولتان [۲] پ ، س ، ک ، ط : باصمش [۳] پ ، س : حونبول
 [۴] ک : همان کویا بر دریادر

اولنور اما اوپله آب حیات صوبی وار کم بر آدم بر قوزویسه بو آب حیاتدن نوش ایتسه اول آن اول انسان ینه آجیغیر تابومرتبه بر افراط هاضم ماء زلالدر [۱] وبللور کی مجلا و براقدر وسوا حلدنه سا کن اولنر اثواب بیقامغه اصلا صابون سورمیوب نیجه بیک پهرن و خفتان و بیاض چارشفلرن غسل آتدکلرنده بیاض برک کل مثالی اولور و کتارنده کونا کون احجار ذی قیمتلر بولنور کم المان الماسنه مشابه طاشلر بولنور بو آب خوش کواردن نوش ایدن مردان واسب کخیلان وغیری بهایم و حیوان نوش ایدوب سمیز و جسم اولور حکمت خدا تموزده بوز پاره سیدر شدت شتاده دو کیوب ایلدر اما قیژه کولی قریب ایکن اول دو کر بو بلاطین کولی دو کماز بونده بیکدن متجاوز الوان سنجاب [۲] وارد کم طعملری اصلا بر دیارک کولاری ماهیلرینه مشابه دکدر و قرق الی پاره کیلری واردر قلعه دن فلعه یه تجاروزوار گتور لر عمقی الی قولاجدر دیدیلر اما اولچمدم یلان حرامدر اما بو بحیره نك ایغی الی ماشاء الله جریان ایدوب بودن بولنده سکسار قلعه سی قرب جککزنده [۳] یکی پلنقه جسمی التندن عبور ایدوب نهر طونایه قریشد یغندن بو بحیره ده طونابالیقتری ده بولنور خلاصه کلام آب حیات بحیره در والسلام ازین جانب ینه خاصکی اغامزله قوپان قلعه سندن بنوب جمله بیک مقداری پرسلاح عسکر اولوب [۴] ساعت کرویبه دونوب ینه قلعه شکس وار قربندن کچوب ۱۰ ساعت کامل درختستان و بی امانستان یرلردن کچوب حمد خدا برواسع فضا ده کیدوب

اوصاف رباط متین استوار یعنی قلعه جای اوین قیو شوار

لسان مجارجه . . . دیگدر باندی کیسه نك معلومی دکدر اما فالنجی سلطان سلیمان عصرنده سنه ۹۶۱ تاریخنده بدست طویغون [۵] باشا فتحیدر قنیزه نك ایالتنده

[۱] پ : الافرات . ک : هاضم طعام بر ماء زلالدر [۲] ک : الوان مائده سبجان .
 س : الوان مائده سبجان . پ : الوان مائده سحاب [ظن ایدرم که (الوان مائده سبجان)
 دوغریدر و مقصد بالیقدر (م) [۳] ک : قریجکزنده [۴] پ : آلوب [۵] پ : طویقون .
 طبقات الممالکده (بدون بکر بکیسی تویقون باشا) دیه محرردر (م) [

قلاعك دخی كفارلری بریره جمع اولوب راه صوبی کنارلرینه کیتمک اوزرله
ایکن یزه راست کلوب یتمش [۱] یکیدمز شهید اولوب بو قدر شهیدلرمن کوجیله
آلوب قچه قچه اشته شمده کلدک سز بو قدرجه آدملا ایله قانده قان ایچنه کیدرسز
صقنک بلاطین کولندن کیتمک جهانی کفار دوتمش دیو جواب ویریحک جمله قلعه
اغاری ده بلاطین کولی یولندن کیتمکه رضا ویرمیوب کرو شکیار [۲] قلعه سی
طرفلرینه کیتمکه قرار ووروب آماده اولدق اما بو محله بحیره بلاطین وار جمع
مجارستان وفرنکستانده مشهور آفادر

اوصاف بحیره عظیم بلاطین قدیم بقول مورخین مجار ونمسه و لاطین و تاریخینوان

بو یله یازمشلرکم چنانکم اسکندر ذوالقرنین قره دکز بوغازن کسمزدن مقدم دشت
قبجاغ وهامون ازاغ و صحرای صلاتیه [۳] و جمله مجارستان تا کوه المانه وارنجه قره
دکز اولوب اق دکزه [۴] و ندیک کور فزنده بربرلرینه مخلوط اولورلرمنش [۵]
چونکه امرحق ایله اسکندر قره دکز بوغازن کسوب اسکی اسلامبول کم ما کدونه
شهریدر قره دکز اول شهر عظیمی غرق ایدوب و قیدما [۶] شهرلرن غرق ایدوب
آق دکزه منصب اولدقدن صکره دشت قبجاغ و قریم و مجارستان جمله پریشان اولوب
بو بحیره بلاطین اول زمانده مجارستان ایچره قالمشدر دیه یا تقوابن مادیانک برادر کهتری
یانوان تاریخنده لسان یونانجه عجایب یازمش بر معتمد کفره تواریخیدر حالا بو بحیره
بلاطین قنیزه و قوبان و قنوسوار [۷] قلعهلری قریبده بر مرحله یرده بر بحیره
عظیمدرکم شرقدن غربه طولانی واقع اولوب کردا کردی بیک سک [۸]
قرقیدی میلدر جوانب اربعه سنده قرق پاره بالاده مذکور اولان قلاع متینلر
و حصون حصینلر واردران شاه الله تعالی مذکور قلعهلر منظورمن اولدوغی اوزرله تحریر

[۱] پ ، س ، ک : بوز یتمش [۲] پ : سکتوار . ک : سلبوار [۳] پ : صلاتیه .
ک : صلاتیه . س : (قطعه سز) باصمه یچوبده (صلاتیه) شکنده در (م) [۴] ک :
اود کیزه [۵] س : اولورمش [۶] ک : قیدما [۷] س : قنوسوار . ک ، ط : قنوی
سوار [۸] ط : بیک بیک

آلوب بلاطین کولی طرف لرندن نهر رابه یه دوغرو کتیمک صدندنه ایکن قلعه قپولری آچیلوب دونسکی کون بوقلعه دن چته کیدن غازیلر کلوب نیجه یوزی مجروح ویتمش. قدر شهبازلری آتلا اوزرنده باغلی شهبدلری ایله جیقه کلدیله جمله غزات باشلرینه اوشدیله واحوال پرملالردن سؤال ایسدیلر والاهی بلاطین کولی کناری که بوکون سزک کچه جک یریکزدر دورت بیک کفار بریده واللی بیک [۱] قدر کفار دخی آتلرنده [۲] رابه صوبی کنارنده عسکر اسلامک آردن قوللوب کرو قائلنری قروب کچیرکن برلوکنه بزراست کلوب بر ایو جنک ایدوب آخر کار کفار بیزه غالب کلوب بو قدر یکتلرمزی قیروب بو قدر ییزی مجروح ایدوب شمدی بی جان قلعه یه کلدک صقنک اولوله کتیمک زیر بلاطین کولی کنارنده اولان متین قلعه لرندن ابتدا کی صارب قلعه دن اولا (قلعه طوربه) و (قلعه کوچک قپورنوق) و (قلعه شمک) ... و (قلعه مارچیل) آندن (قلعه طایبه سه) و (قلعه کوثری) و (قلعه قلاتیس) [۳] و نیجه واروش عظیم قلعه مثال برکسه سی وار آندن (قلعه عظیم صارواش [۴]) و (قلعه ناداش) و (قلعه محالو) [۵] و (قلعه لویوک) و (قلعه سینبته) و (قلعه چنارواش) [۶] و (قلعه حناروف) [۷] ... و ولایت اسلوبندن [۸] دخی (قلعه طبوج) و (قلعه اسلانجه) وینه قویان سنجاغنه تابع شرق طرفنه ۹ ساعت قریب (پلنقه طوماستن) [۹] بونهر... کنارینه ناظر اولوب زمینی برابر اوزره شکل مرابعدن طولانیجه خندقلی و بر قپولی و دیزداری و اوچوز قولی و بر جامی اولوب اما بازاری و غیره عمارتلری یوقدر آندن ینه قویان سنجاغنده قویانه ۷ ساعت قریب (قلعه زیتول) [۱۰] شکل مسدس شدادی طاش بنا خندقلی و بر قپولی و بر جامعلی و دیزداری و اوچوز عدد مردم حصار و مکلف خانهلری و کفایت مقداری دکانلری و بر خانی وار لکن حامی و غیره عمارتلری یوقدر و نیجه یوزپاره

[۱] پ: و آلتی بیک [۲] ک: ایلروده. س: ایلریده [۳] پ: س، ک: قلاتیش [۴] ک: صارواش [باصمه پچویده (صارواش) شکلنده در (م)] [۵] پ: محالو. ک: محالق [۶] پ: چنارواش [۷] س، ک: حنارون. پ: حنارون [۸] س: اسلوبندن. ک: اسلوبندن [۹] پ: طوماستن. ک: لوماستن [۱۰] پ: ذنیول. س: دیتول. ک: دونیول

قاچ آدیمدر خاطرمده یوقدراماشر ایاولری و ماغزال دلیکلری چوقدر و جمله طشره واروشنک اوچ قپوسی واردد بری جانب ... ناظر سلطانیه قپوسی وبری قنیزه [۱] قپوسی وبری سکت [۲] قپوسی در مساجد جامعلری بالاده تخریر اولمشدر و جمله ایکی مدرسه عالمان و جمله اوچ عدد مکتب صبیان و جمله ایکی عدد تکیه درویشان و جمله ایکی عدد حامی وار بری ایچ قلمهده سلیمان خان حامی وبری طشره واروشده بک حامی وار اماخانلری یوقدر زیرا مسافری خانه قوندرمازلر عیبدردیو خان یامیوب جمله غازی آینه ورونکان بیلرجه خاندانلرده مهمان اولورلر و جمله یوزقدرجه اهل حرف دکانجهلری وار اماینه هرشی موجوددر ...

تمه شهر انکیزی

اولا آب وهواسی لطیف اولدوغندن محبوب و محبوبه لری چوقدر و غایت غنیمت دیار اولدوغندن غریب دوست آدملری وار جمله غزا ایله کچنرلر زیراسر حددر قولاری غایت بهادر غازیلردر اما مسلمان اسلوبنده کزمنلر جمله کوده ری نامیله معروف دری دوله ولبس [۳] وقرمزلی بچار قلمانی و صیقا دری چاقشیر و قصه جق اثواب کیوب چوقلوق تورکجه بلمزله جمله بچارجه تنکام ایدرلر زیرا اکثریا اختلاطلری بچار کفارلریله در اما غایت مصلی و اهل سنت و اجماعت حال صاحبی غازیلری واردد و بو شهرده اوچ بیکنن زیاده ایانغی دمرلی کفار اسیرلری واردد هر کیجه جمله کفاری ایچ [۴] قلمهده کی زندانه قورلر کویا و بلاغوس [۵] قلمه مزک زندانی کی چاه جحیم زندانی واردد ...

بو قلمهده بر کیجه یاتوب علی الصباح قلمه اغارندن اوچیوز نفر یرار قولاغزلر

[۱] ط: متیری [۲] ك: شکت [۳] س: وسل [ظنهجه] (یشل) اولمیدر [م] [۴] [۱] ك نسخه سنده (وجه کفاری) دن سوکره (اسیرلری) کله سی وار. ظنهجه دوغروسی (وجه کفار اسیرلری) اولمیدر (م) [۵] پ: وبلاغوش. ك: ونلاغوش. س: (نقطه نيز) ط: وبلاغوس

ساعتك طوب منزلدن بعید صارپ اچاچلی داغلردو بوقلعهك جوانب اربعه سنده غایت متین قله لرنده مفرت [۱] بالیمز طوپلری اولوب مکمل و مکلف جبهه خانه سی و هر مهمات ولوازماتلری موجوددر دندان بدنلری وقپو اوکنسده جسری آماده اولوب هر کبجه جسری دیده بانلر مقره ایله قالدرلر بوقلعه نازک دائراً مدار جرمی ایکی بیک بشیوز آدیمدرکم درون حصارده جمله آلتیوز قرق بش عددشندره تخته اورتولی تحتانی و فوقانی خانهلری واردر اما باغچه لری یوقدر غایت داراجق بیوتلری وار و جمله دورت عدد جامعدر سلیمان خان جامی ایچ قلعه ده در مفید و مختصر معبد کاه قدیم جامعدر آندن حسن اچا جامی مفرحدر آندن الای بکی جامی روحانیتلی عبادتگاهدر آندن صاچلی امام جامی طاعتگاه سبجانیدر بونلردن ماعدا اندرون و بیرون قلعه ده جمله اون بر عدد محراب محله مساجد لری واردر و جمله اون آلتی محله مسلم و کفره لردر اما اکثری طشره واروش محله لیدر

اشکال طشره واروش قلعه قوبان

بر دوز واسع فضا ده بر واروش عظیمدرکم جمله قات اندرقات اولری شنیدره تخته اورتولی متعدد حجره لری واسع بیوتلری وار بو واروشك اطرافی غایت متین رختم و ختم دوله پلنقه قدیمدرکم بر باروی عظیم احاطه ایدوب هر طرفنده مفرت و مهیب طایه لری واردر و هر رکنده کی درسکلرنده مازغال دلیکلری ایله آماده بر واروش رباط کبیردر لیکن بوقلعه نك جرمنه کوره قولی آزددر اما اوزدر کرات ایله کفار بوقلعه محاصره ایدوب برایکی آی دوکوب خائب و خاسر کیدر لردی حتی سنه ۱۰۷۴ تاریخنده ینه کفار کلوب محاصره ایدوب برطاش قوپارمغه قادر اولیوب بو قلعه غازیلری کافرك باشلرن قوپاروب باش سز و بوغسز سک بصحرا کتدیله تابومرتبه یرار و نامدار غازیلری واردر اما طشره واروشی صعب اولوب خندق دائراً مدار لب بر لب بطاق صو اولدوغندن غازیلری اصلاخوف و خشیت چکمز لراما بو واروش

[۱] س : مغرب

بو قلعه مجدداً بنا ایدوب حالا دست اسلامده بر باغلی و بانچهلی و آب و هواسی لطیف و جوانب اربعه‌سی محصوللی داغلق و اغاجلق دامننده اوج قات چیت پلانقه در اوج یوز قولی قنیزه یه اخراج اولنوب حالا بشیوز نفرلی و بر دزدارلی قلعه در قنیزه باشاسنک و یووالنی و قنیزه نیابتندن غیره حاکمیری یوقدر بر سر حد جزیره سی یردر حالا سرحد اسلامک مناتده و حصاتده ممتاز برسد سیدی و قلاع اسلامیه نک بر مستحکم کلیدیدر برجامی و ایکی مسجدی و بر مدرسه و بر مکتب و بر خان و بر حمام و کفایت مقداری دکانیری وار اولقدر معمور و مزین حارسوی بازاری و خاندانیری یوقدر آندن ینه شماله و غربه میال ... ساعت کیدوب

اوصاف سرحد آل عثمان یعنی قلعه استوار قوبان

لسان مجارده ... دیمکدر بانیسی مقلوش نسقی باندر سایمان خان خوفندن بنا ایدوب آخرکار سنه ۱۰۰۹ تاریخنده قورقدوغنه اوغرا یوب بودخی سلطان محمد خان ثالث عصرنده بدست غازی ابراهیم پاشا زرینلی اوغلی کافرنگ النندن فتح اولمشدر حالا قنیزه ایالتنده باشقه سنجاق بکی نخنی اولوب بکینک خاص هایونی ۲۳۰۰۰۰ اچه اولوب ارباب زمامتی ۱۳ و ارباب تیماری ۳۱۱ قدردر الای بکی و چری باشی و یوز باشیسی واردر و حین غزاده بکینک عسکر به جمله اوج بیک عسکر اولور یوزاللی اچه پایه سیله قضای آسپاندر کم اصلا ناحیه قرالری یوقدر جمله کافرستاندر مفتی و نقیبی یوقدر اما سپاه کتخدایری و بودین یکیچری سرداری واردر لکن قپو قولی یکیچری سرداری یوقدر بر کره یکیچری لر بو قلعه امان ایله کافره وردکلرندن بو قلعه یه اصلا یکیچری قومازلر حالا اوج اوده جبه جیلر ایله جبه جی اغاسی و بر اوده طوپچیلر ایله طوپچی اغاسی واردر و محتسبی و باجداری و خراج امینی و شهر امینی و معمار اغاسی و دزدار اغاسی و بشیوز قولی و اون ایکی اغالنی و نیجه یوز اعیان اشرافلری واردر اعیانندن ... و قلعه سنک اشکالی بردوز یرده شکل مخمس شدادی طاش بنای متین ایچ قلعه در جانب غربه انجاق بر متین قپوسی واردر خندق بطاقلق در اصلا حواله سی یوقدر و جوانب اربعه سی ایکی

اولوب جامع خداملرینه بش آلتون وروب حقیر دخی فتح شریف تلاوت ایدوب نیجه ایشلرنده وکتابت قسمتلرنده بولندیغم ایچون ایکی پای دخی زیاده وروب اوج پای آلمش اولدم وایکی نفر کوله لریمه دخی بر پای وروب جمله غزات کلبانک محمدی چکوب جمیع شهدار وغازیلر وپیر وپرورلر و سرچشمه شهیدان حضرت حمزه و شهیدان دشت کربلا روحلریچون فاتحه شریفه تلاوت ایدوب هرکس قنساقلرینه کیدوب قنیزه ایچی غنیمت و شادمان اولدی . حکمت خدا ارتسی کون خنکار خاصه کسی باش بالتاجی حسن اغا خط شریف ایله قنیزه یه کلوب البته بنی صدر اعظمه واصل ایدک دیدکده جمله قنیزه اعیانی مشاوره ایدوب خاصه کی اغایی استونی [۱] بلغراد اوستندن صدر اعظمه اولاشدرمدن غیری امین طریق یوقدر دیدکلرنده بزلر دخی جمله حاضر ومهیا اولوب

قنیزه دن استولنی بلغرادینه آندن رابه نهری غزاسنه کستدیگمز

قناقلری بیان و عیان ایدر

اولا قنیزه ده جمله احباب ایله وداغلوب خاصکی اغایه بیک قدر بیکت رفیق وروب و بیک عدد کزیده عسکر بزم دخی اولوب قنیزه دن جانب شرق شمالی یه مثال چنکستان وداغستان مخوف و مخاطره لی یوللری و بطاقلی کوللری ۸ ساعتده عبور ایدوب

اوصاف قلعه سدمتین سکس وار [۲]

لسان مجارده ... دیمکدر بانسی انکروس قرالردن فردیناندوش [۳] قرال بناسیدر فاتحی ۱۰۰۹ تاریخنده سلطان محمد خان ثالث عصرنده سردار معظم غازی ابراهیم پاشا فتحیدر اما سنه ۱۰۲۴ تاریخنده سلطان احمد خان عصرنده بو قلعه یه کفار استیلا ایدوب بردخی مسلمانلره جای مامن اولماسون ایچون بو قلعه احراق ایدوب بیره برابر ایدوب بعده سنه ... آینده ووقعه محاصره صاحی پیرو [۴] حسن پاشا

[۱] پ: استولنی [۲] پ:س: سکس وار [۳] ک:ط: مردیناندوش [۴] ط: تیر

دیبلر ایله تعمیر و قلملر ایله تحریر اولنماز حتی قتل ایتدیکمز قولاغزیمزدن اوتوری جمله غازیان قنیزه دست و پازیکیزه قوت غزای اکبر ثوابی ایدوب بزى اول شقینک مکروقتندن خلاص ایدوب قلیجکزه عرشه آصدیکمز دیوب جمله غازیلرمنزى هرکس خانه سته مسافر آلوب جمله اسپرلى حساب ایله زندانلره و کرچ خانه نام حبس خانه یه قویوب هرکس غزاکزه قوتلی اولسون دیوب صد بارک الله مرحبا ای یوز آقلى ایدوب اینی قطنار ویراز قپودانلر دوشرمش منز همان اوجوز ورمک دیو بعضی دوستلر اسپر قپودانلرک بهالین تقدیر ایتدیله بعده علی الصباح جمع مال غنیمتمزى سوق سلطانی یه چیقاروب جمله کفره لری و آتلی و اثابلی و قلیج و کمرلی و غیرى کونا کون اشیلاری قیراط به قیراط ذی قیمت فروخت ایدوب بش کونده تمام اولدی زیرا همان بش راس کافریمز بیکر آلتونه و بش کفره لیمز بشریوز آلتونه ماعداسی ایکیشر اوچر یوز آلتونه فروخت اولوب اون دانه اسپری قانون اوزره باشابه پنج یک وردک اما خیلی زراعز کچدی وایکی بیراق قپودان سعادتلو پادشاه اسپریدر دیو آلدیلر انک ایچون دخی خیلی نزاع اندک آخرکار قانوندر دیو آلدیلر اما اول ایکی قپودانلرده اونار بیک آلتون کلر دیو امیدیمز وار ایدی مای بالی اولیه الاخیر [۱] دیوب انماض عین اندک بونلردن ماعدا فروخت ایتدیکمز جمله اون سکزه بیک یوز آلتمش آلتون اولوب آت و قلیج و توفنکی غایب اوله نک ضرلرن و قتل اولنان قولاغزدن غیرى ایکی نفر قولاغزک اجر تلرن چیقاروب اندن صکره قرقر غروش فقرا ایچون و اون غروش قنیزه نک ایکی قپوسنک پاسوانلری [۲] و قربانلر ایچون و قنیزه قله سی دیوارلری اوزره یاضن شهدارک قربانلری و شهدارک حلواسی ایچون و بزیم سکزه نفر شهید اولانلرک لوقاسیچون و بزدن اون سکزه عدد یاره لی غازیلریمزک مرهم بهاسیچون مذکور خرج و مصروفلری جمله اورتادن چقاروب ... غروش چقدیغندن صکره جمله قارداش کبی بریره کلوب ینه سلطان محمدخان ثالث جامعنده پای برارجه حقیرک دفتریله بیک دورت یوز طقسان بکت ... آلتون حصه مند

[۱] نسخلرک چوغنده هپ بوبله (مای بالی اولیه الاخیر) دیو محرر ایسه ده معناسی اکلاشیله میور یا لکیز برنسخه ده (ماه بالی) شکنده یا زلشدرکه بوده برشیشه بکزه میور (م) [۲] بوابلری

دخی اورماندن چقه کلوب بنوك آلتی سن دخی محلول آتله بندیروب وزیر اعظمه
کتوره جگمز کله لری جمله سن صیوب طور اقلرایله بریره طور بالره دولدروب

سنه ۱۰۷۴ ماه ذی الحجه سنك ۱۶ كونی قنیزه یه کتدیگمزی بیان ایدر

اولا نهر رابه کنارندن جانب شرقه بلاطین کولنی صول طرفه آلوب قلعہ
سبکسوار [۱] وقلعہ قپوشوار یوللرینه قولاغزلریمز کیدوب قنیزه والیسی ینتر [۲]
حسن پاشا عسکری وکتخداسی وقنیزه قولنك نصفی وبزم تاناروسر حدلی عسکرلری
جمله بریدن طوب اولوب اسیر اولان کافرلرک اللرینه بر کافر کله لری ویروب
اولکون کیدوب

منزل قلعہ قومار

مقابله سنده برداغ ایچنده بصیرت اوزره یطوب ارتسی علی الصباح ینه سمت
شرقه کیدوب نیجه بیك خیابان واورمانلی داغلی کچوب ۹ ساعتده

منزل هوتقه

برواسع صحرا ده بر مرتفع طور اقلی بایردر اما عملی یغلمشدر آنده برکیجه غایت
تدارک اوزره یتوب ارتسی علی السحر جمیع کافر کله لرن برر دانه صرقلرک اوستنه [۳]
آرایش نیزه شکلی ایدوب وکافرله داووللرن و بورولرن و ترومپته لرن چالدرارق و خاجلی
بیراقلرن باش اشنی آچدی ره رق بر عظیم سنلک وشادمانلق ایدرک بر آلا ی عظیم ایله
منزل قلعہ قنیزه یه طور اقلق قلعه سی طرفندن شهره داخل اولنجه جمله قنیزه لینک
بای وکدا وپروجوانلری استقبالمزه چیقوب قوجه قنیزه قلعه سی بریایلیم طوب شادمانلری
اولوب مرغ سمندر وار آتش نمرود ایچنده قالدی بر آلا ی سرور وحبور اولندیگم

[۱] س : سکسوار . ک : سلسوار [۲] پ : پیره . س : سیرک : شیر [۳] ک : باشنه

كوردك كافري بوزمش سز ديدكلرنده جمله من عالم حيرتده قلوب تعجب اتدك بدمه ينه
 تركيلريمزي بغليوب آتلى شهيد اولنلره آتله ووروب وسائر اسبابلري محلول اولان
 آتله تحمیل ايدوب وجهه اسپرلری قول قوله قوراق چاتوب جمله داووللری
 وتورمپته وسورنالری وخاجلی بيراقلری جمله كفارلك بوغازلرينه داغوب شادمانی
 ايله نهرابه كنارينه واروب ايكي ساعت جانب غره كيدركن (حكمت تماشای ديكر)
 آنى كوردك اورمانلر ايجره مجروح آتله وكفارلشلى و آت لشلری و بزم شهدالريمزك
 نازه مزارلری اولقدر واركم حد حصرى يوق واورمانلر ايجره دفن اولنماش
 شهدالريمزك جمله ذكرلری وحيالری كسيلوب آغزلرينه صوقشله نجه يوز شهدا خون
 آلود اولوب تروتازه بطرلر بيره جانم بونه تماشای عظيمدر ديو تعجب ايدوب ايلری
 كيدركن هاز اورمانلر ايچندن بيره امت محمدامان دينكز عشقنه بزى آلك ديو نجه
 آدملر فریاد ايتديلر بزلر دخى ايلری اروب ايكي آدم اباغ اوزره قالقوب بيره آدملر
 بونه حالدر بونده نشلسز ديدكده آنلر ايتدی واللهم بز كورجى محمد پاشالى ايدك
 بودين وزيرى اسماعيل پاشا ايله چرخهده كيدركن كفار بزى بو محلده باصوب بش
 ساعت كامل جنك اولوب كافر بزى قره قره بوزولوب قاشدق اوچ كوندرداغلرده
 آجلقندن جمله آتله وحيواناتلر و آدملر قريلوب صاينك [۱] عسكر طرفنه كتمك
 قتلندن وكافر چوقلغندن ايشلری اللهه قالمشدر اوردودن طشره بر آدم اوته اوتلوعه
 چقماغه قادر دكلردر ديدكلرنده بز دخى بولاندق بو قدر مال و بو قدر آت و بو قدر
 اسپرلريمز وار جمله من بريره كلوب مشورت اتدك ايكي نفر قالن قولاغزليمز دخى
 اوردويه كتمكه رضا ورمديلر زيرا بو قدر ديمز قومار كافرلرينك قاجقيني البته
 يا بكون ويا يارن عظيم عسكر ايله بو اسپر اولان بيوك بللى [۲] باشلى قپودانلری
 اليكزدن قورتارماق ايچون كلوب او كيمز آلرلر كلك همان يوزوكز آغيله قيزهيه
 سيزى بر غيرى ايجه ولدن كتورم سلامتته چيقوب اللهه حمد ايدم ديدكلرنده جمله
 ريفلريمز طرف طرف معقول ديوب فاتحه تلاوت ايدوب كرودونزكن دورت آدم

[۱] س : ساق اولوك . پ : صاغ اولوك [۲] ك : تلى

توركلردر ديو خبر ايتدم الحمدلله سزك سببكنزله بوكافرلردن انتقام آلم و سببى
 بوقدر غزا ثوابنه قويوب بوقدر قپودان اسيرلر اله كيردى ديدكده ايمدى كفارلر
 ايله قولاغوزيملك قنغيسنه عمل ايدرسن « حكمت باري » هان ايكي نفر قولاغوزلريمز
 ايتديلر بيره كافر سن نه زمان قومار كافرينه اسير اولدك بيره حاندوق اوغلى حاندوق [۱]
 بزى بوقدر غازيلرك ايچنده حجابه قويوب كافرله قاچوب خبر ايدوب هله سن قنيزمه
 كلزسن اوله [۲] ديو آنلردن قولاغوزك يوزينه توکورركن هان تاتارصاتی‌بالی [۳]
 قیلاغوزك يانندن كچر كيبي اولوب نيجه بر قیلج اوردی ایسه قولاغوزك كله سی
 میدانه دوشوب جمله غازیلر صدارك الله ديو پسند ايتديلر ودخی حمد خدا ديمك
 عييدر اما (هذا من فضل ربی) بو حقیقه دخی بوغزاده ايكي غزا ميسر اولوب بريستی
 اوق ايله و بريسی سيف مجدم ايله اما بزم عسكردن يدی يكت شهيد اولوب قرق يكت
 دخی مجروح ایدی و بريکيديمز دخی كافر ی قواركن آتی ايله كندونی براغاجه اوروب
 آتی و كندوسی شهيد اولدی و قورشومدن طقوز آتليميز دخی شهيد اولوب يرلرينه
 كفاردن يوز يتمش بش قطنا آتلي و اوچيوز رأس مجار آتلي غنيمت كردی اما
 نيجه آتلي مسلمان آتلي و عثمانلی اكرلری ایدی بز دخی جمله كفاری قيد و بند
 ايدوب و مرد اولان كفره لرك لشرن صيوب و بللرنده جمله كمرلری و سلاحلرن آلوب
 و شهيدلريمز آنده دفن ايدوب جمله مال غنایمله تركيلريمز بير اقدیغمز رفیقلريمز ياننه
 كلوب بيره سيزه الله الله ديك ديو تنبيه آتمه مشدك ديدكده آنلر ايتدی و الهی الله
 تعالانك حكمتی اولدی آنی كوردك کرو قنيزمه دن برو اون ايكي يشیل صارقلى
 هم او كنده و هم اردلرنده يشیل صارقلىنك اوچلرن صارقتمشله كچیلان آتله
 بنمشله اچلرنده بريسی يوزلی و سياه صارقلىو بريوك قطره بنمش برامام اما جمله
 اسبابلری و جزمه سی سياه هان يانمزه كلوب الله الله چاغر سيكزه كافر ی بوزوب
 قنيزمه دوشيكزينه ديوب آنلر بر كره جان و كوكلدن اون ايكي كشی الله آدن چاغرديلر
 بزده چاغردق اول اون ايكي اميرلر سزه دوغری كتديلر غيریسی بله نرز شمدی

[۷] پ: جاندوق اوغلى جاندوق. س: نقطه سزدر. ك: حایدود اوغلى حایدود. [۲] ك:

كلورسن اوله [۳] س، ك: صاتی‌بالی. پ: صاتی‌بالی

آنلره کیریشوب حمد خدا آن واحده کفار خاکسارک یوز قدری خاک مذله
 دوشوب درحال صول طرفزده کی ماوی بایراق آلتنده کی کفار بیزه هو هو ایدرکن
 همان کیریده اسبابلر یاننده براقدیغمز آملرده آنلر دخی برکره درون دلدن وجان
 کولکدن کلبانک محمدی صداسنه رها بولدرنجه همان کفار مردار های تورکک دخی
 امدادی کلیور دیوب جمله کفار یوزچویروب قاچارکن حکمت باری یاری قیلوب
 مقدا پوصوبه قویدیغمز عسکر اوزره فرارایدرکن همان کینهکاهده اولان غازیلرده
 الله الله دیوب کافرک اوکلر بن آلوب کیریشدیلر همان جمله مزه تازه جان کلوب کفار
 جان هولیله ینه کیرویه دونوب بزم ایله پوصوده اولان ایکی [۱] عسکرک مابیننده
 قلوب اول آت ایشار فضاده کفاری طوپه طوتولمش میمونه دوندروب حمد خدا
 کفارلری قووه قیره بیزار اولدق واکر بوغزاسزی ماوقعی اوزره تحریر ایله سهک
 بر مجلد کتاب اولور الحاصل درت ساعت کامل صواش پرخاش عظیم ایدوب بشیوز
 سکسان الی عدد پیاده کفاردن اصلا جان قورتولما یوب تیغ اندازدن [۲] جام اجلی
 نوش ایدوب جمله سی سرخوش ایکن مست مدهوش سعیر اولدیلر وبشیوز قرق اوچ
 قدر آنلی یرار قطنالری وسکزه عدد قپودانلری اسیر بندزنجیر اولدق لر نده همان برخیلی
 مسافدن کافر قپودانلرینک سکزی ده بزم کیجه فرار ایدن قولاغوزیمزی کوروب
 مجارجه « بیره نشکلن قوره قته وباصوم شکست باصه مانیه » [۳] دیوب قولاغوزه
 سوکرلردی اسیرلردن سؤال ایتدک مکر ملعون قولاغوز قومار قلمه سنه اول کیجه
 واروب بوقدر مالدار تورک عسکری کلیور قالمک دیو کافرلری کتیردیکن اسیرلر
 سویلینجه « تماشای غریبه » همان کفارک یوزینه قارشو قولاغوزلر مزک کیجه فرار
 ایده تی کتیردوب جمله کفار اسیرلر قیلاغوزک یوزینه توکوروب تکرار بتکرار
 شتوم غلیظه لر ایتدیلر بوکره قولاغوز نه دیر والهی غازیلر سزی کوردم که بر آلا ی
 اللری قوللری قانلی وارسلان جانلی بکیتلر سز بیره فرصت غنیمتدر بن ایشته بوکافرلره
 اسیر اولوب حبس ایدوب بوکافرلردن بوغازیلرله انتقام آلایم دیوب آزه جق
 [۱] ک : آتلی [۲] بجه دوغریسی (آبدارن) اولمیدر [۰] [۳] بو جمله نسخه لک بر
 قانچنده نطقه سزدر (م)

تسكرن برك ايدوب جمله حلاللشوب دال ساتور محمدی وبالته وكولنك وتوفنك فرنكي ايله
آماده اولوب اوچ قول عسكرك ايدوب بری صاغ وبری صول اولوب برقولین
پوصوده صاقلايوب بزردخی آهسته آهسته كيدرکن [۱]

دریان جنك عظیم آمدانی [۲] وقتح ونصرت احسان یزدانی

هان نهرابه كنارندن بروكافرك نوروپته بورولری وداووللری وآت صهبیلری
اشیدلدی بزردخی ایلری اوچیوز اللی یکت چارقاجی پرسلاح کوندروب آنلرایلری
کتدکلرنده هان کفار آلایلری ده بلردی درحال بزردخی طوب محمدی اولوب ایاق
ایاق ایلرو کتمه ده یز اما حقیر فتح شریفی صوت خوش الحان ايله قرائت ایتمه ده یز
اول محله بزم چارخه جیلریمز کافره یاقلشدی کافرك دخی ایلری چارقاندنه یوز
مقداری یایان توفنكلیسی وار وصاغ طرفده برماوی حریر بایراق آلتنده ایکی
یوز مقداری کافرلری انجاق وار وصول قولده برالتون خاچلی وزر دوز ایشلمه
قرمزی پیکر آلتنده قیاساً یوز اللی کافری وار اما غایت پاك یکتلری ویوناقلری
وار اما حمد خدا بزم عسکر و آنلرك لشکری بر سیرك اغاچلق و دوزلك ایچنده یز
آتلریمز اشلر دیو خوف وخشیت چکمدك اما پوصولری واردر غازیلر کافری
قومایلم دیو خبرلشدك چونکه بوحالده ایکن بزم چارخا و آنلرك چارخاچیلری نك
یایانلری بر یایلم قورشوم آتجه کفسارك آتلیلری دال صرق اولوب چارخا چارخایه
کیریشوب بزم چارخا جنکی دایایوب بزه کلکه یوز طوتدیلر درحال هان جمله کفار
طوموز طوبی اولوب بیزه چاتدیلر هان حقیرایتم بیره غازیلر کفسارنك آزدرك بلامنز [۳]
کونیدر الله الله چاغروب کافره برهو ایدلم دیو فریادلر ایدنجه عظمت خدا جمله
بیک بشیوز آدمك الله الله صداسی یرلری وکوکاری ولوله ناك ایتدی زیرا غایت داغلی
واغاجلی یرلرایدی هان جمله من دال ساتور محمدی اولوب قیرمزی بایراق آلتنده کی
کفار الله الله دیوب درجنك اول صتاشوب بریایلم قورشوم آنلر بزله و بر جمله بزله

[۱] پ، س، ک : کیدردك [۲] س : امادانی [۳] س : کربلاص

آدملر كليور ديمكهي كتدي ديوب نيجه كونه اوهام وافكار فاسدهلر ملاحظه ايدوب
 پر سلاح آتليزيمه سوار اولوب كيدركن ينه نهر عظيم راهه صوبي كورونوب صول
 طرفزدن سيل باران رحمتدن جيحون وار جريان ايدردي و عسکر اسلامك اسباب
 و ائقال و آت و قاطرلري برده باطرلردي و دوهلر و سيدخانلر دو كنديلر ايچنده
 كتمكه باشلادق اما اسباب و مال و ورزق و خيمه و خرگاه و بارو بنگاه و قورولمش مكلف
 دوشنمش چركلر يصدقلري اونلري و آلات مطبخ او انيله چامور ايچنده
 پاپمال رمال اولوب يطر و نيجه يوز خسته آدملر اولوب كيميبي حياتده آج و زاج
 اكلوب باطر بلدك كم اوردوي اسلام يقيندر اما بزمده آتليزيمك يملري و بزم
 بيه چكلريمز قالموب نه چاره اولكون اولكيجه نهر راهه كئنا نجه كيدوب نصف الليله
 آتله يم كسدير و ب جوانب اربعه مزه قراوولار قويوب ياتدق وقت شافعيده قالقب
 كون بر مزراق بويي چيقدوغني محلهه آني كوردك دون كيجه قچان قولاغزيمزك
 او كومزدن برو آت بوينده دوشمش حار حار صولويه راق كلوب بيزه غازيلر موشتواق
 بكون كلامنز [۱] كونيدر حاضر باش اولوك ايكي براق كفار كليور وهر بيراقده
 سيراتم ايكيشر يوز كافر آتچاق وار اما جمله يرار و بونا ق [۲] قطنا كافر ليدر بويوله
 كليورلر بز دخي جمله ر بيره كلوب مشاوره ايدوب بو قولاغزيمز كافره خبر ايدوب
 اوز ريمزه كافر كتردي ديو نتيجه ويرب نيجه سي كلك شو قولاغزك باشن كسه لم صكره
 نه ايش اولورسه كوره لم ديدكلرنده حقير رضا ويره يوب ا كررب العزه بزه فرصت و يروب
 كافري بوز ارساق البته اسيرلر دن خبر آلوب قولاغزيمزي آندن قتل ايدره زديديكمده
 طرف طرف معقول ديوب بر نيجه من كلك همان قنيزه يه كيدم ديدكلرنده نيجه سي
 ايدر بيره آدملر دخي كافر كورمدك و برالسي قدر جنك ايتدك و عسکر اسلام يقين
 ايكن بر خبر آلمادق همان بالضروري جمله من قيريلينجه جنك ايدر ز ديو يمين بالله
 و قسم تالله ايدوب طوزه و اتمكه و قليجه و كلام عزته ال اوروب و جمله هيبلريمزي
 و تركيده يغمورلاق و اوابلريمزي جمله مزير بيره قيوب براز آني قالمش آدملايله حقيرك
 غلاملر قيوب جمله بيك دورت يوز عدد صالت آتلي غازيلر جمله آتليزيمك زيروز بر

[۱] ك : كربلا موز [۲] ك : بونا . س : بونا

کفار جملہ داغلو فرار ایدوب کندیلر اما بز بو قلعہ آلتنه کلنجه بزى بر یغمور رحمت دوتدیکم کتمکہ درمانمز اولمادیغندن بر محرق کنیسه یه کیروب خلاص اولدق اما بلکک کفار بزى علی الغفله بصر دیه رک چاکلغنه خداملرمله چیقوب قراوول کوزهدردم بو قلعہ آلتنه بزى مقدم عسا کر اسلام کلوب قونمش کوچش اما آت و قاطر ودوه وطوب کشان صغرلری لشدن چکلمز ایدی حتی بر قطار دوه و نیجه قطار قاطرلر و آتلاورمانلر ایچنده سرسری کززلردی و درماندن کسلمش کحیلان آتلا بقیاس اورمانلرده اکرلریله کزوب خرارلر و چادیرلر و سپت صندوقه [۱] لرا ایچره بی حد و بقیاس اسبابلر تارمارا یرده بطوب اصلا کیمسه آماهش چامورلر ایچنده اولیله قالمش و جبه خانه عمره لری یوکارلیه و قوشلمش اولمش قالمش آتلاریله اورمانلر ایچنده قالمش دوررلر حتی بز عسکری [۲] بوزلدی قیاس اتدک مکر جملہ عسا کر اسلام و جمع حیوانات آجلفدن و باران رحمتک کزرتندن و آلام درد و محنتک و فورتندن جملہ ماللرن براغوب بر جنبه کتمش لر آندن بش ساعتده اخشامه قریب

اوصاف قلعہ و شوار

بو دخی قرال ضال بد فعال حکمنده متین قلعہ ایمش صدر اعظم فتح ائمش جملہ جبه خانه سن قنیزه یه کوندرمش و قلعہ سن احراق ائمش آنجاق کار کیرینا دیرلری قالمش بو قلعہ آلتندن سهل کیدوب [۳] براورمانلق ایچره کیروب اطرافمه قراولار قودغمز دنصکره آتلازمیم آصوب و بز لرطعام بیوب باطدق اما غایت سازلق و آغا جلق خیابان ایدی کم تعبیر اولتماز و قنیزه دن بو محله ایکی کون ایکی کیجده کلدک اما خدایه عیاندر عینلریزمه اصلا اوینجو کیرمه مشدر اندن صباح اولوب قالدق قنیزه دن دوتدغمز او طوزر غرو شلق قولاغزک بریسی قاجش ایکیسی دورور بیره او بر رفیق کز نیجه اولدی دیو سؤال اتدک ایلرییه انجه قراوول اولماغه یالکیز کتدی دیدکده جملہ مز شک و شبهه یه دوشوب آیا کافره خبرمی اتمکک کتدی بر آلا ی چته دن مال آلمش

[۱] ک : صندوقلر [۲] ک : عسا کر اسلامی [۳] س ، ک : کچوب

اوصاف قلعه شاروار

آئنده يادق بو دخي بالاده المان چته سنه كيدر كن وصف اولنشد ر اما بوقلعه
دخي احراق بالنار اولوب خراب ويباب يرده يطردي وبوندن يلشكه نام قلعه نمايان
ايدي آندن

ستايش قلعه متين ا کروار

عصر سليمان خاسيده فتح اولوب ينه كفار فجار استيلا ايدوب حالا چاسارك
حكيم منحوسنده ايچ قلعه سي برپشته عالي اوزره چا كوشه شدادي بنا اولوب طسره
واروشي متين پلانغه عتيق ايمش صدر اعظم فتح ايدوب جمله جبه خانه سي وطوپلرن
قنيزه قلعه س: كوندروب قلعه احراق ايمش حكمت باري بو خراب قلعه ده اون
دانه كفار بولدق مكر احراق اولان اولرنده قيولري ايچره مدفون ماللري وار
ايمش اسبابلرن چيقارر كن كرييانلرن اله ويروب اسير بند زنجير اولوب نيجه قيولرد
اولان ماللري بولدروب وافر غنيمت پيدا ايدوب بو كقره لره عسكر اسلامدن خبر
صوردق نهر رابه نك كنار نيجه كيدوب رابه يي كچوب يانيق قلعه سنه تايج [۱] قلعه سنه
كتمك استرلر اما سيزه بيوك تورك عسكري اوزاق قالدی ديو خبر وردكلرنده
طقوزينك بيونلرن اوروب برپسني قولاغز آليقودق زيرا او كافر لر بيزه اياق باغي
اولوردی اولكون كيدوب

اوصاف قلعه كمتوار [۲]

كند وار و كمينوار دخي ديرلر بو دخي بالاده المان ولايته كيدر كن آتسه اوروب
مال غنايمن آلدیغمز مفصلاً تحرير اولنشد ر اما چاسار حكمنده اولماغيله هنوز ايچ
قلعه سني كفار اعماره باشلامش بزي كوروب قلعه نك اوغرن چوسندن برر [۳]

[۱] ك : يا (يچ) [۲] پ ، س ، ك : كمتوار [ن] ايله

منزل قلعه اكرسك

مقدما المان سفر بنه كيدر كن يانندن كچوب بوندن برشكار آله ميوب جمله اوصافي بالاده مسطوردر آندن يته جانب غربه على التعجيل كچوب يدي ساعت بطاقلق ايچنده كتمدن جانلر يزدن ييزار اولوب قولاغز لريمك تنبيه و تا كيدر لى اوزره جمله مز پر سلاح آماده اولوب كيدر ك

اوصاف قلعه مره ده [۱]

آلنده مكث اندك شيمدى قنيزه يه اسير لريمزه كار كن بوقلمه مسافه بعيددن كوروب داغلا ايچنده ياتمش اينك اماشمدى ياننده مكث ايدوب تماشا اندك حالانچه چاسارى حكمنده در بودنى بردوز واسع فضا ده [۲] واقع اولوب ايچ قلعه سنده ينه قلعه مثال بر بنای مصنع كنيسه عتيق وار بودين وزيرى اسماعيل پاشا بوديرى لغ ايله آتوب جمله پاپاسلر يله كنيسه بك در و ديوار لرى اندر هوا معلقست اولوب جمله پاپاس و بطريق وره بان كفره لر ينك لاشه مردار لرى بيرده يطر دى و بوقلمه ايچره قرق عددا مت محمد اسير بولنوب و جمله سن خلاص ايدوب قلعه نك جبه خانسى و طوپلرن جمله قنيزه يه كوندروب قلعه سن بيره برابر اتمش لر و بو ويرانلقده [۳] حكمت خدا بر دل دوتوب عشا كر اسلام نه جانبه كندى ديو سوال اندكده سؤاله جواب و ير ميوب عناد ايتديكي چون بيونن اوروب لاشه مردارن براق دق آندن كچوب كيدر كن يول اوزره بر قورولمش عسكر اسلام چادري بولدق ايچنده بر آدم خسته لكدن مى آجلقدن مى اولمش قالمش بورنن و قولاق لرن تلگيلر و چقاللر يمش آندن بلدك كم عشا كر اسلام و افراط اب چكمش و بزلردنخى اول محلك چامور دى اسى و در دو عناسى قهرن چكرك

اوصاف قلعه هديك

سليمان خانه اطاعت ايدوب حالا انكروس قرالى حكمنده بر كوچك قلعه درام كوشك [۴] نام اوغرا ديقمز قلعه بوسور استوار دن نمايان ايدى آندن

[۱] س ، ط ، ك : مره ده [۲] ك : صحرا ده [۳] پ : ويرانه لكده [۴] ك : كوسك

وگيلارينه سگسن آتئي بيك غروش على ما قسم الله بيه حقير قسمت ايدوب آدم باشنه... غروش حصه دوشوب جمله غزات مسرور اولدیلر اما بوعبدکتره باشقجه اورتدن اوچيوز آتون وآتئي آت وايکي کوله واوچ رأس المان کوزلی قزلر وروب حقير دخي آنلری فروخت ايدوب بهارن يکيجری اغای بودور علی آغایه امانت قیوب جمله عساکر اسلام صدر اعظم اردی صیره کتمکه عزیمت اتدک اما نه جانبدن کتسک دیو قنیزه اعیانیله مشاوره ایدوب آخرکار قنیزه ایچره برر غروش آت یملری الماق جانمزه کچوب هر بریمز برر سرحد یوللرن دوتوب مال فراوان المش غازیلر برر طرفه کیدوب بزمله جمله بيک بشیوز عدد پر سلاح وصال و سبکبار اولوب قنیزه لیدن او طوزر غروش اوچ دانه یول بلر و ایش بلرنیچه کره چته و پتوره اشمش و یورطمش یکتلری قولاغز دوتوب و ترکیلریمزه ایکیشر دانه آت یملرن جاغلریمزه [۱] باغلیوب علی الصباح سنه ۱۰۷۴ ماه ذی الحجه سنک اوچنچی عیداضحی کونی جمیع قنیزه اعیانیله و داعلشوب توکل حق اولوب قنیزه دن جانب غربه جیقوب عساکر اسلام طرفه توجه ایدوب اولکون سکر دوب داغلر و باغلر کچوب

اوصاف قلعه قومار

سلیان خان عصر نده فتح او اشکن حالا نیمچه چاساری حکمنده قرالارک خاصیدر قلعه سی بر مرتفع یرده ایچ حصاری کار کبر و طشره و اروشی متین قلعه پلانقه اولوب جوانب اربعه سی صافی صاللق و بطاقلق بر قلعه معظم صدر اعظم یکی قلعه دو کرکن بودین عسکری بو قلعه خواه ناخواه آلوب مال غنایمن غارت ایدوب جمیع جبه خانه و طوب و توفنکارن قنیزه یه کوندروب بو قلعه ایسه رده برابر اولوب آنجا ایچ حصاری و برایکی کار کبر کتیسلری قالمش بز دخی بو خرابستانده آتله یم کسدروب بعد العشا کیدوب تا علی الصباح

[۱] ک : جاغلریمزه

قلعه چيجون [۱]

بر خيلي مسافه بعيده دن نمايان اولوب عبور آندك آندن

قلعه مرهده [۲]

حالا نجه چاسارى حكمنده زرین اوغلی خا كنده ردوز یرده واقع بر قلعه عتیقدر بر خيلي مسافه دن کورینوب داغلا ایچنده یاتدق آندن ینه جانب شرقه

منزل قلعه اكرسك

بر قاج کون مقدم اوغرایوب شكار آله مامش ایدك ینه یوقلعه نك داغلرنده بر کیجه یتوب آندن ینه جانب شرقه صارب اورمانلر وبالقانی داغلا عبور ایدوب

منزل قلعه قومار

خرابی کچوب ینه داغلرده خواب راحت یاتدق آندن یکی قلعه خرابی کچوب

منزل قلعه قنیزه [۳]

حفظه الله من الآفات السبویه والارضیه بوقلعه یه بوقدر اسیر مال غنایله بر آلی عظیم ایدوب داخل اولد فده هرکس برر خاندانه قنوب حقیر والی و ولایت شیر [۴] حسن باشایه قنوب صدر اعظمک چولاق اولان مؤذن احمد چلبی سی ایله جان صحبتاری آندك ایرتمی کون جمله اسیرلری و مال غنایلری بازار محمدی یه چیقاروب یدی کون یدی کیجه جمله سرحد غازیلری اسیرلری میزی دیوب جمد خدا جمله متاعمز قیراط به قیراط کران بهایه حقیرک دفترله فروخت اولوب سکز کونده سکسن آلتی بیک غروش مال اولوب سلطان محمد خان ثالث جامعنده قرق سکز بیک عدد رفیقلمیزک

[۱] ك: چيجون . س : چچون [۲] پ ، س : مرهده [۳] س : قنیزه [۴] س :

شهد الريمزك يوز يتشن دخی بر اورمانه دفن ایدوب آنلرك دخی عربهلرن احراق
ایدوب بو محله فروخت اولنان اشیدان حقیره اوچ نفر پنجه آفتاب موغ پنجه المان
کوزل غلاملر و اوچ عدد بکر ناشکفته قزلر وردیلر هان اولکون صدراعظمدن
قنیزمه واروب کلکه اذن و امر شریفلی آلوب جمله غزات آماده اولوب

یلشکه قلعه سی قریبندن قنیزدیه عودت ایدوب مال غنایملر من فروخت ایتمکه
کیدر کن سیروتماشایا ایتدی کمز منازللری و قلاعلری عیان و بیان ایدر

اولا اوردوی اسلامدن قرق سکز بیک یکت ایله قنیزمه اسیر و مال غنایم
صانماغه کتیمی صدر اعظم روا کورمیوب اوچ بیک عدد آدم ایچون فرمان بازیلوب
جمیع رفیقلمیز معتمد علیه آدملره اسیرلرن و بروب اوردوی اسلامدن جانب شرقه
داغلا و اورمانلر کچوب

منزل قلعه شاداران [۱]

برقاج کون مقدم بو قلعه یه اوغرا یوب اصلا برشکار بوله میوب کچمش ایدک
شمدی یه داغلا ایچره برکیجه یتوب جوانب و اطراف مزه قراووللر قیوب ایرتسی کون

منزل قلعه قبولینه [۲]

حالا زرینلی حکمنده در بو قلعه عبور ایدوب آندن

قلعه متین شیلیه

سلیمان خان عصرنده امان ایله فتح اولوب حالا هنوز زرین اوغلی حکمنده در
اما صعب قلعه در آندن

[۱] ک، س : شاروار . پ : شاروا [۲] س، ک : قبولینه

اغا كندی غریبکدر حسن نظر کز رجا اولنور دیو عارفانه ریش خند کلماتراندی
 و سر بر زمین ایدوب خان بزاده قوشنه کندی و بده صدر اعظم بو حقیق ایله اوچ ساعت
 نجومی سویلشوب المان ولایتلرنده کوردو کیمز آثار غریبه لری و بنای عجیبه قلاع لری
 سؤال اندکده جمیع سرگذشت سرانجامیمزی بربر نقل اندیکمه وافر حظ اتدی
 اما یولارک بطاق و چتاقلرینک و چنکلسنان بی امان اولدو عن نقل اندیکمه حظ اتمیوب
 هله بوسوز بوراده قله دیدکده سلطانم مجلس امانتدر دیو خاموش باش اولوب یینه
 صدر اعظم دائره سنده خیمه مه واروب ساثر خداملریمه حمد خدا ملاقی اولوب جمله ...
 کونده سالمین و غنمین واصل اولوب جمله ... عدد قلاع لر و شهر عظیمه لر و آثار
 غریبه لر سیر و تماشا ایتدک بعده جمله غزات رفیق لری مزله بریره جمع اولوب جمیع
 مال غنایمیزی فروخت ایتدک بازار محبت چقاروب اصلا بر شیشمز بردانه خردل
 اتمدی زیرا اوردوی اسلامه بر قحط و غلا واقع اولوب هر کس جان بازارینه
 دوشوب نه اسیر و نه مال سرالما [۱] دیوب هر کس دردسرن بربرلینه عرض ایدوب
 بریاندن باران رحمت کوز آچدر میوب آتله و خدامان غلاملر چامور ایچنده قالبوب
 هر جان عالم حیرته قالمش لر نیجه بیک آتله آجلقدن اولمش لر و نیجه یوز خداملر یولارده
 قالمش لر نتیجه کلام اسیرلریمزدن بیک آلتش قدر ممتاز غلمان و شاب لری سرحد لیره
 اوجوز بها ایله وروب اون بش بیک غروش مال اولوب مال غنایمیدن دخی اون بیک
 غروشلق دکرن دکزه مال صاتوب عربه لری آتسه اوروب سهل سبکبار اولوب جمله
 قرق سکز بیک یکت جمله یکر می بش بیک غروشوی پای برابر حقیرک قسمتله
 اوله شوب هر کسه ... مال حصه دکوب جمله غزات آز مال اتدی غیری اسیرلری میزی
 و غیری اشیا لری میزی [۲] بو اوردوده صاتم از قنیزه یه و سکتواره [۳] کتوروروز دیو غلفه
 اتدیلر بعده قولاغز اولان اسیرلری میزک اوچنی عهد میثاقز اوزره آزاد ایدوب
 غیری لری ن قیدبند ایدوب بز قنیزه یه و سکتواره [۴] سلامت چیقارک سزی دخی
 اونلر کبی آزاد ایدلم دیدکده الامر امر کم دیدیلر همان اول ساعت عربه لر ایچره

[۱] ک : شرالما یوز [۲] ط : و غیری اشیا لری میزی . س ، ک : اسبابلر و مال غنایم لری میزی .

پ : و غیری اشیا لری میزی [۳] ، [۴] ک : اسلیواره .

الای عظیم ایله بزم مکث ایلدیکمز اور مانستان اوکندن عبور ایدوب بیزه قریب برفضاده جمیع عساکر اسلام ایله مکث خیام اتدکنرنده بزم عسکر دخی جمله آتلنوب جمیع اسیرلری آتله و عربه لره بندروب برآلای عظیم ایله و بو قدر اسرا و مال غنایم قپودانلر ایله گروه گروه صدر اعظم اوطاغی اوکندن کرو فرقز [۱] ایله عبور جمله ... عدد اسیر و صغیر و کبیر و جمله ابکی بیک التمش عدد عربه یوکی مال غنایم ایدوب و جمله اون بر بیک آتله ایله اوردوی اسلام ایچره عبور ایدرکن غزات مسلمین ایچنده بر سرور و حبور و برغنیمت و فور اولدیکم جمیع غزات موحدین تازه جان بولوب شادمان اولدیلر سرداریمز اولان سابقا خانزاده کتخداسی اسلام اغاوسایر سرحدلی غازیلرک سردارلری بو کتر دیکمز مال غنایم دن بش عدد کزیده اسیر صدر اعظمه هدایا حاضر لیوب جمله اوت [۲] آغالری تیزله و جمله مرزالریمزله و دوکلی سرحد غازیلری آغالریله حقیر دخی صدر اعظمه کروب سر بزمین اتدوکه صدر اعظم صفا کلدیکنز و خوش کلدیکنز المان ولایتی غازیلری دیو وافر دلنوازلق و دلدارلقلر ایدوب هدایالریمز جمله مقبوله کچوب حضور وزیرده جمله یکریمی نفر کسنه لرایله خلعت پادشاهی نی کیریکن حقیری صدر اعظم کوردکده ایشته اولیا چلی سیاحت المانی ده ایتدک ان شاه لله بیچ و پراق ولایتلرنی ده کوررسن دیو وافر احسانلر ایدوب زراندن زر قوشاقلق خلعت فاخره احسان ایدوب جمله به برر چنککر طاقوب خان زاده به بر سمور لباچه کیدروب بر خوردار اول یوزک آغ اولسون ای عسکر کوندرمش سن دیو خان زاده به اکراملر ایدوب صدر اعظم ایدر اما قرنداشم سابقا سزک کتخدا کز اولان اسلام آغا کزک پدرن قرمده قتل آتمش کندی سیده خوفه دوشوب بوغزایه سردار اولوب طرفزدن کتمشدی شمدی بزم خدمت مزده اذن کزله اولسونلر دیدکده خان زاده عاقل ایدر افندم بنده سنک خدمتکده ایم آریلق سچیلک یوقدر بنده و اسلام اغاده کندی قولکدر لکن قرمده باباسنک سبب قتل اولدرکم خان بابای سلطانمک خدمتنه کلکه قومیوب بی کوندردی خان بابامده سلطانمک خدمتنه کلدیکندن متالم اولوب وزیری سفر غازی آغایی آنکچون قتل اتدی اما اسلام

[۱] س ، ک : کرو فریمز ایله . پ کرو جزله [۲] پ : اون

قلعه قبودان و پاپاسلرن اسیر ایتدی کمز قلعه یشککیه تکرار کلوب بر اورمان ایچره خوابراحته یاتوب حقیرک اولکون غلامرمله قراول بکلمک نوبتی بزم ایدی

در بیان تماشای عظیمه

مقدما کلدی کمز یول جانبنده عظیم طوپلر آتلدی آیا بونه علامتدر [۱] درکن داغلا ایچره برکوتردی قوپدی آنی کوردک قرشو طرفده بر سیرک اغاجلق بشیوز مقداری کفار همان بزم اوزریمزه هجوم ایدوب برکه ینه یان وردیلر بزلردخی آتله سوار اولوب آماده دوردق کوردیکم بردن اوزرلینه وارنجبه همان جمله کفار برکه کرویہ بقوب همان قوصقونه قوت وقاهچی به برکات دیوب فرار اتدکلرنده همان کفارک آردی صیره ینه کفار قیافتلی برعسکر کورینوب کفاری قومغه باشلیوب بز آنلریده کافر ظن ایدوب اوزرلرینه الله الله دیوب آت براغنجبه آنلر دخی الله الله دیدیلر مکر بزم قیژده وقوبان وقبوشوار [۲] قلعه لرینک سرحد غازیلری ایمش مکر بونلر مقدما طوپ آتیلان قلعه آلتنده بوغازیلر قچان کفارلره راست کلوب کفاری بوزوب قچر مشلر کفار بزه راست کلوب بزدن دخی قاجدیلر همان بوغازیلر بیره ایدر بیره بیز کافری قومادن آتلیمز قالمشدر و کافرلرک دخی بالجمله آتلی قالمشدر بیره غازیلر شو کافرلری قاجیر میمه قومالم دیو رجا اتدکلرنده همان بزم تاتار عسکری طرفه العین ایچره اول آتلی قالمش کفارلره یتشوب بشیوز عدد کفاری امان وزمان وامهال ورمیوب ال قالدردن جمله سین اسیر ایدوب نصفی قووان غازیلره وردک ایکیوز الیسنی قانون اوزره بز آلوب امدانه [۳] برغزای غرا دخی اولوب جمله مز بریره کلدکده بویکی کلن غازیلردن وزیراعظمی وعسا کر اسلامی سؤال اتدکده آنلر جواب اتدیلر کم بز اسماعیل پاشا ایله چارقچی تعیین اولوب طوغلر ایله کیدرکن بو قودوغمز کفارلر طوغلر اوزره آقوب بزى بصدیله خیلی جنک ایدوب دایانیموب فرار اتدیلر ایشته عسکر اسلامه بوکون قاووشرسکنر دیدکارنده جمله مز حمد و ثنا ایدوب بر اورمان ایچنده برقرار اولوب یاطدق ارتسی کون سنه ۱۰۷۴ ... کونی صدر اعظم

[۱] پ: آیا بونه اوله [۲] ک: قنوسواره پ، س (نقطه سبز) [۳] پ، س، ک: امدانه

بیره نه دوررسز دیدکرنده همان کفار بزم عسکریمز اوزره آت براغوب [۱] ایکی
 عسکر بربرینه قاووشوب کفار خاکساری برهو ایدوب بریایلم قورشوم اوروب
 حمد خدا آراده برمجروح اولوب کامل ایکی ساعت کرما کرم جنک آشوب ایدوب
 هرنه قدر کفار حمله اتدیسه حمله سنده خطا ایدوب کفاره یدی کره حمله اتدکده کفار
 دمت دمت اولوب خاک مذکته دوشردی مکر کفار بزی آز عسکر صانوب صاناشدی
 اما آخر کار شاشدی ووز دوتوب داغله قاشدی همان کفار بدتبار مردارک قراری
 فراره میدل اولوب پراکنده وپریشان اولوب بزم عسا کر عدوشکار تانار قانقمش
 ارسلان کبی بوکلو کدن بوکلوکه کفاری قوه قیره اوپله جنک وپیکار ایدوب کمن اسیر
 وکیسن طمه شمشیر سرتیز ایله بیرکارلق [۲] ایدوب کفارک کله لرن غلطان ایدوب
 بقیه السیوف اولان کفارلر پسند ایدوب دیدیلر که سز بو قدر ازه جق تورک عسکری
 بز اون اوچ بیک خرسستیان لشکری سز نیجه قره بلدیکیز بو قدر لشکری دیوب
 انکشت بردهن ایدوب ایتدیلر بززنی قرمغه یدی کوندر عسکر جمع ایدوب فرصت
 کوزه دردک مکر فرصت و نصرت سزک ایمش اوپله اولور بور ایجه خلیدر [۳]
 الله سیزده ورز بیزده ورر اما شمدنکرو همان رابه صوبن قارشو کچه کورک و قنیزه یه
 دوشه کورک یوخسه مالکنزله و باشکنزله و جانکنزله قور و ملاز سز دیو اسیرلریمزک
 ایش کورمشلری بوپله خبرلر ویردیلر حمد خدا بو غزای ظفر ماآرده اوچ
 بیک یدیوز آلتش قطنا اسیر پابسته و دلخسته بندز نجیر اولوب اونار اونار تانار طرزی
 بونلری دوشاقلوب [۴] و جمله آتله عورتلری و غلاملری ایکیشرا یکیشر بندروب
 بشیوز عدد عربهلری ینه آتسه یاقوب ینه حمد خدا بر خیلی صالت و سبکبار اولوب
 برکیجه نهر مورواو کنارنده و برکیجه نهر رابه کنارنده یطوب ارتسی نهر رابه عبور
 اتدک اما برتعب چکمدن بر آسان یول بولوب قرشو طرفده ابتدا قولاغزیمز اولان
 برخاین کافری قتل ایدوب برن دخی آزاد ایدوب اورلرینه سز دخی بیزی سلامته
 چیقارک سزی دخی آزاد ایدورز دیدکده جان باش اوزره دیدیلر آندن جانب شرقه
 نهر رابه کنارله کیدوب مقدما بوچته سفرینه کیدرکن اوغرا یوب علی الغفله باصوب

[۱] پ : سوروب [۲] پ : تیرکارلق . ک : بیرکارلق [۳] ک : بوز ایجه حالیدر .
 پ ، س نسخه لرنده بوغاره تماما قطعه سزدر [۴] پ ، س ، ط : طوساقلوب

وشهر ایچنده آینده ورونده کفارلری چاپور [۱] عسکری کبی جنود جنبلری چوق ایدی بوغراویچه شهرن عبور ایدوب ارتسی کون یینه طرف شاله کیدوب

در قائمه قلعه اشلوش [۲]

اول و آخر نمچه قرانک حکمنده سحر اسنده بر خیابان اورمانستان ایچره مکث ایدوب اورماندن طشره بر آدمزی چیقارمدق زیر کفار لشکرینه چوق راست کلر اولدق بوقلعه اشلوش [۳] بر صحرانک اورتا یرنده کوه دماند مثال متانت اوزره دوروردی و بر واروش عظیمی جانب شرقیسنده برق اوروب یاپیش [۴] دوروردی خیلی مسافه بعیده دن سیر اتدک بوقلعه دن بیزه یدی پاره طوب آتیلدی اسیرلردن سؤال ایتدک چاسار طرفندن بر وزیر کلشدر انکچون یدی طوب آتلدی غیری به بویله طوپلر اتیلماز دیو جواب اتدیلر بوقلعه یی دخی کچوب یینه اولوداغلر ایچره کیدوب

در شرح قلعه سمائی

قرال بدتبار انپره طور حمایه سنده نهر موروه کنارنده برصعب کوچک حصار استواردر اژدرهفت سره بکزرصداسی اوج عدد. بالیز طوپلر آتلدیکم داغلرده کی درختستانک برک و بارلری بیره دوکلدی اسیرلریمز اتدیلر بوقلعه یه دشمن کله سی خبری طوپلریدر دیدیلر بوقلعه یه یقین اوغرامایوب یینه داغلر ایچره کیدرکن ایلریده کیدن چرقه عسکریمزدن برصدای الله الله قوپدی همان جمله عسکر اسیرلرمن یاننده معتمد آدملر قیوب جمله من ایلری یه طوپدن آت صیچرادوب کیتمک مراد ایتدی کمزده اختیسلرلر جمله منی کرویو دوندروب آت باشی برابر آماده اوله راق اسیرلری جمله اورتایه آلهرق ایلری وارنجه آنی کوردک بزم چرقه جیلرمن بزم اوستمزه کلدکلرنده

[۱] پ ، ک: چاپور [۲] پ: اشلوش. سن: اشلوش [۳] پ: اشلوش [۴] ک: یاپیش

ایتدك ونبجه دیورلرك قورشوملی قبا بلری قات اندرقات سرای عالی لری وار اما قلعه سی نمت نه ری کنارنده شکل خمس برکارکیر بنا بر سور رعنادر وبوشهره نمت او وار قلعه سی ایکی مرحله یردر بوشهردن مال غنایم آماق امنیه سنده اولمایوب همان جای سلامته جان آتغه بذل همت اندك زیرا بار ثقیل رمز چوق وقیش قیامتده قریب اولدوغندن ماعدا ولایت المان بی امان یردر همان بو محلدن آلتی ساعت برداغ ایچره کیدرکن یدی سکیز یوز قدر سمین آتله راست کلوب جمله سنك آر دلرن و اوکلرن چو یروب سوروجیلرن دخی اسیر ایدوب سویلتدك والهی بو داغ لر چار پاسار [۱] قرالمزك قوروسی و آتلی ریدر دیو خیر وردکده کویا خضره راست کلوب جمله آتلی قید بند ایدوب عربله ایچره اولان اسباب لری و سکیز یوز تیش قدر اسیر لری جمله آتله بندروب و جمله عربله لری احراق ایدوب برخیلی سبکبار اولوب اولکون ینه جانب شاله کاه اورمان وکاه جاده راه ایله کیده رک

اوصاف شهر عظیم و تخت قدیم غر اوچه [۲]

اول و آخر نیچه چاسار لرینك تختگاه لریدر اسیر لریمز ایدر حالا المان مملکتنده بچدن و پراقدن واسیر نیه شهر لردن بیوک بو غر اوچه شهریدر بو ولایت لرده بوندن معمور و مزین شهر قدیم یوقدر اما صاقنك بوندن برغنیمت آماق سودا سنده اولماك دیو اسیر لریمز تنبیه آتیلر زبرا بوشهرده چاسارک اوغول لری و یاخود اقربالری بونده حکومت ایدر لر قرال لری مرد اولسه بونده کیلر قرال اولماق قانون الماندر دیو بوشهری غایت مدح اندکارنده همان حقیر قرق الی قدر نامدار پر سلاح سرحدلی غازی لر ایله بوشهرک برطوب منزلی بعید رنده بر خیابانلق مرتفع یردن بوشهری تماشا اتم قات اندرقات بشر و اتیشر طبقه معمور سرایلر و باغ و باغچه و منظر لر و چاکو قله لری ایله آراسته و جمله دام لری رصاص خاص ایله پراسته اولوب هر برمنجوس خانه سرایلری سراپا کونا کون الوان کیره متلر ایله مینی اولوب هر بری در بیض آسا سرایلری وار

[۲] پ ، س : حازاسار [۲] پ : غراچه [بعض اثرلده (غراچه) شکلنده در (م)]

عظیمه اتدیله دیو نقل اتدیله اما بو عبد کتر اون پادشاهلق یرده یدی اقلیمده بویله بر درخت عظیم بویله بر میوه دار عبرتمای قدیم کورمدم اما گویا بو درخت هان ذی روح کبیر « ان الله علی کل شیء قدير » آندن بدی ساعتده

درقید شهر عظیم ینوره

سلیمان خان عصرنده بونی دخی اوسکلی قاسم ویوادا خراب اتمش حالا دست چاسارده اولماغیله بر شهر معمور اولمش اما غایه الغایه معمور و مزین شهر عظیم نمایان ایدی اما بو شهره قریب بر بطاقلق وار قرشو جانبنه یدی ساعتده دولاشیلوب واریلر مش اما کوی کوی اوستنه غایت معمور ایش اندن فراغت اولنوب بو شهرک واروشنی غزات مسالمین احراق ایتدیله اما تبور و باروسی [۱] متین و مستحکم کنیسه و دیوارلرینه جمیع کفار استناد ایدوب عنادلرینه مصر اولدقلرندن بو فنک دخی قلعه سی ایچره تاتار عسکری کبیرتی آتیش اوقلری آتوب درون قلعه دخی احراق اولدقده نیجه بیک کفار طشره چقدقلرنده جمله اسیر بند زنجیر اولوب نیجه بیکی قلعه نک اوغرون قپولرندن قایقلرینه بنوب مذکور کول ایچره فرار ایدرکن قایقلرینی قورشومه دوتدق اما چونی هلاک اولوب بحیره ایچنده قالدیلر آندن

در دفتر قلعه شهر بشلوقه [۲]

حالا نمچه چاساری حکمنده بر معمور شهر عظیمدر بونده دخی عظیم وزنی اوزره منصطرلری اولوب ناقوس خانه قله لرنده پاپاسلر چاکلری چالوب نیجه کونه فزع و جزعلر اتدیله لکن بو قلعه التنده مکث ایتدی کمزده بر عظیم یاغورلر یاغدی کم عربه لریمز باشمزه بلا اولوب حقا که ایانمزه باغ اولوب یعنی کافرلری قید بند ایله طاشیمه قیدینه دوشدک اما اورماندن اورمانه کوچیله بر چامور سز یرده مکث ایدوب بو شهری و قلعه یی آلارقه دن سیروتماش ایتدک هان یتش عدد کنیسه چاکلنی عد

[۱] س ، ک : سورباروسی [۲] پ ، س : بشلوقه [ف] ایله

عظیمک وجودی اولیه قالدردکم بودرختک سایه سنده اوطوران غازیلردن نیجه یکتلری باشمه جمع ایدوب جمله من الاله ورروب بو درخت صنع باری نی یتش بدی آدم کوچیله دراغوش ایندک اما بونده صنع باری عبرت نما اولدرکم بو شجر عظیمک تا ذروه اعلا سنده یتش سکسن قدر چتاللمش دالبرک اره لرلدن برنهر عظیم شادر وان کچی هوایه پرتاب ایدوب درخت کیردن برخیل مسافه بعیده یرنده بیاض المان مر مردن بنا اولتمش برحوض عظیم ایچنه مذکور اغاجدن صو حیقوب بو حوضه ریزان اولوب صویک غزلدیسندن آدمه دهشت کلیر بر آب حیات صودرکم مذکور درخت عظیمک جسد کیری ایچندن حیقوب مناره قدی درخت منهدار آندن دخی رمناره قدی نهر عظیم هوایه آتلیوب مذکور حوضه دو کولور تماشای عظیمدر بو حوض عظیمک اطرافنده اولقدر کونا کون فرنک پسند مقررلی مقصوره لر وسه اسبیل و فسقیه وفواردلی کاخ مذهبلر ونیجه یرده متعدد مطبخ و حجره لر و باغ و باغچه لر وارکم هر برنی برسلف قرالدری اعمار ایدوب مسیره کاه و تفرج کاه اوله دیو خیرات ایتمش لر واجب السیر بر آرامگاهدر بو حقیر جمله غازیله رجا ایدوب بر عماراتنه رخنه اندر میوب همان جیمده اولان نوره کان [۱] و تلسمان [۲] راجیه [۳] دمرلرن ومصرفه [۴] چکیجم حیقاروب مذکور درخت عظیمک سینئه بی کینه سنه لسان نمچه خطیله تقلید ایدوب « ماریه قوت قاپور هاند مقار فاند » دیو بو الفاظلری نوره کان ایله اغاجک سینه سی اوزره آنه بنوب قازدم یعنی مریم آنا ایچون وقوت قاپور هاند اولو الله عظیم الشان ایچون مقار فاند دعا ایدر اولیا دیو اغاجه قازدم اما حقا که المان دیارنده بر علامت ایدوب بو خطی یازدم اما بو حقیر بو اغاجک اصل وفرعی نیجه اسیر پاپاسلردن سؤال اتدکده آنلرک نقلری اوزره بزم حضرت عیسی پیغمبر من سیاح عالم ایدی بونده کلوب بودرخت عظیمی دیکوب معجزه لر ارلسون ایچون المان داغنده کی طونایه اشارت ایدوب کلوب بو اغاجک ایچندن نهر طونه اوج هوایه حیقوب یره دو کولوردی صکره قرالریمز بو حوضی و کوشکلری و تکیه لری [۵] یاپوب خیرات

[۱] پ : نوره کان . ک : نوره کار [۲] س ، پ : بطسما [۳] س ، پ : احه

[۴] پ : مطرقه [۵] س ، ک : و بلنقلری

اوصاف شهر بندر آباد قلعه قوروقوندار [۱]

اول آخردست دشمن دگمه مش بر شهر عظیم در کم المان دیارنده نمچه چاسارینک حکمنده اولوب جوانب اربعه سی بطاقلق اولماغیله نهب و غارت ایتمک ممکن اولیوب سحر اسنده مکث اتدک اما بوشهرک تا اور تاسنده سدا سکندر کی قلعه یه مانند بر منسطر عظیمی وار سلیمان خان ایله بودینده جنک ایدن فر دیناند قرال ضالاک بنای نامدوحی ایتمش اما غایت مصنع و معمور و بیاض انجو مثال بر دیر غامادر بوشهری دخی عبور ایدوب ینه سمت شماله داغستان ایچره صنع خدا درخت سر آمدلری تماشا ایدرک کیدرکن

حکمت صنایع لم یزل عبرت نما

بر واسع فضا ده بر درخت عظیم وار بو کون کردش دوارده اولیله سایه دار و اولیله برک و بارور بر کونه درخت عظیم یوقدر اوچیوز عدد شاخلری وار کم هر بری فیل جثه سی قالینلی شاخلری یاپراقلری زوم صلطه سی برکینه بکزرا کشیجه [۲] لطیف میخوش یاپراقلری وار اعلا تناول اولنور لکن حکمت باری جمیع ا کشی قابض ایکن بنوک یاپراغی ا کشی اولوب سنامکی قدر مهسل یاپراغی اولور میوه سی بر طرفه در کم جمیع میوه شجره لرک داخل جز لرنده بتر بنوک میوه سی اوچیوز عدد قالن دالترینک وجودینه دزلمش پلید کبی یشل یشل قبوقلی میوه سی بتر کالان بولدقده باصر حی قدر کویا بغداد بهشت آبادک خصطاوی خور ماسی لذتنده مسک و عمر خام رایحه لی بر کونه میوه در و غایت مقویدر اما چکر دک یوقدر و روی ارضه همان بودر خندن غیر ی نظیری یوقدر هر شاخه لرینک ظل حمایه سنده اونا ربیک آدم قنوب سایه لرتحت ظلنده یدی رده کنیسه جکر [۳] و مصطبه کار کیر صفة جقلر وار اوچیوزی متجاوز میخانه و فاحشه خانه لروار و بودر ختک قدی اوج آسمانه قد کشان اولدغندن ماعدا بودرخت

[۱] س ، ک ، پ : قوروقوندار [۲] س : اینلجه [۳] ک : پشته جکر

اغاجلی قورو ایچنده علی الغضله شهر ایچنه کیروب طرفه العین ایجره قلعه کفره لرینه برقلیج اوروب چارسوی و بازار لرنده و کنیسه لرنده و دار منحوس خانه لرنده اولقدر مال بیقیاس بولتوب و اولقدر پنجه آفتاب و محبوب و مقر تاب دختر و غلمانلر الندیکم داملرینه !صلاخار الشمه مش و یوزلری اچلمه مش بر کل ناشکفته لر در و غنایم آمدن عسا کر اسلام اولقدر مستغنی اولدیلم کرات ایله غنایم اسبابلرن [۱] براغوب دخی زیاده کران بها اشیارلر آلدیلر الحاصل بونده دخی اوچیوز عربه یوکی ذی قیمت تحف و نوادر مقوله سی کالای و الای امتعه فراوانلر غنیمت اولدیکم و صفدن خارجر در جمله غزوات مسلمین مقتنم اولدیلمر اما بوشهر رای تینادک [۲] اورتاسنده قلعه دن زیاده صعب و متین برشدادی بنای عظیم منصطر قدیمی وارکم کویا اسلام بولده ایاصوفیه کبیر مثال برقبه عالیسی و اوچیوز عدد دخی غیری قبا بلری جمله رصاص نیلکون ایله مستور بر دیر معمور درکم جوانب و اطرافنده اوج آسمانه سرچکمش درت عددچاک خانه قله لری وار اما اورته ده کی قبه کبیرک علمی بش آدم قدی قدر خاج علم ایدی سایر اوچیوز عدد قبا بلرک علملری اوچر آدم قدی کومش خاچلر اولوب جمله ذهب خالص ایله مطلا صنبه [۳] علملر درکم بو علملره بودیر کبیر کافر ستانده و روی ارضه علم اولمشدر و کنیسه ده مال چوقدر دیو عسکر اسلام بودیری دایراً مادار قوشادوب مکر کافر دیرک صاچه طوپلری چوق ایتمش بر آنده یدی نفر غازیمز شهید اولوب نعه لرینک قرنلرن یاروب جمله طوزلیوب عربلره تحمیل ایدوب بو قدر مال غنایمله بو قلعه التندن عودت ایدوب اندن یدی ساعت شمال جانبنه درختسان و چنکستان و المان خاکی اوزره کیدر کن برعظیم عسکر ایزینه راست کلدک همان اسیرلر بمزدن سؤال ایتدکده بو فرانسه ولایتی یولیدر الله بیلر فرانسه قرالی دوتقارقیز ولایتی و دانمارقه ولایتی و دش فرانسه ولایتلرینک عسکرلرین بزم قراله امداد کوندروب الامان داغلرن آشوب یانیق قلعه سنه کتدیلمر دیدکلرنده لشکرک ایزلرینه امعان نظر ایله نظر اتدک امداریا مثال جیوش ایزلری اما هنوز عبور ایتمشلر آندن ینه جانب غریبه برکون کیدوب

[۱] ک : انوابلرن [۲] دیگر نسخه لرده (رایتنادک) [۳] س : صلحه . ک : صلیه

جمله شهدارک رو حایتلرندن استمداد طلب ایدوب بعده شهری احراق بالنار ایدوب عهد
ومیثاق اوزره مقدما اسیر اولوب قولاغوزلق ایدن کافر لک ایکین آزاد ایدوب اوتوز
سکزن دخی نیجه شکارلردن صکره آزاد ایتمکه قول وقرار ایدوب ینه آنلریده آتلی
اوزره قید و بند آتدک بعده

در بیان عزم ولایت الامان بی امان

اسیر قولاغزک بری تنهاده ایدردخی غنیمت استرمسز کم بی مشقت الیکزه مال گیره
دیددی بلی استرز دیدکده جمله عسکری بر واسع شاه راه ایله آلتی ساعت غرب
جانبنه کتوروب اوبر کفره لر بویوله کیتدی کمزه رضا ورمیدیلر نیچون بویوله کیتدی کمز
استمسز دیو سوال ایتدی کمزده بو ولایته دخی تانار و ترک و بردشمن ایاغی بصره مشدر
جمله غافل ولایتدر و مال غنایم غایت چوقدر پک چوق دویم اولوب غنیمت لر آلوب
ایاغیکیزه باغ اولور سزک ترک عسکری سزه اوزاق قالر بو ولایتله المان ولایتی درلر
قاسم ویو ادا قرق بیک آدمه بو ولایتده شهید اولمشلردر و سزده بو قدر مال ایله سلامتیه
مشکل چیقارسز و جمله المان کافری سزی دویدی لر آخر کار دونشده اریکیز آلر لر
دیو نیجه کونه صورت حقدن جواب شافیلر ورد کلرنده کیمیز معقول سوزدر دیوب
وبعضیلری کله یه کله جک کلر نام معقول سوزدر همان غنیمت استرز دید کلرنده اقل اکثره
تابع اولوب اولکون شهر پر وندوق [۱] اتندن قلقوب جانب غره طونانک باشی [۲]
اولان المان داغلیرتک دامننده الغاز ایله کیدوب

در صنعت اشکال قلعه رایتناد [۳]

بر اولوشهر در کم نیچه چاسارینک اناسی [۴] حکمنده در جمله اسیر و مال فراوانلریمز
داغلیر ایچره ایکی بیک عدد شهباز غازیله قوب بو قلعه ک شمال جانبنده کی سیرک
[۱] ک: پور وندوق [۲] ک: باشی و منسی [۳] (طبقات الممالک) ده (رایتناد) شکننده در
[۴] پ، ک: اناسی

چقنجه کریبانلرن اله و یروب اسیر اولدیلق و قلعه ده اولان کفار لر بو و اولایی اشیدوب
 نیجه یوز عدد طوپلر ائماغه باشلا یوب هان قلعه دن کفار خنزیر کی چیقوب بیزه
 هجوم ایدوب بز دخی رالمسی [۱] قدرجه جنک ایدوب بعده سحرایه دوغری یان
 ویرنجه کفار خنزیری قوواراق سحرایه چیقوب آتلیلری ویا یانلری بی تاب و بی مجال
 قالدقه جمله مز بر کره دونک مانی اوول [۲] دیو کافر اوزره دونوب در عقب بو سحرای
 و اسعه کفاری اورتیه آلوب آن واحده جمله سن طعمه شم شیر ایدوب بقیه السیفلری
 قلعه لرینه فرار ایدر لر کن بزلر دخی عقب لر نیجه قلعه یه کیروب حمد خدا بر آسان وجه ایله
 قلعه ضبط اولنوب قلعه قپولر ن سد ایدوب کامل یدی ساعت نجومی بو قلعه ایچنده
 مکث ایدوب میمنه و میسره بی باک و بی پروا ولایت صاحبی کی جمله کافر قریلرینه
 و قزلرینه طعاملر پشردوب بعد الطعام بو شهر عظیم دن اولقدر سیم او ان و اولقدر شمع دان
 و بخوردان و اولقدر اقمشه فاخره و اولقدر البسه نادره لر و اولقدر کیاب مقوله سی
 جواهر ذی قیمتلر و جمیع دیور عمامه لر دن [۳] اولقدر مجوهر پوطلری و ذهب خالص دن
 صلعه لر [۴] ویدی یوز عدد هان بطریق و قدیس و ره بانلر اسیر اولدیلق و دخی
 تاتار بی رحملر بر قاچ عورتلر ک امچکلر ن یعنی مه لرن کسوب عورتلر ک باشلرینه کیدروب
 مال قنده در دیو سؤال ایتدکلرنده زیر زمینلر دن اولقدر محفوظ و مدفون
 مال فراوان و آلات سیم او ان مقوله سی اولقدر مدفون اشیا لر سقیدیکم حتی کتور مکه
 قادر اولیوب نیجه مصر خزینه سی مال فراوانلری خاک مذلته براغوب کتوره که
 اقتدار من اولمادی خلاصه کلام یوز یمش عربه مال ذی قیمت و اوچ بیک اسیر
 بیمنت ذی جمال محبوبه و محبوب مشتری طلعت بکر ناشکفته المان قرلری اله کردیکم
 کیسولرینک هرتارلری بیک بارمشک تاتار دکر اوچ بیکدن متجاوز اتلری
 عربهره قوشوب بو شهر بوروندوق [۵] المان داغنک دامنده در وقاسم و وادا
 شهدارلی روحلری چون فاتحه شریفه اوقیوب یدی عدد شهدالریمز بو محله دفن ایدوب

[۱] پ، س، ک : رالمی [۲] پ : وانی اوول [۳] بو کله بی مؤلف اکثریا غبن
 معجب ایله یازدیغندن بوده (غمامه لر دن) اولمیدر. (م) [۴] ک : صلیب لر [بو کله دن سوکره
 نسخلرده اولمیان (آلتوب) کله سی لازمدر (م) [۵] ک : بوروندوق

قرديروب سز خلاص اولماق استرسكز سزى ابتدا شويله قراريزديوب كفارك برينه
 رصاتور محمدى اورديكم كوياكلهسى بازارابلكيه ديكيلى ايمش كله كفار غلطان
 اولنجه اولانجه كفارلك عقلرى باشلرندن كيدوب سايرلىرى بوحالى كوروب حاشا
 بز سيزه خيانت ايده يز همان بزى آزاد ايده جك اولوك كوروك سيزه نقدر مال غنايم
 الرسز ديوب اولكون سكردوب براورمانلق ايجره ياتوب وقت سحرده جمله اتلنوب
 بر ساعت دخى سكردهرك

اوصاف شهر عظيم پوروندوق [۱]

ونى دخى سنه ۹۲۹ تاريخنده سلطان سليمان عصرنده قاسم ويوادا فتح ايدر كن
 جنك عظيم اولوب حالا مزارستان شهدالرشهرك طرف قبله سنده بشته پشته ياطوب
 حيوانات موتالرى چكنمه سن ديو كفار شهدالرك اطرافلرينه خندقلر كسمش
 برسك مزارده « محال اوغلى محمد بك رويچون الفاتحه » ديو تخرير اولنش
 مزارستاندر بو قلعه سد اسكندر بر صحراى تيهك نهايتنده برشدادى بنای متين كه
 بر كوچك ايچ قلعهسى وار اما اورته قلعهسى اسلامبولك غلطة سته مشابه بر قلعه
 بي شهبدر اما طشمره واروشى حلب قلعه سندن بويوك اولوب ايچنده تيمش عدد
 منصور چا كلنى صايدم بر شهر عظيمدر اما بو واروشك اطرافى قلعه دكلدر انجاق
 محله قپولرى كبي اوزرلى طوپلى وصاچه وقومبره لى متين قپولدر وهر جانبنده
 مازغال دلكرى ودرسكلرى وار همان وقت سحرده جمله كفار خواب راحتده
 ايكن جمله غزات مسلمين اورمانلر ايچندن چيقوب آت قيوب قلعه دبنه كلد كده
 صدای الله الله رها بولدروب واروش ديوارينه صاريلوب جمله عسكر موروزنور
 كى داموباملره وروى ديوارلره طرمشوب تيمش سكسن قدريردن ابتدا بوشهرى
 آتسه اوروب درحال نيجه يوزيللق بنا علو برعلو اولوب جمله كفار آتش نمرود
 ايچنده قالب بعضى عورتلر همان اوغلن قوجاغنه آلوب قوجاسيله اوندن طشمره

[۱] پ: پوروندوق

صعب حصار استواری وار یانه وارماق محال زیرا نیچه یوز بیك کفاری قلعه التنده جنکه آماده دورلردی بونی دخی عبور ایدوب کیدرکن ایلریده چارخاجی کیدن آدملیمزدن آلتی نفر یکتلیمیز آت بوینه دوشوب سکرده رک کلوب موشدولق کافردن قرق عدد اسیردل الدق دیوب دللری میدانه کتردکلرنده دللر ایدر اکر بزی سویلدوب آزاد ایدرسکنز سیزه رابه سویینک کچدن کوسترم و نقدر اسیر واسباب واثقال استرسکنز آلك زیرا جمیع قطنالر وعسکری اولان خرسیتیانلر جمله یانبو [۱] قلعه سنه ونعمت اوکوار قلعه سنه [۲] اما بزی قرشو طرفده آزاد اتمک برقاچ کون سزکله بیله کزلم زیرا بزی قرشوده آزاد ایتدی ککزی کبی بزی کافرلر کوروب ترکه کچیدی سز کوستردیکیز دیو بزی کباب ایدرلر دیدکده جمله مز کچت باشنه واروب نهر رابه سهولته کچوب درحال دل اولان کافرلرک باشلرینه الوان مقدم صارقلر صاروب برر دانه آتله بندروب تبدیل جامه بونلری قولاغز ایدوب اولکون سکر دوب

در سیر تماشای قلعه ژله زینوار [۳]

بودخی سلیمان خانیده فتح اولوب حالا المان قرالی حکمنده زرینلی خاکنده غایت متین حصار استوار جمله شدادی بنا بر قلعه مستحکمدر اما ایچ قلعه سی بر بشته عالی اوزره نمایان ایدی قولاغز اولان کافرلر بزی اورمانلر ایچره کتوردیلر زیرا صحرا ایله کتورسک کافرلر سزی قلعه دن کوروب خبر طوپلری اتلوب جمله ایل ولایت کافرلری سزک کلدیککیزی دیوب برشکار بوله مازسز دیدکلرنده همان بزم سرحدلی غازیلرندن برقاقت اندیش وچوق ایش کورمش ونیجه آرقلر آطلامش وفلکک نیچه تره کرم وسردن چکمش یکتلیمیز اولان کافرلرک اره سنه کروب ایدر بقه ملعونلر اکر پیزی چوق دشمن ایچنه اوغرادوب بزی

[۱] ک : یانیق. [ظنجه (یانیق) دوغرودر (م)] [۲] ک : قلعه سنه در [دیگر

نسخه (کتملردر) علاوه ایدملیدر (م)] [۳] پ : زله زینوار. ط : زله زینوار.

ایده جک بر محل مناسب یر بوله مادق هر نه محلدن کچلم دیدکسه هر رابه نک ایکی جانبری کسمه اوچوروم طوپراقلر و صو کنارنده بر برینه برر طوب منزلی خبرچی قه لری چوقدر و کچت امیدى اولان یرلرک صو ایچنده تختله ره حر به لر قاقوب آت و آدم قدم بصه ماز حاصل کلام ینه مشاوره ایدوب قرمده مانقلی [۱] علی امرزه [۲] ایدر اشته بریول بولوب جمله من مراد من اوزره رابه صوین قرشویه کچدک یا قرشو طرفده یکر میشر [۳] کفار دریاسی وار آنی بیلور مسز قرشو چیقوب برکون ایکی کون جنک ایدمرز اوروش حالیدر بو زماق و بوزماق الله امریدر احتمالدر کافر بزى بصوب [۴] دونشده بو صوی نیجه کچلم دیدکده آخر کار نهر رابه قرشو کچمدن فراغت ایدوب

درعلامت قلعه نوبنا کوسک

سلیمان خان عصرنده بوقلعه آتنده نیجه آدم اوغلانی شهید اولوب حالا قبرلری ظاهر و باهردر کفار خاکسار قلعه دن بزى کور نیجه عظیم طوپلر آتوب بعده آنی عبور ایدوب برکونده

در نشانه قلعه شو برون [۵] شهر عظیم

حالا نیجه چاساری حکمنده بر بندر آباد معموره در کم هان اوچ بیک عدد درمچی و نجاجی [۶] و اوسطوراجی دکانلری و ایکی بیک چوقه جی و بیک قدر کاغدی دکانلری و شیرى اهل صنایع دکانلرینک حسابن خدا بلردیه اسپر لیمز واسیر اولان امت محمد [۷] قولاغز لیمز نقل ابیدلر اما سلیمان خان دخی بونده [۳] کلوب بر عالی طوپراقدن هونقه [۸] دپه یغمش قلعه سی بر بطاق کنارنده بر آچاق یرده

[۱] س ، ک : مانقلی . پ : ماهلی [۲] ک : مرزا . س : مرزه [۳] س : بلر مندر شکاندن اکلشیلیمورکه (بیلیمسز) اوله جقدر که یا قیشانده بودر و (یکر میشر) نصحیف نتیجه سی اوله رق یا کلشیدر (م) [۴] ک : بوزوب [۵] پ : شو برون [۶] ک : بجاجی [۷] پ : محمد امتی [۸] پ : هونقه

واروشلرینه کیروب کزیده اشیای غنیمتلرن آلوب واروشنی آتسه اوروب منصورومظفر بوقلعه مشتری عبور ایدوب جانب غربه اوچ ساعت مقداری کیدوب

در ذکر قلعه سونبوتهل

بودخی سلیمان خان عصرنده فتح اولوب ینه زرین کفاری حکمنده برکوچک قلعه در اما یرار بوباق [۱] وقطنا کافرلری وارددر برخیلی طوب آتوب بزی اصلا قلعه التنه اوغراتمادیلر بونی دخی عبور ایدوب ایکی ساعت کیدوب

در مدح پلنقه مشتوار

بودخی سلیمان خان عصرنده فتح اولوب زرین حکمنده برعمومور ومزین پلنقه در وباغ وباغچه سی غایت چوقدر بوقلعه آلتنده آرام ایدوب جمله آتله یملر آصوب بوخلده جمله بریره کلوب مشاوره اندک آیا بوندنصرکه اشیمز نیه منجر اوله دیدک جمله قرا وقصباتلر یولو یرنده اما ایلچرلنده برشی یوق انجساق جنک آور [۲] قطنالری غایت چوق مال غنایم اسارا وشکاردن اصلا برزده یوق کلک غازیلر نهر رابه قرشو کچمه نیجه بزله برشکار آلوب دوپوم اوله ماز [۳] دیدکلرنده نیجه سی ایتدیلر یا سز بیلمزمیسکنز او یوار فتحندن صکره سکسن بیک عسکر ایله قیلان پاشا بو نهر رابه کچوب نیجه عسکرلری و آتلی قیریلوب خایب وخاسر متروپجه [۴] قصبه سنه کلدیلر رابه قرشوسنده نه وار جمله کافرستانک جمعیتی یری آنده در [۵] شکار دیدیککز مال آنده قنده در دیدیلر جمله سرحدیلر وتاتارلر اشته بز اوله بر کافر جمعیتی اولان یری استرز یا تحت اوله یا بخت دیوب جمله بسم الله نیه الغزا دیوب ایکی یردن غیرت قلچلرن قوشانوب جمله آتلیمزه سوار اولوب ایکنجی ساعتده نهر رابه کنارینه واروب اوکوز کامل رابه ساحلنده کزوب قرشو جابه عبور

[۱] ط : براق. ک : یونا. س : بواق. پ : توانا [باصمه بچویده (بواق) شکننده در (م)]

[۲] س : جنک اری [۳] ک : اولاماز [۴] س : میروحه. پ : میروحه [بوکتایک مطبوع اولان التبعی جلدنده (متروپجه) شکننده در ص ۱۷۳ (م)] [۵] ک : اول طرفه در

در رخ قرارك قلعه ده قرارلری قالمیوب قلعه قپولرن آچوب بوقدر كفار مال غنایمیه
قلعه دن طشره طوپلری آلتنه چیقوب آتشدن خلاص اولم در کن تاتار آتشنه
اوغرایوب آن واحده بیک یوز آلتش قدر اسپرو بوقدر بحساب مال ارزاق آلتوب
دورت یوز عد شهباز یکتلری میزله قنیزه به کوندر دك زیرا قنیزه هنوز دخی یقیندر آندن

در عمارت پلنقه رومی وار [۱]

زرین [۲] حکمنده در بونر دخی بزدن خبردار اولوب جمله کفرملری قلعه ده
متحصن اولمشلر اما بر اورمان ایچنده بر مرتفع طوپراقلی پشتسته اوزره بر قلعه
متیندر آندن

در قیافت قلعه اگر وار [۳]

بودخی سلیمان خانك عصرنده سنه ۹۳۹ محرمنده فتح اولوب حالا انکروس قرالی
حکمنده وزرین اوغلی خاکنده قلعه سی برداغلق و اورمانلق ایچنده جوانب اربعه سی
بطاقلق بر پلنقه در همان درون قلعه ده اولان کفار بزى عبور ایدر کن کوروب بیقیاس
شاهی طوپلر آتوب خیلی شقاوت اتدیلر اما بوقلعه بزم قنیزه قلعه مزه بر مرحله یردر
اما قیش کونلری کوللر بوز او انجه بر قناقده کیدر یولی واردر. بوقلعه ا کرواری [۴]
دخی عبور ایدوب

در بیان قلعه مشتر [۵]

قطنلاری قرشو چیقوب بز دخی الله الله دیوب بر خیلی جنك و جدال ایدوب
جمله کفار قلعه یه فرار ایتدیلر کم قلعه دن بزى طوپه طوته لر بز دخی کفاری قوه راق
[۱] پ : رومی وار [۲] س. ک : زین [۳] ک : اگری وار [۴] ک : اگری وار
[۵] ک : مناستر . س : منستر

علی الغفله وقت سحر دم بونلری بصوب قلعه نك طشره سنده یتش عدد کفار قپودا زلری
 واچ بیک قدر کفرملری و باباسلری ایله مشاوره ایدوب کیدر لرکن ایچلرینه آت
 براغوب جمله سی ال قالدردن دست بر قفا بسته اولوب نیچه یوزی قلعه یلشکجه
 قاچدی لر آنلر دخی اسیر بند زنجیر اولدی لر اما قلعه نهر رابه کنارنده ایچ قلعه سی
 کار کیر بر شیرین قلعه در اما طشره سی احراق اولمشدر لکن بر عجایب و غرایب
 عبرت نما آثار قدیم کینسه سی وار حمد خدا بوندن بو قدر اسیر آلنوب بر ساعتده
 ینه نهر رابه کنار نیچه کیدوب

در مدح پلنقه شاور [۱]

سلیمان خان زمانده بودین قرالی بابوس [۲] قراله تابع اولوب ینه کفار استیلا
 آمشدر بودخی متین قلعه در اما بلشکه قلعه سی التنده اتدی کمز جنکدن خبردار اولوب
 جمله حیوانلرن قلعه التنه چکوب کندیلری دخی قلعه یه قپانمشلر ایدی آندن دخی
 عبور ایدوب

در منظره قلعه کمتوار [۳]

میچه چاساری حکمنده بدرختستان ایچره بر صعب قلعه در یدی ساعت کامل
 آلتنده مکث ایدوب ممکن اولمادی کم بوقلعه دن بردل آلاق [۴] اما بر ریخ عقیم کبی
 بر روزکار زورکار عظیم وار کم کویا ریخ صرصر ظاهر اولوب ایکی بیک قدر تاتار
 کاندار لری او قلینه کبریت باغلیوب و بشیوز نفر توفنک انداز نجاورده لی [۵] قورشوملری
 و کبریتلی یانمش او قلیری قلعه ایچنه اول روزکارده پران ایدنیجه همان جمله تخته اورتولی
 اولرک دام و باملری علو بر علو احراق اولوب قلعه ایچره برواویلا قپوب در حال کفار

[۱] پ: شاروار [۲] س، پ: بانوس [ظنمجه (یانوش) اولمیدر. (م)] [۳] دیگر
 تاریخلرده نون ایله (کمتوار) کورولمکده در (م) [۴] ک: آلاوز [۵] س، ک: محاوره لی
 [ظنمجه (مجاورده لی) اولمیدر. (م)]

در اشکال قلعه عظیم لاق

سلیمان خانک عصر نده فتح اولمش خیلی بیوک قلعه در وغایت مزیندر وبو محله قوبان قلعه سنه کوندر دیکمز امت محمد اسیر لری سلامت وارنجه قوبان دن بشیوز عدد غازیلر و قنیر شوار [۱] قلعه سندن همچنان غازیلر کلوب و اصل اولدیلر بعده بو قلعه لاق دن برشی آله میوب طرف غربه داغ لیر و اورمان لیر ایچنده اوچ ساعتده آج وزاج کیدوب

اوصاف قلعه یشکه

بودخی سنه مزبورده فتح اولوب حالانجه چانساری حکمنده در بودخی چست [۲] پلنقه در و بردوز واسع یرده واقع اولوب حالا زرین اوغلی خاصی ایمش بونی دخی عسکر اسلام یکی قلعه آلتندن کلوب مال غنایمن آلوب قلعه سن نارملات [۳] مهملات چپلات پوخلات آتمش لیر و کولینی کوکک صاور مش لیر بو قلعه آلتنده بی باک و بی پروا آتله یم کسدروب تاتار واری قزان لیر آصوب یورغون قلمش آت لردن ایکیوز قدر آت لری قیوب ذوق و صفار ایدوب جانب اربعه مزه قراوول لیر قیوب نصف الیلهدک بی در مان یاتدق اما قان یوتدق زرا اطراف زری کافر آلمش دی کم جمله احراق اولان قلعه لیر کفسار لری خانه بردوش اولوب آیاق اوزره قضا [۴] اولمش لیر ایدی اندن نصف الیلده ماه تاب اولنجه قالقوب قولاووز لیر میز وسیله اولوب یینه جانب غربه آغاجلق و چامور لوق عذابن العیاذ بالله چک رک یغموردن خلاص اولوب علی السحر اولدی حکمت خدا جمله عسکر اسلام ایله یینه بلشکه (۵) قلعه سی آلتنه کله دوشدک مکر کیجه بز عسکر اسلام ایله قالقوب کتدکده جمله کفار داغ لردن یینه قلعه بلشکه یه (۶) گروه گروه کیدر کن

[۱] پ : فوستوار ۰ ک : فزسوار [ظنهجه (قیوشوار) اولمیدر (م)

[۲] پ : چت [۳] پ ، ط : نارملات [۴] ک : قضا (۶،۵) ب ایله یازلشدر

در وصف قلعهٔ قپور نوق

سنه ۹۳۹ غره سنده سلیمان خان قبضهٔ آسخره آلوب ینه کفار زرین استیلا
 ایتمشردر اما حالا نمچه چاساری حکمنده اولوب بدار [۱] اوغلی کفره سی طرفندن
 ایچنده جنود جنبلی واری غایت متین پلانقه در حتی ایلری کیدن غازیلمز ایکی یوز
 عدد کفاره راست کلوب یوز اللی قدر امت محمد اسیرلری قلعه دن چیقاروب نهر
 قفسدن بر آرق قازوب قلعه نك خندقه آقباق استرلر کن هان غزات مسلمین اوزرلرینه
 واروب فقیر اسیرلر بزم عسکر اسلامی کوروب الله دیو فریاد ایدنجه بزم عسکر
 دخی دال صاتور محمدی اولوب اسیرلر اوزره موکل اولان کفره لره بزم چارخه جیلر
 قلیچ بازارینه کوروب بز دخی ایلریه واروب کوردك کم بر میدان معرکه قوروش
 همان بزم یوکروك آتلیریمز ایلری یتشوب در حال جنبه کیشوب بیك آلتش قدر
 کفاری قلعه لرینه فرار آتمک قومایوب جمله قلیجدن کچروب آنجیاق قپودانلریله
 اوجیوز کافر اسیر اولوب یوز اللی عدد امت محمدی جمله اسیرلکدن خلاص ایدوب
 حمد و ثنا ایتدیلر اما هر برینک آیاقلرنده یکره میشر و اوتوز روقه کلر دمر نیبه لری
 وار بالته و کسر واکه لریمز یوق آخرکار بو یوز اللی عدد اسیر مسلمینک بندک لری
 عرب لره ینه بندیروب ایکیوز قدر آتلی ضعیف یکتلریمزله بو امت محمد اسیرلر
 قوبان قلعه مزه کوندرک آندن قلعهٔ قپور نوق [۲] عبور ایدوب بر ساعت کیدوب

در صفت قلعهٔ پلند وار [۳]

سرحد غازیلری بو قلعه نك فتح اولدوغن بلدیلر اما بر متین و صعب قلعه در
 بونده دخی بر غنیمت بولیب بو قلعه نك جانب شمالنده

[۱] پ: بدار . س ، ک: راز [ظمنجه (ناز) اولمیدرکه باصمه تازیخلرده (ناز)

شکندره کورولمکده در (م) [۲] ک: قپور نوق [۳] ط : بلندوار

بر شی قومامشیر آنی دخی عبور ایدوب بر واسع اورمانلی صحراک اورتہ سنده
مکت خیم ایدوب اطرافہ قراوولر قویوب یاندق بو محله صحراک جانب غریب سنده

در شکل قلعه و توش [۱]

سلبان خان عصر نده فتح اولوب حالا زرین مجاری حکمنده پلانقه حصار در
اما اول کیدن تاتار عسکری واروشن خراب ایدوب مال غنایمن آلمشیر و قلعه یه
جمله کفار درلمشیر آنی عبور ایدوب شمال طرف نده

در وصف قلعه جیچون [۲]

بودخی سلبان خان عصر نده فتح اولوب ینہ زرین نام زمین حکمنده برالچاق
یرده پلانقه در اما کفار بزم عسکردن خبر آلوب جنک خشیتندن قلعه دیواری
اوزره جمله کفار قره شبقه لریله قره نخر کبی پرسلاح جنکه آماده ایدیلر بو قلعه دن
دخی بی نفع عودت ایدوب ینہ اول فضانک قبله سی طرف نده

در حق قلعه زقان

بدست ابراهیم پاشا فتح اولوب حالا زرینلی نده بر صاری [۳] یرده کول
کنار نده پلانقه در اما خیلی متانت ایله نمایان ایدی بیزه قرق پاره طوپلر آتوب بزی
آلارقه ایدلی و بو قلعه لر جمله قنیرنه قربنده اولماق ایله جمله مالارن قلعه ایچنہ
آلوب قلعه یه قیامشیر و مقدا واروشن بزم عسکرلر یاقشیر و حالی اوزره براغوب
کتمشیر و بی فائده اولان اشیلاری براقشیر و بو قلعه دن یدی ساعت غریبه چنکستان
وداغستان یوللر و بللر آشوب درد و بلالر چکدرک

[۱] س ، ک : وتوس [۲] پ : جیچون [۳] پ : صارب

ما فوقی متصور دکلدر دیو بزم غازیلر نقل اتدیلر اما حقیر بیله دکل ایدم لکن هنوز کوردم اما کفارینه کاوب عمار آتمکه باشلیوب قلعهیه کفارلری قیامش بوندن برشکار الهمیوب بیزه وافرشاهی طوپلر آتوب قلعهدن آلارقه اولوب بو قلعهنک جنویسنده یدی ساعت بعید اورمانقلر ایجره کیدوب

در بیان قلعهٔ قپولنیه [۱]

بونی دخی سلیمان خان سنهٔ مزبورده فتح آمشدر دیدیلر حالا بکان اوغلی حکمنده متین قلعه اولماغیله بوندن دخی خایب وخاسر کذر اندک بو قلعهنک غمربنده ایکی ساعتده

در بیان پلنقهٔ متین شیلیه

بودخی سلیمان خان عصرنده فتح اولوب حالا بکان اوغلی حکمنده در اما بونک قطناسی ابتدا سرحدلی غازیلری چارقامیزه راست کاوب بز وارمدن آن واحدهدده ایکیوز کفاری دندان تیغدن بی دروغ کچروب آتلرن یدکه آلوب ینه غازیلریمز اللری وقوللری قان بیزه قارشو کاوب آتلری جمله بیزه ووروب ینه کتدیلر بز لر دخی ایلری واروب کفار لشلری درخت منتهالک سایه لرنده بر خاک اولوب بطرلر آندن اوچ ساعت

ستایش قلعهٔ بلوار

بودخی سلیمان خان عصرنده فتح اولمشدی حالا زرین کفاری حکمنده بر خلیج کنارنده برکوچک پلنقه در کار کیر دکلدر نهب وغارت ایده جک برشی بولنمادی زیرا قنیزه غازیلری بوقلعه کزک [۲] جکرده کن [۳] بیله چیقاروب آثار رحمتدن [۱] ک : قپولنیه [۲] نسخه لده هپ بوبله (بوقلعه کزک) یازمشدر . ظن ایدرمکه دوغروی (بوقلعه جکزک) اولمیدر (م) [۳] جکرده کن

مالك اولان غريب يكتلر مال غنايم استينلر شيمدى كيده جك تاتار عسكريه كتسنلر ديو فرمان اولنجه همان اون بيك عدد سرحدلى توفك انداز غازيلرى ده كلوب بزم عسكرمزه الحاق اولوب جمله تاتار و سرحدلى قرق يدى بيك كزیده عسکر اولدق [۱] (ديكر حكمت خدا) شيمدى تاتار عسكرى له اوردوى اسلامه كلن خان زاده كتيخداسى اسلام اغا باباسى كشور [۲] غازى اغانك قيرمه قتل اولدوغن استماع اتديكى كبي همان خان زاده كتيخدالغندن فرار ايدوب صدراعظمك خلك يانه يوز سوروب قپوجى باشى زمره سنه الحاق اولدقده همان اول آن دولتى وزير سفردن شمدى كلدم نى سرحدليلره سردار ايله شمدى ينه سفره كيدرم ديدكده باشنه برتل و برخلت فاخره كيديريلوب آلتىوز يكيديله بزمه سفره مأمور اولدقده همان حقير قوشنيه بيله قوشنداش و سرداش و حالداش اولوب قلعه قنيزه آلتندن متوكلاً على الله ديوب سنه ۱۰۷۴ ماه . . . كونده قنيزه آلتندن قالقوب قلعه اطرافلرن و بالاطين ساحلارن و نهر موراه كنسارلرن و غيرى قلاع و قصبات و بليدهلرن [۳] غارت آتمكه روانه اولدق اولو دريا مثال عسكر ايله بسم الله و متوكلاً على الله ديوب جمله سرحد غازيلرى بيزه پيره [۴] و طليعه عسكر اولوب ابتدا قنيزه قلعه سنك جانب جنوبيسنه قريب

اوصاف قلعه بنام اكرسك

سنه ۹۳۸ تاريخنده سليمان خان المان سفرينه كيدر كن فتح اولنوب بعده ينه نيمجه كفارى استيلا ايدوب حالاً نيمجه چاسارينك مطبخ بهاسى خاصى ايش قلعهسى بر پشته اوزره شكل مربع برشدادى بنا بر قلعه رعنادر كه بر قوناق يردن نماياندر يي قلعه صدراعظم دولر كن [۵] بودين وزيرى اسماعيل پاشا بوقلعهده بر جنك آشوب ايدوب بويه بر حرب عظيم و نبردايم ايدوب آخر الامر بو قلعه فتح ايدوب جمله جبه خانه و مال خزايين آلوب قلعه آتش ايله برباد ايدوب بونده اولان صواشك

[۱] س، ك، پ: اولدى [۲] ك: سفر [۳] پ: و بليدهلرى [۴] س، ك، پ: پيره.
[ظنمجه (پيرو) اولميدر (م)] [۵] پ: دوكر كن

(حکمت خدا) بمحمد باجمله عساكر اسلام ابه المان ديارينه کتمک صدندہ ايکن
 مقدا تانار خان زاده احمد کرای سلطانک کتخداسی سفر غازی اوغلی اسلام اغا
 اون بيک عدد تانار ابه قنيزه اطرافلرن و بلاطين کولی کنارلرن قاصوب قاووروب
 کزیده اسپرلر چيقارمغه کتمشردی بزم عسکر [۱] دخی کتمک صدندہ ايکن
 مذکور اسلام اغا جمله تانار ابه نيجه بيک نيجه [۲] آفتاب محبوب و محبوبه دلبرانلر
 ابه سالمين و غامبين اوردوی اسلامه داخل اولدقده جمله مرزالره و سردار اسلام
 اغايه و خان زادهيه خلعت فاخرملر کيدوروب اکراملر اتديلر کتر دکلری اسپرلردن
 اون التي عدد قپودانلری و بوز عدد کزیده اسپرلری اسلام اغا صدر اعظمه هدايا
 جکديلر اما مذکور اسپرلرک اشبهی چيل [۳] نام کافر قپودانی ایدی کم صاحب
 کلام و مدبر بنام برکفار هام ایدی وزیر اعظم بو قپودانی حضورنده سويلدوب ايدر
 حالا نيجه قراليمزک عسکری قلعه نالغ [۴] آتنده در و سبزک دوستکز اولان
 خيصيميمکز [۵] فرانسه قرالی نيجه چاسارينه الی بيک خرسيتيان امداد کوندروب
 رابه صوبي کنارنده و نيجه بيک خرسيتيان ابه قنيزه قلعه سی [۶] آلتندن چان دونقار
 قيز و دامبارقه قرالری نعمت اوپور التنده جمع اولوب ترک عسکری يانيق [۷]
 قلعه سنه کلر ديو عظيم جمعيتلر ايدوب سزی بکلرلر ديو خبر شافی ورنجه صدر اعظم
 بو کافری آزاد ايدوب اول آن اوردوی سلطان ايجره دلالر ندا ايدوب آته دونه
 [۱] ک : عسکر اسلام [۲] ک : نيجه [۳] س ، ک : نسخهلرنده چيمک کسری و بانک
 فتحی و لامک سکونی ابه حرکه لنشدر . پ : جيد
 [۴] پ ، س : يانغمز [۵] س ، ک : خصممز [۶] پ : ناهه کز [۷] ک : نابنو

در بیان سیاحت نامۀ فتوحات دیار المان دار بی ایمان ولایت کافرستان بی امان

اولا انتہاء سرحدك قفل سدسیدی وحصن حصینی اولان سدسلام جای امان
اولان قلعة قنیزه آلتندن دیار المان ومملکت خروادستانی وولایت اسلووینی وولایت
انکروسی ومکموریه ولایتلرن نہبوغارت ایتمکه کتدی کمز قلاعلری عیان و بیان ایدر

قصیدۀ مناسب

یار امدی دار کونینی قودی جنبه انسانی
هان هابیل له قابیلدن بریدر جنسکک اولانی
جہاد ایدک غزا ایلک دیدی ہاتف ربانی
خلاص اولقل جہنمدن یکا [۱] رفع ایله تیرانی
دینلمز ہامو اوصافی کسلمز حد و پایانی
ولی اسلام قومی فتح ایدو پدر جملہ یونانی
نہ چہ نہ لہ و مسقوم [۲] قورقوماز ایران و تورانی
یقلدی تاك کسراسی کسیلدی باغ و بوستانی
نیجہ بیکی اسیر اولوب کزر حال پریشانی
جفادن ہرر اعلاسی اونوتدی قصر و ایوانی
دو زکن دوری و الحاصل بوزولدی چرخ میزانی
مرادی اولمادی حاصل کرویہ دوندی دورانی
ہمان اول آن مسلح اولدی جملہ جند عثمانی
دمیدر دورمہ اوروشایت بودر آیین انسانی
رجال الغیب جند اللہ ایله آیات رحمانی

بنام خالق وحی قدیم فرد یزدانی
بخی آدم ایدم ارض ایچندہ ساکن اولدیلر
جناب کبریا ہابیلی بہ اول خطاب ایدوب
ہمان سن دہ مجاہد فی سبیل اللہ اولوب سعی ایت
کل ائمدی دیکلہ و صف برملان جملہ کفارک
بلی بوروی دنیا دہ نیجہ قوم نصارا وار
ہمیشہ آل عثمان سل سیف اولوب جہاد ایلر
بحمد اللہ بوسال ایچرہ یونلک انکروس اوزرہ
داغلدی ہر دیارہ مشرکین اکثر جندام اولدی
کمی پابستہ و دلخستہ کیسی شکستہ بال
بومشرکر ایکمکک وادیسندہ قالدیلر حیران
نیجہ اسلام دیارن نہب ایدم درکن اومشرکر
آلمان وچہستان ملکینی اورماغہ امر اولدی
ہمان ای اولیا جہادیت قوا و قدرتک [۳] وارکن
الہی ہرنہ بیرہ عزم ایدرم یاورم اولسون

بتر اتمک دعایی اولیا دورمہ غزا ایله

رفیقکدر سنک جملہ قوصاحب کرم کرم

[۱] پ : بکا [۲] پ : مسقوم . س ، ک : مصقو [۳] : قوای قدرتک

Handwritten title or header at the top of the page.

First paragraph of handwritten text, starting with a capital letter.

Second paragraph of handwritten text, continuing the narrative.

Third paragraph of handwritten text, showing a change in the subject.

Fourth paragraph of handwritten text, concluding the main body of the page.

داغستان ولایتی ۷۸۲

(طرخو) شهری ۷۸۲ — داغستان اطرافنده اولان ولایتلر ۷۸۴ — داغستانک
اوزولایتی ۷۸۷ — آق طاش نہری ۷۸۹ — (اندری) شهری ۷۹۱

مؤلفک محمد کرای خان ایله قره بوداق اولکدسنه کیتیمی ۷۹۵

(قیون) قلعہ سی ۷۹۵ — (حایدق) شهری ۷۹۶ — (طابسران) شهری ۷۹۷ —
(کوبہ لی) قلعہ سی ۷۹۷ — (سوداگر) کندی ۷۹۸ — (قره بوداق خان) اولکہ سی
۷۹۸ — (پیربای) کندی ۷۹۸

مؤلفک داغستاندن قالفہرق (خراسان ، بلخ ، بخارا ، ایران ، توران) .

کیتیمک ایستہ سی ۸۰۰

مؤلفک داغستاندن قالفہرق (ازاق) قلعہ سنہ کلمی ۸۰۰

تیمور قبو ۸۰۱ — برطاقم قلعہ ل ۸۰۱ — (باکویہ) قلعہ سی ۸۰۲ — (کیلان)
شہری ۸۰۳ — (قانلی سوینج) نہری ۸۰۴ — ترک قلعہ سی ۸۰۵ — اژدرخان قلعہ سی ۸۰۹ —
(ادل) نہری ۸۱۲ — (سرای) شہری ۸۱۴ — (ہشدک) ولایتی ۸۲۴ —
(قازان) شہری ۸۲۵ — (الاطر) شہری ۸۲۷ — (بالوخان) قلعہ سی ۸۲۸ —
(موژق) شہری ۸۳۲ — ہشدک قرمنک موسقولرایلہ جنکی ۸۳۴ — جایق نہری ۸۳۷ —
صلوب کرمان ۸۳۷ — مسقوقرالرینک تختکاهی اسکی برقلعہ ۸۳۷ — صوروناکرمن
۸۳۹ — تورک اوری ۸۴۱ — ہیہات صحراسی وطایسی شاه ۸۴۳ — طایسی شاهہ
داثر معلومات ۸۴۶ — قالموقلرک لاتشبیہ کمبہ سی ۸۵۳ — قالموقلرہ داثر معلومات
۸۶۳ — قالموق دیلندن نمونہ ۸۶۶ — قالموقلر ۸۶۷ — (ٹولوتن) نہری ۸۷۱ —
ژیوکرمان ۸۷۱ — پراس کرمن ۸۷۲ — قیزاق کیلری ۸۷۳ — طوقای کرمن ۸۷۵ —
اسچت کرمن ۸۷۶ — مؤلفک کچیردیکی بروقمہ ۸۷۶ — ژاپوہا کرمن ۸۸۰ — صرایش کرمان
۸۸۱ — پوماہای کرمن ۸۸۲ — مؤلفک برمرئیہ سی ۸۸۲ — برطاقم کرمانلر ۸۸۴ —
(ازاق) قلعہ سی ۸۸۵ — (سد اسلام) قلعہ سی ۸۹۸ — قلہ شاهی ۹۰۰ —
قلہ سلطانیہ ۹۰۱ (بیتدی)

(این کرمان) قلمه سی ۵۷۳ — (صار کرمان) قلمه سی ۵۷۷ — (صبالونیه) شهری
 ۵۷۸ — (بالقولوا) قلمه سی ۵۷۹ — قاضی کوپی ۵۸۱ — (جورغنه) قریه سی ۵۸۲
 — (منکوب) قلمه سی ۵۸۳ — (قوجه صلاسی) قریه سی ۵۸۶ — (سورن) قریه سی
 ۵۸۶ — (گوهر کرمان) قلمه سی ۵۸۷ — (اسکی صلاچق) قلمه سی ۵۹۱ — (آشلامه)
 باغچه سی ۵۹۳ — (اسکی صلا) شهری ۵۹۶ — باغچه سرای ۵۹۶ — آل جنکیز دیوانی
 قانونی ۵۹۹ — محمد کرای خانک اخلاق حمیده سی ۶۰۴ — طاط ایلی ناحیه سی ۶۱۷ —
 باغچه سرای خارچنده کی اکابر تربلری ۶۲۴ — آق مسجد ۶۳۸ — قانارجهدن نمونه ۶۴۱
 — عزیزلر قریه سی ۶۴۳ — (قره صو) شهری ۶۴۴ — (صووق صو) قریه سی ۶۵۰ —
 (صوداق) قلمه سی ۶۵۰ — طاط ایلی یایلاسی ۶۵۶ — طاط املهجه سی ۶۵۶ — (اسکی
 قریم) قلمه سی ۶۵۷ — کفه ۶۶۶ — (کرج) قلمه سی ۶۸۴ — (قره آب) قریه سی
 ۶۸۸ — (ارباط) قلمه سی ۶۸۸ — (چکشکه) قلمه سی ۶۹۰ — تکرار (باغچه سرای) ۶۹۱

محمد کرای خانک عزل ایدلسی ۶۹۲

مؤلفک (محمد کرای خان) ایله طاوستان وداغستانه کیدرکن چرکزستاندن کچمسی ۶۹۶
 آق مسجد ۶۹۷ — اسکی قریم ۶۹۷ — کولج صله سی ۶۹۷ — (طمان) قلمه سی
 ۶۹۸ — (تیرک) قلمه سی ۷۰۱ — صلصلاک تختکاهی خرابه سی ۷۰۴ — (آداخون)
 قلمه سی ۷۰۴ — (قول طاش) قلمه سی ۷۰۵ — (آناپا) قلمه سی ۷۰۶ — (طولزله)
 قلمه سی ۷۰۶ — چوبان ایلی نوغایی اولسکه سی ۷۰۸ — (شفاکه) قباغی ۷۰۸ — (چوبان)
 قلمه سی ۷۰۹ — نوغای دیلندن نمونه ۷۱۱ — نوغایچه ایکی تکریمه ۷۱۲ — شفاکه
 چرکسلینک بشکوی ۷۱۳ — چرکسلیک اصلری ۷۱۵ — آرنارود ، لاز ، مکرال ،
 ابازه ، چرکزلیک عربدن آزمه اولملری ۷۱۸ — (آناپا) قلمه سی ۷۲۸ — (شاقوری)
 قلمه سی ۷۲۹ — کوچوک زانا ولایتی ۷۳۰ — (خاتوقای) ولایتی ۷۳۰ — (نوروز
 کرمان) قلمه سی ۷۳۱ — (آقویس کرمان) قلمه سی ۷۳۲ — (صوبای) قباغی ۷۳۲
 — (پدسی) قباغی ۷۳۲ — چرکز و آبازه سحر بازلی ۷۳۳ — (آدی) قومی ولایتی
 ۷۳۹ — (بولتقای) بشکوی ۷۴۷ — (بوزودوقه) ولایتی ۷۴۹ — (بوزودوق)
 بشکوی ۷۵۰ — (مامشوخ) ولایتی ۷۵۲ — بسنی بلادی ۷۵۳ — (بسنی بای)
 بشکوی ۷۵۴ — (قبارطای) ولایتی ۷۵۴ — (دودورقای) قباغی ۷۵۶ — (ارسلان
 بک) کرمانی ۷۵۷ — (شادکرمن) قلمه سی ۷۵۸ — (قوبان) نهرینک باشی ۷۵۹ —
 (قبارتی) بشکوی ۷۶۰ — (قبارتی) چرکزلینک مهابت و صلاحتی ۷۶۱ — (شادکرمان)
 قلمه سی قور تاریش ۷۶۲ — مامه لوقه چرکزلینک دیلندن نمونه ۷۶۳ — (بپرداق)
 قومنک ولایتی ۷۶۴ — (بورغوسان) قلمه سی ۷۶۴ — بش طاق ۷۶۶

طاوستان ولایتی ۷۶۸

البرز طغانی ۷۶۸ طاوستان بشکوی ۷۷۵ — (عراق دادیان) شهری ۷۷۷
 ترک صوبی ۷۸۱ — قوموغستان ولایتی ۷۸۱

مؤلفك (بوغدان) ولایتندن (قریم) ولایتنه کیتمیسی ۴۹۲

(چوچوره) شهری ۴۹۳ — (کشنو) قصبهسی ۴۹۴ — (بندرآباد) قلمهسی ۴۹۴ — بر طاقم کویله ۴۹۵ — (خان قشلاسی) ۴۹۵ — (آق کرمان) قریبده محمد کرای خانك عادل نوغای و بوجاق تاتاریله جنکی ۴۹۷ — (یانق) قلمهسی ۵۰۰ — میاق پکیدى ۵۰۰ — بوکه بولاغى ۵۰۲ — (اوزى) قلمهسی ۵۰۲ — (قل برون) قلمهسی ۵۰۳ — (قوپ قیو) وادیسى ۵۰۳ — صارى قامش ۵۰۳ — چورغا ۵۰۳ — بخشهلی ۵۰۴ — باى دېي ۵۰۴ — فیفاج کولى ۵۰۴ — (اور) قلمهسی ۵۰۵ — تاتارلر ۵۰۶ — (اور) قلمه سنك اوصافی ۵۱۲

مؤلفك (قزاق) ولایتنه کیتمیسی ۵۱۹

(جرکلی) آدهسی ۵۱۹ — (شاهن کرمان) قلمهسی ۵۲۰ — (غازی کرمان) یعنی (دوغان) قلمهسی ۵۲۱ — (دوروزوقه قزاق) ولایتی ۵۲۶ — (سرکه قزاق) ولایتی ۵۲۷ — (قرداش قزاق) مملکتی ۵۲۷ — (کورلو) قلمهسی ۵۲۸ — (براباش) قزاقی ۵۲۸ — (کرمانجق) قلمهسی ۵۲۹ — (چارغازی) قلمهسی ۵۲۹ — (نیزن) قلمهسی ۵۲۹ — (قانو) قلمهسی ۵۲۹ — (پوتقالی) ولایتی ۵۳۰ — (پرازیجسه) قلمهسی ۵۳۰

محمد کرای خانك مصفو مملکتنه خراسی ۵۳۰

(آل جنکیز) قانونی ۵۳۲ — روس تهلکه سنه قارشو سلطان سلیم اولك دوشو مجهسی ۵۳۴ — ۳۰۰,۰۰۰ کیشیلک روس اردوسیه حرب ۵۳۶ — (براصلو) قلمهسی ۵۵۰ — (اخلتیج) ولایتی ۵۵۰ — (قراقو) شهری ۵۵۱ — (کیور) قلمهسی ۵۵۱ — (لادجن) قلمهسی ۵۵۳ — (اومان) قلمهسی ۵۵۳ — (براصلو) قلمهسی ۵۵۳ — (دوشقه) قلمهسی ۵۵۳ — (قپوسنه) قلمهسی ۵۵۳ — (زابوتن) قلمهسی ۵۵۳ — (ورمدوقه) قلمهسی ۵۵۴ — (چهرن) قلمهسی ۵۵۴ — (چار قزی) قلمهسی ۵۵۴ — (قانی) قلمهسی ۵۵۴ — (کرمانجق) قلمهسی ۵۵۴ — (بوینو) قلمهسی ۵۵۵ — (قریلو) قلمهسی (۵۵۵) — (قوبلاق) قلمهسی ۵۵۵ — (اوزی) لیلرک فریادنامهسی ۵۵۵

(آندریا) قزاقی آداسنه چاپوله کیدیش ۵۵۶

(دوغان) حصاری ۵۵۷ — (شاهن کرمان) قلمهسی ۵۵۸ — قاکلی جاق ۵۵۸ — قاکلیجاق طابور محاربهسی ۵۵۸ — (اور) نام دیکر (فرح کرمان) قلمهسی ۵۶۰

مؤلفك قریم ولایتنی کز میسی ۵۶۱

(طوزله) قریهسی ۵۶۱ — برطاقم قریهله ۵۶۱ — (قوجهماق) قریهسی ۵۶۲ — بوطاش ۵۶۲ — (بوز یایشی) قریهسی ۵۶۲ — (ابراهیم افندی) چفتلکی ۵۶۳ — (کوزلهو) قلمهسی ۵۶۳ — (المالی) قریهسی ۵۷۱ — (قاجی) قریهسی ۵۷۲ —

مؤلفك (اردل) قرالنه كیتیمی ۴۱۷

- (سرفات) قریه سی ۴۱۷ — (سواج) قریه سی ۴۱۷ — (حالماش) حصاری ۴۱۷
(بحار) شهری ۴۱۸ — (بله صونلوق) ناحیه سی ۴۱۹ — (کویوار) قلمه سی ۴۱۹ —
(شاموش) قلمه سی ۴۲۰ — (دژواروش) شهری ۴۲۱ — (قولوژوار) قلمه سی ۴۲۱ —
(کالو) قلمه سی ۴۲۲ — (ساموج) شهری ۴۲۳ — (طوزده) واروشی ۴۲۳ —
(انتوار) قلمه سی ۴۲۴ — (زنوار) واروشی ۴۲۴ — (شیش وار) قلمه سی ۴۲۴ —
(باغراد) قلمه سی ۴۲۵

مؤلفك اردل بلغرادندن طمشوار ولایتنه کیتیمی ۴۲۷

- (ویجان) قلمه سی ۴۲۷ — (صازوار) قلمه سی ۴۲۸ — (ده وه وار) قلمه سی
۴۲۸ — (شیش) قلمه سی ۴۲۹ — (لوغوش) قلمه سی ۴۲۹ — (طمشوار) قلمه سی ۴۲۹

مؤلفك طمشواردن (افلاق) ولایتنه کیتیمی ۴۲۹

- (ورسه) قلمه سی ۴۲۹ — یکی پلنقه ۴۳۱ — یکی قلمه ۴۳۲ — (احرام)
حصاری ۴۳۳ — (کویلوچ) قلمه سی ۴۳۵ — (مداوا) قلمه سی ۴۳۶ — (کورجنک)
قلمه سی ۴۳۶ — (بابا سلطان) زیارتی ۴۳۸ — (طوناواراط) ی ۴۳۹ — (ایق اووا)
پلنقه سی ۴۴۰ — (دوبرن اووا) قصبه سی ۴۴۱ — (درناق اووا) قصبه سی ۴۴۱ —
تخته لی کردایی ۴۴۲ — (اوج قله) منزلی ۴۴۳ — (بوراجا) قصبه سی ۴۴۳ —
(انلک) قلمه سی ۴۴۳ — (ارش اووا) قلمه سی ۴۴۵ — (دسر قیو کردایی) ۴۴۶ —
طونا دسر قیوسی ۴۴۸ — (دسر قیو کرداینگ سبی) ۴۴۹ — (قتح اسلام) قلمه سی ۴۵۶

۴۵۷ (افلاق) ولایتی

- (چرناس) قریه سی ۴۵۷ — (سوه رین) قلمه سی ۴۵۸ — (ودین) قلمه سی ۴۶۰ — (ژیل)
اسکله سی ۴۶۱ — (راه اووا) قلمه سی ۴۶۱ — (چول) قلمه سی ۴۶۳ — (نیکه بولی) قلمه سی
۴۶۳ — برطاقم قریه لر ۴۶۴ — (اورشان) واروشی ۴۶۴ — (دلی اورمان) قصبه سی ۴۶۵ —
(بوقرش) شهری ۴۶۵ — افلاق لساندن نمونه ۴۸۲

مؤلفك (بوقرش) شهرندن قالفه رق (بوغدان) ولایتنه کیتیمی ۴۸۴

- (ترقووش) شهری ۴۸۴ — (کرکیسه) قصبه سی ۴۸۶ — (بوزو) قصبه سی ۴۸۷ —
(زملک) شهری ۴۸۷ — (فوخشان) شهری ۴۸۸

بوغدان ولایتی ۴۹۰

- (تکوچ) شهری ۴۹۰ — (برلاد) قصبه سی ۴۹۱ — (وسلوی) قصبه سی
۴۹۱ — (اسیقیتی) قصبه سی ۴۹۱ — (غلطه) قصبه سی ۴۹۲ — (پاش) شهری ۴۹۲

مؤلفك (اكرى، طمشوار، واراٹ) ايائلرندهكى قلعه لرى يوقلامه يه چيقمسى ۳۴۷
(پشته) قلعه سى ۳۴۸ — (كوچوك كچكمت) قريه سى ۳۴۸ — (حطوان) قلعه سى
۳۴۸ — (صونلوق) قلعه سى ۳۴۸ — (چوكراد) قلعه سى ۳۵۲

مؤلفك (سكدين) سنجاغندهكى قلعه لرى يوقلامه يه كيتمى ۳۵۳

(بيوك كچكمت) واروشى ۳۵۳ — (يانقوجي) پلانقه سى ۳۵۳ — (قالهچا) پلانقه سى
۳۵۴ — (بايه) پلنقه سى ۳۵۵ — (صومبور) شهرى ۳۵۶ — (باج) قلعه سى
۳۵۸ — (وطوق) پلنقه سى ۳۶۱ — (قوبله) پلانقه سى ۳۶۱ — (تتل) قلعه سى
۳۶۲ — (سسته) پلانقه سى ۳۶۳ — (سوبوجقه) پلنقه سى ۳۶۴ — (مارتنوش)
قلعه سى ۳۶۵ — (سكدين) بچيره سى ۳۶۵ — (سكدين) قلعه سى ۳۶۶

مؤلفك (طمشوار) ايائلندهكى قلعه لرى يوقلامه يه كيتمى ۳۶۸

(چناد) حصارى ۳۶۹ — (بش اووا) قلعه سى ۳۷۲ — (بجى) قلعه سى ۳۷۳ —
(بنيكلك) قلعه سى ۳۷۳ — (فئلاق) قلعه سى ۳۷۴ — (آراٹ) قلعه سى ۳۷۵ —
(ليووه) قلعه سى ۳۷۵ — (زادانا) پلنقه سى ۳۷۵ — (سولموش) قلعه سى ۳۷۵ —
ولاغوش قلعه سى ۳۷۶ — (ينووه) قلعه سى ۳۷۶ — (كوله) قلعه سى ۳۷۶ —
(صلائطه) پلانقه سى ۳۸۷ — (فك تباطور) پلنقه سى ۳۸۸ — (واراٹ قلعه سى) ۳۸۹

مؤلفك واراٹدن دياراردلدهكى قلعه لره كيتمى ۴۰۲

(قرال دكرمانى) واديسى ۴۰۳ (سنگوى) قلعه سى ۴۰۴ — (سكل هيت)
قلعه سى ۴۰۴ — (بايمزو) قلعه سى ۴۰۶ — (بانوش) قلعه سى ۴۰۷ — (هنوط)
ناحيه سى و (شيش وار) قلعه سى ۴۰۷ — (قوزه صونلق) ناحيه سى و (حادات وار)
قلعه سى ۴۰۸ — (بشوصونلق) ناحيه سى و (چي وار) قلعه سى ۴۰۸ — (شوملووار)
قلعه سى و ناحيه سى ۴۰۸ — (صقمار) قلعه سى و ناحيه سى ۴۰۹ — (ارانوش مكشوار) قلعه سى
و ناحيه سى ۴۰۹ — (صابوش) ناحيه سى و (ابرام) قلعه سى ۴۱۰ — (بولغار) قلعه سى
و ناحيه سى ۴۱۱ — (حصوار) قلعه سى ۴۱۱

مؤلفك (اورتاجار) ولايتنه كيتمى ۴۱۱

(شاربلاق) قلعه سى ۴۱۱ — (طوقاي) قلعه سى ۴۱۱ — (قشه) قلعه سى ۴۱۲

مؤلفك (هايدوشاق) ولايتنه كيتمى ۴۱۲

(بيوك آدوربان) قلعه سى ۴۱۲ — (تاتار) قلعه سى ۴۱۳ — (كش قره كى) قلعه سى
۴۱۴ — (دوبره چين) قلعه سى ۴۱۴ — (پوچاي) قلعه سى ۴۱۵ — (كوچوك آدوربان)
قلعه سى ۴۱۶

۲۲۱ — (رودول فوش) واروشی ۲۲۲ — (اوار) قلمه‌سی ۲۲۲ — (دونه بان)
واروشی ۲۲۵ — (زارش فراو) شهری ۲۲۵ — (انبره‌طور) شهری ۲۲۶ — (آن
پروق) قلمه‌سی ۲۲۶ — (پرانقوپروق) واروشی ۲۲۸ — (چاسار) واروشی ۲۲۸ —
(پشپهل) شهری ۲۲۹ — (سلیمان خان) اوتاغی ۲۳۲ — (پشپهل) شهری ۲۳۹ —
ایلچیمزک نمچه ترجمانی و باش قومیسری ایله منازعه‌سی ۲۳۹ — (بیج) قلمه‌سنه الای ایله
کیریش ۲۴۲

(بیج) قلمه‌سی ۲۴۸

غازی سلیمان خانک کرمانی ۲۵۳ — (سویده) واروشی ۲۵۵ — بیج قلمه‌سنک اوصاق ۲۵۷

چاسارک ایلچی (قره محمد پاشا) ایله ملاقاتی ایچون استشاره ۲۸۷

چاسارک ایلچی پاشا ایله ملاقاتی ۲۹۱ — نامه‌مایون ۲۹۱ — عقد صلح ۲۹۵ —
چاساره هدیالارمنک قدیمی ۲۹۶ — چاسارک سیاسی ۲۹۸ — چاسارک قیافتی ۳۰۰ —
چاسارک تاج فورونه‌سی ۳۰۱ — چاسارک سرایی ۳۰۳ — چاسارک آلایی ۳۰۵ —
ایلچی پاشایه ویریلن تمینات ۳۰۶ — تماشال ۳۰۷ — آلای منحوس ۳۱۵ — (بیج)
شهری اهالیسی وسائر ۳۱۷ — نمسه لساندن نمونه ۳۲۱ — نمسه سکمه‌سی ۳۲۳ —
مؤلفک چاساره هدیایسی و چاسار ایله ملاقاتی ۳۲۵ — مؤلفک چاساره تابع بدی قراللق
یری کزیمک ایچون چاساردن مساعده آلمسی ۳۲۶

مؤلفک بدی قراللق یری کزیمک ایچون (بیج) شهرندن حرکتی ۳۲۷

(اسکی بیج) قلمه‌سی ۳۲۸ — چاسار طرفندن یابدیرلقده اولان (یکی قلمه) ۳۲۹ —
(آن بران) قلمه‌سی ۳۳۱ — (شنوه) قلمه‌سی ۳۳۱ — (قلم وویوادا) شهیدلرینک
زیارتکاهی ۳۳۲ — مؤلفک بدی قراللق یری کزیدکن صوکره دونوب کلوب (بیج)
شهری حداسنده کی صحرا به قونسی ۳۳۵ — (فشهوار) شهری ۳۳۵ — (پوزون)
قلمه‌سی ۳۳۷

مجارستان ولایتی ۳۳۹

(واق) نه‌ری ساحلی منزلی ۳۳۹ — (ژبل) قلمه‌سی ۳۴۰ — (بکت اویوار) قلمه‌سی ۳۴۱ —
(غالوچیه) قلمه‌سی ۳۴۲ — (لتزه) قلمه‌سی ۳۴۳ — (شوران) قلمه‌سی ۳۴۴ —
مؤلفک (اویوار) مواصلتی ۳۴۵

مؤلفک (اویوار) دن (بودین) عزیمتی ۳۴۵

(اویوار) قلمه‌سی ۳۴۵ — (جکردلن) قلمه‌سی ۳۴۵ — (استرغون) قلمه‌سی
۳۴۶ — (جان بک) قلمه‌سی ۳۴۶ — (استولنی بلفراد) قلمه‌سی ۳۴۶ — (وال)
بلاقه‌سی ۳۴۷ — مؤلفک (بودین) مواصلتی ۳۴۷

صدر اعظمك (اوبوار) آلتندن قالقهرق (بلغراد) . عودتی ۱۳۶

(بابیه) کولی کناری ۱۳۶ - (استرغون) قلمه سی ۱۳۶ — (قزل حصار) قلمه سی
۱۳۷ — (بودین) قلمه سی ۱۳۷ — (بنتلی) قلمه سی ۱۳۷ — (اوسک) قلمه سی ۱۳۸ —
(وال) قلمه سی ۱۳۸ — (ووقوار) قلمه سی ۱۳۸ — دارالجهاد (بلغراد) . مواصت ۱۳۸

مؤلفك (بلغراد) دن قالقهرق (بودین) قلمه سنه عزیمتی ۱۴۱ .

(وویقه) قریه سی ۱۴۱ — (ایرک) قصبه سی ۱۴۱ — (غرقوچسه) قصبه سی
۱۴۲ — (فروشقه) قصبه سی ۱۴۲ — (اصلائقمین) قلمه سی ۱۴۳ — (قارلوجیه)
قلمه سی ۱۴۴ — (پتری وارادین) قلمه سی ۱۴۵ — (کیویز) قلمه سی ۱۴۷ —
(بابونشطره) پلنقه سی ۱۴۸ — (ایلوق) قلمه سی ۱۴۹ — (وویکین) قلمه سی ۱۵۱ —
(صوتن) قلمه سی ۱۵۳ — (وولقووار) قلمه سی ۱۵۳ — (وال) پلنقه سی ۱۵۳ —
(اوسک) قلمه سی ۱۵۴ — برطاقم پلنقه لر ۱۵۴ — (بودین) قلمه سی ۱۵۴

مؤلفك (بودین) دن قالقهرق (اگری) ولایتنه عزیمتی ۱۵۵

برطاقم قریه وقله وسائرہ ۱۵۶ — (حطوان) قلمه سی ۱۵۶ — (چاندر) قریه سی
۱۶۰ — (اگری) قلمه سی ۱۶۰

مؤلفك (اگری) دن (محمد پاشا) ایله برلکده اورتا بحار دیارنده

فتح اولونان قلعه لرہ عزیمتی ۱۷۷

(خرسنوس) صحراسی ۱۷۸ — اگری محاربه سی حقنده مؤلفك پدرندن نقلی
۱۷۸ — (اگری) شہداسنک زیارتکاهی ۱۸۲ — (کنسکوش) واروشی ۱۸۳ —
(فیلیک) قلمه سی ۱۸۵ — (ایلوق) قلمه سی ۱۸۷ — (سچان) قلمه سی ۱۸۸ — (کر مات)
قلمه سی ۱۸۹ — (سمندرہ) قلمه سی ۱۸۹ — (کلوار) قلمه سی ۱۹۰ — (هنوط)
قلمه سی ۱۹۰ — (بویاق) قلمه سی ۱۹۰ — (خطوان) قلمه سی ۱۹۲ — (پشته)
قلمه سی ۱۹۲ — (قزل حصار) قلمه سی ۱۹۴ — (استرغون) قلمه سی ۱۹۴

مؤلفك (استرغون) دن قالقهرق ایلیچی پاشا ایله (بیج) شہرینه کیشمک

اوزره انکروس و المان ولایتلرینه عزیمتی ۱۹۵

برطاقم قریه وسائرہ ۱۹۵ — (طاطا) صحراسی منزلی ۱۹۵ — (طاطا) قلمه سی
۱۹۶ — (بویوک تسال) قلمه سی ۱۹۸ — (پاپا) قلمه سی ۱۹۸ — (کوچوک تسال)
قلمه سی ۲۰۰ — (طاطا) صحراسی ۲۰۰ — اسلام ایلیچیسیلہ نیچہ ایلیچیسنک ملاقاتی ۲۰۲ —
میلار ۲۰۳ — (سون) قریه سی ۲۰۷ — (قورمان) قلمه سی ۲۰۷ — (آج) قریه سی ۲۰۹ —
(یانق) قراول خانہ سی ۲۱۰ — (یانق) قلمه سی ۲۱۱ — (سن مارتین) قلمه سی ۲۲۰ —
(قستل) قلمه سی ۲۲۱ — (مازون وار) واروشی — ۲۲۱ — (مای فراو) واروشی

(قنیزه) دن (استولنی بلغراد) • عزیمت ۳۹

- (سکش وار) قلمه سی ۳۹ — (قوباز) قلمه سی ۴۰ — (بلاطین) کولی ۴۴ —
(قپوشوار) قلمه سی ۴۵ — (سنده بقاب) قلمه سی ۴۸ — (قوروتنه) قلمه سی ۴۸ —
(دبیق) قلمه سی ۴۸ — شهید (دلی محمد) ک منافی ۴۸ — (غرغال) قلمه سی
۴۹ — (سکتوار) قلمه سی ۴۹ — (سلیمان خان) ک تره سنک قلمه سی ۵۰ — (نداژ)
قلمه سی ۵۱ — (شمه طورنا) قلمه سی ۵۲ — (کوچوک بکان) قلمه سی ۵۴ — (استولنی
بلغراد) قلمه سی ۵۵

(استولنی بلغراد) دن (رابه) صوبی طرفه سفر ۷۳

- (بکان) قلمه سی ۷۳ — (پولاطه) قلمه سی ۷۳ — (چاوته) قلمه سی ۷۴ —
(چوبانیچیه) قلمه سی ۷۴ — (کوچوک واروش) قلمه سی ۷۵ — (طایه سه) قلمه سی
۷۵ — (مارچیل) قلمه سی ۷۵ — (شمک) قلمه سی ۷۵ — اردویه مواصلت ۷۶ —
مجارستان طور براغنک اوصافی ۷۹ — (زقازوار) قلمه سی ۷۹ — (رابه) کناری منزلی ۸۰

(رابه) غزاسی و عساکر اسلامک انہزاسی ۸۱

- (نعمت اوبوار) قلمه سی ۸۳ — رابه جنکی ۸۴ — رابه جنکنده کی انہزامز ۹۴ —
رابه کنارنده برکون اوطور اوق ۱۰۲ — رابه جنکنده کی ضایعاتمز ۱۰۲ — مشهور انہزاملرض
۱۰۳ — (لوه) قلمه سنندن کلن فریادجیلر ، (اوبوار) ک نهلک بیه معروض اولسی
۱۰۴ — رابه کنارنده استشاره ۱۰۵

(رابه) نهرندن (اوبوار) امدادینه کیدش ۱۰۶

- (شمک) قلمه سی ۱۰۶ — مارچیل قلمه سی ۱۰۶ — (طایه سه) قلمه سی ۱۰۷ — (واروش کبیر)
پلنقه سی ۱۰۸ — (قزانیچی زاده سلیمان اغا) نک مطالعانی ۱۰۸ — (چوبانیچیه) قلمه سی
۱۱۰ — (ویزه) نهری منزلی ۱۱۱ — (واشوار) قلمه سی ۱۱۳ — مؤلفک غنیمته
قونسی ۱۱۳ — (یسیرم) قلمه سی ۱۲۰ — (چاوته) قلمه سی ۱۲۲ — (پولاطه)
قلمه سی ۱۲۲ — (بکان) قلمه سی ۱۲۲ — (بلغراد) مواصلت ۱۲۳ — (استولنی
بلغراد) ده معطل قلمش اولان قوتلرض ۱۲۳

(استولنی بلغراد) دن (لوزه) قلمه لری استخلاص ایچون حرکت ۱۲۶

- (باطقه) بحیره سی منزلی ۱۲۶ — (استرفون) قلمه سی ۱۲۷ — (وشفراد) قلمه سی
۱۲۸ — (بابیه) بحیره سی منزلی ۱۳۲ — (اوبوار) قلمه سی ۱۳۲

(لوزه) قلمه لری ایچون مشاوره ۱۳۳

- چاسار ایلیچینسک سراجتی وایدیلن مذاکره ۱۳۳ — چاساره صدر اعظمک مکتوبی ۱۳۶

مذہب جہانک فرہستی

(المان) ایبلرندہ فتوحات یعنی (قنیزہ) آلتندن قالقہرق

المان، خروادستان، اسلووینی، انکروس، مکموریہ

ولایتاری نیہ وغارت ۱

- (اویوار) سفرینہ دائر مؤلفک منظومہ سی ۱ — (سفر غازی) اوغلی (اسلام اغا)
۲ — (اکرسک) قلعہ سی ۳ — (قیولنیہ) قلعہ سی ۴ — (شیلیہ) پلنقہ سی ۴ —
(بلوار) قلعہ سی ۴ — (ونوش) قلعہ سی ۵ — (چیچون) قلعہ سی ۵ — (زقان)
قلعہ سی ۵ — (قیورنوق) قلعہ سی ۶ — (پلندوار) قلعہ سی ۶ — (لاق) قلعہ سی
۷ — (بلشک) قلعہ سی ۷ — (شاروار) قلعہ سی ۸ — (کنوار) قلعہ سی ۸ —
(رومیوار) قلعہ سی ۹ — (اکروار) قلعہ سی ۹ — (مشتر) قلعہ سی ۹ —
(سونیوہل) قلعہ سی ۱۰ — (مشتیوار) قلعہ سی ۱۰ — (کوسک) قلعہ سی ۱۱ —
(شوبرون) قلعہ سی ۱۱ — سلیمان خان ہونقہ سی ۱۱ — (ژلہ زینوار) قلعہ سی ۱۲ —
(پوروندوق) قلعہ سی ۱۳ — (رایتناد) قلعہ سی ۱۵ — (قوروقوندار) قلعہ سی
۱۷ — پک بونوک براچاچ وجوارندہ کی مسیرہ ۱۷ — (ینورہ) شہری ۱۹ — (پشلوقہ)
شہری ۱۹ — (غرادچہ) شہری ۲۰ — (اشلوش) قلعہ سی ۲۱ — (سانی) قلعہ سی
۲۱ — برمصادمہ ۲۳ — اردومزہ راست کلک ۲۴

(بلشک) قلعہ سی قربندن (قنیزہ) یہ عودت ۲۶

- (شادران) قلعہ سی ۲۶ — (قیولینہ) قلعہ سی ۲۶ — (چیچون) قلعہ سی
۲۷ — (مرہدہ) قلعہ سی ۲۷ — (اکرسک) قلعہ سی ۲۷ — (قومار) قلعہ سی
۲۷ — (قنیزہ) قلعہ سی ۲۷

(قنیزہ) دن اردویہ عودت ۲۸

- (قومار) قلعہ سی ۲۸ — (اکرسک) قلعہ سی ۲۹ — (مرہدہ) قلعہ سی ۲۹ —
(مدویک) قلعہ سی ۲۹ — (شاروار) قلعہ سی ۳۰ — (اکروار) قلعہ سی ۳۰ —
(کنوار) قلعہ سی ۳۰ — (وشوار) قلعہ سی ۳۱ — (رابہ) کنارندہ بر جنک ۳۳

تکرار (قنیزہ) یہ دونوش ۳۷

- (قومار) قلعہ سی ۳۷ — (ہونقہ) منزلی ۳۷ — (قنیزہ) یہ دخول ۳۷ —
(خنیکار خاصکیبی باش بالتاجی حسن اغا) نک قنیزہ یہ کلپشی ۳۹

تصحیحی یا بان مرتبک اجمالی نتیجہ رسندہ باقی قالان خطائر ایچوندہ آیرنجہ بر خطا
وصواب جدولی علاوہ ایدیلشدر .

اثرک چین طبعندہ مومی الیہ معلم رفعت بک طرفندن اصلنہ مطابقت اندیشہ سی
وذہول ایلہ قسماً آجیق براقیلان ۲، ۷۲ و ۳۳۳ نجی صحیفہ نزلہ کلیاً آجیق براقیلان
۳۳۴ نجی صحیفہ دن ماعدا ہیچ بر صحیفہ آجیق براقیلما مش و یوقاریدہ عرض
اولندیغی وجہلہ متندہ موجود اولان آجیق نوظلرلہ اشارت ایدیلشدر .

نورک تاریخ انجمنی

اولفله شو بر جلدك مجموعى ٤٩٧ يپراق اولمش اوليور. مؤلف بو اثرنى (بيك ايكيز اون) سنهسى (ربيع الاول) نك اواسطنده كال ايدرك اندرون هاپون كتبخانه سنه وقف صحيح شرعى ايله وقف ايتديكنى يازيور. اورادن ييلديز كتبخانه سنه نه وقت ونه صورتله كيتديكى مجهولدر . هر قسمك باشى مذهب، تذهيبى ده كوزلدر تكميل صحيفه لرى آتون صويله چيز كيليدر يازيسى تعليم سز اولفله برابر پيشكين ، ايشلك ، خرده تعليقدر صوكى شويله در : (الحمد لله على التمام والصلوة على رسوله الانام محمد عليه الصلات والسلام وعلى آله واصحابه الكرام قدتم هذه النسخة النادرة بعون الفتح المسمى زبدة تاريخ السياح عن يد فيض الله المعروف ببلبل الصباح المسترحى من الله فى الدنيا والآخرة الفوز والفلاح فى اواسط شهر ربيع الاول لسنة عشر ومائتين والف) شوعبار دن مؤلفك سياحتنامه ايچون (تاريخ سياح) تعبيرنى قبول ايتديكنى وكندى مختصرينه ده (زبدة تاريخ سياح) آدىنى ويرديكنى آ كلايور ز. بو اثرك هر صحيفه سنك سطرى ٣٧ اولوب هر سطر ينك طولى ٣٤,٥ ، عرضى ٢١,٥ ، هر سطر ينك طولى تقريباً ١١ سانتيمتره در .

مؤلف مقدمه سنده اوليا چلبى سياحتنامه سنى اختصار ايدر كن هانكى كتبخانه لر ده ويا هانكى ذاتلرك ياننده بولونان نسخهلره مراجعت ايتديكنى سويليور سه ده بر طاقم اسم خاصلرك الده كى بش نسخه يه مخالف بولونمسنه، برده ٥٣٤ نجى صحيفه ده مذكور مختصر دن نقل ايله حاشيه يه درج اولونان سؤال وجوابه باقيلير سه مؤلفك النده كى نسخه نك شو بش نسخه دن باشقه اولديفنه حكم ايتمك ضرور يدر چونكه بو سؤال وجواب شو بش نسخه نك هيچ برنده يوقدر .

بو جلده علاوه ايديلن فهرست اثرك مستنسخ ومصححى اولان مومى اليه معلم رفعت بك طرفندن ترتيب ايديلشدر .

اثرك ختام طبعنده بوتون اوليا چلبى سياحتنامه سنده كچن اسم خاصلره طأد آريجه بر جلدك ترتيبى مصمم اولديفندن بو جلدك نهايته بويله بر جدول علاوه سنه لزوم كور. رولمه مشدر. اثرك كرك استنساخنده وكر كسه ديكر نسخه لر له تطبيق ومقابله سنده مومى اليه معلم رفعت بك طرفندن فوق العاده اهمام صرف ايديلش ايسه ده طبع اثناسنده بعضاً نقطه لر، بعضاً ده حرف لر ابي حيقمديفندن قرينه ايله آ كلاشيلانلر مستثنا اولمق اوزره بوكى قصورى تلافى ايچون جلدك صوكنه بر تصحيح جدولى قونولدينى كى صوك

حاشیه‌لرنده اشارت ایدیش وزده بر آچیق وارسه اورایه شویله‌جه (...) اوچ نقطه قونولش و دیگر نسخه فرقلینه و سائریه طأد نوظدن فرق ایتدیرمک ایچون بو اوچ نقطه‌نک یانسه برنجیده (۰) بریلدیز، ایکنجیده (۰۰) ایکی بیلدیز، اوچنجیده (۰۰۰) اوچ بیلدیز قونولشد. مع مافیله بعضاً هیچ برنسخده آچیق یوق ایکن اولسی ضروری کوریلان طبیعی آچیق‌ده کوستریشدرکه بو جهت یالکز (سنه) کله‌سندن سوکره رقم کوستریشدیکی صورته مخصوصدر. بوندن باشقه اثرک مستنسخ و ناشری اولان معلم کلیسلی رفعت بک طرفندن بعض نوظلرده علاوه ایدیش و بونلر (مستنسخ) کله‌سنه اشارت اولوق اوزره (م) حرفیله کوستریشدر.

مذکور بش نسخه‌دن باشقه برده بیلدیز کتبخانه‌سنده موجود اولان (مختصر اولیاچلی سیاحتنامه‌سی) نسخهمی‌ده اثنای مقابله‌ده نظر دفته آلمش و موجود اولان فرقلر و فضله‌علاوه قلنمش و مختصره اشارت اولوق اوزره (خ) حرفیله کوستریشدر. بیلدیز کتبخانه‌سنده تاریخ قسمنده (۶) نومرولی بویوک برجلدن عبارت اولان بو مختصرک باشدن برنجی یاپراغنک ایکنجی و ایکنجی یاپراغنک برنجی صحیفه‌سی مؤلفک مقدمه‌سی حاویدر. بو مقدمه‌یه نظراً بو مختصری وجوده کتیرن ذات اوچنجی سلیم زماننده (اندرون همایونده سفرلی خانه‌سنده صباح بلبل دیبه شهرت آلمش اولان حافظ فیض‌الله) اسمنده بریسی در.

مؤلف بو مقدمه‌ده پادشاهی، والده سلطانی، سلحدار سید عبدالله‌اغای مدح ایتدکن سوکره (کاتب سلطانی احمد، سرتوفنکی شهریار ی طرف، شهرامینی جاوید احمد) افندیلرک آرزولرینه توفیقاً شوو مختصری وجوده کتیرمش اولدیغنی بیان ایدیور.

سیاحتنامه ذ‌خهرینک اکثریتله ایکی جلدی بر آراده جلداتدیرلمش اولمغله مؤلف سیاحتنامه‌نک هیئت مجموعه‌سی ایچون (بش جلد) دییور و بوش جلدی (برجلد) ده اختصار ایتدیکنی سویلیور. فقط جلد بر اولمغه برابر مندرجات اعتباریله یدی قسمه تقسیم ایدلمش و هر قسم آیری بر اثر ایش کبی بسمله شریفه ایله باشلانمش و باشی تذهیب ایدلمشدر شویله‌که برنجی قسم ۸۲، ایکنجی قسم ۵۱، اوچنجی قسم ۶۹، دوردنجی قسم ۵۹، بشنجی قسم ۹۱، آلتنجی قسم ۷۸، یدنجی قسم ۶۷ یاپراق

کوسترمک واملانکده مؤلف زماننده کی شکلی محافظه ایتمک ایجاب ایتدیکندن بونسخه اساس اتخاذا اولوناماشدر .

(س) نسخه سنکده بعض تصورلری موجوددر . اولاً : هر صحیفه سنک لا اقل اوچده ایکیمی نقطه سز اولدینی کبی کافرلی قولسز ، ف حرفی اوکا بکزه من حرفلردن قولایجه آریله مایور خلاصه علی المعجله یازلمش بر نسخه در واقعا صوکرده دن بعض کلمه له نقطه قونولمش ایسه ده برچوقلرنده اصابت ایدیه مامشدر . ثانیاً : بونکده اوله خطاسی وارددر . حتی مجهول بر ذات طرفندن مطالعه ایدلمش اولغله برچوق یا ککشلرک کنارلرینه اکثریتله قرمزى ، بعضاً سیاه موم یاپیشدرلمشدرکه بو موملرک چوغی حالا طورمقدمه در . دوشنلرکده یرلری لکلی قالمشدر . بناء علیه بعض ذواتک مطالعه سی وجهله بونسخه نک مؤلف خطی اولسی امکانسزدر . ثالثاً : بونسخه ده کی آچیقلر کیمت و کیفیت اعتباریله بشیر آغا نسخه سندن آزددر . رابعاً : بعض یرلرده دوغری کلمه لر چیزلمش واوزرینه یا ککش کلمه لر یازلمشدر . (۸۶۲) نجی صحیفه نک حاشیه سنده یازیلدینی وجهله بو کبی معناسز تصحیحات و تنقیطاتک ۱۲۰۵ده اندرون کتبخانه سنک حافظ کتبی بولنان (علی افندی) طرفندن یاپلمش اولسی محملدر . چونکه تصحیحاً یازیلان کلمه لرک یازیمی اونک یازیسنه مطابقدر .

(ط) نسخه سنه کلنجه بونسخه بوزوق بر نسخه در . اسم خاصلر ، عربی و فارسی کلمه لر شویله طورسون اک آچیق تورکجه کلمه لر بیله یا ککش یازلمش و صوکرده دن مقابله ایدیه مشدر . مع مافیله اسم خاصلرده هر احتمالله بناء تخالف وقوعنده بونسخه ده نظر دفته آلمش و بونده موجود شکلده حاشیه ده کوسترلمشدر .

(ب) نسخه سنکده برطاقم تصورلری وارددر . اولاً : بالاده سویلندیکی وجهله ۲۴ یاپراق اکسیکدر . ثانیاً : فورمه لری تقسیم ایدیه لرک ایکی خطاط طرفندن یازلمش اولوب بونلردن بریسی براز دوغروجه یازمش ایسه ده اوته کی چوق یا کلپش یازمشدر . ثالثاً : آچیق بونده ده آزه در .

ایشته بو سبیلردن دولایی بشیراغا نسخه سی اساس اتخاذا ایدلمش بونسخه ده کی یا ککشلر بیله عیناً باصیلمش حتی نقطه سز اولانلرینه نقطه سز اوله رق بر ایللمش و خلاصه املاسی عینیه محافظه ایدلمشدر . نسخه ده موجود اولان آچیقلر صحیفه لرک

بشمسی ینہ طوپقپو سراینده بغداد کوشکنک کتابلندن اولوب نومروسی (۳۰۲) در. بونسخه نك اوچنجی کاغذینک برنجی صحیفه سنده الك یوقازیده نسخ ایله (الجلد الرابع من تاریخ اولیا) ، صوکره او یازینک صره سنده (من کتب فقیر مصطفی میرعفی عنه) عباره سی واردر . بوایکنجی یازینک آلتنده بر بیوجک مهر و بونک ایچنده تعلیق ایله (مصطفی بادا شفیع مصطفی) عباره سی اولان فقط تاریخی اوقونامیان بر مهر موجوددر . ینہ بو صحیفه نك اورته سننده نیکل غروش حچمنده مدوردن زیاده یضی به یاقین بر مهر موجود اولوب بونک ایچینده صاغ طرفده کنارده مولوی کلاهنی آ کدیرر برشکلده نك ایله (توکت علی الله) عباره سی واردر . اصل مهر طغرا شکنده اولوب ایچنده (سلیم خان بن ...) یازیلیدر که سلیم ثالث مهری در . اترك متنی کاغذک ایکنجی صحیفه سندن باشلاورر . باش طرفی مذهب ، تذهیب ده اولدجه کوزلدر . صحیفه کنارلری یالذیزی چیز کیلدر . کاغدی ده کوزلدر فقط یازیزی تعلیمسز و بیچیمسزدر . سوز باشلری بعضاً سرخ ایله ، بعضاً سیاه ایله یازلمش اطرادسزدر . بونسخه ده چیفتدر یعنی یدنجی و سکنجی جلد برارده جلدلدر لمشدر .

یدنجی جلدک صوکنده کتبه یوق ایسه ده عینی خط ایله اولان سکنجی جلدک کتبه سی شویله در : (احقر العباد ابراهیم چاوش حمد لله جلد رابع بیوک بیرامک یکر می بشنده بداء اولنوب قوربان بیرامک بشنجی کونی تمام اولدی سنه ۱۱۵۵) نسخه نك جلدی مشین اولوب اولدجه یکیدر همده تمیز طوتولمشدر .

بونسخه لر ایچنده بشیر آغا کتبخانه سنده کی نسخه طبعه اساس اتخاذا ایدیلشدر . دیگر نسخه لره کلنجه بونلردن سرایده کی (مصطفی الایدن) خطیله اولان کوزل نسخه (ک) ، سرایده کی ۳۰۸ نومرولی اسکی نسخه (س) ، سرایده کی (ابراهیم چاوش) خطیله اولان خطالی نسخه (ط) ، برتو پاشا نسخه سی (پ) حرفلریله کوسترلمشدر . دیمک که نسخه لره رموز اولان حرفلر (ک ، س ، ط ، پ) حرفلریدر .

(ک) نسخه سی هم یازیزی کوزل ، همده براز محتملی ایسه ده بو نسخه نك ایکی قصوری واردر . اولاً : بو نسخه ده آچیق آزدرد یعنی بشیر آغا نسخه سنده کی آچیفک یوزده طقسانی بو نسخه ده کوسترلمه مشدر . ثانیاً بو نسخه نك املاسی همان همان شیمدیکی املا کییدر که حروف املا بول بول قوللانیلمشدر . حالبوکه آچینی تماماً

طفرانك ايجنده اسمدن باشقه (وقف) كله سى ده واردر . اثرك متنى مذكور ايكنجى يپراغك ايكنجى صحيفه سندن باشلايور .

هر صحيفه سنك سطرى ۳۴ ، هر صحيفه نك طولى ۳۱ ، عرضى ۲۱،۳ ، هر سطرينك طولى ۱۶ سانتيمتره در . يازيسى اسكى رقعينى آكديرر برنوع نسخدر نسخه اسكى به بكنزه يورسه ده يازيق كه صوكنده كتبه وتاريخى موجود اولماديني ايجون زمان استنساخنى صراحتله تعينن ممكن اولمامشدر . بو نسخه ده يدنجى وسكزننجى جلد برلكده جلدتديرلمشدر . جلدى مشين وساده اولوب صوكرده ن اوزرينه يشيل اطلس كچيرلمشدر . جلدك صوكنه (كاغد ۱۶۲) ديه يازلمش ايسه ده ياكلش اولوب عدد اوراقى دوغرو اوله رزق (۱۸۶) در .

دوردنجيسى ينه طوپوقبو سراينده فقط روان اوطنه سنده كى كتبخانه نك كتابلرندن (۱۴۵۸) نومرولو نسخه در . بونسخه نك هر صحيفه سى (۳۵) سطر اولوب هر صحيفه سنك طولى ۳۱ ، عرضى ۱۹،۳ ، هر سطرينك طولى ۱۱ سانتيمتره در . يازيسى كوزلجه ، پيشكين نسخ اولوب سراپا حركه ليدر . باش طرفى مذهب دكلدر . سوز باشلى ، سنه لر سرخ ايله يازلمشدر صحيفه كنارلى چيخته قرمزى چيز كيليدر . كاغدى صمانى رنكنه ياقين ، اولدجه اينجه آباديدر جلدى عادى ابرى كاغد قابليدر . باشنده ، صوكنده ، هيچ برينده كتابه وسائره اولماديني كى هيچ برينده ده يازلدقدنصكره قلم سورولمه مشدر . صوكى شويله در : (الحمد لله الذى انعم علينا اتمام هذا الجلد السابع وهذا من فيوضات الكريم الرحيم الملك الواسع رحم الله لمن نظر عليه و صحح خطاياه وستر و دعا لكاتبه مصطفى الايدنى العبد الاحقر ووافق الاتمام او اخر شهر جمادى الاولى لسنة سبع و سبعين ومائة و الف من هجرة من قال الله تبارك و تعالى فى حقه و لسوف) بونسخه ۳۴۲ يپراقدر ؛ فقط ايكي صحيفه سى بوش اولديني ايجون عدد اوراقى حقيقتنه ۳۴۰ در . بونسخه تكدريعى پانده سكرننجى جلدى بو قدر . مومى اليه پروفور (نشنر) ك شفاهى افاده سنده نظراً ويانه كتبخانه سنده بولونمقده اولان دوردنجى جلد بونسخه نك طاقندن در .

كتهبه ده بولونان (الايدنى) ده كى (ايدن) كله سنك بيلديكمز (آيدن) اولمى محتلمدر شوقدر واركه يازان كيمسه بونى (ايدن) شكندنه يازدقدن ماعدا ياه نسبت اوزرينه قونمى لارم كن شده يى سموا (ن) اوزرينه قويمشدر .

برنجی صحیفه سنک یوقاریسنده عرب یازیسيله (ابراهیم بلیسی سنه ۱۰۳۲) دییه بر یازی واردر ظاهرده برچوق کتابلرده اولدینی کبی بو نسخهیه تمک ایدن برسنک امضاسی اولمق خاطره کلیرسهده بوکا امکان یوقدر چونکه شو اثر اوتاریخدن لاقل قرق سنه صوکره وجوده کتیرلشدر . اکر ۱۰۳۲ یرنده (۱۱۳۲) اولسهیدی دوغرو اوله بیلیدی شو حالده او عباره تمک ایچون یازلمش ایسه دوغروسی (۱۱۳۲) اولمیدر .

بو امضادن صوکره ینه عین خط ایله (جلد ثالث و رابع من سیاحت نامه) عباره سی و بو عباره دن صوکره ینه او حذاده کوزل برنسخ ایله (لا اله الا الله محمد رسول الله صلی الله علیه وسلم) یازیلیدر بعده بر آشاغیده (فی نوبه الامیر ابراهیم چلبی بن ازبک بیک) عباره سی و ارسدهده تماماً نقطه سزدر ممکن که (ابراهیم بلیسی) بو ذات اولمیدر . عینی صحیفه نک اورته یرنده (الحمد لله علی التوفیق واستغفر الله من کل تقصیر) ایله باشلایان بر عباره وار که ایچنده (بشیر اغا) اسمی و آلتنده بشیر اغانک مهری سچلمکده در فقط صوکره دن بو یازی و مهر سیلینمش و اوزرینه التون یالدر سورولمش ایسهده کرک یازی ، کرک مهر آرز چوق او قونه بیلیمکده در . بونسخه نک اساساً حاجی بشیر اغانک کتابلردن ایکن صوکره دن برسبيله سرایه انتقال ایتمش اولمسی مذنوندر .

بو کتابه نک یانی باشنده تعلیق یازی ایله (الجلد الثالث والرابع من تاریخ سیاح بنحظ نسخ سطر ۳۴) عباره سی موجوددر . بوندن صوکره تعلیق ایله (وقف السلطان الملك العادل و تخلید الخاقان الامجد الكامل سید طبقات الملوك و السلاطین و اکرم المجاهدین بین الخواقین السلطان ابن السلطان السلطان ابو الفتح و انغازی محمود خان بن السلطان مصطفی خان لازال فی التوارخ حماده الجلیه مذکور . و ما برح موضوعاته الخیریه فی وقفته مسطوره و انا الفقیر الیه سبحانه و تعالی مصطفی طاهر المفتش بالحریمین الشریفین المحترمین غفرله) عباره سی نقطه سز اوله رق یازیلیدر .

بو عباره نک آلتنده ینه مذکور مفتشک مهری وار که مهرنده تعلیق ایله (خاکپای فخر عالم مصطفی) یازیلیدر . مذکور وقفته نک اوزرنده اورته یرده بر بو بوک مهر موجود اولوب بو مهرده (الحمد لله الذی هدینا لهذا وما كنا لنهتدی لولا ان هدینا الله) الفاظندن صوکره سلطان محمود طغراسی نقش ایدلشدر . فقط

جلدك سوكنده (تم الكلام سنه ۱۱۵۵) يازلمش اولديغنه كوره بوجلدك ده (۱۱۵۵) ده يازلمش اولمى لازمدر .

بو نسخه نك هر صحيفه سنك طولى ۳۷ ، عرضى ۲۴،۳ ، هر سطر ينك طولى ۱۶،۲ سانتيمتره در هر صحيفه سى ۳۴ سطر در . سوز باشلى سرخ ايله اورته يه يازلمش اولوب عدد اوراقى (۱۸۹) ، جلدى بسيدر .

ايلنجيسى پرتو پاشا كتبخانه سنده كى يدنجى وسكزنجى جلدلى برلكده احتوا ايدن (۴۶۱) نومرولو نسخه در . بو نسخه نك اوچنجى ياپراغك برنجى صحيفه سى بوشدر كنارنده كرفت برامضا وارسه ده اوقونامامشدر . بو ياپراغك ايكنجى صحيفه سنده كنارده ثلث يازى ايله (وقف كتبخانه خانقاه سليميه) يازيسى محتوى بر مهر وارددر بونسخه نك سوز باشلى هر سرخ ايله يازلمشدر .

سوكنده كتبه وتاريخى يوقسه ده عين خط ايله اولان اونجى جلدك سوكنده (تمت الكتاب فى شهر ربيع الآخر سنة خمس وخمسين ومائة والف بحافظ القرآن حمد سراى غلظه سرخانه) عباره سى وار . او حالده بونسخه ده (۱۱۵۵) ده يازلمشدر ، كاتبى ايسه غلظه سراينده (سرخانه) ده مستخدم (حافظ قرآن احمد افندى) اسمنده بريسى در . بونسخه نك هر صحيفه سنك طولى ۳۷،۵ ، عرضى ۲۴،۳ ، هر سطر ينك طولى ۱۵،۳ سانتيمتره در هر صحيفه سى (۳۶) سطر در .

هر ياپراغك برنجى صحيفه سنك كوشه سنه رقم قونولمش اولمغه عدد اوراقى (۱۸۸) اولمق لازم ايسه ده يازى كه (۵۱) دن سوكره ۶۰ ، (۶۱) دن سوكره ۷۰ ، (۷۱) دن سوكره ۸۰ ، (۸۱) دن سوكره ۹۰ كلديكى جهته جمعا ۲۴ ياپراق اكسيكدر نسخه نك جلدلى ، شيرازه لى اولمسه بر طرفدن بر كاغد قوبارلديغنه دائر نشانه بولونمامسنه كوره مذكور ۲۴ ياپراغك كتابك تجلبدندن مقدم ضايع اولمش اولديغنه حكم ايدمك لازمدر .

ارمنجيسى طوپقپو سراينده بغداد كوشك نك كتابلردن ۳۰۸ نومرولو نسخه در . برنجى ياپراغك برنجى صحيفه سنك بالاسنه ثلث يازى ايله (جلد سابع وثامن) يازلمش اولدينى حالده سوكره دن بويازى چيزيله رك آلتنه نسخ ايله (جلد ثالث و رابع) يازلمشدر . حالبوكه برنجى عباره دوغرى ، ايكنجيسى ياكليشدر . ايكنجى ياپراغك

حوالیسیله وولغا و آرال حوضه لرنده و قوبان و آزاق حوالیسینده یاپمش اولدینی سیاحتلرک مفصل بر خاطرانی در . اولیاچلی دیگر جلدلرده اولدینی کبی بو جلددهده کزدیکی شهرلی مکملاً تصویر وارینجچه لرینی ، مبانی و مؤسساتی ، کزدیکی مملکتلرک سکنه سنی و بونلرک لسان ، دین و عرف و عادت لرینی انجهدن انجیه تدقیق ایلشدر . بو جلدده بالخاصه قره دکز و قافقاس طاغری شاننده مسکون اقوامه دائر اولان معلومات فوق العاده اهمیتلی در .

اولیاچلی سیاحتنامه سنک یدنجی جلدینک استانبولده یازمه اوله رق بش نسخه سی وار : برنجسی (حاجی بشیراغا) کتبخانه سنده کی یدنجی و سکزننجی جلدلری برلکده احتوا ایدن ۴۵۱ نومرولو نسخه در . بونسخه نک اوچنجی یاراغ نک برنجی صحیفه سنده اک یوقاریده (الملک الله دخل فی حفظ عبده الحاجی بشیر اغای دارالسعادة الشریفه لسنة ثمان و خمسين و مائة و الف) عباره سی و بو یازینک آلتنده تعلیق یازی ایله (یا خفی الالطاف نجی ما اخاف عبده بشیر) الفاضلی محتوی بیوجک بر مهر واردر . بومهرک صول طرفنده دها بویوک بر مهر موجود اولوب انجنده تعلیق ایله اورتیره (یا بشیر) یازلقدن صوکره کناری دورده تقسیم ایدیلرک اوستنده کی قسمده (اکثر من الخیرات) ، آلتده کی قسمده (والله یغفر الزلات) ، صاغ و صولده کی قسملرده (وقف فی سبیل الله) یازیلیدر بو مهرک تاریخی (۱۱۳۰) در . مهرک آلتنده ینه تعلیق ایله شو عباره وار : (هذه النسخة الجميلة من وقف حضرت مولانا صاحب الخیرات الحسان صاحب ذیل الجود و لاحسان منور مصابیح المقاصد بانوار العنایه مفتوح معاهد المراصد بمفتاح الکفایه جامع محاسن العلم والعمل حائر مجامع البر الاکمل الا وهو اغاء دارالسعادة الحاج بشیر وفقه للخیر المزید والبر اکثر من هو علی کل شیء قدیر حرره الفقیر الیه سبحانه و تعالی محمد امین المفتش باوقاف الحرمین الشریفین غفرله) . بو وقفیه دن صوکره مفتشک مهری کلورکه تعلیق ایله (حسبی الله عبده محمد امین) یازیلیدر . بو نسخه نک باشی مذهب فقط تذهیبی ضعیفدر باشدن یالکز ایکی صحیفه سنک کناری آلتون صویبه قالین چیز کیلیدر دیگر صحیفه لرک کنارلری ایسه سرخ ایله تک چیز کیلیدر یازیمی نسخه در . جلدک صوکنده کتبه و تاریخ یوق ایسه ده عین خط ایله یازلمش اولان سکزننجی

بر نسخه‌ی اساس اتخاذ ایتک صورتیله باصدیریلان ، طبعی ائساننده یاپیلان حذفلر ویا علاوه و تصحیحلر دولایسیله منن اصلینده کی قیمتی بر آرز ضایع ایتمش اولان وجاه علییه مرجع و مأخذ اوله بیله جک صفتی آزالان مطبوع ایلك آلتی جلدی ده فرصت و امکان بولورسه یکیدن باصدیرمائی درپیش ایتشدر .

اولیا چلبی سیاحتنامه سنک تام اون جلدینی احتوا ایدن یازمه نسخه لر فاحمه مات کتبخانه سنه نقل ایدلمش بولنان پرتو پاشا کتبخانه سیله (نومرو : ۴۵۸ - ۴۶۲) ، سلیمانیه کتبخانه سنه نقل ایدلمش بولنان بشیر آغا کتبخانه سنده (نومرو : ۴۴۸ - ۴۵۲) ، برده طوقیو سراینده بغداد کوشکی کتبخانه سنده (نومرو : ۳۰۴ ، ۳۰۰ - ۳۰۳) بولونمقده در . دیگر یازمه لر اکسیک اولوب اثرک یالکز بعض جلدلرینی احتوا ایلمکده در . شویله که مذکور بغداد کوشکنده کی ۳۰۵ (۳ و ۴) نجبی ، ۳۰۷ (۵) نجبی ، ۳۰۸ (۸ و ۷) نجبی ، ۳۰۶ (۹) نجبی جلدی وینه طوقیو سراینده روا کوشکی کتبخانه سنده بولنان $\frac{۳۶۹-۳۶۶}{۱۴۶-۱۴۵۷}$ نومرولرده کی نسخه ایسه ۶ ، ۷ ، ۸ ، ۹ نجبی جلدلری وحمیدیه کتبخانه سنده کی ۹۶۳ (۱۰) نجبی ، ویدلیر کتبخانه سنده تاریخ قسمنده کی ۴۸ کذک (۱۰) نجبی جلدی وخالص افندی کتبخانه سنده کی ۲۷۵۰ (۱) نجبی و مکرر ۲۷۵۰ (۳ و ۴) نجبی جلدلری تشکیل ایتکده در .

آوروپاده ده اولیا چلبی سیاحتنامه سنک نا تمام نسخه لری واردر : وقتیه پروفیسور (چودی) یه طائد اولان نسخه ۳۲ ، ۱ نجبی جلدلری محتوی اولدینی کی پروفیسور (منهجیل) نزدنده ده ایلك بش جلدن عبارت اولان ر نسخه موجوددر . ویا نه کتبخانه سنده یالکز درنجبی جلد بولونمقده در . (فیه کال ج ۲ ، ص ۴۳۳ ، ن ۱۲۸۱) . لوندره آسیا جمعیت قرالیه سی کتبخانه سنده ایسه ۲۲ و ۲۳ نومرولرده ایلك درت جلدی مقیددر .

یدنجی جلدک آوروپاده نسخه سی بولوندینی معلوم اولدینی جهتله یالکز استانبولده کیلره مراجعتله اکتفا ایدلمشدر . بوندن صوکرده کی (۸ ، ۹ ، ۱۰) نجبی جلدلرده اشبو یدنجی جلد کی بش نسخه دن باصیله جقدر .

یدنجی جلد اولیا چلبی نک $\frac{۱۰۷۷}{۱۶۶۶} - \frac{۱۰۷۴}{۱۶۶۴}$ سنه لری آراسنده آوستریا ، مجارستان ، اردل ، اطلاق ، بغداد ، اوزی ، قریم ، چرکستان ، قفقاسیا ، داغستان وازدرخان

واجداددن احفاده انتقال ایدن ماسالیری و حکایه لری نقل ایتمکدن ذوق آلان اولیا چلبی اثرنده متادیاً مبالغه یاپمش اولقله برابر دورنده یاشایان بوتون عرف و عنعناتک ترجمانی اولمش ، کزدیکی مملکتلرک اهالیسیله یاقیندن تماش ایتمش ، اخلاق و عادتلرینی اوکرنمش و هپسینی اثرنده یازمشدر . اولیا چلبی سیاحتنامه سنک دیکر مملکتلر حقنده یازدیغی شیلر اهمیتلی اولقله برابر بالخاصه استانبول و آنادولوحقنده ویرمش اولدینی معلومات فوق العاده اهمیتلی در . اولیا چلبی دن اول مسلمان وخرستیان بعضی سیاحلر آنادولوده کزه رک خاطرات و سیاحتنامه لری یازمشلر سه ده بونلر هم مختصر درلر و همده معین بعضی منطقه لره ویا کذر کاهلره ماندرلر . حالبوکه اولیا چلبی متعدد سیاحلر یاپه رق همان آنادولوی قاریش قاریش کزمش و آنادولو حقنده غایت مفصل معلومات ویرمشدر . بومعلومات آنادولو جغرافیای تاریخی و تاریخ مدینسی ایچون اک مهم برمنبدر . اولیا چلبی ، بوتون سیاحت ایتدیکلی مملکتلری اینجهدن اینجیه تدقیق ایدر ، اوغرادینی شهری عمومی بر شکلده توصیف ایتدکن سوکرا اسمنک صورت اشتقاقندن ، شهرک روایت شکلنده تاریخچه سندن ، سسکنه سندن و عرف و عادتندن ، زیارتگاهلرندن ، شهرده کوردیکلی غریب شیلردن ، مبانیسندن عربض و عمیق بحث ایلر . حتی اکثریتیه مبانی و آثار اوزرنده کی کتابه لری بیله عیناً نقل ایدر . بوکون او قونان بوکتابه لردن بعضیلری اولیا چلبی نکلده توافقی عرض ایتمکده در .

تاریخ و تاریخ مدینت ایچون اولدینی قادر خلیات ، لسانیات و جغرافیای تاریخی نقاط نظرندن امثالیه بر منبع و بر خزینه اولان بو اثر بو علملره اشتغال ایدن علما و مستشرقلر ایچون مهم بر مساعی موضوعیدر . نته کیم آنادولونک جغرافیای تاریخیسیله اشتغال ایدن پروفیسور (تشنهر) اثر مذکوری دقله تدقیق ایتمش اولدینی کبی مورتمان ، یاقوب ، جرمانوس ، هارتمان ، منهجهل ، هو آرو دیکر غرب علماسی ده مذکور اژدن استفاده ایتشلردر . بو کتاب بالخاصه پروفیسور (تشنهر) ک « آنادولو یوللری ، آدی کتابنک اک بللی باشلی منبعلرندن بری اولمشدر .

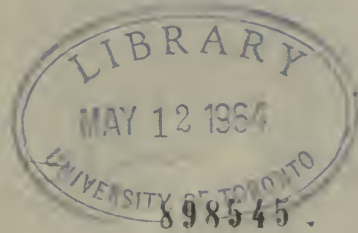
اولیا چلبی سیاحتنامه سی بو قادر اهمیتلی بر منبع اولوق دولایسیله انجمنمز اونک هنوز باصیلماش اولان سوک درت جلدینی طبع ایتدیرمه یی مساعی پروغرامنه قویمش و بونک ختامنی متعاقب اولجه متهدد نسخله ره مراجعت ایدیلهدن یالکیز

اون برنجی هجرت عصرنده یازیلان اثرلر آراسنده تاریخ ایچون اولدینی قادر تاریخ مدنیت و خلقیاتمز نقطه نظرندنده اک مهم منابعدن بری اولان اولیا چلبی سیاحتنامه سنک ایلك آلتی جلدی ۱۳۱۴-۱۳۱۸ سنه لری آراسنده احمد جودت بکک اقدام مطبعه سنده طبع ایدلمشدی. مذکور اثرک نثرینی در عهده ایدن نجیب حاصم بک مذکور طبعه یالکز اسکدارده سلیمیه خانقاهنده پرتو پاشا کتبخانه سنده بولونان نسخه نی اساس اتخاذا یلش و بشیراغا کتبخانه سیله طوقیو سیر اینده بولونان نسخه لری ده نظر دفته آلهرق تنقید متون یا بمق صورتیله مذکور اثری مکمل برشکلده طبع ایتمیه مساعد زمان و فرصت بولامامشدی. کتابک ایلك فورمه لری مرحوم مورخ علی جواد بک طرفندن استنساخ ایدیلش ایسه ده بالآخره دو قورکلیملی رفعت بک بوایشی اوزرینه آلمش و طبع ایدیلان بوتون جلدلرک مسوده لری مومی الیه طرفندن قوبیه ایدیلشدر. نجیب حاصم بک ، یالکز بر نسخه نی اساس اتخاذا ایتمک ضرورتنده قلمش اولمق دولایسیله بر طرفدن آکلایلمایان کله و جمله لری تصحیح ایتمک مجبوربتنی حس ایلمش ، دیگر طرفندن ده مطلقیت دورینک تضییقندن دولای بعض یرلرینی سانسور ایتمک ویا سانسور طرفندن چیقاریلان قسملری طبع ایده مه مک مجبوریتنده قالمشدر. مع ماویه بوتون بوقصورینه رغماً آنجق آلتی جلد قدر نشر ایدیله بیلن اولیا چلبی سیاحتنامه سی کرک شرق و کرک غرب علما سنجه بیوک رغبتنه مظهر اولهرق آرزمانده نسخه لری توکنمش و بوکون نادر تدارک ایدیله بیلن اثرلر میاننه کیرمشدر .

اولیا چلبی سیاحتنامه سی اسکی مورخلریمزک هیچ برینک نظر دقت و اهمیتینی جلب ایتمدیکی حالده مشهور مورخ فون هاهمه رک عثمانلی تاریخی ایچون استفاده ایتمدیکی مهم منبعلردن بری اولمش و مشارالیه بوسیاحتنامه نک بعض جلدلرینی انکلیزجه به ترجمه ایتمشدی . اثر طبع ایدیلدکن صوکر ایسه مجارستاندن باحث اولان آلتنجی جلدی ، مطبوع نسخه دن مجارجه به ترجمه اولونمشدر .

خارق العاده منقولاته و خرافه لره پک زیاده اینانان ، اشتقاقی قلیغه ده مجلوب اولان

DR
432
E8
1896
v.7



Evelija, Effendi

۱۱۱

تورک تاریخ انجمنی کلیاتی

عدد : 11

Evelija Çelebi seyahatnâme-i

أولیا چلی سیاحتنامہ

۷۰۷ یدجی جسد

استانبول — دولت مطبعہ سی

1928

DR
432
E8
1896
v.7

Evliya, effendi
Evliya Çelebi seyahatnamesi

PLEASE DO NOT REMOVE
CARDS OR SLIPS FROM THIS POCKET

UNIVERSITY OF TORONTO LIBRARY

EVLIYA ÇELEBİ
SEYAHATNAMESİ

YED. NCİ CİLT